Afghanistan Digital Library

adl0789

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 1 of 896

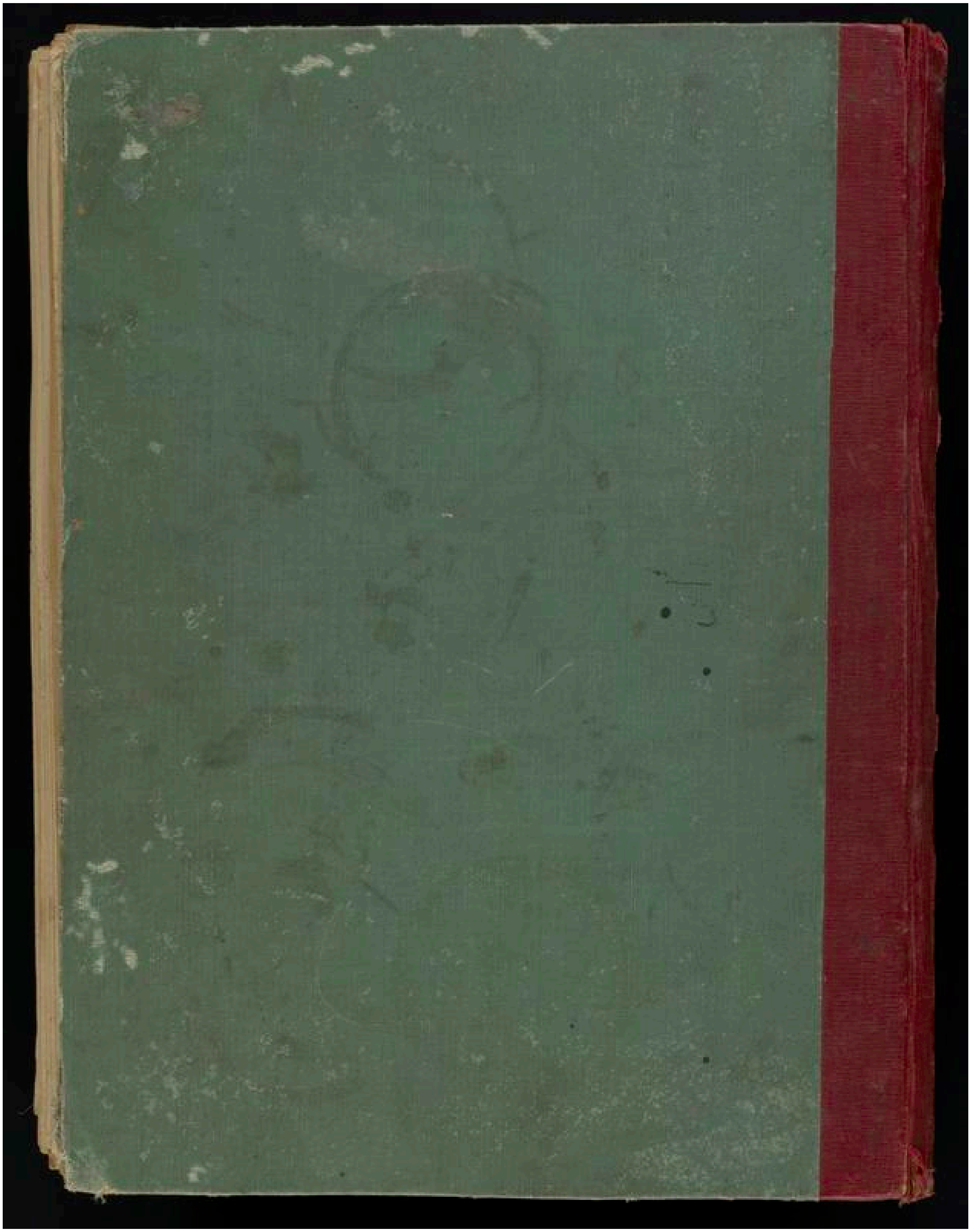

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 5 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	١٢ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	٢ «
طلبهٔ معارف	٧ «
در ممالک خارجه	٢٠ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض ومعاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 6 of 896

شماره اول

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد (۵)

اداره: کابل جادهٔ ارگ
مؤسس ونگارندهٔ مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۷ ثور ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۸ ذیحجه ۱۳۴۹

چه لازم داریم؟

فاتحهٔ حوادث فجیعهٔ انقلاب خانمانسوز گذشته که هنوز غرش توپ های مهیب آن که بروی هم دیگر زدیم به تمام هیبت در آذان ما انعکاس دارد، هم چنان راجع به علل و اسباب که آنرا صورت حدوث داد، هر قدر گفته شود بفکر عاجزانهٔ ما قدری استفاده نموده وعبرت گرفته خواهیم بود. علاوتاً تذکار این مسئله در هر وقت لوحهٔ عبرت آوران سفک دماء آن وقایع ناگوار، آن غارت گری وآن بربادی وتباهی را درمقابل فکر مجسم خواهد آورد واین حتماً در آینده سبب آن خواهد شد که در پیدا کردن یک مصححی برای نجات و فلاح تودهٔ مستمند افغان، وخاک قیمت دار افغانستان، همه از جان و دل متحداً و بکمال جدیت صرف افکار ومساعی نمائیم. مصمماً به عقیدهٔ بنده باین بحث اگر از راه نزدیک تری توجه کنیم بیشتر مفید ثابت خواهد گردید، یعنی با داشتن کلمه در فکر خود، از آنچه بسیار تر گفتگو نموده بدانیم که: چه لازم داریم، آنچه گذشت گذشت حالا چه باید بکنیم؟ واولتر از همه چه چیز لازم است که به ما در تعیین خط حرکت آینه وجادهٔ مشی عملیات ما بعد ازین امداد کند.

اینکه محققین می گویند حدوث انقلاب خالی از فوائد نمی باشد مقصود شان این نیست که فائدهٔ انقلاب عبارت از تباهی وتحمل خساره، تلف شدن اموال ونفوس باشد، بلکه می خواهند بگویند که انقلاب یک ملتی را که درخواب غفلت فرو رفته باشد تکان میدهد و برای آینده بیدار و آماده اش می سازد وحوادث آن برای افراد ملت کاری می کند که ابواب کتب تدریس در مکتب برای اطفال.

برای این مدعا ممکن است هر کس به نسبت فکر خود چیزی بگوید وبا به جواب جمل سوالیهٔ فوق یک کاری را پیش نهاد نماید.

ما نیز بد نخواهد بود باندازهٔ مقدور خود؛ وبه قدری که معلومات محدود ما اجازه میدهد، ونیز حسب اقتضای وظیفهٔ مسلکی خود یعنی شغل اخبار نویسی نظریهٔ عاجزانهٔ خود را بحضور افراد وطن عزیز خود تقدیم نموده باشم.

بخیال ما اولین چیزی که درقدم نخستین خود بسوی اصلاحات آینده بدان احتیاج حس می نمائیم، یک امنیت تام ویک سکون عمومی کامل، است. بدون امنیت وسکون، بدون قرار وآرام، و بدون فراغت خاطر هیچ کاری در دنیا نمیتوان چنانچه می شاید اقدام نمود، خصوصاً در امور مملکت داری، وآنهم دراین چنین یک مملکت بدنصیبی مانند افغانستان نه حکومت ونه افراد ملت، هیچ کدام آن نخواهند توانست از عهدهٔ کاری بدر آیند. ملتی که از ملل متمدنهٔ عالم فرسنگ ها دور افتاده است وسالهای مدیدی می خواهد که حتی به تهیهٔ وسائل حفظ حیات خود درجامعهٔ بشر موفق شده بتواند. واگر هنوز افکار آنرا، اختلال ها، نا آرامی ها واضطراب ها متشتت وپریشان داشته باشد بهیچ صورت نخواهد توانست قدمی در راه تکامل وترقی بپیش بر دارد. وما خیلی ممنونیم که در سایهٔ مساعی حکومت موجوده این نعمت برای ما میسر است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 8 of 896

وفرصت خوبی بدست داریم که باچشم های باز ، نزاکت موقعیت مهم خود را که در عالم انسانیت داریم احساس نموده وظیفهٔ مشکلی را که وجود مادر عالم بشریت به ما تحمیل می نماید درك نمائیم وکاری کنیم که از یك طرف وظیفهٔ را که از دخول ما در حوضهٔ بشریت بما مترقب می شود اجری نموده باشیم واز طرف دیگر برای خود نیز کسب رفاه سعادت حقیقی بنمائیم .

چیز دیگری که بعد از این « امنیت تام وسکون کامل » در نظر ما می آید عبارت از یك تعاون صادقانه ومتحدانه است در بین حکومت وملت ، که این هم یکی از لوازم اخیل ضروری نیل ما است به مقصود . درین جالازم می شود قدری صحبت کنیم که کلهٔ « حکومت » و « ملت » باهم چه علاقه وربطی دارند .

فی الفکر ما این کلهٔ علاقه وربط که تحریر نمودیم درین مورد موقع ندارد چه حکومت وملت باهم یکی وهردو یك چیز می باشند ودر بین شان تلفظ به کلهٔ « ربط » و « علاقه » که عموماً در بین دو وجود دارای وجود خارجی وبا حس جدا گانه استعمال می شود لزوم ندارد . برای اینکه بشناسیم حکومت وملت باهم چه نسبت دارند ، تنها مراسم ومسائل که در اول صورت وجود گرفتن یك حکومت واقع می شود کافیست ، در آن وقت می بینیم که ملت یك فرد لائق [illegible] را که آنرا از همه افراد دیگر بلند تر میداند ، خطاب نموده میگویند : ماترا به حیث شاه وآمر خود قبول داریم ، سررشتهٔ انتظام امور خود را بدست تو می سپاریم وما همه تابع حکم ومنقاد فرمان تواستیم آن شخص نیز این تکلیف ملت را قبول نموده به مقابل گفته های ایشان میگوید : من خدمت گار شما هستم واین وظیفهٔ مهمی را که بدوش من گذاشته اید میخواهم در اجرای نمودن آن به من مساعدت نمائید وعلی هذ القیاس .

مقصود ما اینست که نفس این کمات که مقدمهٔ امتیاز حکومت وملت ازهم میباشد به ما حقیقت مسئله را واضح و آشکار می سازد . یعنی حکومت وهیئت حاکمه عبارت از چند نفر افرادیك ملت میباشد که از طرف عموم برای اجرای کار وانتظام امور کشوری ولشکری آن مقرر می گردد. پس چون ثابت گردید که وجود یك حکومت موقوف رضا وانتخاب ملت می باشد وهیئت حاکمه نیز افراد همان مملکت ومربوط به همان خاك و آب ، و خادم منافع ومتصدی امورهمان جامعه وملت است ، چندان فرق و تفاوتی بجز یك اسم در بین نه می ماند .

بعد ازین چیزی که عرض شد می توان دانست که تعاون ذات بینی حکومت وملت از چه نقطه نظر لازمی بشمار میرود . با واضح تر عرض کنیم که اگر برای خود خود ما کار نکنیم که برای ما خدمت خواهد نمود ؟ ملت که حکومت را انتخاب نموده قوهٔ اجرائیه امور را بدست آن می سپارد سپس بتوسط وکلای خود احتیاجاتی را که حس میکند بآن فهمانیده العلاج آنرا ویا اقلاً توضیح طریقهٔ رفع آنرا درخواستار میگردد ، باید کاملاً آماده باشد که هر امری که از طرف حکومتش صادر می شود قرار لازمه امتثال نموده به مفاد حکومت خود که عیناً مفاد خود ملت است امداد و اعانت نماید .

هیچ کاری در دنیا بی تعاون به پیش نه میرود اگر بتاریخ گذشتهٔ دنیا نظری بیفکنیم ظاهر میشود که کشفیات خارق العاده امروزی دنیای اروپا ، ترقیات روز افزون انسانهای قرن بیستم ، و پیش رفت محیرالعقول علوم وفنون همه مرهون تعاون ذات بین انسان هاست . و هیچ کدام آن بدون تعاون صورت وجود بخود نگرفته است . تمام این آلات و لوازم محتاج به ثمره انسانیت را که ما امروز به شکل کامل آن در دست خود داریم اگر بتتبع توجهی بر گماریم درك خواهیم نمود که در نتیجهٔ افادات خورد خورد دوم کم موجدین ومخترعین در مرور ایام وگذشتن قرون به وجود آمده و تکمیل نموده است . وقتی یکی از انسانها ساختن تفنگ فتیله دار قادر گردید آنرا وسیله مدافعه نفس خود قرار داده بود و بعد از وشخص دیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 9 of 896

شروع نموده بعوض فتیله از سنگ چقماق کار گرفت ، و همچنان هر زمان انسانی بوجود آورد و آن انسان باین مسلک بقدر احتیاج محیط خود افاده نمود و بالآخره سر تعاون ماشین دارها ومیرالیوزها به نظر ما جلوه گر می‌سازد و به همین صورت مفکر آن ومحرران و مدققان هر عصر بر فکر و تحریر و تدقیق اسلاف خود افزوده و اخلاف شان نیز ایشانرا پیروی نمودند تا امروز بدست دنیای موجوده انسانیت یك سلسله وسیع وغیر محدوده علوم و فنون موجود آمده است . درست است بگوئیم اجتماع بشر برای تعاون وبیك معنی دیگر مولود تعاون است .

اگر انسانها به معاونت همدیگر محتاج نمی بودند ، این اجتماع دائره بشریت صورت نمی گرفت . شیرازهٔ اجتماع بشر تعاون وتعاضد است . اگر انسانها برای منفعت خود وهم نوعان خود هر کدام بهبر مسلکی و هر کاری دست نمی‌زدند وهر کدام یك گوشهٔ احتیاج هم نوعان خودرا رفع نمی کردند یك انسان واحد بذات خود نمی توانست هر چیز شود ، یعنی شخصی نمیتوانست هم نان پز وهم زارع وهم خیاط وهم آهنگر باشد. در زمانه های ماضیهٔ احتیاجات ولوازم انسانیت خیلی بسیط بود ولی امروز یکفرد انسانها تنها برای امرار حیات خود باقدر چیز ها احتیاج دارد که اگر تنها اسامی آنرا جمع کنیم دفتری باید بنویسیم . اگر همین حس تعاون در دل انسانها مرکوز نمی بود بعقیدهٔ ما یکفرد انسان چطور میتوانست خودش تمام احتیاجات موجودهٔ خودرا تکمیل کند دران صورت نه بدنیای انسانیت این مقدار ترقی‌های حیرت انگیز نصیب میگردید و نه این تسهیل و سائل معشیت وزندگانی و نه این عمارات سر به فلك کشیده ونه این شهر های مزین ونه این سامان عیش وعشرت . چه این چیز ها همه زادهٔ تعاون ودستیاری افراد بشر است با هم دیگر .

زمانی بود که همین ملت افغانستان در تحت حکومات شخصی مطلق زیست مینمود و زمام اداره و اختیار مملکت در دست یك شخص میبود وهرچه‌را که آن شخص میخواست میکرد مگر امروز برخلاف آن مبینیم اعلیحضرت شاه ماوکلای ملت رااطراف خودجمع نموده،ایشان میگوید که کار خودرا بدست بگیرید و خودتان برای خودکار کنید علت یگانهٔ این بعقیدهٔ من همان احتیاجی است که به تعاون محسوس نموده شده است ، یعنی حکومت ما امروز که درمقابل خود وظائف زیادی را مشاهده میکند ، و با چشم باز باطراف خود می نگرد میداند که برای تعالی مملکت مانند سابق فکر یك شخص و رای یکفرد یامشورهٔ چهار ویا پنج نفروزرا (چنانچه کفایت نکرده بود) حالا هم کفایت نمیکند ، بلکه تمام افراد ملت باید بذریعه و کلای خود و هم بذریعه مطبوعات ونشریات و وسائل دیگر راجع بامور مملکت خود اظهار عقیده بنمایند وباینصورت بعوض یك حکومت شخصی مطلق دارای یك حکومت شورائی ملی میگردیم . نا گفته نماند که در اول تحریر خود تعاون را به کلمه عاقلانه و متحدانه قید نموده بودیم ، ازین قید مطلوب ما این بود که بعضی اقسام تعاون را از بین اخراج کنیم . چنانچه ذکر نمودیم دران وقتیکه در تحت حکومات شخصی مطلق امرار حیات می نمودیم نیز به صورتی از صور در بین حکومت وملت یکنوع تعاون موجود بود ، مگر آن تعاون گاهی در نتیجه مجبوریت و گاهی هم بصورت بی شعورانه واضطراری میبود . امروز آنچنان تعاون بدرد ما نه می خورد . تعاون امروزی ما (اگر میخواهیم تعاون حقیقی داشته باشیم) باید اختیاری و باشعورانه و از کمال صمیمیت ودر نتیجهٔ درك حقیقت اسم حکومت و ملت ، و احساس وحدت و یگانه گی این هر دو باشد ، یعنی در عین آنکه به حکومت خود امداد ومعاونتی درامور میکنیم باید بدانیم که کار از خود ما مفاد از خود ما وخدمت مذکور برای خود ما است ونتیجهٔ آن به نفع خود ما تمام میشود ، وحکومت نیز بآن کار برای ما وقرار اقتضای احوال ما اقدام می نماید غرض اینکه آن معاونت وامدادرا باصمیمیت وعلاقهٔ که یك انسان به کار شخصی خود می داشته باشد در اجری در آوریم .

حالا که این دو مطلوب مهم را عرض نمودیم میخواهیم درین موضوع قدری صحبت نمائیم که امنیتی را که امروز بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 10 of 896

از مدت طویل و طاقت فرسای اختلال وبی قراری بدستیاری حکومت صحیح و ترقی خواه موجوده حاصل نموده ایم چطور میتوان وقایه نمود ، تعاون را چطور میتوان صورت داد ؟ بفکر ما برای اجرای این دو مطلب فوق الذکر یکی از ضروریات بدیهی واولی « وحدت ملی » است . چونکه نه امنیت را بدون وحدت ملی حفاظه می توان نمود و نه تعاون حقیقی بدون آن ممکن میشود .

اگر دربین ملت افتراق و شقاق حکمفرما باشد ، واگر قبائل وعشائر در منفعت همدیگر شریك ودر خسارهٔ که یکی واقع میگردد هر کدام سهیم نباشند وجود مملکت بمعنی حقیقی محض عبارت از خیال ووهم خواهد گردید و به هیچ صورت نه خدمات حکومت بما نفعی خواهد بخشید ونه خود ما خواهیم توانست یکقدم بجانب سعادت ونیك بختی حقیقی برداریم .

شاید این مسئله حاجت به تصریح نداشته باشد که یك حکومت ابداً نه می تواند برای هر گوشه وکنار مملکت خود یك قانون جداگانه اصدار نماید ، ودرهر قسمت وطن یك پالیسی علحده ویك رویهٔ متفاوترا اختیار کند . وهمچنان یك ملت متفرق وغیر دارای اشتراك منافع و وحدت ملی نه می تواند درتحت ادارهٔ یك حکومت برود . پس ظاهر است که تعاون ووقایهٔ امنیت دریك مملکتی که ملت آن درتحت یك حکومت ویك رژیم ودر زیر ادارهٔ یك شاه ویك هیئت حاکمه زنده گانی می کند ، وهنوز هم ازنعمت گرانبهای وحدت ملی محروم است اصلاً امکان ندارد . چه مملکتی که وحدت ملی دران نباشد ، لابد همواره به مصیبت خونریزی ومجادلات قومی وقبائلی گرفتار بوده ، فرصت آنرا نخواهد یافت که برای بهبودی وبهروزی خود کاری کرده بتواند وحکومت نیز در چنین یك مملکت باید تمام وقت خودرا صرف تصفیهٔ مناقشات واختلافات داخلی نموده به تهیه وسائل مدافعهٔ خارجی و تحکیم یك سیاست مناسب مقتدر نشود ونتواند آن ملت را چند گامی بطرف مقابل سوق داده به عالم انسانیت نزدیك تر بسازد .

اگر بدیدهٔ تحقیق نگریسته آید ، تمام نقصاناتی که ملت افغان دراثر انقلاب گذشته متحمل گردیده است علت العلل آن همین عدم وجود وحدت ویگانگی بود دربین افراد وطبقات وصنوف ملت . اگر دران زمان مانند حال ملت ما یك اندازه فوائد سجیهٔ مرضیهٔ وحدت واتفاق را تحسس نموده وعملیات آن تماماً بروی اساس همدردی وهمشریکی بنا یافته می بود ؛ شاید کار ما بدینجا نه می کشید وروی دورهٔ وحشت سقو وسقویان رانمی دیدیم .

اتفاق ووحدت عبارت ازیك صفت مستحسن ونکو نیست که بدون آن نه یك مملکت دردنیا عرض وجود نموده می تواند ونه در ساحهٔ ترقی و تعالی رهسپار گردیدن آن ممکن می شود ونه میتواند حیات خودرا درجرگهٔ ملل عالم حفظ کند .

اگر بنظر امعان دیده شود ، همین که یك ملت ، یك جامعه میگوئیم محض از اسم آن یك وحدت ویگانگی و اتفاق را محسوس می کنیم . چه یك فرد بذات خود یك مملکت را تشکیل داده یك ملت یا یك جامعه شده نمی تواند بلکه ملت وجامعه دارای اجزا وافراد است و چیزی که ما را مقتدر می سازد عدهٔ از افرادرا که دریك خاك اجتماع نموده اند باسم فلان ملت یا فلان جامعه موسوم سازیم همانا وحدتیست که افراد مذکور دربین خود در منافع ، در رسوم ، در زبان در عادات واطوار وغیره دارند . پس از این جا ثابت میشود که حتی وجود یك ملت نیز مرهون همین که معجزه وحدت است وبدون آن عرض اندام نمودن یك جامعه وملت در انظار بشر امکانی ندارد .

پس از آنکه دانستیم این مسئله جزء حیات ما بلکه سبب و علت آن است تصور میکنم قارئین کرام خود شان تقدیر نموده خواهند توانست که برای ما وخصوصاً درین چنین یك وقت مشکلی که در نتیجه بدبختی خود بدان گرفتار شده ایم « وحدت » و « اتفاق » بچه اندازه اهمیت دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 11 of 896

او . گ . پ . او (۱)

نوشته هاي چكيست (۲)

۱ ـ تشكيلات داخلي

او ـ گ ـ پ ـ او

اداره سياسي حكومتي عموم اتحاديه « او ـ گ ـ پ ـ او » مهم ترين ادارات در اصول شوروي است اداره مذكوره تمام منطقه بين خيابان لوبيانكاي صغير و كبير را اشغال نموده است .

عمارت لوبيانكا

درمقابل قسمت مهم عمارت مذكور ميدان لوبيانكا ، ودر عقب آن منطقه « گ ـ پ ـ او » كه از مهمانخانه « سيلبكت » الي خيابان سرتنكا امتداد يافته است مي باشد . خانه هاي كوچك هاي والاشونو فسكي وميليو تسكي تحت كومسون (منزل عمومي براي مامورين گ . پ . او) اشغال شده است وهم چنين تام منطقه بين خيابان لوبيانكا وخيابان سرتنكا درحقيقت درتحت امر وفرمان (او . گ . پ او) مي باشد .

۱ ـ ادارهٔ سياسي حكومتي عموم اتحاديه .

۲ ـ كميسيون فوق العادهٔ تمام شوروي را قلاً به مخفف روسي (او . ج . ك) وعضوآنرا چكيست ميگفتند حالا (او ـ ج ـ ك) را تبديل به گ . پ او ، نمودند .

درحوضهٔ اجراآت مركزي « او . گ . پ . او » قريب دوهزار وپنجصد (۲۵۰۰) نفر خدمت مينمايند . ازجمله اينها فقط ۱۵۰۰ نفر كومونيست وباقي آنها كومونيست هاي جوان وبي پارتي ميباشند . معلوم است كه مامورين بي پارتي وظائف بسيار پستي را مانند تايپستي « زنانه ومردانه » دفتر برداري وغيره را ايفا مينمايند .

« او . گ . پ . او » بهٔ شعبات ذيل تقسيم ميشود :

شعبه كشفيات « ك . ر . او » شعبه خارجي « ي . ن . او » شعبه خفيه « ش . او » شعبه خصوصي « او . او شعبه مخصوصه « ش . پ . ي ك او » ادارهٔ اقتصادي « ا ي . ك . او » شعبه اطلاعات « ا . ي . ن . ف . او شعبه اجرائيهٔ ، شعبهٔ شرق « او . او » شعبه محافظ سرحدي « پ . و » وادارهٔ تشكيلاتي اداري .

رٔوسا وما مورين

« او . گ . پ . او »

در رأس « او . گ . پ . او » چنانچه معلوم است « منژينسكي » مي باشد نامبردة درپارتي كميتهٔ مركزي و در ادارهٔ سياسي نفوذي ندارد . هميشه مريض مي باشد بسيار كم به امورات اداري داخله « او . گ . پ . او » مداخله مينمايد . وظيفه رياست خودرا فقط محدود به نمايندگي « او . گ . پ ، او » در كميته مركزي نموده است ،

منژينسكي دومعاون دارد ، معاون اول ياگودا كه درحقيقت تمام امورات « او ، گ ، پ ، او » را اداره ميكند

ياگودا

ياگودا آدمي است جاه طلب ، صاحب اراده قوي وبراي رسيدن به مقصديكه اراده نمايد ، به فدا كردن همهٔ چيز حاضر است درشت وبي ترتيب مي باشد ، سبب محكم شدن مذكور درجاي خود ، خدمت به اعضاي اداره سياسي (پوليت بيورو) خصوصاً خدمت براي ستالين (۱) اميت هنر دسيسه وزور بدرجهٔ اكمل مالك است ياگودا ظاهر عدن رقيب خودرا بوقت واوميداد وتمام ترتيبات دفع نمودن مذكور را بوقت مناسب ميگيرد قرباني آخري او ترليسر مستشار دوم رئيس (٠ گ . پ . او) ميباشد .

ياگودا به بسيار آساني مقصدي را كه خيال دارد حاصل مي نمايد ، وخودرا وظيفه خود بسيار محكم حس ميكند نامبرده به اطراف خود آدمان فدائي كه به همه چيز حاضر اند جمع نموده است ، يكي ازجمله فدائيانش (شانين) سكرتر مذكور كه به همه چيز ماهر است ، مي باشد . (شانين) مذكور براي اينكه

(۱) ستالين (ديكتاتور حاله شورويه) درحقيقت رئيس (پوليت بيورو) يعني ادارهٔ سياسي ميباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 12 of 896

مهربانی باکودارا محکمتر بسازد ، همیشه دعوتهای شراب‌بازیها ترتیب میدهد ، دخترها دراین‌جورضیافت‌ها ازبین کومسومولها (کومونیست های جوان) انتخاب کرده می شود . باکودا صاحب حقیقی «او . گ . پ . او» می باشد . نامبرده نه تنها مستشار اول رئیس است ؛ بلکه رئیس اداره عملیات خفیه که تمام ادارات «او . گ . پ . او» را به استثنای شعبهٔ خارجی سرحدی و مخصوصه ، متحد میسازد میباشد .

رؤسای شعبات : ـ رئیس «او . گ . پ . او» وهردو مستشار همان رئیس مذکور ، هیئت شورای «او . گ . پ . او» را تشکیل میدهند . هیئت مذکور درهفته یك دفعه برای فیصله کارهای اداری جمع میشوند .

عملیات شعبات «او . گ . پ . او» چیست ؟

شعبه کشفیات چه مشغولیت دارد ؟

شعبهٔ کشفیات ؛ امور مجادله جاسوسی خارجی را در داخل س.س.س.ر واقدامات ضد انقلابی را اداره مینماید . وهم شعبهٔ مذکوره هیئت سفارتهای خارجی را در س.س.س.ر خدمت مینماید . کشاف مینماید ، اطلاعات واسناد از این سفارتها جمع میرساند . شعبهٔ مذکوره ادارهٔ نمایندگی وسیعی در داخل دارد . تمام مدیران مهمانخانه ها ، سینما ها وتیاتر ها نماینده گان ادارهٔ مذکوره می باشند .

ادارهٔ کشفیات ؛ باینجا نتیجه مخفف نامیده شود «ك . ر . و .» در تمام ادارات شورویه دارای نماینده گریها است ، وهر روزه از اجنت های خود راجع به جریانات امور ادارات مذکوره اطلاعات حاصل مینماید ؛ ادارهٔ مذکوره خدمتگاران پست ، مانندپیش خدمتهای زنانه ؛ آشپز ها ؛ شوفور ها وغیره را برای سفارات خارجی معین وبتوسط آنها اقسام خبر ها را حاصل میکند . اولنکی ـ ك رو ـ را ریاست مینماید ، این آدم ۳۵ سال عمر دارد ویکی از طرفداران صمیمی یاگودا می باشد .

ادارهٔ مذکور به چند شعبات دیگر تقسیم میشود . وهر کدام به شعبهٔ خود خدمت مینماید چنانچه شعبه اول «ك رو» فقط مهمانخانه ها ؛ تیاتر ها ورستور آنها (طعام خانه ها) را نظارت مینماید . همین شعبه اطلاعات حاصله ، خصوصاً اطلاعاتی را که از سفارتها وزارت مختاری های خارجی «ك ـ پ ـ او» به اقسام مختلفه بدست می آورد ، میکشاید .

شعبه دوم وسوم به امورات ، مجادله باجاسوسی ممالك قرب بحر بالتیك اشتغال دارد . شعبه سوم ، مثلاً ساوینکو «انقلابی بزرگ روسیه امپراطوری» وغیره را بروسیه جلب نموده است . شعبه چهارم ـ باجاسوسی ممالك مشرق مجادله مینماید ، پنجم ـ باجاسوسی انگلستان وامریکا وغیره . هر اداره

(بقیه درصفحه ۹)

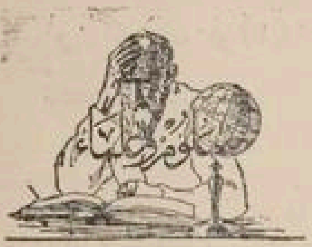

نظریه جدید راجع به اعادهٔ جوانی

از هر مرد وزنی که سنش ازپنجاه سال متجاوز باشد اگر سؤال کنید که مایل رجعت شباب می باشد بی شك بشما جواب مثبت خواهد داد زیرا غیراز این فکری در خاطر آنها نیست همینها هستند که بمنظور حصول آرزوی خود وبرای باقی حیات مرحله جوانی به سالونهای اطبا روی آورند وهمیشه شکایت دارند که ساق پای آنها به نیروی بیست سالگی آن ها نیست واز اغذیه و اشربه آنچه را مطبوع آنها است نمی توانند صرف نمایند بازحمت بخواب می روند و قبل از شروع بکار خسته می گردند در موقع صعود از پلکان از نفس می افتند و هر روز صبح در مقابل آئینه قواله در پیشگاه نظر آن ها پدیدار می شود که مایل به رؤیت آن نمی باشد .

جملات مغلطی که از طرف آنها خطاب به اطباء می گردد غالباً ازاینقرارند : دکتر من نمی توانم راه بروم ! چشمهای من کدر است من نمی توانم بکار خسود ادامه دهم دکتر !

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 13 of 896

اطباء برای معالجه معمو لا شروع می کنند که آنها را بنام حفظالصحه از همه چیز محروم نمایند ، بدواً از استعمال توتون وچای و قهوه و شراب والکل آنها را منع نموده وبتدریج گوشت و تخم مرغ و ماهی وسبزیجات مختلفه را هم جزو پرهیز آن ها قرار داده وتوصیه میکنند که شبها را زود استراحت نموده واز مجالس شبانه ویی خوابی اجتناب نمایند و نیز مقداری از اوقات خود را صرف ورزش و تمرین اعضا و عضلات کنند

مرضای من پور تا وقتی که اغذیه نباتی را بر جوانی تر جیح داده وبجای شراب آب معدنی صرف می کنند ظاهراً بر ضعف مزاج غلبه نموده وبر پیری چیره شده اند ولی اگر احیاناً شراب بور گونی و کبید ماهی تناول کرده وبجای پیاده روی در هوا های طوفانی ویا رانی با تاکسی حرکت کرده و نشاط و تفریح مجالس شبانه را نمك زندگانی و چاشنی حیات بدانند آنوقت است که بعوض جوان شدن رو بمرك میروند .

بزعم جوینده گان جوانی زندگانی که فاقد لذات اجتماعی باشد چه ارزشی دارد ودر این سن ما باید برای اعتکاف بدیری رفت و کسوت رهبانیت پوشید و یا جوان گردید ،

آیا باز گشت جوانی ممکن است ؟ این یك سوال اصلی است که بدو سوال فرعی منشعب می شود : اول حصول رجعت شباب و دوم آنکه تا کجا وچه حد ممکن است جوان گردید :

بسوال اول می توان اثباتاً جواب داد یعنی ممکن است جوان شد و با پیشرفت سن از نقائص وضعف شیخوخیت بر کنار ماند ویا عجز وانکسار وتقلیل قوا و فساد عوامل حیات به مغاك قبر نرفت و با کبر سن عقل وقوه ٔ استنباط واعصاب خدمت را حفظ نموده واین یکی از معجزات قرن ما می باشد

اصول باز گشت جوانی ازطرف دکتر زاورسکی ابداع گردید وهمانطورکه درطی رسالهٔ معروف خود موسوم به (چگونه می توان جـوان شد) شرح داده است در لابر اتوار خود امتحا نات دقیق از گلبولهای خون نموده ودر نتیجه پرورش آنها در خارج از خون بدن استنباط نمود که این اجسام حبه کوچك در صـورت تجدید قطره آبی که مأوای آن ها است نشاط حیات را از نو گرفته جانی تازه می نمایند ، بنا بر این معتقد شد که سلولهای انساج انسانی بواسطه عدم تجدید مأوای آن ها رو بفساد و مرگ میروند و اگر مبادرت به تجدید خون بنمایند سلولهـای بدن هم حیات جدیدی خواهـند گرفت حال چگونه خون پیران را تجـدید باید نمود ؟

با امتزاج خون جوانان .

دکـتر زا ورسکی شروع به امتحان نموده ودر امتحانات اولیه نتایج درخشانی حاصل کرد برای انجام این عمل لازم است چند قطره خون جوانی سالمی را گرفته ودر حدود شرایطی چند بکسی که از پیری نگران است تزریق نمـود وپس از چند دفعه تزریات فاحشی در پیر حاصل شده به فشار شرائین آن تحت تنظیم کامل در میاید در خاتمه معالجه که معمولا بیش از سه هفته طول نمی کشد مریض کاملاً مداوا شده ویا بعبارت دیگر پیر جوان گردیده است ولی اینجاست که سئوال دوم فوق الذکر مورد پیدا می نماید یعنی پس از معالجهٔ شخص پیر چند سال جوان خواهد شد ؟

باز گشت جوانی فقط تا سالهای است که شکسته نگر دیده و باین طریق یك پیر هشتاد ساله هیچگاه به سن بیست سالگی خود رجعت نخواهد کرد در این جا فقط مداوای طبی بعمل آمـده و پیر کما کان در شیخوخیت باقی خواهد ماند منتهی در مقابل امراض مغلـوب نشده ودارای فعالیت خواهد بود عمل هضم او منظم ودارای خواب راحتی بوده نشاط در آن ها تولید شده وبیکار رغبت حاصل خواهند نمود بعبارت آخری تعقیب باز گشت می کنند واین تنها تعبیری است که می توان از باز گشت جوانی نمود و اگر مفاد رجعت جـوانی را باز گشت غیر محدود قوای جوانی بدانیم در اینصورت باز گشت جوانی وجود نخواهد داشت در موقع امتزاج خون جوا نان با پیران پیر هشتاد ساله یا هفتاد ساله دارای قوای شصت سالگی خواهد شد وپیران پنجاه ساله (زیرا درپنجاه سالگی هم اغلبی بمرحله شیخوخیت قدم می نهند) قـوای مرد چهـل ساله را دارا خواهـند گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 14 of 896

حاصل آنکه رجعت جوانی بسی است وقول علمای آکادمی مبنی بر آنکه رجعت جوانی مطلقاً حاصل نمیگردد از این لحاظ صحیح است که پیر جوان حقیق نخواهد شد ولی ممکن است جوانتر شود

یکی از علاج یافتگان دکتر زاورسکی در سن شصت سالگی با آنکه دکتر مز بور در مقام مبا ثت بر آمده بود معهذا ازدواج نمود صاحب اولاد و خانواده گردید اگر چه پس از معالجه نتوانست درباری که در تحت مدیریت او بود نظیر جوانان عمل کند ولی مدیر قابل گردید :

در هر حال محقق است که ضعف پیری وشکستگی شیخوخیت مغلوب شده و خون جوا نان به فـوق پیران ارزی بخشایده ودر انساج تحریك می نماید و یقین است تا خاتمه حیات هم با حفظ قوای بدنی وفکری میتوان زندگانی نمود .

دکتر زا و رسکی در صدد امتحا نات دیگر است که من درصدد تشریح احلام وی نیستم ولی بالفعل او موفق به مبارزه برعلیه ضعف پیری شده و موفق بیرون آمده است وهر کس تحت مداوای او در آید برای دوام زندگانی بیشتری قابل خواهد بود

حال آیا ممکن است از انحطاط قوی کاملاً جلو گیری نموده و نگذارد سن بشر از حد معین تجاوز نماید :

برای این تفحصات لابراتوار مخصوصی لازم است که من یقین دارم قریباً ایجاد خواهد گردید (حصار عدل)

تتبعات ادبی :

درهاي يتيم

امروز هرملت وهرقومی میخواهد که صفحات هستی وزندگانی گذشتهٔ خودرا ورق زده یك سطر درخشانی که حاکی ازمجد واعتلا ؛ شرف وآبرو ، علم وادب شان بوده باهد تصادف نمایند ومدارك صحیح وماخذ روشنی برای اثبات مطالب فوق خود داشته‌باشند ، کتب ومطبوعاتی که دربن زمینه ازهر ملت وهر نژاد شاهد وگواه ماست از حیز شمار بیرون است حتی ایران ازید ومشرو طیت خـود تا امروز که یك دولت همجوار وهم زبان‌ما است کتبی بعرصهٔ وجود آورده ومبا ورده که خیلی‌هاجالب‌دقت وتوجه ما است وتقریباً همان مشاهیر ومعاریف این سرزمین است که ازبی خبری وبی علمی ما به تنگ آمده بلباس یك ملت دیگر جلوه می نمایند ویك سلسله مطبوعات قیمتداری را بخود مشغول ومصروف نموده اند . ومعجبا لنا دربن مختصر نگارش خود ازآن مشاهیر ونامورانی که ازاقلیم تاریخی ما بدنیا داده اندو آثار زنده وابدمدت شان ازقبیل قانون ها زین‌الاخبارها ، بیهقی‌ها ، حدیقه‌ها ، الفیه وشلفیه‌ها ، ناصرخسروها ، دقیقی‌ها منوچها ، عنصری‌ها ، بالاخره ، آثار سید جمال‌الدین‌ها وادیب پشاوری‌ها ، که جدید ترین کتب ولالی ادب وحکمت است وتمام کتاب خانه هاي‌دنیا بدانها توانگر وتقریباً بتمام السنهٔ عالم‌ترجمه وبمطابع عالی دنیا بار بار طبع شده‌اند صرف نظرنموده فقط میخواهم ازیکدست کتب‌نفیسی که درنتیجه تتبعات چندین ساله وکاوش های طاقت فرسای خود بدان ها نایل شده و از وجود هریك اطـلاعات خوبی دارم درین مختصر رسیـله بطور فهرست یاد داشتی نمایم وضمناً باطلاع اولیای معارف واهل فضل ومشوقین علم وادب برسانم که خیلی ها جای تاسف خواهد بود که همین « درهای یتیم » ما که تا حال دست تصرف وحوادث روز کار بدانها نرسیده یکباره گی ازبین رفته وبرایما جز یادی حسرت خیز چیزی باقی نماند زیرا :

(دریتیم را همه کس مشتری بود)

امثك كتب :

(۱) (۳ رساله ـ اثر مولانا قاسم کابلی) که هرسه رساله دریك‌وقایه واقع‌شده رساله اول در علم عروض وقوافی رساله دوم در معانی وبیان رساله سوم در نقد الشعر وقرض الشعر وسرقات ادبی است . این اثر نفیسی یاد گار زمانهٔ جلال الدین اکبر شاه است که مولانا در قریه تونك پشاور از نگارش آن فارغ شده است ویگیانه بنده از کتبی که دربن زمینه تاحال نگارش یافته وخصوصاً یاد گار دورهٔ متاخرین است از قبیل حدایق البلاغه طبع هند وپنج رساله عبدالواسع هانسوی وابدا لبدایع وقطوف الربیع شمس العلما طهرانی وغیره این اثر نفیس کامل تر ومبسوط تر است ، زیرا اولاً عبارات واسلوب نگارش باندازهٔ سلیس وروان است که انسان گمان میکند دیروز

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 15 of 896

نوشته شده باشد ثانیاً امثال وشواهد از ادبا وشعرای ماورد که همه آنها شیفتن و آیات کبرای بلاغت وفصاحت بوده اند ثالثاً از وجود شعرای دوره اکبری که بیشترش را منسوب بافغانستان میداند از قبیل آتشی قندهاری وصا شمسی وغیره اطلاع مفصل وجهان قیمتی میدهد. رابعاً برای مدارک ومآخذ خود بهترین کتب را از قبیل ترجمان البلاغه فرخی حدایق السحر وطواط والمعجم شمس رازی ومعیار الاشعار طوسی وعقود الجمان سیوطی وکتاب تکمیل الصناعة وقسطاس البشر وکتاب البلاغه جرجانی سرخسی وغیره را بدست داشته. خاصتاً در قید تاریخ ومؤلف آن هیچ جای شک وتردیدی نمیگذارد، زیرا بدقت تمام در پایان رساله خود مینویسد :

تمام شد رسایل این احقر العباد قاسم کابلی بتاریخ بیست وهفتم صفر المظفر روز پنجشنبه سنه ۱۲۱۵ هجری نبوی صلعم در قصبه توك پشاور در عهد محمد اکبر شاه باد شاه غازی ادام الله تعالی اقباله. سادسا حواشی آن نیز نکات ومطالب جالب دقت از قبیل حل کردن بعض ومؤات لغوی واصطلاحات ادبی وقطعات شعری ویاد چه های نثری شاعرانه دیده میشود.

درین موقع زشکم آمد که یك بیت آنرا که در صنعت تخیل مثال، ماورده نمونه بگذارم :

بسکه در آغوش گل ها شبنم شکست
می نماید در نظر ها چشم عینك دار گل

ولی متاسفانه که از آخر کتاب یکدوسه ورق آن افتاده است که آن جاییکه تاریخ کتاب را باخود رده باشد خلاصه ازهر حیث نسخهٔ قیمتداری است ومتعلق به خود نگارنده میباشد (۲) گنج شهیدان، قلم میرزا جلال فراهی که معاصر است با میرزا ارکان برخوردار ودرین کتاب از مواقع تاریخی وجغرافیائی فراه ومزارات ومشاهیر آن وحالات طوائف وسلسله شهدا ومتصوفین آن با ابیات واشعار و امثال وشواهد بی نگارد وحقیقتاً برای شناساندن فراه باتمام روحیاتش بهترین کتابیست، این نسخه را درزمان مسافرت خود دریزد یکنفر فراهی اطور سرسری دیده وهمینقدر توانستم استنباط نمایم.

(۳) دیوان حسن که از شعر خوش بیان قندهار سردار محمدحسن خان مرحوم است ودارای غزلیات متعدده بطرز بیدل، شوکت، غنی، صائب کلیم، حافظ، سعدی، وسواقی نامه لبریز از شوخی وقصاید سلیس وروان بطرز قدما از قبیل، ظهیر، انوری، منو چهری ویك قسمت هم هجویات ملیح و شیرین دارد واز جمله قصاید آن مرحوم قصیده است که در برادر یك حل متقابی انشاد نموده اند، این قصیده بهترین نما ینده ی ظرف بازی های تیز ومطالع آن سامانی وتره روری شعر را نشان میدهد، دیوان حسن نسخهٔ منحصر بفرد است ومتعلق به آقای صدیق جان سرکاتب حالیه سفارت کبرای افغانی طهران که

نواسه آن مرحوم است میباشد.

(٤) دیوان الفت که یکی از شعرای نامدار وشیرین مملکت ماست وخصوصاً درغزلسرائی دستی دارد ودر عهد خود سرآمد شعرای خود بوده ور امثال و اقران خود دستبرد طرزی وخیالی وغیره میتازه وخورده میگیرد. (باقی دارد)

(سرور گویا)

بقیهٔ صفحه ٦ :

نماینده گری خصوصی که نماینده گان ادارات دیگر از آن معلوماتی ندارند، برای خود دارد.

ادارهٔ خفیه (سو)

ادارهٔ خفیه، سو، امورات مجادله با پارتی های سیاسی مخاصم کمونیستی را نگرانی میکند، وهم همین اداره است که بامذهب مجادله وکوشش به اضمحلال مذاهب دارد.

امورات روحانیت بشعبهٔ ششم ادارهٔ مذکوره متعلق بوده، وارهبری آنرا توچکوف ـ مشهور مینهاد.

ادارهٔ خفیه به مثل ادارات دیگر به شعبات مختلفه باوظائف دقیق بسیار سختی تقسیم شده است، رئیس اداره مذکوره، دیرباس، عضو قدیمی پارتی زیاد از همه به امورات تقسیم جمعیت های پارتی دلچسپی داشته وبه بیمحاب ساختن آنها امید منفعت سرمایه وبطریق جائزه، گرفتن وظیفه مستشاریت دوم ریاست داو. گ. پ. او. را برای خود دارد.

(باقی دارد)

یاد داشتهای صحی :

نمک سم است

یکی از اطباء فرانسه مدعی است که ۷ در هزار خون انسان مواد نمکی وملحی میباشد واگر مقادیر املاح خون بیش از این مقدار معین باشد ، تسمم انسان شروع شده ودر صورت نقص این کمیت هم باز مسمومیت شروع خواهد گشت اختلاف این مقدار ماده نمکی در خون باعث انسداد عملیات شبیباتی بدن شده وفی النتیجه منجر بکسالت وناخوشی شخص خواهد گشت .

تجارب وامتحاناتیکه در مریضخانه ها وهئیات طبی امریکا معمول گشته ، کاشف این حقیقت میشود که تناقص کمیت معینه نمک باعث خشونت پوست واحساس تعب وقلت نشاط شده وفی النتیجه بعد از گذارش چندی نشان مسمومیت ظاهر گشته وآثار وعلائم نقص مواد نمکی بروز مینماید ، ودر صورت از دیاد مقادیر مواد ملحی خون ، انحطاط قوا شروع گشته وباعث هزال ولاغری محسوس ومشهودی می گردد .

در هرصورت اعم از قلت مواد نمکی وکثرت آن ، بایك نسبت معینه پیوسته باید ماده مذکوره را استعمال نموده و همواره بواسطه استعمال اغذیه وخوراك های نمك دار ، تأمین ترکیبات صحی خون را از دست ندهند . ودر مواقع بروز وظهور اختلاف درمقدار نمك خون ویا اوقاتیکه احساس تعب وقلت نشاط شده ودر پوست بدن عوارض خشونت وعدم ملائمت بروز مینماید ، بـاید بوسیله تداوی مخصوص ومراجعه باطباء آشنای باوضاع مزاج تعدیل در کمیت نمك موجوده درخون بجای آورد اطباء میگویند در هرشبانه روز ، برای اشخاص عادی رکـابیکه باختلاف مقدار ماده ملحیه میل نکشته اند استعمال یك صدم گرم نمك کافی می باشد .

(از مجلات فنی)

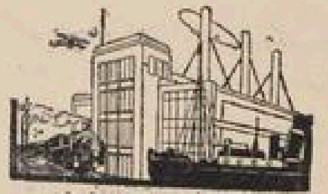

خبرهای فنون واختراع

اخذ قوه از افتاب

فتح علم

برلن ۳ فوریه – شاید مدت مدیدی طول نکشد که ورقهای بسیار بزرگ فلزی در صحرای افغانستان درمقابل آفتاب گذاشته شده ودر نتیجه این اصطکاك یك مقدار عظیم قوه برق تولید گردد که بتواند درمسافت هزاران میل راه چرخ های بزرگ کارخانجات را بحرکت در آورده وچراغهای شهرها را روشن نماید ،

این موضوعی است که یکی از جرائد صبح برلن انتشار داده وامید واراست یك موتر نیم ولتی شالوده چنین اختراع معظمی قرار گیرد ،

این موتر درموسسه (قیصر ویلهلم) در (داهلم) مجاور شهر برلن بموقع آزمایش گذاشته شده وباوجودیکه زمستان وهوا درهمه جا خاصه در دارالتجربه مزبور تیره است بوسیله یك قوه (فتو الکتریك) وبدون جریان دیگری حرکت می کند ،

این ماشین را (هر برونو لانج) اختراع نموده ودر ظرف چند ماهی که این موفقیت نصیب وی گشته پنجاه برابر براستعداد آن افزوده شده ودراین صورت طبیعی است که موفقیت آتیه آن محدود خواهد بود ،

(پرفسر ایتل) مدیر موسسه که (هرلانج) درآنجا کار می کند درضمن مصاحبه اظهار داشته است که احتمال میرود قوه (فتو) بدرجه تکمیل شود که تولید قوه را از آفتاب یکی از ضروریات صنعتی محسوب شود ،

(هرلانج) بیست وسه سال دارد واز خانواده بسیار بیچیزی بوده ودر کودکی یتیم گردیده وپس از آنکه تحصیلات ابتدائی را بپایان رسانیده مخارج تحصیل متوسط خود را از عملگی در ضبط و جمع آوری محصول غله وغیره در (پروس) شرقی وهمچنین خدمت درکار خانجات بپایان رسانیده وبالاخره چون (کرت یوتو – زو – ایلنبورك) او را

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 17 of 896

مشتاق تحصیلات عالیه مشاهده مینماید مساعدت باو میکند .

چون این موفقیت وی انتشار یافته است چند موسسهٔ الکتریکی وتجارتی اورا برای مشاغل برتفعی دعوت کرده و ضمناً « تامس ادیسن » معروف او را از جانب دارالتجربهٔ « منلو پارك » باوریکا دعوت کرده است .

(کوشش)

خبر های داخلی

وکلای کابل

جناب عبدالاحد خان وکیل والی کابل وغلام محی الدینخان معاون ریاست بلدیه ازطرف عموم اهالی شهر کابل بسمت نماینده گی شورای ملی که عنقریب افتتاح خواهد شد ، انتخاب شدند .

جناب شان نظر به محبت وحسن نیتیکه که باهالی دارند ، این عهده مهم را قبول فرموده ؛ از ماموریت های سابق خود مستعفی شدند .

وکیل والی کابل

نظر بحسن خدمت وقـابلیتیکه ع ق عبدالجمیل خان فرقه مشر وقوماندان پولیس ، در امور انضباط وامنیت کابل ونواحی آن ابراز فرموده اند ، جناب شان بوکالت ولایت کابل مقرر وح طره بازخان غند مشر کوتوالی به حیث وکیل قوماندان کوتوالی منصوب گردیدند .

معاهدهٔ گمرکی جرمنی واستریا

پیش از جنگ عمومی استریا و الیان شهنشاهیت هـای جدا گانه بودند ولی نژاداً و لساناً جـداً گفته نه می شوند بعد از اختتام جنگ عمـومی نسبت به همه دولیکه داخل محاربه بودند نه تنها خساره کی بآستریا رسید ونظام حکومتش تبدیل شد بلکه تمام مملکت او تکه تکه وپار چه پارچه کرده شد .

یوگوسلاویه ، چیکو سلاویك وهنگریه مملکت هایست که ازو تولید شده است وبعضی حصه او را مملکت های فاتح غصب نمودند . آن چه بنـام استریا باقی مانده یك تکه است خـورد تر از تقسیمات او جرمنی هم که علاوه از تبـدیل نظـام حکومت متحمل خساره زیاد مادی ومعنوی گردیده چارهٔ نداشت جزاینکه تحمل کند وخامـوش نشیند لا کن در باطن همیشه سعی داشت که دریك موقع مناسب از ملل که باعث بربادی او گردیده اند انتقـامی بگیرد، استریا در جسامت موجوده خود نه می تواند هم چویك نظریهٔ قائم کند ـ بلکه نه می تواند یك حیات آزا دانه بسر برد همین را سنجیده وبهتر دانسته که خود را بجرمنی ملحق ساخته به قوه اوبیافزاید ونژاد آنها نگردد . با وجودیکه این نظریه نظریهٔ جدیدی نیست و در حین اختتام جنگ پیدا شده بود و لی نه می توانست دفعتاً خود را نابود وبه جرمنی ملحق ساخته در سیاست اوروپا هیجـانی عظیم بر پا کـند . مخالفین نیز که ازفکر استریا وجرمنی آگـاه بودند همیشه در راه شان حائل بوده و هستند .

اکنون ظاهر گردیده که استریا وجرمنی بیك اتحاد گمرکی موافق شده امضاء می نمایند . غیر توقع نیست که از هرگوشه وکنار اوروپا یك معاهده که خلاف مفاد شان صدای احتجاج و تنقیدات تعجب و غریب کرده نشود .

مستر « هندرسن » وزیر امور خارجیه بریطانیهٔ در پارلمان بیان نمود که اطلاع ندادن هم چو یك معاهده تولید شکوك می کند وخصوصاً وقتی که مجلس بین الملل در مذا کرات هم چـو مسائل استحقاق گفت وشنید هم داده باشد . بعد ازغور و مـذا کره زیاد مستر (هنـدر سن) بحکومت جرمنی واستریا اطلاع داده که تعجبی نیست که نسبت به هم چـو یك معاده در ممالك دیگر و خصوصاً فرانسه غلط فهمی وتعبیر های عجیب و غریب کرده نشود ونیز ابراز نموده که ممکـن است در این موضوع افکار مختلف باشد ولی چون اغتشاش فکری ممالك را ملاحظه میکنیم و نیز مدنظر داریم که کانفرانس « تخفیف اسلحه » دریك فضای خوش انعقاد گردد لهذا لازم میدانم که درین خصوص یك جادهٔ جوئی بکنیم .

مستر (هندرسن) ازاقدامات خود به (موسیون بریان) وزیر امـور خارجـه فرانسه خبرداده وموسیو بریان نیز اطمینان داده که نظریه حکومت فرانسه کاملاً باو موافق است .

بتاریخ ۲۷ مارچ حکومت استریا بحکومت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 18 of 896

برطانیه چنان جواب داده که نظریه شان چنان نیست که فهمیده شده ومعاهده که درنظر گرفته اند عیناً مطابق پروتوکول ژنو میباشد وحکومت استریا اعتراضی ندارد که ملل که امضاء کنندگان پروتوکول ژنو مذکور میباشند ملاحظه بکنند البته که ملاحظه ومعاینه شان ازحیث اقتصادی خواهد بود نه ازحیث سیاسی وحکومت استریا آماده نیست که بیک چیزی که تکمیل شده باشد حق مداخلت را بحکومت های دیگر بدهند .

هم چنان حکومت جرمنی جواب داده که معاهده مذکور عیناً مطابق پروتوکول ۱٤ اکتوبر ۱۹۲۲ ژنو میباشد ، لهذا حکومت جرمنی لازم نمی بیند که در مسئله مذکور مجلس بین الملل مذاکراتی نمایند . حکومت جرمنی حقی ندارد که معاهده ازحیث قانونی معاهده شود چون کاملاً درمسئله اقتصادیست . وچون تفصیلات اصطلاحی معاهده تمام نشده وکم از کم دوسه ماه مدت دیگر بکار دارد ، لهذا برای تکمیل آن مذاکرات جاری خواهد بود .

مستر (هندرسن) بتاریخ ۲۷ مارچ دوباره بحکومت جرمنی تلگراف داده و ممکن است ازاستفسار او چیزی غلط فهمی پیدا شده باشد ، نظریه او این بود که پیش ازین هردو دولت مذاکرات خود را تکمیل کنند برای مجلس بین الملل موقعی داده شود که اطمینان آرد که معاهده مذکور ازهیچ نوع خلاف پروتوکول ۱۹۲۲ نه میباشد البته برای مجلس بین الملل مشکل خواهد بود که درهم چونکه معامله دقیق که مبنی بر اصطلاحات مخصوصه علمی باشد ، بدون حصول نظریه عدالت مستقله بین الملل یک فکری داده نتواند حکومت برطانیه نزدران موقع اظهار موافقت خودرا خواهد کرد که مسئلا مذکور به عدالت مستقله بین الملل رجوع شود :

حکومت جرمنی همان روز جواب داد که نظریه مستر (هندرسن) پوره فهمیده ودانسته شد .

چون برای تکمیل تفصیلات معاهده مدت دو ویاسه ماه دیگر لازم است وچون حکومت جرمنی معاهده را خلاف پروتوکول سنه ۱۹۲۲ نه میبیند لهذا حکومت جرمنی لازم نمی داند که مسئله به مجلس بین الملل رجوع شود . البته جانبین حق دارند که مسئله را به مجلس مذکور پیش کنند وحکومت جرمنی آزاد است که حق خود را ازهم چو مصلحتیکه به مجلس بین الملل نسبت به معاینه مذکور داده شود نگهداشت کند ، وحکومت جرمنی مقصد مستر (هندرسن) را فهمیده نتوانست که معاهده مذکور از حیث سیاسی معاینه گردد وی خواهد واضح تر بسازد که حکومت جرمنی هم چونیک معاینه را جائز نمیداند .

(هندرسن) بجواب آن اطلاع داده که او اراده دارد که سکرتری جنرال مجلس بین الملل را از نظریه خود حالی ساخته درخصوص معاینه معاهده خواهش کند که آیا مطابق پروتوکول سنه ۱۹۲۲ میباشدیانه . اگر مجلس بین الملل لازم بداند نسبت که چیزهای مشوره شود البته او مصلحتاً خواهد گفت که به عدالت مستقله رجوع شود درخصوص معاینه معاهده مذکور مستر هندرسن بیان نموده که نظریه مخالف است که آیا خود مجلس بین الملل یا کدام هیئت مخصوص دیگری معاینه آنرا بکنند . ونیز اظهار نموده که معاینه باید قرار قاعده در تحت همان هیئت باشد که پروتوکول ۱۹۲۲ را مذاکره کرده درخصوص پیچیده گی های قانونی به مشیران قانونی مراجعت شده واکنون روبه حکومت برطانیه کاملاً خاموش است و طریق معاینه که حکومت برطانیه پیش کرده بهترین طریق حل مسئله مذکوراست که دراروپا باعث اضطراب اسف ناک گردیده

دراین اقدامات اول که جرمنی واستریا درمتحد شدن خود کرده اند ، نظریه مجلس بین الملل چه خواهد بود ؟

جرمنی واستریا وراتاچه اندازه قابل قبول خواهند دانست ؟ این چیز هانیست که پیش گوئی آن دراین موقع بسیار مشکل است . ولی میتوان گفت که جرمنی و استریا به مجلس بین الملل اعتماد ندارند واگر معاهده مذکور خلاف پروتوکول هم گفته شود قبول نه خواهند کرد .

نتیجه هرچه باشد لاکن ظاهر است درمیدان سیاست اوروپا پیچیده گی های جدید پیدا شده که درحل آن مسائل مشکلات پیش می گردد ، قرار گفته مستر (هندرسن) تعجبی نیست که پیچیده گی های موجوده به مجلس تخفیف اسلحه یک اثر ناخوش گوار بیاندازد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 19 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 20 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

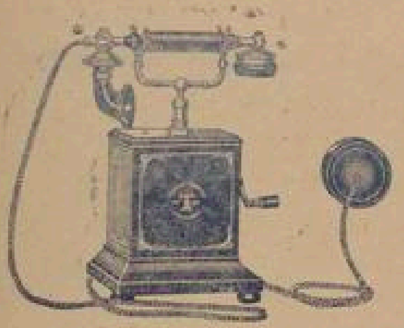

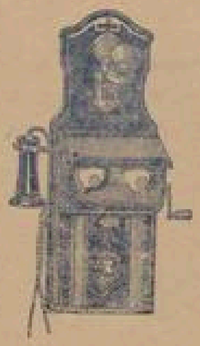

تیلفونهای اریکسن

اریکسون فابریکه است که در سنه ۱۸۷۶ تقریباً در تاریخ اختراع تیلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالک دنیا قریب پنجاه فابریکه بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تیلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریکه مرکزی اریکسون در ستاک هالم (سوید) و شعبات او علیحده فابریکه ها نیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا اتریا چکوسلاوا کیا هالیند هنگری - ایطالیا پولاند و علاوتاً تقریب پنجاه نماینده گی در ممالک بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریک اریکسون را دارا است و بهترین سیستم تیلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن بمشتریان قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشتریان را از همه جهت فراهم خواهد آورد خواهش مندان و طالبین اینگونه تیلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارک کابل است رجوع خواهند فرمود .

۳

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۱۲ افغانی
طلبهٔ معارف	۲ «
در ممالک خارجه	۷ «
	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض ومعاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 22 of 896

شماره (۳)

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد (۵)

اداره : ذیل جادهٔ ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱٤ ثور ۱۳۱۰ — تاسیس ۱۳۰۶ — ۱۵ ذیحجه ۱۳٤۹

کار

بار ها به مشاهده پیوسته است که بلای مبرم بیکاری برای اشخاص ، موجد هزار گونه تعب و مشقت و خسارات مادی ومعنوی گشته است . بسا ملت ها در اثر بیکاری ، ودر نتیجه امرار حیات تنبلانه ، و دور از عمل ، به ضیاع بهترین مزایا و حقوق انسانی در دائره بشریت گرفتار آمده اند .

اگر به نظر امعان بنگریم کار و زحمت کشی بعد از دارائی صحت مکمل برای انسان یکی از ضروریات قطعی شمار میرود در مقابل هر مقصدی که انسان بدان مائل میگردد ، درازای هر سعادتی که در دنیا انسان به کسب آن موفق می آید ، باید زحمت کشیده ورنجی دیده باشد . بدون رنج وزحمت ، هیچ چیز برای انسان میسر نیست ، و در عین زمان حیات بیکار عبارت از یك بار خیلی سنگین وغیر قابل تحمل است که بر انسان تحمیل می شود و ازین بد تر دشمنی برای سعادت بشر موجود نیست .

کار است که برای انسان منشاء ارتزاق است ، کارست که انسان را در دنیا بختیار وشادمان می سازد . کار است که انسان را از احتیاج بیجا درنزد اشخاص محفوظ میدارد .

« گیوته » شاعر و فیلسوف المانی میگوید : « انسان بجای اینکه یك ساعت وقت را قیمت نگزارد بهتر است در دنیا به خوردترین کار ها مصروف شود »، سرگردانی کار برای یك انسان در دنیا جزء مهم حیات آنست وبدون آن حیاتش نا مکمل و مشکل می شود ، آدم تنبل وبیکار عموماً مورد حملات شدید امراض واقع میگردد ، یعنی استراحت را نمیداند وکیف حقیقی آنرا درك نموده نمی تواند.

در جائی من و یك رفیقی که همراه داشتم ، با یك شخص ثالثی که با رفیق من سابقه داشت ملاقی شدیم ، بعد از معرفی شدن دانستم شخص نجیب زاده است ، ولی حوادث دوران اورا به حال ابتر و روز سیاهی نشانده است . این واقعه بخاطرم قدری گران آمده ، و به تفتیش احوالش شروع نمودم ، دیدم علاوتاً از گرفتاری به چند نوع مرض هم شکایت دارد . دلم به احوال او خیلی سوخت وخواستم که معلوم کنم که بس باین همه فقر ومسکنت چه چیز و یا چه کاریست که آنرا وسیله اعاشهٔ خود واولاد خود قرار داده است ، بجواب من گفت واز خیرات گور پدارانی چند جریب زمین دارم ، ویك آرد گندم میرسد ، گفتم چند جریب گفت دوصد جریب .

گفتم : خوب عزازم ! دوصد جریب زمین که چیز بسیاریست وعائله توهم چنانچه از خودت در عین مصاحبه شنیدم چندان بزرگ نی ، پس چرا به چنین حالت بد گرفتاری ؟

بجواب این سوال من شکایت نمود که چون زمین ها بدست دهقان است و من خودم نیز چندان وارسی وسر پرستی آنرا کرده نمی توانم لا بد حاصل کافی نه میدهد ، دو پرسیدم که آیا خودت در کار دهقت اراضی خود بارها قبض کارنه می کنی ؟ گفت نی ابدآهم نکرده ام این سخن او بدل من چنان گران آمد و آنقدر دل خون شدم که شاید او نیز باوجود بلاهت کافی ٔ نداشت تغیر رنگ ووضع مرا درك نموده باشد ، بهر حال زود تر رخصت گرفته براه افتادیم ، چون چندگامی دور شدیم ودوست من مطمئن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 24 of 896

شد که او از ما از طرف آن شخص شنیده نه می شود؟ گفت حقیقتاً این شخص آدم بسیار نجیب وخوبی است ، و وضع خوشی دارد ، مگر افسوس که دور روز گار او را به زحمات شاق گرفتار نموده است ، واز تمام فوائد وسعادات زندگی محروم وبی نصیب است . وعلاوتاً امراض متعددی که بدان گرفتار است بر تلخی حیات او می افزاید . من گفتم : بلی عزیزم ، درست میگوئی ؛ اما دل من برفقر او نمی پلدکه بنا بر امراضی که بدان گرفتار است بر او بیش تر می سوزد خصوصاً این بلای مبرم تنبلی وبیکاره گی او.

دوستم گفت : چطور ندانستم . گفتم عزیزم شاید شنیدی که این بزبان خود گفت دوصد جریب زمین دارم . تو که تمام زمین تو به ۲۵ جریب بالغ می شود حال خود را باو مقایسه نموده بعد ازان به من بگو که گناه از کیست؟ حیات با تو ۲۵ جریب زمینی که آنرا بدست خود زراعت نموده و پرورش میدهی بار ها از حیات او عالی تر و فرح بخش تر است ، اولاد های تو از اولاد های او مسعود تر وعاٸیل تو خوش نصیب تر می باشد پس آیا او که هفت مرتبه از تو بیش تر مالك ثروت و جایداد است ، و هنوز هم صد یك سعادت وحتی (اگر به معنی حقیقی آن توجه میکنیم) آرام ترا ندارد . خودش سبب بکاله بد بختی خود نیست؟

به جواب من گفت : درست میگوئی

فاما شخص خان زاده وناز پرورده چطور می تواند از عهدهٔ کار زحمت بخش دهقانی برآید ؛ گفتم : عزیزم همین بزرگترین گناه ونادانی اوست که به محض اسم خان زاده گی که بجزیك لقب فضولی بیش نیست حیات خود را بدتر ازهزار مرگ ساخته است . خانزاده گی امروز درنظر انسان های عصر موجوده و درعالم تمدن حاضرموقعیتی ندارد . امروزحیات و دنیا از انسان جوهر قابل میخواهد پشت کاری طلبد ؛ رنج بری وزحمت کشی می خواهد . تمدن فعلی بشر انسان را مستحق بر خوردار شدن ازالتذ مزایای خود می سازد که انسان خود بخود وبدست خود به تحصیل آن موفق گردد این شخص با وجود داشتن این چنین یك اساس کافی ووسیلهٔ خوب بنا برتنبلی وکهالت خود نتوانسته است در عالم حیات حقیقی قدمی بگذارد ؛ وخیلی عجب تر ازینکه ازین امراض بدی که بآن گرفتار است شکایت هم میکند ونه میداند که همه آن مولود بیکاریست ، وازنتیجه خوردن وخفتن براو عارض گردیده است . ورنه اگر درمقابل زحمتی که برای تحصیل راحت فطرتاً وبه حیث یك انسان بدان مجبوراست این چنین بزدلی وتنبلی نشان نه میداد شاید شخص مسعودی می شد .

لارد «اوبری» میگوید : «قدما درست می گفتند که زحمت عبارت از قیمتی است که خداوند برهرچیز قابل داشتن نهاده است ، هیچ چیز مفید ، و مسرت بخش و یا هیچ یك چیز لازمی حیات بدون زحمت وبدون رنج بری بدست نه می آید . اگر هوا تنفس میکنیم باید شش ما حرکات مخصوصی را که برای گرفتن هوا لازم است اجری کند . اگر برای ادامه حیات خود نانی می خوریم باید آنرا بدست بیاوریم وبرای بدست آوردن وحتی خوردن آن زحمت بکشیم . اگر میخواهیم ازفواٸد حیات عائلوی استلذاذ کنیم در اول امر باید یك مقدار زحمتی برای سعادت حیات عائله خود کشیده باشیم ، چه یك عائله که به مصائب گرفتار باشد ابداً نه می شود برای انسان منبع حبور گردد .

یکی از فضلای انگلیس بیکاری را تحت تنقید آورده می نویسد «کار کردن وکردن بعضی چیزها برای دنیا ، وابنکه زنده گانی خودرا یك عنصر مثبت بسازیم عبارت از یك مسرتیست که شخص بیکاره ؛ ازان آنچنان بی اطلاع میباشد که شب پره از آفتاب ، حقیقتاً مه به تمام خوش بختی ها کار وزحمت کشی میگردد ، پیش رفت وترقی بدون تحمل بار سنگین کار ممکن نیست . یکی از مدققین میگوید «انچنان که تا داب بهارت مربوط است ؛ وانچنانکه تخم به نبات روئیده علاقه دارد ؛ به همان صورت حصص امروز ما متعلق به فردای ماست . فواٸد امروز به فردا تعلق میگیرد ونکردن کار صحیح در امروز محتمل است فردا را برهم بزند . ولی عکس آن درست نیست ؛ یعنی فردا امروز را خراب کرده نه می تواند . چه عرابهٔ وقت به عقب چرخ نه می زند . پس او هام وافکاری عاطل را

گذاشته امروز خود را از کار صمیمانه مهربانی ، همت وامید مملو بسازد ، باین صورت فردای خودرا از محرومیت بلای حیات رهائی بخشیده زمانی که برسد « امروز خوبی بسازش »

درین جا از قول این شخص فاضل علاوتاً استنباط می‌شود که فضائل مذکوره' فوق که ذکر نمودیم ، تنها سبب آن « کار » به معنی مطلق شده می‌تواند ، یعنی کار نیز باید بابعض از شرائط وقیود باشد . ازین جا است که کار را باصمیمیت یك جا ذکر می‌کنند . یعنی این کاریکه در دنیا موجب خوش بختی می‌شود ، چنان کاریست که به صمیمیت وبکمال علاقه اجری شده باشد . بدون صمیمیت ودل بستگی به آن کار عبارت از یك چیز سرسری باجباری شده‌فائده' بر آن مترتب نه می‌شود . چه ظاهر است بکاریکه انسان علاقه نداشته باشد آنرا قرار واقع اجری نمیکند وممکن است آن برعکس‌بعوض مسرت وفائده مصدر اندوه وخساره گردد .

« ماری کوریلی » (یك محرره اوسعت نظر انگلیسی) می‌نویسد که « تصورمیکنم شخصی که‌بکارخود عشق دارد ، وبرای آنکه دقائق تفصیلات شغل ومسلك خود را بداند به شروع نمودن از پله اول زینه قناعت داشته باشد ، وشخصی که کار او برایش ازنان ومزد آن‌عزیزترباشد ، یقیناً مکافات آنرا درك خواهد نمود ودر هر شغل حیات که باشد کامیاب خواهد گشت . کاریگر نیم وله است که ناکام میگردد وفاعل بی علاقه است که درکار در می‌ماند »

اگر انسان بکاریکه در دنیا بدان مصروف می‌شود بایك نوع قناعت وصمیمیت متوجه نگردیده واز نه دل باجری نمودن وپیش بردن آن همت برنگمارد موفق شدنش در آن کار محال ودور از عقل است ، چه به محض آنکه انسان بکار خود علاقه‌وصمیمیت داشته باشد دراجری آن واز قوه به فعل آوردن آن یك نوع وجد وشوق پیدا می‌کند .

وجد وشوق نیز مانند صمیمیت وعلاقه یکی از مهم ترین شرائط سعی وعمل و کار است ، وبدون آن جدیت وفعالیت صورت نمی گیرد .

کاریکه با صمیمیت وعلاقه پیش برده شود وامری که در انصرام جدیت وفعالیت نشان داده شود نفس همان کار در روح فاعل یك زنده گی وحیات ، یك نشاط وانبساط تولید می کند وحیات را شیرین می سازد ، و موفقیت در کار معنویات بلندی بانسان نصیب می نماید بر خلاف آن ناکامی در امور ، وموفق نشدن درکار انسانرا به مقابل بار سنگین ور مشقت حیات مغلوب ومنکوب ساخته حیات را تلخ ومعنویات انسانرا پست و شخص را اتکالی و از مزایای حقیقی حیات محروم میگرداند . بدون صمیمیت وبا علاقه و جدیت انسان نه می تواند به موانعی که در امور حیاتی در مقابل‌اش پیدا می شود جداً مقابله نموده به مقصود خود نائل گردد . می گویند « ناپلیون » گفت که « نه » درقاموس دنیانباید باشد «

اما ناپلیون این را برای هر شخص نبل وبی علاقه ، هر شخصی که در کار خود صدق وصمیمیت نداشته باشد نگفته است بر خلاف آن در قاموس حیات یك فرد بیکاره و آرام پسند هزار ها « نه » در هر ساعت و هر دقیقه موجود می شود بلکه مقصود او شخص بوده است که مانند خود او بایك عزم خسته گی ناپذیر ویك اراده غیر قابل مغلوبیت به وظیفه خودمصروف‌میگردد،وبرای این چنین‌یك عزم واراده' متین از همه اولتر علاقه به غایه ومقصود باصمیمیت به‌کار لازم‌است .

کاریکه ما در دنیا میکنیم وازان امید کامیابی ورسیدن بدرجات عالی می داشته باشیم لازم است‌چنان‌کاری باشد که آنرا با مسرت و شعف اجری کنیم ، نه با مجبوریت‌واکراه . سرارتقای تمام ملل همین یك چیز است که « کار می کنند وباعلاقه وصمیمیت کارمی کنند ، وچون معنی حقیقی کار را و فوائد حیاتی آنرا دراثر تربیهٔ صحیح وتعلیم درست (که آنرا نیز عشق به کار پیدا نموده است) درك‌نموده اند ، وجدآدرپی کارخود'فتاده‌اند کار ایشان موجب سعادت ، مسرت وموفقیت می‌شود ، برخلاف ایشان ما شرقی‌ها وخصوصاً اولادان افغانستان دراثر تنبلی وبی کاره گی وزنده گی عطالت کارانه که بدان مبتلا هستیم . روز بروز به عقب میرویم وحیات برما عبارت ازیك ماتم وغم یك جگرخونی وام گشته است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 26 of 896

وحشی برای کفن مرده های خود مجبورم منتظر شوم که سیاه سفید را از خارج برای ما بیاورند.

ورنه شاید به کفن نمودن مردهٔ خودهم موفق نگردیم. واین بدبختی ما این عقب ماندگی ما، اینکه حیات بگردن ما مانند یك بار سنگین افتاده است علت آن تنها همین یك مسئله است که ما کار نمی کنیم و اگر می کنیم هم با یك نوع اکراه ومجبوریت باعدم علاقه میکنیم ودران صدق نداریم.

چارلس کنگسلی محرر مشهور انگلیسی در یك اثر خود می نگارد که: «افرادی را که من دیده ام در حیات خود همواره به بهترین صورت کامیاب گردیده اند عبارت از اشخاصی بوده اند که همواره مسرور وامیدوار بوده، بر وظیفهٔ خود با یك چهرهٔ متبسم قیام نموده اندوتبدلات وتصادفات این حیات فانی را مانند مردان تلقی و نرمی و درشتی حیات را تحمل کرده اند.»

این است کار حقیقی و کار صمیمی که فاعل آن می تواند باین وبه تمام مقاصد خود کامیاب گردیده به کسب سعادت حقیقی در حیات مقتدر شود. چنین یك شخص کارگر و زحمت کش که به کار خود رابطهٔ قلبی تام و دران قناعت قطعی داشته باشد، علاوه از سعادت ومزایای دیگر برداری صحت خوب که بزرگترین نعمت های خداوندی است موفق می شود. یکی از لوازم قطعی وضروری صحت انسان کار است شخص بیکار ندرتاً صحت خوب میداشته باشد و از حملات امراض گونا گون به هیچ صورت مدافعه کرده نمی تواند و یك شخص دارای صحت خراب وجسم علیل چنانچه اکثر ما شاید گاهی مورد حدوث کدام مرض واقع شده و تجربه داشته باشیم، به هیچ صورت معنی مسرت را درحیات نمی داند، خرابی مزاج وطبع خودش دنیا را رو تلخ می سازد. عبوست وترشروئی خودش، که نتیجه طبیعی علالت است دنیا را بنظرش غم اندود جلوه میدهد. بیچاره ازسیر مناظر زیبای قدرت محروم، وازاستلذاذ نعم لامتناهی که بانسان ها نصیب گردیده است بی نصیب بوده، روز وشب را در چار دیوار خانه خود و یا دریك اطاق شفاخانه محبوس میباشد وازتمام ماکولات ومشروبات لذیذی که درقسمت انسانها شده است بجز طعم تلخ دوا دیگر بهرهٔ ندارد. خصوصاً اگر شخصی که درنتیجه بیکاری وتنبلی به علالت گرفتار می گردد شخص دارای عائله هم باشد، بدبختی او بیش تر ومصیبت اوزیادتر است. یعنی تلخی زندگانی تنها به خود او محدود نبوده باعث رهم خوردن آرام وراحت عائله او نیز میگردد.

بیکاری خودش بذات خود بلکه نوع بدی اخلاق است وآنچنان بد اخلاق ست که مولد صدها عیب دیگر میگردد. و ازان بدی های اخلاق زیادی تولد مینماید شخص بیکار بدخوی می باشد، تنگ حوصله می باشد، ازتحمل ورد عاری که یکی ازخصائل خیلی عمده ودر ارتقای حیات انسانی عامل مهمی بشمار میرود، عاری بوده، ثبات وپایداری ازو به فرسنگ ها دورمیگردد. چه شخصی که هر روز مصروف کار است چون هیچ کاری دردنیا بدون آنکه صدها مانع وصدها اشکال درراه انجام آن پیدا شود صورت نه میگیرد؟ به رفع آن موانع و تحمل آن اشکالات جرأت وورزیده متدرجاً دراثر این مشق روزانه هر روز برحوصله وطاقت وصبر وثباتش افزوده می شود برخلاف آن شخص بیکار که ابداً به رفع موانع واظهار ثبات وپافشاری درمواقع لازمه مشق ندارد، در مقابل کوچك ترین مشکلی که درزندگانی باو رخ می نماید مغلوب گردیده صبر وتحمل را ازدست میدهد وعلاوتاً چون خودش نمی تواند ازعهدهٔ کاری بدرآید مجبوراست ازدیگری بدون ضرورت چشم امداد ومعاونت داشته باشد، واین یك نوع پستی اخلاق دراو تولید می کند، ودر جزئی ترین امورحیات اورا مرهون احسان دیگران ساخته بی سبب بار منت صدها نفر را به شانه خود می کشد.

بهرصورت کار برای انسانی که می خواهد دردنیا به تمام معنی حقیقی کلمه حیات داشته باشد، یك چیز ضروری ولا گزیر است. بدون کار حیات معنی وحقیقت ندارد ونه می داشته باشد. اشخاص بزرگی که در تاریخ بشر گذشته اند ودنیای انسانیت امروز به ایشان احترام می کند هر کدام آن درمسلکی ودر فکری ودر یك شعبهٔ ازشعب حیات کاری نموده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 27 of 896

عید در بهار

انیس عزیزم !

روز اول عید سعید که در جامع بزرگ «عیدگاه» اهالی «برای ادای نماز عید و تماشای منظره زیبای موکب شهریار عطوفت کردار خود جماع نموده بودند و آنجریانات مطبوع مسرت آور بهر بیننده ذوات سرور و انتباه می بخشید این بنده که در گوشهٔ نشسته و بآن تماشاء مصروف و خاطرهٔ های ایام قبلا که گذشته را در عین سرور و فرحت زمان موجوده خیال میکردم اخراً مراتب آنی را تسوید کرده ولی بلحاظ ایام تعطیل اداره جریده موقع تقدیم کردن نیافتم

واسم شان به سبب همان کار تابه امروز درصفحه تاریخ بشر بایك خط مجلل نوشته‌وبرای مارسیده‌است . بیکن‌فیلسوف انگلیسی راجع به یکی ازامپراطـور های بزرك روم که فتوحات زیادی نموده بود می نویسد ؛ که دردم جان دادن خـود فریادی نمود که (اگر برای من کاری باشدکه باید اجری کنم زود شوید) . پس برای آنکه انسان دردنیا نامدار شود ودرحیات سعادت وبختیاری ، ودر تاریخ اسم محترمی داشته باشد ، هیچ یك وسیله بهتر ازین نخواهد یافت که کاری کـند وکاری داشته باشد . وبه کاری مصروف گردد وکاری از خود یاد گارگذارد .

(...)

باری آنرا حاضراً بخدمت تقدیم داشتم که اگر قبل بدانند بعنوان هـدیه این عیـد سعید از طرف بـنده که یکی از خوانندهٔ گان انیسم بجریده عالی خود قبول بفرمایند :

عید آمد و روح پرور آمد
در فصل بهار خوشتر آمد

از نفحهٔ باد نو بهاری
اشجار شکوفه بر سر آمد

از دامن کوهسار کابل
رائحهٔ عطر و عنبر آمد

این عید بهار عطر آمیز
با لطف وسرور دیگر آمد

عیداست‌و بهار و سبزه و گل
امسـال خوشی مکرر آمد

ای باد بهـار روح پرور
لطف‌توجوجان به پیکر آمد

زائچهٔ بخت اهل افغان
امسال سعادت اختر آمد

خوش باد بهار و عید افغان
تبریك که فیض اکبر آمد

ای عید و بهار امن افغان
عشرت بوطن‌سرا سر آمد

آلام و فسوس و دردباری
از خاطر « اعظمی » بر آمد

عـید قربان امسال‌شیرین ترین اعیاد ماست ! این عید سعید درقـلب بهار و خوشـترین موسمی اتفـاق افتـاده که فصل بهار گلعذار کابل وایام سعادت نـثار اهل وطن‌است !

صفای هوای امروزه ؛ جوش و تراوت سبزه ، موج شکوفه و ارغوان ، نکهت زیبای گل و لاله و دامان ، لطف ومسرت این عید سعید را در قلب و دیدهٔ هم وطنان عزیز دو چندان می نماید .

عید حاضره ما در موقعی عرض شرف و فیض تقدس ایثار می نماید که یکطرف لطف و صفای فصل بهار است و دیگر سو اختتام ادوار تیره و شب های تار .

مخصوصاً امروز اجتماع این ملت مسلمان با قلوب فرحان و سیمای خـندان و بالاخص موکب زیبـای این پادشاه ناجی مهربان و منظره قشنگ این عسکر دلاور که راحت و امنیت فعلی در سایه شمشیر اینها تامین و بنیان یافته است هر بیننده‌را بخود واله و حیران میدارد البته تفصیل آنجریانات فرح بخش را محررین جـرائد ما نوت کرده خـواهند نگاشت !

این عیـد مخصوصاً تماشای امروزه خاطرهٔ عجیبی بیاد میدهد که بایست ایترا عید اول نجات وخوش بختی وطن عید نخستین امنیت وراحت ملی بخوانیم ما باید این عید سعید را آغاز و مقدمه سعادت و اقبال اهل وطن بدانیم ؛ زیرا سه سال قبل تا ایام نزدیك و ورود این عید بزرگ ؛ صدای منحوس توپ و تفنگ ، دود کثیف باروت ، آواز روح خراش شیپور جنگ هنوز بکلی از ساحت مقدس وطن دور نشده بود ، دور نکبت آور انقلاب بزرگ و خون ریزی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 28 of 896

عظیم ، نفاق خانگی یا جهل عمومی تسکین نیافته بود ، هنوز تا آن روز ها زیاد نا له وضجهٔ تجربه داران بآسمان بلند بود ، ولی امروز در اثر تقرب و ورود این روز مبارك بحمدالله تعالی شقاوت و بدبختی سپری شده نفاق خاتمه یافت فرشتهٔ امن و سعادت درنقاط مختلفه وطن رحمت الهی را می باراند ، اشرار وجهال وعناصرمضره ساحت پاك وطن را از لوث وجود خبیث خود خالی کردند قشون مردانه ما اسلحه دفاع و تنبه را کنار گذاشتند .

مصادف این عید مژده فرحت آور امنیت وراحت از هر نقطه توصل نمود روح سکونت و اثابت در مردم عاقبت بندیش ما دمید ، اهالی غم دیدهٔ محنت کشیده این کشور از هر جهت راحت ومستریح شده آرزوها وامید ها دوباره در قلوب بالبدن گرفت .

وهم شاید بحکم اینکه : در عین بلیه داخل بودن ، دهشت آنرا کمتر فهمیدن است . امروز که اهالی ما قدری بحال خود آمده اند البته ازان روز گار تاریك وازان الم پر دهشت تصور خواهندنمود امروز تذکار آن روز های خونبار روح مردم این کشور را تکان داده امنیت وراحت فعلی را بی اندازه تقدیر وبخدای متعال فوق العاده شکریه و سپاس خواهند کرد ! امروز ملت ما استماع کلمات مقدس اتحاد واتفاق را مثل سابق به بیعلاقه گی تلقی نخواهند نمود ! پس امروز روزیست که همه این جامعه مسلم در همین جامع و آنکسانیکه درباقی نقاط وطن در همین روز مقدس در مساجد خود شان برای پرستش خالق کون و مکان حاضر می شوند ، بخشت با عجز و اعتذار با حضور قلب و صفای نیت واراده کامله از درگاه خدای خود عفو آنهمه ارتکابات سیئه ، وسوء نیات وسوء اخلاق گذشته را خواسته استدعای رحمت الهی را بقیام امنیت و اتحاد کامله محبت ، برادری ، اخلاق شریفانه وتمام فضائل نوعیه و سعادت اخرویه استرحام نمایند .

امروز بایست همه مسلمین وسائر اهالی این کشور این روز بزرگ را بر علاوه فضیلت مذهبی اش روز تجدید سعادت وطن دانسته با اهل کشور خود بتمام اخلاص وصمیمیت وصفای باطن و ظاهر معانقه و مصافحه کرده و این صفوت و طهارت اخلاق وسلوك انسانیت کارانه امروز را خط حرکت دایمی خود قرار بدهند .

امروز ما همه باید بحضور خالق خود موثوقاً عهد کنیم که با حکومت وملت خود تماماً باصفوت و صداقت و اتحاد همراه بوده هیچگاه بیرامون آلکسونه خطرات وتصورات تیره تاریکی که احتمال فتنه نفاق وشقاق را دارا باشد نخواهیم گردید .

امروز بایست قیمت امروز را دانست زیرا دیروز تلخ وناگواری را سپری کردیم ، امروز روزی است که ما بالاظهار وتصمیم دو کلمه مختصر سعادت وشقاوت روز های آتی خود را تعین کرده میتوانیم یعنی اگر امروز برای اتحاد ومحبت همدیگر خود اخذ تصمیم می نمائیم . البته بتوفیقات کامله خداوندی سعادت آتیه ما را استقبال می نماید بالعکس اگر زنگت تکدر در ارادات ما تخلیل وثبات سوئی را بطور نفاق وشقاق در خیال خود می گنجانیم طبعاً نتیجه بدبختی درکمین خواهد بود .

(یکی از خوانندگان انیس)

تتبعات ادبی :

درهاي يتيم

(۲)

دیوان شاعر فقید که دارای غزلیات متعدد مارعیات وخماسیات وغیره لطایف ادبی است بدست خط خود او موجود وتعلق دارده آقای میر عبدالواحد خان آقا

۵) دیوان عاجز از میرزا عبدلواسع خان حکیم که از حکمای معروف افغانستان بوده ودر عهد امیر کبیر امیر دوست محمد خان خیلی ها شرافت منداله زیست میکردند وحکیم خانوادهٔ سلطنتی شان بوده اند ، دیوانی دارند که دارای غزلیات وقصاید خیلی ها متعدد وبی شمار یا که تا اندازهٔ کلیات ، زیرا دورهرزمینه سخن تتبع کرده واستقبالات شیرین از شعرای سلف نموده اند این نسخهٔ جامع که بخط خودآن مبرور است متعلق است بمیرزا عبد النبی خان حکیم که ارثاً بایشان رسیده است

٦) دیوان بدیع از شاه آقای مرحوم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 29 of 896

وادر بزرگ حضرت صاحب شور بازار که در اوایل حال فضل تخلص میکردند اما در اواخر بدیع می نوشتند بخط خود او شان موجود ومتعلق است به آقای معصوم جان پسر رشید آن مغفور .

۷) پنج گنج که تخمیسیست از غزلهای حضرت سعدی اثر ابن قاضی که از شعرای معروف دورهٔ امیر شیر علی خان مرحوم است وتمام غزلهای آن شیخ بزرگوار را بیك اسلوب شیرین ومتین مخمس نموده پنج گنج نام کرده اند وپسر اوشان میر عثمان آقای مرحوم بخط خود نوشته وبه بنده یاد گار داده اند که اکنون متعلق به نگارنده است .

۸) مجموعهٔ حکمت . رساله ایست که میرزا محمد ابراهیم خان مرحوم در فن حکمت ، منطق ، ریاضی ، ادب ، ظرائف لطائف ، نکات محاضرات وغیره نوشته اند، درحقیقت یك جنگ قیمت دار وبا معنیست که از هر خرمن خوشه چینی کرده اند ، این اثر نفیس متعلق است به پسران حکیم مرحوم .

۹) جنگ سردار غلام حیدر خان که یکی از نفیس ترین وقشنگ ترین جنگ هاست ودرآن اشعار وابیاتی انتخاب شده است که اکثر گویند گان آن شعرای این آب وخاک اند ؛ این اثر نفیس تعلق دارد باقای سردار عزیزالله خان سفیر سابقه طهران .

۱۰) دیوان امینی ؛ از یك شاعرهٔ افغان که از دودمان محمد زائی دختر سردار نور محمد خان مرحوم وهمشیرهٔ جناب محمدهاشم خان رئیس حالیه صرافخانه بوده است ، دارای غزلیات خیلی ها رقیق وشیرین که تماماً استقبال از صائب وبیدل است ومثنوی شرح فراق وقصائد در حمد باری ونعت ختمی مرتبت وساقی نامه بطرز ظهوری ، این دیوان قیمت دار که بخط خود آن مرحومه است تعلق دارد بخود نگارنده .

۱۱) آتش فشان از محمد یعقوبخان فراهی که از ادبای امروزه فراه وتقریباً ثانی ابونصر فراهی است ومجموعهٔ است از ابیات منتخبه ، شرح حال مشاهیر هرات وفراه ونکات تاریخی ومسابقه های ادبی وشعری ، ظرائف ولطائف ، این اثر نفیس تعلق دارد بخود نگارنده که از حضرتش برای استنساخ درخود فراه گرفته ام .

۱۲) سراج الاخلاق . از فاضل محترم میر محمدعلی آزاد قونسل حالیه سیستان که در اواسط سلطنت امیر شهید نوشته شده است واز ناهنجاری های روزگار تا کنون بطبع نرسیده وتقریباً باقتفای کیمیای سعادت امام غزالی ومعراج السعادت نوشته شده ومبادی اخلاق را با امثال وشواهد بیك اسلوب شیرین وسلیس نگاشته اند این نسخه منحصر بفرد نیز متعلق است بخود نگارنده .

۱۳) گنج اللغات طرازی که مولف آن از قریه جین فراه است ولی متاسفانه بران کتاب دسترس نیافتم ، که رجوع کنیم وبدقت درین باب چیزی بنویسم ولی چون تا کنون فرهنگی از هموطنان ما مشاهده نشده وذکری نرفته رشکم آمد که این نکته نهفته بماند وبهمین اندك اطلاعی که از دانشمند معظم محمد یعقوبخان فراهی گرفته ام قناعت نمودم وایشان وعده داده اند که در اطراف آن دقت کامل ودرستی نموده برایم بنویسند .

(۱٤) تذکرهٔ میکده . از شیر محمدخان جنبدی قلعه نو . تذکرهٔ است که باندازه وبزرگ آتشکده آذر بلکه حجیم تر وقطور تر وتقریباً تمایند، کافهٔ شعرای افغانستان وخصوصاً هرات ونواحی آن ، هرچند زبان او مقتضی عبارات وجملات محققانه امروزی نبوده اما خوشبختانه برخلاف آذر بیلالی قلم را مصروف تدقیقات وتحقیقات نموده ملك یکی را بدیگر و دیوان دیگر را بدیگری نمیدهد تا اندازهٔ که توانسته است تحقیقات لازمه خودرا باعده زیادی از اشعار ایشان که ذخیرهٔ معتنی به است ازخود یاد گار گذاشته اند وبرای کسانیکه می خواهند تاریخ ادبی یا شرح حال شعرای مارا بنویسند قیمت دارترین ذخیره ومهم ترین مأخذیست که اکنون دردست است ، این نسخه کامل وجامع منحصر بفرد متعلق است به آقای محمدابراهیم خان جنبدی قوماندان سابقه هرات که نواسه شیر محمدخان مرحوم ، وارد تا بایشان رسیده است . درزمان اقامت چند روزه هرات تذکرهٔ مذکور را سرا با مطالعه نموده واستفادهٔ خوبی کرده ام ، اکنون لازم میدانم که درین موقع تشکرات خالصانه خودرا بحضور شان تقدیم نمایم زیرا رهنمائی ایشان وباز سپردن

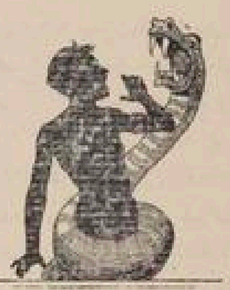

صحیات

اخرین معالجه

با اشعه ما فوق بنفشه

نمی گذرد روزیکه اخبار معالجات جدیده بوسیله اشعه مافوق بنفشه در دنیا منتشر نگشته واطلاعات علماء دراین زمینه مبسوط نگردد . با آنکه بسیاری از اطباء معتقد بودند که اثر اشعه ما فوق بنفشه تنها در امراض ضعف اعصاب ، فقرالدم ورما تیسم مفیده می باشد ، و در ما بقی از مرضها بوجه قاطع عملی تا کنون اثرنمی بخشد . ولی یکدسته قلیل که جداً اقلیت واقع بوده مدعی می بودند که در نوع امراض اشعه مذکور مفید می باشد ، الا اینکه ماهنوز موفق بکشف آنها نگشته ایم .

پرو فسور « ویستان » از اطبای مشهور برلین است که در تیپ اقلیت واقع بوده وبر اثر اهتمام کامل توانسته است که یك جهاز خصوصی اختراع نماید تا اشعه ما فوق بنفشه را بباطن جسم نفوذ داده و در امراض باطنی هم مورد استفاده قرارش دهد . این جهاز عبارت از یك چراغ خصوصی میباشد که در دهن قرار داده شده واشعه مطلوبه بوسیله آن از خارج بداخل منتقل می گردد وقتی این موضوع مسلم شده که الوان آفتاب قاتل هر مکروبی بوده ونوع امراض را علاج می کند ؛ البته نمی شود تفاوت بین ظاهر وباطن قرار داده واثر آن را در امراض خارجی بیش از امراض داخلی دانست ولی علی ای تقدیر اختراع دکتر « ویستان » بالاخره باین اختلافات خاتمه داده و ثابت نموده است که امراض داخلی هم بوسیله اشعه مذکوره معالجه میشوند . (ازمجلات خارجه)

(بقیه صفحه ۷)

بمطالعهٔ من این کتاب نفیس خودرا اکنون سبب شد که از وجود چنین کتابی اطلاعی داشته وخودرا نزدیکی از خوانندگان آن بندارم . درخاتمه ازکسانیکه می خواهند خدمت بادبیات ومطبوعات مملکت خود نمایند تمنا دارم که از هر گوشه و کناری همین کتب فراموش شده را که شاید دور آن جولا نار تنیده و عنکبوت خانه کرده باشد زحمت کشیده رنج برده معلوماتی که مرسوم ومعمول نگارندگان امروز است ازوجود آن بیکی ازجراید وطن تبشیری نمایند . (سرور گویا)

اداره : ــ آقای محترم ، نگارندهٔ ، درهای یتیم ، وعده داده اند که زمینهٔ تتبعات خود را از دست نداده به شماره های بعد از وجود نفیس ترین کتب ها که تا حال سراغی نداریم اطلاع کامل و جهان قیمتی بدهند .

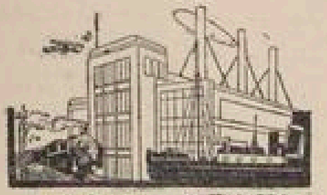

خبرهای فنون و اختراع

عرابه موتر سیکل

با وجود صفتهای زیادیکه موتر سیکل از حیث سرعت و خوردی ، و اینکه صاحب خودرا زحمت زیاد نمیدهد یك عیب بزرگیکه دارد مسئله (پنچر) شدن است که برای دفع این عیب یکی از امریکائیها چنین تجویز نموده که عوض اینکه را بر عرابه یك تک باشد . بالعوض دورا دور عرابه از عدهٔ زیاد توپ های بادی گرفته شود ؛ در آنحال بالفرض اگر در اثنای رفتار کدام میخی تصادف کند . عوض اینکه باد تمام عرابه خارج شود بالعکس تنها باد یك توپ خارج میشود ، و باین ذریعه سوار کار از معطل شدن ایمن میباشد . چنانچه این اختراع بتجربه رسید و در نتیجهٔ کامیاب شد .

کبریت

یکی از علمای مجری یك نوع گوگرد اختراع نموده است که میتوان یکدانهٔ آنرا تا شش صد دفعه استعمال کرد با ملاحظهٔ اینکه کبریت مذکور از کبریتهای عادی بزرگتر یا ضخیمتر نیست

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 31 of 896

طلوع ستاره اقتصاد

از افق با صفای وطن

بیست سال میشود که فن جریده نگاری در وطن محبوب ما بصورت مرتب رواج یافته ، مدنیت اولاد این مملکت باصول محرری اشتاو موافق سابقه وذوق ادبیات عصری در زمینه نشریات عرفانی خدمت می نمایند ؛ جراید ، مجلات ، مجموعه های علمی ؛ ادبی ، سیاسی وغیره هر کدام بنوبه خود در مرکز و ولایات ما طلوع وغروب کرده ارباب حکومات سابقه وفعل ومحررین وطنی از بذل وایثار مقالات وکمک های قلمی ومعاونت های مالی نسبت بآنها خود داری نکرده اند والحاصل مطبوعات مملکتی از طبع ونشر هر نوع آثار و انتشارات مفیده تا یك اندازه مساعی بکار برده ولی معنا سفاً در جنب همه آن آثار و شایعات متعدده عرفانی چشم اهل وطن بملاحظه یك اثر مستقیم اقتصادی روشن شده نتوانسته بود .

این ملت فقیر که همه آرزو های شان موقوف بپول ومعطل به سر مایه است مردمیکه بیش از هر ضرورتی برفع غربت وفقر مالی توجه دارند ، ملتی که بایست ازسرزمین توانگر ومملکت مالدار وثروتمند طبیعی خود امروز تحت استفاده ثروتی نمایند ؛ بجای شنیدن و فهمیدن و مطالعه علوم وآثار اقتصادی وقت شان بمطالب زاید از لزوم دیگر اشغال کرده می شد .

در همین مملکت مستعد توانگر وبرای همین ملت فقیر مجله یا جریده یا چندسطوری در پاورقی جراید بعنوان مطالبات اقتصادی وجود داشت . ازین جهت روح اقتصادیات ما مختنق شده ادبار ملی باین ملك و ملت رخ نمود ، هیچ کس ازپیشه خود راضی نبوده زحمات و عرق ریزی طبقات مختلفه تجار ، فلاح ، صنعت کار را بی نتیجه وآرزو های هر کدام درآخر بیاس مبدل می گردید.

تجار ما از سالیان قبل تا این نزدیکی ها بواسطه بیخبری از راه و رسم و طریقه های تشکیل کمپانی و تودیع شرکت سرمایه و قایم کردن تجارت مستقیم با ممالك بزرگ و مغربی خود را از انحصار تجارت دلالی هند خلاص کرده نتوانستند .

فلاحین و زارعین از عدم استحضار بقواعد علمی و فنی امور مذکوره قدرت نیافته بودند که لا اقل حوادث غیر ملحوظه نباتات ومیوه ونقصانات وارده آنرا جلو گیری یا زحمات و محنت کشی اصول دهقانی و باغبانی سابقه خود را تخفیف بدهند ؛ شنیدن شرکت های فنی زراعت و استعمال آلات و اسباب موجوده آن در نظر شان افسانه یا خواب خوش تلقی می شد .

صنعت کار ما غالب اوقات قیمتدار هبا روزی را منحصر بپهلو ساختن نعل اسب و تیر چوب شکی و دیگر جزئیات کم نفع مصروف داشته و بایست جزئی آلات و افزار کار خود را هم از خارجه ابتیاع مینمودند زیرا که بصنایع و آلات و ادوات موجوده اطلاعی بهم رسانیده نمیتوانستند

آخراً ظهور این حوادث عده پیشه وران ما را از عدم نتیجه صحیحه شغل شان دلسرد و آنهائیکه بیکار بوده و قبول پیشه را عبارت از همین چیزها میدانستند آنها هم متنبه شده در سرتا سر مملکت عده های کاری و فعال این ملت را بیکار ساخت ، در صورتیکه هزاران کار پر منفعت صحیح در مملکت موجودبایست ما برای کار های خود از بیکاران خارجه هم عده را استخدام می نمودیم ؛ این بیکاری تأثیرات سوء در اخلاق عامه تولید کرده عده رهزنی و قطاع الطریق و عده هم هوچی و ابله که بایست دو سر بازار ها و زاویه های شهر و دهات نشسته زاید از اندازه خود حرف ها و سخن ها بسرایند و یکعده بزرگی هم حیات کوچی گری و چادر نشینی اختیار کرده مزارع ومساکن اهالی پیشه‌ورمملکت‌را در هنگام عبور و مرور خود پا مال کرده و هزاران نوع خسارات بمردم و اهل میرسانیدند .

والحاصل اگر این بیکاری وفقر عامه رخاوت و تنبلی یا کفایتی اهالی نسبت کرده می شد خارج از انصاف بود زیرا انهماك وزحمت کشی وذکاوت مخصوص اهالی وپیشه وران موجوده ما را هر شخص منصفی که ملاحظه نماید تصدیق خواهد کرد که اهالی ما از اغلب اقوام خارجه فعال تر وممتاز ترند اگر از کم استعدادی و عدم ثروت های طبیعی مملکت شکایت کرده شود ، جائیکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 32 of 896

های سرسبز وشاداب ، زمین ها وصحاری ودشت هـای قابل وجبـال پرثروت وجنگلهای باعظمت ومواشی وتمام دارائی های قدرتی خاك پرنعمت ما دلایل واضح وبرهـان قاطع بمقـابل اشخـاص متعرض است .

پس سوای اینکه گفته شود باز ملت مستعد قابل کسی طریق های کار کردن وراه ورسم اقتصادیات را نیاموختـه اند واین ملت ازآن چه باید بدانند بیخبر بودند واین بیخبری مسبب فقر عامه شده است که دیگر نفس وارادی نبوده واین مطلب تاجای صحیح خواهد بود !

امروز بعقیده ما کسانیکه علاقه مند بسعادت این ملت اند وکسانیکه میل دارد خدمتی باین آب وخاك کرده واین تشتت فکری وجریانات سوء اخلاق مولد گذشته را ازین ملت رفع نماید خصوصاً کسانیکه قلم دارند وچیزی میتوانند نوشته بایست ملت را بکار های سود مند اقتصادی و نشان دادن طریقه ها وراه ورسم آن دعوت نماید !

خصوصاً امروز ماکه مطابق آرزو و آمال دیرین خود نشر مجله شریفهٔ اقتصاد ، را ازحوصلهٔ وزارت جلیله تجارت ملاحظه می نمایم این یك عالم مسرت وامید واری را نشان داده آرزو های مارا این مجله می بالاند ، بهوسس ازرگك ورهنمای یگانه سعـادت این ملت اعلیحضرت غازی خصوصاً بوالا حضرت اشرف صدراعظم صاحب که این مرد جلیل یگانه طرفدار اینگونه مطـالب نافعه ملی هستند ادعیه خالصانه تقدیم و بنگارنده محترم آقای زمان خان ترکی که درنگارش این نامه محترمه ذوق وعلاقه خصوصی دارند تبریك گفته موفقیت شانرا ازخدا تمنا می نمایم !

ضمناً از وزارت محترم تجارت ونگارنده عزیز وآنذوات محترمیکه ازنقطه نظر همدردی ملی مقالات فنی باین مجله بذل میفرمایند تمنای ما این است که قدرت مفکوره و ادراك ملی را درنظر گرفته مطالب را ساده وعام فهم تحریر وهم اگر مقتضی سرمایه مجله بوده باشد بعضی مطالب را جمه بفلاحت وزراعت ومالداری را بطور ورقه های علاوه مجله طبع ودرنقاط لازمه مجانی توزیع فرمایند ولی شرکت تجار وملا کین معروفه درین مجـله حتمی باید بوده باشد وهم محترمین اهل قلم انگارش وکمك های فکری وقلمی را درین مجله باهمهٔ ملی بهترین خدمات قلمی خود بملکت دانسته ازنگارش مضایقه نفرمایند .

(غلام جیلانی اعظمی)

خبرهاي خارجي

راجع به معاهده گمرکي

المان و استریا

در شماره قبل راجع به معاهده گمرکی جرمنی واستریا و حس انتقـام جرمنی از دول متحاربه ووضعیت و مناسبات سیاسی ونژادی این دو دول نقا رئین محترم عرض وضمناً متذکر شدیم که معاهده مذکور تا چه اندازه به سیاست اوروپا پیچیده گی وآینده ناخوش گوار تولید و تابه کدام اندازه افکـار سیاسیون ودول اوروپارا به خود جلب نموده است .

راجع به این مسئله هـنوز هـم افق سیاست اوروپا تیره وافکـار مختلفاست چنانچه بتاریخ ۲۷ مارچ باسر مستر « هندرسن » سفرای انگلیس متعینه (برلین) و (وین) ، از صـدر اعظم المان و قائم مقـام صـدر اعظم استریا ملاقات نموده ونظریه خود هارا راجع به مواقفه گمرکی استریا والمان ، پیش نمودند که : دولتین معاهدتین الی انعقاد جلسه مجمع ملل (که به همین زودی ها منعقد میگردد) هیچ قسم عملیات اقدام ننمایند .

بجـواب این پیش نهاد شان صـدارت عظمی المان و استریا بهمان نظریه سابق خود (معاهده مذکورمطابق به پرتوکول ۹۲۲ ژنو است) تکیه نموده ، مداخله شورای مجمع ملل را بالکل بی اساس وغیر قانونی می دانند

وهم چنین یکی از جرائد سویتی معاهده ومداخله مجمع ملل را راجع به معـاهده من بود ، صریحاً حق وکوشش فاتحین ورسای دانسته ، از یك طرف تجـاوز علی به حقوق مغلـکتین ، و از دیگر طرف سبب مجادله بزرگ بین الملل تلقی می کـند .

اگر چه تا حال وضعیت فرانسه معلوم نیست که کدام رویه را انتخاب وچه نظریه را اختیار کرده است ؟ ولی با این هم گفته می شود که معـاهده مذکور خیلی اضطراب و ، هیجان بزرگ

به فرانسه تولید کرده است وحقیقتاً فرانسه به تعویق انداختن معاهده مذکور الی انعقاد مجلس بین الملل خیلی ها کوشش خواهد کرد .

همچنین است که جریده (ازوبستیا) وضعیت و اضطراب فرانسه را تحت مطالعه قرارداده چنین می نویسد « فرانسه کوشش دارد تا تمام قوای خود را برای محافظه وضعیت خود در اروپا و بر خلاف موافقه آلمان واستریا آماده نماید فرانسه نه تنها ازطرف « اتتات صغیر » وبرطانیه امید معاونت دارد ، بلکه از طرف ایتالیا بنا برموافقه بحری فرانسه وایتالیا ، وبسبب وضعیت ایتالیا به نسبت پرتوکول آلمان واستریا ، چشم امیددارده ونیز جریده مذکور اساس های ورسای راتحت تنقید گرفته در آخر چنین میگوید « این هم یکی ازکرشمه ایست که اساسهای « ورسای » در اروپا بعد از جنگ عمومی ، « مخالفت های جدید » تولید می نماید . » (۱۰٫۴)

روتر :

پاریس ۷ اپریل ـ گمان میرود که دولت برطانیا ، بروننگ رئیس الوزراء وکرتیش وزیرخارجه آلمان رابرای ملاقات وسیاحت غیر رسمی به لندن دعوت کرده است به نسبت دعوت نمودن (هندرسن) رئیس الوزراء و وزیر خارجه آلمان را به لندن جرائد فرانسه مشتبه شده اند که زیر کاسه نیم کاسه است ،

هندرسن (وزیر خارجه انگلیس) موسیو بریان وزیر خارجه فرانسه را هم دعوت کرده است ولی موسیوبریان تاحال جوابی نداده است . گمان میرود که نماینده گان دیگر دول وخصوصاً ایطالیا هم دعوت کرده شود .

رئیس جمهور فرانسه کي خواهد شد

پاریس ۹ مارچ ـ مجله « دی وبوان » مسابقهٔ در خصوص تعین و انتخاب رئیس جمهور آینده به این عنوان بر روی قارئین خود کشاده است .

درجریان این ماه متخصصین بقرار ذیل دارای آراء شده اند :ـ

موسیو دومرگ (رئیس جمهور حالیه) دارای ۱۷٤ رای

موسیو بریان (وزیر خارجه حالیه) دارای ۱۵٤ رای

موسیو دومر ـ ۱۱۵ رای ـ موسیو پول پنلووی ۹٤ رای ـ موسیو ماژینو ۶۵ رای ـ موسیو تاردیو ۵۵ رای موسیو هاریو ۵۳ رای ـ موسیو جارج لیگ ٤۷ رای ـ موسیو اتان برتا رد ٤۱ رای .

زلزله در مقدونیه

بوداپست ـ ۹ مارچ ـ در یوگوسلاویا درین روزها ، زلزله شدید واقع گردیده وقرار اطلاعات اخیره ۱۶۰ نفر تلف شده است .

استعفای کابینه جاپان

توکیو ـ ۱۱ اپریل ـ در اثر علالت (هاما گوچی) کابینه جاپان مستعفی شده است

تاس :

نمایش صناعتي شورویه

(در ایران)

ماسکو ۳ اپریل ـ نمایش صناعتی شورویه درطهران افتتاح ودرنمایش مذکور ماشین های خواجه‌گی ، دهاتی ، ماشین نساجی وماشین محصولات نفت درمعرض نمایش گذاشته شده است .

برای افتتاح نمایش مذکور اعضای حکومت ونماینده گان تجارتی ودوائر عمومی حضور بهمر سانیده بودند .

خبر هاي داخلي

مسابقه فت بال

متعلمین امانیه . وحربیه

چندی قبل از طرف طلبای مکتب امانیه دعوت مسابقه به مکتب حربیه داده وموعد آن روز یکشنبه ۱۳ ثور قرار گذاشته شده بود همان است که حسب وعده دیروز به ساعت ۵ بجه و ۱۵ دقیقه عصر شروع وبه ۶ بجه و ٤۵ دقیقه اختتام یافت .

هر چند بازی هر دو طرف مساوی بود بیك شعف و سرور ، اختتام یافت ولی دو گول اول را مکتب حربیه ودوی ثانی را مکتب امانیه نمود .

ع ش معین صاحب اول وزارت حربیه رئیس صاحب ارکان حربیه وبا دیگر صاحب

متصدیان و ع ص میر سید قاسم خان معین معارف هم حضور داشتند.

بعد ختم مسابقه، مدعوین محترم و باقی اهل معارف برای صرف چای که قبلاً تهیه شده بود، تشریف بردند درین بین آقای عبدالفتاح خان متعلم مکتب حربیه خطابهٔ ذیل را ایراد نمود:

حضار محترم وبرادران عزیزم.

بنده ازجانب خود وهمقطاران مکتب حربیه ام نسبت باین حسیات برادرانه و گرمجوشیهای دوستانه مکتب عالی امانیه اظهار تشکر وامتنان می نماید —

عزیزان عرفانی.

حربیه ومعارف وطن کاهی از هم تفریق وتفکیکی نداشته چشم یک ملت ومملکت اند.

همین که ملت روح مملکت وروان حکومت است — حکومت هم باعث تجمع وتأمین کافهٔ افراد ملت ودر نتیجه لازم وملزوم یکدیگر اند —

قوای حربی درصورت عدم تعاون عرفانی پایه ومرتبه نداشته — نیاتاً همواره تکمیل وتأمین معارف ذریعهٔ حربی شده یعنی بالآخره به آغوش وهمدوش یکدیگر اند — زیرا معارف بامراودات معنوی و حربیه نظر بقوای جسمانی در ترقی وتعالی مملکت خویش رفاهیت وبهبود وطن مقدس وملت را باز یافت میدارند —

بدین ملاحظه تربیه جسمانی اهمیت فوق العادهٔ داشته به شعبه و قوه عرفانی و حربی ضروری و لازمی است ممالک متمدنهٔ امروزه تربیهٔ جسمانی را باندازهٔ بلند برده اند که شاملین کلوبهای فت بال وغیره، کسمتاش و امرارحیات خود را بآن می نمایند — حتی موقع سیاسی بآنداده قوه و طاقت ممالک را نسبت به کلوبهای متنوعه اش می شمارند همین طور مسابقه های دوستانه نیز محبت واتحاد را زیاد نموده باعث ترقی قوای معنوی و جسمانی افراد می شود — مسابقهٔ که امروز بین مکتبین امانیه و حربیه صورت گرفت امید است به تلذذات دوستانهٔ شان افزوده باشد — محبت و اتحادیرا که سرمایهٔ ترقی و تعالی ملک و ملت است نتیجه دهد —

گمان نرود که دائماً غلبه یک تیم یا یک جنبه او تائید نماید — بارها دیده شده که کلوبهای بس ماهری چندین گولها خورده و مغلوب شده اند ولی باز هم چهان شوق و ذوقیکه بوده اند مداومت کرده بل از آنهم بلند تر رفته اند مسئلهٔ رقابت در بین همگنان نسبت بعلوم فنون غبطه گفته می شود که شرعاً و وقتاً جائز است — از همین جا است که مسابقه ها غبطه طرفین را فراهم ودر نتیجه سبب ازدیاد فن شان میشود — پس عیبی ندارد که من باختم پاشما بردید — باقی دوام سلطنت اعلیحضرت غازی مان شاه افغان در خواسته کامیابی داران ملت عزیزم را میخواهم.

بعد ازان، آقای محمد رضا خان متعلم صنف ۱۱ مکتب عالی امانیه، بجواب فوق و در موضوع سپورت خطابهٔ ایراد نمود، و مجلس مذکور با یک جوش و خروش برادرانه خاتمه یافت.

ورود وزیر مختار

عالیقدر جلالتمآب «هررت شوربیل» وزیر مختار دولتیه الهان، بروز شنبه ۱۲ ثور، وارد کابل گردیدند.

فکاهیات

دلاک

جوانی در دوکان دلاک رفته خواهش نمود تاریش اورا بتراشد، ولی بسبب کند بودن تیغ خیلی متاذی شد. دراین اثنا اشتری در سرك (بع بع) زیاد میکرد، دلاک آهسته از خود پرسید! این را چه بلا زده که اینقدر صدا میزند.

جوان فوراً بجواب گفت: شاید ریش اورا میتراشند.

دیگر

اثنای که دلاک ریش یک نفر را میتراشید روی اورا چند زخمی کرد، در نصف کار شخص روی خود را درآئینه که دید، صدا زد: پس براهم یک تیغ بده تا از خود مدافعه کنم.

---

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 35 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

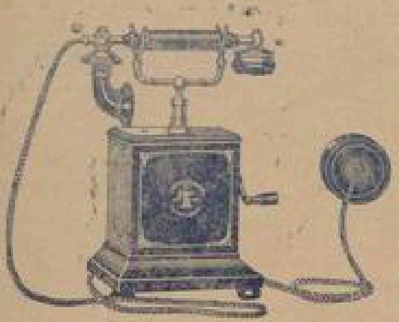

تیلفونهای اریکسون

اریکسون فابریک است که در سنه ۱۸۷٦ تقریباً در تاریخ اختراع تلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالک دنیا قریب پنجاه فابریک بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریک مرکزی اریکسون در ستاک هالم (سوید) و شعبات او علیحده فابریک ها نیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا استریا چکوسلاوا کیا هالیند هنگری ـ ایطالیا پولاند و علاوتاً تقریب پنجاه نماینده گی در ممالک بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریک اریکسون را دارا است و بهترین سیستم تلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن مناسبترین قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشتریان را از همه جهت فراهم خواهد آورد خواهش مندان و طالبین اینگونه تلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارگ کابل است رجوع خواهند فرمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 37 of 896

۳

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۲ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید
رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 38 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 39 of 896

شماره (۳) مجلد (۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ "
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جادهٔ ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۳ شنبه ۱۰ ثور ۱۳۱۰ تاسیس ۱۳۰۶ ۲۲ ذیحجه ۱۳۴۹

عسکریت چه میخواهد

هم چنانکه یك مملکت برای ادامه حیات خود در جرگهٔ ملل عالم به ثروت و غنا احتیاج دارد، بهمان صورت، بلکه بارها بیشتر از آن، جهت حفظ حیات و وقایهٔ شئون مملکتی، و عزت النفس مملکت ونگهداشتن حریت واستقلال در جرگهٔ ممالك به عسکر وعسکریت محتاج است. عسکر را می توان بکمال صحت با حکومت بجان رابطهٔ مربوط وبجان نسبتی منسوب دانست که روح را با جسم.

قوهٔ اجرائیه یك حکومت بدون وجود عسکر صحیح و مطابق به مقصد معنی ندارد. وتا به اندازهٔ که بمشاهده پیوسته است هر قدر ملل ترقی نموده اند وسامان تمدن را بیشتر فراهم آورده اند باین چیز (که آنرا می توان بدون مبالغه حامی حیات ملل دانست) بیشتر احتیاج محسوس کرده اند، وهر قدر بلند تر رفته اند بهمان اندازه مجبور شده اند عسکر خود را بیك معنی صحیح تر و شکلاً به حقیقت نزدیك تر عسکر سازند. ازین جاست که دول تمام قوای خود شب وروز محض برای تعلیم عسکری صرف نموده، و در نتیجه عسکری به صحنه دنیا می برارند که دیده وبا فعلاً شنیده ایم.

مقصود ما درین جا این نیست که به فلسفه این مسئله که عسکریت را چه چیز روی کار آورده است پرداخته، از رقابت های ملل، و تزاحم حیات بحث نموده وبا در عقب آن بیفتیم که انسان چه اقتضائی دارد و آن باو چه می کند. این چیزی است که ما را از عنوانی که اختیار کرده ایم قدری دور تر برده و برای ما مفید ثابت نخواهد گردید.

برخلاف آن چیزی که ما میخواهیم بگوئیم اینست که در هیچ وقتی از اوقات یك مملکت اگرچه باندازهٔ دول متمدنه عالم باشد نه می تواند از عسکر وعسکریت بی نیاز گردد. حتی دول ممالك نیز با آنکه ملل دنیا دانند ما منتظر نه می باشند که دیگری برای شان کار کند بلکه بر عکس برای جزئی ترین مباحثهٔ که در اطراف امور حیاتی شان می شود تا به شکستن سرهای خود ایستاده اند و کار خود را به تمام معنی آن خود آن حال به پیش می برند، بار هم اجرائیه حکومت را به هیچ صورت نه تعلیم یافته گی افراد ملت ونه اینکه مفاد خود را میدانند و خود می سنجند وخود درصدد بدست آوردن آن می برآیند. ونه اینکه حکومت در پیش برد مفاد خود اکثراً از منطق صحیح کار می گیرد. هیچکدام این چیز ها و چیز های دیگری از همین قبیل نه می تواند از داشتن عسکر وقوهٔ انضباط وغیره بی نیاز سازد.

عسکر امروز جزء لازمی وعامل مهم حیات داخلی وخارجی میباشد بشمار میرود ممالك عالم لازمست برای طی نمودن راه ترقی وتعالی؛ فرصتی و اختیاری داشته باشند، و تنها چیزی که این فرصت و اختیار را به ایشان تقدیم میکند، استقلال ورهائی از زنجیر غلامی اغیار است واین را برای یك مملکت بجز داشتن یك عسکر صحیح که مدافع حیات و آزادی آن مملکت را متصدی گردد دیگر چیزی ضمانت داری نمی تواند بکند. اگر ملل عالم مجبورند حکومتی وقوهٔ اجرائیه داشته باشند ابداً نه می توان ازین انکار نمود که به عسکر لزوم قطعی دارند، خصوصاً در مملکتی مانند افغانستان شاهد اگر نظری

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 40 of 896

مدققانه به عقب وهم چنان به حال و باز آتیهٔ خود بینداریم ، حاجت نخواهد بود از ضرورت آن بحثی کنیم . چه به عقیدهٔ ما احتیاج ما بآن دوتزد هر کس پیش از بدیهی آشکار خواهد بود .

اینکه عنوان محرر خود را « عسکریت چه میخواهد » اتخاذ نمودیم ، مقصود ما این است که دیده‌ایم ومی‌بینیم وهمی شنویم که حکومت ما این مسئلهٔ را بیش تر از آنکه ما تصور می کنیم احساس نموده ، وبرای ترقی عسکریت وتولید عسکر صحیح درافغانستان اقدامات سریعی دارد ، ویرو غوائر های خیلی وسیع ومفید ترتیب وتدوین نموده است ، وشاید هم چون افکار بسیار عالیتر وباتجربه تر ازما این مضمون‌را موضوع بحث قرار داده اند به نظریات عاجزانهٔ ماداران زمینه احتیاجی باقی نمانده است .

معهذا اگر درباب ضرورت واحتیاج خود بآن ، ویا درباب اصول تربیهٔ مکاتب حربی وتعلیمگاه های عسکری چیزی نگوئیم اخبار مابه حیث یکروز نامهٔ ملی مجبور ومکلف است باینکه جوانانی را که درین مسلک مقدس داخل اند وعسکریت ما از ایشان مرکب است مخاطب خود قرار داده قرار اقتضای وظیفهٔ وجدانی خود چند مسائلی را که برای افراد داخل این مسلک محترم لازم میداند بعرض رساند .

اینک میگوئیم که عسکریت عبارت ازپوشیدن لباس عسکری ویا داخل شدن اسم انسان در فهرست سربازان مملکت وباسحر وداشتن تفنگ نیست . مخفی تفنگ انداز را می توانیم شجاع بگوئیم ، ولی نه می توانیم بگوئیم عسکر است ، چه عسکریت چنانچه دنیا تجربه نموده است وبنانچه عقل سلیم اشاره می نماید از وضع عسکری به اخلاق سربازی بیشتر احتیاج دارد یعنی عسکر باید دارای اخلاق سپاهی گری و سربازی باشد . عسکر بدون اخلاقی که مسلکش متقاضی آن است حقیقت ندارد و نه می تواند بدون آن رول مهمی را که در حیات ملل دارد بازی کند ویا وظیفهٔ مشکلی را که بر دوش خود گرفته است ایفا نماید .

یکی از اخلاقی که در عالم عسکریت بیشتر از همه محتاج به است ، وفاداری است و بدون وفاداری نه می‌شود از عسکر کاری بگیرند که وجود او برای آن لازم است . عسکر تا وقتی کامل نداشته باشد پایداری و تحمل را ، که یکی از خصائل بزرگ سربازی است نمیشوان ازو امیدوار بود و در معرکه ها وجدال های شدید حربی باوجود این کارستان های فوق العاده که در ایجاد آلات ناریه نموده اند اگر عسکر از پایداری و تحمل کار نگیرد ، و اگر حس وفاداری خون اورا در عروق وشرائین وجسدش بشدت تمام بگردش نیاورده و تولید حیت نکند ، مقاومت نمودنش از عقل بعید است . وفاداری خصوصاً آن حس وفاداری که در نتیجه تربیه صحیح و تعلیم اصولی در دماغ فرد عسکر جای بگیرد ، هموار یک محرک قوی و سائق بزرگ برای سوق دادن عسکر بطرف فداکاری و جانفشانی می‌شود ، و بدون آن توقع جان دادن از عسکر در راه مقصود خود عبارت ازفکر باطل است می بینیم هر ملتی از ملل دنیا که عسکر دارد ، ترانه های ملی دارد ، آن ملی های را به عسکر خود می آموزد . اشعار و خبری را که دران از عنعنات تاریخی به کلمات مهیجی بحث می کنند بایشان تعلیم میدهد . آیا این همه برای چیست ؟ باین سوال جوابی که می توانیم بدهیم اینست که بوسیله آن میخواهد احساسات عسکر را به شور بیاورد ، سوزی در دل های شان تولید کند و با عبارت بر افاده از آتش حیت وغیرت را در وجود شان بفروزد ، و دادن سر وجان وریختن خون را در نظر شان بدان وسیله آسانتر بسازد

وفالیزا اگر به حقیقت امر نظری کنیم همین تأثیررا بروجود عسکر اجری می‌نماید ، ایشانرا به مقصود شان صادق می سازد ، حس شجاعت وغیرت میدهد ، به هیجان می آورد ، مست می کند ، ولذا برای بدست آوردن مقصود خود بکمال آسانی سر می بازند وخود را فدا می کنند .

عسکر بدون وفاداری نه می تواند مصدر کاری گردد . چنانچه دیدیم که در حکومت سابق بنا بر سوء رفتاری که

(بقیه در صفحه ۸)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 41 of 896

قلم آقای میر غلام محمد خان :

یادی از شعرای وطن

دقیقی بلخی

نصف قرن چارم هجری

مقدمه : در جهان ادبیات مشرق زمین ، زبان فارسی موقعیت نفیس و بلندی را ، همیشه دارا بوده است . و درین میانه ادبای افغانستان و فارسی افغانستان ، رولهای مهم و سحر پروری بازی کرده اند .

افغانستان در زمانه های قبل المیلاد یعنی هنگامیکه در ممالک هند و فارس زبانهای سانسکریت و فرس قدیم مراحل ابتدائی را طی مینمود ، هم در عالم ادبیات جای مخصوصی را احراز کرده ، ودر همانوقت ها بود که اوستای مشهور در زبان باکتریای زرگت (افغانستان) یعنی زبان «زند» مرقوم و منتشر گردید .

ولی بعد ازانکه اسکندر مقدونی زبان فرس قدیم را که جانشین زبان زند نیز گردیده بود از تخت به تخته کشید وسلوکیها (جانشینان سکندر) بوهلینت را باتمام معاینش در ممالک افغانستان و بلوچستان وفارس ترویج نمودند ، تا زمان خاتمه کار پارتها در غرب افغانستان یا کشانهای ساسانیان فارس دیگر اثر و خبری از ادبیات افغانستان در روزگارها باقی نماند .

در زمانیکه ساسانیان فارس زبان پهلوی را ترقی میدادند ، بعلاوه زبان پشتو در جبال افغانستان ، زبانهای : سزابلی ، سیستانی ، هروی نیز در بلاد افغانستان معمول و مروج بود . اما دخول عربیت بامذهب و شمشیر ، آثار علمی وادبی این السنه را فی الفور اکر بوده است ، همگی محو و نابود نمود . بحدیکه در یکقرن بعد الاسلام زبان پهلوی از جهان السنه امم معدوم و منسی گردید ، و کتب علمیه او در بطون حامها بسوخت .

هکذا زبانهای : سزابلی ، سکزی ، هروی تنها زبان پشتوی قدیم در حمایهٔ عاویت جبال شامخه خویش از دستبرد صرصر حوادث ، و ترکتازان سپاهی وسطی در قلال کوهها الی یومنا باقی و مستمر ماند . ولی جای علم و فن از جانب تمام السنه آسیای وسطی اسلامی ، همان برای لسان عرب تخلیه گردیده بود .

از اختلاط زبان عرب با پهلوی فرزندی بمرصه شهود بر آمد که آن را فارسی موجوده نامند ، ما مردمان خراسانی برای پرورش این طفل نوزاده که نتیجه اختلاط چیزی که دو قرنه زمان بود ، بذل مساعدتی نمودند ، و ادبائی در آن میانه پیدا شدند ، که شعرهای فارسی آمیخته بعربی سرودند ، حتی ابوالعباس مروزی اولین شاعر خراسانی بود که در سال ۱۷۳ هجری صله اشعار خود ، از حضرت مامون که یکی اجله فضلای وقت بود ، بعطایای خوب متمتع و سر فراز گردید .

بعد از مامون الرشید دیگر عوامل عرب وقعی بزبان فارسی نداده ، بلکه در امحای آن بذل غیرت مینمودند ، زبان علمی ، ادبی ، رسمی همان زبان عرب بود ، نظامی عروضی سمرقندی در تذکره مشهور خود ؟ که بنام علیشیر اهدا کرده مینویسد : - اعراب کتب فارسی را (فارسی مقصد از پهلوی داشته) در مملکت فارس محو کردند ، در خراسان نزد عبدالله بن طاهر عامل عرب (اینشخص ذاتاً فارسی بود ولی تسلط معنویه عرب روح ملیت اورا سقوط داده بود) شخصی کتاب وامق وعذرا را که بنام انوشیروان جمع شده بود اهدا نمود . امیر عبدالله بفرمود تا کتاب مذکور را در آب بشستند وجواب داد برای ما کتاب کریم کافیست .

این امیر در حدود نصف اول مائه سوم هجری ثبات خود را نسبت بزبان غیر عربی اینچنین اظهار کرد .

ولی اتفاقاً در نصف ثانی مائه سوم هجری ، وسایل در مملکت افغانستان و حواشی آن فراهم آمد ، که علی الرغم این سیاست ، زبان فارسی سرا از نو در حوزهٔ السنهٔ ادبی آسیا داخل گردید . این وسایل عبارت بودند از حکومتهای فاضل وادب پروری که در افغانستان ، مثل صفاریان سیستانی و ناصریان غزنوی ، و یا از اهل افغانستان مثل سامانیان بلخی ، باحیا و ترقی ادبیات فارسی مساعدت و مبارزت ورزیدند .

صفاریان سکزی در نیم قرن اخری مائه سیوم هجری از اشعار فارسی حسن استقبال نمودند . سامانیان بلخی از اواخر قرن سیوم تا اواخر قرن چهارم هجری در استحکام و استخوان بندی این ادبیات روح وخون زندگی را حلول دادند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 42 of 896

ان غزنویان مرکزی از اواخر قرن چهار تا نصف های قرن شش هجری این جسم لطیف را از روی زمین برداشته در فضای ترقیات و مسند جلال نشانیدند ، ادوار شعرئی که در دوره های این حکومات ثلاثه ، اسباب احیا و اعتلای ادبیات فارسی گردیده اند ، قسمت عظیم ومهمترین آن شعرای افغانستان بوده اند ، مثلاً در عهد طاهریان وصفاریان ، از مقدمین این فن غریب حکیم حنظله باد غیسی (هراتی) استاد ابوشکور بلخی ، محمود وراق ، فیروز مشرقی وامثال آنها بشمار میرفتند ، در عهد سامانیان قبل از رودکی بخارائی وبعد او ، اساتید ادبیات : استاد ابوالحسن شهید بلخی ، دقیقی بلخی استاد مرادی وطخاری وغیرها بودند . در عهد غزنوی خو چگونم که استثنای بعضی دیگر هرچه بودند شعرای افغانستان بودند مثلاً : عنصری بلخی ، منوچهری بلخی ، عسجدی هروی ، فرخی ابوالفتح بستی ، فرخی ، بدیع دهی ، زینبی سنکزی ، حکیم ناصرخسرو علوی ، ابو رجا هروی ، بدیعی ، بدایعی ، ابوالفرج ، حکیم سنائی ، مختاری ، ومعزی وغیره وغیره این شعرائی که قدیم هریك در حد ذات خویش از پیشوایان وسر بر آورده کان قافله ادبیات فارسی بحساب اند .

بعد از هبوط غزنی ، شعرای افغانستان ، دورهای ادبی سلاطین غور وسلجوق و خوارزمشاهیان را بر روی کار آوردند ، از قبیل : ابوالقاسم رومی ، ابوبکر جوهری حکیم ازرقی هروی ، عبدالواسع جبلی انوری بلخی ، سید حسن غزنوی مجدالدین بیتق (هروی) صابر حکیم ترمذی ، عبهری غزنوی ، فرید الدین کاتب بلخی ، چاروش غوری ، مولوی روم بلخی ، رشید الدین وطواط بلخی سراج الدین بلخی ، علاء بلخی ، سیف الدین اسفرنگی وغیرها .

در افغانستان از ادبیات بحث تقدیر میشد ، تربیه خانواده های خاندان های شاهی بر اساس ادبیات فارسی افغانستان گذاشته میشد . سلطان محمود ناصر الدنیا والدین و سلطان مسعود شهاب الدوله و جمال الملة وعلاء الدنیا والدین سلطان حسین جهانسوز غوری هریك فی حد ذاتها از شعرای باذوق شمار میرفتند صاحب چهار مقاله قندی میگوید : در وقتی که جهانسوز غور ، بانتقام سیف الدین سور برادر خود غزنی را آتش زد و آل ناصر و محکوم به زوال نموده ، حتی قادر بیکی اسمای سلاطین غزنوی نبودند باآن سلطان حسین قصاید ومدایح شعرا را که در مدایح آل سبکتگین بود بزر خرید و در خزائن سلطانی محفوظ نگاه میداشت و خودش دایماً از ابیات فردوسی در مدیح محمود این سه بیت را ترنم مینمود :

چو کودك لب از شیر مادر بشست
بگهواره محمود گوید نخست
بتن ژنده پیل و بجان جبرئیل
بکف ابر بهمن بدل رود نیل
جهاندار محمود شاه بزرگ
بآبشخور آرد همی میش و گرگ

سیلاب شرور وفتن مغول ، مثلیکه شهرهای معمور افغانستان را بخرابه زار ها تحویل داد ، همچنان عرصهٔ ادبیات افغانستان را سنگلاخ وتنگتر وکمیت فراخ و ذوق ادبا را سوده و لنگ ساخت . از این به بعد ست که ادبیات فارسی رو بانحطاط روان شد ، و این دورهٔ فترت ادبی تا عصر دوازده هجری طول کشیده ، در طی این دوره در ممالکت فارسی وغیره ها شعرائی که بمنصهٔ شهود و امدند از جهان سبك و شیوهٔ شعرای متقدم افغانستان بسخن سرائی آغاز نموده اند ، گویا سنت سینهٔ شعرای افغانستان از قبیل : جبلی ، فرخی ، منوچهری ، سنائی ، مولوی معنوی ، ازرقی ، مختاری وغیره . تا اوایل عصر حاضر در ممالکت فارسی شناس حکومت مینمود ، پس از دورهٔ ادبیات جدید فارسی آغاز میکند که ما از آن سخن نمیگوئیم .

در اینجا منظور بسط تاریخچه ادبیات فارسی مرقوم گردد ، ولی برای ذهنی شدن مطلب که عبارت از وقوف ومقدار شعرای کبار وطن است ، و تحریر این مقدمهٔ کوچك لازم بود . شعرای افغانستان از افتخار اکثر ادبای جهان حتی اولاد افغانستان تا اندازه ئی محجوب ومستور است . هنوز از ابونصر فارابی ، ابوحنیفه اسکافی ابوالمؤید و شقیق بلخی ، فرخاری و وقطران بلخی ، منجیك ومعزی ، عصاری و عبدالله بن طاهر ، بالاخره از رابعهٔ بلخیه و عایشه درانیه و امثالهم معلوماتی در دسترس عموم نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 43 of 896

تذکره‌ها و تاریخهای عمومیه که در موضوع شعرای فارسی زبان نوشته شده از این مقصد دور اند. شعرای هرات و غرب وطن در زیر عنوان خراسان فارس آمده و گذشته اند. شعرای بلخ و مرو و طخارستان و تمام نواح شمالی افغانستان در ذیل توران کشان پوشیده شده اند. فقط شعرای غزنین و غور تا حدی محفوظ مانده و دستی نخورده اند.

مسئولیتی ازین راه بتذکره نویسان ادبی عاید نمیشود، چونکه اسم اصل افغانستان بعد از ظهور اسلام از میان رفته، اعراب او را (خراسان) نامیده، و شاهان باختر گفتند، فارس ها قندهار و کابل خواندند، تورکها سیستان و سند و هندو ها بلخ و هرات شمردند. مورخین نیز این مملکت را گاهی بنام سلاطین آن، غزنوی و غوری وغیر ها گفته، و گاهی اهالی و اقوام آن را باسمای بلاد آن کابلی و بدخشانی، مروی، سگزی، هراتی و بلخی و امثالهم حساب کرده اند اما «افغانستان» خود اسمی است که از دوصد سال است باین مملکت گذاشته شده، و لهذا بعنوان تاریخ های علمی و ادبی، سیاسی و عسکری، اقتصادی و فنی این مملکت قدیم و قویم را در زیر عناوین «افغانستان» به تنهائی میسر و موجود نبوده، و همین نکته است که باعدم وسایل علمی و فنی شانه بشانه داده، وطن عزیز را از پهلوی تاریخ ملی بفقر و احتیاج دوچار گردانیده است.

با کل حال بمقصد جلب توجه فضلا و دانشمندان مملکت، خواسته شد در تحت عنوان «یاد آوری از شعرای وطن» به ترجمه حال یکی از سر گروه گیان شعرای بزرگ وطن، پرداخته شود. این شاعری که ترجمه احوال و منظوماتش فی نفس الامر در عالم تاریخ ادبیات فارسی از منشا هیرومشتری او تعریف است بعلاوه نویسنده چون از اهل شعر واقف نبوده و تشبثاتی درین رشته بعمل نیاورده، لامحاله این ترجمه حال از نقطه نظر انتقاد ادبی و یا تدقیقات علمی نوشته نشده، و نه از جنبه تاریخ حاوی مقاصد مهمه یعنی سوانح شاعر و تفصیل زندگی او میباشد. تنها درینجا نصب العین عاجزه همان جلب توجه فضلای محترم وطن عزیز است بدانطور که قبلاً عرض شد. و نظر بموقعیت و زمان مناسب میباشد، درین موضوع مقالات مسلسل و اثر را کنده و ناقص باشد، در مجلات و جرائد وطنی منتشر گردد. این تناقص و عدم ترادف اسباب تناقص بمقصد نخواهد گردید، که در آینده این مقالات جمع شود و اگر بصفت تقریباً یک تاریخچهٔ ادبی افغانستان بصفحه ظهور بر آورده نشود، اقلاً برای ترتیب و تالیف تاریخ ادبی مملکت یک ذخیرهٔ باقیمتی شمرده شود.

بامعذرت از عدم استطاعت عاجزانه، نمایش و اغماض اداهای بزرگوار و اشخاص محترم را از این محررات فقیر الله امیدها میشود.

(باقیدارد)

اوضاع حاضرهٔ مصر

روز نامه‌ئی در شماره اخیر مقاله راجع باوضاع حاضره مصر انتشار داده که خلاصه آن این است:

همینکه کابینه حاضرهٔ زمامدار امور شد وضعیت خاص آرا احاطه و در تعقیب زمامداری او حوادث مهمی پیش آمد که نهایت اهمیت را داشت و سبب دو اشکال برای او پیش آمد که اصلاح و رفع آن کلی اندازه ضرورت داشت.

اشکال اول که وجههٔ سیاسی داشت آرامش افکار، بر طرف ساختن جدال و مناقشه که نظامات مملکتی و امنیت را مورد تهدید قرار داده بود. و اشکال دوم که وجهه فنی داشت موضوع مالیه مملکت بود که سیاست کابینه سابق بر اثر مداخلات متوالی در بازار جو و بطوری که نزدیک بود رشد اقتصادی مملکت را بکلی محو سازد، و آن را فلج ساخته و فوق العاده ضرورت داشت که کابینه صدقی پاشا تا جائیکه میتواند بسرعت این موضوع را اصلاح نماید و سیاست صرفه جوئی و اقتصاد را خصوصاً در وجوه ذخیره که بالغ بر چهل ملیون لیره انگلیسی بود پیش گیرد و همین وجوه ذخیره نزدیک بود بر اثر مداخلات سوء دو کابینه که پیش از کابینه صدقی پاشا روی کار بودند بیکلی تمام شود.

این احتیاط مالی را دو علت بود اولا اینکه پارلمان مصر بودجه ۱۹۳۰ – ۱۹۳۱ را با کسر [illegible] ملیون لیره در عایدات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 44 of 896

تصویب نمود که طبعاً مبلغ کسر مذکور از وجوه ذخیره احتیاطی جبران گردید و علت دوم که مهمتر و خطرناکتر از کسر عایدات محسوب میشود بطوریکه پیش بینی عواقب وخیم آن هم بسی مشکل بنظر می رسید مداخلات متوالی دولت درامور وشئون مملکت از وجهه سیاسی که صبغه و رنگ اقتصادی در آن واحد داشت و علاوه بر این موضوع بر داخت های بانکی و سلف بمالکین و زارعین که ضمناً منتهی بصرف وجوه احتیاطی می شد نیز هر بار علل دیگر شده بود.

وجوه ذخیره احتیاطی در ابتدای سال مالی گذشته روی همرفته چهارده ملیون لیره پول نقد و بیست و سه ملیون اوراق مالی و سندات بود و همینکه ماه ژوئیه این مبلغ در حدود نوزده ملیون کسر گردیده و رقم اعتبار مزبور در حد اکثر بچهار ملیون لیره پول نقد بالغ شده ولیکن اوراق مالی هم مصرف کردن بسی دو چار اشکال گردید و چیزیکه بیشتر بدی وضعیت کمک کرد تنزل قیمت پنبه از یک طرف و بروز و شدت بحران اقتصادی عمومی دنیا از طرف دیگر بود که صدقی پاشا را مجبور باین نمود که سیاست عدم مداخله در این کار را پیشه نماید.

یعنی دیگر دولت وارد بازار پنبه نشود و در عین حال صرفه جوئی کاملی در بودجه مخارج ادارات دولتی و تقلیل مخارج را از رقم اعتبارات وزارتخانه ها منظور نظر قرار داده و ضمناً پروژ های اصلاحی عمومی را برای امور فلاحتی از نقطه نظر حفظ متوازن بودجه اجرا نماید.

گفتیم لایحه بودجه که پارلمان مصر در آوریل گذشته تصویب نمود متجاوز از نه ملیون کسر عایدات داشتند که از وجوه احتیاطی جبران شد و هر گاه حوادث خطرناکی مملکت را احاطه کرده بود استثناء کنیم کسر بودجه یک کار عادی بود.

بطوری که کابینه هائی هم که متعاقب کابینه پارلمانی روی کار میامدند بیستی و وجوه احتیاطی را برای اجرای پروژه هائی اصلاحی بمصرف برسانند که برای مملکت عایداتی تولید وجلب نماید و بر اثر اجرای آنها تجدد اقتصادی و اجتماعی حاصل گردد.

وقتیکه نحاس پاشا زمامدار امور گردید وضعیت بقرار ذیل بود.

وجوه احتیاطی تقریباً بالغ بر چهل و سه ملیون و نیم لیره می شد که از این مبلغ دو ملیون و نهصد و پنجاه هزار لیره در صندوق دیوان و چهل ملیون نیم لیره هم تقریباً در خزانه داری کل موجود بود، بنا بر این باید دانست با چه کیفیتی در ظرف چند ماه این وضعیت و آسایش یکمرتبه بتنگدستی و پریشانی منتهی گردید تا جائیکه دولت حاضره را وادار نمود یک تدابیر استثنائی اتخاذ نماید که خطریکه مملکت را در معرض تهدید قرار داده بود مرتفع سازد.

این انقلاب را هم دو علت بود یکی بحران اقتصادی دنیا که بازار های خارجه را بر روی محصولات مصر مسدود نمود و دیگری سیاست خطرناکی بود که کابینه سابق بر اثر مداخلات متوالی در بازار پنبه و خرید اسناد و قروض دولتی که مصرف کردن آنها بسی اشکال دارد اتخاذ نموده بود و باین ترتیب نصف مبلغ احتیاطی در ظرف قلیل مدتی تمام شد.

فعلاً ستون ارقام وجوه احتیاطی چنین تشکیل داده شده است:

قبوض قروض مصری	۹٫۸۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی
قبوض بریطانیا	۶٫۷۸۵۰۰۰ « «
قبوض مختلفه	۷۴۰۰۰۰ « «
جمع مبالغ قبوض	۱۷٫۳۲۵۰۰۰ « «

موجودی نقدی در بانک وخزانه داری ۲۰٫۵۹۹۰۰۰ لیره انگلیسی میشود

و اگر فرض کنیم که عملیات مالی سال ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱ مقتضی بوده باینکه سه یا چهار ملیون از وجوه احتیاطی برداشت شود همانطوری که منظور هم بوده ولیکن باید در نظر داشت که بمصرف رسانیدن قبوض مصری فوق العاده خطرناک است زیرا مواجه با یک سلسله اشکالات مالی سختی خواهد شد که قیمت قبوض مزبور را مورد تهدید قرار می دهند.

همانطوری که بر اثر اجرای این ترتیب اعتبارات مالی مملکت هم مورد تهدید قرار میگیرد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 45 of 896

در حالیکه قیوض بریطانی را فوراً می توان بمصرف رساند چه مبلغ احتیاطی که در نزد دولت مصر موجود می باشد فقط ده میلیون لیره است .

بطور خلاصه وضعیت حاضره مملکت این بود و اینمسئله چندان صحبت ندارد ولیکن در آنجا یك اشکال دیگری وجود دارد که فوق العاده دقیق و این تعادل دخل و خرج مملکتی در سال آتیه میباشد که در عین حال با یستی تمام ارقام اعتبارات منظوره در بودجه با رسم اعتبارات پیش بینی شده و بودجه سابق را منظور داشت مخصوصاً ارقام اعتباراتی که خاص اجرای پروژ های اصلاحی باشد که برای تامین تطور اقتصادی مملکت چاره جز اجرای پروژه های مزبور نباشد شکی نیست که اقدام در اینکار اشکال دارد پروژه که ارتباط اعتبارات پیش بینی شده در بودجه با رقم اعتبارات سابق ایجاب می نماید که هیجده ملیون لیره بمصرف برسد در صورتیکه عایدات راه آهن و گمرکات هم رو بنقصان گذارده . پس تنها راه حل این اشکال تقلیل مخارج در تمام قسمتهای بودجه و حفظ وجوه ذخیره مملکتی است ، با اینکه اعتبارات پیش بینی شده در بودجه ۱۹۳۰ ـ ۱۹۳۱ کاملاً بر آورد نگردیده هیئت وزراء مقرر داشت که اعتبارات مخصوص بکارهای تازه متجاوز از ۵ ملیون لیره نخواهد بود و نسبت بر آورد سال گذشته چهار میلیون و چهار صد و هشتاد هزار لیره نقصان داشت ، این بجای خود هیئت وزراء تقلیل یك ملیون و دویست هزار لیره هم از مخارج عادی مقرر داشته و بودجه مخارج مستخدمین دولتی و موسسات مربوطه را که بالغ بر چهارده ملیون و هشتصد و نود هزار لیره در سال میشود بنسبت شش در صد در نظر گرفته و باین ترتیب مبلغی که متجاوز از شش ملیون لیره میشود صرفه جوئی بعمل آورده واین مبلغ یك ششم از جمع کل بودجه مصر است و باین ترتیب کابینه حاضره خواهد توانست که تعادلی در بودجه مملکتی بدهد و بودجه مملکت بدهد و بودجه مخارج را با بودجه عایدات پیش بینی شده تعادل دهد و ضمنا هفده میلیون لیره هم از وجوه احتیاطی باقی مانده است .

مالیاتهای عمومی منحصر با قلام ذیل است :

۱۹۳۰	۱۹۲۹	
۴۰۷۵	۴،۳۸۴	مالیات مستقیم
۷۶۸	۷۳۹	عایدات املاك
۲۹۸۵	۳،۵۴۴	عایدات گمرکات
۲۹۸۵	۳۰۶۸۱	مالیات دخانیات

و از این مقایسه اینطور معلوم می شود تفاوت قابل ذکری در عایدات مملکتی حاصل نگردیده فقط مالیات دخانیات نقصان پیدا کرده که آنهم بواسطه اجرای تعرفه گمرکی جدید است که نقصان را مرتفع ساخت ولیکن با تمام این مراتب بایستی کاملاً در قسمت عایدات پیش بینی شده احتیاط نمود زیرا بحران اقتصادی تجارت صادرات و واردات را فلج ساخته و از این راه بیم آن میرود که در عایدات دولتی نقصانی رخ دهد همان طوریکه بیم آن میرود در مالیات مستقیم هم کسر پیدا شود زیرا نقصان عایدات مزبور گرچه تا کنون ده در صد کسر نشده است و این نقصان هم باین مقدار قلیل برای این بوده که دولت مداخلات متوالی در بازار پنبه وبیرون ریختن هفده ملیون لیره از خزانه مملکت داخل آن بعملا کین ، در این مورد دولت با چار در وصول مالیات در سال آتیه بودجه با اشکالات سختی میشود بویژه که قیمت پنبه هم نصف شده است ، این درجای خود صحیح نقصان عایدات گمرکات هم که یکرکن اساسی عایدات مملکتی را تشکیل میدهد پیش بینی میشود در مقابل این وضعیت کوشش و اقدامات صدق یاشا منحصر در تهیه و تدوین بودجه مملکتی گردیده وسیاستی عاقلانه که مقصود آن تقلیل مخارج دولت و حصول تعادل مالی باشد گردید و اجرای همین سیاست است که شایعات راجع بقصد قرضه از خارجه را بکلی از بین خواهد برد .

(کوشش)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 46 of 896

(بقیهٔ صفحهٔ ۲)

عسکریت چه میخواهد

یا علم عسکریت از طرف بعضی از مأمورین در عسکر با تمام و نشان وفاداری وجود پیدا نشده و بعضی آنکه صدای عسکری از طرف مقابل شنیده میشد و عسکریت مارا غنیمت دانسته در خانه های خود می دویدند بیگانه چیزی که سبب این امر میشد به عقیدهٔ ما این بود که عسکر نتوانسته بود با بی علاقگی و اندیشهٔ جمعی که می دید حس وفا را در دل خود پایدار نماید و مأمورین نتوانسته بودند حس وفا را در دل های عسکر ادخال نمایند و نه شجاعت در دل افراد [illegible] که تنها خود ما [illegible] کسی بدان قائل و معترف است یا چون ما نظامیان از شجاعت استفاده نمود نتوانستیم.

علاوه بر داشتن وفای کامل چیز دیگری که در علم عسکریت اهمیت زیاد دارد عبارت از اطاعت است. [illegible] که وفا در تمام حیات عسکری روح سربازی دارد. اطاعت تأثیر دارد عسکری اطاعت اگر چه با وفا باشد باز هم ناقص است. قومانده های عسکری از طرف منصب دار به لهجهٔ خیلی آمرانه داده میشود و عسکر مجبور است به مقابل رتبهٔ بلندتر از خود در هر موقع رسم احترام را بجا آرد و اگر نکند مجازات می بیند. در قومانده های عسکری احکام [illegible] مشکل در فن تعلیم [illegible] و فوراً اجرای [illegible] را از عسکر اقتضا می [illegible] در بین عسکر و منصب داران [illegible] در بین قوه ملکی [illegible] لازم است. این مسئله [illegible] که در روح افراد عسکر اطاعت و تعلق [illegible] حکم [illegible] در هر جا و در هر موقع [illegible] اجرای [illegible] تشکیل [illegible] که در نتیجه [illegible] کرده.

اگر عسکر اطاعت نداشته باشد نظام صورت نه [illegible] درجهٔ اهمیت دارد [illegible] اگر کتاب نوشته شود هنوز کم است و تنها [illegible] که در اصول عسکری [illegible] نظام [illegible] در عسکر [illegible] هر حال [illegible].

اگر عسکر اطاعت نداشته باشد اجرای یک [illegible] حربیهٔ کامیاب [illegible] عسکر [illegible] واضح [illegible] دشمن [illegible] خود طرح [illegible].

اگر چنین بود شاید پیش از آنکه عسکر دولت [illegible] آن جنگ به فیصله برسد، تمام مقاصد خود را می باخت. یا که پیش از کشف وضعیت دشمن و مباحثه زیاد و تحلیلات فنی و علمی آمرین ما فوق نقشه و پلانی ترتیب داده دفعتاً بالمقابله بر افراد عسکر حکم اجرای آنرا میدهند. در این صورت اگر فرد عسکر نیز از خود فکری بدهد و یا اجرای امر معطل ورزد در صورت اول چه اختلال واقع خواهد شد و در صورت ثانی چه بدبختیها را متحمل خواهند گردید.

عسکریت تقاضا دارد خیلی بعید [illegible] که زندگی [illegible] آنرا به عبارت تصویر کنید نه عسکر در میدان حرب قوه [illegible] چون مشکلات [illegible] حمله بر مواقع مستحکم دشمن باید داشته از یک موقع مدافعه یا تعرض داده می شود و [illegible] چیزی که عسکر را [illegible] قبول نمودن این چنین اوامر [illegible] می سازد حس اطاعت [illegible] آمریت است. عسکر باید همواره پیش از آنکه به کسی دیگر اطاعت داشته باشد به قوماندان خود اطاعت کند.

سرعت حرکت و حمل و نقل سریع در عسکریت خیلی اهمیت دارد و لهذا به وسائل آن توقع زیادی [illegible] ولی [illegible] قیمتی [illegible] وسائل [illegible] بدون استعمال فایده ندارد و وقتی مفید دانسته می شود که بطور صحیح و مطلوب از آن کار گرفته شود. مگر از وسائل حمل و نقل سریع عسکر [illegible]

اطاعت نه می توان کار گرفت چه برای استعمال لوازم مذکور ازهمه اولتر گردن نهادن عسکر بمقابل امر قوماندان لازم است . واگر بالعکس قوماندان چیزی بخواهد وعسکر ازان منحرف شود و تمرد ورزیده به کار دیگری اقدام کند نتیجه بجز بربادی وتباهی بی جا دیگر چیزی نخواهد بود ، وسلسله انضباط یکلی ازمیان برخواسته تمام مطالبرا در بین هرج ومرج واختلال به بدترین صورتی خواهند باخت .

به عقیده ما اولین درسی که به عسکر باید بدهند واولین صفتی را که دروجود او باید تنبیه کنند عبارت از « حس وفا داری وطاعت است » وتمام صفات عسکری دراطراف این دوحس مفید چرخ می زند .

شجاعت ، حمیت ؛ فداکاری ، انتظام تحمل باشداری ،همه درنتیجه دارائی این دوحس لابدی درعسکر پیدا می شود . واگراین دوحس مکمل عسکریت در قلوب افراد عسکر جاگرین نباشد به خوبی وبا دلیل های قطع تاریخی وتجربی می توان گفت که عسکریت ناقص وغیر مکمل مانده به حال یك مملکت ابداً مفید واقع نخواهد شد ، وحکومت دراجرآت امور خود و حفاظت ناموس وطن ازوجود عسکر و سرباز طرفی برنخواهد بست .

پس ازین مقدمات ممکن است باصحت جواب سوالی که عنوان ما متضمن انست بگوئیم که « عسکریت ازهمه مقدم تر وفا واطاعت می خواهد » .

(...)

صحیات

لاغري

علل وعلاج آن

اغلب جوانان ودوشیزه گان از نحافت ولاغری شکایت کرده وعقب چاره وعلاج های که از لاغری نجات شان بدهد میگردند ودر حقیقت لاغری هم چندان مستحسن نیست ، چه چاق و قوت ونشاط یك جوان دلیل صحت و قوت حالش میباشد . وجوانانیکه دارای بنیه ضعیف ولاغر میباشند در بازوء حیاتی غالباً مغلوب آمده واز سلامة بدن وسلامت ذهن که لازمه جوانان است خوب استفاده نمیتوانند ولاغری هم بسه طبقه تقسیم می شود :

۱ ـ طبقهٔ اول اشخاصی هستند که بامراضیکه جسم را میکاهد ومهم ترین آنها مرض التهاب رئوی که آثاران از انحطاط قوای بدن ظاهر می شود وسرفه خفیف وسوء هضم وانیمیا (کمی خون) میبا شد مبتلا میباشند که در مثل این احوال بیشتر از همه چیز ها استشاره دکتور لازم است .

۲ : طبقهٔ دیگر اشخاصی میباشند که اجسام شان با جهاد غدود های افرازی مثل غدد نخاعی ، و غدد کلوی و تناسل وغیر آن دچار می شوند ، واز غدود ها در عوض اینکه کمیت لازمهٔ از مفرزات ضروریهٔ جسم را افراز نمایند یك مقدار زیادی از آن را در بیرون میریزند و درین حال عائق باعضای جسم از قیام وظائف آن ورسیدن حصهٔ غذا درحرص لازمه پیدا شده غذا درمعده تخمه وترش شده وعمل هضم برایش سنگین می شود دکتور درمثل چنین احوال بعلاجی میردازد که این غده ها را بقیام بوظایف اعتیادیش و افراز کمیات ضروریه ازجسم باز گرداند .

۴ : طبقهٔ سوم عدد اکثریت راتشکیل میدهند وشامل اشخاصی می شود که دائماً بسعی وعمل وکار کردن مشغول بوده واجسام شان ضعیف ولاغر می شود خصوصاً اشخاصیکه بخانه های خود ها شب ناوقت رفته وصبح وقت برمیخیزند درینصورت به اجسام شان غذای کافی نرسیده وراحت لازمهٔ که حصهٔ غذای خودرا گرفته وقوائی را که خسته کی کار ضعیف ساخته میباشد تجدید نمایند به جسم تهیه هشد . درحالیکه معلوم است جسم یك جوان یادو شیزهٔ محتاج براحتی میباشد که متوسط ان دریك شبانه روز باید ده ساعت شود . وهروقتی که درراحت کردن نقص پیدا شد درصحت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 48 of 896

شخص لاغر سو، آن واقع می شود سبب وآن ما بستهام جوانان را وچیزیکه نمی نصیحت میشود که در مشاغل کار وعمل شان هر وقتی که فرصت را ایشان مساعدت ننماید راحت نمایند ولو خیلی مدت کوتاه هم باشد . وبهتر است یك مدت کمی را در حین کار نشسته روز مخصوص مخصوص راحت کردن نماید ، چه این راحت کردن دو مرتبه قوای شان را برای اینکه بانشاط تمام بکار شروع بنمایند تجدید مینماید . و مناسب تر همین است که بعد از صرف غذا یك مدت کوتاهی استراحت یا خواب نمایند چه این کار برای زیادت وزن و امتلای جسم کمك میکند چنانچه اغلب اشخاص تنبل و کسانیکه بعمل مصروف نمیباشند چاق وفربه دیده میشوند وعلت اینهم تنها مداومت شان باستراحت و خواب کردن میباشد که اکثر اوقات شان باین دو چیز مصروف شده وچربی بدن شان زیاد و چاق و فربه می شوند بیاران ما را مواخذه نخواهند کرد اگر لاغرها را توصیه بنمایم که به کسالت و استراحت و خواب مداومت بنمایند تا شاید چیزی از نحافت شان کاسته و به فربهی آنها افزوده شود . صرف نظر از مضرات ادبی که کسالت وتنبلی دارد و معلوم است .

یك عامل قوی دیگری نیز برای زیادت لاغری میباشد که عبارت از رفتار و گردش زیاد است چنانچه اطباء اشخاصی را که بچاقی زیاد مبتلا میباشند توصیه مینمایند که خیلی پیاده روی نمایند و باین سبب برای لاغرها اجتناب از آن لازم است و هر گاه مجبور شوند که در هوای آزاد گردش و سیر نمایند بعضی سوار کالسکه و یا اوتموبیل وغیره آن گردند .

مسئله غذا یکی از مهمترین عوامل چاقی لاغری در جسم است و برای لاغرها لازم است غذائی را صرف نمایند که در ارکان آن از مواد مغذی مثل شیر و روغن وقند و گوشت های چربی از قبیل گوشت خوك و امثال آن مو جود باشد و بهترین آن شکر قند دار است چه علاوه بر اینکه بجسم غذا میرساند به نشاط عضلات و تقویهٔ قلب کمك میکند . و علاوه از مواد بعضی ادویه علمی مغذی نیز میباشد که بهترین آنها جان های است که از روغن ماهی وجو تخمیر شده ترکیب یافته باشد و این هم فراموش نشود که ورزش خالص رشوتی یکی از بهترین مقویات برای جسم است هر گاه بمقدار کمی از آن را بعد از غذا صرف کنند . بعلت اطباء مرضای خود را خصوصا کسانیکه مثلا به کمی خون باشند به دوائی بمقدار کمی از روایح معالجه مینمایند تا و ظایف مختل شده غده های انرازیه را اصلاح نماید .

درینجا یك اعتقاد شدیدی در افکار بعضی ها موجود است و میگویند بعد از صرف غذا در شب بلا فاصله خوابیدن مضر است و باین سبب بدون صرف غذا خوابیدن را ازین ترجیح میدهند و گمان میکنند که بعد از خوردن خوابیدن موجب سوء هضم و خوابهای هولناك و اشکال وغیر آن می شود در صورتیکه این مسئله تماما موهوم و حقیقت ندارد بلی افرادیکه در خوردن غذا قبل از خوابیدن لازم نیست ولی بهتر است که شخص لاغر از خوردن حقیقی الوما کولات مغذیه وقابل الهضمی که در پیشتر ذکر کردیم لمعه و هر گاه این اغذیه را خوب خوردند و بانشاط خود بخوابند اطمینان میدهیم که پس از صرف این غذا خوابی راحتی نموده و هیچ نوع خواب پریشان یا اوهامی آنرا اخلال ننماید .

خلاصه قراریکه ذکر کردیم مهمترین عال لاغری اینها است .

(۱) اشتغال جسمی .

(۲) ماندگی وستی عقل وجسم .

(۳) قلت راحت و خواب .

(٤) عدم اعتنا در اوقات صرف غذا و غذا هائیکه کم از مواد مغذیه باشد .

و بهترین راهی برای علاج آن چیز های ذیل است .

(۱) اشتغال دکتور و کم یکدفعه هم هر حال باشد .

(۲) دوری جستن از ماد هائیکه شخص آنرا بجسم خود مضر می بیند .

(۳) وقت خوابیدن و دیر برخواستن

(٤) خوردن مغذیات و بازی کردن دور بماند از چیز هائیکه جسمش مضرت میرساند اجتناب نماید .

(ترجمه از جرائد مصری)

عبد الرشید

عیناً نطق اعلیحضرت غازی

راجع به ترقیات عرفانی افغانستان

روز سوم عید فطر موقعیکه اعضای هیئت وزارت معارف مدیرها ، سرمعلم ها و معلمین مکاتب و یک یک نفر از طلبه نمره اول هرصنف مکاتب حسب الامر وزارت در پارک دلکشا شرف یاب حضور و تقدیم تبریکات عید در قصر دلکشا بوقت معینه حاضر و مشرف شده بودند اعلیحضرت غازی را جمع به حضار نطق غرای ذیل را ایراد فرمودند :

« ازین ملاقات شما خوشنود شدم و برای همه شما تبریکات عید سعید را میگویم .

« اهمیت معارف را خوب میدانم که برای یک ملت و حکومت وجود معارف صحیح چه قدر وقیمت دارد ، چنین شان و شوکت ملت ها و حکومت ها وابسته به ترقیات عرفانی شان است ـ هر ملت که در معارف خود پیش رفته ، بهمان قدر مترقی و استحکام برای ملت و حکومت شان حاصل است ـ ازین جا ظاهر شد که حیات قوم ، شرف قوم ، ترقی وتمدن قوم واستحکام حکومت وابسته به معارف است .

« برای اینکه معارف براساس صحیح و بنیاد های متین در یک مملکت که بر اثر این قسم یک انقلاب مدهش پیدا شده باشد ، از سوء اداره حکومت معارف بنظر ملت بصورت نا پسندیده معرفی شده مفقود باشد ، واین چنین حالت ، ممد واقع شود ـ اولا بر حکومت لازم است که امنیت عمومی را قائم نماید ـ وانگاه ملت را که در اثر انقلاب متفرق شده بحالت اصلی بیاورد ـ ودر فراهم آوری مرفوع اسباب موفقیت وطن و وسائل پیشرفت ملت بذل مساعدت کند .

« چنانچه حکومت موجوده شما تا حال مساعی اشرافی خود را برای رفع اثرات انقلاب مصروف نموده تا برای کامیابی معارف حقیقی افغانستان راه درستی پیدا شود ومعارف بدون تردد و زحمت بکار خود مشغول شده بتواند .

« با وجودیکه حکومت در امنیت مملکت واستحکام حکومت وفراهم آوری موجبات رفاه وآرامی ملت مصروف بوده ـ درعین زمان در افتتاح و اجرای مکاتب وطلب نمودن معلم های خارجه وترویج اسپورت و غیره هم کوتاهی نکرده .

« حالا که الحمدلله از هر طرف امنیت کامل حاصل وملت عزیز هم بحکومت موجوده را برای خود موجب سعادت دانسته بروی اعتماد کامل دارند ، میخواهم که توجه خصوصی خودم را بیش از اطراف وزارت معارف وتعلیم وتربیه اساسی ابنای وطن محبوب مبذول کنم تا انشاالله بتوانم از فیض معارف حقیقی جوانهای صاحب علم وادب واخلاق وتربیه صحیح برآیند وخدمت وطن خود را چنانچه شاید وباید بنمایند .

« برای حصول این مقصد عالی من بوزارت معارف هدایت میدهم که در تعلیم وتربیه اساسی متعلمین افغانستانی نهایت ساعی باشند ودر امور تعلیمیه و اخلاقیه شاگردان به مکتب ها طرزی را اختیار کنند که تعلیم و تربیه هر دو مساوی باشد . زیرا که تنها تعلیم یک شخص برای جامعه ووطن منفعت بخش شده نمی تواند وضرور است که این علم او بزیور تربیه واخلاق نیز آراسته باشد تا همچنین شخص کامل برای وطن خادم صحیح ، و برای ملت خویش نافع ، وکارهای درستی را انجام داده بتواند .

« واگر معارف ما این قسم جوانهای صاحب علم وآداب و اخلاق و تربیه را پیدا کرد یقین است که افغانستان را سعادت وترقی پایداری استقلال وبملت وحکومت اطمینان کلی حاصل میشود وهر شعبه که بدست این اشخاص صاحب تعلیم وتربیه سپرده شود نه تنها حکومت ازان طرف مطمئن می شود بلکه آن کار به بسیار خوبی اجراء وروبه ترقی گذاشته اسباب خاطر جمعی حکومت وتسلی ملت وشرف وافتخار وطن حاصل می گردد .

« اهمیت مکتب که در حقیقت فابریک آدم سازی میباشد ، خیلی بالاست . حقیقتاً به اندازه که در ساختن اجزاء وپرزه های این ماشین انسان سازی دقت بکار برده شود وبکوشند که تمام متعلقات آن عالی و درست باشد ، به همان اندازه انسانهای که کاملاً به صفات عالیه موصوف باشند ، ازان اخراج وخدمات جمهوه ملک

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 50 of 896

وملت را به لیاقت و کفایت خود اداره و انجام میدهند ،

مثلا بشما این مطلب تعلیم وتربیه و عکس آنرا خاطر نشان میکنم : هم چنان که یك قلم و ساعت معمولی ازحیث وضعیت ظاهری و رنگ و قوارهٔ خود با یك قلم عالی و ساعت درجه اول چندان فرق نمی کند ، ولی از نقطهٔ نظر کار کردن ومتانت و پایداری و قیمت و غیره صفات گاهی با قلم و ساعت خوب هم سر و برابر گفته نه میشود هم چنین محاسن و مزایای تعلیم باتربیه در مقابل تعلیمات ناقصی که دران رعایت اخلاق وآداب درست و معنویات صحیح طلب نشده باشد خیلی فرق و تفاوت دارد ، در حالیکه این نقص و خرابی متعدی تعلیم بدون تربیه و اساس عائد است ، بهمین قرار یگانه انسان سازی که از ان خدام صادق وطن ورجال صحیح قوم و مامورین حکومت می آید

لهذا من به تمام منسوبین وزارت معارف تاکید و انها رابه این نکته متوجه میسازم تا نهایت زیاد توجه خود ها را به حسن تدویر امور تعلیمی شاگرد ها بمکاتب نموده بمسائل تربیوی و اخلاقی آنها بیش تر اهمیت و بذل مجاهدت نمایند — زیرا که همین شاگردان امروزه که تحت تربیت مکاتب است پدرهای فردای این وطن مقدس ما میباشند ، و نه تنها زمام حکومت بدست همین اولاد وطن سپردهٔ خواهد شد ، بلکه تمام مقدرات اقبال و سعادت قوم و مملکت علی الیقین به کف با کفایت آنها امانت گذاشته می شود زیرا که شخص صاحب تعلیم و تربیه و اخلاق حسنه را دائما عزت و احترام استقبال ، و بدون اینکه جویای جاه و عزت شود ، عزت و جاه و مراتب رفیع چنین شخصی عرض احتیاج می کند

پس اگر همین فرزندان امروزه را قابل و لائق ساخته عنان اختیارات بدست شان سپرده شد فکر کنید که حکومت موجوده چقدر یك خدمت بزرگی را از پرورش دادن کار باهل آن برای ملت و وطن انجام داده است که دران صورت یقینا وطن مسعود میگردد .

اگر خدا نا خواسته توجه کلی درین موضوع مهم حیاتی نشود و اشخاص فضول از مکاتب بر آید و کار بدست نا اهلان بیفتد ، یك خیانت بزرگ خواهد بود وموجب تباهی هستی وطن و بربادی افراد بی کفایت خواهد گشت . چرا که در موقع حدوث فلاکت کسانیکه کار بدست شان باشد بیشتر مورد تباهی و در معرض بربادی زیاد واقع می شوند ازین جهت باید به معارف اهمیت زیاد داده شود و اهتمام بسیاری بدرستی آن بنمایند و برای پیدا کردن اشخاص لائق اشرافی کوشش گردد .

من به اخوی عزیزم صدر اعظم امر داده ام تا توجه خصوصی خودرا بالنسبه وزارت معارف مبذول نموده بهر سرعتی که ممکن باشد همین نظریهٔ مرا عملاً برحمت خداوند در معرض تطبیق گذارد راجع به سپورت که آن هم از جمله ضروریات و از حصص مهم معارف و برای حفظ صحت و تربیهٔ بدنی و غیره نهایت مفید است ، نیز توجه مکمل مبذول گردد و از تهیه لباس های درستی برای متعلمین که همیشه آنرا در بر داشته باشند ، کرده شود و هم راجع به ترسیل طلبهٔ که دورهٔ تعلیمی خود هارا خلاص می کنند جهت تحصیل و تکمیل علوم فنون مطلوبه به اوروپا و یا امریکا از حالا تهیه بگیرند تا بفضل خدا طلاب ما به مخارج حکومت در آن جا رفته تعلیمات عملی و نظری خود ها را تمام و برای ملک و ملت خود آمده مظهر خدمات درستی اشوند .

و باید وزیر صاحب معارف توجه زیاد نماید تا معلمین و مدیر های که از خارج به افغانستان آمده اند و برای ترقیات عرفانی وطن ما خدمت می کنند وزارت معارف با آنها سلوك نهایت خوب نماید ، زیرا که من ازین معلمین خارجی که خدمات مفوضهٔ خود ها را بکمال جدیت و همدردی در افغانستان چنان انجام میدهند مثلیکه در اوطان خویش برای اولاد وطن خود کوشش می کنند ممنون و متشکرم و امید وارم که زیاده بر زیاده توجه آنها بسوی پیش رفت تعلیمات طلبه مبذول خواهد شد و حکومت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 51 of 896

هم به اندازهٔ زحمت کشی های شان نظر
محبت خود را از آنها دریغ نخواهد کرد.
افکار و نظریات وزارت معارف را
راجع به تشکیل یك « انجمن ادبی »
با تعیین وظائف و مناهج پروگرام آن
می خواهم تا اگر خدا بخواهد این انجمن
برای عالم ادبیات وطن خدمت و احساسات
ادبی ملت را تقویت ، وشجاعت وحماست
جبلی ابنای وطن را مضاعف ، و آثار
مهمه را برای مملکت مرتب ، و تحریرات
و منشورات وطنیه را بیك اسلوب مفید و
سبك صحیح بگذارند .

به شاگردان مکاتب امر و توصیه اکید
می نمایم تا در پابندی وقت و اطاعت
معلمین خویش ساعی و در تعلیمات خود
نهایت سعی و غیرت کنند که ازین مصارف
حکومت که از ملت شان برای آنها وداده
می شود ، ثمر و نتیجه خوبی را گرفته
گرفته کاملاً کامیاب با اخلاق و صاحب
تعلیم و تربیه درست شوند خود ها
را اهل و مصداق آن امیدها وآروزهائیکه
حکومت و وطن از تعلیم تربیهٔ این
فرزندان خود دارند ، ثابت کرده خدمات
خوبی را برای ملت خود انجام دهند .

(خلاصه معروضه وزیر صاحب معارف)

پس از اتمام این نطق غرای فوق الذکر
شاهانه که باجمال آن اشاره شد
وزیر صاحب معارف معروضه مفصلی بیان
نمودند که خلاصه مطلب آن ذیلاً مرقوم است
این فرمایشات ذات شاهانه باندازه
روشن ومسلم و بلیغ می باشد که تسلیم
نمودن و پیروی و تعمیل هر جمله آن
آن فرض هر فرد ملت خصوصاً از علاقه
مندان اهل عرفان است .

اعلیحضرتا ، فکر رسای شما پوشیده
نخواهد بود که در انقلاب گذشته معارف
صدمه بزرگی از دست جهالت دزدان
رسیده که تلافی آن خالی از اشکال نیست
باز هم از عزم بالجزم و اراده پاك
اعلیحضرت وصدر اعظم صاحب ما منسوبین
معارف از صمیم قلب متشکریم که با همهٔ
آن مشکلات و موانع در جسم بی روح و
روان معارف باز نفس تازه دمید ، و
درین بستان بی خزان عرفان سر از نو
گل و ریاحین سر کشیدن آغاز کرده
است.

معارف خواهان افغانستان ازان مساعی
جمیله اعلیحضرت که در راه پیش رفت
معارف انجام داده و می دهند ومکاتب
متعددی را در مرکز و هم چنین در
ولایات و حکومات اعلی سر از نو در
همچه فرصتیکه اشکال آنرا هر شخص
صاحب بصیرت بدون تامل فهمیده می
تواند تشکیل واجرا نمودید و هم نیت
پاك و عزم عالی شما در صدد ازدیاد و
توسعه مکاتب مزید افغانستان یکی بعد از
دیگری میباشد . نهایت مشکور و از صمیم
قلب بدعای موفقیت اعلیحضرت شما به تمام
مقاصد حسنه شان می پردازند .

اعلیحضرتا اقداماتی را که حکومت
متبوعهٔ ما درین یك سال و شش ماه در
شعب مختلفه نموده اند اگر بنظر غائر
دیده شود تماماً برای پیدا کردن زمینهٔ
معارف وثمر گرفتن ازین نهالهای است که
تحت نظارت وتربیه مهجور شما یك باغبان دلسوز
وطن میباشند چراکه بدون تامین امنیت
وفراهم آوری رفاه وآسایش عامه ونبودن
نظم ونسق امور وعدم جستجو از منابع
واردات موفقیت معارف خیلی مشکل
می بود !

با این توصیهٔ اعلیحضرت راکه بتعلیم
تربیه را الزم میدانند ازدل وجان قبول
وجدا درتعمیل آن میکوشیم زیرا اثرات
آنرا در انقلاب بچشم سر دیدیم که یك
تعلیم یافته بی تربیت خانه وحتی استاد
خودرا بتاراج دزدان داد وحیات اورا در
خطر انداخت ودیگر شاگرد با تربیهٔ
مکتب بقصد کشتن سقو زاده عزم بالجزم
کرد ولی قبل از موفقیت خود شهید راه
حریت شد .

چون ازتعلیم بلا تربیه درعوض
اصلاح ماده فساد برجود می آید وزارت
معارف هم زیادتر توجه خودرا بحسن
اخلاق وتربیه وتعلیمات صحیحه متعلمین
مکاتب مصروف داشته ومیدارد وبه این
هم متحسس هستیم که بار مسئولیت
منسوبین وزارت معارف خیلی سنگین
است خدا کند که ما این بار گران را
حسب مطلوب به منزل مقصود برسانیم و
ازمکاتب خود چنان طلاب صاحب تعلیم
وتربیه را ثمر بگیریم که از حسن اخلاق و
خوبی رفتار ونیکی کردار خویش تعلیمات
نظری خود شما را عملاً در محیط تطبیق
داده رضای خدا و خوشنودی شما را

حاصل وخدمات واجبه ملك وملت را آدا کنند : درخاتمه بحضور عرض میکنم که تمام مامورین وزارت معارف بهمین اساسیکه اعلیحضرت هدایت فرموده‌اند والی لان کار کردند وبعد ازین هم همین نظریات مقدسه شاهانه را تأسی خواهند کرد ، امید وارم که خداوند اعلیحضرت را موفق گرداند تا ابنای وطن محبوب شان را به تعلیم وتربیهٔ حقیقی حسب دلخواه شان مشاهده فرمایند .

بسم الله الرحمن الرحیم

مژده انیس

باهل عرفان

محض به استقبال نشاط وروح گرمیکه در ارباب قلم ومحررین خود می بینیم ، میر ازین هفته صفحات انیس را افزودیم ، یعنی قبل ازینکه در ١٢ صفحه صادر می شد بعد ازین صفحات انیس ١٦ صفحه خواهد بود وطبیعی است که این نشاط و گرمی تازه ما را بیك مستقبل مشعشع ترقی عرفان ومطبوعات امید وار می سازد ، چه علاوه برنطق بلیغ وعمیق ملوکانه راجع به معارف که دراین شماره آنرا نشر کردیم ، ازمهم ترین اقدامات عملی که حکومت سنیهٔ ما درین ماه فرموده است مسئله تاسیس یك مطبعه خیلی قوی و استعداد [که در شماره آیه انشا الله تفصیلی ازان خواهیم داد] ونیز تشجیعات مکرره ومتعدده با تسهیل وسائل برای محررین وارباب قلم بوده است . چنانچه یکی از تائیدات فوری این اقدام بلیغ همین بوده که تا جائیکه خبر داریم در طرف این چند ماه اخیر از ده مجلد کتاب مختلف‌المضمون را شوقمندان تحریر تالیف وترجمه نموده اند . وطبعاً از تاثیرات این تشجیع بود که محررین روز دنموده و جریده شریفه « اصلاح » ونیز « انیس » مجبور بتزئید صفحات خود گردیدند .

پس بعد اعتراف بحقوق شکرانه که نسبت باین اقدام مقدس شهرباری بر ما حقاً وصدقاً واجب شده است عموم اهل قلم خود را بزیاد شدن صفحات ملتفت ساخته عرض میکنیم که جریده برای استقبال ودرج احساسات ایشان باتمام فعالیت واخلاص آماده است . وعلی الله الاتکال .

خبرهای خارجی

راجع به معاهده گمرکی

المان استریا

اوضاع فرانسه

پاریس – در اثنای مباحثه بودجه وزارت خارجه در شورای ملی راجع به تحاد گمرکی المان واستریا مذاکره مطول شد .

بریان وزیر امور خارجه چنین اظهار نموده ، خبر انعقاد این اتحادیه من خیلی گران آمد . اگر چه معاهده مذکور یك اقدام مهم است ولی اجرای ترتیبات مجوزه آن که قطعاً خلاف سیاست اتحاد دول است که من در نظر دارم ، مهم تر است ، چندی از اهل مجلس بیان کردند که تردد برطانیا راجع به این مسئله عبارت از تذبذب ، در ١٩٢٤ است که جنگ عمومی دنیا را برباد نمود . به هر حال این اتحادیه بعد از اساس ١٩١٨ خطری بزرگی است که به امنیت دنیا وارد خواهد آمد .

بریان بجواب شان گفت : که تاحال بطور قطعی معلوم نیست ولی اگر من بسر اقتدار باقی ماندم ، اراده قوی دارم که معاهده مذکور را فسخ کنم . »

پس انداز طلای اتا زونی امریکا

واشنگتن ٢٩ مارچ – بانک احتیاطی نشان میدهد که مقدار مجموعی طلای بانك در اتا زونی فعلاً به ٤ ملیارد و ٦٨٥ ملیون دو لار که معادل یکصد و هفده هزار ملیون فرانك بالغ می شود .

(رویتر)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 53 of 896

مؤلف : له پلاتیه فرانسوی — مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژن

(ناول)

چند کلمهٔ مترجم : ـ

بعد ازادای ما وجب علینا ـ مشاهیر عالم در دنیا مدارجی را حاصل کرده و می کنند که تا ابد نام نیک شان زبان زد خاص و عام می ماند . اشخاص نامه که ارام و راحت خود شانرا برای مفاد ملت و تعالی و ترقی وطن خود قربان می کنند در قلوب حساس هم وطنان خود نه تنها بلکه در انظار حقیقت پسند عالم مواقع بلندی را حائز گردیده محبوب عوام و خواص میگردند .

یکی از بر جسته ترین و عجیب ترین اشخاص که تاریخ فرانسه نی بلکه دنیا بآن ناز میکنند ، « ناپولیون بناپارت » است که از روز اعتلای خودش تا بهاین دم کتب متعدده و رسایل متکاثره راجع باحوال و کار نامه های شان دار آن هیرو نوشته شده و در هر عصر نوشته شده میرود ، باز هم شمهٔ از فضایل او را نکافو نه می کند وهنوز هم در ادبیات عالم جای فراخی برای این موضوع موجود است ، علی الخصوص در ادبیات شرق‌ زیرا تواریخی که بزبان فارسی نوشته شده خیلی کم و آن هم محدود به حکایات افواهی است که ازان ها اوصاف هیرو های که در تاریخ گذشته است بخوبی فهمیده نه می شود . علاوه بر آن از صدی هشتم باینطرف که « ناپلیون » از منتک نامی کمنامی برآمده عالم را از سطوت و دبدبهٔ فتوحات شاندار خود بلرزه در آورده و بالاخره تمام دول اوروپا را مجبور ساخت که در میدان (واترلو) او را از میان بر داوند و به محبس جزیرهٔ (سنت هیلن) بیند زدند هیچ یک مورخی نداریم که ازین واقعات شمهٔ نوشته باشد . برخلاف آن درهمین عرصه کم از صدها جلد کتاب زیاده بزبان های اوروپائی تحریر شده و بطبع رسیده که انسانرا واله وحیران میدارد . ازین آثار متعدده یکی هم بفارسی ترجمه نشده که ابنای وطن ازان مستفید گردند واگرهم کدام کتابی ترجمه شده باشد آنقدر مغلق و خشک مضمون است که خواندن آن بجز در مکاتب ومدارس بطور مطالعه ووقت گذرانی بکلی ممکن نیست .

این است که بندهٔ هیچمدان که از فائدهٔ تاریخ بالخاصه احوال مشاهیر عالم بی خبر نیست این کتاب مختصر را جع بیک حصهٔ احوال « ناپلیون بناپارت » را که بصورت ناول نوشته شده است وازان صحنهٔ تیاتر وفلم نیز بعمل آمده است ، بفارسی ترجمه نمودم تا درخواندن سهل ومرغوب باشد وهم استفادهٔ ازان شده بتواند .

زحمات وتکالیفی که در راه ترجمه این کتاب برداشته ام از حیطهٔ بیان خارج است . اولاً بدبختانه محیط وطن ما مشوق این گونه کارها نیست ، اگر یکی اظهار می نمود که چنین کتابی را در از ترجمه گرفته ام بعوض اینکه مرا تشویق کند از بی فائده گی اینکار و ضیاع وقت حرف رانده صدمهٔ شدیدی برحوصلهٔ من وارد می نمود واگر ورق از ترجمهٔ خود بکسی نشان میدادم بعوض اینکه بنظر استحسان وتمجید به بیند بالکل تنقید و خورده گیری بران می نگریست . ولی با وجود همهٔ این تکالیف و گرفتاری هائی عاقه که درامورات رسمی و شخصی داشتم کتاب را تمام کرده پاک نویس وجلد نمودم . روز اولیکه آنرا برای مشاهده بعضی از دوستانم خودم با خود گرفتم در همان روز کتاب را از دستم در ربوده ، وغصب کرده خوردند ! این صدمه از جمیع صدمات مهم تر بود که خیال میکنم هر کسی می بود باز پیرامون این کار نه می گشت . ولی من حوصله را از دست نداده باز دیگر بترجمه آن شروع نمودم واینک به فضل پروردگار آن برای دفعهٔ ثانی بحیثیت کتاب درآورده و به صاحبان ذوق سلیم ومربیان معارف سپردم تا به خواندن آن مرا بنوازند و از قبول آن برمن منت گذارند وخطاهای که دران به بینند به اغماض نظر بپوشند .

پیش تر ازانکه این کتاب از تحریر برآید ، واقعه مدهشهٔ انقلاب و ارتجاع ١٣٠٧ و ١٣٠٨ وطن بیچاره را پاد دود

وآتش بیچانیده، منجر بفرار اعلیحضرت امان‌الله خان، وتخت‌نشینی معین‌السلطنه وفرار اوو پادشاهی دزد شریر حبیب‌الله مشهور به بچه سقاء گردید. این وقایع صدمات مهلکی بود که استخلاص وطن و تحریر کتاب را بکلی غیر قابل امکان قرار داده بود. امید خفیف یگانهٔ که برای یك آیه روشن موجود بود، همانا موجودیت مجاهد یگانهٔ ووطن پرست ملت خواه اعلیحضرت نادر شاه و برادران شجاع او بود که از تمام اشخاص بانفوذ و مقتدر وطن تفوق ومردانه گی نشان‌داده برای استخلاص وطن از چنگ دزدان وخائنان بسروپال ایستاده بودند.

اعلیحضرت نادر شاه باوجود خرابی صحت وعدم استطاعت چون دید که وطن پامی‌گشت دست و گریبان ومشرف به‌موت یقینی است، راحت، مداوا، هوای با فضای نیس را با استقامت قلب وسلامت فکر بدرود گفته در حالیکه تب شدیدی بجان داشت بجهاد شتافت وبه‌نجات آن شتافت بمجرد رسیدن بتکالیف شاقه ازاین‌پوی بی نیازی ملت افغان ومردم غیور قبایل سمت جنوبی گرفتار آمده وصدمات مدهشی از هرطرف دید که اگر شخص دیگری غیر از ذات خجسته صفات با استقامت ودرایت شان می بود، یك لحظهٔ هم تحمل نتوانسته جنجال وگیرو دار را باقبایل جاهل ترك کرده براحت ومحیط عیش و عشرت اوروپا می شتافت. اما اعلیحضرت نادر شاه ازان اشخاص کم تجربه، سست‌عنصر ومتردد‌المزاج، وعیش پرست نبود که برای خاطر این چیز ها وطن را به آتش میگذاشت!

همان بود که عنقریب به سایهٔ ارادهٔ متین وعزم آهنین وبیرک ثبات واستقامت وفدا کاری به مقصد خود ومرام ملت کامیاب گردیده بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳۰۸ با یك مشت مجاهد سمت جنوبی کابل را فتح و بچه سقاء و همراهان غدارش کشیده بکیفر کردار شان رسانید، وطن را ازوجود ناپاك شان پاك ساخت: خدمت قابل قدر وشایان ستایش این مجاهد حقیقی وطن را هیچ یك فرد بافکر تا به ابد فراموش کرده نه می تواند.

ده افغانان - کابل ۱۹ حمل ۱۳۰۹

(حبیب الله طرزی)

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول

(دو کپهال)

حکایه ما در ماه جولائی ۱۷۹۲ شروع می شود. لوئی شانزدهم اگرچه هنوز اسماً پادشاه فرانسه گفته می شود، ولی از هیاهوی انقلاب وهمهٔ حریت خواهان که سرتاسر کوچه های پاریس را فرا گرفته بودند درتشویش وهیجان دیده بود، هر کسی بکمال آزادی در دسته های انقلابیون شامل شده وعلم مخالفت وا بر ضد حکومت بدست می گرفت. مردم منتظر رسیدن بطالیان عساکر (مارسلز) بودند تاقوت یافته باقدام جدی آغاز نمایند واراده مصمم گرفته بودند که بر قصر سلطنتی، تویلری، حمله برده حکومت را ازمیان بردارند!

شاه روس وامپراطورطریش ازین کشمکش انقلابیون باحکومت استفاده کرده وفرانسه را ضعیف دانسته بنای حمله وابر پاریس داشتند. «دیوك‌دوبرونزویك» سپهسالار عساکر امپراطوری وشاهی، اخطاریه مشهور خود را در «کوبلنز» به الفاظ پرجدیت ومطنطن ذیل شایع نمود: «اگر بر قصر تویلری تعرضی از طرف انقلابیون بظهور برسد ویا خفیف‌ترین اهانتی بشاه وملکهٔ فرانسه وارد آید، امپراطور اطریش وشاه المان مجبور خواهند شد که اهالی پاریس را بکیفر کردار شان رسانیده وپاریس را با خاك یك سان سازند.»

پاریس که همیشه به آزاده‌دلی مشهور است این مبارزه طلبی گستاخانه را به تاسیس مظاهرهٔ که در تاریخ بشورش دهم اگست مشهور است جواب داده ودر عین زمان ازعشرت وطرب تاریخی خودش ذرهٔ هم نکاهید. درحقیقت همان نای ونوشی که درزمان امنیت برپا بود درانثای انقلاب هم به‌همان اندازه فرحت وانبساط جاری مانده بود. بمجردیکه دیوارهای قلعه (باستیل) می افتاد محفل رقصی برخرابه‌های آن برپا می شد.

خواندن نشیدهٔ ملی (مارسیلیز) ومارش (کارمانیول) ازجملهٔ آوازه خوانی‌های تفریحی پاریسیان شده مانده بود.

خانه رقصی بزرگی که در «رکسهال» مشهور بود، دریکی ازشب های آواخر

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 55 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

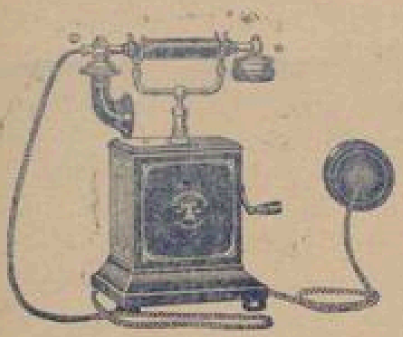

تیلفونهای اریکسن

اریکسون فابریکه ایست که در سنه ۱۸۷۶ تقریباً در تاریخ اختراع تیلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالك دنیا قریب پنجاه فابریکه بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تیلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریکه مرکزی اریکسون در ستاك هالم (سوید) و شعبات او علاحده فابریکه ها ئیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا استریا چکوسلاوا کیا هالیند هنگری ـ ایطالیا پولاند و علاوتاً تقریب پنجاه نماینده گی در ممالك بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریك اریکسون را دارا ست و بهترین سیستم تیلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن بمناسبترین قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشترین را ازهمه جهت فراهم خواهد آورد خواهش مندان و طالبین اینگونه تیلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارگ کابل است رجوع خواهند فرمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 57 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۲ »
طلبهٔ معارف	۷ »
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض ومعاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 58 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 59 of 896

شماره (٤) | انیس | مجلد (٥)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوسته ۲ •
خارجه ۴۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۳ شنبه ۲۸ ثور ۱۳۱۰ شمسی ۱۳۰۶ | ۲۹ ذیحجه ۱۳۴۹

وظیفهٔ ما به نسبت رجال اتیهٔ وطن

شاید این عنوان مادر نظر اول جالب دقت بسیار اشخاص گردد، بلکه سبب تعجب شان شود، چه طبعی است رجال آتیه عبارت از رجالیست که بعد از گذشتن این طبقه، یعنی ما اکنون وسا کن این سر زمین خواهند بود، و چیزی که درین جا باعث تعجب می شود همین است که از چیزی بخواهیم بحث نمائیم که در نظر اکثر مردم (خصوصاً در مملکت ما) هنوز پایه عرصه وجود ننهاده است ودر مقابل انظار موجودی ندارد. لما در حقیقت چنین نیست. زیرا مرور این رجال آتیه موجود اند (طبعاً ادما بلند تر و زرگ تر خواهند بود) به صورت موجودات کوچکی ایند. اول بکمال بی اعتنائی صرف نظر میکنیم، و نه می توانیم معنی حقیقت تر کی را که درجسم کوچک وجود خورد آنها مضمر است در ک کنیم، و دیلو وزر گوارئی را که در درون قامت های خورد واجسام حقیر ایشان مستور است

خواهیم:

مقصود ما از رجال آتیه آن اطفال صغیر و کم سنی میباشند که تازه کی چشم خود را بروی جهان کشوده اند و هنوز در کنار امهات خود به حرکات ودست وپاردن های طفلانه مشغول وبار سر گک هنا کوچه ها از ین طرف بان طرف میدوند وبه فریاد ها و هیاهوی طفلانه وخنده های پر لطف کودکی قلب نظاره گیان را فرحتی وبا احیاناً بابک گریه سوزنا کی زره وظیفه شان صدمه ایراد می نمایند.

این موجودات خوردیکه ما بدون عطف توجه و دقتی از حال شان از ایشان میگریزیم تا آنها را در مقابل سطری وجسامت خود یک چیز بی قدر واهمیت میدانیم، اگر به حقیقت هر نظر کنیم و به چشمی که باید درشان بنگریم، هیچ شکی نیست که در مقابل بلندی وعلو و موقعیت منبع ایشان سر تسلیم خم خواهیم نمود، و بر عکس خود را در جنب آنها یک موجود پست تر و هیچ مقداره خواهیم دید.

این اطفال کوچکی که مرور اوضاع و حرکات آنها را به نگاه حقارت و واجباراً تمسخر می نگریم، در حقیقت از ما بار ها بزرگ تر اند، چه این ها کسانی هستند که در یک محیط مترقی تر امروز حیات خواهند نمود، و حیات اجتماعی شان فوق حیات ما خواهند بود و پدران و مادران اطفالی خواهند شد که ما با ایشان هیچ نسبتی نخواهیم داشت، و این ها وقتی به سن ما مرد شده در حیات قدم خواهند نهاد که نزدشان سامان و علائم تمدن بیش تر از آنکه در نزد ماست وجود خواهد داشت، و انسانیت شان از ما مکملتر، و اخلاق عمومی شان از ما بلندتر و حیات شان قیمت دار تر و به اسم انسانیت از ما بیش تر مستحق و سزاوار خواهند بود.

پس به عقیده من ظلم بزرگیست که بان چنین نگاه های سطحی (که مردم ما عادت دارند) بر آنها نگریسته بگریم و در حقیقت چیزی شان تعمق وتحقیق (چنانچه لازم می کنیم) نکنیم.

این اطفال کوچکی که در مملکت بی علم مابه حیات آنها قدمی نه می گذارند، از مدت های مدیدی جالب

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 60 of 896

انظار علما و متفکرین گردیده، کتاب ها و آثار بزرگ و قیمتداری در اطراف حیات، موقعیت، اهمیت، و استعداد شان نوشته و سخنان بسیاری گفته شده است. وهنوز هم چه چیز های دیگر که نوشته و گفته خواهد شد. این موجود کوچکی را که ما غالباً تحقیر میکنیم انسانهای حقیقی و صحیح و مجموعهٔ استعداد ها میگیرند، و دستهٔ امکانات و بی نا مسند، و انسانهای حقیقی می خوانند. و هم چنانکه می گویند فی الواقع اهمیت و مقام ایشان را درک نموده، دانسته، و اثبات کرده اند. دانشمندان و مدققین در حرکات طفلانهٔ شان بسیار چیزهای عجیب القواع را مشاهده می کنند که هنوز ما ندیده، و از اوضاع کودکانهٔ شان معانی بسیار بزرگی را استخراج می کنند که هنوز به کشف آن موفق نیامده ایم.

بلی همین اطفال خورد موجوده روزی در صحن این، وطن صورت بدن بزرگ گردش خواهند نمود، و مانند خود عده از اولاد های کوچک را مالک خواهند گردید، و موقعی را که پدران امروزهٔ مملکت ما دارند (بلکه یک موقع بلندتر از آن را) اشغال خواهند نمود.

همین اطفالند که روزی بزرگ شده از کارهای ما یادی خواهند کرد و چنانچه ما بر کار های ایشان (بیجا) می خندیم آنها کار ها و اوضاع ما را (بیجا) مضحکه قرار خواهند داد.

همین اطفالند که روزی در میدان حیات داخل گردیده مصروف کار خواهند شد و گاه گاه از بین دریچه های تاریخ نظری به ما نیز افگنده، به بسیار کارهای که ما امروز می کنیم، خنده های مستهزیانه نموده و بسیاری از اوضاع و حرکات ما را تحت تنقید قرار خواهند داد. و در آن وقت طبعاً مرده خواهند بود.

اما تنها دانستن این امر، یا محض تفسیر عنوان مقاله ما کفایت نه می کند یعنی تنها اینکه بدانیم رجال آتیهٔ ما همین اطفال کوچک اند کافی نیست بلکه لازم است بدانیم چطور مرد می شوند و چه چیز آنها را مرد می کند و ما درین امر وظیفهٔ داریم یا نه؟

اگر در حقیقت امر نظری کنیم دنیا برای یک وظیفهٔ خلق شده است و سر تا سر آنرا وظائف اشغال نموده ولهذا هیچ چیزی نیست که محض از دانستن آن وظیفهٔ ترتیب نکند و بدوش ما بار نگردد بسیار چیز ها نیست که دانستن آن ما را به پرهیز و کناره جوئی از آن وادار می کند. و نیز بر عکس دانستن بعض چیز ها با اتکالت بدان و کردن آن و دانستن بعض چیز های دیگر به بدست آوردن مکلف می سازد یعنی هیچ نوع دانستن در دنیا نیست که از آن یک نوع وظیفهٔ بدوش ما نیفتد. و به همین صورت دانستن معنی و حقیقت طفل از یک طرف و دانستن اینکه رجال آینده عده اطفال موجوده اند از طرف دیگر بر ما وظیفهٔ را تحمیل نماید، و آن وظیفه اینست که به ایشان در مرد شدن امداد و کمک کنیم یا بعبارت واضح تر آنها را برای مرد شدن تربیه نمائیم: این یک وظیفهٔ ایست که چه از روی لیاقت و چه از روی قوانین موضوعه اجتماع و دائره بشر و هم از روی عقل و منطق صحیح ادا نمودن آن برای ما واجب و لازمست و هیچ چیزی وجود ندارد که در صورت ادا نکردن این وظیفه برای ما عذری تشکیل کند. و بدان وسیله معاف و معذور دانسته شویم.

ما نه می گوئیم که در مملکت خود با عدم ثروت و قلت وسائل و هم چنان عدم علاقه با علم و معارف می توانیم اولادان خود را به چنان صورتی تربیه کنیم که ممالک مترقیه یوروپ و امریک می کنند. معهذا نه می توانیم انکار کنیم که اقلاً، اگر بخواهیم و میل داشته باشیم، و بکنیم میتوانیم از تربیه محض یک نوع خدمت را برای سعادت آتیهٔ اولاد خود مراد داشته کاری کنیم که اولاد ما به علم و معرفت آشنا شوند و در عین حال اخلاق مصلح و صحیحی پیدا کنند، و بدین وسیله خود و وطن و محیط و عائله خود را در حیات نیک بخت و مسرور بسازند. به کار خوب هر صورت و در هر موقع و زمان که اقدام نموده شود خوب است. ما نیز می توانیم به قدر وسع خود در تربیه اولادان خود بذل همت و مجاهدت کنیم و نگذاریم

(بقیه در صفحه ۹)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 61 of 896

بقلم آقای میر غلام محمد خان :

یادی از شعرای وطن

دقیقی بلخی

(۲)

نصف قرن چهارم هجری

ابو علی محمد ابن احمد دقیقی بلخی :

محمد دقیق البلخی از ام البلاد بلخ پا بعرصهٔ شهود نهادهٔ ، و در دامان رأفت امیر ابو المظفر فخرالدوله احمد بن محمد چغانی پرورش یافته ست . این امیر چغانی ممدوح شعرای مشهور منجیك ترمزی و فرخی سیستانی نیز بوده . چنانکه فرخی در باره او گفته :

فخر دولت بو المظفر شاه با پیوستگان
شادمان و شاد خوار و کامران و کامکار

این از قصیدهٔ مشهور فرخی در وصف داغگاه امیر چغانی ست که باین مطلع شروع شده :

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار
پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

و فرخی بهمین قصیده در مدح چغانی سائل شده و در یکروز چهل ودو اسب صله گرفت صاحب چهار مقاله این قصیده را به تماماً قیدی کند . اما ابو الحسن علی منجیك در قصیدهٔ که این مطلع دارد و قسماً در مجمع الفصحا مسطور است :

هوی قضاست هوا را بحیله نتوان زد
چه برنیان بپر تیر او چه ز آهن سد

در حق امیر چغانی میگوید :

آیا بدیع شهی کیست نظیر نه بجهان
میان خلق چو سیمرغ مفردی مفرد

و الحاصل دقیقی معاصر امیر نوح سامانی بن منصور هشتمین پادشاه سامانی بوده که در ۳٦٦ ه جلوس و تا ۳۸۷ ه سلطنت کرده است ، دقیقی در مدیحه سرائی ها و داستان گوئیها اختصاص داشته قصاید غرای او در مدح امرای چغانیان و امرای سامانی زیاد است و ازان جمله است قصیدهٔ که در مدح ابو سعد مظفر یکی از امرای چغانی سروده است ، این قصیده از بهترین قصاید دقیقی و در تذکره ها و فرهنگ ها پراکنده بوده ، فاضل طهرانی عباس اقبال اشتیانی آنرا جمع و در حواشی و توضیحات خویش در اواخر کتاب مشهور حدائق السحر فی دقائق الشعر — رشید و طواط بلخی مینویسد . این چند بیت ازوست :

پریچهره بتی عیار و دلبر
نگار سرو قد ماه منظر

سیه چشمی که تا رویش بدیدم
سرشکم خون شدست و بر مشجر

اگر نه دل همیخواهی سپردن
بدان مژگان زهر آلود منگر

و گرنه بر بلا خواهی گذشتن
بر آتش یکدرو بر دوش مگذر

بسان آتش تیز است عشقش
چنانچون دورخش همرنگ آذر

بسان سرو سیمین ست قدش
ولیکن بر سرش ماه منور

فریش آن روی دیبارنگ چینی
که رشك آرد برو گلبرگ تر بر

فریش آن لب که تا ابدر نیامد
ز خلد آئین بوسه نامد ابدر

ازان شکر لبانست اینکه دایم
گدازانم چو اندر آب شکر

ازان لاغر میانست آنکه عذقم
چنین فربه شده ست و صبر لاغر

بچهره یوسف دیگر ولیکن
بهجرانش منم یعقوب دیگر

اگر شکر چنان پیکر نگارد
مر آن دان خجسته دست پیکر

وگر آزر چنو دانست کردن
درود از جان من بر جان آذر

الخ ....

فروغی در تاریخچه فارسی خویش در مقدمه کتاب بدایع میگوید نتیجه تمام مقدمات دورهای ادبیه صفاریه و سامانیه وجود استاد رودکی بخارائی و دقیقی بلخی است . دقیقی از رودکی پنجاه سال بعد دارد ، زیرا رودکی معاصر امیر نصر ثانی بن احمد چهارمین پادشاه ال سامانی بود که در سالهای ۳۰۱ ه — ۳۳۱ ه سلطنت کرده است . ادبیات فارسی در عهد سامانیان و بعدها از اساتیذ ثلاثه استاد شهید بلخی و استاد رودکی و استاد دقیقی منت عظمی بگردن دارد . ش . سامی تورك در قاموس الاعلام خود بعد ازانکه دو بیت از دقیقی نقل میکند مینویسد فردوسی در عالم مبنی نظم نمودن شاهنامه را از دقیقی فرا گرفت . ابو ریحان بیرونی در مالِلهند میگوید دقیقی از شاهنامه هشت هزار بیت بنظم آورده و فردوسی بقیه آنرا تکمیل نمود . مقصد ابوریحان ازین نظم همان گشتاسب نامه ئی است که صاحب مجمع الفصحا و خود حکیم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 62 of 896

فردوسی در شهنامه خویش بدان اشارت کرده الله . گویند دقیقی گشتاسب نامه را نفرموده امیر نوح سامانی منظوم نموده وحضور سلطان محمود غزنوی را درك کرده است صاحب مجمع الفصحا رضا قلیخان نیز همین عقیده دارد .

فردوسی داستان هزار بیت دقیقی را پسندیده ، ودر گشتاسب نامه او با نظر تحقیق نگاه کرده ، چنانکه میگوید

چو این نامه افتاد در دست من
بماهی گرا نیده شد شست من
نگه کردم این نظم سست آمدم
بسی بیتها نادرست آمدم

مرحوم دقیقی بعلاوهٔ شاهنامه مشهور خود اشعاری هم داشته که بعضاً تذکرها ازان نقل میکنند چنانکه قاموس الاعلام از و مینویسد :

گویند صبر کن که ترا صبر بر دهد
آری دهد ولیك بعمر دگر دهد
من عمر خویشتن بصبوری گذاشتم
عمر دگر باید تا صبر بر دهد

همکذا عوفی در لباب الالباب می آرد

کاشکی اندر جهان شب نیستی
تا مرا هجران آن لب نیستی
زخم عقرب نیستی بر جان من
گر ورا زلف معقرب نیستی
ور نه بودی کوکبش در زیر لب
مونسم تا روز کوکب نیستی
ور مرکب نیستی از نیکوئی
جانم از عشقش مرکب نیستی
ور مرا بی یار باید زیستن
زندگانی کاش یارب نیستی

مجمع الفصحا این دو بیت او را مدح امیر چغانی محمد نقل میکنند :

ای کرده چرخ تیغ ترا پاسبان ملك
وی کرده جود دست ترا پاسبان خویش
قدر کوش مر تو دارد ز آسمان
دینار قصد دست تو دارد ز کان خویش

ودر پایان آن دو بیت ، اضافه می نماید :

جهانا همانا فسوسی و بازی
که بر کس نپائی و با کس نسازی
یکی را نعیمی یکی را جحیمی
یکی را نشیبی یکی را فرازی
چرا زیرکانند بس تنگ روزی
چرا ابلها نند بس بی نیازی
چرا عمر طاوس ودراج کوته
چرا مار و کرکس زید در درازی
صد و اند ساله یکی مرد غرچه
چرا شصت وسه زیست آن مرد تازی
اگر نه همه کار تو باژ گونه ست
چرا آنکه ناکس تر او را فزونی

وله ایضا :

ز ده چیز گیرند مر مملکت را
یکی از قوی پیکی بختیاری
یکی زر نام ملك ونشته
دگر آهن آب داده یمانی
که را بوهٔ وصلت ملك خیزد
یکی جنبشی بایدش آسمانی
زبان سخنگوی ودست گشاده
دلی همش کینه همش مهربانی
که ملکت شکاریست کورا نگیرد
عقاب پرنده نه شیر ژیانی
دو چیزست کورا نه بند اندر آورد
یکی تیغ هندی دگر زر کانی

بشمشیر باید گرفتن مر اورا
بدینار بستنش پای ار توانی
که وا ثقت وشمشیر دینار باشد
بباید تن ترا سرو پشت کیانی
خرد باید آنجا و جود و شجاعت
فلك مملکت کی دهد رایگانی

متاسفانه این شاعر بزرگ تاریخی باهمیتی که در عالم تاریخ ادبیات پارسی دارد ، از جهت تاریخ شخصی محتاج مانده ست ، تاریخ تولد او را تذکرهای مهم ذکر نکرده اند ، حتی تاریخ وفات ومحل ومدفن او را نیز مجهول گذشته اند . تنها از اینکه دقیقی بدست یکی از غلامان محبوب تورکی خود بقتل رسیده ، سخن میرانند . مجمع الفصحا میگوید در سال ٣٤١ هجری شهید گردیده . ظاهراً این تعیین سال صحیح باشد ، چه این تاریخ مصادف بسالهای آخر سلطنت امیر نوح اول بن نصر پنجمین پادشاه سامانی ست ، بطوری که فرخی ذکاءالملك میگوید حیات دقیقی مصادف بود با ایام سلطنت امیر نوح ثانی بن منصور که از سال ٣٦٦ تا ٣٨٧ حکومت کرده است .

قاموس الاعلام مقال اور ضبط نموده ودیگران درین باب هیچ نمیگویند .

مجلهٔ با این اختصار از ترجمه حال استاد ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی اکتفا رفت .

ومتوقع ست توجه فضلای محترم بتصحیح وتفصیل این اختصار پرداخته ، سخن را درین زمینه هم پایان کنند ودامن جستجو را وسعت دهند ، تا بیاب استفاده ابنای وطن گردد . (انتهی)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 63 of 896

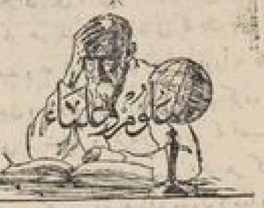

ترجمه از مجلات علمی

مترجم : عبد الرشید

معماهای ابدی

آیا علم میتواند پرده از روی اسرار آن بر دارد ؟ و آیا اینها آثار مدنیت های منقرض شده است ؟

در هر ناحیهٔ از نواحی علم آثار مدنیت های مرده و مندرس شده است ، و در هر ناحیهٔ ظواهر جغرافیائی یافت می شود که نمیتوان جز بفرضیات دور و درازی بحقیقت آن پی برد ، در ین مقاله بعض فرضیاتی است که علما برای تعلیل ، این معما ها و راز ها مینمایند .

آیا مدنیت هائیکه تاریخ نشان میدهد به تنهائی مدنیت هائیست که بر روی این کره خاکی یافت شده است ؟ یا اینکه زمین مدنیت های دیگری را نیز دیده است که فعلاً مندرس شده و از آنها جز بعض آثاری که شبیه بطلسم ها بوده وهنوزه علم باستجلای آنها موفق نشده است چیزی باقی نمانده .

این یك سوالیست که شاید بفکر هر متفکر وبصیری برسد وبرای آن جواب مثبت یامنفی در فکر خود یافته نتواند . چه هنوزه علمای تاریخ آخرین فیصلهٔ خود را درین مسائل نداده وشاید قرنهای متمادی دیگری بگذرد و نتوانند آخرین نظریهٔ خود را بعالم بشریت پیش کرده ویرده از روی این اسرار بر دارند .

در همین آخر ها کولونل لندبرگ هوا باز مشهور امریکائی در بالای جنگل های مکزیك پرواز نموده وازهمان ارتفاع بلند خود بعض آثار شهر های دنیا را که مرور زمان از آنها جز خاکستوده های دقی نگذشته است دید . این آثار از انظار قرن های متمادی مستور بوده تا اینکه لندبرگ آنرا دیده و از وجود آن بعالمیان خبر داد .

واقعاً بشریت همیشه درتطورات عجیبی گام میزند ، یکوقتی آثار قدما دوروی زمین تجسس میکرد ، فعلاً از بالای زمین واز روی هوا آنرا میدانند . و شاید باین ترتیب مدت زیادی نگذرد که پرده ازروی بسیاری از آثارمدنیت های مرده ومندرس شده بردارد .

تاریخ گذشته ها هنوزه هم بنظر علما مغلق ومبهم است وچیزیرا که ما از اعصار گذشته کمی اطلاع داریم درمقابل بسیار چیز هائیکه نمیدانیم هیچ قابل تذکار شمرده نمی شود مثلاً تمام اطلاعاتیکه از تاریخ اهرام مصر داریم اینستکه آنرا برای مقبره ومدفن بعض سلاطین مصری بنا نموده اند ، همچنان چیزی را که ما از ابوالهول میدانیم (ابوالهول مجسمهٔ است در مصر که سر آن مثل انسان و بدن آن بصورت شیر بوده و از برونز ساخته شده است) اینستکه تمثال رمزی از اسرار خلود در نزد قدمای مصریان بوده است . اما حقایق که در وراى این اسرار خفته است هنوزه نمیدانیم .

معذالك حب استطلاع وکنجکاوی صفت جبلی انسان ها است و هر چیزیرا که دیده وبکنه آن پی نبرد سعی میکند بعلت اصل وکنهیت آن پی برده و حقیقت آنرا بنظر خود روشن سازد ولی درغالب احوال باین مقصود خود ها کامیاب نشده وشاید تا ابد هم کامیاب نگردند .

اینك بعض از آن معما ها :

مغاره موتشبان

موتشبان قریهٔ در شمال جبال پیر نه ودر جوار نهر صغیری است که از مغارهٔ تاریك ومظلمی بیرون شده و جوپانها در آنجا گله های خود را آب میدهند . در همین آخر ها جوان فرانسوی موسوم به (نور بر کار تریه) خواست داخل آن مغاره که نهر ازآن بیرون می شود گردد برای این مقصود لباس های خود را کنده وشمع در دست گرفته و بداخل آب غوطه زد وبعد ف داخل مغاره بشناوری روان شد ، بعد از لحظهٔ سنگی سدراهش شده حس کرد بر روی آب شناوری دارد ، بنا برآن مجدد آدر آب غوطه زده واز زیر سنگ عبور کرد وخودرا در مغارهٔ تاریکی یافت که آب از آنجا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 64 of 896

بیرون می شد و هیچکدام از علمای زو لوژی از وجود آن اطلاعی نداشته بود ها معلوم شد که به اقل ترین حساب که تقدیر شود عمر آن کمتر از بیست هزار سال نمیباشد مشاهداتی که کاتزی در این مغاره نمود :

در حوالی این مغاره تمثال هـای حیوانات مفقوده از قبیل شیر و پلـنگ وخرس وگاو میش بری قرار داده بودند که از زیر دست یك صنعتکار ماهری بر آمده ودر این هیچ شبهه نیست که این تمثال ها در عهد یك مدنیتی که مندرس شده است ساخته شده وتا امروز ما از آنها هیچ اطلاعی نداریم وهنوزهم علمای زو لوژی دراین مسئله بحث و تدقیق داشته و شاید وقتی راهی برای استجلای سر آن بیابند . بلی انتخابیکه این مجسمه هارا ساخته اند رفته و آثار شان مندرس شده واز بین رفته است و دراین چیزی قابل تعجب نیست بلکه حیرت وتعجب درینجا است که دو اثر ازبین رفتن ایشان مدنیت نیز منقرض شده واز آثار آن چیزی باقی نمانده است که از روی آن بحقیقت آن مدنیت پی برد .

ورد سورت شاعر انگلیسی ، متزو کات و آثاررا که گذشته گان عادتاً بعد از خـود میگذرانند توصیف نمـوده میگوید :

« شاید خیلی از چوپانهـا در دشت هائی گردش نمایند که ازهر چیز خالی است الا از یاد گارها وشبح زمانی وغالباً گذشته ها » (باقیدارد)

شئون ادبی :

درهاي يتيم

(٣)

مشبع ترین بابها و نفیس ترین فصلهای آدبی تحقیقات در احوال و آثار شعرا و سخنوران یك اقلیم است ، علاوه بر مشغولیت خاطر و مطالعه دروس ادبی بر لذت روحی انسان افزوده از یکطرف با انسجام واستحکام مبانی ادبی وتشبیهات خیلی بکر و احیاناً ساده و نزدیك بفهم و عذوبت الفاظ برخوردیم ، واز طرف دیگر روح تواضع و انکسار و هم چنین غرور ملی وحماسه ، عشق ملتهب ، عفت وتقوی ، شناعت و سر کشی در مقابل رزایل ودنایا ، احیاناً باریك ترین نکات واسرار دربارهای سلاطین گذشته که فهم و احاطه مورخین هم در تملك و تصرف آن قاصر است دیده می شود . من از وقتی که شعر نگاه میکردم و مختصر ذوقی داشتم مطالعه دواوین شعرا وتحقیقات دراین فصل را لذت بخش ترین کارها میدانستم زیرا باندازه مشغول کننده و شور انگیز است که انسان مجبور است بگوید : بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست رفت .

درسابقه همان عشق و جنون تا اندازه که توانسته ام وقت خود را رایگان از دست نداده بهترین سرمایه های جان و جوانی که سرمایه چشم و فکر باشد دربن راه صرف نموده خدمت ناچیزانه خود را باندازه که درخوردم بود به پیشگاه شعرای این وطن تقدیم و شرح حال و آثار هریك را هر زمانی که یك روزنه امید و مجرای انتشار یافته ام فوراً ، کال میل و بدون خود فروشی تقدیم کرده ام بلی : نتیجه و کردار خوب که فصیح ترین منادی حقیقت است ، از هر کس در هر کار و پیشه که باشد مقبول و ممدوح تاریخ است . به سابقه همان عشق سوزانی که دارم وگفتم اینك به تشریح ونگارش دواوین بی نام و گم شده که در مدفن تاریخ وا غوش روز گارغنوده حتی مخفظه بیوفای ادبی ما یك پرده سطبرفراموشی هم بر روی آن کشیده است واینك این پرده تاریك را عقب زده شروع بکاوش های تاریخی و مراجعه به محفظه ادبی هموطنان خود نموده نتیجه اطلاعات و دست آورد گی های خود را به عنوان (در های یتیم) در دو شماره قبل یك رشته لو لوی های گرانبهاء را برشته کشیدم و در خاطر شائقین و دوست داران ادب و ادبیات وطن یاد گار سپردم ، اکنون نیز بوعده خود وفا نموده باره اطلاعاتی که از هر طرف فراهم آورده ام به نگارش قبل خود علاوه می نمایم . بعقیده نگارنده هرشاعری از خـورد و بزرگ سزاوار همیقدر و بیش ازین مطالعه است و روزی باید اوقات یکی ازعشاق ادبیات را بخود مشغول بسازد . این نکته رانیزنهفته نگذارم که اغلباً نگـارندگـان ما حاضر نیستند که برنگـارشات ایشان کسی تعرض کند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 65 of 896

با انتقادی نوپسند ولی انتقاد نکردن در تالیفات ونگارشات خاصهٔ نگارشات ادبی و تاریخی مضر است زیرا انشان به نیك و بد نوشته های خود واقف نمی گردد . بنده بکمال میل و شغف از تمام همکاران بالخاصه از دوست عزیز خود فاضل محترم حافظ نور محمدخان دار التحریر شاهی که نظریات و اطلاعات شان را درین موضوع کامل تر و دقیق تر میدانم خواهشمندم هر خوب و بد با ختك و تری که درین نگارشات تاریخی من بنظر شان برسد مورد انتقاد قرار داده تا من هم بعیوب خود دانسته و هم احوال شعرای نامدار و فراموش شده این وطن قرین صحت و اصلاح گردد علاوه برین از خامه سیال و فکر دقیق شان توقع می رود که بنوبهٔ خود اندوخته های تاریخی و ادبی خود را در معرض نمایش در آورده از وجود شعرا و رجال نامی و آثار بر گزیده ایشان که این اقلیم بخود دیده و بدنیا داده و اکنون از خاطره ها فراموشند اطلاعات پایدار و قیمت دار خود را دریغ نفرمایند .

۱٦ ـ دیوان افغان اثر میر هتك خان افغان که یکی از رجال بزرگ و تاریخی افغانستان است و در عهد اعلیحضرت تیمور شاه با میرزا عاجز و میرزا خان و عزت وجاز و غیره که شعرای هم عصر و هم رو زند مشاعره و مکابره داشته است حتی با واقف و شیدای هند مراسلات شعری و مکاتبات ادبی داشته یك دیگر را در زمینه های روی وقایه های شعری استقبال میکنند . افغان دیوان مکمل و مرتبی دارد قیمت دار ترین آثار او قصایدیست که رزم در بار های شاهان سدوزائی و مخصوصاً وقایع حوزه های حکومتی آن را نشان میدهد و از باریك ترین نکات آن اغفال نمی ورزد . دیوان افغان با قصاید و قطعات ادبی و تاریخی او بخط خود آن مرحوم بکتاب خانهٔ نائب السلطنه مرحوم موجود بوده و خیلی ها به آثار این شاعر شهیر محبت و علاقه نشان میداد ولی تاکنون معلوم نیست که دست تطاول روزگاران دیوان را چه کرد اما نقل همان دیوان موجود و تعلق دارد بمیرزا محمدشفیع خان پسر میرزا محمد ابراهیم خان حکیم مرحوم .

بهتخلص این افغان یك افغان دیگرهم از شعرای نامی و مبارز وطن ما بوده است وبنده درشماره دوم « نسیم سحر » ٤ سال قبل برین شرح حال وتمام نکات دل آویز و دقیق حیات او را نوشتم اما از داشتن دیوان او اشاره نرفته بود صرف به دو غزلی که از نمونهٔ ادبیات تاجیك و تذکرهٔ تحفة الاحباب نقل نموده بودم اکتفا کردم اکنون باز باستناد همان تحفة الاحباب که می نویسد : دیوانی دارد بسیار مقبول ، معانی اش دلپسند الفاظ و عباراتش بلند اشعارش قریب به ۲۰ هزار رسیده این نکته را نیز علاوه میکند که بعد از شغل سپاهیگری بترتیب دیوان خود پرداخته است .

۱۷ ـ دیوان عاجز ، درقسمت سابق نگارش خود اشتباهاً تخلص پدروا به پسر داده ام شاید کسانیکه اطلاعات ادبی دارند درین نگارش بنده اعتراض کنند حق هم دارند اکنون خودم اصلاح لغزش خود را به اطلاع موثوق که از جناب میرزا عبد النبی خان حکیم که از بیانیان بزرگان است گرفته ام می نمایم . عاجز تخلص شعری میرزا لعل محمد خان حکیم که پدر میرزا عبد لواسع خان مرحوم است بوده و میرزا عبد الواسع خان فقط بحواسع شهرت ادبی داشته اند ـ عاجز زمان تیمور شاه شاه شجاع و شاه زمان را مخوبی یافته است و مخصوصاً دیوان مرتب خود را که دارای غزلیات و قصاید عصری و مدایح دودمان سلطنتی وتهانی مولود شهزادگان و شهزاده بیگمان و موکبری ها و عروسی های شاهی و تهانی اعیاد و جشن های درباری واحیاناً مراثی خانوادهٔ شاهی است درسالهای اخرین سلطنت شاه شجاع بپایان رسانیده است و یك قطعهٔ تاریخی این شاعر توانا تا اکنون بر لوح مزار جهان آرا دختر هفت ساله شاه زمان منقور است با آنکه تصاریف زمان و تحولات گیتی و اثرات باد و باران مغشوشش کرده است باز هم حقیقت تاریخی آن را این سنگ صامت و جامد و در عین حال با وفا در سینهٔ خود حفظ کرده و نگاه داشته است از اشعار او که بهترین تذکره وخوبترین آینه حقیقت نمای اوست معلوم می شود که نسبت به تمام همکاران و هم قطاران خود

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 66 of 896

بحوزهٔ سلطنتی مقرب تر بامک رتبهٔ ملک الشعرای آن عهد را هم عهده دار بوده است .

۱۸ ـ دیوان میرزا خان که در زمان تیمور شاه و از خوانین ملکی آن شاه با صد سوار خاصه بوده است میرزا خان از مشاهیر عصر خود محسوب و دارای طبع عالی و قریحهٔ وقاد و مضامین دلپسند است از قراریکه میرزا عبدالله خان مدیر صاحب بلدیه که نواسهٔ آن مرحوم است میگوید : گویا ایشان نه تنها داخل امورات کشوری و لشکری آن شاه ترسی و ریختهٔ فکر روشن و دست قلم و بر مشاغل رسمی و مهمات دولتی که عهده دار بوده است دارای کلیات که مملو از غزلیات ، قصاید ، ترجیعات ، رباعیات مراسلات و غیره پارچه های ادبی و شعری میباشد آبادی موجود ، حضر از بناهای او است ، تاریخ جلد کتب آن مقام که ملک خطوط اصفهان را کرده است قلم ملاجان خان که برادر زاده میرزا خان است رقم یافت کتاب میرزا خان را النائب السلطنه مرحوم از خانوادهٔ شان گرفته نزد خود نگاه میداشت . ولی نقل بعضی اشعار و قصاید و مراسلات شان که رقاع و مراسلات آن عهد و انشای مهمه در نزد میرزا عبدالله خان مدیر صاحب بلدیه حاضر است .

(ناتمام)

(سرور گویاء عضو انجمن ادبی)

از هر طرف

امراض از کجا پیدا می شود

علماً انسان به بعض امراض غریبی دچار میشود و نمیداند مبدأ سرایت آن کجا بوده . یکی از اطباء المان میگوید امراضی که میکروب آن بواسطه مسکوکات از یک شخص بدیگری منتقل می شود خیلی زیاد تر از امراضی میباشد که بدیگر وسایل بانسان سرایت میکند ، ودر اینجا تنها مقصود از مسکوکات معدنی نیست بلکه نوت های کاغذی نیز درین زمره شمرده می شود و ایشان نوشته اند چونکه تداول استمراری مسکوکات از یکدست بدست دیگری وسیله آسانی برای انتقال امراض میباشد . دکتور الهانی که این خبر را از وی نقل بکنیم میگوید : از روی احصائیه های که جمع کرده ام معلوم می شود که مسکوکات معدنی بیشتر مستعد نقل میکروب ها نسبت به نوت های کاغذی میباشد تا برای ازین و الدین لازم است که اولاد های خود را مجبور نمایند که در هر موقعیکه نوت های معدنی یا کاغذی را بدست میگیرند بعد از آن با صابون دست های خود را بشویند خصوصاً پیش ازموقعیکه برسر غذا حاضر میشوند .

مصارف تربیهٔ اطفال در امریکا

امریکائی ها بمیل ورغبت شان یک رقم احصائیه و نشاندادن حقایق و ارقامی که جهت شهرت دارند واخیراً بحث و تدقیق در مصارف تربیهٔ اطفالیکه در امریکا از روز تولد تا موقعیکه بسن دوازده سالگی میرسند نموده و اساس تحت حالت یک طفل را از طبقهٔ متوسطه که دخل سالیانهٔ آن ۲۵۰۰ ریال یا ۵۰۰ پوند باشد قرار داده ونتیجه بصورت ذیل برآمد :

مصارف اولیه	:	۵۰	پوند
غذا	:	۵۰۰	»
خانه و لباس	:	۶۸۰	»
تعلیم	:	۱۰	»
صحت	:	۵۷	»
ورزش	:	۲۶	»
تامین حیات	:	۱۰	»
مصارف متفرقه	:	۱۱۴	»
مجموع		۱۴۴۷	پوند

این مبلغی است که بر یک طفل در امریکا که از عائلهٔ متوسطه باشد بمصرف می شود تا موقعیکه بسن ۱۸ سالگی رسد واز روی این احصائیه قلت مبلغی که برای تعلیم مخصوص داده شده است تا موقعیکه طفل بسن هژده سالگی رسد خوب معلوم می شود درصورتیکه شش سال اولیه را از آن جدا کنیم فقط ده پوند می شود ، و در حقیقت کل مصرف آن در تمام مدت به ۴۲۰ پوند بالغ میگردد ولی مجامع و مراکزیکه عهده دار تعلیم می باشند جزء اعظم آن خرج را خود متحمل می شوند .

آغاز رفع بحران اقتصادی از امریکا

در امریکا کسادی بازار تجارت که امروزه تمام عالم را استیلا نموده است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 67 of 896

در اخیر سال ۱۹۲۹ شروع شده و از آنجا بدیگر نواحی دنیا منتقل شده و کوئی مانند صاعقهٔ بود که بر بازار های عالم فرود آمد ولی امروز که میرود این بحران از امریکا رفع شود بایك حدی بر دول ها اول را تولید کرده است و شاید این بحران اقتصادی از تمام دنیا زودی رفع شود چه از روی اخبار اخیره که از امریکا رسیده است معلوم میشود که در این آخرها قریباً یکصد هزار نفر بیکاران دو مرتبه بکارخانه ها عودت کرده و در فابریقه های فورد فعلاً یکصد و بیست هزار مشغول کار است ، وقیمت مواد اولیه که در صناعات لازم است مثل ژالك و آهن و سرب و مس ابز بلند شده است .

درختی که دارای شانزده رقم میوه میباشد

پسر رسا نیدن شانزده رقم میوه های مختلفه یك درخت ثمره تربیت و دست مستر و مسس م . و . ه کیلان از اهالی او کلند در کالیفورنیا میباشد . که این دو نفر مدت چندین سال را در تعلیم و پیوندیك درخت کوچك هلو بشاخه های میوه های مختلفه گذشتانده و امروزه این درخت هلو شانزده رقم از هلو و زردآلو و ناك و بادام حاصل میدهد .

******

(بقیه صفحه ۲)

وظیفهٔ ما به نسبت رجال آتیه وطن

مانند خود ما اتکالی و خرافات پسند نشوند . تا شاید بتوانند در عالم حیات طریق برای زنده گانی با شرافت و مسرت پیدا کنند . شك نیست محض اینکه انسان هستیم و یك اندازه از عقل بهره داریم ما را به حیات اولاد مان و آینده شان علاقه مند میسازد ، تنها حال تلك سالهای مدیدی قبل ازین آنرا جنس ما را وادار می نمود که اولاد و تعلیم و تربیه اولاد خود و آموختن سواد ایشان ، اخسد هائی را انتحار نموده ترتیم (و یا قرار عقاید خود ما) تجاویزه آنرا بدعت او بدبارهم امری یك جوری از حدود برای پسران خود به اندازه که خود ما مطلوبند و تشبث و سائل ترقی و پیش رفت شانرا در حیات فراهم می آوردیم و حالا هم می آوریم و میخواهیم بیاوریم ، مگر یك چیز دیگر نیز هست که باید با گفته بهاد و نه الیست که حقیقته هر چیز را دانسته ام مگر چرا و یا یك تحقیق در پی آن ننهاده ایم ، و این جا است که بجای نمیرسیم و نرسیده ایم .

یکبار تا بسبب اید فریاد کنیم که و بیطرفی بودن در امور ما را با اسباب حساس های مادی و معنوی وسائده و از بسیار چیز های قیمت دار و گرانبها به علت آن محروم شده ایم . و شاید بیش تر ازان در ما موجود باشد و موجب فلاکت و ادبار ما گردد . کمالات فکر تزاید و تعمق عبارت از کمالیت

که در قاموس مملکت ما جای آن خالیست و وجودی ندارد ، و به همین سبب است که هیچ کس بدرك اهمیت اموری که در اطراف ما جریان دارد ویا به تقدیر اشیائی که در انظار ما عرض وجود میکند موفق نیامده ایم ، ونداسته ایم که یك چیز را چطور می توان از سوء استعمال نجات بخشیده حسن استعمال نمائیم ، اگر از پدران بپرسید که آیا سبب کشیدن زحمت وجمع نمودن ثروت در حیات چیست ؟ هیچ شك نیست که در جواب علت اولی به صورت محبورات و تکالیف خود بار عیال داری و خود طفل را ذکر خواهند نمود ، ازینجا معلوم می شود که به عیال و اولاد خود علاقه قلبی داشته و سعادت و رفاه شانرا خواستاریم ، مگر تدقیق نه نموده ایم که سعادت حقیقی چیست و چطور حاصل میشود ؟ اکثر آ پدران ما سعی می نمایند برای اولاد شان خود مبالغ زیادی ارث بگذارند وهم میگذارند ، ودر عین زمان چنان می انگارند که همین پول در دنیا می تواند باعث خوش بختی او شود ، ولی اگر یك اندازه درین مسئله تعمق می نمودند شاید می فهمیدند که این کار باعث آرامی او نشده ، بلکه بر خلاف محتمل است ، در صورت فساد اخلاق ، سبب زحمات و مشقات زیادی وارثش گردد .

اساس مسلمی است که پول واندوختن بذات خود چیزی خوبی نیست و نمی تواند به سعادت گردد ، بلکه چیزی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 68 of 896

پول را قیمت دار می سازد ، حسن استعمال آن است ، واین کاریست مخصوص اشخاص تربیه یافته وهوشیار و دارای اخلاق خوب . اگر تنها اینقدر دراطراف مسئله دقت می نمودند ، خود بخود متحسس می شدند که به جای ذخیره نمودن پول زیاد بهتر است آن پول را جهت تعلیم وتربیهٔ او صرف نموده و سعی کرد که خودش در دنیا صاحب بازوی توانا گردیده برای خود پول تولید کند . ویا آن همه کونه ضامن رفاه وراحت خود را مهیا سازد واین سبب دیگر دارد که با آن پول پسر خودرا به یکی از دارالعلوم های بزرگ فرستاده از تعلیم و تربیهٔ استادان ومربیان بزرگ مستفید سازد .

گذشته ازین شاید تجربه داریم که اکثر اشخاص در مملکت ما سعی می کنند هر چه زود تر ممکن شود برای پسران خود کار وماموریتی پیدا نموده باصطلاح خود شان صاحب چار پیسه تنخواه بسازند وبرای این کار حتی حاضرند پسر خودرا از عین تعلیم مکتب خلاص نموده ، کوشش ورزند که در یکی از ادارات حکومتی ویا کدام جای دیگری برایش کاری پیدا کنند . وان را دیگر چیزی سبب نمی شود بجز قرار قول خود شان که آرزو وهوس خودرا به نسبت اولاد خود پوره کنند . وگاهی هم یك چیز دیگر ایشان را بدین امر مجبور میسازد یعنی درعین آنکه پسر به تعلیم مصروفست برای اوزن میگیرند وپس ازان که پسر صاحب خانم شد دیگر چاره ندارد بجز اینکه از همه چیز گذشته پول پیدا کند ، و وسیلهٔ جهت ارتزاق خود بیاورد . اعتراف داریم که پدران ما این کار را به جهت آن نمی کنند که به پسر خود نقصانی را ایجاب نمودن میخواهند ، ویا به نسبت او عداوتی ومخالفتی داشته باشند ، بلکه از عین شفقت ودوستی اقدام می نهایند اما باید گفت که این سوء استعمال آرزو وهوس ویا شفقت ومحبت است وپسر بیچاره را این کار در حیات به عقب می اندازد .

مقصود ما از ذکر مثال های فوق اینست که اگر جداً در صدد تحقیق این مسئله برائیم شاید بسیار کار های دیگر نیز از همین قبیل بیابیم که می توانیم آنرا به اندك فکر و دقت حسن استعمال نموده وبرای پسران خود به صورت یك خدمت خوب حیاتی بکار ببریم : مگر هر چیز در اثر علاقه وفکر صورت میگیرد ویا اگر می خواهیم اولادان خود را تربیه کنیم که در آینده رجال خوب شوند باید در باب این مسئله قدری پیش تر باریك بین شویم ، و با یك نوع میل قلبی وصداقت در صدد این کار برائیم ، و دران صورت نمی توان تصدیق نکرد که راهی برای آن پیدا می کنیم ومی توانیم اعمال خود را نیز باین فکر تطبیق دهیم ووظائف های خود را برای اطفال به معنی حقیقی آن تربیه گاهها بسازیم .

گفتیم که ممکن است نتوانیم اولادان خود را مانند اوروپا از هر جنبه تربیه کنیم یعنی هر طرف وهر جا را به صورتی استعمال کنیم که برای اطفال ما تربیه گاه شود ، یا کندر گارتن ها وجه وجه ها داشته باشیم ، مگر اقلاً می توانیم از تعلیم مکتب که دوساله مساعی حکومت ما برای همه وایگان باز است و پسران ما دران جا با صمیمیت وحتی مشکوریت پذیرفته می شوند ، ایشان را محروم نسازیم وبگزاریم دراینجا رفته کسب تهذیب نمایند وما نیز یك قسمت وظیفه را که وجود اولاد بر دوش ما می گزارد ایفا نموده باشیم .

سیر تکامل این یك مسئله را بما افهام می کند که اولادان ما بهر صورت از ما پیش تر باین مسائل و مسائل دیگر توجه خواهند نمود ، و طبعاً در صدد آن خواهند برآمد که بدانند ما برای خود شان ووطن شان چه کرده ایم ؟ و چه کاری از ما در صفحات تاریخ برای شان مرقوم مانده است ؟

اگر می خواهیم دران وقت رخنی به ما نفرستند ، امروز فرصت آنرا بدست داریم وخود را مستحق آن بسازیم ، ورنه ثابت است که مارا اجداد وظیفه ناشناس و نا حق پسند خود خواهند گفت ، و درین عصر تاریخ وتاریخ نویسی هیچ کاری نخواهیم کرد که تا حقه اولادان ما آنرا درك نکنند و درنتیجه استنتاجات تاریخی کشف ننمایند ونداشند .

(. . .)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 69 of 896

صحیات

بدقسمتی مریض‌های ما

در جمله مقرراتی که حکومت سنیه ما در بودجه امسال خود افزوده است منظوری یکنفر طبیب اختصاصی برای امورات بلدیه میباشد . بدیهی است که این قرار عالی یکی از حسنات بزرگی است که حکومت محبوب برعایای خود میفرماید زیرا اصولاً این امر معلوم است که برای دفع امراض پیدا کردن ذرایع وقایه یعنی جلو گیری از انتشار ووجود امراض بهتر است از اینکه ذرایع علاج را تقویت کنیم . وشاید این بهترین صفت حکومت سنیه حالیه ما باشد که مسائل را از راه های اساسی ترین علاج وتدبیر می نماید . این را چنانچه گفتیم یکی از حسنات بزرگیست‌که حکومت سنیه ما برعایای خود فرموده است . ولی این را صریحاً باید بگوئیم که برای حصول یك ترقی ویا اصلاح تنها صادر شدن امر وقرار حکومت کفایت نه می کند ، بلکه عامل بزرگ وذریعه اهم بر دوش ملت ورعیت است . مثال این مدعا را ازخود مسئله صحیات عمومی میگیریم تا از مطلب دور نشده باشیم .

مثلاً دولت برای اینکه مسئله صحیات عمومیه را اهمال نکرده باشد ، دراوائل سنه تاسیس در پایتخت وولایات شفاخانه هائیکه فقرا را رایگان علاج کند تاسیس نمود . این بغیر از شفا خانه های بسیار واستخدام دکتر هـای متخصص ورفع محصول گمرکی ازادویه ، حتی برای تبلیغ ونشر نصائح صحی مجلهٔ هم صادر نمود ، گویا درین راه وظیفهٔ که بردوش داشت ایفا نمود .

ولی آیا این اقدامات متعدده و آخری برای رفع ودفع امراض کفایت میکند معلوم است که جواب نی ! میباشد زیرا مثلاً اگر یکنفر بمرض مهلك وجل سفلیس (آتشك) دچار شود حکومت برای علاج ونجات شفا خانه های مفت و داکتر های متخصص را بکسان تهیه نموده است . ولی اگر این مریض غذای خود را حاضر ندیده ودر حامهای عمومی رفته لنگ ودستمال های عمومی را استعمال کرده صد ها نفر دیگر را باین بلای بی درمان و یا کم درمان دچار ساخت آیا حکومت چه کرده می تواند ؟ و یا اینکه تقصیر حکومت در مبتلا شدن دیگران چیست ؟

علی هذا القیاس در باب عفونت میگوئیم که حکومت برای تنظیفات عمومی میتواند بلدیه خود را باندازهٔ لزوم تقویت بدهد ولی دائره این مساعدتهای او شوارع کوچه وسرکها و معبرهای عمومی خواهد بود فرضاً شخصی درون خانه خود عفونت را داده حویلی یا زیر خانه های خود را مصدر مکروبهای که موجب انتشار مرض ها در آن منطقه میگردد ، آیا حکومت در درون این چنین حویلی ها چه دست درازی کرده می تواند ، تا خلق خود را از بلا و شر آن نجات بدهد ؟

مانند این مثالها که ثابت می کند که وظیفهٔ اهم در اصلاحات بر دوش خود رعیت و اهالی میباشد ، خیلی زیاد است .

حصهٔ مهم دیگر وظایف حمایت صحیات عمومی بر مامورین صحی بلدی است که این را باید ملتفت بود که این مامورها جزء همین ملت هستند که درمذاکرات ایشان قبل از زمان ماموریت دقت کنیم خواهیم شنید از یك سلسله آرزو ها و پیش نهادات برای ترقی و تعالی مملکت میباشد . وشاید مامور شدن آنها بهترین فرصت برای حصول آن آرزو ها بشمار میرود ، و اگر اندك اهمالی نمایند ، در حقیقت کفران نعمت کرده می باشند .

والحق اگر دقت کنیم مریض درمملکت ماخیلی بد قسمت میباشد ، وشاید اهمترین حصه های بدقسمتی مریضهای مامیسر نشدن دوا باشد . که این جا بقرار نظریهٔ سابق خود میگوئیم که تنها صادر شدن اوامر حکومت کفایت نه می کند ، بلکه وظیفه شناسی و خدا شناسی کسانیکه

مسئله احضار ادویه بآنها مفروض می باشد شرط اهمّ است .

آیا حکومت علاوه بر اینکه برای تاسیس شفاخانه و توزیع ادویه بودجه مکفی منظور کرده است ، و به مدیریت طبیه امر و باجازه تاسیس [illegible] دوا خانه داده است . و یا اینکه برای تشجیع و تقویت دوا فروشان محصول دو [illegible] معاف کرده است ، چه کرده می تواند ؟

ولی باز هم در [illegible] های [illegible] و [illegible] های که مردم [illegible] خانه های شال [illegible] شده ، [illegible] چندین نفر [illegible] خانه داده [illegible] لعنت های الهی که [illegible] باشد علاوه [illegible] باشد [illegible] نسخه چند نسخه شما از طرف دوا فروشان [illegible] که دوای این نسخه یافت نمی شود رد می کنند و غالباً دیگر این دوا خانه ها را یک تفتیش فنی بکنیم خبر [illegible] چند قلم دوای جلی [illegible] بودن آنها ، روا [illegible] شرط است ، دیگر چیزی نخواهد یافت .

این بعید از نسخه های [illegible] دیگر [illegible] کردن در آنها تخصیص [illegible] ولی طبعاً آنها را از روی مشاهدات درک کرده می توانیم .

[illegible]

[illegible] که شاید [illegible] گذاشته که [illegible] [illegible] روپیه ٦ [illegible] باشد در حالیکه هر شخص که به قیمت دوا [illegible] بلد باشد [illegible] [illegible]

در یاد داریم که سنه گذشته در موسم بهار که وقت شدید مرض ملاریا (تب لرزه) است و یا بعض از مأمورین صحی شکایت کرده مسئله جلوگیری از آن مودی که قرار بیان بعض داکتر ها که در کابل و نواحی آن در موسم بهار و خزان مرض ها در صد ۹۰ و ۷۰ مرض ملاریا (تب لرزه) گرفتار می باشد نمودیم ، و معلوم است اولین چاره و یا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جوان عجیبی [illegible]

[illegible] هر چیز [illegible] می شود ، و یا اینکه روزی با این دوا فروشان در موضوع [illegible] حکومت برای تجارت دوا فروشی نموده است ، در مقابل این افغانان [illegible] دوا خانه های ما دارند [illegible] کرده چون داده [illegible] این قدر هم [illegible] است .

[illegible] اگر [illegible] می بود جواب آن شخص اول که اهمال خود را قانون [illegible] می سازد ؛ و یا این شخص دومی که [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] نشکر [illegible] توجه دولت [illegible] [illegible] خود را یاد آوری میکنیم . [illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible] [illegible]

گذرانی نعمت بانکه [illegible] زندگی ما شمرده می شود و نزد خدا و حکومت مسئول خواهیم بود ، مقابل اینکه در وظائفیکه به مومنات تعلق دارد اهمال کردیم . یا مجهودات کم و ناقص را در حق عموم [illegible] و [illegible] شمردیم .

مجله اقتصاد

مجله اقتصاد که در هر پانزده روز یکمرتبه [illegible] می شود ، از لحاظ مطالب علمی ، [illegible] [illegible] است که [illegible] کسانی که [illegible] [illegible] [illegible] از مطالعه مقالات علمی آن استفاده نمایند در مواضع ذیل واحد فروشی میشود :

۱ : بازار کتاب فروشی :

الف : دکان ملا عبد الاحد خان کتاب فروش

ب : دکان ملا [illegible] گل خان .

۲ : بازار که خورای جندول : دکان حاجی عبد الله خان سیمساز .

تصحیح

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سطر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مقاله [illegible] [illegible] عطف توجه قارئین [illegible] به تصحیح این [illegible] معطوف ، [illegible]

[illegible] غلام محمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 71 of 896

جواهرات ثمین
یا
کلمات برجسته یکی از شاگردان معروف
سید جمال الدین افغانی
مرحوم شیخ محمد خیابانی

در آزادی و استقلال :

١ : اولین لازمهٔ شرافت یك ملت استقلال است .

٢ : استقلال ملت ها فقط فضایل نفس واخلاق عالیه محفوظ میدارد .

٣ : حافظ و نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت وفداکاری آنهاست .

٤ : هر گاه میخواهید آزاد باشید باید حقیقت را پیشهٔ خود سازید .

٥ : بدون حقیقت آزادی میسر نمیشود .

٦ : یك ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد .

٧ : در راه زندگانی شرافتمندانه باید از مال وجان گذشت .

٨ : زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی واستقلال خود زندگی رادوست دارد .

٩ : آزادی مستلزم مساوات است : در مقابل قانون همه برابر هستیم .

١٠ : هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور نمود که بابا چارهٔ خطاکاری خواهد داد .

١١ : عطر گلاب لحظهٔ خاطر را مسرور میسازد ، عطر آزادی در مملکت نشر نمایید که دنیا یك مملکت را معطر داشته باشد .

١٢ : آزادی دیکتاتوری سرهر سیاستی حاکم است .

١٣ : شما هر قدر آزادی خواه باشید ، همینقدر حیاتی که از شما آزادی خواهد زاید .

١٤ : در عین آزادی باید مقید به قانون باشند .

١٥ : خادمین حقیقی ملت باید فدائی ملت شوند .

١٦ : ممالك اسلامی را مسلمان ها باید آزاد کنند .

در تجدد و ترقی :

١٧ : اولین وسیلهٔ ترقی ، داشتن روح تجدد است .

١٨ : یك ملك زنده وبیدار بعمو هرسال مرحلهٔ بطرف تجدد رهسپار گردد .

١٩ : رسمد زنده راه رفتن غلط ومحال است یعنی روش زنده را پیروی کن تا جوانروس نشوی .

٢٠ : باید رمانها را بیها هر کجا هدایت میکند پیروی نمائیم .

٢١ : جادهٔ زنده ملت ها را سوق می کند وآنها هم میروند وپیروی میکنند ، باید ما هم بباید عاق زمان خود باشیم .

٢٢ : باید ترقی کردن را لازم دانست ترقی نکردن در زمانه حاضر قربان است

٢٣ : هر ملتی که ترقی و تجدد را مطر لاقیدی میبند بزودی غلاموبیچاره نموده و چارهٔ الا گرد خواهد شد .

٢٤ : ما اولاد قرن حاضریم باید بقرن خود عاق شویم .

٢٥ : اولین دشمن یك ترقی خواه آرزوها و آمال اوست .

٢٦ : جهال مرگ را نسبت بتغییر دادن عادات خود ترجیح میدهد .

٢٧ : امروز آنچه در نظرها مرغوب است فردا ممکن است مردود باشد . (این فرمایش حضرت شیخ راجع بعادات غیر مفید است)

٢٨ : عوام یك علاقهٔ مفرطی بعادات خود شان دارند که همین علاقه مانع ترقی آنها است .

٢٩ : عقل و منطق عوام در چشم آنهاست .

٣٠ : کلاه امروزی شما بقدر کلاه دیروزی پدران شما نیست و ممکن فردا هم کلاه امروزی شما را اولادان تان در سر نخواهند داشت .

٣١ : عمال قوه که در موقع خود بشکل آتش و حرارت منتقل میگردد بعد از آن باید بشکل کار و حرکت در آورده شود تا سیرخهای تمدن وتکامل راه برای اندازد .

در فلسفهٔ اجتماعی :

٣٢ : عوام تابع تلقینات است وهر گاه مدیران ومقتدایان شان مدبر ولایق باشند ممکن است نتائج حسنه از عوام گرفت .

٣٣ : یکفرد بیعلاقه بجامعه خود کمتر از حیوان است .

* * *

این جملات برجسته را ازجمله فرمایشات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 72 of 896

حکیم فرزانه آقای شیخ محمد خیابانی شاگرد خردمند سید جمال الدین افغانی بنده انتخاب و به آن ذات بی همه کردم امید وارم مطالعه کنندگان آثار قیمتدار خود استاد بزرگ مشرق سید جمال الدین افغانی امثال این جملات را اگر در آثار ممدوح ملاحظه کرده باشند نیز انتخاب کرده و برای استفاده هموطنان من به هدیه آنجریده عالی بفرمایند .

ع ، ج اعظمی

خبرهای داخلی

وکیل نائب الحکومه مزارشریف

حسب الفرمان ۹۹۷ حضور همایونی رئیس تنظیمیه مزار و منه ع ج محمد یعقوبخان والی ، نسبت به علالت مزاج ، رخصت داده شد که به کابل برای معالجه بروند عوض مشارٌ الیه تا رسیدن خودشان ع ، ج احمد علیجان سابق معین حربیه و رئیس تنظیمیه قطغن و بدخشان ، به حیث وکیل نائب الحکومه امورات مزار شریف را اداره می کند .

مدیر عمومی فابریکات

چون امورات فابریکات به وزارت تجارت تعلق گرفته است ، تا حال اداره به نام مدیریت فابریکات بوزارت تجارت موجود نبود که امورات حسابی و غیره آن فیصله شود لهذا در تربیخ انهاد وزارت موصوف آقای محمد کریم خان (برادر ع ج وزیر صاحب دربار) از حضور والا حضرت صدر اعظم صاحب مدیر عمومی فابریکات وزارت تجارت منظور و منصوب گردیدند . باقی مامورین آن حسب تصویب و انتخاب وزارت مقرر خواهند شد .

معاونه مدیریت شفاخانه مستورات کابل

خانم ش ، گل علیجان کندکمشر که از اواسط ماه جدی ۱۳۰۹ الی اخیر سال مذکور بصورت فخری بشفاخانه مستورات خدمت می نمود .

نظر بحسن خدمت و فعالیت اش ، مدیریت مستقله طبیه خانم مذکوره را بحیث معاونه شفاخانه انتخاب و از حضور ع ج والا حضرت صدر اعظم صاحب منظور گردیدند .

میرزا سیدال خان کاتب تحویلخانه عمومی مدیریت مستقله طبیه نظر به درخواست خودش از مامورت برطرف و عوض آن میرزا عبدالمجید خان منظور گردید .

خبرهای خارجی

معاهده مودت فیمابین

حجاز ، نجد ، عراق

لندن ١٤ اپریل : ـ نمایندگان حجاز نجد و عراق بتاریخ ۸ اپریل در مکه معظمه . معاهده دوستی و مودت و پرو توکول ثالث امضانموده اند . نیز مذاکرات راجع به مسائل اوقات برای منفعت حرمین الشرفین و عقد قرار داد پاسپورت و گمرکات جاری است .

چپاول و سرقت بانک فیلادلفی

فیلادلفی ـ ۱۱ نفر دزدان وقطاع الطریق در چهار موتر مجهز از ماشین دار و تفنگچه ؛ به اطاق نقود بانک حمله کرده ومقدار ٤٥ هزار دولار را دزدیدند .

دزدان به اصول عسکری عملیات کردند یعنی دو نفر ازانها مصروف تهدید عمله واجنت های بانک و سرقت . وباقی آنها در مقابل دروازه عمارت بانک با تفنگچه های شان هر کسی که خیال داخل شدن در عمارت را میداشت ،فیر می کردند .

رویتر

عراق

معاهدهٔ دوستي با ماوراي اردن

مسکو ، ۲۹ اپریل — نوري سعید صدر اعظم عراق با حکومت ماوراي اردن معاهدهٔ دوستي را امضاء نمودند . نوري سعید که بریاست نماینده گي براي مذاکرات درباب تشکیل اتحاد پان عرب حرکت نموده بود مصر، عمان ولاز یارت نموده بطرف مکه براي مذاکرات با ابن سعود رفت مطبوعات ممالک عرب اشارهٔ مینمایند که انگلیس به این اتحاد احتیاج دارد .

تاس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 73 of 896

مؤلف : لهپلاتیه فرانسوی (۲) مترجم : حبیب الله طرازی

ما دام سان ژین

(ناول)

فصل اول

(وو کسهال)

ماه جولائی اریك جمیت مسرور وخندان چهره های بشاش، و نیفورمه های مجلل عملو بود مرد ها ، کثراً از دسته سربازان (گارد نا سیونال) مرکب بوده وحاضر بودند که به شنیدن ضربه اولین نقاره انقلاب بمیدان سربازی جهیده ودر مجادله شرف حصه بگیرند : در میان این سربازان جوان خوش چهره و ممتازی بود . از علامه تفرقی که بربازو داشت منصب سارجن‌او واضح میگردید . از هر جا ئیکه دختران مقبول که با چهره متبسم میگذشت نظر توجه همه شان را بطرف خود دش جلب می نمود . خود اوهم فریفتهٔ حسن وجمال یك دخترك مهوشی بود که‌چشم‌های کبود راست بازش باقدری عیاری بطرف گارد قشنگ مینگریست . سارجن‌جوان باوجود تحریك رفقا باز هم بیکاناه با دخترك متردد بود .

یکی از سپاهیان اورا مخاطب ساخته گفت :

« هله له فیور ! موقع را ازدست مده این اقدامی‌اثر نخواهد ماند . من ضمانت میکنم » یکدیگر : « اگر تو جرئت کرده نمی توانی من حاضرم که طالع آزمائی کنم »

سومین : « هر کسی می بیند که چشم او بر تست این هم رقص فریکانه است ... رو ازنزدش خواهش کن ! »

له فیور از شخص چهار مین که مانند خودش یك سارجن بود پرسید « ر نادوت ، آیا تو مشوره میدهی که ازو رقص بخواهم ! »

ر نا دوت : « برو هیچ باك ندارد ولی یك سرباز فرانسی هیچگاه از مقابل یك دشمن ویك روی مقبول برنمیگردد »

سارجن هم قطاران‌خودرا گذاشته سر راست بطرف دخترك رفت و دست خود را دور کمر او گرفته بطرف خود کشید ودر حلی که کوشش داشت اورا ببوسد گفت : « مزل ! این فریکاسه را بامن خواهی رقصید ؟ »

خانم قشنگ باکمال سرعت و دلیری خود را از آغوش او کشنده و سیاهی مضبوط برخسار سار جن جوان نواخته اورا دوسه قدم عقب نشاند . این پیش آمد خدت و حرارت له فیور را قدری سردنمود ، چنانچه دست خود را به کلاه کنجه خودش برده باحترام گفت : « ما مزل ، امید میکنم شمارا نیازرده باشم ؟ »

دخترك که قهرش بکلی برطرف شده بود جواب داد : « اوه ! دوستم حرف آزرده گی در بین نیست ؛ خواستم یکدرس بشما بدهم ! دیگردفعه خواهید فهمید که با که مقابل شده اید ! » وبطرف یکی از همراهان خود برگشته آهسته گفت چندان بد ورنگ هم نیست . »

ر نادوت باوجودی که رفیق خودش را تحریك نموده بود از ین پذیرائی باطناً مسرور شده پیش رفت واز بازوی له فیور گرفته گفت : « یا رفیق ، درینجا بکار نیستی ، شاید این خانم جوان رقص را یاد ندارد ! »

دخترك از شنیدن این کلمات او براشفته گفت : « از مسئله بشما ربطی نخواهد داشت ؛ هروقت وبا هر کسی که دلم بخواهم میرقصم ؛ ولی با شخص شما هیچ گاه نخواهم رقصید ! اگر دوست شما حال یك وضع مناسب ازمن خواهش کند بکمال ممنونیت یك دوره را با او خواهم رقصید وبایتصورت دوست های خوبی خواهیم شد » چنین نیست سارجن این را گفته دست های خود را بطرف (له فیور) برده بدست او نهاد .

له فیور : « بهترین دوست هما ماد موازل ... من بارهم عفو می خواهم چیزی که حالا واقع شد قصور من نبود رفقا مرا تشجیع کردند ، چیزیکه در معا وضه یافتم مستحق آن بودم . »

دخترك با چهره متبسم — : « اینقدر عفو ضرورت ندارد . بگو به بینم از اهالی (الزاس) نخواهی بود ؟ لهجهٔ تکلمت قدری بآنها شباهت دارد . »

له فیور — : « در قریهٔ (رو فاش) قریب (راین) تولدیافته ام . » دخترك : « پس ماهموطنیم و هم سایه هستیم مولد من (سنت ارامین) است . »

له فیور — : — « آیا اسم شمارا پرسیده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 74 of 896

می توانم ! »

دخترك قدری سرخ شده گفت : اسم من (کاترین پوشید) قصاره و دو کوچهٔ دورو پال « ومعاش دارم . » له فیور « من هم (له فیور) سابقاً در کاباره های شاهی سار جن بودم وحال در مليشيا عضويت دارم . »

دخترك : « بن چيز ها را بسا تر هم بهمدیل ممکن است حال بیا كه ساز شروع شده است . » این را گفته و بدون انتظار در آغوش سار جن در آمده در انبوه رقصنده گان در آمده ملحق شدند .

در اثنائيكه سارجن و رفيقهٔ مقبولش رقص كنان از مقابل ناظرین میگذشتند يك مرد با چهرهٔ بسیار زرد و موهای ژولیده بطرف (کاترین) دیده صدا زد « بخدا ؛ (سان زین) با کاباره ها یك جا شده است . »

پیر مادوت که تدای اورا شنیده بود پیش رفته ازو پرسید : « آیا تو من هم را می شناسید ؟ »

« بلی ! این دختر قصاره من است خیلی دلیر ، نیکوکار ، صاف دل ؛ و صاحب زبان تیز است . برای زن کوتی واطوارش ساخت شرفانه نی بنیه‌ورس وجوارش (ما مزل سان زین) شهرت یافته ست ... »

به مجردی که رقص بپایان رسید سار جن ما مزل خوش را به جایش رسانید « سکوت وسکوت حکم فرما گردیده بود . مصاحبهٔ خرو خالهٔ ایشان هم طرز خصوصیت را اختیار کرده و آنهارا در انظار بهترین دوست ها جلوه میداد . له فیور برای اینکه دو ستی خود شان رازیاده تر مستحکم کرد ، بالخاصه صرف شامپانی را هم تجویز نمود .

کاترین جواب داد : « بکمال ممنونیت حاضرم . من معتقد شده ام که دیگر ... بشوم . زیرك شخص صدق سط بی . از اینکه بینید که این ظالم مهر با نانه ات را رد کنم ، بالخاصه که رقص انسان را خیلی تشنه میدارد ، بیا نشسته ایم . »

له فیور قدری تردد نشان داده گفت : « مادموزل میدانند که دسر با از عادت بدارم تنها مشروبات بنوشم ! »

دخترك خندید گفت : « فهمیدم — دوستان را مجبور بدعوت کنی ؛ خوب آنها را نیز بخوانید . راستی من خود می توانم آنها را دعوت کنم . » این را گفته وبر گرسی نشسته بطرف یك جماعة چرا ! اش . این دو نفر در یك فاصله به چشم تعقیب می نمودند اشاره نموده صدا زد : « هلو مجه .... این جاها بیائید با شما را بخواهم بوزه . »

این دعوت بسیار زود كه كارین چهار نفر کاباره ویك نفر ملکی آمده با آنها ملحق شدند ویاله ها را پر کرده صحبت را نوشیدند . دوری احظه (سان زین) وله فیور آنقدر باهم آشنا شده بودند که هردوی شما از یك قریه می ترا اید .

می نوشیدند . سارجن برای دفعهٔ ثانی جرئت یافته بعد دیدن بوسه نشست بود ولی (کاترین) او را به عقب را نده گفت : — « از ین ممکن نیست ، مزاح مرا حست ، ولی چیزی که زیاد از آن باشد من اجازه نمیدهم . »

چونکه در لباس ملکی بود له فیور را مخاطب ساخته گفت « گمان میکنم که تو از یك قصاره مشاهده اینقدر پرهیز کاری را توقع نه میکردی ؟ من میتوانم تورا نگویم که بعد موازل (سان زین) را به اینقدر آسانی بدست آورده نمی توانی . »

کاترین خندیده صدا داد : « بالیقدر زودی . هیچ گاه . » وبطرف متکلم دیده علاوه کرد : « هم شهری عزیزم فوده ، تومرا از بسیار وقت میشناسی واین سوم دفعه است که رخت های ترا می شویم . آیا کدام حرف مشتبهی در بارهٔ من شنیده ئی ؟ » فوده : — « لا والله هیچ گاه . »

« من او ساعت تیری های مشروع مثل رقصیدن (فرنگانه) ویانوشیدن بابعض اشخاص تعجیب مانند شما ها خود داری نمیکنم ، ولی هیچ کس هم ، هیچگاه به مقاصد دیگر کفشکی خانه ام را عبور نکرده است وخوب احتیاط میکنم که هیچ کس هم بدون یك شخص عبور نکند . »

له فیور دست به سبیل های خود برده پرسید : « آن سگ خوش قسمت که خواهد بود ؟ » (باقید ارد)

(مطبعهٔ ابس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 75 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

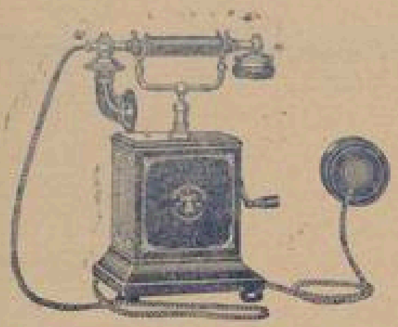

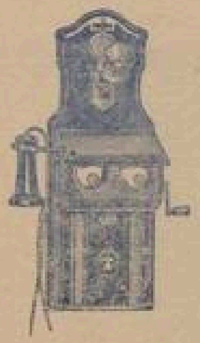

تیلفونهای اریکسون

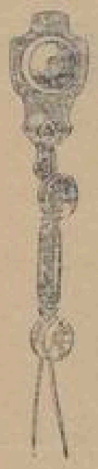

اریکسون فابریکه است که در سنه ۱۸۷۶ تقریباً در تاریخ اختراع تیلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالک دنیا قریب پنجاه فابریک بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تیلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریک مرکزی اریکسون در ستاکهالم (سوید) و شعبات او علیحده فابریک هائیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا استریا چکوسلاواکیا هالند هنگری ـ ایطالیا پولاند و علاوتاً تقریب پنجاه نماینده گی در ممالک بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریک اریکسون را دارا است و بهترین سیستم تیلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن بمناسبترین قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشتریان را ازهمه جهت فراهم خواهد آورد خواهش مندان و طالبین اینگونه تیلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارگ کابل است رجوع خواهند فرمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 77 of 896

انیس

جریده ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۲ ،
طلبهٔ معارف	۷ ،
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض ومعاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 78 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 79 of 896

شماره (۵) مجلد (۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ ،
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : ذیل عدهٔ ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱ جوزا ۱۳۱۰ تأسیس ۱۳۰۶ ۲ محرم ۱۳۴۹

عاطفه و پرستاری

صحت جان در پیشگاه آمال و آرزو های انسان قیمتدار ترین خواهشات آنست ؛ بطوری که یك انسان صحت خودش را دوست داشته و برای آن قیمتی را قائل است شاید غیر خودش کسی با این درجه بصحت وی علاقه مند نباشد.

ولی اشخاص شریف نوع پرور که هر شی قیمتی در مقابل خواهشات نوع دوستی شان قیمتی ندارد ، سعادت و سلامت وصحت و خوشبختی نوع خود عشق وعلاقهٔ مخصوص داشته در بدل این آمال بزرگ شریفانه از هر گونه بذل وایثار مضایقه نمیفرمایند.

ملل امروزهٔ جهان در سایهٔ همت وشرافت همین گونه اشخاص نوع پرور خود مالك صحت جان بوده ، سعادت واطمینان زندگانی مینمایند ، ولی در اکثر بلاد مشرق تا هنوز کمتر اشخاص پیدا شده اند که باین موضوع حقیق حیاتی و مسئله بزرگ حفظ و حراست نسل اهمیتی گذاشته و جان یك ملتی را مرهون احسان خود قرار داده باشند.

هموطنان میدانند که ما تا چندی پیشتر بچه اندازه فاقد اینگونه موسسات حفظ جان بوده و چگونه حیات و صحت اهالی این خطه معروض سیر حوادث و آفات ، دستخوش امراض و کثافات از بی مبالاتی و عدم پرستاری گردیده بود ، فقط مراحم بیکرانه حضرت حکیم علی الاطلاق و از فی الجمله مساعدت آب و هوای سالم این خاك است که ملت ما با آن حوادث مقابله و تلفات سنگینی را که تهدید حیات و صحت عمومی جامعه ما می نمود بحمد الله تعالی دو چار نشده و نیم جانی بسلامت بردیم.

ولی بار هم رخساره های افسرده و چهره های پژمردهٔ فقرا و ناتوانان که پول ادویه ، قیمت ، قدرت معالجه ندارند قلب انسان را ازرده ، عواطف اطبا را به هیجان می آورد.

شاه دل آگاه حاضره ، اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی ، که قلب رئوف وعواطف نوع دوستی وملت پروری شی پادشاه قلوب و عواطف دوستداران اهل وطن است !

از مبادی جلوس شاهانه ازین منظرهٔ تأسف خیز وانحراف صحت عامه برقت افتاده وعجالتاً قدم های جدی درین راه برداشتند.

تشکیل فوری مدیریت مستقله طبیه ، جلب داکتر های متخصص و تدویر شفاخانه ها آنهم ادویه و مایلزم امور مهمه ناشی از عواطف سرشار وطن دوستی وملت پروری این تاجدار رئوف بوده است.

تازه ترین مژده که روح علاقمندان بصحت وسلامت ، جان هموطنان عزیز را بالاندازه تأسیس ، دو شفاخانهٔ مجانی علی آباد است ، علی آباد واقع چهار میل غرب کابل ملك زیاد مزروعی وقلعهٔ بزرگی است که ذات شاهانه بانضمام نشان المراحل که در اثنای فداکاری وتحصیل استقلال وطن در عهد سپه سالاری ذات ملوکانهٔ خود بطور مکافات خدمت شان از دولت تحصیل کرده ولی آنرا بمفاد شخصیه استعمال نکرده ازنقطهٔ وطن خواهی وملت پروری برای سعادت اولاد این کشور یك مکتب وسیع تخصیص وتمام مصارف آن مکتب را از حاصلات ملك مذکور تدبیر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 80 of 896

فرموده بودند که مکتب علی آباد مشهور وتاچند سالی دوام ورزید بالاخر در دورهٔ حکومت امانی متاسفانه سقوط نمود ·

اکنون آن ملکیت وقلعه باسعادت که بشرف شمشیر مردانه هدیه شده بمصرف خیلی قیمتی ونظریهٔ عالی جنابانه تخصیص یافته بود دوباره احیای شرف اوکت نموده ازطرف اعلیحضرت غازی برای تاسیس شفاخانهٔ معالی مختص ومعین گردید تا اهالی فقیر وبی بضاعت این کشور را در آن منزل صحت وما وایه عافیت بوده باشد · متخصصین فنی از قبیل مهندسین ومعمار تحت نظر جناب رفقی بیک با کثر حضور همایونی برای تهیه نقشه وتدارک سامان واسباب لازمهٔ آن مقرر گردیدند تاشروع بکار آن کرده شود ·

فعلاً برای تعمیر شفاخانه مذکور ووسائل لازمهٔ آن مبلغ دولک افغانی را حضور همایون اعلیحضرت از پول شخصی ذات شاهانه خود وضع وبرای انجام این مقصد عالی تخصیص فرموده اند ·

حاصلات مزروعی وباغهای ملکیت علی آباد که هم یک عائد قابل وپول هنگفتی میشود برای مصارف سالانه این شفاخانه از حضور ملوکانه تعین فرموده شد که در صورت لزوم مصارف لازم باز هم مراحم ومساعدت حضور موسس ملت پرور خود رااز شفاخانهٔ خیریه فائض خواهند شد ·

مادر ادای این عواطف ملت دوستی وآمال رعیت پروری وشفقت گستری اعلیحضرت متبوع محبوب خود از اظهار شکریه وامتنان قاصر وقلم ما عاجز است که در برابر این همه مراحم مستواتره ونوازشات مکررهٔ شرافت مندانه اعلیحضرت عنایاتیکه نسبت به حفظ جان وسعادت اولاد واهل وطن خود بذل ایثار میفرمایند شکریه بسزا نماید ·

صرف ما به این جمله قناعت کرده میگوئیم :

زنده باد پادشاهیکه محو و زندگانی ملت خود را طالب است ·

(الی التحریر)

قصیدهٔ

بتتبع قصیدهٔ مشهور حکیم خاقانی ومنتقد قصیدهٔ لا هوتی

این چند بیت که ترجمان روحیات ملی ودر حقیقت ناله های جان گداز تمام افراد این محیط است · به افتخار جشن سالانهٔ مقدس استقلال وبه نام معاونت در نشریات مملکت متبوع ما به جریدهٔ عزیزه (اتفاق اسلام) تقدیم گردید ·

امید است در این زمینه که برای آتیهٔ ملت یاد داشت های خوبی را از انقلاب خائنان سوز گذشت مجسم نموده اشتیاق وعلاقه شان را به حکومت ملی اسلامی صحیح اعلیحضرت معظم غازی نادر شاه افغان که همهٔ آن مفاسد معایب دورهٔ امانی را می خواهند با بهترین صورتی اصلاح نمایند بیفزایند ·

خلیلی افغانی

دو شینه که شد گردون در پردهٔ شب پنهان
خورشید چو مظلومی سر برد نهدا ...

من بودم ودل با من من یکه واو تنها
من خفته واو بیدار من مرده واو نالا...

وز سوز سرشک من گوئی که بهر جا...
آتش بسر آتش طوفان بسر طو...

گاه از غم این کشور نالان دو صد ...
گاه از ستم گردون گریان بهر ...

کاین ملک برار داشت وین خطهٔ پر ...
وین مملکت آزاد وین خانهٔ آبادان

گردید چو طشت خون یکسر همه دیگر گو...
شد منقلب و وژون شد منهدم و ویرا...

این دول ستم بار از دست که بازی کرد
وین رشتهٔ جمعیت ازظلم که شد پژ...

مافخر زمن بودیم آشوب جهان بودیم
در وحدت ملیت درغیرت ودروجد ...

دربایهٔ دین بودیم خدمت کن وفرمان بر
دربای وطن بودیم طاعت گرو حون ...

بودیم یک مذهب در موقع سرباز...
بودیم یک رشته درحب وطنخواه...

از بهر چه زد آتش برخرمن ما گردون
از بهر چه غم باید در گلشن مابستان

فکرم براین سودا آشفته چوزلف یار
عقلم براین آتش چون دود سیه پیچا...

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 81 of 896

بقلم آقای میر غلام محمد خان :

مشاهیر رجال افغانستان

حکیم ناصر خسرو بلخی

(قرن چهارم هجری)

در صحنهٔ زندگی عاریت که فانی و غرور آمیز است ، بشریت وظایف سنگینی بر شانه خویش دارد . این وظایف و ودایع و تحمیلات الٰهیه است که تا جان در بدن است کشیدن آن ناچاری است . حضرت بیدل یکوقتی گفته بود که زندگی بار کردن است و زیستن لاچاری . بر خلاف سایر حیوانات که از هرگونه مسئولیت و محاکمه فی معنی و لاقید بوده صفحات حیات را آزادانه طی میکنند انسانها در هر قدم زندگی به دفع و جذب غرایبی گرفتار است ، شهوت و غضب میخواهد بلع کند عقل و وجدان منع میکنند ، احساس یکسان مهار نفس تمایل مینماید ، آئین و ایمان به پستی آن هدایت میفرماید ، خاتمه احوال با این مراتب مجهول و در انظار جستجو مستور است :

در وهلهٔ اول این نظریات از بعض فرقه های بشری سلب حوصله و تحمل مینماید ، و دسته های مردم را برای بلند کردن علم عصیان در برابر این وظایف الٰهیه و اوامر عقلیه و وجدانیه ، وادار میکند ، ازینجاست که مؤجدین فلسفه های منفی - نفس و ماده پرستی ، خوشگذرانی شهوت و غضب پروری بمیدان اخلاقیات بشریه میبر آیند . ولی خدای را شکر است که دیر نمی پایند و حکومت این فلسفه ها ابدی نیست ، چه سرشت انسان ازینها بالاتر است ، و او دارای نفس ناطقه است و در جسم عنصری او روحی است که بعالم ماورای ماده مربوط است . و در مغز کوچك او عقل بزرگی بازی میکند . این روح و عقل است که جنس او را از سایر حیوانات ممتاز و منفصل میسازد ، و او میگوید که ماده و جسم خود را که منزل گاه روح مجرد ابدی است طیب و طاهر نگهدارد ، تمدن و عمران صنعت و فن ، تحرك و حیات اجتماع را یوماً فیوماً ترقی دهد ، و بسوی تکامل ، آن تکاملی که غیر متناهی است سوق نماید باز عقل و روح به آدم امر میکنند که روح را به تحصیل علوم الٰهیه و تصفیه و اخلاقیه بالاخره بادراك معقولات باندازه تصورات ممکنه آرام و راضی سازد ، این علوم از معرفت نفس آغاز و بشناخت حق اول یعنی خدای انجام مییابد .

بعلاوه این وظایف جسمی و روحی تکالیف ثالثی نیز برای انسان ترتیب مینماید که عبارت است از استعمال عدالت وعدالت را خود دانند که عبارت است از عفت شجاعت ، حکمت . مردم غالباً این فرایض ثلاثه را تکالیف شاقه گمان کرده و آنگهی تجاهل عارفانه یا تعارف جاهلانه کرده گویند : که این قضایا متناقضین اند در ایجاب و سلب ، جمع میان ماده وروح مجرده از ماده ، دنیا و آخرت نقیضین است که جمع آنها با هم از محالات است . کدام بزرگواری نیز درین موضوع گفته است :

هم خدا خواهی و هم دنیای دون
این خیالست و محالست و جنون

در صورتیکه این قضایا نه اینکه نقیض همدیگر نیستند فی الحقیقت یك قول مؤلفی از چنان ترکیبی میباشند که مسلم اند فی نفس الامر و لهذا باعتبار ذات نتیجهٔ برای آنها لازم است که آن نتیجه عبارة است از سعادت بشر در حیات و ممات یعنی تلذذ روح . آری صنعت و فن علم و عدالت ، تهذیب اخلاق ، ایثار و فداکاری ، حلم و حیا ، جود و سخا ، عفت و طهارت اینهمه مقدمه فی هستند ، که نتیجه آن استراحت ولذت روح ست ادیان سماویه وقوانین علمیه مؤید همین عقیده استند ، برای حصول این سعادت ست که زندگی چند روزه این دنیای دنی ، مبارزه گاه نوع بشر قرار گرفته ! شانه خالی کردن ازین رزمگاه ، رهبانیتی ست که در دین اسلام ومذهب سنی و عمل ممنوع و حرام ست . انتحار در زیر فشار های حیات در هر دیانت و علم نا جوان مردی وضعف ست . پس زندگی عبارت از همان رزم وکار مقدسی ست که ودیعهٔ الٰهیه واز حمل آن انسان ناگزیر ست ، این ودیعه وتحمیلات خدائی را شاعر شیراز به بکبار امانت وسنگینی تشبیه کرده وگفته بود :

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه فال بنام من دیوانه زدند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 82 of 896

در راه ارتقای این وظایف الهیه اگر انسان با عزم وجزم ثبات و غیرت خواسته باشد بکوشد ، در دده وطن او قوتهای خارقه ی تعبیه گردیده که میتوان بوسیلهٔ آنها دوفضای حقیقت پرواز نماید . باعزا زان حالی که بشریت مراحل حیات را طی کرده ، هنوز از مدرکات و استعدادات متعددهٔ نهانی خویش ، جزاندکی را کشف نکرده اند ، وقسمت بزرگت این تقدم های مدنی متعلق به دده و محل بوده است. بساعواطف ومدرکات وحسیاتی که در نهاد بشر ودیعه ست ، ولی تاحال بسنگ مشق وامتحان ومحک احتکاك نکرده اند ، ولهذا برق های حق و حقیقت از آنها نجهیده ست .

استکشافات این مدرکات نهانیه در میان ملل عالم باندازهٔ دارائی علوم آنها بعمل آمده ست ، شك نیست ممالك متمدنهٔ جهان امروز درصدد کشف مدرکات جدید تری ومجهول تری در نفوس حدود ها هستند . ولی ماواست که امروز ومن دور از هر شی زود از ویشتر ، برای شناختن این مدرکات نهانی ، وتحریك وتهییج آن ها در کالبد های مرده شدهٔ خویش ، کوشش وانهماك ورزیم . بلکه از آن هم بیشتر با اینی مدرکات مملوه ومعطلهٔ خواب بردهٔ خود من را بوسایلی که ما تعیین ومقرر کرده ایقاظ نمائیم ، واز این راه جامعه بسوی اعتلای مادیه ومعنویاً روحیه راه انداخته شود .

بنام این مقصد نویسنده مجلهٔ عنوان مشاهیر وطن را اختیار نموده بود لابد ، تحریر و شرح احوال یکی از مقدمین حکمت وفلسفهٔ افغانستان در نه صد سال پیشتر ، پرداخت . شبهه نیست اکثر ممالك امروزه باین مقاوین آنقدر ها محتاج نیستند ، متونیکه ما هستیم ، چونکه از در ودیوار آنها خوشبختانه مفاخر تاریخیهٔ ایشان میریزد ، ارث قدیم وافتخار وغرور ملی در آنها بحدی مخلد وپایدار گردیده ، که دیگر مغلوبیت قطعهٔ آنها در روز مرگ حیات غیر ممکن و محال ست . اما در مملکت ما که بدبختانه از عمل وحوادث سوء چندصد ساله جهانسوزی ، تاریخهای ملی شاذ و اندوده بلکه منهدم ومعدوم ست . مسئله طور دیگری ست ، دراین جا نشر وتحریر دراین مضامین وفنا واین فرض ملی وفرض حتمی ماست ، تا بدان وسیله بتوان در کالبد منجمد مملکت حرارت وروح احساس شرف وافتخار وغرور ملی ، دمیده شود ، و به تذکار احوال عاظم گذشته گان ملی ، در پهلوی حیات جوانان وطن ترپانه تهییج و تشاه در سبیل سعی و عمل کشیده شود . لاشك این ذکر های خیر ارث ملی را زنده میکند و نصب العین ممکنی را تعیین مینماید .

ملت هائیکه فی المثل از داشتن این ذوده های تاریخی محروم بوده باشند هم برای تهییج وایقاظ نفوس خود شان به پیدا کردن این وسایل و اخذ آن مجبور و معذورند چه جای افغانستانی که در ممالك آسیا تاریخاً در ردیف ملل متمدن بشمار رفته است ، چه پر و ـــ اگر ز کم شود و فتن چندین صد ساله جهان پرده های مجهولات بر روی تاریخ این سرزمین کشیده است ، این پرده ها عارضی وموقتی است امروز یا فردا ست که دست علم بشریت این حجاب مظلم را شگافته و از ته هر خشت دیوار وویرانه آن خیبا های افتخار تاریخی و تمدن قدیم یا کثر پای بزرگت را در میان مدنیت جهانی بلند خواهد نمود .

افغانستان نه اینکه در زمانه های قبل الاسلام ، دارای آثار مجید و افتخار تاریخیه بوده بلکه بعد الاسلام هم رجال و نوابغی در مهد استعداد خویش پرورش داده است که در ردیف مشاهیر و نوابغ ملل آسیا ، از هیچ قومی با کم نمی آورند بلکه اتصالاً در بعض موارد حق تفوق وتقدم را ابراز مالکند . مثلاً ما دراینجا قسماً مشاهیر وطن را از هر صنف مختصراً یاد داشت مینمائیم ، تا بهترین رهائی باشند ما بوده باشد و بعد ازان مقصد خود را دنبال خواهیم کرد .

از طبقه حکما وفلاسفه ها و علما :

علی ابن سینا . حکیم ناصر خسرو بلخی ابونصر فارابی ابن عباد طالقانی احمد بن طیب سرخسی

از صوفیون : مولوی روم بلخی . حکیم سنائی غزنوی . خواجه عبد الله انصاری قندهاری . شیخ نظام الدین عبد الشکور بلخی حضرت شقیق بلخی . ابو حامد بلخی ابو سعید ابن ابی مرمه نی .

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 83 of 896

ترجمه از مجلات علمی

مترجم: عبد الرشید

معما های ابدی

(۲)

این توصیف چقدر ترتیب داده است اگر ما به انگلیس بلاد یک شهر مدینه های بزرگ بوده و امروزه معلم آن ها مدروس شده وجز آثاری [illegible] نمانده است گردش و سیاحت نمائیم مثلاً در بعض نواحی انگلستان در دشت موسوم به حکل های (سلسری) مجموعهٔ مجسمه های سنگی است که به مجسمه های (ستونهنج) معروف شده و در موضع [illegible] کار گرهای [illegible] وضع و [illegible] شده است، و هیچ کس از [illegible] وضع آنها وار هندسهٔ نصب شان و [illegible] آنها را نصب کرده اند اطلاعی ندارد [illegible] تا قرن [illegible] هیچ [illegible] اطلاع ومعلوماتی ندشت و در [illegible] از خیلی [illegible] ها و شاید قرن ها است که در آنجا دیده شده است.

فی الواقع اگر [illegible] این مجسمه ها [illegible] تدقیق نیز تفحص [illegible] شان و [illegible] القطعه که آنها را در آنجا وضع کرده اند میتوانیم چیزی معرفت حاصل کنیم ولهذا جز هائی که ما از آنها میتوانیم فهمیده بشنیکه تنها آثاری است که [illegible] برای تماشای آن آمده [illegible] برای [illegible] و [illegible] خود ها آنها را استعمال می نمایند.

وقرار یکه [illegible] عقیده دارند (ستونهنج) فقط [illegible] در گذشته ها بوده است، ولی کدام جز صفر وار کجا؟ معلوم نیست؟

مجسمه ها در فرانسه

[illegible]

حال یکی از آن معماهای تاریخ میباشد که علما نمی خواهند آن را حل و روشن نمایند.

در هند چینی

این مجسمه هائیکه در فرانسه میباشد عجیب تر از آنهائی هست که (موهو) عالم فرانسوی قریباً (۱۰) سال پیشتر کشف نموده. این عالم روزی در دشت های هند چینی برای جمع کردن انواع پروانه ها وحشرات به [illegible] ناحیه گذر [illegible] می شود گردش می نمود در حال گردش [illegible] که در جوار آن [illegible] نظر دیده نمی شد [illegible] در مقابل آن [illegible] مناره های [illegible] که در قدیم ها مناره های معابد [illegible] بوده و [illegible] دیوار های [illegible] بوده در زودکی این مناره ها آثار [illegible] و قصور [illegible] داده می شود. بعد از تحقیقات [illegible] (موهو) فهمید که اینها آثار شهر [illegible] باعث [illegible] قدیم (کمبوج) است [illegible] [illegible] وحشی [illegible] خود ها این شهر [illegible] و [illegible] از آنها این شهرها [illegible] مسکون وخاموشی گردیده است، وانسان های

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 84 of 896

شهر را یکی فراموش کرده حکایت آنرا از افسانه های خیالی گمان کرده اند در هر حال هنوزه هم آثار «آنجور» باقی است وتا امروزه کسی پیدا نشده است که طلسم مغلق آنرا شکستانده ودر هی برای شما حقائق این شهر بمردم نشان بدهد .

جزیره ایستر

در اواسط بحر محیط کبیر و قریباً هزار میل دوراز سواحل جمهوری «شیلی» جزیره است که طول آن قریباً سیزده میل وعرضش تخمیناً به هفت میل بالغ می شود ، وبا دوری که این جزیره از سواحل عالم متمدن دارد بحر پیما یان این را مشاهده کرده اند که جزیره پر از مجسمه های بزرگ بزرگی میباشد که ارتفاع هر مجسمهٔ آن تخمیناً به بی فوت بالغ می شود .

درین جزیره قریب شش صد مجسمه نیم تنه بر علاوه یکصد وشصت دکه (قاعده) میباشد که بعض این تمثال های نیمتنهٔ برروی آنها قرار گرفته و بعض بمنزلهٔ مقابر میباشد .

دروسط جزیره بر کانی (آتش فشان) میباشد که هر گاه انسان در آن بلند شده واطراف آنرا گردش نماید ، کان های سنگی حجاری میابد که درپهلوی آنها تمثال های خیلی نا بادی است که ساختن بعض آنها باتمام رسیده و بعض ها نا تمام میباشد این مجسمه ها بیك حالتی گذاشت شده که گوئی سازندگان آن رفته اند که فردا واپس آمده و مصروف کار شوند .

شاید حاجت نباشد که بگوئیم این مجسمه ها سری از اسرار غامض ومعمائی است که تا حال علما بحل آن موفق نشده اند . حاضراً عدهٔ ساکنین این جزیره بیشتر از دو صد و پنجاه نفر نمیباشند غرابتی که درین جزیره دیده می شود اینستکه در آنجا مقابر یا بقایا یا جسد های یافت نمی شود که دلیل شمرده شود که این جزیره پر از نفوس بوده ویا اینکه اهالی آن پر از کدام زلزله مدهش یا ظهور آتشفشانی هلاك شده باشند مجسمه هائیکه ذکر کردیم بحدی از روی دقت ومهارت ساخته شده استکه هر صانع ماهری میتواند برای اکمال آنها بکوشد .

معذالك درین جزیره حتماً باید حادثهٔ که منتهی به هلاك ساکنین باهر ر شان شده است واقع شده باشد .

یکنفر تعالی که یکی از علما دران اره نموده وشاید صحیح هم باشد اینستکه جزیره ایستر در زمنه های قدیم پشته خاکی برقلهٔ کوه یا اراضی مرتفعه بوده است که این اراضی در اثر یك زلزلهٔ مدهشی در زیر آب غرق شده ودر بالای سطح آب جز همان قسمت مرتفع آن چیزی باقی نمانده است وآن عبارت از همین پشته است که امروزه وجود دارد و با سم «جزیره ایستر» شناخته می شود .

(ناتمام)

تتبعات ادبی :

درهای یتیم

(٤)

١٩ — دیوان احمد از میرزا احمد خان که پسر میرزا خان مرحوم است بمضمون الولد سر لابیه شخصی فاضل وادیب ودارای مقام ارجمندی بوده است . واز شعرای دربار تیمور شاه که خونریزین مربی ومشوق شعرا است محسوب است . دیوان او موجود ومتعلق است بمیرزا عبدالله خان که پسران مرحوم است .

٢٠ — دیوان جایز که از شعرای زمان اعلیحضرت تیمور شاه وهم عصر با عاجز والفخان ومیرزا وعزت وغیره بوده است چون آسم این شاعر وازش که رامراد از دیوان اشعارش باشد از دوست عزیز حافظ نور محمد خان شنیدم به همین اندازه قناعت کرده معلومات درست وپایداری را که مقصد از روشن کردن حیات این شاعر باشد بخود ایشان میگذارم ومیگذرم .

٢١ — دیوان عزت که این هم از شعرای زمان شاه زمان وشاه شجاع بوده است یکبیت این شاعر تا امروز مشهور وبرزبان ها جاریست

بعالم دو نی خوبی از ان شد
که دوران در کف شاه زمان شد

از قرار اطلاع عالی که از حضرت آستادم قاری صاحب فرا گرفتم گویا حضرت شان در سنه ١٣٠٦ دیوان این شاعر را بخط

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 85 of 896

یکنفر کشمیری دیده اند : واین مصرع
را از دیوان اوتا امروز بخاطر دارند

عزت‌فسون دنیا مانع زخرف حق شد

۲۲ — : دیوان وصفی که از شعرای عهد
شاه شجاع بود دارای غزلیات متعدد واشعار
شیرین آن زمان است واکثر زمینه های
غزل خود را بسبک وطرز آن شاه شاعر
نواز شعرا سرا ریخته است . مسکن ومولد
این شاعر از قرار بیانات پدر مرحوم حاجی
محمد افضل خان تجار که بعضی ها از زبان
شان شنیده اند که وصفی از مراد خانی کابل
است . دیوان وصفی اکنون موجود وتعلق
دارد به حضرت استادم قاری صاحب ولی در
دیوان خود از مسکن ومولد خود اشاره
ندارد — .

۲۳ — : دیوان عاصی از مولانا عاصی
که از شوریدگان بادیهٔ محبت وسرگشتگان
صحرای سوزان عشق بوده اند اغلبا
قلندرانه زیست کرده گرد آفاق چون
پرکار بگشتند . از جهان وجهانیان معزول
واز طلب مال ومنال دنیا ملول ؛ از درگاه
شاه ووزیر دل بگسسته ودر حال تجرد
وانزوا روزگار بسر اورده گاه گاه سرودن
اشعار که صادق ترین معرف احساسات
شان است میل وافر داشته اند اشعار ایشان
نیز واجد رایحهٔ عشق ومحبت ولبریز از
عواطف وجذبات عاشقانه بوده است
مخصوصاً علاقه بندی ان بزرگوار که
استقبال از ترجیعات شعرای سلف است
خیلی ها مشهور وبزبان ها جاری ومتداول
واین چند بیت ازان است :

یارب بکه نه علاقه بندم
گر جان وجهان علاقه کنده
تا از لب جان فشانش دورم
از آب خضر رسد گزندم
دیگر نکنم هوای طوبی
دلدادهٔ آن قد بلندم
آی جای توهست بشور بازار
از عشوه مرا شود بازار
باشد عملت علاقه بندی
از من بچه رو علاقه کندی

ازقرار مسموع دیوان مرتبی دارند ولی درزمان
حیات بخیال جمع کردن اشعار خود نبوده
اند بلکه بعد از وفات شان یکی از ارادت
مندان صادق شان این اشعار پراگنده
وپریشان را مرتب نموده است . خوشبختانه
نقل همین دیوان موجود ومتعلق است
به حاجی محمد افضل خان تجار
علاوه برین مولانا عاصی حافظ قران کریم هم
بوده واز اواسط اعلیحضرت
امیر شیر علیخان تا اواخر اعلیحضرت
عبد الرحمن خان حیات داشته اند ودر
پشاور وفات نموده واکنون مزار شان هم
در انجا است .

۲۴ — : دیوان سالک که از شعرای دربار
امیر شیر علیخان مرحوم ومعاصر با الفت
وطرزی وغیره بوده است مولد ومسکنش
بالاحصار کابل دیوان او موجود وتعلق
داشت بمیر احمد شاه خان مرحوم وبعضی
اشعارش نزد حضرت استادم قاری صاحب
هم موجود است .

۲۵ — : دیوان شرر که اوهم از شعرای
عهد امیر شیر علیخان مرحوم ومعاصر با
سالک والفت است . دیوان این شاعررا
حضرت استادم قاری صاحب نیز دراثر
تتبعات خود یافته واکنون هم نزد شان
موجود است .

۲۶ — : دیوان ولی طواف ازشعرای دورهٔ
اعلیحضرت امیر شیر علیخان ومعاصر
باطرزی والفت وسالک وشرر وغیره
بوده است . معاصرین او بگفتند که ولی بی
سواد بوده حتی چندسال قبل دریک شماره
معرف معارف شرح حال ولی طواف تا اندازه
نوشته شده وازیک بیت آن بی سوادی
وناخوانی این شاعر را از روی تحقیقات
لغوی ولفظی نشان داده است ولی به سابقهٔ
هیجان عشق ومحبت سوزانی که در کانون
قلب اوشعله میزد و آخرین درجهٔ حرارت
اورا نشان میداد بسرودن زیبا ترین ابیات
وفصیح ترین اشعار موفق شده ودرعین حال
از شعرای معروف ونامدار زمان خودسبقت
نموده است حتی خوش نویسان عهد او
برای انتخاب قطعات خطی اشعار اورا
انتخاب کرده اند .

یک قطعه خط نهایت مرغوب که مرقوم
به یک غزل اوست که مطلعش این است:

دلم بدست یکی شوخ جاهل افتاده
بسنگ شیشهٔ دل سخت مایل افتاده

تا کنون موجود و بدیوان زیارت [illegible] اویخته است ازهمه شگفت تر که اشعار این شاعر درعصر خودش به ممالک همجوار مانند هند وایران بدون تذکره وپاسپورت مسافرت نموده ومورد نظرواستقبال شعرای آن سامان گردیده است چنانچه درجزء پنجم دیوان ایرج مرحوم مشهور به جلال الممالک که یکی از شعرای گران قدرو ازشعرای مقتدر وطنپرور ایران است می‌نویسند در ۱۲ سالگی این مطلع را [illegible] برای ایرج میرزا خواندم واو [illegible] دعوت کرد

مردم از حسرت [illegible]
من ندانم بچه تدبیر بدام آره شدن

این مطلع مشهور از ولی [illegible] وهر شخص که اشعار [illegible] ولی [illegible] وامیدوارد حتی این غزل درجراید وبین الشعراء است [illegible] موسیقی نگار مرحوم [illegible] جواز سالیان دراز [illegible] که این غزل طواف را [illegible] خود خوانده ومیخوانند خلاصه حیات [illegible] طواف روشن ونسبت به همکاران خود خوش بخت زیرا الحال تا [illegible] درجراید وطن تذکاریافته ودرقلوب قسمت بزرگ هموطنان خود جا دارد واشعار به خاطر ها محفوظ وبزبان ها جاری [illegible] که آخرین منزل راحتی [illegible] اوست مجموعه دیوان [illegible] موجود

وتعلق دارد به [illegible] ملا محمود که [illegible] شاعر وسخن شناس است واشعار متفرق او متداول [illegible] صاحبان ذوق حاضر شرح حال منقول از شاعر [illegible] اشعارش از شماره ۶ تا ۱۱ [illegible] درقوم ومطبوع [illegible] .

(سرور گویا عضو انجمن ادبی)

بحر و [illegible] آسمان و ستاره

شب و سکوت

[illegible] نیست . آسمان مانند جبهٔ کلان [illegible] این محیط [illegible] انداخته . کنارش [illegible] و کدور است . شعاع [illegible] ودرروی آب تا [illegible] یک ستون [illegible] ترسیم میکند . ستاره ها کوچک روشن در نقاط [illegible] آسمان [illegible] .

درینجا [illegible] شکوهی [illegible] میکند . [illegible] در بالا عبارت از آسمان [illegible] در پائین [illegible] آب سیاه گون [illegible] . آسمان سوای یکدانه ماه و چندانه ستاره چیزی ندارد . دریا از آن هم عاری است .

بین آسمان و آب کشتی [illegible] حرکت میکند که [illegible] درحجره های او [illegible] خفته اند که تازه از [illegible] خلاص شده اند .

وقعاً عجب سکوتی است ! حتی یك نسیم خفیف نمیوزد ، در روی آب یك موج کوچك دیده نمیشود ، صدای جرخهای کشتی هم که بگوش نمیرسد ، مثلیکه عالم مرده ، دنیا از موجودات خالی کرده باشد .

این منظر بدون آنکه الم آور ویا هول دور باشد ، سرور آمیز هم نیست ، دقت [illegible] هوسها و آرزو ها را میخواباند ، سوای آنکه ترس و وحشتی تولید کند ، [illegible] عقل و حکمت را [illegible] میراند و غضب را معدوم میکند ، تنها در این میانه [illegible] حرکت میباید ، حسیات عمیق و دور جنبش میکند .

این دریای [illegible] وسیع و بی پایان [illegible] قرن ها بسیار عبور کرده اند و این دریا هنوز یك حال است ، آری در زیر این دریای عظیم هزار ها بار [illegible] حیوان قوی [illegible] کوچک را بلعیده و [illegible] آنها را یتیم ساخته اند ، مگر در سطح دریا خبری از آنها نیست .

صدها [illegible] سال گذشت ، بسیار موج [illegible] در میان این بحر پیدا شده ، کشتی ها [illegible] زخم ها خورده ، طاقت [illegible] بدون آنکه [illegible] غرق گردیده اند ، و این دریای بی [illegible] اندك موج میزند [illegible] طفل معصوم از [illegible] در میان [illegible] شبها [illegible] که هیچ کشتی [illegible] غرق شدند مگر این دریا هنوز [illegible] حال [illegible] که بود .

چقدر کشتی های جنگی [illegible] از سطح این دریا [illegible] کرده اند ، این کشتی ها

ساحل چه انسانهای پر امید بودند که هر یك هوسها داشتند . و از بکسر این دنیای فسونکار دیگر سر آن بی شتافتند عاقبت آنهمه مردند و کشتی ها شکسته از ایشان اثری در روی کار ها نیامد حتی استخوانی که از کاسه های چشم شان در زیر خاك نمناك مانده بود پیدا نمیشود . تنها این بحر ژرف و عمیق ست که بهمان یك حال است .

دو شیزه های قشنگی که هریك ازین بحر و بیشتر آرزوئی داشتند در کشتی ها مراض شده اند ، و یا بیگانگان وداعی نمودند که زان خون میبارید ، کشتی نشینان اجساد سرد و نازنین آنها را با صندوق سنگینی در دهن وسیع این بحر انداختند فرداشب دریا بار آرامبود ، و اشعهٔ دوستان قدیمی خود یعنی ستارهای کهن سال را منعکس مینمود . افسوس ! هیچ یادی نداشت که چه وجود های نفیسی را فرو برده است

درین ساعتی که من اینجا نشسته ام در روی زمین چه احوالهای عجیبی است ؟

در همین دقایق بسا محافل مجلل که در آن قهقهه و سرور نثار میشود . و بسا جوانان خود نانی که از لب های یاقوتی محبوب های خویش میچشند . اما استند ملکه های حسن و جمال هم که در بستر نزع افتاده وچشم های پرنور آنها بفضای بی انتهای ابدیت تنها شا میکنند ، و بالاخره با گیسوان سیاه آمیخته و با کافور سپید در روی خاك تیره لحد می اوفتند . حیف !

در همین لحظه چه طفل های یتیمی که در کوچه ها از شدت خنك با شکم گرسنه مثل بید میلرزند . و در محابس چه مجرمین محبوس و بیماری که دقایق بد بختی ها را شمار مینمایند . راستی هستند آدم های که درمزین ترین پایه تخت های جهان پار چه نانی نیافته ، و خود را در زیر قطار های سنگین ریل ، مثل سنگ فرش نموده ، و از تقلّات حیات شرارت بار رهائی می بخشند . آری در همین آنات حکمای هستند که مصروف اختراعات اند و شعرائی که مشغول تصنیفات مهیجه میباشند . مرد هائی هم هستند که در سطح آنها سر وحشت انسانها نمیق میشوند در میانه اینهمه عوالم بوقلمون تنها بین دو پای بیکرانه است که بیك حال است .

قرن ها گذشت ، وقرن های دیگر خواهد گذشت ، در طول این ایام چه جوانان خوش خد وچه پیران مشوش با چه سعادت ها وچه تیره روزیها که آمده و خواهند گذشت ، چه مدنیت ها ووحشت ها با چه فتح ها و مغلوبیت ها چه آرزوها و آملها که با کینه های بشریت ، یکی پی دیگری در سر زمینهٔ حیات ، مثل گیاهای سبزی رو ئیده ، و بلا فاصله از دم داس بیرحم مرگ درویده شده وخواهند رفت ، خواهند رفت واز خود حتی سایهٔ هم نخواهند گذاشت . مگر این دریای بیپایان بهمین یك حال که است خواهد بود !

وقتیکه باین دریای کهنه نظر میکنم و باسمان بلند نظر می نمایم ، دو برابر سلاسل ناشناهی حوادث این عالم کون و فساد ، عمر گذشت و عمر بشر کوتاه و آرزو های بنی آدم سیاه و رسوا دیده میشود ، و باز ناامیدی کمر هوسها را مثل خس خشکی می شکاند . آنگاه و گفت باین کشتی نشینان مسافر که هریك باری از آرزو ها در پشت بسته دارند نگاه میکنم ، به بوالهوسی ها و کوته نظری های شان رقت مینمایم . آیا هیچ نمیدانند که چقدر کشتی ها ازینها پیشتر رفته اند و رفته اند که دیگر هیچگاه بر نخواهند گشت ؛ اینها کجا میروند چه میخواهند چرا از تا های کوه ، از کلبه های محقر و تاریك خود دور میشوند؟ اینها چرا زن و فرزند خود را تنها میگذارند ، این چه صرف استعداد بشریت است ؛ مگر اینها جسارت طفلانهٔ بشر در مقابل فضای نامتناهی اسرار زنده گی و رموز مبهم و تاریك خلقت کائنات نیست !

این مردم یك لحظه را نمی بینوش و آرامت نمیخواهند گذرانند . در سطح این بحر ، این مدعی و مدرس مظلومت مخلوق بحر هم بجایانه رقص میکنند و از فردای خود فکری نمی نمایند .

حالا که خود در بیم متحیر و سرگردان و ملال و حسن نادان میشوم – از لذیه ئی تباه آرزوها در دلم فوت شده و دنیا و زنده گی از دور ، مثل سواد شهری که در ظلمت دمه ها و دود های

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 88 of 896

فابریک ها سایهٔ مجهولی می اندازد ، در تنظیم تاریک و مبهم می آید ، خود را آنقدر حقیر و ناچیز می بینم که حتی از تصور خوشبختی خجل میشوم .

هیچ امیدی ندارم و هیچ امید گاهی سراغ ندارم ، مگر اصانع و خالق عظیم الشانی که خلاق اینهمه جهان اسرار آلود اوست و اوست که همه را نابود و فانی خواهد نمود . فسبحان حی الذی لایموت : ای خدای رحم کن و ببخش بر من : ــ آرامش روح و موش یعنی به موت .

م ، غ ، م .

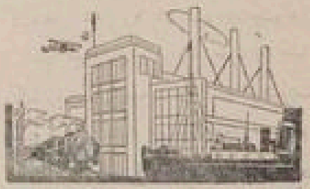

خبرهای فنون و اختراع

اختراع جدید

یکی از عجایب صنع جدید اختراع یکدستگاه کوچک الکتریکی است که یکی از اطباء نیویورک برای خوابیدن اشخاص اختراعش نموده بطوری که هر کس در هر موقع که اراده بکند ، بدون اینکه مثلا باضطراب وقلق دچار شود بخوابی خوش خواهد خوابید ، و در موعد معین از خواب برخاسته در حالیکه با نشاط وحواسش جمع و راحت و بکار خود خواهد پر داخت و این دستگاه جدید مراتب از مخدرات و افیون و غیره که انسان را در بحر نسیان و فراموشی غوطه ور میسازد بهتر خواهد بود .

کشف الماس بزرگ

دو نفر از اهالی یاور اخیرا مسافرت به ترانسوال نموده و در سمت مغرب ترانسوال برای کشف الماس کار میکردند این دو نفر آنچه پول داشتند در این راه خرج کرده ولی حتی یك ذره هم الماس پیدا نکرده و کمترین احجار کریمهٔ هم بدست آنها نیفتاد و در ۳۱ ژانویه گذشته پیش از ته پس از ثروت و دارائی آنها باقی نمانده بود .

شش پنس را نان و سه پنس را پنیر خریده و مشغول خوردن بودند و ضمناً هست از عملیات سیاحی که مشغول کنجکاوی بوده مراقب میبودند ؛ و همین طور که نشسته و در فکر آتیه و سر نوشت خود بوده بخاطر یکی از آنها خطور می کند نقطهٔ را که تا کنون کاوش نکرده اند کاوش نمایند و فوراً اقدام نموده وشروع بکندن زمین کرده چند دقیقه بیش نمی گذرد که یك سنگ بزرگی که از حیث بزرگی یکی از تن ها باور نمی کرد الماس است بدست آورده و بمحض این که رفیقش آن را دید چون الماس می شناخت از شادی نعره بر آورده که بهترین الماسها از حیث صفا و روشنی بوده همینکه آن را وزن کردند دویست قیراط بود ؛ بطوری نقل می کنند هر دو بوطن خود مراجعت و ثروتمند شدند .

طلاوالماس

معادن طلای ترانسوال در فوریه گذشته ۸۲۹۹۲۷ اونس در مقابل ۹۱۴۵۷۶ اونس طلا داده یعنی مساوی با ۳۵۹۷۵۲ ۸ ره لیره انگلیسی طلا نسبت بمحصول ۶ ماه ژانویه ۱۹۳۰ بالغ بر ۴۲۴۳۲ ۳ لیره انگلیسی اضافه بوده شایعات زیادی وجود دارد .

گفته اتحادیه معادن در جوهان سبرك قریباً یك بیانیه راجع باین که موافق با مصالح کمپانیهای دیگر است انتشار خواهد داد و تنها معادن طلا که سهام آن ثابت باقی مانده و تحت تاثیر تنزل واقع نه گردیده سهام بر آلمان در ۳۸۹ و کرن در ۵۳۰ و کر لدفیلد در ۱۹۹ ثابت مانده است و کمپانی خیر الذکر خبر راجع بانك شعبه در افریقای شمالی تاسیس مینماید تکذیب کرده است .

اسعار الماس تنزل نموده و اسعار دی بیر تا ۵۶/۶ تنزل کرده در صورتیکه ۹۹۲ و اسعار بر فرید از ۹/۱۳ به ۱۰۲۷ تنزل نموده و اخبار واصله از لندن حاکی است که تصمیم نموده اند سهام جدیدی بمقدار دو ملیون و لیره انگلیسی طبع و صادر نمایند .

راجع بنفط اطلاع میدهند ؛ که در کالیفرنی موافقت نظر حاصل گردید که هر یك از تولید کنندگان مقدار محصولات نفطی خود را بمیزانی که دولت حد متوسط آن را تعیین مینماید استخراج کنند ، و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 89 of 896

اجرای یك هیجو قرار دادی از صلاحیت قوه اجرائیه است .

قحط رومانی در حال تنزل اتی است و شایعاتی هم وجود دارد و احتمال میدهند که قرار داد عمومی راجع بانحصار محصولات نفطی و تعدیل اسعار داخلی آن منعقد شود ، فقط شایعات و اساس صحیحی ندارد .

(کوشش)

از هر طرف

ریاست جمهوری فرانسه

انتخابات درماه آتیه

روز ۱۳ ژوئن آتیه دوره هفت ساله ریاست جمهوری (مسیو کاستون دومرگ) بپایان میرسد وبرحسب عادت هر گاه یکنفر رئیس جمهوری دوره هفت ساله را کاملاً بانتها رساند یك ماه قبل از انقضاء مدت بایستی انتخاب رئیس آتیه جمهوری بعمل آید ، البته ممکن است این عمل قبل از آنموقع نیز صورت بگیرد ولی حالا ضروری برایش مشهود نه میشود وعموما تصور میکنند روز ۱۳ مه کلیه اعضاء مجالس شورای وسنادر ، ورسای ، جمع شده ومجلس ملی را تشکیل داده ورئیس جمهوری را انتخاب خواهند نمود

اگرچه هنوز رسما اعلانی صادر نشده وصدور آن هم قبل از ۵ مه یعنی قبل از افتتاح مجالس که بعد از انقضاء تعطیل است احتمال داده نمیشود مع ذلك بالطبع اسامی بعضی که نامزد المقام هستند در السنه و قول جاری شده است

اگرچه مسیو بریاند مکرر اعلام کرده است میل ندارد نامزد ریاست جمهوری باشد مع ذلك کسی تصور نمیکند مشارالیه بجد گفته باشد زیرا ، مسیو میلراند ، درسنه ۱۹۲۰ قطعاً حاضر نشد نامش در زمره نامزد ها نوشته شود لیکن با ان اجازه داد انتخاب شود .

با (مسیو مرسل هوتن) مصاحبهٔ (مسیو بریاند) نموده که شرح آن بتفصیل درجریده (اکو دوپارس) درج گردیده وخلاصه آن بدین قرار میباشد :

از اینکه مردم میگویند اگر مایل باشم حاضرند مرا بریاست جمهور برانگیزند ممنونم لیکن وظائف ریاست جمهوری بامسئولیت هائی که واجد میباشد کاملاً بامذاق من وفق نمیدهد .

این شغل که فعلا دارا هستم بحد کفایت واجد مسئولیت میباشد ولی بقدری مایل بانجام آنها هستم که فرصت ندارم مشتاق سمت دیگری باشم .

بناء علیه اسم (مسیو بریاند) از فهرست اسامی نامزد ها خارج میشود .

درمیان اسامی دیگری که برای این سمت ذکر میشود یکی (مسیو بنلوه) یکنفر از رئیس الوزرا های سابق دیگری (مسیو دومر) رئیس قبلی سنا دیگری ، مسیو آلبر لوبرون ، یکنفر مهندس معروف ودوست صمیمی ، مسیو پوانکاره ، دیگری ، مسیو لئون براو ، حقوقدان معروف وسیاستمدار میباشد .

این چهار نفر اعضاء مجلس سنا هستند وتجارب طولانی در امور وزارتی دارند .

وقتیکه عقیده (پوانکاره) در این باب استفسار شد اظهار داشت کاندیدای من (لبرون) میباشد

چون گفتند اگر قبول نکند با کدام یك از نامزد ها موافقت دارید جواب داد (مسیو براو)

این انتخابات با انتخابات سابق تفاوت دارد زیرا (مسیو دومرك) در ۱۳ ژوئن سنه ۱۹۲٤ پس از استعفا اجباری (مسیو میلراند) بعمل آمد واو نیز درنتیجه استعفاء (دشانل) بواسطه کسالت در سپتامبر سنه ۱۹۲۰ حائز این مقام گردید ودر اینصورت عقیده عامه فرصت ابراز نداشته است .

بنابرین حالیه فرصتی بدست است ومردم میتوانند افکار موافق ومخالف خود را اظهار نمایند .

اگرهم دو دسته قوی در انتخابات وجود پیدا کند مانند انتخاب پاپ یك نفر ثالثی بریاست جمهور انتخاب میشود .

کوشش

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 90 of 896

کاروان زرد

مسلم است یکی از جملهٔ بهترین اسباب سعادت انسان دارائی یک عزم متین و ارادهٔ خستگی ناپذیر است ، ارادهٔ قوی چنانچه مشاهدات و تجارب تاریخی ، اثبات می نماید ، موقع مهم و جای بلندی را دارا است چه ثابت است که انسان به صورت فردی و با اجتماعی طبعاً ترقی و تکامل را خواهان است و مجبور است در هر شعبه از حقائق حیاتی پیشرفت نظر دور بینانی نموده پرورده ، و آرزوئی در مقابل انسان عرض وجود نمی نماید که آمال زیاد دیگر را با و مترتب نکنند و طبعاً او را به طرف تکمیل آن تحریک و تشویق ننماید زمانیکه این آمال و آرزو های عدیده در نتیجهٔ احتیاج انسان را با یک جاذبهٔ مقناطیسی مانندی هر کدام بعد از دیگر به طرف خود جذب نموده میروند و در این شک نیست که هیچ قدمی در دنیا بدون محنت کشی صورت گرفته نمی تواند لذا برای تحمل این محنت ها و مشقات و سربازی هائی که بسا لازم است برای تکمیل آرزو های حیاتی خود بکند در اولین قدم خود باراده قوی و روح بلند و عزم پایدار و مقاوم احتیاج خود را محسوس مینماید . و نمیتوان انکار نمود که بهترین و به مطلوب موافق ترین نوع عزم و اراده آنست که در اثر علم و دانشمندی در انسان بروز نماید .

و بهمین علت مردم بیاینه تورسا کنین خطه های ... و اروپا به سبب ترقی چون بیشتر مسلح دارند قوهٔ ارادهٔ و شوق سربازی و فداکاری را در راه علم و عرفان که مایهٔ سعادت و رفاه جامعهٔ بشر است بیشتر مالک اند .

اسامی اشخاص فداکاری که بعضی در راه توسیع معلومات دائرهٔ بشریت جان های خود را فدا نموده اند و برخی بار داد زحمات گوناگون شاهد مقصود را بکف آورده اند در صفحات تاریخ موجود است مثلاً کپطان سکات مشهور که در راه کشف قطب شمالی فدا گردیده و آن دیگری معروف که سر خود را در راه اجرای کشفات در قطب جنوبی داده است و دور دائرهٔ بشریت سایر شان و همچنان خدمت گران قیمتی را که در راه تتبع و تجسس حقائق علوم و معلومات ابراز نموده اند فراموش نکرده است .

درین روز ها یک وفد فرانسوی موسوم به « کاروان زرد » که مرکب از جوانهای عمال زحمت کش و علاقمند هر زبان می باشد برای مقصد کشفات متنوعه داره خاک وطن ما گردیده و می خواهند تا به چین رفته در اثنای راه کشفیات لازمه در بعضی امور بنمایند مانند ذیل راجع به مطالب ومقاصد و همچنان هیئت ... این وفد و امور دیگر آن به قارئین گرام خود معلومات میدهیم و شاید این تیزیک مثال خوبی تشکیل کند که ذوق معرفت انسان را بچه گونه اقدامات و ادار می سازد .

رئیس این وفد موسیو ژورژ ماری ها ... ت از اوائل ... با سره طرف بیروت که نقطهٔ حرکت رسمی دستهٔ او میباشد ، اکتشافی هیئت مذکور در آسیا میباشد حرکت نموده .

در سال ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ اولین هیئت باسم همین شخص مذکور (که رئیس این هیئت است) ، و ایل اردو تی دوری ، (مساوئش) برای اولین مرتبه با موترهای مخصوص خود از صحرای اعظم افریقا عبور نموده والجیریه را با افریقای غربی اتصال داده بودند . در سال ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ نیز یک مسافرت مهمی که در کتب و سینما ها بنام « کاروان سیاه » ثبت ، ارائه و تشهیر شده ، از کلب بشار ، عزیمت و بعد از طی تمام طول شمال جنوبی افریقا به ماداگاسکار آنرا ختم نمود .

همین کاروان خستگی ناپذیر با آمال و آرزوئی که همیشه در تزاید است ، امروزه مسافرتی را پیش گرفته اند که اهمیت آن بالاتر از آن چیز هائی است که تا بحال بکوشش خود در اجرای آن موافق آمده است .

درین اواخر ، افریقا به نظر دنیا باندازهٔ سابق مستور وغیر مکشوف نمانده ، کاشفین و علما اسرار اراضی ، زرع ها و خلاق ، عادات ، حیوانات و نباتات آن بوجه اکمل پی برده اند ، اما آسیای وسطی بنابر اینکه عقب دیوار های کوهستانی واقع است و بواسطهٔ دوری افتادگی و نبودن وسایل حمل و نقل وجود صحاری وسیع و ... های عریض ... مناطق قطبی یک عالم غیر مکشوف است . از وقتیکه اسکندر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 91 of 896

کبیر در تعقیب فتوحاتش خود را تاورود سند رسانیده ، ده قرن دیگر بعد مارکوپولو تمام مغلستان را سیاحت نموده به پکن وارد گردید . بعد ازو نیز در مدت هفت قرن دیگر یعنی تا اواخر قرن اخیره دخول وتحریات در بر آسیائی صورت نگرفت ، در سال ۱۸۹۳ سون هدین کاشف سویدی بعد از آنکه قریب بود درصحرای تکلامکن ازتشنگی هلاك شود از رشته قلاتهای مرتفعهٔ تبت عبور نموده از در یاچه کوکو نور گذشته وبعد از عبور از قسمت جنوبی صحرای گوبی به پکن رسید مسافرت و سه سال طول کشید — کاشف فرنسوی موسوم به ول یاوت مدتی بعد از آن مسافرت سه ساله کرده ودرآسیای وسطی وچین وترکستان چینی کشفیات مهمی کرد — اما هیچکدام از این کاشفین از وسایل ولوازمی که ممکن بی ساخت بوسیله آن مانند هیئت جدید در مراحل علمی اکتشافات خود را بسط دهند میسر نداشتند .

مؤسس ومتکفل این مسافرت نزدمند دومسافرتی که قبلاً در افریقا بعمل آمد صاعت کار وزرگ فرانسه مسیو آندری سیتروئن است ولی لوازم روسا نیکه برای این مسافرت تهیه شده خیلی تمام تر ازوسایل مسافرت های سابقه میباشد علاوه برمساعدت ها و امداد های موسیو سیتروئن از طرف عموم وزارات حکومت فرانسه که از لحظ اول اهمیت این امر را که خدمتی بعالم انسانیت است حس

نموده بودند وهر کدام از روی مقاصد خود به کشفیات آن علاقه مند ومشتاق بودند ، امداد و اعانه داده شد — ونیز یك عده مؤسسات فنی مانند انجمن جغرافیای فرانسه ، موزیم تاریخ طبیعی ، موزه نژاد شناسی کبه در امداد بآن هئیت شرکت ورزیدند — همچنین کارخانهٔ معظم فرانسوی پاته ماتان عهده سینمای صدادار هیئت را زمه گرفت — ونیز انجمن ملی جغرافیای واشنگتن که متجاوز از یك ملیون ودو صد هزار نفر دارد ، وقصد نشرعلم جغرافیا در تمام عالم قائم شده است ، اعتباری مساوی اعتباری که به بیرد (۱) جهت مسافرت به قطب جنوب داده بود باین هیئت اعطا کرده وعلاوه برآن یك نفر از اعضای خود ، موسوم به مستر ویلیام ... وابه نماینده گی خود دراین هیئت معرفی و عزام نموده است — این انجمن از سال ۱۸۸۸ که بدو تأسیس آن است تا الآن در بارهٔ هیچ یك از هیئت های خارجی نظیر این مساعدت نکرده است . حکومت چین نیز دراین هیئت شرکت نموده و در مدت مسافرت هیئت موصوفه در خاك چین پنج نفر ازعلمای چینی را تحت سرپرستی دکتور سومنگ ... التحصیل پاریس همراه خواهد نمود —

دراین مسافرت موسیو ژورژ ماری هارت رئیس هیئت ، موسیو ... و ... دو روی محبت معاون کار میکند — واین

شخص همان کسی است که در موقع عبور از ریگ ها وجنگلها صعب العبور افریقای استوائی بامشار الیه همراهی داشت .

این دوشخص ۳۰ نفر همراه دارند — مدت ۱۸ ماه دراین امرو اقدام مشترك خیلی مهم که در همه جا علوم مختلفه مانند جغرافیا ، عتیقه شناسی ، نقشه برداری ، معرفت نژاد ها ، اقتصاد اجتماعی وسیاسی وغیره احتیاج دارد ، همراه وشریك خواهند بود — دونفر لیو تننت های کشتی پوان دیکور که از طرف وزارت امور خارجه مامور شده اند . کار مطالعات مساحی بذمهٔ ایشان است —

(باقیدارد)

---

(۱) بیرد شخصی است که به اجرای کشفیات در قطب جنوبی کامیاب شده .

اعلان

مژده

بعموم کسانیکه ضعف چشم دارند یا اینکه مناظر را از دور مشاهده نمیکنند که بعرض خدمت بایشان عینکهای مختلف با ساختن مقیاس درجه وقوت چشم تهیه نمودیم . کسانیکه میل محافظت یا تقویت چشم خود را دارند به (عبد الجبار) تاجر . و یا بادارهٔ انیس برای گرفتن معلومات رجوع فرمایند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 92 of 896

خبرهاي داخلي

تقدیم اعتماد نامه

عالیقدر جلالتماب هر ه شوزبل ، وزیر مختار دولت جمهوریه المان ، روز دو شنبه ۱۸ ثور بعد ظهر ، با احترام و بدرباری شاهانه ، توسط وزارت جلیله خارجه و وزارت دربار بحضور همایونی مشرف شدند . و نیز اعتماد نامه خود را تقدیم و نطق ذیل را بحضور قرائت فرمودند :

اعلیحضرتا !

خوشبختم که باعلیحضرت شما مکتوب هند نبورک رئیس حکومت آلمان را که مرا نزد اعلیحضرت شما بسمت سفیر فوق العاده و وزیر مختار معتمد میگرداند تقدیم نمایم .

بیشتر مسرورم در مملکتی که با آن از مدت مدیدی دارای مودت صمیمی هستیم و آن دوستی صمیمی در عقادات عرقانی و مادی مشتر که اتکاء دارد می آیم .

ملت المان همیشه قوه متین ملت نجیب افغان را در منازعه آزادی و تکامل اقتصادی آن تمجید نموده است مطمئنم که اعلیحضرت که مملکت شان را با دانش و حزم و احتیاط اداره نموده وسیاست خود را با اعطای امن و سکون عملت شجیع افغان نشان داده است با من توجهات شان را در تکامل وظیفه من ارزانی خواهند داشت تا روابط و علاقهٔ که مملکتین ما و شما را متحد می سازد بیشتر از پیشتر به سعادت ملتین قریبتر بسازد !

بعد از ختم نطق مذکور اعلیحضرت همایونی جوابیهٔ ذیل را ایراد فرمودند :

آقای وزیر مختار !

بکمال مسرت نامهٔ جناب هند نبرک رئیس حکومت آلمانرا که وسیلهٔ معرفی شما بسمت سفیر فوق العاده و وزیر مختار آلمان در دربار ماست می پذیریم و هم آرزو داریم که شما در ایام اقامت خود در مملکت عزیز ما که همه وقته روابط حسنه و حسیات صمیمانه با ملت و حکومت نجیب آلمان دارند بکمال مسرت و عافیت زیست نمائید .

جناب وزیر مختار !

حسیات حکومت عالیه و ملت قابل قدر آلمان عموماً و بیانات شخصی شما نسبت بما وملت ما خصوصاً خیلی موجب خوشنودی و رضائیت ماست ما و اراکین سلطنت ما در همه اموری که برای نزدیکی و تزئید روابط صمیمی بین دولتین مفید وضروری باشد در ابراز مساعدت با شما در همه وقت خوشنود خواهیم بود .

معین سوم وزارت خارجه

ع ص حبیب الله خان (طرزی) سابق وزیر مختار افغانی در پاریس ، که از فضلا و دانشمندان مملکت است ، درین روز ها از حضور والا حضرت صدر اعظم صاحب به معینی سوم وزارت خارجه منصوب و مقرر گردیدند .

معین ثاني وزارت ماليه

ع ص میرزا غلام محیی خان که یك شخص کاردان و مؤسس شهریه واصول دفتری بودند ، درین اواخر به معینی دوم وزارت مالیه مقرر شدند .

متخصص پوسته و تلگراف

محترم هر اینکن بونه دس ، المانی متخصص پوسته و تلگراف ، از طرف وزارت داخله برای امورات پستی استخدام و اجرای وظایف می نماید .

وزير مختار اعليحضرت در لندن

عالیقدر جلالتماب احمد علی خان وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس به وزارت مختاری لندن انتخاب ، و درین روز ها اگر بیان شان بوزارت جلیله خارجه واصل گردیده است .

مديريت طبيه

ص میرزا محمد یوسف خان که دو سنه گذشته برتبه کاتبی دائره تحریرات مدیریت خدمت می نمود ، در بودجه سال جاری برتبه سرکتابت دائره تحریرات ترفیعاً منتخب و مقرر گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 93 of 896

کیر در تعقیب فتوحاتش خود را تا رود سند رسانیده ، ده قرن دیگر به بعد مارکوپولو تمام مغلستان را سیاحت نموده به پکن وارد گردید . بعد ازو نیز در مدت هفت قرن دیگر یعنی تا اواخر قرن اخیره دخول وتحریات دور آسیائی صورت نگرفت . در سال ۱۸۹۳ سون هدین کاشف سویدی بعد از آنکه قریب بود درصحرای تکلامکن از تشنگی هلاک شود از رشته قلل‌های مرتفعهٔ تبت عبور نموده از دریاچه کوکو نور گذشته وبعد از عبور از قسمت جنوبی صحرای گوبی به پکن رسید مسافرت و سه سال طول کشید — کاشف فرانسوی موسوم به دول یاوت مدتی بعد از آن مسافرت سه ساله کرده ودرآسیای وسطی وچین وترکستان چینی کشفیات مهمی کرده — اما هیچکدام از این کاشفین از وسایل ولوازمی که ممکن می ساخت بوسیله آن مانند هیئت جدید در مراحل علمی اکتشافات خود را بسط دهند میسر نداشتند .

مؤسس ومتکفل این مسافرت نیز مانند دو مسافرتی که قبلاً در افریقا بعمل آمد صاحب کار بزرگ فرانسه مسیو آندری سیتروئن است ولی لوازم وسائلیکه برای این مسافرت تهیه شده خیلی متفاوت از وسایل مسافرت های سابقه میباشد علاوه برمساعدت ها و امداد های موسیو سیتروئن از طرف عموم وزارات حکومت فرانسه که از لحاظ اول اهمیت این امر را که خدمتی بعالم انسانیت است حس نموده بودند وهر کدام از روی مقاصد خود به کشفیات آن علاقه مند ومشتاق بودند ، امداد و اعانه داده شد — ونیز یک عده مؤسسات فنی مانند انجمن جغرافیای فرانسه ، موزهٔ تاریخ طبیعی ، موزهٔ نژاد شناسی گیمه در امداد باین هیئت شرکت ورزیدند — همچنین کارخانهٔ عظیم فرانسوی پاته ناتان عهده سینمای صدادار هیئت را بعهده گرفت — ونیز انجمن ملی جغرافیای واشنگتن که متجاوز از یک ملیون ودو صد هزار نفر دارد ، وبمقصد انتشار علم جغرافیا در تمام عالم قائم شده است ، اعتباری مساوی اعتباری که به بیرد (۱) جهت مسافرت به قطب جنوب داده بود باین هیئت اعطا کرده وعلاوه برآن یک نفر از اعضای خود ، موسوم به مستر مینارد اون ویلیامس ، را به نماینده گی خود دراین هیئت معرفی و اعزام نموده است — این انجمن از سال ۱۸۸۸ که بدو تاسیس آن است تا آلان درباره هیچ یک از هیئت های خارجی نظیر این مساعدت نکرده است . حکومت چین نیز دراین هیئت شرکت نموده و در مدت مسافرت هیئت موصوفه در خاک چین پنج نفر از علمای چینی را تحت سرپرستی دکتور سونگ تی فارغ التحصیل سار بون همراه خواهد نمود —

دراین مسافرت با موسیو ژورژ ماری هارت رئیس هیئت ، موسیو لوی او دونی بحیثیت معاون کار میکند — واین شخص همان کسی است که در موقع عبور از ریگ زار و جنگلهای صعب العبور افریقای استوائی با مشار الیه همراهی داشت .

این دو شخص ۳۰ نفر همراه دارند — مدت ۱۸ ماه دراین امر و اقدام مشترک خیلی مهم که در همه جا علوم مختلفه مانند جغرافیا ، عرقه شناسی ، نقشه برداری ، معرفت الارض هوا اقتصاد اجتماعی وسیاسی وغیره استناد دارد ، همراه وشریک خواهند بود — دوکتر لیوتنان های کشتی پوان دیکور که از طرف وزارت امور خارجه مأمور شده اند . کار مطالعات مساحی بذمهٔ ایشان است —

(باقی دارد)

---

(۱) بیرد شخصی است که به اجرای کشفیات در قطب جنوبی کامیاب شده .

اعلان

مژده

بعموم کسانیکه ضعف چشم دارند یا اینکه مناظر را از دور مشاهده نمیکنند که عرض خدمت با ایشان عینکهای مختلف با سامان مقیاس درجه وقوت چشم تهیه نمودیم . کسانیکه میل محافظه یا تقویت چشم خود را دارند به (عبد الجبار) تاجر . و یا باداره انیس برای گرفتن معلومات رجوع فرمایند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 94 of 896

جاه وجلال وسعادت درجه حالت خواهم مرد؟» قالین یک لهجه متین جواب داد «بحالت جنون ودیوانه گی!»

رفیق دیگرش که مارمون نام داشت صدا زد: «ای عفریت شروع حکایات از اختتام آن بهتر است. خیال میکنی که من هم دیوانه خواهم مرد؟»

قالین بطرف او تبسم کرده گفت «تو زنده می مانی وبات فضایح و ننگ نکبت وفوت خواهی شد. بعد از یک حیات با شرف وشان وانعمت خود را ترک خواهی کرد وخاین ثابت شده نامت مرادف اسم (زودات) بدی گرفته خواهد شد.»

مارمون، اگر چه کلمات قالین او را مغموم ساخته بود باز هم خود را جبراً خندان داشته گفت: «مرا که با این پیشین گوئی تان چندان نتوانستید بگو ببینم این دوست ما چه وعده میدهی» بوناپارت، دست خودش را ازدست قال بین کشیده درشتی گفت: «من هیچ اوزوی شنیدن آینده ام را ندارم، من خود میدانم!»

قالین آنهارا گذاشته بطرف میزی که کازین وسربازان جوان در اطراف آن نشسته بودند نزدیک شده اطرف دونفر از رفقای له فیور دیده گفت: «از موقع استفاده کنید، زیرا روزهای تان محدود است.»

«پس ما کجا خواهیم مرد؟» این دونفر از جمله هیروهای بودند که درمجادله حریت بتاریخ ۱۰ اگست بعد ان شرف جان دادند.

قالین: «بربزینه های قصر!»

ژ مادوت صدا زد: «چه یک عظمت، درباره من چه میگوئی؟ آیا من هم یک عاقبت فاجعه ناک ومحقری درپیش دارم؟»

قالین: «مرگ تو درامنیت وبحالت طبیعی خواهد بود. یک تخت صعود نموده باعلم ملت حکایت کرده و برخلاف رفقای سابقه ات حرکت، دریک قبر منجمد درقرب قطب شمال آرام خواهی کرد.»

له فیور برای اینکه از کلمات قالین را ازقلب ژ مادوت کم ساخته باشد گفت «اگر هر چیز را بدانیم وعده دهی برای من هیچ چیزی باقی نخواهد ماند!»

قالین: «تو خانمی را که دوست میداری ازدواج خواهی کرد، یک قشون بزرگی را افسرواسمت محبت به دلاوری وصداقت زبان زد خواهد بود.»

کازین که شاید برای دفعه اول درعمرش قدری خوف محسوس کرده باشد پرسید: «همشهری عزیز! نسبت به من چه خواهی گفت؟»

قالین: «درموقعیکه شما بعد ازانکه به مطلوب اصل خود ازدواج شده بدرجه دوشس صعود مینمایید اکرام خواهید دید.»

له فیور برای آنکه شوخی کرده باشد صدا زد: «پس من باید دوک شوم. یک جنرالی برای من کافی نیست وتو باید پیش گوئی خود را با آخر رسانیده وبه من بگوئی که من ذکرین را بزنی گرفته وهردوی ما یکجا دوک ودوشس خواهیم شد!»

قالین بیشتر ازانکه کلمات (له فیور) را شنیده باشد درمیان خنده های مردها ورنگ های متحیر زن ها ازمیان بدر رفته بود.

نوشه: «حقیقتاً که این فال بین بقدر یک سر موهم قوه احترامی ندارد. بری هرکدام شما قسمت هائی عالی پیش بینی کرد ولی به من هیچ نگفت. گمان میکنم که من هیچ یک شخصیت واهلیتی پیدا نخواهم کرد!»

کازین: «تو بیش تر ازانکه او چیزی بگوید مقام قسمت را حاضر شده، علاوه زین چه میخواهی؟»

نوشه: «دیگر چه میخواهم؟ خواهش دیگر من هم چندان بزرگ نیست تنها میخواهم که وزیر پلیس شوم.»

کازین: «همشهری عزیزم! شاید کدام روزی باین منصب عالی برسی زیرا تو یک شخص تیز هوش ونهایت متجسس هستی.»

نوشه کلمات کازین را استهزا تصور نموده گفت: «بلی وقتیکه شما دوشس شدید من هم وزیر پلیس خواهم شد.»

(باقیدارد)

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 95 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

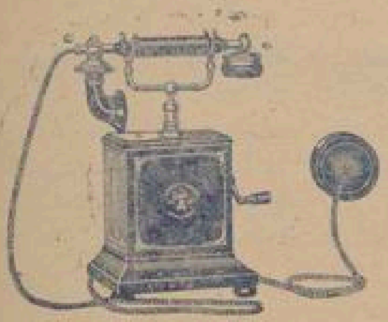

تیلفونهای اریکسن

اریکسون فابریکه است که در سنه ۱۸۷۶ تقریباً در تاریخ اختراع تیلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالك دنیا قریب بنجاه فابریکه بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تیلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریکه مرکزی اریکسون در ستاک هالم (سوید) و شعبات او علیحده فابریکه هائیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا استریا چکوسلاواکیا هالیند هنگری ـ ایطالیا پولاند و علاوتاً متقریب بنجاه نماینده گی در ممالك بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریك اریکسون را دارا است و بهترین سیستم تیلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن مناسبترین قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشتریان را ازهمه جهت فراهم خواهد آورد خواهش مندان و طالبین اینگونه تیلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارگ کابل است رجوع خواهند فرمود .

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۲ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض ومعاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 98 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 99 of 896

شماره (٦) — مجلد (٥)

انیس

اشتراک سالانه ١٢ افغانی
محصول پوست ٢
خارجه ٢٠ شلنگ

اداره: کابل جادهٔ ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

٢ شنبه ١١ جوزا ١٣١٠ — تاسیس ١٣٠٦ — ٤ محرم ١٣٥٠

معرفت وحدت ملی

گمان نمی کنم شخصی که باین خاک مسقط (مگر عقب مانده) وعلاقهٔ و بستگی داشته باشد در شب و روز لحظهٔ هم خاطرش از فکر پریشان کن و اضطراب آور پس ماندگی و تنزل آن فارغ بوده بتواند.

هم چنانکه از عالم اوروپا انسان می تواند در نظر اول فهمد که ترقی چیست، به همان صورت از دیدن مشرق و خصوصاً مملکت بیچارهٔ ما به یک نگاه اولین می داند که تنزل چه را می گویند. چنانچه آثار و علائم مرض از وجود و اوضاع و حرکات یک مریضی که بکمال یأس و نا امیدی در بستر مرگ افتاده باشد، ظاهر می شود همان طور قرائن و امارات پس ماندگی از هر چیزی که در سطح مملکت بیچارهٔ ما به نظر بر می خورد آشکار و هویداست.

نواقص ما به خودی می توانند در صحنهٔ محاکمهٔ عقل هر کدام به اولویت خود عرض وجود نموده بکمال فصاحت شهادت انحطاط (و حتی رجعت قهقرائی) ما را ادا کند.

ولی در نظر یک شخص مدقق و استدلالی علت العلل این چیزها و چیزهای زیاد دیگری که در زمانهٔ پیش رفت و تقدم مدارج کمال انسانیت و موفق ارتقائی که انسان و انسانیت در سایهٔ مساعی خود بدان رسیده است، بصورت یک سد بزرگ واقع می شود، عبارت از عدم وجود وحدت ملی و یا به عبارت صحیح تر عدم معرفت آن است.

و اینکه میگوئیم شناختن و معرفت آن مقصودی داریم، مطلب ما اینست که این چیز محترم را ندانسته ایم. اینکه دست قدرت ما را در یک مملکت در وسط آسیا و در بین یک حدود معین جمع آورده و بنام ملت افغان موسوم شده ایم، به خوبی می تواند به ما بفهماند که ما یک ملت متحد هستیم. علاوتاً اگر به امکان تحقیق بنگریم اشتراک منافع داریم، و درد یکی به دیگری صدمه می رساند، و خسارهٔ یکی خساره و نقصان دیگری است. هیچ یک فرقه و یا طائفه نه می تواند از تباهی طائفه و فرقهٔ دیگر به زحمت و آشکال دو چار نشود، چنانچه در انقلاب گذشته دیدیم که هیچ یک طرف نماند، و هیچ یک گوشهٔ مملکت وارد نیامد که صورتی از صور دو گوشه و کنارهای دیگر وطن آثار احساس ننموده. اگر رواست یک گوشهٔ مملکت ویرانه شد، گوشهٔ دیگر به قلت رزق گرفتار آمد، اگر محل تجارهٔ از یک کنج مملکت ما اعدام شده، فی الفور در هر گوشهٔ وطن وهم خورده و اخراج پول در هر جا سیلاً تنزل نمود. یعنی محض همین مسئله که بحیث یک قسمت انسانیت در یک کنار دنیا و به تحت یک نام و یک حکومت امرار حیات می نمائیم ثابت می کند که متحد و متفق و یک ملت واحد می باشیم. لذا تنها چیزی که سبب بربادی ما شده است و می شود اینست که «این وحدت خود را نشناخته ایم؟!»

دانستن یک شی و معرفت آن خیلی تفاوت دارد. انسان در اول کار استعداد داشتن بزرگی و وجاهت داشت.

در مرحلهٔ حیوانیت مرتبهٔ بلند را حائز بود. ولی محض داشتن این چیزها در تقدم و پیشرفت حیاتش نتوانست چندان کاری بکند که شناختن و معرفت آن کرد. به مجرد آنکه (یک اندازه) معرفت النفس حاصل کرد و قیمت موقعیت خود را در بین موجودات پیشوائی درک نموده به یک انقلاب فکری خیلی شدید گرفتار گردیده، تمام قوای خود را موقوف نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 100 of 896

که خود را چیزی بسازد که مرتبت و درجهٔ او طالب است . والهذا زیاد تر پیش رفته سیر تکامل وترقی او سریع تر گشت .

گویا عرض نمودیم که شناختن یک شی انسان را وادار می‌نماید که در اطراف آن بیش تر تحقیقات کند .

وتحقیق در هر چیز مفید فایده می‌شود . لهذا ما نیز اگر می‌خواهیم در اطراف وحدت ملی که طبعاً داریم تحقیق کنیم لازم است بشناسیم که وحدت ملی چیست وچه فواید از آن حاصل می‌شود ، واگر نداشته باشیم چه نتیجه می‌شود وچه خسارات مهم از آن رهگذر به ما عاید می‌گردد . خصوصاً برای مملکت ما که مرکب از طوائف مختلفه ایست که از سالیان مدید درین یک خط سرحدی معین دور تحت یک قانون زندگی دارند (وقوانین انسانیت آنها را یک مملکت ویک ملت شناخته وتسلیم نموده است) این معرفت خیلی اهمیت دارد .

چه بدون معرفت آن ممکن نه خواهد شد که باندازهٔ که انقلابات احوال ، و تغیرات زمان اقتضا می‌کند باین مسئله اقدامات لازمه را نموده به معنی تام حقیقی اش بسازیم . واستفاده را که لابدی است ازان بنمائیم . اگر بدانیم که وحدت ملی در راه پیش رفت امور خود را واجرای مقتضیات صحیحه حکومت ما چه تسهیلات فراهم می‌آورد ، شک نیست که همه ما متحداً ومتفقاً بذل همت می‌کنیم که این چیز محترم از حالت محدودیتی که دارد بجهان بخشیده وسعت دهیم ودر نتیجهٔ به قدر وسعتی که بان می‌دهیم استفاده خود را نیز وسیع تر بسازیم واوان بیش تر فایده برگیریم .

بعضاً چنین گمان می‌کنند که اسامی طوائف وقبائل یک علامت عدم وجود وحدت ملیست . یعنی شمالی وار ساکن شمالی لیو گری (ساکن لیو گر) وردکی (ساکن وردک) عبارت از اسم ها است که افتراق ملی مرا نشان می‌دهد من به این مسئله معتقد نیستم این چیز یست که ممکن است سالها بماند وخواهد ماند . ممکن است مدت های مدیدی بگذرد وسمت شمالی سمت شمالی باشد وساکن آن سمت شمالی وار ، این برای ما اهمیتی ندارد چیزی که برای ما اهمیت دارد ، اینست هر طائفه ء هرچه که هزاره ولیو گری ووردکی گویند وهمین اسم های که بان منسوب می‌شوند کدام جا ها است ودر کدام مملکت واقع است ، وباو چه علاقهٔ دارند ؟ چیزی که برای ما لازم است بدانیم اینست که ، زمانیکه همین اقوام مذکورهٔ فوق اسلحه را بشانهٔ خود بر داشته صفت سرباز را به خود میگیرند ، وبا در مقابل دشمن می‌ایستند وجان خود را فدا نموده خون خود را می‌ریزند برای که وبه سم کیست ؟ وبرای حفظ شئونات کدام مملکت است ؟ وآیا فدا کاری شان برای لیو گر ووردک وهزاره جات است یا بالعموم برای افغانستان وقوم افغان اگر درین مسئله تعمق کنیم . طبعاً لیو گری را افغانی خواهیم شناخت که در خط لیو گر افغانستان سکونت دارد وهزاره را افغانی که در هزاره جات ما کنست ، وعلی هذا .

پس درین صورت به هیچ وجه دلیل نخواهیم داشت خود را از همدیگر مجزی ومفترق بدانیم ، وبا گمان کنیم که این نام های می‌تواند سبب افتراق ملی ما شود ، به عقیده من سبب عدم تکمیل وحدت ملی که در ما موجود است ، تنها این مسئله است که آنرا نشناخته ایم ورنه این نام ها در بزرگترین ممالک دنیا نیز موجود است و چون معرفت دارند هیچ افتراقی درایشان تولید نمی‌کند .

یکی از عوامل بزرگ وحدت ملی وحدت دین است ، ووحدت دین برای وحدت ملی وقومی بلا مبالغه از همه چیز بزرگ تر ومهم تر شمرده میشود ، چه دیانت در روح انسان تأثیر عمیقی دارد ، وچنان یک حاکمیتی برقاب انسان اجری میکند که نظیر آن هیچ چیز بوده نه می‌تواند ، این مسئله را دلبسته گی های که نوع بشر در اعصار سابقه به دیانت خود نشان داده است ، به تمام وضاحت اثبات می‌نماید .

همچنانکه دیانت برای اساس انسانیت خدمات قابل قدری اجری نموده است وی نماید . انسان ها نیز به فدا کردن جان ومال وآرزو وهوس ها وخان ومان خود برای حفظ وحمایت ونشر وتبلیغ آن همواره حاضر بوده احترام عقیدت وعلاقه را که

(بقیه در صفحه ۹)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 101 of 896

بقلم آقای میر غلام محمد خان :

مشاهیر رجال افغانستان

حکیم ناصر خسرو بلخی
(قرن چهار هجری)
(۲)

استادان صنایع وفنون :

ابو معشر منجم بلخی . ابوریحان بیرونی میر عبدالرحمن خطاط مشهور هراتی . میر عطا محمد شاه خطاط کابلی .

ادبا وشعرا :

دقیق بلخی . منو چهری . عنصری عسجدی . فرخی . انوری . ازرق طهور فاریابی . صابر ترمذی . شهید بلخی غضایری .

طبقه سلاطین در داخل وخارج :

محمود غزنوی . شهاب الدین سام غوری شمس الدین کارت . میر ویس هوتک عبدالله خان ابدالی . احمد شاه بابای بزرگ جلال الدین فیروز شاه خلجی قطب الدین ایبک . غیاث الدین تغلقشاه بهلول لودهی . شیر شاه سور محمود شاه خلجی . محمد مختارخلج . شمس الدین تنگر . قطب الدین لنگاه . شاه محمود غلجای .

سر راوردگان سیاسی :

شیخ بایزید جلال آبادی (پیرروشن) آزادخان افغان . خواجه محمدحسن مهمندی علامه سید جمال الدین افغانی . وزیر اکبر خان غازی . جنرال محمد شاهجان . ملادین محمد اندری (مشک عالم)

فقهاو محدثین :

ابو اسحق اسفرائی . ابو حامد اسفرائی ابو مطیع بلخی . ابو اسحق خالد ابادی ابو الفتح شهرستانی . ابو بکر عبدالله سجستانی . ابو بکر بیهق . ابو ذرهروی ابو داود سجستانی . ابو عبید هروی هکذا اسارجال مشهور دیگری افغانستان دارد که درین مختصر نگنجد مثلاً ازودیف تاریخ ونثر نویسان : ابو الفضل حسن بیهقی عبدالحی محمود بن ضحاک گردیزی استاد رشید وطواط بلخی : حمیدالدین نصرالله غزنوی ، ابن الحمید . و ازصنف نسوان : چون مادر ابوالفتح بستی . رابعه بلخی . عایشه درانی ام مفری ، وازجنس روحانیون ما قبل وما بعد الاسلام : مانند زرتشت مشهور . خواجه مهدی ورد کی وغیره .

پس اگر فضلای مملکت به تحریر شرح حال هریك ازین مشاهیر کبار وطن پرداخته ودر یکی از مجلات منتشر سازند ، از یکطرف اسباب انتباه و ایقاظ ملت چنانکه گفتیم گردیده و از طرفی تقریباً تاریخچه مشاهیر وطن بعرصهٔ شهود ببیر آید .

حکیم ناصر خسرو :

ابو معین ناصر خسرو در آغاز کتاب خویش یعنی سفرنامهٔ مصر و شام ، جزیرت لعرب وحجاز چنین میگوید : ابومعین الدین ناصر خسرو القبادیانی المروزی تاب الله عنه (چنان گوید) که من مردی دبیر پیشه بودم واز جملهٔ متصرفان در اموال واعمال سلطانی ، وبکارهای دیوانی مشغول بودم ومدتی در آن شغل مباشرت نموده ، در میان اقران شهرتی یافته بودم ،

حکیم در سفر نامه وسایر تالیفات خویش ازشاه له نسب ومسقط الرأس خود سخن نمیراند ولی ازوطن خویش بلخ مکرر یاد کرداده است ، عایله واقوام حکیم نیز در بلخ بوده اند ، چنانکه در عودت از مکه مکرمه براه فارس مستقیماً وارد بلخ شده و در آنجا بملاقات فامیل و برادر خود ابوالفتح عبدالجلیل که او را ابوالنصر میخواندند مسرور وواصل گردیده . برادر او در آن عهد و زارت خراسان داشته و پایه تخت خراسان شهر مروو امیر آن ابو سلیمان جغری بیك داود بن میکائیل بن سلجوق بود . چنانچه حکیم درسفر نامه گوید : به شهر مروالرود رسیدیم وبعد از دو روز بیرون شدیم ، براه آب گرم نوزدهم ماه (جمادی الاخر ٤٤٤ هجری) ببلخ رسیدیم سی و شش فرسنگ بود وامیرخراسان جغری بیك ابوسلیمان داود بن میکائیل بن سلجوق بود ، ووی بنیشابور خان بود وسوی مرو خواست رفتن که دارالملك وی بود . حکیم یکوقتی در مملکت فارس اقامت داشت ودر آنجا از وطن خویش بلخ یاد کرده ودر یکی از اشعار خود میگوید :

برگیر دل زبلخ وبنه تن زبهر دین
چون من غریب وزار بیازندران درون

علمای فرنگ نیز حکیم رابلخی دانسته اند حکیم در اشعار خود خراسان را گاهی ستوده واز یاد آن وطن خود بلخ را منظورداشته چه هردو خراسان نامیده میشدند چنانکه حکیم در سفر نامه میگوید وقتیکه از حج به بلخ برگشته بود که :

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 102 of 896

و من هفت سال بود از خراسان غیبت کرده بودم . » لهذا بعض فارسی ها اورا بخراسان حال منسوب مینمایند ،

واقعاً راجع بحال واحوال حکیم روایات مختلفه وعجیبی مشهوراست . شمس الدین سامی درقاموس الاعلام حکیم را اصفهانی واز نسل امام علی رضا رضی الله عنه شمار کرده . درصورتیکه فاضل محمود غنی زاده فارسی درمقدمه کتاب سفر نامه حکیم مفصلاً با استناد باشعار خود حکیم این سلسله نسب اورا ابطال نموده است .

بیشتر گفتیم مسقط الراس حکیم را مشخص نکرده اند ، ولی معلوم میشود که همین نکته ثابت میکند مسقط الراس او نیز وطن او بلخ بوده است . تاریخ تولد حکیم از قول خود او درسال ۳۹۴ هجری بوده ودرفوت او روایات مختلف است .

صاحب هفت اقلیم حکیم را پسر حارث بن علی بن حسین بن علی بن محمد ذکر کرده است . بهرحال حکیم دروطن خویش بلخ تحصیل نموده در لغت ، صرف ، نحو عروض ، قافیه ، اشتقاق ، رسایل حساب ، سیاق ، نجوم ، هندسه ، هیئت ، رمل فقه وحدیث ، حکمت طبیعیه والهیه و کتب سماویه تبحر حاصل نموده ویکی از بزرگترین رجال عهد خویش بمیدان برآمده است ، حکیم بامشرب شوخی که داشت بامور حکومت هم پرداخت ، ودرسال ۴۳۷ هجری از مشرب مدام کناره گرفت وقصد سیاحت دراسیای وسطی وشرقیای مکه مکرمه از راه فارس وآذربایجان به بطلیس ومیافارقین بشام واز انجا بفلسطین وقدس شریف شتافته بعدها حج کرده است حکیم بعد از حج بقدس برگشته واز انجا براه بری به طایف وبراه بحری به تونس وبلاد به مصر عزیمت نموده است . حکیم درمصر بشیوه خلفای فاطمی مفتون گردیده وبطریقه اسمعیلیه گویند که شیفته شده بهرحال از سال ۴۳۹ هـ تا ۴۴۱ هـ حکیم درمصر اقامت کرد ودرین مدت سه مرتبه دیگر بزیارت کعبة الله شتافته است . حکیم بعدازوداع بالمصر درسال ۴۴۲ اداي حج نموده جانب یمن وبصره حرکت کرده است واز انجا با کشتی به مهروبان واز مهروبان بارجان رفته ومتعاقباً براه اصفهان وسرخس درجمادی الاخر ۴۴۴ وارد بلخ گردیده است

حکیم درین مسافرت طولانی هفت ساله زحمت ها دیده وچیزها نوشته که برای دانستن ان سفرنامه بایستی رجوع کرد.

حکیم میل مخصوصی داشت درجهان سیاحت کند چنانکه با تحمل زحمات این مسافرت واثنیکه بخانه خود رسید بر خاتمه سفرنامه خویش مینویسد که چون سفر مشرق کرده شود انچه مشاهده افتد به ایل ضم کرده شود . »

مشهور است حکیم در طلسمات ونیرنجات دست درازی داشته ، قاموس الاعلام نیز اشارتی بدین معنی مینماید اما هفت اقلیم عجایبی درین موضوع مینویسد . حکیم با علی سینا معاصر بوده حتی گویند درمرو با او صحبتی نیز نموده است . وقتیکه حکیم از مازندران بخراسان عزیمت می نمود درراه صحبت خواجه ابو الحسن خرقانی را درک نموده شیخ با حکیم گفت این دو بیتی که در قصیده مشهور خود سروده ئی معناً درمدیح خود ویورشیا گفته ئی ، حالا این مبالغه ها در دواوین تا قصیده ۷ آن دو بیت اینست که حکیم درمدح عقل وروح منظوم کرده است :

بالای هفت طاق مقرنس دو گوهرند
کز کائنات وهر چه دروهست برترند
پرورده گان دایه قدسند در قدم
گوهرنیند اگرچه باوصاف گوهرند

حکیم درهندسه وفلکیات بحری بزرگ داشته ، اگرچه تالیفی ازه بدست نیست خودش درسفر نامه میگوید : چون درسمنان رسیدم طلب اهل علم کردم ، مردی نشان دادند که اورا استاد علی نسائی میگفتند نزدیک وی شدم مردی جوان بود سخن بزبان فارسی همی گفت بزبان اهل دیلم وموی گشوده ، جمعی پیش وی حاضر گروهی اقلیدس میخواندند و گروهی طب وگروهی حساب . دراثنای سخن میگفت که براستاد ابوعلی سینا رحمت الله علیه چنین خواندم وازوی چنین شنیدم . همانا غرض وی آن بود تامن بدانم که اوشاگرد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 103 of 896

ابوعلی سیناست چون بایشان در بحث شدم او گفت من چیزی میبایستی دانم و هوس دارم که چیزی از حساب بخوانم ، بجسب داشتم و بیرون آمدم گفتم چون چیزی نمیداند چه بدیگری آموزد .

حکیم وقتیکه در مصر بود و برگشت در فارس و افغانستان از طرف علما باخشونت تلقی شد چه اورا منسوب بمذهب اسمعلیه مینمودند و بعضی از علمای تند مزاج متهم بکفر و زندقه و الحادش میکردند تا اینکه وطن خود را گذاشته بمازندران و فارس سفر نمود و مدتی در آنجا اقامت نمود . متاسفانه در آنجا نیز علما طرف واقع شدند و حکیم به ترك آنجا پرداخته بخراسان آمد . در خراسان تکفیر او تکرار شد از آن رو از بلخ به بدخشان حرکت نموده و در قریه یمکان بعزلت و گوشه نشینی انس گرفت . در تمام این مشقات و مسافرت ها تنها برادر عزیز او ابو سعید رفیق منحصر بفرد حکیم بود .

اکثر تالیفات حکیم در طریق مدت انزوا در بدخشان موجود فی الخارج گردیده چنانکه شاهکار جاوید حکیم کتاب زاد المسافرین او در ٤٥٣ هجری به قریه یمکان تالیف شده است . علل تکفیر حکیم نه تنها حسادت علما بوده ، بلکه اگر بقول آنکه و حقیقت اقدام اعتقاد نمود ، حکیم در مصر بوزارت منصوب و بعد رتبه امضی علیا گردیده معروض آنها ان کفر آمیز شد ، لهذا در بغداد بشاه رده و در آنجا نیز بوزارت نایل شد ، خانه او را ماموران و دولت عباسی بجانب ملاحده اسمعلیه رفته و بعد آنها را ساموراتی علیه اسلام اتخاذ نماید . ولی حکیم را حدیقه ملاحده شناخته محبوس و بالا جزء محبوس نموده تفسیری قرآن موافق عقاید و نیات ملاحده مرقوم نماید . حکیم هر روز خاطر مجبوریت بنگارش در داده تفسیر او در بلاد اسلامیه اشتهار و اسباب تکفیر او گردید ، اما مطالعه کتب و وجه دین ، حکیم بخواننده میزان مقرط دین و صفای اعتقاد دینیه و مذهبی ش را مدلل مینماید

حکیم در حکمت الهی از اساتید جهان در عهد خود مفرد و ممتاز بوده ، کتابیکه زاد المسافرین او را مطالعه کرده و از آلبانات سر رشته بدست دارند که فلسفه از حکیم چنان خواسته است مباحث حکمیه و نظریات فلاسفه را با آیات مبینات قرآنیه تطبیق نماید حق حکیم در تردید نظریات ابن زکریای رازی که از فلاسفه مشهور فارس است خیلی هم طاق تعصب پیموده است . حکیم در مدیح این کتاب خود میگوید .

و تصنیفات من زاد المسافر

که معقولات را اصل است و قانون

اگر بر خاك افلاطون بخوانند

ثنا خواند مرا خاك فلاطون

حکیم در منظومات و منثورات خویش خود را قاطعی و حجت میداند ، تصانیف حکیم کتب ذیل است که بعضاً معلوم و در دسترس مردم آمده و بعضاً هنوز مجهول است :

زاد المسافرین ، روشنی نامه ، سعادت نامه ، وجه دین ، سفر نامه دیوان اشعار بستان العقول ، خوان اخوان ، دلیل المتحیرین ، اما آنچه مجهول است اینها هستند :

اکسیر اعظم در منطق (یا) فلسفه قانون اعظم در سحر و علوم فوق الطبیعه دستور اعظم در فقه کنز الحقایق رساله در علم بو مابیان . (این رساله را بقول هفت اقلیم حسب وصیت حکیم ابو سعید برادرش بعد از فوت او با ایشی آتش زده باشد .) تفسیر قرآن ملاحده رساله المستوفی در فقه و بقول صاحب قاموس الاعلام این رساله المستوفی موسوم بوده است .

و الحاصل حکیم فاضل در غار کوهی قریه یمکان بقول تقویم التواریخ در سال ٤٨١ هجری بسن ٨٧ سالگی از سرای فانی بدار باقی شتافت رحمة الله علیه رحمة واسعة .

(انتها)

بقلم آقای قاسی زاده :

صنایع مستظرفه

هنگام سماع یک نغمهٔ آهنگدار موسیقی که از حنجرهٔ یک موسیقار تراوش میکند یا در وقت تماشای بهت انگیز یک منظرهٔ جذاب و دلکش از یک رسام ، یا مقابل تناسب وموزونی مجسمهٔ زیبا و رعنا که محصول دست یک هیکلتراش ، یا رو بروی طراوت یک بنای محتشم ساخت یک معمار اگر دقیق بشویم ؛ در تهیات شور انگیز آن نغمه ، رعونت سحر آلود آن لوحه تناسب حیرت از آن مجسمه و دلربائی و نفاست اعجاز کار آن بنا ، اسطوری ما را ممنون ومیگیرد ، که در عمیق ترین زوایای روح خویش یک هیجان متلاطم و حرکت و شوری می یابیم ، که آنرا هیجان بدیعی می نامند .

و همچنین : در وقت شنیدن یا مطالعه یک جمله شیرین بلاغت آمیز ادبی نیز اگر دقت و تعمق بنمائیم ، خواه از رهگذر باریکی ، وسعت و عمیقه در معنای آن مرکوز است ، خواه از باعث آهنگ و وسائل کلمات و طرز استفاده آن مکرراً عین همان هیجان سابق را در خود می یابیم ، که پیش تر بما رو داده بود .

و ازینجا به سبیل قیاس گفته میتوانیم تاثراتیرا که یکجمله فصیح و بلیغ محصول آورده است ، عیناً همان تاثیریست که یک لوحه قشنگ ، یک نغمه شیرین یا یک بنای ظریف بوجود آورده بود .

این اهتزاز روحی ، حالت مفتونی و پر هیجانی که در قلب و وجدان حس میشود بدو صورت تظاهر میکند ، یکی بصورت هیجان حظ و ممنونیت : که از شنیدن یک نغمه نشاط آمیز یا از دیدن یک منظرهٔ فرحت بخش حاصل میشود و دیگری حزن و الم که از تماشای یک لوحهٔ خونین یا قرائت وسماع یک افسانه فجیع ملال انگیز رو میدهد ، که نه متلذذ و هیجان روحی نیل یک خوراک لذیذ و نه تأثر و تألم یک پیش آمد ناگوار ملال افزا شباهت دارد .

و ازین ظاهر میشود ، که بین کدسته هیجانات محسوسه ، یک اندازه فرق هست که برای امتیاز حیات انسان از حیات سائره حیوانات (هیجان بدیعی) نامیده شده است : ایضاح : انسان حس بدیعی داشته حیوان فاقد آنست .

بعد از ادراک این تفصیلات معلوم است که برای تولید و بحصول آوردن هیجان بدیعی یکرشته وسائطی ضرور و لازم است که عبارت از موسیقی ، رسم هیکلتراشی ، معماری و جمله های مهیج باشد . اما اینها هم بقسم یک کلیه مولد هیجان بدیعی شده نمیتواند . زیرا کلی در منطق جزئی است که احکام آن بطور کلی شامل همه افراد و اجزاء آن باشد مثل اینکه (هر یک ازین صنایع مذکوره مهیج حس بدیعی است بدون استثنا) حالا اینکه این قسم نیست ، چرا : در صورتیکه هر جمله ، هر موسیقی هر رسم ، هر بنا مولد یک هیجان بدیعی شده نتواند پس چرا از تماشای یک رسمیکه یک طفل بدون رعایه قواعد فن رسم آنرا بوجود آورده است ، ما متهیج نمیشویم ، وهکذا از شنیدن یک آواز ناخراش یا از دیدن یک بنای عاری از تناسب وطراوت و غیره غیره متأثر شده حس بدیعی ما بهیجان نمی آید .

صنعت : بلی چیزیکه به موسیقی ، رسم مجسمه بت وکالات : یک قیمت وقدرت تعبیر انگیز مبذول وبخشیده است ، در انظار وسامعه یک رنگ مطبوع و جذابی تلقی گردیده ، از تماشا واستماع خود مارا محظوظ ومتألم می نماید ، صنعت ومهارت است که : مهیج ومحرک حس بدیعی انسانها است .

صنعت اگر از رسم بکجا اظهار ماهیت نماید (صنعت رسم) ، اگر بموسیقی روز وظهور نماید (صنعت موسیقی) ، اگر بمجسمه وبنا ابیات وعرض وجود بکند (صنعت هیکلتراشی یا مجسمه سازی) و (صنعت معماری) وهمچنین با کلام تجلی نماید (صنعت کلام) به تعبیر دیگر (ادبیات) نامیده شده ، ودرسبیل تعمیم همه آنها اسم (صنایع مستظرفه ـ یا صنایع نفیسه) اطلاق میشود .

و قرار تشریح وتبیین فوق اینقدر واضح شد ، چیزیکه حس بدیعی انسانرا تحریک وهیجان بدیعی ما یک اهتزاز وتلاطم روحی را ، بحصول می آورد ، صنعت است .

لیکن : این که صنعت بدو معنی می آمد ، یکی بمعنی اعم اینکه خواه بواسطه ملکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 105 of 896

ومیاوسه مانند آهنگری ومسکری وغیره وخواه بوسیله تحصیل مثل داکتری وغیره صنعت‌هائی اراله احتیاجات بشری اجرا میابد .

ودیگری بمعنی هنر ومهارت ومعرفت که این معنی ثبات عمومی است . مثلیکه میگوئیم فلان شخص صاحب صنعت است (ای صاحب مهارت ، صاحب معرفت کفش را قصد میکنیم) که اولی متعلق بمادیات و دومی متعلق بمعنویات داشته بمقابل آن در فرانسوی کلمه (میتیه) در مدیات و (آر) در معنویات مستعمل است .

وابنست باید برای آن اشیائیکه تعلق بهنر ، مهارت ومعرفت میگیرد ، مانند (رسم ، موسیقی ، هیکلتراشی ، معماری وادبیات) نام صنایع نفیسه وبعدا صاحبان آن ها اسم صنعتکار یاهنرور بمقابل کلمه فرانسوی (ارتیست) داده شود .

وهیجانات بدیعی که از تاثیرتماشای یک تابلوی زیبای مسرت بخش یایک لوحه خونین حزن انگیز اثریک رسامه ماهر ، یا از شنیدن یک جمله موزون بهجت افزا یاملال باریک نویسنده وغیره وغیره مفردات صنایع مستطرفه بمارودادمیشود را بدوقسمت (حظ بدیعی یا الم بدیعی) تقسیم میکنیم که درحقیقت مولد آن ، همان ذوق وظرافت ایست ، که برای بوجود اوردن آن قسماً فطری وقسماً اکتسابی صاحب یک مهارت شدن لازم می‌آید ، که انمهارت را صنعت یا (آر) می‌نامیم .

باقیدارد

قصیده

من نادل پرخون با اشک چو جیحون
با خاطر مجروح باقلب پراز حرمان
از قدرت اسکندر تا غیرت ایوبی
وز سطوت احمد شاه تادوره نادر خان
قانون بریطانیا را کون سوء الجیش
جمهوریت ترکی مشروطیت ایران
درمنطقه فکرم درجلوه که روحم
یکسر همه شدحاضر یک یک همه شدعریان
اجرام فلک یک سرا دادازمین یکجا
حلقه به برم بستند گشتند همه اعیان
درپاسخ من جستند یکرو به همه گفتند
از دست امان الله آن حیله گر نادان
آن کوعلماء را گشت برجامعه زد انگشت
بر فرق وطن زد مشت شد مدعی قرآن
آنکو دوسه چندی پیش ازجهل غرورخوان
پهلو زده بامیزه بامشتری و کیوان
سرمایه ملت را کز خون وطن شد جمع
وان پول که شد یکجا از آبله دهقان
برباد چو خاکش داد چون خاک بیادش داد
بگرفت وبه آتش داد درقلزم داتیکان
مستست همانا او کز خون وطن خورده
درعالم سرشاری یکجا دوصد استیکان
ازخون دل مظلوم وازاشک یتیم زار
در گوش ثریا کرد یکجا گهر غلطان
آواره ازوشد ملک افسرده ازوشد دهر
پژمرده ازو کشور سرگشته ازو افغان
نه هیئت کابینه یک دسته ستمگاری
کز ظلم بهم کردی صدخوانه پیک جولان
در آئینه عالم بارنگ سیه بنهاد
یک لکه تاریخی از مملکت افغان
اکنون که فلک لرزید بادهرزهم باشید
باخون وطن جوشید باغیرت افغانان
کاز فضل خداوندی از آب دم شمشیر
شد لوح وطن شسته از نام ستمگاران
هان ای وطن پرخون وی ساحرآتش گون
وی فرقه اهل دین وی حزب وطن‌خواهان
ایمن نتوان گشتن از حیله اهریمن
آسوده نباید بود از مکر وفن شیطان
ننگ است برداش خاست بر غیرت
غافل شدن از دشمن ایمن شدن ازعدوان
تاپرچم قدر ما درچرخ بچرخ آید
گردد ز فروغ ما گیتی همه نور افشان
درمهر که دشمن در روز نبرد تیغ
باید همه شد یکجا از بهر وطن قربان
درسلسله وحدت در زمره یک رنگی
یکسر همه باید بود چون رشته بهم پیچان
درمعرض جان بازی باشید چنان ثابت
کز هیبت تان لرزد وخود فلک لرزان
درسایه علم وفن بابازوی عرام تیغ
معمار وطن گردید ای اهل وطن الان
هرچند درین شیوه نبود بسی گریه
خاقان سخن سنجان برنام نوشیروان
زان پس شده لاهوتی درزیج کرمل دوش
بالهجه مخصوص ازجور وستم گریان
من نیز بعد زاری بافطرت پست خویش
ازخواهه فشاندم اشکی دوسه خون افشان

(اتفاق اسلام)

کاروان زرد
(۲)

معرفة الارض ، معرفت حیوانات اعصار اولیه با (تیلارد دوشاردن) است موسیو (ژوزف هاکن) مدیر موزه گیمه قسمت مطالعات آثار عتیقه را اداره می کند موسیو (الکساندر لاکوولت) که قطعات نقاشی عمده از مسافرت کاروان سیاه تهیه نموده بود وظیفه نقاشی هیئت را بدوش خود دارد .

هیئت علاوه بر این اشخاص مشتمل اعضای ذیل می باشد :

موسیو (گوردزر) ، منشی کل

موسیو (آندره سوواژ) کار کن سینما ، و (سپک) و (موریزه) معاونین کار کن سینما موسیو (آندره رمونه) طالم طاری دان .

و دکتور (دلا سنز) و دکتور (زور دان) و مستر میناورد اون ویلیمس که تنها شخص خارجی است ولیا بنده انجمن ملی جغرافیائی وشنگتن می باشد موسیو (ژورژ لوفور) : نویسنده و روزنامه نگار معروف .

موسیو (ژان بیتو) منشی

موسیو (ژردل) رئیس فنی و مدیر دار التجربه های کیمیاوی کارخانه های سیتروئن موسیو (موریس پنو) رئیس دسته میخانیک ها است که قبلا با لیاقت و زیرکی بی خود شده بزرگترین اشکالات مسافرت های افریقا را حل نموده اند این هیئت سرتا سر قطعه آسیا را از

بیروت الی پکن طی خواهد نمود بعد از چین شرقی و هند چین عبور نموده بطرف جنوب فرود آمده تا سیگون خواهد رسید زیرا که سیگون یک مستملکه فرانسوی است و موسیو هارت آنرا منزل مقصود آخرین خود قرار داده است همانطوری که در سفر صحرا اعظم تا قاری شرق فرانسه را و در مسافرت افریقا ماداگسکر را مقصد سفر قرار داده بود ـ نقشه اولی قرارش این بود که بعد از شام ، بین النهرین و ایران از قسمت جنوبی ترکستان روس بگذرند اما بواسطه اشکالاتی که از طرف حکومت شوروی پیش آمده ـ هیئت را مجبور ساخت که نقشه خود را تغییر بدهند یعنی بعد از ایران سفر خود را در خطه افغانی ادامه خواهند داد .

فلات پامیر که مقابل ایشان بارتفاع بالغ بر پنجهزار متر قیام دارد تخیلات های آن قلل صعب امروز ، گردنه های پر از برف موجود است . بطور متخصصین هیئت دقیقاً ملاحظه کردند که هیچ نوع اتوموبیلی قادر نیست از آنجا عبور نماید بدین واسطه دو موضوع تصمیم گرفته شد که تهیه و حفظ در آن هم ممزوج است یک دسته ۷ موتر با تهیه سامان سنگین خود در دریا سوار کشتی شده بعد بپکن عازم شده از آنجا تحت اداره صاحب منصب بحری (لمونان دورسو) (پونی) چین را از شرق به غرب تا فلات پامیر طی خواهند نمود و مقرر شده بود که در آنجا حتی لا امکان بیشتر بروند

در سوقت دسته اصلی تحت ریاست موسیو هارت خط بیروت الی پامیر را با او اتوموبیل های سبکتر طی میکنند . برای اینکه این دو دسته در زمانیکه از هم دورند ـ متمادیاً توسط تلگراف بی سیم مواصلات اساسی داشته باشند ترتیبات لازم گرفته شده است و هر دو دسته برای الحاق بهمدیگر سعی خواهند کرد اگر این مسئله موفق نشوند دسته هارت با وسائل ممکنه گردنه (واشیر) را عبور نموده بوسیله موتر های که توسط دسته (پونی) آورده شده براه خود خواهند رفت .

اتوموبیل های دسته پونی : اتوموبیل هائی است که چندی قبل در فابریکجات سیتروئن مذکور واقعه میدان ژاول (در فرانسه) بمعرض نمایش در آمده ووقتی جمهور فرانسه به بازدید آنها رفته بعد بطور امتحان در جنگل فونتن بلو گردش نموده در آنجا خیمه زدند خط مشی باز گشت هیئت از راه جنوب خواهد بود یعنی از کوچن چین کامبوج سیام ، هندوستان ، قسمت جنوبی افغانستان و ایران به همدان و از آنجا بخطی که موقع رفتن پیش گرفته بودند خواهند پیوست ـ در این مسافرت ظاهراً اشکالاتی مهمی در نظر نیست ـ این است که موسیو هارت نقشه مؤثر برای خود سنجیده که با مذاق سازنده جوئی و مخاطره طلبی او موافق است .

یعنی همینکه بروط خاله ساند از سند بطرف جنوب غربی متمایل شده به کراچی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 107 of 896

خواهد رفت و از آنجا به کشتی نشسته در ساحل شرقی عربستان پیاده خواهد شد و تمام عرض عربستان را از جنوب شرقی بشمال غربی در صحاری و بیابان های شن دار و ریگستان سوخته بی جاده و بی آب که تا این زمان ابداً اتوموبیل ازآن عبور نکرده است طی خواهد نمود درین حال موقع حیرت نیست که تبریک بگویم و از نیات ابتدائی این مسافرت مدت دو سال و نیم وقت گرفته است موانعی که حین عبور از فلوات آسیائی در پیش است خیلی مشکل تر از موانع و سدود عبور افریقا می باشد - بدواً و فد مذکور استمزاجاً بتوسط وزارت امور خارجه از ممالک تحت الحمایه یعنی شام فرانسه تحصیل و بعد از سلاطین ایران و همچنان حکومت ها و حکومت افغانستان اجازه بگیرد - در حین علاوه به استحصال اجازه و تقویت حکومت مرکزی لازم بود احتیاطاً که از حکمران های مخصوصه ایالات و صاحب نفوذان هم با شود - پس هیئت مذکور از هر یک حکام مربوط خواهش اجازه نمود و هم مشکل بود زیرا درین موقعی که چین در جنوب وضعیت اغتشاشات سیاسی است که هر لحظه سیاست این ممالک وضع را متغیر میسازد - مشکل تر از اجازه های سیاسی فوق الذکر ، مسئله تدارک ذخیره بنزین و روغن بود - برای این امر مراکز و کارخانجات خصوصی در تمام خیط واقعه افغانستان وجنوب تهیه نموده و بلوچستان .

(بقیه صفحه ۲)

معرفت و وحدت ملی

آنها ذکر نموده اند طبیعی و ابراز نموده و یک دقیقه از طرفداری و تائید آن فروگذاشت نکرده اند - و این نشان می دهد که دین در بین انسان چطور یک حاکمیت و تسلطی دارد .

مگر با وجودیکه در تمام افغانستان دین مقدس اسلام حکمفرما است و بجز طائفه قلیلی از هنود ایهودی که در نقاط مختلفه مملکت ما اقامت دارند دیگر همه مسلمان و پیرو شریعت شریفه محمدی (ص) میباشیم ، وحدت ملی به درجهٔ که مطلوب است تکمیل نموده است ، پس مجبور اینکه بگوئیم وحدت ملی را اشتباهاً دیگر به کلی برای این عدم کمال وحدت مذکور واعده تحقیق و تدقیق ما در اطراف آن وجوه خواهد داشت .

شک نیست بسیار چیزها است که برای وحدت ملی لازم است و ما فاقد آن میباشیم مثلاً وحدت زبان و یک طرق و مواصل وغیره مگر این نمیتوان انکار نمود که هیچ کدام این چیزها به اندازهٔ دیانت در آن معامله اجرای تاثیر نموده نمی‌تواند ، و تاثیر دیانت که انسان را باعواطف بلند تر ازین عالم موجوده آشنا ساخته رشتهٔ وحدت و اتفاق پیروان و معتقدین خود را تابه ابد دراز و مسلسل میسازد ، وازین دنیای موجوده نیز پیش تر می برد . خیلی بالاتر ازین امور است .

وازین همه در جنب دیانت که در بین انسانها علاقهٔ قلبی وروحی تولید می کند هیچ اهمیتی ندارد .

پس ازین که ثابت گردید که بزرگ ترین و مهم ترین عوامل وحدت ملی را دارا می باشیم ، می توانیم بکمال صحت بگوئیم که علت عدم توسع و انتشار وحدت ملی عبارت از همین است که نتوانسته ایم آنرا بشناسیم وهنوز دماغ ها و افکار ما یک نوع وضعیت پیدا ننموده است و نتوانسته ایم قسمیکه آنرا بجسان معرفت بشناسیم که اهمیت خوردن غذا یا تنفس را برای زندگانی و حیات خود میدانیم

پس اگر می خواهیم حیات با سعادت و شرف در حرکت عالم داشته باشیم ونخواهیم وحدت ملی را به معنی صحیح آن حاصل نموده از مزایای آن استفاده کنیم لازم است از همه اولتر سعی کنیم که آنرا بشناسیم ، و در نزد خود اثبات کنیم که در زمرهٔ احتیاجات دیگری که برای موجودیت ملی خود داریم یک محتاج به یک ضروری که از داشتن آن ناگزیریم وحدت ملی است ..

(۰۰۰)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 108 of 896

تتبعات ادبی :

درهای یتیم

(٥)

۲۷ ــ دیوان مهردلخان مرحوم که از سرداران بزرگ و نامدار قندهار و مخصوصاً در جهان فضل و ادبیات سر آمد عصر و مقتدر روزگار خود است علاوه بر طبع خدا داد ازصنایع ظریفه و جمیله دیگر مانند نقاشی (به طرز کلاسیک) تذهیب کاری ، خاتم بندی ، میناتوری خوش نویسی از قبیل ثلث ، غبار ، معقلی ، نسخ ، تا شکست ، ریحانی ، نستعلیق وغیره حصهٔ مستوفائی داشته است دیوان سردار مرحوم از قیمت دار ترین دواوین شعرای است زیرا اشعار تر و مضامین بلند او پهلو میزند با نوابغ شعر برای اینکه طبع و قادان سردار مرحوم پوشیده نماند این مقطع معروف آن را بدست خوانده داده مشت نمونهٔ خروار میگوئیم :

شهره گشتن به جهان غیر بدنامی نیست
مهردل کاشکی نامت ننگین بر دارند

دیوان سردار بخط خود آن مرحوم موجود ومتعلق است باقای احمد خان مترجم لسان روسی وزارت جلیله خارجه وبعضی اشعار شان متفرقاً در دوره‌های سراج الاخبار نیز انتشار یافته است .

۲۸ ــ دیوان عزیز اثر سردار محمد عزیز خان مرحوم پسر سردار شمس الدین خان که شاعر معنی پیک شاعر شیرین زبان پارسی ومشوق شعرا وادبای زمان خود بوده لذا اکثراً منزل شان محفل شعرا و انجمن ادبا بوده معناً ومادتاً باین فرقه مراتی های عالی جنابانه کرده اند و کتاب های غیر معروف وکم شدهٔ از شعرا وادبای این وطن را بدست آورده برای صحت واستنساخ آن ها رنج های فراوان برده با نهایت زیبائی وسترگی از خود بیاد گار گذاشته اند حتی قسمت بزرگ نسخ تاریخی موزیم ما از کتابخانه سردار مرحوم بوده است . از جملهٔ کتاب های ترتیب شده آن مرحوم دیوان حضرت میرزا بیدل است که تقریباً چهار برابر غزلیات حاضره کلیات وغیره نسخ قلمی غزلیات نو وتازهٔ دارد این دیوان نفیس بیک شیوه نهایت مرغوب ودلپسند نوشته شده با جداول طلا وافشان های زر کوب ونقره کوب که باصطلاح شیر وشکر است وآن اسطور های لاجورد وسر لوحه های شنجرف ورقهٔ تنگ وطلائی شیرازه وتجلید گردیده گویا عروس دواوین شعری گشته است صفحه اخر کتاب نشان میدهد که به تسبیح انجمن ادبی آن عهد که ارکان مهم آن طرزی الفت و حشت ، حیرت ، وخود سردار مرحوم است نیز رسیده بلکه طلا کاریهای کتاب با جداول ونقوش آن از طرزي مرحوم است این کتاب نفیس ومجلل از کتاب هاي نهایت عزیز ومعتبر نایب السلطنه مرحوم بوده است که بعد از وفات سردار محمد عزیز خان مرحوم بدست اورده بود اند خوشبختانه این گنج طلا اکنون هم موجود وتعلق دارد باقای قسقیر محمد خان رئیس شرکت اصلاح که ازیک نفري خبر به ۳۰۰ روپیه خریده اند دیوان خود سردار مرحوم نیز موجود ومتعلق است به جناب جرنیل عبد الرحیم خان .

۲۹ ــ دیوان احمد اثر سردار احمد خان پسر امیر کبیر امیر دوست محمد خان که داراي ذوق رسا ووافر بحهٔ سرشار بوده واز خوش نویسان عهد خود شمار رفته است سردار مرحوم اکثر کتاب هاي صوفیه کرام را بخط خود رقم نموده اند واز ذوق لطیفي که داشته اند مرقعات وقطعات عجیبهٔ ازخطاطان معروف ونامور دنیاي اسلام را بدست اورده تقریباً یک موزه خصوصي وخانگي ازین اثار جمیله وصنایع ظریفه تشکیل داده بودند اکثر قطعات آن بدست اعلیحضرت شهید ونایب السلطنه مرحوم افتاد دیوان خود سردار مرحوم که نماینده دوصنعت نفیس شان بود یعني زادهٔ فکر که شعر وزادهٔ کلکک که خط خوش باشد تعلق داشت بنایب السلطنه مرحوم .

۳۰ ــ دیوان تاجر اثر مولوي احمد جان خان الکوزائي که یکي از رجال معروف وکار دان عصر خود چه در تحریرات دفتري وچه در امورات کشوري بوده است تاجر صاحب دیوان وقصاید نهایت بلند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 109 of 896

وقیمت دار تاریخي است مخصوصاً واقعه جنگ میوند وجنگ آسماي وشیر پور کابل را بي کم و کاست مانند یک عکس یک عکس میدان جنگ عکس گرفته با الفاظ خیلي ها روشن وجاندار وترا کیب برجسته ورسا درمعرض چشم میگذارد واز نازک ترین دقایق ان مواقع اغماض نمي کند عریضه اهالي قندهار را بعد از واقعه سردار محمد ایوب خان بیک آب وتابي منظوم نموده تقدیم دربار اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان نمود ومورد قبول آن شاه گردید تاجر اغلباً درعالم مطبوعات سرو کار داشته ورا کثر کتاب هاي که یادگار سلطنت اعلحضرت عبد الرحمن خان است تقریظ ویا مقدمه وخاتمه کتاب ها بقلم اوست دیوان عاشیه دراني تا ما یه اهتمام ایشان با مقدمة وخاتمه ان از مطبع سلطنتي خارج گردیده است دیوان تاجر که تاریخي ترین آثار شعراي ماست وبکتفصل تاریخ روشن ملک ما را دربر گرفته موجود وتعلق دارد باقاي عبدالرشید خان حاکم کلان سابق پشت رود .

۳۱ — هم چنان پسر ایشان مولوي محمد سرور خان یکي از فضلاي عصر خود بوده وعمر خود را به تدریس فارسي وعربي طلاب ومتعلمين طي نموده ودرعين حال درين دولسان تالیفاتي قابل قدري هم نموده اند و گاه گاه شعر هم مي سروده لیکن اشعار شان تماماً بر محور اتباء محیط وجذبات اسلامي وحب الوطني چرخ میخورد چنانچه مسدس مدوجزر شان که باستقبال مدوجزر مولانا عبد الله امرتسري سروده اند درشماره هاي معرف معارف انتشار گردیده است وقسمت اشعار شان هم موجود وتعلق دارد باقاي عبدالرشید خان .

۳۲ — دیوان حیرت از منشي محمد ابراهیم خان که ازد بیران ومنشیان دربار اعلیحضرت امیر شیر علیخان مرحوم ودرعین حال شاعر قصیده سرا وصنعت کار دربار امیر مذکور وامیر عبد الرحمن مرحوم بوده است ودرمقابل مدایح وقصاید درباري وصنایع نظمي ونثري خود از قبیل نثر منقوط وغیر منقوط ونظم رقطا وخیفا وترصیع وتوشیع وغیره صلات وجوایز زیادي ازان دوشهریار دریافته است دیوان حیرت که مملو از صنایع لفظ است تعلق داشت بمیر زمان الدین خان مرحوم .

۳۳ — دیوان مخلص از میرزا محمد یعقوب خان خوش نویس اعلیحضرت شهید که درشعر مخلص تخلص داشته است مخلص از زمان سرداري اعلیحضرت شهید ملتزم رکاب ومحفل شان بوده تازمان اواسط سلطنت شان که وفات اوست عهده خوش نویسي و کتاب خاني محفل شاهانه را داشته است وا کثر کتاب هاي متقدمین ومتاخرین را ازقبیل اندرز ومناجات حضرت خواجه انصار وتذکرة اولیا حضرت شیخ عطار وحدیقة حضرت سناي و گلستان حضرت سعدي ودیوان خواجه شیراز وغیره را بخط جواهر رقم خود بامر وفرمایش اعلیحضرت شهید رقم نموده است وضمناً قصاید مدیحه آمیز هم گاه وبیگاه دروصف شکار ها وروئت هلال ها وامدن ماهاي صیام واعیاد رسمي وملي وسالگره خود شاه شهید وشهزاد گگان ان عهد را برشته نظم در اورده است . دیوان کامل مخلص که بخط مشکین قلمش رقم یافته بود یاد گاراً بمیر زمان الدین خان مرحوم اهدا کرده بود وبنده ۱۲ سال قبل برین از نزد ان مرحوم براي مطالعه گرفته وپس ازمطالعه واپس فرستادم . اکنون نمي دانم چه شد ؟ .

۳۴ — دیوان شامل که معاصر باحیرت ومخلص بوده وا کثراً مراثي تعل بیت وقصاید درمنقبت دود مان حضرت رسول (ص) سروده اند دیوان شامل موجود وتعلق دارد به پسر ایشان میگویند دریکي از روزهاي بهار کابل که زیباترین فصول ان است دریکي از باغات پر گل وشگوفه کابل این شعراي معاصر که حیرت مخلص وشامل وسهیل باشند مېله داشته اند درحین خوردن قیاق چاي طرح زمینه ذیل را نموده هر یک را بمشاعره دعوت کرده اند اولاً حیرت این فرد را بداهتاً سروده اشت .

باقیدارد

(سرور گویا) .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 110 of 896

خبرهاي داخلي

ورود

آقای محترم سید عبدالله خان مدیر دول شرق وزارت خارجه که از بدو سلطنت اعلیحضرت غازی بطرف مزار و میمنه و هرات بماموریت هامو٘ظف بودند و در هفته گذشته مع الخیر و العافیه وارد کابل گردیده ، بپست سابق خودرا اشغال نمودند . این هم نا گفته نماند که مجموع مسافه طی کرده گی شان (بذرائع مختلفه مثل اسپ ، موتر ، طیاره) بالغ به پنجهزار و بعضا کمروه (زیاده از ٤٥٠٠ کیلو متر) می شود .

ورود وکیل حج

اعلیحضرت

جناب حاجی نواب خان صاحب وکیل حج اعلیحضرت غازی دروز یکشنبه (قریب نماز شام) از راه هند وارد کابل گردیدند .

کاروان ورود

کاروان ورود که در شماره قبل از ان شماره از اهمیت عالی و تشکل و ورود عراء آن مفصلاً متذکر شدیم ، ۳ حوت ۱۳۱۰ وارد اسلام قلعه (افغانستان) گردیده ، و مسافرت مهم خودها الانه وادیه اند ، و عنقریب وارد کابل خواهند گردید .

وكلاي شوراي ملي

درین اواخر ۷۰ نفر از وکلای محترم منتخبه شورای ملی وارد کابل گردیده وکالت نامه های خودرا به دائره تحریرات شورای ملی سپرده اند که اسامی شان را ذیلاً نشر می کنیم . باقی ۳٦ نفر دیگر در شرف ورودند ، و عنقریب خواهند رسید .

۱ ــ وکلای مربوط ولایت کابل

۱) عالیجاه جمعه خان ولد شاه جهان خان حکومتی میدان

۲) محمد رحیم خان ملنگ عباس خان از حوزه لکان

۳) سید غلام رضا خان سید حسین رضا خان دایزنگی و دایکندی

٤) غلام حیدر خان عطا محمد خان حکومتی نجراب

٥) عبد الستار خان عبد الله خان چاریکار ــ حکومت مرکزی شمالی

٦) حاجی ایشان خان خان عزیز احمد خان پروان زاده ... ومحمد عمر

۷) عبد الرؤف خان گل احمد خان حکومتی وزه کوهستان

۸) میرزا عبد الغفور خان میرزا محمد ... حکومتی جبل السراج

۹) حاجی محمد شریف خان عبد الحمید خان حکومتی پغمان

۱۰) شهاب الدین خان مهر دل خان حکومتی غزنی و مربوطات آن

۱۱) سید محمد حسن خان سید محمد حسین خان حکومتی میدان

۱۲) حاجی سیف الدین خان ملا شیردل خان سیاه شنگ علاقه داری های مربوط

۱۳) عبد القیوم خان عبد الاحد خان حکومتی وردک

۱٤) فقیر محمد خان قاضی میر آدم خان حکومتی غوربند

۱٥) عبد الاحد خان قاضی غلام جان خان مرکز شهر کابل

۱٦) غلام محی الدین خان غلام النقشبند خان مرکز شهر کابل

۱۷) میر محمد علیخان سید دانا خان حکومتی بهسود هزاره جات

۱۸) سید شاه میر حسین خان سید شاه محمد خان حکومتی بیکار لنگ

۲ ــ قندهار

۱) محمد شریف خان محمد صدیق خان حکومتی قلات

۲) عبد الصمد خان حاجی غلام محمد خان علاقه داری های مربوطه مرکز قندهار

۳) محمد امین خان حاجی خدا داد خان حکومت ارزگان و طرف اعلی مرکز و علاقه داریهای مربوطه آن

٤) حاجی میر حسن خان ملا داد شاه خان حکومتی گیزاب

٥) محمد شاه خان محمد حسن خان حکومتی ارغستان

٦) غلام دستگیر خان پاینده محمد خان حکومتی زرنج ، علاقه ، موزان

۷) حاجی عبد العزیز خان عبد الحکیم خان حکومتی گرمسیر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 111 of 896

۸) نسظر محمد خان خدا رحیم خان
کدك نخود

۹) قاضی محمد عثمان خان عبد الله خان
وکیل اهالی دهله ولایت قندهار

۱۰) عبد الرزاق خان نیك محمد خان
حکومت زمین داور و مربوطات آن

۱۱) عبدالعزیز خان میرزا محمدعثمان خان
مرکز شهر قندهار

۱۲) محمد فاضل خان پیر دوست خان
حکومت گرشك

۱۳) محمد شاه خان حاجی جان خان
حکومتی کدنی

۳ — حکومت اعلی مشرقی

۱) ملاعبد المنان خان غلام سرور خان
حکومت دره پیچ

۲) عبد الغفار خان محمد فقیر خان
حکومت دره سین اسپار (مرکز)

۳) عبد الحلیم خان عبد حمید خان
شهر جلال آباد

٤) ملك عبد الرسول خان ملك
عبد الصمد خان حکومت سرخ رود

۵) میان عبد الرحیم خان میان شجاع
الدوله خان حکومت کامه

۶) ملامیر گل خان ملاحبیب آخوند زاده
حکومت رودات

۷) میرزا محمد خان محمد عباس خان
حکومت خوگیانی

۸) ملا عبد الخالق خان ملا جان خان
حکومتی کلان کنر (مرکز)

۹) عبد الله خان غلام جان خان
حکومتی مومن دره

۱۰) دین محمد خان محمد شاه خان
وکیل اهالی حصارك غلجائی

۱۱) محمد عظیم خان ملا شیر دل خان
آخوند زاده حکومتی کنر خاص
کور کنر مشرقی

۱۲) میر زاده خان میر پاد شا خان
وکیل اهالی شنوار (حکومتی)

۱۳) عبد الله خان عبد الغیاث خان
حکومتی لغمان

٤ — حکومت سمت جنوبی

۱) سید نادر شاه خان سید گلاب شاه خان
مرکز گردیز

۲) سید رحیم خان سید کریم خان
حکومتی اعلای جنوبی مرکز
خوست ملتون واسما ئیل خیل

۳) صاحب جان خان شیر جان خان
حکومتی خوست : قوم صبری و
شمل و کریز وزی زنی وغیره

٤) خیر محمد خان وکیل اهالی زرمت

۵) گل محمد خان میر احمد خان
حکومتی ارگون

۶) حبیب خان عبد الکریم خان
کتواز تعلقه حکومت ارگون

۵ — حکومت اعلی فراه

۱) محمد اعظم خان محمد عمر خان
مرکز فراه وعلاقه داری های مربوطه آن

۲) عبد الاحد خان پیر محمد خان
وکیل شهر فراه وعلاقه داری های
مربوطه آن

۶ — حکومت اعلی میمنه

۱) میرزا عزت الله خان ملادولت بای
مرکز حکومت اعلی میمنه

۲) میرزا محمد ابراهیم خان حاجی توجه بای
علاقه داری های مربوطه مرکز

۳) میرزا قهرمان خان ملاهریم قل بای
حکومت قیصار

٤) حاجی سلیمان قل خان اباز قل خان
حکومت درزاب وگرزیوان

۵) ملامحمد یعقوب خان ملا گلند بای
حکومت اندخوی

۷ — مزار شریف

۱) عبدالکریم خان حاجی عبدالله خان بای
مرکز شهر مزار شریف

۲) ملاحیدر قل خان محمد قاسم خان
حکومتی سنگ چارك

۳) محمد شریف خان شید مراد خان
حکومت آقچه

٤) قاری عبدالصمد خان ملاخضر قل خان
حکومت شبرغان

۵) ملامحمد امین خان حاجی طوربیك خان
حکومت بلخ

۶) حاجی ملا محمد ناصر خان ملامحمد
رسول خان حکومت تاشقرغان

۷) میرزا محمد یعقوب خان میرزا شیر محمد خان
حکومت ایبك

۸) میرزا محمد قاسم خان غلام حسین خان
علاقه داری های مربوطه شهر
مزار شریف

۹) ملا قربان بای پاه خان بای
حکومت دولت آباد

۱۰) غلام علی خان محمد علی خان
حکومت دره صوف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 112 of 896

۸ — قطغن وبدخشان

۱) شاه عبدالمجید خان   شاه عزت الله خان
شهر فیض آباد حکومت کلان فیض
آباد و من بوطات آن

۲) حاجی محمد اکرم خان   امام علی خان
حکومت تیور بن

۳) شیرین بیک خان   محمد شکور خان
حکومت کشم ودرائم .

خبر هاي خارجي

رئیس جمهور فرانسه

ورسای — موسیو پول دومر رئیس مجلس اعیان به ریاست جمهور فرانسه انتخاب گردید .

لندن ـ قسطنطنیه

کپطان ستیک که ازمیدان طیارهٔ باهیجین در وقت فجر روانه شده است که باستریلیا پرواز واز انجا باز عودت نماید روزشنبه بساعت (۹) شب وارد قسطنطنیه شد واین اولین مرتبه است که مسافت بین انگلستان وقسطنطنیه دریک روز طی شده است .

نیوه زیل ـ ستیک پرواز انگلستان استریلیا را ترک گفته است صبح روز دوشنبهٔ از قسطنطنیه روانه گردیده ودر میان شب به حلب رسید این مسافه را به چاردهٔ وسه ربع ساعت قطع نمود واین میعار جدید مسابقه است .

در چین

کروزر برطانوی موسوم به وند کیتو به طرف نانکنگ حرکت میکند چه درانجا مذاکرات راجعه بالغای قضاوت قونسلها به سکته دوچار گردیده است نامه نگار ریوتر متعینهٔ نانکنگ می نویسد که حکومت چین راجع به مسایل قانونی نظام هاي جديدي اصدار نموده است دران خارجي هائيكه درچين سا كنند شامل میباشد . نظامات مذکور خارجی ها را به صورت آن اشخاص تعریف می نماید که به فرقه ها تعلق داشتند که بتاریخ سی ویکم دسمبر ۱۹۲۹ درچین دارای حقوق قضاوت قونسل بودند واین چنین اشخاص بعد از ۳۰ اکتوبر ۱۹۳۱ درتحت قضاوت محاکم چین خواهند بود مگر محاکم مخصوص برای مسائل جنائی وملکی که دران خارجی ها نیز شاملند درنقاط مخصوص مانند شنگهای تینسین ، مکدن و کین ترنا سیس خواهد گردید .

رئیس جمهور

تلگرام انگوره مظهر است که برای مرتبه چارم غازی مصطفی کال پاد شا رئیس جمهور ترکیه انتخاب گردیده است .

سقوط طیارهٔ

ریوتر ۸ می

طیاره ران برطانوی افسر پرواز ویکهام که در ۱۹۲۹ انعام شنا نیدر را برده بود صبح روز پنجشنبه درانر زخمهائیکه در نتیجه شکستن طیارهٔ خود درعین پرواز با مستر طیاره ران در فارن برو بر داشته بود فوت نموده طیارهٔ مذکور در بین طوفان باد شکسته بود و هر دو طیاره ران بذریعه پارا شوت خود را انداختند و نیم میل راه از طیاره دور رفته افتادند و زخم بر داشتند .

ریوتر ۸ می

در دار العلوم قرائت اول پیشنهاد مالیه که حاوی محصول زمین بود ـ به بود صورت گرفت .

تلگرام کیب تون مظهر است که از وان ویین تا نال راپورت می نمایند طیارهٔ که در آن قوماندان گلن کدسطون (که چند هفته قبل از انگلستان به کیب تون به شش ونیم روز پرواز مسابقی را اجرء نموده بود) ورای گلیسکون پرواز می نمودند افتاد وهر دونفربه قتل رسید . ظاهراً ایشان در بین طوفان باد وار های غلیظ وغبار پرواز می نمودند ودفعتاً به قله کوه های متصادم شدند .

زلزله

قرار اطلاع ولنگتن درشب پنجشنبه زیاده از یك صد جنبش زلزله در ایالت خلیج هوللد و خلیج پوورتی واقع گردیده واکثر ساکنین شهرهای زمین اوت و جنوب گزیون خانه های خود را گذاشته اند و بسیاری از عمارات که بعد از زلزله گذشته ساخته شده بود خراب شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 113 of 896

مؤلف : لمبلا تیوفرانسوی (۴) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

(ناول)

فصل دوم

(سقوط تویلری)

شبی که فردای آن دهم اگست طلوع میکرد بلی شب خیلی صاف ودرخشنده گی ستاره گـان در دلها فرحت و انبساط تولید می‌نمود . تانصف شب مهتاب رو شنی خفیف پـکه خودش را برشهر که زیر پرتو آن باسکونت شب آرام وسا کن بنظر می‌آمد نثار می‌کرد . ولی درحقیقت چنین نبود زیرا از دوهفته باین طـرف پاریس متهیج وآماده کار زار بود .

از همان شبیکه « له فیبور » کاترین او قصاره را درو وکـال دیده بود ، پایتخت مرکز واجتماع فرقه های انقلابی ومامن دسته غوغا جیان شده مانده بود . قصر وهم اهالی برای آن مجادلهٔ اکبر ـ آنروز بزرگی که میشر فتح انقلاب وتاسیس جمهوریت بود ـ آماده می شدند .

تام نصف شب که ساعت های پاریس دوازده بار در آرامی شب طنین انداخته خاتمه روزنهم وشروع روز دهم را باهالی منتظر اعلان نمـودند در هرحصهٔ شهر جنبش شروع گردید . قاصدان جهـل وهفت احزاب مختلف که الغـای سلطنت را بیك زبان مطالبه میکردند بخاموشی در تردد بوده ودر مقـابـل هر در وازه ایستاده می گفتند : « بهشنیدن اولین صدای ناقوس وتنبور سلاح بدست داشته حاضر شوید ! »

قریب ساعت یك شب بود زنگ های مرکز احتیاطیهٔ « سنت ژرمن » که اشارهٔ قتل عام سنت (بار تلمیر) را عیناً دوصد سال قبـل داده بود ، باهنگ مرگ سلطنت والغای استبداد بصدا در آمدند .

با این طنین سهمگین آواز تنبور که از دور انقلابیون را بسلاح دعوت می نمود ، ازداد شد ومعلوم گردید که پاریس ازخواب بیدار واسلحه بدست دارد .

کوچه ها بصدای شمشیر ها ونیزه ها که ازدست صاحبان بی تجربهٔ شان رمین میافتادند وکشیدن بعضی ازماشه های زنگ آلود که اهالی بعد از سالهای درازی » استعمال آن مجبور شده بودند ، منعکس میگردد .

خانه هـای اطراف (تویلری) پرده های دریچه های خود شان را کشیده منتظر تماشای هجوم برقصر شاهی بودند . مادموازل سان ژن هم که درهمین حصه شهر سکونت داشت ، ازیك غرفه اش را کشاده وسری به بیرون زد ، ازهم سایه گان دیگر خودش عقب نه می‌ماند . کوچه (رو بال) که دوکانش درآنجا واقع بود ، هنوز از مترددین خالی بنظر می‌آمد .

کاترین ازهرکس زیاد تری صبرونگران معلوم می‌شد . این اضطراب اوتنهـا واسطه تماشای انقلابیـون که از مقابل دریچه اش می گذشتند نبود بلکه یك مسئله مهم دیگر باعث هیجان او شده مانده بود .

بعد از شب رقص در (ووکـسال) سارجن له فیبور را اکثراً دیده وعلاوه ازیك دفعه کرد چون بارادات خودش اقرار به خرج داده است ، ولی کاترین در مقـابل حملات جسورانهٔ او خود را بکمال متانت مدافعه کرده تا که سارجن محوعشق ومحبت گردیده تجویز زنا شو هری را باو تقدیم داشته است . کاترین که بکمال اشتیاق منتظر این اشارت بود بکمال ممنونیت تجویز اورا بذیرفته و تبسم کنان گفته است .

« برای تهیهٔ لوازم خانه داری پول کافی ندارم ، اگرچه من دکان رخت شوئی دارم ولی درین اوقات مشتریان همه بدمعامله وبازار کساد است . »

له فیبور : « من هم اگرچه منصبی دارم ولی تنخواه باعث انقلاب وصول نه می شود . . »

کاترین : این چیز ها چندان اهمیت ندارد ، ماجوان هستیم ویکدیگر خود را دوست داریم و استقبال مشعشعی درپیش روی ماست . آیا قلین بمن وعدهٔ دوشی را نکرده است ؟ »

له فیبور : « به من هم نگفت که جنرال خواهی شد ؟ » کاترین : ـ مگر او لتر از آن گفت « زنی را که دوست میداری عقد خواهی کرد . »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 114 of 896

لەفیور : ـ پس بیا که این پیش بینی او را ازقوه به فعل بیاوریم ، وبالنصورت چیز های دیگری که وعده نموده است یکسان یکسان بدست بیاوریم .

کارین : ـ مگر همین دم ممکن نیست که ازدواج ما صورت بگیرد ، اول باید این جنگ باخر برسد ! .

لەفیور : ـ پس بهتر است تاریخی را برای عقد نکاح منتخب کنیم .

کارین : ـ سقوط استبداد وقیام انقلاب کافی است .

لەفیور : ـ آه ! چه یک روز نیک بخت ومیمونی خواهد بود ؟ این را گفته وآستین دست راست خودش را بالا برده صدا زد : « کارین ، ببین که من مستبدین را چقدر نفرت می کنم ! »

کارین بکمال تعجب در بازوی راست اورسم دو شمشیر متقاطع ویک سر در حالت احتراق را که تازه خال زده شده بود دید که ازوزیر آن این عبارت نوشته بود :

مرگ بر همه مستبدان

کارین : ـ برای نجات وطن پرستی نامزد خودرا ازین یک علامه مقدس بهتر چیزی نیست .

لەفیور : ـ چند روز بعد یکی دیگر از بزرگ بهتر نیشانش خواهم داد .

کارین : چه خواهد بود ؟

لەفیور : ـ « تحفه عروسیم » .

بعد ازین ملاقات هر وقتیکه لەفیور از فراغت قصر عبور می نمود ، دیدن مخصوص از نامزدش می نمود ، ولی از عروسی صحبتی به میان نمی آوردند وخیال می کردند که سقوط استبداد وقت زیادی بکار خواهد داشت .

ازین باعث بود که کارین هم به حیث یک وطن خواه وهم بمنزله یک عروس طلوع روز دهم زیاد از هر کسی نگران می بود .

آواز های مخوف ناقوس در فضای تیره ٔ شب ممتد وزنگ های مزمزه در گوش اسیران (قصر توپلری) میرسید ولی قصاره ٔ کوچه (روبال) آنها را زنگ بشارت عروسی خودش تصور می نمود ، وصبح از خواب دست کشیده منتظر دمیدن شفق صبح وطلوع شمس نشست . هنوز آفتاب برقله (تورلام) روشنی نینداخته بود که دریچه خودش را کشاده منتظر شنیدن صدای خوش تسخیر قصر (توپلری) ایستاد .

صدای باز شدن غرفه کارین همه یکبار دیگر یکی بعد دیگری بدهن دروازه های خود شان ظاهر شدند .

یکی از آنها پرسید : ـ « مادمازل سابق ترین چه خبر است ، کارین : من هم منتظرم ، چیزی نشنیدم ولی ... چیزی نیست » .

درین اثنا سواری در کوچه ظاهر شد که بکمال تعجیل بطرف کارین میامد . کارین دیدن لەفیور صدا زد : « لەفیور کسی که به هر چیز اخبار خواهد گفت میرسد » .

لەفیور تفنگ خودش را در زمین نهاده وکارین را بکمال حرارت در آغوش کشیده ودر حالیکه بشدت نفس میزد گفت : « آه کارین عزیزم ، چقدر ممنونم که ترا بار دیگر می بینم . همه چیزها اطمینان بخش وبه ام وطن پرستانست . امروز ضرور نتیجه ظاهر می شود ، هورا برای خلق . »

همسایگان اطراف لەفیور وکارین را گرفته شروع باستفسار نمودند .

لەفیور نشانهٔ اعلامی را میخواست به جمهور بخواند وصحبت مثبتی به خود گرفته گفت :

« شما باید بدانید ؟ که سوء قصدی از خلاف والی بزرگ ما (پی اون) در قصر توپلری روا است .

شنیدن این خبر همهمه غضب در بین شنوندگان پیدا شد :

کارین از همه پیش تر به سخن آمده گفت : مگر من فهمیده نتوانستم که والی در قصر چه میخواست ؟

« چرا ؟ او را قسم کرده گان در انجا باز داشته اند ، میگویند وصحبت قصر کاملاً تبدیل شده ، بیك قلعه مستحکمی تحویل یافته است تمام درها ودریچه ها مسدود ومستحکم شده اند . گارد های سویس نامدار تاریخ وآن قاتلان مشهور (شوالیه های دیگر) با آنها متحد شده است ، این شوالیه های دیگر با خاصان کلاکه ، کشتن هر یك از وطن خواهان قسم یاد کرده اند ! گر یکی از آنها را در اثنای ۲۴ ساعت بدست اورده بتوانم مسعود ترین اشخاص خواهم بود »

(باقیدارد)

(مطبعه تیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 115 of 896

احمد شاه

تاجر ماشین ها و عموم لوازم علمی و فنی

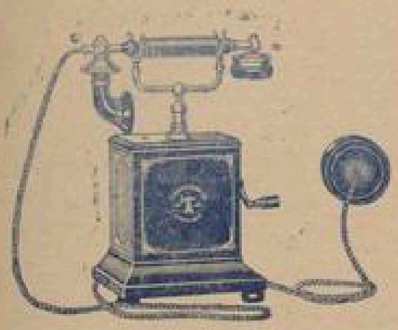

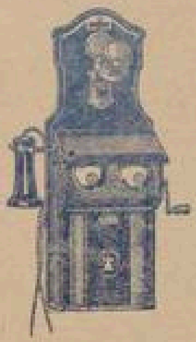

تیلفونهای اریکسون

اریکسون فابریکه است که در سنه ۱۸۷۶ تقریباً در تاریخ اختراع تیلفون تاسیس شده و اکنون در اکثر ممالک دنیا قریب پنجاه فابریکه بزرگ بنام اریکسون وجود دارد که سامان تیلفون و تلغراف جدید ترین سیستم ها را می سازند فابریکه مرکزی اریکسون در ستاک هالم (سویدن) و شعبات او علیحده فابریکه ها نیست در فرانسه انگلستان لهستان ، اسپانیا استریا چکوسلاواکیا هالیند هنگری ـ ایطالیا پولاند و علاوتاً تقریب پنجاه نماینده گی در ممالک بزرگ دنیا دارد .

فراموش نشود که احمد شاه تاجر هم نماینده گی فابریک اریکسون را دارا است و بهترین سیستم تیلفون های دنیا را با لوازم مکمل آن مناسبترین قیمتی به طالبین فروخته و رضایت مشتریان را از همه جهت فراهم خواهد آورد خواهشمندان و طالبین اینگونه تیلفون ها و غیره سامان آن بتجارت خانه او که واقع بازار جنوبی ارک کابل است رجوع خواهند فرمود .

انیس

جریده ملی

﴿قیمت اشتراک﴾

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	[illegible] «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 118 of 896

شماره (۷)

انیس

سال (۵)

اشتراک سالانه ۱۲ [illegible]
محصول پوست ۲ ۰
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : [illegible] ارک
مؤسس ونگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱۸ جوزا ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۰ محرم ۱۳۵۰

مسئولیت درکار !

باینکه نه می توان انکار نمود ، ه انسان در اوساعی خود ودر سایهٔ اشتاق ناطق وعرفان باندزه رسیده توانسته است که بداند وظیفه جیست ووظائف واکه حیات واسرار زندگی در جامعه بشر بر او تحمیل می نماید کدام است . معبطاً نمی شود بگوئیم که همین قدر برای بودن انسان راه وسعت کمات بکند ودر کار ایفای وظائف ان محرک کامل شده می تواند

واقعاً اگر چنین می بود پرسی و جون ، تفتیش وتحقیق ، وسوال وجواب به کلی از بین برخواسته ، هیچ کس نمی توانست از کسی در باب امور حیاتی سوالی کند وبك هیئت حاکمه برای سرکیری ومنع اقدامات مخالف مسئولیت حیاتی افراد وجود نمی داشت وبالمقابل هیئت حاکمه در دنیا در نزد ملت نه سوالی از صور مسئول واقع نه برشد . شاید اگر دقت کنیم همین مسئله که هیچ کسانیك ملت ومملکت در تحت اداره یك هیئت حاکمه مطلق الدان لیجاد [illegible]

نرفته است برای ما ثابت می کند که مسئولیت در حیات اهمیت زیادی دارد واگر وجود نه می داشت شاید در امور حیات سکته های زیاد واقع می گشت .

جرم وجنایات وتقصیر که در نتیجهٔ عدم مسئولیت دنیا عدم معرفت آن واقع می شود چیز مخصوص انسان که مزیت کر قوای عقل وحس محاکمه ، وقضاوت را مالك است . وگمان نه می کنم در دایره عملیات حیوانات دیگر حرکات موفقی برای خود داشته باشند . یعنی فقط انسان می تواند مجرم جانی ومقصر شود . وحیوانات دیگر مجری مانند ([illegible]) محاکمه و قضاوت می شوند ، ونه محاکمه می بیند ، ونه در نتیجه مجازات می یابند . واین خصوصیت جرائم در طبقهٔ موجودات انسانی برای ما ثابت می کند که همه جنایات جرم وجنایات در طبقه وجود دور ومثال همه ای از دو حیات دور افتاده خود که دیدن مشاهده نمودیم ومیبینیم مسئولیت وجواب هم نیز باید موجود باشد یعنی انسان باوجود دارا بودن عقل وشعور بلند از حیوانات نمی تواند کاملاً از هرگونه عمل وسهل انگاری در واجبات انسانی خود بری بوده تمام

امور خود را به صحت و به صورت حقانی اجری کند . وگردن خود را از زنجیر اسارت مقتضیات سوء شهوانی رهائی بخشد .

چون ما چشم باز باطراف خود نظر کنیم می بینیم هرکاری که در دنیا اجری می شود در نتیجهٔ مسئولیت است اگر یك شخص تمام روز قوای ومساعی خود را صرف چیزی زود کاری میکند ، تا در نتیجه آن [illegible] به جیب خود پیدا کند ، وی مسئولی است که در نزد خود ، خانم ، وطفل خود یا افراد دیگر عائله خود دارد . اگر یك شخص به عبادت می گراید ، محض جهت مسئولیتی است که از مقررات دینی در نزد عالم بالا ، در مقابل خدای خود دارد . اگر یك مصنف کتابی تصنیف می کند شخص وی مسئولیتی است که در نزد جامعهٔ بشری دارد ومی خواهد گریبان خود را ز چنگ آن مسئولیت وا می رهاند . اگر علمای اعلام وبزرگان دنیا کشفیات حیرت انگیز در [illegible] و [illegible] نموده اند هرکدام به طرزی برای ادا نمودن وظیفه بوده است که وجود آنرا در مقابل خود احساس نموده اند ، وبصورت خود را

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 120 of 896

از یك مسئولیتی که از عدم اغنای آن مترتب میگردید و ارها بیده اند .

می شنویم و میخوانیم که سقراط (فیلسوف بزرگ یونان) زمانیکه حکومت و مردم آتنه با او بمخالفت بر آمده محکوم و محبوسش نمودند ، بدست خود جام زهر را برداشته نوشید و بعد از آن با استراحت تمام روی بستره خود خوابیده جان داد و صدها مرتبه طرف داران و اشخاصیکه باو علاقه مند بودند خواستند او را بفرار نمودن و رها نیدن خاتش ترغیب کنند ، مگر فائده نکرد آیا چرا ؟ گمان می کنید که دادن جان برای انسان کار آسانی باشد آیا هر چه در دنیا می کنیم برای محافظه جان خود نمی کنیم ؟

مگر سقراط جان داد و مرد .

این بزرگترین دلیلی است که میتوانم برای خدمتی که « مسئولیت » به جامعه بشر ابراز می کند اقامه نمایم . سقراط محض برای مسئولیت جان داد و خود را مسئول دانست که هر چیز از حق و حقیقت در دماغ عالی و فکر درخشانش جلوه نموده است به مردم آتنه بگوید و با آنکه میدانست جانش در معرض خطر واقع می شود حس مسئولیت نگذاشت آرام بنشیند و افکار و نسب های خود را به مردم ارائه به تعریف و تلقین نکند وجان خود را در راه مسئولیتی که به مقابل انسانیت به ملت هم وطنان باهم او عاید بود داد قربان نماید .

علمای بزرگ تربیه بعد از تحقیقات و دقتهای زیادی که درین مسلك نموده اند بالاخره باین حقیقت وارسیده اند که تربیه عبارت از تطبیق طفل است به محیطی که دران زنده گی دارد ، و این فکر را بر مسئولیت حبب شده است . این جمله « تطبیق به محیط » معنی دیگری دارد و آن معنی عبارت از بنست که طفل منتضیات محیطی خود را درك کند و حرکات و اعمال خود را بران مبنی سازد ، و به این صورت مسئولیتی را که از نقطه نظر خدمت به محیط و جامعه براو عائد می گردد ایفا نماید ، و آن مسئولیت را بشناسد .

اگر مسئولیت در دنیا وجود نمی داشت وگاهی بصورت آتش سوزان دوزخ وبعضاً به شکل حبس و تعزیر و اعدام وگاهی هم بصورت یك خجالت و شرمنده گی که در نتیجه تکاسل و تکاهل نسبت به ایفای آن انسان را استقبال می کند در مقابل فکر انسان ایستاده نشده و عرض وجود نمینماید مجسم نمی نمود ، شاید در دنیا نظم و ترتیبی نمیماند ، کارهای خوب و افعال حسنه منتدرجاً در مقابل ترك و ناز خواهشات نفسانی مکوب و مغلوب گردیده . بابدل هوا و هوس و در نتیجه بجای نظم و ترتیب قانون و نظام و عدل و انصاف یك اختلال و بربریت وجود میداشت .

(باقیدارد)

قلم آقای قاضی زاده :

صنایع مستظرفه

(۲)

از آنجائیکه صنعت عبارت از وسائل مخصوصهٔ مهیج و مواد هیجان بدیعی است ، لذا خالی از منفعت نخواهد بود که نبذی راجع از کوایف مناسبات و علایق آن با حسن و تقلید و غیره و غیره بحث رانده شود .

صنعت با حسن : سابقا قدما بنا بر عدم وسعت تتبع و مطالعات به این زمینه صنعت را آفادهٔ حس قرار میدادند اگر نکته این مطلب دقت کرده شود ، بجز اینکه تعریف مذکور دور از صحت و ناشی ، از شبهات سرسری وسطحی دانسته ، بدان اعتناد نکنیم ، چارهٔ نداریم .

چه ربا یه ، پیروی از آن تعریف مسلم است ، که ما را از جادهٔ راست منتهی بمقصد ، منحرف نموده ، از ادراك حقیقت باز میدارد .

از قرار تتبعات عمیق که علمای متخصص این فن ، درین باب نموده اند ، اینست که حسن در نفس از جمله اشیأ غیر ثابت و متزلزل بوده ، متمادی هر وقت حسب تقاضای محیط ، زمان و مکان متحول و متغیر است . و این یك بعد با تعریف آنها (که صنعت افادهٔ حسن است) داشته اثبات میکنند که صنعت غیر از افادهٔ حس ، شی دیگری است .

مثلاً ، من هوای تیره و تاریك ، فضای

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 121 of 896

پر ابر و غبار و زمین مستور از برف ارتماش انگیز موسم زمستان را دوست داشته، از نظارهٔ آن مسرور و متلذذ میشوم. بالعکس اشخاصی هستند، که ازین چنین منظرهٔ سرد و افسردهٔ موسم زمستان بغایت متنفر و بیزار بوده آرزو مند مناظر سبز و خرم و آفتاب درخشان آسمان صاف و نیلگون بهار بوده از آن کسب ابتهاج و مسرت می نمایند، و اینست چیز یکه برای من مطبوع و خوب بوده مرا ممنون و محظوظ می نماید، عیناً همان چیز در پیش نظر دیگران بغایت منفور و نا گوار واقع گردیده، از رویت آن منقبض و دلخور میشوند:

و ازین جاست که بخوبی ظاهر میشود وجود عدم موافقت فکری بین افراد بشر که هریك حس را در هر محیط هر منطقه، هر روز هر سال مطابق ذوق سلیقه و اسلوب خود بطوری مخصوصی تلقی میکنند که ما از ادراك یعنی آن عاجز ایم.

و در نتیجه و از همین مباینت (حسن) است، چیزیکه در نزد من خوب است در پیش دیگران بد باشد. وهم چنین شئ را که شرقی خوب تلقی میکند، غربی آنرا بد و زشت تلقی میکند. و بطوری این اختلاف تلقیات بشر مبرهن و بدیهیست که انسان نمیتواند از آن تمرد و انکار نماید.

و بر روی اساس همین کیفیت مباینت حسی طبقات مختلفه بشر است، که در کائنات هیچ چیزی بقدر حسن یك کیفیت متبدلی موجود نیست.

و ازینروست که تعریف قدما در باره حسن از روی اصول صحیح و درست شناخته نمیشود، وفقط چیزیکه درین باب در نظر گرفته شده است، همان است که اشیاء مولد هیجان بدیعی، با حسن دارای یك ارتباط و علاقه ایست، که قدما اشتباهاً به آن ها صفت (حسن) را داده اند.

واینکه درین علاقه جزئی استناد کرده صنعت را حسن دانسته، سرتاسر دور از صحت بوده عاری از حقیقت است.

صنعت و تقلید: از آنجائیکه صنعت دارای یك مناسبت بزرگی میباشد، بنا بران تعریف متداول (که صنعت عبارت از تظاهرات مختلفه حسن است) خیلی ها کم بنظر میخورد، چه درصورت زیر مطالعه قرار دادن ما یك لوحه از یك رسام را می بینیم که رسم مذکور در رسام کردن تمام اشیاء شامل آنلوحه هیچ گاهی صرف نظر کرده باشد بلکه تمام اشیائی را که آن تابلو حاویست از قبیل کوهها، درختها و السایر حتی از روی یك مهارت عمیق بدرجه و زیر نظر گرفتن خواص و مباینات طبیعی آنها (طراوت و پژمردگی کوهها و نباتات ظاهر بودن آثار وعلائم حزن و الم از جبرهٔ انسان ها) از اشیاء طبیعی تقلید ورسم شده است و اگر کاملاً مرتباً تقلید نشده باشد، آنگاه می بینیم که همان رسام فکر خود را بطرزی از روی یك مناسبت طبیعی تزیید و بواسطه آن ترمیمه (یا تعبیر) بشکل یك لوحه زیبا ودلکش بوجود آورده است، که از تماشای خود ما را محظوظ می نماید.

و در صورت تزهای تقلید از صور طبیعی است در آن منظره که ما را از دیدار خود محظوظ نموده، چه درصورت عدم تقلید و رعایه از آثار طبیعی، ممکن نبود که آن لوحه در روح ما تولید یك هیجانی کرده بتواند. وهکذا در مجسمه سازی.

و از این نحوی ظاهر شد که در حقیقت یك عده علایق و مناسبات بزرگی بین صنعت و تقلید وجود دارد که نمیتواند هیچ صاحب صنعتی خواه رسام و خواه هیکلتراش باشد، از آن صرف نظر بنماید.

واگر سوال کرده شود، که درست است در رسم و مجسمه سازی تا یك اندازه تقلید از اشیاء طبیعی ضروریست، اما دریك آهنك موسیقی که آن نیز از جمله صنایع مستظرفه است، کدام آثار طبیعیه موجود است، که برای جذابی و دلکشی آن یك خواننده (موسیقی شناس) تقلید می کند برای آن، جواب این سوال چیزی را که ما در باره صنعت در فوق بیان کردیم (یعنی بین صنعت و تقلید یك رابطه بزرگی موجود است) کفایت میکند، جزاء مادر آن گفته شود (عبارت بودن صنعت از تقلید را) نفی کرده، موجود یك رابطه بین آنها (صنعت و تقلید) معرف شدیم، و برای ارائه و اثبات قول ما یك مثالی کافیست که ذکر کرده شود.

مثلاً در یك فوتو (عکس) اگر ملاحظه کرده شود؛ بنابر اینکه آن (فوتو)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 122 of 896

عبارت از کاپی اصل است ، بجز از اصل آن شی دیگری را در آن موجود نمی یابیم (تقلید بدرجه اتم در آن موجود نیست) لیکن باوجود تقلید تام در آن هیچگاهی از آن حس بدیعی ما متهیج نشده بخود احساس حظ یا الم نمیکنیم .

بخلاف آن اگر یك رسام همان منظر فوتوی مذکور را بواسطه قلم ورنگ بوجود بیاورد ، ظاهر میشود ، که این لوحه از رسام ، از روی تناسب وتشابه از فوتو گرده هم زیاده تر مشابهت به اصل رسانیده ، حس بدیعی ما را بهیجان آورده از تماشای خود ما را محظوظ یا متألم می نماید .

از مشاهده این امر بخوبی مطمئن می شویم ، که صنعت در نفس الامر عبارت از تقلید نبوده ، بلکه چیزیکه ما را در اشتباه انداخته بود ، همان رابط آن (صنعت) با تقلید بود ، که ما بطوریکه دیدیم و بعد آن را تفکیك میکنیم ، نتوانستیم .

ونیز در اینجا ازین اتفاق بایست کرد که در هر صنعت اول یکدوره تقلید موجود است ، که از عدم رعایه ولحاظ آن خود داری ممکن نیست .

چرا که هر صنعت کار برای اکمال وکامیابی در ساحه صنایع مستظرفه در اول وهله به پیمودن مراحل تقلید طبعی مجبور است ودر روی همین اساس مذکور است توضیع پروگرام مدارس صنعتی در ممالك دنیا .

چه : برای کامیابی هر شخص در صنایع مستظرفه که آرزو مند آنند ، لازم ولابدی است در آغاز کار ، همان مودل ها و آثار را که معلم به تقلید آن او را وادار ساخته است بدون هیچ یك تصرف تقلید بکند .

و این تقلید رفته رفته به اندازهٔ او را در تقلید حاذق مهارت میکند ، که در تقلید یك لوحه مهم اثر یك رسام ماهر نیز کامیاب می بر آید .

و پس از تکامل دوره تقلید (وسیله خروج از مکاتب عالیه صنایع مستظرفه) استعداد طبیعی او انکشاف کرده ، پس از ممارست زیاد و طولانی در آن فن ممکن است که بمقام ارجمندی فائز و نائل بشود .

و همچنین ادبیات نیز دوره تقلیدی وادار است ، که شخص ادیب شونده مجبور است که از روی قواعد آن رفتار کند چنانچه مرتبین نمونه و مثلهای آن در اسلوبها و پیروی از قوانین صرف و نحو بلاغت وغیره در هر پارچه ادبی آشکار است

و تصور نمیرود که این طور هیچگاهی شده باشد ، که شخصی در اول وهله بدون تقلید واتخاذ سرمشق برای خود در ساحه ادبیات به تحریر و وجود آوردن یك شاهکار مهم ادبی کامیاب بر آمده باشد .

لیکن بعد از تکامل دوره تقلید ، بعض ها هستند که استعداد طبیعی شان آهسته آهسته رو به انکشاف رفته ، اخیراً بدرجه در آن فن مهارت وید طولانی را مالك میشوند که ابداً به اتخاذ شاهکار های فن استادان برای سرمشق اهمیت و اعتنائی نکرده ، از دماغ و مخیله خود بمایه استعداد و فطانت شان آثار زیبا و مهمی بوجود می آرند ، که از ملاحظه آن انسان را بهت و حیرت استیلا میکند ، و اینها صنعتکار های اصلی بوده ، مبدعین آثار و مواد هیجانات ذهنی شمار میروند .

و برخی دیگری اشخاص هستند ، که در همان حالت انحطاط (یا تقلید) مانده بدون نمونه و سرمشق نمیتوانند که چیز پیش برند ، اینگونه اشخاص مقلدین یا پس مانده گان در صنایع بوده ، قابل آن نیست که به آنها کلمه ارجمند (آرتیست) یا صنعتکار را استعمال نمود .

و غالباً نویسنده های امروزه (به استثنای بعض شان شایان و سزاوار قدر و تمجید بوده ، وظایف اول را در قطار صنعتکاران استعمال نموده اند) که آثار شان بنظر رسیده موجود ، همان است که مد بحث او شان بنابر بعض عوامل خارجی بالفطره در دوره انحطاط ادبی (تقلید) مانده مجبور اند به تقلید از آثار دیگران ، که ایشان را بایست مقلد نامید .

از ایضاحات فوق ظاهر شد که صنعت تقلید نبوده لیکن در اوائل وهله یك مناسبتی را بتقلید حاوی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 123 of 896

اوضاع مصر

انتخابات مصر و اقدامات دولت

مصر وارد آخرین مرحله سیاسی خود گردیده و محافل سیاسی انگلیس را کاملاً متوجه خود نموده است و از آنجمله اقدامات صدقی پاشا رئیس الوزرای مصر متوقف بر اینست که در این مرحله یک صورت قطعی بقضیه داخلی مصر بدهد که با یک بقاء خود را تحکیم و رویه را که تا کنون بر طبق آن مشی نموده است حفظ و حساب خود را با وفدیها تسویه و آنها را بجای خود نشاند یا آنکه برعکس وفدیها فاتح و مظفر بیرون آمده و او را در میدان سیاست شکست داده و زمام امور را بدست گیرند.

این مرحله اخیری که ما بدان اشاره نمودیم مرحله انتخابات پارلمانی مصر است که اینک صدقی پاشا شروع بمقدمات این کار نموده، صدقی پاشا در این اواخر ضمن مصاحبه که با نماینده روزنامه دیلی تلگراف بعمل آورده است چنین اظهار داشته: «موقعیکه من زمام حکومت را در دست گرفتم فکر و اعلام داشتم که حکومت و دولت یک دولت قانونی بوده و مطلقاً در صدد نیست که طرز حکومت و یا آرزوئی را اتخاذ نماید بلکه کارهای خود را با وجود پارلمان انجام میدهد ولی چون بنظر من قانون اساسی بوده [illegible] نموده تا اکثر از یک دوره اختلال و اغتشاش باشد که در خلال آن مقدمات اصلاح قانون اساسی و تهیه وسایل لازمه برای انتخابات جدید را فراهم آوریم، این مرحله نزدیک باتمام است و امیدوارم که اساس انتخابات را بزودی محکمی گذارد و دولت بتواند در اواخر ماه آوریل شروع بامر انتخابات نماید.

«حالی دل داشتم که دشمنان سیاسی من از که همواره اکثریت مملکت را با خود موافق میدانند در این انتخابات شرکت جسته تا یک دلیل روشنی را برای صحت ادعای خود اقامه کرده باشند، ولیکن عدم شرکت در انتخابات را تصمیم نموده اند.»

(در این قسمت بایستی تذکر شد که این بیانات رئیس الوزرای مصر متوجه مخالفین یعنی وفدیها و [illegible] مصر هستند، ولی [illegible] این حزب و دسته که اساساً قانون انتخابات موضوعه از طرف صدقی پاشا را [illegible] خواهند توانست در اجرای قانون مزبور با معاونت دیگر انتخابات شرکت نمایند چه شرکت آنها یک نوع [illegible] بقانون مزبور است.

حال [illegible] که حزب [illegible] مصر (وطنی) چون قانون اساسی و قانون انتخابات ۱۹۲۳ [illegible] در تمام دوره های انتخابات شرکت نموده و در اینصورت میل داشتن رئیس الوزرای مصر شرکت در انتخابات وفدیها و [illegible] مخالفین دیگر [illegible] از روی چه [illegible] بوده، [illegible] شرکت آنها [illegible] آنان نسبت بقانون مزبور بوده است. م.)

رئیس الوزرای مصر راجع بجلوگیری از تظاهرات و اجتماعات چنین میگوید.

«[illegible] هیجان و حیثیت انگیز مجاز نخواهد بود، و بدان جهة باین سیاسیون (مقصود دو حزب وفد و آزادی خواهان است) اجازه میتینگ و تظاهرات و عقد اجتماعات داده نمیشود، زیرا تنها مقصود آنها از این اجتماعات تحریک توده مردم و [illegible] قوانین مملکتی است، شکی نیست که دنیا خواهد دید که دسته دسته مصریان برای شرکت کردن در انتخابات خود را حاضر ساخته و شرکت خواهند نمود، و باین وسیله [illegible] دنیا خواهد دید که علاقه و رابطه وفد بتوده ملت [illegible] علاقه اسمی است و لیکن از حقیقی [illegible] بعمل [illegible] و هر موقع که پارلمان مجدداً تشکیل گردید و موجودات خود را کاملاً بدست آورد من امیدوارم که دولت بتواند با حکومت [illegible] مطالبه برای عقد قرارداد مصر و انگلیس که تاکنون معوق مانده است اقدام نماید.»

وفدیها [illegible] خود را نسبت بامر انتخابات از [illegible] و میخواستند شروع نمایند و لیکن صدقی پاشا [illegible] آنها [illegible] و در ضمن این [illegible] است که میگوید.

«[illegible] خود [illegible] نموده ام که حقیقت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 124 of 896

مقاصد وفدیها را برای مملکت خود مکشوف ساخته وقتیکه آنها عقیم‌را کدام که ملت تمامًا از خفایای اعمال آنها مطلع شود ، و این مقصود را در تمام نطقهای خود گفته ام » وشاید دیده‌اند که چگونه آنهارا مجاب ساخته که نتوانستند کاملا جواب مرا دهند و اکنون هم فرصت غنیمت شمرده که بقیه ادعای آنها را رد کرده و بطلان آخرین عقیده آنها را بثبوت رسانم و یك قسمت دیگر از اغراض و مقاصد آنان را مکشوف سازم

« از من شکایت میکنند که من اجازه مسافرت را برای خود جایز دانسته و به آنها اجازهٔ حرکت از نقطه بنقطهٔ دیگر نمی دهم و جلو گیری میکنم علت این کار خیلی واضح و روشن است و اگر چنانچه احتیاجات آنها منع نبوده ، با عقیده من همراه و تصدیق میکردند که شکایت آنها در این مورد بی اساس است ، زیرا من که این قبیل مسافرت هارا مینمایم برای اینستکه اصول و مبادی را بمردم مژده داده و آنها را قانع نمایم که اصول و مبادی مزبوره یك اصول اصلاحی حقیقی است که نتیجه متواصل و غیره منقطع خواهد داشت ، من تمام‌را دعوت مینمایم که در میدان انتخابات با من وارد شده ، من آنها را محکوم خواهم ساخت یا آنها مرا ، و پس از بدست آمدن آراء و عقاید عموم یا آنها حاکم خواهند شد یا من حاکم خواهم بود ، و باین ترتیب همه باهم برای باز گشت حیات پارلمانی با همدیگر تشریك مساعی و کمك نمایم ولی نمیخواهند که در این باب کمك کنند زیرا مردم را بعدم شرکت در انتخابات دعوت مینمایند معنای دعوت آنها تاخیر تجدید حیات پارلمانی برای مدت نامحدود خواهد بود .

« کاش میدانستم مقصود شان از این مسافرتها چه بوده ، اینها که عدم شرکت در انتخابات را از چند ین ماه اعلام نموده و جراید شان هم صدها مقاله نوشته اند آنها گمان میکنند که مردم تنها جراید آنها را میخوانند و بمحض اینکه صدای خودرا بلند کردند ملت هم دعوت آنان را لبیك اجابت گفته است ، در این صورت چه احتیاجی باینهمه بذل مساعی و کوشش دارند .

آیا این دلیل بر این نیست که دعوت آنها غیر معقول و در نزد مردم پذیرفته نشده و آنهارا قبول نکرده اند .

« وآقاین شکی نیست که اینها میخواهند در مملکت ، واینطرف و آنطرف گردش کرده ومردم را بانقلاب وشورش ، هتك قوانین مملکتی ، استخفاف دولت وتحقیر او وادار نمایند و این کاری نیست که هیچ دولتی که خودرا محترم میشمارد و وظیفه خودرا تشخیص داده است اجازه دهد و در مقابل اقدامات آنها دست بسته بایستد

« با وجود این هنوز با یك آهنگ یاس آمیزی فریاد زده میگویند :

« را چه از مسافرت ما بولایت میترسید شما که مدعی هستید ملت ازوفدیها بر گشتند ، جواب این حرف را گفته های فوق میدهد و علاوه مینمایم که ملت از نقشه و طرز رفتار آنها متنفر گردیده سیاست عقیم آنها را دیگر دولت ندارد و با آرامش و سکوت خاطر گرد ما جمع شده است . ولیکن هنوز در مملکت یك اقلیتی وجود دارد که نسبت بخصوم سیاسی ما عاطفه دارند و امید وارم که آنها را نیز بسوی خود جلب نموده که مبادا یك روزی آلت دست محرکین و آشوب چیان مملکت شود ،

« گمان میکنند که اهالی بنی سویف غیر از اهالی سایر شهر ها بوده و مرکز وفدیها بوده و باینجهت نخستین نقطه مسافرت خود را اینجا تعین و قرار داده بودند من نمیدانم که زارعین بنی سویف از زارعین سایر ولایات چرا بایستی در درك حقایق کم فهمتر باشند مصریها که همه یك جنس و دارای عادت و یکعقیده واحد و امزجه متشابه هستند باینجهت شخص نمیتواند تصدیق کند باینکه اهالی بنی سویف کمتر از اهالی سایر ولایات عملیات دولت را تشخیص نداده ، هرگاه مصریها در واقع از ملل مختلفه مانند اطریش و مجارستان قبل از جنگ بوده و در یکموضوع با یك نظر مخالف ومتعارض نظر داشته آنچه را که دشمنان سیاسی ما میگفته قابل تصدیق بود ، ولکن مصریها خدا را شکر اینطور نیستند و باینجهت معتقدم که بنی سویف هم مانند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 125 of 896

سایر ولایات دارای تعقل در امور میباشد ، این خلاصه از بیانات رئیس الوزراء مصر در بنی سویف بوده .

در حقیقت این نقطه مرکز و فدیها و میدان عملیات واقعی آنان شمرده می شود و همان طوریکه خود صدقی پاشا هم اشاره مینماید از مسافرت وفدی ها باین نقطه جلوگیری شده . مسافرت آنان برای دولت مصر که تازه میخواهد قانون انتخابات جدید را بجریان اندازد قطعاً فایده نداشته و متضمن زیان و خسارت خواهد بود وهم چنین اجتماعات آنان نیز بی فایده بوده و برای دولت گران تمام میشود هر قانونی در بدو اجراء دوچار مشکلات می شود ، خصوصاً این قانون که خصوم سیاسی و مخالفین متعددی هم دارا ست در هر حال مطابق اخبار واصله مقدمات انتخابات مصر را صدقی پاشا فراهم نموده و قریبا شروع بکار خواهند نمود تا چه اندازه در این کار موفق میشود معلوم نیست ولی مقدماتی که او فراهم نموده تصور میرود نتیجه بگیرد و بهر نحوی که هست پارلمان را تشکیل دهد پس از تشکیل پارلمان آیا قرارداد انگلیس و مصر منعقد خواهد شد ؛ این یك مسئله ایستکه صدقی پاشا وعده انعقاد آن را پس از تشکیل پارلمان داده است !

(کوشش)

معما های ابدی

(۳)

جزیره اتلانتید

چیزیکه درینجا بیشتر از همه قابل ذکر میباشد اینستکه درین قضیه بعض اساطیر وروایاتی است که این نظریه را تقویت مینماید ، زیرا بعض از مورخین میگویند که قارهٔ موسوم به اتلانتس یااتلانتید در قدیم بوده است که روزی ناگهان موجودیت خود از بین رفته و آثار آن در پائین امواج اوقیانوس کبیر بکلی محو و زایل شده است اما بعض آسمان نوردان که ازجملهٔ آن (ولیم بیب) نیز میباشد عقیده دارند که قصه اتلانتید تنها ها افسانهٔ موهوم و خرافی نبوده واگرهم باشد جزئی از آن است که شاید دور از حقیقت بوده خیالی باشد .

یونانیها در افسانههای خود زعم داشتند که در بحر محیط اتلانتك بقول عربها (بحر ظلمات) جزیرهٔ بزرگی بود که از روی حجم قریب یك قطعه گفته می شد ، این جزیره از طرف شرق بین اروپا واز طرف غرب به امریکای شمالی وامریکای مرکزی واقع بود .

در ده هزار سال قبل درین جزیره ملتی صاحب مدنیت عالی سکنی داشتند ، اما بین یك روز وشب ، تاریکی ، آتش فشان های این جزیره به اشتعال آغاز نهاده زلزله شدیدی حادث شده ، ودر حین زلزله بحر نیز طغیان نموده ودرنتیجه جزیره باساکنین آن یك جا محو شده و از آن جز همین خاطره هائیکه در افسانه ها نامبرده میشود چیزی باقی نماند .

اما در قصه های اهل افریقای شمالی واروپای غربی ، وبلاد بحرالروم طوری دیگر یاد شده که در وسط بحر محیط ایلانتیك بلادی معمور وسرسبزی بوده است که آب های بحر بدان طغیان کرده آنرا غرق واهالی آنرا هلاك ساخت .

همچنان در قصههای که اهل (مایا) و(ازتیك) وامریکای مرکزی نقل میکنند نیز ذکری ازین جزیره بمیان آمده وآنها میگویند که اسلاف همان از همین جزیره آمده اند ؛ بعض ازعلما آثاری درسواحل فرانسه غربی کشف کرده اند که شاید بعض چیزها یکه قضیهٔ اتلانتس یا اتلانتیك را تائید نماید در نیز آن یافت شود .

تفصیل آنهم بقراریستکه در ساحل فرانسه غربی در همین نزدیکی ها یك سنگ بزرگی را کشف کرده اند که در آن سیماهای انسانیکه شباهت تمام به سیما های اهالی (مایا) و (ازتیك) امریکای مرکزی دارد نقش میباشد درین سنگ نقش های پای انسان میباشد آنش گبر ورسم های اسپینزر ، وفیسر ، مارسیل بودان (سکرتر عمومی مجمع علمی فرانسوی موسوم به

مجموعه قبل تاریخ) قالب های این رسم ها را برای تدقیق وملاحظه ورداشته وپس از تحقیق وتدقیق نتیجه گرفت این بود که : سکنهٔ مذکور مذهبی برای عبادت بوده و آنها تیکه آنرا نقش کرده اند اسلاف « مایاء » و « آزتیك » بانك اسلاف ریطالیای فرانسه نیز بوده است زیرا همهٔ آنها از اصل واحد میباشند در قدیم سکنهٔ مذکور در بالای آب بوده است تاریکه جزیره یا قارهٔ که متصل بامریکای مرکزی بوده وبالای آنجا بطرف یك جزایری که امروزه از آنها جز کوها وجزایر آنتیل « کنار » باقی نمانده است غرق میشد غرق شده واهالی آن نیز در آن هلاك شده اند .

(—) افلاطون واتلانتید

شاید اولین کسیکه از اتلانتیس یا اتلانتید چیزی ذکر کرده است افلاطون فیلسوف مشهور یونان وشاگرد سقراط بشمار افلاطون این را ثابت کرده است که اخبار اتلانتید بین مردم متداول بوده وسولون حکیم آنرا از یك کاهن مصری نقل نموده است ، علاوه چیزی که این کاهن ذکر کرده اینست که یك دولت بزرگ جنگجویی در زمانهای خیلی قدیم ایتالیا را فتح کرده ومیخواسته اروپا را [illegible] نیز بتصرف خود آورد ، این دولت اصلا از یك جزیره که در بحر محیط اتلانتیك ودر راه تنگهٔ جبل طارق واقع بود جدا شده بود ، وجزیرهٔ مذکوره حلقهٔ وصل یك سلسله جزایر دیگری نیز شمرده میشد که [illegible] آن جزایر اتلانتیس یا اتلانتید بوده است ودرین جزیره یك امپراطوری عظیم تشکیل بوده که برتمام این جزیره وجزایر دیگری که تابع وی بوده یك قسمت از قارهٔ مقابلش حکمروائی میکرده . ساکنین این جزیره از جهه بوغاز جبل طارق لیبیا وایطالیا را هم فتح نموده سپس دامنهٔ فتوحات خود را وسیع نموده و خیال هجوم یونان را داشته ولی موفق نشده ومجبور به تخلیه جمیع بلادی که در اطراف بحر الروم استیلا نموده بودند شدند .

این کاهن مصری که سولون حکیم از وی این روایت را شنیده است ذکر میکند که بعد از حدوث زلزله ها وبرکانهای آتش فشانی زیادی واقع شده وزلزله کثیری بار هم ودر اثنای آن جزیرهٔ اتلانتیس غرق شده اهالی آن هلاك گردیدند .

افلاطون میگوید که اهالی این جزیره بنا های مجسمه ها ومعبد ها وبنای ساحل ها اشتغال داشتند .

در همین آخر ها کتابی بعنوان (مسئله اتلانتیس) بقلم پروفسور لوئیس [illegible] که از علمای مشهور میباشد در انگلستان طبع شده وعقیدهٔ عالم مذکور در اتلانتیس اصل همان قصهٔ طوفان است که در تورات بقصهٔ نوح وبابل وغیره اختلاف پیدا کردن زبان ها یك ها ذکر شده است واهالی اتلانتیس اولین قومی است که مخلوق پس از موت ستایش شده [illegible] اوسیرس آلههٔ خود را اخذ کرده بودند افلاطون نیز میگوید که اتلانتیس در نتیجه یك سلسله زلزله ها و آتشفشان ها خراب شده و[illegible] عقیدهٔ خود را طوری دیگر اظهار میدارد که : قبل از پانزده هزار سال یا کمتر از آن بعض مواد آتشفشانی از بحر محیط اتلانتیك بیرون زده وحالتی بود که معلوم می شد از کانهای آتش فشانی جدا شده وقبل از سقوطش [illegible] بوده شده باشد واز روی این عقیده یك قسمت بزرگ غرب اروپا ونواحی اتلانتیك موجوده پانزده هزار سال قبل بالای آب بوده است .

وشاید اوقیانوس اتلانتیك مأخوذ از اتلانتیس شده باشد یا اسم اتلانتیس مشتق از اسم اوقیانوس باشد .

[illegible]

دوین جا اسباب دیگری نیز هست که به افسانهٔ اتلانتید مشابهت داشته ودر بلادیکه دور کرده وقوع اوقیانوس کبیر واقع است شیوع دارد ، این یك حق [illegible] که بلاد [illegible] از پیرو ، [illegible] هزار سال [illegible] دوری داشته و[illegible] شده ها واهالی پیرو عقیده دارند که [illegible] اصل ایشان از اهل بلادی موسوم به [illegible] بوده وهو عبارت از یك جزیره ([illegible]) در دوری اوقیانوس کبیر بوده است ، روزی آبهای بحر بر آن بلند شده آنرا غرق ساخته وهمهٔ آن [illegible] چه از حیوانات وچه نباتات که بوده نیز غرق گردید ، [illegible] فرد علمای [illegible] لوژی دلایل برای صحت این قصه [illegible] اما اکثر کثرت زلزله ها که در ژاپون و[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 127 of 896

مآثرا عده وهمچنان آتشفشان های متعدد وکثری که در زیلاند جدید وغیره بلادی که درین ناحیه هستند یاد آوری نمائیم جز تسلیم چاره نداریم که در قصهٔ بلاد «مو» اگر تتبعات علمی قطعی بدست همه داشته باشیم ناممکن هم نباشد.

درحال اگر قصه های گذشته را که ذکر نمودیم ثابت شود برهان قطعی ربن میباشد که مدنیت را که امروز بدان افتخار می نمائیم تنها مدنیتی نیست که این کره خالی دیده است و آنچه را که در بارهٔ مدنیت های عصور قدیمه میدانیم خیلی کمتر از چیز هایست که درین باره قطعاً آگاه نمی باشیم (انتها)

تتبعات ادبی :

درهای یتیم
(۵)

طفل اشکم زدیده غلطان است
سینه ام چاک تا گریبان است

تا بیا میرزا یعقوب خان مخلص گفته است :

دل رها ندن زدست تو مشکل
جان فشاندن نیابت آسان است

تا لثنا شامل جواب داده است

ابرویت کرده عالمی تسخیر
گوئیا تیغ شاه مردان است

واما شیخ محمد رضای سهیل سروده است

ومن الماء کل شی حی
لبت ای شوخ آب حیوان است

حاجی عبد العزیز خان مشهور به تنگرهم که حضور داشته بنوبهٔ خود گفته اند .

میرزا مخلصت بشامل گفت
همه پیش سهیل حیران است

۳۵ — دیوان سرور که از شعرای زمان امیر شیر علیخان وامیر عبد الرحمن خان مرحوم بوده است از روی اطلاعات حضرت استاده قاری صاحب که دیوان سرور را در دست داشته ومیرزا محمد یعقوب خان مخلص دیوان عم خود گفته از نزد شان گرفته است .

۳۶ — دیوان خطیب اثر میر علیجان آقای خطیب دارای غزلیات شیرین وروان اکنون هم موجود ومتعلق است به پسران مرحوم میر محمد علیجان آقای خطیب .

۳۷ — شور عشق اثر حاجی صاحب باغ منار .

با انکه میگویند حاجی صاحب آثار دیگری هم دارند ولی بنده همین شور عشق شان را که در رشته تصوف وسلوک تألیف کرده اند واشعار خیلی ها پر سوز ودرد الود دارند بخط زیبا وجوهر آسای خلیفه صاحب مشهور به خلیفه در سال که یکی از مجاذیب درهر وان بادیه عشق ومجذوب بوده اند دریافته واز مطالعه ان لذت روحی ومعنوی الدوخته ام زیرا میگویند حاجی صاحب از متقی ترین وپارسا ترین مردمان وقت خود بوده اند این اثر درد نود شان که شور عشق است اکنون هم موجود وتعلق دارد باقای غفور جان رسام .

۳۸ دیوان رقم از میرزا محمد حسن خان که از دبیران عصر امیر شیر علیخان وامیر عبد الرحمن مرحوم ویکی از استادان زمان خود درفن نظم ونثر فارسی بوده است چه شعرای عصر خودش باستادی مشار الیه مقر ومعترف بوده وبمانند میرزا محمد نبی خان واصل که از شعرای مقتدر ور بردست ماست وشاگرد رشیدی تربیه کرده اند. راقم علاوه بر دیوان شعر اثار دیگری هم دارد که در رشتهٔ نظم ونثر فارسی تالیف کرده است از قرار اطلاعاتی که بنده بدست آورده ام میگویند اثار شان درنزد میرزا عبد الله خان مشهور بخواسته اوزبك خان که اوزبك خان معاصر با رقم بوده موجود وحاضر است .

۳۹ دیوان واصل ــ از میرزا محمد نبی خان دبیر لندنک که از شعرا ومشاقان زبردست دورهای اخیرهٔ ادبیات وطن دست اخصارش باندازهٔ جذاب وشور انگیز است که حد بالاتر ازان غیر متصور است علاوه برین ها واصل یك سیمای اخلاق وروح مهذبانه مراتب درباری وتشریفاتی دوشیر باز عصر خود را که میر شیر علیخان وامیر عبد الرحمن خان باشد طی نموده وزندگی شرافتمندانهٔ خود را باتمامیت وقار وعزت نفس به پایان رسانید اگر ازین رهمه شعرای وطن ما شخصی ارا ده کنیم که یك سیمای اخلاق وطرز پسندیده که مناق

اخلاقی ومفهوم حقیقی شعر وشاعری
نباشد فقط واصل است که از خلال
کلمات خود جلوه میکند ودربعض حال
افکار واشعار خود را هم ازان قبیل
ومعنی مجاز ساده اهل رهای مخشینه
وازان جناس های جدید ونکات سلس
عاری از تصنع جلوگیری نموده خواسته
است خود را بصور خوش طعم ومشکلی
بدیع شاعرانه خویش فارد دید ودو
واقعه نویسی عصری نیز اتحادی مبارک
به هم رسانیده حقیقت را از بان مبالغه
ها واغراق های خیال لود خیار امیه
نکرده است از قرار یکه همکار محترم با
آقای اعظمی اطلاع دارند — گویا واصل
طرز حیات ولزوم دربار وحرمت سلطنتی
امیر شیر علیخان مرحوم را شرح حال
وزرا، ورجال که یه آن عصر یکایک
تصویر کرده است واز دقیق ترین افکار
ورازهای آن دربار شعوط قدرت
ومنزلتی که نخوت سلطنتی داشته عرض
نکرده است این اثر نفیس وبهشی
قسمت او را همکار فاضل ما آقای اعظمی
درنزد آقای سلیمی دیده اند — دیوان
واصل یادرسایل و منشآتش که از آن
از وقایع دربار امیر عبد الرحمن خان
هم کار رفته بخط خود یادگار بما حد
نزد گوارزم اعتماد الدوله مرحوم اهدا
کرده بود وا کنون هم حاضر است .

۴۰ — دیوان فاضل از پسر واصل
که در شیوه شاعری ونکته نگاری
ارث از پدر برده است دیوان فاضل موجود
وتعلق دارد نخود نگارنده .

۴۱ — دیوان حبیب از صبر داو
عبد الحبیب خان مرحوم که از ادبای
خوب ما واشنا بروش عصر ومحیط ما است
سردار مرحوم علاوه بر طبع شاعری
از علوم وفنون مروزه عصری مطلع
وبا خبر بوده لسان انگلیسی را کما حقه
تحصیل نموده کتب مفیدی از ین لسان
ترجمه کرده اند ودر این حال زبان عربی
را با تمام قواعد وصنوف فنان موشحه در
ترجمه های خود اقتدار خویش را درین
لسان اظهار می نمودند دیوان حبیب که
بهترین نمونه اشعار عصری ماست باصلاح
نگارشات شان چه مولفه ومترجمه تعلق
دارد به پسر ایشان ومنده حبیب هیدام
که این اشعار نفیس ومفید همین طور
بی سر وصدا مانده طبع وانتشار نشود . .

۴۲ — دیوان کاتب از میرزا محمد
علیخان خوش نویس که در شعر کاتب
تخلص داشت واکثر کتاب های منتخبه
باب السلطنة مرحوم را تبیض می نمود دیوان
غزلیات حضرت بیدل که اشعار تازه
وتربن ان ها دارد کلیات مطبوع است
و به حضور یک محقق از ادبا وشعرا
بصحت رسانیده اند بکمال دقت ولوحه
این دیوان قیمتی وبها دار را تبیض وتسطیر
نموده از خود یادگار گذاشته اند دیوان
کاتب که داری غزلیات رون ومضامین
رنگین است بادیوان حضرت بیدل که
بهترین نمونه خوش نویسی آن مرحوم
است تعلق دارد بسردار عزیز الله خان .

۴۳ — دیوان مجذوب از حضرت
حافظ جی اوی محمد مشهور به حافظ مجذوب
که از مجذوبان حقیقی راه سلوک
وعشق بوده از دنیا ومافیها کنه تعلق کرده
قلندرانه زیست می نمودند وبا یک روح
لاقید واحیاناً محزون ودیوانگی بی لاابالی
وبار شیدوانه خود را خانه داده حافظ جی
صاحب کمال از ذوق را در اطوار
وحرکات خود داشته ابکند بود حتی به
زور گیری صحبت جانی هم متأثر
نمی شد عشق گل بلبل آب روان نغمة
تازه شعر خوب منظر لطیف وجمال
جلیل بهرش موجود در قلب سوزان او
جسمانی اشیانه ومنزل کرده بود که بقول
این عراقی دلدارا یک پارچه حسن وجمال
میدید هر چند خوش شعر گوئی نداشت
اما قلبی که از نازک ترین اسرار جلال
وجمال ولطیف ترین دقائق محبت وعشق
به صانع وخالق مملو شود کمحا میتواند
مکتوم وسربسته بماند درعالم احساس
صرف همین الفاظ بود که از دل سوزان
وروح پر دعای او خبر میداد مثلاً :

بی صورت درتماشا کست کلزار بهشت
صبح مجذوب تو باشد غریبان الفنا است .

میگو بند دررباب حافظ جی صاحب
بعضی اشخاص بد گوئی شان رای نموده اند
ویک نفر قسم شوخی به دیوان واقف
که دران مجمع حاضر بوده تفاول کرده
است که مجذوب خوب است باید این
فرد خوب او برامده است :

بران طلب این دل دیوانه ضروراست
مجذوب الهی است حقارت نکنیدش .

اشعار برا کنده ومتفرق او (زرا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 129 of 896

بخیال جمع کردن اشعار خود نبوده) متعلق است به پسران حافظجی فارغ و یک قسمتی هم تعلق دارد بخود نگارنده.

۴۴ - دیوان خسته دل از میرزا محمد شریف خان مرحوم که دارای طبع شیرین وذوق سرشار بوده است ومتاسفانه سال گذشته بدرود حیات گفت دیوان مرتب او که حاوی غزلیات شیرین وروان سبک ادبیات وطنی ماست موجود ومتعلق بخانواده آن مرحوم.

(انتهی)

(سرور گویا)

کاروان زرد

(۲)

اندو این کار بعهده موسیو (دووسوالی) ودو یامبر بعهده (پکور) صاحب منصب بحریه و در چین بعهده (بوان) صاحب منصب بحری و موسیو (تیرو) مفوض است به جابجا کردن و نقل مواد محرقه (بنزین و روغن) بوسیله اتوموبیل ها و عرابه ها و در بعض جا ها بنابر اقتضاآت ملی و اصادفی بواسطه کاروان اشتر بعمل خواهد آمد و در بعضی نقاط علاوه از مشکلات طبیعی و ارضی عدم مساعدت آب و هوا به نسبت ایشان وضعیت مشکل تولید میکند اما هیئت تمام لوازم و جزئیات خود را چنان بدقت و ملاحظه تهیه دیده که هیچ چیزی را فراموش ننموده است. موسیو ارزهارت از تجربیاتی که دارد استفاده کرده و مجاهدت نموده است تا موتر های که خوش وهمراهانش برای مدت ۱۸ ماه در آن بسر برند از حیث آسایش و لوازم مکمله میکانیکی را دارا باشد - کاروان مزبور مرکب از ۷ اتوموبیل است که با صفحات فلز (دور الومین) ساخته شده و از قسم اوتوموبیلهای (اتوشنیل) اند منکر با تکملات و اصلاحاتی که اوتوموبیل های مسافرت های سابقه نداشته است اگرچه اوتوموبیل های هر یک برای کار خصوصی با لوازم آن معین شده ولی منظرهٔ خارجی آنها چه خود اوتوموبیل ها و چه عرابه که بدنبال هر یک ازین اوتوموبیل ها بسته میشود همه یک صورت اند و همه قوی و کوتاه بوده بار های آنها بدقت تمام تقسیم شده است بر روی هر یک ازین اوتوموبیل ها علامه کوچک وخصوصی که هر کدام را از دیگر متمایز میسازد نصب گردیده است - هر یک از اوتوموبیل ها مرکب است از یک اطاق پیش روی برای نشستن پنج نفر کفایت دارد و قسمت دنبال باحصه بار کش که کار وظیفه داخل هر کدام متفاوت است اما عرابه های که بدنبال اوتوموبیل ها بسته میشود هر کدام دارای قسمت های خصوصی است که در هر کدام ازین عرابه ها ۴ مخزن آب و ۱۰ بکس پنج بکس توالت ، و پنج تخت خواب و پنج چوکی و دو میز جای داده شده است هفت موتر مزبور از قرار ذیل است :

۱ - اتوموبیل قوماندہ (فرماندهی) که دران رئیس مسافرت و رئیس ارکان حرب هیئت سوار می شوند - این اوتوموبیل حاوی نقشه ها (خریطه ها) و قطب نما و اسناد و اسلحه شکاری و ماشین های تحریر و دفاتر و لوازم و سامان نقاشی می باشد.

۲ - اوتوموبیل فنی که حامل موسیو او دوئین - و برویل و اعضای فنی هیئت است و حاوی سامان و اسباب عتیقه شناسی و طبیبی دائی و آلات مساحی و نقشه برداری و صندوق های خصوصی جهت کلکسیون ها و لوازم تهیه عکاسی رنگه و سیاه میباشد.

۳ - اتوموبیل سینماسیک - که حامل کارگر های سینما و یک نفر مکانیک و دو نفر دیگر است و دو دستگاه ماشین قابل نقل برای فلم سینمای گویا و یک دستگاه برای فلم سینمای بی صدا در آن حمل می شود.

۴ - اوتوموبیل سینمای سنگین که حامل یک نفر عکاس و یک مهندس اصوات و یک مکانیکی و سه نفر دیگر است و حاوی تمام لوازم عکاسی و ثبت مناظر و ثبت اصوات اطاق های ثابته با لوازم و اسباب مکمل جهت تهیه فلم ها میباشد.

۵ - اوتوموبیل تلگراف بی سیم که حامل متخصصین بی سیم و یک دستگاه مخابره و یک دستگاه اخذ خبر با امواج کوتاه ۵۰۰ واتی صوت که قوه انتقال آن تقریباً ۸ هزار کیلومتر است است می باشد و میتوانند با یک پست ضعیف تر از پاریس ویا واشنگتن ارتباط دائمی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 130 of 896

باقطب شمال رو قرار داشته باشد .

۶ – اوتو موبیل مطبخ – حامل ونیس آذوقه رسانی و اشخاص کار کن های طباخی و لوازم ظروف کافی جهت تغذیه کلیه اعضای هیئت که ۳۰ نفر می باشند .

۷ – اوتو موبیل طبی و تعمیراتی که حامل دکتورها و مکانیک های متخصص است آن اوتو موبیل بدو قسمت منقسم شده : یکی شامل آلات جراحی و دوا جاتی و دیگر آن محتوی لوازم و آلات تعمیرات و ترمیمات می باشد .

وزن هر یك از موتر ها با محمولات آن ٤ تن است .

یك موتر شش سلندر ٤۰ اسپ قوه سرعت سیر هر اتو موبیل را اندازه (۸) الی (۲۳) کیلومتر تامین مینماید اصول اتو موبیل شو پیل اختراع کگرس مهندس که در اوتو موبیل ها بکار رفته است خیلی معروف است فقط در اصول مزبور یك تکمیل جدیدی که عبارت از یك غلطك مخصوص در مقابل هر یك ازین اتو موبیل ها وصل شده که در موقع عبور از اراضی پست و بلند اتو موبیل بآن تکاء خواهد داشت و برای عبور از اراضی خطرناك تسهیلات عاید مینماید – در قسمت فوقانی هر عراده در اثناء توقف در راه پارچهٔ روی تپ آن دارد که بالا و پایان شده خیمه وسیعی تشکیل میدهد ، زیر این خیمه تخت خوابها و میز ها و چوکی ها جای داده میشود .

تمام جزئیات لوازم پایان گردی و مسافرت تهیه و پیش بینی شده است و وارسی بیکلی از آنها برای فهمانیدن مراقبت و مواظبتی که در کار اعمال آمده است کافی است بدرب هر یك از اطاق ها آئینهٔ که بر روی آن یك چراغ برق میباشد نصب شده است تا اینکه هر کدام از مسافرین با کمال راحت و آسانی به کار لوازم خود بپردازد .

این اتو موبیل ها حقیقةً مانند عراده های حمله هستند که بشر آنها را برای اکتشاف و فتح مجهولات نواحی آسیا سوق داده است .

این هیئت نصب العین و فکر بیدار مهمی را پیش گرفته است زیرا این مسافرت در عالم علم و دانش امداد نموده و سرمایه علم را زیاد می نماید .

کاشفین این کار واثق زود که دارای وجید شوق زیادی هستند و از اطمینان و اعتماد سرشارند مورد توجه و تمجید عموم بشریت واقع شده – جای شك نیست که پیشرفتی را در مساعی جمیله خود نصیب خواهند شد .

لذا چون افغانستان و افغانها نیز بحیث یك عضو از بشریت ضرورت علم و عرفان را برای دنیای انسانیت درك نموده اند یکجهان اشتیاق مانند در راه این اقدام بزرگ به اقدام کنندگان آن امداد و معاونتی نموده باشد – حکومت عزیز پس از درخواست لازمه وفد مذکور ایشان حسن استقبال نموده و به طیب خاطر رضا داد که در خاك افغانستان عبور

نموده مقصود خود را اجرای کند وباینصورت بخواست از موافقت واقدام که میتواند بعالم معارف نماید خود داری کند .

دعوت

جمعیت العلماء برای حصول ملاقات جناب جلالتماب شهزاده محمد ظاهر خان بیگ دعوت محفل وپارتی ترتیب واز حضور شان التماس قبولی نموده بودند شهزاده محمد ظاهر خان دعوت شانرا پذیرفته به عمل ۱۱ بجه روز ۳ جوزا در پارك کوه شهر کابل بجای جناب عالیقدر جلالتمآب حضرت صاحب فضل عمر خان وزیر عدلیه که ترتیب ضیافت شده بود با منصبداران بزرگ عسکری وملکی جهان اخلاق واشفاق تشریف آوردند بهر کدام از علماء علیحده علیحده تلطف ومهربانی فرموده داخل اوطاق شدند مقاله را که فضایل همراه ملا عبدالکریم خان قندهاری کی و قصیده را کمیرزا محمد مدیر غلام خان منشی جمعیة العلماء درخیر مقدم در ذیل تشریف شهزاده والشاه کرده بودند قرائت شد .

درجواب شهزاده به بسیار یکی نطق فصیح ومختصر اظهار تشکر وادعیه توفیق خدمت دین وملت افغانستان وتوصیه اتحاد واتفاق نموده باندازه سه ساعت محفل دوام داشت .

بعد از صرف چای ونان مجلس اختتام یافت .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 131 of 896

قصیده خیر مقدم

از طبع آقای فاضل میرزا میر غلام خان منشی جمعیت العلماء

از جان و دل بخدمت شهزاده مرحبا
اهلاً وسهلاً است به تشریف وعد صفا
روح وروان ما بخوشی آمدی کنون
تحت قدم بود بتو اجرام جسم ما
چون جان نوی نیامده با غیرجد بجز
وبصورت محقر ما هم ترا فدا
امروز شا کریم ز الطاف وجود حق
بر اشیان عاجزما سایهٔ هما
نعم الامیر بود بباب فقیر از آن
این لطف حق نه بکطر فی بلکه برما
شهزادة راست نعمت اجر جزا بجا
علو تفاخر است چو شمس را ضیا
شهزاده را ثواب وبما فخر این جهان
فضل خدا بهر دو طرف بوده برملا
نعمت رسید بهر که ورا شکر لازم است
شکرانه وجوب بما دعوت از خدا
توفیق حق رفیق دو جانب بود مدام
حق گفتن بحق روش جمله کار ما
علم وعمل بخدمت اعلای دین پاک
ساعی شوند تا که مقاصد شود بجا
تا آنچه قوت گشته بپاس کهند رجوع
از فضل ضدر اول ومطلوب ماعد
باید که مرده دار بخاطر بود قرین
رهیابیت نباید وهم دهریت خطا
فرموده رسول خدا بود درا مور
آدم بامر مرده جهان باد مبتلا
در امر دین چنانچه بفر داشت اتفال
در کار ایبجهان بامید بکه شد بقا
از بهر دین شعایر دینی بود بدست
تا مستحب قیام شود همچو اتقیا
از بهر این جهان بکمالات جهدیه
از بعد فرض فرض عرف شد بدین ما
دین جامع بحقوق دنیا ودین بود
درهر دو دار این بودت مشعل هدا
آزرده گی زطول کلامم ترا مباد
در خاتمه دعای ترقی بملک ما
شه با پسر وجمله برادر ابناء آل
خو شوقت باد کاین دوالي دعم ما

خطابه

(فاضل ملا عبد الکریم خان قندهاری)

رکن جمعیته العلماء

حضار مکرم !

جاعل ظلمه وخالق ضیاء خالق ارض وسماء را هزاران حمد وثنا است که ملت ناجیه نجیبه را براه راست شریعت محمدی صلی الله علیه واله وسلم هدایت فرموده وبذریعهٔ پیروی آن ذات عالی که فخر کائنات واشرف مخلوقات است ماء ملیان ها را امتیاز بزرگ معین داده پیترین امم ساخت وبه انقیاد ومتابعت کتاب مقدس سماوي خود که برای همه امورات معاد ومعاش کافی وبهرگونه ترقیات عالم بکدستور وافي است سعادت اخرت اگر ما خود را بهترین ملل ساز بم وبرهنمای شعاع انوار شریعت دربی تحصیل ترقیات مادی ومعنوی وافزودن قوای روحی اسلامی مساعیات نه نمائیم نقص ما بر ماست به افضلیت وبرتری دین ما قصوری نیست ، باز خلاق احد را هزاران حمد بی عدد که یا ملت بیچاره افغانستان نعمت های گران بهای استقلال حاکمیت ، دیانت ، شجاعت ، غیرت آزادی شخصی ، وطن دوستی ، اطاعت اولی الامری عطا فرموده ودر یک محیط همچو افغانستان نشو نما داده تحت حمایه پادشاه مراحم همراه محبوب ملت خواه « اعلیحضرت غازی مان » را برادر های محترم وبازو های آهنین محکم داده که اجرات اقتدار حکومت بدر ستی وبفضل خداوندی هر یک ملت عزیز خود را از فلاکت ها نجی وفدائی قدر مساعی خودها کوشان میباشند .

همچنان اعلیحضرت غازی ما را بمصداق (الولد سر لابیه) شهزاده خلف الصدق محبوب علماء ودوستدار اهل الله را کرامت نموده که به نخستین قدم خود از فرط محبتی که با علمای حقانی وفضلای ربانی دارد دعوت عاجزانه امروزه جمعیت که یگانه اخلاص کیشان حکومت ومصلحین ملت بشمار رفته اند بصحبته قلب قبول وتشریف آورده اند .

لازمکه قدر وقیمت وجود مسعود این چنین شاه دیندار وخاندان باشرف شاهانه وشکرانه این بزرگ امروزه که فریضه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 132 of 896

خاصه ما جمعیة العلماء و بقیه ملت افغانستان میباشد دانسته به اوامر پادشاه خیرخواه ما که درعصر شان ابواب رحمت و شفقت مفتوح گردیده است محبت و صداقت کرده تبریک اطاعت و دریم ودعا و تحمیدش را همه وقت ورد زبان خصوصیت خود ها بسازیم .

درخاتمه از بارگاه حضرت کبریاء تضرع ونیاز میکنیم که الهی این شهزاده را که حالا قدم مبارک خود را زحمت داده شرف حضور دارند با نیاد خاندانی شان درظل عاطفت ذات شاهانه که یگانه مهربان ملت است از جمیع آسیب های زمان محفوظ وبرکنار داشته بکمال پیری و کامیابی مقاصد دینی ودنیوی برساند آمین .

خبر های داخلی

ورود

جناب مستطاب نور المشایخ ، حضرت نقیب صاحب جلال آباد ، دیروز صبح یکشنبه حمل ده بجه و ۱۵ دقیقه وارد کابل گردیدند .

مژده

عزت مند فاضل آقای دکتر فواد بیگ متخصص امراض چشم که چند ماه قبل بطور رخصتی به وطن خود (ترکیه) رفته بودند ، درین روز ها وارد کابل گردیده بست مفید ومهم خود را اشغال نمودند .

زلزله در پنجشیر

در اثر زلزله مهیب که در شب چارشنبه ۱۲ جوزا واقع شده بود درمنطقه پنجشیر خصوصاً استانه بازارك وامرز چندین خانه خراب شده است . هنوز تعداد تلفات معلوم نیست .

دار المجانین

در شماره گذشته از عاطفه و پرستاری اعلیحضرت به نسبت تاسیس یك شفا خانه جدید (علی آباد) بحضور قارئین عرض کردیم . اینك مطابق خبری که واصل گردیده معلوم می شود که به همین زودی ها یك دار المجانین نیز تاسیس می شود . « قلعه هاشم خان » دار لامان را که ازجهت آب وهوا وتعمیر وگوشه گی بهترین جاها است برای دارالمجانین انتخاب کرده اند . ومیگویند که در همین زودی ها مرمت کاری آن خلاص خواهد شد .

کاروان زرد

هیئت « کاروان زرد » که خبر اصول آن را در « اسلام قلعه » به شماره قبل ذکر نموده بودیم ، روز ۱۲ جوزا وارد شهر قندهار گردیده اند . ودر همین هفته وارد کابل خواهند گردید .

ورود وکیل نائب الحکومه

و . ج . ك احمد خان وکیل نائب الحکومه مزار وآقای علی احمد خان درین اواخر وارد کابل گردیدند .

در اداره زراعتی

دیروز حمل ۵ بجه ۱۵ دقیقه عصر اعلیحضرت غازی برای دیدن وتماشای ماشین جوجه کشی در اداره زراعتی واقع « گذرگاه » تشریف برده بودند معاینه وایضاحات که ازطرف آقای محترم نور محمد خان متخصص (دیپلومه مدارس فرانسه) داده می شد زیاده ازبیست دقیقه دوام کرده بعد از ان اعلیحضرت همایونی با مدیری همرکاب برای دیدن پیله خانه که درباغ بابر است و آقای محترم محمد شریف خان متخصص (دیپلومه فرانسه) آنرا اداره می کنند تشریف بردند .

انشاء الله درشماره های آتیه از تفصیلات آن وحسن توجه ع . ج آقای میرزا محمد خان وزیر تجارت و ع . س محمد اکبر خان مدیر عمومی زراعت وزارت و آقایان متخصص ، بعرض خواهیم رساند .

مکافات

ش محمد امین خان رئیس ارکان حربیه فرقه اول قول اردوی اول ، به نسبت قابلیت وحسن اداره به مکافات نقدی نائل ودر اثر تفتیش وحسن خدمت وصداقت از طرف قول اردوی اول به تحسین نامه تحریری نیز نائل گردیده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 133 of 896

مولف : له‌بلانه فرانسوی (۵) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام تسان ژین

فصل دوم

سقوط تویلری

کارزن : « بهتر است حکایه ات را دوام دهی در اینجا شوالیهٔ وجود ندارد . شبهه دارم که در ۴۸ ساعت هم یکی از آنها را نخواهی دید ، بگو به چه بر (پی تون) پرچه پیش آمده ؟ »

له فیور : — او حکم شده است که مقابل مجلس حاضر شود باین وسیله کم از کم محفوظ خواهد ماند . قسمتاً از این مرحله خوب نجات یافت . »

کارزن : آیا تا حال کدام جنگی هم در انجا واقع شده است یا نه ؟

له فیور : هنوز نی مگر (منسدات) قوماندان ، گارد ملی ، کشته شده است راستی نزدیک بود فراموش کنم تحفه عروسی که وعده کرده بودم اینست باین کلمات بازوی رخه خودش را در مقابل چشم های کارزن گرفته نقش دو دل را در یک شعله که تازه گی خالزده بود ظاهر ساخت که در زیر این کلمات خوانده می شد :

وفادار کارزن تا بمرگ

درین اثنا دفعتاً صدای شلیک پی هم فضا را به لرزه در آورده و آواز و صداهای توپ آنرا پاسخ داد کوچه دفعتاً از کاهلان و بیکاران خالی گردید .

له فیور : کارزن عزیزم خدا حافظ من باید بجائی که وظیفه ام مرا میخواهد بشتابم ...... هیچ خوف لازم نیست مدافع بر خواهیم گشت .

تفنگ خود را گرفته و معشوق خود را بوسیده جانب (تویلری) بشتاب روان شد .

***

تا به نیم روز که غرش مسلسل طوب ها منقطع نگردیده بود ، نعره های انقلابیون که بر (تویلری) حمله برده و فتح حاصل کرده بودند شنیده نه می شد .

شاه (لوئی شانزده هم) بعد از معاینه گارد ها حکم تدافع قصر را داده خودش بخانات پس و کدو باطاق مخصوص خودش منزوی شده بود ، از تمام آن فرقه های مختلف و متعدد که بقصر جلب شده بودند ، تنها دو فرقه اظهار وفاداری نسبت بشاه ظاهر نمودند . دیگران (لوئی ۱۶) را به نعره های انقلابی پذیرائی کرده و طوبچیان بعوض اینکه قصر را از حمله وطن پرستان مدافعه کنند ، با طوب های خود قصر را تخویف کردند .

شاه به وضاحت مشاهده نمود که کار از دستش رفته و خود را باخته است قوه و اقتدارش محو و محبوبیتش زائل گردیده ! بالنهایت فیصله نمود که خودش را به مجلس ملی تسلیم کند . این مجلس در عمارت مکتب سواری در موضعیکه حال هوتل (کونتیننتال) واقع است اجتماع داشتند . (لوئی) با سه صد نفر از گاردهای ملی و به همین تعداد گارد سویس از قصر (تویلری) بر آمده بطرف مجلس رهسپار گردید .

تعداد حقیقی این (گارد های سویس) ۹۰۰ نفر بود که همهٔ آنها با بهترین سلاح آراسته و اطاعت کورکورانه شان بحد کمال بود . این دستهٔ خورد عسکر که گارد شخصی شاه را تشکیل میدادند شرایطی که استخدام شده بودند کاملاً وفادار مانده مصمم شده بودند که در ادای فریضه خود را کاملاً محو سازند !

اکثرشان بدون زبان جرمنی چیزی نه میدانستند و از حقیقت مسئله انقلاب ناواقف محض بودند ، فریب افسران خود را خورده مدالات (شوالیهٔ داکر) در صبح دهم اگست کاملاً متفق بودند که شاه را در مقابل رهزنان که اراده کشتن او را داشتند مدافعه و حمایت خواهند نمود . بسیاری ازان ها بدهن ، گارد ها سپوتال ، که بر دروازه های قصر هجوم بردند ، متحیر شدند و فهمیدند که این ها دزد نه بلکه جامعه ملت و عسکر فرانسه است که اراده الغای سلطنت مستبده را نموده اند . در حالیکه متوقع بودند ارذل رعایا را در مقابل خود ببینند ! با ملت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 134 of 896

مسلح رو برو شدند و یونیفورمهٔ مجلل گارد های ملی ، آنها را بخوف انداخت .

(وستر مان) یك افسر سال خورده مجرب بسیادت عساکر انقلابی (مارسلیا) و (بروتین) با صول حربی در مقابل قصر پیش میرفت ، و گارد سویس آنها را از دریچه های قصر مدافعه میکرد . وستر من ، چون دید بان وضعیت مقابله بسیار دشوار است و بجز از دادن تلفات فایده میسر نه میشود بزبان المانی گارد ها مخاطب ساخته از شلیك بر اهالی بی سلاح منع شده و بترك ملازمت وبیرون آمدن از قصر تحریك نموده . وستر من تا یك اندازه کامیاب شده بعض از گارد ها بعلامه تسلیم تفنك های خود شانرا از غرفه های قصر بیرون آویختند .

وطن خواهان جرئت یافته یك حصهٔ از زینه های قصر را اشغال نمودند . ولی حصه انتهائی زینه را دیدند مستحکم است ودرعقب استحکام دونفر از (گارد های سویس) برای دفاع آماده ایستاده است . منظر این کوهی های بلند قامت با یونیفورمه های مجلل که مانند مجسمه ها صامت وساکن ایستاده بودند قلب بیننده را از خوف واحترام مملوی ساخت . چندی از ثان با یان یاروس یك (سیور) خوبی یافته یك یا دو نفر از این مجسمه ها را با چنگالك های ثان بتی خود پایان کشیدند !

این بازی خطرناك هنوز جریان داشت که دفعتاً برخلاف توقع باران گله بر مردم بی پنا وملتجاء باریدن گرفت .

اگرچه تا حال معلوم نیست که مسئولیت این قتل عام بردوش کیست ولی میگویند که بعض از شرفا واصیل زادگان که بحصهٔ انتهائی زینه وعقب استحکام ایستاده بودند ، چون بعض از گارد ها را مایل به مصالحه با انقلابیون دیده بودند بی خود انه شروع به آتش نمودند .

این شلیك مدهش میدان را از شهدای راه حریت مستور وجوهای خون را بر زینه های سنگ مرمر سفید روان ساخت که بخار ان باروت تفنگ هوا را تیره وتار گردانید .

بمجردی که این اشاره شلیك از دوازه عمارت داده شد صدای فیر تفنك از هر حصه قصر بلند گردید . دو بیلق گارد های سویس بعض از شرف زادگان فرانسوی بودند که برای دفعهٔ اول یونیفورمه پوشیده بودند ولی گله های مهلك شان از پناه دریچه های مستحکم ملت چیان بی سلاح وبناه را درو می نمود . میدان از غوغای جیان پاك گردیده و (گارد ها) تاه کوچه (سنت اونور) آنها را تعقیب نمودند ، که درین اثنا عساکر انقلابی باطوب های خود برگشته سویس هارا مغلوب وفاتحانه قصر درآمدند هیچ قوهٔ مقابلهٔ این سیلاب خروشان را کرده نه می توانست . اکثر گارد های شخصی شاه خواه در باغ ویا در قصر بودند بقتل رسیدند ویك حصهٔ شانرا تا به (شاتزاری) نیز تعقیب وعکار نمودند . درعین زمان بسیاری از آنها را فاتحین شان از پنجهٔ انتقام اهالی به خون تشنه نجات نیز بخشیدند .

حال باید قدری متوجه کاترین شوم بعد از رفتن له فیور هیچ خبری از عاریه نشنیده بود وبه ویدانست معامله بکجا انجامیده ؟ حس تجسس فوق العاده که داشت اورا تابه میدان (کاروسل) کشانید . شایق بود به بیند که آیا پسته میخواهد که میدان را برای عروسی او خالی ساخته خودش از میان بدر رود یانه ؟ وهم آرزو داشت درمیان داوطلبان نظری به چهرهٔ لمرد جوان خودش بیندازد . فکر اینکه معشوقاً سارجن خود را از دود باروت سیاه ومانند غولی درصف اولین مدهش طوبهای قصر خواهد دید ذره خوف دررقب مردانه او تولید ننموده بلکه بکمال استقامت بطرف قصر پیش میرفت .

یگانه آرزویش این بود که در کنار سارجن بوده با او فشنگ برساند ، بلکه اگر ممکن باشد خودش تفنگ بدست گرفته و بر حامیان وخانه استبداد آتش کند !

تا آنکه بر دشمن غلبه کرده با او یك جا فاتحانه برگردد و یا یکی در آغوش دیگر لشرف جاودان نایل گردند .

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 135 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 136 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید
رسید عوض و معاوضه باشد

مطبعهٔ انیس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 138 of 896

شماره (۸) — مجلد (۹)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۲۵ جوزا ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۸ محرم ۱۳۵۰

مسئولیت در کار

(۲)

سلسله مسئولیات در نظام پیش رفت دنیا مضمر است، و بدون آن انسانیت تکمیل صورت گرفته نمی تواند. و این حقیقت را این مسئله اثبات می نماید که با سیر تکامل ملل و جوامع او با ترقی انسان و انسانیت مسئولیت ترقی میکند و پیش میرود و تکمیل می نماید، و در اثر آن لازم میشود هنوز هم اقدامات جدیدی نموده برود و هر اقدام یک بار بزرگ مسئولیت دیگر را بر دوش او می نهد و به همین سلسله در هر جا مسئولیت به قدر ترقی انسانیت ترقی کرده می رود. و با پیش رفت انسانیت یکنوع تعادل دارد، گاه در اثر ترقی آن ترقی می کند، و گاه با ترقی خود ایشان را تحریک و تشجیع نموده پیش می برد.

خلاصه مسئولیت بزرگ ترین قوتیست برای آنکه چرخ های عرابه انسانیت را به دوران آورده در راه تقدم و تعالی سوقش دهد، و اینکه معقب مانده ایم و سرعت لازمه را در پیش بردن امور خود و در پیش رفت خود نداریم، محض از همین جهت است که مسئولیت و جوابدهی خود را در مقابل وطن و جامعه خود نشناخته ایم.

مسئولیت در دنیا بصور مختلفه وجود دارد گاهی خود از افعال و حرکات خود در نزد حکومت و هیئت اداری مملکت خود مسئول و جوابده واقع میگردد، در صورتی که مسئولیت خود را بجا نیاورده باشد مورد عتاب و مجرا که بازجر و تعذیبات جسمانی واقع میگردد. و یا موجودیت خود را باخته کشتی می شود و از صفحه هستی رخت بر می بندد، گاه (در ممالک متمدن) در نزد افراد جامعه مسئول واقع گردیده مورد تقرین عوام میگردد گاهی یک لایحه مثبت سند اعمال و مساعیش از ادای یک وظیفه بر او وارد می آید، و از آن رهگذر تشفات زیادی میکشد.

مگر فراموش نباید نمود که هر کدام این مسئولیت و مجازات را نمی توان ضمان قانونی نمود که بهر صورتی از صدور وزشت باشد، و در نتیجه کار بد واقع گردد چه بسیار دیده شده است که در ممالک اروپا اشخاص دوزدیک حکومت تحت مجازات و مسئولیت آمده اند، مگر مسئولیت شان طوری نبوده است که از آن دروازه وجدان خود مطعون واقع گردیده یعنی آن اقدام (اعتباراً) حیثیت در نتیجه یک فکر مستقل و اساسی بوده است، چنانچه زمانه در تاریخ مجدد آن را تقدیر نموده.

مگر بزرگ ترین مسئولیات که همواره حق و راستی میباشد و هیچ گناه به غلط نمی رود، مسئولیتی است که انسان در دروازه وجدان خود داشته باشد و این مسئولیتی است که انسان باید همواره از آن اجتناب کند و نگذارد که بدان مبتلا گردد. چه بسیار به ملاحظه پیوسته است که مسئولیت وجدانی اشخاص را به انتحار و قتل نفس وادار نموده است یا دیوانه ساخته عقل او را مختل نموده است بهر حال می توان بخوبی روشن نموده که این مسئولیت بزرگ ترین مسئولیات است و عذاب وجدانی که شخص بدان دچار میگردد، سخت ترین عقوبات است؟

باری در آخر این همه گفتگو باید از خود سوال کنیم که چرا هیچ وقت هیچگونه مسئولیت را نشناخته ایم و چرا در اعمال و اقدامات خود مانند یک شخص مسئول مبادرت نمی ورزیم؟ (...)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 140 of 896

دارالایتام

دارالایتام ، و ایتیم خانه ، که وجود آن مرجع انتظار وتکای فقرای ناتوان و اسباب امید واری واطمینان ناتوانان است درهر مملکتی این موسسه موجود وفقط تاچندی پیشتر متاسفانه مملکت ما فاقد آن بوده اولیاء امور گذشته مدرین مورد مهم اقدام وبذل توجه ورأفتی نکرده بوده اند .

وقتیکه انسان درموت وهنگام نزع ومفارقت روح یک فقیر وبینوا را تصور گردد واحساسات وافکار ما یوسانهٔ اورا در بارهٔ اولاد یتیم و بازمانده گان فقیر بی پرستارش فکر میکند ، میداند که آن مظلوم دوره غربت وبینوائی وآن الم رسیدهٔ پنجه فقر و بیچاره گی در آن لحظهٔ هولناک که بدترین احوال وهنگام مفارقت بهترین ومحبوب ترین آرزوها وآمالش یعنی خاموشی شمع حیات وجدائی جان شیرین ومطلوب زنده گی اوست در آن موقع چه مرارت وتلخی احساس خواهد کرد .

شاید باوجود مرارت سکرات وتلخی نزع بیشتر تشویش واضطراب قلب ووحشت برای اولاد وغم اندیشهٔ آتیهٔ آن خواهد بود البته در آن لحظه مدهش تلخی مرگ چندان اذیتش نمیکند نسبت به آنچه که این اندیشهٔ ملال انگیز حسرت خیز موجب اندوه وزحمت او می شود .

غالباً دیده شده که اشخاص سفیل و دزد واوباش از همان طبقه اولاد های یتیم برآمده اند که پدران شان بغربت مرده ودر دم آخرین حیات نسبت به آتیه اینها قلبی سوختانده واشکی ریختانده بودند ، زیرا معلوم است اولاد یتیم فقیر بی پرستار طبعاً لاقید واز آن سبب گریزان وعاری و از قبول حرفه وشغلی بی میل وبه مفت خوری وبیکاری اوقات سپری مینمایند ، پس در مورد این گونه اطفال که آتیهٔ شان منجر به فساد واسباب زحمت اهالی ووجود شان که ننگ بدامن یک ملتی می شود . ابنای بشر نزد خدا وجامعه ملی مسئول خواهند بود که این مطالب را فهمیده وبه آن بیعلاقه مانده واعتنائی به این مسئله نکرده باشند ، متولیان ومقتدرین این دورهٔ گذشته ما صرف نظر از رعایت ندادشتن به شئون ووظائف نوعیه متاسفانه احتیاجی باو امر دینیه هم نکرده اند که دیناً تعقد وپرستاری این گونه ایتام بما مسلمین امر ولازم شده است .

شاه دیندار نوع پرور ما اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بروز های اول جلوس ذات شاهانهٔ خویش به این موضوع عطف التفات فرموده و صحه وتله جگر خراش فقرا خاتمه داده چندین مرتبه از معاش سخاوت و شرافت شخصی اعلیحضرت خود مبالغ خطیری وسیله بلدیه و دیگر هیئت های خیریه فقرا بذل ونثار و تا کنون هم سراً وعلناً باین رأفت پدرانه مراحم همایونی را در حق فقرا مبذول میفرمایند ولی برای چارهٔ اساسی اعاشه و ادارهٔ اولاد ایتام غربای ملت خود تاسیس یتیم خانهٔ را بدوا در تحت توجه آورده ونظر به افلاس خزائن دولتی و بلدی یکصد هزار پول اعانه بوسیله انجمن امدادیه ملی از مامورین ودیگر اهل خیر این شهر تهیه وچون آن مبلغ حوائج عمومیه را مکفی شده نمیتوانست لهذا مضاعف آنرا از طرف قرین الشرف ذات همایونی خود امداد فرموده ومحل اقامت وآسایش وتربیهٔ آنها را یکی از عمارات موزون ومناسب دولتی در قلعه باقرخان تخصیص فرمودند .

اکنون که مدت قلیلی از تاسیس این موسسه تاریخچه خیریه در عصر نادر شاهی میشود این موسسه با نهایت خو

مواضع واحد فروشی

انیس و مجله کابل

انیس :

۱ ــ دوکان محمد الله خان کتاب فروش بازار کتاب فروشی

۲ ــ خوا جه معصوم خان بازار ده افغانان

قیمت یک نسخه ۳۰ پول

مجله (کابل) و (مجموعه صحیه)

۱ ــ دوکان عبد الاحد خان کتاب فروش بازار کتاب فروشی

مجله کابل قیمت یک نسخه یک افغانی

مجموعه صحی قیمت یک نسخه نیم افغانی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 141 of 896

و اطمینان دایر بوده وتعداد (۱۰۰) نفر اولاد های یتیم در آن اداره ولوازم خوراک و پوشاک و وسایل تربیه وتعلیم شان بخوبی مهیا وجاری است . لهذا در وقت حاضر از حضور ملوکانه اراده فرموده شده که چون اساساً دارهٔ یتیم خانه مربوط به بلدیه بود و آنموقع محض وص پریشانی و افلاس بلدیه این موسسه در تحت توجه مخصوص اعلیحضرت غازی و بوسیله انجمن امدادیه ملی اداره می شد ثانیاً بمرجع اصلیش مربوط بوده وما اینهم که اطفال بالنهایت راحت ودرستی امرار کرده میتوانند حضور شاهانه مساعدت ومراحم خصوصی شان را از این موسسه مضائقه نخواهند فرمود .

امید است بعد از این اولاد های یتیم و بیکس وطن بذلت وخواری وبیچاره گی ها نیافتده معروض سیر حوادث وبدبختی نشوند .

جنگ آتیه

پیش بینی ژنرال لودندرف

کمتر کسی امروز پیدا میشود که اسم ژنرال لودندرف فرمانده آلمانی را نشنیده باشد . این صاحب منصب عالی رتبه که در صف رجال لشکری دول معظمه مقام اول را در دنیا دارا است و صیت شهرتش جهان تمدن را فرا گرفته اخیراً از تالیف کتاب خود در سیاست وجنگ وفن تعبدالجیشی و استعمال آلات و ادوات مختلفه جدید جنگی فراغت حاصل کرده . و در آن کتاب راجع بجنگ آتیه و پریشانی و ویرانی آن مشروحاً بحث و باهد ترین صورتی آن را از حیث خطرناک بودن مجسم کرده است . ژنرال مشار الیه وطرق نظریات و آراء خود را بتحدث و تخمین نقشه خطوط سوق الجیشی را در جنگ آتیه که از طرف دول اتخاذ میشود و در موقع شروع بجنگ قشون خود را از خطوط مرزی بمیدان جنگ سوق میدهند شرح داده ، پس نقشه خطوط سوق الجیشی دول ترکیه هلند و نروز اسپانی و پرتقال را که پس از شعله ور شدن آتش جنگ شرکت میتواند شرح داده آنوقت نقشه میدانهای جنگ و جبهه هائی را که تشکیل داده میشود با دقت و مهارت خصوصی طرح و وصف نموده است .

محافل لشکری پس از انتشار کتاب مزبور اندازه نسبت بمندرجات آن توجه نموده و پیش بینی های این ژنرال را فرمن دهان بزرگ لشکری تمام دول مورد توجه و اعتنای مخصوص قرار دادند ، مهم ترین گفته های این فرمانده آلمانی و پیش بینی های او را امروز بطور خلاصه برای خوانندگان ترجمه میکنیم که چند در میدان تنازع بقاء و زندگی و وحیات چه غوغا و هنگامه ای برپاست .

ژنرال لودندرف میگوید : معاهدات و قرار دادهائی که بین هر یک از دول فرانسه بلژیک و لهستان چک اسلواکی و رومانی و یوگوسلاوی منعقد گردیده جز مقدمه ای برای فروختن آتش جنگ جنگی که کودکان خورد سال در کهواره از احوال و مخاوف آن پیر میشوند نمیباشد چه دول مزبور از حیث مهمات وساختن اسلحه وتجهیزات لازمه لشکری باندازه ای سعی کرده و میمایند که در موقع خود قدر خواهند بود تمام سکنه خود را بطوری قوی ومجهز سازند که تمام افراد لشکری آنها از فرق سر تا نوک پا غرق در آهن و فولاد خواهند شد ، علاوه بر این عده لشکر یانی که دول مزبور برای جنگ آماده نموده اند که در جنگ آتیه شرکت نمایند بالغ بر دوازده میلیون نفر میشود و راه آهنهای مخصوص اقتصادی تجارتی بطوری احداث گردیده است که در هر موقع که اراده کنند میتوانند آن را براه آهن جنگی برای کار های سوق الجیشی مورد استفاده قرار دهند و هم چنین کارخانجات و موسسات صنعتی دیگر که تمام آنها بموقع خود تبدیل و تحول شان برای کار های جنگی آماده میباشد . علاوه از تمام مساعی و مجاهدت هائی که مشهور مونسولینی زعیم فاشیست های ایطالیا برای مقام گذاردن مقاصدی که باعث شعله ور شدن آتش جنگ است بعمل آورده و بوده میباشد و ملاحظه میشود که خود او هم این حقیقت را اقرار و اذعان کرده است که مساعی او در این راه بیفائده است و بالنتیجه می بیند که او امروز در بین دول دوستانی برای خود دست و پا میکند که او را مساعدت کرده و در موقع حدوث جنگ قویترین بازوها و قوه ان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 142 of 896

اداره های رجال و بزرگان برای جلوگیری از آن متزلزل و لرزان است او را پشتبان باشد .

• جبهه سیاسی دو دنیا بدو قسمت تقسیم می شود که در قسمت اول شمال فرانسه بلژیک لهستان ، چک اسلواکی رومانی و یوگوسلاوی پشت سر هم ایستاده و در قسمت ثانی دول آلمان انگلستان ایطالیا ، روسیه ساوتی ، مجارستان اطریش ، ترکیه ، یونان و بلغارستان در مقابل دسته اول قرار گرفته و دول هلند سویس ، دانمارک دست آخر بطرف لاتینی ملحق می شوند . • پس از آنکه ژنرال شرح مبسوطی راجع بتأثیر عمیق عملیات و فعالیتهای حزب فاشیست آلمان در توده ملت آلمان داده می نویسد • فاشیستهای آلمان کاملاً موفق گردیده که تمایل یک قسمت از آراء عمومی را نسبت بالحاد با ایطالیا جلب نماید و شکی ندارد که جرقه که برای افروختن آتش جنگ جستن خواهد کرد از فرانسه جستن نموده و با انبار های باروت ایطالیا سرایت مینماید و موجب فروزان جنگ از میان دو دسته قشون فرانسه و ایطالیا زبانه کشیده و دنبال خود خرابیها و ویرانی ها و پریشانی ها عدیم النظیری را میکشاند ولیکن آیا فرانسه پس از دست بقه شدن با ایطالیا در جنگ قوی باقی خواهد ماند ؟

• این سؤالی است که بایستی در جواب آن مطالعه کنیم . فرانسه ناگزیر در این جنگ دو چار ضعف خواهد شد و

در همین موقع حکومت ساویت فرصت را غنیمت شمرده بار سنگین خود را در جبهه جنگ برای محو فرانسه فرود میاورد ولی آلمان که در ابتدای جنگ گذشته موفق شده زیاده از پنجملیون نفر قشون کامل تحت السلاح به میدان های جنگ سوق داده در جنگ آتیه بیشتر از صد هزار نفر نظامی نخواهد توانست که در میدان جنگ حاضر نماید . با این وضعیت نمی تواند که با متفقین خود هیچگونه مساعدتی نماید بنا بر این دخول او در جنگ آتیه جز اینکه مملکت خود را در معرض فنا و زوال قرار دهد چیز دیگری بشمار نخواهد رفت آری درست است که در آنجا یک عده زیادی از افراد قشون قدیم وجود دارد ولیکن از وجود آنها در مقابل عده قشونی که با جدید ترین آلات و ادوات جنگی مجهز اند چه فائده مترتب خواهد بود ؟ تعالیاتی را که قشون قدیم میتواند از خود بروز دهد محصور ماندن در ضمن دایره مصادمات بی نتیجه است که هیچ فایده نداشته و نخواهد داشت جوان های آلمان هم که عده شان زیاد است در آن جائی باشد آنها هم همین حال را خواهند داشت و بطوری که نقل می کنند جنگ آتیه چنین مقرر داشته که جوانهای من بعد را بروسیه و ایطالیا اعزام میدارند که آن ها را برای فنون لشکری و جنگی مهیا سازند و آماده شرکت در میدان جنگشان کنند این گفته ها نزد من قدر و قیمتی ندارد چه بنیاد این حرفها بر روی آب است بیهوده سخن سرائی میکنند یک همچو اقوالی را جز اشخاصی که از جنگ فقط اسم آنرا شنیده اند و از بطون و حقایق حیات لشکری اطلاعی ندارند آنها قبول میکنند .

و پس از آنکه ژنرال لوندرف از چگونگی وقوع جنگ آتیه و عده دولی را که در آن جنگ شرکت خواهند کرد بحث مفصلی نموده از خود سؤال میکند و آیا در چه زمانی جنگ وقوع خواهد شد ؟ آیا در سال جاری و یا در سال ۱۹۳۳ جنگ در گیر میشود • علت اساسی که یکی از دول را وادار بافروختن آتش جنگ خانمانسوز می نماید چیست ؟ آیا گرانی زندگی که فعلاً در هر نقطه از نقاط دنیا حکمفرماست باعث شعله ور شدن آتش جنگ خواهد شد ؟ آیا حدوث یک قحطی و گرسنگی که شامل تمام روی زمین می شود باعث جنگ میگردد ؟ و یا آن هیجانی که از این علل پست بلکه وقوع شورش و انقلابات داخلی در ممالک است که باعث جنگ میشود جواب دادن سؤال اخیر یکی از مشکلترین جوابهاست ولیکن ما را چه باک که در علل حدوث آن فعلاً گفتگو کنیم از حقایق مسئله که هیچ گریز و مفری از قبول آن نبوده و شك و شبهه ندارد حدوث جنگ بین دول اروپا و آسیا در سال ۱۹۳۳ است دیگر آثار و قرائن و دلایل قویه وجود دارد که چون و چرا بردار نبوده و جنگ واقع خواهد شد .

• هر گاه دول روز و هلند ابتدائی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 143 of 896

و بر تقال و ترکیه را مستثنی کنیم خواهیم دید که جنگ آتیه ناچار در بادی امر بین سایر دول واقع خواهد شد و پس از ۲۱۴ روز از گذشتن این جنگ دولت ساویت در آن شرکت خواهد کرد و پنج ملیون نفر لشکری بمیدان های جنگ سوق خواهد نمود نقشه جنگی عساکر مزبور ها تا پیشرفت دو ۲ ربك از سرحدات رومانی و لهستان است . در اینجا ترکیه شروع به شرکت در جنگ آتیه خواهد کرد و یکصد هزار نفر قشون ترك در موقع عبور قشون روسیه ساویتی از سرحد رومانی بعساکر ساوتی ملحق شده و رومانی را لکد کوب می نمایند و محتاج بان نیست که بگوئیم عساکر ترکیه و ساوتی بواسطه تفوق عده قشون رومانی را مجبور بعقب نشینی خواهند نمود. همانطوری که عساکر روسیه قشون لهستان را نیز مجبور خواهد نمود که موقع جنگی خود را به روسیه واگذارد و بقهقرا عقب نشینی اختیار کند جنگ بین قوای مزبور بشدت در گیر خواهد بود . تا روز ۲۲ از گذشتن جنگ سپس از آن شدت اولیه تخفیف پیدا میکند زیرا هر یك از دستجات قشون لهستان و رومانی موقعیت دفاعی را بخود گرفته و قشون ترکیه و ساویت شروع بمهاجره خواهند کرد .

• مهمترین چیزی که در این جنگ شخص را دو چار تفکر میسازد اینست که عساکر ترکیه و ساویت دو مملکت رومانی و لهستان را بکلی متصرف وظاهراً چنین معلوم میشود که اسرای جنگ آتیه از مرگ رهائی ندارند چه قرائن و آثار نمایان است که میگوید بیات دول شرکت کننده در جنگ آتیه تمام متوجه اعدام اسرای جنگ میباشد. اینجاست که پشت هر با قدرتی از شنیدن اسم این جنگ میلرزد. در روز ۳٤ از اعلان جنگ دول بلغار ــ یونان یوگو سلاوی در جنگ شرکت خواهند نمود . عساکر ساویت از ممالك اروپای مرکزی عبور می نمایند و در همین موقع دول هلند وسوئس نیز به آنها ملحق میشوند و مدتی پیش نخواهد گذشت که انقلاب داخلی در روسیه شروع و آتش شورش روشن می شود در این حیص و بیص دول چین و ژاپون فرصت را غنیمت شمرده آنچه میتوانند از خاك روسیه را متصرف خواهند شد . •

ژنرال لودندرف راجع بموقعیت ممالك فلسطین و عراق و سوریه در این جنگ که از گذارشات آتیه گفتگو میکند چنین اظهار مینماید که : • ممالك مزبوره ملحق بترکیه می شوند و یك دسته آسیائی قوی را تشکیل خواهند داد ؛ مصر در این میانه باستقلال تام و تمام خود نایل خواهد شد . سیاهان افریقا بر علیه سفید پوست ها شورش و قیام می نمایند آزادی و استقلال مغصوب خود را بدست می آورند همانطوری که هندوستان هم بر علیه بریطانیا شورش نموده و او را مجبور بجلای از وطن خودشان می نمایند که بجزایر بریطانیا بر گردند و همین باعث سرنگون شدن کاخ عظیم امپراطوری بریطانیا در آسیا و اروپا خواهد شد .

• قوای بحری امریکا بقوای بحری ژاپون هجوم می نمایند . آتش جنگ در عرض اقیانوس بین دو قوای مذکور شعله ور میشود فتح نصیب امریکا خواهد بود و بالاخره نفوذ اروپائیان ضعیف گردیده و منتهی بزوال آنها از آسیا خواهد شد . آسیائیها قوی شده و دارای نفوذی نظیر نفوذ و قدرت مغرب زمینی ها میشوند در تعقیب این وقایع قحطی و گرسنگی و جنگ های داخل در ممالك اروپا که از میدان جنگ بیرون آمده اند حادث می گردد این ممالك در آن موقع صورت یك تل خاکستر را پیدا میکنند . جنگ های داخلی و شورش ها و انقلابات در سر تا سر ممالك مغرب زمین شروع و منتهی باضمحلال اروپائیان میگردد .

• آری ملل آسیا و افریقاست که بین از جنگ آتیه در دنیا سیادت خواهند نمود . •

ژنرال لوندرف کتاب خود را با ذکر این عبارت ختم مینماید : • گمان میکنید که من در جنگ آتیه فرماندهی قشون آلمان و انگلیس را عهده دار خواهم شد . به این جهت اعلام می نمایم که فرماندهی قشونی در جنگی که نتیجه آن نابودی آلمان وطن محبوب من می شود

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 144 of 896

قبول نخواهم کرد و باینکه هیچ گونه شرکتی در هیچ یك از اقدامات این جنگ بهیچوجه من الوجوه نخواهم نمود . »

(حصار عدل)

تدقیقات ادبی :

مولانای بلخی

(مشهور به رومی)

طوریکه حکیم سنائی می فرماید :

آسمانها است در ولایت جان
کار فرمای آسمان جهان

در ره روح پست وبالا ها است
کوه های بلند وصحراها است

انسانهای که مقابل هرمجهول یك اشتیاق تحمل گداز می پرورانند ، وقتیکه شمهٔ ذکاء در ظلمت های کثیف وجود خویش متوجه میسازند ، و تنها بدان احتیاج بکشف وباز معنویت موفق گردیده در نهایت یك (سیدنك) بی سوق می شوند .

طوریکه فیلسوف بوترو می گوید هریك از این علامه هایك پیشکوئی بوده اند که قبل از تأسیس علم روح خیلی در این راه طی مقامات نموده اند ، شناختن هر یك از این سیاحین عالم روح عیناً به منزله معارفه است با کاشفین دیار باطن .

از بودا تا گوته ، در شرق وغرب از این گونه راهیان خیلی ها بمیدان آمده اند .

در شرق حافظ ، بعضی هندی ، سنائی ، مولانای بلخی وغیره وغیره ، درغرب باعتقاد غرب بان بلوتن ، افلاطون فرانسوا داسیز ، اسپینوزا شلایه رماخه ر ، لامرتین ، در مدنیت واعتقاد راسخ ، اسلامی بلاشبهه یکی از صوفیان بزرگ مولانای بلخی مشهور به رومی است .

مولانا از تأثیر عصر در حیات ومدنیت اسلام باشخصیت عظیم وآثار فوق العادهٔ خود . . . تحقیق اجرا نموده ، این علامهٔ بزرگ شعر وحکمت وطن را اقلاً باست از دیگر ملت های که بدان منسوب نیست ما کمتر علاقه نشان نداده ایم ، مثلاً در انگلستان در (کیمبریج) پروفیسران بزرگ باعلمی ترین اصول نسخه های قدیم مثنوی را تدقیق کرده مجدداً طبع می نمایند .

وکتابهای غزل های وجد آور آن را از (دیوان کبیر) و در غرب بزبان های مختلف نقل وترجمه می نمایند وآوازهٔ یك قسم رباعیات آن از مناقب العارفین فرانسه و بزبان هنگری ترجمه می شود وحتیکه عین آن را (گک دن هراد) فرانسوی ترجمه می نماید ، خصوصاً در این موقع مهمیکه در وطن از هر طرف جوانان واربابان قلم مملکت در صراف تدقیقات حرفی و کلتوری وتجسس ودریافت آثار عظیم اسلاف وبزرگان افتاده اند ، تابدان پیرایهٔ مفاخر رات صفحات تاریخ درخشان خود را زیب دهند وتوجه بادشاه ولاجاه ما که در این مورد موافقت وحتی مساعدت می نمایند ، فقط بیت از اینکه این شخصیت مهم وطن را برای هموطنان همچنان فراموش شده بگذاریم ، وشبهه نیست که شخصیت مولانا تا اول از مطالعه مثنوی و (دیوان کبیر) غزلیات آن ودو رباعیات ایشان — که این دو اثر اخرالذکر در وطن از نظر بدور انگشته وحتی ندیده ام — کسی بخوبی شناخته نتواند ، رباعیات مولانا که عبارت از دوهزار ودو رباعی است وقتیکه در اثنای اقامتم در استانبول یك نسخه قلمی آن را بتوسط یکی از دوستان مطالعه نمودم ، وبه نسبت ذوق وعلاقهٔ درونی که از قدیم بدین ذات بزرگ وار داشتم یك قسمت از آن رباعیات را بطور انتخاب استنساخ نموده ، واینك موقع را غنیمت شمرده آن را بطور نمونه وشاید خاتمهٔ مقاله اجل این رجل بزرگ وطن در صفحات جریده ملی (امان) به انظار قارئین تقدیم میدارم ، تا علاقه مندان این ذوق وعلامهٔ روحی وطن را شناخته بدین صدد وجمع آثار خلدآن توجه گماشته وهم در حین جمع وتدوین تاریخ ادبی که برای اخلاف مایك میراث هم حرفی واقعاً رات تاریخی شمرده می شود محل علی الانتخاب نموده موقع ومقام بلندش را فراموش ننمایند .

محمد اسمعیل
معلم قندهار

رباعیات :

۱

آن وقت که عمر کل شود ذات مرا
روشن گردد جمال ذرات مرا

زان می سوزم چو شمع اندر ره عشق
یك وقت شود جملهٔ اوقات مرا

۲

ای دوستی بدوستی فریبم تو را
هر جا که قدم نهی زمینم تو را
در مذهب عاشق روا کی باشد
عالم بتو بینم و نبینم تو را

۳

بر زه گره زلا نهادم دل را
خلاص ز بی تو پای گشادم دل را
آزاد مرا بوی تو آمد امروز
شکرانهٔ آن بباد دادم دل را

۴

با عشق روان شد از عدم مرکب ما
روشن ز شراب وصل دایم شب ما
زان می که حرام نیست در مذهب عشق
تا صبح عدم خشک نیابی لب ما

۵

تا با تو بدم نخسبیم از یاری ها
با تو بدم نخسبیم ز زاری ها
سبحان الله که هر دو شب بیدارم
تو فرق نگر میان بیداری ها

۶

من ذره و خورشید لقائی تو مرا
بیمار غمم عیسی دوائی تو مرا
بی بال و پر اندر پی تو می پرم
من کاه شدم چو کهربائی تو مرا

۷

نور فلک است این تن خاکی ما
رشک ملک آمد است چالاکی ما
گه رشک برد فرشته از پاکی ما
گه بگریزد دیو ز بی باکی ما

۸

امروز چو هر روز خرابم خراب
مگشا در اندیشه و برگیر رباب
صد گونه نماز است و رکوع است و سجود
آن را که جمال دوست باشد محراب

۹

سبحان الله من و تو ای در خوشاب
پیوسته بهم لقمیم در هر باب
من بخت توام که هیچ خوابم نبرد
تو بخت منی که در نیائی از خواب

۱۰

آری صنما بهانه خود کم بودت
تا خواب بیامد و زما بر بودت
خوش خسب که من تا بسحر خواهم گفت
فریاد ز بی کسان خوب بودت

۱۱

از بی یاری طرفه‌تر یاری نیست
از بیکاری لطیفتر کاری نیست
هر کس که ز عیاری حیله ببرد
والله که چه و زر کت و عیاری نیست

۱۲

امروز من و جام صبوحی در دست
می افتم و می خیزم و می گردم مست
امروز بلند خوش من مستم و مست
من نیست شوم تا بود چیزی هست

۱۳

امشب شب من آنک ضعیف و زار است
امشب شب پرداختن اسرار است
اسرار دلم جمله خیال یار است
ای شب مگذر زود که ما را کار است

۱۴

انصاف بده که عشق نیکو کار است
زانست خلل که طبع بد کردار است
تو شهوت خویش را لقب عشق نهی
از شهوت تا عشق راه بسیار است

۱۵

اندر دل من درون و بیرون همه اوست
اندر تن من جان و رگ و خون همه اوست
اینجا چگونه کفر و ایمان گنجد
بیچون باشد وجود من چون همه اوست

۱۶

آن تلخ سخنها که بجانان دل شکست
انصاف بده چه لایق آن دهنست
شیرین لب او تلخ نگفتی هرگز
این بی نمکی ز شور بختی من است

۱۷

آن کس که روی خوب او رشک پریست
آمد سحری بر دل من او بگریست
او گریه و من گریه که تا امد صبح
پرسید که از هر دو محب عاشق کیست

۱۸

این وصل بهار نیست وصل دیگر است
مخموری هر چشم ز وصل دگر هست
هر چند که جمله شاخها رقصان است
جنبیدن هر شاخ ز راه دگر است

۱۹

این مستی ما ز بادهٔ حمرا نیست
ای بادهٔ بجز در قدح سودا نیست
تو آمدهٔ که بادهٔ من ریزی
من آن هستم که باده ام پیدا نیست

۲۰

این عشق شه است و رایتش پیدا نیست
قرآن حق است و آیتش پیدا نیست

هر عاشق از این صبا اثری خورده است
خونی خورده و جراحتش پیدا نیست

۲۱

ای از تو دلم پر سمن و یاسمن است
از دولت تو کیست که او هیچو منست

بر خواستن از جان و جهان مشکل نیست
مشکل ز سر کوی تو برخواستن است

۲۲

ای تند مدان که خواجه شرق اینست
از ابر گهر باز ازل برق اینست

تو هر چه که گوئی ز قیاسی گوئی
او قصه ز دیده میکند فرق اینست

۲۳

ای حسرت خوبان جهان روی خوشت
ای قبله زاهدان دو ابروی خوشت

از جمله صفات خویش عریان گشتم
تا غوطه خورم بر هنه در جوی خوشت

۲۴

ای جان خبرت هست که جان تو کیست
وی دل خبرت هست که مهمان تو کیست

ای تن که به هر حیله راه ...
او می کند و ببین که جویان تو کیست

۲۵

یاد آمد و گل برسری خورد ق ریخت
یار آمد و می در قدح یاران ریخت

از سنبل تر رونق عطا ران برد
وز نرگس مست خون هوشیاران ریخت

(باقی دارد)

مصاحبه

با ادیسون مخترع مشهور

مستر ادیسون بزرگترین رجال مخترع عصر حاضر و کمتر کسی است که او را نشناسد مستر ادیسون فعلاً هشتاد و چهار سال از عمرش گذشته ولی در کار و عمل انشاط و حرارتش از جوانان بیشتر است . قوه نشاطش را ادیسون بواسطه نظام معیشت و اقتصاد در خوراک میداند ، یعنی جز ماست و شیر غذائی نمیخورد . هشت سال است که غذای خود را منحصر بماست و شیر نموده ، خانم زوجه او نیز غذای خود را بماست و شیر انحصار داده ، قوه و نشاط شوهرش او را دو چار شگفتی و اعجاب ساخته او هم پیروی از غذای خود را بهمین دو چیز منحصر کرده ، هر دو ساعت یکمرتبه یک فنجان بزرگ شیر میخورند .

مستر ادیسون معتقد است که مخترعین قرون آتیه بیشتر مساعی خود را صرف اموری مینمایند که مربوط بشئون حیات و حفظ الصحه باشد ، الکتریسته عادی و الکتریک رادیو و تلفن و سینما و توموبیل و آلات و ادوات بخار و موتور و طیاره و امثال آن بهره نسل گذشته و نسل معاصر بوده و نصیب نسل آتیه اختراعات و اکتشافاتی است که مربوط به اساس صحت و حیات باشد .

مجلة المجلات مریکا اخیراً از شیخ مخترعین یعنی مستر ادیسون مصاحبه بعمل آورده دو نفر از جانب خود بنمایندگی نزد او فرستاده او را ملاقات و مصاحبه مفصل و مشروحی بعمل آورد که خلاصه آن را ما ذیلاً ترجمه و درج مینمائیم :

نماینده مجلهٔ مذکور از مستر ادیسون سئوال میکند : « آیا تفاوتی بین مخترع آتیه و مخترع مرز که در لابراتوارها و موسسات علمی در تحت نظامات شبیه بنظامات جمعیتها و شرکتها با معاونین و رفقای خود مشغول بحث و تحقیق هستند وجود دارد ؟

مستر ادیسون : « نه ، تفاوتی بین آن دو وجود ندارد ، ولی مخترعی که مستقلاً کار میکند و تمام مخترعین تا کنون مستقلاً کار میکردند ، تسهیلاتی که مخترعین دستیاری همدیگر فراهم میاورند نخواهند داشت ، چه ، بسا اتفاق میافتد که احتیاج بپول و وجوهات لازمه برای تعقیب از تحقیقات خود پیدا میکنند . و در صورتیکه دستیار و کمک نداشته باشند از کار باز میمانند .

ـ آیا معتقد هستید که آنچه را در گذشته انجام داده اید اگر امروز میخواستید انجام نمائید و بر طبق رویه مخترعین امروز اقدام میکردید آسان تر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 147 of 896

نبود ؟ و هرچه میخواستید چه از حیث پول و چه از حیث وسایل موجود دارید ؟

ادیسون جواب میدهد : « بدون شك من چهل و پنجسال از عمر خود را در تحت فشار و شکستگی و احتیاج طی کرده و همیشه دنبال حصول مقدار قلیلی وجه بوده که بوسیلهٔ آن رفع احتیاج بنمایم .

ـ آیا حقیقة احتیاج آنطوریکه میگویند مادر اختراعات است یا آنکه حس کنجکاوی و استطلاع بشر است که اختراعات را بوجود میاورد ؟

ادیسون در جواب گفت : « قسمت اعظم مخترعین برای کسب ثروت و حصول دولت که آتیه فرزند و عائله خود را تامین نمایند بذل مساعی میکنند و همان حب خانواده و تامین آتیه آنها را تشویق بتعقیب و دنبال کردن از تحقیقات و مباحث خود مینماید »

در اینجا سخن از این قسمت باختراعات آتیه منتقل گردیده نماینده مجله سئوال میکند : « آیا میتوانید پیش بینی کنید که مساعی مخترعین در آتیه متوجه چه چیزهائی خواهد شد و چیزهائی که در آتیه اختراع خواهد گردید چه خواهد بود ؟ »

ادیسون : « بعقیده من مخترعین در آتیه مساعی خود را صرف مباحث و تحقیقات بیولوژی و شیمی و تمام مسائلی که مربوط بحیوانات و صحت میباشد مینماید

« امراض هنوز یکبار سنگینی است که بر دوش زندگی بشر تحمیل گردیده و انسان را مانع از تعقیب کار و مجاهدات او می شود و بواسطه گرانی مخارج معالجه سخت است که توجه کامل نسبت بامور طبی بشود دواجات هنوز قیمتش گران است و در دسترس عموم نمی تواند قرار گیرد و ناگزیر از اختراع یك وسیله برای معالجه امراض و جلوگیری و بهبودی صحت نوع بشر میباشند و از اینجا ارتباط شیمی و بیولوژی باین قسمت دستگیرتان می شود .

در این موقع یکنفر از معاونین مستر ادیسون بر او وارد شده و یك فنجان بزرگ شیر در دست داشته مستر ادیسون شیر را نوشیده و اظهار داشت :

« هشت سال است که من تاثیر تغذیه شیر و ماست را در خود معرض آزمایش گذارده و سه سال است که جز شیر و ماست هیچ چیز دیگر نمخورده و گمان میکنم که تا آخر عمر بهمین غذا اکتفا نمایم زیرا بهترین غذائی است که یگانه شخصیت بزرگ (مقصودش خدا است) ایجاد نموده و از این بهتر غذا برای آن پیدا نمیشود ! »

ـ آیا علم در آتیه چنین حکم خواهد کرد ما کمتر از آنچه که فعلاً غذا میخوریم غذا صرف نموده همانطوریکه از حیث مشروبات هم تقلیل حاصل گردیده است ؟

ـ هشت در صد اشخاصی که فوت می نمایند بواسطه کثرت خوراك فوت نموده و در حقیقت انسان پس از آنکه سن بیست و یك سالگی رسید بر او واجب است که از حیث خوراك باقتصاد بپردازد و ساده ترین نوع اغذیه را بخورد ، پرخوری باعث فرسودگی ماشین بدن شده و برای آن بمنزله سم است و منکر نیستم که اعتدال در خوراك لازمهٔ اثر و وجود قوه اراده هم میباشد ولیکن ناچار اشخاصیکه میخواهند زندگانی طولانی نمایند ناچار بایستی خوراك خود را کم نمایند و اینکه من فعلاً جز شیر غذای دیگری نمیخورم با وجود این وزن من از وزن دیگران هیچ کم نمی آید و زوجه من هم بمن اقتدا کرده او هم غذائی جز شیر نمیخورد ، در اول وهله قدری برای ما سخت بود ولی بعدها بقوه اراده بر آن غلبه کردیم .

ـ آیا عقیده دارید در صورتیکه مخترعین در آتیه تمام توجه و مساعی خود را صرف امور و شئون زندگی و حفظ الصحه نمایند مباحث و تحقیقات آنها در قسمت الکتریسته و امور بی سیم و با سیم و میکانیك تقلیل پیدا خواهد کرد ؟

ـ ابداً اینطور نیست ، دائره الکتریسیته خیلی وسیع است و هر روز یك احتیاج تازه پیدا کرده و اختراعات جدیدی میشود که ناچار از بکار بردن و ایجاد آن هستیم

ـ ولیکن دیگر چیزی در این دائره باقی نمانده که مخترعین کشف نکرده باشند ؟

ـ منافع الکتریسیته و طرق استعمال آن بیشتر از آن است که بحساب در آید و در حقیقت ما در ابتدای عصر الکتریك هستیم و بلکه هنوز کنون نمی دانیم الکتریك چیست ، آری عده زیادی در

شرح و بسط مذاهب و عقاید مختلف را شرح داده اند .

ولیکن قسمت اعظم عقاید مزبور با حقایق الکتریك تطبیق نمیشود و تا وقتیکه از حقیقت آن بی اطلاع هستیم چگونه میتوانیم اظهار کنیم که آنرا بسر حد کمال رسانده ایم ؟

ـ آیا تصور میکنید که زندگانی در آتیه پیچیده تر و مشکلتر و بواسطه کثرت اختراعات زحمتش بیشتر شود ؟

ـ ابداً اینطور نیست ، انسان در هر دوره از ادوار زندگانی و حیات خود را معتاد به همان زندگی دوره خود نموده اعمال و رفتار و کارهای خود را بموجب مقتضیات عصر خود انجام میدهد .

ـ آیا در آنجا اشکالاتی برای شیوع تلوزیون وجود دارد و همانطوریکه تلفن شیوع بهم رسانده آیا تلوزیون شیوع پیدا نخواهد کرد ؟

ـ دستگاه تلوزیون هنوز تکمیل نبوده و بعلاوه گران است و همین دو اشکال کافی است که از تعمیم و انتشار آن جلوگیری کند .

ـ عقیده شما درباب اوتوژیرو (اوتوژیرو آلتی است که بوسیله آن طیاره عمودی پرواز کرده و فرود میاید و خطرات طیارات عادی را ندارد) چیست ؟

اوتوژیرو یکی از بزرگترین اختراعات عصر در عالم هواپیمائی خواهد بود این اختراع را یکنفر اسپانیولی نموده و با اینکه هنوز تکمیل نگردیده ولی یکی از مفید ترین اختراعات بشمار میرود .

در باب استعمال و شیوع گراف زپلن و بالن در مسافرت ادیسون معتقد است که تازه اول کار زپلن و گراف زپلن است و بدون سبب در آتیه ترقیات زیادی خواهد کرد و راجع باستعمال گازهای خفه کننده در جنگ معتقد است که استعمال آنها در جنگهای آتیه لا اقل از شلیك گلوله های سربی راحت تر و نزدیکتر برحم و شفقت میباشد .

(کوشش)

مرگ فاجعه ناك

منجم امریکائی

سانفرانسیسکو ـ ۹ مارس ـ دانشمند بزرگ امریکائی دکتر آلبرت میشلسن در پاسادنا (کالیفرنی) بعد از ختم تجربیات خود با آلات دقیقه و پیچیده برای اندازه کردن سرعت نور مجوی خیلی ضعیف شده و از هوش رفته است بعد او را باطاقش نقل دادند و در آنجا حالش بهتر شده بهوش آمده تکیه کرد ، بقصد اینکه نتیجه حساب های کشفیات خود را گفته تا نوشته ، هنوز زحمت نتوانسته بود اینکار را شروع کند دفعتاً یك فلج قوی و شدیدی بر دماغش مستولی گردیده او را مانند قربانی بزمین غلطانید . پروفسور میشلسن که بسن ۷۸ رسیده بود شب آرزوی دار فانی را بدرود گفت . پروفسور متوفی در سنه ۱۹۰۷ جایزه « نوبل » را احراز شده بود .

(ترجمه از لوماتن)

خبر های خارجی

وضع قانون به نسبت اتباع خارجه

ماده دو ماده از طرف حکومت ایران نسبت باتباع اجنبی طبع شده اینك ما آنرا بغرض اطلاع هموطنان نشر مینمائیم تا اتباعی که خیال مسافرت خارج و خصوصاً ایران را داشته باشند مستحضر گردند . مراعات ماده مزبوره را بنمایند . ماده واحده : هر تبعه خارجه که بدون تذکره یا با تذکره که مطابق نظامنامه مرتب نشده وارد خاك ایران بشود هشت روز الی سه ماه حبس تادیبی یا تادیه شش الی پنجاه تومان جزای نقدی محکوم میگردد و در هر حال دولت حق خواهد داشت مرتکب را بدون محاکمه از خاك ایران اخراج نماید .

ساعت کار

ژنو — کنفرانس بین المللی کار کری راجع به توسیع مسوده مقاوله راجع به ساعت کار معدن را که حاضراً (باروپا محدود است) در هند و کانادا و افریقای جنوبی ، چین جاپان بحث می نماید .

حفریات

قاهره ـ در اثر غلطیدن یك تپه ریگ در خطه (لکسور) چارده نفر بقتل رسیده اند . چار نفر کارگران که تپه مذکور را حفر می نمودند یقیناً در زیر ریگ دفن شده اند و ۱۰ نفر دیگر که برای نجات دادن ایشان رفته بودند نیز زیر ریگ آمدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 149 of 896

فاشیست

روما ـ محکمه مخصوص ر ده نفر که به جرم توطئه بر خلاف حکومت فاشیست ملزم شده بودند ، جزای سنگینی وضع نموده اند . منجمله دو نفر محکوم به ۳۰ سال حبس و دو نفر دیگر ۱۰ سال بحبس شده اند .

ساعت کار در معدن

جنوا ـ کنفرانس راجع به ساعت کار معدن پیش نهاد هفت ساعت و سه ربع کار را در معادن قبول نموده است .

دار العوام

لندن ـ دار العوام به ۲۷۸ رای مقابل ۲۰۸ قرائت سوم پیش نهاد اصلاح انتخابی را که رای متناوب را در انتخابات پارلمانی تجویز نموده و رای دادن عمومی را ممنوع می نمودند ، گذشتاند .

تقلیل مصارف

ملبورن ـ کنفرانس اولین تقلیل بیست فی صد تمام مصارف حکومت را منظور نموده است و دانسته شده است که سالکین ـ نیومدو ـ لنگ با این تجویز مخالفت نموده اند .

مضرت بیکاری

مسٹر آف اندرپو ـ مشاهدات دو هفته گی خود را در لنکا سر ختم نموده و از مسئله مضرت بیکاری ، خصوصاً در نقاطی که مصروف تجارت اند میباشد خیلی متأثر میباشد .

جاسوس

بلگراد ـ در یوگوسلاویا یک نفر کاتب موسوم به نودات کوچ به حکم مجلس عسکری بجرم اخذ معلومات در باب عسکر یوگوسلاویا برای نماینده های خارجی محکوم به اعدام گردید .

نودات کوچ که گرفتار آمد بجرم خود اعتراف نموده گفت برای این معلومات انعام بزرگی گرفته ام .

جرمنی وانگلیس

لندن ـ معلوم می شود که برونینگ و کورتیس نماینده های المان ، تسهیل نظام موجودهٔ تادیه پول ترمیم را در در خواست نموده بودند ، مگر جمله و فیصله نمودن هر دو حکومت که برای مقابله با بحران موجوده با تعاون قریب حکومات هر بوطهٔ دیگر سعی می کنند و راجنین تعبیر نمی نمایند که ملاقی شدن با دول دیگر بزودی صورت بگیرد .

برونینگ از مهمان نوازی که دیده است مسرور میباشد ، و اظهار امید می کند که بتواند در برلین این مهمان نوازی را مقابله بالمثل کند .

لندن ـ سیاست مداران جرمنی برونینگ و کورتیس از طرف شاه قبول نموده شدند و ملاقات مذکور ۵۰ دقیقه دوام نمود .

برونینگ در عین نطق خود در موسسهٔ بین الملل امور بین الملل تمام راجع به مذاکرات چکرز بیان نمود که مسرورم بیان نمایم که در نتیجهٔ این مذاکرات مذکوره در باب مسالکی که برای مقابله با این وضعیت باید سعی کنند فیصله نموده شده است .

کشف کشاف

تشویشی که راجع به کشاف بر طانوی اگسینتن کورتالد ، که از ماه نو مبر باین طرف خبری از و شنیده نشده بود ، وجود داشت ، حالا بذریعه یک تلگرام که از کوپن هیگن آمده است رفع گردید شخص مذکور یافته شده است و به کمپ بر طانوی باز خواهد گشت . یک تلگرام از انکاما سالیک بیان می دارد که کورتالد به کمپ بر طانوی همراه واتکنس باز میگردد . راجع اینکه چطور یافته شده است تفصیلات بدست نیامده است .

فرانسه

تلگرام پاریس مظهر است که بعد از مذاکرهٔ طویل شورای به ۳۵۰ رای مقابل ۲۶۰ رای اعتماد را به نسبت پالیسی خارجهٔ بریان که غالباً برای حیات سیاسی خود مخاطره دارد اتخاذ نمود ومسیو هریو بطرف داری بریان بیان کرد که بدون موافقه با بر طانیه و آمریکا هیچ یک معاهدهٔ بحری و بدون موافقه با جرمنی صلح بری صورت نخواهد گرفت .

موافقه گمرکی

تلگرافات

پاریس و برلین امکان موافقه فرانسه و جرمنی را در باب اتحاد گمرکی که بین جرمنی و استریا ، اظهار میدارد (بروتر)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 150 of 896

خبرهای داخلی

وکلای شورای ملی

در شماره ۶ فهرست نام نویس وکلای محترم شورای ملی را درج نموده ، ضمناً گفته بودیم که مابقی شان در ظرف ورود شان ابلاغ نام نویس وکلای محترم که تازه وارد کابل گردیده اند

وکلای ولایت کابل :

۱ ـ سید شاه حسین خان وکیل بگرامک
۲ ـ حبیب الله خان وکیل سروبی
۳ ـ محمد عمر خان وکیل لهوگرد
۴ ـ عطالق بیک خان وکیل سیغان و کهمرد

سمت جنوبی :

۱ ـ خیر محمد خان وکیل علاقه های وزیرستان سمت جنوبی

فراه :

۱ ـ سید محمد خان وکیل اهالی شفالسور

مزار شریف :

۱ ـ ملا محمد یوسف خان وکیل اهالی سرپل

هرات :

۱ ـ حاجی عبد الحق خان وکیل شهر هرات
۲ ـ حاجی غلام حیدر خان وکیل علاقه های مربوطه شهر هرات
۳ ـ امین الله خان وکیل اهالی غوریان
۴ ـ جلال الدین خان وکیل اهالی اوبه
۵ ـ ملا فراج الدین خان وکیل اهالی کشک
۶ ـ ملا حضرت نور خان وکیل اهالی بالا مرغاب
۷ ـ ملا شیرین خان وکیل اهالی اسفزار

قطغن :

۱ ـ ملا عبد الاول خان وکیل اهالی تالقان

کاروان زرد

در افغانستان

از طرف ذیعه نگار ما : ـ

هیئت محترم علمای فرانسه بتاریخ ۲۰ ثور داخل هرات شده از طرف ع ، ج ، ش عبد الرحیم خان نائب سالار به بسیار گرم جوشی پذیرفته فردای ورود هیئت ریاست بلدیه هرات عصریه را برای هیئت ترتیب داده بود ، در این محفل اکثر مامورین ملکی ونظامی مدعو وحضور بهمرسانیده بودند .

صبح وداع : هیئت بعد از توقف مدت ۳ روز در هرات ۲۴ ماه ثور از هرات حرکت کرده یکشب در سبزوار بودند صبح عازم فراه واز طرف قوماندان نائب سالار صاحب بوصیت شان پذیرفته شدند بعد از دوشب اقامتی که بر کنار رود فراه نمودند بتاریخ ۲۹ ماه مذکور وارد گرشک شدند هنگامیکه هیئت در گرشک باغ حکومتی گرشک تعین شده بود و از طرف حاکم درجه اول گرشک بیک طریق خیلی محبت پذیرائی شدند به ساعت ٤ آن روز برای عصریه که در منزل حاکم صاحب ترتیب داده شده بود دعوت شدند ، آقای رئیس هیئت با ذات خود شان و موسیو ها کن و موسیو بکو وونقاش هیئت با چند نفر دیگر حضور بهمرسانیده اکثر مامورین محترم ملکی و کلان شوندگان و روسای قبائل آن سمت حضور داشتند ، حاکم صاحب گرشک بیانیه نسبت به خیر مقدم هیئت ایراد نموده و از چگونگی وضعیت سفر شان پرسیدند ، رئیس هیئت درجواب گفت ، پیش از این که داخل افغانستان میشدم بعضی مغرضین بما میگفتند امنیت افغانستان مغشوش است درین مملکت آدم کشی زیاد است وعبور از آن غیر ممکن است لیکن امروز فوق العاده مسرورم که داخل این مملکت شدم و بچشم سر امنیت تامه آنرا که با مراتب فوقی ندارد مشاهده کردم تا توانم بخوبی تردید واهیات و افسانه های بیجا را بکنم .

راجع بخوبی سرک آقای رئیس گفت : از نقطه جنگلم یعنی بیروت سرکی بخوبی مانند سرک افغانستان ندیدم . راجع به صورت وصولات افغانها رئیس هیئت چنین می گفت : صورت وصولات افغان ها بهترین صورتی است که در دنیا کم نظیر آن دیده میشود .

هیئت علمی فرانسه در گرشک روز ۳۰ ثور و اول جوزا اقامت داشت درین دو روز میخانیک های هیئت با آب بارنی رود هلمند مصروف عبور دادن موتر ها بودند اگر چه موسیو ها کن عزم داشت که هیئت را به معاینه قلعه بست که به ۵ کروهی گرشک واقع است ببرد اما بمناسبت کمی وقت صورت نگرفت ، روز دوشنبه هیئت جانب قندهار روانه شده ساعت یک کناره رود ارغنداب رسیدند ازطرف ساحل رود از طرف ریاست بلدیه قند

هار خیمهٔ بزرگی بر بلندی نصب شده و ترتیبات لازمه گرفته شده بود و ۳ نفر نماینده از طرف ریاست بلدیه قندهار انتظار ورود هیئت را میکشیدند چون و آقای رئیس هیئت به کنار رود رسید فوراً شروع بسوار دادن موتر ها نمودند نماینده گان از طرف وزیر صاحب داخله و ریاست بلدیه خیر مقدم و مراسم خوش آمدید را بجا آوردند. پس صرف چای و میوه نمودند.

قندهار: دیروز سه شنبه ۳ حوت بساعت ٤ عصر هیئت از کنار رود ارغنداب حرکت کرده از دروازهٔ هرات داخل شهر شده از تحت گنبد چوک چهارسوق قدیم شهر احمدشاهی قندهار سمت ارگ را پیش گرفتند. در حین دخول به قصر حکومتی و عشرتی مدیر امور خارجه به سالون ملاقات وارد و از طرف ع ۰ ج محمد گل خان رئیس تنظیمیه قندهار تجلیل گرمجوشی پذیرفته شدند ودر ضمن صرف چای وزیر صاحب با رئیس هیئت مشغول صحبت شدند بعد ازین که از احوال و طی مسافرت و عبور رود ها وغیره فارغ شدند وزیر صاحب گفت: «ملت افغان خوب ملت است لیکن افسوس که تعلیم بصورت عمومی رواج نیافته و بدین مناسبت از سایر ملل عقب مانده ایم رئیس هیئت در جواب گفت: «ملت افغان یک ملت جوان وقوی است که هنوز تمدن را کسب ننما رس نشده هیچکس نباید ازین ملت جوان غافل باشد چرا زودی مقام خود را در جرگهٔ سایر ملل احراز خواهد نمود. وچون به تحت ملتی صدمه رسیده باشد بحکم وقت و باید که توجه بطرفش ترقی خواهد رسید. درین موضوع موسیو هاکن گفت یک چیز آئینهٔ مملکت را درخشان نشان میدهد و آن دلگرمی طبقه عامهٔ ملت است بکار.

درینجا رئیس هیئت موسیو هاکن را اشاره کرده به وزیر صاحب گفت موسیو هاکن یکی از دوستان صمیمی افغانستان است ودرین مملکت مسافرت زیاد کرده وهمه وقت بایش کوشش بوده رشتهٔ تلو خط کتب و بیلانات افغانستان را بصورت مرغوب در یوروپ معرفی نموده است.

اقامتگاه هیئت در قندهار منزل باغ تعین شده بود. قرار ظهارت اعضای هیئت چون باغ قشلکی تاکنون در وسط شهر خود ندیده از جا بجا خود وقت حرکت از باغ جان کابل نائب رئیس هیئت بمن گفت خیلی مسرور بودم که یکمرتبه اینجا باشم هیئت در خود شهر قندهار یکروز توقف کرده و آن چهار شنبه ٤ حوت بود ساعت ٤ ان روز وزیر صاحب داخله با مامورین ملکی ونظامی از طرف رئیس هیئت در منزل باغ برای عصریه دعوت شدند درین محفل آقای رئیس هیئت الیوم عکس های موتر های هیئت را با تصاویر فنی نقش هیئت وزیر صاحب نشان داد وبعد ازان وزیر صاحب موتر ها و خیمه ها وغیره سامان هیئت را معاینه نمودند. دران ضمن عکس ها و سینما های زیاد گرفته شد. در ختم مجلس رئیس هیئت یک عکس خود را با یک ساعت کوچک یادگار عبور هیئت از قندهار بوزیر صاحب تقدیم نمود.

بساعت ٥ ونیم یک دسته نفری برای تماشای آن محل حاضر گردیده. نفری مذکور پیراهن سبز دراز و کمر بند های سرخ در کمر داشتند. عکس ها و سینمای آواز دار ایشان گرفته شد. به ساعت ٦ ریاست بلدیه عصریه مجللی را ترتیب داده بود درین محفل وزیر صاحب داخله، ورقه مشر، رئیس بلدیه، مامور خارجه، قوماندان کوتوالی، بعضی صاحبمنصبان نظامی ومعاون مدیر جریده وتقریباً ۳۰ نفر از کلان شوندگان قندهار حضور داشتند. آقاوان اعضای هیئت علمی فرانسوی در مقابل میز میوه که با گل ها تزئین شده بود واز نماینده امریکائی تمنا کردند که یک عکس رنگه آن بگیرد. درین محفل میوه های خشک قندهار را درشته ها بغرض تماش گذارده بودند. اعضای هیئت کشمش سبز را فوق العاده تعریف کردند و انجوش میوه جدیدی برای آنها کشف شد. درین موقع ریاست بلدیه بعضی خامه دوزی ها و کلاه ها و پیرهن ها و بعضی اسباب های سنگی یادگاراً به هیئت تقدیم نمود. در مقابل رئیس هیئت نیز ساعتی به رئیس بلدیه تقدیم کرد رئیس هیئت درین موقع گفت این اشیا نیکه ریاست بلدیه بما لطف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 152 of 896

نموده اند با اسا ز اتفاقیکه از بازار خریداری بعمل آمد معرض تماشای عمومی در پاریس و لندن گذارده خواهد شد. در ختم مجلس آنقدر از طرف یکی از اعضای ریاست بلدیه راجع بمقاد عبور هیئت از افغانستان و قرائت نزدی مال خوانده شد که رئیس هیئت جواب آن را چنین گفت «من از طرف تمام اعضای هیئت تشکرات فائقه متناسب تهنیت و خوش آمدید ریاست بلدیه تقدیم میکنم. حقیقتاً مقصد عمده این مسافرت نزدیک کردن ملل یکدیگر و معرفی نمودن آنها به تمام دنیا میباشد وظیفه هیئت است که عظمت و مجد گذشته و تمایلات تجدد خواهی امروزه افغانستان را به ملل عالم معرفی کند و با دست اطمینان بخشی پرده از روی افسانه‌ها افتراهای روشنه حقیقت را آشکار سازد.»

چون مجلس ختم شد هیئت بجای خود در منزل باغ مراجعت کردند و وزیر صاحب داخله از طرف شخص خود نیز یادگاری که عبارت از بعضی اسباب سنگی بود فرستادند. صبح پنجشنبه ٥ جوزا از قندهار حرکت کردند، ساعت ٥ عصر هیئت داخل قلات شد. شب در هوتل باغ قلات بسر بردند. چون هیئت از یکروز زیاد در غزنی مانده نمی توانست با این مناسبت رئیس هیئت موسیو هاکن و موسیو بیکور و نفری سینما و نماینده امریکائی و نقاش هیئت را از قلات بقصد غزنی فرستادند. چون به مقر رسیدیم از طرف حکومتی غزنی ترتیبات لازمه گرفته شده و علاوتاً آن ملل هم ترتیب داده شده بود نفری دسته علمی که پیش آمده بودند پیاده شده صرف چای نمودند و شروع بعکاسی و سینما گری آن مل نمودند و فوراً روانهٔ غزنی شدند آقای رئیس هیئت با سائر اعضای خود بساعت ١ و نیم به مقر رسیده و شب دعوت به عمارت هوتل مقر ترتیب داده شده بود. چون دسته علمی تا وقت بغزنی رسیدند محض گردش بازار و شهر اکتفا کرده صبح شروع بعملیات نمودند. نفری عکاس و سینما و بالای حصار بر آمده مناظر خانه ها را سینما و عکس گرفتند روز یکشنبه ٧ جوزا هیئت در غزنی بود و تمام روز را بعکس گرفتن آثار تاریخی غزنی و بعضی حصص شهر و عمارات و مزارات شهر که و غیره بسر برده از طرف حکومت غزنی برای عصریه و صرف طعام شام دعوت و مجلس از اعضای هیئت و روسای قبائل محل تشکیل یافته بود که بصورت خیلی صمیمی خاتمه یافت روز دوشنبه ٨ جوزا ساعت ١١ آقای رئیس روانه کابل شد. ساعت ٥ یکنفر نماینده محترم وزارت خارجه را بالا تر از مهتاب قلعه ملاقات کرده ایشان از طرف وزارت خارجه بآقای رئیس هیئت مراسم خوش آمدید گفتند. روز سه شنبه ساعت ٩ و نیم از راه دارالامان هیئت موصوف داخل کابل شد و قرار اظهارات خود آقای رئیس هیئت این روز محظ در شب در کتب تاریخ مسافرت هیئت ثبت خواهد شد

عدالت گستریهای شاهانه

بدربار پنجشنبه ١٤ جوزا یکعده از اعیان اهالی سیغان و کهمرد راجع بیکدام عریضه معروضهٔ خود بحضور شاهانه عرض کردند چون آن معروضهٔ آنها تحقیقت قرین بود از حضور شاه رعیت پرور در جواب شان حسب اقتضای عدالت والطاف اعطا و در مسروریت و دعا گوئی آنها از حکومت مطبوعهٔ شان افزود

ضمناً ذات شاهانه حسب عادت مقررهٔ شان از چگونگی اوضاع محل و طرز حیات رفاه و آسوده حالی آنها استفسار کرد عارضین مذکور متفق اللسان شده از آرامی و رفاهیت خود عرض شکران نموده و در اثنای اعطای ملاقات مفصل خویش از گذاره و حسن رویه آقای گل خان حاکم سیغان و کهمرد نیز اظهار مسرت کردند؛

چون ازین معلومات اهالی تصدیق آن اطلاعاتی که ذات شاهانه درین موضوع بدیگر ذرایع راجع بحسن اداره و رفتار عالیجاه گل خان حکمران کهمرد و سیغان اکتساب نموده بودند، بصورت قناعت بخش حاصل شد. لذا یک مبلغ معقول را بصورت بخشش و علاوه فرمان تحسین و آفرین او اجرا آن معززالیه ارسال فرستاده

ما ازین رعیت پروری و خادم نوازی و حیات ملت پروری اعلیحضرت غازی اظهار مسرت نهائی خود را کرده بمامورین مامورین توفیق حسن خدمت و بهبودت خود مزید صداقت و وفا شعاری را خواستاریم.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 153 of 896

مؤلف: له پولت‌ه فرانسوی (۶) مترجم: حبیب‌الله طرزی

ما دام سان ژین

فصل دوم

سقوط توباری

دود باروت که فضای پاریس را پر ساخته بود استشمام نموده خودش را برای محاربه آماده یافت وهر خطرات را باک نکرده بطرف میدان محادله پیش میرفت وله فبور را تجسس میکرد!

درین اثنا چنانچه بالا ذکر نمودیم درنتیجه شلیک غیر مترقب ا گارد های سویس اهزیمت غیرمترقبی در لعالی پیدا شده به عقب نشستند. این موج منهزم کاترین را برداشته باخود یک جا برد تا کاترین ازخود خبر گیرد خود را در کوچه (سنت اونوره) رسیده است. خود را بهزار مشقت از هجوم خلاص نموده راه خانهٔ خودش را پیش گرفت. اگرچه از فتح یقینی وطن پرستان مطمئن بوده ولی ازینکه شکست موقتی شان عروسی اورا برای ده سه روز دیگر عقب خواهد انداخت خیلی عصبی شده باخود میگفت: —

«این ها هم خود را مرد می نامند؟ عجب وطن پرستان! واه ازین شجاعت ومردانگی!.... اگر من یک تفنگ میداشتم به هیچ صورت بر نمیگشتم! یقین دارم که له فبور نگریخته است!»

این کلمات را با حرارت فوق العاده بسرعت صرف نموده ومنظر نتیجه نشست. طوپها بار دیگر بغرش در آمد وفضای پاریس را نعره های فتح ملت چنان بار دیگر باهتزاز آورد. کاترین از جا جهید نعره زد: —

«آه! آنها هستند. براو وبیران من آفرین شیر مردان! یقین دارم فتح کردید میدان را بردید! آفرین له فبور! من گفته بودم که تافتح نکند بر نخواهد گشت!»

این را گفته خاموش شد.

فصل سوم

(سوالیه دا گر)

نصف روز بود که کاترین درچند قدمی دو کانش دو سه فیر تفنگ شنید. دروازه مقابل را باحتیاط باز کرده به بیرون نظر افگند. دید چند نفر سرباز فرار میکند وچندی دیگر آنهارا بشدت تعقیب مینماید یا به الفاظ دیگر آنهایی که از فرفصرار کرده بودند در کوچه شکار می شد.

درین اثنا اواز قدم های بسیار سریعی از راهرو که دروازه عقب دوکان را با کوچه سنت (اونوره) اتصال میدهد شنیده شد.

کاترین: — «کی است که از عقب بجانب سراچه یا بان می آید؟ صدای پای او به خوبی شنیده می شود؛ باش به بینم که خواهد بود؟» این را گفته وبکمال سرعت بطرف دروازه رفته وآنرا باز کرد به مجرد باز شدن دروازه مرد رنگ پریده خون آلودی را در مقابل خود یافت که با نهایت زحمت ومشقت خودرا کشیده بطرف او می آمد. لباس او مراد از یک نیم تنه سفید وبرجس تازانو وجوراب های ابریشمی بود. برای اینکه خونی را که از زخم هایش جاری بود بند داشته باشد دست های خود را برسینه می فشرد. بوطن پرستان شباهت نداشت؛ اگر جنگیده است پس بالضرور درقطار دشمنان ملت جنگیده خواهد بود. کاترین به حدت اورا مخاطب ساخته گفت: «تو کیستی؟ و درینجا چه میخواهی؟»

«من یکی از مغلوب شده گانم علاوه بران زخمی هم برداشته ام... آنها مرا تعقیب میکنند... خانم بنام خدا مرا پناه ده وحمایه ام کن! من کانت (دونیبرگ) یکی از افسران اتریشی هستم!» این کلمات را هنوز تمام نکرده بود که یک کف کلالی رنگی برلب های او ظاهر شده ورنگ چهره اش به کلی پریده باستانهٔ دروازه افتاد. کاترین نعره از روی ترحم وخوف بر آورده بپهلوی او بزانو شد. وخود به خود گفت: «کار اورا خوب ساخته اند ولی چه بایدکرد که یک شخص ارستوکرات وبر خلق آتش کرده است فرانسوی هم نیست علاوه براجنبیت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 154 of 896

استرباهی هم است ... هیچ یک ندارد بهر صورت یک انسان است . »

و با یک حس ترحم که درضمیر هر زن حتی ... کل تران شان پیداست بر مرد زخمی خمیده پارچه های خون آلود را آهسته آهسته دور نموده بمعاینهٔ حال او مشغول گردید . »

بعد از لحظهٔ فرحناک شده گفت و هنوز نفس می کشد : ممکن است نجات یابد . » و بکمال سرعت طرف مخزن آب سرد دویده جامی را پر کرده آورد . دو وارو را هم بکمال احتیاط محکم بسته شستن زخم های امیر جوان متوجه گردید . بستن زخم را هم یک پارچه اولین که بدستش آمد انجام داد ولی بسان فهمید که دراز تعجیل پیراهن شخصی را ازهم دریده است ، چنانچه خودش خود میگفت :

« بسیار اعلی ! پیراهن منقری را پارچه کردم . این هم پیراهن کاپیتان خوب خانه است ! غریب به بول دارد و نه پیراهن های زیاد ! باکی ندارد کدام پیراهن جدیدی برای او تهیه میکنم و با این پیراهن یک چیز اش ارزه بگویم دراشنا اطو سوخته است ! بیچاره نه بلباس و نه به زن ها به هیچ یک توجه ندارد ! »

باز به مرد جوان متوجه شده فکر کرد : « این شخص اجنبی است با اسم نه شنیدش در دریان ما چه میخواهد ؟ کاغذ برای جواب مستر یانکی فقط مدام (وتیو) آمده است . یک مردی بدی هم نیست ، قدر زیرا همیشه بطرف او به توجه شده بفکر خود دوام نموده :

« بسیار جوان است ! تنها تا اگر ۲۰ سال داشته باشد ! یک دختر شناختش ولادیمیر است ، پیراهن او هم بسیار اعلی و از پارچه های معتبر ساخته شده ، شاید یکی از ازاد ستو ـ حصهٔ دیگر آنرا بزبان نیاورده با یکه آه خاموش ماند . »

آب سرد کار خودش را کرده جریان خون مرد زخمی را بند ساخت و او را بهوش آورد ! چشم خود را آهسته آهسته باز نموده ، نگاه بلند کشاشت مگر خیالات دهشت کرده ، خاطر بار دیگر خطور کرده کوشش نمود برخیزد و فرار کند ولی از ضعف پس افتاده ، باز چشم خودش را بطرف قصاره دوخته خوف و رجا گرد میده به ترکیب الفاظ ذیل کامیاب شد :

« خیال میکنم شما کارتن او شیر از دشت ارامیس دهشتبر می دادید ولادیمیر به من سفارش کرد که اجنبی بپرسم ... ارشما سرف وعظه زیادی می نمود روشنی بود مرا پناه خواهید داد . همه چیز های دیگر را بعد از این توضیح خواهم کرد . »

کارتن از شنیدن این جملات متحیر شده صدا زد ماده مواز (بلانس دولاولین) ولی اسمی من دختر مستور » دوست آرامیس . ا او همان خاصیت که مرا تا تشیس این دوستان کمک نموده ؟ در دنیا چیز تا کنی تمیز خواهد بود که به خاطر او اجرا نداریم . بسیار خوب شد که بخانهٔ من آمدی ، در اینجا کاملا محفوظ ومصئون خواهی بود و تا من زنده باشم آسیبی بتو نخواهد رسید ! »

زخمی خواست که چیزی بگوید ولی کارتن بایک نگاه ترحم او را خاموش ساخته گفت : ـ

هیچ یک خوف را در دل جا مده ، ومطمئن باش انگاه تخواهی دید دد موازل باید ، تو انگریز و دوستان ما شده . تو ایک وطن پرست دو کتف حمایه گرفته است . »

بعد ازین کلمات مثل اینکه چیزی به خاطرش خطور کرده باشد خاموش ماند و با خود گفت : « من چه میگویم ! این استریایی ها از وطن پرستی چه میدانند ؟ همه مستبد پرست و غلام اند . »

و برای اینکه فقرهٔ آخرین خود را اصلاح کرده باشد گفت : ـ

« در خانهٔ یک دوست پناه آوردی ! »

از شنیدن کلمات مرحمانهٔ کارتن ، مرد جوان سلامت و نجات خودش را درک نموده فرحناک گردید ، و دست های بی خون ولرزان خودش را پیش برده خواست دست لطیف کارتن را گرفته ببوسد .

کارتن احساسات خودش را ضبط نموده گفت : « بسیار خوب این چیز ها ضرورت ندارد ، تنها مرا اجازه ده پرستاریت را میکنم . » این را گفت مشغول سنجیدن بلانی شده با خود گفت :

(باقیه دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 155 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 156 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ ،
طلبهٔ معارف	۷ ،
در ممالک خارجه	۲ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانه دولت فرستاده میشود باید
رسید قبض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 158 of 896

شماره ۹ | انیس | مجا (۵)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : ده یل جادهٔ ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۳۲ جوزا ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۵ صفر ۱۳۵۰

تقلید در حیات

(۱)

مسلم است که تقلید در حیات انسانی مدخلیت تامی دارد . و از آن رو مصدر فائده های کثیری برای یک جامعه یا یک فرد جامعه گردیده است و میگردد .

حس تقلید باید در انسان موجود باشد و بدون آن به خوبی می توان گفت که انسانیت نه می تواند بصورت لازمه مدارجی را که برای ارتقا و تکمل آن لابدی است بپیماید .

یکی از حقائق مهمی که امروز افکار علما و متفکرین بشر را اشغال نموده است عبارت از تربیهٔ اطفال است . و به وسیله این چیزی که آنرا تربیه یا (ایجوکیشن) می گویند ذوات مدقق فکر دارند اولاد های خود را از حالی که دارند بهتر سازند و امداد یابند که در حیات خویش آن چیزی را که بمعنی تام کلمه « ترقی » در ضمن خود دارد بدست آورند . یا اقلاً در راه به یطرف آن قدم فرسا شوند ، و نه می توان انکار کرد که در اجرای این مقصوده خودموداي به آنکه همواره حصول مطلب مرهون جد و جهد است در سایه مساعی خستگی ناپذیر و اقدامات جدی خود کامیاب گردیده اند . و امروز ملاحظه می کنیم که پس از آن تربیه های طبیعی یا محیطی که انسان دوران شاعرانه و [illegible] نداشت ، تربیه فائز اند و دانسته روی کار آمده است و انسانها در عین آنکه اولاد خود را تربیه می کنند ، میدانند که تربیه چیست و چرا باید باشد .

و در زمرهٔ مسائل دیگری که در اطراف تربیه دور [illegible] نموده اند یک مسئله مهم اینست که در ارتقای تربیه انسانی تقلید به صورت کاملی ذی مدخل بوده است . و اگر این مسئله وجود نه می بود تربیه نسل به نسل و تربیه محیط به محیط دیگر ابداً تحول و مسافرت نه می نمود .

در مسئله تربیه از که بعقیدهٔ اشخاص صحیح بزرگترین اقدامات بشر در راه ترقی شمار میرود ، تقلید موقع بلندی را محرز است . مثلاً حیات یک طفل و نموی اورا اگر در نظر بگیریم ، می بینیم که در اوائل حیات خود پس از آنکه ممکن شد چیزی که در اطراف اوست نظر دقت را جلب کند ، مجبور میگردد هر چیز را به صورتی از صور تلقی کند یا به عبارت واضح تر یک نوع تاثر از دیدن اشیا برایش پیدا شده می خواهد به مقتضای فطرت خود با آن کاری و معاملهٔ داشته باشد در این موقع یگانه چیزی که بار می فهماند که نان را باید به دهن خود برد (علاوه بر شعور مضمر یا جزئی که آنرا (انستنکت) می گویند) تقلید است ، پس در گفتگو و تکلم نیز تقلید قوانت اورا بدست میگیرد و رفته رفته در راه رفتن و بالآخره در امور حتی تعلیم از استاد و باز در افعال و حرکاتی که در حالت رشد در جامعه که فرد آن میباشد ازو سر بر می زند . تقلید اورا هدایت و رهنمائی می کند .

و همچنان در خط سیر تکامل خود تا بدم مرگ و در داغ آخرین با همین فرآند گاه در هر امر چه در خوراک چه در لباس چه در طریقه معاشرت اجتماعی و چه در

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 160 of 896

امور با نفوذ و امور بزرگ دیگر هان تقلید را استاد و معلم و یا قائد و راهنمای خود قرار داده قدم بقدم مقتضیات آنرا تعقیب می کند ، و باین صورت به پیش میرود ، ترقی می کند یا به سوی کمال انسانیت بصورت متوازی حرکت می نماید .

ازینکه خواستیم تقلید را در تربیه نشان بدهیم مقصود ما این بود که چون تربیه امروز بیک معنی وسیعی را حائز گردیده و جولانگاه فراخی در صحنه حیات انسان پیدا نموده است ، قطعیاً تمام مطالب را دربر خواهد گرفت و تمام اجراآت دیگر انسان در دائره حیات نیز ازان خارج نخواهد ماند .

گوئی ما میخواهیم درین عبارت خود نشان بدهیم که تقلید به معنی کلیه در تمام ، عملیات انسانی موقع مهمی را دارا است . این مسئله در وقتی به ما مکشوف خواهد گردید که در تعبیرات و تعبیراتی که مفکرین به کلمه تربیه داده اند غور کنیم . این جمله اگر چه عده آن خیلی زیاد است تنها به ذکر دوتای آن اکتفای می کنیم و میگوئیم که بعضی از علمای تربیه می گویند : « تربیه عبارت از شناختن خدا است » . این جمله کمک خوردی نیست . تمام سر تعالی انسان درین جمله داخل و مرکوز است . شناختن خدا آیا این مسئله سر خلقهٔ بشر را تشکیل نه میدهد ؟

گذشته ازان بعضی ها میگویند : « شخص تربیه یافته و انسان کامل مترادف هم اند » . این نیز اگر بدقت نظر کنیم با وجود اختلاف کلمات و عبارت در اصل فکر با بیان اول مخالفتی ندارد .

واقعاً انسان چه طور می تواند دعوی کمال کند تا آنکه نشناسد که در دنیا برای چه آمده است و چه باید بکند ؟

این دو تعبیر تربیه که از جمله تعبیرات عدیده دیگر ذکر آن نمودیم ، خوبی به ما می تواند بفهماند که تربیه به چه اندازه مدلول وسیعی به خود گرفته است و نیز در عین حال در فکر انسان القا می نماید که بس از دانستن آن باید هیچ چیزی در تمام امور دنیا از تربیه خارج باشد . هر چه هست در دنیا تربیه است میدان تربیه از اولین مرحلهٔ حیات الی آخرین دمش دامن وسعت و امتداد دارد . و هم چنان تقلید نیز که یک جزء آن بشمار میرود با آن همراه است و از آن جدا نه می شود .

(باقیدارد)

(.....)

در ممالک اسلامی :

اخبار مصر

یک جنبش و قیام ملی خونینی این روز ها در سرزمین فراعنه ، و در ساحل رود نیل برپا شده که زن و مرد در آن شرکت دارند . در چند شماره قبل خبر مصادمهٔ بین ملیون و قوای پلیس را شرح داده و مطابق اخبار واصله وضعیت آنجا وخامت بخش بوده . یکعده از خانمهای مصری تظاهرات جدیدی شروع و یازده دستگاه اتومبیل خانم های پایتخت (قاهره) را پیموده و منتیک باشکوهی داده اند . طبقات مختلفه مردم در هر قدمی با کف زدن از آنها استقبال و برای پاینده گی قانون اساسی و حزب وفد و احرار فریاد مسرت بلند میکردند اتومبیلها موقعیکه نزدیک به « دروب الاحمر » میرسید قوای پلیس مانع از عبور آنها شده و آنهائی را که در اتومبیل اولی سوار بودند دستگیر ساخته در این اتومبیل خانمهای [illegible] پاشا ــ عبدالحکیم الملالی و ابراهیم الطاهری (هر دو نفر از اعضای حزب وفد و احرار هستند .) سوار بوده بمحض اینکه آن ها را توقیف و برای تحقیقات جلب کردند ، بقیه تظاهر کننده گان تصمیم گرفتند که از نقطه مزبور عبور نمایند مگر همراهانشان را آزاد کنند و در آنجا شروع بفریاد های خصمانه بر علیه دولت و قانون جدید اشتغالات کرده ، خانمها رجال پلیس را سخت مورد ملامت قرار داده اند : (که مگر در عروق شما خون مصری جریان ندارد) در اطاق

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 161 of 896

که آن چند نفر را توقیف کرده بودند فوراً بر دو دیوار او نوشتند : « ملت مصدر قدرت » است ، ملت در انتخابات صدق پاشا شرکت نخواهد نمود . پاینده باد قانون اساسی ملت ، » و از این عبارات مهیج .

همینکه خبر توقیف زنان بمردها میرسد عدهٔ از جوانان شروع تظاهر نموده و باندازه جنجال و غوغا برپا کردند که پلیس مجبور گردید عده از آنها را فوراً توقیف نماید ، بعد از آنکه دستور آزادی زنان توقیف شده صادر گردید نوبت بآنها رسید که از محل توقیف خارج نشوند مگر آنکه جوانها را نیز آزاد نمایند آن وقت دولت ناچار شد تمام آن را که در آن ساعات توقیف کرده بود آزاد نماید ، موقعیکه خانمها از توقیفگاه خارج میشدند استاد مکرم اظهار میدارد : باید صبر کرد تاآنها از توقیف خارج شوند زنان جواب میدهند ما قادر خواهیم بود که دولت را تصمیم ارادهٔ خود کنیم

بمحض اینکه از توقیف گاه بیرون آمدند با یك صورت تظاهر بیشتری مجدداً بنای جنجال و غوغارا گذارده و تا میدان محله پیش رفتند در آنجا عده زیادی از قوای پلیس در صدد جلوگیری از آنها بر میاید قوای مزبور با تفنگ و باطوم در صدد متفرق کردن آنها بر آمده موفق نمیشود دامنه تظاهر و متینك آنها تا باب الخلق و از آنجا بخیابان عابدین و میدان او برا و خیابان فواد اول و سایر خیابانها تا کلوپ حزب احرار وسعت پیدا کرده برای پایندگی حزب و ائتلاف آن ها (مقصود ائتلاف با حزب وفد است م .) فریاد زده و از آنجا عده رو به « بیت الامه » و کلوپ « سعد » رو آور شده به ام المصریین (بیوه مرحوم سعد زغلول پاشا م .) مصطفی نحاس پاشا تهنیت و زنده باد میگویند عده از رجال پلیس در اینجا و آنجا مردم را متفرق میکرد که هجوم آور نشوند مردم برای زنان هو را میکشیدند و هشت نفر از اشخاص که برای نحاس پاشا هورا زدند دستگیر و توقیف نمودند .

کمیسون تنظیم امور کنگره ملی جلسهٔ منعقد نمود که برای طرز تشکیل جلسات کنگره که تقاضای انعقاد آن را از طرف دولت نموده تقاضای مزبور را رد کرد و اجازه نداده بودند مذاکره نمایند که در چه نقطه کنگره را علی رغم عدم اجازهٔ دولت منعقد نمایند .

در دعوتی که یکنفر از نمایندگان سابق پارلمان از اعضای حزب وفد و احرار برای صرف چای بود ، قوای پلیس در نزدیکی منزل مشارالیه کلیه متظاهرین را متفرق ساخته وجز اشخاصیکه کارت دعوت همراه داشتند کسی دیگر را راه نمیداد ولیکن با وجود این مردم بی اندازه در استقبال مدعوین و تکریم آنها مبالغه کردند

پس از صرف چای وخارج شدن مدعوین دو اتومبیل بزرگ که حامل عده از افراد پلیس انگلیسی بود وارد محل گردیده مردم را باباطوم متفرق نمودند

شعبهٔ فرعی حزب خلق در جلوی آن براثر عدم اجازهٔ دولت بروزهای احزاب دیگر که بعضاً میخواستند مسافرت نمایند . اعضای آن استعفا داده درصورتیکه شعبه مذکور از حزبی است که خود صدق پاشا تشکیل داده است زنان ملیون یاد داشتی را منتشر نموده و بر علیه صدق پاشا و انتخابات جدید مردم را شدیدا دعوت نموده اند که از شرکت انتخابات خود داری کنند ، در یاد داشت مزبور چنین به مردم خطاب میکنند : « برای دفاع از مبادی اصول خود فدا کاری کنید در انتخابات شرکت ننمائید ، سرنوشت آنها خاتمه پیدا کرده فتح وظفر نصیب ما خواهد بود ، دست خدا بامجاهدین کمك میکند .

دولت موضوع تاخیر انتخابات را تکذیب نموده اعلیحضرت ملك فواد فرمان انتخابات را صادر و انتخاب کنندگان در روز دهم ژوئیه دعوت شده اند که نمایندگان خود را انتخاب نمایند و در ۱۷ ژوئیه اعضای مجلس سنا از بین منتخبین تعیین خواهد شد .

تبلیغاتی که برای عدم شرکت انتخابات از طرف احزاب مخالف شروع شده تاثیرات عمیق بخشیده وباینجهت تا کنون بیشتر از بیست وپنجنفر خود را کاندید معرفی نکرده اند واگر عدم شرکت در انتخابات در میان نبود هیچکس تصور نمیکرد که این قبیل اشخاص در درجه دوم انتخاب شوند .

موضوعیکه بیشتر اهمیت دارد همانا شرکت زنان در مبارزه سیاسی بین احزاب میباشد تا کنون اسمعیل صدق پاشا رئیس الوزرای مصر درمقابل متظاهرین واحزاب

یتیم خانهٔ نادری

درینجا محض تشکر و قدر شناسی از مراحم و نوازش ملت پروری و غریب نوازی اعلیحضرت تاجدار رئوف و مهربان خود فوتوی اولادهای یتیم متبعهٔ ان موسسهٔ خیریه و یتیم خانه ملی نادری را بنظر قارئین رسانده بجامعه ملت خود بشارت میدهیم که امروز اولادهای بیکس و فقیر شما یك پدر مهربان و غمخواری مثل ذات همایونی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی دارد .

ایستادگی کرده وبا تمام اقدامات که مخالفین بعمل آورده اند انتخابات را اجرا نموده است ، میزان موفقیت دولت را در اینکار بایستی تا خاتمه امر انتظار داشت وهمان طوریکه سابقا هم اطلاع داده‌ایم بمحض تشکیل پارلمان مذاکرات راجع به عقد قرارداد انگلیس ومصر شروع خواهد شد . ولی یك نکته قابل ذکری درین جا وجود دارد که بان وضعیت انتخابات وتشکیل پارلمان آینده دولت برطانیه حاضر خواهد بود که وارد در مذاکره عقد قرار داد شود ؟ زیرا موقعیکه با محمد محمود پاشا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 163 of 896

طرح قرارداد انگلیس ومصر را تهیه نمودند. باو خاطر نشان کردند که این قرارداد را بایك دولت پارلمانی که از طرف ملت مصر نماینده‌گی داشته باشد منعقد خواهند نمود.

وهمین ایراد باعث گردید که محمد محمود پاشا ازمقام خود مستعفی وانتخابات اخیر مصر جریان پیدا کرده که منتهی به موفقیت وفدیها گردید؛ ولی باوفدیها نیز نتوانسته کنار نماید. اینك آیا بصدق پاشایك همچو ایرادی نخواهند گرفت؟ این یك مسئله ایستکه احتمال داده نمی شود زیرا ازقرائن وجریان اوضاع چنین مستفاد میشود که دولت بریطانیا تصمیم نموده است که این مرتبه تصمیم قطعی درباب عقد قرارداد بامصر اتخاذ نماید.

ودر هر حال فعلا که وضعیت آنجا آرامش وسکونت نداشته واحزاب وفد واحرار تمام مردم را برعلیه دولت به هیجان آورده اند. احزاب مذکور تا آنجائیکه وسیله در دست داشتند مبارزه نموده وشدت مبارزه آن ها ازروی تلگرافات وآژانسهای خارجه که هر روزه واصل میگردد بخوبی معلوم میشود واین وضعیت تاکی ادامه خواهد داشت وچه صورتی را پس از خاتمه انتخابات بخود خواهد گرفت معلوم نیست؟

(کوشش)

ترجمه از لومان پاریس:

حیات وسوانح موسیو پول دومر

رئیس جمهور جدید فرانسه

موسیو پول دومر در اوریاك بتاریخ ۲۲ ماه مارچ ۱۸۵۷ متولد گردیده سند یافته حقوق ، وکیل ، سابق معلم وسابق ناشر ، بوده است مشارالیه در محوطه سیاست کابینه موسیو فلوکه به ریاست مجلس درسنه ۱۸۸٦ داخل شد در (۸) اپریل ۱۸۸۸ مبعوث ایسن منتخب شد ، بعد در پارلمان ازسنه ۱۸۹۰ از ایالت اول دو کرز نماینده گی نموده ، بعد از ۱۹۰۲ الی ۱۹۰٦ از ایالت دوم لانیون وکالت نموده ، در ۱۹۱۰ درانتخابات مغلوب شده ، در ۱۹۱۲ در انتخابات کرس برای شمولیت درسنا انتخاب شد درکابینهٔ بورژوا بتاریخ ۲ نومبر ۱۸۹۵ وزیر مالیه بوده در ۳۰ اپریل ۱۸۹٦ برای پروژه مالیات مقرر شد.

موسیو دومر در ۱۸۹٦ الی ۱۹۰۲ گورنر جنرال مستعمرات فرانسه درهند وچین مقرر شده واز شاه انام هرل وسرای تونکن را حاصل نموده وحاصل عمده سعادت وترقی این مستعمره گردید در ۱۹۰۵ الی ۱۹۰٦ رئیس مجلس مبعوثان گردید ، در ۱۹۰٦ درانتخابات برای حاصل کردن ریاست جمهوری داخل شده ومقابل موسیو فالیر در ٤٤٩ رای مقابل ۳۷۱ رای مغلوب گردید.

در ۱۹۱٤ عضو دیوان عالی هوابازی حربی وکمیتهٔ فنی کار انداختن راه های آهن مقرر گردید.

درکابینه اول موسیو پنلوه (ده سپتامبر ۱۹۱۷) حیثیت وزیر را داشته واز ۱۷ جنوری ۱۹۲۱ الی ۱۲ جنوری ۱۹۲۲ — درکابینهٔ هفتم بریان وزیر مالیه بوده واز ۲۹ نومبر ۱۹۲۵ الی ٦ ماه مارچ ۱۹۲٦ درکابینهٔ ۸ بریان وزیر مالیه بود ، در ۱۹۲۳ در کمیته متخصصین کمیسیون ترمیمات بحیث نماینده مقرر واشت واز ۱٤ جنوری ۱۹۲۷ به بعد رئیس سنا بود.

موسیو پول دومر کتاب های زیادی نشر نموده است . منجمله: هندوچین فرانسوی را (در ۱۹۰۵) ولیور دومی فیس را در (۱۹۰٦) و کتاب معلومات فداکاری راجع به آهن را (۱۹۱۲) وقانون حربی را در (۱۹۱۰) نشر نمود ، موسیو پول دومر ، نشان طلائی مجمع جغرافی ونشان طلائی فرانسی کاری مجمع جغرافوائی سنت اتین ونشان طلائی اکادمهٔ بحری ومستعمراتی را حائل ودارا گردیده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 164 of 896

اصلیت وولادت او

موسیو پول دومر در ایالت اوریاک دوبلک خانهٔ محقری که نمبر ۲۴ داشت درمحلهٔ دی تان نور تولد گردید . این خانه امروز بهمان هیئتی است که داشت . دوبلک اطاق کوچکی که دریچه آن بطرف باغ تنگ و کوچکی کشاده بود با بعالم وجود گذارده وچشم به بدن آن کشوده .

پدر رئیس جمهور جدید فرانسه عمله وکار گر راه آهن بوده وبخرج کمپانی دورلئان برای وضع خطوط آهن کار میکرد . این طفل به ۸ ماهگی رسیده بود که خانواده او (خانواده دومر) اوریاک را بدرود گفته ودر مدنه سکنی گزید با وجودیکه در اوریاک کم وقت زندگی کرده بود موسیو پول دومر گاهی از اصلیت اوریاکی واو وریاک فراموش نمیکرد . در ۹ ماه اپریل ۱۹۰۵ درمجلس عمومی ...ه هی اوریاک ریاست کرده ودربین جوانان این شهر تاثیر فوق العاده نشان داده واز ان محبت فوق العاده ظهار میکرد .

موسیو دومر رئیس جمهور جدید جمهوریه فرانسه یک حیات پرسانحه خیلی اعلی درحیات سیاسی دارد وپدر ه پسر که ٤ پسر او در جنگ کشته شده می باشد ، وحیاتش پر از زحمت کشی وکار گری است وهمه وقت برای سعادت جامعه خدمت کرده است .

(۱۰۰۱)

مکتوب

انیس عزیز !

درصفحه (٦) شماره (۸) مجله شریفه انیس درذیل عنوان (تدقیقات ادبی) مختصر آثد کاری از حضرت مولوي بلخي ورباعیات ان بزرگوار بقلم یکي ازفضلا کابل نگاشته شده است . در اول وهله گمان بردم که نویسنده متتبع وبا اطلاع خواسته است شرح حال این نابغهٔ روز گار وصوفي شهیر اسلام وافغان را باتمام حقیقت حال ومقال ایشان نوشته وحق مقام آن بزرگوار عالي مقام را کما ینبغي ادا کرده است ، ولي متاسفانه که از این چند سطر پیچیده ومجهول وچین وشکن هاي الفاظ بوقلمون سقام شامق آن جلیل القدر راهي یافته وچیزي دستگیر خوانده نگردید با آنکه نمدوره حیات بلاد نویسنده اثنا وبه اقتدار قلم واحاطه اطلاعات ومعلومات از دور علاء میکنم واحتراء میفرستم زیرا ؛ از مدنیتی که سیماي الاخلاقي این نویسنده فکور درآئینهٔ مطبوعات وطن منعکس واز همگان جلو تر دوراه علم ومعرفت قدم وقلم زده وخامه رابروي صفحات مطبوعات وطن آشنا کرده مطالب خوب وقیمت داري به نهایت تمام رفقا از خود بروز داده اند وضمناً بسارات هاي حولانی در بلاد معموره وبابحث هاي معظمه دنیا وتتبع واستقصاً به آثار ومطبوعات علماً وفضلاي جهان وابوحتر لسانهاي سرمایه دار عرب ، ترک ، فرانسا انگلیزه ، بالاخره اسپرانتو وغیره میدان علم وفضل ومحیط اطلاع واحاطه این نویسنده پیش قدم را چنان وسعت داده است که ما منتظریم نگارشات این نگارنده درهر زمینه که باشد دلیل روشن وبرهان قاطع آن موضوع بوده باشد . ولي متاسفانه این مقالهٔ افغاني نویسنده که یک تتبع اولي وآن هم در دور دست ترین ما لک اجنبي ترتیب یافته است خلاف انتظار ما ویرا معمول خود شان وضعیتي بخود کسب کرده است که گویا یک مستشرق نو واردي درموضوع ادبیات وطن ان هم باعدم فرصت وقلت ذخایر ویک روح متصنع قیر آنحریر کرده باشد . گمان میکنم نویسنده فاضل را تنگي فرصت وتشتت حواس مجال وموقع نداد که سیر محققانه در اشعار وافکار این پیر معرفت کرده وشرح حالي که چنین نماینده شخصیت ان بزرگوار بوده باشد مقالهٔ ترتیب دهند اکنون ؛ تا میکنم که نظری ثاني باین نگارش خود نموده ترجمه حالي که درخور آن بزرگوار بلیغ بوده باشد ، از نو ترتیب داده مرقوم نمایند تا تلافي وجبیره ... ندقات را نموده وضمناً حق مقام آن پیرعلم وادب را ادا کرده وروح پرفتوح آن عالي مقام را از خود شادومسرور کرده باشند .

(محفوظ)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 165 of 896

رباعیات :

مولانای بلخی
(مشهور به رومی)

(۳)

۲۶

بی تو گرفته ام بدارم زنو دست
درمان ز کجویم که دلم مهر تو خست
می طعنه زنی که برجگر آت نیست
گر بر جگرم نیست چه خنده برمژه ماست

۲۷

بی گفتم که وزتو بیداد زکیست
بی هیچ زبان ناله و فریاد چیست
می گفت زشکر لبی وبخند مرا
بی ناله و فریاد نمیدانم زیست

۲۸

باشب گفتم که به ایمان است
این زود گذشتن تو از نقصان است
شب روی به من کرد و مرا عذری گفت
مارا چه گنه چو عشق بی پایان است

۲۹

برهر جائی که سوتهم مسجود اوست
درشش جهت وبیرون شش معبود اوست
باغ و گل و بلبل وشماع وشاهد
این جمله بهانه است ومن مقصود اوست

۳۰

بگذشت سوار غیب و گردی برخواست
او رفت زنهان گردی اوهم برخواست
نور است نگر نظر مکن از چپ وراست
گردش اینجا ونورش در وادی بقا است

۳۱

بیچاره تراکه عاشق بی صبر کجا است
کاین عشق گرفتاری بی هیچ دواست
درمان غم عشق نه بخل ونه ریا ست
در عشق حقیقی نه وفا ونه جفاست

۳۲

تاشب بیگو که روز مارا شب نیست
درمذهب عشق و عشق رامذهب نیست
عشق آن بحریست کش کران ولب نیست
بس غرقه شوند ناله ویارب نیست

۳۳

چون دانستم که عشق پیوست من است
وان زلف هزار شاخ در دست من است
هرچند که دی مست قدح می بودم
امروز چنانم که قدح مست منست

۳۴

خواهی که ترا کشف شود هستی دوست
در رو بدرون مغز و خیز زپوست
ذاتیست که گرد او عجب نورتو است
او غرقه خود هر دو جهان غرقه اوست

۳۵

دیوانه شدم خواب ز دیوانه خطا است
دیوانه چه داند که ره خواب کجاست
زیرا که خدا نخست با کست زخواب
مجنون خدا بدان که هم خواب خداست

۳۶

گویند که عشق عاقبت تسکین است
اول شور است عاقبت تمکین است
جان است زامواج سنگ زرین
وین صورت بیقرار بالا بین است

۳۷

گفتند که شش جهت همه نور خداست
فریاد زخلق خواست که آن نور کجاست
بیگانه نظر کرد زهر سو چپ وراست
گفتند دمی نظر بکن بی چپ وراست

۳۸

کم باد مرغی کهآن مرغان دارا نیست
وان دل که بهطان غرقه آن سودا نیست
گفتند درین میان نگنجد موئی
من موئی شدم ازان مرا گنجان نیست

۳۹

دمی که نه زیر است ونه بالا است کجاست
قدری که نه با ما ونه بی ما است کجاست
آنجا انجا مگو بگور است کجاست
عالم همه اوست آنکه بیا است کجا است

۴۰

مستم ز خمار عنبر جا دوئیت
وغم چه دهی جو آمدم در کوئیت
من مبر که بی شوم زلب تو کردن
آن به که مرا در افکنی در جویت

۴۱

منصور حلاجی که انا الحق میگفت
خاك همه ره بنوك مژگان میرفت
در قلزم هستی خود غوطه بخورد
وانگه پس ازان الحق انا الحق میگفت

۴۲

ناگه زدرم در آمد آن دلبر مست
جام می لعل نوش کرده بنشست
از دیدن و از گرفتن زلف مشکش
زورم همه چشم گشت وچشمم همه دست

۴۳

هر ذره که در هوا و در هامونی است
بنگو نگرش که هم چو ما مجنون است

هر ذره اگر خوش است واگر محزون است
سرگشته خورشید وشوقش بیچون است

٤٤

هر روز دلم در غم تو زار تر است
وازمن دل بیرحم تو بیزار تر است
بگذاشتی غمت نگذاشت مرا
حقا که غمت از تو وفادار تر است

٤٥

یاری که به عشق از صفت بیرون است
در خانه در آمد که دل تو چون است
او دامن خود کشان و دل می گفتش
دامن بر کش که خانه ام پرخون است

٤٦

ای روی تو از لطافت آئینه روح
خواهم که قدحها خیال صبوح
در دیده کشم ولیك تیر مژه ام
ترسم که کند پای خیالت مجروح

٤٧

از عقل بانواع سخنها گفتند
در بیخبری گوهر معنی سفتند
واقف چو نگشتند ز اسرار جهان
اول زنخی زدند وآخر خفتند

٤٨

از آب حیات دوست بیمار نماند
از گلبن وصل دوست یك خار نماند
گویند دریچه ایست از دل سوی دل
چه جای دریچه که دیوار نماند

٤٩

خاموش مرا ز گفت گفتار تو کرد
بی کار مرا حلاوت کار تو کرد
بگریختم از دام تو در خانهٔ دل
دلم دام شد ومرا گرفتار تو کرد

٥٠

گر باد گری ... می سازم ولاغ
ننهم بخدا ز مهر کس بر دل داغ
لیکن چو مرا شود کس را خورشید
در پیش نهد بجای خورشید چراغ

٥١

آن طاق که نیست جفتش اندر آفاق
با جمیع ... جفت وطاقی بوفاق
پس گفت مرا که طاق خواهی یا جفت
گفتم بستو جفت واز همه عالم طاق

٥٢

معشوقه چو آفتاب تابان گردد
عاشق به مثال ذره گردان گردد
چون باد بهار عشق جنبان گردد
هر شاخ که خشك نیست رقصان گردد

٥٣

عقل بنده آن عقل که او مجنون شد
صد جان اوزد دل که پرخون شد
والله که همی رشك برد آب حیات
ز اشکی که زچشم عاشقان بیرون شد

٥٤

سیه دل طمع فی بروی او می ماند
چیزی بدان فرشته خوبی ماند
فی الی لا ذی کجاتا به کجایه که بود
جان بنده او بندو خود او می ماند

٥٥

چون بت رخ توست بت پرستی خوش تر
چون باده زجام توست مستی خوش تر
در هستی عشق تو چنان نیست شدم
کان نیستی از هزار هستی خوش تر

٥٦

رفتم بسر گور که گویم دالده
میناف ز گزار تش بیوت گزار
در خاك ندا کردم خاکا زنهار
آن یار وفادار مرا نیکو دار

٧٥

آمد آمد اشك او نرفت هرگز
خالی نبود آن آب از آن جوهر گز
او معدن مشك و ما همه بوی ویم
از مشك جدا تو دیدهٔ بو هرگز

٥٨

آمد بر من دوش نگاری سر تیز
شیرین سخنی شکر لبی شور انگیز
با روی چو آفتاب بیدارم کرد
یعنی که چو آفتاب دیدی بر خیز

٥٩

بنمای بمن رخ تو ای شمع طراز
تا ناز کشم نه روزه گیرم نه نماز
تا با تو بودم مجاز من جمله نماز
چون بی تو بودم نماز من جمله مجاز

٦٠

دور از هوس عشق تو داوم همه روز
در عشق تو مست و بیقرارم همه روز
هر مستان را خمار یك روزه بود
من آن مستم که در خمارم همه روز

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 167 of 896

شب گشت و من ایست خبر از شب و روز
روز است شبم ز روی آن روز افزون
ای شب شب از آنکه از وی خبری
ای روز بروز او روز آموز

۲

در انجمنی نشسته دیدم دوشش
نتوانستم گرفت در آغوشش
رخ را به بهانه بر رخش بنهادم
یعنی که حدیث میکنم در گوشش

عاشق گردد بگرد اطلال و ربوع
زاهد گردد بگرد تسبیح و رکوع
بر آب نه آن و این دگر بر لب نان
کین را عطش آمده است و این راغم جوع

تلگرافات

سواد تلگرام تبریکیه اعلیحضرت غازی بعنوان اعلیحضرت شاه جارج .

بمناسبت جشن ولادت آن اعلیحضرت تبریکات صمیمانه خودرا اظهار و صحت مندی اعلیحضرت و قابلیت شاهی شان را مسئلت مینمایم .

(محل امضای اعلیحضرت همایونی)

سواد تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاه جارج بعنوان اعلیحضرت همایونی .

اعلیحضرت پادشاه افغانستان ـ کابل

پیغام اتهات صمیمانه ومهربانانه اعلیحضرت را بتقریب روز ولادت خود گرفته تشکر مینمایم .

(جارج آر آئی)

مترجم سرور گویا :

نگارش ونگارندگان

(ترجمه از اشهر مشاهیر ادبای شرق)

اگر بخواهیم درموضوع نگارش و نگارندگان ادب چیزی بگوئیم و دربن قضیه حکمیت محققانه بنمائیم و از صدر اسلام آغاز کنیم (۱) امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب را (کرم الله وجهه) سر حلقه بلغا و واضع بنیان بیان عربی می یابیم چه عارفین اسلوب کلام عرب سخنان او را کرم الله وجهه بعد از کلام خدا و رسول ابلغ کلام دانند . و برخی از کلام جامعهٔ او را شریف رضی جمع نموده و نهج البلاغه نام داشته و ابن ابی الحدید شرحی بر آن افروده و کتاب الدهر الخالد نام نهاده . واکثری از صحابه در کتابة و خطابة از نوابغ بشمار میروند . چنانچه در (اعجاز) باقلانی و (اتقان) و مزهر سیوطی مسطور است .

این قرن امیرالمومنین عمر ابن عبدالعزیز خاتمه می پذیرد و او در بلاغت و ادب آیتی کبری بوده رسالهای موجز و خطبه های غرای او را که ابن سعد در طبقات کبیر و ابن جوزی در مناقب خود نقل میکنند سر مشق از بلاغت بوده و همه حسن و دل پسندیهای ادبیات عرب را دارا است بر علاوه رسائل و خطب اداری و سیاسی او با آنکه خیلی اندکست ملکه انشا و اطلاع را بر اصول اداره عربی در شخص تربیه کنند .

زیاد ابن ابیه و حجاج ابن یوسف وقطری ابن فجاءة و عمران ابن حطان نیز از بلغای این عصرند همچنکه دو ثلث اخیر از جزو چند بل جزء مهمی از (کامل) مبرد مشتمل است بر اخبار خوارج نهروان و بدین اخبار مثال می آورد از بلاغت فو صوابین وشیوعیین .

قرن دوم : ـ رئیس بلغا و امام فصحای این قرن عبد الحمید ابن یحیای کاتب است خط ترسل و انشا او بعوضه استخراز بهره مردم در آورده ازان بعد عبدالله ابن مقفع ظهور نموده سلاست نگارش طراوت الفاظ جزالت معانی و رواسم رقت جلالت با شکوه او عقد

---

(۱) آنچه از رسائل و خطب و سائر مولفات بما رسیده همه از آغاز صدر اسلام است چه نگارش ادبی در آغاز قرن دوم شروع یافته و همدوش قرون و اعصار سیر تدریجی و تکامل نموده هر چند زمان جاهلیت نیز میدان هرج و مرج و عرصهٔ جولان ادب است ولی به تحریر و تدوین آن نپرداخته اند ازینجهته چندان خطب و رسائلی از عصر جاهلی باقی نمانده و هر چه بوده در خزانه حافظهٔ ایشان جا داشته افکار و کلام ادبای خود را بروایات مسلسل یاد داشتند . رفاعی گوید : ـ نثر جید عرب بیشتر ست از نظم جید او همچنکه از نثر قدر ده هم باقی نمانده و ده بیت از نظم هم ضائع نگشته و اکثر بقایای ادب عرب که دست حوادث بدان نرسیده در خزانه محفوظ بوده و بطبع نرسیده و بیشترش در جامعه ها و کتابخانه های اروپا محفوظ است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 168 of 896

مرواریدیست که بر گردن شاهد سخن بسته . یتیمة الدر و درة کان رمه و سایر رسائل او بهترین نمونه فصاحت و شه کار های ادبی او ست اگر ستاره عمرش بزودی افول نمیکرد امثله بیان خیلی برای ما بیادگار شد .

ولی افسوس که به (۳۶) رسیده در بحبوحه شباب فکر دنیای علم و ادب را بدرود گفت . سهل بن هارون نیز از توابع این عصر است و از بعض رسائلش معلوم می گردد که هر گونه کتابی تصنیف میکرده بوی منسوب میداشت تاروا قبول عامه یافته متداول روزگار گردد . نگارش او سهل ممتنع و از ابتذال و کلمات وحشیه و استعارات مستبعده مبرا بود . از خطبای این قرن داود بن علی و شبیب بن شبه واز چیز نویسان اسماعیل بن صبیح کاتب رشید و عمرو بن مطرف است و او کاتب منصور و مهدی و هادی و رشید بوده و نیز صالح بن نجاح صاحب کتاب (ادب والمروة) از ظهور کنندگان این قرن و کلامش دارای رشاقت و رقت و حکمت است .

گویند بلغای مردم ده نفر اند :— عبدالله بن مقفع و عماره بن حمزه و خالد بن یزید وحجر بن محمد وانس بن ابی شیخ وسالم بن عبدالله ومسعده ومعزز و عبد الجبار بن عدی و محمد بن یوسف صاحب فهرست گوید :— ابراهیم بن عباس صولی وحسن بن وهب ومحمد بن عبد الملک نیز از بلغا بشمار آیند هر یک اثری از این بلغا بصفحه روزگار نهاده واگر بنده هم اندکی است که بدان نمیتوان حکمی بنا نمود . بعد از ابن مقفع واحمد بن یوسف و صولی آثاری باقی است ابو اسحاق کاتب ابن ابراهیم بن محمد مشیره وزیر معتمد علی الله نیز از محرران این قرن و (النظم الرائق والنثر الفائق) و (الرسالة العذراء فی موازین البلاغة) وادوات الکتابة . تحفة کلك اوست .

قرن سوم : این قرن بظهور جاحظ که میتوان استاد بدیهه گویا نثر گفت استاد تمام یافته ظهور او در سنه ۲۵۵ رو داده (کتاب الحیوان و البیان) و (التبیین) و (البخلاء) و (المحاسن والاضداد) و (الحاسد و المحسود) از تالیفات اوست و نیز چندین رسائل مطبوعه داشته که هر صفحه آن مفید تر از محاسنیست . کسی نتوانسته مانند او موضوعات مختلفه را در هیجه قالب فنان جلوه گری بخشد و مابقی آن از تعسف وتکلف دوری گزیند . کلامش هرقدر مکرر گردد قند مکرر نماید . در رقت معانی و متانت ترکیب وعنان داری زمام لغت واستعمال کلمات و تمکین در جاهای مناسب حیرت بخش عقل خردمندانست بیانش که الفاظ طیبه را در رشته کلام جا داده افکار را بحالت خود نقل دهد . در چیز نویسان عصر شخصی مانند او نیست که خوب را در لباس بد و بد را در لباس خوب جلوه دهد یا آغاز کلامش طوری باشد که مطالعه کننده از خاتمه مستغنی و خاتمه طوریکه آغاز فراموش گردد . خلاصه جادو نگاههای او بعقول رازی وسحر بابل بلی سحر حلال . نگاه کن بکتابهای او که زمانه در دفتر خاطرات خویش بطور افتخار گذاشته و سرمایه فخر عرب ساخته وملاحظه نما فنانی و ابداع کاری او را که چگونه معانی کلام او والفاظ جزل بار شالت خود منقاد او گشته . بلی جزالت را باخرین پایه آن بالا برده هزلیات و نوادر را احیانا بظروف ظریف الفاظ جا میدهد که خواننده ذوق نموده ازآن ملال نگیرد . رسائل فوق او بهترین شاهدی است برای مدعای ما .

پس از جاحظ ابو حنیفه دینوری است و کتاب (اخبار الطوال) از مصنفات اوست طرز زبان او خیلی شیرین و روان وسبک نگارشش موافق زبان . ابوحیان توحیدی گوید :— اگر جاحظ را ابو حنیفه وابو زید را در علم و در مدح وقضایا ابتدا بیان کنند هنوز باستحقاق آنها نرسیده هیچ طور وصف شان نا گفته خواهد ماند .

پس این قرن بواسطه ظهور کنندگان نوابغ ممتاز ترین قرون واعصار است ودرین قرن است که علوم اولین و آخرین یونانی و سریانی وفارسی وهندی بعربی ترجمه شد و به اسالیب و تراکیب لسان عرب در آمده و زبان عرب علاوه بر فصاحت وعظمتی که داشت یک زبان علمی وصنائعی دربارهای آسیا گردید . (بقیه دارد)

ترجمه از مجلات عربی:
مترجم عبد الرشید:

از هر طرف

علت جنگ ها:

جنگ های که عالم بشریت را محزون شانده و موجب تباهی کتله های مهمی می شود؛ علت بعض از آنها بحدی خفیف و بی اهمیت میباشد که انسان هایی مروره باور کرده نمیتوانند که آنها موجب حرب وقتال گردیده باشند، اما طمع و حب فتح و فیروزی و داشتن در مقدمه اسبابی که انسان ها را به جنگ های هولناک وادار میسازد قرار گرفته و بعد از آن اختلافات مذهبی میباشد. اما علت های مضحک و خنده آوریکه موجب جنگ های بزرگ شده است خیلی زیاد بوده که از جمله یکی از اشراف چین در سنه ۱۶۵۰ بنای ابهای کاری از طرف شاه مقرر شده و شهر ها را گردش میکرد و از جمله اسباب های سفر پیش یک بیرق چینی بسیطی بود که برای جلی جلوش مخصوص بوده و در نزدش قدر و قیمت زیادی داشت. و حادثه واقع شده نوکری که از بیرق برایش سپرده شده بود بدست چند نفر چینی گرفتار شده و او بیرق را شکست ازانجا شخص مذکور شکایت این پیش آمد را انشاء کرده، شاه بالای اهالی این ولایت یک حرب بزرگی را آورده که آتش آن یک قرن تمام دوام کرده و درین جنگ بیشتر از پنجصد هزار نفر بقتل رسید.

همچنان یکی از میری قطاستان یک عاون (چیلم) را از یکی از اهالی کامرچین بطور امانت گرفت که پس او مدتی برایش رد کند، اما وقتیکه او وعده اش گذشته و امانتی را برای شخص کاری مذکور رد نکرد، شخص مذکور از اهالی بلادش معاونت خواسته و برای جنگ میر قطاستان با همشهریانش رفت و جنگ بین دو قوم در گرفته و مدت جنگ خیلی طول کشید قربت نصف اهالی دو طایفه که داشتند را بجهت همچنگند بقتل رسید و قریبا ده سال تمام آن برای همان یک چلم دوام نمود.

کذا جنگ هولناکی که بین فرانسه و انگلیس و اسپانیه در قرن هجدهم واقع شد علت آن یک جام آب بوده است طوریکه سفرای دول و اعیان ایالتهای در یکی از شبها در قصر لوی چاردهم دعوت بوده و سفیر انگلیس و سفیر اسپانیا با یک خانم باریسی صحبت میکردند و درین اثنا خانم مذکور اظهار عطش کرده و طلب آب کرد. و هر دو سفیر یکجا برای اجرای امر او شتافتند. اما مدت غیاب شان طول کشیده و درین اثنا یکی از فرانسوی ها گیلاس آب آورده خانم مذکور نوشید و پیش از آنکه دو سفیر مذکور برگردند شخص مذکور بجای خانم نشسته و داخل صحبت شده وقتیکه این دو سفیر واپس آمده و دیدند که خانم مذکور آب نوشیده و با کسیکه مقامش دون مقام ایشان میباشد صحبت مینماید، در خشم شده و شخص مذکور را بمبارزه طلبیدند. آن شخص فوراً برایشان اظهار داشت که استعداد تامه به محاربه ایشان دارد و اگر خواسته باشند با اهل ممالک شان از خاطر اینکه این جواب برای شاه انگلستان و شاه اسپانیا رسیده و بمقابل فرانسه اعلان حرب دادند و علت این جنگ بزرگ فقط همین جام آب بود که ذکر کردیم.

از آن قبل جنگی که بین اعراب و اهالی اسپانیا واقع شده و به مراکش و از دست رفتن اعراب از بلاد اندلس منتهی شده میباشد علت آن این بود که یکی از جوان های اعراب دستمال رنگینی را از یکی خانم های اسپانیولی دزدیده و درکیسه جوان مذکور را آن را و کرب کرده و مسلمین وقتیکه از این خبر اطلاع یافتند بر اسپانیولی ها شوریده تماشاچی ایشان را تهدید بقتل [illegible] بین طرفین آتش عداوت مشتعل شده و بعلت حرارت همین یک دستمال باهم بجنگ داخل شدند تا آنکه اسپانیولی ها فتح نمایان و کامل نموده و اعراب را از بلاد خود ها [illegible] همچنان حکایت جنگ بسوس که از بزرگترین و مشهورترین و درازترین جنگ های اعراب است مشهود است که علت این جنگ قتل شتری بوده است که پس از آن این حادثه ضرب المثل شد.

همچنان جنگ کبیر (۱۹۱۴) که شعله آن تمام اقطار بشر رسید، اگر [illegible] و آلمان قرار از روی حکمت اعلام می نمودند، این خلاف اصلح [illegible] و این حرب [illegible] که باعث نابودی ملیونها

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 170 of 896

افراد بیگناه شده واقع نمی شد ، و این حرفی که تا هنوزه آثار سوء آن تا مروزه در دنیا باقی است پیدا نمی آمد .

نتیجه افتخار :

روزی در انگلستان سفیر فارس با کپیتان نوفام انگلیسی داخل صحبت شده و سفیر جراحت هائی را که در جسمش داشت به کاپیتان نشانداده و از روی افتخار ورایش گفت : آقای کاپیتان ، تمام این جراحت های که می بینید در محاربهٔ که بین ما و ترکها واقع شد ، در بدن من رسیده است . کاپیتان در جوابش گفت گمان میکنم کسی درینجا یافت نشود که پوست جناب شما را بسبب کثرت شکافهای که دارد بخرد .

محبت اولاد :

مالارپوس مکسیموس مینویسد که زنی محکوم باعدام شده و محبوسش ساختند تا از گرسنگی بمیرد . بندبوان ها برای دخترش اجازه دادند که مادر خود را ببیند اما غذا همراهش نمیگذاشتند که بیاورد ولی وقتی که دیدند زن مذکور چند روز متمادی زنده مانده و نمرده ، از ترس اینکه مبادا دخترش غذائی برایش بیارد مادر و دختر را زیر مراقبت گرفتند و با کمال تعجب دیدند که دختر مذکور از پستان خویش مادرش را شیر میدهد بندبوان ها ازین وضعیت خیلی تعجب کرده و کیفیت را برئیس محبس اطلاع دادند و رئیس محبس حاکم را اطلاع داده و در نتیجه این خبر مشهور شد و مردم ازین محبت متعجب شده مادر و دختر را رها کرده و از اعدام نیز معاف نمودند همچنان خرج حکومت وسایل معیشت شان را تامین کردند ، و مردم مجسمهٔ بر مز محبت اولادی برای تذکار این محبتی که این دختر بمادرش نشان داده بودند در پهلوی محبس بنا کردند .

از دیگری نقل میکنند که قائدی یکی از قائدین عاصره را بر شهری تنگ نموده و بالاخر آنرا فتح کردند و پیش از اینکه شهر را آتش بزنند دو نفر از اهالی شهر را که دو برادر بودند ، از روی نیکی که به محاصرین کرده بودند عفو کرده و اجازه دادند که از شهر خارج شده و هر چیزی که هم میتوانستند با خود بر دارند ، این دو نفر از شهر خارج شدند در حالیکه یکی پدرش در پشت گرفته و دیگری مادرش را در بغل گرفته بود .

محبت برادری :

وقتیکه قیصر او گوستس به ادیا نزد جیس شاه کید و کرده غلبه حاصل کرد اورا اسیر با خود گرفته وزوجه و دو اولادش را نیز همراهش گرفت و هر چار را همراه آورد . سپس پدر را قتل کرده و میخواست اولاد بزرگترش را نیز بقتل رساند ، ولی نتوانست اولاد کلانتر را بشناسد ، زیرا هردوی آنها ادعا میکردند که برادر کلان میباشند تا برادر دیگرش را بمرگ خود از کشتن نجات داده باشد . وقتیکه نزاع بین این طول کشید ، مادر شان به پسر بزرگترش گفت که حکماً باید یکمرتبه کشته شوید و یکدیگر برادرت را بقتل برسانند تا پشتبان و محافظ من باشی . وقتیکه این خبر به اوغسطس رسید از کاریکه کرده بود پشیمان شده هرسه را بعد از اینکه انعام زیادی داد عفو کرد .

خبر های خارجی

برطانیه و هند

سرجان سیمن در عین نطق خود در یک دعوت طعامی که از طرف اتحادیهٔ اطاق تجارت داده شده بود بیان نموده که در اثر وضعی که منجانب برطانیا اتخاذ نموده اند و وضعیت مذکور تمام تعهدات تشکیل برطانیا را به هند فراموش نموده است ، هیچ چیزی بجز خطر و عدم اعتبار ظهور نخواهد نمود بر خلاف آن عدم آشنائی کامل توده مردم هند با مقصود و کار موسسات مدنی کار نقشه تشکیل را خیلی زیاد پیچیده میسازد . وعلاوتاً اظهار کرد که تنها بوسیله داشتن این دو مقدمه در دماغ خود ولیکن شق اینکه یکی از این دو مقدمه دیگری را فسخ کند برطانیا می تواند به هندوستان جهت بدست آوردن آتیهٔ که باید داشته باشد امداد و معاونت نماید .

محصول اراضی

عدم فیصله در بین حزب کارگر و احرار در باب نقشهٔ محصول اراضی بغتتاً صورت یک تهدیدی را برای منحل شدن پارلمان

خود گرفته است، حکومت دولت به قائدین حزب احرار التیماتوم داده، در آن ابلاغ نموده که با ترمیم بحث ایشان بصورت یک سوال اعتمادی معامله نموده خواهد شد. با ترمیم مذکور که بتاریخ ۱۴ جون تحریک شد بایستی نقشه را عملاً بر هم خواهد زد. قبول ننمودن قائد حزب احرار که حاضر است ترمیم مذکور را بصورتیکه داده آن باقی بماند اصلاح کنند [illegible] زیرکنده است [illegible] احرار را به تسلیم نمودن [illegible] کند و گوید که احرار اگر سبب سقوط حکومت گردند مسئولیت بر هم خوردن محصول اراضی، کنفرانس میز مدور، وضع اسلحه و اصلاح انتخابی خواهند بود. نیوز کرانیکل اظهار عقیده می کند که ستون دراز و مصالحه مانع بزرگی است و اگر ترمیم مذکور قبول نموده شود از انتخاب می توان بذریعه منع نمودن و باز گرفتن تجویزات محصول اراضی و [illegible] وزیر مالیه نجات یافت.

حزب احرار

لائد جارج قائد حزب احرار در نطق خود در [illegible] بیان نموده که محتمل است در هفته آینده به نسبت تحریک حزب احرار جهت ترمیم تجویز محصول اراضی حکومت بحران سیاسی شدیدی در پارلمان حادث گردد. وعلاوتاً بیان کرد که من گفته ام که اگر حزب احرار به ترمیم خود اصرار کند حکومت استعفی خواهد داد. و اگر حکومت چنین کار را بکند مسئولیت خود آن را تباه خواهند گردید. و از طرف دیگر اگر حکومت این ترمیم را بپذیرد [illegible] نیاید محض از یک محصول خوردی که زیاده از دو یا سه ملیون استرلنگ نخواهد شد صرف نظر خواهد کرد. و این تنها برای دو یا سه سال دوام خواهد نمود.

رائوتر

متحده امریکای شمالی

شدت بحران اقتصادی

ماسکو ۱۳ جون — از نیویارک اطلاع میدهند. که قیمت تمام سهم های بانک در بورصه اول [illegible] تادیه شده است بالغ بر چهل سه هم ملیارد روبل مقابل چهل هشت هم ملیارد روبل قیمت تادیه شده اسهام اول ماه می سال حاضر میشود.

قطب شمالی

ماسکو ۱۲ جون — در روز های قریب آمیر برگ [illegible] از قطب شمالی به [illegible] خواهند [illegible] با اشتراک موصوف میدان نزول طیاره و جای تجهیزات انتخاب نموده خواهد شد.

ماسکو یک کمیته علومی که به طرف [illegible] در قطب شمالی معاینات خواهند نمود تشکیل گردیده است. رئیس جمعیت مذکور [illegible] عضوی [illegible] منتخب گردیده.

تعمیر [illegible] در سی سی سی ر

ماسکو ۲۲ جون — قرار اطلاع [illegible] کمیته مرکزی [illegible] برای تعمیر [illegible] و ملیون روبل از طرف [illegible] جمع شده است.

[illegible]

خبرهای داخلی

کاروان زرد در کابل

در شماره گذشته از ورود هیئت [illegible] حد افغانستان و صورت پذیرائی شان الی حدود مهتاب قلعه (نواحی کابل) مفصلاً شرح کرده ام. فردای آن روز سه شنبه هیئت مذکور از [illegible] دارالامان وارد کابل گردیدند. و اهالی [illegible] علم و [illegible] استقبال کردند. خط حرکت شان در بین شهر، سرک پیش روی مشین خانه، لب دریا، [illegible] شاهی مکتب [illegible] و [illegible] بود. حینیکه بدروازه سفارت فرانسه رسیدند چند دقیقه توقف نمودند و از طرف اعضای سفارت پذیرائی شده بعد از آن از سرک پیش صدارت عظمی بطرف باغ [illegible] از طرف حکومت قبلاً برای شان [illegible] شده بود روان گردیدند.

[illegible] ورود هیئت از طرف وزارت [illegible] بکابل یک دعوت عصری در باغ چهل ستون که یکی از باغهای مشهور و [illegible] کیلومتری کابل واقع است ترتیب داده شده بود. و [illegible] در آن یک دعوت [illegible] و با شکوه [illegible] و [illegible] وزارت خارجه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 172 of 896

ترتیب شده بود . هیئت مذکوره روز دوشنبه گذشته خط حرکت خود را دوام داده بطرف پشاور روان شدند .

نطق هائیکه در دعوت های مذکور از طرف وزیر صاحب خارجه ورئیس بلدیه ایراد شده بود باجوابیه رئیس هیئت در ذیل نشر می شود :

سواد نطق رئیس بلدیه

مهمان های عزیز !

خیلی مسرورم که هیئت محترم شما را که از حس شریف محبت و علاقه به علم و معرفت زحمات مسافرتهای طولانی را وخود هموار کرده وبرای تحقیق در بشریت وخدمت به جامعه انسانیت مملکت ها وادیها کوهسار ها بیابانها را طی کرده واکنون بمملکت عزیز ما تشریف آورده ایم بکمال صفائی قلب پذیرائی میکنیم و ورود بجاهیت شما را درین سر زمین از طرف عموم اهالی کابل تبریک بگوئیم . امید وارم مسافرت شما در وادی ها وکوهسار وطن عزیز من بدون زحمت وتکلیف طی شده باشد .

فی الحقیقت یک امید بسیار قوی در قلوب معارف پژوهان وعلمای محقق انسانیت جا گرفته است که آن حس وحدت نوعی وتولید یکجهتی بین جمعیت های بشری است ومایقین داریم مساعی واقدام شما علاوه بر سائر نظریات این اتحاد جامعهٔ بشریت را تامین کرده علمیت وتحقیقات شهادر اوضاع وتاریخ ملل ین مقصود را تائید نماید . امیدوارم روزهای توقف شما در کابل به منتهای راحت وخوشی بوده بعلاوه درین مسافرت ومقاصد عالیه خویش حسب المرام کامیاب وموفق آئید وبکمال صحت ومسرت مسافرت شما خاتمه یابد .

سواد نطق جوابیه هیئت کاروان زرد

آقای رئیس بلدیه .

تبریکات خوش آمدید را که برای هیئت فرانسوی مرکز آسیا در وقت رسیدنش بکابل اظهار فرمودید تمام اعضای آن را متأثر ساخته تشکرات صمیمانهٔ خود را بحضور تقدیم میداریم .

بعد میخواهم مسرورات خصوصی را بحضور شما عرض کنم که ما مدتیکه متعقیب آنرا میکنم خوب درک کرده اند . از بیروت دو مه است که حرکت کرده ایم هیئت علمی وصنعتی که بنده افتخار اداره آنرا دارم متفقاً شمام عراق وفارس را قبل از عبور سرحد مملکت نجیب شما طی کرده است .

در تمام ممالک هیئت غیر ازینکه در تجسس جهان ایده ال که لی غرض است روح غرق را بفهم حقیق تمدن بزرگ آسیا آشنا سازد بنابر آن دیگر پرو غرام ومفکوره ندارد .

این تعیم را آقای رئیس ، ما آن تیام از اولین منازلی که در مملکت قشنگ افغانستان باینطرف سرحد اسلام قلعه گذرانیدیم حس کرده ایم بذیرائی که فراموش شدنی نیست وما با آن در هرات گرمک قندهار مقر غزنی مشرف شدیم احساسات ما را بیشتر قویتر ساختیم ، شاید بار اول است که بعد از زمان مهاجرت اقوام مختلفهٔ بر اروپا نسیان این حس عبور فراموش شده را از یک سر زمینی که مهبد اولین ترشحات انسانی است وی توانستیم برایما مانند زمین متولد وقریه باشد ثابت کردیم .

اهالی افغان بواسطهٔ پذیرائی برادرانه خودها این حس معدوم را بحرکت مقدس وخوشی که اظهار آن بزبان نمی شود تبدیل کرده فهمیده اند .

بنابرین سبب وبمناسبت پذیرائی که دیروز ازطرف اهالی کابل برایما شده بود و کوششات منازل اولین ما بطور قشنگ صورت داده که از اظهارات آن بدان ارزان نمی توانند حق شناسی خود را بجهت کنند . در خاتمه احترامات فائقه تقدیم می نماید .

سواد نطق ع ، ج وزیر صاحب خارجه

مهمان عزیز !

ملت افغان مهمان دوست ومهمان خویش را بسیار عزیز میداند خصوصاً مهمانانیکه بهترین مشاهیر ملت را در خانه خود احترام واکرام کرده اند ماملت هروقتیکه برای تزئید وتائید دوستی وودادشان حاضر وآماده هستیم وقتیکه به یاد می آوریم آن روزها نیرا که رهنمای محبوب این ملت در مملکت بازیب وفر فرانسه مسافر بود ونسبت با آن ناجی وپادشاه استقلال بخش افغانستان .

(باقی دارد :)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 173 of 896

مؤلف : له پلاتیه و رانسوی — (۷) — مترجم : حبیب‌الله طرزی

ما دام سان ژرمن

فصل سوم

(خوابگاه دیگر)

«حال این بیچاره بد بتر بیشتر خواهد شد؛ ولی من نه می‌توانم آنرا بردارم. اینکش لافور اینجا می‌بود چه علاج باید کرد؟ در حالی که هست هم نمی‌توانم او را بگذارم، ضرور خواهد بمیرد! دوست مند میوازل بلانش است نامزدش هم خواهد بود او خدا! لافور چرا نه می‌آید؟ شاید این هم خیر من است که لافور این جا نیست. اگر چه من تصور نه میکنم که مرا به نجات یکنفر اوستریکیان، اگر بشناسد که دوست ولی نعمی من است، تو بیخ کند علاوه وان همینه میگوید که یك فرانسوی بعد از جنگ کسی را دشمن نمیداند مگر بیمار حسود است! بعد این اوستریکیان جوان درخانه من دیوانه خواهند شد. اگر از من عدم تعلقات خودم را با او اثبات کردن بخواهد در آن وقت چندان آسان نه خواهد بود. اینطور هم نیست که من در مقابل او از جواب عاجز بمانم، ولی ترجیح میدهم که بودن او را در زیر سقف من نداند.»

عین بر وقتیکه میخواست رای و داشتن زخمی جوان کوشش کند دروازه زده شد. کاترین یك مدهشی خورده مانند جوان زخمی رنگش پرید و از خود پرسید

این که خواهد بود؟ دوکان بسته است و یقین دارم درین چنین یك روز کسی برای رخت شستن مرا زحمت نخواهد داد.» این را گفته در عقب گوش نهاد.

آواز قنداق تفنگ بر پیاده‌راه و مکالمه درست شان او را فهماند که زمرهٔ زیادی است و از مقصد شان نیز مطلع گردید چنانچه باهم می‌گفتند.

«من او را دیدم که باینطرف آمد.»

«ضرور درهمین حدود پنهان شده خواهد بود.»

کاترین بطرف زخمی دیده گفت: «و را تجسس می‌نمایند؟!...»

دو سه صدا یك جا: «بیائید که دروازه را بشکنیم!»

کاترین: — خدایا من او را چطور نجات داده خواهم توانست! و افسر را تکان خفیف داده آهسته گفت: — برخیز زود باش! کوشش کن قدری راه رفته بتوانی.»

ایتزیانی: — آه بگذار بمیرم حرکت کرده نه می‌توانم.»

کاترین: — بیا بیا! این جا باید نمیری مسئن باید ترا زنده و سالم به مادموازل لاولین رسانم، برخیز، جائی که اراده است ضرور قوت و طاقت خواهد بود!»

سربازان از بیرون در لغت کنان قنداقهای شدیدی بدروازه میریختند که دفعتاً یك آواز دیگر از دور بلند شد: «هم شهریان! لحظهٔ تحمل کنید و تعجیل ننمائید. این دروازه بر روی من کشاده خواهد شد.» کاترین از شنیدن آواز لهفبور وزنده بر گشتن و مسرور و بر سلامت بیمار خودش زیاد بر فکر نشد.

لهفبور: — کاترین بیا دروازه را باز کن!»

کاترین: — یك لحظه صبر کن زودی در را باز خواهم کرد.» و بطرف بیمار دیده گفت: «می‌شنوی آنها جبراً داخل خواهند شد. من باید در را باز کنم. بیا زود وقت نمانده؟!»

افسر —: «کجا باید بروم؟»

«کوشش کن از زینه بالا روی من ترا درسقف پنهان خواهم نمود.»

«این به هیچصورت ممکن نیست.»

«خوب، پس در اطاق خواب من داخل شو.»

کاترین بدون آنکه منتظر جواب وحرکت او شود، کشکشان و تبه کنان او را بخانهٔ خواب خود در آورده دروازه را قفل نموده و از اینکه باجرای وظیفه خودش کامیاب گردید، فرحناک شده بطرف دروازه دوید و آنرا باز نمود. بمجرد باز شدن دروازه دوکان از کارد های ملی و یك جماعه مرد و زن و اطفال مملو گردید.

لهفبور: «من میدانم که خوف ترا مستولی گردیده بود، مگر خوف تو

بیجا است . اینسپ همه وطن خواهان ودوستان شد . فتح وظفر وزی کامل است مشد ومستبد در دست ملت محبوس است قلعه استبداد فتح ووطن پرستان مالک مختارند .

به شنیدن الفاظ له فیور تماشاچیان خود را بریک دیگر فشرده نعره زدند :

زنده باد ملت

پاینده باد حریت

سرنگون باد خائنین مملکت

له فیور با صدای متین اراد نموده :

« نابود باد آنهائی که بر ملت خیانت گردند . »

این را گفته و کاترین را مخاطب ساخت « کاترین عزیزم ! من شوباید بگویم که این سربازان برای تفتیش اینجا آمده اند چندی از رفقای شان ارستوکراتی را که از (توبیلری) فرار کرده بود تعقیب میکردند ، یکی از شولیه‌ها را اگر که من بر آن‌ها قسم بر داشته ام تا انتقام رفقای خودم را از آنها بگیرم . ودرین اثر دیگی ها بر او تیر کرده اند و او در راهٔ کوچه از نظر غائب گردیده . یقین است که او زخمی شده ، زیرا قطرات خون تا بدهن راه رو عقب دوکان چکیده است خیال نموده اند که درین جا پنهان شده خواهد بود … ولی ما می بینم که او درین جا وجود ندارد ! و یقین دارم که اگر این جا پناه می آورد تو به ما اظهار میکردی .

« مثلا ازین لطف له فیور بطرف سربازان برگشته اراد نموده : « کمزنده اینجا هیچ کاری نیست از این ببرون با اینها برید ، ستوکرات فرار نموده و یقین دارم که شما به یکی از فرعین (توبیلری) حسد نخواهد بود اگر لحظهٔ با معشوقه اش تنها باشد . »

گاردها اشاره را فهمیده رفتند ولی او باشی های اهالی زیاد بر اول مجموع ورده ایستادند . لا فور اصرار آنرا دید گفت رفقایم باید چیزی را که میگویم قبول کنید ! برای چه انتظار دارید ؟ اگر استرقاتی را می خواهید بهتر است در عقب او رفته تجسس کنید . یا به گناه در سینه تی طور درین نزدیکی ها افتاده خواهد بود من او را مقتول می پندارم . »

یکی از اهالی که نشان واتی شباهت داشت گفت : « خوب سرجن آخت او خودش نیس نشان اینه رفتو د خانه ده که پنت باشه » لا فیور به طرف در وازه احترامی نموده کاترین را در آغوش کشیده صدا زد .

« من خیال میکنم که آنها هیچ گاه نخواهند وقت شنیدی که آن لحظه چه گفت اطاق تو به یک فکری . مگر تو چرا ملرزی ؟ طفلک من چقدر حق هستی . همه چیزها گذشته است . » ولی چون دید که کاترین علامات اضطراب و واوله معلوم می شود ، وهم چشمانش بر دروازه اطاقش دوخته شده است به سینهٔ حل

از جا کرده بطرف اطاق رفت و پیش تر از اینکه کاترین او را منع کرده بتواند دسته را پس داد . ولی برخلاف توقع در وازه قفل بود . له فیور کاترین را مخاطب ساخته وگفت : « این اطاق برای چه مقفل است ؟ » ولی از کاترین بجز خموشی جوابی نشنید .

له فیور : « کلید را به من بده ! »

کاترین : « نه نه ، من نمی توانم . »

له فیور : « اگر این طور است پس ضرور کسی را درین جا پنهان کرده ئی ، البته دوست خواهد بود ؟ »

کاترین : « من باز تکرار کنم که تو کلید را نخواهی گرفت ! »

له فیور دست خودش را در جیب بزرگ کاترین در آورده کلید را گرفت و دروازه باز کرده داخل خواب او داخل شد .

هنوز له فیور داخل او طاق بود که یک دسته سربازان دیگر بدوکان داخل شده او را تجسس نموده گفتند : « سارجن له فیور کجا است ؟ او را بر یک میخواهند ، در خصوص ترقی او به منصب (لیوتاننی) مباحثه است . »

درین اثنا له فیور از در وازه بر آمده و آنرا از دیگر قفل کرده بطرف کاترین رفته گفت : « نگفتی که خانهٔ ما خانه شده است ما امید میکنیم ما مه خلق درین نخواهد بود ؟ »

(ناتمام دارد)

(مطبعه ایمن)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 176 of 896

انیس

جریده ملی

◆ قیمت اشتراک ◆

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ ،
طلبهٔ معارف	۷ ،
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دوات فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد.

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 178 of 896

شماره (۱۰)　　مجلد (۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۳۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۷ سرطان ۱۳۱۰　　تأسیس ۱۳۰۶　　۱۲ صفر ۱۳۵۰

تقلید در حیات

(۲)

شاید پس ازین گفتگو ها توانسته باشیم ، اهمیت تقلید را در تربیه انسانی و بواسطهٔ آن در حیات بشر درک کنیم واقعاً تقلید برای ما که در بین کهسار های این وطن دارای هر گونه استعداد طبیعی ولی عقب مانده از علم و معرفت از صنعت و حرفت ، دور افتاده ایم مخصوصاً خیلی مفید است و باید هر چه زود تر ممکن شود سعی کنیم که حتی در جزئی ترین امور دنیائی عالم متمدن اروپا را تقلید نموده بآن وسیلهٔ اقدام نمائیم بر اینکه از شاهکار های علمی وفنی اشخاص بزرگ بقدری که ممکن شود استفاده کنیم .

امروز کاشفین و مخترعین اروپا در اطراف امور دنیوی چیز های زیادی کشف نموده اند ، و حالا به می شود که مانند انسانهای ابتدائی خود ما بطور خود وسلیقهٔ خود همه آن چیز ها را جدا گانه برای خود کشف کنیم و باید در تقلید امور مفیده از تعصب وخود پسندی کار گرفته تنزل نکنیم باینکه در نزد دماغ های بلند و افکار عالی و دانشمندی انسانهائیکه از ما بسیار پیش تر رفته اند سر تسلیم خم نمائیم و با منت شاگردی شانرا بر خود قبول کنیم .

دنیا دور های عجیبی دارد . روزی بود که سر زمین مشرق مظهر وجود اشخاص بزرگ و قائدین اجتماعی بشر بوده اروپائی ها از پرتو علم و معرفت و شناسائی این سر زمین استفاده می نمودند و امروز که بدبختانه در اثر غفلت و سهل انگاری یا بی خبری ، سلسله علوم و فنون از دست ما گسیخته است ، و سر پا در لباس موهومات و خرافات پیچیده ایم ، و تعلیمات مقدسی را که از بزرگان دینی ومصلحین روحی خود گرفته بودیم فراموش کرده در نتیجه این چنین عقب مانده ایم عیبی نخواهد داشت اگر خود پسندی و تکبر را به کنار گذاشته و خود گوارا کنیم که به مقابل حضرت علم گردن اطاعت باید نهاد ، از هر کس و از هر دست و زبانی که ممکن شود ازان استفاده باید نمود .

یک مقولهٔ مشهور است که در : « سخن حق قائل ندارد » بلی سخن حق از هر که شنیده شود حق است . در هر جا که باشد حق است ، باید از مسائل نخبه در هر جا که پیش شود وبدست ما بیاید تقلید کنیم ، وبدون آنکه بشخصیکه مصدر آن امر گشته است وباعوات وعقائد او نظری بیفگنیم سخن حق او را قبول کنیم . واین مسئله تا به ما مفید واقع نگردد مضر ثابت نخواهد گشت .

یکی از محرران فرانسه در باب تاریخ چین بوده ضمناً بیان می کند که : چین در زمانه های خیلی قدیم ودر قرن اولی دارای چیز های بوده که امروز بشریت بدان افتخار می کند . مگر چون با دنیا بیرون حدود طبیعی خود و یک نوع خود پرستی که در دیگر مردم جدا گشته ، تماسی نداشتند . اروپا آن همه صنائع را کشف نموده . وایشان توانستند اقلاً به بسط وتوسیع یا ترقی دادن آن کامیاب گردند .

این نیز برای تقلید ومفیدیت آن یک دلیل مهمی به شمار می رود . چه اگر مردم چین با دنیا تماس می داشتند ، وبه یک اروپا به تازه گی به کشف بعض چیزی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 180 of 896

ها شروع می‌نمود . مردم چین باقدامت تمدن خود وبادارائی سرشته علوم و فنون شاید اگر از خود روح کامل پیش رفت وترقی را مالك نبودند وسیله مشاهده عبرت اغیار در راه پیش برد علوم وفنون این حس دردل ایشان پیدا شده امروز بجائی میرسیدند .

مگر متاسفانه از بیش تر عاطل و غافل مانده بودند و امروز مصائبی را که درتحت دستبرد ومطامع اطلاله دشمنان بنی نوع بشر می کشند .

هر روز ازان داستان ها می شنویم . و تنها این روز ها اشخاص صحیح در صحنهٔ آن مملکت وسیع و پر از ذخائر قدرتی عرض و جود نموده اند که ایشان را به تقلید اوروپا یعنی استفاده از مزایای علمی شان وا دار می سازند و آهسته آهسته می خواهند که مملکت چین به پای خود ایستاده شده به معنی که حیات مستقل را در حرکت ملل دارا گردد .

اگر بدقت معاینه نموده شود ، ترقیات محیر العقول موجودهٔ اوروپا همه از اثر قوت مقید و محترم تقلید است و چیزی که از همه بیش تر محرك و علت تعالی روز افزون ایشان گشته است همین تقلید میباشد . و این قوه یا حس تقلید که در دماغ های ایشان موقع گرفته است محض ازین جهت است که در اول امر در دائرهٔ علوم و فنون به تقلید مشرق داخل شده اند . و چون از اول ثمره فایده تقلید را دیدند و شناختند تا امروز دامن آنرا از دست نداده اند ، و هریکی از دول اوروپا می کنند بلا استثنا همه آنرا تقلید می کنند .

و از همین جا است که در بین ایشان یك نوع تعاطی معلومات علمی وفنی صورت گرفته سیر ترقی شان صحیح تر و سریع تر میگردد . و شرق که ازین نعمت گرانبها نسبتاً بهرهٔ کمی داشت ودارد بچنین حالت زبونی گرفتار است که می بینیم .

خیلی خوب خواهد شد اگر ما هم ازین روز ها قدری چشم خود را باز کرده پردهٔ خرافات را از پیش نظر خود بر داریم و تعصب را بیك طرف گذاشته جداً در پی تقلید اوضاع و افعال و امور خوب و مفید تمدنهای مترقی افتاده راهی برای نجات و فلاح خود پیدا کنیم .

چه تجربه و تاریخ به ما ثابت می کند که تمام پیش رفت‌های موجودهٔ دنیا را ظاهراً حرکت انسان سبب شده است ، و اگر ما توانستیم حرکات و اوضاع اجتماعی خود را با ملتهائی که علائم تعالی در بین ایشان موجود است تطبیق دهیم ، شك نیست که به تمام زودی همه آن چیز ها را دارا گردیده در حیات به مقابل ایشان سر بر آورده خواهیم توانست ، ورنه باید منتظر باشیم که در هر وقت به ما چه می کنند و برای ما چه می خواهند و مجبوراً باید از مقتضیات خود صرف نظر نموده قرار مفاد الحق لمن غلب نگران باشیم چه مصلحتی دارند که برای آن بکمال بی تنگی العمل شویم .

(.....)

المان وفرانسه

در مجمع ملل

وبیان پرنسد کور تیوس

علاقات سیاسی در کمیسون اوروپا ظاهر میگردد (تلگرام نامه نگار برلیز تا کیلات)

جنو ۱۶ می

در کومیته اوروپا الیوم قبل از ظهر مباحثه عمومی بحران اقتصادی شروع گردید .

نمایندگان سیاسی ونمایندگان جراید وتماشا بین ها در اطاق مباحثه به تعداد بسیار زیادو جود دارند . باتوجهات زیاد مردم منتظر اظهارات وزیر خارجه المان میباشند . ازقیافه معلوم میشود که امروز یکی از بزرگترین روز های جنو خواهد گردید . بعدل ۱۱ بجه بریان مجلس را شروع نمود ونمایندگان ترکیه روسیه دانیک ولیاند را خوش آمدید گفته اظهار نمود که موفقیت کار قیمتدار شانرا خواهان است .

کور تیوس وزیر خارجه المان بصورت ناطق اول شروع بحرف زدن نمود ، بیکمال خوش بختی میکند که یك مذاکره عمومی منعقد گردیده است که تنها ازجهتی لازم وضرور است زیرا حصه زیادی پیشنهادات روبرائی باعلل عمومی بحران اقتصادی مربوط میباشد در باب سختی وبزرگی بحران حاجت بسیار حرف زدن نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 181 of 896

احتیاج اقوام باید باعث کوششان زیاد گردد . المان مسئول است که از برای کار اصلاحیه اوروپا امداد و معاونت نماید . اوبك تبعه المان است باید اینطور حرف بزند ، در المان بحران مذکوره بالك قوی تصادمی نماید که بعلت جنگ انقلاب بی انتظامی اجتماعی ، خسارات زیاده کمبودی سرمایه وبیکاری متضرر شده است . هیچ ملتی دیگر به اصلاح و بهبودی تمام اوروپا اینقدر مشترك نیست ، مثل المان - بنابر وضعیت جغرافیائی خود ، ما تمام قوای خود را در داخل مملکت بکجا مینمایم .

تا خود را بقدر امکان اصلاح نمائیم همچنین ما مساوی با دیگر ملل در قطار اول همکاری شمولیت داریم . تنها ازین جهت پیشنهاد حکومت المان ظاهر گردیده درینجا یکدفعه وضعیت موجوده اوروپا را که بعلت اوضاع گمرکی و ناکامی در امور کرده شده درین مسائل واقع گردیده است ، امتحان و تفتیش نمایند بعد از آن داکتر کورتیوس در باب اوضاع که رضائیت بخش نیست با دلایل معقول توضیحات داد - و بعداً درباب ناکامی کنفرانسهای اقتصادی که تحت اداره جامعه ملل اجرا گردیده است توضیحات نموده او تکرار نموده ، که خصوصاً در مسئله تبادله بین المللی اموال و در مسایل گمرکی همیشه مذاکرات نتیجه نداده است . ازینجهت بسیار ضرور است که تحت اوضاع امروزه اصول تعمیر آن از تمهداب بواسطه موافقت اساسی و بواسطه مذاکرات جنبین شروع گردد . این اصول دو مبین که باید از اول مقصدرا ازبرای عمومی نمودن در خود داشته باشد ، بدون شبهه رهنمای اتحادیه های گمرکی میگردد . فکر موافقت منطقه‌ای وپلان اتحادیه گمرکی درین سالهای آخیر اهمیت زیاد پیدا کرده است داکتر کورتیوس راجع به کوششان اسلاند - لیلند ، او کوسلاویا رومانیا اشاره نمود ، که در خصوص اتحاد گمرکی نموده بودند همچنین در حدود ممالك دنیا و همیشه درینباب مذاکره شده است واز مدت زیاد باینطرف اشخاص بانفوذ و معتبر کوشش نموده اند که در بین المان وفرانسه یك اتحادیه گمرکی بمقصد توسعه دادن آن تشکیل بدهند . داکتر کورتیوس درین موضوع آمادگی خود را ذکر نمود ، که المان با هر ملتی خورده بازورك در باب امکان جریان یك اتحاد گمرکی داخل تبادله افکار میگردد .

بعد از آن خواهش نمود که این نظریه را تفتیش نمایند . بعد از آن جداً گفت که آماده میباشد ، در همه پیشنهادات شرکت ورزد که از برای اصلاح وحاصل نمودن محبت در باره المان و اوروپا نتیجه خوبی بدهد .

بعد از کورتوس وزیر خارجه المان بریان وزیر خارجه فرانسه یك نطق ایراد نمود و در آن اظهارات جدیانه برضد پلان گمرکی المان استریا نمود .

علت اصلی بحران این است ، که متاسفانه تا حال ملل اوروپا متفق نگردیده است ملل باید از برای تبادله حاصلات متفق گردد بهر صورت باید اجتناب کرده شود که در بین ملل منازعات بی ثمر واقع نگردد ، باید توجه کرده شود که برای همه ملل یك اساس اقتصادی درست حاصل کرده شود .

تنها در آنصورت باید محاربه‌ها منعقد گردند ، که اگر اتحاد عمومی نا ممکن باشد باوجود ناکامیهای کنفرانس اقتصادی باید از توجهات حاصل نمودن ، اتحادیه های عمومی صرف نظر کرده نشود اگر بچنان اصولیکه کورتیوس گفت رفتار کرده شود ، غلط خواهد بود باید درجلسه های خصوصی مسائلیکه جائز نیست تحت مذاکره گرفته نشوند . زیرا اتحادیه‌ها باید با موافقت کمیسیون اوروپا منعقد گردند .

فرانسه قبولدار اینطور یك اصول گردیده نمیتواند و به مخالفت خود محکم میباشد وامید میکند که مسئله مذکوره در ایام آینده مرتب گردد . لاکن او میخواهد وضعیت خودرا و ملك خودرا واضح نشان بدهد . پلان اتحادیه گمرکی فرانسه و بلجیم قراریکه کورتیوس اشاره نمود باعث ناراضی زیاد گردید و از انجهت فرانسه طرفداران نبوده است . بریان تکرار نمود که باید زیاد کوشش کرده شود ، تا از ناراضی در بین ملل اوروپا اجتناب ورزیده شود . هر اصولیکه بصورت اساسی گرفته شود باید توجه شود ، که

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 182 of 896

اصول مذکوره و تکمیل معاهدات بین الملل نباشد و اگر باشد از آن صرف نظر کرده شود .

بجواب توضیحات فوق الذکر بیان کورنتوس گفت ، که او در نطق خود در باب حصه عمومی مسئله اتحادیه حرف زده است و بلان اتحادیه گمرکی آلمان و استریا را تنها تماس کرده است .

روز دوشنبه موقع از برای مذاکره پلان اتحادیه گمرکی آلمان و استریا باشد آلمان طرفدار این است که آلمان بالکل قرار قواعد معاهدات رفتار نموده است در اختتام جلسه ولی مخالفت محرق سیاسی قراریکه از فوق دیده میشود ظاهر گردید .

اعلان

اگر خانه لازم دارید

یک در بند خانه واقع گذر باغبان کوچه لب دریا مال ناظر محمد صفر خان برای فروش حاضر است .

از حیث موقعیت و هر گونه لوازم سکونت مطبوع واقع خواهد شد .

باداره انیس نزد محمد اسلم معاون رجوع کنید .

مترجم سرور گویا :

نگارش و نگارندگان

ترجمه از اشهر مشاهیر ادبای شرق

(۲)

و نخستین شخصی که دور مشق ازین ترجمه بنیاد نهاد خالد ابن یزید اموی بود و عمر ابن عبدالعزیز در استحکام و ترقی دور افزونش کوشید تا در عهد منصور عباسی در بغداد قوت تمام یافت و در عهد مأمون بسرحد کمال رسید و در حقیقت دوره مأمون بهترین عصر علائق ادب و علم و انشا و نیز ازین دوره ادب عرب است . احمد ابن یوسف نیز از اوائل بنای این عصر شناخته شده و او از کمال عقل و فطانت بدرجه وزارت رسید و در حضور مأمون اعتبار تام یافت . رسائل او را صولی در کتاب الاوراق خود جا داده و کتاب التراجم المطولة چندیها از نوشته جات منتخب او را آورده و معاند است به سجع ائمه بلاغت در قرن نخستین . خلاصه او یکی از مأمون فصیح و بلیغ و مأمون تماماً مفتون علم و ادب او بوده .

نویسندگان محدود درین قرن بکثرت ظهور نموده عمر و ابن مسعده وزیر مأمون نیز از جمله است مشار الیه در بلاغت و ایجاز و جزالت الفاظ و رشاقت معنی منحصر بفرد بوده و زیر ابن علی دامغانی و ابو الفتح بستی صاحب (الطریقة الانیقه فی التجنیس) نیز در وصف بزرگان جا دارند و از نوابغ شمار میروند . ابن قتیبه (۲۷٦) نیز در علم و جودت و نثر ثانی جاحظ و رسائل او و مهمترین کتب منتشره باشد بلی کتاب (امامت و سیاست) ، (کتاب العرب) و مختلف تاویل الحدیث و (اشربه) و (معارف) وعیون الاخبار و ادب الکاتب از مصنفات او و همه دارای روحی که علم و ادب دران سیر متساوی دارند و ابن قتیبه هم بر (ادب الکاتب) او شرحی نوشته ابوعبیده بکری صاحب معجم ما استعجم از تنقید کنندگان (امالی القالی) است و رساله خودش را (التنبیه علی اوهام ابی علی فی امالیه) نام نهاده .

قرن چهارم :- از چیز نویسان درجه اول این قرن احمد ابن یوسف است معروف ابن دایه در (۳٤۰) اصلا بغدادی و پدرش از مصر نقل کرده و احد از کاتبهای دولت طولونیه بوده با فصاحت . . . بلاغت او را کتاب (مکافات) و جزئی از حسن العقبی او که اشتهار یافته طولونی نشان میدهد پس ازان ابوبکر صولی است در ۳۳۵ کتاب (الاوراق) و ادب الکاتب از مولفات اوست . و نیز احمد ابن عبدربه در ۳۲۸ و (عقد الفرید) از مصنفات جلیله اوست . جعفر ابن قدامة ابن زیاد کاتب نیز ازین قرن است . بر علاوه زمرهٔ از محررین درین قرن فن کتابت را بفضل خود زینت بخشیدند و بپایهٔ برتر افزودند که در خور ودهٔ یکی از آنها

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 183 of 896

ابو الفضل ابن العمید وزیر آل بویه است در ۳۶۰ و او نخستین شخصی است که باب سجع را گشاده و انواع بدیع را روحی دمیده گویند : ــ رسائل بعبد الحمید آغاز و بابن العمید اختتام پذیرفته طوریکه شعر بامرا القیس آغاز و به ابو فراس حمدانی اختتام یافته . بعده صاحب ابن عباد است که در حدود سنه ۳۸۷ ظهور ودر جناس وسجع مانند ابن عمید بوده . مشار الیه میگفت : ــ

نگارنده گان عصر چهارند : استاد رئیس یعنی ابن العمید واستاد ابو القاسم یعنی عبد العزیز ابن یوسف وابو اسحاق یعنی صابی واگر خواستمی شخص چارم راهم نام بردمی ومدعا ازبین خودش را داشته .

ابو بکر خوارزمی نیز ازین طبقه (۳۸۳) ودر سبك نگارش روش ابن العمید را پیرو بوده رسائل مشهور ومطبوع او مملی است از بلاغت وفصاحت وکثرت سجع اما بدیع الزمان همدانی صاحب رسائل ومقامات مشهوره مقالاتش نسبت بخوارزمی بیشتر طربی بوده باشد سجع وصنایع بدیعة ساخته واستعمالش صنائع راهم درجاهای خاص وجملات معینه باشد بعد بقرار طربی خود رجوع واقوالش دلربائی ها نماید

از رسایل صابی که برخی از حضرت خلفا صدور یافته وبرخی جداگانه طبع گشته وبرخی هم در (صبح الاعشی) اقتباس پذیرفته آنچه دیده ایم همه را در دیقات سجع بدیع ریخته واگر سجع را بطور بدیع طرح میتوانست مکتوباتش سرمایهٔ فخر اسلاف وبزرگترین معلمی از برای اخلاف میگردید .

واز نوابغ ابن قرتند ابو الفرج ببغاء وعبد الله ابن عمر وفیاض کاتب ونديم سيف الدوله وابو القاسم علی اسکافی نیشابوری که در بلندی اثر وبستی نظم مانند احسن محافظ وعلی ابن هندو صاحب (الکلم الروحانیه) ویحیی ابن عدی صاحب تهذیب الاخلاق وسیاست النفس (سنه ۳٦٤) وابن حیان بستی صاحب (روضه العقلاء) وحاتمی صاحب (رسالهٔ حاتمیه) واین رساله ایست مشتمل ومعارضهٔ او بامتنبی که در میدان نزاع ادبی باو رو برگشته وحرفهاله نتیجه داده وبالاخره معائب وسرقات شعری متنبی را اظهار نموده . وقاضی تنوخی (سنه ۳۸۳) (صاحب النشوار) و (فرج بعد الشدة) وقدامة ابن جعفر الکاتب صاحب (نقد الشعر) وکتاب الخراج (۳۲۷) وابن نباته صاحب خطبه های مشهور . وابو جعفر محمد ابن عباس وزیر مکتفی ومقتدر وابو منصور بغوی که در سنه ۳۷۵ بوده . سرحلقه ادبای این عصر ابو العلای معری است که اعمی وطبع شعر بروی غالب و نثرش مملو ازتصنع وتکلف ومشکلات لغت بوده وسبکش خالی از یبوست طبع وبدرشتی نبوده ولی از آثار جلیه او (رسالهٔ غفران است) که در آن تردید از رسالهٔ ابن القارح نموده وفکر اورا نهاد تحت الشعاع افکار خود قرار داده روایات آن خیلی بر دانت

دانتی شاعر ایطالی مشابهت داشته وحقیقة این رساله بزرگترین روایات خیالیه بوده وشاید که شیخ اعمی تابغهٔ ایطالوی را معلم درشعر وخیال بوده واو را بخوشه چینی خرمن خیال خود اجازهٔ تام داده است . بلی بعضی از مستشرقین متتبع گویند : ــ که هرسه رسالهٔ دانتی یعنی (لانفر اطیر اپرادی) که در سنه ۱۳۰۰ ــ ۱۳۱۸ تالیف یافته همه خوشهٔ چینی از افکار معری ومخصوص روایة جهنم اقتباس است از رسالهٔ غفران معری که یاجنا را دریای گلبن مست خواب یافته وعیارانه گلهای خوشبو وخوش رنگ افکار او را دسته بسته دربازار بلاغت گلفروشی نماید وعلاوه آنچه معری بر دیوان ابو تمام طائی وابو عبادهٔ بحتری وابو الطیب متنبی نوشته و (ذکری حبیب) و (عبث الولید) و (معجز احمد) نام گذاشته همه دلیل می شود که معری بر اسرار عربیه وفهم کلام وصیام عرب خیلی ماهر وقوهٔ اقتدارش درنقد ادبی خیلی بلند است قطع نظر از فلسفه اش در لزومیات ودواوین خودش ومیتوان او را فیلسوف لغوی گفت نه کاتب . علی ابن خلف صاحب مواد البیان نیز ازین طبقه و قلقشندی در صبح الاعشی جزء مهمی را از مواد البیان نقل میکند .

قرن پنجم : ــ درین قرن نیز بکسلسله از نامورانی بزرگ ظهور نموده واثرات لایموتی یادگار گذاشته اند امیر الامراء

این سلسله قابوس وشمگیر است در (۴۰۳) کمال البلاغه از آثار جاویدان اوست طرز نگارش او تا ما و نغمه شعر و موسیقی و بدون قافیه و زر یا یافته ولی سجع در آن غالب وسخنانش همه متین و خلاف ثعالبی که درحدود سنه ۴۲۹ ظهور نموده وسید چیز نویسان عصر و از گنترین مؤلفین در لغة وادب گنگردیده. مقدمه ئه کتاب او (فقه اللغة) از طبقه عالیه است ودر کتابت وا گرا (یتیمة الدهر) نرسانند (المضاف والمنسوب) و (لطائف المعارف) او سجع نمیداشت کس مجال عیب بر او نمی یافت همچنه ابن رشیق قیروانی که در (۴۵٦) بوده و (العمده) که از اصول کتب ادب است آثار قلیمه است ولی ابو عبدالله ابن شرف قیروانی در رسائل الانتقاد (عمده) تنقید نموده. قدما در اتقان فن ادب و (٤) کتاب اعتماد میکردند که عبارت است از (بیان و تبیین) جاحظ و (ادب الکاتب) ابن قتیبه و (کامل) مبرد و (امالی) ابوعلی قالی وهمین ٤ کتابست که بعضی آنرا شرح وبعضی را اختصار وبعضی را تنقید کرده اند. ابوحیان توحیدی نیز زاده این قرن واز بزرگان این سلسله بوده ودر کتابت بدیعه سبکی آمده وسبک خاصی پیموده ودر حدود سنه ۴۰۰ وفات یافته کتاب (المقابسات) ورساله (الصدیق والصداقه) و (الاشارات الالهیه) ازبخته قلم اوست.

(باقیدارد)

اقتباس از مجلهٔ اقتصاد:

پروگرام اقتصادی ۱۳۱۰

وزارت تجارت

پروگرام ذیل را که حاوی (۴۰) ماده است در اواخر سال ۱۳۰۹ عالیجناب جلالتماب میرزا محمد خان وزیر تجارت تنظیم و برای منظوری سال ۱۳۱۰ بمجلس عالی وزراء تقدیم نموده بود، که اینک ما اصل مواد مرتبهٔ وزارت تجارت را بصورت تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری حضور همایونی عیناً اقتباس میدهیم:

مقام منیع مجلس عالی وزراء!

این یك مسئله واضح است که دست قدرت خداوندی در هر کنار خاك پاك وطن عزیز ما انواع فلزات و انواع معادن را که فی الحقیقت منبع ترقی وتعالی است بودیعت گذاشته است بطوریکه دنیا ازین رهگذر از استعداد طبیعی ما اکنون خود استفاده نموده اند تا حال برای موفق نشده ایم. نه تنها مواهب قدرت در مملکت ما منحصر بمعادن است، بلکه هم چنان مملکت عزیز ما یك مملکت زراعتی و آب وهوای آن نیز از هر حیث برای پرورش اقسام نباتات مستعد وقابل استفاده است. دراین قسمت نیز متأسفانه چنانچه شاید از اوضاع زراعتی مملکت خویش بهره نبرده ایم، زیرا اصول زراعت وفلاحت هنوز بطور قدیم وبا همان آلات وسامان چند هزار سال قبل اجرا میشود، که بجز تضییع اوقات وارعین ثمره که بتواند زحمت ایشان را تلافی کند ندارد ودوهم از همین جهت اراضی قابل زراعت ما همه بدشت های خاره و بایر وبی آب تحویل یافته و چون انکشاف و بکار انداختن معادن ومشروب ساختن املاك خاره وبایر را وزارت تجارت وظیفهٔ مهم خود میداند، لهذا وزارت تجارت برای برآوردن این دو مقصد تدابیری را تقدیم مقام منیع مجلس عالی وزراء میکند، اما این تدابیر فقط برای سال ۱۳۱۰ در حدود قدرت مالی مملکت بوده، اینك این اقدامات که در ذیل شرح داده می شود، عملی گردید، بعد مواد دیگری را نیز تقدیم نموده پس از منظوری عمل آغاز خواهد نمود.

بدواً یك معدن را که مفاد آن نسبت بکار زیاد باشد وزارت تجارت بکار خواهد انداخت، واز مفاد این ممکن است که آینده بکار گرفتن از دیگر معادن هم اقدام شواند.

معدنی را که فعلاً از آن کار گرفته نمیشوند وبه ذرایع داخلی ممکن است که از آن استفاده شود مدار گرفتن معلومات فنی، فکر وزارت تجارت این است که با شرایطی که بحال مملکت مفید باشد کار آنرا بیکدام کمپنی خارجی وا گذار نماید. وراجع بحفر انهار جدیده وانشاء بند ها سر از سال ۱۳۱۰ بکار آغاز نموده در صورتیکه موانع پیش نشود تا سه چهار سال کارهائیکه داخل پروگرام سال سنه یکهزار سه صد وده است اکمال گردد، واز این راه یك قسمت مهم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 185 of 896

مملکت را اگر خدا بخواهد شاداب و سرسبز نماید .

چون برای تکمیل کار های دیگر هرساله پروگرام علیحده ترتیب داده میشود لهذا پروگرام سال یکهزار سه صدو ده با مصارف لازمه آن ذیلاً تقدیم مقام عالی مجلس وزراء میشود .

الف — حفر انهار :

۱ : — نهر سراج جلال آباد که از سنه یکهزار و سه صدو دو شروع کار او شده الی آخر سنه یکهزار سه صدو پنج مبلغ (۱۵۱ ، ۵۶۴ ، ۲) روپیه در آن صرف شده تا یك اندازه کار مذکور بسر رسیده در سنه یکهزار سه صدو شش مستر لاری مهندس مصارف باقیمانده کار نهر مذکور را مبلغ (۶۸۰ ، ۵۵۵) افغانی تعیین کرده از جملهٔ این پول در سنه یك هزار سه صدو هفت مبلغ (۴۰،۰۰۰) افغانی هم صرف شده بعد بواسطه انقلاب کار مذکور معطل شده ، رقبه زمین تحت نهر مذکور را مهندس موصوف ۱۴ هزار جریب زمین نشان داده چون در نهر مذکور پول زیاد صرف شده خیال میکنم که اگر مهندس جدید مصارف باقی مانده کار نهر مذکور را بصورت صحیح علم آوری کند از پول که ذکر شده کمتر هم صرف خواهد شد ، در سال آینده یکهزار سه صدو ده وزارت تجارت بکار مذکور آغاز نموده ، برای مصارف سال یك هزار سه صدو ده دولك روپیه در بودجه وزارت منظوری میخواهد ؛ در سال ۱۳۱۱ امید است که کار مذکور تمام تمام و از آن استفاده که مدنظر است گرفته شود — اگر در اهتمام کار آن جدی اقدام نشود پول های زیاد که در سنه گذشته صرف شده به هدر خواهد رفت . امضاء وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء :

حسب پیشنهاد وزارت تجارت برای سال ۱۳۱۰ مبلغ (۲۰۰۰۰۰) افغانی جهت مصارف نهر سراج جلال آباد مجلس تصویب میکند . امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است

۲ : نظر به اینکه در الکه خوی قلت آب است ، وهم وزارت خارجه در سنه یك هزار سه صدو هفت به اثر اطلاع حکومت میمنه شرحی از قلت آب در الکه خوی و کشیدن یك نهر از دریای مرغاب تحریر داشته ، ضمناً مصارف آن را بطور تخمین لاسه لك روپیه متذکر و منافع زیاد آن را خاطر نشان نموده چون راپورت نهر مذکور بصورت علمی نشده علاوتاً درین تازه گی ها رئیس تنظیمیه مزار شریف ومیمنه راجع بحفر نهر مذکور واینکه پول مصارف آن را وکلای الکه خوی قبولدار شده باین وزارت تحریر داشته که وکلای مذکور چنین تصویب داشته اند قرار معلومات که داریم ازمواضع ذیل آوردن آب درالکه خوی امکان دارد .

(۱) از دریای بالا مرغاب .

(۲) از دوآب وگردی و آن از سه موضع : ـ حوض غجان ـ تخار دره زن .

(۳) از دریای آمو ، از اقچه ؛ از حدود قرمین .

پول مصارف آن را ماها متعهد هستیم که از طرف اهالی داده شود بشروط ذیل :

الف — مهندس از طرف حکومت مقرر شود که مواضع مذکور را ملاحظه کند و قرار نقشهٔ علمی آب مذکور را باورد .

ب — در بین جریان آب الی مدت ده سال مالیات آن معاف باشد ، بعد قرار پلوان شریك مالیه میدهیم .

بنا بر آن وزارت تجارت برای اجرا آن این کار صرف مصارف ومعاش یکنفر مهندس را که از خارج میخواهد منظوری میگیرد البته در وقت که مصارف حفر نهر مذکور را بر آورد کنند این مصارف در آن زیاد و از اهالی گرفته می شود برای معاش و مصارف یك ساله مهندس (۳۰۰۰۰ افغانی) لازم است .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینهٔ وزراء : حسب پیشنهاد وزارت تجارت معاش و مصارف یکنفر مهندس مبلغ (۳۰۰۰۰) افغانی برای یکسال منظور است .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

۳ : در سنه ۱۳۰۶ مصارف پخته کاری سربند نهر باتاب قندهار را از دریای ارغنداب بواسطه زیادتی آب نهر مذکو مستر مازوخ المانی مستخدم وزارت تجارت مبلغ (۲۵۲ ، ۹۳۲) افغانی پیمایش نموده و هم نوشته که اضافه بر زیادتی آب برای زراعت ، بلکه در تحت بند مذکور ساختن یك کار خانه برق هم ممکن است چون برای ترقی زراعت و

انشاء با نات جدیده که ازین رهگذر معاد بزرگی برای دولت و ملت متصور است و وزارت تجارت تخته کاری سرجوی مذکور را در سال آینده ۱۳۱۰ تصمیم داشته ، مصارف آن را در بودجه تکالیف مینهاید : امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : راجع بفقره پیش نهادی وزارت تجارت بخصوص تخته کاری سربند نهر با ثابت قند هار مبلغ (۲۵۲۹۵۲) افغانی مجلس تصویب میکند . امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

٤ : در سنه ۱۳۰۶ ذریعه مستر مازوخ الیانی مصارف کشیدن یك نهر جدید از دریای چکی برای آب یاری یکهزار جریب زمین جدید بمصارف (۶۹۰۰۰) افغانی نقشه و بر آورد شده و این راهم نوشته که در چکی املاك مزروعی مساوی از شش هزار جریب زمین میشود این یك هزار جریب زمین اگر بمصارف شصت ونه هزار افغانی زراعت شود در آن جا قابل بسیار اهمیت است ، بنا برآن وزارت تجارت از نقطه نظر اینکه در آن سمت زمین مزروعی کمتر است تصمیم داشته که در سال ۱۳۱۰ کشیدن نهر مذکور را شروع و الی آخر سال بعون الله تعالی تمام کنند . امضاء : وزیر تجارت

تصویب مجلس عالی وزراء : راجع به پیش نهاد وزارت تجارت مبلغ (۶۹۰۰۰) افغانی برای مصارف کشیدن یك نهر جدید از دریای چکی را مجلس تصویب میکند . امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

(باقیدارد)

از هر طرف

خوارق تخنیک در امریکا

(حرکت دادن یك عمارت ۸ طبقه)

مالك عمارت ۸ طبقهٔ « بیل کمپانی تلفون » که متعلق به « ابندیا نوپولیس » میباشد ، خواست تا یك عمارت جدیدی بنا نماید ، چون برای عمارت مذکور میدان آزاد لازم بود ، ساز بن کمپانی مذکور فیصله نمود تا عمارت سابق را از میدان مذکور بیك گوشهٔ نقل دهند قرار اطلاعات واصله این عملیات از نقطهٔ نظر تخنیک یك عملیات حیرت انگیز است که بدین قسم اجرا شده است :

عملیات « حرکت » عمارت بدو قسم اجرا نموده شده :

اولاً در تحت عمارت مذکور شاهتیر های استوانه فولادی داده شد . و عمارت ۸ طبقهٔ مذکور روی همین شاهتیر ها مسافرت خود را که مسافه طی شده ۲۰ متر می شود ، اجرا نمود .

بعد ازان عمارت را به همین قسم به اطراف محور خودش دور داده بیك گوشه مناسبی بالای تهداب جدیدی که قبلاً تهیه شده بود ، گذشتند .

چیزیکه ازهمه درین عملیات حیرت انگیز تر است ، اینست که در زمان « حرکت » عمارت مذکور ۶۰۰ نفر خدمت گار به کار خود مداومت داشتند لفت ها (اسانسور ها) به بالا وپایان شدن خود ها درین عمارت دوام داشتند شوفاژ سانترل (مرکز حرارت) ونوار الکتریکی بقرار سابق جاری بودند . ارتباط تلفون باشهر منقطع نشده بود ، زیرا انجنیر ها تیکه عمارت را حرکت دادند ، قبلاً به سیم های عمارت مذکور هفت سیم متحرك وصل نموده بودند .

ترجمه از « اطلاعات آخرین » مطبوعه پاریس

مشکلات طلا در دنیا

یکی از مشکلاتی که بعد از جنگ قدم بعرصه وجود گذارده مسئله لاینحل عمومی بود که آنرا بنام « مسئله طلا » نامیدند

فورمول لاینحل این مسئله چنین خلاصه میشود که : پول طلا در بعضی از دول فوق ـ العاده زیاد ومقدارا کم ودر بعضی دیگر بنهایت نقصان بهم رسانید بطوری که مقدار طلای ذخیرهٔ تنها در فرانسه تا نزانویه گذشته بالغ بر ۲۶٤ ، ۸۷٤ ، ۷۰۹ ، ۵۱ فرانك گردید وبعضی علل این اشکال را مربوط بوجود بحران اقتصادی عموم میدانند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 187 of 896

ولکن عدهٔ زیادی از متخصصین مالی میگویند ترقی روز افزونی که در رقم طلای ذخیرهٔ فرانسه امروز مشاهده میشود مربوط بوجود بحران اقتصادی نبوده و تمیاعد باینکه علت حقیقی بحران مربوط باین اصل محسوس است که محصولات صناعتی باندازهٔ زیاد تولید و انتاج شده بازارهای دنیا کساد و شکستی روی آورده و در اثر آن قوهٔ استهلاک محصولات مذکور از پای در آمده است .

رقم طلای ذخیرهٔ فرانسه از آوریل ۱۹۳۰ رو بازدیاد و ترقی گذارده ولی از علل که باید بدان تسلیم گردید این زیادتی طبیعی و غیر مصنوعی بوده و بانک فرانسه را در تهیه مقدمات این ترقی و افزایش رقم مذکور دستی نبوده است در آنجا توطئه برای ازدیاد روز افزون طلای ذخیرهٔ فرانسه در بین وجود نداشته و اگر اراده می کردند که با یک وسایل غیر طبیعی تصمیم بازدیاد ذخیرهٔ طلای فرانسه بگیرند مسلماً می توانستند این کار را انجام نموده باین ترتیب که وجوه ودیعه خود را در ممالک خارجه و مخصوصاً قسمتی را که لیره و دولار بود فوراً تبدیل بطلا نموده و آنرا بفرانسه جلب می نمودند . این نکته هم محرز میباشد که لیره انگلیسی و یا دولار امریکائی در مقابل طلا پرداخت می شود و هر کس که اوراق انگلیسی این دو نوع پول را در دست داشته باشد در هر موقع می تواند آن را تبدیل به پول طلا بکند و بنابر این بانک فرانسه می توانست که بیست و پنج میلیارد فرانک اوراق مالی خارجی را که در آوریل ۱۹۳۰ در دست داشت و ۲۵۰۶۱،۷ میلیون فرانک تبدیل بپول نقد طلا بنماید . عدم جریان و اقدام نکردن بانک فرانسه بیک همچو کاری که جراید انگلیس را بکلی شق خواهد کرد آنها فرانسه را متهم مینمایند که پولهای طلا را بانک فرانسه در زیر زمین ها دوانیم مثل کم ساخته بدون اینکه از وجود آن فایده ببرد و مقصودش از این کار لطمه زدن ببازار لندن و بانک انگلستان است .

درصورتیکه حقیقت امر غیر از اینست و نقیض این ادعا را نشان می دهد و شاهد مدعای ما حوادث جاری میباشد ، چه از تاریخی که دولت فرانسه موفق به تثبیت نرخ فرانک گردید . سرمایه‌های خارجی که سابقاً از فرانسه خارج شده و بوده است که سرمایه هائیکه از یک مملکت بمملکت دیگر نقل و انتقال داده می شود یا پول طلا و یا آن که اوراق مالی قابل تبدیل بطلا در ممالکی که از آن جا ارسال گردیده اند میباشند ... از طرف بانکهای فرانسه ودایعی را در خارجه داشته که اغلب آن لیره انگلیسی یا دولار امریکائی و یا پولهای همانند بوده یعنی تمام پول فرانسه که در خارج موجود بود یا پول طلای نقد بوده و یا آنکه در حکم طلا بشمار می آمده . موسسات مالی فرانسه نظر بوجود بحران عمومی موفق نشدند که از پولهای ودیعهٔ خود در خارجه استفاده کنند یعنی برای آن ها انجام این مقصود امکان پذیر نبود زیرا مبدل فایده وجود نداشت بحران نرخ کلی نداشتها بطوری که قسمت اعظم آن را موفق نشدند با ایجاد یک وسیله کلی بکار انداخته و از آن استفاده نمایند .

درحالیکه وجوهی که در فرانسه بکار انداخته شده بود منافع متناسبی را جلب نموده زیرا بحران اقتصادی در فرانسه کمتر از سایر ممالک وجود داشت و بنابر این بدیهی بنظر میرسد که موسسات مالی فرانسه بفکر جلب سرمایه های خود در خارجه افتاده و آن را در داخله فرانسه بکار انداختند و هم چنین بدیهی بنظر میرسد که موسسات مذکور برای جلب سرمایه های خود متوسل بخرید طلا از لندن و نیویورک و مسترد دارم شوند که در عوض لیره های انگلیسی و دولار های امریکائی ... جاری که در خارجه بودیعه گذارده بودند وجوه طلا تهیه و همان طلا را بفرانسه آورده اند دو عامل مهم در آنجا وجود دارد که اساس بازگشت سرمایه های فرانسه که در موقع تزلزل پول فرانسه بخارجه رفته بود بشمار میرود اول تثبیت نرخ فرانک و دوم زیادی منافع وجوه و پولی که در داخله فرانسه بکار افتاده شده یک عامل دیگر هم در آنجا وجود داشت که از دو عامل مذکور هیچ کم نمیباشد و آن این بود که بمحض اینکه فرانک فرانسه تثبیت گردید و مورد اعتماد قرار داده شد و آنرا ثابت یا بعبارت دیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 188 of 896

پولی که بیشتر از پولهای سایر ممالک تا بحین دوام معروف گردید فرانسوی ها در بسیاری از ممالک بالاستمرار شروع بخرید اوراق اسکناس فرانسه نموده و از ترس اینکه مبادا نرخ پول تنزل نماید و یا آنکه شورش و انقلابی ایجاد شود و یا یک هیجان عمومی پیش آید که ثروتهای خصوصی و عمومی در معرض خطر قرار گیرد پول خود را فرانک خریدند.

خیلی مشکل است مبالغی را که پول طلا از آنجا فرانسه آمده است تعیین نمود همانطوریکه خیلی سخت مقدار واردات طلا را از هر مملکتی فرانسه تحدید کرد ولی میتوانیم محققا اظهار داریم که تنزل روز افزون در قیمت زنه ایتالیا و تنزل تقابلی که در پول انگلیس رخ نموده، و ترسی که گریبان گیر عوامل سیاسی ایطالیا شده، و شورشها و انقلابات های متوالی در جمهوریهای برازیل و پیرو و غیره تمام اینها باعث گردید که سرمایه های موجوده در این ممالک بفرانسه مانند سیل جاری شود. در اینجا بی مناسبت نیست متذکر شویم که پول طلائی که پیش از جنگ متداول بوده، معامله با آن بعد از جنگ متروک گردید و بانک فرانسه شروع بخرید و جمع آوری آن کرد و علاوه از صدها ملیون فرانک که بانک فرانسه از مسکوکات مزبور خریداری نموده هنوز هم مقداری از آن در دست مردم باقی است که دیگر قابل رواج نبوده و یا آنکه از بین رفته است، ولی قسمت اعظم از ساکنین فرانسه که مالک پول طلای قدیمی هستند اخیرا قدر و قیمت مسکوکات مزبور را شناخته و از فروش آن خود داری نمودند.

در این میان جراید انگلیس پی در پی شروع بمتهم کردن بانک فرانسه نموده آن را اینطور متهم مینمایند که باعث تشویق قاچاق طلا برای خزانه خود میباشد و باندازه کار آنها در این اتهامات بالا گرفته که گفتند بانک فرانسه با ذخیره ساختن طلا در زیر زمین های خود مقصودش این است که طلا را آب کرده و جواهر بسازد جراید انگلیس در این اتهام خیلی راه مبالغه پیموده ولی حقیقتی را که بایستی در مورد آن تسلیم بود اینست که طلا از روی عدم تساوی تقسیم شده و یا بعبارت روشن تر بعضی از دول فاقد قدرت خرید طلا گردیده اند و با دانستن این حقیقت که بعضی از دول قدرت خرید طلا را از دست داده اند و حبس و عدم مصرف آن باعث کساد عمومی که امروز مشاهده میشود گردیده است.

همان طوریکه نتایج عدم تساوی در تقسیم طلا و تنفر از وجود این وضعیت حکمفرماست روز بروز نسبت بنتایج عدم تساوی در استهلاک معادن زیاد میشود زیرا مقدار طلای جدید که از معادن استخراج میشود سال بسال نقصان پیدا کرده در صورتیکه دامنه کار های عمومی روز بروز توسعه پیدا کرده و اقبال مردم نسبت بمعامله و مبادلات طلا زیاد میشود و اگر مقدار طلای متداول از میزان تقاضای بازار نقصان پیدا کرد بدیهی است که نتیجه نقصان مزبور تنزل حد متوسط اسعار بطور عموم خواهد بود و تنزل اسعار هم یکی از علل مستقیم و اساس فلج شدن جنبش تجارتی و صناعتی محسوب میگردد زیرا کارخانجات با وجود این وضعیت نمیتوانند از محصولاتی را که تولید انتاج مینمایند فایده مطلوبه را تحصیل نمایند و از طرف دیگر جنبش بازار کار آنها را مجبور خواهد ساخت که محصولات خود را با قیمت ارزان بفروش رسانند در حالیکه قیمت گران برای آنها تهیه گردیده است و علاوه از این همان تنزلی که در قیمت محصولات رخ میدهد اقبال عمومی هم با انتظار اینکه باز هم اجناس تنزل خواهد کرد در خرید اجناس و محصولات کم میشود. و نتیجه این ترتیب این میشود و محصولات از بازار های دنیا انبوه و متراکم شده و انبار های کارخانجات و موسسات صناعتی از محصولات پر شده و قهرا چرخ کار های از جریان ایستاده و دنیا را از این توقف متاثر خواهند ساخت.

در حقیقت مسئله لاینحل طلا یکی از علل و عوامل کساد عمومی است و اگر بگوئیم که عامل اساسی کساد عمومی است در این گفته مبالغه و افراط نموده ایم همان طوریکه نمیشود گفت که ابدا دخالتی در این کساد عمومی ندارد، حل این مسئله را چطور حل خواهند کرد هنوز تحت مطالعه است!

(کوشش)

صحیات

حفظ الصحه اطفال

آقای دکتر رستکار دیپلمه او نیور ستیه پاریس که قسمت مهم تحصیلات ایشان مربوط به اطفال است اخیرا یادداشت هائی برای حفظ صحت اطفال در کتابچه های کوچک طبع وتوزیع نموده اند . این یك اقدام بمورد وقابل استفاده ایست زیرا بدبختانه هنوز مادر آن با اطلاع وتحصیل کرده در مملکت بحدکافی تربیت نشده اند که از روی اطلاعات صحیحی اطفال خودرا پرورش نمایند ویکی ازعلل تلفات فاحش اطفال همین عدم اطلاع مادر آن وعدم وجود حفظ ـ الصحه اطفال ایست بناراین هرقدرنسبت به روشن شدن فکر خانم های محترمه برای تربیت اطفال کمك شود مستقیما بحفظ جان اطفال وتربیت جسمی آنها کمك شده است از همین نقطه نظر ذیلا بدرج یکی از یاد داشت های ایشان که اخیرا تنظیم ودر کتابچه های کوچك طبع نموده اند مبادرت مینمائیم :

به مادران ودختران جوان

(چه وقت وچطوربچه را ازشیر میگیرند)

اول طفل را باید کم کم عادت بغذا داده ـ دوم اولین غذای طفل را چطور درست میکنند سوم غذای یومیهٔ او چه چیز وبچه ترتیب است .

۱ . تا ماه هفتم بطفل غیر از شیر هیچ چیزدیگر نباید داد حتی چائی وغیره وبعد ازاین مدت یك وعده ازشیر خوردن را در شبانه روز بحریره که از شیر وآرد برنج، جو ـ یا گندم وغیره باشد تبدیل بکنید .

۲ ـ اولین غذا را (حریره) چطور درست میکنید ـ مقدار یك قاشق مربا خوری آرد برنج را دوسه قاشق آش خوری آب سرد جوشیده حل کنید که تمام باآب مخلوط شود بعداز آن مقدار یکسیر (فارسی) ونیم شیر را جوش آورده وخمیر یکه درست کردید در آن بریزید .

تابیست دقیقه بجوشانید ودر این مدت با قاشق خوب بهم بزنید وهمان طور که سر بار است مقداری نمك وسه حب قند در در آن بیندازید وپس از سرد شدن یك دفعه بطفل بدهید .

این حریره باید بقدری رقیق باشد که باستانك بخود بطفل داد وهرچه طفل بزرگ ترمیشود حریره راسخت تردرست کنید ومقدار شیر را هم زیاد تر خواهید

بقیه در صفحه ۱۳

خبرهاي خارجي

مسابقه

در ایست بورن منطقهٔ اوروپائی در مسابقهٔ انعام دیوس برطانیا جاپان را بسه مبلغ بمقابل صفر مغلوب ساخت مسابقهٔ دیگر بتاریخ ۱۱ ـ ۱۸ جون در کوپن هیگن در بین چکو ـ سلوواکیا ودنمارك خواهد شده .

تصادم

بیغام شنگهای مظهر است که دروقت رسیدن کپطان کشتی تجارتی چینی موسوم به یونا که تحت البحری برطانیا با آن تصادم نموده بود . در بیو جوانگ (مانچوریای جنوبی) به نسبت تقرتلف شده کشتی یوسی دن اظهار موافقت نموده شد . کپطان مذکور مستر اپنی ز بیان نمود که هوا صاف وباد خاموش بود وهر چیز بخوبی دیده می شد . و این واقعه محض در نتیجهٔ آنکه یوسی دن دفعتاً راه خود را تبدیل نمود واقع گردید این تصادم دریك راهی واقع گردید که یکی از راه هائیست در ساحل جنوب چین که در آن رفت وآمد خیلی زیاد است . مامورین برطانوی تا حال مانورهٔ خود را در فاصله ده میل از راه جهاز های تجارتی اجرای نموده اند . درین فرصت یوسی دن درین راه یافته شد

مراسم بحري

بیغام وای های وی مشعراست که در صبح روز یکشنبه دربحر مراسم ماتم

داری اجری شده و تمام جهازهای تحت البحری و کشتی های دیگر در نقطهٔ که یوسی دن غرق شده بود برای اجری این مراسم قایلی ایرکان اجتماع نموده بودند و در عین حال در ساحل بحر مراسم مذهبی که دران نمایندگان چینی و ایطالوی شمولی داشتند صورت گرفت.

قطب شمالی

تلگرام نیویارک مظهر است که کشتی تحت البحری موسوم به ناتی لس که در آن سر هوبرت ولکینس تجویز نموده بود از زیر یخ بطرف قطب شمالی برود در وسط اتلانتیک در اثنای راه خود بطرف لندن از کار افتاد کشتی موسوم به اندی بندنس حال در نزد آن ایستاده است. خانم ولکنس که بسواری جهاز مارشانیا از نیویارک روانه شده بود با تشویش منتظر خبر است قرار اطلاع فی میم کشتی مذکور ولکینس فکر نموده بود که او را بوسیلهٔ برق تحت البحری خود در پهلوی کشتی مذکور در روز دوشنبه در بین اتلانتیک کشتی مذکور را متعجب بسازد.

طوفان

تلگرام سینت نازیر مظهر است که کشتی هوا خوردی موسوم به سینت ان نزت در صبح روز دوشنبه تیج الی ده نفر اعضای انجمن هوا خوری تماو لی را به جزیرهٔ نوار موتیر برده و از آنجا بساعت یک بظهر در بین یک طوفان شدیدی عودت نموده و ... شده است

که مسافرین حقیقتاً در یک طرف جهاز مذکور جمع شده بودند تا آنکه خودها را از باد محافظه کنند باد کشتی مذکور را منقلب ساخت. تا حال تنها هشت نفر از بازماندگان را حمل نموده اند و یک ... ممبرود دیگر کشتی بدست یافته. دانسته شده است که سه صد نفر ضایع شده اند و تقریباً یکصد نفر بنابر آنکه در جزیرهٔ نوار موتیر ماندهٔ بودند سلامت ماندند این اشخاص نخواسته بودند که در هوای بد در کشتی سوار شوند. یک کشتی جهت امداد به نقطهٔ مذکور روانه شده است.

* * *

تلگرام فانس مظهر است که اظهار مرض نموده میشود که عدهٔ مقتولین حادثه منتا فی برت از چار صد زیاده میباشد.

قرار تحریر نامه نگار دیلی هرالد متعینهٔ پاریس که مطالعه شده است فرانسه میل ندارد مقابله کند و ایطالیا فرصت ندارد تا در مسابقهٔ انجن ها را تکمیل نماید و برطانیا قریباً مسابقهٔ شنیدر را خواهد برد.

سقوط طیاره ...

... وزن معروف طیاره وان ... از برین وزن دیگری که در طیاره ... ... بی نمود و ... ... شده که که بوده ... آنکه طیاره ... مذکور که دران پرواز می نمودند در ... سقوط نموده آتش گرفت و هر دو فوت نمودند. او برین

و هر یک پروانت وورن ... آسرلیندی سر طیارهٔ ... بود ... بود که به قطع کار یک مسافر پرواز می نمود.

در ۱۹۲۹ نفر مذکور در نتیجهٔ سقوط طیاره یکی ... خود را باخته بود مگر به ... آنکه توانست بروی باز به پرواز ... نمود.

تلگرام ... ... اظهار بیان می دارد که جهازهای ... ... فی لی برت را پیدا کردند و غواصان فرود آمده درک نمودند که کشتی مذکور بر یک طرف افتاده است مگر نتوانستند درون داخل گردند. غواصان مذکور هیچ یک نعش را ندیدند و اظهار عقیده میشود که باز آوردن آن به سطح بحر یک کار خیلی مشکل است.

طیاره بی انجن

تلگرام ... مظهر است که طیاره زانی ... و خود ... برای ... کلاه داخلی ... ... از کلاه داخل طیاره ... (۱۸) کلاه دارای یک حرکت قابل الفصل ... خود عبور نموده یک ... ... هوایی را تشکیل داده ... طیاره مذکور را یک طیاره شراعی ... طیار ... به هوا بلند نموده ... ... کیلو ... از طیاره رها شده به سرعت شصت میل فی ساعت

---

(۱) کلاه ... یک نوع طیاره بی انجن است که بعد از صعود در هوا یک خط ... نموده نزول میکند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 191 of 896

حرکت و از کانال عبور نموده در میدان طیاره سینت انگلورت در نزدیکی کیفلیز فرود آمدند .

زلزله در تبت

مسکو ، ۲۲ جون ــ رصد خانه پولکو فسکی به ۱۸ ماه جون بساعت ۱ و ۷ دقیقه به قرار ساعت گرینویچ زلزله را که در پنج هزار کیلومتر مرکزیت داشت نشان داده است .

مرکز زلزله از وسط تبت بوده است

(از جریده تاس)

تلگرام روم مظهر است که پولیس ها در تمام ایتالیا کلید ها و کاغذ هائی را که درین نزدیکی ها از کلیسا های کاتولیکی گرفته بودند به کشیش های ایالات تسلیم نموده اند . این اقدام در نتیجهٔ جواب پاپ که دیروز بحکومت ایطالیا داده بود واقع شده است . و چنین انگاشته میشود که جواب پاپ در باب موضوع و دامنهٔ محدوداً دینی مؤسسه عملیات کاتولیکی تعهدات دیگر ، وخیلی صحیحی نموده است .

تلگرام واشنگتن مظهر است که اداره بحری تلگرافی از کشتی حربی وی او مسك گرفته است و تلگرام مذکور بیان میدارد که وضعیت انکانیلس خوب است و حالا مصروف تهیه نمودن انجن ها و پر کردن بازی ها می باشد .

نیوز کرانیکل بیان می دارد که امارت بحر قبول نموده است به سرهربرت و انگانی امداد کند که تا نیلس را در بلای موت از مبم کند .

(بقیه صفحه)

کرده وبطوریکه برای طفل یك ساله یك قاشق سوپ خوری آرد برنج ودو سیر ونیم شیر برای یك حریره خواهد بود .

اگر بچه بیوست پیدا کردیك قاشق مربا خوری عسل ویا سیوس داخل حریره کنید آرد ذرت وآرد جو وغیره نیز میشود بدستور طبیب حریره درست کرد

۳ ــ غذای وبیه طفل چه چیز وبه چه ترتیب است :

از هفت ماهگی تانه ماه باید طفل در روز یك حریره وپنج وشش دفعه شیر خالص شیرین بمقدار دو سیر در هر دفعه بدهید وباید عوض پستان مادر داده شود

از نه ماهه تاپانزده ماهه ــ دو حریره غلیظ در روز وچهار یاپنج دفعه شیر خالص شیرین که هر دفعه دو سیر ونیم باشد لازم دارد لازم است بین حریره وشیر اقلاً سه ساعت فاصله باشد

پانزده ماهه ــ در این سن طفل را باید بکلی از شیر گرفت وهمانطور که گفته شد کم کم تبدیل به غذا کرد ــ اگر هوا گرم است ویاطفل دندان درمیاورد باید قدری تامل کنید مخصوصاً اگر طفل با شیر گاو ازشیر گرفته شده باید مقداری شیرهٔ میوه جات پخته مثل پرتقال لیمو وی ترش وشیرین یا انگور باو داد در پانزده ماهگی بطفل در روز فقط پنج دفعه غذا بدهید که مجموعاً سیزده سیر ونیم شیر بشود و از این مقدار شیر باید بقدر سه حریره درست کرد وبقیه آن همانطور شیر خالص شیرین داد روزی مقدار مختصری نان سوخاری باشیر بدهید

وهفته یکی دو دفعه نصف زردهٔ تخم مرغ در حریره داخل کنید .

طفل شانزده ماهه ــ در شانزده ماه وهفده ماه هر دفعه از حریره را به یك تخم مرغ تازه یامختصری عدس یالوبیای جوشانده کوبیده ویا مقداری آب گوشت ویا میوه جات پخته صاف شده تبدیل کنید

طفل هیجده ماهه ــ در ماه هیجدهم فقط چهار دفعه باید غذا داد واو هر روز یك دفعه مقداری مغز بره یا گوسفند یا ماهی یا گوشت مرغ ومختصری میوهٔ پخته بدهید

غذای طفل دوساله ــ در روز بقرار ذیل است :

صبح حریرهٔ آرد برنج با شیر بقدر دوسیر ونیم

ناهار : ۱ ــ یك تخم مرغ یامختصری گوشت مرغ یاپره یا ماهی خوب یامغز آب پز ــ ده ویا بره ویا گوشت گوسفند کوبیده ویا آبگوشت سبزی دار .

۲ ــ مختصری کوبیدهٔ سیب زمینی پخته مخلوط با (آبگوشت یاشیر) یا نخود لوبیا یاعدس یا برنج پخته ومختصری میوه پخته یا کلانی .

۳ ــ کمی نان و یکفنجان آب .

عصر : دو سیرونیم شیر با مقداری نان سوخاری و یانان برشته

شام : حریره شیر با آرد برنج یاباآب گوشت بی چربی با یك سیرونیم شیر یانان

(باقی دارد)

خبرهای داخلی

کاروان زرد در کابل

(بعد از شماره گذشته)

نطق وزیر خارجه

بعد اعلیحضرت پادشاه ، اساو شرفه ، والطاف فرانسه محبت و صمیمیت ابراز مینمودند امروز که این کاروان علمی فرانسه در وطن خود می بینیم از صمیم دل خوش آمدید میگوئیم وهم موفقیت شان را خواستگارم .

خوشبختانه تجربه ومشاهدات زنده کسانی مثل شما را بان مسئله اذعان کی بخشید که تا مشاهیر ملل باهم دست وداد هندو اتحاد عمل وتشریک مساعی را شعار خود قبول ننمایند به هیچ وجه احتیاجات بشری را ممنون و اوقات عالم را پایه اکمال رسانیده نمی توانند … جرأت است که وداد و اتحاد عمل آن را از آمال دور کرده میتوانند این اقدام هیئت محترم شما در راه اتحاد عمل وتشریک شرق وغرب امید است منبع تاریخ نیکو گردد عالی صمیم دل موفقیت وعافیت وسفر خوب برای شما میخواهیم .

نطق رئیس هیئت

جناب مستطاب آقای وزیر :

بنده خیلی مسرورم که بحضور حضرت اشرف صدر اعظم افغانستان و آقای شارژ دافر فرانسه مقیم کابل بنام تمام اعضای هیئت تشکرات صمیمانه خود را برای شما تقدیم کنم :

بزرگی که نسبت بپایان حد یکه در موقع ورود ما بکابل شده همچنان بزرگی این محفلی که حالا باعث افتخار ما در دار السلطنه قشنگ شما گردیده است ما کاروانکه فراموش شدنی نیست اقلی خواهد ماند … بنده میخواهم بحضور حضرت عالی شما عرض کنم که چیزیکه ما را بیاد از دیگر روز های اخیر متأثر ساخته ملاقات حضور حضرت اشرف صدر اعظم صاحب است با خود یکه اداره مملکت بر دوش ایشان یک وظیفه بزرگ است و وقت شان از همه بیشتر قیمت دارد حضرت اشرف … پذیرائی که صمیمیت … شده حضور داشته اند که حضور ایشان پذیرائی تمام افغانستان را معرفی میکند .

جناب آقای وزیر را اطمینان میدهم که ما یاد خود را مجبور خواهیم ساخت تا در طرف سفر طولانی مقاصدی را که پیشنهاد خود گرفته ایم تعمیل کنیم همچنانکه حضرت عالی بیانات شوقی واجب بآن داده اند بلاشبهه عرض کرده میتوانم که هر یکی از اعضای هیئت من در شعبه مخصوص خود توسط سینما و فوتوگراف و رسم و قلم حسابات مجاهده ویکی را که وطن قشنگ شما رایش داده در تمام عالم بیان و اظهار خواهد کرد شده در اینجا خواهشات پر جوش و صمیمانه خود را نسبت به خواهشات صمیمانه که برای ملت افغان آرزو دارید تمنا دارم

در مشرق :

روز پنجشنبه ۲۸ جوزا مطابق ۱۱ جون غره صفر عمل ۹ بجه روز هیئت مذکور وارد جلال آباد گردیدند از طرف حکومت علی بری رهایش هیئت در باغ شاهی جلال آباد همرگونه تهیه دیده شده بود وهم در آن روز مذکور بساعت ۲ بجه جلال آباد را وداع گفته رهسپار … شدند تاریخ ۲۷ ماه مذکور عازم جلال آباد و در منزل حاک جبار که ۱۵ کروهی شهر کابل واقع است میرسند درینجا قافله بدو فراق تقسیم میشود فراق اول که عبارت از معاون و چندی از اعضای محترم قافله است رهسپار منزل لمله گردیده خود آقای رئیس و ۷ اعضا در منزل مذکور توقف نموده شب را هردو فراق به منزل موقع به استراحت میگذرانیدند .

فردای آن هر دو فراق باوقات معین از منزل جا های خود حرکت نموده نخست فراق لمله وارد جلال آباد شد مگر این جماعه پس از توقف یک ساعت و چند دقیقه رهسپار منزل … گردیده ترتیبات رهایش از طرف حکومت اعلی گرفته شده بود عمل بکسیم بجه روز آقای رئیس قافله با ۷ نفر اعضا وارد باغ شاهی گردیده مدت ۵ ساعت در باغ مذکور اصرف چای و انواع شیرینی و فواکه ها و بملاقات … آقای غلام فاروق خان حاکم اعلی گذرانیده و نیز بعضی چیز های ساخت وطن مخصوص ساخت

(بقیه دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 193 of 896

مؤلف : ا. بلانیه فرنسوی (۸) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژن

فصل سوم

« شوله دا کره »

کاترین که قدري از بهت وسراسیمه گي بهوش آمده بود گفت : « طفلک احمق ! توخیال میکني که اگر عاشق مي بوده او را در اطاق خودم پنهان میکردم ؟ این شخص دوست ماد موازل لا نش ده لاوین ولي نعمه و دوست من است . »

لفبور : « یک مرد زخمي مقدس است ویک سرباز حقیقي هیچ گاه بر زخمي آتش نه مي کند ... این بیچاره را پرستاري کن ونجات ده . من ممنونم که ترا بتساديه فرصت باین خانم معاونت میکنم . مگر هیچ کس باید این را نفهمد اگر فهمید بسیار مضرات خواهد شد . »

کاترین که از فرصت سرشار بنظر مي آمد گفت : « له فیور ، تو یک مرد نهایت پاک نژاد ویک سرتي . » وصداي خودش را پست ساخته ایزاد نمود : « این قدر زود بکه آرزو داشته باشي عروسي خواهم کرد ! »

یکي ازسر بازان : سارجن لفبور کدزادها منتظر اند ! »

له فیور : « دوستانم شما بروید من شمارا تعقیب خواهم کرد ! »

فصل چهارم

« وعده »

بعد از اینکه دو کان از سر بازان ده فیوه خالي شد ، کاترین شب براي مریض خودش مهیا کرده و او را از خواب بیدار نموده بالقدري شراب برابش آورده و کاسه را پیرروري او گرفته گفت :

« بیا ! تو باید طاقت را حفظ کني زیرا بسیار وقت دربن جا مانده نمیتواني ! نه اینکه من ترا از خانه ام بیرون میکنم ، نه تومهمان ماد موازل لا نش هستي زیرا ام درخانه من زیاد از من اختیار دارد . ولي هرقسم اشخاص دردو کان من رفت و آمد دارند ، اگر مشتریان نفهمند که تودرین جا هستي ، دختر اوایش گارد من یقیناً خواهند فهمید وتو رسوا نخواهي شد ، بدارش بزند ، تو بداني که بر خلق آتش کردي واین یک مزاح نیست . »

پیر گ بکمال زحمت جواب داد : « ماشاه را مدافعه وحمایه مي کردیم . »

کاترین شانه هایش را بالا برده گفت : « آنرا که اسقاط اعظم میخوانند ! اما ، درمجلس شوراي ملي حق خودش راخواهد یافت ! تبا زحمت به مي کشند که بخاطر اونجا بروند . این اسقاط اعظم تان یک شخص بي ازار ، دیگاره است که زنش مهیار به پوزش انداخته او را باین ذلال کشانیده است ؛ میدیدي زیاده برین او را کجا خواهند کشانید ؟ به عدم ! من پوره فهمیده نمي توانم که این همه معاملات تو چه مربوط داشت وتو چه میخواستي بکني ؟ »

پیرگ : « من یک ایلچي گري مخصوص نزد ملکه آمده بودم . »

کاترین : « آن زن اجنبي باقي ؟ براي او بود که خودت را درهمه خطرات گرفتار کردي وتر دیک بود حیات را ببازي ! »

پیرگ : « من خواهش داشتم بمیرم ! »

کاترین : « بمردن ! بااین عمري که تو داري آن هم بخاطر شاه وملکه ؟ هیچ صورت باور کرده نمیتوانم ! ضرور کدام دلیل دیگري غیر این هم واقع بود اجسارت مرا عفو خواهي کرد ولي به فکر من وقتیکه یک جوان ۲۰ ساله براي اشخاصیکه نه مي شناسد وبراي عقیده ای که یک پیسه هم قیمت نداشته باشد خود را فدا ساختن مي خواهند همیشه خانمي دربین مي باشد بگو به بینم که من حق دارم یا خیر ؟ »

پیرگ باوجود ضعف زیاد بازهم قدري سرخ شده گفت : « بلي حق دارید ! »

کاترین : « این هم احتمال دارد که حدس زده بتوانم ... اوه ! من کوشش نه میکنم که واسرار شما واقف شوم ، به من هیچ دخل ندارد . ماد موازل لا ولین قابل وسزاوار هرگونه عشق ومحبت است . »

کونت لیپرگ بشنیدن اسم محبوبه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 194 of 896

اش از اظهار احساسات خود داری نتوانسته گفت :—

«آه ، بلانش عزیزم چقدر خوش گل است . . . اگر من بمیرم باو بگو که نامش را بانفس آخرین یاد کردم وخیالات دم مرگم مشغول او و . . . . » درینجا دفعتاً خاموش ماند و کاترین برای تسکین قلق واضطراب او گفت : «تو نمی میری تو باید زنده مانده وبوصال کسی که دوست میداری نائل گردی وبرای شخص دیگری که میخواستی نامش را بری — شبه نیست که آنهم پدر او مارکز لاولین باشد . من دوسه بار اورا در السامی دیده ام یک مرد شریف وخیلی نجیبی است نیم تنهٔ مخمل آبی رنگش همین دم در پیش چشم من است » کاترین حس نمود که در اثنای تذکار اسم مارکز چنز رجیره مریض آثار کدورت ظاهر گردید وخود بخود گفت :

«آنها با هم دوست معلوم نمیشوند بسیار خوب شد فهمیدم هیچ شبه نیست که مرد پیر بعروسی شان مخالفت داشته خواهد بود .»

وبا یک آه سنگین ، جوان را درست نموده آهسته گفت . «من بسیار پر گوئی میکنم واین برای تو خوب نیست . . . . اگر میتوانی بخواب ، خواب تبت را کم خواهد کرد .»

[illegible] سر خودش را بصورت ذوق حسرت کش داده گفت : «بمن از بلانش صحبت کن ! صحبت ویاد نام او بهترین معالجه هاست برای من !»

کاترین باو حکایت نمود که چطور در قریب ده (لاولین ها) تولد شده ودران جا با ماد موازل بلانش یک جا نشو ونما یافته است .

مارکی حصهٔ زیاد سال را در دربار بگذرانید وبلانش ووالده اش را به سنت ارامین میگذاشت . بلانش یک حیات روستایانه که مراد از گشت وگذار در جنگلها ، سواری وشکار در قرب وجوار بود ، بسر می برد . با دهاقین بسیار مهربان واکثراً بخانه محقر کاترین رفت وآمد میداشت . تاآنکه مارکی پدر بلانش دختر وخانمش را بدربار (ورسای) تقدیم کرده کاترین ودوسه دختر روستائی دیگر با آنها یک جا بپاریس آمدند . بعد از چندی که دربار پس خوشی حیات بسر بردند مادام لاولین زن مارکی وفات یافت . وچون خود مارکی بصورت ایلچی بلندن فرستاده میشود از عدم پرستار دختر خودش را نیز باخود برد ، بلانش چون محبت زیادی با کاترین داشت دکان قصاری برایش کشاده حیات اورا تأمین کرده است . بعد ازان وقت ماد موازل بلانش را ندیده و از خبری نداشته است .

کاترین سرگذشت خودش را باین الفاظ مختصر تمام کرده میخواست برخیزد که دروازهٔ دوکان بار دیگر زده شد . سان زین : «خیال نمیکنم که لافیور باین زودی بر گردد ؟ باز هم اگر تنها باشد یا کسی ندارد ولی رفقای او خواهند بود خیر یا کسی نیست ، من آنها را بصحبت مشغول داشته ازین اوطاق دور میدارم .»

این را گفته دروازه را بگشاد . درحالیکه منتظر بود یک جماعه سربازان رابا لافیور ملاقی خواهد شد ، یک خانم جوان سراسیمه وپریشان بدکان در آمد .

خانم نو وارد : «آیا اینجا خواهد بود ؟ بمن گفتند که یک سرباز زخمی را دیده اند ، باینطرف آمده است ، آیا هنوز زنده است ؟ »

کاترین مربیهٔ سابقهٔ خودش را بیک نظر شناخته پاسخ داد : «بلی ماد موازل بلانش ! او در اطاق من وبتذکار اسم شما مشغول است . بیائید اورا بشما تقدیم کنم .» این را گفته اورا بر بستر بیمار برد .

ورود بلانش بر کونت تأثیر عمیق نموده اورا بوجد آورد ، خواست برخیزد ولی قوهٔ متحدهٔ دو نفر زن اورا مجبور ساخت بر بستر بماند .

بلانش با یک لهجهٔ شیرین پر نمک اورا مخاطب ساخته گفت :

«ای عاشق نمک به حرام ! آیا باینصورت می خواستی بمیری ؟ »

(باقیدارد)

(مطبعهٔ شمس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 195 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 196 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 197 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

« قیمت اشتراک »

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دوائر فرستاده میشود باید رسید قبوض و معاوضه باشد

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 198 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 199 of 896

شماره (۱۱)

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد (۵)

اداره : کابل جاده ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

٤شنبه ۱٤ سرطان ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰٦ | ۹ صفر ۱۳۵۰

شورای ملی

آیا حق داریم بگوئیم که ما « شورای ملی » را نمی شناسیم ؟ و این موسسهٔ مقدس که یگانه کفیل ترقی و پیشرفت ، اصلاح حقوق ، و ابقاء موجد و محافظ نعمت قیمت دار و گرانبهای است که آرا حریت و آزادی ، یا ایستادن به پای خود و نجات از اسارت غیر می نامند ، بما معرفی نشده است و نشناخته ایم ؟

نی والله ! اگر بگوئیم و هم باین گفته خود معتقد باشیم گویا از یك تعلیم خیلی بزرگ و بی آلایش دیانت حقه اسلام چشم خود را عمداً پوشیده ایم .

بیائید در قرآن عظیم الشان الهی و کلام خدای خود نظری بیفکنیم ...

بلی ! در آنجا خواهیم دید در جمله اوامر واجب الاطاعت ازدی « که هر کدام آن بیك صورت دیگری موجب فلاح و برتری و رفاه و سعادت نوع البشر گردیده است و میگردد و این جمله قابل تقدیس و احترام را مسطور می یابیم که « و امرهم شوری بینهم » .

ما که مسلمانیم و از صمیم دل به اطاعت و انقیاد دین پاك اسلام و پیروی پیغمبر بزرگ و راهنمای بشریت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فخر داریم ، این چیز برای ما نه می تواند یك چیز تازه و جدید باشد ، بلکه اولین سنگ تهداب حکومت اسلامی (اگر حکومت صحیح باشد) بر همین اساس نهاده شده است ، و گمان میکنم ، انصاف ، عدالت ، حق شناسی مساوات ، حریات فردی و اجتماعی راست گوئی ، دوری از مداهنت و منافقت ، صدق و صفا خلوص و صمیمیت مردانه گی و دلاوری همه این اخلاق و عملیات قابل تقدیر و تحسین که در زمن حضرت خاتم النبین ، خلفای کبار شان وجود داشته از یك طرف وجود این ماده اساسی حقیقی مذهبی مشورت و شوری را اثبات میکند و شکل علت را بخود میگیرد .

و از طرف دیگر به نوبت خود مولود و معلول آن بشمار میرود — .

اگر دقت شود حق فکر و رای را نه می توان در عالم بشریت بیك فرد محدود نمود ، همانقدر که مسائل حیات بشر با تکمل و ترقی مدنیت پیچداری و تعدد پیدا کرده دامنهٔ احتیاجات انسان در صحنه زنده گی و معیشت وسعت و امتداد پیدا می کند به همان اندازه قوه فکری به کار است که در صدد تهیه مالابد منه بشر آمده آرزو ها و آمالی را که زنده گی مدنیت شعار او در جامعه انسانیت « در دل انسان تحریك می کند بر آورد و تکمیل نماید . از همین جا است که ملل و دولی که در امور حیاتی و اجتماعی خود از ما بار ها جیرب دست تر و چابکتر اند به کشف این سر مهم تعالی امم کامیاب آمده اند و ما می بینیم که آن چیزی را که بزرگان گذشته ما ، به تمام فصاحت به ما تعلیم داده بودند و باید امروز ما دارای آن می بودیم ، باسامی مختلفه و اطوار مغایره در بین انسان های مترقی جلوه گر و از فیوض بیکران آن استفاده های کثیر کرده اند و کرده میروند باید بگوئیم و به عبارتی هر چه سوزان تر و غم انگیز تر ممکن شود صدای خود را بگوش عالم اسلام و جامعهٔ اسلامی رسانیده در مقابل شان رقت آور ترین طرزی رفع صوت کنیم که : —

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 200 of 896

دا[illegible] زجور و ظلم استبداد داد   خوش بداد من رسیدی خانه ات آباد باد

کارا من هرچه کرده آن را تشکر کرده
بلاوی را ... خود ما ... ایم و هدایات
جلیل ... و برگزیده دیانت متین
و شعرات اسلام ... و از تلقینات و اقعات
مفید اخلاق و مدنی اسلاف کبار و پیش
وایان دینی خود غافل و بی خبر مانده ایم
که این همه مصائب و بلا گوناگون گرفتاریم
و هر حسرتی که میکشیم از فقدان
خود است، و بدون یک اساس صحیح و غایه
و مقصود معین میباشد که در نتیجه عجز
و ناتوانی و اندوه بجز حسرت و یاس
بجز ندامت و افسوس بالاخره بجز
ذلت و شرمساری ... دیگری از آن نمی
بر داریم و طرف دیگری بر نمی بندیم.
هرچه کرده ایم خود به خود کرده
ایم، و هر مصیبتی که گرفتاریم محرک
و سبب مولد و موجب آن خود ما گشته
ایم. هر کجا ملت خورد و دون مانده و از
اسباب تمدن عاری بیابیم ... هر کجا ...
غلامی و ذلت رسیده و مظلوم به نظر ما بر خورد
در همان جا که ... و وزرای
شان عاری می یابیم، آیا این ملت بی چیز
و حقیر این ملت پس مانده و نادار این توده
مظلوم مغصوب الحقوق پر و جدان عقیده
و فکر همان اذعان و ایمان همان قوانین
بزرگ دینی و دنیوی نیست که چندی قبل
پرچم نصرت و رایت فتح و اقبال پیروان
و گروندگان آن از چین تا هسپانیه در
هر نقطه که به اهل انسان بر خورد ... موج
ظفر و غالبیت میزد.
بلی همان است ... افسوس ...
باید ... حرکت و شرمساری و

با بر هم ... که در خط ... مکان
به خوبی حجت و دلیل ما را اثبات نموده
می توانیم بگوییم ... یا ابتدا فرق و تفاوت
که مانند ایشان نتوانسته است به صحبت
و صداقتی که لازم است، و یا ... الابتی
و یا کدامی که مطلوب است، او را بس
پیشی روان ترقی بشر این گرفتگان و
رجال بزرگ و نوابغ اسلامی خود را
اطاعت و از آن استمتاع کنند. و از همین
جهت و به همین سبب است که بجای
آن همه شأن و عزت آنهمه وقر و اعتبار
آنهمه سطوت و کبر، عجز و انکسار
مغلوبیت، ترس و خوف و مسکوبیت قائم
گردیده است. و روز بروز در مقابل
ترقیات خارق العاده اوروپا که عبارت از
خوشه چینی خرمن ارشادات و هدایات
دین حنیف اسلام است پست شده میرویم
و هر چه میخواهد با ما می کند... و ما هم
با دست های خالی و کیسه های تهی و با
عجز و بیچارگی کامل از لوازم دفاع حیات
و اسباب مقاومت تزاحم زندگی مجبوریم
در مقابل مطامع و مقتضیات شان گردن نهیم
و سر اطاعت و فرمان گذاری فرود آوریم.

اگر تاریخ گذشته اسلام نظری
مدققانه افکنده شود، خواهیم دید
که تا وقتیکه بنای سلطنت اسلامی بر
مشورت و استشاره و رای و افکار عمومی
بود، در همه جا آفتاب ترقی و عظمت
اسلام و مسلمین تابان و در هر نقطه ممتاز
دنیا رعد هیبت و صولات پیروان دین
محمدی (ص) در غرش بوده.

فتوحات حضرت عمر (رضی الله عنه)
در بین النهرین و کلدیا، و ایران، شکست
رومی ها، فتح سوریه و فلسطین در عهد
این خلیفه نامدار حضرت رسول برحق
(ص) و هم چنان فتوحات شاندار او در
مصر شاد بخوبی این مسئله را برای ما ثابت
و مدلل می سازد. مگر پس از آنکه در
سنه ۹۱ بعد الهجرت اولین مرتبه اساس
ظلم و استبداد در اسلام نهاده شد، اصول
اجماع امت و جمهوریت اسلامی پامال اغراض
نفس پرستانه و شهوت رانی غیر مشروع
گردید تا بامروز زمام سلطنت ممالک اسلامی
بدست افراد مقتدر، زمام مقدرات اسلامی
بدست اشخاص مخصوص افتاد، در نتیجه
یک سیلاب خیلی مدهش تباهی و ویرانی
خانه سعادت و اقبال، جاه و حشمت،
شهرت و اعتبار مسلمین را از بن و بیخ
بر کنده و مقاصد صحیح و آمال مشروع
پامال اغراض ناجائز و اعمال قبیحه گشت.
جای عدل و داد را ظلم و اعتساف و مقام عطوفت
و نصرت اسلامی را جبر و تشدد و استبداد
و بیگانگی گرفت.

مفهوم شاه و ملت رفته رفته در بین
مسلمین از هم یک فرق و مغایرت زیادی
پیدا کرد. و امرا و سلاطین مستبد ممالک
اسلامی در نتیجه از طرف چاپلوس ها و
متملقین مقصد پرست احاطه شده معنی
حقوق شاهی و حکومت از بین برداشته شد.
برای حرکت استبدادی مقوله های
ادبی و شعرها از اشعار و گفتند: ... گاهی
سلاطین ... و گاهی بدشناسی ملاحظت
کنند. و وجه وجه. این بیچاره ها

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 202 of 896

نیز که اسباب ظاهری دنیا چشم های خائزا پوشیده بود . این کلمات مقفا ومسجع را عیناً تعریف وتمجید خود تلقی نمودند وتا توانستند دائره شهوت رانی ومقصد پرستی خود را توسعه و تمدید نمودند وخون ملت دست های ظلم واستبداد شان را به جای حنا بشمار میرفت . واز هرچه توانستند در غصب حقوق ملت ومطلق العنان ساختن سلطنت از آن کوتاهی نکردند .

حالی بوده که افراد ملت در تحت مظالم وفجایع نا گواری که هرروز محض جهت اجرای اقتضات غیر مشروع سلاطین و وزرا وحکام ظالم برایشان وارد می آمد بدرجهٔ که تصور شود خورد شده ، حریت فردی واجتماعی شان سلب گردید ، و طبعاً دچار اسارت وغلامی را شدند ، واز قوهٔ قیام بالذات واستقلال بکلی عاری گردیده ، تنبلی و سست عنصری شیوهٔ محض شان گردیده وتا امروز بامصروبات پست حیات خیلی فاجعه ناک والم آوری را بسر بردند .

خوش بختانه امروز می بینیم ، دربین طبقهٔ مسلمین وسر زمین مشرق یك روح نوی دمیده شده است وملل اسلامی پس از خواب خیلی طولانی عدم اطلاع وغفلت آهسته آهسته به جنبش وحرکت در آمده است . وروح ملیت درین میانه رول خود را یافته دربعض نقاط سبب بوقوع ابطال وعبقری ها می شود . ملل اسلامی هر کدام دارای رجال مهم وبزرگ واشخاص بافهم وادراك گشته وصورت می گردد . وفکر ملیت در دماغ های افراد تمام ممالک اسلامی موقع خود را متدرجاً احراز نموده میرود . ومی خواهند باز به طرز حکومت حقه اسلامی رجوع نموده حقوق غصب شدهٔ خود را که عبارت از حق رأی دادن ومداخلت در امور مملکت ووطن خود باشد مطالبه می کنند وبرای اخذ وتحصیل آن بهر گونه فدا کاری حاضر می شوند .

همین که این احتیاج جدید در جوامع اسلامی عرض وجود نموده ، به مودای آنکه : « احتیاج مدر ایجاد است » ، روح ملیت واستعداد وطن ومحیط اشخاص بزرگ ورجال سر بر آوردهٔ را روی کار می آورد که دراثر روح پرشور ودماغ حساس ودل دردمند خود ، محبوب دل وجانی را که روح ملت در محبس آن بی تاب وبی قرار است از روی استعداد فطری وقابلیت جبلی خود تعیین نموده بنابر تقاضای محبت وطن وعلاقه مندی به شئونات ملی ، بایك فعالیت وجدیت قابل تحسین صرف اقتدار ومساعی می نماید ، تا آن شاهد رعنای مطلوب را در آغوش عاشق مستهام وبیقرارش برساند .

دستی از غیب برون آید وکاری بکند

این دست که پس از آنکه ملت بیچارهٔ افغان سالیان درازی را در تحت استبداد وحاکمیت مطلق وفرمانفرمائی جبری بسر برده ، امروز دراثر ایثار وفدا کاری یك فرزند رشید ویك جوان دارای لیاقت بلند وخصائل حمیدهٔ خود ، وبنابر ترك تعصبات وخود پرستی فرد اول وفدائی یگانه حریت واستقلال خود (که خوب درك نموده است ، اساس استبداد وخود سری بچه اندازه از اهمیت عالم اسلام کاسته وبر حقارت وذلت آن افزوده است) صاحب حقوق طبیعی وفطری خود می گردد واعلیحضرت شاه مدبر مابرای آنکه درذیل خدمات قابل قدری که درراه سعادت مملکت جوان ابراز نموده است یك خدمت خیلی قابل قدر وتمجید دیگری را نیز در صفحات تاریخ وطن بآب زر یاد گار بگزارد ، حقوق مشروعه ملت را بدست شان داده «شورای ملی» را افتتاح وباین وسیلهٔ روح پرفتوح حضرت رسول اکرم (ص) وقائدین دین اسلام را خورسند وراهی برای نجات وفلاح این خطه دل فریبی که از تمام مزایات طبیعی مملو است می جوید .

ملت افغان وجداناً مجبور خواهد بود در مقابل این خدمت عالی مرتبت مراتب محبت واحترام خود را به کمال صمیمیت و خلوص به مقابل اعلیحضرت محمد نادر شاه تقدیم کند ، وبه تمام بهجت وسرور نعرهٔ خود را با فلاك برساند وبه تمام قوت فریاد بر آورد که :

« زنده باد حریت ـ پاینده باد آنکسی که حامی حقوق ملت است . »

حالا که توانستیم باوجود قصر بیان وقلت مهارت تحریری مطلوب حقوق و اولین با مژده فرح فزای افتتاح شورای ملی واعاده حقوق مغصوب

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 203 of 896

شما را به ملت افغان تهنیت و تبریک گوئیم و مراتب شکر گزاری خود را به حضور شاه بهی خواه ترقی پسند خود (بدون آنکه فکر تملق و یا استفاده از چاپلوسی را داشته باشیم ، محض از جهت اعتراف به حق) عرض کنیم ، بهتر خواهد بود چند که دیگری نیز درین موضوع بافراد ملت عزیز خود عرض نموده ، و جیبه ذمه خود را ادا کنیم و خود را یك اندازه از بار مسئولیتی که نوشتن و تحریر هوش ما می گزارد وا رهانیم .

اینك می گوئیم که : —

محض آنکه اعلیحضرت شاه غازی ما «شورای ملی» را افتتاح نموده حق ما را به ما داد کفایت نمی کند ، بلکه لازم است ما نیز از این موقع مغتنم استفاده نموده برای تملک وبدست آوردن آن یا تصرف و[illegible] شدن بران صرف جدیت واهتمام کنیم ، واین یک وظیفه ایست که برو کلای محترم ملت که از هر نقطه مورد اعتبار ملت اند وبرای همین مقصد در مرکز اجتماع نموده اند مترتب می گردد یعنی ایشان باید بکمال دقت و موشگافی ، در اطراف حقوق خود تحقیقات نموده ، سعی کنند که فعل وقول ایشان متحد ومکمل این فکر بری از هر گونه لوث اعلیحضرت شاه غازی گردد ، وسعی کنند که فکر اعلیحضرت را که بروز [illegible] خود را [illegible] ملت خود یا ایشه ها ابراز نموده اند) بصورت کاملی حقیقت دهند واز ذوقی که شاه علم خواه ما بدل دارد بر آورند .

یعنی مطالبات خود را به صورت خوبی تنظیم وترتیب نموده در خواست کنند وبه اعلیحضرت شاه ما که یقین داریم به بی صبری انتظار می کشند تا افراد ملت خود را بیاز یابند از راه مطالبه صحیح و کامل حقوق وضروریات حریت فردی واجتماعی خود شان بدهند وبیان دارند که :

شاها ! آنچه شما در باره لیاقت واستعداد ملت خود فکر نموده اید یکسر موافق حقیقت انحراف ندارد . وواقعا چنانچه گمان کرده اید ملت مستعد است که حقوق خود را بکمال شکر وامتنان بدست گرفته از یک طرف برای سعادت خود واز طرف دیگر برای مسرت وفراغ بالی وجمعیت خاطر شما بکمال جدیت فعالیت معروف پیش برد امور مملکتی ووقایه ناموس ملت وحرز استقلال وحریت افغانستان در جرگه ملل ومکومات عالم گردد .

(.....)

بقلم آقای قاضی زاده :

استقبال

شورای ملی

آونیکه : غنچه های ورسته گلبن آمال مکتبهای این خطه از هموم نفث باد های انقلاب وخانه جنگیهای روح گداز داخل رو به پژمردگی وافسردن نهاده محکوم به فنا و مضمحلال میرفت .

زمانیکه : پیکر نازنین وطن از صدمات [illegible] ونالان ، نهب وتاراج یکدسته اشرار خونخوار ، درخاک مذلت آغشته بخون خوش فتاده ، آخرین فروغهای چراغ حیاتش رو بخاموشی نهاده بود .

اوقاتیکه : شیرازه دفتر صلاح وسلم از هم گسیخته ، شاهد رعنای امن و استراحت رخت سفر از این دیار بر خاطر بر بسته بود .

هنگامیکه : کوکب درخشان معارف ومدنیت در گرداب [illegible] ونیره اختری افول نموده بالمقابل [illegible] و خروش مذهب وجهل برشتی آثارش را از میان برده و آرزوهای ترقی جوئی و معارف خواهی در سنگلاخ سینه بخانه مدفون ومحو گردیده بود .

آنوقتیکه : ساده دل ومقدس [illegible] ملک در زیر سم ستوران [illegible] از تجاوز ومظالم غارتگران لگد مال گردیده ، مال جان ، شرف وناموس ساکنین آن [illegible] در معرض تهدید واقع شده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 204 of 896

روز گاریکه : سر تا پا هستی این مملکت در بین طوفانهای هولناک انقلاب و شعله های آتش خانمانسوز تغلب ، جور و ستم دزدان منغمس بوده سوخته سوخته خاکستر میشد ، وما بدیده های اشکبار ونگاههای حسرت آلود آنرا نظاره میکردیم وچیزی پیش برده نمی توانستیم .

آوانیکه : کرانهای فضای اقبال ، نیک بختی ، وسعادت مارا ، ابرهای تیره و مظلم بد بختی تماماً فرا گرفته ، درهای نجات از هر طرف بروی ما بسته ورشته های آمال و آرزو های قلبی ما بمقراض یأس وناامیدی مقطوع ومنقرض گردیده بود .

ناگهان از کنار مرحمت وعطوفت کردگار ستاری ، برق در جبهه افق تیره بخت سیاه مادر خشید ، سینه ابر هوای عروس شگافته شد از بین آن هم شعاعهای وتیره گیهای سفاک آلود انقلاب واختلال چهره دلکش وجذاب رب النوع سعادت وقبال تبسم کنان نمودار ، باستاره درخشان وتلألای وجود مبارک نادر شاهی درسمت الرأس فضای این مملکت خرامان خرامان باقدمهای متین واستوار طلوع نموده ، جلوس فرمای اورنگ سلطنتی (افغان) گردید .

سرتا پا صفحهٔ مقدس وطن را از وجود منحوس وپلید آنهمه طالبان مفترس و خونخوار وانجر تومهای مضره پاک وتطهیر نموده ، خرابیهای تعسف انگیزی روح گداز شان را اصلاح وترمیم ، معارف نابود شده را مجدداً تأسیس ، دوره های سیاسی واقتصادیات را تعدیل ، امن وسلم را برقرار ، احکامات منیفهٔ دینی را باقوانین مدنی تعمیم وترویج کرد .

وهمچنین در سایهٔ مجاهدات بلیغ و صداقت فطری خود توانست ، شرف و عزتهای از دست رفتهٔ ملی را دوباره بدست آورده ، اکنون به انجاز وفای بزرگترین وعده که در خط مشی حکومت عالهٔ خود دراول جلوس (که عبارت از وعده تشکیل شورای ملی بطور صحیح از یکدسته وکلا ونمایندگان صحیح ملی باشد) بما ملت داده بود ، کامیاب بشود .

وامروز چقدر جای شکران وخوشبختی است که شهریار وطن پرست ، خدمت گذار صادق ، ترقیخواه حقیقی افغان بخواهش وحسب ارضای خویش بحکم طینت پاک واحساسات نزیه ملت پرورانه وقابل قدر خود ، فرمان مشروطیت حقه را صادر کرده ، شورای ملی را تشکیل ، وبدل چنین یک نعمت عظما و موهبت بزرگی روح پاک وطن را ازخود شاد وممنون نمود .

نعمت بزرگ مشروطیت وشورای ملی چیزیست ، که در مقابل هزاران هزار فداکاری های مجدانه ، مساعی و سربازی های جسورانهٔ خود توانستند ، که سپور های انگلیس در ۱۲۱۵ مسیحی از (ژان زبن) شاه انگلیس ، بگرفتن آن کامیاب شدند .

شورائیکه ترکها توانستند ، در عوض اثار قطرات گرانبهای خون جوانان شهید راه آزادی خویش بلکه که از مواد آنرا باهزاران زحمت ومشقتهای تحمل فرسا بالای سلطان عبدالحمید قبولانند .

ای ملت غیور افغان : کنون افتخار ومباهات کن بداشتن چنین شهریار عالیمقام نیکه بدون درخواست وخواهش تو شورای ملی را بدست خویش تو اعطا نمود

ای مادر وطن ناز : بداشتن چنین فرزند صالحی که خدمات درخشان واجراآت جلیل القدر محیر العقولش مجاهدات ومساعی (بطر کبیر روس) و (میکادوی ژاپون) را در راه ترقی وتعالی ملت خویش پشت پا میزند .

ای خاک مقدس ، ای مدفن اجداد دیانتکار ما ، ای مربی زیر ورش دهندهٔ مادی ما ، که محبت تو از روز اول با گلهای خون ما یکجا امتزاج واختلاط یافته ، در خطوط شرائین ما در جریانست ترا تبریک وتمجید میگوئیم ، بداشتن چنین یک راد مرد ، یکتا لد بزرگواری که شبانه روز ، گاه وبیگاه وقت وناوقت بهترین وقیمت دار ترین اوقات خود را (که عبارت از عمر عزیز باشد) وقف وصرف خدمات مهم وبزرگی نسبت بتو نموده ، از بذل وایثار هیچگونه فداکاری ومجاهدت در راه اعلا وپیشرفت تو در امور مادی ومعنوی دریغ نمی نماید .

ای وطن ، ای مادر مشفق ومحترم ، ای

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 205 of 896

آنکه ما را در زیر بال عطوفت وشفقت در آغوش پر از تنعم وراحت خود پرورده ئی ، تراشادت واطمینان میدهیم که درقبال این عطاهای محتشم ، این شاهکار های جلیل ، این خدمات مشعشع این زاده کریم ارجمند تو ، هزاران هزار محبوبهای فلک سعادت ، خوشبختی میمنت ترا با چهره های بشوش ، آغوش کشاده ، لب متبسم ، قلب پر آلا (؟) وبالات استقبال میکنند ، وعنقریب درسایه مساعی ومجاهدت این فرمانفرمائی نیک فرجام خویش ، بعالی ترین وبالند ترین مدارج تعالی وترقیات مادی ومعنوی نائل خواهی شد ، وبه پیشگاه رفیع تو ، ای قهرمان ملی ونابغه روزگار ! اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی) عرض میرسانیم که ملت نجیب افغان وابنای وطن پرست قدر شناس آن ، هیچگاهی خدمات زوال ناپذیر ومجاهدات فداکارانه بیرون از طاقت بشری ، تو ای ذات فخیم ، تو ای مرد بزرگوار توانا ، تو ای ناجی ومحی ملت افغان وترقیخواه حقیقی آن (که طراز شاهی بقامت زیبای تو زیبنده گی دارد) وتو ای ذات خجسته صفات همایونی (محمد نادر شاه غازی) را نمیتواند فراموش واز لوحه خاطر ها محو ودور نماید بلکه اینهمه خدمات شایسته وقدر کارانه تو چیزیست که روزگار ودهر آنرا از صمیم قلب تمجید وتقدیس نموده در گنجینه قلب خود الی الابد ودیعه ویادگار محفوظ خواهد داشت ، نام نامی تو ، به اوراق تاریخ جهان بخط جلی زدوده ناشدنی از (زر) ثبت وبجاویدان گذاشته خواهد شد

بشما ای وکلای عزیز ملت — ونماینده گان مجلس شورای ملی ! در اجرای وظایف محوله وانجام فرایض مهمه تان همیشه توفیقات حسنه ونیک را از درگاه رفیع احدیت مسئلت وامید داشته ، مساعی ومجاهدات بلیغانه تانرا ، در باره تشویق این مملکت بشاهراه ترقی ومدارج عالیه مدنیت بجا آوردن مسائل موکله تان با استحصال رضائیت وامتنان حکمدار عالیشان وکافه موکلین تان ، تا اختتام این دوره نخستین تقنینیه با یک عالم آرزو های قلبی تمنا داریم .

وهمیشه وایراز خدمات بزرگ زرشان تانرا ، نسبت بوطن ، که امروز نگاهای پراضطراب شوق آمیز مراقبت دارد ، ماهم نیز بایک حالت هیجان آلودی چشم راهش دوخته از صمیم دلها انتظار میبریم .

آقای غلام جیلانی خان اعظمی :

تاسیس مجلس مقدس شورای ملی

یا

چاره اساسی نجات وسعادت وطن

صد شکر که در دوره نادر شه غازی
دور کهن ملت غمدیده دوا شد

خدای بی مثل ویکتا قادر بیچون توانا را حمد وسپاس افزون از حد قیاس است !

ملت فداکار ما بقدر شناسی وامتنان برجسته ترین وآخرترین خدمات بزرگ وبرگزیده تاجدار ملت پرور وپادشاه سعادت گستر ترقی خواه خود ، اعلیحضرت محمد نادر شاه ، غازی امروز جا دارد که با قلوب مملو از عاطفه وصداقت وبا روح مهر وبا صفوت وبا تمام احساس پاک ومنزه ، خالص ترین وخوب ترین رقت قلبی را به هیجان آورده دعای بقای عمر ودوام اقبال وسعادت ابدی این نابغه بزرگ وپادشاه معظم خود را نمایند !

غم خواری وملت پروری شاهان وتاجداران عالم آنست که ملل مظلومه ونا آشنا ئی حقیقت وانتهای آنرا بوجود بعضی رافت ها ومراحم کوچک از قبیل بذل وسخا یا استماع عرض وداد رعایا شب گردی وشب بیداری وشب مردمی ، ساده گی معاشرت وزهد وتقوی وغیره ازانها

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 206 of 896

قناعت و تسلیم داشته باشند ؛ علاج حقیقی و خدمات بر گزیده و عاشق یك پادشاه وطن غیر این است .

پادشاهان شریف و بزرگ تاجداران مردانه و ناموری که روح شان مانند طاهر قدسی در فضای آسمان شرافت اعتلا پرواز می کند و ضمیر منیر آنها بتکریم حقایق منوره انسانی و افتخارات وجدانی آشنا است ؛ شاهان یکه تائیدات خدا و نور حق و حقیقت قلب شان را منور ساخته و قدر مکافات الهی در ازل نام نامی آنها معین شده است ؛ کاری و خدمتی و چاره در باره ملت و مملکت خود می کنند که آن چاره آخر ترین و منتهای وظیفه سلطنت و لازمه شرافت آنها می باشد .

شاهان بزرگ مرحوم که هنوز نام نامی شان موجب [illegible] ارواح ملل و اقوام قدر شناس بوده و گویا زنده جاوید اند مثل اعلیحضرت محمد نادر شاه افغانستان ملت خود را اطاعت شوری ملی نموده اند یعنی ملل خود را بسر منزل سعادت حیات و نقطه آخرین نیك بختی رسانده و رشد عقل و جدانی داده اند . البته پس از ان ملل مذکوره می توانند از هر بد بختی و مصیبتی حیثیات خود را حفظ کرده و بشهراه عزت و ترقی پویان شوند .

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی در آنجهای بر جسته ترین و بزرگترین خدمات ذی قیمت و مراحم متعدده گذشته که هر کدام آن قیمت حیات ما ارزش دارد این مرحمت موجوده را که از انتظار ما بیرون و یك نوازش خارقه نهائی است هم ابراز فرموده یك منت بزرگ تری بالای ملت میگذارند .

اعلیحضرت محمد نادر شاه برخلاف شاهان و تاجداران گذشته ، مخصوصاً یك شاه مدبر و حامی سعادت و افتخار وطن و حکیم فرزانه ملت است که از هرچه زود تر درد حقیقی و مرض تحقیقی مملکت فهمیده آنرا بآخر ترین و حقیقی ترین دوائی چاره و علاج میفرمایند .

مرضی مزمنی که از سالهای دراز پیکر مملکت را ناتوان و روح حیات و زندگی را در وجود این ملت ضعیف ولی شان ساخته بود آن عبارت از عده دردهای مختلفه بود که هر کدام آن موجب تقویت و غلبه درد دیگری می شد . مثلاً درد جهل عمومی مایه نفاق را بر می انگیخت ، اختلاف نظر رجال دولت های گذشته و اغراض و منفعت پرستی های خصوصیه و حزبیه آنها ضعف و تشتت امور اداری را موجب می شد .

بالاخره خود سری و تجسس سر همه ازین جهل و عقد و رجال زمامداری که ابداً مسئولیت و تمکینی به پیشگاه ملت نداشتند بهر طوریکه میل و اراده می نمودند ملت را از پا در آورده و خود مملکت را دو چار انواع دردها و بدبختی ها می نمودند که تا همه دیدیم نتیجه آن اوضاع ولاقیدی ها و عدم مسئولیت ها انقلاب بزرگ خانمانسوز گذشته را ، آورده شرف و عزت و دارائی ملی را بمعرض تهلکه آورده ، خانه نیمه معمور وطن خراب شد ، و یك مقدار کلی و کافی اولاد های وطن ما که قسمت اعالی فعال و کارکن را تشکیل میدادند همه شهید راه اغراض و مطامع ها گردیده خاك پاك وطن به خون اولاد های جوان خود گلگون شد .

دارائی مادی وطن از قبیل پول اسلحه ، جبا خانه ، اسباب و لوازم سلطنتی و اداری همه بر باد فنا رفت شهر ها ویران شد ؛ عمارات طعمه حریق واقع گردید . دو سال تمام فضای با صفای وطن را دود باروت تیره و مکدر ساخته بود . آواز آه و ناله ایتام و بیوه زنان صدای غرش توپ و طیاره قلوب را زخمی و سامعه را خراش میداد .

افغانستان جوان سخت ترین و مهم ترین صدمات حیاتی را که تا امروز هیچ ملتی متحمل نشده است به پیکر نو خاسته خود متحمل گردید .

تا اینکه فضل و کرم خدا و یدی شامل حال گردید ویکی از بزرگترین اولاد های افغانستان یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه بسر وقت مملکت و وطن بیچاره و بد بخت خود رسیده نجات شرافتمندانه که همه کس میداند بوطن بخشیده ، یك سال و نیم است که این اولاد بزرگ و شریف و حامی وطن مصروف اصلاح امور مربوطه وطن بوده شبانه روز ذات شرافت مآب وی مشغول این امور مربوطه گردیده تا

اینهم به مجاهدت واقدامات بزرگ ووطن پرستانه خود توانستند پاره مطالب عمده ومهمه مملکتی را اصلاح ومخصوصاً قایم شدن امنیت که از احتیاجات عمده بود وبه حیات ما تعلق مخصوص دارد به تصحیح آن موفق گردیدند .

اینک آخرترین وبزرگترین چاره هاي که بیماري مزمن ما لازم داشت یا نیچه درمان حقیقي وطن را عقلا ومتفکرین ما حدس میزدند ، شاه وطن خواه ما به آن امر بزرگ وآنچاره مترگ اقدام میفرمایند .

تاجدار حکیم وفرزانه ما بزرگترین تدبیري که از ارزو وانتظار ما خارج بود درحق ملت صادق ومملکت خود می بازند .

شاه بزرگ منش ما تاجدار وطن پرور مابه ملت خود اعطاي شوراي ملي می کنند یعني افغانستان امیر وحکومه ، افغانستان بیچاره وذلیل دست حکومات مطلقه وجبار گذشته را آزادي [illegible] [illegible] چنانکه درسیزده سال قبل بزور شمشیر مردانه شرا فتمندانه خود استقلال خارجي را تحصیل فرموده بودند اینک بمدلول ومعاني تزم استقلال داخلي ملي افغانستان را هم امروز اعطاي فرمایند .

افغانستان کنون درعصر عجیب ترین وشریف ترین فرزندان خود امروز مالک شوراي ملي وحکومت آزاد داخلي وحکومت مستقل وممتاز خارجي مي شود .

افغانستان که درسیزده سال گذشته حیات خارجه آن از لحاظ تنظ ادارة داخلي وسوء تاثیر خارجي وپولتیکي بعوقي وبعضه والزیجت مطلقیت واستبداد داخله مشرف بفنا بود ومراحل مدهشه و بادي وفنا شدن را هم تا جائیکه همه کس مشاهده نموده میمود ، اینک بفضل الهي وهمت شریفانه تاجدار بزرگ خود اعلیحضرت محمد نادر شاه افغان کنون حیات تازه وحقي شریفانه را مالک شده امروز وضعیات وطن عزیز موارد داخلي وخارجي اطمینان بخش و اولاد افغانستان وحیثیت افتخار باید بکنند ، امروز افغانستان ما از همه سیر نا ملائم حوادث مایوس گردیده وحیات شریف وحیات جدیدي بخود کسب کرده اولاد افغانستان قیمت حیات امروز خود را باید بدانند وبه وجود شوراي ملي خود که درا ثر نوازش وهمت شریفانه این تاجدار بزرگ آنرا بدون قیمت ومدارفه حاصل داشته اند افتخار کرده نسبت به وجود این شهریار بزرگ معلوم است که اولاد کنوني افغانستان باید دراداي این نسبت کبرا تا چه اندازه تشکر وامتنان ومرهونیت داشته باشند ، این شوراي ملي را به عموم اهالي وطن تبریک گفته امید وارم مصدر خوش بختي و سعادت آتیه وطن واقع شود ، مخصوصاً با تمام صدوقت واحترام ورقت قلب تشکر و امتنان محضور شاه جان بخش وتاجدار روف ملت پرور خود کرده میدوارم بر خود ، که نتیجه ارزو هاي دیرین اولاد صالح وفدا کار اعلیحضرت غازي است بهمونیش

اصولي داره ومرجع سعادت آتیه تملکت واقع گردد .

اکنون سالاري را که ما ارزو داشتیم چاره اساسي که مي تواند دردهاي حقیقي ملي را درمان شود ، وجود آمده ، یعني ملت افغانستان مالک شوري ملي شد ملت افغانستان امروز تازه قدم درمرحله حیات با شرافت ملل زنده ودا افتخار میگذارد ، امروز ملت ما با افتخار شوراي ملي در دنیاي بشریت با حیثیت حقیقي ملت هاي زنده حي وحکومت هاي ملي معرفي مي شود ، یعني تاریخ ملت ها را که جهان بشریت از اکثر به حقوق وامتیازات حیاتي محروم وغیر مستحق میدانند علت عالي آن نداشتن شوراي ملي وحکومت هاي داخلي وخارجي آنها است ، ولي ملت ما امروز تمام معاني ومدفات حکومت مستقله خارجي وحکومت شوراي داخلي ملي گفته مي شود .

ملت ما باید این خود تنها که در آتیه موجب فخر وشرف واعتبارات شان در برابر خارجي ها وباعث سعادت وترقي وزنده گاني مسعودانه وبا افتخار شان دردار مله مي شود باید آنرا چطور ونیچه طریقه داره وتقدیر نمایند .

شوراي ملي در ممالک وملل که بدون خون ارزو وفدیه دادن اولاد شان حاصل مي شود طبعاً بمثابه میرث پدر در نظر ملت بقدر لازم احترامي نشده ، ولي ما از ملت خود آرزو دارم که این طبق غلط را مثل بعضي ملل ابتدائي در وطن نکرده

قیمت وقیمتی این شورای ملی را بدانند و خیلی افتخار و خرسندی داشته باشند که به وجود شورائی نائل می شوند که بدون قیمت خون اولاد وزحمات خود آنرا تحصیل داشته اند .

شورائیکه در نتیجه فداکاری و مساعی بیکنظیر و نجیب ترین اولاد های افغانستان اعلیحضرت محمدنادر شاه غازی بوجود آمده است حقیقتاً بزرگترین مفاخر ملی ما است !

ملت افغانستان خیلی خوش بخت خواهد بود که شورای امروز را طوریکه در اثر همت و مجاهدات این تاجدار بزرگ خود حاصل داشته اند که در آینده هم بموقعیکه این شورا بسر حد رشد و نموی کامل خود رسید برای پرورش و ترقی آن از وجود این شهریار بزرگ استفاده نمایند .

ملت افغانستان از وجود این شورا بعقیده ما طوری استفاده های قبل کرده و مثل شوراهای ابتدائی بعضی ممالک فقط استفاده ها می شوند که مراتب آتی را قبلاً در نظر داشته باشند .

۱ ـ قیمت واقعی این شورا را باید همه افراد جامعه در ذهن و عقیده خود داشته بدانند که شورا یعنی چه و این مجلس بزرگ چگونه تعلقات بیک جامعه دخل و تعلق دارد ، زیرا اگر یک ملت حقیقتاً قیمت و حیثیت شورای ملی خود را بدانند گویا طرفداری بیمه حقوق و سعادت حیات خود بدارند .

۲ ـ برای دائر شدن شورا و شورا بمفاد حقوق خالی از افراط و تفریط بکار انداختن ، تعیین و انتخاب نماینده های لایق و بیغرض و وکلای معقول و مسوق وجدی در کار است ، زیرا شورا عبارت از وجود نماینده ها ست . عبارت دیگر ما فوق شورا شوراشده نمی تواند هر گاه ملت در انتخابات خود دقت نه می کند و وکیل لایق دیگر ندارد گویا از وجود شورا استفاده نکرده بلکه ضرر بزرگتر تازه را هم به خود و مملکت متوجه ساخته اند . و اینکه وجود نماینده های موجوده برای بسر رسانیدن این دوره در آتی معیار صحیحی نظر به انتخاب در پیش گاه نظر ملت قرار خواهد گرفت .

۳ ـ ملت باید با تمام قوی برای حفظ شورای خود بکوشند حتی اگر موانع و مخاطراتی برای شورای ملت واقع می شود در راه حفظ موجودیت شورا و دفع موانع آن سر بازی و ریختاندن خون خود را فریضه وجدانی وعقلانی بدانند ملت ما باید این نکته را بدقت ملاحظه و مراعات نمایند که اگر چه شورای ملی ما در اثر شرافت یک پادشاه وطن پرور ودی خیلی بسهولت و آسانی برای ما حاصل شده ولی برای اینکه این نعمت بزرگ از ما فانی و زوال نشود باید بقیمت خون خود آنرا حفظ و حمایه نمائیم .

۴ ـ ملت افغانستان باید همواره حس تقدس و احترام نسبت به شورای ملی خود داشته فیصله های آنرا تمکین واطاعت و در اجرای تکالیف آن مطیع ومعتقد باشند ، یعنی ملت باستی اراده وفیصله نماینده های خود را که عیناً فیصله واراده خودشان است آنرا محترم و واجب لاجرا بشمارند .

وقتیکه ملت مراعات این مطالب چهارگانه را بدرستی نوانستند آنوقت می شود گفت که افغانستان دارای شورای ملی است وملت افغان را می توان خوش بخت تصور نمود .

اقتباس از مجله اقتصاد :

پروگرام اقتصادی ۱۳۱۰

وزارت تجارت

(۲)

۵ : در بودجه سال ۱۳۰۹ کشیدن یک سرک جدید دره که مبلغ (۲۷۰۲۵) افغانی منظوری یافته بواسطه نبودن مهندس کار مذکور معطل ماند ، اکنون یک نفر مهندس انجنیر برای این کار ودیگر امورات که در سمت مشرقی مدنظر است جلب شده که عنقریب خواهد رسید پس از رسیدن آن اول تر بدین کار آغاز خواهد نمود ، مصارف آن در بودجه ۱۳۱۰ داخل می شود .

امضاء وزیر تجارت

رای مجلس عالی وزرا : راجع به پیشنهاد وزارت تجارت بخصوص استخدام یکنفر مهندس مجاسی مبلغ سی هزار افغانی را برای معاش ومصارف تصویب می کند

امضاء هیئت کابینه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 209 of 896

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

***

۶ : قلت آب در دشت تپه کوت درموسم تابستان بهمه کس معلوم است وزارت تجارت در سه حصه دشت مذکور متصل سرک خیال حفر سه دوره چاه را دارد که در اطراف چاه مذکور اشجار هم غرس شود تا عابرین آن موضع از سایه اشجار و آب چاهای مذکور در موسم تموز مستفید گردند ، مصارف آن قراریکه درسنه گذشته تعین شده داخل بودجه ۱۳۱۰ می شود . امضاء وزیر تجارت

رای مجلس عالی وزراء : سه هزار افغانی برای سه دوره چاه دشت تپه کوت منظور است در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود . امضاء هیئت کابینه .

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

***

۷ : در بودجه حسال جاری مبلغ (۱۵۰۰۰) افغانی برای نصب کردن پمپه آب در قلعه جدید قندهار منظوری بود که دراین روزها یک نفر کاریگر پمپه از کویته برای معاینه موضع که پمپه نصب می شود خواسته شده البته شروع بعملیات خواهند کرد ـــ اگر موضع مذکور برای نصب پمپه علمیاً مستعد نباشد البته از قراریکه مستر مذروح ایصال آب وسانی قلعه جدید را از موضع ... بذریعهٔ نل سنجیده ، مصارف آن را (۳۱۴۷۴) افغانی نشان داده منظوری حاصل می داریم چون در کویته و کراچی ودیگر اطراف هند از پمپه مذکور بکثرت کار میگیرند . اگر حصه های مملکت عزیز معهم واسعهٔ که کوههای زیاد دارد ، برای اجرای این مسئله مستعد است ، وزارت تجارت در نظر دارد یکنفر مهندس فن مذکور را بطور ملازم از کراچی جلب نموده موصلهانی را که نامبرده برای این کار مستعد بداند بر کار بگیرد وهم چند پمپه از جمله مال هـای خریداری اروپا هم رسیده لهذا مصارف ومعاش مهندس مذکور را در اینجا منظوری میخواهیم

امضاء : وزیر تجارت .

رای مجلس عالی وزراء : سی هزار افغانی مصرف مذکور در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود . امضاء : هیئت کابینه .

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

ب : تعمیر بند ها :

۸ : فرمان نمبر ۱۳۹ صدارت عظمی در اثر فرمان نمبر ۹۰۱ بارشاهی عنوانی وزارت تجارت شرف اصدار یافته ، مضمون متذیله را حکم فرماست : ـــ

برای آب یاری دشتی که در نواحی خوشی وسرخ آب لوگرد واقع است اراده دارم که یک بند درحدود (دوشتی) احداث شود ، چنانچه وزارت تجارت قبلاً دراین خصوص معلومات گرفته اکنون لازم است که مصارف این بند و اندازه زمین که تحت آن آب یاری می شود وزیره کنفر متخصص معلومات گرفته شود پس از ملاحظه حضور امر اجراء داده می شود چون درسنه گذشته ۱۳۰۵ مستر کریبه الهانی حسب هدایت وزارت تجارت انشاء دوبند را که یکی در خوشی ویکی درسرخ آب باشد نقشه ومصارف بندها مذکور را بر اورد نموده زمین تحت هردو بند مذکور را دو بر آورده خودهم تعین داشته که ذیلاً ارقام می شود .

الف : مصارف بند سرخ آب لوگرد کارتمام مبلغ (۲۷۰۰۰۰) افغانی ، زمین که تحت بند مذکور آب یاری می شود (۹۰۰۰) جریب .

ب : ـــ مصارف بند خوشی لهولگرد (۴۵۵ ، ۱۷۰ ، ۰) افغانی ، زمین که تحت مذکور آب یاری می شود (۷۷۲۰) جریب ، لهذا چون درفرمان مبارک که آبادی بند درحدود دوشتی امر است بواسطه که تا حال مهندس بند والنهار که برای معلوم کردن همچنین مطالب از خارج خواسته شده نرسیده دربرو گرام هذا تخص معاش ومصارف یک نفر مهندس بند داخل می شود پس ازآن که مهندس برسد برای معلومات اینکه اگر در دوشتی بند ساخته شود اطلاقاً لامن روع خوشی وسرخ آب را زراعت و آب یاری می تواند ـــ ویا اینکه درهر دو موضع مذکور علاحده علاحده بند ساختن لازم است . اجراء می شود ، پس از گرفتن معلومات صحیح کیفیت بحضور عرض واستر شاد حاصل میگردد ، اگرچه

قبل ازین دو بند عاجده علاحده از طرف متخصص (۴۰۰۰۰) افغانی نقشه وبر آورد شده . امضاء وزیر تجارت .

تصویب کابینهٔ وزراء : راجع به پیش نهاد وزارت تجارت برای مصارف بند درحدود سرخ آب مبلغ دو لک افغانی مجلس تصویب میکند . درباب بند خونی لهو گرد درحال حاضر کار آن را لازم نمی داند امضاء : هیئت کابینه .

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

۹ : قبلا وکلای حکومت کلان غزنی بمراسله عاجده — بحضور جناب والا حضرت صدر اعظم صاحب درباب آبادی بند سرده و تالاب حسینی عرض کرده بودند که بندهای مذکور در زمان سلاطین ماضی آباد شده بود وبمرور زمان خراب شده اگر بند های مذکور آباد شود فواید زیادی بدولت است .

در تحت عرض آنها باسم وزارت تجارت احکام صادر شد که وزارت تجارت درسال آینده موضع را مدنظر داشته باشد چون درسنه ۱۳۰۵ که مستر کریپه انجنیر بند های مذکور را ملاحظه نموده حسب ذیل به وزارت تجارت معلومات داده .

الف : — درباب بند سرده مصارف آن را مبلغ (۷۰۰۰۰۰) روپیه نوشته وزمین که تحت بند مذکور می آید مقدار جریبی آن را (۱۰۸۰۰۰) جریب زمین تحریر کرده واین راهم نوشته که اگر فی جریب ۲۰ روپیه فروش برسد (۲۱۶۰۰۰۰) روپیه قیمت آن می شود .

ب : — درباب بند تالاب حسینی مستر کریپه بند مذکور راهم بنام سلطانی ارقام داشته ومصارف آن را (۷۲۰۰۰) روپیه نوشته وزمین تحت بند مذکور را (۱۷۲۰) جریب نشان داده لهذا وزارت تجارت متوجه هست که اول تر برای انشاء بند های مذکور قدم کند مصارف هردو بند مذکور برای سال ۱۳۱۰ که کار مذکور آغاز می شود در بودجه خود (۵۰۰۰۰۰) افغانی تکلیف می کند . امضاء : وزیر تجارت .

تصویب کابینه وزراء : دولک روپیه افغانی در بودجه سال ۱۳۱۰ برای مصرف بند سرده تکلیف وکار مذکور جاری کرده شود ، اما بند تالاب حسینی در سنه ۱۳۱۰ معطل باشد . امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است . (ناتمام)

مترجم سرور گویا :

نگارش ونگارندگان

(ترجمه از اشهر مشاهیر ادبای شرق)

(۲)

ضمن از سه قرن کاتب وادبای که درین قرن معرفی کرده وانی سه تن ابو القاسم عبد العزیز ابن یوسف وابو احمد عبد الرحمن ابن فضل شیرازی وابو القاسم علی ابن قاسم کاشانی است نمونه های لطفی از کلام ایشان نشان داده .

همچه از جز نویسان محمد ابن نصر که در طبقه اول قرار یافته اند ابو الفرج اصفهانی است صاحب (الاغانی) وابو الحسن علی ابن عبد العزیز صاحب کتاب (الوساطة) در بین متنبی و خصمهای او وامیر عبدالله میکالی که از کاتبین مجید وسجعش غالب است ومتون نظرش کمت ابو النصر عتبی راوی که واضع تاریخ ابن سبکتکین ومعروف به یمینی است فی الاصل تاریخ مسجع وبدیع مولف خود را اکثر وزکرش از کتک وقت کسی ندانسته بعد از موصلا بادر سنه ۴۹۸ وابن ناقیا در (۴۸۵) وموفق ابن خلال وصاحب دیوان الانشا که در عهد حافظ عبیدی بوده قلمش فوه ترفیعی که انجا میخواست می وقت موفق هم توجهش بمعانی بیشتر از سجع بوده . ابن کناشت در عهد دولت علویه بمصر بک شاخه شیرین ونر عربی کشته بود چه دفاتر مکاتبات فی سرمشق مقدور نمی بود واو از تسلط وقلم سلطنت میراند . هلال ابن محسن صابی نیز (۴۴۸) درین قرن از اشخاص عالم میرود که آثار قلمیه بیاد کار گذشته اند ونواسهٔ ابو اسحاق صاحب رسائل ومؤلف کتاب (اخبار الوزرا) ست . واحمد ابن مسکویه مؤلف تهذیب الاخلاق و الفوز الاصغر وتجارب الامم اگرچه در شماره حکماست ولی طرز نگارشش بطرز نمونهٔ انشای مرسل بدیع ومکتش او را از مجددین فن انشا معرفی نماید . ابو طاهر محمد ابن حیدره صاحب قانون البلاغة نیز ازین قرن وده (۵۱۲) بوده . ودر همین قرن وزیر

ابن زیدون در (۴۶۳) باندلس ظهور
ورسالهٔ رقص آور وطرب بخش او زبان
ولاده دخت مستکفی بالله بوده که ادبهٔ
عصر خویش بشمار میرفته . ونیز وزیر
ابن حزم اندلسی است از فضلای جز
نویس عصر خود (۴۵۶) خیلی محبوب و
کثیرالتألیف . یک کتاب (طوق الحمامه)
ورسایل او دراخلاق نشان وثیقهٔ لمدادب
ونمونهٔ ایست از انشاء عصر او که خیلی
شبیه است باب عصر لوئی ۱۴ درفرنسا .
ودرین قرن وما بعد ش در اندلس طبقهٔ
ازچیز نویسان ظهور وبرشی رتبه ودارث
ارتقا جسته اند وغالبا در قرن سالفه کاتب
محبود باوزیر وخطیب فصیح رئیس لوزرا
می بوده وبیرش ابو عامر وابن سیفان و
ابن عبدون وابن ابو لحصال وابن عبد
العزیز وابن السقاط وابن القصیره اند .
ابن قصیره برسبک قدما الفاظ جزل و
معانی صحیح می آورد واغلب برسجع که
متاخرین بدان توغل داشته التفات نمیکرده
لی در رسائل او سجع هم اتفاقا وورود
یافته . ونیز از انواع ابن عبدالغفور و
ابن عیاد وابن الاقطس وابن امین وابن
سالم ومنذر ابن ایمن وابن الدباله وابن
عبد البرو قرشی وابن مسعید مورخ وابن
لسان وابن القطونه وابو عبید البکری
صاحب معجم ماستعجم والمسالک والمما
لک وابن الطفیل صاحب حی ابن یقظان و
در آن اثنا راتی سخت راجع بمذهب نشو و
ارتقاء ، بطلیوسی وابن تومار وابن هود
وتجیل والشیوعی وقسطلی وابن ایون و
ابن رزین وتمیری وسرقسطی وابن قلاس

وصناعی دیباری وحجاری ودانی وبلنی
وطرابلسی وامثال ایشان نثر هریک منشی
محبوب ومؤنقی است داری عبارهٔ جزل
والفاظ رشیق چه اندلس مردان بزرگی
در میدان ادب بر آورده که از دوائح
تحریر ایشان نسیم فرح بخش عرب عطاء
میرسد . یکی از مستشرقین بزرگ اسپانی
تراجم فضلای اندلس را می نوشته ودر
آن سی هزار از قبیل عالم وادیب وفقیه
ومهندس وطبیب نام می برد وهریک صاحب
منزلهٔ بوده . فتح ابن خاقان صاحب قلائد
العقیان ومطمح الانفس (۵۳۵) ترجمه
برخی ازین ادبا را) به اسجاع مطبوعه)
نموده ابن جور ابن بسام ؟ در (ذخیره)
ترجمه هم ازینها وهم از دیگران نموده
واز چیز نویسان محبود ووزرای مشهور
در بغداد علی ابن عیسای وزیر وابو الحسن
ابن فرات وزیر بوده علی را در نوشته
مسلکی است که نه ابن فرات وله دیگری
بدان میرسد . واز اینجمله است ابوعلی
محمد ابن خاقان ومحمد ابن عبد الملک و
غیره کاتبین مشهور وکتاب وبسا کتاب که
از کتاب مشهور رتبه رفیع داشته واز
مشهورین ابن قرن حریری است (۵۱۰)
صاحب مقامات ودرة الغواص در مقامات
بهرهٔ کاملی از تحریر برده عیبی نکرفی
است اعطی واکر غزالی را باترجمة الا
سلام امام غزالی بسنجیم از جحجة الاسلام
را برتر بابیم بمتخصص جز سوم احیاء
ورسائلی که از طبع سرشار خود بیان
کرده خصوصاً رسالة التفرقة بین الاسلام
والزندقة وتهافة الفلاسفة والرد علی الیا

طیه و . واز نثر راغب اصفهانی در
(الذریعة لی مکارم الشریعة) و (تفصیل
النشاتین) و (المحاضرات) ونثر ماوردی
در (ادب الدنیا والدین) و (الاحکام
السلطانیه) خالی ازنثر حریری نیز است
لی در کلام حریری صنعت تعمل بوده
ومعظم ادوات لغت وکلام عرب را جمع
نموده واگر اشخاصی که این ادوات را
کرده اند میخواستند حصر مدقت خود
کنند ودر صنعت تعمل بیکار رفته
الیشی توانستند .
ابن خساب گوید حریری دارای همین مقامات
باشد ومن چه سوای آن از خوبی شواهد
وچیزی نگوید . جابد الله زمخشری
(۵۲۸) در (تفسیر) و (مفصل) و
(اساس البلاغه) و (مقالات) و (اطواق
الذهب) و (الکلم النوابغ) و (لذتی) به
جودت صنعت نثر وسجع بر حریری فائق
وکلامش درنهایت رقت وجزالت باشد
در بین زمخشری ورشید وطوط صاحب
(رسائل) مطبوعهٔ مسجعه خیلی ها محاورات
ومراسلات روی داده ومنازعات ادبی در
خاسته اند ولی زمخشری در رقت بیان و
وسعت علم بر او تفضیل وتقدیم داشته
ابو الفرج ابن جوزی نیز از محررین این
قرن ودر حدود سنه ۵۹۷ بوده ودر مواعظ
حکیمانه وتالیفات عدیده شهرت جهان
شمول داشته . کتاب الاذکیا واخبار
الحمقی والمغفلین از تصنیفات اوست و
وانجوز کتب خیلی مشابه است بنوشته
جاتی که فرنک در اصطلاح خود (عادات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 212 of 896

و تقلید) نام نهند و در عربی مانند این خیلی بکثرت موجود بوده مانند اخبار (عقلاء المجانین) تالیف حسن ابن حبیب مقری و دیگر کتبی که درین زمینه نگارش یافته و تاریخ سراغ داده، خیلی شباهت داشته بتولهای امروزه اروپا و غرض از وضع همچه حکایات در قرون اولی تلقین فکر بابت دعوت یا احزاب مشغله بوده از بهر عوام تا زحمت و تفتیش در امور مهمه دولت نازه نشد . خلاصه در افسانه و خرافات کتب بسیاری تصنیف و ترجمی هم از زبان فارسی و هند و روم و بابل بعربی ترجمه شد . ترجمی هم از فکر عدیده کار چیز نویسان نوایجاد شد . روایات غرامیه و افسانه های عشقیه عهد جاهلیت را نوشته و تا کنون کتبی که ادبیات را معمور داشتند ، الف لیله و قصه سندباد بحری و الظاهر و تغریبة بنی هلال و غیره گشت که در ادبیات ولی شمار نمی شوند هم آثار متاخرین و از بهر عوام رقم پذیرفته و چیز نویسان حاضر آنرا نوشته .

و نیز از قدامت کنندگان این قرن ضیاءالدین ابن اثیر است و (مثل السائر) رتبه کتاب او کاتب مسجع نگار و مبدع بوده و ابن الحدید مدائنی بر او گرفت و تنقید میکند و تنقید خود را جمع و ترتیب داده و به « الفلك الدائر علی المثل السائر » موسوم ساخته . شیخ و رئیس نگارندگان این قرن قاضی فاضل وزیر صلاح الدین است و حقیقه او را حجة المنشئین میتوان گفت کسی بپایه فضل او نرسیده اگر رسائل او جمع میگشت مجلداتی از آن ساخته میشد

ولی افسوس که بغیر از یك حصه اندك از رسائل او و آنکه صاحب (روضتین) و (صبح الاعشی) اقتباس کرده اند باقی همه آن باطومار مرور روزگار در هم پیچیده . و دو تلو مرتبه او عماد الدین کاتب اصفهانی است و سالك به مسلك او ولی دعوی تفوقش بر دیگران مانند صاحب « المثل السائر » است چه دعوی اگر چه راست هم باشد رواق و بهای علم را می برد . و هر دو کتاب « الفتح القسی » و « زبدة النصرة » او نمونه ایست از فضل و ادب و سجع و ترسل او کاتب هزلی که نامش وهرانی رکن الدین ابوعبدالله محمد است نیز در عهد این دو فاضل ظهور نموده (٥٧٥) صاحب منادت و رسائل مشهوره است .

هنگامی که از جزائر بشام هجرت نمود دید بضاعتش با وجود قاضی فاضل و عماد کاتب روز بازار نیابد ، بروایت ابن خلکان طریق هزل پیموده و دران رشته سودایش نموده .

بعد ابن منقذ است و کتاب (الاعتبار) راجع بقصص شجاعتی که در بین او و اسیرانش اصحاب قلعه شیزر رو داده ازو هست درین کتاب عادات و اخبار و شجاعت اهل صلیب را بیك اسلوب غریب و بیان عجیب و شکل مدهشی نشان میدهد .

بعد یحیی ابن زیاده شیبانی است و در امور کتابت بصرفی تمام داشته از آن بعد ابن صیرفی است صاحب (الاشارة الی من نال الوزارة) و (قانون دیوان الرسائل

قرن ششم :- دران قرن از نوابغ قابل ذکر سراغ نداریم .

قرن هفتم :- از ظهور کنندگان این قرن محی الدین ابن عبدالظاهر است در و دران کتابتش خیلی ها ماهر و روش فاضلانه داشته است . پسرش فتح الدین نیز از چیز نویسان محمود و ابن عبدالظاهر و پسر او واضعین نظام انشا در قرن خود و دو قرن بعد بقلم میروند . اما صاحب صبح الاعشی ابن عبدالظاهر را از قاضی فاضل و عماد و دیگر قدما پست تر داند و از اشخاصی که دران قرن براعت در تصویر بلدان داشته عبداللطیف فیلسوف بغدادیست (٦٢٩) در تصویر مناظر و آثار بلدان کارشان محیرالعقول نشان و کتاب الافادة و الاعتبار او شاهدی میدهد که مشار الیه از بلغای خبیر است در عصر خویش .

عبدالمحسن ابن حموی وزیر (٦٤٣) و بهاء الدین اربلی و کمال ابن عدیم نیز از ظهور کنندگان این قرن اند .

از سیاحین این قرن که از بهر کشفیات و حقائق جغرافی سیاحت نموده ابن جبیر کنانی اندلسی است در (٦١٤) کتاب (رحله الی الشرق) او از ادبیات عالی و دران وصف بلدان را طوری نموده که از متقدمین مانند ابن بطلان و ابن فضلان و از متاخرین مانند عبدری (٦٨٨) و بلوی (٧٤٠) و ابن بطوطه (٧٧٩) و [illegible] کشی (٧٩٤)

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 213 of 896

مؤلف : له بلانیه [۹] مترجم : حبیب‌الله طرزی

مادام سان ژن

فصل چارم

وعده

نیرک : « بی توجیات بردوشم بار است ؛ این موقع را برای نجات ازغم تو واستبداد پدرت بهترین موقع ساختم . »

بلانش : — ای ناسپاس ! نمیوانستی که حیات را برمن گوارا کنی ؟ »

نیرک : « مگر تو مرا برای همیشه بدرود گفتی وترك نمودی ؟ من نه می توانستم دودنیا بامید دیگر زنده بمانم . »

بلانش : « آه ! نفهمیدی که وصلت اجباری هنوز صورت نگرفته است ! باید قدری تحمل میکردی وانتظار صبح سعادت را می بردی . »

نیرک : « ولی تو به من گفته بودی که امیدی در بین نیست امروز تو عروسی میشدی وتو نه می توانستی که به مخالفت اراده ٔ پدرت اقدام کنی . »

بلانش : « البته من مجبور بودم زیرا همهٔ اشك ریزی ها وزاری های مـن بی فائده ثابت شده وپدرم پول گزاف ازین شخص مقروض است ، اوهـم بیکمال بیشرافتی پول خودش وبادست مرا ازپدرم بشدت مطالبه میکرد . »

نیرک : « ولی نفهمیده نه می توانم که درین روز که برای عروسی ات تعیین شده بود چطور شد که درین جا آمده توانستی ؟ حال باید در کلیسا ء جلوی شوهرت می بودی ! چطور شد که سعادت

بارون (لوندال) وقرض پدرت به تعویق افتاد ؟ خیال میکنیم جنگ قصر مراسم را به تعویق انداخته ، ولی حال جنگ هم به آخر رسیده وناقوس های انقلاب خاموش است ، باید زنك بشارت عروسی ترا بشو رانند ومن درین جا بکمال فراغت جان دهم ! زود بگو این واقعه امروز خواهد بود یافردا ؟ »

بلانش : « در حالیکه اشکهای خودش را بشدت ضبط می‌نمود ؛

گفت : « نی عزیزم ، روحم ، تو باید زنده بمانی — برای من — برای طفلك معصوم من که در گناه من وتو شریك نیست . »

این را گفته نیرک را در آغوش کشید .

نیرک : « وجـود طفلك بیچاره منع ازدواج تو وبارون شده نه می تواند ؟ »

بلانش : « تا حال که واقع نگردیده شاید هیچ گاه هم از قوه به فعل نیاید . »

نیرک بدرخشیدن این نیر امید مضطرب شده پرسید : — « مدعا ومقصدت را ازین الفاظ درك کرده نتوانستم ؟ رجا میکنم زودتر بگو به بینم چه مطلب داری ؟ »

بلانش : « بیاد داشته خواهی بود که حین وداع جان سوز که بخیالم وداع ابدی بود بتو گفتم که اگر از (توپلری) نجات یافتی بدکان قصاره ٔ کوچه رویال برو شاید در آنجا از من خبری بیابی و یامن بتوانم بتو ملحق شوم ، این ازین سبب بودکه در آن مدت تا امیدی وباقی

مفرط هنوز هم شعلهٔ خفیفی از امید در قلبم میدرخشید . »

« با فهمیده نتوانستم میخواهی بگوئی که هنوز هم باجماع بن وجود امید داشتی در صورتیکه خودت میرفتی که با لوندال ازدواج شوی ؟ »

بلانش : « بلی ، مثلیکه حـوی به من میگفت که این عروسی تعویق خـواهد افتاد . تنها دیروز پدرم اظهار نمود که عروسی در روزی که تعین گردیده است وقع نخواهد شدزیرا بارون متفق شده که برای سه ماه دیگر هم این معامله را معلق بگذارد . »

نیرک بحالت بهت و حیرت تکرار نمود : « سه ماه ؟ »

بلانش : « بلی حال تاریخ ازدواج را به ششم نوبر تعیین کرده اند ، لوندال ازحالت عمومی حاضره مضطرب شده واز فتح انقلاب بخوف بود دیشب پیش تر از بسته شدن سدهای اطراف پاریس ازشهر گریخت . موضع این از دواج نامسعود را در قلعه خودش نزدیك (زیباب) دوماه بعد بازیك انتخاب نموده است » نیرک « تو به وقت آنجا خواهی رفت ؟ »

بلانش : « پدرم که مثل بارون ازین انقلاب بترس است اراده دارد که برود وبه مجرد یکه جاده ها باز وسد ها مرتفع گردید روانه خواهیم شد ، اگر میروم ولی بتوقسم یاد میکنم که هیچ گاه زن این مرد گستاخ نخواهم شد ! »

نیرک : « چه چیز است که دوزیبای ترابه مخالفت اراده ٔ پدرت واداز خـواهد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 214 of 896

ساخت درحالیکه درینجا بتمامی خواهشات او رضا داد ؟ »

بلانش : « پیش تر از رواله شدن بارون مکتوبی برایش نوشته کردم وتو کرش را وشوه دادم که بعد از گذشتن سدها باو بدهد . »

« پس بارون بخوبی میداند که نوازش نخواهی شد ؟ »

« بلکه تمام حقایق دیگر راهم . که من ترا دوست دارم وطفل من بدری بجز تونه نمی خواهد . »

ذبرک از شنیدن این اقرار خوش مرتعش شده گفت :ـ

« آه ، باعث حیات ومماتم ، معشوقه ام تا مزد عزیزه وبالا خره زنم ! اگر تورا پرستم هم کم است . حیاتم را به من اعاده کردی ؛ اگر مرا بگذاری سال میتوانم که برخاسته با (سان کولات ها) بار دیگر بجنگم . »

این اضطراب خون ذبرک را بجوش آورده زخم او سر از نو تازه گردیده خون بجوران آمد . کاترین دراثنای صحبت به کار های خودش مشغول بود به نمره های مدد ، بلانش بر گفته ذبرک را مد هوش یافت وبه مدد بلانش زخم های اورا بار دیگر شسته وبار چه تبدیل کرد .

کاترین هنوز مشغول بستن زخم ها بود که ذبرک کم کم بهوش آمده شروع به حرف زدن نمود : « بلانش من می میرم ... خدا حافظ ... بر طفلک بیچاره هوش کن ! »

شنیدن این راز مانند صاعقه بر کاترین فرود آمد ولی چون بلانش را از خود زیاد ترخجل مشاهده نمود گفت :

« مترس ، چیزیکه من شنیده ام از یک گوش در آمده واز دیگر خارج شده است ولی اگر به من اعتماد کرده وخدمتی فرموده بکمال صداقت باجرای آن حاضرم یا بدل نشوید همه چیز ها در آخر اسان می شود ، این طفلک مقبول کجا خواهد بود ؟ آیا من اورا دیده نخواهیم توانست ؟ »

بلانش بعد از قدری تفکر گفت کاترین عزیزم ، بشنو ، تو به من خدمت زرگی کرده میتوانی وبااین صورت بکی را که به نجات وپرستاری ذبرک باینقدر فیاضی شروع کرده ئی تکمیل خواهی نمود . »

کاترین : « تنها فهمیدن خدمت و امر تان کافیست . »

بلانش : « پسر من سه سال عمر دارد ودر حمایت خانم بسیار شریفی که بیادر (هوش) مشهوراست در ورسای میباشد پیش تر ازانکه بلانش حرف خودش را تمام کند کاترین جواب داد : « بلی مادر هوش را بخوبی می شناسم پسر او لازاز باسارجنان فیور نامزد من بسیار دوست است بدین دو رفیق (باستیل) پهلو به پهلو جنگیده اند . »

بلانش : « بسیار خوب ، من میخواهم که نزد او رفته واین پول را بااین مکتوب باو داده وپسرم را گرفته نزد من در شاتوی بارون لوندل نزدیک (زیاپ) خواهی رسانید . »

کاترین : « تنها همین قدر میخواهم بفهمم چه وقت میخواهی درانجا باشم ؟ »

« کمراز کم باید تاریخ ششم نومبر در آنجا رسیده باشی ؟ »

« مطمئن باش وپسرت را از من بگیر علاوه براین تا آن وقت من عروسی شده خواهیم بود و لافیور هم با من معاونت خواهد کرد . »

بلانش : « از اجری این خدمت بزرگ مرا برای همیشه مرهون احسانت خواهی ساخت . »

کاترین : « خدمت بزرگ چه معنی دارد در دنیا چیزی نخواهد بود که بخاطر تو اجرا ویا کم از کم اقدام باجرای آن نکنم . »

بلانس : « بسیار متشکر ونمیدانم که همه این نیکی های ترا بچه مقابله کنم ! »

کاترین : « تشکر لازم نیست ! حال اجازه بده که رخت های یکی از مشتریان را ببرم . وپرستاری گوئت را قدری بر عهده تو بگذارم . علاوه براین حال بیدار خواهد شد وچیز های زیادی داشته خواهید بود که با هم صحبت کنید . زیرا مجبوراید از هم بزودی جدا شوید . »

در اثنای که با خود تکرار می نمود « شاتوی لوندل در تاریخ ششم نومبر » از دوکان بر آمده رفت .

(باقیدارد)

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 216 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایت داخله	۲ 〃
طلبهٔ معارف	۷ 〃
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 218 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 219 of 896

شماره ۱۲

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد ۵

اداره : کابل جادهٔ اورگ
موسس ونگارنده مسئول
محی الدین

۴ شنبه ۲۱ سرطان ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۶ صفر ۱۳۵۰

افتتاح مجلس شوراي ملي

روز دوشنبه ۱۴ سرطان از ساعت ۸ نیم الی ۹ ونیم تمام وکلای ملت ، هیئت وزرا ، نماینده گان دول ومامورین عسکری وملکی ، ویک عده از اعزه وتجاران شهر کابل که قبلاً ذریعه اطلاعیه رسمی ، جهت افتتاح شورای ملی دعوت شده بودند ، در صالون بزرگ عمارت (سلام خانه) حضور بهمرسانیده انتظار تشریف آوری اعلیحضرت همایونی را داشتند . ونیز یك قطعه عسکری بالباس های رسمی در خارج عمارت صف بسته بودند .

بروز ساعت ۱۰ اعلیحضرت تشریف آوردند وعموم حضار رسم احترام بجا آورده ایستادند .

اعلیحضرت غازی پس از جواب احترام نطق عرفانی ایراد وشورای ملی را افتتاح نمودند .

پس از ختم نطق افتتاحیه اعلیحضرت ، آقای قاضی عبدالاحد خان وکیل هرات معروضه را که قبلاً تهیه شده بود ، بعرض رسانید پس از آن فضائل مآب مولوی محمد ابراهیم خان کاموی از طرف ، جمعیت العلماء ، شکریه را قرائت نمود .

اعلیحضرت موسس وحامی شورای ملی ، ج ع ج صدر اعظم صاحب و کابینه را که بطرف چپ منبر ایستاده بودند ، خطاب نموده شفاهاً فرمودند چون شما در نزد این مجلس وکلای ملت مسئول میباشید ، لهذا جمیع اجراآت و کارروائی خود را که درین عرصه دو سال نموده اید یکان یکان از نظر وکلای ملت بگذرانید ، چنانچه من سیاست خارجی مملکت را علی الرغم و بدون پرده گذرانیدم .

بعد وکلای ملت را خطاب نموده گفتند : که اولین کار شما انتخاب رئیس است که از بین خود ها انتخاب نمائید ، بعد ها به نظم ونسق امورات مهم مملکتی خواهید پرداخت .

درین وقت اعلیحضرت وتمام حضار دست دعا برداشته کامیابی و اتحاد ملت افغان را از خدای پاک استرحام نمودند . بعد ذات همایونی باحضار خدا حافظی نموده تشریف بردند :

عیناً نطق اعلیحضرت

محمد نادر شاه غازي به تقریب افتتاح اولین مجلس عالي شوراي ملي افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

این مجلس شورای اسلامی را بنام خدای قادر توانا که بخشاینده سعادت دنیا و آخرت است افتتاح میکنم و از بارگاه ایزد متعال برای حکومت وملت افغانستان توفیق میخواهم که بپایه شریعهٔ مطهره حضرت محمد علیه الصلوة والسلام باین خاك پاك اسلام خدمات برگزیدهٔ ایراد کنند وبار دیگر در اعلای کلمة الله وترقی وتعالی افغانستان موفقیت وکامیابی جاوید حاصل نمایند .

عزیزان من ! الحمد لله بار دیگر افغانستان را از مصائب و نوائب تفرقه و خانه جنگیها مصئون ومامون می بینم وبخاطر آسوده ودل پر از امید شروع به تاسیس این موسسهٔ شورای ملی مینمایم میخواهم معنی شورای ملی را بشما شرح

کنیم بحمد الله همه ما و شما مسلمانان هستیم مشوره اساس کارهای ما ست به حکم قرآن عظیم الشأن (و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله) بمشوره کردن مکلف بودیم و هستیم . خود حضرت حضرت محمد علیه الصلوة والسلام در حل مسائل مشوره میفرمودند ؛ خلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم بمشوره کار میکردند خلفای بنی امیه نیز مشوره می فرمودند .

لیکن خلفای بنی عباس مشوره را اساس متین برای پیشبرد امور قرار دادند وکلای ملت به دربار خلفای عباسیه حاضر می بودند و حکومت تمام کارها را با وکلای ملت مشوره میکردند . بعد از خلفای عباسیه سلاطین اسلام مشوره را منافی قوت و قدرت خود دیده بنای اساس ترقی و تعالی کمتر توجه نمودند تا این خیلی دورهای انقراض و تغیر و تبدیل در عالم اسلام واقع شد .

در افغانستان مشوره از قرنهای مدیدی بانطرف دوام میکند چنانچه جرگهٔ افغانها را حاکم عادل ملت افغانستان گفته میتوانیم برای ما ملت مشوره چیز نو نیست سلاطین گذشته اگر بمشورهٔ ملت کار نکرده باشند لیکن ملت در قبائل و عشائر خویش جرگهٔ خود شان را تا امروز متروک قرار نداده اند و حکم جرگه در قبائل و عشائر نافذ است الحمد لله حالا شورای دولت تشکیل کرد وکلای ملت بمرکز حاضر شدند لیکن آن شورا با جرگهٔ افغانستان مقایسه ثابت نشد .

خیر . از خدا میخواهم که بار دیگر آنچنان واقعات سیاه در افغانستان رو ندهد و این موسسهٔ « شورای ملی » ما و شما را موقع و فرصت و دور آن عنایت فرماید که تمام موجبات شکایات را از بین ملت و حکومت رفع نمائیم تا ملت برغم سابق حکومت خویش را ملت و خادم بهبود و ترقی کار مملکت بداند . « شورای ملی » امروز مثل شوراهای سائر ملل که بمرور ایام ترقی و اصلاحات بخود حاصل کرده یک نمونهٔ ترقی شوراهای سابقهٔ ماست اگرچه ملت تا امروز اینطور یک چیزی را خواهش نکرده لیکن چون من « شورای ملی » را اساس ترقی و وسیلهٔ مخصوص اصلاح مملکت میدانستم و میدانم روز اول در « خط مشی » خود اعلان کرده ام شکر لله که درین فرصت برامن افغانستان بافتتاح آن موفق شدیم وقتیکه شما کتابچهٔ حقوق « شورای ملی » را مطالعه کنید واقف میشوید که « شورای ملی » امروز با شوراها و جرگه های پیشتر چه فرق دارد اگر شما حقوق خویش را صحیح استعمال کنید و همیشه رفتار و روش حکومت را مراقب باشید و برای اصلاحات همیشه سعی بلیغ بفرمائید « شورای ملی » افغانستان باقی امنیت و مؤسس ترقی و تعالی مملکت خواهد شد و بامید خدای عز و جل خانه جنگیها و نفاق و شقاق برای همیشه ازین وطن معدوم خواهد گشت . مسائل شخصی باعث زوال و اضمحلال این سلطنت اسلامی نخواهد شد . و همه وقت این ملت آسوده خواهد ماند . تغییر و تبدیل سلطنت سبب استیصال ریشه‌های ترقی و تعالی ملت و مملکت شده نخواهد توانست و بشقیا نوبت حکمرانی نخواهد رسید همیشه زمامداران نیک و حکام صادق و محسن مملکت و ملت در خدمت افغانستان انتخاب و مشغول خواهند شده ؛ استبداد بدعت رسمی و رشوت ستانی یک قلم در قلمرو این مملکت رونما نخواهد گردید

گفته میتوانم روزیکه وکلای ملت در « شورای ملی » حقوق خویش را شناختند و خیر و شر را از روی مفاد عمومی امتیاز کردند و اغراض و تفرقه از میان رفع شد از همان روز دور سعادت افغانستان آغاز خواهد کرد من از خدا مسئلت دارم آن روز سعادت وطن عزیز ما و شما همین روز اول افتتاح شورای ملی باشد خدا قادر است رحیم است کریم است همانطوریکه افغانستان را بامفرصت کم از یک انقلاب خانه برانداز نجات داد و بملت افغانستان امنیت ، عزت و توانائی و اتحاد سر از نو بخشیده ، از درگاه بخشایش ازلی مایوس نیستیم و امید واثق دارم که انقلاب گذشته آخرین دور فترت و نکبت ما ملت حساب خواهد شد و انشاءالله تعالی برای همیشه خاتمه یافت و این روز افتتاح « شورای ملی »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 221 of 896

روز اول دور سعادت افغانستان خواهد بود که تا ابد دوام خواهد کرد .

وکلای محترم ملت . مأیوس نباشید اینچنین ادوار ظلمت را که ما و شما گذرانیدیم تاریخ ملل عالم در حیات سائر ملل دنیا نشان میدهد بعد از هر سختی آسانی است و پس از هر تنزل ارتقا و اعتلا آمدنی است بشرطیکه بندگان خدا از جادهٔ حقیقت و انسانیت منحرف نشوند و عیب را هنر و اسباب تنزل و وسیلهٔ ترقی نشناسند .

فرزندان و برادران عزیز من ! آنچه از اجرا آت این دوره را میخواهم خود من بشما بیان کنم سیاست خارجی امروزهٔ افغانستان است ، تا شما از سیاست خارجی حکومت امروزه خود خوبتر واقف و مسبوق شوید باقی مسائل را که درظرف یکنیم سال و چند ماه شده صدر اعظم صاحب و وزرا بشما معلومات خواهند داد میخواهم از ابتدای ورود خود بخاك پاك افغانستان تا امروز آنچه با دول متحابه معامله و مکاتبه کرده ام بشما اظهار کنم تا بر شما سیاست خارجی من پوشیده نماند .

وقتیکه من در خاك افغانستان قدم گذاشتم خودم و شاه ولیخان و شاه محمود خان را در سمت جنوبی و محمد هاشم خان و محمد گل خان را در سمت مشرقی تعیین نمودم . درین موقع در سمت جنوبی آثار نفوذ سقویان ظاهر نبود و هیچ کس حکومت سقوی را وقع و اعتبار نمیداد اما همینکه امان الله خان در حدود قلات و مقریا عسا کر قندهار نمودار شد و دو باره عزم استلا کابل را باطراف و اکناف مشتهر گردانید اهالی سمت جنوبی قدری متردد شدند و گمان کردند که من با برادران خود بطرفداری امان الله خان خدمت میکنم هر چند زیاد وانمود کردم که مطلب من شخصیت هیچ کسی نیست حتی خود من و برادران من برای اثبات شخصیت خود نیامده ایم ما میخواهیم در افغانستان امنیت قائم شود خانه جنگی از میان رفع گردد و هر شخصی را که تمام قوم و ملت افغانستان به پادشاهی انتخاب کنند همانشخص پادشاه شود اما با آنهمه اصرار من اهالی سمت جنوبی باظهار من متردد بودند مطمئن نشدند چه من مجبور بودم که اعلان پادشاهی خود را بدون اعتراف و تصویب تمام اهالی افغانستان رد کنم .

هر چند در مواقع بزرگ و در اوقات ظهور ناکامی و شکست این مطلب را بمن تکلیف می نمودند من نسبت به نام پادشاهی بنام خدای توانا توکل میکردم و مهربانی و لطف کردگار را و امدادیکه از نام پادشاهی بمن وا نمود می شد مرجع میدانم و میدانستم تا اینکه در اکثر طبقات اهالی سمت جنوبی تشتت افکار تولید شد و سقویان در سمت جنوبی قدرت کامله یافتند گردیز و اکثر حصص خوست و ارگون وغیره جاها را استیلا نمودند من درینوقت اراده کردم تا از اقوام الافغنهٔ سرحد آزاد استمداد کنم میخواستم از قوم ارگزائی استمدات نمایم درین وقت راه مواصلت من و ارکزائی ها در دست انگریز ها بود بواسطهٔ حاجی محمد اکبر خان با حکومت انگریز داخل مذاکره شدم حکومت بریطانیا موافقت نکرد و عذر عدم جانبداری را پیش کرده راه دادن ارکزائی را منافی اعلان عدم جانبداری خود وانمود کرد و همین مضمون عین نامهٔ حکومت بریطانیا رسید که این نامه تا هنوز موجود است با این همه مأیوس نشدم و دست از کار نکشیدم قوم باغیرت حاجی و هم یك حصهٔ منگل و احمد زائی در دست من بود بالاخره فیصله کردیم که از قوم وزیر که برای امداد من و نجات افغانستان کمر همت بسته بودند و غیرت اسلامی و فدائی آنها بجوش بود استمداد کرده شود وزیرها دعوت مرا بپذیرفتند و به حضورم حاضر شدند دولت بریطانیا در این مسئله بیشتر با من درشتی کرده به حاجی میر احمد اکبرخان برو ... شده بسیار اصرار نمود که باید وزیرها جاجی به وزیرستان خارج کنم و و پس بفرستم . و هم اعلانات و مکتوبات خود را اسمی اهالی قندهار و قوم قبائلی آنولا بواسطه عبد الغنی خان از راه چمن فرستاده بودم آن همه دعوت نامهای من باقوام قندهار واچکزائی های غیرتمند رسید اما خود عبد الغنی خان را حکومت هند مانع شد و انسداد سخت برای پیشرفت او نمود و او را درقندهار نگذاشت همانست که بمجرد گرفتن اعلانات من

اقوام و قبائل ولایت قندهار قیام نمودند وهمراهش خوشوقت گردیدن شان نسبت به مجاهدات من و آماده گی شان در مقابل سقویان و اظهار استعداد شان باجرای اوامر من بسمت جنوبی رامرسید ؛ باوجود آن همه اعزاز احاطت دولت انگلیز همینکه حاجی میرزا محمد اکبر خان را برای اظهار دلائل عدم امکان واپس فرستادن وزیرها به پاره چنار فرستادم من ، شاه ولیخان و شاه محمود خان و محمد گل خان را باد کرسی کردها و یک عده جاجی ومنگل و محمد زائی و جدران وطوطاخیل و کردیزی برای محاربهٔ کابل و لهوگرد عزام نموده هنوز دولت برطانیا بدلائل عدم امکان واپس فرستادن وزیرها قانع نشده بود که خبر فتح کابل رسید خلاصه قبل از فتح بین من و دولت برطانیا و مسئلهٔ مشارکت وزیرها خیلی تیره گی و پیچیده گی موجود بود من محکم شده و مجبور بودم که از هر قوم قبیله فیغان که امداد کرده میتوانستم ثبت میکردم زمن و رفقاکی بجز سر من چیزی باقی نمانده بود نهایت … و پیدایش به منافات وزیرها مر مطالم قوم و ربط من محبت نداشت عرصهٔ حیات برمن تنگ شده بود من حیات اشرف پامرکت خود و خانوادهٔ خودرا تصمیم کرده بودم ؛ اهل غرض بعد از فتح کابل برو پاغفاد میکردند که گویا مرا درموقعی که در سمت جنوبی بودم دولت برطانیا امداد داده است و من بدولت انگلیز امتیاز ای داده ام ، من امروز بحضور شما وکلای ملت اعلان مینمایم که من بجز فضل و رحم خدای قادر مطلق و فداکاری اهالی افغانستان با مداد هیچکدام دولت اجنبی کابل را فتح نکرده ام موفقیت من در نجات وطن بفضل خاص الهی و همت و غیرت عموم ملت افغانستان بعمل آمده است .

آن اشخاص و قوائی که باحکومت امانیه مخالفت داشتند وهم چنین آن وزراء و مامورین و عسکر وروحانیون وغیرهٔ ملت که با اعمال ضرر افزای شخص امان الله خان موافقت نداشتند ، مسلم است که این عدم توافق آنها با او برای خیر وطن وسعادت ملت بوده میخواستند که اورا ازان حرکات الحاقیت اندیشانهٔ شهرت پسندانه ش باز دارند که دران ابداً لحاظ جذبات ملی ومذهبی کرده نمی شد ؛ چنانچه به مشاورهٔ چند نفر اشخاص کوتاه بین ، ملت را از خود متنفر و از وسوع همه خدمتگاران وطن را که در موقع مخاطره برای خیر جامعه باید خدمت میکردند ؛ دور نموده .

عزیزان من ؛ سابق خیلی ملال شده وقتیکه بودم من در مرض بین را شنیده ، سیاست من در افغانستان مربوط از اداره سیاست من در افغانستان سیاست آشکارا است من میخواهم هر چیز را بشما واضح کنم تا شما از هر چیز واقف باشید و بکارهای خود بدانید .

وقتیکه من در کابل رسیدم و شما ملت باصرار و تاکید مرا پادشاه افغانستان انتخاب کردید وزارت خارجه فوراً بشاه دنیا اطلاع کرد بجواب اطلاع وزارت خارجه از همه دول متحابه تبریک و شناسائی حکومت حاضره اعتراف و اعلان شد سفیر کبیر دولت علیه ترکیه در کابل اشتراف داشت و سفیر کبیر دولت جمهوری شوروی نیز از همه اولتر بکابل رسید دول متحابه یکی بعد دیگری سفرا و نماینده گان خودشان را در بار افغانستان فرستادند ، من بنابر اصول و قواعد بین المللی تمام معاهداتی را که حکومت سابقه با دول متحابه عقد کرده بود تصدیق کردم دیگر هیچ معاهده سری و علنی ننموده ام .

البته سال گذشته بعضی از دول بما امداد کردند ، چنانچه حکومت جهة برطانیا بدون کدام شرایط بافغانستان امداد کرد این امداد عبارت است از یک لک و هفتاد و پنجهزار پوند قرض بلا سود ؛ و ده هزار تفنگ و پنجاه لک کار طوس ، و چون این مدد میری از هر گونه لایشات سری و علنی است ، و بدون شرایط است من به ممنونیت قبول کرده ام امان الله خان هم موتر ها و سیم های تلگراف و غیره اشیاء را از دولت برطانیا قبول کرده بود ، و در جنگ ملا عبدالله پنجهزار تفنگ و کارطوس از حکومت هند گرفته است ، که این مسائل تا امروز اعلان نشده بود ، و هم وقتیکه امان الله خان در لندن بود ، از طرف دولت برطانیا مبلغ نقد و ده هزار تفنگ و بعضی ادوات دیگر هدیه شده بود ، و امان الله خان آن هدیهٔ دولت برطانیا را قبول کرده بود ؛ من در سیاست

خارجی آنچه کرده ام و صحیح بی گویم و بشما خاطر جمع میدهم که حکومت من تا امروز امتیاز و حقوق بهیچ دولت نداده است و تا من زنده ام انشاءالله بقلم من اینطور چیزی امضاء نخواهد شد. من قطعاً در سیاست خارجی افغانستان سری و رازی نمی خواهم داشته باشم، و هم حکومت و ملت خود را توصیه میکنم که موقعیت جغرافیائی افغانستان هیچ گاه سیاستهای سری را تحمل ندارد، واز سیاستهای سری باید همیشه پرهیز کنم.

بغیر ازین اسلحهٔ که دولت برطانیا بما امداد کرده ما هم ده هزار تفنگ و یک کرور و هشتاد لک کارتوس از فرانسه قرار داد و خریداری کردیم، که از آن جمله قیمت ۹ هزار آن نقدی پرداخت شده است، و باقی را هم تا امروز ادا میکنیم. دولت المان هم بما رویهٔ دوستانه نموده، چنانچه باقی ماندهٔ مبالغ قرض را که امان الله خان داده بود بما تسلیم کرده و اقساط ادای قرض را از شش [illegible] مدت سال تمدید نموده. دولت ایتالیا هم [illegible] تفنگ و [illegible] لک کارطوس [illegible] وقیمت آنرا هم بچهار قرضهٔ که [illegible] سال ادا شود، قبول کرده، در همین اوقات قریب [illegible] تفنگ و [illegible] لک کارطوس علاوه از آن اسلحهٔ که شرح داده ام از انگلستان خریداری [illegible] و پول آنرا نقد تأدیه کرده ام.

همچنان از دیگر دول متحابه برای افغانستان اسلحه وقت مناسب خریداری کرده ام، معاهداتیکه جدید عقد شده و در شرف [illegible] و [illegible] عقد کرایت آن داخل شده و می شوم، معاهدهٔ جاپان و افغانستان عقد شده است و در شرف تعاطی است.

معاهدهٔ غیر جانبداری حکومت افغانستان و حکومت شوروی دو بیمر از نو عقد شده است.

موافقه کمیسیون های سرحدی بین افغانستان و ایران عقد شده است.

معاهدهٔ تجارتی افغانستان و دولت شوروی روسیه داخل مذاکره می شوم در موافقه تبادلهٔ پست با دولت روسیه داخل مذاکره میشوم معاهدهٔ افغانستان و دولت عالیهٔ حجاز عنقریب تحت مذاکره می آید.

خلاصه آنچه شده و میشود همه را بشما واضح کرده و باز دیگر میخواهم بشما ظاهر کنم که مفید ترین سیاستیکه در افغانستان تصور میشود، ومن همه دوام آن را توصیه میکنم، این است که باید افغانستان بیطرف باشد و به همسایه های خود و تمام دول متحابه روش دوستانه خوبیکه [illegible] افغانستان ایجاب اجرا کند و همسایه های خود را عملی یقین بدهد که [illegible] را کامل محافظه نموده روش دوستانه ومساویانه همسایه های خود را [illegible] وهمین روش افغانستان برای خود افغانستان و برای همسایه های افغانستان مفیدترین است.

راجع اقوام سرحد آزاد: این مسئله را گفته نتوانم که مسئله سرحد آزاد یک مسئله مهم برای سیاست افغانستان و [illegible] سیاست افغانستان راجع باقوام و روش [illegible] همی اقوام سرحد و حکومت هند [illegible] فارغ نیست، میتوانم بگویم اقوام سرحد [illegible] از حیث مسلمانی وقومیت یک چیز هستیم [illegible] ارتباط [illegible] این همدردی اقوام سرحد را به افغانستان واز افغانستان را به سرحد از سالهای دراز تجربه ومشاهده کرده است [illegible] وجه ازین همدردی انکار کرده نمیتوانیم چرا وبنا بر اقوام سرحد آزاد در افغانستان بالضرور اثری اندازد ازین رو سعادت ورفاهیت اقوام سرحد آزاد همه وقت آرزو وخواهش [illegible] ووکلای محترم. این است سیاست امروزهٔ حکومت شما که برای تان شرح کرده تا شما کم وکاست از حقایق واقف باشید، ودر کار ها دقیق شوید هر مسئله را خوب بسنجید و فیصله کیفیتی [illegible] در امور مملکت کار عظیم است شما مقدرات یک ملت بزرگ را در [illegible] مجلس فیصله می کنید سهو وخطای شما سهو وخطای شخصی شما حساب نخواهد شد خسارهٔ آن بیک ملت و یک مملکت عظیم اسلامی عاید میشود بسیار بدقت و احتیاط کارانه در حل مسائل پیش شده شما حروب مشاهده کرده [illegible] حکومت سابقه [illegible] از طرف ملت چه خسارهٔ عظیم وارد گردید روز [illegible] مشکلات [illegible] عجز [illegible] بگویم حالت [illegible] است دیگر چه تعبیر خواهیم کرد.

چون حکومت [illegible] شما [illegible] زیاده [illegible] مشوره [illegible] مبادله [illegible] که [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 224 of 896

مصدر چنان اجراآتی شود که از آن رضای خالق وخشنودی مخلوق حاصل ، وبرطبق حسیات عمومی به ثمرهٔ ترقیات مطلوبهٔ خود نائل شود . اینک بکمال مسرت امروز این (مجلس عالی شورای ملی) را افتتاح کرده ودر نظر دارم که به فضل الهی جهة معاونت فکری (شورای ملی) وحصول دیگر مطالب عالی یك « مجلس اعیان » را هم در آتی تشکیل کنم .

در خاتمه : شما وحکومت وعامهٔ ملت عزیزم را بخدا میسپارم واز خدا کامیابی وموفقیت مشروع ما را مسئلت مینمایم .

جوابیهٔ وکلای محترم

شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت ناجی واستقلال بخش افغانستان ! ما ملت افغانستان راجع به آن فدا کاری های تاریخی که از شما مشاهده کرده ایم هرقدر امتنان اظهار کنیم کم است – آنچه را می توانیم که بحضور اقدس شما ظاهر کنیم – همانا احساس قدردانی ما ملت است که نسبت به اعلیحضرت شما در دلهای پاك خود می پروریم – ما ملت واضح میگوئیم که هر ملت بآن امید زمام مهام خود را بدست حکومت خود میسپارد که شاید بر حال زار و نزار تمکنت ترحم میشود سده خیارات حیات ومماث آن ملت را سوء استعمال نمی کند – و آن قوم را در هوا وروشهای غلط به مصائب ونوائب روز گار مبتلا نمی سازد – واختیار مال وجان ملت را به اشخاص درنده هیچ حکم وبر نمی سپارد – به دیانت و اخلاق اسلامی آن ملت مداخلت های بیجا نمی کند علاوةً باعث نفاق وشقاق وخانه جنگی نمی شود !

هزار افسوس که در عصر گذشته بآن عقیده وآمال ما یکی مخالف شد وبرعکس آرزو وامید رفتار کردند – بالآخر آنچه را نمی خواستیم ؛ تا خواستیم واقع شد – خانه وآبادی ما را آتش گرفت – سرمایهٔ نقد وجنس ما تاراج وبرباد شد – امنیت از سر تا سر مملکت مفقود گردید – دزدان غاصب روی کار شدند – وقتل پیر وجوان وطن اقدام نمودند اهل و اولاد ملت در مخاطرات وتهلکه ها دچار شدند – نزدیک بود شجاعت تاریخی ما ملت افغانستان که به تمام دنیا ظاهر وثابت است لکه دار واستقلال افغانستان که به مهربانی خدا وفداکاری اعلیحضرت شما حاصل شده است از نا عاقبت اندیشی های عصر گذشته قریب زوال رسیده بوده که خدای قدیر توانا این دولت اسلامی را دوباره بنام نامی شما احیا فرموده – و اعلیحضرت شما را بمروقت ما ملت رسانیده – ووطن عزیز ما را از اضمحلال ابدی نجات داد !

اعلیحضرتا ! شما وبرادر های فدا کار وصادق تانرا ما ملت بخوبی شناخته ایم خدمات برگزیدهٔ شما وخاندان نجیب شما در انظار ما ظاهر است – ما ملت شما را نادیده وناشناخته وامتحان نا کرده پادشاه خود انتخاب نموده ایم – بلکه باوصف شما صغیر وکبیر ومرد وزن این ملت آشنا وگرویده بوده وگردیده است آن همه فدا کاریهای تاریخی شما را که برای این مملکت وملت خود تکرارا وعملاً اثبات فرموده اید عموماً بخاطر داریم :–

اول وجود مفتخر نمود شما آن ذره فساد ملکی را که در عصر اعلیحضرت شهید بظهور انجامیده نزدیک بود که بحکومت اعلیحضرت شهید خاتمه دهد خاموش واز ندای عسکرانه وجذبات ملت خواهانه خویش شیرازهٔ ازهم گسیخته امنیت وانضباط سمت جنوبی را تنظیم فرمودید – دوم در جهاد استقلال از فضل الهی وهمت وفدا کاری اعلیحضرت شما افغانستان یک حیات پر از افتخار تازه نائل – واستقلال وشرف ملی خود را حاصل ؛ وشجاعت ومردانگی خود را در اقطار عالم اعلان کرده است – سوم آن مساعی جمیله وخدمات فدا کارانهٔ شما که در راه نجات مملکت وحیات دوبارهٔ ملت محبوب تان بان موقع خطرناک ثانی انقلاب که تمام افغانستان را آتش جهل ونفاق فرا گرفته بود وهمه موجودیت را سیلاب شقاق وخانه جنگی بغرق وفنا تهدید میکرد ؛ موجبات مزید امتنان وخوشنودی عامهٔ ملت قدردان ما را از شما فراهم آورده است !

اعلیحضرتا – این همه خدمات خیلی مهم وتاریخی شما یك بیك در انظار

فرد فرد ملت شما ایستاده است وتمام ملت افغانستان اعتراف دارند که وجود شما ازمفاخر تاریخی ما ملت است ـ مشمان ما ملت هر قدر ما را قابل قبول تحریک وتشویق مقصدانهٔ خود بدنیا نشان بدهند و بخواهند مارا درعالم یک ملت بی اراده معرفی کنند لکن مابه دنیا اعلان میکنیم که ملت افغانستان رفتار وروش عصر گذشته را منافی سعادت دنیا وعقبی خود دیده واضح واشکار برای بر طرف کردن آن حالت شاه کن قیام کرده واین حکومت نیک وپاک را برای خویش تشکیل نموده والی ما شاء الله باین سلطنت وحکومت پادیانت مشروعهٔ خویش مطیع وفدا کار خواهد بود

اعلیحضرتا با انکه ما ملت بر شما اعتماد واثق داشتیم وداریم وانشاء الله خواهیم داشت ـ لکن ازین حسن نیت وصفای دل اعلیحضرت شما که حقوق مشوره را بما ملت ارزانی فرموده اید وشورای ملی را تشکیل دادید ازصمیم دل دعا میکنیم که خدای متعال این مشوره حکومت وملت را وسیلهٔ ترقی وتعالی اسلام وافغانستان ساخته موجب سعادت دنیا ورستگاری آخرت ماملت گرداند وبما توفیقی ارزانی کند که بتوانیم آن گونه خدمات برگزیده را که در آن رضای خالق و سعادت مخلوق اوست ابراز کنیم ـ ما از خدا مسئلت داریم که حکومت و ملت افغانستان را بظاهرا شریعت غرای محمدی آراسته ومستقیم داشته از نفاق و شقاق که موجب خذلان ابدی است دائماً ما را مصئون و ما مون دارد ـ ما به هیچ زبان شکر این نعمت الهی را ادا کرده نمی توانیم که امروز حضرت رب العزت همچو شما یک پادشاه حقوق بخشای را بما عنایت فرموده است .

اعلیحضرتا : لله الحمد که امروز ما وکلای ملت حکومت و ملت را یک چیز میدانیم واز خدمات چرچ سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و کابینهٔ شان اظهار امتنان می نمائیم .

در موقعیکه در راس کابینهٔ افغانستان این چنین یکذات حمیده صفات حضور داشته است ملت بکلی مطمئن و آسوده است ـ چنانچه درین ایام صدارت سردار محمد هاشم خان می بینیم در هر طرف مملکت لله الحمد امنیت است حکام و مامورین مودبانه حرکت میکنند ـ ظلم و بدعت از میان رفع گردیده افغانستان به سرمایهٔ خود قدم بقدم تلافی مافات میکند ـ پول بیت المال بیجا صرف نمی شود ـ هر قدر از مساعی این حکومت اظهار کنیم کم است .

ما ملت وفادار همیشه خدمت بر گزیده مشاهیر ملت خویش را تقدیر کرده ایم و مشاهیر خود ما سر بجان و دل دولت داریم ـ خائنیانیکه با وه سرائی میکنند ما آنهارا محققاً دشمن اسلام ودشمن افغانستان میدانیم خدا بما توفیق ارزانی کند که در سایهٔ شریعت حضرت محمد علیه الصلوٰة والسلام باو امر شما که رای ما سراسر باعث فلاح ونجات دارین است خویشتن را فدا کنیم تا بتوانیم در راه دین ودنیای افغانستان خدمت های بر گزیده را ابراز کرده باشیم .

مملکت سیاست خارجی وداخلی اعلیحضرت شما را نیک مرغوب میدانیم ما ملت از ایام گذشته تاحال اعلیحضرت شما را در قول وفعل شما صادق دیده بم وبصدق وصفای شما اعتماد تمام داشتیم که شمارا بپادشاهی خود بالاصرار انتخاب نمودیم .

اعلیحضرتا . شما همان شخص اید که استقلال خارجی ما ملت را به لطف و مهربانی خداجل شانه در عالم اسباب بسر بازی وفداکاری خویش حاصل کرده اید ماشما را بانی وحامی استقلال خود میدانیم وسیاست خارجی شما را برای حفاظت استقلال افغانستان درست وصحیح می شناسیم .

اعلیحضرتا . همان طوریکه خدای متعال شما را بامداد ما ملت تاامروز کامیابی بخشیده است ما ملت الی ماشاء الله برای امداد شما بجان ومال واولاد خود حاضر وآماده هستیم . شاد باشید که ملت افغانستان شما را مثل پدر مهربان خود دوست دارند و تقدیر شما و وزرای شما ودیگر اشخاص صادقیکه در راه سعادت ملت با شما فدا کاری کرده ومیکنند گرویده هستند که ما وکلا از شرح محبت و صمیمیت ملت قدردان تان بحضور شما ذره عرض کرده نتوانسته ایم .

اعلیحضرتا ما وکلای ملت بشما عهد میکنیم که تا جان در بدن ماست برای خیر حکومت مشروعه و ملت ومملکت خود صادقانه خواهیم کوشید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 226 of 896

خطابهٔ جمعیت العلما

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم

فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین ط

(الحمد لله علی دین الاسلام) قرآن کریم از جانب خداوند رحیم شاهد است میکند و راه بهبود و اصلاح جامعه را نشان میدهد و بشورای ملی که از معظم ترین مزایای اخلاقی و اجتماعی اسلام است و موجب بزرگ ارتباط کلی حکومت و ملت دیده میشود ارشاد میفرماید ․

تاریخ یك شاهد قوی [illegible] آگاه بی اشتباه است که هر چیزی درآن دیده و مشاهده میشود هیچ شبه نباید کرد که صحیفه های تاریخی پر تابان و روشن ساخته شهادت میدهد که قوت و سطوت و عزت ملتهای که از وجود شورای ملی محروم و یا تنها شوری گفته به آن اکتفا به نمود شوری حقیقی را [illegible] بوده از جهت غرض و شخصیت و عدم انتخاب حقیقی منابع مرتفعه شورای ملی را برای تامین رفاه و ترقی جامعه کسب نکرده اند روز بروز هیئت و رونق مجتمعه شان را تنزل و جامعه شان محو و مضمحل شده الا حقیقتاً شورای اسلامی قوهٔ موجده و دوره و قرار دهندهٔ هر نوع سعادت و بهبود جامعه اسلامیه است شوری است که دلها را [illegible] و متفکر هارا تر و تازه میکند و شوری است که اتحاد و یکرنگی را ایجاد کرده ملت را استحصال نموده عموم را یك دل و یك عقیده میسازد شورای است که رشته امر را محکم کرده تائید میدهد شورای است که شرف و حیثیت ملت را از انقلابات مضحه و تبدلات متنوعه مصون نگه میدارد ․

شوری است که انتظامات ملیه و قوای عمومیه را وجود میدهد شوری است که باطفال وطن عزیز خود توجه تربیه علم و معرفت کرده از [illegible] وی مملکت رقم رقم [illegible] میکند شوری است که قرار فرهنگ اسلامی [illegible] تابه صغار جامعه [illegible] است با بزرگان آن احترام و اکرام و رعایت [illegible] شوری است که در عالم اسلام برای [illegible] شرعیه و احتساب قرآن پاك [illegible] و اخلاق [illegible] نموده است برای ترغیب و تشویق [illegible] و تحصیل علوم و فنون در هر منطقه [illegible] کرده [illegible] آمده علم را [illegible] باطفال [illegible] نموده است [illegible] تاریخ صدر اول شاهد این مدعا است [illegible] چون این حکومت متبوعه [illegible] اصرار و ذوق و شوق [illegible] جامعه اسلامیه برای [illegible] وطن عزیز [illegible] تشکیل شده است [illegible] خوش [illegible] حضرت غازی الی الآن بساخته مدت دراز [illegible] برای خیر و بهبودی و سعادت دارین ملت کرده است [illegible] شاق [illegible] معظم شورای ملی را مقرر داشته تا وطن مقدس اسلامی بصورت [illegible] حقیقی در [illegible] مرکز عالی مجموع گردیده و وظائف و حقوق [illegible] شورای ملی را [illegible] در [illegible] قرار حدیث مبارك (اذا کان امراءکم خیارکم واغنیاءکم سمحاءکم وامورکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها ـ) لازم است که جامعه اسلامیه را [illegible] رحمت و عزت و [illegible] سوق داده حتما از راه اتحاد فکری حکومت و ملت تمام اسلامی آن مفاخر اسلامی و تاریخی را که با [illegible] مدت از دست [illegible] مسلمانها بنابر غفلت و [illegible] رفته و پس آنرا تحصیل کرده عالم دنیا [illegible] و تجربه نماید اگر بدقت غور کرده شود برای هر [illegible] کتابت صنعت و تجارت و فلاحت و برای هر گونه آبادی ها و عمارت و برای هر رقم تاسیسات مدنیت و زراعت و برای اصول و قواعد حرب و استحضار آلات جهاد و فتوح بلاد کدام چیزی است که در آیات قرآن [illegible] و اصول فقهیه مندرج [illegible] که دین متین ما قواعد [illegible] و حقوق را [illegible] نموده در هیچ [illegible] قوانین دنیا [illegible] وجود ندارد اگر شورای حقیقی اسلام [illegible] اخلاق [illegible] شریعت مطهره در [illegible] حکومت اسلامیه در همه طبقات [illegible] حکم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 227 of 896

فرما شود و احکام دین را مخالف ترقی عصری گمان نکرده بلکه منبع جمیع سعادت های اخروی و دنیوی واساس همه مدنیت عصری و اصلاحات کافی بدانند واصول اسلامی را مدار ومعیار کار وبار معاد ومعاش خود دانسته باشند نفوذ خود ها را با وکالت وسماحت واشتی تغیر نداده با اخلاق حمیده وموالفت واستقامت وفعالیت وعفت وصدقت وخدا جوئی و حقوق شناسی اصلاح نمایند وهر کسی از ما وکه اهالی ومامورین علما ومشایخ وغیره وظیفه خود ها را شناخته رفتار نمایند یقین است که ذات ارحم الراحمین قرار آیه کریمه (ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) وآیه (وماکان ربك لیهلك القری بظلم واهلها مصلحون) هیچ گاه سعادت آن جامعه را بذلت وتباهی و [illegible] شان را بخرابی تبدیل نمیدهد.

ماجمعیت العلما که خود ها را یگانه خدام دین واصلاح اندیش ملت افغانستان دانسته ایم بحضور [illegible] و کلای محترم این روز فرحت امروز که بافتتاح شورای ملی در میان ملت افغانستان امتیاز یافت واینك عید بزرگ افغانستان است تبریك میدهیم واز حضور شان درین مجلس عالی مسرور شدیم وگفته میتوانیم که الحمدلله حکومت مبادیات وصلاحیت است وشورای ماشورای حقیقی اسلامی است از خدای متعال خود امید میکنیم که محفل جلیله شوری از ثمرات واثرات این نعمت عظمی وفرط محبت وصداقتیکه ملت افغانستان باعلیحضرت غازی دولت پرست محمد [illegible] ابنای خود می رسانند از راه حقه شریعت مطهره خیر الانام هرگونه ترقیات مادی ومعنوی کار گرفته نتایج آنرا مفهوم ملك به خواص وعوام خواهند نمود در خاتمه زنده باد اعلیحضرت شریعت خواه ما ، آسوده باد ملت دیانت خواه ما ، پاینده باد شورای ملی وجمیع مصاحبین مملکت اسلامی ما آمین یارب العلمین وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العلمین .

پروگرام اقتصادی سال ۱۳۱۰

وزارت تجارت

(۲)

۱۰ : وزارت تجارت میخواهد که برای سال ۱۳۱۰ کار بند کنی را ذریعه محمد شریف خان متخصص بند بعیانه متوسط زیر اجرا بگیرد — در حدود البته بکار مذکور آغاز کرده است ، در گذشته برای همین کار درخواست ملا بك تعمیر زیر ساختمان گرفته شده بود ، واصل و آورد تعمیر مذکور (۲۹۸۰۲) افغانی در اول سنجیده شده وتعمیر مذکور را وزارت تجارت در آنوقت باشرکت عمران که رئیس آن محمد شاه خان بود قرارداد کرده بود — ومبلغ (۱۸٤٤۰۵) افغانی بمعرفت شرکت موصوف بمصرف رسیده وهم کار تعمیر مذکور تقریباً تمام گفته می شود ، مبلغ (۱۱٤۳۹۲) افغانی برای باقیمانده کار مذکور که مستر گریه الفانی تعین کرده کار است ، در بودجه وزارت تجارت مصارف باقیمانده کار مذکور تکلیف میشود (۱۱٤۳۹۷) افغانی

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینهٔ وزراء : برای سال ۱۳۱۰ تعمیر مذکور معطل باشد .

امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* * *

۱۱ : درسنه ۱۳۰۳ حسب اراده حکومت درسمت شمالی نهر جدید از دریای [illegible] باسم نهر رزاق تحت اجراء گرفته شده بود ، مصارف نهر مذکور را کار تمام مبلغ بیست لك روپیه مهندس وزارت تجارت تعیین کرده بود ، درسنه ۱۳۰۰ وسنه ۱۳۰٤ مبلغ (۲۷۰۷٦۳) روپیه بمصرف نهر مذکور رسیده ـ درسنه ۱۳۰۵ حسب مفاهمه که از طرف حکومت با رعایای سمت شمالی شده بود افسری رعایای آن سمت برضایت خود ها از تاریخ شروع کار نهر رزاق الی اختتام آن قرار داخله دفتر نفوس باستثنای فوت وفرار ونوکر نظامی فی نفر در هر سال یك افغانی از سن ده بالا بهر تعدادی که مبلغ آن برسد قبول اداء شده بودند که عوض شرکت برای مصارف مذکور میدهیم مگر تذکره [illegible] فی نفر [illegible] افغانی قبول کرده بود — درباب قبولی وعده مذکور از حکومت سابق فرمان هم صادر

شده بود ، امر کرده بودند که برای جمع آوری وجه مذکور تکت چاپ شود ، که قیمت یک افغانی در آن داخل باشد ، برای حکام سمت شمالی ارسال شود که همه ساله الی ختم کار مهمین صورت وجه را تحصیل و تحویل خزانه کند ، مگر دواز انقلاب وجه مذکور حصول نشده — وزارت تجارت میخواهد که کار جسر مذکور را جاری کند

امضاء : وزیر تجارت

رای مجلس وزراء : کار جسر زراق درسنه ۱۳۱۰ اجرا نمی شود برای سال ۱۳۱۱ فکر می شود .

امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

*

* *

۱۲ : — درسالهای گذشته و هذه السنه در اطراف ولایت مزار شریف و جلال آباد وغیره بقرار اطلاعیکه بوزارت تجارت واصل گردیده بود ملخ پیدا شده بود ، چون ممکن است در آن مواضع باقیمانده باشد ، برای دفع ملخ آن قبل از زمانیکه زنده شود وزارت در نظر دارد که ادویه جات لازمه حسب نظریات متخصص زراعت خواسته استعمال کند برای اجراء ، امر مذکور تا اندازه (۲۰،۰۰۰) افغانی مصارف در بودجه وزارت تجارت گرفته می شود ، که ادویه خریداری گردد ، تا از مضرت آنها زراعت مواضع مذکور محفوظ ماند

امضاء وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : منظور است در بودجه هذه السنه ۱۳۰۹ این مبلغ بیست هزار افغانی ضمیمه شود .

امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

*

* *

۱۳ — : وزارت تجارت تصمیم داشته که برای معاینه آب ایشاده قزل یک نفر متخصص زراعت ارسال کند تا آب مذکور را بصورت فنی ملاحظه کند اگر برای زراعت کاری مضر نباشد پس از آن آب مذکور را لیول کرده اگر بطرف زرنگ یا اطراف قند هار آب مذکور جاری شود از ین رهگذر فوائد زیاد عائد خواهد شد ، لهذا برای معاش ومصارف مهندس وغیره لوازم فعلاً سی هزار افغانی دربودجه خود را شامل خواهند کرد .

امضاء وزیر تجارت .

رای مجلس وزراء : برای سال ۱۳۱۱ درنظر گرفته شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم شاهانه : ملاحظه شد درست است

*

* *

۱۴ : — چون کار پیله کشی وزارت به یک بهانه متوسط تحت اجرا گرفته شده ، امید است که درنتیجه چیزی خوزه [بعمل بیاید ، برای عبوده مذکور یک ماشین تار کشی ابریشم ضرور است که از خارج خریداری شود .

قیمت تخمینی ماشین مذکور که از متخصصین پیله معلومات گرفته شده (۱۰۰۰۰) افغانی می شود ، منظوری آنرا دربودجه سال یکهزار وسیصد و ده وزارت تجارت آرزو دارد .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : مبلغ ده هزار افغانی منظور است در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است

*

* *

۱۵ : — دربودجه هذه السنه ۱۳۰۹ مبلغ دولک افغانی برای حفر یک نهر جدید بدشت دوره خان آباد منظوری یافته بود که نهر مذکور از دریای بنگی از پل میرزا قمر الدین خان حفر می شود ، قراریکه معلومات شده نهر مذکور در زمان های ماضی هم از دریای مذکور جریان داشت ، بواسطهٔ که مهندس آنهاد بوزارت تجارت حاضر نبوده ، درامسال از پول منظوری مذکور مبلغ یک لک روپیه آن برای ساخت جوتی مقر بوزارت حربیه داده شده ، یک لک روپیه آن باقی است ، اگرچه راجع به حفر نهر مذکور بموجب لایحهٔ علیحده از وزیر صاحب حربیه نظریات شان خواسته

شده ، پالن هم وزارت تجارت پول منظوری سال جاری را در بودجه سال آینده ۱۳۱۰ منظوری حاصل کرده متخصص را که برای حفر آنهار خواسته شده اعزام میدارد ، که نقشه وبر آورد مکمل کار بند کور را بوزارت داده بکار آغاز کند . امضا : وزیر تجارت ،

تصویب مجلس وزراء : برای سال ۱۳۱۱ درنظر گرفته شود . امضا : هیئت کابینه . حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* * *

۱۶ : چون در دنیا تربیه حیوانات روز بروز اهمیت شایانی کسب میکند ، طوریکه حوائج یك مملکت مقتضی است ؛ باین کار نه در مملکت ما کسی اهمیت داده ونه از فوائد آن اطلاع بهم رسانده اند ، در خارج برای تولید جوجهٔ مرغ وتربیهٔ آن ماشین های مخصوص اختراع شده لهذا برای قیمت ماشین ها ومصارف آن شش هزار افغانی در بودجه تکلیف خواهم نمود . امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : مبلغ ۶۰۰۰ هزار افغانی منظوراست در بودجه تکلیف کرده شود . امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* * *

۱۷ : ـ راجع به بند زنه خان واقع غزنی دو سنه ۱۳۰۵ مستر گرینه مهندس الهانی برای علم آوری بند مذکور اعزام شده بوده ، بند مذکور را پیمایش وبوزارت نقشه وبر آورد مذکور را تسلیم نموده ، چون در بودجه سنه مذکور ومابعد آن برای این مصرف چیز منظور نشده مصارف بند مذکور را (۲۴۴۵۱۵) روپیه نشان داده ونوشته بود که ۱۰۹۷۷ جریب زمین تحت بند مذکور آبیاری میشود ، وپول مصارف مذکور بموعد دوسال از اراضی مذکور برای حکومت بدست می آید . در بودجه هذالسنه به از پیشنهاد وزارت تجارت (۸۰۰۰۰) هزار افغانی منظور شده ، بواسطه نبودن مهندس پول مذکور صرف نشده ، لذا وآن اصل مصارف مذکور را در بودجهٔ سال ۱۳۱۰ داخل میدارم .

امضا : وزیر تجارت

رای مجلس وزراء : درست است وجه مصارف بند زنه خان که بالنسبه کم است در سال ۱۳۱۰ تکلیف شود اما بواسطه حفظ موازنه وضعیت مالی مملکت کار بند سرده وتالاب حسنی برای سال یکهزار سه صدو یازده معطل باشد .

امضا : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

ناتمام

مترجم سرور گویا :

نگارش و نگارندگان

(٤)

وابن ابو الرکب احمدی (۷۹۵) گوی سبقت ربوده ، علاوه که از ابن بطلان در مطولات جغرافی وسیاحتش از عراق بشام در نیمهٔ قرن پنجم بوده . فکر سحر شعار و ذوق نفیس او در وصف بلدان وسکان وترسیم اقلیم وامصارا اظهر من الشمس است . و ازین قبیل است معجم البلدان ابن فضلان ـ مقتدر بالله عباسی در (۳۰۹) این کتاب را بملک صقالبه فرستاد ، و لحق این کتاب بذوق وفضل علم وادب مصنفش گواه عدل متوان شده واز ادبیات نفیس وجید (معجم البلدان) و [معجم الادباء) یاقوت حموی است . همچنین (اخبار الحکماء) قفطی (٦٤٦) و (طبقات الاطباء) ابن اصیبه (۷۵٦) که تراجم حالات مشاهیر ومعاریف است از ادبیات عالی ونفیس ترین آثاری است و همین چار کتابست که مستشرقین طبع وما اموری را جع بتمدن عرب ازان استفاده نموده ایم که بیشتر نمیدانستیم . ونیز از (تاریخ الرسل والملوك) ابن جریر طبری و (مروج الذهب مسعودی) و (کامل) ابن اثیر و (تاریخ یعقوبی) و (تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء) حمزهٔ اصفهانی و (الفخری) ابن طقطقی و (البدء والتاریخ) مطهر ابن

طاهر مقدسی وغیره تواریخ استفاده ها گرفته ایم . و نیز مستشرقین (۱۵) جلد کتاب از جغرافیین عرب طبع و ما از آنها راجع بتاریخ اقتصادی و عمرانی بلاد خود و دیگر اشیای مهمه استفاده نموده و راس المال فصاحت و تعبیرات روشن خود از مطالعهٔ آنها در افزوده ایم که پیشتر از وجود آن خبر نداشتیم .

قرن هفتم : ـ درین قرن نگارندگان زبردستی درمصر وشام ظهور نموده اند و از آنجمله است ابن فضل الله عمری صاحب (مسالک الابصار) و (التعریف بالمصطلح الشریف) و الصلاح الصفدی (۸٦٤) صاحب (الوافی بالوفیات) و (تحفة ذوی الالباب) و (نکت الهمیان) و (جنان الجناس) و (دمعة الباکی) و شهاب محمود الحلبی صاحب (حسن التوسل فی صناعة الترسل) و ... ابن نباته و احمد الانصاری و ابن القیسرانی و کمال الدین زملکانی .

و از نوابغ اندلس درین قرن لسان الدین خطیب است که آثار و همین (الاحاطه فی اخبار غرناطه) باشد و پس از هم تفوقش را در شعر و کتابت کفایت کند خامهٔ تصویر نگارش همچو زهره وصورت کشی دارد که گوئی صاحب ترجمه و تصویر را معاینه می بینی ! بلی مشار الیه چیز نویس و مصور ماهر است نفح الطیب مقری طرق صالح از تنظیم و نثر او را باز میبرد از رجال اندلس در و دارد یعنی لسان الدین و رفیقش ابن خلدون (۸۰۸) هر دو حل کننده عقده های کتابت اند . محررین پیش بخصوص در قرن ششم و هفتم همه پیرو و مقلد یکدیگر و دنبالهٔ کتابت هم جادهٔ تقلید را سپر کرده میرفت ابداع و تجددی نداشت پس تجدید کنندگان حقیقی و صنعت گاران اند حقی و ابتکاری این قرن لسان الدین خطیب و عبد الرحمن ابن خلدون است که نخستین جادهٔ نوینی پیموده و فهمانده ممکن است بر خلاف قدما رفت و گفتند قدما قابل پیروی نیستند چه ما تجربیات چندین قرن را بر اطلاعات آنها افزوده و در واقع ما هستیم که خود را سزاوار تقلید و احترام میدانیم . بلی ابن خلدون علوم اجتماعیه و تاریخیه را بزبانی بیان میکند که نظیرش در قدما نیست زمینهٔ علم اجتماع و میدان فلسفه و ابتکارات شخصی خود را باندازه وسعت داده که از تعریف و بیان مستغنی است . علاوه بران بواسطهٔ جدال و انتقاد دو صنعت بزرگی بعالم علم و ادب در افزوده یکی وضوح و روشنی بیان دیگر دقت و خرده بینی افکار . خلاصه او و رفیقش گل سرسبد و نوبهار فضل اندلسند و چنان شاخه های پر ثمر و شکوفهای معطری هستند که مغرب هدیه گوئیان بمشرق اندیم نموده و بوجود شان عهد فضل و ادب اندلس خاتمه یافت .

مدارس و مکاتبی که در قرون وسطی برای توسیع علم و فن اشتهارات داشت و دواوین انشا که در قرطبه و غرناطه و قاهره و دمشق از جهت تعلیم انشاء و اخذ فن وسیع ادب در بلاد فوق و سائر پایتختهای مشرق مفتوح و دائر بود یکسره مسدود گشته این فن جلیل مجدد ترقی عربی دان عربی خوان محدود ماند و تعالیم انشا و ادب رو با نحطاط نهاد چه از یک طرف اختتام دولت اندلس و از طرف استیلا و استبداد عثمانیون بر مصر وشام و عراق آفتاب درخشان فضل و بلاغت را بمحاق بی التفاتی نشاند و در حوزهٔ حکومت کسی نماند که قدردانی و تمجیدی از ادب و اهل ادب نماید پس فن ادب و انشا رو بزوال نهاده و یکسر ضعیف شده رفت و عدد شعرا افزونی گرفت . چه که فن شعر سهل و روان و انتفاع از آن بذریعهٔ مدائح بیشتر وجاذب تر بوده است . بلی از همین جهت است که در تمام ادوار که ما می بینیم و سراغ میکنیم شعرا نسبت به ادبا و محررین بیشتر و زمره هم افزونتر طالب و مشتری لمنهٔ آنها بوده است . سه شنبه ده آخر صفر یک هزار سه صد چهل نوه مطابق ۸ روز سیم سرطان یک هزار سه صد نوه ش در پغمان نوشته شد .

(انتهی)

صحیات

مابعد از شماره (۱۰)

اسهال اطفال

۱ـ اگر طفل شیر پستان می خورد اسهال او اهمیتی ندارد پس از آنکه شیر کم دادید و قبل از هر دفعه پستان دادن یك قاشق قهوه خوری از شربت ذیل بدهید خوب می شود و اگر تب داشت بطبیب رجوع کنید .

آب آهك طبی صد گرام

شربت ساده پنجاه گرم

۲ ـ اطفال شیر گاوی خصوصاً اسهال آنها اگر با قی و تب همراه باشد خیلی اهمیت بدهید که خطرناك میشود محض اینکه مبتلا باسهال شد دیگر هیچ باو نه هید و فقط آب جوشیده سرد از بیست وچهار ساعت تا پنجاه وهشت ساعت باو بدهید وروی شکم را گرم نگه دارید وتا تمدن طبیب راحت بخو باید .

۳ ـ اطفال غذا خور در تابستان خصوصاً اسهال این قبیل بچه ها اگر از روز مرض دوروز بگذرد وبا قی احتیاطی شود خطرناك است ـ باید به طفل هیچ غذا ندهید ودر عوض آب جوشیده سرد وبامختصری ماست بدهید وتا ۲۴ ساعت یا ۴۸ ساعت غیر از آب چیز دیگری ندهید تا طبیب دستور دهد .

***

پس از خوب شدن اسهال (اطفال غذا خور وشیر گاو) فقط بدستور طبیب وبا احتیاط بتدریج غذا را شروع کنید والا سبب پشیمانی شمای شود ـ درموقع دندان در آوردن اگر خارش دارد از محلول ذیل :

زعفران	۲ گرام
تنطور دومیر	» ۱۰
شربت بلادنی	» ۲۰

روزی دودفعه بلثه ها بمالید واز بردن دست طفل بدهان جلوگیری کنید .

(اطلاعات)

خبر های خارجي

الغاي ابراهیم بیگ

تاشکند ـ ٤ جولائی ـ در جراید در باب محو نمودن دستجات باسماچی براهیم بیگ و دستگیر شدن خود او اطلاعات مندرج شد .

بموجب اطلاعات مذکور در تاریخ ۲۲ ماه جون اق دستجات باسماچیهاکه در تحت پیشوائی ابراهیم بیگ بوده از افغانستان داخل خاك شوروی شده بودند بذریعه قطعات احمر و بامشارکت دستجات دا و طلبی محلت کثان تاجیکستان محو و نابود شدند ـ معاونین های نزدیك ابراهیم بیگ مثل علی مردان داد خواه و ایشان عیسی خان وتعداد زیاد دیگر هم در آن حال دستگیر شدند .

در تاریخ ۲۳ ماه جون دسته دا و طلبان مقیم سامانی و دهاقین قشلاق حاجی بول اق (تاجیکستان) بامشارکت مقامات و کیل او خود ابراهیم بیگ و دو نفر باسماچی را که نزد او بودند در زمانیکه هر سه بطرف سرحد افغانی متوجه بودند دستگیر کردند ـ ابراهیم بیگ به تاشکند رسانیده شد .

با دستگیری ابراهیم بیگ الغای کامل دستجات باسماچیها که از افغانستان داخل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 232 of 896

خاك اوزبكستان و تاجيكستان شده بودند اهتمام يافت .

كناره گيري

آوازهٔ كناره گرفتن سر جان سايمون از پارتی احرار باز تجديد شده است ولی هرالد می گويد حالا تنها مسئله انتخاب وقت صحيح برای حركت باقی مانده است وبس و می گويد غالباً در اول سايمون خود را عضو حزب استقلال اعلان خواهد نمود مگر بزودی خود او و اعضای ديگر احرار كه قيادت او را قبول دارند در حزب محافظه كار داخل خواهند گرديد .

دوك آف يارك كه بهم مهم دعوت سالانه پوليس هندی در (نرو كاديرو) بود بكار پوليس هند اظهار احترام نموده بيان نمود كه حيثيت خدمت و شهرت آن برای پيطرفی عبارت از چيز های قيمت داريست كه هندوستان آتيه بميراث خواهد گرفت .

امريكا

از واشنگتن راپورت می شود كه ادارهٔ حتياط ملی به وسيله وضع نمودن قرض بيست مليون سترلنگ برای يك مدت قليل باختيار بانك حكومتی جرمنی به بانك فرانسه و انگلستان و بانك

فيصله بين الملل بپوست وعده ايشان شده است .

فاشيست ها و واتيكان

تلگرام روم مظهر است كه در جواب حكومت ايتاليه و اينكه يك اعتراض بر عليه مدا خلات مهم پاپ در امور داخلی ايتاليا شامل است حكومت فكر می كند كه تجديد مذاكرات در باب اعلاقی به جمعيت های دينی منحل قرار می داد مناسب نيست مگر حكم داده شده است كه آن جمعيت كه جداً وضعيت دينی دارند در تحت اعلان مذكور نمی آيند برای تعين اشخاصيكه مجرم اعتراض بر عليه پاپ و ضرر رسانی به عبارت می شوند تحقيقات شديد نموده می شود .

پرواز اتلانتيك

قرار اطلاع برلين ، دو نفر پرواز كنندگان اتلانتيك پوست و گوتی بساعت ۵ / ۵۰ دقيقه به ميدان طياره تمپل هوف رسيدند .

عزيمت بطرف قطب

با وجود نقصانی كه به جهاز تحت البحری در سوم به ناتيلس در عين عبور از اتلانتيك رسيده بود سر هوبرت و ايكنس در شب گذشته بيان نمود كه من عزم دارم به طرف قطب بپيش بروم .

خبر های داخلي

اعزام متخصص زراعت

برای دفع ملخ

بمحض كه وزارت تجارت از ظهور ملخ در نومی آب شد مقر ، اطلاع يافت ، آقای محترم غلام صديق جان متخصص زراعت را باادويه لازمه جهت مبارزه و جلوگيری از ملخ ، بصورت فوری اعزام نموده .

حركت آقای وزير تجارت

ع ج آقای مير زامحمد خان وزير تجارت و آقای حبيب الله خان متخصص ومعاون اطاق تجارتی با بعضی از مامورين وزارت هفته گذشته ، جهت ديدن و وارسی به امورات تجارتی از طرف تاله و رفك حركت نمودند .

ماشين فشار و ماشين ارت هوائي

يكدسته ماشين فشار كه بوسيله آن از حبوبات وخسته ها و درخت ها روغن گرفته می شود ، با ۲۰ پايه ماشين ارت هوائی ، كه برای استفاده از مواضع كم آب ، وزارت تجارت از خارج خواسته بود ، درين تازه گی ها واصل گرديده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 233 of 896

مؤلف له پلاتیه فرانسوی (۱۰) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

فصل پنجم

(قرض و مقروض)

مشترقی که کاترین میخواست وخت هایش را ببرد ، بونا پارت ، نام افسر طوپ خانه بود که در شب اول ملاقات له فبور و کاترین در (و وکسهال) دیده شده بود .

این مردی که در تاریخ دنیا حصه بزرگی را اشغال نموده و باشد (لو نهر) عالم را متزلزل گردانید ، دران وقت مورد نا مساعدتهای روزگار مانده بحال پریشانی حیات بسر می برد ، دور کردن افسری قوای ملیشا ، (قوس) کورسیك با ما فوق خودش گرفتار کشمکش می بود در حالیکه هر کس تصور میکرد که بعد از رد قبول امری مذکور به بهانه مریضی در خانهٔ خودش به (اجا کیو) اصرار حیات دارد ، ناپلیون سر بر شود خود را گرفته در پاریس پر غوغا عودت نموده بود و در پاریس بکمال بی صبری و با قدری خوف انتظار جواب اعتذار نامهٔ خودش را می برد .

از هر طرف بی چاره شده مجبور گردیده بود که از اقتصاد نهایت ضیق کار بگیرد جا بحجره دریك اپار تمان محقری منزل گرفته بود . بعضاً بجدی از دوستانش که از خودش مستعد تر بودند لباس میخورد ، و بعضاً فاقه می نشست ویا بپارچهٔ نان خشک وقدری پنیر قناعت می نمود .

صبح ۱۰ اگست بونا پارت بصدای ناقوس ونقاره از خواب برخواست بخانه یك دوستش در میدان ، کاروسل ، رفت تا جنگ را تماشا کند ، بعد از انکه انقلابیون فتح نمودند ولوی شانزدهم به مجلس تسلیم شد ، ناپلیون درحالیکه دلش از مشاهده مناظر مدهش پر خون ورو حش از قتل عامی که ، شوالیه های داگر ، بر اهالی بی سلاح کشاده بودند افسرده بود بخانه محقرانهٔ خودش برگشت وبرای اینکه فکرش را قدری راحت بخشد واز تخیلات پر دهشت جنگ وارهاند خریطهٔ بزرگ بحر سفید را که دران اوقات سواحل آن جولا نگاه جهازات انگلیس ومصدر تحریکات شاه طلبان شده مانده بود درمقابلش بر یك میز باز نموده ، مصروف مطالعه عمیق گردید .

گاگا درپیش چشم او اوهام جنگ وقتال ویا تصورات پوچ شوکت ودبدبه مجسم می شد ، ولی بدیدن چهار دیوار خانه که اورا احاطه کرده بود وضعیت موجوده اش حدقی ذات میگردید واو هام باطله از میان بدر میرفت . وقتیکه حیات نامسعود موجوده خودش را با آن تخیلات خام و بی معنای سعادت وشوکت مقایسه می نمود ، در کنج دهنش یك تبسم تلخی ظاهر میگردید . مجهول و نه‌کار . وزیر به التجا های بی هم او کر . وما فوق سابقش دشمن . نه یك دوست نه یك غم خوار !

با وجود همهٔ این حقایق آن او هام را صحنه مانند افسانه های دیو و پری با آنقدر تجلی ولی مخوف و خون آلود بر دماغ هجوم آورده در پیش چشم صرصر تجسم می شود .

در چوکی خودش نشسته و بر پشت تکیه کرده در حالیکه سر بزرگش را در بین دست های خود داشت میدید ، که در وسط هزار ها سر بازدلیر با اسپ سفیدی سوار و در یکی از پایتخت های یورپ میدر آید . گاهی علم در دست و دسته های عساکر خودش را به هجوم استحکامات گله بار و قلعه های کوه آثار بر . کهارد سواران عجیب بالباس های ملون و مطلا تیغ های براق در دست و دستار های قیر مزی بر سر در پیش روی او برآ بر درآمده ملیون ها آواز به تمجید او بلند میگردید . در میا دین پر از برف و یخ مستور شهال وصحاری آتش

بار جنوب جیدش مظفر او برا کنده و بصد ها شاهان و شهزاده گان حلقه عبودیت او را در گوش میکردند. عناصر مختلفه تخیلات او یك بر دیگر را کم نموده یك تابلوی بزرگی تحول یافته خوش را اسکندر اعظم ثانوی دالك ارقب تمام دنیا مشاهده نموده که دفعتاً رخسار خانم قشنگی در بین او واو حائل او حایل گردید. درحالیکه به خوبی نمی دانست که این زن مخلوق دماغ اوست و یا آنکه بشر حقیقی پرسید:

« کیستی و چه میخواهی؟ »

کازین اورا باقرینه تقریبی خودش از تخیلاتش بیکلی وار هانیده گفت:

« چرامن کازین هستم ، البته شسته ات را آورده ام ، خیال نمودم بدانها احتیاج خواهی داشت! »

بوناپارت که از ورود غیر منتظره خوش نشده بود بدرشتی گفت: « البته شسته؟ اوه فهمیدم خواست آنهارا بربستر بگذار. »

کازین از وضع خشن افسر جوان یکه خورده سبد دردست بخیر گت خاموش ایستاده خود به خود گفت: « چطور بدله معلوم خواهم شد! چه باید کرد این جوان همیشه مرا بدرشتی پذیرائی میکند ؛ بهر صورت امروز باید جرئت کرده وجهت شستن رخت هایش را باو بدهم. » با این خیال سبد رخت ها را از یك دست بدیگر گرفته ورق پاره بسیار چرکینی را از جیب خود بر آورده ولی زیاده برین اقدامی نتوانسته بحرکت ماند.

بوناپارت مثلیکه بار دیگر وجود دخترك لرزان را که در وقت بالش ایستاده مانده بود بیکلی فراموش کرده باشد بمطالعه خریطه مصروف گردید. کازین از انتظار زیاد به تنگ آمده سرفه دقیق نموده.

ناپلیون نظرش را برو معطوف نموده وچین بر جبین افکنده گفت: « چه هنوزهم نرفته ئی؟ برای چه انتظار میکشی؟ »

کازین زیاده ازاول مرتعش شده جواب داد: « هم شهری - عفو تان را رجا دارم مقصدم کاپیطان است ... من .. من .. ازدواج میکنم! » کازین بعز از مشقت این جملات را گفته باز خاموش ماند.

بوناپارت بدون آنکه توجه بدان چندین ظاهر ساخته باشد گفت: « راستی؟ بسیار خوب شد دخترك من . از خدا برایت سعادت و خوشی میخواهم . کمال داده با یك مرد راست باز خوبی ازدواج خواهی کرد - شاید کدام ان با ..؟ مثل آن چیزی خواهد بود؟ »

کازین از الفاظ آخرین ناپلیون قدری صدمه خورده وبه جدیت گفت: « نه خیر! کاپیطان شوهر من سرباز آلهم خارجی است. »

بوناپارت مثلیکه از شنیدن این خبر خوش شده باشد با لهجه نرم تری گفت « بسیار خوب: ترا تبریك میگویم! سر بازبودن فرانسوی بودن را عدو یا لا میکند.. » بعد ازین الفاظ باز به معاینه سواحل بحر سفید مشغول گردید. کازین که از دیدن پیشانی باز کاپیطان جرئت یافت بر سخن خود دوام نمود: « کاپیطان این را هم میخواهم اکنون که مجبور خواهم شد تا از کار دست کشم .. »

« خوب! میخواهم بهر کاری که باشی خداوند معاونت باد! »

« معاملات تجارت بسیار خراب است. من میخواهم با شوهرم بروم. »

بوناپارت با قدری حیرت: « با زن چال سربازان خواهی رفت؟ »

چرا نروم؟ آنهامشروبات فروش بکار دارند ومن هم دلیلی نمی بینم که احتیاجات رفقای شوهرم را مهیا نکنم امید که هر وقتی ملاقات دست دهد ناموری خدمت کاپیطان خودم مفتخر گرده.. »

ناپلیون: « من هم ترا فراموش نخواهم کرد. مگر فعلاً از هر چیز محرومم حتی این را هم نمی توانم که دربی خانه ات آمده مشروبی صرف کنم . » این را گفته و آهی کشیده خاموش ماند.

(مطبعه انیس)

(باقیدارد :)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 236 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۱۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوجه جزئی دوات فرستاده میشود باید
رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 238 of 896

شماره ۱۳

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ ۰
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد ۱

اداره : کابل جادهٔ اورنگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱۰ اسد ۱۳۰۶ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۱۱ ربیع الاول ۱۳۴۵

معاهده

بیطرفی وعدم تجاوز

فیما بین دولت علیه افغانستان و روسیه

اعلیحضرت شاه افغانستان و قومیته مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر اجتماعی شوروی بمقصد تحکیم مناسبات دوستانه و همجوارانه که خوشبختانه بین هر دو حکومت باساس معاهدهٔ که در مسکو بتاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ امضاء شده برقرار است و متفق بود که این مناسبات در آتیه بلاتغیر ترقی نموده و کرده نظر بمقاصد عالی صلح عمومی برای انعقاد معاهدهٔ هذا که بر اساس معاهدهٔ پغمان منعقدهٔ ۳۱ ماه اگست بوده میباشد تصمیم فرموده این غرض تعیین کردند :

اعلیحضرت شاه افغانستان : آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان را — قومیته مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر اجتماعی شوروی آقای ستارک سفیر کبیر اتحاد جماهیر اجتماعی شوروی در افغانستان را که بعد از ارائه اختیارنامه های خود ها که صحیح شناخته شده بمواد ذیل موافقت نمودند :

ماده اول

در صورت جنگ یا عملیات جنگی بین یکی از طرفین متعاهدین و یکی یا چند دولت ثالث طرف معاهدهٔ دیگر متعهد است که بیطرفی نسبت بطرف اولی را رعایت کند .

ماده دوم

هر یکی از طرفین متعاهدین تعهد میکنند که از هر گونه تعرض بطرف دیگر خود داری نماید و نیز در داخل خاک خود که در تصرف آن میباشد چنین اقدامی نکنند و هیچ عملیات هر طرف یا که بدولت متعهد دیگر ضرر سیاسی یا حربی رساند در خاک خود منع شود خصوصاً هر کدام از طرفین متعاهدین تعهد میکنند که با یکی یا چند دول ثالث در هیچ کدام اتحاد یا اتفاق سیاسی و حربی که بر خلاف طرف متعهد دیگر باشد و همچنین در هیچ کدام بایکوت یا محاصره مالی یا اقتصادی که بر ضد طرف متعهد دیگر متوجه بشود شرکت نخواهد ورزید علاوه بر آن در صورتیکه اگر خط مشی دولت ثالث یا دول ثالث نسبت بیکی از طرفین متعاهدین در اقدامات خود خصمانه باشد طرف متعاهد دیگر متعاهد است که نه فقط به همچنین خط مشی دشمنانه مساعدت نکنند ، بلکه متعهد است در خاک خود به مشی مذکور و به عملیات و اقدامات خصمانه که از آن تولید میشود مخالفت کند .

ماده سوم

طرفین عالیین متعاهدین اعتراف متقابل بحقوق حاکمیت و تمامیت مالکیت همدیگر نموده متعهد اند که از هر گونه مداخلت مسلح یا غیر مسلح در امور داخلی طرف متعاهد دیگر خود داری نمایند و نیز بیک دولت یا چند دولت ثالث که بر علیه دولت متعاهد دیگر اقدام بمداخلت نماید قطعاً شرکت و مساعدت نکنند و طرفین متعاهدین در خاک خود تأسیس و فعالیت دسته جات و [illegible] بکار روائی اشخاص علاحده که به ضرر طرف متعهد دیگر باشد یا برای خلع اصول دولتی

طرف متعاهد دیگر اقدامات ورزند و یا عملیات بر خلاف سالمت تمامیت ملکیت طرف متعاهد دیگر بنمایند و یا تحشیدات و جمع آوری قوای مسلح بر علیه طرف متعاهد دیگر بکنند اجازه نمیدهند و ایشان را ممنوع از عملیات میدارند کذلک طرفین تهیه قوای مسلح واسلحه واسباب لازمه و جبه خانه و تجهیزات حربی و هر نوع مواد حربی را که بر خلاف طرف متعاهد دیگر متوجه باشند از خاك خود عبور آزاد را نمیدارند و همچنین از خاك خود اجازه گذرانیدن نخواهند داد .

ماده چهارم

قرار شد کره دوق معاهده هذا هر یك از دو لتین عليتين اظهار میدارد که هیچگونه تعهدات سری یا علنی نسبت بیکی یا چند دولت دیگر که مخالف معاهده هذا باشد نداشته و ندارد و هم در تمام مدت عمل این معاهده طرف مذکور داخل هیچ معاهدات وموافقت‌ها : نخواهد شد که بمعاهده هذا مخالف باشد .

ماده پنجم

همچنان هر یکی از طرفین متعاهدین اظهار میدارد که بین او و دول دیگر که در همجواری متصل بری یا بحری باطرف متعاهد دیگر باشند هیچ نوع تعهدات غیر از اینکه علان شده موجود نیست .

ماده ششم

خارج از تعهداتیکه شرایط آن در معاهده هذا قرار یافته هر یکی از طرفین متعاهدین برای اقدام باستقرار هر گونه مناسبات واتحادات با دول ثالث جائز عملیات آزاد میباشد .

ماده هفتم

طرفین متعاهدین اعتراف مینمایند که فیصله وحل تمام مباحثات واختلافات که بین ایشان بوقوع میتوان رسید هر خاصیت وما خذی داشته باشد بایست همواره فقط بذرایع صلح جویانه اجرا نمود برای توسعه ماده هذا بین طرفین متعاهدین میتوان موافقه حسب اقتضای حال انعقاد نمود .

ماده هشتم

معاهده هذا برای عرصه بجسال منعقد گردیده واز موقع تصدیق آن که نبایست دیر تر از دو ماه از روز امضاء باشد عمل قانونی خود را حاصل خواهد کرد ، تبادله اسناد مصدقه در کابل درعین یك ماه بعد از تصدیق معاهده در معرض اجرا خواهد آمد . بعد از انقضای بجسال معاهده هذا سال بسال خود بخود بعمل خود ادامه خواهد داد وهر یکی از طرفین متعاهدین حق فسخ معاهده را دارد در صورتیکه شش ماه قبل تر اطلاع بدهد در موقعیکه یکی از طرفین را جمع فسخ معاهده اطلاع بدهد طرفین متعاهدین در حال داخل مذاکرات راجع به شکل تجدید معاهده هذا خواهند شد .

ماده نهم

معاهده هذا بدو نسخه بزبانهای فارسی وروسی تحریر شده هر دو متن حق مساوی دارند .

لیوبند ستارك : فیض محمد وزیر امور خارجه

درکابل بتاریخ ۲٤ ماه جون ۱۹۳۱ تحریر شد .

اوضاع وحالات

سمت مشرقی

از آنجا که سعادت و خوشبختی ملتی را ازد متقدس ومتعال مقدر کرده باشد قوه وحدت ملی را بدماغ شان موهبت فرموده آنها را به تحت اثر یکنفر مدبر بغرض مصالحت امور عامهٔ ناقصهٔ شان مامور میسازد تا منازل دورهٔ حیاتیه خود را بصوب دید افکار نورانی آنشخص بزرگ بپیمایند و دست غرض الود اجاروا قسوبارا از گریبان غربا و عجزه ملت از تجاوزات نامشروع کوتاه بدارد اوشانرا بحقوق خود شان برساند و کسانی را ازیشان که بنوامیس شریعت غرا اسلامی که ماموربها و مجبور و مکلف به پابندی قوانین متبرك خداوندی اند سبك بنگرند بقوهٔ قضائیه و اجرائیه آنهارا تعزیر ومنزجر بنمایند و نگذارد تا از جادهٔ ثواب پا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 241 of 896

ایرون گذارند حقیقتاً عدالت حقیق همین
است لهذا امروز ملت افغانستان مطرح
انوار مرحمت خداوند پاك واقع شده
اند که برای شان بعد از تحمل مقاسات
و شدائد مالایطاق و مکابدات جان
گداز آن دورهٔ فترت انقلاب بذات
مبارك اعلیحضرت شاه افغان محمد نادر خان
غازی را که اتحاد قوی وهم نژادی با ملت
افغان دارند بشاهی سریر سلطنت
افغانستان اعطا فرموده و عموم ملت را
فرداً فرداً باطاعت و انقیاد ذات
دیانت صفات شاهانه بنص شریف
« اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر
منکم » مکلف قرار داده ازینجا است
که چون به معنویات اهالی سمت مشرقی
درین اوقات رخصتی خود می نگرم
عموم رعایای وفادار مشرقی علی الخصوص
علما و سادات و مشائخ را دارای
احساسات بلند و جذبات روحانی ارجمند
می بینم گویا هر فردی از افراد شان
محض بشنیدن نام اعلیحضرت شاه افغانستان
و اینها چیکه بآنها روی میدهد
نژومند و فرحان میشود عموماً عقیده
مندانند که ذات دیانت صفات این پادشاه
معظم شان یك نعمت پادشاه بزرگ
خداوند است که بآنها بخشیده چه بخاطر
حقیقت استعمال خویش دارند که این نابغهٔ
نادره در تمام شئونات بعهدهٔ سلطنتی
و حیثیات دین داری مزید روز گار
خویش بحساب میروند و چنان بخاطر شان
مرکوز است که ملت و وکلای شان به
لوی جرگه ۱۳۰۹ اعلیحضرت شاه افغان
را در جمیع شئونات و امور ملی و مدنی
نظر باعتقاد قلبی و خصوصیت صمیمی
مقتضیات شرعی اسلامی وکیل قرار داده
بودند قاطبه شان با وکلای خویش یك دل
و هم زبان همه گونه مهمات ترقی و مدنی
ذات شاهانه را کفیل میدادند از قیافه
و سیماهای شان چنان ظاهر میشود که
برای بدست آوردن ورضائیت خوشنودی
خاطر اعلیحضرت شاه افغان بآرزوی
صمیمیت قلبی بصرف مال و فدا ساختن
حیات قیمت دار شان قیام و استادگی دارند
و همگی بخاطر می پرورانند تا به تحصیل
رضای اولی الامر خویش موقعیت اولین
را برای شان اتخاذ می نمایند و در برابر
این اعطای ایزدی ابراز تشکر و امتنان
دارند و باوقات خمسه حیات با عافیت و
تندرستی ذات شاهانه را باجمع خاندان
شاهی برای سعادت و ترقی دولت اسلامی
خویش در فلاح و آرامی جامعه را از در
گاه ایزد متعال مسئلت میکنند
« لئن شکرتم لازیدنکم » امروز
ازین توجهات ذات شاهانه سرتاسر
خاك مشرقی چنانچه معلومات دارم طور
امنیت نامه حاصل است که نظیر آن در
سنین ماضیه دیده وشنیده نشده حتی عاجز
ترین اشخاص میتوانند که بلا اندیشه وتردد
هر نقطه از نقاط این سمت گردش نمایند
چه امروز الحمد لله برای اشخاص که
بامنیت تعرض و خلل اندازی می نمودند
در نظر اهالی بقدر موقع و قیمتی ندارند
و نمانده اگر فرضاً بکدام خطه ظاهر
شوند اهالی همان خطه حاضر اند که آنها را
گرفتار و بحکومت متبوعهٔ خویش بسپارند
یقین است که این احساسات و اراده
حیات شان چنانچه بخاطر دارند ادامه
یافته عموم شان حاضر خواهند شد اگر
پسر و فرزند حقیقی و برادر اعیانی
شان مخل امنیت و دشمن داخلی وطن
بگردد اورا گرفته بحکومت خواهند سپارد .

مولوی محمد ابراهیم کاموی
نماینده علما و سادات ومشایخ مشرقی

اعلان

ذوات محترم که مائل اشتراك
مجلهٔ کابل هستند بخود ادارهٔ
انجمن ادبی یا بادارهٔ اصلاح
اداره انیس مراجعت نموده
بعد تحویلی پول بدل اشتراك مجله
یکی از ورقه های اشتراك که
مخصوص معرفی مشترکین مجله
میباشد صورت درخواست خود را
تحریر وامضاء فرمایند تا بعد ازان
مجله بعنوان ذوات موصوف از
روی آدرس وعنوان که در ورقه
تصریح میدهند فرستاده شود .

از ساقی سرور گویا: —

مکتوب

انیس عزیز!

در شماره ۶ سال اول مجلد ۶ شماره ۷ صفحه ۹ در قسمت شعبات ادبی معنون به «وادهای بقیه» که در شماره‌های مسلسل تان انتشار گردیده است در موقع نگارش آن اشتباهی رو نموده است با آنکه تا امروز ملتفت اشتباه خود نبوده بقرار اطلاع که از بعضی منابع گرفته بودم خود را مصئون از سهو وخطا دانسته وی پنداشتم تا اینکه دیروز مکتوب دوستانه محب محترم آقای محمد قاسم خان مدیر تحریرات وزارت معارف به بنده رسید و اشتباه مرا آگاهی‌شان بروبم کشید چون نظر به [illegible] را صافت و اطلاعات شان وا دوربینی [illegible] واثق و کامل می‌پندارم بکمال میل و امتنان پذیرفته عیناً سواد مکتوب شان را بجریده شریفه تقدیم نمودم تا در یک ستون جریده انتشار گردیده وحیات این شاعر نامدار بخوبی روشن و پایدار بماند و ضمناً از تمام فضلا توقع وامید دارم که نسبت به هر یک شاعر و عالم افغانی اظهار اطلاع و نظریه نموده تا رفته رفته یک تاریخ ادبی شعرا واد بای ملی ما [illegible] گرچه کوچک و مختصر باشد حاضر [illegible] گردد و ضمناً داد تنقید و انتقاد باز گردیده و یک [illegible] نوشته‌های خود هر شاعر [illegible] گردد.

آقای گویا!

در صفحه ۹ شماره ۷ مجلد ۶ جریده انیس شرحی را جع به میرزا محمد حسن خان دیده شد چون میرزا محمد نبی خان دبیر الملک و شاگرد میرزا محمد حسن خان نبوده بسبب لزوم از روی معلومات صحیحه که دارم خواستم جناب شما را مختصر سازم: —

میرزا محمد نبی خان دبیر الملک پسر آقا محمد هاشم [illegible] شاگرد میرزا محمد محسن خان دبیر است و دبیر الملک در هنر [illegible] گردیده [illegible] میرزا محمد محسن خان [illegible] آورده [illegible] خود توجه [illegible] نموده.

میرزا محمد محسن خان [illegible] که خطی [illegible] داده بعد از چندی که میرزا محمد نبی خان را نیز [illegible] شروع در تعلیمش نمود چنانچه بعد از چند سال در سلک [illegible] مقرر [illegible] میرزا محمد محسن خان [illegible] میرزا محمد محسن خان که [illegible] محمد حسن خان دبیر [illegible] محمد نبی خان [illegible] بود در عهد امیر عبد الرحمن خان دبیر الملک مقرر گردید.

اکنون لازم شد که شرح حال میرزا محمد محسن خان استاد او را بقلم بیاورم: —

میرزا محمد محسن خان بن میرزا محمد علی خان بن میرزا محمد نبی خان (مشهور به آقانبی) بن حاجی علی خان در ابتدا منشی حضور سردار کهندل خان حکمران قندهار بود و هنگامی که امیر دوست محمد خان در قندهار رفته و قندهار تحت حکومت او آمد و میرزا محمد محسن خان را (که در آنوقت [illegible] آن عصر بود) دبیر حضور خود مقرر کرد و وقتیکه امیر مو صوف در هرات فوت وامیر شیر علی خان پادشاه گردید دبیر حضور ش بود و منظومه تاریخ وفات امیر دوست محمد خان [illegible] سراج التواریخ [illegible] آنکه امیر شیر علی خان را [illegible] [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 243 of 896

دبیر عرض کرد : هیچ وصیتی ندارم .
اعلیحضرت : چون خدمتگار صادق من
و پدرم بودی در خصوص پرورش پسران
خود با امر وصیتی که داشته باشید حتمی
اظهار دارید تا اجرا کنم .

دبیر : اگر پسرانم صاحب کمال
گردید البته صاحب عزت خواهند شد
والا حیف است که در باره بی کمال
و نالائق وصیت کنم .

متأسفانه چند روز بعد دبیر روشن ضمیر
وفات گردیده بآخرین منزل خود مأوا گزید
مجموعه مکمل نظم و نثر شان که بمقام
خودش مکمل شده ، در زمانیکه امیر
شیرعلی خان با امیر عبدالرحمن خان در غزنین
بجنگ بود میرزا محمد حسن پسر مذکور
در شکست معرزان حضور امیر شیرعلی خان
مرحوم بود چون امیر عبدالرحمن خان
فاتح آمده اموال امیر شیرعلی خان و لشکرش
بدست اردوی امیر عبدالرحمن خان
بتاراج رسید مجموعه مکمل مذکور
هم مفقود گردید و ازین مسئله در مکتوبی
که میرزا محمد حسن خان مزبور برای
برادر خود می نویسد از فقدان مجموعه
مذکور اظهار تأسف کرده میگوید :—

اگر از شه ما زر و تاج رفت
کتابی ز ما هم بتاراج رفت .

خلاصه میرزا محمد محسن خان دبیر
در نظم و نثر ید طولی داشته ، حاضراً برخی
نظم و نثر او که نزد بنده بود و بعضی را
از نسخه های متفرق بدست آورده ام موجود
و اشعار مرثیه او ورد زبان روضه خوانان
است ، در بعضی موارد فی البدیهه و بلا تأمل
انشاد می نمود که از برخی اشعار فی البدیهه
او مطلع هستم .

پس اینکه در جریده محمد محسن
محمد حسن تحریر یافته سهو کاتب خواهد
بود ، باز هم او را منشی امیر شیرعلیخان
و امیر عبدالرحمن خان تحریر داشته
و حال آنکه (چنانچه در بالا عرض شد)
در عصر امیر شیرعلیخان فوت شده ، بلی
منشی محمد حسن خان (برادر منشی
محمد ابراهیم خان) که بعد ازو دبیر
و اخیراً کمشنر ترکستان مقرر گردیده
بطور سفارت به روسیه رفته در عصر امیر
شیرعلیخان خیلی اعزت و احترام مسموع بود
لذا لقب دبیر الملک بوده بحضور امیر
عبدالرحمن خان بود اگر مقصد محرر
از میرزا محمد حسن خان قندهاری باشد
(که در عصر امیر عبدالرحمن خان
چندی منشی حضورش بوده در سیاق نویسنده
قابلی بود) پس شخص مشار الیه از دبیر
الملک بسیار کم بوده هرگز در عصر
امیر شیرعلیخان دبیر نبود ، چون میرزا
محمد محسن خان و آثار او مشهور و نسبت
تذکر دبیر الملک با او اظهر
من الشمس است باید جریده انیس اصلاح
شود ، تفصیلات فوق محض مزید معلومات
شما تحریر یافته اصلاح جریده مذکور
اختصاراً تر توجه خواهد شد : لا نظر بمعلومات
صحیحه که بدست آمده در ماده ۳۸
درهای پنجم صفحه ۹ شماره ۷ مجلد
پنجم که میرزا محمد حسن خان تحریر
یافته میرزا محمد محسن خان میباشد
و نیک دبیر عصر امیر شیرعلیخان و امیر
عبدالرحمن خان مرقوم یافته دبیر عصر امیر
دوست محمد خان و امیر شیرعلیخان بوده است ،
در خاتمه عرض احترام می کند .

پروگرام اقتصادی

سال ۱۳۱۰ وزارت تجارت

۳

۱۱ : — در موسم زمستان ترکاری
و سبزی جات تازه بواسطه سردی هوا
بکابل میسر نمی شود و اکثر از پشاور
قیمت گران ترکاری عرکی می آورند .
اگر در جلال آباد تحت اداره چند
نفر زارعین فن مذکور یک مقدار زمین
زیر عملیات گرفته شود ممکن است که
در موسم زمستان که ترکاری کابل تمام
می شود ، برای مصارف اهالی ذریعه
موتر های لاری هر قسم ترکاری امر گر
رسانیده شود .

برای اجرای این شعبه بدون زمین
مزروعی مصارف دیگر لازم است با قیمت
دو عراده لاری در بودجه وزارت تجارت
تکلیف می شود .
اگر آوردن ترکاری مذکور را
ذریعه موتر کرائی منظور می فرمایند

برای هر یک مصارفات ده هزار افغانی
کافی است . امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : مبلغ ده هزار افغانی منظور است در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود این مبلغ برای زراعت سبزیجات و اصلاح اشجار ثمردار صرف شود ، در این حال وقتی سبزیجات وزارت تجارت ، تجار و سبزی فروشان یک تخم و نهال . امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است

۱۹ : ـ ادارات بیطاری از حیث تربیه و تکثیر جنس حیوانات اهلی یک جزو مهم اقتصاد بحساب می‌آید ، اگر برای انسداد امراض متعدیه و ازاله مرضهای عارضه حیوانات و نسل گیری حیوانات مفیده دوائر بیطاری و نسل گیری نداشته باشیم ، البته رایگان این سرمایه هنگفت خودرا از دست خواهیم داد بهترین نسل های اسپ در افغانستان ذات موی تن گرگ ، بوره و غیره است .

اما برخلاف سابق نسل های مذکور کم یاب شده میرود ، اگر تدابیر نسل گیری باصول فنی اتخاذ نشود عنقریب نسل خوب حیوانات از وطن عزیزما سقوط میکند . از آنرو وزارت تجارت تصمیم داشته که در سال آینده یک دو نفر بیطار قابل از خارج خواسته در خود مرکز و ولایات دوائر نسل گیری حیوانات را تشکیل داده در تکثیر بهترین نسل های حیوانات مثل دیگر ممالک متمدن اقدام نموده از این رهگذر یک خدمت بوطن اداء داریم ، برای مصارف این امور در بودجه سنه ۱۳۱۰ مبلغ سی هزار افغانی منظوری میخواهد .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : مبلغ سی هزار افغانی منظور است در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود تا متخصص اصلاح نسل حیوانات از خارج خواسته شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

۲۰ : ـ البته بهمه معلوم است که در افغانستان بسیار نباتات مفیده موجود است ، مزرعه زراعت ما تا حال ازین رهگذر هیچ استفاده نکرده برای فائده گرفتن ازین رهگذر در نظر داریم که یک نفر متخصص نباتات از خارج خواسته در سال آینده او را در اطراف مملکت با یک هیئت اعزام نمائیم که درجمیع نباتات که در مملکت موجود علم آوری و تحقیقات نموده با معلومات بدهد ، که از کدام قسم آن فائده متصور است ، پس از آنکه ازین رهگذر را بصورت مکمل وجامع بدست آورد دیم برای سال ما بعد آن آلات وادوات تجربه و تحلیل نباتات را حسب پیش نهاد متخصص مذکور از خارج جلب خواهیم نمود ، اگر چه شرکت صلاح ، نباتات افغانستان را بطور انحصار گرفته مگر تا حال درین قسمت هیچ اقدامات واجراآت نکرده وقرار ماده (ده) که تا حال به کار مذکور شروع نکرده بعد قرار داد شان فسخ گفته می شود .

لهذا معاش ومصارف یکنفر متخصص نباتات را سی هزار افغانی در بودجه خود منظوری میخواهیم .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : حسب پیش نهاد وزارت تجارت مخصوص استخدام یکنفر متخصص نباتات مجلس موافقت میکند ومبلغ سی هزار افغانی معاش ومصارف متخصص مذکور را برای سال ۱۳۱۰ مجلس تصویب می نماید .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است

۲۱ : ـ بواسطه قلت املاک مزروعی در اطراف کردز وقلعه سفید وزارت تجارت در نظر دارد که یک بند جدید در تحت کوتل تیره از آنجا که از خود کوتل مذکور وغیره در وقت سیلاب وغیره آب جریان دارد انشاء کند .

لهذا مصارف بند مذکور را البته متخصص که خواسته شده ورسد بیمایش خواهد نمود ، بعد تصویب متخصص

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 245 of 896

برای مصارف ابتدائی آن در بودجه وزارت مبلغ سه لک قصاقی تکلیف می شود؛ فعلاً معاش یکنفر متخصص منظوری گرفته می شود.

امضاء : وزیر تجارت

رای مجلس عالی وزراء : کار بند جدید در حد کوتل تیره ؛ برای سال ۱۳۰۶ معطل باشد وزارت تجارت راجع به بند مذکور در سنه ۱۳۱۱ فقره مذکور را بمجلس تقدیم نماید.

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است.

۲۲ : — راجع به آبادی بند تنگی شادیان مزار شریف قبل از این عبد المجید خان تاجر هراتی و عبد العزیز خان تاجر کابلی و میرزا محمد انور خان یک مقاوله با وزارت تجارت منعقد نموده بودند و تجار مذکور آبادی بند تنگی شادیان را از پول شخصی خودها متعهد شده بودند، چون از قرار داد شان قریباً یک سال انقضا یافته تا حال بکار بند مذکور آغاز نکرده اند، علاوتاً رئیس تنظیمیه مزار و میمنه بمکتوب نمبر ۱۷۴۷ خودها بحضور جناب والا صدر اعظم صاحب تحریر داشته که در زمان تشکیل جرگهٔ، وکلای جرگهٔ اظهار نمودند که آبادی بند شادیان برای تجار کابلی داده شده چون ما مردم همین ولایت میباشیم نسبت بسا ترین ما خودها را در تعمیر بند مذکور مستحق میدانیم مبلغ چهل هزار افغانی بصیغهٔ تقاوی بما داده شود، بند مذکور را الی مدت سه سال آباد میکنیم، پس از آبادی آن تا مدت سه سال مالیه معاف باشد بعد قرار یلوان شریک مالیه میدهیم و موافق قرارداد تجار مذکور را پابند میباشیم این را هم رئیس موصوف نوشته که شرکت اصلاح نمیتواند که کار مذکور را اجرا کند بلکه بکار داخلی خود ها هم رسیده نمی توانند.

چون در قرار داد تجار مذکور معافی مالیه الی مدت ده سال تحریر است و وکلاء مذکور سه سال نوشته اند وزارت میخواهد که کار بند مذکور را در سال آینده تحت اجرا بیارد، در پروگرام هذا مسئله را یادداشت میکند مدعا که خواه بذریعه تجار و یا بصورت دادن تقاوی بذریعه وکلاء مذکور یا بواسطه وزارت تجارت کار مذکور اجرا شود. امضاء وزیر تجارت

رای مجلس عالی وزراء : چونکه امتیاز تعمیر بند مذکور به عبد المجید خان تاجر وغیره داده شده تا زمانیکه میعاد آن پوره نشده بدیگری اجازه داده نمی شود از طرف وزارت تجارت تاکید شود که متعهدین در ظرف میعاد معینه در اجرای کار مذکور اقدام کنند، اگر میعاد پوره شد و کار را جاری نکرده اند باز بدیگر صورت اقدامات می شود.

امضاء : هیئت کابینه.

حکم حضور شاهانه ملاحظه شد درست است.

۲۳ : مکتوب نمبر ۱۰۱ محمد هاشم خان حاکم ارگون و کتواز رسیده تحریر داشته که آب پاطوی که سرچشمه آن از حد قریه باراک خروتی علاقه ارگون شروع میشود الی قریه شرن وفتن و خواجه خیل میاید.

مردم شرن وغیره از آب مذکور مالیه میدهند در ایام زمستان آب مذکور خود سر بلا فایده میرود شاید اهالی قریه وغیره بجواب سوال حکومتی نوشته اند که فی الحال برای ساختن بند مذکور اگر از طرف حکومت امر شود مبلغ یک لک روپیه کابلی داده ثانی از طرف دولت مهندس مقرر شود که بر آورد آن را بنمایند.

اگر مخارج آن از توان ما پوره بود آن را هم میدهیم اگر مصارف آن وجه زیاد بود که از قوه ما نمیشد از طرف حکومت مصارف آن بشود، ما رعایا مصارف مذکور را بشرط هشت سال برای دولت میرسانیم. لهذا وزارت تجارت اولتر خواهش دارد که این کار را شروع کند برای مصارف ابتدائی تا زمانیکه از اهالی جمع آوری شود در بودجهٔ خود همان وجه نقدی و قبولی اهالی را تکلیف میکند.

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در خصوص معروضه محمد هاشم خان حاکم ارگون

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 246 of 896

در باب آب پاطوی که اهالی آنجا عرض نموده که بند ساخته شود وزارت تجارت اولاً مهندس را که متخصص باشد سال آینده بفرستد که بوضع بند را مشاهده نموده نقشه و بر آورد آن را سنجیده صورت آن را بمجلس تقدیم نماید بعد جواب گفته میشود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

۲۴ : — از قرار معلومات در تنگی قریهٔ دائمشند که آب دریای غشکر دره و سیلاب های زیاد از تنگی مذکور عبور میکند و در تحت تنگی مذکور قلعه حاجی صاحب و قلعه لشقات و غیره به هزار جریب زمین قابل الزراعت بدون آب و چاره مانده ساختن یك بند بسیار مفید ثابت می شود ، اهالی [illegible] و قلعه التفات و قلعه امیر محمد افضل خان مرحوم و خواجه چاشت و الفوق در آبادی تعمیر بند مذکور با حکومت معاونت هم می نمایند .

بنا برآن وزارت تجارت یکنفر مهندس برای علم آوری و اجراء کار بند مذکور و بند سرخ آب و بند کوتل تیره در مرکز میخواهد . صرف برای سال آینده درین بودجه مصارف و معاش مهندس مذکور تکلیف می شود .

امضاء : وزیر تجارت

رای مجلس عالی وزراء : برای سال ۱۳۱۱ در نظر گرفته شود که وزارت تجارت مهندس مستخدم داشت تا آمرزش نقشه و بر آورد و صرف آن را نیز بتوسط مهندس تهیه نماید .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

***

۲۵ : — این مسئله حاجت به تشریح نیست که اکثر امراض از نوشیدن شیر هائیکه که خلاف اصول حفظ الصحه گرفته می شود ، بانسانها سرایت میکند و همچنان گاوان شیری که در عین زمان مریض می شوند شیر آنها هم برای نوشیدن مضر است اگرچه در مملکت عزیز ما تا یك درجه خوردن شیر عمومیت نداشته باز هم دیده می شود که اکثر اهالی داخلی و خارجی خوردن شیر عادت دارند شیرهائیکه امروز در بازار بفروش میرسد تا یك اندازه موافق باصول حفظ الصحه نیست ، پس این قسم شیر برای صحت عامه تقریباً مضر واقع میشود علاوتاً شیرهای موجوده که بفروش میرسد یك حصه شیر و دو حصه آب است .

وزارت تجارت بشمار مفاد صحت عامه تحت نگرانی متخصص زراعت چیزی شیر تهیه کرده میخواهد که برای فروش شیر خالص ومسکهٔ اعلی موافق به حفظ الصحه چند دوکان باز کند تا در دوکان مذکور شیر ومسکه وهر گونه ترکاری های اعلی موجود باشد وهمچنان در دوکان مذکور اقسام مرغ وتخم آن هم میسر شود .

چنانچه از حالا اداره پرورش حیوانات برای چوچه گیری مرغ وجمع کردن نسلهای مرغ تخمی شروع بکار کرده اند برای اجراء امر مذکور دوسال آینده ده هزار افغانی داخل بودجه می شود گرچه می توانیم علاوه بر فائده اجتماعی این مسئله فائده اقتصادی راهم دارا ست

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود .

امضاء هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

« ناتمام »

اصول اساسی شورای ملی

تشکیلات مجلس

اصل — ۱ : — مجلس شورای ملی بعزم وتصمیم اعلیحضرت همایونی وتصویب جرگهٔ ۱۳۰۹ منعقدهٔ مرکز کابل دائر وتوسیس است .

۲ : — این مجلس تمام و کمال مرکب از افرادی است که در امورات معاشی وسیاسی افغانستان مشاور کار دارند یعنی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت است .

۳ : — ترکیب وتشکیل مجلس شورای ملی از وکلائی است که از ولایت کابل وسائر ولایات وحکومات وعلاقه داریها منتخب میگردند ومحل انعقاد آن در پای تخت است .

۴ : — تعداد وکلای شوری ملی در اصول نامهٔ مصوبهٔ انتخابات درج وتعیین گردیده است .

۵ : — موعد انتخاب وکلای این مجلس تا انقضای دو سال است وشروع دور اول اعتبار آن از روز افتتاح شورای ملی است ؛ ومقرر واست که بعد سر آمد هر دو سال وکلا مجدداً انتخاب شوند .

انتخاب کنندگان وراتبکه بخواهند از وکلای سابقه را دیگر باره انتخاب کنند ودر صورت رضایت مختار ومجبورند .

۶ : — از وقت تعطیل وموعد اشتغال شورای ملی در اصول نامهٔ داخلی مجلس مشخص ومحدود کرده خواهد شد در اثنای تعطیل اگر حکومت بوضع کدام اصول نامه ضرورت حس کند این اصول نامه موقتاً از طرف حکومت تصویب وبموجب فرمان پادشاهی تعمیل میشود در موقع اشتغال اگر این اصول موقتی از طرف شوری ملی تسلیم کرده شد در عداد اصول دائمی داخل والا از طرف مجلس مذکور تعلیل وتردید می شود .

۷ : — مجلس شوری ملی برای تحقیق وفیصلهٔ مسائل مهمه در هنگام تعطیل هم دائر شده میتواند وهر گاه مجبوریت وضرورت مستلزمهٔ سرعت تنها فرصت اجتماع نموده نمیتوانی شود تنها بحضور وکلای مرکز وقریب به مجلس شورای ملی انعقاد یابد .

۸ : — وقتی مذاکرات آغاز می شود که اقلاً مناصفهٔ اعضا حضور داشته باشند وفیصلهٔ مقررات آن هم باساس اتفاق یا اکثریت آراست .

۹ : — مجلس شورای ملی در موقع افتتاح هر یک از ادوار خود خطابه به پیشگاه پادشاهی عرض وتبیین داده واز طرف قرین الشرف همایونی جواب میگردد .

۱۰ : — ابتداءً اعضای شاملهٔ مجلس بترتیب مذیله سوگند یاد می نمایند و قسم نامه را امضاء می کنند .

قسم نامه

۱۱ : — ما امضا کنندگان ذیل از جهة اعتبارکه ملت و حکومت بر ما نموده بخداوند عظیم وقرآن کریم سوگند میخوریم که برای ملت وحکومت خود صادق خواهیم بود .

۱۲ : — اعضای مجلس شوری ملی در اظهار رای در مجلس شورا بحضور جمیع وکلاء آزاد واز هر گونه تعرض مصئون اند .

۱۳ : — کافهٔ مذاکرات مجلس شوری ملی بنا برکه نتیجهٔ آن به مطالعهٔ عموم گذارده میشود علنی است نماینده گان جراید و معاینه کننده گان در تحت قیود اصول نامهٔ داخلی مجلس تنها حق حضور و استماع مذاکره را دارند .

وظایف

۱۴ : — مجلس شورای ملی مواد داخل خود را مثل انتخاب رئیس ولو ... وثانی وغیرهٔ مخزن و ... ادارات اصول به ... و شعبات وغیره را اساس اصول نامهٔ داخلی وضع خواهد کرد .

۱۵ : — کافهٔ مصولات وضوابطیکه وضع وموجودیت آن برای تشیید مبانی حکومت وانتظام امور مملکتی باشد بتصویب مجلس شورای ملی میرسند .

۱۶ : — تسویهٔ موارد ملی ورد وقبول عوارض وارونات و هم موجبهای جدیده که دولت قرار نماید بتصویب مجلس خواهد بود .

۱۷ : — ملاحظه و تودیهٔ مملکت بعد از ترتیب و پیشنهاد وزارت مالیه از وظایف شورای ملی است .

۱۸ : — وضع اصول نامهٔ جدید یا تغییر وفسخ قوانین مقرره به تصویب شورای ملی صورت خواهد گرفت خواه از آن از مجلس علو آن و خواه از طرف وزرا اظهار شده باشد .

۱۹ : — تصویب امتیاز تشکیل کمپانیها وشرکتهای عمومی از هر قبیل وبهر عنوان که باشد از طرف شوری ملی خواهد شد .

۲۰ : — عقد مقاولات ومعاهدات اعطای امتیازات (انحصار) امور تجارتی وصنعتی وفلاحتی وغیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب مجلس شورای ملی میرسد .

۲۱ : — استقراض دولتی اعم از اینکه از داخله یا خارجه بهر عنوان و اسم باشد باطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد .

۲۲ : — تجدید خط آهن وشوسه بپول دولت وبخرج شرکت وکمپانیهای داخلی یا خارجی باشد تماماً وابسته بتصویب مجلس شوری ملی است .

۲۲ :ـ مجلس شورای ملی حق دارد که در مواقع لازمه عریضه به پیشگاه همایونی تقدیم دهد .

تقدیم این عریضه [illegible] توسط هیئتی مرکب از رئیس و منشی و اعضائی که از طبقات [illegible] خود انتخاب میکنند خواهد بود و وقت شرفیابی حضور هم [illegible] توسط وزیر دربار استیذان می‌شود .

۲۴ :ـ وزرا برای استماع مذاکرات در جلسات مجلس شورای ملی حضور هم رسانده می‌توانند و از حق دارند که در صورت لزوم به اجازهٔ رئیس مجلس رای مذاکره و تدقیقات امور توضیحات [illegible] در مجلس برای حضور وزراء موقع معین میباشد .

۲۵ :ـ هر گونه قوانین جدیده‌ای که بوضع آن احتیاج حس شود از طرف وزارت تجویز و انشاء گردیده توسط وزراء یا صدر اعظم به مجلس شورای ملی اظهار میشود و بعد از تصویب مجلس بصحهٔ پادشاهی مزین گشته قابل التعمیل میگردد .

۲۶ :ـ لزوماً رئیس مجلس میتواند [illegible] شخصاً و یا بخواهش ده نفر از اعضای مجلس و یا وزیری بدون حضور نمایندگان جرائد و معاینه کنندگان اجلاس محرمانه تشکیل دهد وزیر میتواند انجمن محرمانه مرکب از [illegible] عدهٔ منتخبین [illegible] مجلس که اعضای سایرهٔ مجلس حق دخول در آن نداشته باشند ترتیب نماید مگر نتیجهٔ انجمن یا اجلاس محرمانه وقتی مرعی خواهد

بود که در هر دو صورت مسئله مبحوث عنها بحضور عده راجع از منتخبین مطرح مذاکره شده و با کثرت آرا قبول شده باشد در صورتیکه مطلب در انجمن محرمانه قبول نشود در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند .

۲۷ :ـ در صورتیکه مجلس محرمانه بخواهش رئیس دائر شده باشد اگر از مذاکرات را باندازهٔ مناسب به اطلاع عموم برساند اختیار دارد اما اگر تشکیل مجلس بتقاضای وزیری بوده است در آنصورت افشای مذاکرات هم وابسته به اجازهٔ وزیر خواهد بود .

۲۸ :ـ وزرا مطلب اظهار نموده گی خود را و لو هر قدر پروی مباحثه شده باشد حق دارند که از مجلس مسترد کنند اما اگر اظهار ایشان بخواهش مجلس بوده است برای استرداد مطلب موافقت مجلس هم شرط است .

۲۹ :ـ اگر لائحه اظهار نموده گی وزیری را مجلس قبول ننماید با ملاحظات خود عودت خواهد داد این لائحه وقتی به مجلس ثانیاً اظهار خواهد شد که وزیر ملاحظات مجلس را رد یا قبول نماید .

۳۰ :ـ اظهار رای از طرف اعضای مجلس شورای ملی راجع بهر رد یا قبول مطلب واضح و بالتصریح می‌شود و هیچ کس نمیتواند ایشان را بدادن رای خویش تحریص یا تهدید نماید اظهار رد یا قبول اعضای مجلس بعلامات ظاهری امثال ورقهٔ سیاه و سفید بوده محل ادراک و اطلاع نمایندگان جرائد و معاینه کنندگان خواهد بود .

عنوان مطلب از طرف مجلس

۳۱ :ـ هر یک از مطالبی که از طرف اعضای مجلس عنوان میشود آن وقت قابل مذاکره خواهد بود که اقلاً ربع اعضا مذاکرهٔ مطلب مذکور را تصویب بدارند درین صورت عنوان مذکور کتباً به رئیس مجلس تقدیم می‌شود و اگر رئیس مجلس آن لائحه را بدواً در انجمن تحقیق تحت تدقیق بگیرد میتواند .

۳۲ :ـ یک عده از اعضای شورای ملی که بانتخاب سائر اعضا و تصویب رئیس شورا منتخب و تجزیه میشود بنام (انجمن تحقیق) سنجشهای ابتدائی مسائل واردهٔ شورا را دقت نموده از آنجمله مواد قابل الذکر مجلس را همراه یک لائحهٔ نظریه خود بما رئیس مجلس پیش میدارند و باجازهٔ رئیس مطرح مذاکره میشود .

و موادیکه اکمال نخواهد یا مذاکرهٔ مجلس را ایجاب نه کند با اسباب موجبهٔ آن از طرف رئیس بوزارت منسوبه اش اعاده میشود — اعضای انجمن تحقیق اقلاً ده نفر خواهد بود .

۳۳ :ـ مطالبیکه نظر باصل ۳۱ در مجلس عنوان می شود اگر متعلق بیکی از وزرا باشد در وقت مذاکره و تدقیق لائحهٔ مذکوره چه در انجمن تحقیق و یا در مجلس باید بوزیر متعلقه اش خبر داده شود که شخصاً خودش حاضر شود و یا معین خود را بفرستد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 249 of 896

ویك تقل لامحه وضبا تر آنرا باید مجلس قبل از احضار وزیر و یا معین برای مسبوقیت شان از ده الی پانزده روز باستثنای مطالب ضروری بوزارت منسوبه ارسال دارد .

۲۴ : — در صورتیکه وزیر بنابر کدام مصلحتی * در مطلب معروض از طرف مجلس موافقت نتواند ، لازم است معاذیر خویش را مواجهتاً تصریح ومجلس را قانع بسازد .

۲۵ : — وزیریکه مجلس شورای ملی از وی توضیحات بطلبد ، از جواب ناگزیر ومسئول است وبدون عذر مواجهه وعلاوه از اقتضا تعویق وتأخیر جواب هم مجاز نیست — لادر صورتیکه مطالب محرمانه — ودر اختفای آن برای یك مدت صلاح ملت و دولت باشد اما بعد موعد معینه بابراز مطلب مذکور بحضور مجلس مکلف است .

۲۶ : — مصوبات وقرار هـای مجلس شورا بالعموم بعد از امضای ذات شاهانه در موقع اجرا گذارده میشود .

اجراء وانفاذ مواد فوق الذکر را امر و اراده میکنم . یوم شنبه (۲۷) برج سرطان (۱۳۱۰) مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۵۰ ه

(محل مهر اعلیحضرت)

نظریات و عقاید متخصصین

نسبت به بحران اقتصادی دنیا

اظهارات مستر هوور رئیس جمهور در موقع افتتاح اطاق تجارت نظریات نمایندگان بلژیك ـ فرانسه انگلیس ـ آلمان ـ ژاپون و ایتالیا

در اثنای ... اطاق تجارت بین الملل دنیا در نیویورك تشکیل گردید ... مستر هوور رئیس جمهور امریکا جلسه اطاق تجارت را رسماً افتتاح نمود . مخبر مخصوص روزنامه الاهرام چاپ مصر مورخه ۱۸ مه تفصیل مذاکرات اطاق تجارت را برای جریده خود چنین اطلاع میدهد :

در این مملکت وسایر ممالك دنیا امروز گفتگوئی جز بحران اقتصادی که در سر تاسر دنیا حکمفرما میباشد در بین نیست رفع بحران یکی از مسائل مهم و مشکل گردیده که مشاهیر علمای اقتصاد ومتخصصین مالی دنیا و ارباب کار خانجات و تجارت خانه های دنیا در آن در مانده ، و هر یك از آن ها مشغول میکنند . چه علل وعوامل باعث ایجاد این تنگدستی و مضیقه عمومی شده و آیا راه اصلاح و یا وسیله وجود دارد که مردم در آتیه از مواجه شدن با این اشکال مصون مانده و از آن جلو گیری کنند .

اینها سئوالی است که در هفته گذشته رجال مالی دنیا و کار فرمایان امور فلاحت و تجارت که از چهل وهشت مملکت از ممالك مختلفه دنیا در این شهر برای حضور در یك هیئت بزرگ تجارتی که معروف باسم اطاق تجارت بین الملل میباشد ، حضور نموده ، و در بین این ممالك که نمایندگان آنها باین شهر عزیمت نموده اند مملکتی یافت نمیشود که تأثیر کثرت تولید و انتاج و کسادی بازار تجارت و تجارتخانه ها [illegible] بیکاری را [illegible] مادون نظر کار کر گردیده است ندیده باشند .

برای اول مرتبه در تاریخ ممالك مختلفه برای بحث ومذاکره علمی در این موضوع شرکت کرده و در زمینه مضیقه عمومی که گریبان گیر دنیا شده است با استراحت تمام بحث گفته و بالاتفاق تصدیق و اعتراف نمودند که دنیا از نظر اقتصادی با همدیگر مربوط بوده و هیچ مملکتی از مملکت دیگر بی نیاز نتواند بود .

مستر هوور رئیس جمهور امریکا نطق افتتاحیه را ایراد نموده ، وضمناً فرصت را مغتنم شمرده که ملل دنیا را بضرورت تقلیل تجهیزات جنگی قانع و آنرا برای بهبودی وضعیت اقتصادی بهترین وسیله بشمارد .

ناطقین در طی بیانات خود مهم ترین موضوعاتی که مربوط بمضیقه مالی و اقتصادی است از قبیل تعرفه‌های گمرکی قروض غرامات جنگ وامثال آن را مطرح بحث

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 250 of 896

قرار داده رضا اعمات و قد مائی را که میرود در روسیه شوروی جریان دارد و از وجهه اقتصادی و اجتماعی مراحل آزمایش را طی می کند متذکر گردیدند

ما سعی می کنیم که خلاصه ای تمام مذاکرات آنها که عقیده اکثریت اعضای این هیئت بوده بخوانندگان اطلاع دهیم، موضوعی را که تقریباً متفق علیه تمام آنها بود این است که ضائقه لی [illegible]

[illegible] در قسمت اعظم ممالک مشهود است مضاربه که در بازار های بورس بعمل آمده ، اقدامات دول مختلفه برای تعدیل مقدار و قیمت پول خود و برقراری آن بر اساس محکم و تنزل قیمت نقره ، و مالیات های سنگین و هنگفتی وضع گردیده ، طرز [illegible] اداره و خارج از حد اعتدالی که در توسعه تجارتخانه ها و منابع مختلفه ، گاه از طرف اشخاص بعمل آمده و تشویقات زیادی که از طرف دول مختلفه از صاحبان تجارت خانه ها و منابع مزبور بعمل آمده و توسعه مساعی مؤسسات مالی بزرگ و تجارتخانه های معتبر [illegible] ممالک متحده امریکا که خارج حدود مقتضیات کنونی اقتصادی بوده.

اینها همه موضوعات مختلفه بود که در اطاق تجارت بین الملل مورد بحث و مذاکره واقع گردید . مستر هوور رئیس جمهور امریکا چنین اظهار داشت .

تنگدستی و مضیقه مالی که بعضی از آن اقتصادی و برخی غیر اقتصادی است و در هر یک از آن ها اظهار عقیده خواهد بود .

ولیکن من معتقدم که در یک قسمت همه با من موافق خواهند بود که کشتار نفوس و خراب و انهدام املاک و بار سنگین مالیات های مختلفه و اختلال توازن سیاسی و اجتماعی تمام این عوامل که در دنبالهٔ جنگ و نتیجه مؤثر تری بوده و طرز [illegible] کنونی [illegible] و [illegible] می کنیم [illegible] نفوس [illegible] که اقدام [illegible] شئون تجارتی دنیا دارند . در ظرف مدت سه سال اخیر ، دو چار اضطرابات سیاسی و اجتماعی بوده و هیچ چاره جز اعتراف این گفته نداریم که این وضعیت روابط اروپا [illegible] جنگ عمومی بود که برای ما باقی ماند !

و این قلق و اضطراب سیاسی و اجتماعی که در سنین گذشته گرفتار آن بودیم برای درهم شکستن [illegible] کافی [illegible] که از نقطه نظر مملکتی و هم از وجهه بین المللی حیات اقتصادی ما را [illegible] استوار گردیده بود ، عامل مهمی بشمار رفته و در صدد آن هستیم که بعضی از عوامل مختلفه نامی گردیده و ما [illegible] دو چار گردیده تعدیل گفتگو کنم ولکن چیزیکه میخواهم اظهار دارم اینستکه در [illegible] که من معتقدم مفید خواهد بود سعی در برقراری اعتماد عمومی و طرق نمودن چیزهای [illegible] است که از جنگ عمومی بارث باقیمانده است و مهم ترین آن ها اضطراب سیاسی میباشد که بایستی با تجدید تجهیزات جنگی بطوریکه دنیا از این تجدید استفاده نموده و راحت شود .

فکر کردن در جنگ این یک چیزی نیست که موجب پریشانی خاطر ها گردد بلکه آن چیزیکه موجب پریشانی خاطر عمومی است اینستکه در صورت بروز جنگ بار سنگین مالیاتهای کمرشکن و غرامات بر دوش آن ها گذارده شده و آسیب آن را کاملاً خورده و محو خواهند شد !

و در دنیا امروز پنجمیلیون و نیم نفر سرباز تحت السلاح وجود دارد و بیست میلیون نفر سرباز احتیاطی موجود است این قشون جرار با اسلحه و مخارجی را که دارند بار سنگینی است که بر دوش دنیای اقتصادی گذارده شده و از ترقی و نمو دنیای اقتصاد جلوگیری مینماید و همیشه باعث ترس و خوف بوده و عوامل اختلال را در تمام مظاهر زندگی و حیات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی دو چندان خواهد نمود .

[illegible] اظهار داشت

و باعث مهم تنگدستی مالی را در اقتصاد [illegible] میدانم و بعد از تنزل قیمت و سقوط [illegible] مبادلات مالی من معتقدم که تجارت کنونی ما و رسوم گمرکی که در بسیاری از ممالک اجرا می شود ، از [illegible] مشکلات اقتصادی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 251 of 896

بشمار میرود، هرگاه ممالك مختلفه در قسمت رسوم گمرکی تا اندازه تسامح و تساهل را پیش گیرند کارها خوب می شود و اما عدم تساوی تقسیم طلا بین ممالك دنیا مربوط بعدم ثبات اوضاع سیاسی دنیا بر یك منوال و سیاست وضع رسوم گمرکی میباشد .

« علل بحران در ممالك مختلفه باختلاف روبه و خط مشی را که اهالی همان ممالك عمدا و یا من غیر قصد اتخاذ نموده اند ، مختلف میباشد مثلاً در انگلستان یك تظاهرات اقتصادی جامد و خشکی وجود دارد که نمیشود دایره آن را وسعت داد ، و در ولایات متحده امریکا چون مضاربه در معاملات مالی و بورس حکم فرماست که بواسطه همین دیوانگی تنزل پیش آمد که نتیجه حتمی او وقوع آن بترقی فی الظهر بورس بود . و در چین یك تنزل غیر طبیعی در نقره که اساس پول او را تشکیل میدهد و در ممالك دارای محصولات مختلفه و مواد خام . کثرت تولید و انتاج که موجب تنزل شدید قیمت اجناس گردیده ، علل بحران این ممالك شمرده میشود . ولیکن علت مهم بعقیده من مضاربه بآنچه در بورس بعمل آمده ، و همین پیش آمد باعث گردید که مردم پول و وجوه خود را برای بکار انداختن در کارهای مشروع تخصیص داده بودند یکمرتبه منتقل ببازار کاغذ فروشی نمودند که ازین راه منافع سرشار و بدون زحمتی را تحصیل نمایند » .

(باقیدارد)

از هر طرف

یك پهلوان افغان در امریکا

علور خان پهلوان دارای سبیل های سیاه افغان که دربین کشتی گیر های امریکی یک نوع هراس تولید نموده است ، بزودی مشکل ترین امتحانات خود را از مدتی که باین سرزمین آمده است ، درشب پنجشنبه خواهد داد ، و با پهلوان سفید روسی ماتروس کری پنکو در آدیتوریم کشتی خواهد گرفت ، این مسابقه عبارت از نمایش افتتاحی کشتی گیری داخل اطاق خواهد بود که در اطاق بلدیه شهری بازرگ در مدخل خیابان ا گجنج نشان داده خواهد شد :

این نمایش عبارت از نود ودوم علور خان است در اینجا . در یک مسابقه دربین نزدیکی ها علور خان موصوف چارلی فوکس پولیس را دو مرتبه در چهار دقیقه و ۳ ونیم دقیقه بر زمین زد .

و پس از آن مارشال بلیک منا که دو مرتبه در دو دقیقه و بیست ثانیه و یک دقیقه وده ثانیه ، در یک مسابقه در « ابل راک » مغلوب ساخته بر زمین افگند مسابقه خان با این شخص روسی نوزده همین مسابقه او را درین ارض تشکیل میدهد ، و دراز ترین وقتی که برای زمین زدن حریف خود صرف نموده است عبارت از ۱۷ دقیقه ایست که یک مسابقه او

در تیو یارک کرده بود .

در اول ورود خود خان مذکور میگفت من رای گرفتن تاج از « جمی لوندوس » آمده ام که آنرا باز گرفته بافغانستان ببرم زیرا که در افغانستان کشتی گیری را برای شهرت دوست میدارند نه برای پول واین مسئله دربین مملکت یک اضطراب زیادی تولید نموده است ، در اطراف مشرق این سر زمین که عملاً تمام کشتی گیری خود را در آنجا اجرای نموده است ، خان مذکور را بصورت یک تهدید شدید می شناسند .

ظاهراً خان مذکور در کدام کاری اختصاص ندارد مگر بصورت فوق العاده قوی وچالاک است واین مسئله را وقتیکه با فوکس کشتی می گرفت نشان داد ودرعین آنکه دست بازی میکرد دفعتاً او را گرفته با ساقی تمام بر زمین زد .

کری پنکو در اینجا چندین مرتبه نمایش داده ودر نمایشات خود مطبوع واقع شده است ، ودرآخرین مرتبه نمایش خود درماه جولائی در حالی که « درک جنیک » را در نیویارک مغلوب کند ، جمی لوندوس او را مغلوب ساخته بود .

این شخص روسی که یک شخص قوی است وفن کشتی گیری را میداند ، از فوکس و بلیک منا که قوی تر است . واگر خان دو مرتبه او را مغلوب نموده بتواند علاوه زیاده از ۱۷ دقیقه وقت لازم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 252 of 896

خواهد داشت .

تحریر دونالد بي ولارد

در زمان موجوده تنها یکنفر شاگرد طبي از مملکت افغانستان در امریکا موجود دارد .

این شاگرد اور نگ شاه خان است ویک جوان بلند قامت ودارای موهای سیاه است وحالا در مکتب طبي تعلیم مي خواند وبه گسر ین تعلیمي معروف است که در عرصهٔ ده یا نه سال او را مقتدر خواهد ساخت با فغانستان عودت نموده یاني ما ئنس طبي آن مملکت گردد .

خبر هاي داخلي

سر طبیب شفاخانه ملکي ودا کتر شفاخانه مستورات

عز تمند آقای دکتور فؤاد بیگ متخصص امراض چشم که از چند سال باینطرف به شفاخانه مصروف خدمت اند نظر به مصوبه ۲۸ جوزا مجلس طبي و منظوری حضور ج ع ج صدر اعظم صاحب به سرطبابت مسئول شفاخانه ملکي مرکزی کابل انتخاب گردیدند .

همچنان عزتمند آقای داکتر عبد العزیز خان به داکتری شفاخانه مستورات منصوب گردیدند .

افتتاح تعلیم گاه پیاده و طوپچي

روز چهارشنبه ۲۷ سرطان بساعت ۵ نیم عصر ج ع ج صدر اعظم صاحب بحضور جمعی از منصبداران و ... مورین ملکي تعلیم گاه پیاده را تحت اداره عزتمند ماجور خراسـقي الباني درباغ چرمگر (سابق سفارت ایطالیه) افتتاح نمودند جناب والا حضرت شهزاده محمد طاهر خان و اسد الله خان قوماندان فرقه شاهي و محمد داود خان (برادر زاده اعلیحضرت) بحیث افراد شامل تعلیم گاه گردیدند .

کذا روز پنجشنبه ۲۱ سرطان جناب ج ع ج صدر اعظم صاحب تعلیم گاه طوپچي را نیز در شهرآرا . (سابق تعلیم گاه سواری) افتتاح نمودند .

مجازات

محمد صدیق خان مامور مجلس ، دین محمد خان تو لیمشر و عبد الروف خان بلوکمشر کوتوالی نظر به غفلت و سهل انگاری در وظائف محوله خود ، به قطع معاش ده روزه و سه روزه مجازات یافتند .

رئیس و معاون شورای ملي

جناب عبد الاحد خان وکیل شهر کابل بکثرت آراء از طرف وکلای محترم شورای ملي به ریاست مجلس انتخاب و از حضور شهریاری منظور گردیدند .

کذا جناب حاجي عبد الحق خان وکیل مرکز هرات ، بمعاون رئیس ، از طرف وکلا انتخاب و از حضور شاهانه منظور گردیدند .

خبر هاي خارجي

۱۹ جولائي

تلگرام لندن مظهر است ، در اثر سقوط طیاره در نزدیکي دو کنگ بام یر کتابي یکي از ز نان هوا باز خیلي ماهر انگلیس خانم بیر نگ و کار کي معروف ثبا نک و مدیر شرکت قطب نو یال فوت نموده اند .

۲۰ جولائي

بر طانیا که امریکا را درمسابقهٔ بین مطابق جهت انعام دیوس به سه موفقیت در مقابل دو مغلوب ساخت با فرانسه نیز داخل مسابقهٔ مجبوري خواهد شد .

۲۱ جولائي

تلگرام ما نیلا مظهر است که طیاره ران امتر بلیانی ، جستر که سه روز قبل وارد آنجا گردیده بود که تنها واز راه غیر معمول بطـرف جاپان پرواز کند ، بنا بر انکار حکومت جاپان ، از دادن اجازهٔ استعمال میدان هائي که نقشه نموده بود ، بسبب بعضي دلائل عسکري ، معطل شده است .

مقرري رئیس جمهور موقتي

۱٦ جون — بعوض موسیو پرز ، رئیس جمهور ونیز ویلا که در اثر یک اثر وائي کنگره مستعفي شده بود ، دا کتر جسین وزیر امور خارجه سابق الي نتیجهٔ انتخابات ریاست جمهوري که در ۹ جولائي واقع خواهد شد ، موقتاً بریاست جمهور مقرر شد .

(لو اتي)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 253 of 896

مؤلف اه پلاتیه فرانسوی (۱۰) مترجم: حبیب الله طرزی

مادام سان ژن

فصل پنجم

(قرض و مقروض)

کاپیطان باز بمشغلهٔ خودش عودت نموده شکار افکار عمیق خود گردید . کاترین هم رخت های که آورده بود بر بستر او گذاشته و خدا حافظی نموده از خانه بر آمد . .

ناپلیون : « تا به باز دید دختر کم امید کدام وقتی ترا در میخانه ات دیده بتوانم . »

کاترین بعد ازانکه بآخر پله ها رسیده بود دانست که حجت مقروض خودش را در دست دارد و با خود گفت :

« حجت او را در دست داشتم ولی جرئت کرده نتوانستم که باو بدهم باك نیست یك روزی قرض خودش را ادا خواهد کرد . برین جوان اعتماد دارم و احساسا تیکه هم شهری من فوشه در حق او می پرورانید در من وجود ندارد بلکه بر خلاف آن یقین دارم که هر گونه کامیابی در دنیا نصیب اوست . »

رسیدن کوچه (رو پال) دکان خودش را از یك جماعهٔ سربازان که در وسط شان له فیور دیده می شد مملو یافت له فیور مثل سابق تفنگ در دست نداشت بلکه کریج تولیمشری در کنار آویخته بنظر می آمد . لیوتنان جدید بدیدن کاترین زد : « رفقای من اجازه بدهید رفیقهٔ حیات خودم را بشما معرفی کنم هفته آینده عروسی خواهم کرد ! »

گارد ها بدیدن کاترین نعره زدند زنده باد ما دام سان ژین . »

حال باید کاترین و شوهرش را بحال خودشان گذاشته باطاق افسر طوبخانه عودت کنیم . بعد ازانکه کاترین ازو وداع نموده از اطاق بر آمد او هم بر خواسته رخت های شستهٔ خودش را به غرفه رخت های خود گذاشت و بفکرش چیزی خطور کرده با خود گفت .

« این دخترك بیچاره دادن حجت قرض خودش را نیز فراموش کرد !

(فاتح مستقبل یوروپ اگرچه این الفاظ را گفت ولی در حقیقت خیلی مسرور گردیده بود ، زیرا برای تادیهٔ قرض خودش یك پول هم نداشت)

« کم از کم می فرانك ازو مقروضم باك ندارد . باولین پولیکه بدست آرم خواهم پرداخت ! این قصارهٔ یك دخترك خیلی خوب است من او را فراموش نخواهم کرد ! »

تا سالهای زیادی سپری نشدو جغرافیه یوروپ بکلی تبدل نیافت قرض فراموش شده بیاد ناپلیون آورده نشد .

فصل ششم

مشروبات فروشی سیزدهم

مادر هوش بدهن دروازهٔ ترکاری فروشی خودش واقع کوچه (مونتروی) وارسای ایستاده وبه با مشتریان خودش در داد وستد بود گاه گاهی نگاه های پر لطف خودش را بطرف یك پسرك خوردی که یک تودهٔ شلجم و کرم نشسته بود معطوف میداشت و برای اینکه او را از دندان زدن شلجم باز دارد صدا زد : « ها زیت می آیم وترا خواهم زد زیرا تو از خوردن شلجم باز نمی آئی »

وبطرف یکی از مشتریان دیده ایراد نموده « این پسر چه اشتهائی دارد ! از بلعیدن هیچ چیز خود داری کرده نمیتواند باوجود اینهمه باز هم من او را دوست میدارم » درین اثنا کالسکهٔ چهار عرادهٔ بسیار بزرگی در کوچه ظاهر گردید درمقابل دو کان مادر هوش ایستاده .

مادر هوش که به ترکیب سلاتهٔ برای یکی از مشتریان مشغول بود دفعتاً کار را گذاشته به دروازه دوید . یك جوان خوش چهرهٔ قوی که با یونیفورمهٔ بم اندازان آراسته بود از کالسکه بزیر آمده ومادر هوش را درآغوش کشیده و دو سه بوسهٔ صدا دار از رخسارهٔ اش نموده مشتریان ورهگذران بادهن های باز اطراف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 254 of 896

تو وارد را گر فتا منتظر بودند چیزی از پاریس بشنوند .

یکی از زنهای پیر : « این جوان خیلی مقبول وجذاب است ! » دیگری : « آیا تو او را نمی شناسی ؟ »

« چرا نمی شناسم ، این لازار خورده خواهر زاده' مادرهوش است که او را پسر خوانده ویه تشو ونما رسانده است . »

لازار : « مادر عزیزم ! من کاپیطانم وشما دیروز ترفیع رتبه کردم ، امروز با این دو نفر دوستم آمده ام که با تو ورفقایم به تقریب منصب جدیدم احتفالی بگیرم ، بیا تا دوستهایم را بتو معرفی کنم . فرانسوا له فیور رفیق من در کاروها نولیشر (لیو تنان) است ، این اولین شخص است که گرفتن تفنگ را باد اول با من آموخت این جمله' خود را با یک سیلی بر پشت دوست خودش علاوه نموده .

له فیور با چهره متبسم : « ولی حال تو مافوق من هستی . »

لازار : « هیچ باک نیست ، تو بزودی یعنی خواهی رسید ، شاید از من هم خواهی گذشت ، حرب یک لاتری است وممکن است که یک روز منصب بسیار بزرگی را حاصل کنی بشرطی که زنده بمانی ! باش معرفی خودم را بپایان برسانم . . . این هم کاترین خانم رفیق من است ، یک خانم نهایت خلیق وخوب است . من این تعریف

خودم را ضمانت میکنم اگرچه برای دیر نخواهد بود ، میخواهد بانو چیزی بگویند پس در اثنای که شما حرف میزنید و نهار را حاضر میدارید ، من وله فیور در شهر کمی کار داریم ، آنرا انجام کرده بر میگردیم »

مادر هوش : « با من ؟ »

کاترین « بلی با شما آنهم در باره آن طفلک خورده » این را گفته و بطرف (هاروت) که نوابندگان را از توده' گرم خودش با نگاهای معصوم مینگریست اشاره نمود .

مادر هوش « خوب خوب ، در حالیکه من را اجازه دهید قدری شلجم پاک کنم ویک مرغ را پر کنم میتوانیم با هم صحبت کنیم و بطرف هوش دیده اظهار کرده این و قدری امعات برای نهار کافی خواهد بود آیا چنین نیست .

هوش « بسیار اعلی ! از حالا دهن مرا پر آب کردی » اینرا گفته و با له فیور از دکان بر آمد .

کاترین از خالی شدن دکان استفاده کرده بمادر هوش فهماند که آمده است تا پسرک خورد را با او عهدی که بامادرش کرده با خود ببرد .

زن پیر : « تو میخواهی که او را بمادرش برسانی ؟ »

کاترین : « هنوز نی ، حال مجبورم که او را با خود بمیدان حرب ببرم »

زن پیر باحیرت فوق العاده : « بمیدان حرب ؟ ! »

کاترین : « زرجان سیزده هم بمیدان

خوف من پیش قدمی را بر (وردن) گرفته ست . »

مادر هوش : خوب این پیش قدمی زرجان سیزده هم را با تو چه نسبت ؟ »

کاترین با قدری افتخار : « چرا من مشروبات فروش این زرجان ام و با شوهر خود یکجا بمیدان جنگ میروم . »

مادر هوش از کمال استعجاب نعره زد « مشروبات فروش ! »

« بلی این است مختار نامهٔ که به من داده شده است . »

کاترین این را گفته ویک کاغذ بزرگ ممض و ممهور را از بغل بیرون آورده بمادر هوش اینمود : « من با رفقایم در هفته دیگر ملحق می شوم . در (وردن) کار هااست که باید انجام یابد در اردو طرفداران شاه و خائنان ملت زیاد است که با دیوک (دوبر نزدیک) هم دست هستند آنها باید را نده و از اردو اخراج کرده شوند .

مادر هوش : « بسیار بسیار خوب ! این چه یک حیات خوبیست ! وقتیکه جوان بودم بسیار آرزو داشتم که مشروبات فروش شوم ـ بصدای تنبور قدم زدن از هر سر ز بون چیزی دیدن واز هر دهن چیزی شنیدن در اطراف یک فر همه جمع ـ چقدر ممنون میبا شند اگر قطرهٔ در پا شند ـ همه تکالیف را فراموش نموده برای زر ال وبا حواله داد و با مثل آن چیزی شدن خواب می بینند !

(مطبعهٔ ایبی)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 255 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 256 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ "
طلبهٔ معارف	۷ "
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانه دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 258 of 896

شماره (۱٤)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۳۰ شلنگ

انیس

مجلد (۵)

اداره: ۵ پل جاده ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲شنبه ۱۱ اسد ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰٦ | ۱۸ ربیع الاول ۱۳۵۰

استقبال از شورای ملی

از اعظمی

چرا بانام محبوبش بدل ز همت شهریار شورا
که [illegible] رونق ملک و ملت ز عدل و قانون کار شورا

ز محنت و غم وطن رها شد ، بطرز عالم اصول [illegible] شد
متین و افخم پس از این باشد ، چو کوه محکم حصار شورا

وطن ز محنت پس از مصیبت ، رسید آخر با وج عزت
بهمت شاه با شرافت ، بعصر این تاجدار شورا

بملک افغان نفاق میرد ، دو باره تا مش کسی نگیرد
وطن ترقی همی پذیرد ، ز حسن تأمید ز شور

معارف از سر کشیده یک قبای عزت روی خوشتر
تمام مردم شود منور ، ز رونق عرفان و یار شورا

سپاه افغان چو شیره مردی ، بوقت همت بروز میدان
کند عموما ذلیل و حیران ، در کشور با وقار شورا

تمدن مصر ، علم و عرفان ، بطرز عالی شود نمایان
بپیکار [illegible] گذارد افغان ، اصول ملت و قرار شورا

ستاره [illegible] گر ز دست ظالم ، کسی ز [illegible] وجود ها کم
ز کس نیاید دگر جرایم ، که تا بود اعتبار شورا

بنام کشور بعشق ملت کسی که دارد هوای خدمت
بصدق خاطر کند وکالت ، بدل شود غمگسار شورا

سر معظم با وج ساید ، ز مهر تا ماه شرف فزاید
قلم صفائی که می ستاید ، رشان با افتخار شورا

عبرت باید گرفت

امانی مسلم قلبی است که :

« زمانه آموزگار است »

اگر ما هم باید بری مکمل که بطرف علوم و معلومات داریم ، از روی تجارب با کدام چیز دیگری باین مسئله قائل و معترف گردیم ، فوراً بعد ازان از روی قانون منطق مجبور خواهیم بود اقرار کنیم که : « غبی ترین تلامیذ حوادث و انقلاب جهان ما ایم ... »

زیرا ، چه از حوادث غریبهٔ روزگار و چه از سبق های شدیدی که معلم زمانه بر صورت های [illegible] زده است و میزند ، ابدا آثار تحسس و تأثری ابراز نکرده و هنوز هم کما فی السابق ، در این دنیای سعی و عمل که تمام افراد بشر در میدان [illegible] مصروف زد و خورد و کشمکش می باشند ، پنبهٔ غفلت در گوش ما و کاملاً از همه چیزی بی خبر بگوشهٔ افتاده به زندهگی عطالت کارانه و تنبلانهٔ خود کمال قناعت را دارا ستیم :

صد سنگ شد آئینه و صد قطره گهر بست
افسوس همان خانه خراب است دل ما

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 260 of 896

بیکمال تاسف می نگریم که مدت ها مگرود وچشم های کنابیکه درین محیط با جماد حسی دارند یک سره منتظر است که کی ویکدام لحظه این ملت بیچارهٔ عقب مانده از خواب سنگین بی خودی واز خود رفته گی پهلو هایش بدرد آمده ، آثار یقظ وبیداری نشان میدهد . گر هشتاد سال دیگر هوز هم منتظر باید بود ... منتظر باید بود ....

اما تا بکی وتابه چند ؟

افسوس ! به چشم خود می بینیم که هم سایه های ما بچه یك شدت وحدت فوق العاده برای بدست آوردن سعادتی که نقطهٔ امل ومطمع نظر تمام ملل دنیا را (بحز ما) تشکیل داده است صرف جهد وسعی می کنند . وچگونه هر روز برای نائیل شدن به سعادت حقه که نوع شرف انسان را در خور و سزاوار است چاره های متنوعه اندیشیده پلان ها و نقشه های رنگا رنگ طرح و ترتیب می نمایند و هر لحظهٔ به وسیله جهت بر آوردن مقصود خود توسل می نمایند . مگر هنوز هم نمیدانیم که بالاخره جسم مریض زار وضعیف این وطن بیچاره که در تحت فشار امراض بد و میکروب های مهلک غفلت و بی دردی روز بروز لاغری و ناتوانی آن رو به ترقی و ازدیاد است ، بچه صورت خواهد توانست در محیط پر هیاهوی تزاحم حیات وجود ضعیف و جسم علیل خود را حفظ نماید و یا در بحر متلاطم امواج ذخار قوای موجودهٔ عالم زورق زنده گی خود را بساحل تعالی برساند ؟

بفکر ما چرا ته سبب این همه عقب مانده گی ونقیصه روزافزون جز این یك مسئله چیز دیگری نیست که ما جریانات اطراف و جوانب خود را نظری از روی حقیقت سنجی نه کنیده و هیچ گاه متوجه نشده ایم که این همه غلغله و شوری که از مجتمع بشری بر پاست در نتیجه چه و برای چیست ؟

یا به عبارت واضح تر بگوئیم از این گونه نظریم و با امور حیات زنده گانی بی علاقه افتاده ایم ؟ تمام این همهمه و شور این نهضت و حرکت متواتره ، این اجتهادات و مساعی لا ینقطع که در صفحه پر از مطالب هستی جریان دارد برای ما که هنوز مسئولیت حقوق خود را در عالم حیات نشناخته ایم هیچ قدر واهمیتی ندارد . و نمیدانم که لازمست در سلسله اکلیات و ماکولات این دنیای پر از فجایع باید خورده شویم یا بخوریم .

بلی ! حادثات عجیبه دنیا پرواز های طیاره راتان بزرگ در فضای سما ، و اکتشافات بزرگ علمی وفنی دیگری که هر روز آوازه آن سرتاسر دنیا را گرفته است در مملکت کوهستانی انعکاس می کند ویا اگر می کند گوشهای ماخلی سنگین تر از آن است که بر آن تأثیری اجری کند :

می شنویم فلان عالم وفلان کاشف یا فلان رو بسیر به کشف فلان چیز یا فلان نقطهٔ دنیا کامیاب شد و یا اقدام نموده ویا قلا در راه آن فدا شد .

اما به جواب این یك جملهٔ ، به من چه ، را گفته صرف نظر می کنیم ومیرویم .

گوئی به حس تعجب داریم ، وته از عاقبت اندیشی بوئی به مشام ما رسیده است وته میدانیم انسان چه وانسانیت چه مزیت وحقیقت دارد . حتی نتوانسته ایم بفهمیم که علت عقب ماندن ما محرومیت از معلم وبی بهره گی از فن است .

اری ، وظیفه خود میدانیم به حزین ترین آوازی در مقابل برادران هم وطن خود رفع صوت نموده بگوئیم ، انصاف کنید . بر خود وبر اسم شریف انسانیت رحم نمائید . وآن را بدنام نکنید .

امروز سر رشته امور آهسته آهسته (ولو ناکمل باشد) بدست تان آمده است ، حکومت تان میرود ملی میشود ، از دستبرد مظالم خود رستان خلاص شده میروید . پس از مشقات بسیاری که کشیده اید امروز باز فرصت مقتضی بدست دارید وازین موقع خوب استفاده کنید ، وسعی نمائید . که کار خود را ، وظیفه خود را شناسید وبدست بگیرید وپیش ببرید . وری خود را آئینه بزرگی که دنیای وسیع با عملیات واجراآت ترقی پسندانه خود با شعار (تعرف الاشیاء باضدادها) نهاده است ملاحظه نموده عبرتی گیرید .

وبا حکومت خود در تمام اجراآت صحیح و مفید آن یك نوع تعاضد و تعاون مادی و معنوی ارائه نموده متحداً ومتفقاً برای نجات وفلاح ابدی خود وجهت تأمین حیاته آتیهٔ مملکت خود در صفحه کائنات راه و طریق صحیحی بجوئید و بدست آورید . (....)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 261 of 896

نظریات و عقاید متخصصین

نسبت به بحران اقتصادی دنیا

اظهارات مستر هوور رئیس جمهور در موقع افتتاح اطاق تجارت نظریات نمایندگان بلژیک ـ فرانسه انگلیس ـ اتازونی ـ ژاپون لهستان

(۲)

نماینده فرانسه اظهار داشت

«مهمترین علل شکستگی کنونی زیادی محصول و مصنوع بر مقدار استهلاک میباشد که بی اندازه با هم تفاوت دارند، فقدان توازن بین اسعار و کسادی محصول در بازار دنیا و امور مبهم و تناقض سیاسی و افراط در وضع مالیات از علل شکستگی و ضائقه کنونی محسوب میگردد

«اوضاع مبهم سیاسی یکی از علل شکستگی مالی است ترس و بیمی که در سال ۱۹۳۰ که ناشی از اوضاع سیاسی اروپا بود، مساعدت مهمی در شدت بحران اقتصادی کرده و اینهم بنوبه خود مشکلات سیاسی بیشماری را خصوصاً در امریکا جنوبی باعث گردید.

ولایات متحده امریکا که نقطه دائره جاذبیت ثروت دنیا محسوب میگردید، برای تراکم اموال و وجوه میدان وسیعی شده، در این میدان قوه عامله بیکار افتاده سعی و کوشش زیادی که برای تولید و انتاج محصولات بعمل آوردند باندازه طریق افراط رفتند که از میزان معتاد خارج گردید و یکی از بلا های بحران گردید.»

نماینده بریطانیای کبیر درطی بیانات خود اظهار نمود:

«ما مرور از حیث دارا بودن اشیاء مادی فوق العاده غنی و بی نیاز هستیم، ولی در عین حال فقیر و نیازمندیم، در تنگنائی واقع شده‌ایم نه از حیث ماکولات و مشروبات و ملبوسات و یا نکه از حیث گرانی اجناس، بلکه از این حیث در تنگی و مضیقه افتاده‌ایم که انبار های ما ازمال التجاره و امتعهٔ مختلفه پر وانبوه شده، و باقیمت ارزان خریدار ندارد برای پر از کشتی های خالی است که کسی برای پر کردن آنها نزدیک نمیشود افراد مزدور ما در اینجا و آنجا و هر نقطه پراکنده و بیکار و سر گردان هستند.»

نماینده متحده امریکا چنین گفت:

«علت عدم موفقیت خود را فهمیده‌ایم چیست ولیکن میخواهم اشاره بطرز رفتار کار فرمایان و سرمایه داران وملاکین و دولت نموده و بگویم که آنها تا حدی مسئول این نکبت وهلاکت امروزی ما هستند، چه، وقتی که ما از میدان جنگ بیرون آمدیم منابع عائداتی در دست داشتیم که احتیاجات ملی و عمومی ما را مرتفع ساخته و مبنی بر اساس عائدات جاری بود بیکمرتبه اسهام مختلفه بازار های ما فروریخت و چشمهارا خیره کرد و با کوتاه فکری بدون اینکه عواقب امر را در نظر گیریم شروع در ایجاد کار و توحید کمپانی های موجوده نموده و مطابقت عملیات خودرا باعادات اقتصادی عمومی هیچ در نظر نگرفتیم، این بود که قوه خریداری نداشتند فروختند و بحال امروز در افتادند.»

نماینده ژاپون گفت: «یکی از مسائلی که غیر قابل مداقه است اینستکه در روی زمین هیچ ملتی وجود ندارد که بتواند زیادتر از آنچه که میفروشد بخرد، تجارت بین الملل بایستی براساس متساوی جریان پیدا کند، و آنچه که ممکن است اعم از مصنوعات ویا محصولات ویا اسهام کمپانیها بطور مبادله صورت بگیرد چه ممالک عالم هیچ چاره وگریزی از این که نسبت بهمدیگر اعتماد داشته باشند ندارند.»

نماینده لهستان اظهار داشت: «بهترین راه حل برای رفع بحران کنونی سعی در تقلیل تولید وانتاج خصوصاً محصولات فلاحتی میباشد زیرا تولید و انتاج زیاد موجب تنزل قیمت محصولات میگردد و مهمتر از این موضوع فراهم آوردن تسهیلات لازمه جهت عقد قرضه های ملی برای تهیه کنندن کل محصولات فلاحتی است.»

گفته های نمایندگان سایر دول نیز در همین زمینه ها بوده، همه در این قسمت متفق بودند که این بحران نتیجه جنگ اخیر است وکثرت تجهیزات ورسوم گمرکی زیاد و مضاربه های خارج از حداعتدال ووحدت کمپانیهای مختلفه درکار باعث آن گردیده و با برطرف شدن علل معلول هم از بین خواهد رفت.

(اطلاعات)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 262 of 896

صحیات

نصایح صحی

دکتر ارتبوت لین طبیب انگلیسی ده قاعده برای حفظ الصحه وضع نموده که بعقیده او هر کس قواعد مزبور که ذیلاً شرح داده میشود عمل نماید همیشه تن درست وبطول عمر خود مطمئن بوده است .

۱ ـ هر اندازه می توانید از خوردن گوشت کم نموده ودر عوض ماهی بخورید

۲ ـ از خوردن نان ومیوه های پخته وسیب زمینی ومواد مصنوعه از شیر خود داری نکنید که تمام آن ها محتوی مقداری کافی ویتامین میباشد

۳ ـ هسته غذا نخورید

٤ ـ هر روز شش فنجان بزرگ شیر خوری آب مقطر بنوشید :

دو فنجان در موقع برخاستن از خواب ودو فنجان در موقع رفتن برختخواب ودو فنجان هم در حین غذا خوردن

٥ ـ در اطاقی که هوای آن کاملاً آزاد است ، ویا در هوای آزاد کار کرده و بخوابید .

٦ ـ از عریان نمودن جسم خود بآفتاب وهوا حتی الامکان خود داری نکنید

۷ ـ لباس خود را همیشه نازک گرفته و بپوشید و اگر بالا پوش هم بپوشید باید خیلی کافی و وراخ داشته که هوا بتواند بداخل جسم مرور نماید

۸ ـ هر روز استحمام ننمائید ولیکن استحمام با آب گرم را فقط عصر ها بنمائید

۹ ـ لااقل روزی دو مرتبه دندان های خود را مسواک بشوئید یک مرتبه صبح ودیگر مرتبه عصر

۱۰ ـ هر روز ده دقیقه صبح و عصر ورزش کنید خصوصاً ورزش اردک باعث تقویت عضلات معده میشود .

***

رختخواب اطفال

مهمترین چیزی که اطفال برای خوابیدن راحت احتیاج دارد رختخواب پاکیزه اطاق با آب گرم ، که از هر طرف هوی پاک و آزاد بآن وارد شود .

طفل در روز های اول ولادت نهایت احتیاج را بخواب عمیق و آرام دارد ، و این حاصل نخواهد شد مگر اینکه رختخواب او فوق العاده پاکیزه بوده و همه روزه در معرض آفتاب افتند و روزی دو مرتبه ملافه های آنرا عوض کنند

«بقیه در صفحه ٤۷»

از هر طرف

یکنفر چینی ۳۵۰ سال عمر دارد

ازرازوآقا پیر تر هم در دنیا است

بعد از این همه گفتگو هائی که در اطراف زارا آقا بعمل آمد معلوم شد زارا آقا که ۱۵۰ سال عمر دارد معمرترین شخصی در دنیا نیست ، در حقیقت در مقام مقایسه با (لی تسینک یون) چینی که ادعای ۳۵۰ سال عمر میکند جوانکی میباشد .

(لی) چینی در (کی هسین) در یک مزرعه ای زندگی می کند . و دلیل طولانی بودن عمر او از یک جعبه ای پُر از ناخن های انگشت سابق او معلوم میشود چه مرحسب عادات چینی ناخن خود را کم کرده بود بود .

ناخن انگشت وسطی و خنصر وبنصر دست راست او ، اکنون به طول یک قدم می باشد .

(لی) مانند لاک پشت مینشیند ومانند بوقلمون میخوابد ، و مانند سگ میخواید هنوز (لی) دارای قدرت وقوت وعافیت میباشد و روزی ٤۲ میل (تقریباً ۹ فرسخ) راه میرود

وقتی از او سوال شد که علت طول عمر او چه بوده جواب داد راحتی وآسایش قلب سبب طول عمر من گردیده است .

مشار الیه ۱٤ زن بحباله نکاح خواسته آورده و تا ۱۱ پشت نسل خود را دیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 263 of 896

لی می گوید در هفد همین سال سلطنت (کوانك‌هسی) که از سال ۱۶۶۲ الی ۱۷۲۳ امپراطور چین بود متولد گردیده است (لی) می‌تواند سوالات مربوط را راجع بامور وحوادث دوره سلطنت سلسله تسینك با دقت وصحت جواب دهد

زارو آقا که در مقابل (لی) شهرت خود را از دست داده در صورتیکه چندین سال بود بلا معارض مانده بود اظهار کرده است تصمیم دارم تا دویست سال زنده بمانم .

درسنوات اخیره با مریکا و ایطالیای کبیر مسافرت کرده وطول لای بودن عمر خود را به سخت جانی در کار و غذای مرتب وصحیح نسبت میدهد .

بعد از یکقرن که مرض طاس وی مو بود در یکسال قبل شروع بروئیدن نموده وموی ضخیم سیاهی بر سرش روئید زن کنونی اش نود سال از خودش جوانتر است .

ترجمه از جرید فرانسه

یك مظاهرهٔ بزرگ پروپاغنده فرانسوي در اوروپای مرکزی

از غالب شهر های فرانسه زمستان سال گذشته ، عبور کاروان سنگین وزن موتر های سیتروین مشاهده شده ، ومسافه ده هزار کیلومتری را کاروان های مزبور طی کرده اند ودلچسپی را که عامه نا بها پیدا نموده اند ؛ وضمناً مسئله حمل ونقل روی برف را در فرانسه با موتر های ستروین فیصله آخرین پیدا نمود .

این کاروان هایك قدام شان داری برای توسیع این مظاهره صنعتی در اوروپای مرکزی بوده است

کاروان مزبور مرکب از ۱۵ موتر سیاحتی و سنگین وزن ، پاریس را به تاریخ ۱۸ ماه اپریل ترك گفته بطرف نور امبرگ عزیمت نموده وخط خود را هیا کت (چکو سلوا کیا) وین (پایتخت اطریش) بودا پست ، (هنگری) بوکارست (رومانیا) صوفیا ، بلگراد (یو گوسلاوی) که تقریباً خط ۲۰ هزار کیلومتر میباشد در روی سرکهای که اغلب آنها مخالف خرابی واقع است ادامه خواهد داد ، اطلاعاتی که برای ما از چکو سلوا کیا ، اطریش وهونگری میرسند اشعار میدارد که کاروان بصورت کمالی پذیرائی شده اند . در بوکارست اعلیحضرت شاه کارول ملاطفت کارانه پذیرائی را که توسط کاپتن موبل رو مانیا بعمل خواهد آمد ، قبول نموده است وبا ست نماید .

درهمه جا ، از ممالکی که کاروان موصوفه عبور نموده است اهالی ومطبوعات تصدیق مهارت قابل توجه سیتروئن و مسافرت مکملهٔ کاروان سیتروین موافقت داشته اند واز تصور امداد مفید کاروان مزبور در زمین احیای اقتصادی آنه ممالك خودمسرورت نموده اند .

کاروان موتر فرانسوي

از روز نامهٔ لوتان یکشنبه ۲۱ جون ـ از صوفیا تلگراف میدهند :

بعد از عبور ممالك اوروپای مرکزی ، کاروان سیتروین عصر روز چهار شنبه صوفیا رسیده است .

اعضای کاروان مزبور از طرف شاه وملکه وپرنس اودوکی در قصر ورانا ( ) پذیرائی شدند .

برای اعزاز شان ، در قصر مذکور چائی صرف شد ، که سفیر فرانسه موسیو کامبون ( ) واعضای سفارت نیز حضور بهم رسانیده بودند .

شاه مظاهران را با علاقی زیادی ملاحظه نموده یکی از توشبیل ها را معاینه وامتحان کرد .

کاروان سه روز در صوفیه توقف خواهند داشت .

جریده ای پاریزین

هیئت عبور آسمانی عارت آوردن در سو چسو رسیده است

پیکن ۷ جون ـ سفارت فرانسه مقیم پیکن امروز تلگرافی را که از رسیدن دسته چین وفه عبور آسمانی یعنی هیئت عارت آوردن ، به ۱۱ جون در سوچسو در شمال مغرب کان سو ، اشعار مینمود گرفت .

چنان مشاهده میشود ، آوازه که چاول معاون اساسی هیئت متذکره سوچسو را اشعار میکرد ، از هیچ حقیقتی ماخذ ندارد .

در مسکو قدومی ؟ کتشاف طبقات

از ۱۹ می پیند یتی پاریزین ـ ورشو ۱۷ جون ـ از مسکو اطلاع میدهند که حکومت شوروی برای پرواز طبقات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 264 of 896

اروزتیات وتهیهٔ درنظر گرفته ست بیکار خانه های شوروی ساخت یك بالون کروی را که در وسایل ونظامات خود فوق تراز بالون پروفسور بیکارد است انجام داده.

خسارات شدید درایتالیا

بنی یا رزی – ۱۹ جون

دراین ۱۸ جون – طوفان بحری که عصر روز چهار شنبه ۱۶ جون در ده ایلس ( ) حادث شده بود ، باعث خسارتی زیادی گردیده ، در هولتو زن ( ) ۱۳۰ خانه شدیداً خساره مند گردیده ، وآهن پوش های بام هائی منازل توسط باد طوفانی الی فاصله سه صد متر برده شده وقریب ۸۰ نفر زخمی گردیده اند .

دریشی مستر توماس

وزیر مستعمرات مستر توماس دریشی پوشیده است که به مدت ۳ ساعت و ۲۰ دقیقه و ۲۰ ثانیه مهیا شده شده است بدین ترتیب :

در ساعت ۸ و ۵۰ دقیقه صبح پشم را از گوسفند قیچی نمودند . بعد از هفت دقیقه آن را بدستگاه نخ ریشی سپردند . به یك ساعت و ۲۹ دقیقه صبح مکمل گردید . بعداً به ماشین بافت سپرده شد . بعد ۵۰ دقیقه یك تکه پشمی که ۴ یارد طول داشت از ماشین خارج گردید . بساعت ۱۱ و ۲۳ دقیقه تکه مذکوره به خیاط داده شد ساعت ۱۲ و ۲۲ دقیقه دریشی مکمل برای توماس مهیا گردید .

(ترجمه از اطلاعات پارس)

خبر های داخلی

شرفیابی وکلای شورای ملی

بحضور اعلیحضرت

بروز چار شنبه ۲۰ سرطان ج ع ج صدر اعظم صاحب ، هیئت محترم وزراء و وکلای شورای ملی بساعت ۱۱ بج در سالون بزرگ قصر (دلکشا) جهت تشرف بحضور همایونی حاضر شده ، انتظار تشریف آوری ملوکانه می بردند .

حینیکه تشریف آوری اعلیحضرت عموم حضار رسم تعظیم بجا آورده ، مورد الطاف همایونی واقع گردیدند .

پس ازان اعلیحضرت نصائح چند ، که ما صورت اجمال آنرا در ذیل نشر میکنیم بیان فرمودند . بعد ازان حسب الامر شهریاری ، عالیقدر جلالت مآب آقای وزیر معارف ، اصول اساسی شورای ملی (که در شماره گذشته درج است) قرائت نمودند و نیز یك یك نسخه آن برای وکلای و حضار توزیع گردید .

و آقای عبدالاحد خان رئیس شورا معروضه از طرف وکلا بحضور اعلیحضرت تقدیم نمود :

اجمال بیانیه اعلیحضرت غازی

بوکلای شورای ملی

:- عزیزان من ! احوال مرموزهٔ وطن به شما خوبتر معلوم است که در اثر انقلاب چه وقایع ناگوار وتلفات بسیاری به آن شده وهم از روحیات وجذبات عامهٔ ملت عموم چون از هر خطه واز هر طبقه ملت انتخاب شده اید زیاده تر اطلاعات دارید وهم صدر اعظم و وزراء ، وباقی کار دار های خود را که درینجا حاضر اند می شناسید که برای خیر وبهبود وترقی وطن مصروف اجرا آتند وهم صرا بدو متی می شناسید که دائماً برای سعادت وطن وملت عزیزم کوشیده ومیکوشیم .

این است که خوشبختانه امروز الهام مقدرات این وطن وجامعه بکف با کفایت شما (اشاره بطرف وکلاء ووزراء) خیرالله پشتان افغانستان میباشد باید همه ما وشما بکوشیم تا به مساعدت خدا وطن را از صدمات وآمال وفعالیت خود ها مسعود وشاد کام بگردانیم .

برای لطف وعنایت رب العزت بحد اندازه که ما وشما اظهار شکر وامتنان نمائیم کم است که به ما وشما این چنین یك وطن صفا ومنی را اعطا کرده که جای امید واقد مسلمان ها ومدفن اجداد وآبای ماست از پادشاه و وکلا و وزراء و امناء ، مأمورین نظامی وملکی گرفته تا تقری دهقان وزراع برای تماماً مسلمانان وارملك افغانستان وهمه شان بجز از فکر ترقی وتعالی صحیح این خطهٔ اسلامی دیگر آرزو ومرامی ندارند .

توفیق خداوند رفیق ما وشما گردد تامظهر خدمات نمایان اجرا آت عالیشان برای نیك بختی وبرومندی این ملت ومملکت شده خود ها را محل افتخار صغار وکبار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 265 of 896

(بقیه صفحه ٤)

و یکقطعه مشمع نیز زیر اطفال قرار داده شود که هر وقت بخواهند آنرا تغییر دهند میسر باشد.

رختخواب طفل باید حتماً در اطاق نسبتاً وسیع و پاکیزه که پنجره های آن شب و روز باز باشد تا وقتیکه طفل و رختخواب او در معرض جریان هوا واقع نشده باشد، باز بودن درب و پنجره اطاق هیچ خطری برای طفل نخواهد داشت و هم چنین عدم مرطوبی بودن هوای اطاق نیز شرط است.

مقصود از باز بودن درب و پنجره اطاق این نیست که اطفال را در معرض سرما خوردگی قرار دهند سردی هوا طفل را اذیت می کند، خصوصاً در ماه اول و دوم که طفل احتیاج بگرم نگاه داشتن او دارد ولی گرم نگاه داشتن طفل مستلزم این نیست که حتماً درب پنجره اطاق را بست مگر در مواقعی که حقیقة هوا خیلی سرد باشد و در منازلی که ساکنین آن نمیتوانند بوسیله کوران آلکتریک آن را گرم نگاه دارند ناچار بایستی گاه گاهی برای تجدید هوا پنجره های اطاق باز نمایند و این نکته باید از نظر پدر و مادر دور نباشد که طفل در اوان کودکی باندازه احتیاج بآفتاب واشعه شفا بخش آن و هوای پاك و آزاد دارد، هوا و آفتاب دو عنصر از عناصر لازمه حیه برای نمو و رشد طبیعی طفل است که نهایت لزوم را برای طفل دارد و اگر طفل از استفاده از این دو عنصر محروم باند ضعیف البنیه و لاغر و اعصابش سست و خلاصه علیلش میسازد بستن درب و پنجره اطاق طفل بدون این که علتی داشته باشد، مرض و ضعف را بخودی خود برای طفل تولید کرده اند.

جنس اناث پشه در سطح هر

۲ ـ پشه: آب را کسی در هر نقطه و مکانی که واقع باشد، روی باطلاق، روی آب حوض، روی آب چاه روی آب استخرها تخمگذاری میکند این تخمها دو یا سه روز باقی مانده سپس میتر کند و یك میکروب وجسم نوعه کوچکی بشکل کرم دراز از آن بیرون آمده که فوراً شروع بنمو را میگذارد و پس از یکهفته که اشکال مختلف را بخود گرفته است یك پشه کامل خواهد شد.

پشه در مدت حیات خود چندین مرتبه تخمگذاری مینهاید و در هر مرتبه چند صد تخم می گذارد که برای صحت عمومی انسان از طفل های خطرناك محسوب میشوند.

این طفل ها وا سطه امراض مالاریا تب و نوبه، تب زرد و داءالفیل هستند و بمحض این که روی بدن یکی از مبتلایان به این امراض مینشینند مقدار کمی از خون مریض را میکند و میکروب مرض را با خود حمل می نماید.

این میکروب در داخل جسم پشه محل خوبی برای نمو خود پیدا کرده و همین که پشهٔ مزبور روی یکنفر آدم سالم می نشیند مقداری از این میکروب را داخل خون پاك او نموده و مرض باین ترتیب باو منتقل میشود و این عمل خیلی هم سریع انجام می شود و پشه در نقل انتقال مرض مانند یك نفر مستخدم جیبی ولی خطرناك وظیفه مخوف خود را انجام مینماید و بانتیجه نه تنها باید از پشه جلوگیری کرد بلکه باید با آن مبارزه نمود.

و برای اینکه شخصاً بتوانید در منزل با این حشرهٔ خطرناك مبارزه کنید دستور ذیل را در نظر گرفته و بدان عمل کنید:

ابداً اجازه ندهید که در داخل منزل و خانهٔ خود تان، و یا باغ و باغچه که محیط بخانه است آب را کد وجود داشته باشد و لو اینکه مقدار آن قلیل باشد.

۲ ـ درب پنجره اطاق را باشبکه سیمی بپوشانید که هم هوای آزاد داخل اطاق شود و هم اینکه پشه نتواند بآن وارد شود.

۳ ـ محل خواب را در پشه بند قرار دهید بطوریکه پشه نتواند بداخل آن سرا یت ونفوذ پیدا کند.

٤ ـ اگر موفق به برطرف ساختن آب راکد در داخل خانه نشدید مقداری نفط سفید برای جلو گیری از تخمگذاری در پشه در سطح آن بریزید.

بکردانیم وتمام تلک این طبقهٔ موجوده در صحائف تاریخ زمین بساد نگو بپوند و

بر ما وشما لازم وضرور است که در انجام این مسئولیت سنگین خود ارشد قیق وتدقیق وصداقت کار بگیریم ودر همه امور خوب تفکر کنیم ودر هر فیصله وپیشنهاد خود مدقق باشیم این اختیارات را که من ازجنبهٔ دولتداری وملت دوستی وسعادت آتی این خطهٔ اسلامی بشما میدهم بصورت صحیح ودرست خالی ازهر گونه شوائب از قوه بفعل بیاورید .

زیرا که امروز چشم از خودی و بیگانه وافراد داخله وخارجه بطرف شما ست دوست ودشمن باین مسئله ناظرند که محمد نادر خان وظیفهٔ وطنیت وملیت واسلامیت خود را انجام داده ملت محبوبش را بحقوق شان ملی وریاست شورای ملی افغانستان رهنمونی ثابت یا خود شامل ساخت دیده شود که مجلس شورای ملی ازین مشارکت خود در امور مملکتداری چگونه باحکومت مساعدت واز مفاد ومحاسن آن بچه اندازه ملت را قرین فرحت ووطن را پر از مفخرت میسازند .

باید این شورای ملی افغانستان یگانه پیرو مجالس مشوره عهد نبوی وخلفای راشده باشد وتمام جزئیات ومهمات امور مملکتداری در آن ازنقطهٔ نظر اسلامیت وانسانیت وعدالت ومساوات تدقیق گردد

طوریکه حضرت عمر (رض) در موقع سنجش وتدقیق واخذ نظریه وافکار و جذبات ادنی ترین طبقات ملت هم اهمیت میداد حتی ازشنیدن آن آرزو ها وتمنیات عجوزه ها وبدو بهای صحرا نورد که متعلق بامور جامعه ومنافع عمومیه می بود پهلوتهی نمیفرمودند ودر فرصت عملیات واجرا آت از موقوف وتحت بار حوادث گرفتن سپه سالاران بزرگ نظامی وناشی الحکومه های مقتدر ملکی واقوام وعشائر جنگی اندکی نمی اندیشیدند وهمه فیصله های خود را درهمه احوال وبرهمه افراد واقوام بی کم وکاست درمحل اجراء می آوردند حتی از عظمت وسطوت قیصر روم وتاجداران فارس وامثال آن از بزرگترین سلاطین آن عصر بودند ابرو خم نکردند .

باید ما وشما هم در موقع مشوره وملاحظه نمودن اطراف ونواحی کدام مسئله مراعات کردن حیثیت تمام طبقات ملت محبوب را فائده گرفتن جذبات وعقبات ادنی ترین افراد ملت فی چیز نباشیم ولی درموقع اجرا آت و آثار عملیات ، همه آن افکار و آراء خود را که بطریق اولی مشروع غرا ومتمم بترقی وتعالی دنیا وعقبی ماست متوکلاً علی الله باید درمعرض تطبیق واجرا بگذاریم .

البته همهٔ تان مطلع خواهید بود که مسلک من از ابتدا الی الآن همین طور بوده است از قدیم بالا ایام همه حرکات ورو شهایم را بطبق مقررات شرعی وعرف وعادات ملی قرار داده دائماً حسیات وجذبات عامهٔ ملت وسعادت وطن را مراعات کرده ام ومیکنم من همیشه فکری بجز از شرافت وعزت این وطن پاک وسعادت ومفخرت ملت محبوبم نداشته ام و نخواهم داشت .

من کاهی در برابر حق وحقانیت وعزت وشرافت مملکتم از عظمت وقدرت جانب مقابل نهیندیشیده ام وبعد ازین هم بمعاونت خدا نخواهم اندیشید .

من ابداً در برابر مشکلات ومصائب بزرگ از خیر ملت خود منصرف نشده ام وانشاالله تعالی بعد ازین هم از خیر عمومی نخواهیم گذشت اگرچه در مقابل خود انواع مصاعب ومشکلات ویا اصرار افراد وعدم موافقت بعض اشخاص کم تجربهٔ ناعاقبت اندیش ویا کدام دستهٔ مغرض را هم مشاهده کنم .

اینک بطور مثال شما آن اشکالات وموانع را بخاطر آورید که در موقع جهاد استقلال بمن عاجز از هرجهت وهر جهت عائد بود ولی من در برابر همهٔ آن محض بجهت حصول استقلال ونجات برادران افغانستان بمعاونت الله العالمین تمکین کردم .

همچنین در موقعیکه سقو زاده رقم رقم تخویف نشان میداد ومرا از اذیت دادن وحبس نمودن و کشتن شصت وچند نفر خاندانی من تهدید میکرد من همهٔ آنرا بلی ناتوانی وجسم بیمار خود برای نجات وطن وخلاصی ملت محبوبم از گرداب ولنج ومحن متقبل شدم ، همچنانکه از جنگ وشکست وتخویف وتهدید

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 267 of 896

مجه سقو مرغوب تشدم و در شوره و تطمع و عقد ولایة او نیز اهمیت ندادم.

هکذا در موقع تسخیر کابل و محاصره ارگ محض جبهه و راحت هزارها فامیل و خانواده های فقط نسبتا جلب خاطر به شاه ولیخان فاتح کابل امر دادم که با وجود خطره آتش گرفتن حبس خانه و سوختن تمام محبوسات ارگ که دران ضمن تمام افراد خانوادهٔ من هم میباشد علی الفور ارگ را تحت بمباردمان شدید بگیرد تا وطن از این گرداب محن یک آن اول تر وارهد زیرا که من یکجان مسرت و تشکر آنها که همه خانوادهٔ خود را در بدل راحت عمومی قربان می نمایم چنانچه ارگ باحر من بمباردمان و شعله افشان شد ولی خدای پاک چون از ارادهٔ خیر ما شعله وقت غرض ما آگاه بود طوری که نار را بر خلیل خود گلزار ساخته درین موقع نیز رب جلیل نه تنها بالله وقایه بل مرا بلکه صرفا سرالله [illegible] از همه آفات و بلیات تحفظ و یک جهت [illegible] بار [illegible] سالمت [illegible]

در موقع برداشتن بار گران سلطنت که من آنرا بنابر تکلیف حتمی و اصرار ملت قدر دانم از نقطه نظر خدمت به مملکت دران وقت بار یک پر زحمت که عموم دوستان از شیرازه بندی آن اوران ازهم گسیخته حکومت گرفتار دنیا و ملالت و نیاه و دشمنان ازان اقدام من که درحقیقت خیلی مشکل و صعب بنظر میرسید در تعجب و حیرت بودند منتقل شده نیز علی الرغم دشمنان عزت و شرف ملی وحسب مطلوب دوستان و محبان صحیح مملکت افغانی طوری جد یافته و فدا کار را نه بمساعدت ملت قدردان و مامورین صادق داخل میدان بجاآمده شده ام که بفضل الهی در وهله اول ازان مهاجمه شدید سقویها که از چهار طرف مرکز دارا تهدید گرفته بودند بدرستی جلوگیری کردیم و حالت جنگی و نفاق را بالمره تا که وتاه اقوام و عشائر را به اخوت و اتفاق تبدیل کرده ساختیم خلاصه در وقت جلوس من در جبه خانه یک تفنگ و در خزانه یک پیسه و در دوا از یک گلیم و یک شیشه نمانده بود از لطف پروردگار اینک درین مدت قلیل آنهمه تنگی ها تبدیل و همه آن اوضاع یأس آور به مناظر مسرت آور تبدیل و جبه خانه های آن جان گرفت و عسکر ان سر از نو تشکیل و منازل ترقی را پیموده است خزینه آن دخل و خرج خود را پوره کرده میتوانند و دوائر آن نه تنها تنظیم یافته بلکه مامورین آن به مصروف اجراآت مفوضهٔ خود میباشند.

چنانچه در سر تاسر وطن از فضل الهی قسمی امنیت و آرامی کلی حکم فرماست که نظیر آن در اعصار ماضی کمتر بنظر می رسد ولله الحمد تمام امور به مجاری اساسی خود جاری است.

بعد ازینکه از مهمات امور فراغ یافتم و نظم و نسق امور صعب در حمت طلب مملکت داری را به اساس صحیح نمودم امر دادم تا وکلای ملت جهت شورای ملی انتخاب و به مرکز حاضر شوند لله الحمد شورای ملی را که از آرزو های قدیمی من بود تشکیل کرده و امروز آن صلاحیت و وظائف شما را که درین کتابچه مفصلا مندرج است و شاهان ماضی آن را بنابر اغراض شخصی خویش در دست داشتند محض جهت آرامی اساسی و مرفه الحالی دایمی ملت عزیزم بشما می سپارم.

او وثق الهی توثیق این مجلس عالی باشد تا این قدم نخستین خود را درست و این وظائف اولین خود را انتقالا به متعدد انه وصمیمانه برای خیر و بهبود ملت وملک و مساعدت حکومت انجام و خود ها را نزد خالق و مخلوق نیکنام گردانند.

معروضه مجلس شورای ملی

اعلیحضرت تا! همچنانکه در موقع افتتاح شورای ملی ما وکلاء عرائض بیساخته و علاقات صادقانه خود را بحضور شهریار شاه فداکار غازی خود تقدیم نموده ایم مکررا امتنان و تشکر داده عرض میکنیم که اعلیحضرت از نیت پاک حقوق بخشای بر کشور ما بلند تر از حدس و تخمین ما بما چنان صلاحیت ها و حقوق را اعطا و کرامت فرموده اند که تنها به آغاز کار وقلت تجربه [illegible] وتبعی که این مجمع نخبه ملی در مجموعه امور مربعه

مملکتداری دارند بسیار بلند و عالی است هرچند نظر باین اعطاف شهریاری که فعلاً همه ما از تاثیر آن هیجان مسرت و خوش حالی هم آغوش شده ایم که هیچ یک الفاظی را که مظهر این جذبات قدردانانه ما شده بتواند یافته نتوانم بجز اینکه بگویم الهی در هر دو جهان نیکنام و شاد کام و باانواع لطائف خداوندی فائز المرام بوده سالهای متمادی برای صلاح مقدرات حال و آتی ما زنده باشید و بهمه آمال و جود که برای مزید سعادت دنیوی و اخروی ما دارید کامگار شوید ما از حضور همایونی خیلی ممنون و متشکر خواهیم شد اگر ذات شاهانه دراین وظائف وصلاحیتی که از لطف و روا داری شان برای ما وکلا اعطا شده است دست معاونت خود را دراز ونظر شفقت خود را از ما دریغ نفرمایند و مانند استاد مهربان با ما معامله نمایند ؛

حقیقةً که ذات شاهانه در همه مواقع خدمات مهمی را برای خیر و سعادت ملی ما انجام و در افتخار و اعتبار وطن از مساعی خود افزوده اند که مهم ترین خدمت شان امکان بقای ملت و حصول استقلال و نجات وطن و قبول کردن بار گران سلطنت است در حالیکه از در و دیوار فلاکت و نکبت میریخت و سقوی ها بنای معاندت را به پیمانه وسیعی در سمت شمالی گذاشته بودند اگر ذات شاهانه خدا نا خواسته درهنگام انکار شان اصرار میفرمودند البته که با وجود همه صرف مساعی شان فغانستان و خصوصاً مرکز کابل دانه وار دربین آسیاب دو طائفه سرشور آشوب پسند که مقصد از مردم شمالی و جنوبی است میماند در حالیکه ملت بجز از وجود مسعود شما دیگر هیچ یک شخص جامع لاو صافی را سراغ نداشتند که تمام طبقات بر محاسن ومزایای او مجموع و مصائب از سرشان بقوهٔ شمشیر و نیروی تدبیر او یکیلی دروطن مرفوع گردد .

چون ما باین نکته خوب تر متحسس ایم که بار ما سنگین و مسئولیت ما به نزد خدا و رسول و ملت و حضور اعلیحضرت زیاد است و تمام دوستان و دشمنان بعد از افتتاح شورای ملی منتظر اجرا آت و عملیات ما میباشند تا ببینند که ما این صلاحیت و وظائف معطیه ذات شاهانه را بصورت صحیح استعمال میکنیم و یا خدا نا خواسته دران از ما غفلت و مساهله و عدم دقتی واقع میشود لهذا به درگاه خدا دعا میکنیم تا بما معاونت حکومت مبذول شود که حسب مطلوب اعلیحضرت و عامای ملت و انتظار از خود و بیگانه مصدر اجرا آت عاقلانه که ازان رضای خالق و مخلوق وخوشنود شما باشد بشویم و اینطور نشود که خدا نا خواسته مورد مسخره و مضحکهٔ از خود و بیگانه بوده در میدان خجل و شرمسار بمانیم .

اعلیحضرت ! البته در هیچ وقت من معاونت و مساعد خود را از هیچیک فرد ملت خود در شئونات مملکتی دریغ نمی نمایم خصوصاً در اموریکه به ملیت و وطنیت تماس دارد بیشتر علاقمندی و دلچسپی دارم ازین جهة برای هرگونه کمک و مدد گاری شما حاضرم و در همه وقت من برای اعطای آن آماده هستم ولی بهتر است ما و شما و حکومت متبوعهٔ ان در تمام اجرا آت خود فقط بفضل و مرحمت الهی متوکل و متکی بوده ، در هیچ امر بجز از او از دیگر معاونت نخواهیم . دعا میکنم که در همه امور خدای غفور حافظ و ناصر ملت وحکومت و مملکت فغانستان باشد (غریو عمومی آمین آمین) .

بالجمله این مجلس مهم تاریخی بساعت ۲ نیم اختتام یافته ، عموم وکلا و وزرا را بمشایعت اعلیحضرت بر میز مکلف اطعمه که قبلاً بشرف ضیافت وکلا بامر اعلیحضرت ازطرف وزارت دربار حاضر و اماده گردیده بود نشسته در اثنای تناول مذاکرات اخلاص کیشانه بصرف طعام و قوا که متنوعه پرداخته ، بعد از ادای نماز ظهر از حضور اعلیحضرت عموم وکلای و وزرا مرخص شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 269 of 896

اعلان ادارهٔ جشن استقلال

بعموم هموطنان عزیز اعلان میشود ، درین سال فرخنده فال ، سیزده همین جشن استقلال افغانستان بتاریخ ۲۲ برج اسد ۱۳۱۰ بنطق اعلیحضرت معظم غازي وناجي استقلال بخش وطن افتتاح وهشت شبانه روز تزئینات عالي العال ونمایشات دلچسپ بیک تزک واحتشام فوق العاده دوام کرده به ۲۹ اسد اختتام می پذیرد.

محل انعقاد این جشن بزرگ ملي که بالنسبه سالهاي ماضي ترتیبات آن بدرجه هاي بلند وعالي گرفته شده چمن حضوري کابل است.

ذواتیکه میتوانند در عملیات ونمایشات آتي الذکر مصدر اجراآت قابل تقدیر شده از سائرین درمهارت ولیاقت خود داراي امتیاز گردد لطفاً یک آن اول تر در ادارهٔ جشن بچمن حضوري حاضر شده خود را معرفي نمایند :—

نوع نمایشات

۱ اسپ دواني — ۲ بایسکل دواني ۳ پهلواني — ٤ چوب بازي — ٥ فیل دواني ٦ خر دواني — ۷ مسابقهٔ آدم ۸ ، شناوري یعني آبازي ومسابقه در آب ۹ ، اتن عسکري ، ۱۰ هدف زدن عسکري وملکي به نشان تفرقي — ۱۱ زدن آهو وخرکوش مصنوعي به تفنگ دیده تیر در حین رفتار ، ۱۲ زدن قبه به تفنگ دیده تیر در حین حرکت ، ۱۳ الالعاب عسکري ، ۱٤ رسم مرور گذشت عسکري ۱٥ قطار تپاي عسکري ، ۱٦ نیزه بازي بالاي اسپ ، ۱۷ آتش بازي ، ۱۸ اتن ملي ، ۱۹ فوت بال ، ۲۰ تنیس ۲۱ والیبال ۲۲ هاکي ، ۲۳ جمناستک ، ۲٤ کشتي راني ، ۲٥ خواننده هاي ملي وشعراي وطني ، ۲٦ اقسام نمایشات تفریح داخلهٔ کارنیوال ، ۲۷ سینماي عسکري ، ۲۸ نمایش صنعت وحرفت که بذریعهٔ وزارت جلیلهٔ تجارت قرار اعلان علیحده اجرا میشود ۲۹ نمایش زدن کبوتر مصنوعي که بتوسط وزارت جلیله دوبار اجرا میگردد ، ۳۰ نمایشات سه گانه که یکنفر تاجر کابلي محض بواسطهٔ خوشي اهالي ووار دات تجارتي ازهند خواهش کرده حین رسیدنش قرار هدایت اجرا خواهد کرد ، (سرکس) ۳۱ مسمریزم ، ۳۲ شعبده بازي ، ۳۳ خواننده هاي هندي .

فوقاً جهت استحضارات عموم بذریعهٔ اعلان هذا ابلاغ گردید تا مشترکین میله موصوف شمولیت ورزیده در اثر نمایش خود انعامي که از طرف حکومت تعیین وتخصیص شده نائل میشوند . تحریر یوم یکشنبه ۳ ، اسد ۱۳۱۰

سواد تلگرام تبریکیه

اعلیحضرت همایوني بعنوان

اکسلانس رئیس جمهور فرانسه

بمناسبت روز تاریخي وجشن ملي فرانسه تبریکات صمیمانه واحساسات ارادتمندانه ام را بجناب اجل وملت نجیب فرانسه اظهار وتمناي سعادت شان را مینمایم .

(محل امضاي : اعلیحضرت)

سواد تلگرام جوابیه

جلالتمآب رئیس جمهور فرانسه

اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه افغانستان : نسبت به تلگرام مطبوع تبریکیه اعلیحضرت شما شدیداً اظهار تشکر نموده عظمت وآبادي مملکت شما را آرزومندم

(پول دومر)

اعلان

ذوات محترم که مائل اشتراک مجلهٔ کابل هستند بخود ادارهٔ انجمن ادبي یا باداره اصلاح ، ادارهٔ انیس مراجعت نموده بعد تحویلي پول بدل اشتراک مجله یکي از ورقه هاي اشتراک که مخصوص معرفي مشترکین مجله میباشد صورت در خواست خود را تحریر وامضاء

فرمایند تا بعد از آن مجله بعنوان ذوات موصوف از روي آدرس وعنوان که در ورقه تصریح میدهند فرستاده میشود .

خبرهاي خارجي

روتر اول اگست

راپورت کمیسیون اقتصادی حکومت پس اندار ۹۷ ملیون استرلنگ را که در آن ۶۶ ونیم ملیون تقلیل مصارف حربیه نیز شامل است ، در مدت یک سال کامل وضع ادارهٔ فروش امیر طوری را سفارش میکند نیز سفارش می نماید که معاشات تابه خدمات حربی بوایس ومعلمین کم شود ، وتجدید تحقیق مسئله تنقیم در مدافعه امپیراطوری وامکان تقلیل مصارف مدافعه حربی را بدون دوچار نمودن مسئولیت ملی به مخاطره سفارش میکند .

روتر اول اگست :

از ماسکو راپورت میشود که مسارس جانس که از میدان طیاره چین برای پرواز به طرف توکیو حرکت نموده است مجبوراً در شراج در نزدیکی دری لنک در سایبریا فرود آمد .

گراف زپلین که در این روزهای ها به طرف قطب شمالی پرواز نموده است چند جزیرهٔ جدید را کشف نموده و در عین پرواز خود زیاد از پنجاه هزار کیلومتر ربع زمین غیر مکشوف را در نقشه داخل نموده است قرار بیان پروفیسر روسی سمویلو وچ که یکی از جمله ساکنین در آن جهاز مذکور بود بعضی از جزیره هائیکه در خریطه موجود است وجود ندارد .

روتر ۳ اگست

قرار اطلاع سینل طیاره ران را ورد جونز که در اوائل ماه گذشته سعی نمودند از سینل تا به توکیو پرواز کنند و تا کالا شده بودند در روز یکشنبه برای مرتبهٔ دوم به پرواز غیر متوقف تا به توکیو اقدام نموده روانه شدند یا بصورت اتمام پنج هزار سترلنک را که روزنامه جاپانی (اساهی) و کوپ مقرر نموده است بگیرند .

دیبون مریض است

قرار تلگرام بیوار کت راجع به تدین کاشف مشهور اطلاعیه بیان میدارد که مذکور به مرض دیابیس مزمن گرفتار است .

حالا در تحت اذاوه آمده است و مرض التهابات گرده او رو باصلاح گذاشته است . در عصر روز شنبه دفعتاً بیهوش شد مگر بالآخره خوب شده در شام استراحت کامل داشت .

پرواز

پیغام نیویارک مظهر است که گاتی وپوست پرواز کنندگان دور عالم بساعت ۳ / ۴۷ ظهر وارد گردیدند هر دو آشخاص مذکور بعد از دوره زدن کره در هشت روز و پانزده ساعت و پنجاه دقیقه خیلی خسته شده بودند .

دار العوام

حکومت در شام روز یکشنبه بمخالفت دیگری در دار العوام گرفتار آمده بدین علت که نمایندگی پیشنهاد خارجی که از امور انتخابی و معرفی نمودن رائی دهی تناولی بحث می کرد در کمیته تحت غور بود وزیر میرس که از طرف حزب محافظه کار جهت تحدید رائی تناولی در انتخابات به قصبه های لندن (بجز شهر لندن) و قصبه های دیگری که بیشتر از دوصد هزار نفوس داشته باشد به هشتاد رائی در مقابل ۲۹ بر خلاف حکومت موفقیت حاصل نموده .

مذاکره بین فرانسه و امریک

قرار اطلاع پاریس فلاندر وزیر مالیه در روز یکشنبه ظهر مذاکره طولی با مالن (وزیر خارجه امریک نموده راجع بان مذاکره سکوت اختیار نموده است . معهذا گمان میرود که امورات بصورت اطمینان بخشی جریان نموده است . مذاکرات بساعت ده صروف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 271 of 896

باز شروع خواهد گردید .

تلگرام واشنگتن مظهر است که کابل وزراء موجوده در یک ملاقات بیان نموده که در پاریس مذاکرات بوضعیت موافق جریان داود و ما در باب نتیجهٔ آن خیلی خوش بین می باشیم .

قهرمان تنیس

فرولین او سم (جرمنی) در تماشای تنیس انگلستان دروم بلغن فرولن کبراء ونکل را با ۶۹ / ۲ و ۷ / ۵ مغلوب ساخته عنوان قهرمانیت را گرفته است . در حالیکه شده بود (امریکا) بمقابل فرانک تبلر قهرمانیت مردان را گرفته است و شخصی امریکی دریک مسابقه وسطی در مقابل بوده تا پایش افگار شده و بنابر آن از مسابقه آخرین صرف نظر نموده است .

گراف زپلین

روتر ۲۵ جولائی

تلگرام برلین مشعر است که گراف زپلین در روز جمعه پرواز فی و کشفیات جوی به طرف قطب شمالی از فریدرک هافن روانه شد و به لنین گراد رفته از انجا از راه ارکنجل به طرف قطب شمالی خواهد رفت .

انعام شاهی

روتر ۲۶ جولائی

انعام شاهی مسابقه هوا پیمائی گردا گرد برطانیا را ادارهٔ هوا پیمائی شاهی به توسط طیاره وانان خود که در طیاره های مخصوصی به صورت اشخاص غیر مسلکی پرواز می نمودند حاصل کرد . افسر پرواز ایه وردمدو بیت لاك کورن اول و افسر پرواز کینز در طیارهٔ سبا زمین دوم نمره را گرفتند .

تلگرام لنین گراد بیان میدارد زپلین آنجا فرود آمده است .

تلگرام پاریس بیان میدارد که فرانسه در مسابقهٔ انعام دیوس برطانیه را به دو موفقیت به مقابل یك مغلوب ساخت و دیروز در مسابقه مضاعف کوشت و برگنن کنگنس و بکر را به ۶ / ۱ و ۵ ۷ و ۶ / ۳ و ۸ / ۶ مغلوب ساختند

سقوط طیاره

قرار اطلاع بخارست دریك طیارهٔ که در میان قسطنطنیه و بخارست پرواز می نمود و بر فراز کراناویت آتش گرفته افتاد چارنفر انگلیس نیز بودند . نفری طیارهٔ مذکور کاملاً سوخته و زشناخت بدر آمده بودند اسامی دو نفر انگلیس ولیمز و کروج بود و از سمر نابودند

روتر ۲۶ جولائی

تلگرام لندن بیان میدارد که سرهو برت ولکنس امید دارد عصر روز دو شنبه از بلای موت بر کشتی تحت البحری ناتیلس که در آن می خواست به قطب شمالی برسد ، به طرف ناروی روانه گردد . در روز شنبه از تحت البحری مذکور بعد از مکمل شدن امتحان غوطه خواری گرفتند و برای ۲ ساعت در تحت آب رفته در عین زمان متصلاً با تحت البحری برطانیا مخابره داشت .

روتر ۲۷ جولائی

تلگرام پاریس میگوید که فرانسه متوافقاً برای پنج سال است انعام دیوس را نگاه داشته است . در دو مسابقهٔ واحد که در روز یکشبه واقع شد آملن وبروترا را به ۷ و ۵ ، ۶ و ۱ ، ۲ و ۶ ، ۷ و ۵ وکوشت بیری را به ۶ و ۲ ، ٤ و ۱ ، ۶ و ۲ ، ۹ و ۷ ، ۶ و ۳ مغلوب نمودند و بایصورت فرانسه به سه موفقیت به مقابل دو غالب آمد .

روتر ۲۸ جولائی

مس امی جانس که به همرای مستر همامب سیارز از میدان طیاره کرایدن برای موقف اولین پرواز خود تا به توکیو روانه شده بعد از چند ساعت خوب در اینجا مس جانس ساعت ۱ و ۳۰ صبح به طرف برلین روانه شده است وامید دارد درده ۱ گست به توکیو رسیده در انجا یك هفته قامت کند وباز به طرف وطن پرواز نماید .

تدقیقات طبقات الارضی وحفریات

مسکو ۲۸ جولائی — یک جمعیت مدققین طبقات الارضی برای تدقیقات مواقع معادن در جزیره نمای کرچ در ساحل بحر آزوف به کرچ رسیدند ذخیره این معادن به ملیاردها تون مهرمد ماشین خانه های فلز کاری جدیدی در سواحل بحر آزوف نا حدی اپول ولا کلاز ده که تعمیر نموده خواهد شد . هیئت حفریات

که برای تدقیقات شهر غرق شده خبر موریس رفته بود حصه جنوب دیوار های مدافعه برج های جنگی دخانه های شکسته شهر مذکور را اکتشاف نموده.

(تاس)

گراف ژیپلین در لینین گراد

مسکو ۱۸ جولائی – ۵۰ جولائی بساعت ۸،۱۰ دقیقه دیرنژابل گراف ژپلن که با طیاره ها محاط شده بود بر بالای شهر لینین گراد نمودار گردید. دیرنژابل مذکور در تحت آواز های موزیکه و کف زدنهای هزار ها نفر سیرچیان بر میدان طیاره یک دوری زده نزول نمود. برای خیر مقدم از طرف شورای لینین گراد ایوانوف واز طرف قوماندانیت نظامی لینین گراد، بیلوف ونماینده های جمعیت طیاره شوروی و رئیس آکادیمی فن وسفیر المان در س س س ر فون دیرکیس قیام نموده بودند. دکتور ایکنر از حسن پذیرائی ایشان تشکر نموده اظهار کرد: «ما بسیار ممنون هستیم که چندی در لینین گراد درنزد چنین میز بانان مهربان ومهمان نوازی فوق العاده توقف نمایم».

در دعوتیکه بشرف مسافرین دیرنژابل گراف ژپلین در آیرودروم لینین گراد داده شده بود دکتور ایکنر قدح خود را برداشته گفت: باید دیموسطین یا تسیشیرون (دو نفر از ناطقین و صفحه‌ای مشهور یونان وروم) باشد که حسیات مشترکین هیئت را بعد از چنین پذیرائی شایانی اظهار نموده بتواند. ما بسیار ممنون هستیم که در مملکتی می باشیم که تجربات اجتماعی تمام دنیا در آن کرده میشود و برای اینکه مساوات مادی ومعنوی رنجبران را ترقی بدهد یک وضعیت خسته گی ناپذیری کار میکنند. ما می بینیم که مساعیهای فوق العاده را که س س س ر با وجود همه مشکلات حاصل نموده است. در ۲٦ جولائی ساعت ۱۱ وده دقیقه گراف ژپلین از لینین گراد پرواز نموده. به ساعت ۱۹ ژپلین بر شهر ارکنجلسک رسیده.

سامویلو ویچ رئیس حصه علمی اظهار نموده که خط مشی که باید ۵ – ٦ روز دوام میشود بعد از مشوره لینین گراد لایتغیر ماند. رصد خانه قطبی لینین گراد ارتباط لاینقطع را با دیرنژابل ترتیب نموده و در یک شبانه روز هفت دفعه وضعیت هوا را به ژپلین اطلاع خواهد داد. ژپلین با رادیو استاسیونهای جرمنی ناروی وسایر اینکه دیگر همیشه ارتباط خود را محافظه خواهد نمود. در عین زمان بجهاز هوائی چند رادیو کار خواهد کرد. قرار اطلاعات آخرین وضعیات حوادث الجوی در اطراف منطقه منجمد شمالی بهتر شده میرود.

(تاس)

ترکیه

مسابقه فوت بال ترکیه و شوروی

مسکو ۲۵ جولائی – تیم فت بال بین المللی ترکیه در اول ماه اگست برای ملاقات با فت بالیستهای شوروی در مسکو خواهند آمد.

تیم فت بال مذکور دفعه اول در سال ۱۹۲۵ در س س س ر بودند.

طیاره مسافرتی جدید شوروی

مسکو ۲۵ جولائی – طیاره مسافرتی انت نمبر ۱٤۰ که در ماشین خانه موسسه آیرو – هیدرودینامیت مرکزی مسکو جدیداً تعمیر شده است، در اوائل اگست پرواز امتحانی خود را خواهد نمود. طیاره مذکور تماماً از مواد شوروی ساخته شده است الی ۳۲ نفر مسافر خواهد برداشت و وزن آن ۱۷ هزار کیلو گرام است. بعد از پرواز امتحانی مجهز گردیده اول به اول مسکو – نوو و سیرسک ولادیو ستوک را که ده هزار کیلومتر مسافه است پرواز خواهد نمود. طیاره پنج موتر دارد و هر موتر ٤۸۰ اسپ قوه دارد.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 273 of 896

مؤلف له پلاتیه فرانسوی (۱۲) مترجم : حبیب الله طرازی

مادام سان ژین

فصل ششم

(مشروبات فروش سیزده هم)

« وقتیکه محاربه شروع شود ، تو مثل دیگر زن ها نخواهی بود که در کنجی نشسته و بگریستن مشغول شوی ، بلکه از خط به خط دیگر حرب عبور کرده برای مدافعین وطن جرئت و رشادت میدهی و برای خسته گان از کار زار قدحی تقدیم میکنی . آه ! آن یك قدح یك مشروبات فروش در فتوحات کار بارود و فشنگ را میکند . چه یك حیات با شرافتی ! اگر قدری از حال جوانتر می بودم فوراً در خواست میکردم مرا اجازه همراهی الازار بدهند …

ولی افسوس که توان کافی برای این اقدام در من موجود نیست . مگر حیرانم که حال این طفل بیچاره در وسط از دو گلوله که گله ها ایکرک آسا میریزد چه خواهد بود ؟ »

کاترین : « ازین باعث پریشانی بخاطر راه ندهید . من به حیث یك مشروبات فروش حق نگاه داشتن یك اسپ و کالسکه را دارم . هر دوی آنرا هم از فروختن اثاثیهٔ دوکان خودم تهیه کرده ام این بچه که در کاروان ما بهترین راحت را خواهد داشت و از پسر ژرژلال زیاد تر حمایه و پرستاری خواهد دید ! »

درین اثنا لازار و رفیقش بر گشتند ولی نه به وضعیتی که رفته بودند ، بلکه

هوش با چهرهٔ بی رنگ و سری با دستمال خون آلود بسته در حالیکه بر بازوی له فیور خود را آویخته بود بدکان داخل شد

مادر هوش بدیدن پسر خوانده خودش نعره زد : « آه ، خدای من — او را زخمی می بینم ! کجا بودی ؟ بخیالم ترا کشتند ؟ ایوتسان له فیور چرا گذاشتی پسرم را زخم زدند ؟ »

هوش خنده کنان گفت : « مادر جان له فیور را متهم نسازد ! در کار بی اهمیتی که قابل تذکار نیست او شاهد من بوده است . این زخم چیزی نیست — یك زخم خفیفی است که مرا از خوردن طعام هم باز نخواهد داشت .

در اثنائیکه کاپیطان چاك بزرگ پیشانی اش را که (زخم خفیف) می نامید می شست له فیور به کاترین فهمانید که باعث این حادثه خود او بوده است .

مشروبات فروش از حیرت نعره زد من و باعث زخمی شدن لازار ؟ مجالم هزیان میگوئی !

له فیور : « هزیان نه می گوییم ، بلکه حقیقت میگوییم . این (دو بلیو) را بشخصی کرد که او تکرار میکرد که تو در دهم انگشت استرباتی را در اطاق پنهان کرده بودی » .

کاترین : « آه عفریت ! کجا است آن بد بخت که او را پارچه کنم ! ای کاش بدو رسیده بتوانم ! » .

له فیور : « در خسته خانه با یکشنو زاخ اعلیٰ از دست لازار افتاده است که به شش ماه هم بر نخواهد گشت . وقتیکه بر گردد من او را استقبال خواهم کرد ! »

لازار : « رفیقم له فیور من و تو برای کارد های خود مان استعمال بهتری خواهیم یافت ، برای او همین قدر کافی است وطن در خطره و تهلکه و به جمیع قوت وقدرت ما محتاج است بیا که از همه این رنجش های با همی وشخصی بر کنار آئیم این بد نهاد که زن دوست مرا تحقیر کردن خواست ومن هم درس عبرتی باو دادم . »

مادر هوش : « مگر تو با این چه خواهی کرد ؟ » .

لازار بر میز نشسته جواب داد : « بلی این زخم اهمیتی ندارد . از حال خشك شده است . این را گفته ولازار چه که جبینش بدان بسته بود بر داشت و به خوردن نهار مشغول گردید .

این زخم بود که بعد ازان تاریخ علامه فارقهٔ فاتح (سامر او) موت (شده ماند .

فصل هفتم

([illegible]ات)

« در این جا نخواهند ایستاد … آنجا چنانچه من گفتم آیا شنیدی که پوسته چی گستاخ در حین گذشتن ازین جا تا زیانهٔ خودش را بطور استهزا بطرف ما حرکت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 274 of 896

داد ؟ »

« مسافرین گم شده میروند ! »

کسی ! که بیکی را هم ندیدم . این شخص هم در مهمان خانهٔ « شیر طلائی » خواهد ماند . »

این بود سوال وجوابیکه درین صاحب مهمان خانه « اسب سفید » وخانمش ، که منتظر ورود مهمان ها در مقابل دروازهٔ هوتل خود ایستاده بودند ، واقع گردید چون همه مسافرین از آنها گذشتند و کسی در مقابل آنها نایستاد هردوی شان آه سردی بر آورده خاموش ماندند .

کالسکه آخر بیسکه به تیزی گذشت وصاحب مهمان خانهٔ « اسب سفید » را مایوس گذاشته بود ، بشام روز دهم اگست از پاریس روانه شده بود . اغلباً این کالسکه آخرین بود که از « قرانطین » اطراف پاریس عبور نموده بود ، زیرا در شب ۹ اگست بعد از آنکه وطن خواهان تصمیم گرفته بودند که علی الصباح بر (تویلری) هجوم ببرند ، حکمی صادر شده بود که هیچ کس را مجال خروج ودخول پاریس نبوده .

(بارون لوندال) ازین حکم بواسطه دوستان خودش اطلاع یافته عروسی خودش را با مادموازل بلانش معلق گذاشته تهیه مسافرت خودش را به تعجیل نموده است . چون متاجر عروسی محصولات دولت بود نه میخواست که گریبان خودش را بدست نیاید . کسی حقوق ملت بدهد . بارون در شکه چاپاری را کرایه نموده باهمکارهٔ خودش موسوم به (ابو نارد) از پاریس آمده است .

برای اینکه از پاریس ومضافات آن به بسیار سرعت عبور کرده باشد تمام شب را در حرکت بود ، هیچ جا راحت نکرده تا آنکه عراده های در شکه بر سنگ بست جادهٔ (کیر ری ـ آن ـ ولواه) به نهیب سپیدهٔ صبح باواز شده ، بارون برای اینکه نسیم فرحت بخش سحری را استشمام کرده باشد سر خودش را از دریچه در شکه بر آورد . چون اسپ ها کاملاً از حال رفته وقابل حرکت نبودند ، بارون از وقت استفاده کرده حکم اطراق را در هوتل (دولا پست) داد تا از انجا یک زوج اسپ جدید و تیار کمک نمایند .

بعد از روزیکه لوئی شانزده هم قصد فرار را کرده بود ، (وارن) بیاد داشته شده بود عبور در شکه های چاپار در هرقصبه موجب اجتماع بیکاران که هر کدام شان بفکر گرفتار کردن یک زن مدام مستبد بودند ، می شد . از کال زمانی طالع بارون حینیکه کالسکهٔ چاپار او در (کریپی) داخل می شد ، وطن پرستان هنوز خواب و بیکاران از خمار شب سر گران بودند .

در اثنای که بارون در مقابل کاسه شو کولات جوشان که صاحب هوتل برایش مهیا کرده بود می نشست او نارد ملازمش در یک گوشهٔ اصطبل جا گرفته در مقابل فانوس روشن مکتوبی که مادموازل دولا وان بادو عدد (لوئی) اقسم رشوه باو داده بود زیرورو میکرد . اشکام کیدهٔ بلانش که باید مکتوب را به بارون بعد از عبور قرانطین بدهد وهم از دادن (لوئی) رشوه دل جیبی اورا در عنوان مکتوب زیاده ساخت وبه خیال اینکه فهمیدن اسرار این مکتوب برای او نافع خواهد شد ، اراده نمود که آنرا باز کرده به خواند چنانچه تیغ چاقوی خودش را بشعلهٔ فانوس حرارت داده لاک لفافه را بکمال سهولت بر داشت وبه خواندن سطور ذیل کامیاب گردید :—

« آقای بارون ! علاوه برین وهم بسبب وقایعیکه بعد ازین بظهور میرسد ، فریب نخورده باشید ، فرضهٔ خودم میدانم که اقرار دورنا که ذیل را بنمایم : شما رضای پدرم را در عروسی که اغلباً دران سعادت ومحبت توقع دارید حاصل کرده اید ، ولی از ازدواج من یکی آنرا هم تصاحب نخواهید کرد ! الان عروس شما از شخص دیگری است ومحبت او را مالک گردیده ! این محبت را معاوضه که در خور آن است به من داده ، در دنیا هیچ لوم وقدرتی مرا نسبت به پدر فرزندی وفا ثابت کرده نه می تواند . »

(باقیدارد :)

(طبعهٔ بیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 275 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 276 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ ،
طلبهٔ معارف	۷ ،
در ممالک خارجه	[illegible]۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که توسط حواله دوات فرستاده میشود باید
رسید خوش و معاوضه باشد

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 278 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 279 of 896

شماره ۱۱۵ | مجلد ۵

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارگ
موسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱۸ اسد ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۲۵ ربیع الاول ۱۳۵۰

پاینده باد استقلال ما

باری دلدادگان این خاک محبوب و این سرزمین دلپسند حق دارند بر خود ببالند زیرا سیزده همین سال است افراد ملت افغانستان در تحت ظل رحمت خداوندی و به مساعدت و یاوری بخت مقبل بیادگار آن روز مقدس و میمون آن زمان سعادت اقتران که در اثر مجاهدت و جان فشانی های فرزندان رشید و سربر آوردهٔ خود حریت و استقلال کامل خود را از دست تعدی و تسلط اغیار به نوک رجیمه های خون آلود تفنگ و برق شمشیر های تیز آبدار خود رهانیده بودند نمره های هیجان خیز مسرت و حبور خود را بر افلاک میرسانند و فرد فرد نوباوگان چمنستان این سرزمین بهار آغوش بکمال شطارت و بشاشت در یاد آن ساعت نیک فرجامی که بوستان حریت و آزادی این وطن از دستبرد صرصر خزان عطاولات بیگانه گان رهائی یافته بود رنگ طراوت نمود میگیرند و به تمام سرخ روئی فری ر افراخته از خنده های قه قه شادکامی شوری به فضای سما میافگنند .

بلی ، چرا نکنند ؟ و چرا آن روز فیروزی را که بیداری از فرزندان محب ام ماجدهٔ وطن آرزوی آزادی در اعماق قلوب درد مند خود در آغوش خاک برده اند یکی از بهترین ایام حیات ملت افغان تصور نکرده و بیادگار آن داد خرمی و انبساط را ندهند و محن وطن آزاد و جوان افغانستان را به ترانات لا ینقطع ترانه های مسرت و زمزمات هم آهنگ مطرب شعار رجز آمیز استقلال سرا یا به معنی حقیقی که غلغلستان نسازند ؟

هان ای فرزندان یعنی خواه وطن بیائید ، بنازید و فخر کنید . زیرا خون های سرخ برادران جوان تان که در راه تحصیل آزادی حقیقی و نام وطن مردانه وار در معرکهٔ جدال ریخته بود بیهوده نرفت و بالاخره گلستان آمال حریت پرستان این محیط نیک اختر را آبیاری نموده سطح وطن را از شگفتن گلهای مرام شان رشک جنان ساخته و سرهای پر شور را دمرده هموطنی و همخون و هم نژاد تان که در میادین مخوفهٔ محاربهٔ استقلال در زیر پرچم مقدس سلامی عسکر افغان و بنام کلمهٔ مقدس لا اله الا الله محمد رسول الله بخاک و خون می غلطید بالاخره به استرداد حق مغصوبهٔ آزادی آنطور جامعه مستمند افغانی کامیاب و امروز محل سبب سربلندی و گردن فرازی تمام افراد این خطه با نام و نشان گردیده است :

هان بیائید با ارواح نیک مردان تاریخی و علاطلب نژاد افغانی مانند میرویس و محمود فاتح پسر او و وزیر افغانی وزیر اکبر خان و همچنان جمیع شهدای استقلال این وطن و خدمت گذاران گذشتهٔ این سرزمین نکونام همنوا شده بیاد آوری ساعت فرخندهٔ تصدیق و امضای معاهدهٔ حریت وطن به ترانه های های مستانهٔ مسرت وطرب اللسان و رقص شادمانی و فرحت شریک و سهیم گردیم ، بیائید به شرف این روز همایونی که یادگار روز باز آوری بهترین عیاشات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 280 of 896

ملی ما را تجدید میکند و به مناسبت این ساعات انبساط آوری که ذکر طلوع مهر درخشان اقبال و بهروزی را از بین ابر های تیرهٔ بدبختی و اسارت که چندی افق این وطن را فرا گرفته بود تازه می سازد به خوبترین صورتی تشکرات قلبی خود را به جوانان فدا کاری که محرك و مؤید و مکمل این عزم مقدس اخذ استقلال وطن گردیده بودند عرض و تبریکات صمیمی خود را به تمام دوستداران افغانستان حر و آزاد و کسانیکه درین مسرت ما از ته دل شریك اند تقدیم داریم بیائید باطراف خود چشم تحقیق باز کنیم و نگاه امتیازی به جوانب خود افگنده و بنگریم آن وجوامعیکه از حلاوت وصال محبوبهٔ قشنگ و دلفریب استقلال مهجوروند در غم فراق و اندوه جدائی آن چه تلخکامی در آتش یاس و حسرت میسوزند . و چگونه روز روشن شان بی وجود آفتاب انور حریت و آزادی به شب تاریك بدل و حیات قیمتدار انسانی شان در تحت ستمگری و فشار سلاسل و اغلال اسارت و غلامی بصورت شرمناك و ننگ آوری در گذر است . بیائید از ناله های جانخراش و فریاد های سوزناك این بیچارگان که مزروع حیات شان را بجز قطرات اشك ناکامی و منکوبیت آبیاری و شجر زندگی اسیرانهٔ شانرا باستثنای آلام و هموم بیکران باری نیست ، عبرتی گیریم و به این زندگی آزادانه قایل سپاسش و این حیات باشأن وشرف با استقلال خود فخر ومباهات نمائیم واز دل وجان چه در دایرهٔ عمل وچه در محوطهٔ قول به شکرانهٔ این متاع گران قیمتی که در آزادی شان نمودن لآلی متلالی عرق های ناصیهٔ مجاهدت ونثار یواقیت حمراء خون های گرم حمیت وغیرت بدست آمده است قیام ورزیم .

ای ملت غیور مجاهد !

مسلم است اگر هر موجودی از موجودات این خاك و آب در صدد تشریح مناقب عدیده وتفصیل مزایای لاتحصای این موهبت بزرگ آسمانی برآید وباهر فرد ملت ایام ولیالی بی شماری را به تحریر ونگارش فوائد مترتبه ونتائج درخشان ومثمرهٔ این عطیهٔ ثمین ایزدی صرف نماید ، نخواهد توانست چنانچه احساسات پاك وبی آلایش وطن پرستانهٔ یك فرد علاقه مند به شئون ملی اقتضا دارد به تبیین وتقریر بابسط وتشریح آن موفق آید ، لهذا یگانه طریقهٔ که توسل با آن ممکن می سازد باندازهٔ که در حیز اقتدار مساعی قاصر انسان ضعیف است از عهدهٔ شکر آن بدر آئیم از روی قرار عقل سلیم وتدبیر فکری اینست که بهر صورتی از صور وطوری از اطوار که ممکن باشد در پی تشیید وتحکیم بنای حریتی که به فدا کردن جان های عزیز و وجود های پربهائی حاصل کرده ایم که شاید هر کدام آن مرکز آمال عدهٔ از قلوب مملو از حسیات پاك محبت و وداد ونقطهٔ توجهٔ چشم های پر اشك ونگاه های اندوه بار به حرارت عشق وعطوفت بوده است برآئیم ، وبه مؤدای آیهٔ کریمه « اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا » وازحکم واجب الاطاعت حضرت خداوند ومنعم حقیقی خود که (انما المؤمنون اخوة) باتحاد رابطهٔ قلبی که لازمهٔ بسر زندگی ناموس وحفظ شرافت ملی و وطنی خود داشته باشیم و متفقاً دامن همت را برای فراهم آوردن وسایل تامین آتیهٔ باشرفانه برای ملت و وطن خود بر کمر زنیم و جداً متوجه گردیم که (لا سمح الله) نفاق و شقاق ملی که یگانه مورث بدبختی و اضمحلال ملل به شمار میرود خدا نخواسته بار دیگر این شرافت حاصله ما را مورد تعرض اغیار قرار ندهد . و این حیات مردانه و نجیبانهٔ ما را مرتبه دیگر بیك زندگی ننگین و خجالت آور تبدیل ننماید .

لذا ما می خواهیم در ذیل به قرار معلومات ناچیزانه خود چند چیزی را که برای حفظ استقلال لازم است بدان متوسل شویم ، عرض داریم : —

وحدت ملی :

یکی از لوازم بلکه خاصیت مکملهٔ استقلال و آزادی وحدت ملی است . و ملتی که میخواهد ، چنانچه لازم است حریت واستقلال خود را حفظ نموده به حیات آن قیام نماید لابد باید دارای نصب العین واحد مقصد واحد ، فکر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 281 of 896

واحد ، اخلاق و عادات واحد ، زبان واحد ، نظریات واحد ، بوده باشد و از تمام مناقشات ذات بین فرق وقبائل وعشایر جلو گیری نموده ، در مرتبهٔ اول وحدت ملی را تأمین و سپس با وفاق کامل از یک طرف هیئت حاکمه ملت خود را در آغوش حمایت و شفقت گرفته در تمام امور ممد و معاون آن گردد ، و از طرف دیگر اوامر صحیح آنرا پس از اطمینان کامل بجان و دل پذیرفته اطاعت و انقیاد آنرا شیوهٔ خودسازد ، تا بتواند بطرف منزل سعادت و بختیاری رهسپار گردد .

حکومت که ضرورت و لزوم این وحدت و تعاون ملت و حکومت را کاملاً احتساس نموده از فوائد بیکران آن متیقن بود ، بر خود لازم دانست که تمام اموری را که برای خوش بختی و نیک نامی ملت محترم افغان اجری می شود به مشورت افراد ملت درحیز عمل در آورده ، شورای ملی را تشکیل و زمام امور تان را بالوسیله بدست خود تان سپرد .

حالا لازم است ، وکلا اولاً خود شان نمونهٔ اتفاق و وحدت ملت گردیده ثانیاً ملت را به وحدت ترغیب کنند و از اختلاف آراء و عقاید در بین خود و ملت جلو گیری کنند .

بالفرض اگر (چنانچه اصول است) در عین مباحثات واقع گردد هم به فکر آخرین فرد خود اهمیت داده ازان صرف نظر نکنند و در اطراف آن غور نمایند ، وسعی نمایند حق الوسع در اجری طبقهٔ اصلی خود یعنی رعایت حقوق افرادملت ومنع استبداد وخودسری ضعف وتکاسلی نشان ندهند .

استقلال و اخلاق .

گذشته ازین چیزی دیگری که در مسئله نگهبانی حرز استقلال ما وشما مدخلیت تامی دارد عبارت از حسن اخلاق و نیکوئی سیرت است · حسن اخلاق هم چنانکه در هر امری از امور اجتماعی بشر می تواند کفیل کامیابی ونیل به مقصود شود ، در کار حفاظت ناموس حریت و استقلال نیز بصورت کامل وظیفهٔ ضمانداری را ایفا کرده می تواند . و برای اسند لالی که درین مسئله لازم باشد ، می توانیم از همه اول زیرا ترقیات فوق العادهٔ که عالم اسلام در زمان حضرت خلفای راشدین داشت اشاره کنیم وچند سطری از روایات تاریخی ، دربارهٔ بلندی وعلو الوقتی عالم اسلامی درصفحات کتب تواریخ ملاحظه نمائیم . ویقین است او لین چیزی که تمام محررین تاریخ اسلامی پیش تر از تمدنات و کار روائی های شاندار مسلمانان انوقت ذکر می کنند عبارت از اساس مبنی علیه وعلت اصلی آن همه ترقیات محیر العقولی است که یک قسمت بزرگ بشریت به مقابل آن سر تسلیم خم نموده بودند ، و آن عبارت است ازاخلاق خوش ، رأفت وشفقت ، نوع پرستی وهمدردی لطف و کرم ، شجاعت و سخا وحب وطن ، جوانمردی ، گذشت ، که خاصهٔ شان بود . پس ما که به پیروی دین مقدس اسلام افتخار داریم نیز لازم است برای آنکه به مناهج عالیهٔ رفاه وترقی نائل گردیم اقوال وحرکات مقتدایان گذشته خودرا سر مشق عملیات روزانهٔ خود قرار دهیم واز اخلاق بلند وسلوک علویت مآبانه شان تقلید وپیروی نمائیم تا بتوانیم آزادی وطن خودرا ازدستبرد بیگانه گان به بهترین صورتی درامان داشته ، ازفوائدلا متناهی آن بطوری که شایسته است استفاده نمائیم .

استقلال ودیانت

درین هیچ جای ریب وتردید نیست وهم چنانکه حصول استقلال ما وشما مرهون لازمهٔ وجذب وحرارت وحس فدا کاری است که درنتیجه تعلیمات مقدس اسلامی در کانون سینهٔ هر فرد مسلم اشتعال دارد روح پر شود وارادهٔ متین وعزم راسخی را که برای نگهداشتن آن لازمی به شمار میرود نیز باید از هدایات صحیحه دین دین مقدس اسلام وقانون آسمانی که به وسیله بزرگ ترین رجال دنیا حضرت محمد آخر زمان برای ما نازل گردیده است کسب واقتباس کنیم .

بلی ! زمانیکه یک فرد حساس مسلمان با دلی پر از احساسات پاک دیانت داری درصحنه دنیا قدم نهاد به هر امری که اقدام نماید با صدق وصفائی که لازم است محتوای آیه کریمه : (ومن یتوکل علی الله فهو حسبه) را در نظر خود گیرد ، واز عمق قلب خود به مدد گاری خداوند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 282 of 896

وړو حایث قدیس بزرگان دین خود اعتقاد دارد ، طبعاً وجد وهیجانی که ازین رهگذر درسر شوریده اش پیدا می شود ، به فدا نمودن هر چیزدر راه خدمت بدین مقدس اسلام ورضای خداوند وهدایات حضرت رسول الله حاضر و آماده بوده ، شادان شادان جان عزیز خود را در راه محبت وطن وعلاقهٔ که باو امر پاک وبیالایش خالق روف خود دارد می بازد وبکمال افتخار در زیر علم مطهر اسلامی رخش کشان سینهٔ خود را در جلو تیغ تعرض اعادی دیانت ووطن خود سپر می سازد .

می توان بکمال صحت دعوی کرد که هیچ یک شخص فکور نه می تواند اعتراف نماید که درمقابل سیلاب قوی این چنین حسیات آتش بار ، که منبع آن تأثر روحی وتهیج معنوی است ، ، هیچ چیز ، می تواند سد وحائل گردد . وهیچ قوتی نمی تواند برین قوت باطنی غالب ومظفر آید . پس می توان گفت که اولین چیزی برای دارائی شجاعتی که جهت اراده ووقایهٔ استقلال ما ضرور است ، لازم داریم عبارت از حس دیانت است .

در آخر کلام به حیث یک فرد افغان این روز فیروز و گرانقدر را به عموم برادران هم وطن وهم مسلک خود تبریک گفته میگوئیم :

پاینده باد استقلال افغانستان

زنده باد ملت استقلال دوست ما

(...)

پروگرام اقتصادی

سال ۱۳۱۰ وزارت تجارت

(٤)

۳۰ : درباب ساختن ۲٤ کروه سرک جدید بدره شکاری الی معدن دوغان تاله و زرفك و از آنجا الی دانه غوری قبل ازین بمجلس عالی وزراء کیفیت آن تقدیم و منظوری حاصل شده در ان اوراق بعض از مفاد سرک ذیلاً تشریحات میدهیم تا معلوم شود که اجراء این کار هم بداخل پروگرام سال ۱۳۱۰ این وزارت می آید : —

فوائد سرک مذکور : —

اول — راه ولایت مزار شریف نظر براه موجوده ٥ منزل بمرکز نزدیک می شود .

دوم : — کوتل آغه رباط — دندان شکن — چیرك ها قره کوتل — کالك مدرش بزرگ درحمل مال التجاره وغیره وارد می کنند ، متروك می شود .

سوم : — کرایه مال التجاره وغیره نظر براه موجوده کمتر می شود .

چارم : — بواسطه نزدیك شدن راه در تجارت بین مرکز و مزار ترقی شایانی حاصل خواهد شد .

پنجم : — قافلهٔ مزار بمرکز به بسیار زودی و سهولت می رسد .

ششم : — دورن راه سفر ۲٤ روزه به سه روز ذریعهٔ موتر تبدیل می شود .

هفتم : — راه مذکور مطابق برف ندارد و در بهار و زمستان تردد میشود ،

اگرچه این راه فوائد زیادی دارد که ممکن نیست در چند صفحه تحریر شود اما همین قدر اکتفا شد ، در اجرا آت سرک مذکور از طرف وزارت تجارت اقدامات شده امید است در ابتداء سنه ۱۳۱۰ آغاز بکار شود .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : درباب ساختن سرک جدید از راه دره شکاری قرار این منظوری داده شده درست است .

امضاء ، هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* * *

۲۷ : البته معلوم است که نفت تا کدام اندازه مورد احتیاج است ودول متمدنه که دارای معادن نفت می باشند نیز معلوم است که ازین رهگذر هنگفتی سالیانه ملیونها پوند حاصل می کنند ، خاک پاک وطن عزیز ما هم از قرار اوراق تا حال کشف شده دارای یک معدن بزرگ نفت است که در ذیل هرات کشف گردیده ، متأسفانه باید اذعان کرد که وزارت تجارت نظر به ضیق مالیهٔ خود فعلاً نمی تواند که از معدن نفت مذکور چنانچه لازم است کار بگیرد ، زیرا تنها کار ابتدائی معدن نفت یک مصارف گزاف از قسم مشین های برمه ودیگ های عرق کشی و تلها برای صاف کردن تیل مذکور لازم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 283 of 896

وارد عجالتاً نظر بمصارف مذکور از معدن نفت مزبوره چنانچه یادگار کرده‌ایم نتوانیم لذا در علاقه شوار و علاقه میمنه معدن (بتومن) که یك قسم مواد معدنی نرم است و دارای نفت می باشد قبلاً کشف شده از قراریکه معلومات حاصل شده نفت که یکی از اجزای آن است در بتومن مذکور است ماشین های کار آمد آن هم قیمت گزاف ندارد، میشود که از آن تیل خاك و پترول و قیر وغیره حتی شمع وموم هم بدست بیاید، قیمت ماشین و سامان لازمه آن قراریکه تخمین کرده شده مبلغ (۴۰۰۰۰۰) افغانی می شود ـ لذا پول لازمه آن را داخل بودجه ۱۳۱۰ نموده منظوری میخواهیم.

تصویب کابینهٔ وزراء: بخصوص پیشنهاد وزارت تجارت راجع بخریداری ماشین برای معدن (بتومن) در حال حاضر منظوری خریداری ماشین مذکور را داده نمی تواند وزارت تجارت در باب مسئله مذکور معلومات تجدید نموده و بخصوص خریداری ماشین مزبور در سال ۱۳۱۱ تکلیف نماید.

امضاء: هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

*

* *

۳۰: ـ از قراریکه بوزارت تجارت فهمیده است و از آن استفاده می شود

متخصصین خارجی که در شعبه معادن مستخدم بودند راجع به معدن آهن پنجاو و جبل السراج تفصیلات زیادی نوشته‌اند در نتیجه معدن های مذکور را بهترین معدنهای آهن نشان داده اند چون سرك جدید دره هکاری بمقصد آوردن ذغال سنگ بمرکز تحت اجرا گرفته شده وزارت تجارت برای خرید یك دستگاه ماشین ریخته گری آهن فکر دارد که در سال آینده به خرید آن اقدام نموده باکمپنی های جرمنی داخل مذاکره شود ـ تا اگر خدا بخواهد سرك مذکور تکمیل شود ماشینهای مذکور با کارگران آن هم بمرکز رسیده بواسطه ذغال مستحصله معدن های مذکور از معدن های آهن فوق الذکر کار گرفته خط آهن وغیره لوازمات خود را از آهن پیداوار مملکت خود تهیه بتوانیم.

این را هم گفته می توانیم که اگر ماشین های ریخته گری مذکور از قسم برق خواسته شود ذریعه کارخانه برق جبل السراج از معدن آهن آنجا هم کار گرفته می توانیم برای پیشبرد این مقصد پس از استیذان اقدام خواهیم نمود.

امضاء: وزیر تجارت

تصویب کابینهٔ وزراء: دربی باب وزارت تجارت مذاکره و اقدامات لازمه کرده معلومات مفصل حاصل نموده نتیجه را به مجلس تقدیم دارند.

امضاء: هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

*

* *

۲۹ در باب زر شوئی واستحصال طلاء ریگ از فیض آباد بدخشان:

اگرچه فعلاً از طرف رئیس تنظیمیه برای خرید طلاء مستحصلهٔ اهالی آنجا که کسب زرشوئی را می‌نمایند یك اقدام ابتدائی شده که هر قدر طلاء بدست شان بیاید بقیمت عادله خریداری نمایند اما وزارت تجارت ذریعه مکاتیب علیحده برای سفراء افغانی خبر داده که قیمت ماشین های زر شوئی را با سامان لازمه آن بزودی معلومات بدهند البته بعد از رسیدن ماشین های مذکور که یك پول زیاد نمی شود برای خرید آن اقدام میشود، مگر برای معلومات ابتدائی وزارت میخواهد که یك نفر از محصلین افغانی را که در خارج تحصیل نموده و دارای شهادت نامه فن مذکور باشد از حالا عزم کند تا در آنجا رفته ذریعه ادویه و ساده‌ترین طور امتحان خریده می شود عملیات زر شوئی را اجرا کند برای اجرای این امتحان تا اندازه ۲۰ هزار افغانی منظوری میخواهیم واین را هم گفته می توانیم که اگرچه این مصارف صورت ابتدائی و امتحانی خواهد بود مگر امید کامل است که وجه مصرف شده را در سال اول از نتیجه صورت امتحانی تکمیل کرده بتواند.

امضاء: وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء: مجلس وزراء

توجه وزارت تجارت را در کار زر شوئی از همه اولتر آرزو می کند. که بطور اساسی و مفید قدامات جدی نماید و در بودجه ۱۳۱۰ مصارفات آنرا طوریکه مناسب بداند تکلیف نماید.

امضاء: هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

۳۰: در باب معدن یاقوت جگدلک و یک معدن یاقوت که در میدان، جدید کشف شده، فعلاً از طرف وزارت تجارت هیئت علمی مقرر است که از معدن میدان وجگدلک نمونه هائی اعلی یک مقدار زیاد بدست بیاورد، و پس از آن نمونه های مذکور بسفرای افغانی درخارج ارسال شده اگر با کدام کمپنی بشرایط سهل که بحال مملکت نافع باشد موافقت حاصل می شد با آنها واگذار نموده و الا بعد از ترتیب لایحه وخواستن سامان لازمه حفر مذکور بطور فنی خود وزارت اقدام نماید برای مصارف این کار فعلاً (۴۰۰۰۰) افغانی لازم است.

امضاء: وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء: این تجویز وزارت تجارت صحیح است.

امضاء: هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

* * *

۳۱: چون اهمیت ارك در ممالک متمدنه زیاداست واز هرطرف خریده آنرا خواهش مینمایند چنانچه وزیر مختار افغانی مقیم برلین خواهشات (بارو مس لو) کمپانی المانی را دریاب خرید ارك باینوزارت ارقام داشته در اثر خواهشات کمپنی مذکور ودیگر تجار خارجی فعلاً از طرف وزارت تجارت یک هیئت مقرر شده که همه معدنهای ارك کشف شده را وهم در بعضی موضعات که سراغ ارك را دارم گردش کرده یک مقدار مکفی نمونه از معادن مذکور بدست آورده — تفصیلات معادن مذکور یک راپورت مکمل را بصورت علمی وفنی ترتیب داده باینوزارت ارسال دارند تا پس از گرفتن معلومات صحیح بجوابات کمپنیهای مذکور پرداخته وهم وزارت تجارت درباب فروش ارك در خارج بذریعه سفراء افغانی اقدامات لازمه نمایند برای مصارف امر مذکور فعلاً در بودجه سال آینده یکهزار افغانی تکلیف میشود.

امضاء: وزیر تجارت.

تصویب کابینه وزراء: مبلغ یکهزار افغانی منظور است در بودجه سال ۱۳۱۰ تکلیف نمایند.

امضاء: هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

* * *

۳۲: قراریکه اطلاع حاصل شده درتنگی قریه دانشمند که آب دریای شکر دره وسیلاب های زیاد از تنگی مذکور عبور می کند ودر تحت تنگی مذکور قلعه حاجی صاحب وقلعه التفات وغیره به هزار ها جریب زمین قابل الزراعت بدون آب وخاره مانده ساختن یک بند بسیار مفید ثابت میشود اهالی قریه دانشمند وقلعه التفات وقلعه امیر محمد افضل خان مرحوم وخواجه چاشت والفوتی در آبادی بند مذکور با حکومت معاونت هم می نمایند.

منابران وزارت سارت یک نفر مهندس برای علم آوری واجرای کاربند مذکور وبند سرخ آب وبند کوتل تیره درمیر کر می خواهد؛ برای سال آینده صرف در بودجه معاش ومصارف مهندس مذکور تکلیف می شود.

امضاء، وزیر تجارت.

تصویب کابینهٔ وزراء: برای سال ۱۳۱۱ درنظر گرفته شود، اگر وزارت تجارت مهندس مستخدم داشت تا آن زمان نقشه ور آورده ومصرف آن را نیز بتوسط مهندس تهیه نماید

امضاء: هیئت کابینه.

حکم حضور شاهانه: ملاحظه شد درست است.

* * *

۳۳: در تصویب جرگه که بذریعه رئیس تنظیمیه مزار درمیمنه انعقاد یافت یک فقره از مصوبات جرگه راجع به

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 285 of 896

بند سر حوض مبمنه بمجلس عالی وزرا تقدیم واز آنجا بشرح ذیل بوزارت تجارت توصل کرد :

راجع به بند سر حوض میمنه وچشمه سار های مفیده چنین تجویز نمودیم که اصل بند مذکور بواسطهٔ که تحت آن رسوب کرده ممکن ندارد که صاف شود لازم است که چند متر بالا از بند موجوده بصورت تخته کاری ایجاد بند جدید کرده شود واز آب آن برای زمین های بائره استفاده شود تمامی مصارف بند مذکور را که مبنی بر زیادت آب ورفق زراعتی میمنه باشد قسمیکه از طرف یك نفر مهندس که از مرکز ارسال وسنجیده شود . مابان تادیه میکنیم .

بنا بران وزارت تجارت یك نفر متخصص بند را برای امورات میمنه استخدام والزام میکند ومصارف آنرا در بودجه سال ۱۳۱۰ تکلیف مینماید .

امضاء وزیر تجارت .

تصویب کابینه وزراء : استخدام یك نفر مهندس برای کار مذکور واقدامات جدی در اجرای این امر از طرف وزارت کرده شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

(ناتمام)

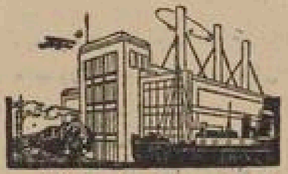

خبرهای فنون واختراع

اطفائیه در خانه ها

یکی از مهندسین انگلیسی طریقه جدیدی برای خاموش کردن حریق منازل اتخاذ نموده و آنرا (کمپانی سیکو) با درانگلستان اظهار داشته تادر اطراف آن مطالعه کرده ودر منازل عمومیت دهند .

طریقه مزبور بقرار ذیل است که لوله هائی مانند لوله گاز یالوله های آب بتمام منازل کشیده ودر موقع وقوع حریق نوعی از گاز ضد حریق در لوله ها جریان داده وبدین وسیله از حریق جلو گیری نمایند .

فعلاً شرکت بیمه بریطانی درصدد مطالعه این اختراع بر آمده تا اگر آنرا عام المنفعه باصرفه یافت درتمام منازل تعمیم داده ومبالغ هنگفتی را که برای جلو گیری از حرایق هر روزه مصرف میشود صرفه جوئی نماید .

چراغ جدید برای اشعه (ایکس)

سه نفر از علمای امریکا دکتر مبل بارتیب ود کتر دوان از پروفسور های دار الفنون (لی) توانسته اند چراغ جدید برای اشعه ایکس اختراع نمایند که اشعه آن دارای این امتیاز است که از صفحه فولاد سخت که ضخامت آن در حدود ده گره است عبور می نماید این امر تا کنون غیر ممکن بود واکنون علمای مزبور عقیده دارند بوسیله اختراع این چراغ واز دیاد قوه آن عنقریب اختراق صفحات فولادی که دارای ضخامت زیاد تر از این باشد نیز انجام میگیرد .

مقناطیس ونباتات

بعضی از پروفسور های جامعه (دتروت) امریکا درضمن تجربیات علمی معلوم نموده اند که مقناطیس بطور اجمال دارای تاثیر خصوصی درنمونباتات است واز این جهت چند مزرعه حبوب زمینی وغلهٔ را مدتی در مقابل قوه مقناطیسی قرار داده درنتیجه بوته ها بسرعت هرچه تمامتر نمو کرده وزود تر از سایر نباتاتی که این عمل در آن ها مجری نشده به ثمر رسیده است .

از تجربیات مزبور ثابت شده که مقدار پی اکسید دو کربون حاصله از این نباتات در موقع تقابل باقوه مقناطیسی مخصوصاً زیاد شده است .

علمای فوق تجربیات دیگری نیز برای شناسائی تاثیر مقناطیس درحشرات نموده وتاثیرات عجیب وغریبی را مشاهده نموده اند چنانکه بعضی از اقسام کرمها را ابدو پاسه قطعه کرده وبعد دراز گذاشتن آن ها در تحت قوه مقناطیسی مجدداً بدن آنها التیام یافته بطوری که برای ادامه حیات ازقطعهای مقطوعه بی نیاز شده اند .

صحیات

یاد داشت های صحی

اغلب اتفاق می افتد که اطفال دو چار تشنجاتی شده، که غالباً برای اطفال عواقب خوبی ندارد و منتهی بمرگ آنها میشود این تشنجات علل زیادی دارد که نمی توان آنها را تحت یك موضوع جمع نمود چه، در حقیقت یك مرض مستقل نیست و لیکن امراض امراضی است که اطفال بدان مبتلا میشوند.

مثلاً ورود دندان در آوردن طفل و تب های عفونی حاد مانند حصبه، پاسرخك یا آبله، و یا نزله های معوی و امثال آن عادتاً یك تشنجاتی را همراه دارد، همان طوری که اطفال جدید الولاده هم احیاناً از مرضی که در حلال تولد بفسخ آن ها وارد آمده مبتلا بهمین نوع تشنجات می شوند و همچنین امراض مسریه و وروقی، و صرع نیز ممکن است باعث تشنج اطفال گردد ولی از تمام این ها مهمتر که زیاد تر هم در بین اطفال انتشار دارد و عاقبتش نیز وخیمتر است همان نزله ها معوی حاد میباشد که عادتاً ناشی از سوء هضم است.

اطفالی که معتاد بشیر خوردن مصنوعی هستند همیشه مبتلا باین حالات بوده و اولین دلیل بروز این امراض این که براز طفل سبز رنگ و یك بوی عفنی از آن استشمام می گردد و همیشه ناراحت بوده و اظهار خستگی و بی تابی کرده خواب ندارند و دو چار یك لرز های عصبانی بوده که بالاخره منتهی بمرگ طفل میگردد.

تشنج در دنباله اسهال حاد و سخت و یا آنکه یبوست فوق العاده مزاج بروز نموده و غالباً براز طفل در هر دوی این حالت سبز رنگ و بد بو است و دلیل بر اینست که معده طفل و احشاء و امعای او دو چار التهاب شدیدی گردیده و سبزی رنگ براز هم ناشی از تعفن مواد غذائی در داخل امعاء میباشد که نتیجه آن ترشحات ماده سمی از مواد عفن غذائی در داخل معده است آن که ماده سمی داخل خون شده وهمین باعث تشنج میگردد.

برای معالجه این حالت باید فوراً بطفل یك جرعه کافی آب گرم با روغن کرچك داده، و حقنه آب صابون با آب نمك ضرری ندارد و باید ملاحظه کرد که مقداری که حقنه میکنند زیاد نباشد و بیشتر نوع مایعات را بطفل خورانند و طفل را در حمام آب گرم که مقدار یك قاشق قهوه خوری خردل کوبیده بآن علاوه نموده باشند گذارد و در حالیکه طفل در حمام است دستمالی را بآب سرد خیس کرده روی سر او بگذارد که مفید خواهد بود

۲ انفلوانزا: انفلوانزا یکی از امراض مسری و سریع الانتشار است که میکروب آن بسرعت از شخص مبتلا بدیگری منتقل و سرایت خواهد کرد انتقال و سرایت میکروب این مرض بواسطه ترشحات آب بینی و دهان و یا هوای کثیف و یا در محلهای پر جمعیت که پر از جمعیت آب میکروب مرض از لعاب دهان و آب بینی و ترشحاتی که در حین عطسه از دهان و بینی بیرون میجهد در فضای آن محوطه پخش شده و با شخص سالم سرایت کرده به بینی ودهان میرسد وشخص را مبتلا میسازد همانطوریکه لباس مریض مبتلا بانفلوانزا و یا ملافه های رختخواب او و یا دستمال جیب و یا ظروفی که برای غذا و آب خوردن استعمال مینماید، واسطه انتقال میکروب این مرض می باشد.

برای جلوگیری از این مرض باید شخص سالم حتی لا مکان از مبتلایان بانفلوانزا دوری نمایند، از خوابیدن در رختخواب آنها احتیاط نماید، دستمال و یا ظروف خوراك آن ها را استعمال ننماید، از اماکن پر جمعیت دور شود از گردش در هوای آزاد خودداری نکند، پنجره های اطاق را بمراعات اینکه خود را در معرض کوران هوا قرار ندهد، همیشه باز گذارده برای گرم نگاهداشتن خود وسایل لازمه را بکار ببرد، ولی اگر با وجود این احتیاطات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 287 of 896

احساس کسالتی در مزاج خود نموده ویا آنکه ملاحظه نمود که درجهٔ حرارت بدن زیاد شده است ، بدون ملاحظه فوراً استراحت کند ، وخیلی زود معالجه نموده وپرهیز نماید که معالجه در اول بروز مرض آسان واز خطر خالی تر است مرض لجات بخشیده وزودی شفا خواهد یافت وعلاج واقعه قبل از وقوع در مورد جلوگیری از مرض در اینجا صدق دارد .

۳ ضرر نان خوردن : البته انتظار نداشتید که ما را جع بضرر خوردن نان صحبت کنیم ، زیرا هر روز صبح که از خواب برخیزیم اول پیدا کردن نان باید غذا بر حرفت وخیال تحصیل این مادهٔ مغذی میرود ولی همین مادهٔ مغذیه احیاناً در بعضی از اوقات خالی از ضرر صحی نخواهد بود . مثلاً نان نباید در غذای طفل شیر خوار داخل باشد زیرا از خائیدن آن عاجز وقادر نیست بخوبی آنرا مضغ نماید ودرنتیجه لعاب دهان او هم نمیتواند کاملاً آنرا نرم کرده وبدون آنکه قدر کافی بالعاب ممزوج شده باشد وارد معده شده ویك تکه بزرگی را در معده تشکیل میدهد که با آکیده وجوهض معده ترکیب گردیده واز جزء اول از امعاء در گذشته بدون آنکه از عصاره شده معروف بنکریاس استفاده شود میگذرد وباین ترتیب طفل یك قسمت از ملاح جبن وهو سفور را که در اینمورد باید جسم او استفاده کند از دست میدهد ودر معرض ابتلای بامراض نقصان تغذیه وکم خوراکی شده ومهمترین عوارض آن سستی اعصاب وفلج است . این ضرر تغذیه با نان در مورد اطفال شیر خوار است وداشخاص بالغ نیز باید اتفاق میافتد که بواسطه خوب مضغ نکردن وبه جویدن نان وعدم توجه به نرم نمودن آن بالعاب دهان وخلاصه خوب نرم نشدن آن باعث میگردد که بار زیاد حجم قسمت غذائی مساعدت نموده وموجب احداث تمدد در معده وامعاء گردیده ودر نتیجه از جریان عملیات هضم با تمام مراتب آن که بایستی بطور منظم سیر کند جلوگیری مینماید وهمچنین نان نباید جزء غذای اشخاصی باشد که مبتلا بامراض دل درد مزمن وکهنه میباشند واگر هم از خوردن آن ناگزیر باشند باید سعی کنند که خیلی کم نان خوردن وبواسطه وجود مواد کربوهدراتی که در نان هست خوردن آن برای اشخاص مبتلا بمرض قند بکلی حرام شده است (گلشن)

اعلان

ذوات محترم که مایل اشتراك مجله کابل هستند بخود اداره انجمن ادبی یا باداره اصلاح ، اداره انیس مراجعت نموده بعد تحویلی پول بدل اشتراك مجله یکي از ورقه هاي اشتراك که مخصوص معرفي مشتر کین مجله میباشد صورت در خواست خود را تحریر وامضا فرمایند تابعد از ان مجله بعنوان ذوات موصوف از روي آدرس عنوان که درورقه تصریح میدهند فرستاده میشود

از هر طرف

ریکورد بوتهاي مستر توماس وزیر مستعمرات

لندن ۹ جولائی ـ مستر توماس وزیر مستعمرات برای بردن مسابقه سرعت دنیا بساختن اقسام اسباب متعلقهٔ لباس دوام دارد ، چند روز قبل چنانچه طلاع داده شد برای مستر توماس یک ساعت و ۲۰ دقیقه از همان پشمی که در حال از گوسفند بریده شده بود لباسی تیار کرده بودند بعده برای وزیر مذکور شاپوی نمدی از پشم خرگوش تهیه نمودند برای تیار کردن شاپوی مذکور ۱ ساعت و ۱۷ دقیقه و ۲۲ ثانیه وقت صرف شده است بالآخره مستر توماس دیروز با بوتهای جدیدیکه به ۲۷ ونیم دقیقه تیار شده است به مجلس وزراء حاضر گردید بوتهای مذکور را فابریکهٔ بوت سازی شهر پرشتول ، گرید له و روزه بوزیر تقدیم نموده اند ، فابریکهٔ مذکوره روز سه شنبه توسط تیلفون به مستر توماس مراجعت نموده پرسید با جناب وزیر حاصل نمودن ریکورد جدید بوت را خواهش دارند توماس جواب داد : « تشکر میکنم نمرهٔ بوت من ـ ۹ » .

تمام بساعت ۱۱ صبح شروع بکار نموده شد بعد از ۲۷ ونیم دقیقه بالکل تمام شد توسط پوسته برای وزیر فرستاده شد .

گاستر فو تور (۱)

فن طب با این اختراع جدید میتواند فخر نماید به معاونت آلهٔ مخصوص فوتوگرافی قسمت شتری اوسکوپ ۲) گرفتن عکس داخل روده ها ممکن است آلهٔ مذکور در ۲۰ ثانیه ۸ عکس میبردارد «گاستر و فو تور» آلهٔ جدید که به این اسم موسوم است در شفاخانه بیلان در ادارهٔ دو کتور بکار بکار انداخته شده است در عکسهای که بمعاونت «گاستر و فو تور» گرفته شده است ابتدای مرض سرطان را معین نمودن ممکن است.

استعمال آله مذکور بالکل بی ضرر است. «گاستر و فو تور» فقط یك لامپهٔ بسیار خورد الکتریکی را مالك است. که دارای شعاع آسمانی رنگ و بدون حرارت میباشد ۳۰۰۰۰۰ شمع قوت دارد.

دو کتور بیکار «گاستر و فو تور» مذکور را به ساعات صبح روز های دو شنبه و پنجشنبه به تمام کسانیکه به چنین آن دلچسپی داشته باشند. در شفاخانه بیلان نمایش میدهد.

---

۱) آلهٔ عکاسی که درون امعا و معده را عکس میگیرد. مترجم

۲) قسمی از آلات فوتو گرافی است که آشیا را بحجم عکس میبرداود مترجم

سیاحت بر دور زمین به ۸ روز و ۱۵ ساعت و ۵۱ دقیقه.

نیویارك ۲ جولائی ـ پوست و کاتی طیاره رانهای مریکائی در روز ساعت ۷ و ۴۷ دقیقه به میدان روز ویلت فیلد نزول نمودند هزار ها نفر منتظر رسیدن ایشان بودند بین منتظر ین ایلد برگت ورتش نیز وجود داشتند آیر ویلان مذکور در بین نعره های زنده باد شاباش اشپلا قها هارنهای اوتو مو بیل وصدا های رادیو به میدان فرود آمد.

پوست و گاتی سیاحت بر دور زمین را به ۸ روز ، ۱۵ ساعت و ۵۱ دقیقه تکمیل نمودند بنا بر ین برتمام مسابقات فائق آمدند. وضعیت آیر ویلان بسیار اعلی است.

طیاره رانها از ماندگی بسیار توان حرف زدن را نداشتند. گاتی فقط تمام قوای خود را جمع نموده یك تبسم کرد و دو کلمه ادا نمود : بسیار خوب. جمعیت مردم بر طیاره رانها رحم کردند چه آنهارا به بردستها برداشتند وانه مجبور به نطق نمودند پذیرائی با شکوه برای امروز معطل مانده است.

بنابر گرمی فوق العاده اخبار ها وانشتا سیون های رادیو مردمانی را که خیال دارند در پروداز ، طیاره رانها را ملاقات کنند ، مشوره میدهند که بسیار احتیاط نمایند ، در هر نقطه موقع مجبه ترتیب داده اند پوست و گاتی در کتاب ماژیلان امضأ خواهند نمود.

(ماژیلان ـ ملاح پرتگالی) به امر شارلکن اولین سیاحت دور زمین را به عهده گرفت تنگه بین پاتا گونی وارض آتش را که بنام خود او مشهور است کشف نموده از او قیانوس اتلس عبور نمود ودر سنه ۱۵۲۱ عیسوی به جست بو میهای جزایر فلپاین بقتل رسید تاریخ تولد ۱۴۷۰ تاریخ وفات ۱۵۲۱ ودر سنه ۱۵۱۹ بر دورا دور زمین به مدت ۱۰۸۳ روز سیاحت نمود (مترجم)

امضای اول در کتاب مذکور امضای منتر کین هیئت ماژلان است در سال ۱۵۱۹ سیاحت مذکور دران زمان ۱۰۸۳ روز دوام نمود. امضای آخرین امضای دکتور ریکنز است که درسال ۱۹۲۹ دور زمین را به ۲۰ روز سیاحت واز آن جمله ۱۴ روز در هوا مسافرت نمود.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 289 of 896

خبرهای خارجی

دوام طیران

تلگرام ماسکو بیان میدارد که ، مس جانس که صبح روز سه شنبه از لیمین به معیت ج ، همفریز میکانیک جهت پرواز به طرف توکیو در طیاره خفیف روانه شده بود بساعت ۶ ، و ۲ شام همان روز در ماسکو فرود آمد .

مسافرت قطب

تلگرام لندن مظهر است تحت الهجری (ماطیس) در تحت قوماندهٔ سر هربرت واکنس روز سه شنبه از (پلای موت) به طرف قطب شمالی روانه گردید .

انعام

(در گود دود) مسابقهٔ انعام ستی ورد در فاصله فرلانك قرار ذیل نتیجه داد بو ورلید اول زموف دوم زندور سوم

ریوتر ۳۰ جولائی

انگلستان در اد وال در مسابقهٔ امتحانی شانی به مقابل نیوز یلیند در روز چارشنبه اول برآمده ودر آخر ـ مقابل سه ۱۳۲ موفقیت انرا حاصل نموده بود ومنجمله ۱۰۹ موفقیت انرا ورلیب سنگ جی حاصل نموده بود .

برطانیا

فیصله حکومت برطانیا که امیتواند دوازده ملیون ستر لنگ وبرای مصارف که قبلاً فیصله نموده شده است پرواژد مباحثات هیئت ساله وتهیه دیدن های پلان ها ونقشه جات ونمونه هائی را که برای تجدید تعمیر پل چیرنگ کراس وخوش نمود ساختن واصلاح قسمت مرکز غربی لندن اجری شده بود دفعتاً برهم زد .

هوا بازان امریك

هوا پیمایان امریکی پینگ بودن وهندوسن که دوراد کر دنیا پرواز میکنند صبح روز پنجشنبه در مایلکرود در ویلز فرود آمدند واین نزول شانزا دمهٔ که در بین آن از فراز اتلانتیك تقریباً کور کور رانه پرواز نموده بودند سبب گردیده بوده .

طیران

تلگرام ماسکو مظهر است که مس اوبی جانس در اثنای پرواز خود تاه توکیو به قزدن که ۵۴۰ میل به شرق ماسکو واقع است درعصر روز چارشنبه رسیده .

محکوم

لارز کیلسنت رئیس شرکت رایل میل ستم پیگ که با اچ دبلیو مور لیند محاسب شرکت مذکور در اولد بیلی به نسبت امور شرکت مظنون قرار داده شده بود جرم او ثابت گردید که لایحه غلط را اشاعه نموده است ومحکوم به یك سال حبس گردید ومستر مور لیند برائت حاصل نمود . سر جان سائمن از عزم خود اطلاع داده است که برای مرافعه رخصت می خواهد کیلسنت و مورلیند مظنون واقع شده بودند که اوراق مزانیهٔ غلط را به بنام شرکت مذکور اشاعه نموده بودند که در امور مادی غلطی ها داشت .

مصادمه

زمانیکه پرنس آف ویلز از کپ ستنگ هل حرکت می نمود موتر او با یك موتر دیگر درسر کث بزرگ که در آن دوزن نشسته بودند مصادمه کرد وهر دو موتر شکست پرنس آف ویلز با وجود آنکه صدمه خورده بود بامداد آن دو نفر زن سرعت ورزیده وهر دو خانم مذکوره را اکثر علاج کرد .

اقدام دوم

تلگرام مع بینك الاسکا بیان میدارد که طیاره را نان . لانس وجوز که در اوائل ماه گذشته سعی نموده بودند از سینل به توکیو اجری پرواز کنند وناکام مانده بودند . در اقدام دوم خود برای بردن انعام پنج هزار سترلنگ که از طرف روز نامه جاپان بوسوم به اساهی مقرر شده بود ناکام شده اند ومجبوراً فرود آمده اند .

* * *

تلگرام نیو یارك بیان میدارد که نهایند گان پرواز گردا گرد دنیای نیو یارك پینگ بودند وهندو سن بیان نموده که طیاره رانان مذکور تلگراف کشیده اند که از اقدام فعل خود جهت مغلوب ساختن معیار مسابقه که بوست وگاتی وضع نموده بودند صرف نظر کرده اند .

* * *

قرار اطلاع «لجولوس» (می جانس) در روز سه‌شنبه از سرحد روسیه و چین عبور نموده و امید دارد به تاریخ ۶ اگست به توکیو برسد.

انعام

سر توماس لیپتن انعام «دسینگ» را در روز پنجشنبه در مسابقه کشتی هائیکه شصت فوت و یا زیاده‌تر از آن طول داشتند برد. کشتی شاه که موسوم به بریتانیا بود بنابر غرق شدن و مرگ افسر دوم آن که هنوز نعش او بدست نیامده است داخل مسابقه نشد.

تصادم

تلگرام روم مظهر است که یک موتر در کاتان اروو در نزدیکی نورو ... پیدا موعت در حالیکه از یک سرک که بقطع خط آهن عبور می‌کند می‌گذشت با ریل متصادم گردیده هشت نفر زنان سوانی که بر آن سوار بودند هلاک و موتر ران زخم شدیدی برداشت.

رویتر ۴ اگست

جمعیت بزرگی که در موقع تماشا در گردش اجتماع نموده کشتی بریتانیا را که در آن شاه در اولین مسابقه (گردش) شامل شده بود تماشا می‌نمودند قبل از شروع مسابقه خیلی پریشان اند چونکه دیدند کشتی بریتانیا ایستاده شده دور خورده و در عین زمان با بیرق خود اشارت استمداد نمود یک دسته از کشتی‌های خفیف از ساحل به امداد تسریع ورزیدند ومعلوم گردید که یکنفر را لطمه آب از سطح برده و کاملاً گرد ... غرق شده بود شاه برای همان روز مسابقه کشتی دوانی را ترک نموده.

تلگرام توکیو بیان میدارد که هواپیمابان امریکی هرندن و پانگبرن در انجا نزول نمودند.

تلگرام لندن بیان میدارد که مستر هواپیمابه مولیس که دو روز صبح ذکر او رفته بود تلگرام کشیده است که آخرین خوبتر کار بزرگی کردی همواره ترا شخص زحمت کش میدانستم مولیس جواب داده است «از تلگرام مسرت بخش شما تشکر می کنم مولیس از» (آن ترامپ) حرکت نموده است.

رویتر ۶ اگست

پیغام سیول میگوید که مس امی جانس بدانجا رسیده است وامروز (روز پنجشنبه) برای پرواز آخرین به طرف جاپان حرکت می‌نماید.

* * *

قرار اطلاع روم قریب است که طیاره ران سکات لیتطری مال من که از استرلیا تا به انگلستان پرواز میکند به روم رسیده است میعاد مسابقه را طی نماید مذکور ساعت ۱۱ صبح روز چارشنبه به طرف انگلستان حرکت نموده بود.

* * *

قرار اطلاع برلن هرجوت ولکنس ماتین در شام روز چارشنبه از ترامسو بطرف سپتسبرگ روانه شده که به موقف حقیقتاً مشکل اقدام خود به قطب شمالی شروع به اعمارات نمود.

تلگرام روم بیان میدارد که مولیسن طیاره ران سکات لیندی که از استرلیا تا به انگلستان پرواز میکند بطرف انگلستان روانه شده است وامید دارد در لیمینه فرود آمده از آن جا به لندن رود.

* * *

قرار اطلاع توکیو مس امی جانس به ساعت ۵،۱۷ دقیقه صبح اینجا رسیده است در اوکایاما جهت گرفتن مواد اجراتی فرود آمده بود اوکایاما صد میل به طرف مغرب اوریکا واقع است و در انجا به ساعت ۶،۲۰ صبح فرود آمده بود.

رویتر ۷ اگست

مولیسن طیاره ران دیروز در انگلستان فرود آمده میعاد مسابقه سکالی واکر برای پرواز از استرلیا تا به انگلستان مقرر نموده بود — در روز شکست وقت مولیسن را رسماً هشت روز ۲۱ ساعت و ۳۰ دقیقه رسال می دارند که میعاد سکالس را به ده روز یک ساعت و ۳۰ دقیقه شکسته است.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 291 of 896

خبرهای داخلی

تشریف آوری

ع ج وزیر صاحب حربیه

والا حضرت وزیر صاحب حربیه که چند ماه قبل برای حصول امنیت ومنکوبیت ابراهیم بیک ، نظم ونسق داخلی قطغن وبدخشان تشریف برده بودند ، یوم شنبه ۱۹ اسد مع الخیر والعافیه از راه خاوک وارد کابل گردیدند .

(ترتیبات وصورت پذیرائی جناب شان را از حدود کوتل خاوک الی دروازه شهر کابل ، درشماره های آتیه عرض خواهیم کرد .)

ع ج ع صدر اعظم صاحب با کابینه و والا حضرت جناب شهزاده محمد طاهر خان وغیره منصبداران وغیره واخلاص کیشان شان الی گلبهار تشریف برده بودند .

جناب شان درشهر کابل با خیلی احترام وصمیمیت پذیرائی شدند .

چنانچه از حدود شهر را الی وزارت جلیله حربیه اهالی با گرم جوشی زیاد برای استقبال شان اجتماع نموده بودند وسرک ها با بیرق های رنگا رنگ مزین شده بود . ونیز قطعات نظامی مسلح با موزیک درسرک های شهر را ولایت کابل و قصر علیا ومیدان طیاره صف بسته رسم تنظیم بجا می نمودند جناب وزیر صاحب با چهره بشاش وتبسم جواب تنظیم می کردند .

نفری تعلیم گاه ، وطلبه معارف در جلو وزارت حربیه وکابینه وباقی مامورین در تالار بزرگ وزارت انتظار تشریف آوری وزیر صاحب را داشتند .

همین که جناب وزیر صاحب به پیش عمارت وزارت رسیدند ، طوب های شادیانه فیر وغریو شادی از عموم حضار بلند گردید :

بعد از ملاقات با هیئت کابینه جناب وزیر صاحب داخل عمارت گردیده ودر صفه اطاق بزرگ وزارت بر آمده فرمودند :

فرمایش وزیر صاحب حربیه

غازی

برادران عزیز ومحترمم !

اولاً بهمهٔ شما سلام مسنون عرض میکنم که السلام علیکم .

ثانیاً ازین تکالیف وزحمات شما که نسبت به پذیرائی این برادر تان متحمل شده اید تشکر میکنیم .

خطابه ریاست شورای ملی

عالیقدر جلالتمآبا :

ما وکلای شورای ملی تشریف سعادت رديفت را باستقبال هزاران تمنیات ها وپذیرائیهای شاندار وبجال مرحبا ها وخیر مقدم ها عرضه میداریم ، و بکمال مسرت می گوئیم ، خوش آمدید ، از مراجعت باسلامت وکامیابی وخیریت وفتحانه خود صفا وفرحت آوردید ، دیدهٔ نگران منتظرین لقای سعادت لقایتان نور ، ومسامع گوش به آوردن خبر های فتح وفیروزیت سرور بخشیدید .

از احساسات مشکورانه و فطریات بهجت مندانه که به ثبت این مظفریت های قابل تقدیرت درملت افغانستان مشهود ومحسوس میشود ابراز تشکر و مباهات می نمائیم چه این اغتشاش و شورشی که بعد اختتام بحران انقلاب ذریعه وحشی مفسدین و خائنین ملت افغانستان در اطراف قطغن و بدخشان بروز نموده امنیت آن نواحی را مختل و علل پریشانی اهالی را فراهم نموده بود ذات شجاعت سمات (محوت) به امر و لای ناجی وطن اعلیحضرت پدر معنوی مهربان مان (ادام الله بقائه) تشریف فرمای آن نواحی شدید تا به دفع ورفع آن غائله مدهشه قیام و امن و انتظام امور اداری آن سامان را به اصول اصح تنظیم و تکمیل فرمائید .

امروز خدای متعال را سپاس گذاریم که بهمه آن مرام و آمال حسنه که در نظر بود موفق و مرکز را به استقبال با جلالت درشان ساختید وبفضل حضرت مفضل کریم جل جلاله و بنیروی شمشیر لامع و تدابیر منورت تمام آن مفسدین کارشکن و خائنان دین و وطن نفی الارض گردید و این دنیای وسیع را بدیده های شان ها تنگ و تار گردانید

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 292 of 896

که بهر طرف متواری و فراری شده‌اند واه گریز شان مسدود و یکه‌فر گرداو خود رسیدند و سر تا سر آنمه زمین از لوث وجود آن خائنین تا پاك پاك و راه‌ها و ترقی امور و سد ثغور حسب دلخواه انتظام یافت

چو خورشید حقت سر بر آورد
ظلمت های باطل جا تهاند

حلالتمآبا ! این زحمات وشدائد ما لا یطاق را که بر وجود نصرت نمودت گوارا و حق خدمت ملت و وطن را ادا نموده رضای سعادت انتمای اعلیحضرت شاه معظم و محبوب القلوب ملی را حاصل فرمودید و این فدا کاری عالی را که بنام خدمت جامعه روز داده و ضمیمه خدمات بر جسته و قابل تقدیری که در ادوار مشاغلات مهمه خود وخصوصاً در راه نجات وطن فرموده اید نمودید حسیات حقیقی و زنده گانی با شرف و افتخار شهادت که نام نامی شما به رابحه ترین ارقام صحایف تاریخ این مرز و بوم بطور ابدیت رکز و ممتاز خواهد بود ؛

امروز که به این سیمای بشاش یکدیگر نظر میکنیم عالم عالم فرحت و جهان جهان مسرت است که از اثرات اعماق قلوب ملی ظهور کرده روح قدر دانی وقیمت شناسی ما را زهت وفرحت می بخشد آن افسران و فوجی که بزیر رایت قیادت سامی شما خدمت کرده ورضامندی اولی الامر معظم خود را حاصل نموده تام هنر شناز ادر تاریخ وطن فاتح و مظفر نشان داده اند وجلادت مردانگی شانرا به آینده گان خود به یادگار گذاشتند و بما ملت سرخروئی کافی کردند . از عموم شان اظهار امتنان می نمائیم و به همه شان خوش آمدید و مرحبا می گوئیم واز درگاه خداوند توانا برای همه سربازان دلیر وطن توفیق مسئلت میداریم که بهر موقع ومقام برای حفظ امنیت وطن وشئونات سلامیت وملیت که اولین وظیفهٔ مفروضهٔ شان است فاتح وکامیاب باشند در خاتمه بحضور اعلیحضرت ناجی و غمخوار مقدس وطن و والاحضرت با دیانت معظم صدارت عظمی تشریف آوری با فتح فیروزی عالیقدر جلالتمآب وزارت پناهی و همراهان شان را عرض تبریک نموده از صمیم دل می سرائیم زنده باد اعلیحضرت شریعت پرور ما فاتح و منصور باد عسکر ظفر پیکر ما .

نطق جوابیه وزیر صاحب حربیه غازی

در ختم لایحه مذکور وزیر صاحب مکرم فرمودند من ازین الطاف و قدر دانی و حسیات نیک شما وکلای اظهار ممنونیت میکنم ، اینکه شما وکلای ملت خدمت ما عسکر ها را تقدیر میکنید برای ما فخر ابدی است زیرا که شما و کلا نماینده عموم ملت افغانستان میباشید و زبان وکلا ملت ترجمان احساسات عامه ملت افغانستان است ، لهذا من از خداوند توفیق می خواهم تا حیثیت فرض منصبی خود را ادا کرده و خوشنودی خداوند جل‌شانه و رضایت پادشاه متبوع خود و خورسندی عامهٔ ملت افغانستان را حاصل نمایم .

اگر چه من یك خدمت فوق العاده که در خور این همه تقدیر باشد ابراز ننموده‌ام فرض منصبی و وظیفهٔ واجبی خود را به منصهٔ ظهور رسانیده ام زیرا وظیفه ما عسکر ها اطاعت از او امر اعلیحضرت غازی و محافظت امنیت وطن و فدا کاری در راه سعادت ملت است .

لهذا من شکر میکنم که این وظیفه خود را بدرستی ادا و تمام افراد پیور عسکری و منصبداران معیتی من همه تحت پرچم نادر شاهی خدمات خود ها را بکمال صداقت و شجاعت انجام و در هر میدان مظفرانه امتحان خود ها را ابراز نموده اند

در مقابل اینکه ما عسکر ایفای وظیفه نموده ایم و از حکومت متبوع و ملت محبوب خود مظهر تقدیر و این طور پذیرائی های مجللی را مورد می شویم و شما برادران عزیز و سائر اهالی نسبت باین خدمات ناچیزانهٔ ما اظهار قدر دانی میکنید از حد زیاد متشکر و ممنون هستیم ، و از خدای متعال توفیق میخواهم تا هزار مرتبه در راه وطن فدا کاری کرده و بار عرض حیات کنم و تکرار فدا کاری نمایم

علاوتاً این نکته را به شما برادران عزیز خود خاطر نشان میکنیم که این همه کامیابی و مظفریت عسکر نادری شاهی در اثر نیت نیك و خیر خواهی وطن پرورانه اعلیحضرت غازی صورت پذیر گشته است و یگانه سبب کامیابی خدام صادق وطن همان نیات حسنهٔ ذات شاهانه

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 293 of 896

مؤلف : له بلانیه فرانسوی (۱۳) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژرن

فصل هفتم

خیانت

« اگرچه برای تکمیل خواهش پدره به (ژیپایس) خواهم آمد ، ولی اعتقاد کلی دارم که شما بدانستن حقایق کامله مرا از خجالات اظهار حقیقی انسکار از عروسی درمقابل پدرم حمایه خواهد کرد ، این مسئله رابر امانت وشرافت شخص شما حواله کرده میگذاره . »

(بلانش)

لیونارد بعد از خواندن این مکتوب عجیب وغریب حیرتزده نشست ، علامات تسکین واطمینان از بشره اش هویدا بود ولی باخودحرف زدنش سلسلهٔ خیالات اورا واضع تر ساخت :

« بدار روم ! اگر این مکتوب پول زیادی به من بار نیاورد ، من میدانم که این مخالفت مصرانه ماد موازل بلانش از گرفتن مردی به حیثیت بارون خالی از سری نیست ، ولی من این مخالفت را بان صورت طفلانه تصور نه میکنم . بنوشتن این مکتوب برای بارون حماقت زیادی نموده ! ... بارون باك نـدارد بلـكه در باره این چیز ها هیچ متوجه نیست ، بیگانه مقصد او بلانش را از دواج نمودن است وبس ! مگر بلانش خبط بزرگی نموده که این سر خودش را بر روی کاغذ آورده و بدست من داده است . خوش قسمتی مردوی ماست ، هم سر او در نزد من محفوظ می ماند و هم من صاحب پول زیادی می شوم ، زیرا بعد از انکه بارون لوندال شد ، برای پس بدست آوردن این مکتوب قیمت بلندی تادیه خواهد کرد . »

با این الفاظ مکتوب را باحتیاط پیچیده در یکی از جیب های داخل لباسش گذاشت ومصمم شد که این مکتوب را پنهان کرده بگذارد که با دارش بلانش را در نکاح خود در ورد . و در نتیجه خود او پول زیادی بدست آورد .

درین اثنا چون بارون از خوردن ناشتای خودش فارغ شده و یك زوج اسپ تازه هم بکالسکه بسته شده بود ملازم خودش را بشدت صدا میزد .

لیونارد بصدای باد ارش از اسطبل بر آمده با او ملحق شد وهر دوی شان بسرعت تمام درشـکه سـوار شده براه افتادند .

برسیدن (وردن) شهررا از باعث تقرب عساکر (استریائی) به هیجـان شدیدی یافته ، افواهات متمادی در هر طرف نشر وموجب دهشت اهالی میگردید بارون سر راست بدائره بلدیه رفته از والی شهر قرض خودش را که برای بهبود شهر داده بود ، مطالبه میکرد ولی باو جواب دادند که اهیت مالیه (وردن) بدرجه صفر وحرف پول درلغات بلدیه وجود ندارد .

حاکم جواب رد خودش را با این الفاظ ازاد نموده : « مگر ؛ قای بارون این را هم باید عرض کنم که هنوز هم موقع برای تادیه پول شان خواهد بود باید به کلی مایوس نشوند ! »

لوندال با کدورت تمام : « آیا آن موقع چه وقت خواهد رسید ؟ »

حاکم : « وقتیکه ما پول دار شدیم امپراطور استریا پی پول نیست ، اگر صلح قایم شود وشهر از حقوق محاربه نجات یابد برای تادیه پول حساب بارون من خود شخصاً مسئول خواهم بود . »

مستاجر عمومی چون یك تاجر جهان دیده و کار آزموده بود و قیمت پول بخوبی علم هم داشت یك ندانشت که قرضش از طرف فرانسه تادیه شود و یا استریا اوا نماید .

بارون از احساسات وطن پرستی که نداشت صرف نظر کرده احتمال تسلیم شهر را به اطریش ها خوش آمد گفت . بیگانه تردی که داشت ازین بود آیا : روس ها واطریش ها بعد از گرفتن شهر درمقابل عسکر ملی که برای نقصان وردن در حرکت بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 294 of 896

مقاومت کرده خواهند توانست باانه این اندیشهٔ خودش را بحاکم اظهار نمود ولی حاکم او را مطمئن ساخته گفت: «اگرچه این مسئله قدری قابل اندیشه هست ولی من یقین دارم که عساکر ملی بعد از وقت خواهند رسید.»

بارون: «پس من باید فارغ البال ومطمئن باشم؟»

حاکم: «بلی؟ بکلی خاطر جمع باشید. بگوئید به بینیم از پاریس سر راست تشرف آورده اید؟»

بارون: «سر راست و آن هم بکمال سرعت.»

حاکم: «دیگر شخص هم با شما بود یا تنها این سفر را اختیار فرمودید؟»

بارون: «یکنفر ملازم خودم همراه بود.»

حاکم: «آیا این ملازم شما مرتبه نه که برگوئی کند ودرعین زمان اسراری را نگهدارد؟»

بارون: «مقصد شما را درک کرده نتوانستم. لطفاً تکرار کنید.»

حاکم: «میخواهم که این ملازم حضرت عالی در اهالی در آمیخته رو باکی اند کند. چون تازه از پاریس وارد شده همه بحرف های او اعتبار خواهند گذاشت. مثلاً بگوید شهر در دست طبقه ادنای اهالی افتاده است. شاه پرستان به امید وورود عساکر پروس واطریش قوت یافته اند و برای عقب نشاندن و شهر را از دست این اجلاف ها خلاص نمودن اقدام جدی نموده اند.»

بارون: «آیا فرمایش شما حقیق است.»

حاکم: «این را هم باید بگوید که از یك ذریعه معتبر شنیده شده است که هشتاد هزار انگلیس در بندر (برست) بساحل بر آمده و بطرف پاریس در حرکت اند.»

بارون: «آیا از انتشار این اخبار چه مدعا دارید؟»

حاکم: «تا فیصله که امشب میکنیم معذوری داشته باشد.»

بارون: «فیصله کدام است؟»

حاکم: «مجلس درین تالار منعقد کردن وجواب پیغام دیوك (دوبروزویك) را دادن.»

بارون: «سری که باید ملازم من حفظ کند کدام خواهد بود؟»

حاکم: «تجاویز ما با.» بارون: «چون این تجاویز با گفته شده است البته محفوظ خواهد ماند.»

این دونفر خائن هم پیشه بایك خنده پرمعنائی از هم جدا شدند. بارون به طرف کالسکه شتافت تا پیوند را به وظیفه اش بر گمارد وحاکم برای جمع نمودن طرفداران خودش رفت تا در افکار خیانت آثار او معاونت نمایند.

فصل هشتم

(تسلیم شدن شهر وردن)

تمام باشندگان با رسوخ شهر وردن با معززین و شرفا اطراف و مضافات آن در تالار بزرگ عمارت بلدیه بیك جلسهٔ مهمی اجتماع کرده بودند. حاکم شهر موسیو (گوسن) وظیفه ریاست این مجلس را ایفا می نمود و کلنل (بل مونت) حاکم عسکری شهر نیز با او متحد بود.

دیوك (دو برو نز ویك) اردوگان خودش را در پیش گاه شهر برپا کرده منتظر بود که آیا اهالی دروازه های شهر را روی او کشاده او را به هیئت یك حامی وناجی استقبال خواهند نمود؟ ویا اینکه دهنهای خندق را برداشته او را باده بین های طوب جواب خواهند داد؟ اجتماع اهالی شهر هم به تحریك حاکم برای فیصلهٔ این جواب بود که چه طرق داده شود.

بعد از آنکه تالار از مدعوین پر (گردید) حاکم بر منبر بالا بر آمده شروع به افتتاحیه ذیل نمود: —

(باقیدارد)

(مطبعهٔ نفیس:)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 296 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۵ »
طلبهٔ معارف	۷ »
در ممالک خارجه	۱۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که توسط خزائن دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 298 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 299 of 896

شماره (۱۶)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوسته ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد (۵)

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس و نگارنده مسئول
محی الدین

۲ شنبه ۱۸ اسد ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۵ ربیع الاول ۱۳۵۰

صورت افتتاح سیزدهمین استقلال

حسب پروگرام اداره جشن ساعت ۸ روز جمعه ۲۲ اسد در حالیکه هیئت وزراء، کور دیپلوماتیک، و جمع غفیری از اهالی شهر کابل و اطراف آن، و صفوف عسکری، در زیر منار یادگار استقلال اخذ موقع نموده بودند، جشن سیزدهمین سال افغانستان از طرف اعلیحضرت همایونی افتتاح وتأثیرات بزرگی بعموم حضار بخشید. که متن کلمات حکیمانه و نصایح شاهانه را در ذیل نقل میکنیم.
سپس جناب شیخ السفرا آقای (ستارک) سفیر کبیر س س س ر در دربار کابل مختصر نطق مبنی بر تبریکیه استقلال را ایراد نموده و از طرف شهریاری با بیانات متین و دوستانه مجاب شدند.

بعد ازان آقای عبدالاحد خان رئیس شورا معروضهٔ از طرف وکلای محترم بحضور قرائت نمود. همین که جشن سیزدهمین با یک مسرت و شادمانی تمام افتتاح گردید، اعلیحضرت غازی وجمیع حضار محترم بطرف چمن برای معاینه گذشت عسکری تشریف بردند.

نطق اعلیحضرت غازی در موقع افتتاح جشن سال سیزدهمین استقلال

بنام خداوند فیاض و توانا این جشن مقدس سال سیزدهمین استقلال ملی را آغاز و افتتاح مینمایم و ملت عزیز افغانستان را بورود این دورهٔ فرخنده و بهترین یادگار های افتخارات ملی تبریک و تهنیت میگویم.

ای ملت عزیز و دلیر من!

استقلال ملت ما از جملهٔ آن نعمت های بزرگ خداوند قدیر است که در مقابل آن مالها و جانها را قدر و قیمتی نمیباشد زیرا مالها و جانها برای زندگی چند روزه دنیا و این زندگی بحکم حقیقت و فطرت آدمیت برای استقلال و مخصوص آزادی نوع انسان است.

افغانستان که بفضل و مرحمت خداوند و حمیت و غیرت ملت نجیب خود سیزده سال پیشتر استقلال خود را بحصول و مالک آن گردیده، و الی ما شاء الله در سایهٔ استقلال زندگانی با شرفانهٔ بسر بردهٔ استقلال شانی پر قرار و پر دوام خواهد بود.

اینست که ما امروز بیاد کار های جهد بلیغ ملی و حصول استقلال افغانستان این جشن مقدس را افتتاح میکنیم و دو باره بکافهٔ ملت عزیز خویش تبریک و تهنیت میگوییم: —

ای ملت شجیع و عزیز من!

وظایف ملیهٔ ما در راه حفظ استقلال وطن امری مهم و سنگین است مقتضیات عصر حاضر و ایجابات مدنیت جهان بعلاوهٔ داشتن استقلال ملی برای ما وظایفی تعیین و مقرر می کند که در عدم ایفای آن بنیان استقلال ملی متزلزل و ناپدیدار است.

این وظایف مهمهٔ که گفتیم عبارت از استقلال اقتصادی وصنعتی و عرفانی مملکت است سنگهای اولین این تهذیب ها نشر معارف صحیح و ترقی صنایع و ترویج زراعت تکثیر محصولات وطنی سهولت حمل و نقل تمدید راهها و امثالها است و اینها از همه اولتر محتاج امنیت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 300 of 896

داخله و توحید و اتفاق افکار ملیه است.

چون حفظ موجودیت یک ملت محتاج بقوت منتظم عسکری است لهذا قبلاً ما و حکومت ما حتی المقدور در تشکیل قاعدهٔ آن کوشیده ایم و امید میکنیم که بمعاونت خداوند در سایه حسن مساعی و فداکاری وزارت حربیه و افسران اردوی افغانی عسکر افغانستان زودی دارای قدرت و انتظام مکمل عصری گردد و نا گفته نباید که درین عصر تا حال خدماتیکه اردوی افغانستان در راه اقامت امنیت داخله فداکارانه ایفا نموده اند البته ما و ملت ما فراموش نخواهیم نمود راجع به توحید و اتحاد افکار عمومی چارهٔ بهترین را که در عالم متمدن هستند و متکا است همان داشتن حکومت ملی و مجلس شورا است که ما نیز این چاره را بعون الله تعالی عملی ساخته‌ایم و امید میکنیم که مجلس مقدس شورای ما بتوانند درین راه بهترین خدمتی را انجام داده و اسباب تنظیم و ترقی مملکت را فراهم سازد.

بعلاوه ما و حکومت ما درین عرصه دو سال خدا را شکر میکنیم که در قایم کردن امنیت داخله نشر معارف تنظیم عسکر و واردات تمدید طرق و شوارع ترقی مطبوعات تهیهٔ آلات و ادوات حربی و امثالها توانستیم خدمتی نمائیم ولی نصب العین ما چون ازین ها بلند تر است از خدای متعال توفیق میخواهیم که بتوانیم در آینده خیالات وطن پرورانهٔ خویش را از قوه بمیدان عمل آریم.

ای ملت عزیز من.

من بهمه شما توصیه میکنم که متحداً و متفقاً فی القول والعمل در راه حصول این مقاصد مقدس ملیه و ترقی و تقدم وطن عزیز از هیچگونه سعی و ایثار مضایقه و دریغ نه نمایند من از ملت و دولت انتظار دارم که در ایفای وظایف منتهای جدیت و صمیمیت را ابراز نمایند و از هیئت شورای مقدس خواهش میکنم که بقدم های سریع در تنظیم اجتماعی این ملت طی طریق نمایند من یقین میکنم که در تمام طبقات ملت عزیزم دست بدست داده متحداً و متفقاً در راه تقدم و تمدن مملکتی قدم می بردارند و از مخالفت های قولی و عملی که باعث تشتت آراء و افکار اقوام و منتج به نتایج سوء و پیش آمد های بربادی قوای مادی و معنوی ملت است اجتناب خواهند کرد.

درین صورت شک نیست که مملکت عزیز ما افغانستان بزودی مراحل ترقی و تمدن را طی خواهند نمود و وظایف دینیه و ملیه ما و شما در مقابل باز پرس خداوند عادل ادا خواهد گردید. زیاده از خداوند قادر و توانا مسئلت میکنم که بملت افغانستان موقع آن بخشد که تا قرن های درازی بامسرت خاطر و از قیمت روز افزون یاد گار جهاد پاک استقلال ملی خویش جشن‌های مقدسی دائر و افتتاح نمایند.

معروضه که از طرف شورای ملی بحضور اعلیحضرت غازی قرائت شده است

اعلیحضرت غازی پادشاه محبوب القلوب ملت!

ورود این جشن بامسرت سال سوم همین استقلال را که از آرزو های تاریخی و عنوان دورهٔ سعادت ملت افغانستان و به فضل و مرحمت خدای کریم و فداکاری و سر بازی اعلیحضرت شما ملت افغانستان بآن نائل گردیده است بحضور اعلیحضرت شما تبریک میگوئیم.

حمد میکنیم خدا را که ما ملت افغانستان از فضل و کرم حضرت الهی و مجاهدات شما امروز با کمال امنیت و استقلال داخلی و خارجی و آسایش عمومی باینقسم جشن باشرف ملی خود نائل هستیم حقیقةً شکران این الطاف درخشان حضرت الهی را بهیچ صورت بجا آورده نمیتوانیم مسرور بیشتریکه در جشن استقلال امسال نسبت بسال پیشتر بدلهای مملو از صمیمیت خود حس میکنیم اینست که الحمد لله تعالی علاوه بر حصول امنیت و رفاه عمومی درین سال بتأسیس یک مؤسسهٔ باشرف ملی که آن عبارت از افتتاح شورای ملی است و سعادت و درخشانیت آیندهٔ ملت را نشان میدهد موفق شده ایم.

اینحقوق شورای ملی را که دیگر ملل متمدنه عالم با کمال زحمت و خونریزی استحصال نموده اند اعلیحضرت غازی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 301 of 896

باساس دینی واسلامی واز نهایت عشق وعلاقه‌مندی که بملت و وطن عزیز خود افغانستان دارند بحکم (وشاورهم في الامر) برای حصول سعادت و تأمین اسباب از نمای جامعه ملت عطا فرموده اند .

اعلیحضرتا ما برأی العین مشاهده میکنیم که اعلیحضرت شما از بدو جلوس شاهانه تا حال برای پیشرفت امور مملکتی وایجاد اسباب سعادت دینی ودنیوی ما خدمات قیمتداری را ابراز فرموده ومیفرمایند این اقدامات وطن خواهانه

اعلیحضرت ما ملت را بسعادت مستقبل آن امیدوار میسازد وامید قوی داریم که ازین افکار بی آلایش وپاك وخیالات مقدسهٔ شاهانه که نسبت بفلاح وآبادی ملت و وطن دارند موفقیات در خشان وخسارات دوره انقلاب افغانستان یوماً فیوماً تلافی وجبران شده و وطن بترقیات مشروعهٔ نائل گردد .

ما وکلای ملت از طرف خود اصالةً واز جانب موکلین خود وکالةً به حضور اعلیحضرت شما اطمینان واثق مید هیم که با جرای تمام عزم وتصمیمات شاهانه که برای سعادت حال واستقبال مملکت درنظر دارند بهر گونه افدا ملت جد بانه حاضر هستیم واز خداوند کریم برای هر فرد ملت بالخصوص شورای ملی وهیئت مامورین توفیق خدمت جامعه ملت و وطن عزیز ما افغانستان را تمنا میکنیم

در خاتمه مراتب تبریکات خالصانه وعاجزانه خود را به حضور اشرف ما یونی تجدید کرده ورود سی هنجو روز های بامسرت واعیاد ملی را بسلامتی اعلیحضرت غازی و آبادی وسعادت ملت و وطن افغانستان را از درگاه حضرت الهی نیاز مینمائیم .

بیانیه جناب شیخ السفرا

اعلیحضرتا !

افتخار دارم که امروز باعلیحضرت شما تبریکات صمیمی خود وهمقطاران محترم را بمناسبت سالگره سیزدهمین استقلال افغانستان تقدیم مینمایم .

درین روز عید بملت افغان آرزو های بی آلایش خود ها را بجهت پیشرفت در راه ترقی مادی ومعرفتی وتشیید استقلال بیان میداریم و باعلیحضرت شما قوة واستطاعت زیاد وصحت کامل که برای عمل نیک سعادت حکومت افغانستان لازمی است آرزو میکنم .

جوابیه که از حضور اعلیحضرت ایراد شده است

جناب شیخ السفرا !

با تمام مسرت از تبریکات صمیمانهٔ جلالتمآب شما وهمقطاران محترم تان اظهار تشکر مینمایم ، وهمچنان از ابراز نظریات نیک شما ها نسبت به تعالی ملت عزیزم بس ممنون گردیده آرزو مندم که بمدد والطاف خدای متعال افغانستان مستقل همیشه بحفظ حسن روابط وتشیید مناسبات دوستانه که خوشبختانه بادول متعاهده خود دارد سالیان بیشمار برهمان اساس قایم ومستحکم بود وحیات باشرافانه خود را بر دوام داشته باشد .

اعلان

ذوات محترم که مائل اشتراك مجلهٔ کابل هستند بخود ادارهٔ انجمن ادبی یا باداره اصلاح ، اداره انیس مراجعت نموده بعد تحویلی پول بدل اشتراك مجله یکی از ورقه های اشتراك که مخصوص معرفی مشترکین مجله میباشد صورت درخواست خود را تحریر وامضاء فرمایند تابعد ازان مجله بعنوان ذوات موصوف از روی آدرس عنوان که درورقه تصریح میدهند فرستاده میشود

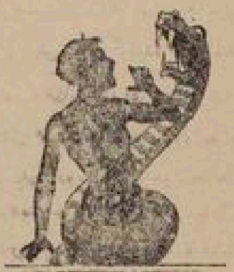

صحیات

مالاریا
یا
تب لرزه

مالاریا یکی از بزرگترین خطرات این مملکت است که میتوان گفت تقریباً نصف اهالی را در پنجه های خود فشرده وباعث خسارت جانی ومالی واجتماعی میگردد واین مرض نه تنها در مملکت بلکه در تمام دنیا نیز حکمفرما است ٠ —

بعقیده علمای دنیا از ١٨٠٠ ملیون نفوس دنیا ٨٠٠ ملیون نفر دچار این مرض موذی بوده وخسارت مادی که از این مرض تولید میگردد بالغ بر چندین میلیارد است ٠

مالاریا که یکی از دشمنان جامعه بشر است در چندین هزار سال بدون اینکه ظاهرا صورت وحشت انگیز خود را نمایان سازد باعث خرابی وانهدام ملیونها خانواده گشته واز این حیث اتلاف نفوس وخسارت مادی از این مرض بیش از خسارتی است که از یک جنگ خیلی مهمی پیش می آید جنگ را نمی توان در خفا عملی نمود وخطر آن در مقابل چشم بشر همیشه مجسم است دول وملل با مخارج هنگفتی وسایلی از قبیل قشون ومهمات تهیه مینمایند تادر موقع برای دفاع حاضر باشند ولی در مقابل این دشمن که در خفا وتدریجا قربانیهای خود را اسیر وبی سر وصدا منهدم میسازد تشکیلات دفاعیه وجود ندارد از این نقطه نظر خسارات وارده ازجنگ درمقابل انظار عظیم وبزرگتر است درحالی که اینطور نیست وعلل عظمت آن ها نا نمایان بودن آن است ٠

از این گذشته خطر دیگری که مالاریا دارد این است که تا بحال معدودی میدانند این دشمن موذی بچه وسیله پرورش یافته و وارد خون انسانی شده ومریض را علیل وذلیل میسازد درصورتیکه همه باید بعواقب وخیم آن پی برند در این موضوع نه فقط اطبا ٠ بلکه عموم افراد بشر باید مطالعات لازمه نموده واطلاعات کامله کسب نمایند تا بتوانند در مقابل تهاجم میکروب های این مرض وسایل موثره دفاعیه را بکار برند ولی متاسفانه مشاهده میشود خیلی از اشخاصیکه شهرت بدارا بودن معلومات کافی هستند وحتی از ترتیب ورود مالاریا درخون اطلاعی ندارند وتحصیلکرده های کامل متوسطه نیز اطلاعی از این موضوع ندارند باین لحاظ ممکن است این قسمت را یکی از نواقص مدارس ما دانست ٠

برای اثبات نظریات خود کاش میتوانستیم قارئین محترم را بمطبهای اطباء هدایت نموده تا آنجا ملاحظه فرمایند که در آن مطبها فقط اشخاصی بالنسبه ثروتمند وظاهر آراسته ومتمدن برای معالجه امراض در اطاق انتظار نشسته اند عوام واشخاص بی چیز در امراض مختلفه غوامانه ورو بدون اینکه صدائی از آنها در آید سر تسلیم در مقابل آن فرود آورده اند مالاریا یکی از بزرگترین عوامل بدبختی است که نصف افراد بشر را تحت شکنجه قرار داده است میخواهم اطلاعات خود را بطور مفصل بعلاوه کشفیات جدیدی که دراین خصوص در عالم طب بعمل آمده است بعرض قارئین محترم برسانم تا بتوانند برای سلامتی وجود خود در مقابل این مرض موذی برای دفاع حاضر باشند ٠

درسنه ١٨٨٠ میلادی بشر راجع بوجود این میکروب اطلاعی در دست نداشت تا اینکه) لاوران عالم معروف فرانسوی برای اولین دفعه در خون مریض مشاهده وجود (پارازیت ها را کرد علمای فرانسوی وایطالیائی موضوع را تحت مطالعه در آورده وثابت کردند که این میکروب پارازیتها اقسام مختلف دارند که هریک از آنها باشکال های مخصوصی ظاهر می شوند ٠

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 303 of 896

مالاریا سه قسم (پارازیت) دارد که یکی از آنها نشانش این است که مثلاً یك روز تب دارد ودو روز ندارد یا بعبارة اخری (پارازیتها) دوسه روز (۷۲ ساعت) تکمیل شده و تخم میکنند ـ دیگری در ۴۸ ساعت وسومی در ۲۴ ساعت قسم دیگر از مالاریا هست که مثلاً دو روز یکمرتبه نوبه میکند ولی تب آن شدید وطولانی است وخیلی اتفاق می افتد که عوارض دیگری نیز بظهور میرساند . این مالاریا (پارازیت) مخصوصی دارد که شبیه است بماه نصف (هلال مه) واز تب مخصوص در سرایت از شخصی بشخص دیگری دارد . این قسم مالاریا مخصوص نقاط گرمسیر است ونوبه زرد اسم دارد .

باید دانست که ممکن است اقسام مختلفه پارازیتهای مذکور یکمرتبه در خون یك شخص جمع آیند باین ترتیب :

وقتی پارازیتها وارد خون انسان میشوند مرکز سکونت وتغذیه خود را در گلو بولهای قرمز خون قرار داده آنها را سوراخ کرده وارد آنها میشوند ودر ۲۴ یا ۴۸ ویا ۷۲ ساعت آنهارا خورده بحد کمال رسیده تخم میگذارند بعد پرده نازك گلو بول را پاره کرده عده کثیری تخمها که پارازیت شده اند وارد خون میشوند در این موقع پارازیت ها سم مخصوصی از خود خارج میکنند که در مراکز اعصاب مؤثر شده اختلالی در حرارت بدن ایجاد میکنند پس لرز شروع می شود که یك الی دو ساعت طول میکشد بعد از آن تب که یکی دو ساعت طول میکشد شروع شده وبعداً مریض عرق میکند این عرق هم یکی دو ساعت طول کشیده چون عرق ثالث خود قسمت مهم سم مذکور و حرارت اضافی را از بدن خارج میسازد حرارت دوباره بدرجه طبیعی خود بر میگردد وباین ترتیب هر یك از پارازیتهای نو وارد گلو بولی برای خود پیدا کرده وارد آن میشود و تخم میگذارد ، پارازیتهای جدیدی ایجاد میکند واین عمل در خون انسان لا ینقطع جریان دارد .

چون علما این قسمت را کشف کردند مسئله مالاریا بقدر کافی حل شد ولی از حیث معالجه سریع آن هنوز وسایل مؤثر اعمال نشده است .

مدت مدیدی است که علما مشغول کشف این حقیقت هستند که آیا پارازیتهای مالاریا قبل از ورود در خون انسان در کجا بودند و بعد از ورود بچه وسیله خارج میشوند راجع باین فقره حدسیات زیادی وجود داشت سابقاً تصور میکردند که چون مالاریا بطور معمول در نقاط ساحلی و باطلاقی ممالك گرمسیری شیوع دارد پارازیتها در هوا هستند و توسط استنشاق وارد ریه شده . و از آن جا بخون منتقل و شخص را مریض میسازند ولی اخیراً در نتیجه مطالعات علما معلوم شد که این موجودات (میکروب مالاریکی) نمیتوانستند در هوا وجود داشته باشند و اگر آن ها در هوا بودند پس لازم بود از نقاط باطلاقی که مرکز مرض است این میکروب ها توسط باد بطرف فلات برده شده و بآن جا ها نیز سرایت کنند در حالیکه دیده شده است در این نقاط حتی در موسم تابستان نیز مالاریا وجود ندارد .

پس از آنکه ثابت شد که پارازیتها در هوا نیستند آنها را در آب و مخصوصاً در آب های باطلاقی جستجو کردند باین تصور که توسط آب پارازیتها وارد معده شده و از آن جا هم وارد خون میگردند و برای این هم اشخاصی را که در نقاط مالاریائی هنوز مبتلا نشده بودند آب های پاك چشمه خوراندند ولی با وصف این آنها نیز از خطر ابتلاء نجات نیافتند و در عوض اشخاصی را که در نقاط غیر مالاریائی اقامت داشته آب باطلاقی را خوراندند و آن ها مبتلا نشدند .

چون این قسمت هم ثابت نشد وجود میکروب را در خاك تصور کردند ولی امتحانات در این قسمت هم نتیجه منتظر را نداد .

بالاخره این طور حدس زدند که پارازیتها از اشخاص مریض باشخاص سالم توسط پشه ها انتقال مییابند این عقیده مدت مدیدی انعکاس پیدا نکرده تا در سنه ۱۸۹۸ رس مشهور [کراسی] عالم معروف ایطالیائی مشاهده کرد که

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 304 of 896

در نقاط باطلاقی در موقعیکه موسم از دیاد پشه ها است مثلا زیاد شدت کرده و خطرناك می گردد.

این نظر باعث شد که ایشان مطالعاتی در انواع پشه ها نموده و این نتیجه را گرفتند که نوعی از پشه ها که باصطلاح علمی آن را (آنوفل) مینامند وسیله اصلی انتقال پارازیتها از مریض مبتلا بمالاریا باشخاص سالم میباشد.

(بقیه دارد)

علت زکام

زکام یکی از امراضی میباشد که جداً ساری و منتشر بوده و بیش از امراض از حیث شیوع و سرعت انتقال اطبا را مبتلا مشغول می‌سازد. در عالم هیچ مرضی مثل زکام سرعت انتشار نداشته و امیدی در کار نیست که یك روزی طبابت و علم مخلوق خدا را از شر سرایت این مرض نجات دهند.

خیلی از اطبا، تصمیم گرفتند که بر علیه میکروب این مرض جنگیده و این مرض پر خطر را از بشریت دور سازند ولی متأسفانه موفقیت حاصل ننمودند بعض از دکترها تجارب زیادی در اطراف این مرض نموده و میکروب آنرا در موقع و مناطق مختلف تحت نظر گرفته و حتی طائفهٔ از میمون،مرموزت و شامپانزه را بواسطه از شخص مبتلای بزکام تزریق کرده و بر اثر آن تزریق میمون رطوبات ترشح دماغ شخص مریض حیوان مزبور عیناً انسان دچار زکام گشته و همین عوارض را داشته و عجیب آنکه بزودی در حیوانات دیگر هم از آن نوع سرایت می کند.

اطباء مذکور، این تجربه را مکرر کرده و در حالات مختلفه، نتیجه واحدی مأخوذ داشته اند و لذا ثابت کرده اند میکروب زکام عبارت از نوعی میکروب میباشد که با رقیقترین ترشحات سرایت کرده و در مرکز مغز و رطوبات دماغ نشو و نما حاصل می کند.

تا کنون که هیچکس مقدور دفع آن نگشته و نتوانسته است این میکروب را از سرایت باز دارد (عرفان)

از هر طرف

نقشه ده ساله چین

مخبر روزنامه مزاینك پست مقیم شانگهای خبر میدهد که وزارت صنایع نانکن یك نقشه ده ساله طرح نموده است بقصد آنکه چین را یکی از بزرگترین ممالك معظم صنعتی عالم تبدیل نماید نقشه پنج سالهٔ روسیه را متضمن است.

نقشه چین عبارت از چهار ده قسمت ذیل میباشد.

۱ ــ ساختمان لنگر گاه‌ها و کانال ها راه های آهن

۲ ــ استفاده از اراضی وسیعه بایر شمال غرب وبطور کلی اصلاح صنایع روستائی

۳ ــ استخراج معادن فلزی معادن سنك

٤ ــ احداث کار خانجات آهنگداری و کار خانه جات فلزی

٥ ــ استحصال آهن وفولاد.

٦ ــ ساختن اقدام وسائط نقلیه

٧ ــ ساختن اتومبیل و نقلیه های روی خط از قبیل واگون وغیره

٨ ــ ساختن کشتی های تجارتی و کشتی های ماهی گیری

٩ ــ ساختن آجر وسمنت وسایر مصالح بنائی

١٠ ــ احداث یك صنعت جهت استحصال قیری که در موقع تجزیه گاز از ذغال سنك بدست میاید

١١ ــ احداث کار خانجات شیمیائی قلیائی

١٢ ــ احداث کار خانهٔ هیدرو والکتریك

١٤ ــ احداث کار خانه تهیه آب بلدی

کنترل دولت

کلیه این مهمات بدست دولت انجام خواهد یافت یا در تحت نظارت مستقیم دولت خواهد بود.

دسته جهازات جار تجین اکنون ــ ۳۰۰،۰۰۰ تن ظرفیت دارند وجهازات مزبور اکثرا از کشتی های بخاری که از رود خانه ها اياب وذهاب مینمایند تشکیل یافته است ولی در این نقشه ده ساله مجموع ظرفیت سفائن چین بایستی به ۸،۰۰۰،۰۰۰ تن وماشین هایش به ۵۰۰۰۰۰۰ قوه اسب بالغ گردد.

ونیز ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ قوه اسب جهت کار های صنعتی که در نظر گرفته شده لازم میباشد.

اهمیت این نقشه ها ومنظورات از از اینجا معلوم می شود که اکنون تمام

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 305 of 896

کار خانجات چین فقط با ۱۰٬۷۵۰٬۰۰۰ قوه اسب میگردد وثلث این قوه در شهر شانگهای تمرکز یافته است

مخارج اجرای این نقشه جدید در حدود سالی ۲۲٬۰۰۰٬۰۰۰ لیره تاده سال متوالی خواهد شد که جمعا در آخر ده سال ۲۳۰٬۰۰۰٬۰۰۰ لیره شده باشد

اکنون از ۷۰٬۰۰۰٬۰۰۰ جریب زمین قابل زرع چین فقط ربع آن مزروع میباشد

مطابق نقشه ده ساله اراضی مزروع چین بایستی در اثر ادخال ماشین آلات فلاحتی عالی به ۵۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ جریب زمین بالغ گردد سال جهت خرید ماشین آلات مزبور کار سازی شود

ونیز نقشه دهساله مقرر میدارد که ۴٬۰۰۰... شبه کنونی چین که بیشتر از نصف آنها متعلق بخارجیان است بایستی پس از دهسال به ۴۰٬۰۰۰٬۰۰۰ بالغ گردد

مجموع مصارف برآوردی جهت خرید کلیه ادوات وآلات ماشینی درظرف مدت ده سال بالغ بر ۱۰٬۱۲۰٬۰۰۰٬۰۰۰ لیره خواهد شد

در نانکن بطور نمونه کار خانجات ساختمان ماشین تاسیس خواهد یافت که مکانیکها در تحت نظارت خارجی ترتیب شوند .

مخارج ساختمان این کار خانه درحدود ۳٬۰۰۰٬۰۰۰ دلار خواهد شد

نظر باینکه تهیه این همه سرمایه با صنعتیات فعلی چین کمال عسرت واشکال را خواهد داشت عملی شدن این نقشه با این عظمت و وسعت محل تردید میباشد

یافتن گنج از میان یك کتاب

ازجمله کتابخانه یك کتاب خانه بزرگ واشنگتن در روزه آمد ورفت دارند یك محصل از رفت وآمد داشته واغلب اوقات را بمطالعات کتب در آن جای گذرانده است اتفاقا اینمحصل از مباشر کتب خانه یك کتابی را از تالیف های « ادول فابرید روبس » برای مطالعه میطلبد (مولف این کتاب از دیر زمانی فوت کرده است .) مباشر هم البته تقاضای او را پذیرفته وکتاب مزبور را تقدیمش مینماید ولی همینکه آن جوان شروع بمطالعه کرده کتاب را ورقه ورقه ورق میزند ناگاه یکمرتبه چشمش بریك ورقه دوخته می شود که در میان اوراق کتاب بوده ودر او چنین نوشته شده است هر که این نوشته بدستش آمد وبخواند انرا فوری بکاتب عدل ارائه داده واز او چنین تقاضا نماید که ازمیان دوسیه های مخصوص خودش آنرا که بحرف « ل . ا » ونمره ۱۶۲ قید کرده است بخاطر آورده و عمل نماید

محصل مزبور که از مقاصد این نوشته بی خبر بوده البته پس از خواندن آن برای وقت گذرانی با یك تمسخر و بی اعتنائی مخصوصی سراغ کاتب عدل رفته وکاغذ را نشانش می دهد . ولی بمجردیکه چشم کاتب عدل بورقه مزبور میافتد فوراً پس ازسلام واظهار احترام یك چك بانکی را بمبلغ « ملیون لیره » ایطالیا » در ازاء آن ورقه به محصل تسلیم می نماید

جمعیت دنیا

از آخرین احصائیه های آخر معلوم می شود که جمعیت دنیا درخلال قرن حاضر رو بازدیاد گذارده است این ازدیاد بقدری سریع میباشد که جداً معجب میباشد چه بفاصله کمتر از ۳۵ سال تعداد نفوس فعلی بشر بحدودی رسیده که بالغ بر ۲ هزار ملیون میباشد از این مقدار در حدود یك پنجم آن در ولایات متحده متوقف میباشد و باقی در تمامی دنیا پرا کنده اند .

بطلان تاریخ

قدیمترین ملل زارع

زراعت وشکار وتربیت حیوانات اهل از قدیمترین کارهای انفرادی و اجتماعی میباشد که انسانها از روز های اول برای اکتساب روزی بدان توسل جسته .

روایات تاریخی قدیمترین ملل زارع دنیا را « مصریها » می گویند درصورتی که اکتشافات تحت الارضی اخیره بخوبی این دعوی تاریخ را انکار میکنند زیرا قنوات ومجاری آبها وترعه ها وکانال های کلدان قدیم ، محقق می دارند که آنها قدیمترین قوم دنیا میباشند که به زراعت دست زده اند .

(از جرائد فارس)

۱۱۶۵ سال حبس

در روم ۱۳۱ نفر از اشقياي (مافيا) بارتكاب جرمهاي مختلف از قبيل لعمد خلق و باج سبيل وقتل بعتك ناموس وغارت و دزدي مقصر ومجرم تشخيص داده شده اند ومدعي العموم در محاكمه (پالرمه) تقاضا كرده است كه آنها بحبس هاي مختلف كه جمعاً عده سنوات حبس به ۱۱۶۵ سال بالغ گردد محكوم شوند .

اين جنايات بين سنه ۱۹۱۰ و ۱۹۲۶ ارتكاب گرديده واين محاكمه كه يكسال بطول انجاميده ديگر آخرين فعاليت دزدان وجنايت كاران روم را مينمايانند .

مطابق روايت هاي واصله از پالرمو در موقعيكه رئيس محكمه احكام صادره را قرائت مينمود محبوسين در قفس شروع بفحاشي و داد وفرياد نموده اند . آنها با صداي بلند فرياد بر آورده و به محكمه ورئيس محكمه واعضاي محكمه فحش وناسزا گفته وصداي مأمورين محكمه در ميان سيل فحاشي وجنجال دزدان بگوش هيچكس نميرسيد ضمناً دزدان اشخاصي را كه برعليه شان شهادت داده بودند تهديد مينمودند .

يكي از دزدان چكمه سنگين خود را پاره كرده واز ميان ميله هاي قفس يك تكه اش را بقاضي ديگري را بطبقه پرتاب نمود ولي تير او بهدف نرسيد .

با تحويل دادن محبوسين بمحبس واجراي حكم در مورد آنها از فردا اين فصل طولاني تاريكي كه متضمن حكايات موحش جنايتكاران (مافيا) بوده است بپايان ميرسد . (از جرائد فارسي)

———

اقتباس از روزنامه جشن

نمايشات جشن استقلال

آتن ملي

بساعت ٤ بعد از ظهر يوم جمعه ۲۲ اسد از طرف يك عده جوانان خروتي واندري آتن ملي يا رقص ملي وحركات مخصوص بمعرض نمايش گذارده شد هر چند آتن يا رقص ملي در وطن ما خيلي معروف و مصطلح است ولي اواخر بيشتر از سابق جالب ذوق و استياق عامه شده است ولي از نقطه نظر هر طرف و احساسات ملي فوق العاده حيثيت ذيقيمت و روح زنده و جنبنده افغاني را مجسم مي كرد . چنانچه كه قسم نمايش مذكور با همان روح افغاني در منطقه جشن اجرا گرديد و اعليحضرت غازي با وزرا و هيئت سراسي و ملتزمين شاهانه تشريف آورده در كپ مخصوص خود شان قرار گرفتند . تشريف آوري و التفات مخصوص ملوكانه و والا حضرت صدر اعظم صاحب اسباب تشويق اين جمعيت زنده را فراهم و باعث شد كه آتن را بمهارت تمامي بازي نمايند

سركس

اين نمايش بساعت پنج از طرف پروفيسر بركت الله عامل معروف در نمايش گاه عمومي اجرا گرديد مشار اليه چنانچه خودش مدعي است بوسيله كثرت ورزش واحد عضلات و سينه قوي گرديده و بنابر آن از هيچ فشار و زحمت متأثر نشده و با هر گونه مصاحب جسمي مقابله ميكند علاوتاً در سايه خوش اعتقادي بكلمه طيبه بر آتش حركت ميكند و موفق است كه تابعين بعمليات خودشرا نيز بر آتش عبور داده و آنها هم احساس هيچ درد و سوزش ننمايند . ما در صحت عقيده مشار اليه هيچ ترديدي نداريم زيرا كلمه طيبه اساساً مالك تأثيرات غريبي ميباشد ولي عمليات ديگر وي في اندازه شگفت آور است مثلاً يك زنجير مضبوطي كه ده نفر قادر به كشيدن آن نشده اند بتنهائي آنرا بكشت – بطوريكه دو آن زنجير را بكمر پيچيده و يك انتهاي آنرا بر چوبي محكم كرده با قوت فشار آنرا بريده و كذا دو سيخ آهنين كه كمتر از يك انچ كلفت بود يكي را بدور دست وديگري را دور گردن پيچيده بعد بروي چوكي بوضعي كه سر وشانه اش بر يك چوكي و پا هايش بديگر چوكي قرار گرفته و حصه وسطي بدنش معلق بچيزي نبود يك پسر دوازده ساله را بروي دو دست بلند كرده يك سنگ بوزن پنج سير را بروي شكمش شكستاندند همين طور دو سه مرتبه ديگر گاهي بر زمين خوابيده و دهن بر زانو

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 307 of 896

نشسته و در هر مرتبه سنگهای ضخیمی را بر سر و شکمش بسته آنها کوفته و شکستاندند مرتبه دیگر کراچی قطری را که هشت نفر در آن نشسته بودند بر گلوی او عبور دادند هر چند عبور دادن چرخها بطور مطلوب حاصل نشد و عمداً یا خطاءً فقط زنخ و یك قسمت از صورت وی تحت فشار چرخهای سنگین عرابه واقع گردید معهذا این عمل و طاقت و تحمل وی فوق العاده مورد تمجید و کف زدن ناظرین گردید — و با این عملیات و نمایشات خود وعده داد که در نمایشات دیگر حوض رول آهنی که سرك را با تسطیح میکند بر روی شکم و پشت خود عبور خواهد داد — چون مشار الیه در جشن های گذشته قبل از این عملیات شگفت آور را موقع انکشاف و امتحان گذارده و کار های عجیبی از خود بروز آورده از قبیل مقاومت با فشار و حرکت اتو موبیل و کذا شقی عرابهٔ اتو موبیل و فیل اقداً بر پشتش این دعاوی نیز خالی از تکلف و اغراق بوده عماً قریب خواهیم دید چنانچه وی گفته است عملیات خود را معرض امتحان خواهد گذارد .

نمایش دکتور الوار

مشار الیه از ساعت ۹ الی ۱۱ بجه شب عملیات غریبی از خود بروز داد و مایهٔ مشغولیت و تفریح ناظرین گردید تفصیل عملیات وی را در شماره های آینده بعرض اطلاع خوانندگان خواهیم رساند .

علاوه بر نمایشات که مختصراً از وجود آن در فوق تذکر دادیم — درهر گوشه و کنار چمن موسیقی های هندی و وطنی و رادیو و شعبده ها و مسخره ها ، کبوتر پرانی و انواع شکار ها و هدف های مصنوعی و زورقه های کوچك در کول چمن هر روزه موجود و با تادیه جزئی محصول وقت تماشا تیانرا مشغول میکند

مسمریزم

در وطن ما چشم بندی (مسمریزم) خیلی سابقه دارد مدار بهای معروف علم گنج و عملیات محدود آنها بیاد غالب ساکنین این بلده هست معذالك در نزد عوام همیشه یك مسئله غامض وقضیه لا ینحل بوده اگر قصص و روایات سابقه را که تا کنون در نزد ما جزء خرافات و روایات اساطیری محسوب میشود بیاد آریم مملو از افسانه ها هستند و باعتقاد پیشینیان ما چشم بندی مربوط به یك سلسلهٔ عوامل روحانی که اکثریت عاجز از اجزای آن بوده و بنا بر این کمتر کسی میل باموختن آن میکرده است — معلوم میشود بشر سابقه بمسمریزم داشته و بآن محشور شده اند ولی بسبب فقدان علم و تجربه از کنه آن بی اطلاع مانده و در نزد عامه اطلاعاتی درین رشته جز همان افسانه ها و روایات کهنه چیزی در دست نبوده درین اواخر می بینیم خورده خورده آن روایات و افسانه های نا قابل باور مبدل به حقیقت شده و نسبت بمعالجه یا حیله درمان راقیه بیشتر مورد توجه واعتقاد عامه شده ، و علما و فلاسفهٔ عصر حاضر را به کشف آن خبایا و غوامض وا دار نموده .

بعبارت دیگر چشم بندی یا مسمریزم با هر تعبیریکه بخواهیم شرح دهیم شیخ خرافات و روایات وقتنرا ترك کرده و در کالبد فن و تجربه و تحصیل داخل گشته — مثلاً دکتور الوار مسمریزم را در لندن تحصیل میکند و دیپلمه گرفته بنام دکتور معرفی میشود در امریکه شفا خانه های از طرف عاملین مسمریزم دائر و امراض صعب العلاج را بوسیلهٔ آن تداوی میکنند دو سال که پیش میشود در یکی از اخبارها شرح یك اسپتالی عامل مسمریزم را خواندیم که بازار دکتر های طبی را کاسد نموده و بجای آن رایت مسمریزمی را بر افراشته و توجه عامه را به خود جلب نموده است تا اینکه اطبا مجبور شدند بر ضد وی قیام کرده و عملیات وی را خالی از حقیقت جلوه دهند همین قیام و ضدیت اطبا و تداوی فوری مشار الیه بمراتب شهرت وی میفزاید و اطبا و شعبده هارا مغلوب میکند . و معتقدین بعملیات و تداوی مسمریست ها کسب زیادت مینمایند .

یوم شنبه ۲۳ اسد از ساعت هشت تا ده عملیات قابل دید پرو فیسر علی بخش هندی محل نمایش گذارده شد مشار الیه عملیات و کار هایش را خیلی بمهارت بازی کرده و اسباب مشغولیت تماشا بینان گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 308 of 896

بطوریکه مقرر شده است در روز های یکشنبه ۲۴ وچهار شنبه ۲۷ وجمعه ۲۹ اسد ازساعت های ۸ الی ده تمرینات خود شرا معرض نمایش خواهد گذارد . بساعت (۱۰) کارنیـوال نمایش معروف موقع گذارده شد ومایهٔ مسرت وتفریح ناظرین گردید .

فت بال

اعلیحضرت غازی ایام جلوس سنیه شان با مشاغل مهمهٔ سیاسی وعدلی وعمرانی توجهی بصحت عامه نیز فرموده ودر همه جا میدان های فت بال و کرکت وهاکی و والی بال وانواع ورزشهای بدنی که خدمتی بصحت اهالی مینماید باز فرموده اند ورفته رفته می بینیم قسمت عمدهٔ مامورین و اهالی داخل این سپورتها گردیده ومیچ های متعددی را نمایش داده اند ازان جملهٔ عصر روز شنبه ۲۳ یك بازی فت بال میان وزارت معارف و وزارت حربیه دائر گردید چون در بازی تعادل قوی موجود بود بساعت ۶ بدون غلبهٔ یکی بدیگری بازی ختم گردید برای فیصله قطعی یك بازی دیگری دائر خواهد شد .

ساعت ۹ مجدداً نمایشات داکتر لوارد و شروع وبساعت ۱۲ بجه شب ختم گردید .

نمایشات ۲۴ اسد

ساعت ۸ صبح تاده برای نمایشات پروفسر علی بخش و ازده تا (۱۱) بجه نمایشات صنعتی قرار داده شده بود ولی جای نمایش موخر الذکر را بعصر روز وتشریف آوری اعلیحضرت غازی معطل گذاردند .

هاکی

ساعت پنج بعد از ظهر ذات ملوکانه اولاً بمنطقه چمن موصی که برای مقابلهٔ هاکی بین مامورین وزارت حربیه و آتاشه وعضای سفارت دولت بهیه برطانیه تخصیص داده شده بود تشریف آورده در سایه بانی که قبلاً در آنجا افراشته شده بود چوکی مخصوص خودشان برقرار گرفته در بجا والا حضرت صدراعظم ووزرا وهیئت سیاسی ومامورین و معززین نیز حضور داشتند دسته های که برای مقابله حاضر شده بودند بالبسهٔ مختلف الالوانی که هردو جانب را از هم مفروق میکرد بازیرا آغاز کردند وطرفین کمال مهارت را برای غلبه یکی بدیگری بخرج دادند بازی از پنج تا غروب دوام ورزید در نتیجه هر دو جانب دو گول کرده بازی ختم شد بدون خود ستائی و اغراق میتوانیم بگوئیم مامورین وزارت حربیه دوین مرتبه کمال مهارت و تردستی را از خود بروز داده و مورد تحسین و مسرت عامه واقع شدند بالتخصیص درزمانی که جانب مقابل میخواست بازیرا ببرد توپ را از آنها میربودند و زحمات آنهارا خنثی مینمودند اخیراً با تعادل قوی بین طرفین بازی خاتمه یافت .

نمایش صنعتی وزارت تجارت

و قاولینکه های حربی و تماشی

چنانچه قبلاً بشرح آن پرداختیم نمایش بند گردید برای عصر روز معطل و بساعت ۶ عصر با حضور اعلیحضرت غازی و رجال بزرگ مملکتی مفتوح گردید .

اعلیحضرت غازی که یگانه مربی فضل و هنر و صنعت در وطن خود هستند مصنوعات و مخترعات را یکگان یکگان ملاحظه فرموده و همه چیز را بدقت امتحان و باهل صنعت و مامورین جاهد آن اظهار لطف و نوازش مبذول فرمودند .

وقتی که ملاحظه میکنیم با فضل و مرحمت ایزدی و بذل توجه وطن پرورانهٔ اعلیحضرت غازی روز بروز وسائل و مدنیت و ارتقا فراهم و ابواب سعادت و امنیت بروی ما کشوده میشود خیلی بخود میبالیم و حیات فدویت و قدر دانی ما باین نجات بخشا و قهرمان ملی مضاعف و مزداد میگردد فی الحقیقة نمایشات صنعتی وزارت تجارت از قبیل تربیه و تولید پله و دستگاهای نسج تابی و بافندگی و انواع عطاری و نجاری و صابون های لطیف و خوشبو و البسهٔ پشمی زمستانی و تکستانی و جراب و دکمه و ماشین های چوچه کشی و تربیه چوچه و پارچه های نخی و پشمی و ابریشمی و کاشی ها و تربیه اقسام حیوانات و گلها و تخم های گل وظروف و اوانی ساخت وطن که با توجه شخص وزیر آقای میرزا محمد خان بمنصهٔ وجود آمده فوق العاده امیدبخش ومسرت افزا ومارا امیدواری میدهد که آتیه قریبی مسلم سعادت وارتقا را به بینیم وبا مساعی وجهودات کابینهٔ وزراء

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 309 of 896

وبا خصوص شخص وزیر فعال کا بوس احتیاج را از وطن طرد و دفع نمایم هم همچنین فابریکه حربی هم بنو به خود آلات و مخزومات حربی قابل وصفی را بملاحظه ما رسانده از آنجمله نمونهٔ یک توپ طیاره شکن برخط آهن مدور و یک سنگر ما شیندار کولد وسنگر توپ فرانسوی واقسام دینا میت ها وبم های دستی وتفنگی وبارود های موثر قلعه که بتوجه ونظارت حضرت عالی وزیر صاحب حربیه وورزشهای جدی آن بعمل آمده خیلی شایان تعریف و توصیف و بی اندازه موجب مسرت وامتنان های خاطر خطیر ملوکانه ها یونی و والاحضرت صدر اعظم صاحب گردید .

کتا فابریکه نساجی

هر چند فابریکه نساجی وظیفه مهمی از قبیل تهیهٔ البسه وملزومات عسکری بعهده داشته با آنهم توانسته است یکمقدار کسمیره پشمی لیبسی برای البسه مامورین ومعززین درست ویک قسمت مهم احتیاجات ما را مدفوع نماید وما انتظار داریم که این فابریکه بمراتب ترقیات سریعی خود افزوده وهرچه زود تر ما را از گریوهٔ ذلت واحتیاج پارچه اجنبی برهاند .

وهمچنین امیدوار است وطن خواهان وما مورین که در رأس دستگاه های صنعتی واقع اند با کمال جدیت حربهٔ برای طرد پارچه های خارجی که پول ما را غارت کرده ودر کیسهٔ اجنبیان میریزد درست کرده وخدمات وزحمات خود را الی الابد

یاد گار گذارند .

ساعت ۹ مجدداً عملیات دکتور ازاد بمعرض نمایش گذارده شد و ساعت یازده شب ختم گردید .

نمایشات ۲۵ اسد

چنانچه مقرر شده بود از صبح ساعت ده میدان عملیات پروفیسور علی بخش موقع نمایش گذارده شود نظر باینکه دائره جشن دونفر دیگر هم برای اجرای این عملیات داشت بدواً یك مسمریست هندی دوسه کیل قابل دیدی را نمایش داد بعد ازان یکنفر افغان پشاوری که دراین جا معروف ببغدادی وشعبده باز است دوسه بازی شگفتی را عمل کرد وازان پس پروفیسور علی بخش بازیهای خودش را بنمایش دادن آغاز نمود پیشتر از همه یکقطعه بازیرا بهوا بلند کرد تارشته یکسر غائب گردید ازان بعد یکنفر هندی را تحت تاثیر مسمریستی خود گرفت بطوریکه بکلی بیهوش وفاقد الحس که وارادهٔ گردید هر طور وباهمان وضعی که دستهایش بلند شده بود مانند یک مجسمه چوبی بحال اولی مانده ونمیشد آنرا آزاده وبالا نمود مرتبه دیگر بدون اختیار و اراده بنا کرد خود را برهنه نمودن واگر ویرا بحال نیاورده بود داشت بکلی عور شود وقتیکه بحال آمد از مشاهدهٔ حال و اوضاع خود خیلی خجل وشرمسار گردید .

همین طور عملیات دیگرش هر کدام دیدنی خورد قابل دید ومزاوار تمجید بود تا حلول ساعت یازده بنمایشات مذکور خاتمه داده شد .

آب بازی وفت بال در آب

در وطن ما بواسطه وفور آب آببازی از فنون قابل توجه بشمار میرود باین مناسبت در همه جا مردم به مخصوصه دارند و حکومت محض تشویق آب بازان همه ساله درهمچو مواقع روزی را برای این نمایش تخصیص میدهند کسانیکه در فن خود کسب مهارت ونشان لیاقت نمایند مستحق انعام وصله واقع می شوند .

دیروز بساعت ده یك نمایش خوبی در کول چمن بعمل آمد اولاً یکدسته از آنها برچوب بهای پشته مانندی که دروسط کول وضع وگذارده شده بود ببالا بر آمدن آغاز نمودند اسماً برچوب های لشم تر برآمدند خالی از صعوبت نیست ولی از قرار معلوم چوب های مذکور را لغزنده تر ساخته بودند معهذا یك دونفر از آن ها توانستند از میان آب برچوب های مذکور برآمده وانعامات مقرره نائل شوند .

بعد از آن در میان آب فت بال را بازی کردند بر واضح است توپ بازی میان آب فوق العاده مشکل می باشد از نفری مذکور پس از کشش و کوشش زیاد یك جانب یك گول نموده وبا غلبهٔ یك گول نموده وبا غلبهٔ یکطرف بازی ختم گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 310 of 896

هدف زدن ونشان

ساعت چهار بعد از ظهر یك نمایش هدف زدن در آنجاء کول در حالی که یك جمع غفیری از رجال بزرگ دولتی وهیئت سیاسی ومنصبداران ومعززین در خیمه وسایه بان جنب کول حضور داشتند اجرا گردید درست بساعت ٤ اعلیحضرت همایونی تشریف آوردند اولاً یك دسته از نظامیان از آن بعد یك عده منصبداران فرقه شاهی شروع بهدف زدن نمودند برای فائقین سی وشش درجه قرار داده شده بود کسانی که در سه مرتبه سی وشش نمبر را حائز می شدند درجه اعلای علیا وکمتر ازان بدرجات مختلفه اول و دوم وسوم شناخته می شدند هرتیکه گله بهدف اصابت میکرد نمرات بلند را باندازه قرب وبعد مرمی که اندازه مهارت تفنگچی است مناط ون نشان داده می شد — دو مرتبه اول افراد نظامی که درجات مرموزه را طی کرده بودند مستحق انعام وحائزین انعام مجدداً میان خود شان مسابقه آغاز کرده فائقین موجب تمجید عامه ومورد الطاف ونوازش ملوکانه واقع شدند .

مرتبهٔ دیگر یك عده نفری ماشیندرا هدفی را که در تپه مرنجان بفاصله زیادی وضع کرده بودند با تفنگ ماشیندار بزیر آتش گرفتند صدای مهیب ولا ینقطع ماشیندار ومهارت تفنگچیان موجب مسرت علاقمندان وناظرین گردید — بساعت هفت نمایش مذکور خاتمه یافت .

از ساعت ۹ تا یازده شب ده کشور آلوار عملیات خود را نمایش داده و روز بمسرت بپایان آمد .

بایسکل دوانی

مطابق به پروگرام منشوره صبح ساعت ۸ تا ده را برای عملیات پروفسور برکت الله اختصاص داده بودند ولی بموجب یك فوق العادهٔ که از طرف دائرهٔ جشن نشر وتوزیع شده بود بعلتی که در فوق العاده شرح دادة اند وما عین آنرا در صفحه چهارم این شماره بمطالعهٔ قارئین محترم میرسانیم نمایش مذکور معطل وفقط بساعت ۱۰ مسابقه بایسکل در دندانه چمن نمایش داده شد بالطریق :—

بدواً سه گروپ هفت نفری بمسابقه آغاز گذاردند وبعد از طی سه دوره در کول چمن اشخاصیکه که درهر گروپ درجات اول و دوم وسوم را داشتند مرتبه دیگر میان خود شان مسابقه کردند وسه دوره بایسکل راندند واخیراً از همین نفری کسانی که درجات سه گانه را حائز شدند مسابقه را برده ومستحق انعام قرار داده شدند .

(ناتمام)

خبر های خارجی

امریکای شمالی

بحران اقتصادی

مسکو ، ٥ اگست — در شش ماه سال حاضر در متحدهٔ امریکای شمالی ورشکسته گی بانکها به ٥٠٠ ملیون دولار بالغ میگردد .

انگلستان

تنزل محصولات صناعتی

مسکو ، ٥ اگست — در انگلستان محصولات صناعتی در سال ۱۹۳۰ نسبت بسال ۱۹۲۹ — ٦ و ۷ فیصد تنزل نموده است . باوجود آن کارخانه های صناعت آهن وفولاد سازی ۲۲ فیصد ونساجی ۲۰ فیصد تنزل نموده است .

فرانسه

ترقی صناعت حربی

مسکو ، ٥ اگست — شرکت اسلحه فرانسه شنایدر — کرزو که مالك ماشین خانه های شکو را در چکوسلاواکیا میباشد خیال بدست آوردن ماشین خانه های صناعت سنگین رومانیا را دارد وهم چنین میخواهد که در انتانت صغیر در تحت راهنمائی صناعت حربی فرانسه یك تراست (شرکت) صناعت حربی تشکیل دهد .

نطق اختتامیه

ع ، ج علی محمد خان وزیر معارف که بساعت ٦ عصر روز جمعه ۲۹ اسد بر منبر خطابه ایراد نمودند :

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 311 of 896

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلات و السلام علی حضرت رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین .

حاضرین محترم ! همه بخاطر داریم که سال گذشته این عید مبارک استقلال بسبب ظهور مرض هائله وبا تنها بیک روز افتتاح منحصر گردیده قلوب وطن خواهان را به سرور جشن و مباهات خود مسرت نبخشید ، کذالک فراموش نکرده خواهیم بود که هم درین سال بنا بر اغراض شخصی و نیات سوء بعضی از اشخاص بی بصیرت یک اختلال و اغتشاش در هر گوشه و کنار مملکت برپا و موجب اضطراب و پریشانی خاطر ها گردیده افکار حکومت و حواس تمام خواهان وطن را بخود جلب نموده بود .

ولی در عرصهٔ یک سال خدا را شکر گذاریم که بتدابیر هوشمندانه ، اقدامات جدیانه و نیات خالصانهٔ حضرت همایون اقدس پادشاه محبوب القلوب ، و زحمات شبا روزی برادران با همت و غیرت شان مثمر ثمر دلخواه گردید و بفضل و مرحمت ایزدی آنهمه اختلالات و اغتشاشات از ساحهٔ مملکت مرتفع ، مفسدین مغلوب و یا مقتول گردید یک امن و آسایش عمومیه سر تا سر مملکت را استیلا کرد چنانچه عالیقدر جلالتمآب شاه محمود خان غازی وزیر حربیه و سپه سالار اعظم اردوی افغانیه آخرین از اخلال را بمعونت ایزدی و صرف غیرت و همت ملتزمین رکاب شان بالمره برطرف کرده امن و رفاه عمومیه را تامین نمودند و یک دو روز قبل از افتتاح این عید مبارک بمرکز عز ورود فرموده و مراتب مسرت عموم و مزیت جشن افزودند .

اینک امسال با یک عالم شکر گذاری از درگاه حضرت سبحانی عزاسمه به روز جمعهٔ گذشته ۶ سال سیزدهم استقلال را با کمال ابهت وجلال آن افتتاح ودرین هشت روز از مسرات مادی ومعنوی آن محظوظ گردیم الحمد لله ثم الحمد لله .

امروز که روز اخیر جشن مبارک سال سیزدهم استقلال است وما همه آرزو مند آنیم که تا بقای دنیا اولاد باغیرت وناموس افغان از این عید مبارک بیشتر وخوبتر محظوظ وبهره مند گردند لذالک بی مناسب نخواهد بود اگر یک دو فقره عرض عاجزانه در اینمورد بحضور حاضرین محترم نمایم .

حضار کرام ! بدون تردید از روز افتتاح اولین جشن مقدس استقلال تا امروز در اطراف کلمهٔ مختصر یک جهان معنی استقلال توضیحات مفصله شنیده اید واز چه بودن ، چه کیفیت داشتن ، بچه درد خوردن آن سخن های زیادی استماع کرده اید ولی بقول شاعر که :

تا حشر می توان سخن از زلف یار گفت
درقید آن مباش که مضمون نمانده است

می توانم عرض کنم : استقلال درواقع سرمایه حیات باشرف وجلال یک ملت است استقلال مهمترین واولین وسیلهٔ تهیهٔ اسباب و وسائل ترقی واعتلای یک مملکت است در صورت استفادهٔ صحیحه از استقلال یک ملت باوجود پس ماندگی ها ، باوجود فدا شدن وسائل رفاه خود می تواند بفضل ایزدی وصرف غیرت افراد خود در کم مدتی آن همه پس ماندگی ها و انحطاط هارا برطرف کرده موقعیت یک ملت بزرگ حیهٔ دنیا را احراز کند باخصوص ملت نجیبهٔ افغان که دست قدرت خالق کائنات جل ذکره بهترین استعداد هارا در استیعاب ترقیات دینی ودنیوی در فطرتش مودوع نموده است .

حضار فخام ! محافظهٔ یک شئی نسبت به حاصل کردن آن نی مشکلتر است مثلاً عرض کنم اگر یک دکتور پس از تحصیلات دورهٔ مکتبی خود دائماً مشق وتطبیقات دکتوری نمیکند - مطالعات مزیده وجدیده نموده باین وسیله تحصیلات سابقهٔ خود را محافظه نمیکند در کم مدتی آنهمه تحصیلات خودش را از دست داده ممکن است در تعیین اندازهٔ خوراکه ساده ترین ادویه هم سهو نماید - همچنین اگر یک ملت پس از حصول استقلال درتهیهٔ اسباب ووسائل محافظه وتامین آن صرف غیرت نمی نماید گفته میتوانیم لاسمح الله استقلال خودش را ضائع خواهد کرد پس وقتی که ملت افغان در راه حصول

استقلال خودشان به ریزانیدن خون جوانان خود اعتنا نکردند وبرای بدست آوردن این نعمت بزرگ خداوندی جان ومال خـود شان را قربان نمودند حتمی است ، لابدی است ، مجبوری است که در مهیا کردن اسباب محافظهٔ آن نیز از صرف همت وغیرت باز نه ایستند تا در صحائف تاریخ دنیا که هیچ یک واقعهٔ (خوب باشد یا بد) در آن نا نوشته نمی ماند نام نیك و سعادت ابدی خود شان را بخط درشت ثبت نمایند .

خوش بختانه حضرت واهب العطایا مهم ترین همچه یك وسیله را برای ما ملت افغان اعطا فرموده است یعنی یك ذات با برکات دین دوست ، ترقیخواه حق پسندی را به پادشاهی و امارات این ملت بر گزیده که اگر همهٔ ما متحداً هدایات وارشادات شاهانهٔ شان را در ترقیات دینی و دنیوی خود تعقیب و پیروی نمائیم اسباب فوز و نجاح خود مان را حاصل کرده خواهیم بود چه می بینیم این نابغهٔ دوران اعلیحضرت محمد نادر شاه افغان با برادران با غیرت و ناموس شان در تمام بحران های داخلیه و خارجیهٔ وطن فدا کاری ، ایثار نفس ، صداقت ، عزم تدبیر ، ذکای خود شان را باثبات رسانیده در راه مفاد عمومیهٔ ملت مفاد شخصی حتی حیات خود و خاندان خود شانرا هیچ انگاشته اند پس وقت آنست که همه دست بدست داده .

(باقیدارد)

خطابه ریاست شورای ملی

(٢)

است که نسبت به وطن و ملت خود دارند که این بیت (شاهانه برای بهبودخواهان وطن به منزلهٔ آب حیات در چشم بدخواهان افغانستان همچو تیغ بران است) .

لهذا من دعا میکنم که سایهٔ وجود مسعود ذات شاهانه را سبحانه دراز از سر ما ملت افغانستان کم نکند تا زیر نظر شفقت اثر این شهریار رعیت گستر ملت افغانستان به خوش بختی های عظمی نائل گردند در آخر باز از این قدردانی وپذیرائی شما عرض شکران میکنم

درین موقع صدر اعظم صاحب فرمودند

نطق جناب صدر اعظم صاحب

همچنانکه انسان در وقت راحت ونعمت ازلطف الهی شاکر وقرین مسرت میباشد میباید درموقع حدوث زحمت ومصیبت هم صابر وصاحب استقامت باشد !

لله الحمد همچنان که ما وشما در وقت رفتن وزیر صاحب حربیه برای اصلاحات امور قطغن وبدخشان از تودیع شان متاثر بودیم وفراق او شان را که برای خدمت مملکت وملت خود میرفتند بصبر واستقامت تلقی کردیم امروز هم از ورود مظفر انه وزیر صاحب حربیه وازان مساعیات قابل قدر شان که در راه تدویر امنیت وانضباط وفراهم آوری موجبات سعادت ورفاهیت را دران قطغن وبدخشان بعمل آورده اند ، شاکر وقرین مسرت هستیم ودعا میکنیم که الله تعالی این جوان رشید را برای مزید خدمت مملکت وملت قرین صحت وسلامت داشته الله تعالی برای این وزیر حربیه شجاع ما ودیگر صاحب منصبان غیور افغانستان خصوصاً آن ذوات نیك باور شان دران نواحی خدمات شایسته ابراز داده اند بیشتر توفیق خدمت ارزانی فرمایند الله تعالی بار دیگر روز های تاریك را نصیب افغانستان نگرداند الله تعالی افغانستان را به خوشبختیهای زیاد تحت سایهٔ شریعت مطهرهٔ اسلامی واصل وحسب آرزو و تمنای شهریاری که نسبت بترقی وتعالی فوق العادهٔ این خطهٔ اسلامی دارند نائل سازد و وجود اعلیحضرت پدر غمخوار ما را تا سالیان دراز برای خدمت وفراهم آوری اسباب سعادت این ملت ومملکت زنده داشته باشد !

چون وقت عصر باخر رسیده ووقت نماز میگذرد وزیر صاحب هم مانده هستند لهذا شمارا ازدان را وداع کرده وبخدای میسپارم .

حضار با کمال بشاشت وخوش سندی بعد از تبریکات ورود مظفر انه وزیر صاحب حربیه مرخص گردیده خارج شدند وجناب وزیر صاحب حربیه باهیئت معیت شان بعد از ادای نماز عصر باهمان ترتیبات مجلل درین صفوف متعدد پذیرائی کننده گان را تماماً دلکشاه برای شرفیابی حضور شاهانه تشریف بردند که جریانات تشرف حضور نمودن شان را بحضور شاهانه در آینده نشر خواهیم نمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 313 of 896

مؤلف : له پلانیه فرانسوی (۱٤) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

فصل هفتم

خیانت

آقایون ازدهای پر درد مان بصور فلاکت های که از ین محاصرهٔ منحوسه اطریشیان .

اداره کرده اند ، برشهر عزیز مان وارد خواهد شد خون فوران دارد ! یا یک دشمنی که ده چند از ما قوی و آمادهٔ کار زار است مقابله کردن عین خود کشی ودیوانه گیست میخواهیم بفهمم قاصد یرا که از جانب ا دیو ک ا با پیغام صلح آمده است بد براتی میکند ویا این که تجویز قبا خانهٔ دیو ک را ردو سلاحی که ندارید بدست میگیرید ؟

چند صد هایکی دوما قاصد را می بذیریم ! حاکم فرحنا ک شاه گفت پس من این شخص خجسته صفات را بشما معرفی میکنم .

درتعقیب این الفاظ حاکم دروازه اطاق مخصوص او باز شده وجوانی بلباس ملکی ظاهر گردید وچشمهای تمام حاضرین براو معطوف گردید . این شخص خیلی خسته ونحیف بنظر می آمد . حاکم قاصد دیو ک را که غیر از جوانی که در (ده ا گست) در اطاق کاترین بناه آورده بود کسی دیگر نبود با الفاظ مطنطن آتی معرفی نمود . (کونت دو بیبر ک) یاور ژنرال (کلیر فیت) سر افسر عسا کر اطریش را بشما تقدیم میکنم .

(کونت مذکور بمجرد یکه بکوشش وبرستاری قصارهٔ کوچهٔ رویال زخمهایش رو به بهتری نداده از پاریس فرار ویارد و گاه اطریش ملحق شده است با وجود مریض در خواست ملازمت را بمحاز جنگ نموده آمده است تادر اثنای وظیفه از بلانش نیز خبری بگیرد .

کونت بایک زبان فرانسه بسیار ساده وروان به سخن آغاز نموده گفت : از طرف ژنرال کلیر فیت ما فوقم مأمورم که برای دور ساختن امکان خون ریزی واتلاف جان ها شرایط تسلیم شهر رابأهالی دا های آن تقدیم کنم ،

اگر اهالی شهر عسکری که ما فوق من پیشنهاد نموده است متفق باشند باید درظرف ۲٤ ساعت وردن راتسلیم عسا کر امپرا طوری کنند والا بعد از انقضای مدت مذکوره بمباره شروع خواهد شد وشهر باساکنین آن دست خوش انتقام عسا کر مهاجم خواهد ماند وعسا کرامپراطوری مسئولیت وجدانی برای خون ریزی واتلاف شانان نخواهند داشت .

این اعلاء وتخوف یک خاموشی مردهٔ استیلاع گردید باوجودیکه بسیاری از حاضرین شاه پسند وبرای نجات زمین وجاپداد خودها نگران ومضطرب بودند باز هم بچنین یک شرایط برباد وشوخ چشمانه تحمل کرده نمیتوانستند و بسیاری از ایشان برای بروتست جداً آماده بودند ومیخواستند که مواز نه شرف خود را باطرف مقابل تامین کنند ولی از خوف اینکه مبادا معلون ومتهم باسباب نزول غضب جرم ها برشهر وردن نشوند خواموش ماندند

دیرك مانند مجسمهٔ بی حرکت وخاموش ماند ولی بدیدن چنین یك جماعه ترسوها ونامرد ها که برای حمایه خانه های خود از دهن توپ های دشمن به پامال ناموس وطن آماده بودند ونمیخوا ستند ننگ تسلیم را بحون خود بشویند خویش بجوش بود ونمیتوانست که این نامردان بدان شیران میدان رشادت که درد هم اگست در اطراف تویلری دیده بود مقایسه کند وبرای اینکه از مقابل چنین یك جماعه ملوث وننگین بزودی نجات یافته باشد بار دیگر بر خواسته گفت : شما بپیام افسر بزرگ مراشنیدید حال بفرمئید جواب شما چیست ؟

لوندال از یك گوشه سر بر آورده گفت : « آقاین بخیال من ترجیح مید هید که جواب دیوك را بتاخیر اندا زید تا آنکه بم های موجودشهر را مشرف سازد وآن را باخاك یك سان گرداند ! »

دیرك بشناختن رقیب خودش دچار غضب

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 314 of 896

مفرطی گردیده نزدیك بود برو خورده شقه اش سست زود ولی یادش آمد که امید ور است یك ایلچی گری مهمی آمده است باید خود را ضبط کند.

دفعتاً خیالش بالانش معروف گردیده فکر نمود که چون بارون درینجاست شاید بلانش هم با او خواهد بود چطور میتواند اورا بیابد، آیا ممکن است با او حرف بزند؟ شاید میتواند بعد از ختم مجلس از بارون معلوماتی حاصل کرده بتواند! باین امید خواموش ایستاد.

یکمرتبه تردید الفاظ لوندال را تعقیب نمود این مستاجر عمومی چه مقصد دارد که در امور داخلی شهر شان مداخله میکند؟ آیا خانه ها وفابریک های او درشهر است؟ آیا ازین بارون نقصانی باو وارد می شود! چون بخیال حاکم نیز مقاومت بی فایده بود پس چرا بدست خود خانه های خود را خراب و اطفال خود را بی سر پناه میسازند

حاکم چون مردم را متردد دید موقع یافته باز بسخن آغاز نمود: «من یقین دارم که اهالی شهر ما یك مردم دور اندیش و سنجیده خواهند بود، دیده شد که محاصره هزارها گوله فلاکت را در عقب دارد تجاوز و پیش نهاد (بارون لوندال) در صورتی تصویب میگردید که تمام اهالی آنرا می پذیرفتند مگر چون طبقه عوام اهالی شهر همه بطرف (تیبون ول) رفته اند ودر آنجا رباست (بعود وارون) برای جنگیدن آماده شده اند درینصورت رای شما از طرف آنها کافی نیست پس شما چیزی که بعقل خود برای حصه منور اهالی مفید میدانید فیصله کنید و یا آنکه آنها را تعقیب نموده خود را مثل ایشان هدف گلوله استر باتیها بسازید»

چند صدا یکی بلند شد: «نی نی ما بمباردمان نمیخواهیم تسلیم نامه شهر را آماده سازند که آنرا امضا کنیم»!

قاضی صلحجوئی رو با خواسته میخواست که اسامی حاضرین را ثبت نماید که صدای شلیکی بر خاست و میدان مقابل تالار بلدیه از اهالی مملو گردید نعره های (سا ایرا) مشمولین وخائنین را بخوف انداخت جمعیت مانند توده برگی که از نسیم پرا گنده شده باشد از هم پاشیده دریچه را از در فرق نکرده فرار نمودند در اول مقصد این حمله تا کیان را نمیدانستند تا آنکه ظاهر گردید که این طبقه عوام اهالی بود که حاکم در اثنای نطق خودش بآنها اشاره نموده بود چون خبر شدند که حاکم خیال خیانت را دارد و میخواهد بمقصد پر ساختن جیب خودش شهر را تسلیم استر باتیها کند بر عمارت بلدیه برای پرا گنده ساختن این اجتماع حمله آورده اند.

یکی از اهالی: «این داو طلبان ملعون (مابن ابوار) است که اینهمه شورش را برپا کرده اند معلوم می شود که اهالی وردن بآنها همدستی گرفته اند».

حاکم شانه های خود را حرکت داده گفت: چرا! اگر حالا این شیطانها بی زنجیر بر ما بمبارد نکنند و کوب (دور و نزدیك) ما را از شر ایشان نجات خواهد بخشید.

هنوز حاکم کلمات خودش را تمام نکرده بود که یك توده مشتعل از هوا آمده در یکی از خانه های شهر اصابت نموده آنرا با خاك یکسان ساختند. حاکم دو لعنت! چنانچه من خیال میکردم این مرحمتیست که این قلاشان بما میکنند روسها بر شهر ما بمبارد را شروع نمودند

آقای بارون مخبالم بمراد خود نائل کامیاب شده اطریش ها لوندال بیشتر از آنکه کلمات حاکم را شنیده باشد از میان بدر رفته بود چنانچه و بیبرک بعرض تعقیب او حاکم را مخاطب ساخته گفت: «زیاده برین کاری در اینجا ندارم وقتیکه توپها تکلم نمودند من باید خواموش باشم».

حاکم با رنگ پریده بکمال عجز جواب داد آقای کنت رجا میکنم غلط فهمی واقع شده است همه چیز انتظام خواهد شد. بیبرك تبسم کنان گفت من هیچ یك را مفاهمه در بین نمی بینم اشنوید توپهای استحکامات ما بغرش در آمده و تیبور جیان اهالی را بسلاح دعوت میکنند حتی درین عمارت هم داخل شده شما را هم همرای و هم عقیده خود خواهند ساخت!» بیبرك حق داشت زیرا تیبور جیان از زینه های عمارت بلدی که باطاق مشوره امتداد می یافت

(باقیدارد)

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 315 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 316 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	۱۳	افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳	"
طلبهٔ معارف	۷	"
در ممالک خارجه	۲۰	شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید
رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

شماره (۱۷)

مجلد (۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جادهٔ ارگ
مؤسس وصاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده: سرور جویا

۲ شنبه ۵ سنبله ۱۳۱۰ — ثکسیس ۱۳۰۶ — ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۰۵

به مشترکین محترم انیس

قبلاً بذوات محترم مشترکین جریده خود نگاشته بودیم که مرض بی رحم سل در سینه این خادم مطبوعات خانه گرفته او را از تمتع بلذتهای که خدمت بی نوع داود محروم گردانید، واگرچه در چند ماه قبل شدت مرض موجب تعطیل این اداره گردیده، اما خوش بختانه تعطیل مذکور بتوجه مربیان و مطبوعات پروران مملکت دیر زمان نپائیده و انیس بقلم بعض از جوانان معروف پسند، و اهتمام آقای محمد اسلم خان محرر جریده صدور یافت.

اما با وجود این هم چون عهده نظارت را در این قدر مدت بگردن خود گرفته بودم، دراین اواخر معلوم شد که قریب است خدا نا کرده روح مسئول من در صفحات این جریده انعکاس کند.

وطن‌آوردن انیس با این وضعیت دراین دوره که بهترین عنوان برای آن کلمه (تجدد) است، و مملکت با تمام معانی نشاط و همت در حرکت و تلافی و ارتقا میباشد قصور بلکه جرم بزرگی شمرده میشد، لذا محض رعایت تقدیر دورهٔ با برکت امروز، و سپردن کار را بدیگری، کناره گیری خودرا از میدان کار مناسب دیدم، تا بذریعه وجود ناقص نام حیات را که فعالیت و امید واری و نشاط را اقتضا میکند لکه دار نساخته باشم.

و خوش بختانه شخصیکه برای این کار انتخاب نموده، از جوانهای معروف محیط یعنی آقای سرور خان جویا، مدیر سابق (اتفاق اسلام) میباشند، که طبعاً راجع بمعرفی ایشان محتاج به بیان نیستم زیرا از مدت دریست که امتحانات زیادی چه در صمیمیت به کار و با ثبات و پاک نفسی در مسلک خصوصاً در سبک و حرارت در تحریر که در این اواخر جریده شان (اتفاق اسلام) از صفحات بر جسته مملکت بشمار میرفت.

و در همه محافل جالب مطالعه اهل ذوق گردید. بحدیکه یقین داریم که این انتخاب ما انشاء الله تعالی بهترین ذریعهٔ تسلیت ضمیر این نگارنده، که عاشق خدمت ابنای وطن بود خواهد گردید.

محض اطلاع بخوانندگان محترم خود مفاد موافقت نامهٔ خود را با این جوان با حس که بهترین دلیل وطن پرستی و صمیمیت او شان به مسلک، قبولی عهده وتکالیف بوده ذکر می نمائیم:

که ایشان تا زمان یکطرف شدن مسئله مرض صاحب امتیاز انیس (که حکم آن [illegible] تقدیر است) عهده مدیریت با مسئولیت این جریده، ملی را اشغال نمایند و اگر صاحب امتیاز انیس وفات یافت. ملکیت مطبعه و اداره همین جریده عائد با و شان خواهد بود بشرطیکه بهانه عادت فطری که دارند این جریده را برای خدمت مملکت و خیر محیط و ملت استعمال کرده حیات خود را وقف ادامهٔ این مؤسسه ملی بنمایند.

امید واریم که این حرکت ما برضای مشترکین محترم انیس واقع شده، و در عاقبت این نگارنده صمیم ملت را از دعا های خودشان که ذریعه اکتساب رضامندی بدربار خالق عظیم است فراموش نفرمایند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 320 of 896

صدای جویا

از کابل

سوخته گان وارث یکدیگرند

منصب پروانه بمن میرسد

کسانیکه از سوز و گداز عشق ومحبت با شور وشر ماملت خبری دارند، بطور حتم میتوانند: دامن هرشمع وپای هرچراغ قربانگاه، اقداتشان را از فداکاری اولادن وشید این خط بجزا وان بال وپرسوخته ورنجه مزین بینند، چه جرئت ورشادت ارث بدران ماست وسر دادن با جان فدا کردن ذوق مخصوص اولادن ما.

تصور نشود ملت تفدن از مرگ می هراسند ویا نوپسنده گان جوان این سامان از سل شدن وزخم وداشتن دل می اندازند.

اگر محی الدین ناتوان شده سرود تیمه جای دارد؟ اپس اگر مسلول گشته جوبای زخمی را بوظایف خوایش بیکباره همکه میدکه در هرات بودم هریک از رفقای عزیزم پیش خود معنی حیات ورمز وجود مرا پس از برداشتن این زخم کاری بیک نوع اسراری تعبیر مینمودند.

جمی بران بودند که بزودی کار عالم ان اقتدار خوایش را بپایان کرد گروهی رایشکه روز گار بغین از تو بیکار دارد وعده هم میگفتند وطن شاید در آینده خدمتی از تو انتظار میبرد. الاخره

اگر میدانستم که بقای حیات من وقتی ادبیات خود شدلی یک مسلول حقدار این آب وخاك را فراهم کرد نیست محافظه حیات بیشتر میکوشیدم واقلا این دوره مختصر زندگانی تاوی را بحو شجاعتی وناز ونعمتی بسر میبردم.

هموطنان با تمیز ما ایس عزیز را ازمن بهتر شناخته واز فداکاری او مستحضرند که اولین صاحب امتیاز یک جریده ملی ما در کابل او بوده ومحستین آن از ملت خواهانه ووطن پرستانه را در بین جوانان این جامعه، او از حلقوم وشادت بیرون داده.

کتاب حقوق ملت یادای طلبه معارف در هرات از تراجم وی شمرده شده ومجموعه معلومات اخلاقیه ومدنیه در کابل از تالیفات او بحساب می آید تنها این چهار بجاله جریده انیس که بادست تهی وعوالم بی بضاعتی از اثرات مجاهدت او زینت مطبوعات افغانستان گردیده، کفایت میکند باسداوان نشریات وطن را برای ابدی مرهون زحمات فکری وقلمی او داشته باشد خدمات اوان انقلاب او باتدوین وقایع آن که بنام کتاب بحران ونجات از سعی وکوشش انیس صورت گرفته، بچشم انصاف یک جهان مزایای دیگری به فتخار اتش علاوه میکند.

محی الدین خان کسی است که در راه ترقی وطن مخاطراتی دیده وهر مرحله بسهولت از جان گذشته.

این مجاهد میدان مطبوعات ما درین ده یازده سال زنده گانی داخله دمی نیاسوده بلکه تماماً لذایذ عمر وحیات حتی جوانی را درقبال منافع اجتماعی مفریان ساخته.

تن ضعیف وحال زارش درچشم هربا بصیرتی یک موج افتخار جلوه دارد ورنگ زرد جسم بیمارش سرخ روئی وسر افرازی ورا در انظار خود وبیگانه آشکار گردانیده.

الحاصل امروزه بر افراد حساس ملت لازم می آید بنام انسانیت ویاسداری خدمت وطنیه او ازهیچگاه امری که وسیله راحت روح وجسم او را تامین کرده بتواند مضایقه نکرده از استحقاقش چشم نپوشیم ویااستر ضای او بکوشیم.

منکه درین دنیای موجوده ومحیط منویه خوایش جز قلم شکسته دیگر موجودیتی بخود نه بسته ام، خشنودم که درین چنین یک جریده ماموری افتخار اداری ونگارشی بمن از الطاف خود او نصیب شده. اگر چه اهلیت ولیاقتی که جریده انیس را مانند خود او دارا کنم در خود سراغ ندارم فقط اگر بتوانم مانع سقوط وپشوم باز رای اعتلای نام ودوام این موسسه نافعه اش بزرگترین خدمتی را انجام داده خواهم بود.

غرض چطوری که در بدو نگارش خوایش بجریده اتفاق اسلام احساس مسئولیت وطن پرستی را عذر آورده و فقط به عشق وطن وآرزوی توانائی کار وزحمت خوایش اتکاه کرده بودم باز میخواهم تکرار مطلب کنم که من بدون

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 321 of 896

سیاست عالم :

بحران بیکاری

در اوروپا

بیکاری بلائی است ، که همیشه جمعیت های بشری ، ازان متضرر گردیده است وبیکاری را به مرض الدبیمگ (مسری) تشبیه نموده بودند ; یعنی بمرور زمان بناو علل شبیه ، مثل رجا وخامت پیدا کرده عاقبت الامر بشریت را به غربت ، امراض جنایت ، فکر انقلاب (که روز بروز در ترقی است) می کشاند .

ولی برای امروز مرض الدبیمگ (مسری) گفته نمی شود ، چه این بحران بیکاری که هدف مقصود ما است جداً محیط را احاطه کرده ، وغیر چشم داشت ما رو بتزاید نهاده ، ویک حرکت غیر قابل دید بسرعت جالان است . واین یک مصیبت عالم گیر است .

تاریخ مهاجرت اقوام نشان میدهد ، که در ایام فلاکت وادبار ، آخرین منبع وامید مزدوران بیکار ، هجرت بوده است ، یعنی دیگر جارا مسکن خود ها قرار داده ، تامین حیات می نمودند . هم چنین است که قضیه مهاجرت (ترانس او سیانیک) جانشین دوره روایات وافسانه گردید .

فعلاً کارگر بیکار به هیچ طرف رفته نمی تواند تمام سرحدات بروی آنها مسدود است ، زیرا تمام عالم به این بحران گرفتار است ، هیچ یک از دول مزدور های خارجی را قبول کرده نمی تواند ، مگر اینکه به شدت مرض که خودش به آن گرفتار است بیافزاید .

از روی احصائیه ، تعداد مزدوران بیکار دول متمدنه را به ۳۰ ملیون تخمین کرده اند ، ولی اگر فرض کنیم که یک مزدور (بصورت اوسط) متحمل ومکلف مخارج سه نفر باشد ، پس می بینیم که تعداد مظلومین بحران بیکاری به ۶۰ ملیون نفر خواهد رسید :

بعض اعداد :-

معلوم است ، که تمام مناطق اوروپا و تمام طبقات کارگر ، بدرجات مختلف زحمت دیده ومی سوزند وهم اکثر از دول ، وخامت این بلای بزرگ را به نسبت سال گذشته حس کرده اند . با این ترتیب دادن و مقایسه کردن نقشه صحیح بیکاران خالی از اشکال نیست زیرا اجزاء و علل بیکاری باساس های مختلف نهاده شده است .

تعداد مزدوران بیکار درست معلوم نمیشود ، مگر اینکه آنها از قانون اجباری ، تامین ضد بیکاری ، بهره داشته باشند . و درین صورت بعد گرفتن حقوق ، اسامی آنها به دفتر ثبت میگردد

دول هستند ، که در آنجا قانون تامین ضد بیکاری ، وجود ندارد و یا اینکه بعض از طبقات کارگر حق تامین را ندارند . خصوصاً ایطالیه که در آنجا برای اینکه کارگر حق تامین خود را بگیرد . مجبور به نقل مکان میگردد ، و این مسئله برای آن گران می افتد .

پس معلوم شد که احصائیه همه چندان صحیح ودرست نیست .

در فرانسه :

ذخیره حقوق بیکاران ، از طرف قوه اجرائیه عمومی مثل ایالات ، علاقه داری ها اجرا می شود . بعض از علاقه داری ها ذخیره حقوق بیکاران را هم ندارند ، لیکن چون مملکت فرانسه کمتر به بحران گرفتار است ، و نز مصارف

(بقیه صفحه ۲)

یك سلسله معلومات علمی وذخیره اطلاعات فنی تنها از حیث مقتضیات وجدانی و حس شدید وطن خواهی این وظیفه را عهده دار گشته ام .

چشم امیدنداریم زکشت دگران
دل ما ناله ما دانه ما ریشه ما

البته افراد حساس وشعور وطن بدون استهزا این عمدست وهم آواز شده از کمك های معنوی دریغ نفرموده وراضی نخواهند بود که من خجل شوم تا اگر خدا بخواهد درین دوره درخشان نادر شاهی وعصر ترقی افغانستان بتوانیم درراه رفعت مقامات مدنی این آب وخاك واشباه ملت نجیب وبا ادراك آن خدمات شایانی نموده وضمناً اعتبارات یك جوان فداکاری را که بهمین آرزوها علیل ومسلول گردیده درین محیط از گمنامی نگهداری کنیم

اندرز

یک نکته نغز و طرفه بندی
گر اهل دلی بغیر مپسند

بشنو ز من ار تو هوشمندی
آنرا که بخود نمی پسندی

(دانش افزا)

حیات نسبت اکثر حصه یورپ در انجا ارزان تر است ، بیکاران اینکه از سرفه جوئی خود کار بگیرد ، یا اینکه قرض می کند ، و یا اینکه از هم سایه متمول خود امداد طلبد ، بهر حال می تواند خود را از گرداب بحران نجات بدهد .

در مارچ ۱۹۳۱ ، عده بیکارانی که از طرف بلدیه و ایالات بانها امداد می شد ، به (٥٠٠٠٠) نفر میرسید تعداد تخمینی بیکاران فرانسوی از روی احصائیه معلوم می شود . و همیشه دفتر احصائی تعداد بیکاران موقتی را (۱٥٠٠٠٠) نفر نشان میداد ، مگر امسال (۲٥٠٠٠٠) نفر قید نموده است جمع تعداد تخمینی بیکاران فرانسه شاید به (۳٥٠٠٠٠) نفر برسد ، و تعداد بیکاران جزئی را بیک ملیون تخمین می کنند

البته این اعداد بنظر مهیب و خطرناک معلوم می شود ، ولی اگر به تعداد بیکاران انگلستان المان ، اطریش نظر اندا خته مقایسه می شود ، معلوم میگردد که فرانسه با وجود فلاکت های عمومی نسبتاً هنوز هم ممتاز است .

برطانیا : —

که دارای ٤٦ ملیون نفوس است ، در ماه فروری گذشته تعداد بیکاران آن به ۲ نیم ملیون نفر تخمین شده بود . با وجود وارثی که بالای عموم نقشه های (احصائی) نشان داده اند ، گفته می شود که وضعیت بیش ازپیش خطرناک تر است .

این اعداد خارج از حقیقت است ، زیرا زارعین وخدام منازل در انگلستان ، از قانون تامین ضد بیکاری محروم اند ، از این طبقات کارگر را از جمله بیکاران حساب نه می کنند .

ذخیره حقوق بیکاران ، که از طرف کارگر ، مالک حکومت جمع شده برای مزدور بیکار فی هفته ۱۷ شلنگ می پردازد ، واگر کارگر عیال دار وصاحب سه اولاد باشد ۱٥ شلنگ دیگر بطور فوق العاده را بیش میدهند ، یعنی به کارکننده کور ۳۲ شلنگ (معادل ٦٤ افغانی) دو هفته ، در انگلستان به عزت امرار حیات کرده می تواند .

کم کم کیسه خالی شده میرود ، وهنوز دفتری که حقوق بیکاران را می پردازد صد ملیون پوند از حکومت مدیون است .

(باقی دارد)

ترجمه از ایلوستره‌سیون پاریس (محمداسلم)

گرمی ستارگان

فلکیون و علماء نجوم از چندی بدین طرف متمکن بودند تا بوسیله آلات دقیقه خود مقدار حرارت اجرام فلکی و اجسام علوی را بفهمند . در رصد خانه ویلسن ، در امریکا ـ دقیقترین و محکمترین آلات حساسه مذکوره موجود و منصوب میباشند .

بوسیله آلات مذکور و تحقیقات کاملی حرارت اجرام شمسی بعمل آمده ، معلوم گشته که شدید ترین مقدار حرارت کرات آسمانی در سطح آنها ـ بیش از ٤٠ هزار درجه بامیزان الحرارت فارنهایت ، نیست . اما سایر کواکب و اجرام از قبیل خورشید . در سطح خود بیش از ۱٠ هزار درجه حرارت با مقیاس مذکور ندارند و ستارگان سرخ دارای ۲۸٠٠ درجه با میزان الحراره فارنهایت هستند میزان حرارت ماه در موقع تغیرات جوی در سطحش اختلاف پیدا کرده و نیز بر حسب اختلاف مواقع خودش تفاوت داشته و نوعاً فشار هوا هم در کم و زیاد کردن آن میزان مؤثر است .

ترجمه انگلیسی از تقاریر
علمی روسکو در مانچستر

ذغال سنگ

حصه اول .

ذغال شکلیست از کاربن؛ کاربنیست که کم یا زیاد خالص بوده بعض چیزهای دیگر هایدروجن آکسیجن، نایتروجن در آن شامل است .

حالا اگر بگوئیم ذغال چیست وچه بوده؟ این مسائل بفکر هر کس وخصوصاً بفکر آنهائیکه در منطقه‌های ذغال زندگی دارند میرسد، آیا تمام این کاربونیکه از عمق چهار هزار فت یا بالاتر از سطح زمین استخراج می شود چیست ؟

اگر شخصی قبول زحمت نموده در بعضی از معادن ذغال پائین شود و بکمک نیز ذریعه چراغ مخصوصه آنجا ملاحظه نماید غالباً آثار نباتات خوبصورتی را خواهد دید، وهمچنین در روی فرش بمثل رخنه های دیوار وسقف های معدن آثار برگها وبوته ها تنه های ایستاده درخت ها را که بدیهتاً در وقت تشکیل ذغال سبز و خرم بودند دیده میتوانند ذغال، حقیقةً بقایای نباتات قدیمه است که درعهدی بروی زمین سرسبز ودر موجودیت نور آفتاب هم چنانکه فعلاً نباتات درموجودیت نور حرارت آفتاب سبز وخرم می شود آزادانه نمو داشتند .

گیاه‌شناسان میگویند که این نباتات بهمین طریقه عجیب که حالا بهمان قسم نباتات اشاعه وتعمیم می یابند تولید شده اند ونباتات مذکوره اکثراً از آن جنس نبات که ظاهراً گل وبا فی الحقیقت گل نمی داشته باشد و بزبان علمی (کریپ تو گامس پلانت) نامیده می شود و یا از جنس نباتات منطقهٔ حاره وچیز کلانتر از آنها بوده .

بیاد داشته باشید که این نباتات بکاربون شاید بعمق دو هزار فت از سطح زمین یا بالاتر یافت می شود مبدأتهای ذغال در حقیقت تودهٔ نباتات است وشما خواهید گفت چه گونه است که ما نباتات وبرگهای آنها را در استعمال روزمرهٔ خود دیده نمی توانیم ؟ ودر مبداتهای ذغال یافته میتوانیم، چونکه نباتات نباتی که داخل زمین اند در اثر فشار و حرارت مبدل بقیر گردیده اندامی بدرجه در وضعیت آنها تبدل رو داده که قسمت اعظم ساختمان نباتی خود را از دست داده اند، لاکن در قسمت های مخصوصه مبداتهای ذغال فوسل های این نباتات را یافته میتوانیم و از ان رو برای هیچ یک از ناظرین جای تردید نمی ماند که نباتات این توده ذغال در وقتی شامل نباتات نامیه بوده است .

این نباتات بروی زمین نمو داشتند لیکن بقرون متمادیه سطح زمین فرو رفته طبقات جدیدی از ریگ و گل بالای این نباتات متباقیه تشکیل یافته

(باقیدارد)

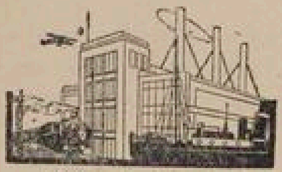

خبرهای فنون واختراع

تحویل نور آفتاب به برق :

اخیراً دکتور برونو لانج المانی به اختراع یک طریقهٔ که نور آفتاب را به قوهٔ برق تحویل میدهد موفق شده است وبا اینکه علما برای رسیدن به این مقصود از خیلی زمانها است که سعی داشته و بعض از آنها تا حدی کامیاب هم شده اند اما اختراع دکتور برونو در نوع خود افضل ترین اختراعی است که درین باره تا امروز بوجود آمده است . وباین وسیله مصرف یک کیلوات آن از سه صد دولار بیشتر نمی شود، حال آنکه اختراعی که درین باب شرکت وستنگهاوس امریکائی در دفتر خود ثبت کرده مصرف حاصل کردن یک کیلوات آن بیست پنج هزار دولار (یا پنج هزار پوند) میشود

غذای جدید :

(آرد ماهی) شاید جدیدترین مواد غذائی باشد که در آینده قریبی در هوتل های اروپا و امریکا شیوع پیدا خواهد نمود . این (آرد) از گوشت ماهی پس از خشک کردن و آرد کردن آن ساخته می شود، واز رایحهٔ ماهی بکلی خالی بوده طعم لذیذی دارد . قسمت عمده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 324 of 896

آنهم نسبت به داشتن کمیت زیادی از نمك های معدنی مفید و قسمت زیادی جوهر و ایودین و مس و غیره عناصر و مواد غذائی که برای انسان نافع است زیاد است .

سرطان و مادهٔ قلویه در خون :

از روی جدید ترین مباحثی که اطبا در انجمن مباحث سرطان در دار الفنون بانسلوانی معلوم می شود که بین مرض سرطان و مادهٔ قلویه که (غلاظت) در خون است علاقه زیادی میباشد وهر قدریکه این قلویه در خون زیاد شود همان قدر دلیل سرعت سیر مرض شمرده می شود . دکتور مکدو نلا رئیس دار الفنون مذکور میگوید که علاج بوسیله رادیو و اشعه ایکس تاثیر وضعی در مادهٔ قلویهٔ خون نموده و این قلویه را کم میکند که این برای ثبوت علاقه بین قلویه و سرطان دلیل بزرگی شمرده می شود .

رادیو و نور ماهتاب :

اخیراً این یك ثابت شده است که نور ماهتاب (مثل نور آفتاب) به رادیو خیلی تاثیر بدی می بخشد ، علمای برق یك سلسله تجاربی که چندین سال دوام نمود درین موضوع قیام کرده و در نتیجه ثابت شد که اشعه نور ماهتاب امواج رادیو را ضعیف ساخته و اصوات و اشاراتی را که این امواج نقل میکنند خفیف می سازد همچنان ثابت شده است که اشعه نور آفتاب نیز مثل نور ماهتاب همین تاثیر بد را در امواج رادیو حاصل میکند ، خصوصاً که آفتاب در موقع شدید ترین موسم آن یعنی شدید ترین حرارت آن باشد .

طیران وتامین سلامتی مسافرین در هوا :

روزی نمیگذرد که خبر اختراع جدید برای تامین طیران وسعی در رفع خطر سقوط از هوا بازان نمی شنویم . آخرین اختراعی برای این مقصود چراغ خیلی دقیق است که بتمام اجزاء طیاره متصل میباشد ، که اگر خورد ترین حادثه و نقصی در اثنای پرواز بیکی از اجزای طیاره پیش شود ، فوراً چراغ باشعاع قرمزی روشن شده و این دلیل خطر شمرده می شود .

یك دلیل کوچکی به خوبی و حساسیت این چراغ این میباشد که در پیش شدن خورد ترین نقصی ولو خیلی جزوی باشد مثل گرم شدن ماشین و غیره که هوا باز در اثنای پرواز بآن ملتفت نمی شود فوراً شعاع قرمزی روشن می شود و این از مهمترین اختراعاتی است که مهندسین برای تامین طیران و محافظه سلامتی مسافرین هوا لوزه باختراع آن موفق شده است . ترجمه از الهلال (الطبق)

صحیات

مالاریا
(۲)

برای اثبات این نظریه ، رو فسور گراسی بحضور علمای دیگر در مریض خانه دولتی رمز یك شخص سالمی را هدف نیش پشهٔ قرار داد که قبلاً از پارازیتها خون شخص مریض را در خود داشت این با مراعات تکلیه و سایل صحی از هم مریض شد .

باین طریق پس از سالها مطالعات ترتیب انتقال پارازیتهای مالاریا از مریض باشخاص سالم کشف شد .

پشه های آنوفل را ممکن است بآسانی تشخیص داد و تشخیص آن بطریق ذیل ممکن میشود : اولاً از طرز نشستن آن : وقتی پشه آنوفل می نشیند سر را بطرف زمین دم را طرف بالا نگاه میدارد که در نتیجه بدن او با زمین یك منفی ایجاد میکند در حالی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 325 of 896

که پشه‌های نوع دیگر مثلاً (کولکس) وقتی که می نشیند بدنش با زمین متوازی است بعلاوه روی سر پشه آنوفل دارای پنج ضمائمی است که مانند لنغ میباشد که وسطی نیش او است و دو دانه های اطراف اعضای لامسه آن می باشد.

اینها تقریباً از حیث طول با یکدیگر مساوی هستند در حالی که در پشه های دیگر یکی از اعضای لامسه اطراف نیش بقدری کوتاه است که باشکال دیده می شود.

پشه های اوفل اقسام مختلفه هستند قسمی که از اقسام دیگر شناخته میشود (کلاوشیرژ) نام دارد ـ اینها روی بالهایشان چهار خطوط سیاه است که دو خط از طول و دو خط در عرض بال منقوش است ـ در نقاط گرمسیری قسم دیگری نیز وجود دارد که خطوط سیاه در طول لبه های بال آنها میباشد باید دانست که فقط پشه های ماده این قسم پشه میل مفرطی به تغذیه با خون انسانی و حیوانی دارند و بعکس نر ها با مواد گیاهی تغذیه نموده و برای انسان خطر ناک نیستند.

انوفل ها از کولکسها بطور مشخص تمیز داده میشوند پشه های انوفل در روز در گوشه های تاریک که از باد محفوظ باشد پنهان میشوند و فقط در موقع غروب آفتاب خارج شده و تا صبح بدون اینکه صدای زیادی بکنند تاخت و تاز میکنند ولی کولکسها پنهان نمیشوند و روی پنجره ها و یا دیوار ها می نشینند و بقدری صدا میکنند که اسباب زحمت میشوند.

وقتی پشه انوفل با خون مریض تغذیه میکنند با خونی که از بدن مریض میگیرد پارازیتهای مرض را نیز بسر میدارد ولی این پارازیتها نه فقط در معده او هضم نمیشوند بلکه بیک ترتیب خارق العاده زیاد شده و در موقع نیش زدن از غده سلف و نیش وارد خون شخص سالم شده و او را مبتلا میسازد لذا باین ترتیب در موسم تابستان بواسطه زیاد بودن پشه ها شخص مالاریائی برای اطرافیان خود خطرناک میگردد و چون این قسم انتقال شباهت تام بانتقال مرض حصبه توسط نیش دارد میتوان مالاریا را در موسم تابستان جزء امراض مسری شدید محسوب داشت.

بعد از دانستن این قسمت باید فهمید که پشه انوفل که مهمترین عامل توسعه این مرض هستند در چه نقاط و در تحت چه قواعدی زندگی نموده و نمو میکنند تا بتوانند در حدود ممکنه آنها را نابود ساخت.

در نتیجه تحقیقات علمی معلوم شده است که پشه های انوفل در آب های باطلاق وجاهائیکه از حیث نمود آنها با بهای صاف وجاری رجحان دارد تخم میکنند تخمهای پشه انوفل بیضوی ولی قدری دراز ترند وطول آنها سه چهارم میلیمتر ومثل تسبیح بهم متصل میباشند پشه انوفل هر دفعه ۱۵۰ عدد تخم میکند آن تخمها در ۱۵ روز بعد ا کمل رسیده و حاضر برای تخم گذاری میشود بطوریکه یک پشه نر و یک پشه ماده در حال طبیعی میتوانند در یک سال در حدود شصت ملیون تخم تولید کنند! از تخم ها پشه های انوفل تولید میشوند که در موقعیکه بحد بلوغ میرسند طولشان یک سانتیمتر بالغ میگردد.

این ها غالبا درسطح آب های راکد ایستاده مشغول استنشاق هوا میکردند ولی «کولکسها» شباهت بکرم دارند وقتی باد میوزد شنو کنان زیر آب رفته وپس از تمام شدن باد دو باره روی آب می آیند ـ اینها پس از تغییراتی بشکل پشه در میایند پس برای اینکه بتوان از شر پشه ها خلاصی یافت باید بطرایق ذیل متوسل شد:

اولا ـ باید کلیه باطلاقها را خشک ونابود کرد.

ثانیا ـ وقتیکه هوا رو بگرمی می رود سطح آب های باطلاق را با نفط یا محلول نفط وتقطیر آن مستور نمود تا پشه ها از استنشاق محروم ونابود شوند.

ثالثا ـ در اینگونه آب ها باید ماهی عمل آورد که زود زیاد شوند وبا خوردن پشه ها آنها را نابود سازند.

رابعا ـ یک قسم درخت هست که در نقاط باطلاق خیلی زود نمو میکند ودر ضمن رطوبت را میکشد زمین را خشک میسازد این قبیل درخت ها را باید زیاد کرد پشه ها معمولا گوشه های تاریک را در قسمت تحتانی خانها

که مصئون ومحفوظ از وزش باد باشند انتخاب کرده وفقط شبها خارج میشوند لهذا در موسم تابستان سکونت در طبقات فوقانی بهتراست مخصوصا که پشه ها نمی توانند خیلی بالا بپرند .

با تمام این تفاصیل ممکن است سوءال شود که در زمستان در حالی که پشه وجود ندارد چه میشود که مرض مالاریا باز وجود دارد . علم و تجربه وامتحانات ثابت کرده است که اشخاصی که در زمستان مبتلا میشوند آنهائی هستند که در تابستان پار ازیت مالاریا را در گوشه های بعضی از اعضای بدن خود پنهان کرده و بواسطه عدم معالجه در فصل زمستان وقتی بواسطه سرما یا بواسطه عال دیگر بدن ضعیف میشود پار ازیتها میدان را باز می بینند ونمی توانند بواسطه ضعف بدن به آن فایق شوند ودر نتیجه تب ولرز وعرق بروز میکند باین ترتیب یگانه منشاء که پار ازیتها در موسم زمستان بدن انسان است این موضوع در بعضی از نقاطی که از عبور و مرور دور افتاده اند بطریق ذیل امتحان شده است : مرضائی که در زمستان مبتلا بوده اند همه را معالجه کرده واشخاصی که مریض نبوده اند ممنوع کرده اند که در آن مکان نباشند وبا آنکه همان پشه های انوفل در تابستان بشدت سابق نیش زده اند ولی چون درآن نقطه بواسطه وسایل متخذه مذکوره یعنی معالجه شدن مرضا وعدم وجود مریض هیچ کس مریض ومبتلا نشده است .

(ناتمام) (اطلاعات)

ادبیات :

همچنانکه امروزه ادبیات در السنه متداوله دنیا مقیاس معرفت وقضیات شناخته شده شئونات عرفانی یک قوم هم زنده ار آثار برجسته ادبای آنهاست ولی شرایط کلی را دراین زمینه انقلابات ادبی بین الاقوام عهده دار است .

این رول مهم را در صحنه ادبیات ، ذوقیات شعرا وادبای متنوری با بینی بازی کنند هر عصری یک نوع شعرا وادبا لازم دارد هر نسلی یک طرز مخصوص و اسلوب منسوب خود شان را می پسندند .

از این رو هر قدر نظم ونثر عصری به مقتضیات زمان وفهم عوام ما برابر باشد بیشتر مهیج ذوق ها واقع گردیده ومطالب آن زودتر روحیات جامعه را تحت تاثیر می آورد .

آقای اعظمی از نویسنده گی نیست که بدون یك سابقه ذوق شاعری یاده وبسرودن اشعار مرغوب ودلکشی مقتدر گشته اند از اکثر آثار برجسته آنها که در مجله کابل وجراید قدیم انیس وبا تزاله نوین او که در جشن استقلال سروده و بجریده اصلاح اندراج یافته بوره مفهوم می شود که این مرغ نو بوستان ادبیات باید اساس محیج و ذوق سرشاری از شعرای معروف معاصر پیروی وافکار خود شان را باسلوب نوی در کسوه نظم اظهار میدارد ودرین تازه گیها باز چند بیتی به نسبت (قلب مدور) سرائیده وتهاما از کرهای شعری وعو طف ما دری را در محبت فرزند بمنظومه آن مراعات و تجربه ، انیس اتحاف فرموده اند .

اگر خوانندگان گرام بخاطر داشته باشند این همان موضوعیست که تشریات ابرا نشهر در سنه ۱۳۰۲ از برلین بمسابقه گذاشته و تقریباً شش سال قبل برابر شاعر مرحوم ومعروف ایران (ایرج میرزا) جایزه آن را ربوده بود .

تصور نشود که ما باز آن را بمسابقه میگذاریم ، اگرچه شعرای نوخیز وطن ازین مسابقه ها نمی ترسند وبدون خواهش ما صفحات آینده انیس را بتر شحات فکری وقلمی خود آرایش خواهند داد .

غرض کلی از ذوقیات عالی غلام جیلانی خان اعظمی واحساسات مهرودی ایشان است که در اولین وهله

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 327 of 896

بوسیله که توانستند از رفیق دور افتاده انجمن خود (جوبا) کمکی کرده ودو از ثبتات محافت انیس خواستند با او شریک مساعی گشتند.

البته سخن وران بزرگ وطن که ما الک طابع نکته سنجی ومقتدر بدستگاه شعر وشاعری گفته می شوند مانند جنابان بیتاب، مستغنی، قاری، شایق. ودیگر حضراتی که فعلاً اسمای شریف شان بیادم نیست هر کدام از جریده انیس یاد وبودی فرموده و به نگارنده آن افتخاری خواهند بخشید.

باصطلاح آموخته خود به از میراث خوار است تا در هرات بودم هر یك از فضلای محترم آنجا بلا استثناء نویسنده گان وشعرا در هیچك موقع از جوبای خود غفلت نمیکردند چنانچه فعلاً درغیاب من هم جریده اتفاق اسلام بی یار ومدد گار نمانده فقط بعد از اعانیکه در آغاز این شماره روایت شده توقف کامل واشتغال درین جریده واحیتر میخود یقین حفظ شئونات فضلای کامل رضا نخواهند داد که آینده از هرات استمداد کنم.

اثر اعظمی:

قلب مادر

بیا ای عندلیب زار مضطر
مگو دیگر حدیث غنچه تر
که گل بالکوت ورنگ دوروزه
نباشد قابل عشق مسوّر
زعشق گیار خان شعله سیما
فتد در دل بدین سوزنده اخگر
درین گلشن کجا از عشق پاك
نهال آرزو گردد مثمر
بیا کز عشق پاکی بحث رانیم
حدیثی گویمت از عشق مادر
جوانی بود مفتون کشته عشق
متاع هوش را گم کرده از سر
قضا وی را زبون لیتی کرد
عنان هستیش رد آن ستمگر
ولی آن دلربا مهرش نبودی
بدان دلداده مبهوت ششدر
جوان میگفتش ای محبوب طناز
دل و دین بردی وصد چیز دیگر
دگر تا کی جز از مهر باقی
نگردی مونس وهمدوش بستر
جوابش داد دختر کی وفا کیش
ترا یك امتحانی هست دیگر
که تا گردم من ایمن از رقابت
از آن پس گیرمت چون روح در بر
خلاصه راستت گویم عزیزا
مرا لازم بود این امر اکبر
که داری مادر فرتوت بدخو
نباشد خلق او با من برابر
مرا دل دادی ومن داده ات یار
دل او خواهی دل مادر بیاور
چرا تا یك دلی باشد ترا دوست
نشاید شرکت عشق مکرر
جوان ساده اش گفتا بدیده
مرا عشقت زهر عشقی ست خوشتر
پس آنگه جانب منزل روان شد
چو شیر خشمگین شد داخل از در
بدید آنمادر مهجور مشتاق
نشسته منتظر با دیده تر
که تا نور دو چشمش از در آید
روان تازه اش گردد به پیکر
چو دید آن دیده دیدار فرزند
زحد مسرور شد آن مهر پرور
چو مسرور شد خورد و رفت از خویش
فسرده شد تنش در روی بستر
جوان ابله بی دانش ودین
همان قلب عطوف عشق گستر
گرفت از سینه آنمادر پیر
بدست غدر وجور نوك خنجر
سپس باشدت بسیار برگشت
بسوی منزل آن شوخ دلبر
قضا از شدت رفتار پایش
بلغزید وبخاك افتاد برسر
دل مادر ز دستش بر زمین خورد
خراشی برسرش افتاد کمتر
ولی قلب شهید مادر زار
ازان خاك سیه شد نوحه پرور
که آخ ای نور چشم وجان مادر
روان جیگر ای جان مادر
دل ای قیمت من خاك راهت
فدایت هستی و ایمان مادر
خراشت درسر و در جان مبادا
مگر در قلب پر حسرت مادر
تن و رگی گلت در بستر خاك
نبیند کور به چشمان مادر
زعشق راستی آن لحظه خون
جهان از توبه خود ساخت محشر
دل سنگش از فغانش نوحه گر کرد
مگر فرزند مغرور بد اختر

خرد آن لحظه از اتفاق میگفت — بیانی بوی عشق راستی را
که دل نم گفته ش را همچو گوهر — مگر از سینهٔ سوزان مادر

خبر های خارجی

رویتر

سقوط کابینه

انگلستان

خبرهای تلگراف مشعر است که کابینه مکدو نالد سقوط نموده ودر نتیجه مشورت های مکرر رؤسای حزب سه گانه یك حکومت اتحادی احزاب سه گانه به تحت ریاست مستر مکدو نالد تشکیل گردیده واز حضور شاه انگلستان منظوری یافته است .

کابینه جدید انگلستان

لندن ۲۵ اگست : بعد از انقراض حکومت کار گر در انگلستان ، جدیداً حکومت ملی موقتی تشکیل و از ارکان ذیل مشتمل گردیده است :

مستر رمزی مکدونالد رئیس الوزرا

مستر فلپ سنودن	وزیر مالیه
مستر جی اچ تهامس	وزیر مستعمرات
مستر استن چیمبرلین	وزیر بحریه
مستر ان چیمبرلین	وزیر صحیه
سر فلپ لستیر	وزیر تجارت
سر سمو ئیل هور	وزیر هند
لارد لد یدری	وزیر عدلیه
سر هر برت سمو ئیل	وزیر داخله
لارد سینکر	وزیر سکاتلیند
مستر ستینلی بالدوان	رئیس شورا
لارد ریدنگ	وزیر امور خارجه
لارد ایمواری	وزیر قوای هوائی
مستر دانلد میکلین	وزیر معارف
سر هنری بترین	وزیر زراعت

(سیاست)

گراف زیلین

گراف زیلین روز ۱۵ اگست در میدان طیاره (بین مورت) رسیده در شام به پرواز گردا گرد انگلستان شروع نموده .

*

* *

گراف زیلین درمیدان طیاره بین مورت در شام روز چار شنبه بعد از ۲۴ ساعت سیاحت جزائر برطانیا با ۲۴ نفر مسافرین نزول نموده . و به ساعت ۷ ــ ۲۴ ــ به فریدر کس ها فن ، باز گشت .

حریق

ماسکو ، ۲۰ اگست ــ قرار اطلاع سا تکهای شهرها نکواد طعمه حریق گردید . اکثر خانه ها سوخته خاکستر گردیده است ، تلفات جانی بسیار زیاد است ، از سه شهر های (او خان) ۷۰۰ هزار نفر مها جرت نموده اند .

بطرف قطب

قرار پیغام شهرلانگ زبیرء ، سی برگن نائلیس به ساعت چار شام بطرف قطب روانه گردید .

از ایران :

یك ملیون تومان سر مایه شرکت

ابتدا مذاکره شده بود که شرکتی با پانصد هزار تومان سر مایه برای تاسیس یکدستگاه کار خانه نخ ریسی در رفسنجان تشکیل شود که در این شرکت تجار کرمانی و تجار یزدی سهیم شده و کار خانه را در رفسنجان دائر نمایند .

در جریان امر نظر باستقبال شایانی که ازین فکر شد و در اثر تشویق و ترغیبی که از تجار و سر مایه داران بعمل آمد فکر جدیدی بوجود آمد و آن تاسیس دو باب کار خانه نخ ریسی بوده با دو سر مایه دو شرکت یکی در یزد بسرمایه تجار یزدی و دیگری در رفسنجان بسر مایهٔ تجار کرمانی.

سرمایه این دو شرکت یك ملیون تومان پش بینی و در نظر گرفته شده است که بانک ملی نیز در آن سهیم خواهد شد . موسسه و کار خانهٔ که ماشین آلات و ادوات کار خانجات من یور را به این شرکت خواهد فروخت مبالغی در این دو کار خانه سهیم خواهد شد که بابت قیمت ادوات خویش سهم خود را محسوب خواهد داشت .

از قرار معلوم سرمایه تجار یزدی و کرمانی برای تشکیل این دو کارخانه بطور کلی به هفتصد هزار تومان خواهد رسید و سیصد هزارتومان آن را بانک ملی و فروشندهٔ کار خانجات سهیم خواهد شد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 329 of 896

خبرهاي داخلي

جريانات شوراي ملي

قارئین کرام خصوصاً موکلین وکلای محترم از صورت افتتاحیه شورای ملی و نطق اعلیحضرت غازی و جوابیه وکلا که قبلاً در جراید مجله های مخصوصه نشر و توزیع گردیده مستحضر خواهند بود.

متعاقب و مقارن افتتاح شورای ملی در جلسه اول یک هیئت بانتخاب عموم وکلای محترم شوری برای تدقیق و ملاحظه اعتبار نامه های وکلا تشکیل و اصولاً شروع بملاحظه اعتبار نامه ها نموده راجع به بعضی اعتبار نامه ها که لزوم تحقیقات از مراجع منسوبه آن ها بوده است بتکمیل تحقیقات پرداختند.

پس از ملاحظه اعتبار نامه ها جلسه دیگر منعقد شده وکلای محترم مطابق اصل (۱۱) اصول اساسی شورای ملی قسم نامه را که حاوی مفاد ذیل است امضا نمودند : —

ما وکلای ملت نسبت باعتمادیکه ملت و حکومت بر ما نموده بخداوند کریم سوگند می نمائیم که برای ملت و حکومت خود صادق باشیم.

بعد از ملاحظه اعتبار نامه ها و امضا قسمنامه در جلسه منعقده دیگر در مذاکرات انتخاب رئیس عمومی شورای آغاز کرده شد و درین مسئله از نقطه نظر اهمیت مقام ریاست مذاکره و تدقیقات زیادی بعمل آمده و چند جلسات متوالیه برای انتخاب رئیس دوام داشت بالاخره درنتیجه جناب آقای عبدالاحدخان وکیل مرکز ولایت کابل بحیث رئیس عمومی شورای ملی انتخاب گردیدند.

چون وکلا اصولاً از انتخاب رئیس عمومی فراغت یافتند جلسه دیگر تحت ریاست آقای رئیس عمومی شورای منعقد شده بمذاکره انتخاب معین شورای ملی شروع نمودند بعد از طی مذاکرات مطابق تفصیلات فوق ، آقای عبدالحق خان وکیل مرکز ولایت هرات بمعاونی شورای ملی انتخاب گردیدند.

بعد از انتخاب معین شورای وکلای محترم بانتخاب منشی شورای آغاز و آقای میرزا عبداللطیف خان را بسمت منشی مجلس انتخاب نمودند.

بعد از انتخاب منشی ، وکلای محترم شروع به تشکیل دار التحریر شورای و تعین بودجه معاشات و مصارفات آن نموده پس از مذاکرات بصورت لازمه تعین و تصویب نمودند.

چون اساساً یکنفر ناظم برای انتظام امورات مجلس حتمی بود بناءً علیه باتفاق آرا از بین وکلا ص سید احمد جان وکیل منتخبه سمت شمالی ولایت کابل بصفت ناظم تعین و تصویب شد.

پس از ختم مذاکرات و مقررات فوق که در هر مسئله نظر باهمیت آن مذاکره می شد به ترتیب لایحه وظایف داخلی مجلس شروع نموده و بعد از اکمال در مجلس مورد بحث قرار داده شد در نتیجه تبادله افکار و تعمقات بلانهایه که چند جلسات متوالیه مذاکره آن دوام داشت بالاخره باتفاق آرا تصویب گردیدند.

بعد از تصویب لایحه وظایف داخلی نظر باصل (۳۲) اصول اساسی شورای ملی بمذاکره تقسیمات و تعین عدد و اسامی انجمن پرداخته بعد از مذاکرات و تعاطی افکار وکلای محترم درین فیصله نمودند که قبلاً چون شورای ملی ابتدا ئیست یک انجمن دایمی و یک انجمن موقتی تشکیل شود و بعد از جریانات امور در مسایل وارده اگر لزوم تشکیل دیگر انجمن ها دیده می شد تعین خواهد شد و ازین نقطه نظر یک انجمن دایمی که برای تنقیح و سنجش ابتدائی مسایل وارده شورای تشکیل و یک عده از وکلای محترم بعضویت و یکنفر بحیث منشی و یکنفر بصفت کاتب این انجمن انتخاب و تعین شدند.

رئیس انجمن ص شهاب الدینخان وکیل غزنی.

اعضای انجمن ص حاجی عبدالعزیزخان وکیل گرم سیر قندهار.

ص ملا عبدالواهاب خان وکیل غور هرات
« عبدالکریم خان وکیل مرکز مزار شریف
« شاه عبدالمجید خان « بدخشان
« عبدالله خان وکیل لغمان سمت مشرق
« سید نادرشاه خان وکیل گردیز
« میرزا عزت الله خان وکیل مرکز میمنه
« محمد انور خان وکیل فراه.

ص عبد الهادی خان وکیل مرکز جلال آباد بصفت منشی انجمن
ص سعید محمد خان وکیل هرات بحیث کاتب انجمن .

یک انجمن دیگر که موقتی تشکیل گردیده و مانند انجمن داخلی اجرای وظایف می نماید چون موقتی است از تذکار اسامی آنها صرف نظر شد .

بعد از تشکیل انجمن و تعین و تصویب اعضای آن ، فهرست لوایح ساقه و همچنان لوایح و پیشنهاد قبلاً از وزارات و دوائر مستقله برای شورای ملی رسیده و از طرف منشی مجلس ترتیب شده بود و چون بانعقاد شورای ملی معطل بوده است وکلای محترم یکان یکان را بنظر تدقیق ملاحظه نموده نظر باهمیت مسایل و حیث کار لوایحیکه قبل از شروع بمذاکره و تعدیل آن قابل معلومات گرفتن و نظریه وزارت و دائره منسوبه آن ها بوده است از طرف مجلس تفریق و بدائره منسوبه آن ارجاع داده شد تا نظریات خود را بآن ها ابراز داده بمجلس شورای تقدیم دارند .

تفریق دوم لایحهٔ لزوم استعلام و نظریهٔ دائره منسوبه نی نبوده مانند لایحه اساسی مملکت در انجمن تحقیق تحت مذاکره و تدقیق گرفته شد . همچنان از لوایح و پیشنهادات مناسبتاً نظر باهمیت مسایل برای انجمن و مجلس تفریق کرده شد . فعلاً مجلس شورای و انجمن تحقیق آن شروع بکار نموده و درین روز ها اصول نامه اساسی مملکت را که بعد از همه اصول نامه ها انجمن تحقیق ترتیب و بمجلس حاضر کرده است در مجلس عمومی تحت مذاکره و تدقیق است .

معاهده بیطرفی و عدم تجاوز دولتین افغانستان و شوروی که قبلاً ذریعه وزارت خارجه ترتیب و بمجلس شورای پیشنهاد شده بود بعد از تدقیق در جلسه مورخه ۳۰ اسد ۱۳۱۰ تصویب گردید .

نطق اختتامیه

ع ، ج علی محمد خان وزیر معارف

(۲)

بیک اتحاد واتفاق که کلام حضرت سبحانی بآن ناطق است در مقام تأمین سعادت دینی ودنیوی خود مان برائیم از یکطرف قراری که بکرات ومرات این اولی امر معظم دین دارما بما توصیه وامر می نمایند مرنیاز بخاک عجز بدرگاه خداوند بی نیاز سوده متکی باستعانت او گردیم واز طرف دیگر درمقام حصول وسائل تأمین استقلال وترقیات خود برائیم در نشر معارف ، تعلیم وتربیه صحیحهٔ اطفال خود که درحقیقت سرچشمه هرگونه استکمالات است متحداً با حکومت خود صرف توجه نموده برای تعلیم وتربیهٔ صحیحهٔ نسل آیندهٔ خویش یک بنیاد واساس متین اسلامی بگذاریم — بترقی زراعت ، تجارت صنعت اقتصاد ملیه که عوامل مهم محافظه حیات ملل است توجه نموده وطن را تا بحدی که ممکن است از احتیاج غیر وار هانیم .

این نمیشود مگر بصورتی که دستها یک شوند ، همه متحداً بطرف یک هدف معین براه اقتیم ، رفع احتیاجات وطن را بدوش همت گرفته تصمیم کنیم چه در حیات جامعه هیچیک فرد نمی تواند بدون برادرش لوازم نوع امرار حیات کند — بایست زارع بترقی زراعت ، صنعت کار بترقی وترویج صنعت تاجر بترقی تجارت ، مامور بتأمین امن ورفاه عامه علی هذا هر دسته باینفای فریضهٔ مخصوصه خود متوجه بوده ترقی واعتلای وطن را عزم وتصمیم کنیم .

ولی اگر زارع زراعت را بی اهمیت دانسته بمشغلهٔ دیگری میل میکند ویا صنعت کار صنعت را مهم ندانسته بکار دیگری مداخله می نماید ویا یک عسکر فریضهٔ خودش را گذاشته به تجارت وسیاست مصروف میگردد شیرازهٔ حیات جامعه از هم گسسته ، اقتصاد ملیه از بین رفته زمینهٔ مقرط لا سمح الله مهیا میگردد (دومن قال) از شهر حبله خوش بود واز غزال رم .

حاضرین کرام ! بایست بدانیم ملل مانرهٔ دنیا از ما خیلی جلو رفته اند وآن مقصود ما هم که خیلی دور است پس اگر همه متحداً هر دسته در دائرهٔ فریضه مخصوصهٔ خود شب وروز زحمت نکشیده این راه را طی نمی نمایم

به پس مانده ترین آنها هم رسیده نمی توانیم بعبارت دیگر عرض کنم فرصت رسیدن بمقصد بدرجه کم و موقع بدرجه نازك است که اگر یك دقیقه خود را بدون ایفای فریضهٔ مخصوصهٔ خود (بکار دیگری صرف بکنیم و یا بخیال امتحان و اصلاح بکاری که نه سعادت دین در آن منظور است و نه خیر دنیا در آن متصور) تلف می نمائیم یك سال از عمر خود را ضائع کرده خواهیم بود چه این جور امتحانات بسیار شد و نتیجه جز خساره نبخشید .

این موقع برای ترقی و اعتلای وطن عزیز من یك موقع خیلی مساعد است و بخیال عاجزانه بهتر از این موقع نمی شود پیدا کرد پس بایست از آن استفاده نمود تا نشود این موقع مساعد درخشان را نیز مانند سابق از دست داده خدای نخواسته نزد خویش و بیگانه ، دوست و دشمن خجالت زده شرمنده گردیم .

این بود عرض عاجزانه که بحضور حضرات محترم نمودم در خاتمه دعا میکنم الهی وجود مسعود این پادشاه محبوب القلوب ما را با برادران با ناموس وغیرت شان که حامی استقلال و بهی خواه حقه افغانستان اند در حفظ و حمایهٔ خود نگهدارد ـ الهی ما همه را توفیقات بخش تا برحسب رضای تو ارشادات و هدایات این شاه دین دار حق پرست وطنخواه را تعقیب وپیروی کرده وطن را بآن اعتلا و ترقی که شامه یك مملکت اسلامی است قایل سازیم ـ الهی ارواح پاك اشخاصی را که در راه رضای تو بعرض حصول استقلال و سعادت وطن بدرود حیات گفته اند غریق رحمانی غفران خود گردان آمین .

در نمایش جشن

مؤلفین ومترجمینکه کتاب های ذیل را برای نمایش تالیف وترجمهٔ جشن سال ۱۳ استقلال بوزارت تجارت تقدیم واز طرف وزارت معارف حائز انعام تبرك ذیل گردیدند.

۱ :— تاریخ عمومی قرون اولی تالیف عبدالطاهر خان فارغ التحصیل — درجه اول

۲ :— مشاهیر علمی وادبی کابل وبدخشان تالیف عبد الحکیم خان رستاقی معلم مکتب استقلال — درجه اول

۳ :— کیمیای معدنی ترجمهٔ محمد امیر خان متعلم اعدادیه امانیه — درجه اول

۴ :— کیمیای عضوی تالیف عبد الرحمن خان متعلم مکتب حبیبیه درجه اول .

۵ :— هیئت ترجمهٔ عبد الغفور خان متعلم مکتب امانیه — درجه ۲

۶ :— میترو لوژی تالیف حبیب الله خان فارغ التحصیل مکتب حبیبیه درجه ۲ ؟؟

۷ :— لغات فارسی والمانی تالیف محمد عظیم خان معلم — درجه ۲

۸ :— انقلاب افغانستان ترجمه سید قاسم خان درجه ۲ .

۹ :— لغات فارسی وروسی وانگلیسی ترجمهٔ غلام سرور خان تلگرافی — درجه ۲

۱۰ :— فزیک تالیف خان آغا خان معدن شناس — درجه ۳

۱۱ :— نقشه مرتسمهٔ تشریح انسان مرتسمهٔ محمد اسلم خان متعلم مکتب درجه

۱۲ :— ترجمه ترکی در فارسی ترجمه محمد ناصر خان درجه اول .

اسمای ارباب پیشه ونوع صنعت وصنایع ودرجهٔ آن که برای نمایش جشن سال ۱۳ استقلال در نمایشات صنعت وحرفت تقدیم وحائز انعامات درجه های ذیل گردیده اند :

سراجی :

۱ :ـ قیضه حاجی عبد الحکیم خان قندهاری درجه اول

۲ :ـ بکس قره قلی خانه ـ منور خان درجه ۲

۳ :ـ بکس کلان کاغذی درجه ۲

کشیده های پشمی :

۱ :ـ محمد یعقوب خان درجه اول

۲ :ـ غلام محی الدین خان درجه ۲

۳ :ـ میر محمد خان درجه ۳

۴ ـ حاجی فقیر محمد خان درجه ۳

تکه های نخی :

۱ :ـ فابریکه درجه اول

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 332 of 896

۲ : ـ مراد الله خان درجه ۲
۳ : ـ غلام محی الدین خان پمپانی درجه ۳

تکه بافت ابریشمی

۱ : ـ محمد علی خان درجه اول
۲ : ـ محمد جانخان درجه ۲
۲ : ـ محمد صفر خان درجه ۲

سطرنجی

۱ : ـ میر محمد ابراهیم خان درجه اول
۲ : ـ سید احمد خان درجه ۲
۱ : ـ محمد علی خان درجه اول

ابریشم دوزی

۲ : ـ خامك دوزی حاجی عبد الحکیم خان قندهاری درجه ۲
۲ : ـ ریده دوزی والدهٔ عبد ارحمن خان درجه ۲

کلا باتون دوزی

۱ : ـ حاجی عبد لحکیم خان درجه اول
خدای نظر خان درجه ۲

حکاکی

۱ : ـ شاه سعید خان درجه اول
۲ : ـ عبد الخالق خان درجه ۲
۳ : ـ نور الدین خان درجه ۲
٤ : ـ حیدر خان درجه ۲

گل سازی

۱ : ـ غلام جیلانی خان درجه اول
۲ : ـ شاه بابا خان درجه ۲

ترکاری

۱ : ـ باغبان باشی دار الامان درجه اول
۲ : ـ اقسام گل ها باغبان باشی باغ ارگ درجه اول
۳ : ـ اقسام تخم های گل دار الامان درجه اول

لوازم تعلیم

۱ : ـ تخته سلیت و میز ساخت عبد الجبار خان رنگمال درجه اول
۲ : ـ بعضی مجسمه ها از عبد الغفور خان درجه ۲
: ـ میوهٔ مصنوعی و مجسمه استاد محمد حکیم درجه ۲

بوت دوزی

۱ : ـ خیر محمد خان بوت دوز درجه اول
۲ : ـ از موتیه محمد اعظم خان درجه اول
۱ : ـ ملبوس بافت کرشتل فابریکه بنیان باقی درجه اول
۲ : ـ تختکای بچه های فابریکه بنیان باقی درجه اول

نجاری

۱ : ـ فابریکه نجاری درجه اول
۲ : ـ نجاری ارجه سوق تاج محمد خان درجه ۲
۱ : ـ فابریکه صابون سازی درجه اول

آهن گری

۱ : ـ فابریکه حربی درجه اول
۲ : ـ چوب شکاری برجه دار عبد الغفور خان درجه ۲
: ـ چوب دست درجه ۲

زرگری

۱ : ـ بن و شبلاق درجه ۲

مسگری

۱ : ـ دیگ بخار محمد اسحق خان درجه اول
۲ : ـ صراحی رجب علیخان درجه ۲
: ـ آفتابه لگن غلام غوث خان درجه ۳

سنگ تراشی

۱ : ـ پیر محمد خان کابلی وحاجی عبد الحکیم خان قندهاری هر دو درجه اول
۲ : ـ عبد الشکور خان درجه ۲
: ـ محمد جانخان درجه سوم

اگرچه عبد الشکور خان درجه اول است ولی چون ملازم حکومت بوده و بکسار خانه کار میکند بناءً برای تشویق دعیتی پیر محمد خان درجه اول گرفته شد .

عطریات و رنگ

۱ : ـ عطریات محمد عمر خان درجه اول
۲ : ـ رنگ نوشتن صالح محمد خان درجه ۲
: ـ ورنس صالح محمد خان درجه ۲
: ـ محمد سرور خان رنگمال و علیجان خان برکار درجه ۲

کاشی سازی

۱ : ـ سابتر ساخت عبد الله خان درجه اول
۲ : ـ سید محمد خان کاشی ساز درجه ۲

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 333 of 896

بعقیده من فکاهیات زینت نشریات است وبزرگترین وسیله جلب نظر اهل سواد بمطبوعات.

نگارنده که میخواهد دریك محیط ناشر افکار مفیده گردیده واسباب بیداری غفلت زده گان واقع شود باید پیشتر از همه در روحیات مردم غور ودقت ورزنده نگهداشتن یا کشتن ذوق خواننده گان فکر ورقتی بنماید.

از ما مردها اصطلاح یك سر است مثل: خب وجیم بکدوه که یکقتی وجبه زدن سرگرفتیم اگر یك پول بدهند بحرف ما نیم بعد روپیه هم که ما را تطمیع کنند خواموش نمی شویم دیگر خرسیاه هنگ زند که از راندن نول وجبه طرف منصرف گردیم هرگاه سرنوشتن گرفتیم کوشش اول ما پر کردن ستون وتعدد شماره وصفحات است که مثنوی هفتاد من کاغذ شود تا ترکت های سر خواننده پیدا نباید از سرکك او دست بردار نخواهیم شد.

اگر چه ما در جریده انیس این ترکت ها را تا اندازه توان مراعات کرده ومیخواهیم بزور والتماس در عده خوانندهگان بیفزائیم مثلا وقفا زنده باشند یك ساعت انیس از جوبا تعریف نموده ودو ساعت جوبا از مزایای انیس پف کرده یکمقداری فیروز ولطافی از عالم وفن دم زده ودو مقدار آن اعظمی از فضل وادب سرائیده اسلم جان ما یکدو ناخن بتارر جغلوا خته. طرزی هم یکدو صفحه ازما دام ساززه ظاهر خواهد ساخت.

(غبار) ما راهم خدا جور کند واز رستاری جگر گوشه بیمارش فراغت دهد آینده ما را تنها نخواهد گذاشت باز اگر . . . خواننده گان گرام ومشترکین ذوالاحترام نظر کنیم یکدو جبلکی خنده گی دیده خواهد شد که یا بینی بسر انگشت فکاهیات قتقتان داد تا به دوسه لب خنده دندان نمائی رفع خنده گی کنند القصه از کو تاهی سخن ودرازی گرباس شیر بنی قند وتلخی تمباکو وجان کندن . . یادی کرده و برویم سر مطلب غرض فکاهیات یك چیز لازمی ایست واینقدر شاخ وبرگ هم که باو میدهیم که همه کس او را یك ساعت تیری دانسته مانند دیوار بم دار بسوی خود نیکشند وجنبه وپهلو های سیاسی باو ندهند برای اولین بار تا دیگران خوشحور شوند باید از خود بسرانجم در اول ورود کابل شروشور گوبا وجوبا وصبا چه بود که فضایای نسبتی ما وانیس تازه گی دارد من بگفتم که خود هم شوخ هستم وبا مردم محبت بشوخی هما سروکار دارم ولی انیس (محی الدین خان) یك دو دوکانی از من بالاتر باز کرده برای آنکه من در آینده مدیر جریده انیس مرفی شده ام وباید در هر در و در وازه که او راه دارد منهم راه وپائی پیدا کنم گفته گفته از لنگ افتادم در هر جا میرویم صحبت از انیس است وخو شنباز اینکه وقت مزاح وشوخی نام مدیر انیس را یاد وطرف خطاب قرار میدهند

بهر تقدیر میخواهم خواهش کنم از رفیقسان که مرا سرور بگوئید باز نی بیم در وطن ما چیزی که بسیار است وخدا زیاد کند اسمای سرور است نه بابا گذشتم جوبا بگوئید جوبا سرور جوبا ولی نه مانند آقای گوبا که یك جان وخان هم بخود اضافه میکند به من تنها سرور جوبا بگوئید خوشتره مدیر نو انیس یاد شوم هم بد نیست باز مختارید اما برای امتیاز وشناختن بعضی سرور ها مجبورم هان تو به را که از گوبا گرفته ام منتشر سازم تا در آینده در بمه امتیاز سرور ها باشد:

سرور عینك ، سرور سیاه سرور قوله سرور سرخ ، سرور نصواری ، سرور لب چاك ، سرور

لنگری ، سرور سرباز ، سرور بدخشی ، سرور صبا ، سرور بویا ، سرور گویا ، سرور جویا فعلا احصائیه موجوده فکاهیات مظهر همین عده سرورها است آینده تکمیل خواهد شد .

تا تمام نشده در خرید آن عجله کنید

هموطنان با سواد وعلاقه مندان وطن عزیز خصوصاً آنهائیکه روح حس وذوق کنجکاوی شان همیشه خوشدار است در اطراف قضایای اغتشاش گذشته در هر گوشه و کنار تحقیق داشته واز صغار و کبار بخواهند خوب وزشت حوادث آنرا بشنوند مژده میدهیم که کتاب (بحران ونجات) از طبع خارج ودر مواضع معینی که در ذیل نشان داده میشود بمعرض فروش گذاشته شده .

این کتاب در اسلوب نگارش بعبارات خیلی ساده وعام فهم ودر طرز طبع بخطوط بسیار خوانا وکراورهای مصفا بتقریب ۳۰۰ صفحه ترتیب یافته وحاوی تماماً وقعات مهمه اغتشاش ۱۳۰۷ – و ۱۳۰۸ میباشد که خواننده اگر در زمان های اغتشاش بکلی خارج از وطن ویا دریک گوشه دور دست داخل بسر برده باشد پس از مطالعه این کتاب مانند یک فردی که از اول تا آخر جریانات انقلاب را بچشم خود دیده باشد بصیر وخبیر گردیده وقضایای وارده را میتواند ازروی بصارت بینش خود بحث کند مطالب بحران ونجات بسعی واهتمام محی الدین خان موسس وصاحب امتیاز انیس تدوین شده و بقلم خود آن ها نگارش یافته اکثر واقعات را بچشم خود دیده و برخی دیگر راهم از منابع موثق بدست آورده فقط نظر بمعنویت کتاب ومقامات نویسنده آن قویاً گفته میتوانیم بحران ونجات یک مجموعه نفیسی است که تا کنون از نشریات انیس کتابی باین زیبائی بیرون نیامده بلکه در تواریخ مرتبه وطن کم نظیر دارد فقط از روی دوادوری با آقایانیکه مایلند کتابخانه ایشان نواقصی نداشته از اغتشاش تاریخی افغانستان یادداشت های خوبی داشته باشند پیشنهاد میکنیم که تا تمام نشده در خرید کتاب بحران ونجات عجله نمایند .

در مرکز

محل فروش آن :	اداره انیس
دکان عبد الاحد خان :	واقع بازار کتاب فروشی
دکان عبد الصمد خان :	واقع لب دریا
دکان عبد الطاهر خان :	مقابل ریاست بلدیه
دکان محمد عمر وثیقه فروش :	عقب فابریکه نساجی
در اطراف ولایات :	بتوسط اداره های جراید و یا ریاست بلدیه

مخابره به اداره انیس بشرطیکه پول آن پیشتر رسید عوض ومعاوضه فرستاده شود . قیمت (۱۰) افغانی

برای مشترکین محترم انیس (۸) افغانی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 335 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 336 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 337 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزانهٔ دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 339 of 896

شماره (۱۸۵)　　　　　　مجلد (۵)

انیس

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس وصاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده: سرور جویا

۲ شنبه ۲۲ سنبله ۱۳۱۰　　تأسیس ۱۳۰۶　　۱ جمادی الاول ۱۳۵۰

وحدت افکار و یگانگی در عمل

یکی از بزرگترین مشکلاتی که در برابر اقوام مدنیت خواه دنیا عرض اندام کرده شقاق و نفاق است و این بمرض مسری میماند که اگر یکمرتبه در تن و بدن اجتماع راه یافت بسرعت میری همه را تحت تاثیر می آورد.

در زیر این استیلای قاهرانه بدون شبهه اگر عده معدود افراد صالح هم در یك جامعه شبیه بعضی اعضای سالم در تن و بدنی وجود داشته باشد بمرور از کار مانده و فالج می شوند.

برای جلو گیری این مفاسد تنها اتحاد فکری و یگانگی عملی اقوام میتوانند چاره جوئی کرده وضامن سعادت بشری واقع گردد.

از زندیکه موضوع نشریات در عالم وظایف مهمه هدایات قومی و آشنا هات عمومی را عهده دار گشته است هیچ فردی قدرت آن را ندارد اعداد مقالاتی را که سر لوحه اتحاد و اتفاق معنون آمده بشمار آرد، ولو مؤسسات المطبوعه ما که تا کنون بسی محدود و انگشت نما گفته می شود باز بحساب آوردن اینگونه موضوعات را چه از جنبه های عقلی و نقلی و چه از تقاید اجتماعی شخصی در نگارش آمده از مشکلات عدیم التصور شمرده خواهد شد.

چون آهنگ و لهجه اختلاف دارد و حوادث نفاق و شقاق در هر زمانی بمقتضیات آن تغیر رنگ می پذیرد باز به نسبت اتحاد واتفاق جای حرف باقی و از تاثیر خالی نیست قول ادبا:

یکصد مضمون سخن ز زلف یار گفت
در قید آن مباش که مضمون نمانده است
شاید دعوت بسوی وحدت زبان عصری
و تغیر آهنگی از آتش بیشتر باشد.

اگر یك نگاه جفری بسوی موجودات زنده مان بدون استثنای توانا و ناتوان بنمائیم هر یك طرز مخصوصی از جزهائیکه با آن هم با بعدی ظاهری و باطنی یا روحی و معنوی دارند بعلائم و اشارات خاصه خود ها طرفداری کرده و در علایق خود به نسبت زمان و مکان تا اندازه امکان اظهار دلبستگی مینمایند.

همچنان اگر دایره سخن را کوتاه تر بگیریم، افراد انسان نیز از عالی ودانی و عالم و بی علم بی سواد وباسواد هر یکی بوضعی از مربوطات زندگانی واحتیاجات مدنی خود شان علاقه مندی ظاهر ساخته ودر تحت تاثیرات انس والفت با عشق محبت، وطنیت وملیت با تمام اکث موقعیت ورفاهیت خود را حرمت میکنند.

مثلاً اگر از یك فرد بی سوادی کسی بپرسد:

ملت و وطن تو خوب است یا بد؟
بدون توقف و تامل فکر میگوید خوب!

همچنان هر گاه از عالم و دانشمندی همین سوال بشود در جواب نه تنها خوب میگوید که یکسلسله دلایل و براهین هم بخوبی آن اقامه خواهند نمود بر عکس هر دوی این طبقه اگر اشخاصی را بر خلاف وطن وملت خود به بینند ویا لف طیرا برضد نوامیس روحی خود شان بشنوند همه بر آشفته شده وحشت دفاع خواهند کرد.

این مسایل بکلی ثابت میکند که همه

طرف یك نقطه مقصود ومطلوب روان شد وهمه هم متحد القول و العقیده باشند ودر صورت این اتحاد واتفاق هم باید بطور حتم سیر ترقی را باخر رسانیده هیچ مانعی در پیش راه خویش نه بینند .

اینجا ممکن است بعضی ها بپرسند که چه باعث و کدام علت اینگونه اقوام متحد را با اینهمه امیال قویه از راه محصوت کرده و از ترقیات منصوره عقب می افکند ، لی گفته میتوانم اشکالات بزرگی در پیش روی ما سد شده که اولتر آن عدم تعمیم معارف وسواد عامه است که تا مردم از جنبه های علمی ومعرفتی به خیر وشر خود آگاهی نیابند به پیدا کردن راه صحیح ترقی قادر نخواهند شد چنانچه المانیکه درین خصوص یکصدو قدمی از ما پیشتر برداشته اند باین حقایق معترف و هر وقتی که به نسبت اصلاحات امور اجتماعی خود صداهای حسرت و افسوس را بلند می کنند و ناامیدی خویش را محسوس می شوند دلیل بزرگ شان اینست : که اهل علم کم دنیا هلاك زحد بیش اند

وقتا خوب فکر کنیم این صدا ها اگر از حنجره مردمی ما بیرون آید موزون تر و مناسبتر بحال ما بیشتر است درمرتبه دوم قلت رجال کار صادق و فعال که منبع آنهم بسته برواج بازار معارف وتمدد آن مربوط بمسایل اولی است از آنهم گذشته باز صمیمیت و فدا کاری افراد بر جسته ملت است که بایستی منافع اجتماعی را مقدم بر منافع شخصی وفردی قرار داده در خدمت بوطن و مملکت از غرض نفسی و خصوصیات صرف نظر کنم و عیب اینها در فروعات هم مشکلات بسیاری است که هر کدام مقالات جدا گانه لازم دارد فعلاً موضوع بحث ما اتحاد افکار و یکانگی در عمل است که چرا ما به ظاهر در احساسات نافعه که اسرار ترقی گفته شود مشارکت داریم و در بدست آوردن وسایل مرده و از رسیدن بمقامات متعالی محروم هستیم .

اول اینکه قسمت عمده ما فقط ظاهر مقصد را بچشم دیده وآنچه آنی میشوند هم بیگویند و هم میخواهند فهمیده و نا فهمیده اگر هیچ یك نوع مفاد صحیحی حاصل نشود هم افکار خودرا در ورطه عمل آرند و این طبقه از مسایل باطنی باسنجش های فکری بکلی عجز دارند قسمت محدود دیگری که صاحب فکری و قریحهٔ بوده و دارای قواء عقلانی و روحانی هستند و میتوانند در اطراف مسایل دقتی بنمایند ، از نام عمل می هراسند تا چه رسد اینکه شامل معالی آن شده و خطرات آنرا تصور کنند .

در طبقات عدیده اول ممکن است اتحادرا بقوای حقیقی (نه بمعنی حقیقی آن) شناخت .

ولی چه سود که این اتحاد به تمام ها ضامن سعادت شده نمیتواند واما طبقه دوم نه تنها عدم تعلقات شان به تطبیقات فکری وعملی برای ما اشکال تراشی مینماید که سنجش های آنها عیناً وارد تولید نفاق میکند چه افکار در افراد متفاوت است وهر اینکی بمقیاس معلومات خود که زائیده تعلیم و تربیه او ست فکر میکنند .

یکی میگوید وطن را باید از راه علم وتربیه باید مترقی ساخت دیگری می سراید خیر ترقی وطن بسته به ترویج فنون وصنایع است ، گروهی برآنند که این هر دو قواء را باید متحد بکار اندازیم وطبقاتی بر آنند که نه این ونه آن فقط همین قواء موجوده میتواند بمساوات صمیمیت وفدا کاری در راه تعالی وطن خدمت کنند و پیشتر ازین تصفیات علمی و صنعتی لازم نیست ما کار میکنیم وفقط عقیده کامل و ایمان صادق لازم است و انشاء الله لطف خداوند با ما کمک خواهد کرد وباز در کار هم جمعی عقیده دارند که اگر در طرف یکسال شود ما باید در انظار بینند گان دنیا مترقی نشانداده شویم وعده دراین ثابت قدم هستند که هر گاه ده سال هم در زحمت ما افزوده ولو عمر ما کاسته شود ما باید اساساً ترقی کنیم از خوف تنزل و سیر قهقرائی آینده مطمئن باشیم .

اینهمه افکار دور و نزدیك وسنجشهای

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 341 of 896

سطحی و عمیق اسبابی روی کار می آورد که یکی بمطالب دیگری نرسیده و بفکر ورای دیگری قانع نمی‌شود ،

تا این تصادم افکار رفته رفته ما را از کار باز مانده آنوقت در جامعه زمزمه های نارضائیت ها شروع و حس تنفر بین حکومت و ملت آغاز شود ،

از آنجا که ما الحمدالله تعالی مسلمان هستیم اولاً بایستی از خداوند متعال با ایمان کامل و عقیده صادق استمداد کرده و بعد از آن با یك قلبی سرشار از عشق ملی و وطن شروع بکار کنیم از تجربیات گذشته فکری برای آینده کنیم نه بسیار تند و نه خیلی هم کند چنان راهی پیش بگیریم که راه روان رفته و بمنزل مقصود رسیده اند (خیر الامور اوسطها)

در تحت لوای این قاید معظم ما یك مسلك صلح پسندانه و امنیت خواهانه اختیار و با وحدت فکری وعقیده آمال ترقی خواهانه خودما بورطه عمل بگذاریم چه اگر افکار متحد نگشت گویا قواء و توانائی در ما موجود نخواهد ماند که بتوانیم خود را بمنزل مقصود برسانیم و یا در مبارزه حیاتی غلبه کنیم در یکی از قصص تاریخ خواندم یکوقتی پادشاهی معنی و مفاد اتفاق و وحدت را میخواسته است بملت خود فهمانیده و دلایل عام فهمی بیاورد ، برای اثبات کلام خود چند عدد چوبچه و شاخه درختی را نزد خود گذاشته صحبت میکرد تا یك نفر از جماعت مخاطب خود را پیش خواسته و

یکی ازان چوبچه یا شاخه را باو داده و امر داد بشکند ، او هم بیك تاب دادن دست او را شکست و زور کرد دفعه ثانی دو تا ازان شاخه ها را باهم یکجا کرده داد تا باز بشکند این مرتبه شکستنده بسیار زور آورد تا شکست ولی در دفعه ثالث و رابع که سه دانه و چهار دانه بایستی پهلوی هم باشند صاحب استحکام گردیده و شکست آن از قوه های جزوی بشری ساخته نبود ، غرض ، هنگامیکه متحد الفکر و العقیده گشتیم و همینطور هم افکار متحده را متفقاً عملی ساختیم دیگر شکست نصیب ما نخواهد بود .

آنوقت یقین کامل است که بنیاد نفاق و شقاق را منهدم و بنای تمدن و ترقی را بر قرار عمران افغانستان با استحکام تمزلزل ناپذیری خواهیم بر افراشت .

از اکو-دو-پاریس

بحران بیکاری

در اروپا

(۲)

المان

در المان عده بیکاران ، بصورت محیر العقول روبه زیادتی است : در فروری ۱۹۳۱ از جمله ٦٤ ملیون اهالی تعداد بیکاران را ۵ ملیون تخمین کرده اند و ۱۷ ملیون کار گر داخل تامین ضد بیکاری می باشند ، ازین رو میتوان قیاس نمود که این مملکت با چه سختی و مشکلات فوق الطاقه متحمل این

بحران بی نظیر گردیده است .

مصرف وجه تامین ضد بیکاری از روی مزد کار گر تهیه دیده شده است ، مثلا کار گری که فی هفته ۲۰ مارك میگیرد مستحق ۲۵ فیصد و فی هفته ٤٠ مارك ٤٠ فیصد ۱۰ الی ۱٤ مارك فی هفته مستحق ۷۵ فیصد حق از جه خود میباشند علاوتاً برای اشخاص عایله دار که اجرت آنها زیاد باشد الی ٦٠ فیصد بطور فوق العاده می بر دارند و اگر تنخواه آنها از فی هفته ۱٤ مارك کمتر باشد ، ۸۰ فیصد علاوتاً تادیه می نمایند .

اطریش

با اینکه تعداد نفوس اطریش از ۷ ملیون کمتر است ، در فروری گذشته تعداد بیکاران آنجا را به (۳٤٠٠٠٠) نفر قید کرده اند .

گمان میرود که پرداخت وجه تامین ضد بیکاری در اطریش قطع کرده شود چه تعداد بیکاران یوماً فیوماً رو بزیاد نهاده و از حدود احصائیه های رسمی تجاوز کرده است .

پس یقین است که حکومت ، از قاق دادن بیکاران که حاصل و عائدی ندارند لیکن بعد دیگر افلاس کرده میروند .

امریك

در امریکا هم وضعیت چندان خوب نیست ممالك متحده امریکا تعداد بیکاران خودرا به ٦ ملیون حدس میزنند ، قانون تامین ضد بیکاری در انجا وجود ندارد .

در امریك ادارات بلدی وجمعیت های

خصوص‌، امداد نموده ، حتی المقدور ، می‌کوشند و برای تقسیم نمودن ارزاق برای بیکاران جمعیت‌ها تشکیل نموده‌اند ، کارگران بیکار یکی دنبال دیگر ایستاده منتظر نوبت خود میباشند ، دو این قطار مخصوصان را بریدلاین (قطارنان) می‌گویند.

علل و اسباب بحران :

البته علل و اسباب این چنین یك بحران متعدد میباشد ، چنانچه یکی متخصصین السنه علل و اسباب این بحران را تا ۳۵ حساب نموده‌است .

بدون اینکه دور برویم ، می‌بینیم ، بعض حوادث ، از قبیل اتفاقات مابعد عمومی عدم توازن اقتصادی دنیا ، تزلزل پول ، از بیشی اجبار انتاج عمومی این مرض افزوده است .

مسئله عجیب و غریب اینست که و فور حاصلات عامل مهم این بحران بشمار میرود ؛ ثروت زیاده ، دنیا را به عسرت می‌کشاند .

آیا مسئله گندم یکی از عوامل این بحران شمرده می‌شود ؟ موقعیکه اروپا با هم جنگیده ، بعض از دول به غرض تلافی قحطی ، اراضی جدیدی را تحت زراعت در آوردند و هنوز هم دوام میدهند .

چنانچه ممالك متحده امریك که در ۱۹۱۲ ، نوزده مليون و شصت هزار

(بقیه در صفحه ۸)

بلندترین ارتفاعی که انسان در هوا واصل شده است

تجربه پروفیسر پیکار

پروفیسر پیکار بوسیله بالون پرواز کرده و بارتفاع ۱۵۴۵۱ یاده میل واصل شده ، همراهش معاون او پروفیسر کیفر بوده و اگر مقدار کافی اوکسیژن همراه شان نمی‌بود نزدیك بهلاکت رسیده بودند ، و بعد از اینکه در چندین ساعت مثل برگ کاهی در مقابل طوفان باد پرواز کردند بزمین سالم عودت کرده ، و درین مقاله شرح این مسافرت بنظر مالك شان میباشد .

پروفیسر اوگست پیکار عالم معروف سویسی و پروفیسر علم طبیعیات در دار الفنون بروکسل ، اخیراً یك پروازی داخل یك کره آلومینیوم که از هر طرف مسدود بوده و یك بالون بزرگی آویخته بود نموده و بارتفاع ۱۵۱۵۸ فوت یا ده میل در هوا واصل شد و این بلندترین ارتفاعی است که تا حال انسان در هوا واصل شده است ، هرچند بعض بالون های دیگر مثل بالونیکه در سنه ۱۹۱۳ از سواحل انگلند پرواز کرده و میگویند که بارتفاع بیست و چار میل از سطح بحر واصل شده بود و همچنان بالون المانی از نزدیکی کوه های شهر هامبورگ در ماه سپتامبر گذشته پرواز کرده و بارتفاع بیست و دو میل واصل شد از این بالون پروفیسر پیکار کرده بلند تر در هوا رفته میباشند ، ولی هر دوی این بالون ها تنها در هوا پرواز کرده و هیچ مخلوق زنده داخل آن نبود و تا امروز هیچ انسانی موفق نشده است که باین ارتفاع واصل شود و همچنان علم هم تا بحال کامیاب نشده است که غلاظت و ارتفاع هوا نیکه بر کره زمین محیط است تعین نماید ، ولی درین شکی نیست که لطافت هوا هر قدریکه از زمین بلند شد روبه زیاد تر شده ، و هوائیکه بر کره زمین احاطه دارد دارای یك حدودی است که بعد از آن حدود هوا تمام شده و فراغ میباشد و حدود آن تا هنوز شناخته نشده است و بعض از علما گمان میکنند که آنهم تنها از یك مده مثبتی هوا است ولی از روی علم وجود آن تا حال ثابت نشده است سر جمس جینز که از مشهور ترین علمای عصر حاضر است میگوید که هوای محیط بر کره زمین در ارتفاع ۸ هزار و یکصد کیلومتر مجدی لطف می‌شود که یك سانتی متر مکعب آن دارای قریباً به صد هزار دقیقه و دقایق مده میباشد و این یك کمیت قلیل نسبت به عدد دقایق هوائیکه بر کره زمین محیط است میباشد ، زیرا هوائیکه بر

زمین احاطه دارد دارای ۹ که طرف چپ آن نوزده صفر گذاشته شود سانتی متر مکعب دقایق هوا و دراین هم شکی نیست که دراین قول مخالفتی نسبت به آرای علمی قدیم میباشد و کتب مدرسی هم با چنین مفهمانند که هوای محیط بر کرهٔ ارض بعد از ارتفاع صد میلی تمام شده و پس از آن فراغ تامی است که هیچ چیزی در آن نمیباشد.

طبقات هوا

علما هوا را به دو طبقه تقسیم کرده اند:

طبقه اولی که بزمین واصل است (تروپوسفر) یا طبقه سفلی و ثانی را (ستراتوسفر) یا طبقه علیا مینامند.

امتیازی که طبقه سفلی نسبت به علیا دارد اینستکه درجه حرارت در آن هر قدر یکه بیشتر صعود نمائیم ما بقدر به تدریج نزول مینماید و نزول هم از روی مقیاس فهرنهیت در هر هزار قدم ارتفاع سه درجه میباشد اما درجهٔ حرارت در طبقه ثانی یا علیا ثابت ولا تغیر است.

چیزیکه بیشتر قابل ذکر میباشد اینستکه حد فاصل بین این دو طبقه (که در حقیقت قاعده طبقه علیا میباشد) از قطبین کرده در خط استوا ارتفاعش بیشتر است یعنی پنجاه هزار قدم از اولی و بیست هزار قدم از دومین ارتفاع دارد و بهمین علت هوای طبقه علیا از قطبین کرده در بالای خط استوا سرد تر است چنانچه در بالای بلاد مو سوم به (باتاویا) خیلی سرد میباشد ومتوسط برودت آن از روی مقیاس فهرنهیت ۹۰ درجه تحت الصفر است.

اما طبقهٔ علیا (ستراتوسفر) چنانکه پیشتر گفتیم درجه هوای آن ثابت بوده و در حقیقت از حوادثیکه بالای سطح زمین است اختلاف زیاد ندارد، واین طبقه از طبقات دیگر مرکب است که رقیق تر از خودش بوده و بالتمام عدد آن معلوم نمی شود (طوریکه گمان می شود باید سه باشد که ازین طبقات موجه های برق بی سیم (رادیو) عبور نموده واین موجه ها در فضا قطعاً نیست نشده و دو مرتبه بکره زمین عودت مینماید. که درینجا محل شرح موجه های برق بیسیم و کیفیت سیر آن نیست وفقط اینقدر بیان میدهیم که برای وقوف باسرار آن وبحث و تدقیق آن یکی از علماء بود که پروفیسر پیکار ورفیقش را به صعود در طبقه ستراتوسفیر و در خطر انداختن حیات شان وادار ساخت.

ترجمه از عربی (لطفی)

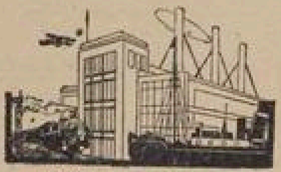

خبرهای فنون واختراع

بشارت صاحبان اتومبیل

اختراع جدیدی که مصرف بنزین را بیک ربع ونصف فعلی کم میکند یک نفر امریکائی (واتر کربنتون) نام یک آله کوچکی را که (توکس) نامیده میشود تازه گی اختراع کرده است که نه تنها در اتومبیل مخصوصی بکار برده خواهد شد بلکه درهر ماشینیکه بوسیلهٔ بنزین کار میکند استعمالش ممکن بوده وازروی صرفه جوئی در استعمال بنزین بسیار مفید وپر منفعت میباشد زیرا بوسیلهٔ سوار کردن آله مزبور بهر مشین میتوان باندازه وربع مقدار از مصرف اصلی بنزین صرفه جوئی نموده خصوصاً در مشینهای قوی دوشورات صرفه و کم خرچی بنزین را به ۵۰ در صد نیز میرساند.

این مخترع در ابتدا اختراع خود را براین پایه ونظریه قرار داده وانجام داده است که از وارد شدن بخار آب (را دیو تور ها) به داخل مشین میتوان یک مادهٔ بدست آورد که در نزدیک شدن آن قوت حرکت مشین دو برابر و مضاعف گردیده وبدینوسیله در مقابل

احداث شدن این قوه مصرف منزل هم چهار اندازه کمتر میگردد.

امروزه این اختراع تازه خیلی مختصر و ملغی خصوصاً در دوائر کار خانجات مثبی سازها فوق العاده مورد توجه و جالب اهمیت واقع شده است که رفته رفته زودی در همه جا استعمال آن ضروری شده ومحل اختراع واستعمال عموم صاحبان همه قسم ماشین خواهد گشت

بازهم روبوت یا آدم مصنوعی:

روبوط های انسان مصنوعی یامیکانیکی است که اخباران جراید عالم را درسال گذشته پر کرده و بعدها دوتای بار یکی سکوت شد اخیراً در نمایشگاه سن لوئیس امریکا انسان مصنوعی جدیدی را در معرض تماش گذاشته اند نسبت به پیشتر ها خیلی فرق داشت . این انسان مصنوعی اشارت وصحبت های تلفونی را شنیده و فهمیده وجوابش را تحمل میکند و جواب این صحبت های تلفونی را حسب الموقع میدهد . همچنان صوت زده وخوانده وچراغ های برقی را روشن کرده و برحسب خواهش خاموش میکند

مرکز تیلفون را خواسته و از آن هر نمره که رایش گفته شود میخواهد همچنان به بسیاری امورخانه گی قیام کرده و خیلی کارها بصاحبان خانه هامیکند .

هنوزه هم مخترعین (روبوت) بعمل اختراع خود مداومت داشته و برای بهتری این اختراع سعی دارند تابه بهترین صورتی به انسان هیچ کار خواند آنرا برسانند .

(ترجمه لیلال)

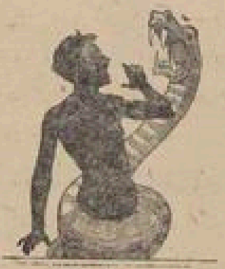

صحیات

مالاریا

۳

پس معلوم شد که برای زندگانی پارازیت های ملاریا دو مرکز مهم وجود دارد یکی خون انسان و دیگری بدن پشه انوفل وبغیر از این دوجایارازیتها درهیج جا وهیچ ترتیب نمی توانند زندگانی کنند ونیز معلوم شد که برای توسعه مرض ملاریا سه عامل مهم است اول ـ مریض ملاریائی ۲ ـ پشه انوفل و ۳ شخص سالم .

مرض ملاریائی برای اطرافیان خطر غیر قابل انکاری است البته نباید حیرا نکه اخلاقاً این قبیل مرضا را باید مجبور به معالجه کرد .

حالا لازم است راجع باثرات خانمانسوزی که ملاریا دراعضای بدن ایجاد می کند بحث شود .

آیا کسی هست که مرض ملاریائی را که با شکمهای متورم ـ باگونهای کمخون و زرد رنگ با چشمهای بی نور بالبهای کبود با پاهای ناتوان وبا روح پژمرده که زیر بار زحمات زیاد خمیده وباشکال زندگانی میکند مشاهده نکرده باشد عده کثیری از این بدبخت ها در مقابل شکنجه این دشمن مهیب طاقت نیاورده مثل برگهای خزان باخزان خاك یکسان میشوند .

امراضی هستند که در سنین مخصوصی بانان حمله ور می شوند ولی ملاریا ـ این دشمن بی روا از هیچ کس مضایقه نموده واز طفل شیر خوار تاپیر صد ساله را هدف خود قرار میدهد .

تشریحات فوق فقط راجع بظاهر بدن مریض بود .

لازم است راجع بوضعیت درونی مریض نیز اظهار نظر کرد

پارازیتها پس از اینکه بوسیله پشه های انوفل وارد بدن میشوند تایك مدتی مریض فقط کسالت جسمی وروحی دارد احساس میکند وقتی پارازیتها بدرجه معین تقویت می نمایند ومیتوانند در مقابل قوای دفاعیه بدن دوام آورده ودر مبارزه با آنها فایق آیند مریض یکمرتبه احساس درد میکند بعد تب وبعد عرق میکند این وضعیت از ۷ الی ۱۱ ساعت طول میکشد

بطوریکه اشاره شده اغذیه عمل پارازیتها همانا گلوبولهای قرمز خون میباشد که پارازیتها آنهارا تدریجاً نابود ساخته ومریض را مبتلا بکم خونی مینمایند و چون گلوبولهای قرمز درمغز استخوان هاتفوذ دارند و (چون خونی که از آن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 345 of 896

خارج میشود زیادتر است تا خونی که به گلوبولها میرسد باین جهت در موقع تبها جم پارازیتها این اعضا مجبور میشوند زیاده از حد طبیعی کار کنند ودر نتیجه متورم می شوند پارازیتها پس از آنکه گلوبولهای قرمز را خورده پرده را پاره کرده و وارد خون میشوند وسمی ایجاد میکنند – اخراج این سم از بدن بوسیله عرق و کلیه انجام میگردد کلیه هم از کثرت کار از حال طبیعی خارج شده و دیگر نمیتواند بطور لازم انجام وظیفه نموده وسموم خون را خارج سازند بلکه گلوبولهای قرمز واغذیه البومینی نیز با آنها خارج میشود . وقتی گلبولهای قرمز خون زیاده از حد کم شدند دیگر نمیتوانند بقدر کافی (هید – رژن) از ریه استخراج کرده برای حرارت لازمه بدن وبه سلولها واعضای بدن برسانند وبالنتیجه جریان طبیعی بدن کاسته شده وقلب مجبور میشود زیاده از حد کار بکند بالاخره قلب هم از سیر طبیعی خارج میشود و ریه هاهم در این وضع نامطلوب شرکت می کنند

وضعیت اعصابی نیز مختل میگردد حرارت در نتیجه اختلال مراکز اعصابی شدت سردرد ، پادرد کمر درد ، هذیان غش ظاهر می شوند .

در نتیجه اختلال وضعیت قلب ریه کبد وغیره معده و امعا دیگر نمیتوانند وظایف طبیعی خود را انجام بدهند و در نتیجه مریض مبتلا بسوء هاضمه میشود بسا اتفاق می افتد که مریض مبتلا بیبوست واسهال وگاهی باسهال خونی مبتلا میشود .

همانطور هم رگها و شریان وغده های مختلفه بدن بواسطه متورم شدن ونرسیدن اغذیه لازمه نمیتوانند خدمت لازمه را ببدن بکنند عرق متوالی ، بعضی اوقات باز شدن خون دماغ ضعف مریض را باعلا درجه میرساند .

بعبارت آخری در بدن هیچ عضوی نیست که از اعضای دیگر منفک باشد هر عضوی تکمیل کننده وظیفه عضو دیگر است و باینجهت وقتی اعضای مهمه مریض میشوند اعضای دیگر نیز بطور کلی مریض میگردند .

در دورهٔ ثانوی مرض وقتی مرض قدری کهنه شد معالجه قطعی نمی شود پارازیت های خود را در اعضای بدن تمرکز داده در آن گوشه ها مستریحا زیاد شده و بوسیله سمهای خود بجریان خون حمله ور میگردند و با شدت حرارت وجود خود شان را ابلاغ می کنند همینکه شدت حرارت بر طرف می گردد همه چیز بحال طبیعی خود بر می گردد ولی پارازیتها باز در قعر بعضی از اعضا پنهان شده منتظر موقع مناسبی میباشند که تاخت وتاز را شروع کنند .

یک قسم مالاریای خیلی سختی نیز وجود دارد که مخصوص ممالک گرمسیری است که دو روز یکمرتبه تب ومیاید حرارت بچهل الی چهل ویک نیم درجه بالا میرود خیلی طول نمی کشد مریض هذیان میگوید کسی را نمیشناسد ومبتلا بطپش قلب استفراغ اسهال غش سر درد شدید و درد شدید عضلات کمر گردن میشود .

چند ساعتی بیهوشی طول می کشد و بعد بوسیله عرق زیادی حرارت کم بود می گردد صدای بیچاره را اینگونه مریض مقاومت نکرده فوت میکنند .

در قسمت جنوبی ایران یعنی بندر عباس وناصری در بندر جز وسواحل آن رشت و پهلوی ونقاط مختلفه گیلان وحتی در موقع شدت حرارت گرما در طهران از این قبیل مرضی دیده شده اند .

مرض مالاریا وقتی در شخص طولانی ومزمن شد و مبتلا بضعف کلی و کم خونی گردید بیشتر در خطر ابتلا بامراض مسری و مخصوصاً سل میباشد چون سل بطور کلی در جستجوی تشکیلات ضعف بدن است که حمله ورشود .

زن حامله که مالاریائی باشد بچهٔ را که در رحم دارد مبتلا میسازد بطوری که می توان گفت مالاریا نیز در ردیف امراض ارثی است .

باید دانست که شخصی که مبتلا و معالجه شد دفعات دیگر نیز ممکن است مبتلا شود .

در نقاط گرمسیری درهر موقع می توان بمرض مالاریا مبتلا شد چون در تمام سال حاشره وجود دارد

ولی در نقاط معتدل و سرد سیری فقط از آخر بهار باپائیز خطر ابتلا وجود پیدا می کند بالاخره مرض مخوف مالاریا باعث میشود که ملیون ها افراد بشر را از آسایش زندگی از سلامتی ، از کار و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 346 of 896

مشغلهٔ از ثروت و بالاخره از عمر محروم نموده و وسیله تلف شدن و یتیم شدن ملیون ها اطفال معصوم و بیوه شدن زن های جوان و بی فرزند شدن والدین میشود . (ناتمام)

«بقیه صفحه ٤»

هکتار زمین را گندم زرع می نمود ، در ۱۹۲۹ زمین مزروعی آن به بیست وچهار ملیون و هفت صد و چهل سه هزار رسیده بود (یك هکتار = ٥ جریب) هم چنین کنادا و استرالیا که در ۱۹۱۳ اولین چهار ملیون و ۲۵ هزار هکتار و دومین سه ملیون و هفتاد هفت هزار هکتار زمین را گندم زرع می نمودند در ۱۹۲۹ زمین مزروعی کنادا به ده ملیون و دو صد وبیست هزار هکتار و از استرالیا به ٥ ملیون و هفت صد و سه هزار هکتار رسیده است .

بالاخره یورپ وایس به مزارع خود مراجعت نموده . وفور حاصلات و انتاج بزودی احساس گردیده ، در نرخ ارزاق پیدا شد . قسمیکه امروز حاصل زیاد باعث غربت گردید . استعمال ماشین های جدید که حاصل زیاد ومزدورکاری را کم کرده میرود ، نیز به پستی نرخ افزود آنا ترقیات وتمدن عصر حاضر یکی از اسباب بحران بیکاری بشمار میرود ؛ استعمال آلات درو که در عین حال گندم را توده کرده بسته میکند ، به عوض ماشین درو وکوبه در ارژنتین عائدات زارعین آنجا را از ۳۲ به ٤٠ فیصد تبدیل نموده است .

در ممالك متحده امریکا بجای ٤٢٢٤ دالر فی اکر اجرت مزدور کار را حال ٤٧ ، ۱ دالر می پردازند . این خیلی خوب بوده ، مگر همین قدر است که چون زارع (بنابر وفور حاصلات) گندم خود را بفروش رسانده نمیتواند ، مجبور است که اقتصاد پیشه خود ساخته از خرید آلات صنعتی وغلا حتی خود داری بنماید . واین برای صنعت یك صدمه بزرگی است .

انتاج مواد اولیه هم از روی همین غلطی است ، زیرا مصرف لشکردن مواد اولیه وسکته گی عمومی فابریکات وکارخانه جات به تنزل نرخ مواد اولیه کمك می کند . چنانچه قیمت را هیر ۱۹۲۹ در لندن به نسبت ۱۹۲٥ هفتاد فیصد تنزل کرده بود .

واین یك امر بدیهی است ؛ که تنزل نرخ به معاونت مرض بیکاری . کمك می نماید .

وانیز نا گفته نماند که بسیاری از صنایع که در یورپ در حین جنگ عمومی مضمحل وپریشان شده بود ، در اسیا و امریکا وسعت پیدا کرده است ؛ در نتیجه تزلزل کامل در یورپ خصوصاً در انگلستان رخ نموده . چنانچه صادرات پنبه انگلستان در بین ۱۹۱۳ و ۱۹۲۹ دو نیم ملیون یارد مربع تنزل نموده است تاسیس کارخانه جات نساجی وانج ریشی در جاپان ، چین ، هند ، برازیل و وکنادا باعث تنزل یکنیم ملیون صادرات انگلیس گردید ویك ملیون دیگر آن را رقابت خارجی باعث گردیده است .

لذا برای انگلستان علاوه بر تحمل مرض بیکاری ؛ تنظیم وترتیب اقتصادی نیز ضرور بست . «بقیه دارد»

پروگرام اقتصادی

سال ۱۳۱۰ وزارت تجارت

(٥)

٣٤ : - قبل ازین یك چشمه آب معدنی در کنهٔ خار میدان کشف شده بود قراریکه معلومات گرفته ایم اکثر اهالی قرب وجوار چشمه مذکور برای دفع بعضی امراض آب مذکور را استعمال میکنند ودر نتیجه مفید ثابت میگردد اگرچه وزارت تجارت یکقدار از آب مذکور را خواسته برای تجربه وعلم آوری بوزارت معارف و مدیریت مستقله طبیه و هندوستان فرستاده تا معلومات نمایند که آب مذکور دارای کدام مواد وبرای کدام مرض نافع است .

چون در مملکت عزیز ما ازین قسم آبهای معدنی زیاد است وزارت تجارت میخواهد که یکنفر متخصص آب معدنی از خارج استخدام نماید تا تمام آبهای معدنی افغانستان را بصورت علمی مثلا حفظه و تجربه نماید ، امید است که ازین رهگذر هم استفاده درستی کرده شود ، لهذا معاش و مصارف متخصص مذکور را در بودجه امسال تکلیف می نمائیم (۲۰۰۰۰) افغانی .   امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در حال افزوده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 347 of 896

پیش نهاد هذا معطل باشد در سال ۱۳۱۱ وزارت تجارت فقره مذکور را پیش نهاد نماید .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* *
*

۳۵ : ــ وزارت تجارت انشاء سرك جدید را که طول آن شش کروه تخمین می شود از کردیز بطرف جدران الی دره ملاقدرت در نظر دارد زیرا که دره مذکور دارای جنگل زیاد است و می خواهد که آینده از چوب جنگل مذکور برای مصارف تعمیرات و محروقات اهالی بمرکز آورده شود .

اگر سرك مذکور تمدید شود ما می توانیم که آوردن چوب جنگلات سمت جاجی وغیره را ضعف نموده و آن جنگلات را برای تجارت درخارج تخصیص دهیم و ترتیب و ترقی آنها بصورت فنی بکوشیم و نگذاریم که در آینده ازان جنگلات برای دیگر مصارف چوب قطع کنند ، مصارف تخمین ساخت سرك مذکور را در اینجا ذکر نمی نمائیم در صورت که وجه مذکور در بودجه وزارت تجارت منظور شود بوزارت جلیله داخله اطلاع دهی میشود که بکار مذکور آغاز کند .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : وزارت تجارت

اول معلومات مفصل در اینباره نموده اگر ساختن سرك مذکور مفید باشد در سال ۱۳۱۱ مصرف آنرا تکلیف نمایند

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* *
*

۳۶ : ــ شعبه جنگلات وزارت تجارت در نظر دارد که برای مصارف محروقات اهالی از جنگل کوه ماشقان چوب سوخت ذریعه اشخاص که پیشهٔ ایشان است بمرکز رساند و هم قطع کردن اشجار ثمر دار و بدون ثمر را در سمت شمالی وغیره تا یك درجه ممنوع کند .

اگر شخصی بکدام سبب یا مجبوریت اشجار خود را قطع کند لا اقل از ملك قریه یا علاقه دار خود استیذان حاصل نمایند و برای این امر یك لایحه مفصل بحکام داده شود ، اشخاص ملك دار حتی الامکان بالای زمین خود در ده جریب یك سوم جنگل هم داشته باشند .

برای آوردن چوب مذکور ماشقان از حدود سرك ریزه کوهستان تا جنگل مذکور چهار کروه سرك جدید لازم است این موضع را قبلاً بوزارت جلیله داخله یاد دهانی نموده ام تنها مصارف سرك مذکور را درین اوراق ذکر می نمائیم که در بودجه وزارت جلیله داخله منظوری آن داده شود .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : قطع اشجار کوه ماشقان قدغن شود که کسی آینده اشجار مذکور را برای سوخت یا ذغال بفروش نرسانند و فعلاً ساختن سرك مذکور ضرورت ندارد .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

* *
*

۳۷ : ــ چون قطع و اره کشی جنگلات سمت جنوبی ذریعه آلات دستی اجرا می شود ازین رهگذر در جنگلات مذکور خساره کلی عاید می گردد .

در نظر داریم که یك ماشین اره کشی که ذریعه سوخت چوب گردش کند و یك ماشین دستی قطع کردن درخت در سال آینده خریداری کرده در آن سمت برسانیم ، البته برای تجارت چوب ما در خارج ماشین‌های مذکور مفید ثابت خواهند شد ، برای تعمیر جای نصب ماشین اره و خرید خود ماشین ها و معاش و مصارف یك نفر کارگر آن در بودجه سال ۱۳۱۰ مبلغ یك لك افغانی تکلیف خواهیم نمود .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در بودجهٔ سال ۱۳۱۰ تکلیف وزارهٔ آن بیك صورت درست کرده شود که انشاء الله یك واردات درست ازین امر بحکومت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 348 of 896

باید شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد
درست است .

* *
*

۳۸ : — برای اداره جنگلات مشرق در بودجه هذه السنه مبلغ (۳۷۷۲۹) افغانی منظوری داریم ولی برای ریاست مذکور تا حالا از وزارت تجارت شخصی مقرر نشده چون اقوام آن سمت که جنگل های مذکور متصل اند اکثر جنگل مذکور را مال خود دانسته بلکه قضیات هم دارند و تا جای که معلومات داریم برای فروش چوب بطور پیشکی هم از تجار چوب در یك سال پول گرفته بدیگر سال چوب می دهند .

و از طرف حکومت تا حالا جنگلات مذکور زیر هیچ یك اداره گرفته نشده صرف اشخاص که چوب خارج میزنند فیصد هشتاد و پنج محصول بحکومت تادیه میکنند .

از نقطه نظر اقتصاد لازم است که جنگلات آن سمت هم زیر اداره حکومت آمده بمثل جنگلات جنوبی تجارت آن بدست حکومت باشد .

قبلاً کیفیت مذکور و اینکه یکنفر رئیس برای اجرای امور مذکور تعین گردد بحضور والا حضرت صدر اعظم صاحب عرض شده احکام فرمودند که حاضراً وزارت تجارت یك شخص فهمیده را برای کشف معلومات مکمله جنگلات آن سمت اعزام دارد پس از آن تشکیل ریاست آن را بملاحظه رسانیده منظوری حاصل کنند چون برای کشف معلومات مذکور از حضور والا حضرت سید جلال خان نام سلطان پوری معرفی شده بود برای حاکم اعلی مشرق خبر داده شده که نام برده را بمرکز روانه کنند که وزارت تجارت برای او هدایات لازمه داده برای معلومات جنگلات آن سمت فرستاده شود عنقریب شخص مذکور خواهد رسید .

بنابران پول منظوری سال گذشته تشکیل ریاست مذکور را با معاش یك نفر متخصص خارجی که جدیداً وزارت تجارت میخواهد در ؛ و گرام هذا پیش نهاد میکنند (۵۷۷۲۹) افغانی است .

امضا : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود و اداره آن بیك صورت مناسب کرده شود که انشاالله یك واردات درست ازین ممر بحکومت عاید گردد — یك نفر متخصص که خواسته میشود معلومات جنگلات مشرق و جنوبی را هم باید بنماید .

امضا : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه ملاحظه شد
درست است .

* *
*

۳۹ — در موسم زمستان از سبب بندش راه مزار آمد گوسفند بند میشود در مرکز و اطراف آن همه ساله قلت گوشت و قیمت فروشی قصابان اهالی را دچار مشکلات مینمایند .

در اروپا اکثراً برای رفع اینگونه پیش آمدها ماشین های حفظ گوشت وموضع برای نگاه داشت آن تهیه دیده شده، که بوسیلهٔ بعضی ادویه جات وماشین مذکور تاشش ماه گوشت تازه را بصورت اصلی بدون تغیر رنگ همانطور تازه نگاه میکنند

قبل ازین از وزارت تجارت بسفرا افغانی در خارج خبر داده شده که قیمت ماشین مذکور را باصورت کار گرفتن از آن را با معلومات بدهند تا برای سهولت این امر از ماشین‌های مذکور خواسته در یك موضع مناسب نصب کرده در ایام تیره ماه به اندازه بیست یا سی هزار گوسفند را کشته در آنجا گذاشته یوماً فیوماً در ایام قلت گوشت وبرودت هوا برای اهالی بقیمت مناسب بفروش رسانیده شود چون تاحال ازطرف سفراء افغانی درین باب اطلاعی نرسیده ، لهذا بطوری تخمین در بودجه سال ۱۳۱۰ قیمت جای وماشین مذکور را بدولك افغانی منظوری میخواهیم .

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف وبعد از تکمیل ریاست بلدیه سپرده شود تاقیمت آنرا ریاست بلدیه بحکومت تادیه کند .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد
درست است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 349 of 896

۴۰ ـ چون اکثر حصه های مملکت عزیز ما از جهت آب وهوا برای زراعت پنبه خیلی مستعد است خوبی وترقی تجارت پنبه امریکائی ومصر به همه کس معلوم است .

وزارت تجارت در نظر دارد که یك نفر متخصص زراعت پنبه از مصر یا امریکا خواسته متخصص مذکور را در مواضعات که برای زراعت کاری پنبه مستعد است بفرستد تا حسب فنی علم آوری کرده هر موضع را که بزراعت کاری پنبهٔ تخم امریکا ومصر مناسب تر بداند یك مقدار تخم از خارج خواسته ذریعه متخصص مذکور شروع بعملیات نمائیم تا اگر خدا بخواهد از این رهگذر یك فواید بدست آورده زراعت پنبه را در مملکت خود صورت علمی رواج بدهیم برای مصرف آن صرف در سال ۱۳۱۰ مصارف ومعاش متخصص مذکور تکلیف میشود

امضاء : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : یکنفر متخصص زراعت پنبه از مصر استخدام ومعاش ومصارف آن در بودجه ۱۳۱۰ تکلیف شود .

امضاء : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه ملاحظه شد درست است .

*

* *

۴۱ : ـ برای وارسی وتدقیق در صنایع افغانستان تاحال توجه درست نشده وهم از حیث نبودن یك موسسه که همه وقت این امور را نگرانی کرده نواقص وارده را از صنایع مذکور جلوگیری نماید ثابت شده است که صنایع افغانستان خواه آنچه در کارخانه های حکومتی ساخته می شود یا بشرکت ها یا بصورت انفرادی تماماً رو بانحطاط و تنزل گذاشته ، بلکه یوماً فیوماً نواقص گوناگون در ساختمان آن ایجاد وحتی اسباب دلسردی در بازار اقتصاد و تجارت ما وارد کرده است چنانچه برای مثال ذکر کنیم که قالین پیدا وار این مملکت در خارج اهمیت خوبی را داراست ودر هر سال گفته میتوانیم که به هزارها تخته قالین از مملکت ما بخارج حمل می شود اما اگر دو تخته قالین بیك شکل و اندازه شخصی بخواهد میسر نخواهد شد اگرچه نواقص وسبب های آن تشریحات طویل دارد وزارت تجارت تصمیم داشته که اگر خدا بخواهد از آن فواید که امروز در تجارت قالی دولت ایران و مصر وغیره میگیرند افغانستان هم به فرصت کم این صنعت را ترقی بدهد چنانچه قبلاً منظوری یك اداره جدید بنام (حفظ صنایع) بوزارت تجارت حاصل داشته تا درین اداره در هفته یك مرتبه اشخاصیکه در صنایع دسترس دارند و محصلین افغانی که در وزارت معارف وکارخانه نساجی وغیره دوائر حکومت شامل خدمت اند جمع شده برای وارسی و اصلاح عموم صنایع از فابریکه جات حکومتی و شرکت های اسهامی وصنایع دستی وغیره سنی توسیع باصول علمی و فنی قوانین لازمه مرتب نموده از نواقص موجوده آن جلوگیری نمایند .

برای این مصارف در بودجه سال آینده بدون معاش که منظوری حاصل شده بیست هزار افغانی گرفته می شود .

امضاً : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزراء : برای مصارف این موسسه بیست هزار افغانی در بودجه ۱۰ ۱ تکلیف کرده شود .

امضاً : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است .

*

* *

۴۲ : ـ چون شعبه زراعت وزارت تجارت ، زراعت کاری فنی و اداره نسل گیری حیوانات و نگاه داشت گاو های شیری و مرغ و تخم مرغ را در آخر هذا السنه ۱۳۰۹ جدیداً تاسیس نموده از جهة کمی وقت درین سال از آن ها نتیجه درست گرفته نشده امید است که در سال آینده ۱۳۱۰ از شعبات مذکور یك نتیجه درست گرفته شود پس از اخذ نتیجه و معلومات لازمه البته در پروگرام سال ۱۳۱۱ شعبات مذکور را در ولایات هم نظر گرفته به اجرای آن اقدام خواهد نمود

امضاً : وزیر تجارت

تصویب کابینه وزرا : از حضور مجلس وزراء گذارش یافت منظور است .

امضاً : هیئت کابینه

حکم حضور شاهانه : ملاحظه شد درست است . (انتها)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 350 of 896

خبرهاي داخلي

دربار مکافات

اعلیحضرت غازی اراده داشتند که از افراد غیور و مستعد دین پشمور مملکت که در سرکوبی اشرار قطغن به نسبت رفقاء ملت نجیب افغانستان اظهار معاونت ولیاقتی کرده اند ، قدر دانی کنند برای این مقصد سالون بزرگ وزارت حربیه را دربار مکافات قرار داده در مشر کابینه ومنصبداران عسکری ومامورین ملکی تاریخ [illegible] مدیر روز پنجشنبه ساعت ۵ بعد ازظهر در آن محفل دعوت شده بودند .

حضور شاهانه بساعت معین درانجا تشریف آورده وبدواً بنام شکر گذاری از خدای تعالی دربار را منطق موزی افتتاح ومختصری از فقرات اغتشاش منذ کره واز خدمت وزیر صاحب وهمراهان محترم شان اظهار مسرت نموده ، خاتمتاً فرمو مودند :

هر چند در مقابل خدمت وطن وفراهم آوری اسباب راحت وسعادت ملی مکافات یک امر سطحی است وهیچ افسر و عسکر ومحموم سکنه دلاور افغانستان محض حصول رضای الهی وخشنودی ارواح آباء واجداد خدمت کرده وبعدو کاری حاضرند مگر چون دنیای عالم اسباب است لذا حکومت مطبوعه شان محض تقدیر خدمت مسرت خودرا نشان داده وهرکدام حسب مرتب خدمتشان مکافات میدهد ، پس از آن بموجب جدولی که از وزارت حربیه ترتیب شده بود حضور شاهانه اجمال خدمت هروا حدی را شرح وباعطای مکافات مقرره آنها را افتخار میدادند بعضی نشانها را خود اعلیحضرت وبرخی را والا حضرت صدر اعظم وشهزاده محمد طاهر خان و باقی وزراء تعلیق نمودند .

در طی تشریحات حضور شاهانه بهدیت ذوات آتی الذکر چنین فرمودند

احمد علی خان در مدافعه از تجاوز اشرار مظهر خدمت قیمت داری شده است همچنین محمد غوث خان نهایت دلاورانه خدمت نموده مصدر شجاعت در شادت های فوق العاده هم در سمت شمالی وهم درسرکوبی اشرار قطغن شده است محمد افضل خان از در اجراآت بسیار فعالیت کرده مصدر شجاعت شده عبدالله خان باوجود پیری وعلالت برای سرکوبی اشرار بخدمت وزیر حربیه حاضر شده مثلیکه در ایام انقلاب وردک خدمات خوبی کرده درینجا هم بسیار زحمت کشیده ، همچنین تمام افراد عسکری وصاحبمنصبان نظامی وافراد ملکی وعالی آن لوازمی مصدر خدمات عالی در راه اعاده امنیت وارامی شده اند .

نایل شده گان مکافات

۱ ـ ع ، ج والا حضرت شاه محمود خان سپه سالار غازی وزیر امور حربیه نشان امر اعلی .

۲ ـ ع ع ش محمد غوث خان نائب سالار نشان سردار اعلا و در قبول اردوی اول قوماندانی مقرر شدند و ع ع ش جانباز خان نائب سالار بمعاونی وزیر حربیه افتخار یافتند .

۳ ـ ع ش عبدالله خان وردک فرقه مشر اول نشان استور دوم

۴ ـ ع ش محمد خان وزیری فرقه مشر ثانی فرقه مشر اول و یک نشان استور درجه دوم

۵ ـ ع ش عطا محمد خان ـ فرقه مشر ثانی فرقه اول و یک نشان استور درجه دوم

۶ ـ ع ش عبد الغفور خان ـ غند مشر اول قوماندانی نظامی قطغن ـ فرقه مشر ثانی و یک نشان استور درجه دوم

۷ ـ ع ش فیض محمد خان غند مشر یاور حضور فرقه مشر ثانی و یک نشان استور درجه دوم به فرقه شمالی عوض محمد شعیب خان قوماندانی مقرر شدند

۸ ـ ع ش شاه بهرام خان مسعودی غند [illegible] فرقه مشر ثانی و یک نشان استور درجه دوم

۹ ـ ج محمد حسن خان غند مشر اول شعی

۱۰ ـ ج گل میر خان نورستانی غند مشر ثانی غند مشر اول و یک نشان استور درجه ۳

۱۱ ـ ج گل جان خان وردک غند مشر ثانی غند مشر اول

۱۲ ـ ج محمد جعفر خان غند مشر ثانی غند مشر اول ونشان استور درجه ۳

۱۳ ـ ج [illegible] گل خان مشکل غند مشر

۱۴ ـ ج غلام حیدر خان غند مشر معاون

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 351 of 896

مکتب حربیه‌شان استور درجه‌سوم
۱۵ میر اعظم شاه خان رئیس تفتیش غند مشر
۱۶ صمد علیخان هزاره غ مشر اول قوی قطغن و بدخشان .
۱۷ - عبد الکریم خان غند مشر بواسطه رشوت خوری و تعدی بر اهالی عزل و موقوف و ۶ ماه حبس شد
۱۸ - ح مصطفی خان کند کمشر معاون ریاست ارکان حربیه غندمشر ثانی
۱۹ - ح محمد انور خان کند کمشر احتیاطی غند مشر ثانی
۲۰ - ش عبد الخالق خان کند کمشر مدیر مامورین
۲۱ - محمد قاسم خان کند کمشر مدیر تحریرات
۲۲ - ش امیر محمد خان کند کمشر شعبه خصوصی
۲۳ - ش محمد اسحق خان کند کمشر یاور وزارت حربیه .
۲۴ - ش عبد ابرق خان کند کمشر مدیر استخبارات
۲۵ - ش خانا گل خان منگل کند کمشر قطعه ارگ
۲۶ - ش نصر الله خان منگل کند کمشر احتیاطی
۲۷ - ش محمد عمر خان کند کمشر احتیاطی
۲۸ - ش محمد سلیمان خان کند کمشر احتیاطی
۱۹ - ش سید حبیب خان کند کمشر اعضای ریاست تفتیش
۳۰ - ش غلام قادر خان کند کمشر مخابره
۳۱ - ش شمس الدین خان کند کمشر کندک دوم غند اول قوی قطغن و بدخشان
۳۲ - ش سید اعظم خان کند کمشر کندک اول غند اول قوی قطغن
۳۳ - ش شیر محمد خان کند کمشر کندک سوم غند اول قوی قطغن
۳۴ - ح محمد حسین خان محمد زائی کند کمشر احتیاطی غند مشر ثانی
۳۵ - ح محمد حسین خان هزاره کند کمشر احتیاطی
۳۶ - ش بنگو خان جاجی کند کمشر حضر باشی ها
۳۷ - ش محمد حسن خان کند کمشر معلم شاهی
۳۸ - ش خواجه محمد جمعه خان کند کمشر احتیاطی
۳۹ - ش خواجه محبوب شاه خان کند کمشر احتیاطی - دو صد روپیه انعام
۴۰ - ش میر اکبر خان کند کمشر احتیاطی دو صد روپیه انعام
۴۱ - ح غلام حیدر خان کند کمشر توپچی غند مشر ثانی
۴۲ - سید احمد خان کند کمشر احتیاطی بواسطه رشوت خوری موقوف و عزل شد .
۴۳ - ص داکتر قرایشی سرطبیب وزارت حربیه در ماه یکصد روپیه زیادت معاش .
۴۴ - ص داکتر غلام حیدر خان سر طبیب غند توپچی قطغن و بدخشان به معاش ماهوار سه صد افغانی خدمتی یاور صاحب حربیه
۴۵ - ش شاه محمد خان بیلوت تولیمشر قبلاً کند کمشر شده
۴۶ - ش سید محمد خان بیلوت تولیمشر قبلا کند کمشر شده
۴۷ - ش محمد عارف خان کشاف تولیمشر کند کمشر
۴۸ - ش خرم دل خان تولیمشر شاهی کند کمشر
۴۹ - غ میر مظفر الدین خان ضابط ریاست ارکان حرب
۵۰ - غ عبد لاحد خان ضابط ریاست ارکان حرب
۵۱ - غ گل محمد خان ضابط دائرهٔ مخابرات
۵۲ - ب میرزا محمد عثمان خان کاتب دائرهٔ احمد عسکر
۵۳ - میرزا علی محمد خان کاتب دائرهٔ اوراق
۵۴ - میرزا فتح محمد خان کاتب دائرهٔ بازی
۵۵ - غ میرزا عبد الباقی خان سرکاتب دائرهٔ نقلیه
۵۶ - ص میرزا عزیز الرحمن خان سرکاتب دائرهٔ خصوصی
۵۷ - میرزا عبد الحکیم خان کاتب ریاست قبائل
۵۸ - ب میرزا محمد حسین خان کاتب دائرهٔ لوازم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 352 of 896

۵۹ ـ ص میرزا عبدالله خان کاتب ریاست تفتیش

۶۰ ـ ص میرزا عبدالسلام خان کاتب دائرهٔ تألیف و ترجمه

۶۱ ـ غ عبد الستار خان تولیمشر

۶۲ ـ غ یار محمد خان تولیمشر احتیاطی

۶۳ ـ ص سید دلاور شاه خان سر بیطار ماهانه ۳۲ افغانی ازدیاد معاش

۶۴ ـ غ محمد سرور خان پیلوت ماهانه ۲۵ روپیه ازدیاد معاش

۶۵ ـ سیف الدین خان میخانیک ماهانه ۱۵ روپیه ازدیاد معاش

۶۶ ـ غ پیر محمد خان تولیمشر سر اوس

۶۷ ـ غ فتح محمد خان میخانیک بلوکمشر قبلاً تولیمشر شده

۶۸ ـ ب محمد حسین خان میخانیک بلوکمشر فیماه ۱۵ روپیه ازدیاد معاش

۶۹ ـ ب محمد زمان خان میخانیک بلوکمشر فیماه ۱۵ روپیه ازدیاد معاش

۷۰ ـ ب عبد الکحیم میخانیک بلوکمشر قبلاً چهل افغانی معاش مذکور زیاده شده

۷۱ ـ ش محمد عالم خان کندکمشر

۷۲ ـ غ محمد عباس خان تولیمشر ـ

۷۳ ـ نفر قومی وزیر ومسعود که دریں معامله خدمت کرده اند یکلک روپیه بخشش.

---

۱ ـ ص حاجی نظر محمد خان ناظر کارخانه طرحی حضور ـ یکهزار افغانی بخشش پنجصد افغانی ازدیاد معاش

۲ ـ ص غلام رسول خان محمد زائی ـ یکهزار و پنجصد افغانی معاش شخصی

۳ ـ ص یار محمد خان یکهزار و پنجصد افغانی معاش شخصی

۴ ـ ص محمد کریم خان ولد سردار محمد عمرخان یک هزار روپیه بخشش

۵ ـ ص عبد الرحمن خان دموور خارجه یکهزار بخشش بخدمت هم مقرر شود

۶ ـ صوفی عبد الرحیم خان پنجصد افغانی بخشش

۷ ـ قلندرخان حاجی جرنیل ملکی هشت صد روپیه معاش شخصی

۸ ـ ملک بدو خان حاجی ـ برگد ملکی چهار صد روپیه معاش شخصی

۹ ـ گل محمد خان حاجی برگد ملکی چهار صد روپیه معاش شخصی

(باقیدارد)

مقرری ها

از وزارت داخله ؟ ـ

آقای محمد سرور خان مقرری بحکومت درجه کوهستان وعبد الرشید خان بحکومت درجه ۳ سروبی ونور محمد خان بعلاقه داری سلطان خیل مربوط کتواز وشاه میرخان بعلاقه داری محمود خیل مربوط کتواز وبعلاقه داری وازه خواه حکومت ارگون فتح محمد خان مقرر گردیدند.

از وزارت مالیه ؟

ص میرزا عبد الوهاب خان مدیر محاسبه وزارت دربار به مستوفیت ولایت هرات مقرر گردیدند)

از مدیریت طبیه ـ

عزت مآب داکتر غلام حیدر خان داکتر شفاخانه مرکزی عسکری مقرر شدند.

فارمگ وتعمیر فابریکه برق در سرده قندهار آغاز (وبابل گرازه) انجنیر مذکور مقرر گردید.

از وزارت تجارت

هم چنان به بندر تخان (مستر کریه) المانی که به نهر کریم جلال آباد مقرر بوده انجنیر مقرر شد.

کذا بمامورت فابریکه برق قندهار میرزا فضل احمد خان وبه سرکتابت آن میرزا محمد سرور خان مقرر شدند.

خبرهاي ريوتر

۲۰ اگست :

تلگرام نیویارک مظهر است که قرار پیغام ماتشها کو حکومت چینی بانوای کابل قروض خارجی را ی ماضی سال حکم داده است زیرا هیچ یک ماخذی جهت پرداختن فائده بدست نیامد.

۲۳ اگست

تلگرام هنکو بیان میداردکه در اثر طوفان دریای یانگتس دو هزار نفر مرده: چار صد هزار نفر بی خانه. اند ، وبسیار اشخاص در اثر مرض اسهال ومحرقه مرده اند. تاحال هیچ یک پیشرفتی در کار اشاعه دیده نشده.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 353 of 896

۲۴ اگست

تاگر لمسنکو بیان میدارد که غالباً در نتیجهٔ طوفان دو ملیون انسان در هوبین وهونغان رسیدند تاباندازه که چشم کار میکند در کوچه ها آب جمع شده است در هوبه سی هزار مربع زمین در زیر آب است وپنج ملیون نفر به مصیبت بی چیزی و بی خانگی گرفتار اند در هوبین دو ملیون آدمی جزشده وبیست هزار مربع میل در زیر آب میباشد .

بازار رویتر :

بیست و چهار ملیون بی خانمان شده اند شانگهای ۳ ـ رود خانه یانگتز هنوز در طغیان است عمق ، کنونی ها نکو ۵۰ یا و ۷ گره میرسد . خساراتی که از این سیل دامنگیر چین شده در تمام تاریخ آن مملکت نظیر ندارد مطابق اخبار واصله ۴۰۰۰۰۰۰ ملیون خانه ویران گردیده و ۲۴۰۰۰۰۰۰ نفر بی خانمان گردیده اند . عده مغروقین هزار ها بالغ است قرض امدادی مورد لزوم یافته است .

اندرز

تاکی باشی برای نانی بامید
هرجائی وهردری چوقرص خورشید
بازاده خاطر و لب دیده بساز
کین آب سیاه تست وآن نان سفید
(بدیع سنجری)

همه را دیده وازین بشنوید که خرابی هوا وخاک باد سیلاب زنده گی ما را بباد داده وروز بروز کرد ساخته . ما گفتیم امسال از چهار فصل برابر کابل برگی کیف کرده باشیم ، آنهم شد یسر وسودای خام شده .

خیال پلو خوب چرب بود ولی حیف که انقلاب هوادیک اورا چپه کرد ، هر روز خانه میرویم ناجور بی بینم اداره می آئیم رفقه رخصتی مریضی میگیریم وقتی از خانه واداره گریخته بخانه رفقا میرویم از دم در صدای نالش می شنویم بکوچه وبازار میگردیم درهر سایه دیوار ودرخت دوسه نفر بیکار نشسته وایستاده چرت میزنند وقتی جویا شویم معلوم می شود بیمار است یا بیمار دار که برای داکتر انتظار می کشد

خوب واهمه مارا بیچانیده ومیخواهیم بباغ ورنی فرار کرده دم غنطی کنیم کرد باد روز کار مارا خاک آلود ومنظره تفریح مارا تلخ میسازد از یکی پرسیدیم راد رجه خبر است ؟ این هوای همیشه کابل است یا تازه گی دارد دیدم دهن پرخاک وحلق خشک او یارای جواب جوان گفتن ندارد از دیگری سوال کردم با ماعات این خاک باد چیست ؟ حرف چشم ها را پت کرده وواداباد گفته دهن را باز کرد که :

جنگ ده و بروبن است !

واستی راستی این چیزها خوب واقع شده وقتی جریده اتفاق اسلام را از ملازم پسته گرفته وخواندم درضمن حالات هرات نوشته بود امسال الحمد لله هوا بنهایت اعتدال است و باد تابستانی هم به تندی نمی وزد معلوم گشت که امسال باد هرات فضای کابل را میدان تاخت وتاز خود قرار داده ، چه تند باد تابستانی هرات خیلی معروف است واین جمله در دربین کابلی ها رواج دارد که بکو فق کسی از یکنفر هرات دیده پرسید هوای هرات چطور است ؟ مخاطب بدون انکه جواب بگوید فوری بزمین خم شده یك مشت خاکی برداشت وبچشم سوال کننده زد گفت همین طور !!!

مقصود ، با این اوضاع روز را به شب رسانیده بصد ترس ولرز بخانه برمیگردیم که چشم خیره گی میکند مریض از کته پشت افتاده از صدا های دلخراش آخ ، واخ های هوی که مرده است شب را بارامی نخواهد ، طرفها ی لا نوش گاه وقتی از رفقای خود می پرسند یاش وقتها شب خوش میگذرد یا روت بیاید از ما به پرسند که بگویم به کل باند نه کدو لغت بگاه هر دو !

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 354 of 896

امروزه روز روز دکترهاست و بازار بازار دوا فروشان !

شنیدم چطور که ماموزین مفلس و معامله داران خود را سر نخواه وعده میدهند حکیم های افلاس کیش هم از مردم قرض گرفته و وعده بر داخت بماه سنبله میگذارند دوا فروشان این ماه را باید مبداء سرور گرفته و جشن برپا کنند چه دوای خوب و بدی که در یازده ماه دیگر ذخیره شده و کسی نمیخرد درین ماه بفروش می رسد دوای بر حال هموطنان مریض و مریضداران مفلس !

در خانه یکی از دوستان بواسطه که مرض سر تا سر دودمان را فرا گرفته بود از خانه یك خویش دیگر خود یك آدم بغرض آورده بود تا پرستاری مریضان را بجا کند یك روز نه گذشت که او هم مبتلا گشت و سر بار دیگران شد آسوده سر بیمار این خوشبختانه بدو خانه هر کدام خوابیده بیست ولی جای شکرش باقی است که درد است مرگ نه ! اگر چه بگفته (حافظ) برو از در واره شود اخبر بگیر !

ولی در عین زمزمه او هم از دل پر درد خود هذیان میگوید حقیقتش اینست که خطر این نا خوشی الحمدلله کم است .

من پیش خود کمی خوشحالی داشتم که اگر چه خود در خطر هستم خوب است جوج بوج در مرات الله تازه خطی از آنجا گرفتم که آنها هم از نا خوشی نالیده و بزرگترین مرض را بی دا کتری دانسته و نوشته اند .

از شد و مد عبارات مکتوب اینقسم فهمیده می شود که من میتوانم از اینجا دکتری احترام کنم و یا اقلاً نسخه از دا کتر گرفته و برای تسلی آنها بفرستم خبر ندارند که از من بیچاره هم کاری ساخته نیست بنده هم نسخه دوا را بیش از ۲۴ ــ ۲۵ روز بآنها رسانیده نمی توانم چه خطوط تاریخی ۹ و ۱۲ اسد به ۴ و ۵ سنبله بجا میرسد .

بهر حال این موضوعات خارج از مقال ماست برویم سر مطلب که از مرض های راستی و دروغی صحبتی کنیم ما از دو بار دا کتر ها بخواهیم شکایت کنیم که درین روزها پر مشغول است و بغیر از غرضه دیگر ندارد ولی از حال مریضها بی خبریم که اکثر بدتر نا جوری را یك فرصتگاه قرار داده اند روزی یکی از اقوام بنا خوشی ذاتی الجنب دچار بود زحمت زیادی دکتری بدست آورده و دوائی برایش آوردیم یك خوراك دوا را بصد زحمت باو خورانیده روز دیگر آمدیم که کاسه آلو و یخ را پیش خود مانده بارنگ زرد و بدن مرتعش مرکم خوردن است ؛ میدیم خیریت است چه حال دارید ؟

گفتند بلی دوای دا کتر بسیار گرم است و حرارت تب را زیاد میکند ، نه چه فهمیدید ؟ خیلی تلخ است ، بلی بمخور است معلوم شد که آقا هوسانه میخورند نه دوا ! همین مقصد است که اکثر بعوض مسهل (استفراغ) هندوانه و آلو بخارا میل میفرمایند .

بخیال من این معالجه و از فتح آن نقصانش بیشتر است خوب است از شکوم کار بگیریم در یکی از شماره های روزنامه اطلاعات خواندم در زیر عنوان خرافات دو ورنگستانی نوشته بود از جمله عقاید زنها یکی اینست که هر شخصیکه سیب زمینی (کچالو) را بدزدی کسب کرده و بخورد آن سیب زمینی او را از مرض در دندان شفا داده و خوش خواهد کرد از این نسخه های بی ترکیب و شکم ثانوی هم بر کی ما داریم ؛

مثلاً میگویند اگر تب سه یك (نوبه دو روز درمیان) کسی داشته باشد مرغ همسایه را دزدیده و همه را تمام خورده و بکسی دیگر ندهد فوراً صحت می شود ، همچنان برای یك نا خوشی دیگری که اسم آن فراموشم شده منقه (کشمش سیاه) از دوکان بقال دزدیده و بخورد خوب می شود باز برای یك قسم تب شبهای خصوصی دارد که ناحق چیجه کم نی گرفته و خود مریض از جا حاجها غذی بخت همان شب را جمع کنند عیناً دوا است همچنان شکوه های دیگری است که بی خوردن نو تنگ های ؟ قبر هم علاج پذیر است .

مثل : اگر کسی میگوید گلونم درد میکند فوراً باید جواب گفت اگر نمی گلدی می مردی !

یا گوشه های دهن کسی خراشی پیدا کند (لمبا لك) سه روز صبح زنجیر دروازه را بآن حدود آشنا کرده و بگوید له ملك من از تو ؛ درد از و می شود مقصد در دنیا این دردها و معالجات بسیار است که قسمت عمده از عقاید زنان خواهد بود و اگر اینها رواج پیدا کند آنوقت بیمار ها از احتیاجات دا کتری و دوا و مصارف زیادی یا خوردن دوا های تلخ فراغت پیدا خواهد کرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 355 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 356 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

❖ قیمت اشتراک ❖

در افغانستان	۱۳ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ »
طلبهٔ معارف	۷ »
در ممالک خارجه	۱۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط حوالهٔ دولت فرستاده میشود باید
رسید فرش و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 358 of 896

شماره (۱۹)

انیس

مجلد (۲)

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی

محصول پوست ۲ «

خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارگ

مؤسس وصاحب امتیاز : محی الدین

مدیر و نگارنده :

۲ شنبه ۲۹ سنبله ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۸ جمادی الاول ۱۳۵۰

فضیلت علم ولزوم سواد

علم ومعرفت اقوام وطبقات عالم را به بسیاری از اسرار مکتوم کائنات وحقایق موجودات دانا وآشنا ساخته از تمام دلالت طبعی ورذیل اخلاق منزه ومبرا نگهمیدارد.

سرچشمه کلیه نیکبختی های دنیوی علم است وبهترین ذرایع ادراك سعادت اخروی علم، فقط این مقال علما واولیائیها میتواند مراتب بلند علم وعرفان را ثابت کرده واز شرح وبسط دلیل ودلایل مارا مستغنی بدارد که

بی علم نتوان خدارا شناخت

خوشبخت ترین ملل دنیا همان ملتی شناخته می شود که افراد عالم وفاضل بیشتر دارند ودر سایه علم وفضیلت زنده گانی اجتماعی خود ها را بسر میبرند چه علم است که واجد مدنیت دنیا گشته و علم است که عالم را سرشار راحت و سعادت گردانیده علم اگر از قدیم است یاجدید علم اگر از دین است یادنیا علم اگر ازروح است یاجسم واگر از آسمان است خدا [illegible] به حال واحوال نوع انسانی انجام میدهد شرافت علم وفضیلت علماست که موجد اختراعات و واکتشافات محیر العقول شده انسانهای مترقی را مانند مرغ بهوا پرواز میدهد وشبیه ماهی در آب میبرد، مزیت علم واهمیت معرفت آنست که نوع بشررا در ادامه زنده گانی مدنی بزرگ وبروی زمین مقتدر گردانیده.

در هرکجائی که دستگاه فضیلت بیشتر پهن و علم ومعرفت را رواج بازار باشد افراد عاقل باسواد مهذب بسیار تر بوده واز سعادت حیات بهره مند میشوند وبرعکس اگر درطبقات علما کمتر وعلم کم پایه تر باشد جاهل وبی سواد بیشتر بوده ومردم بفلاکت ووحشت روز گاری خواهند گذرانید

یکی از متقدمین شعرا وحکمای یونان میگوید : کوری به از جهل است زیراکه در کوری خوف هلاك جسد است ودر جهل خوف هلاك ابد.

من این تجربه را گاه وقت بچشم سر دیده وبسیار شنیده ام از بی سوادی که پارچه کاغذی را برفیق دیگر خود داده تامطالب نوشته آنرا برایش بخواند، طرف یك حرفی به پارچه کاغذ نگاه کرده ودر جواب گفت آغاجان من کور هستم وسیاه وسفید را چندان فرق کرده نمیتوانم یعنی سواد ندارم.

چقدر متاثر می شود انسان وقتی یك نفر هموطن را در برابر خود به بیند که درین عصر طلائی باهیکل وقیافه بس عالی چشم های قشنگ ودرخشنده آن بر مطالعه دو سطر خطوطی که بزبان مادری خود شان در روی کاغذ رقم شده باشد قدرت ندارد.

این تاثرات باید مارا متنبه ساخته و بران وادارد که اگر عالم نشویم اقلاً با سواد شویم واگر از خود ما وقت گذشته باشد اقلاً در تربیه وتعلیم اولاد خود بکوشیم ومعارف را بایستی بصمیمی ترین ذوق وشوق استقبال کنیم خصوصاً درین آوان که علم و دانش در سرتا سر افغانستان با هتزاز است و معارف روز بروزدر شرف تعمیم وتوسعه است وحکومت متبوع ما از فضلا واهل سواد بمدارج عالی قدر شناسی مینمایند افلاطون عقیده دارد : برای پیشرفت وترقیات امور شهرها باید وقتی زمامدار باشند ویا زمامداران فیلسوف!

اگر مارده غفلت را از پیش چشم خود برداریم خود را یك آخو شبختی فوق التصوری می بینیم که بادل بسیار قوی وآرزوی شدیدی بایستی درصدد استفاده برائیم ؛ بیاموزیم وبیا موزانیم تعلیم و تربیه بگیریم وتد ریس کنیم بفهمیم و بفهمانیم عالم شویم وعلم خود را برای دیگران از قوه بفعل بیاوریم موقع ، موقع کار است میدان سعی وعمل مستعد است واین سعادت خیلی قیمت دار است که قاید معظم وپاد شاه ذی شان ما علاوه سابقه در خشان وتجارب فراوان یك فرد عالم ودانشمندی تشریف دارند .

این موقع را باید عصر علمی افغانستان نامید بفکر ماسکوت عین خیانت است : به قوام وملت ما چطور رسید که از ما ها قدردانی میشود مهم حتی لا مکان باید بنویسیم وآزادانه اظهار عقیده کنیم تعمیم علم وسواد را اساس ترقی شناخته و موفقیت های علمی را عملی بسازیم این موضوع را بشماره آینده تفصیل خواهم داد .

بحران بیکاری

در اوروپا

۳

علاوتاً کثرت آلات وسامان یکی از عوامل بزرگ این بحران بشمار میرود . چنانچه متخصصین امریك باثبات رسانیده اند که متحده امریك . کار خانه های که پترول ویا ذغال سنگ اخراج می کنند مجهز اند که اگر بخواهند یك ثلث دیگر اضافه کار میکنند . هم چنین دیگر فابریکات . چنانچه کار خانه بوت دوزی که فعلاً ۳۰۰ ملیون جوره عمل میکنند ؛ اگر بخواهند ۹۰۰ ملیون جوره مهیا خواهند کرد ، همچنین کار خانه موتر که دل فی سال ۶ ملیون موتر می سازد تا ۸ ملیون موتر اماده کرده می تواند .

بعد از جنگ عمومی آینده را چیز دیگری تصور کرده میخواستند رفع احتیاج بی اندازه دنیا را نمایند حالانکه احتیاج روز بروز کم شده میرود .

باهمه مشکلاتی در بالا ذکر یافت ، تنزل نقره ، مشکلات طلا پستی اعتبار عدم استفاده از سرمایه وشکستگی به تجارت عمومی به این بحران کمك زیاد نموده . چنانچه در سال ۱۲۹۰ که تعیین نرخ روی کار شده ، کار خانه ساعت سازی امریك ، کار خانه ابریشم میلان وکار خانه کتو سازی شمال فرانسه ، بکار مانده روز بروز به تعداد به بیکاران شان افزود .

تمام مبنی نوع به همدیگر مربوط اند ، یعنی بدبختی یکی بدیگری سرایت می کند یعنی این بحران از بحر ها گذشته به دیگر جا سرایت کرده است ودنیا را به غربت کشانیده است .

این بحران بیکاری که فی الحقیقت نتیجه عدم توازن بعد از جنگ است ، بسرعت جالان بوده وسعت پیدا می کند

صحیات

مالاریا

(٤)

اگر خسارات مالی که از مبتلا شدن ملیون ها اشخاص که مولد ثروت هستند

علاج

یورپ را به اقتصاد جدید کشیدن ؛
توازن حاصلات ومصرف آن : –
تجدید قیمت نقره پیدا کردن اعتبار – اعتماد دول یکی بادیگر ؛

وخته غرامات جنگ را بکلی دفع کردن ، رفع نمودن مشکلات گمرکی ، تعین وصلات از روی احتیاجات مالی هرگاه این چند قوت اساس صورت فیصله خواهد شد ، پس یقین است که این بحران بیکاری رای همیشه رفع خواهد گردید .

ولی این ها امید دور ودرازی است تنها عمل نمودن آن ها باقی مانده است :

(ناتل رورته)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 361 of 896

و در اثر ملاریا از پای در می آیند در نظر بگیرم و اگر آن بدن های صحیح و سالم اشخاصی که مبتلا میشوند که هر یك در تولید ثروت عمومی قیمت دارند مورد توجه قرار دهیم بحساب عجیبی پیدا خواهد شد .

ملاریا آنقدر مبتلایان را نمیکشد ولی قدری بدنرا ضعیف میکند که آنها را مبتلا بامراض داخلی گونا گون میسازد وقتی شخصی مالاریائی فوت میکند اطرافیانش گان میکنند که کشنده او مالاریا نیست بلکه سل ، اسهال ، امراض قلب ، کبد ، خون و اعصاب که حقیقةً اثرات و بقایای مالاریا هستند اورا کشته است در صورتی که قاتل اصل مالاریا بوده خصوصا در مواقعی که مالاریا کهنه وصحت معالجه سریع وقطعی قرار گرفته است با کال تاسف باید متذکر شد که مردم خیلی بی اعتنا و با لاقیدی باین دشمن مهیب مینگرند .

اغلب تصور میکنند که مرض مالاریا خود بخود رفع میشود بسا اتفاق می افتد که برای تفریحات بی معنی و احمقانه صد ها تومان خرج میکنند و وقتی احتیاج به رفع چنین دشمن علنی می گردد یا برای جلو گیری آن وسایلی لازم میشود فورا صرفه جوئی را در نظر مجسم می سازد :

اما راجع بوسایل علمی برای مبارزه بامالاریا که تاحال علما قادر بکشف آن شده اند کشفیاتی که شده ، سه طریقه را بما نشان می دهند :

اول اجتناب از پشه ها

دوم ـ نابود ساختن پشه ها

سوم ـ نابود ساختن بار از پشهائی که در اعضای بدن مریض پنهان شده اند .

عملی کردن این سه طریقه ونجات یافتن کامل از خرابی ها وخسارات این مرض محتاج به تشریك مساعی ملت و دولت واقدامات اساسی است برای عملی ساختن طریقه اول لازم است که درفصل وموسمی که پشه ها زیاد اند واز غروب تا طلوع آفتاب مشغول نیش زدن هستند درب وپنجره اطاقها را بادر بهای فلزی توری رز به ببندند تا ممانعت از ورود پشه شود ثانیا باید حتماً پشه بند استعمال نمود وثالثاً دز موقع خروج از رختخواب قسمت های باز بدن را با ململ نازك مستور داشت تا هدف نیش پشه نگردد تصدیق میکنم که این قسم مواظبت قدری مشکل است ولی با مقایسه با مشکلات و عواقب وخیم مرض چندان اهمیتی ندارد .

راه دوم انهدام پشه ها مستلزم اقدامات مهم و خارج هنگفت میباشد و فقط با مساعدت و معاضدت دولت ممکن است عملی شود زیرا بایستی باطلاقهائی که مراکز تولید پشه‌های هستند خشك نمود یا با نفط روی آب های باطلاق را پوشاند این طریقه در بعضی از قسمتهای اروپا و امریکا معمول و نتایج مطلوبه بدست آمده است نتایج حسنهٔ نیز از عمل آوردن ماهی های خصوصی در آبهای باطلاق که بوسیله آنها تخمهای پشه ها محو میشود بدست آمده است کشت درخت مخصوصی در نقاط باطلاق این فایده را دارد که هم باطلاق را خشك می کند وهم در عوض پشه های قشنگی تولید میسازد .

طریقه سوم ـ نابود ساختن بار ازپشهای مرض از بدن مریض میباشد که بهترین و اساسی ترین طرق است با اینکه این طریقه هم مستلزم اقدامات زیاد و مخارج هنگفت است ولی مرضا باین وسیله هم از نتایج وخیم مرض خلاص میشوند و هم از مسئولیت وجدانی سرایت بدیگران بری میشوند .

در ایام قدیمه وقتی هنوز تشکیلات مهمه دولتی برای مبارزه با امراض مسریه از قبیل وبا طاعون ، آبله ، حصبه وامراض بی شمار دیگر وجود نداشت قربانیهای امراض مذکوره در هر سال بچندین ملیون میرسید ولی حالا در نتیجه کشفیات عالم طب و وسائل متعدده دول این امراض روز بروز جلو گیری میشوند . همین ترتیب را باید برای مالاریا ایجاد کرد کلیه امراض مالاریائی را ممکن است در زمستان یا بحساب ملی یا بحساب دولت معالجه نموده بدین وسیله اشخاص سالم را از ابتلاء دوتا بستان نجات داد برای تشریح این نظریه لازم میدانیم برای نمونه موضوع ذیل را داشته تحریر در آورم :

دولت سوئد و نروژ قانونی وضع کرده که کلیه اشخاصیکه امراض تناسلی

و مقاربتی داوند باید بمرضخانهای دولتی مراجعه نموده و معالجه شوند در صورت تخلف اگر کسی را مبتلا سازند با کمال شدت مجازات شده و بجریمه نقدی هم محکوم میشوند . باینوسیله در چند سال ابتلا بامراض مقاربتی تمام شده است چون مبتلایان بحساب خودشان یا اگر بی بضاعت بوده اند بحساب دولت معالجه شده اند متاسفانه در مملکت ما یك نفر ممکن است صد هانفر را بدون مسئولیت مبتلا ساخته و در بدبختی و ذلت غوطه ور سازد .

مالاریا با اینکه مرض خیلی مهمی است ولی برای معالجه آن متاسفانه در عموم افراد دنیا یك مفهوم خرافات آمیزی وجود دارد و آن اینست که بطور عموم اعتقاد براین شده که یگانه علاج مالاریا کنین است در حالیکه کاملا بر خلاف است با اینکه خیلی ها تا حال در این عقیده هستند که مالاریا بتوسط کنین رفع بشود وحتی بعضی ها عقیده شان براین است که ممکن است مالاریا خود بخود نیز رفع شود عده کثیری از اطبای متخصص اروپائی پس از مطالعات دقیق ثابت کرده اند که حتی استعمال مرتب و مکرر زیاد کنین نیز نمی تواند معالجه قطعی مالاریا شود .

(دکتر ابراس) یکی از متخصصین مشهور ایطالیائی پس از تجربه ممتدی اینطور نتیجه گرفته است که معالجه معمولی با کنین در مقابل مالاریا کاملا بی نتیجه است .

(دکتر ولز) در سلانیك معالجه صد نفر از سربازان مریض را بوسیله کنین بموقع تجربه گذارده است ولی بعد از مدتی مدارا ۹۰ نفر از آنها هنوز مریض بوده اند .

(کار) مثل علمای دیگر مشاهده کرده است که کنین از خوراکهای کوچك و بزرگ آنهم با استعمال یك مدت مدیدی که میتواند جلوگیری از سرایت کرده و اثرات مالاریا را مسکوك سازد .

(هندس) پس از مطالعات زیاد اینطور نتیجه گرفته است که با آنکه استعمال زیاد کنین در مقابل مالاریا وسیله مبارزه است ولی استعمال زیاد آن برای گلوبولهای قرمز وسلولهای کبدی سم خطرناکی است .

پس با یکه کنین وسیله دفاعیه محسوب میشود ولی حربه قطعی درمقابل این مرض نخواهد بود ، ممکن است کنین را برای جلوگیری از سرایت مالاریا بیمدن استعمال نمود ولی وقتی پارازیتها وارد خون شدند کنین دیگر بیهوده و بیکار تمیخورد .

بعلاوه علمای فوق خیلی از علمای دیگر فرانسوی عقیده براین دارند که کنین بمرضائی که مبتلا بمالاریا از پارازیتهائی شبیه بماه نصفه (هلال) هستند هیچ فایده ندارد .

لهذا با کنین فقط ممکن است لرز و تب و عرق که فقط نشانه های بروز مالاریا است رفع کرده آنهم بطور موقت ولی دفع پارازیتها توسط کنین امری محال و کنین فقط مرض را مستور میسازد و رود کنین در خون پارازیتها را وادار بفرار میکند ولی نابود نمی سازد .

در این واخر در معالجه مالاریا با کنین ارسنیك بسله دو مول و دواهای دیگر از استعمال میکنند و سبتا نتیجه خوبی میدهند ولی باز هم نتیجه سریع و قطعی بدست نمی آید خصوصا اینکه اگر مرض شدت کرده و مریض در حال ضعف باشد برای چنین شخصی حتما لازم است معالجه طولانی آنهم تحت نظر طبیب متخصص انجام گیرد .

با ذکر اطلاعات موجوده راجع بمالاریا که تا حال در اثر مطالعات دقیقه بعمل آمده است امیدوارم قارئین محترم روزنامه اطلاعات کاملا واقف گردیده و از هیچ گونه مجاهدات در مبارزه با این دشمن موذی و قوی مضایقه نفرمایند .

خاتمه

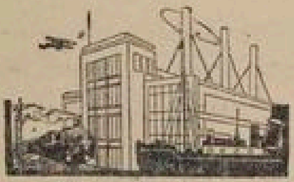

خبرهای فنون و اختراع

کافور مصنوعی

« کافور » یکی از موادی میباشد که محتاج الیه دنیا است . این ماده نه تنها از جهت آنکه در صناعت ادویه داخل میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 363 of 896

و برای ترکیبات شیمیائی مورد احتیاج است اهمیت دارد ، بلکه در صنعت مکانیکی وغیر از آن هم مورد استفاده قرار می گیرد در ساختمان فیلم های سینما و شیشه های غیر قابل انکسار تحت البحری ها وصنایع دیگری از ماده مورد حمایت است .

دولت ژاپون بواسطه آنکه یکی از مصرف کنندگان مهم کافور میباشد در ایام جنگ تجارت آنرا تحت قیود وشروطی بخود انحصار داده وچون در استحصال آنهم بی مداخلت نمی بود کار تجارت کافور طوری ترقی داد که در امریکا هر سیر کافور بیش از چند دلار قیمت یافت زیرا دولت مزبور مالیات ها و تعرفه های عجیب و مدهشی بر آن وضع کرده بود .

از آن وقت باینطرف شیمیست های آلمان وامریکا سعی می کردند تا طریقه جدیدی بدست آورند که از آن کافور مصنوعی استحصال شود ، بعد از مجاهدات پیشهای آنها بالاخره توانستند که وسیله برای استحصال « کافور » مصنوعی فراهم آورند ، حکومت ژاپن نیز بخط تجارتی خود متفرق گشته و فهمیده که منفعت گیری های بیمورد و برای تجارت تصدی کثیر اینگونه باعث شده تا کافور مصنوعی در دنیا قائم مقام طبیعی گردد ولی چه سود که این توجه بخط مدهش وقتی شده که کار از کار گذشته است .

در نتیجه این اکتشاف شیمیست های آلمان وامریکا قیمت « کافور » تنزل کامل نموده و در سال ۱۹۲۶ قیمت تجارتی آن ۲۰ درصد تخفیف یافت و در سال ۱۹۲۷ بطوری که ۵۰ درصد تسعیر می گردید امسال بمناسبت کسادی وبحران قیمت آن ۶۸ درصد ارزان شده وخریدار موجود نیست . این کافور را از « تربنتین » می سازند ومقدار استعمالش درولایات متحده هر هفته ۲ ملیون دلار است وقیمت آن هم از کافور طبیعی گرانتر تمام نمی شود .

کبریت عجیب

یکی از شیمیست های اطریش « نوعی از کبریت را ساخته است که می توان هر یک عدد آنرا ششصد مرتبه استعمال نمود هر « عدد از کبریت مزبور شبیه « بانگشت سرخی » می باشد که خانمها به آن لب های خوایش را گلگون می نمایند . این نوع کبریت معروف « به کبریت مطلق » و ابدیت بخش میباشد ، یعنی مشتعل نمیگردد مگر آنکه بایک ماده مخصوصه اصطکاک حاصل کند با آنکه تا هنوز ساختمان آن جزء اسرار و رموز عالم صناعت میباشد ... مخترع آن معتقد شده که بزودی رواج کامل بخود گرفته و اقتصاد کاملی برای خانم های مدبره خانواده ها دارد .

و نیز بعض دیگر نوعی سنگ را اختراع کرده اند ـ که میتوان با اصطکاک ابزار خفیف طرف آن ـ مشتعلش ساخته وچون ماده مشتعله آن روی قوطی سیگار موجود هست ـ از استعمال کبریت بی نیاز است .

زره پوش امسال

اسلحه هوائی قبل از همه جا در انگلستان شروع شده ومورد استفاده جنگی گردید اینک سیستم های جدید « زره پوش » نیز دراین مملکت اختراع وتکمیل گشته ووارد صحنه جنگ وجدال می گردد .

نوع امسال زره پوش دارای صفحات فولادین زره مثل زره پوشهای سابق می باشد ، بعلاوه مجهز به تلگراف بی سیم بوده که در ضرورت [illegible] اطلاعاتی بمراکز ارکان حرب داده وگرفته :

وازین میتوان این تلگراف بی سیم را در میادین قتال بطیارات متصل کرده از آنها خبر گرفت وآنجا نیز اطلاعاتی داد . این سیستم امسالی « زره پوش ها » دارای چرخهای [illegible] میباشد که می توانند در زمین های غیرمسطح وناهموار محمولات خود را منتقل داده و عملیات جنگی را از جهت حمله ودفاع انجام دهند ادارة هوا پیمائی جنگی انگلستان بقدر کفایت وما یحتاج خود برای تکمیل تسلیحات هوائی خود بکار خانه معروف « شرکت کروسلی » دستور ساختمان مقادیر معتنابهی از این نوع اخیر زره پوش را داده است :

(عرفان)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 364 of 896

ادبیات

باز طرز تازه و موضوع مفیدی است که از طبع رسای آقای اعظمی جستن کرده و ستون ادبی جریده انیس را جالب توجه خوانندگان پر ذوق میدارد ولی گمان دارم ازین اشعار شعرای نامدار وطن همین طور سرسری نخواهند گذشت ضرور هر یکی ازین نمونه در تهیه مختصر ابیاتی شده و زحمت تصحیح یا تذوق شایقین علم و ادب وطن عزیز را بر خود خواهند پسندید.

علاوه آنکه سرایندگان اینگونه اشعار یک وظیفه عمده ملی را در راه ترقی معارف عهده دار شده و تحسین عمومی را نصیب خواهند شد باز هم هر که موضوعات مناسبتر و نافعتری را در روی این زمینه صورت نظم دهد به تصدیق انجمن عالی ادبی از جانب ماهم به پیشگاه فضل و دانش او شان یکساله جریده انیس بدون تمنای قیمت اشتراک مجاناً تقدیم خواهد شد نگارنده انیس بکمال شعف و بی صبری نشر این نوع طبع آزمائی هارا در شماره های آینده انیس انتظار خواهد کشید.

از اعظمی:

پدر و پسر

پدر:

گویند که علم و هنر است جوهر انسان
از رنگ ادب موج زند گوهر انسان
پس در ره امال گرت عشق و مرادیست
با فضل و هنر باش و تاج سر انسان
زیرا که ز علم و هنر است قیمت انسان

پسر:

بابام تو زین غصه مکن خاطر خود ریش
زین مغلطه ها قلب مرا لیز تو میریش
دیدی که فلانی مجال جهد ز مکتب
روزی که بر آمد نه خرد بودش نه کیش
ترسم بود علم مجز نکبت انسان

پدر:

در اب فلانی که تو گفتی نه چنین است
نه نقص بمکتب نه بتعلیم نوین است
بل بود وی هم صحبت وهم مجلس طرار
گویم از صحبت مخاب یقین است
مانوس بهر نیک و بد است فطرت انسان

پسر:

لکن بمن این وسوسه باقیست ز تحصیل
کین رمز و معما نتوان یافت به تعجیل
جغرافی چه؟ هیئت وشرعی نحو ازرد
یک در دو دو دو درسه وچهار است چه تفصیل
از چیز چه باشد شرف و سطوت انسان

پدر:

بیجان پدر قصه یک چهره مقبول
در دیده اعمی است همه ناقص و معلول
جاهل که ز اطلاع و خرد عاری و کوراست
بروی همه معلوم بود مشکل و مجهول
جهل است سبب خواری و هم ذات انسان

پسر:

یکبار پدر قصه شرین تر ازین گو
از کاکه سلورو کاکه لنگر زمین گو
ازمله شیخ عادل وزان سرک دیدی
از سه او خر و چه وآن قصه و کبین گو
از هر چه که خیزد شعف و فرحت انسان

پدر:

آیا شنومن قصه آمرد نگفتم
گو گفت که من عرصه سه سال نخفتم
زین غصه که در کوه که نشاندست درختان
از مردی لیلی سخن از کس نشفتم
افسوس ازین علم و ازین غیرت انسان

پدر:

ایجان پدر بحث مکن عز و فن آموز
ز استاد خردمند ادب هم سخن آموز
هر چیز که دیدی زدی دیده میندار
هر چیز که خوب است تو بهر وطن آموز
کاین است طریق شرف و قوت انسان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 365 of 896

خبر های داخلی

مقرری ها

عالیقدر یار محمد خان مدیر شعبهٔ اول صدارت عظمی به قونسلگری کراچی و آقای خلیل الله خان بعوض شان بمدیریت شعبه اول صدارت عظمی و ع ، ص غلام صدیق خان رئیس جنگلات سمت جنوبی بوکالت تجارت افغانی در پاره چنار و ق ملا عبدالله خان قاضی دره صوف بقضای محکمهٔ اندراب مقرر شدند .

تعزیر شرعی

چون عبدالله ساکن پوستین دوزها که یك شخص مشهور بالفساد بوده و چندین بار بدزدی گرفتار شده بود و مسکونین قریهٔ مذکور هم بر بد کرداری او تصدیق نموده بودند لهذا از محکمهٔ شرعیه شرعاً حکم بر تعزیر مذکور صادر گردید .

تمدید شوسه

قراریکه از دائرهٔ معمار وزارت داخله اطلاع گرفته ایم : سرکیکه محکومتی دا ځانګی زیر نظر است از راه میدان و سرچشمه الی بهسود تمدید و کار آن تمام شده که موتر بسهولت عبور و مرور میتواند :

اصلاح دعاوی

درین هفته ریاست اصلاحیه موفق باصلاح دعاوی ذیل گردیده است : مدعی محمد رفیق ولد سلطان احمد ساکن خوات وردك مدعی علیه مزنك سنگ ولد چوب سنگ ساکن هندو گذر شور بازار و مدعی سید غریب ولد سید فقیر ساکن شیوه کی و مدعی علیه فیض محمد ولد سلطان محمد ساکن ده قفاقان و مدعی میرزا عبدالغفور خان ولد محمد کریم خان ساکن درخت شگ مدعی علیه میرزا غلام نبی ولد غلام صدیق خان ساکن عاشقان عارفان و مدعی محمد حکیم خان ولد عبدالکریم خان ساکن شکر دره و مدعی سلطان محمد ولد امیر محمد ساکن شکر دره بدو خان ر گد ملکی ولد نصرت خان ساکن جاجی و مدعی علیه میرزا گل محمد ولد محمد فاروق خان ساکن سلطان پور سفلی و مدعی احمد علی ولد عبدالصمد خان ساکن اندر غنج و مدعی علیه عبدالرشید خان .

راپورت صحی

قراریکه از دائرهٔ مرکزی شفاخانه های عسکری اطلاع گرفته ایم از اول حمل الی اخیر جوزا در شفاخانه عسکری سمت مشرقی به تعداد (۲۶۰۵) نفر مریض تداوی و معالجه شده است .

الطاف شاهانه

بمناسبت لطف و مراحمیکه ذات همایونی بتمام ملت افغانستان دارند قبلاً امر فرموده بودند که یك مقدار مکفی ادویهٔ تب موسمی که طبعاً در ایام سنبله پیدا می شود از خارج خواسته با یك دکتور ماهری برای تداوی اهالی سمت شمالی بفرستند همین است که از طرف مدیریت مستقله ادویه مذکور با دکتور بآن سمت اعزام گردیده و بتمام نقاط آن سمت خبر داده شد تا مریضها را به نزد دکتور مذکور آورده معاینه نموده تداوی شوند .

تاسیس تعلیمگا های پیاده

توپچی سواری در کابل

خاطعان محترم ما مطلع اند که مجرای تعلیم و تربیهٔ جنگ نظر به تکامل و انکشاف عوامل متنوعه حرب متمادیاً در معرض تغیر و تبدل واقع بوده زیر شرایط عام و فن مخصوصه جریان دارد و هیچگاه تحت قواعد مخصوصه پایمنده بی در پی تقاضای وقت و وضعیت را تعقیب مینماید ، بنا برین از مجبوریت قطعی است که برای تامین اینچنین مقاصد عالیه موسسه های مکملی تاسیس گردیده تا ضابطان ما بمقابله های اردو های دنیا نظراً و عملاً تعلیم و تربیه دیده وسایط و حرکات حربیه خودرا نظر به تقاضای وقت و وضعیت استعمال و اداره نموده طرف استحصال نتیجه قطعیه واقع بشوند .

البته که حضور اقدس اعلیحضرت غازی این مجبوریت های اردوی ما را از از قابلیت های بزرگ عسکرانه شاهانه ایشان اهمیت دار تصور فرموده فعلاً منظوری تاسیس تعلیمگاه های سه گانه فوق را بریاست ارکان حربیه عمومیه وزارت حربیه فرمان دادند که باصول صحیح و موافق بمقصد تاسیس نموده در تربیه و تدارك وسایط و معلمین آن به پردازد تا عموم ضابطان اردوی شاهانه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 366 of 896

ایشان بدوره های متعدده و مرتبه شامل تعلیم گاه های مذکور گردیده بعد از ابراز موفقیت ، افراد عسکری را از تعلیم و تربیه امروزه مستفید سازند وضمناً خاصه های جنگ آورانه افغانان را که از صفات اولیه ایشان است در راه محافظه دین وطن ، حکومت رونق و اسلوب تازه بخشند .

وبابت افکار حربیه عمومیه وزارت حربیه به تعمیل فرمان حضور همایونی چند یاله برآمده تعلیمگاه پیاده را در عمارت باغ جرنیل و تعلیمگاه توپچی را در منزل باغ شهر آرا و تعلیمگاه سواری را در عمارت ماهتاب باغ تاسیس و معلمین و وسایط هر یک آنرا ممکن مرتبه احضار و تدارک نمود وعده های ضابطان صنوف مختلفه قطعات را از مرکز و ولایات جلب کرده بداخل رقابت های متنوع مشاقات وامتحانات پیر یکموسسه ها بحسب نخبه مسلک تقدیم و توظیف نمود علاوه تا بر و گرام های مکمل ومنظمی ترتیب داده تا هر یک از ضابطان ما بتواند دوره تعلیم و تربیه خود را در داخل مدت معینه طی نموده استحصال موفقیت نماید .

افتتاح تعلیمگاه توپچی

تاریخ ۳۱ سرطان یکی ازین موسسه های سه گانه حربی ما (تعلیمگاه توپچی) بموفقیت تمام افتتاح یافت دربن افتتاح حضور والا حضرت صدر اعظم صاحب خصوصاً وعموم اراکین عسکری الی قوماندانان مشران ومدیران دوایر و برخی از اراکین وزارت های کشوری عموما مدعو بودند

بساعت پنج ونیم بعدظهر یوم مذکور در حالیکه عموم تزئینات افتتاحیه از طرف رئیس ارکان حربیه عمومیه و مدیریت تعلیمگاه توپچی اختتام یافت و تمام مدعوین حاضر شده بودند والا حضرت صدر اعظم صاحب تشریف شریف شانرا ارزانی فرمودند درین مورد یک قطعه عسکری که بدهن دروازه تعلیمگاه تزئینات گرفته انتظار می بردند انقیاد رسم تعظیم نموده ومتعاقباً عموم مدعوین با تقبال مشتاقانه متحداً احساسات خالصانه خود هارا تقدیم کردند والا حضرت ایشان بعد از جوابیه سلام از قطعات عسکری و مدعوین حسب حال نموده اراده مستبه شانرا نسبت بتاسیس تعلیم گاه مذکور واستفاده ضابطان ما ازان بصورتیکه آناً فاناً بقلوب حاضرین یک امید وسرور خدمت وصداقت اعطا نمود اظهار فرمودند متعاقباً شجاعت همراه آقای محمد عوث خان کمندکمشر ومعاون مدیریت تعلیمگاه توپچی ومسیو کافر معلم توپچی از صنف ضابطان عسکری پیش بر آمده بعد از ایفای رسم تعظیم و طلب اجازه ، مفکوره خود را نسبت به اهمیت صنف توپچی امروزه و تاسیس تعلیمگاه قرار آتی عرض نمودند :

عریض و بیانیه محمد غوث خان

والا حضرتا !

امروز ، جمعیت عسکریه ما بکمال خوشبختی در موقع افتتاح این موسسه جدیدهٔ عسکریه بشرف حضور محترم مشرف هستیم تماماً از اثر دفع و طرد آنهمه متاعبات مادیه و معنویه که از سبب عدم موفقیت ما بوده دیروزهٔ عسکری ما را جع خلاک وطن وارد آمد و در سایه صرف غیرت و همت و فدا کاریهای ملی و وطنی ذات شاهانه و برادران نامور ایشان زایل گردیده میباشد وان خدمت بزرگوار اعلیحضرت غازی و برادران عظام ایشان ازان خاطره هانیست که از قید وثبت آن نه تنها تاریخ اعصار آتیه ما بلکه تاریخ عمومی کره ارض از خود داری نه نموده و نخواهد نمود .

والا حضرتا !

بمقابل این همه عنایات بیپایانی که از لطف و مرحمت خداوندی و ثانیاً از توجه اعلیحضرت غازی و دیگر خدام صادق مملکت این ملت عنایت فرموده شده بجز ازینکه بشرف استحصال رضای همایونی تماماً بفدای جان و آخرین قطرات خون خویش حاضر شویم دیگر هیچ یک تحفه لایق تقدیم بدست نداریم

والا حضرتا اهمیت حرب های کنونیه و وسایط متنوعه آن بجز از توصیف نمودنم ظاهر است که در عالم موجوده چه رول ها بازیده و میسازد .

خصوصاً توپچی امروزه چنانچه در محاربه ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ روس و جاپان نسبت به استاتستیق حرب مذکور در صد ۱٤ تلفات از آتش توپچی بوقوع رسیده و باقی مانده در صد ۸٦ از دیگر اسلحه ناریه و جارحه و وسایط حربیه بوده است اما در حرب عمومی ۱۹۱٤ و ۱۹۱۸ با وجود اختراعات فوق العاده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 367 of 896

اسلحه ناریه وجارحه که آنهم عبارت از تفنگ های ماشیندار و تفنگ های سریع آتش و تانکها و بمهای طیاره و زیپلین ها و گاز های زهردار وغیره باشد نظریه استاتستیق و راپور های حرب خصوصاً در دو سال آخر محاربه بطور وسطی در صد ۵۷ ـ ۷۷ عموم تلفات از آتش توپ جی بو قوع پیوسته و در صد ۲۳ ـ ۲۵ تلفات حکومت از دیگر اسلحه و دیگر و سایط هلاک کننده بوده است بطوریکه از باب فنون حربیه یك ضرب المثل میگویند که در حرب عمومی فنون عسکریه و اختراعات خارق العاده حربیه بسیار ترقی و پیشرفت نموده است در ضمن آن توپچی یك قدم بسیار بزرگ پیش مانده است چنانچه در ماه مارچ ۱۹۱۸ توپهای دور انداز جرمنی از مسافه ۱۲۰ کیلومتر یك گلهٔ که ده سیر کابل وزن داشت به پاریس آتش مینمودند در صورتیکه تاریخ مذکور هیچ یکنفر انجنیر و برو فیسر در دنیا تصور نیز کرده نمیتوانست که مستند بفن انجنیری انجنیرین توپ دور انداز خارق العاده ساختن ممکن است توپ هائیکه ما امروز در اردوی اعلیحضرت معظم غازی موجود داریم نیز عبارت از توپها نیست که امروزه در اردوی دول معظم دنیا موجود میباشد تعداد این توپها د جباخانه یك اندازه کافی و برای مجهز کردن اردوی اعلیحضرت غازی تا درجه پسند است .

اگرچه در اثر انقلاب چون از جهت چور و چپاول و غاغت و تاراج یاغیان و چون از سبب سوء استعمال آنها بعض اشخاصیکه نتوانستند آنهارا بصورت فنی استعمال بدارند این توپها و نیز تجهیزات ملحق شان متأثر شده وخساره زیادی دیده اند اما تلافی این نقصانات بفکر مصیب تاجدار غازی ما وسعی جدی وزارت جلیله حربیه بصورت شاید و باید روز بروز در تکمیل شده است . واقعاً امروزه روز رهنمائی وتدبیر آن ناجی ملت افغان که وطن وملت را از عرصه نیستی وکم نامی ابهستی ونیك نامی رسانده ودر آینده نیز سبب وباعث یگانه نجات وطن مقدس وملت عزیز ما که انواع سعادت ورفاهیت وبیان در آن مندمج است می باشند یعنی ترقی وسعادت آتیه ما اراده شاهانه و تجویز مصیب ایشان نسبت بکار انداختن واستفاده نمودن ازین اسلحه فوق الذکر اولاً برای ترتیب وانتظام این توپها اینست که هر گونه ترتیبات لازمه گرفته شده است .

ثانیاً برای بسر رسانیدن اشخا صیکه این توپها را بطوریکه هستند بفن حکمت باشد استعمال وبکار انداخته بتواند از تمام ایلات ومرکز یکعده صاحب منصبان و ن از درجه کندکمشران الی الوکمشران جمع وبه تعلیمگاه استخدام شدند .

درین تعلیمگاه ازانواع توپهای موجوده متعلم وتدریس کرده خواهند شد .

درخاتمه موقع را غنیمت شمرده بترتیب تقدیم احترام فداکارانه خود دعا میکنیم :

زنده باد اعلیحضرت !

بیانیه کافر معلم توپچي

ترجمه عبدالعزیز

بحضور والا حضرت صدر اعظم صاحب وحضار محترم !

بنده نسبت بعلاقه مندی ومحبتیکه به عالم افغانیت دارم از استخدام شدن وتکرار جلب وحاضر شدنم بخدمت عسکریه افغانستان تشکر دارم :

اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه افغان نسبت بعسکرت که مسلك اصلی شان است وحضراً نسبت به تجارب عسکریه که در سالیان دراز داخلاً وخارجاً برای خدمت این وطن بدست آورده اند خوبتر وبیشتر احتیاجات وطن خودرا حس فرموده پیش از پیش به ترقیات وپیشرفت عسکریه صرف مساعی وعرق ریزی دارند ازانجاست که یك مدت اندك تمام عسکری وتشوری افغانستان را که در اثر انقلاب گذشته محو ونابود شده بود امروز بطوری اداره وتدویر مینمایند که خودم حقیقتاً در بهتری وپیشرفت عسکریه وملکیه افغانستان نسبت به سابق خیلی ترقیات مشاهده میکنم .

چنانچه در زمان سابق که بنده بایك هیئت مکمله برای خدمت این مملکت حاضر شده بودم در یك زمان طولانی که حادثه انقلاب آن را خاتمه داد به اجرا آت وتعلیمات خود موفق شده نتوانستیم اینست که از اول این سلطنت نادر شاهی مجدداً بهمان ترتیبات سابقه بلکه بیشتر جلب شده وبرسیدن کابل شروع نمودن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 368 of 896

بکار در یك جا مشرف شده‌ام وتا امروز هرگونه مساعدت واحضاوات مادر محل توجه وزارت جلیله حربیه است چنانچه امروز که وظیفه مهمه معلمی تعلیمگاه ضابطان وآمران وحوزه ضابطان توپچی بمن محول گردیده است با تعلیمات ابتدائیه که فی الحال الدك از ان را بطور نمونه به حضار کرام نشان میدهم موفق شده ام وبحضور حضار محترم از حالا وعده میدهم که به هیئت بزرگ امر وزیر صاحب حربیه برای این مملکت آنطور خدمتی کرده باشیم که موجب ممنونیت این خاك وشرف عسکریه خود باشد بتواند وانشاالله این وعده خودرا عنقریب در دوره آخرین تعلیم گاه بحضور حضار محترم اثبات خواهم نمود درخاتمه برای اعلیحضرت نادر شاه غازی ووظیفه داران محترم این مملکت که از دل وجان ترقیات این وطن را خواهند وکوشش دارند موفقیات دائمه را ثبات ومملکت مقدس افغانی را بانواع تجددات و ترقیات ممتاز خواهانم

* * *

والاحضرت صدراعظم صاحب از عرض محمد غوث خان وبیانات مسیو کافیرا اظهار خوشوقتی فرمودند واز عموم ضابطان تعلیمیافته عسکری رضامندی فرموده بدعای دوام وترقی لشکر وکشور ختم کلام فرمودند

خبر هاي خارجي

از روز ۱۰ سنتمبر

قرار اطلاع واشنگتن رئیس جمهور هوور و دلال های پنبه ، ومتصدیان بانك راجع به تولید نمودن قروضی بانکی برای تصدیر پنبه مذاکره داونده ، و داشت هوس (اطاق پارلمان امریك) واداره زراعت یکسره برامکان ومعقولیت وجود یك کنفرانس بین الملی پنبه غور نموده بی رویه بیان نموده میشود ، هوور اعتقاد دارد که تااندازه که بامریك تعلق دارد ضرور است تاسیس نمودن قروض برای صادرات به نسبت گفتگو از اداره تجدید پیمانه مساحی زمین زراعتی پنبه بیشتر اهمیت دارد .

روز ۱۰ سنتمبر

تلگرام لندن بیان میدارد که بموجب تقلیل مهمی در رعایات محصول واردات نشان میدهد محصول علاوه گی ده فیصد ، ومحصول ابریك بنجاق بپ محصول تمبا کوه بنس فی پوند محصول پترول دوبنس فی گیلن ورخ مستقل محصول :

واردات شش بنس بلند رفته به پنج شلنك بالغ میشود .

روز ۱۳ سنتمبر

پیغام بدابست بیان میدارد که ، بنابر انهدام پل در فاصله ده میل آنطرف بدابست ، در حالیکه ریل بدابست کولونید از سران عبور می نمود . ده واکون شکسته زیر افتاد ، هنوز تعداد تلفات معلوم نیست . از بلك فوز که در آن نزدیکی یافته شده است معلوم میشود که برای خراب نمودن این پل طوطهٔ شده بود .

اعتبار راه آهن ایران :

قرار مندجات جراید ایران لایحه که از طرف وزارت طرق و شوارع تقدیم مجلس شورای ملی انجا گردیده متذکر است براینکه : خط آهن از بندرشاه الی علی آباد که در حدود ۱۲۸ کیلومتر است فعلاً تاحد لزوم تکمیل و برای استفاده حاضر وعملیات بهره برداری دوین خط بجریان است برای مخارج بهره برداری این خط وهمچنین مخارج نقشه برداری از علی آباد الی طهران مبلغی ضمن اعتبار پنج ملیون ودوصد بنجاه هزار تومن که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است منظور ولی برای امتداد خط از علی آباد بطرف طهران در سنه ۱۳۱۰ تا کنون اعتباری تحصیل نشده است ، بعرض این مقصد ماده واحده بامضای رئیس الوزراو وزیر مالیه و وزیر طرق برای منظوری تقدیم مجلس کرده اند که مبلغ سه ملیون وپانصد هزار تومن از محل عایدات قند وشکر برای خرید مصالح و مخارج ساختمان راه آهن در سال ۱۳۱۰ بوزارت طرق پرداخته شود .

قانون ازدواج در ایران :

از مدتیست نشریات ایران دو اطرف قانون ازدواج قلم فرسائی داشته وافکار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 369 of 896

ازاد از هر سو صفحات جراید را محل بحث و تنقید قرار داده بودند خبرهـا اخیری حاکی است که کمیـون عدلیه لایحهٔ را بنام قانون از دواج که عبـارت از ۲۲ ماده باشد تدوین کرده و گذشتاندن آن را از شور دوم مجلس نیز قابق گشته است یقین تا کنون قانون مزبور عملی شده و مصدر اصلاح امور از دواج با مظهر حفظه حقوق صحیح زناشوئی قرار گرفته خواهد بود .

بکعمارت بزرگ :

در دولت شوروی به نسبت مفاد عمومی فیصله شده است که در ماسکو بکعمارت بزرگی بنام سویت محل بنیاد گذاشته شود ، برای جلسات عمومی و اجتماعات کارگران در آنجا سالون ها و اطاقهای بزرگ و متعددی با شود که بزرگترین سالون آن پانزده هزار نفر گنجایش داشته باشد باقی اطاقها بهر یکی تا شش هزار نفر جای دارد در یك حصه آن کتابخـانه عظیم الشان تعمیر که دران پنج لك کتاب حفاظت گردد و دو سالون بزرگ هم برای قرائت خانه داشته باشد برای نماینده گـان خارجی تا ۱۵۰ نـفر اطاق جـدا گانه وجود دارد همچنان نماینده گان جراید خارجی مواضع علیحده و جریده نگاران داخلی جدا گانه محلات برای اجتماع خواهند داشت خلاصه این عمارت سویت محل یکی از بنا های تاریخی دنیا بحساب خواهد رفت .

(سیاست)

از هر طرف

نباتات غذائی قدیم :

معلوم می شود که اهالی هنود امریکای قـدیم بعض نباتاتی را که در بلاد شان میروئید بجای غذا صرف میکردند و این نباتات بمرور زمان و بعد از انتشار مدنیت سفید پوستان در امریکا از بین رفته و از آن اهمال شده است ، فعلاً وزارت زراعت امریکا یك عـده تجـارب برای تجربه مواد غذائی در بعض نباتات قیام کرده و از جمله یکنوع کچالوی است که پوست آن کلفت میباشد و معـلوم می شود که دارای کمیت زیادی از غذا میبا همچنان یك نـبات دیگری است که از قند شیرین تر بوده و هنود امریـکا شراب خنـی ازان میسـاختـند ، همچنان خیلی نباتات دیگری است که تجربیات در اطراف آن اجرا شده و شاید در همین نـزدیـکی ها وزارت زراعت امریکا نتیجه تجربیات خود را اعلان کند .

باغ در کشتی :

کشتی موسوم به (لوباتان) از بزرگترین کشتی ها نیست که در بحر اتلانتیك سیر و مسافرت میکند ، درین کشتی یك باغی است که یکی از عمال کشتی به تربیه مواظبت آن پرداخته و دقت زیاد در آن بکار می برد درین نباتات آن خیلی گل قشنگی است که بعض ها نادر میباشد ، و در اول ها گمان می شد که این گل ها پژمرده و خشك شده و به هوای کشتی نمیسازد

اما بر عکس خیلی با طراوت باقی مانده و ضرب المثل گردیده است .

طیران ومسافات آن :

در سنه ۱۸۰۱ یا تمام صد سـال بیشتر از طرف ولیم چارم امپراطور انگلستان به سرد وهرت پیل سفیر خود بروما امر صادر کرد که بسریع ترین موعدی که ممکن باشد در لندن حاضر شود ، سفیر امر او را اجرا کرده وبه منتهای سرعت روانهٔ لندن شده شبا روز را به مسافرت گذشتاند (ودر راه جزچارشب استراحت نکرد .

اما بعد از ۱۰ روز در لندن در حالیکه از شدت خستـگی نزدیك بمرگ بود رسید ، اما عین همین مسافه را فعلاً طیاره ها بکمتر ازهفت ساعت طی میکنند

بزرگترین شهر مشرق :

درین شکی نیست که بزرگترین شهر مشرق شهر شـانگهای میباشد که ساکنین آن به (۱٤۱ ۳۱۵٦) نفر بالغ می شود .

رنگ موی و چشم ها و اخلاق :

بعض علمای که بعلم قیافه شناسی اشتغال دارند اظهار میدارند که بین رنگ موی ها و چشم ها از یکطرف و از طرف دیگر خوف و غضب علاقه زیاد و مهمی میباشد نه تنها این بلکه بین سر انسان و اخلاق او علاقه زیادی است ، و از روی تجارب کثیره این یك ثابت شده است که صاحب موهای سیاه نسبت به صاحب موهای زرد بیشتر تر سو بوده و کمترین اشخاصی که میترسند صاحبان موی های زرد میباشند

مهمان‌های ناخواسته

شخصی برای کسی خرگوشی هدیه آورده بود او را پخته با یکدیگر خوردند روزی شخصی آمده دق الباب کرد گفت کیستی گفت همسایه کسی که خرگوش برایت آورده بود او را بخانه برده طعام خورانید باز روز دیگر شخصی آمد صاحبخانه پرسید تو کیستی گفت من همسایه همسایه آنکه خرگوش برایت آورده بود گفت بفرمائید در وقت غذا خوردن قدری آب گرم آورده پیش او گذاشت مهمان پرسید این چیست گفت این آب آب گوشت آن خرگوش است .

(بقیه صفحه ۹)

همچنان اگر رنگ چشم زرد ها باشد صاحب آن نیست بلکه چشم آن رنگ سیاه داشته باشد خیلی زود خشمگین و غضبناک می شود ، و صاحبان سرهای مستطیل و خورده خیلی خلق تنگ و دارای طبیعت زود تسلیم شدن بخوف نسبت بدیگران میباشند .

برج بز :

وقتی از کسی پرسیدند که طالعت در کدام برج است گفت برج بز :
گفتند در بروج چنین اسمی نیست گفت چرا در وقتی که من طفل بودم شنیدم که معلم من میگفت که طالع تو در برج جدی است که بز غاله باشد همچنین که من تا حال بزرگ شده‌ام البته برج طالعم نیز بزرگ شده است و آلان یقین دارم بز است .

بلای بی زبانی :

داکتر گفت روزی در مریضخانه نشسته برای بیمار ها نسخه می نوشتم اتفاقاً مریضی طالب دوا شد که بدو سه زبانی که من آشنا بودم هیچ نمی فهمید ، بدن خود را نشان داد که تماماً بخار گرفته نسخه برایش نوشته و باشاره باو فهمانیدم که بایست مالش کند یعنی دوای خوردنی نیست آنروز رفت و چند روز بعد برگشت نسخه پوسیده را پیش من گذاشته و اصرار کرد که همین نسخه فایده نبخشید ولی کهنه شده خواهش میکنم یکی دیگر بنویسید وقتی خوب تحقیق کردم معلوم شد که نسخه کذائیه را از اثر مالش وتماس بدن او پوسیده شده بیچاره کور مغز نسخه را تا دوا تمیز نتوانسته .

پدر و پسر :

طفل از پدر خودش تمنا میکند : پدر جان یک پول بده یک پولک خوبی برایم بخرم !
پدر : خیر پول نمیدهم پولک هر چه بخواهی میخرم چرا که تو گوشم را از پف کردن کر خواهی کرد .
پسر : نه پدر جان تا تو نخوابی صدایش را نخواهم کشید :

پنبه کاری :

مردی پیش دلاکی رفت که سرم را بتراش ، دلاک پس از چندی دستش بر قو که رگ های سرش را بطور آورده وانلک را در چندجایش بشور آورده یاکی آب بر مسکه تراش را از چرمک پدر آورده وبدویدن شروع کرد شوور خوردن ده با زده جای سر حریف را بریده ودریده زده وزخمی اش ساخت از هر زخمی که خون فواره می کشید فوراً از پنبه کلاه واسکو جاکت پنبه کهنه بیرون آورده و برجا [illegible] مردکه بی نبرد ولی سوزش زخم آن مظلوم را بطاقت آورده وگفت : خلیفه جان پس است قربان دست هایت نصف سرم را تو به لحاف نشق بگذار بقیه اش را خودم کتان میکارم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 371 of 896

(بقیه شماره گذشته)

شرح دربار مکافات

۱۰ - امیر خان خوستی برگد ملکی چهار صد روپیه معاش شخصی -

۱۱ ماتو خان منگل کرنیل ملکی سه صد روپیه معاش شخصی

۱۲ - ظریف جاجی کرنیل ملکی سه صد روپیه معاش شخصی

۱۳ - شین خان جاجی کرنیل ملکی سه صد روپیه معاش شخصی

۱۴ - شیلک خان منگل کرنیل ملکی - سه صد روپیه معاش شخصی

۱۵ خدای نور خان جاجی کرنیل ملکی - سه صد روپیه معاش شخصی

۱۶ - ص بوستان خان محمدزئی - سه صد روپیه معاش

۱۷ - میرزا خواجه عبد القیوم خان میرز محاسبه مرکزی - یکصد افغانی بخشش

۱۸ - ص میرزا محمد کاظم خان - سرکاتب مرکزی دوصد افغانی بخشش

۲۰ - میرزا صالح محمد کاتب محاسبه مرکزی

۲۱ - میرزا عبد الواحد خان کاتب محاسبه مرکزی

۲۲ - ص میرزا محمد یوسف خان چین زئی سرکاتب شعبه واقعه نگاری - سه صد افغانی بخشش

۲۳ - ف مولوی محمد قسیم خان عضو جمعیت العلماء نشان استور ، یکهزار روپیه اراد معاش ، یکصد روپیه بخشش

۲۴ - ص میرزا عبد الواسع خان یکهزار روپیه بخشش ومصارف علاج دربرابر

۲۵ - ح سید جهانگیر خان غند مشر ملکی ، غند مشر عسکری

۲۶ - ص سید آقا خان

لقری مسعودی

۱ - رمضان خان فرقه مشر ملکی نشان درجه دوم

ازدیگر لقری کند کمشر	۴ نفر
کمیدان	۳ نفر
کپتان	۱۲ نفر

وغیره اقوام خوانین هزاره وغیره ۲۵ نفر رتبه های ملکی ونظامی ترفیع یافته اند -

لقری روساء وخوانین قطغن وبدخشان که بمناصب ملکی از برگدی تا کمیدانی نایل گردیده وبعضی بخشش نقدی هم گرفته اند ۵۷ نفر

اشخاصیکه تحت امر وزیر صاحب حربیه مصدر خدمت شده حاضراً درقطغن و مزار شریف میباشند .

۱ - ع ش احمد علیجان معین اول حربیه نشان سردار عالی

۲ - ع ش محمد افضل خان معین سوم حربیه نشان سردار عالی

۳ - ح عبد القیوم خان غند مشر ثانی غند مشر اول ونشان استور درجهٔ ۳

۴ - ح محمد علم خان غند مشر ثانی غند مشر اول و نشان استور درجهٔ دوم

۵ - ح گل محمد خان غند مشر ثانی غند مشر اول

۶ - ح احمد شاه خان غند مشر ثانی غند مشر اول ونشان استور درجهٔ ۲

۷ - ح فخر الدین خان کند کمشر شاهی غند مشر ثانی

۸ - ح عبد الودود خان کند کمشر شاهی غند مشر ثانی

۹ - ح شیرین گل خان کند کمشر شاهی غند مشر ثانی

۱۰ - ح محمد طاهر خان کند کمشر شاهی غند مشر ثانی طوبچی

۱۱ - ش جلال خان تولیمشر سوار کند کمشر

۱۲ - ش سید عظیم شاه خان کند کمشر ابتدائی کند کمشر انتهائی

۱۳ - ش باز محمد خان تولیمشر ماشیندار کند کمشر

۱۴ - ش محمد ضیاالحسان تولیمشر کند کمشر

۱۵ - ش فیروز خان تولیمشر کند کمشر

۱۶ - ش عبد العزیز خان تولیمشر کند کمشر

۱۷ - ش میر عظام الدین خان تولیمشر کند کمشر

۱۸ - ش نجم الدین خان کاتب کندک کند کمشر

۹۱ - ش فیض محمد خان تولیمشر کند کمشر

۲۰ - ش میر آقا خان کند کمشر سابقه کند کمشر

۲۱ - ش محمد سرور خان کند کمشر سابقه کند کمشر

۲۲ - ش میر محمد عمر خان خوستی کند کمشر

۲۳ - ش عبد الله خان بدخشی سرا وس کند کمشر

۲۴ - ش میر سید شاه خان تولیمشر کند کمشر

۲۵ – غ تاج گل خان بلوکمشر تولیمشر توپچی

۲۶ – غ سید خواجه‌خان بلوکمشر تولیمشر توپچی

از فرقه توپچی ۷ نفر بلوکمشر تولیمشر شده

از سواری هم ۷ نفر تولیمشر شده

باز از سواری دو درجه ترفیع ده نفر برکمشر بلوکمشر شده

باقی سیزده نفر دیگر از خورد ضابطان بدرجات بلند تری رفعت مقام یافته اند

و بعضی پول نقد بخشش گرفته اند

و فقط یکنفر کندکمشر غلام عمر خان بعلت رشوتخوری موقوف گردیده

* * *

خاتمتاً اعلیحضرت غازی بتمام آنهائیکه درین دربار مکافات نایل شدند و رتبه شده بودند تبریک گفته و بر علاوه مکافات بتمام هیئت نظامی عسکری وزیر صاحب حربیه یکماهه معاش بصورت بخشش اعطا فرمودند و برای افراد عسکری هم وعده فرمودند که یکمعاشی پول بخشش منظور کرده ام که از وزارت حربیه تماماً برداخته خواهد شد و برای عساکر که از فرق مزار شریف و قطغن بدخشان داخل محاربه شدند نیز یکماهه معاش بذل گردید آنهائیکه در اثنای خدمت بشرف شهادت پیوسته و یا از جراحت معیوب شده اند هم تلطیف و نوازش از حکومت خواهد شد و بتعاقب آن والا حضرت وزیر صاحب حربیه به نطق ترانی عسکرانه اختصاراً کوایف انقلاب و متعاقباً خشنودی خود شان را از پذیرائی های مطاطن شان در کابل و بازامادگی شان را برای همیشه بفدا کاری های نظامی ایراد فرموده بالاخره حضور اعلیحضرت و والا حضرتین صدر اعظم صاحب و وزیر صاحب حربیه بدعا ختم مدعا گردید .

مؤلف : له بلانیه فرانسوی (۱۵) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

ازفصل هفتم

خیانت

بالا می آمدند و آواز سلاح از سنگ های مس مس شنیده میشد .

حاکم بغضب شده نعره زد : چطور توانستید اینجا بیائید ! و بطرف حاکم عسکری شهر برگشته ایراد نمود آقای قوماندان این شورجیان را امر دهید خواموش شوند پیاده ها بجوبهای خود برگردانید ! قوماندان فوراً امر خواهم داد و (وردن) در یک ربع ساعت خواموش خواهد بود .

این صدای قوماندان را صدای دیگری از عقب او جواب داد در یک ربع ساعت (وردن) نذر شعله ها خواهد بود و در روشنی آن ترانه ملی مرسائیز را خواهیم سرود ، حاکم که کوشش می نمود خودش را در مقام اقتدار خودش حمایت کند گفت بکدام حق تو اینجا آمده توانستی برای پراگنده ساختن و مجلس بلندی مشغول خواهی بود . بورپیر حاضرین را مخاطب ساخته گفت : من شنیدم که شما از کال خیانت اراده دارید که شهر را تسلیم دشمنان ملت بسازید آیا این مسئله حقیقت دارد ؟ .

حاکم ! ما مجبور نیستیم که فیصله این مجلس را بشما بگوئیم ، لطف نموده بهم راهان خود امر دهید که آتش را منقطع ساخته ازینجا تشریف برند . این شلیك برخلاف اوامر شورای (مدافعهٔ ملی) است .

بورپیر بکمال متانت گفت آقا بون من ! حقیقت است که من امر شورای مدافعهٔ ملی را نگرفته و بر پروسائیها آتش کرده ام ولی درین اقدام مجبور بودم زیرا ایشان قریب دروازه ها رسیده میخواستند داخل شوند ، اینهم معلوم است که اشاره دخول را از داخل شهر متوقع بودند من بهمراهی رفقایم له فیور یک یک دسته از سربازان خود را بهر موضع نصب نموده دروازه ها را خاك ریز نموده ام حضراً این اقدامات مین دشمن را

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 373 of 896

از تعرض بازداشته است بشما یك مصادمه حقیقی در بین چند نفر استریائیها که بملاقات وطن خواهان رفته و حریص بودند دسته را از سربازان ملوقع کرده وچند عدد فشنگی در بین شان فرستاده شده است در اول اگر چه میخواستم که (سواری مدافعه ملی) را اطلاع دهم ولی چون دیدم که شهر در خطر است مدافعه آن را ضرور تردیده باهمراهان خود میدان کارزار شتافتم واستبداد سواری ملی را برای موقع دیگر گذاشتم

کنفل (پل موند) یکقدم پیشتر بر داشته گفت :

آقای شما درین مسئله سهو بزرگی نموده اند !

پوروبیر ! رفیق عزیزم ! این کار هست اگر نماینده گان حقیقی اهالی که بعداز کمی درینجا هنوز خواهند رسانید مرا احضار کنند برای رفتار ورویه خودم جواب خواهم گفت الله هیئت حکومت وردن وافسرهای بزرگ آن را محترم میشناسم واعتقاد کلی دارم که آن ها محبت وطن خواهان وظایف خود شان را تکمیل خواهند نمود من هم اوامر شان را که متعلق بمعاملات داخلی ومسائل پلیس است تعمیل خواهم نمود وز اطاعت من وسربازانم مطمئن باشند . . . مگر راجع بوظیفه من بحیث یك حامی وطن یعنی فرستادن چندعدد فشنگ بر (پروسیها) من خود مجاز خواهم بود طوریکه بخواهم رفتار کنم شما باید بر داشت کنید که من باشما درینجا همسر ودر میدان محاربه متحد باشم ، دشمن را دفع نموده وشهر عزیز خود را از لگد کوبی لعان مختم

این الفاظ جدی در حاکم نظامی شهر اثرات عمیق نموده ولی باز هم خود داری کرده جواب داد ، بهرصورت شما باید بیشتر از اقدام بکار رای شورای ملی را میگرفتید پوربیر در حالیکه دشمن درمقابل دروازه های شهر واهالی هم برای کشادن دروازه ها آماده (شورای ملی) بجز اینکه بقوماندان عسکری امر انسداد تجاوز دشمن را دهد چاره دیگر داشت ؟ عین همین چیز است که من اجرا کرده ام آیا غیر این او هدایت دیگری از طرف شورای ملی صادر میشد ؟ علاوه بر آن شما باید مرا ملزم میدانستید که چرا بوقت لازمه دشمن شلیك نکردم آنهم ازین بساعت بود که جبه خانه را را همینقدر بدست آوردم بازهم امید دارم که همراهانم وقت از دست رفته را جبیره کرده خواهند بود !

درین اثنا شلیك مدهشی از طرف دروازه (بنت وکنور) شنیده شد از شنیدن این شلیك مخوف اینکه استریائیها آنرا بایك عباره مدهشی جواب خواهند داد چند نفر جرنیل که در میدان مقابل عمارت معلوم میشدند نیز پراگنده شدند

نیرك که بوده پوری متحیر ومبهوت مانده وهم او شجاع شریفانه ومردانه او او را بنهایت درجه جذب نموده بود خانه را با گام های فراخ عبور نموده باو خطاب کرده گفت : آقای قوماندان علاوه برین نمیخواهم که از هویت من بی خبر باشید من کونت دو نیرك یاور جنرال (کلیرفت) هستم پوربیر از دیدن شخص ملکی که خودش راعسکری معرفی می نمود متحیر شده گفت :

« عفو میخواهم ولی مجبوراً بپرسم که چرا با « یو نیفورمه » ملبس نیستید . »

نیرك : « من بحیث یك عسکر درینجا نیامده ام بلکه ایلچیستم که بپیغام رسمی حکومت متبوعم وارد (وردن) گردیده ام »

پوروبیر ! گمان میکنم که این پیغامی که حضرت عالی باخود آورده اید مطالبه تسلیم شهر خواهد بود !

نیرك : « عین همین چیزیست که فرمودید

پوربیر یك نگاه متجسسی بطرف مشاورینیکه باطراف او بودند انداخت تمام آنها را دید که باو چشم بچشم شده نمیتوانند وروهای خود را میگردانند فهمید که اصل مطلب کجاست ! باز بطرف کونت متوجه شده پرسید آقای کونت آیا جوابی که برای این پیغام خود گرفته اید کدام است دیده میتوانم ؟

کونت ولی سر خودش را بگوش حاکم عسکر نزدیك برده آهسته گفت : اگر نیرك همه چیز ها را بگوید این پوربیر شیطان میتواند که بواسطه آن قلاشاش مارا تیر باران کند !

نیرك چون فهمید که جان این دونفر حاکم در خطر است بعد از قدری تفکر جواب داد :

وقت کافی نبود که رای این آقا یون را گرفته میتوانستم حال چون معلوم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 374 of 896

می شود که وظیفه جواب گفتن را شما بعهده خود گرفته اید منتظرم چه عرض بدهید ؟

بو وریر ! پس بشما عرض میکنم که وظیفه ایلچی گری تان باخر رسیده و اجازه میخواهم که تا استحکامات آخرین اطراف وردن شما را مشایعت کنم ؟

نمی لك باطاعت اوامر آقای قوماندان بکمال مسرت حاضرم !

بو وریر پیشتر از آنکه از تالار عمارت بلدی برآید حضار را مخاطب ساخته گفت بنده با رفقای خودم عهد کرده ام که با آنها یکجا مردن و در زیر خرابه های وردن دفن شدن را بر تسلیم شهر ترجیح خواهم داد اعتقاد قوی دارم که شما هم با این احساسات با من شریك خواهید بود .

والی اگر همه شهر اراده تسلیم را داشته باشند در آن صورت میفرمائید شاید اهالی نمیخواهند پیاده شوند ! آیا بر خلاف اراده و خواهش عامه نفوس آتش کردن را دوام خواهید داد بفرمائید چه خواهید کرد ؟

از شنیدن جواب شما نهایت نگران و دل مهموم .

بو وریر بعد از لحظه فکر گفت : اگر شما مرا به تسلیم کردن شهر مجبور میسازید برای آنکه چنین یك حقارت بزرگ و بی شرافتی را نه بینم دماغ خود را خواهم پراند ؛ قسم یاد نموده ام که وردن شهر عزیزم را تا بنفس آخرین مدافعه کنم و میزوانشدت با مشت گره خورده زد و وارد نمود : تا (بمرگ) این را گفته از تالار بر آمد و بیپرك او را تعقیب نمود لوندال که درین اثنا بر گشته بود آخرین کلام بووریر را شنیده فریاد آورد این مرد خودرا خواهد کشت ؟

اگر حقیقت باشد پس ما نیك بختیم حاکم بدیدن لوندال که بتازه گی از شهر بر گردیده بود متوجه شده پرسید آیا جناب بارون خبر خوشی بما داده میتوانند که این قلاشان معامله را بکجا کشانیده اند ؟

بارون : با یکدیگر مقابل شده اند داو طلبان مانند حیوانات وحشی بر بروج شهر گردش دارند تعداد زیادشان از حالا شکار آتش اسلحه گردیده اند ولی این وزنان سیزدهم از اشخاص بسیار شجاع و داوری مرکب اند یك عفریته که میگویند زن کاپیطان لا بوور است بحیث مشروبات فروش با آنها ست این زن بهر طرف دویده سربازان را فشنگ میرساند و از بم های استرپانی ها فوجات روشن را بیرون می آرد حتی هم گفتند که تفنگ ها را از دست سربازان زخمی گرفته بر دشمن آتش میکند ؛ بدبختانه مانند او سرباز کم داریم ورنه استرپانی ها هیچ گاه تا اینجا رسیده نتوانستند .

والی : خیال میکنم که هنوزهم جناب بارون امیدی بدل می پرورانید ؟

بارون : زیاده از هر وقت این بم باردمان خیلی ضروری بود زیرا مردم بطور کافی متأثر نشده بودند اگر چه ملازم بنا بر هدایات شما در انتشار پروپاگند جیره دستی بخرج داده بود ولی ساکنین شهر توجه نمیکردند و در تسلیم شهر مترود بودند فردا فی الصباح همه شان بیك زبان تسلیم شهر را از حکومت مطالبه خواهند کرد و شما را بامضای تسلیمنامه مجبور خواهند ساخت .

والی : آهی کشیده گفت : خدا کند مگر حال ایلچی دیوك (برونزویك) باردوگاه خودش عودت کرده است آیا باو رسیده میتوانیم .

بارون : درین صورت کسی را باسواد تسلیمنامه شهر باردوگاه استرپانی بفرستید تا ژنرال کالرت را متیقن سازد که فردا دروازه های وردن را در مقابل خودش باز خواهد یافت .

حاکم : آیا اینچنین یك پیغام مهم بکدام شخص اعتماد کرده میتوانیم لوندال اگر اجازت میفرمائید بنده حاضرم این خدمت را اجرا کنم .

والی از خوشحالی زیاد بارون را در آغوش کشیده بوسید و گفت : این ایلچی ما هستید شب خیلی تا وقت بود که لوندال با سواد تسلیم نامه وردن از شهر بر آمده بطرف اردوگاه استرپانی روان گردید فردای آن ژنرال فرانسوی (بووریر) را در بسترش مرده یافتند ما این مرد با شرف برای آنکه خودش را از مشاهده تسلیم شدن وار رهانیده باشد وعده اش را ایفا نمود .

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 375 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 376 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲	افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳	۱
طلبهٔ معارف	۷	۱
در ممالک خارجه	۲۰	شلنگ

لطفاً پول اشتراک که توسط حوالهٔ دوات فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 378 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 379 of 896

(شماره ۲۰)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

(مجلده)

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده :

۲ شنبه ۵ میزان ۱۳۱۰ تاسیس ۱۳۰۶ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۵۰

علم وفن و روابط آن‌ها با عمل

چطوریکه در مقالات پیشتر از فضایل علم و لزوم سواد اظهار نظر رانی شده ازین مسایل هم نباید غفلت کرد که بزرگترین عامل انتفاع روحی یک جامعه مقصد عمل است از علوم و فنون با عمل است از اقوال.

هیچکس نمیتواند منکر فضایل علم شود مگر وقتی که بیشتا حتی با جنونش فلسفیات عالمان ی عمل فایق آید، آنانیکه علم وفن را سرمایه ترقی مملکت و ملت دانسته و معجزات آن معتقدند باین نکات هم باید متفق باشند که علم وفن اگر بذرایع سعی و کوشش در میدان عمل عرض منافع ننموده حکم جواهر گرد گرفته و یا گنجهای زیر خاک را دارانه.

بیشتر ازانکه ما باید متحمل زحمات مصدق شناسی شده و یا در جستجوی متخصص عمری ضایع کنیم، اگر فهمیم که علوم وفنون را برای چه می آموزیم بهتر خواهد بود.

آموختن علم برای آن نخواهد بود که ما بدانستن آن افتخار کنیم و یا در مجالس ارائی باصطلاحات بالاشتی و بزرگی بزرگ گفتن بسط نموده و از علم کار بگیریم.

یکی از دانایان و اسرار پیون بزرگ گفته است: علمی که بهبود و اوی دردهای اجتماعی ما کمک کردن نتواند تنها نکته ای طواهر پروگرامهای مدارس گفته نمیشود، با فهم معانی اخوت و انوع پروری، و حس وطن پرستی صفات ضمیر و حریت وجدان اینها میتوانند بشر را بسر تکامل سیر ساخته و مخصوص مدنیت دانا و بینا سازد.

کسی که طالب آموختن علم است یا از آموختاندن آن میخواهد نتیجه حقیقی بدست آورد بایستی ملتفت باشد که یک نوع مسئولیت های بزرگی در پیش رو دارد هاتاد رکه علم مثوبات عالی دارد پنهان یا به لطافت مبهمه و خطر ناک در برابر راحت روحی آنها اشکال تراشی دارد.

بهترین مواقع مناسبی که برای کسب علم و معرفت اختصاص یافته صغر سن و اوایل جوانی است این مواقع نه فقط از جهات آسوده گی خاطر و معصومیت روحی یا بی آلایشی ذهنی و غیره استعداد های طبیعی برای تحصیل مخصوص شده بلکه یکی از سبب های عمده آن اینست که افراد زود تر اکتساب دانشی ها فراغت یافته و در بزرگی و پیری برای سعی و دیگر عامل تهیه سعادت و رفاهیت شده شوانده و معلومات مکتسبه را برای خدمات جامعه از قوه بفعل بیاورد.

کسی که دانه یا شاخه کوچکی را بزمین نصب کرده و به آب باری و نگهداری او صرف عمر و اوقات داده از روز اول منتظر برو در فکر ثمر است پدر و مادری که خود در نهایت عسرت زنده گی بسر کرده و با اشک چشم و خون جگر اولاد تربیه میکند از رضا دادن او بمتاعب و خوشوقتی هایش در رشد و نمو و پیشرفت های اولاد او نتیجه ولی میتوان فهمید که هر لحظه بخاطر این

آرزوها را می پروره ؛ تا یکروزی در سایه همت و قوت او جالب نفع و دافع ضرری گردد همینطور تا برسد بوطن و مملکتی که مربی و افراد یك ملت واقع میگردند همچنان آنها حق باید داد که با شدید ترین تمنائی مترصد حاصل زحمات و طپیدن های خود باشند

این واقعات به انسان می فهماند که هر کامیابی در زیر یك گونه اقداماتیست که مکافات میخواهد و هر نوع سرمایه معنوی و ظاهری برای مصارفاتیست . علوم و فنون که قدر و قیمت دارد با ذرایع زیب و زینت نوع انسان گفته می شود تنها برای آرایش و نگهداشتن نیست ذخیره برای مصرف است و اندوخته همچنان برای رفع حاجت .

علم و معرفت اگر در سینه جا گرفت که در ظرف اوش مانی (معقول یا غیر معقول) داشت یکتا بخانه در بسته شباهت دارد وهن صنعت هم هرگاه در دست وبازوئی ماند که در موقع لزوم از هموطن ممنوع دستگیری نه نمود مانند جواهریست در صندوق وخریطه سربسته که این هر دو بحیث دور ماندن از محل استفاده عدمش به ز وجود است .

بار کاش این جهات در بسته و سربسته مانده و هرگاه نفعی بجامعه وبشخص آنها نمیرساند به خود آنها و دیگران صدماتی هم نداشته باشد .

در عالم شرق بسیار دیده شده جاهائی که در صدد تحصیل علم بوده و یا عالم گفته شده اند در اثر آن دارای یك نخوت وغروری گردیده اند که گذشته از هم نوع وهم وطن حتی اجزاء فامیل و نزدیکان خود را بنظر نفرت نگریسته و نخواسته است یك لحظه با او طرف صحبت واقع گردد چه جای آنکه برای مفاد اجتماعی آنها اظهار همدردی کرده باشد بعضی هم که از تبختر دور افتاده بالعکس بطرف ضد غرور ابتدای متوجه گشته که مناعت نفس را یکلی باخته و در مراحل ضعف اخلاق گیر مانده قوتهای علمی را بسوء استعمال کرده اند .

این هر دو قسمت از حقیقت کار و کوشش و سعی وعمل بکنار افتاده بلکه اکثر اوقات تیشه ریشه خود گردیده اند ورنگین تر از همه آنیکه مانند طبقات اولی نخوت نداشته و بطریق دومی ها ارتجاع افراط هم بخود نه بسته بار عیوب دیگری داشته اند که ازین هر دو مذموم تر بوده آن بخل وحسد است که بزبان عامه چشم تنگیش میتوان تعبیر کرد .

این عده نخواسته اند اطلاعات ومعلومات آنها را دیگران هم جنس شان دارا بوده ومانند خود شان بحیثیت علمی در جامعه عرض وجود کنند .

یاد دارم وقتی در خارج وطن یکی از هموطنان بر خوردم که در زبان عربی زمن درازی را برای تحصیل صرف کرده ودر بعضی از علوم تا اندازه آشنا شده بود یك رشته ازان علوم که محل احتیاج من بود ازو معلومات خواستم بل طالب تحصیل آن شدم ، او یك جال ساده گی همان مراتب ومراحل را که خودش طی کرده بود بمن تکلیف نمود چون وقت مقتضی نبود گفتم شما که این مدت دراز را بیشتر برای آشنا شدن زبان صرف کرده و کمتر برای کسب علم زحمت کشیده اید ممکن است قسمت های علمی را بزبان ما ترجمه کنید تا افراد دیگری هم که مانند من طالب وشایق تحصیل اند زودی کامیاب شوند و هموطنان از تکلیف تحصیل زبان فارغ بوده عالم شوند ، او بیك قیافه حسادت آمیزی بمن نگریسته و گفت خوب میخواهید کار را آسان کرده و بمفت و بدون زحمت استفاده کنید !

مقصود خود او نمیخواست علم وسعت پیدا کند و قدر خودش کم گردد اینطور اشخاص عالم بی محل گفته می شوند و وجود اینها سربار جامعه واسباب ننگ وعار ملت است . امروزه خدا را شکر گذاریم که در وطن علم وفضیلت وفن و صنعت بدون موانعات پیش میرود و رواج می یابد نویسنده ها با یك شوق و ذوق در مطبوعات وطن جلوه آثار میدهند شعرا بیك وطرز تازه طبع آزمائی مینمایند اکثر متعلمین نوخیز مدارس ما پیشنهاد میدهند که قسمتهای ترجمه اگر لازم باشد از السنه خارجی برای جریده انیس تهیه کنیم .

جناب مولوی کاموی در تعلیمگاه عسکری از فنون حربی اظهار عقیده کرده و ترقیات عساکر را استقبال میکنند اعلیحضرت غازی جدی از جنبه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 381 of 896

های علمی وفنی تقدیر کرده و بر قسمت مقامات این آب و خاک اظهار علاقه مندی و تقدیم فداکاری می فرمایند که شهزاده محمد ظاهر جان و جناب اسدالله جان و آقای محمد داود جان را برای تحصیلات فنون عسکری بحیث یک سلاح انداز بهمان لباس و اساسی که سایر افراد قشونی – وجود دارد بشمولیت تعلیم گاه پیاده امر و ارشاد میفرمایند .

شاه و گدا عالم و بی علم همه در صدد کار و کوشش اند حیف است از آنهائیکه استعداد خدمت داشته و نخواهند کار کنند باید مصاعب حیاتی را مغلوب کرده و بوسایل ممکنه خود را قانع ، از انزوا منصرف و بیکار آماده ساخت نه بسیار مغرور باشیم و نه ضد آن و نه بخل پیشه کنیم و نه حسد مشکوره های علمی را عملی بسازیم ، حضرت علی کرم الله وجهه میفرماید مال از بخشش نقصان پذیرد ولی علم از بذل فزونی گیرد علما و دانشمندان ما نباید از گفتن و نوشتن اندیشه کنند و با درین طور مواقع از میدان کار و کوشش بی طرفی اختیار .

سیاست عالم :

مشکلات اروپا

غرامات و قروض جنگ مساعدت با آلمان خسارتی که دول از پیشنهاد هوور خواهند برد

در اروپا امروز شاید هیچ مسئلهٔ قدر مسئلهٔ غرامات و دیون جنگ مورد توجه نباشد ، نه تنها در اروپا این موضوع توجه است بلکه امریکا نیز از ثبات علاقمند این موضوع بوده و بطور کلی میتوان گفت که موضوع غرامات و دیون جنگ را ارتباط کاملی با موضوع خلع سلاح عمومی میباشد و خلع سلاح عمومی نیز گذشته از اهمیت سیاسی بین المللی که دارد اساساً در رفع بحران اقتصادی مؤثر بوده و شبح مخوف بحران را که در سر تا سر اروپا قیافه مهیب خود را نشان داده است بر طرف خواهد ساخت .

یکی از بزرگترین مشکلاتی که امروزه از توازن اقتصادی دنیا جلو گیری نموده و مانع باز گشت امور بمجرای طبیعی خود میباشد زیادی مالیات در ممالک بزرگ اروپا است مالیاتهای مزبور قدرت و قوهٔ خرید را در دنیا کم وضعیف نموده و یکی از علل مهم ازدیاد مالیاتهای هنگفت بودن قروض جنگ است ، منافع و اقساط قروض مزبور را که هر یک از دول هر سال میپردازند هر گاه با رقم بودجه عمومی آنها مقایسه کنیم می بینیم تقریباً یک ثلث یا یک خمس از کل بودجه آنها را تشکیل داده و قسمت اعظم از قروض مزبور هم قروض خارجی است .

مثلا آلمان در سال ۷۵ میلیون لیره انگلیسی از بابت غرامات میپردازد باستثنای غرامات جنسی و منافع قروض دیگر ، و مبلغ سال بسال اضافه میشود تا آنکه در ده سال دیگر بالغ بر یکصد میلیون لیره میگردد .

انگلستان در سال دو مقابل این مبلغ را از بابت دیون خود میپردازد و مبلغی را که فرانسه میپردازد قریب بیک ثلث از بودجه او میباشد و همچنین سایر دول به نسبت تعهدات خود مبالغ هنگفتی از بابت قروض جنگ میپردازند یک عده زیاد از رجال اقتصاد اروپا و امریکا در مقابل این وضعیت بفکر لزوم الغای تمام قروض غرامات جنگ افتاده که یکمرتبه تمام آنها الغاء شود ، و بودجه های ممالک را از زیر بار سنگین این ارقام هنگفت نجات دهند تا در اثر آن تخفیف در مالیاتها روی داده رفاهیت بمردم روی آور شود و قیمت مصنوعات پائین آمده و دول هم از افراط کاری در ایجاد سد های گمرکی خود داری و خلاصه آسایش عمومی دنیا تامین گردد .

ولیکن دولت اتازونی که کلید این کار بدست او است و حل اینمشکل منوط

باراده او است الغای قروض جنگرا نمیپذیرد و دلیلی که برای عدم قبول این نظریه دارد اینستکه اگر می خواهیم قروض جنگرا الغاء کنیم و این کاررا هم کردیم تازه دنیا استفاده از این اقدام ما نخواهد کرد، زیرا دول اروپا در تصمیمات بری و بحری خود بریکدیگر سبقت گرفته و بدون اینکه توجهی به وضعیت اقتصادی داشته باشند در تسلیحات مسابقه گذارده‌اند.

دول مزبور اگر حسن نیت در اینکار داشته باشند پیش از آنکه تقاضای الغای قروض جنگ را بنمایند شخصاً اقدام در تقلیل اسلحه خود نموده و مخارج تسلیحات را بکمترین حد معقول تقلیل داده بطوری که با احتیاجات دفاعیه آنها متناسب باشد ولی دول اروپا اینکار را نکرده یا نمیخواهند بکنند.

امریکا با این وضعیت هیچگاه حاضر نیست که قروض جنگ را ملغی ساخته و تازه وسیلهٔ بدست دول اروپا برای تزیید تسلیحات بدهد و در ضمنا آنها را تشویق و تشجیع باین کار نموده باشد.

و نظر باینکه کنفرانس خلع سلاح در اوایل سال آتیه در ژنو منعقد خواهد شد و از طرف ولایات متحده امریکا هم در کنفرانس مزبور نماینده و حضور خواهد داشت، بنابر این موقعیت او در مقابل مسئله قروض و غرامات جنگ متوقف بر کارهای کنفرانس مذکور است که در عملیات خود موفق خواهد شد یا نه!

مستر استمسن وزیر خارجه امریکا به اروپا مسافرتی نموده که رجال سیاسی و مسئول پایتخت های بزرگ اروپا را ملاقات و با آنها مذاکره نماید.

در لندن باتفاق مستر ملون وزیر مالیه امریکا ملاقاتهائی بعمل آورد.

در رم با اولیای امور دولت ایطالیا و در پاریس با اولیای دولت فرانسه مذاکره کرده و در کنفرانس با اولیای امور دولت بریطانیا و آلمان مذاکره بعمل آورده و روی هم رفته از بیانات او چنین مستفاد می شود که در صورتیکه دول اروپا در کنفرانس آتیه خلع سلاح حسن نیت صلح جویانه خود را بمنصه ظهور رسانیده و ثابت کنند امریکا هم از مساعدت دول اروپا در باب مسائل قروض جنگ خود داری نخواهد نمود بنابر این ملاحظه میشود که آینده دنیای اقتصاد ما این وضعیت یک جزء اعظم آن متوقف تعیین سرنوشت کنفرانس خلع سلاح میباشد.

* * *

مساعدت با آلمان

در حقیقت امریکا فی میل نیست به اروپا مساعدت کند ولی این مساعدت تا حتی است که منافع و مصالح تجارتی و اقتصادی او نیز در اروپا تامین شود.

امریکا وقتی بچشم بصیرت ملاحظه نمود که سرمایه او در آلمان در معرض خطر واقع گردیده و بحران مالی آلمان خبر از نابودی سرمایه امریکا میدهد بدون مقدمه پیشنهاد تاخیر پرداخت غرامات و قروض جنگ را نموده بطوری که تمام محافل سیاسی و اقتصادی اروپا از این پیشنهاد متعجب شدند کار این پیشنهاد بکنفرانس لندن کشید. و کنفرانس لندن وظیفه را که نصب العین خود قرار داد یک مساعدت مالی بین المللی به آلمان بود که اورا از خطر ورشکستگی مالی نجات دهند.

حال ما در اینجا ناچاریم که در زمینه خطری که با آلمان روی آور شده بود مختصری توضیح دهیم:

آلمان سالهای سال بود که میدان فعالیت اقتصادی و مورد استفاده سرمایه های خارجی بود، زیرا در هر موقعی که بانکهای امریکا مثلا از بابت وجوه ودیعه که نزد آنها گذارده میشد منافعی بیش از یک و نیم در صد نمی پرداختند بانکهای آلمان از بابت ودایع مزبور پنج و هفت در صد میپرداخت ولذا صاحبان سرمایه در امریکا و در انگلستان و ممالک دیگر سرمایه های خود را برای استفاده بانکهای آلمان سپرده بانکهای مزبور از دست آنها این وجوه را دریافت و یا دست دیگر بموسسات صنعتی آلمان پرداخته و موسسات مزبور هم بنوبه خود دایره عملیات خود را نه تنها در آلمان بلکه در روسیه که میدان بزرگی برای فعالیت اقتصادی و استفاده از سرمایه بشمار میرود توسعه داده و شروع بکار نمودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 383 of 896

بهمین مناسبت سرمایه های خارجی که در آلمان بکار افتاده شد یکباره بالغ بر هزار ها ملیون لیره گردید و موسسات بانکی و صنعتی آلمان با پرداخت منافع زیاد سرمایههای مزبور را مورد استفاده قرار دادند .

و هنگامیکه بحران مالی در دنیا بروز نمود ، و قیمت مواد فوق‌العاده تنزل پیدا کرد وقوهٔ خرید خصوصاً در هندوستان و چین و امریکای جنوبی بی اندازه ضعیف گردید موسسات صنعتی آلمان دیگر قادر بصدور جنس بمقداری را که بیش از این صادر میکردند نبوده و بر اثر تقلیل صادرات موسسات مزبور عایدات خزانه دولتی آلمان نقصان پیدا کرد در حالیکه اقساط غرامات سال بسال بطور تعادل نسبی بر طبق نقشه یونگ ترقی پیدا میکرد برای جبران این کسر بمالیات های عمومی افزوده شد ، و صرفه جوئی و اقتصادی در تمام دوایر موسسات دولتی به اشد صورت اجراء گردید صاحبان سرمایه از ترس بحران شروع نمودند سرمایه های خود را از آلمان بخارجه نقل داده و همینکه دولت آلمان شروع نمود که مساعی لازمه برای تاخیر پرداخت غرامات عمل آورد صاحبان سرمایه بیش از پیش ترسیده و بیشتر در خارج نمودن سرمایه خود از آلمان عجلت بخرج دادند و باندازهٔ در این قسمت افراط کاری نمودند و ترس و وحشت آنها را فرا گرفته بود که در نتیجه بازار مالی آلمان هم دوچار ترس و وحشت شده و آلمان طوری دوچار بحران مالی گردید که کنفرانس دول هفتگانه در لندن به رفع آن تشکیل شد .

دو عقیده در بین آنهائی که مشغول بامور کنفرانس بودند برای مساعدت بالمان وجود داشت که در همان موقع روز نامه تایمز لندن اظهار داشت :

اول آنکه تنها مساعدت بالمان برای نجات او کافی نیست زیرا علت اساسی کثرت قروض و عدم توانائی او در پرداخت قروض مزبور میباشد و ممکن نیست یکنفر آدم بده کار را بازیادتی بدهی او نجات داد و عقیده دیگر تنظیم یك مساعدات مالی بین المللی عمومی بود که بالمان بشود وان برای عهدها ساقط شود که هر دولتی دوچار بحران مالی گردید و نظیر آلمان مواجه با خطر شد او را نجات دهند .

کنفرانس لندن کار های خود را خاتمه داده و نتیجهٔ که از این کنفرانس بدست آمد تاخیر پرداخت قروض کم مدت در ظرف سه ماه بود ، و قروضی که موعد آنها نزدیك باتمام است یك فقره بالغ بر یکصد ملیون دولار می شود و بقیه بالغ بر ۵۰ ملیون است تاخیر پرداخت آنها برای یکمدت معین در واقع یك مساعدت موقتی است که به آلمان شده تا در خلال آن مجال پیدا کند که موفق باستقرار وضعیت مالی خود شود . یك کمیسیون هم از متخصصین اوضاع اقتصادی ممالك آلمان تشکیل شود که تا آن موقع کار های خود را تمام کرده باشد .

*

* *

پیشنهاد مستر هوور

پیشنهاد مستر هوور که فوقاً بدان اشاره نمودیم و در حقیقت کنفرانس لندن و پاریس به از آن تشکیل گردید بطور خلاصه میگفت یکسال تمام از اول ژوئن ۱۹۳۱ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۳۲ قروض جنگ و غرامات پرداختش تأخیر شود این پیشنهاد برای تمام دول حتی خود امریکا ضرر داشته و فقط آلمان از آن استفاده می نمود . و دولت اتازونی به تنهائی با وجود کسر بودجه مهمی که دارد و ناچار است که بواسطه عقد قروض داخلی جبران کسر مزبور را نماید بنجاه ملیون از اجرای این پیشنهاد خسارت متوجه او میگردید و انگلستان هرگاه حساب آنچه را که از دول متحده بده کار گرده و بامریکا میپرداخت حساب کنیم یازده ملیون لیره ضرر میکرد ، زیرا انگلستان سی و سه ملیون لیره همه ساله بامریکا می پردازد و از دول متحده و آلمان و

مستعمرات مستقل خود چهل و چهار ملیون لیره دریافت مینماید . و فرانسه قریب به شانزده ملیون لیره ضرر میکرد یعنی تفاوت بین آنچه را که بامریکا و بریطانیا میپردازد و بالغ بر ۱۳۰ ملیون و پانصد هزار لیره است و آنچه که از آلمان دریافت میکند مبلغ مذکوره در فوق (۱۱۶ ملیون) لیره میباشد منافع خالص او از غرامات بالغ بر سی و نه ملیون و نیم است که دویست و پنجاه هزار لیره هم اقساط فروش بعضی از دول دیگر از بآن اضافه میشود .

و اما آلمان از اجرای پیشنهاد هوور بالغ بر هفتاد و پنج ملیون لیره استفاده میکرد که تقریباً ۵۶ ملیون آن از بودجه سال جاری او بوده ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ و مبلغ ۱۹ ملیون لیره هم از بابت بودجه سال آتیه او محسوب یعنی کمک میشد بعد از آلمان بقیه دول متحده از پروژه هوور استفاده میکردند بابن ترتیب که ایطالیا بامریکا و انگلستان و فرانسه و مقروض بود در صورتیکه از غرامات جنگ جز بهرهٔ قلیلی نصیب او نمیگردید و بانجهة ملاحظه مینمائیم که اولین کسیکه موافقت با پروژه هوور نمود ایطالیا بود که بدون هیچ قید و شرطی آن را قبول کرد و همچنین دول بلژیک و یوگسلاوی و چک اسلوکی و لهستان و دول کوچک دیگر اروپای مرکزی و شرقی استفاده میکردند .

ولی دول معظمهٔ اروپا در کنفرانس لندن قضیه را بصورت دیگری در آورده که نتیجه آن را فوقاً شرح دادیم در هر صورت اوضاع مالی در آلمان تا حدی نسبت بقبل رضایت بخش تر گردیده و بواسطه تدابیر لازمهٔ که دولت اتخاذ نموده است از خرابی یکسره جلوگیری شده حال باید انتظار نتیجه تحقیقات کمسیون متخصصین و بعد هم کنفرانس خلع سلاح را داشت که در اوضاع عمومی این مملکت فوق العاده تأثیر دارد .

(از اطلاعات)

افتخار اختراع حروف هجا بکه راجع میشود ؟

صفحهٔ مجهول از تاریخ مدنیت منقرض شده .

در شمال شرقی شهر (لاذقیه) و به بعد هشت میل از خلیج طبیعی که فعلاً به نام « مینا بیضا » شناخته می شود ، و در نزدیکی این بندرگاه (تپه) پشته ایست که ارتفاع آن قریباً به (۷۰) قدم بالغ شده و بنام (راس شمرا) معروف است در جوار این پشته در همین آخرها علما آثاری یافته اند که خیلی مهم بوده و دلیل بر یک مدنیت منقرض شده میباشد ، و معلوم میشود که این بلاد مقر یک قومی بوده است [illegible] ترقی خیلی زیادی داشته اند .

کاوش این آثار که ما شرح میدهیم عادتاً مثل دیگر امثال آن بصورت اتفاقی بوده است زیرا یکی از زارعین در آنجا به قلبه زمین مصروف بوده و تیغه گاو آهنش به یک سنگی مصادف شده آنرا از جایش کنده و در زیر آن سرداب مظلمی نمودار شد که منتهی به یک گنبدی زیر زمینی خالی میشد . این گنبدی زیر زمینی قبر خیلی قدیمی بوده است که معلوم میشد سارقین بر آن تاخته و از محتویات آن چیزی باقی نگذاشته اند ، وقتیکه خبر این اکتشاف به آکادمی نقوش و آثار رقیمه فرانسوی واصل شد ، باین اکتشاف خیلی اهتمام نموده و هیئتی برای حفر و تنقیب آنجا بریاست که پروفیسر (شیفر و شبه) فرستاد ، که این دو پروفیسر از بزرگترین علمای آثار میباشند واین واقعه در بهار سال ۱۹۲۹ واقع شد وقتیکه این هیئت به محل مقصود رسیده و بکار شروع

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 385 of 896

کردند برای شان واضح شد که زمینی بین پشته (رأس شمرا) و ساحل بحر واقع است در عصور گذشته مقبرهٔ بزرگی بوده و در جوار آن شهر بزرگی نیز بوده است که بسیاری از ابنیهٔ بزرگ و مجلل آن در زروهٔ همین پشته بنا یافته بود بناءً علیه هیئت کار های خود را به دو حصه تقسیم کردند : اول آن تنقیب و کاوش ابنیهٔ که بالای پشته بوده است و ثانی کاوش قبوریکه درنشیبی واقع درجوار « مینا بیضاء » است .

تقلید غیر دقیق

پس ازبحث وتنقیب معلوم شد که جزء شمالی مقبرهٔ که مجاور ساحل است تماماً خالی از قبور و آثار مرده ها میباشد ، اما پراست از آثار و ادوات وظروف که از سفال ساخته شده وبعض ها تا هنوزهم خالی از هر عیب باقی مانده است . بین این ادوات یك عده ظروف های مصری یاشبه مصری میان آنها یافت شد .

وقتی که یکی از قبر ها را شگافتند تمثال یك پرنده از برونز یافت شد که در سر آن تاج مصر علیا وسفلا را قرار داده و در پهلوی آن پرنده دیگر خورد تر از او مرصع بطلا بود که بین پایهای آن تمثال آلهٔ کوچکی از طلا بوده و چشم هایش مرصع که تمام اینها تقلید از صناعت مصر بوده ولی غیر دقیق ومخلوط به بسیاری از آثار اجنبی همچنانیکه عادت فینقی‌ها در هر چیزی بود وسعی نداشتند که چیزی را از روی دقت تقلید و نقل نمایند .

*

* *

هیئت مذکور در نزدیك این آثار دو تمثال دیگر از دیگر آلهه ها یافتند که معلوم شده اصلاً آسیائی بوده است ، یك تمثال دیگری هم از برنز که ارتفاعش ۵ انگشت بوده و دست راستش بالا و دست چپش بطرف مقابل دراز شده بود یافت شد . بر سر این مجسمه تاج بزرگی موشی بطلا وروپش مرصع بطلا بود در سینه و بازو ها و زانوهایش سپری از نقره قرار داده و در دست راستش نیز چوبی از طلا بود ، در یکی از انگشت هایش انگشتر طلا و در گردنش گردن بندی مرصع و مجسمه از آلههٔ کوچك عاری الجسم بود آویخته بودند . در هر دو دستش نیز صوکانی بشکل صدر و در سرش نیز چادری شبیه چادری که بر سر ها تور (مادر یکی از آلهه های مصری) میباشد بود .

هیئت مزبور همرای این آثار یك عدهٔ زیادی از ظروف سفالین که بعض آنها قبرصی وبعض « میسیی » و بعض ساخت خود ایشان بود نیز یافتند ، و حاجت بگفتن نیست که تنوع این آثار دلیل بر این میباشد که مدنیتی که درینجا قایم بود مخلوط از ملل و اجناس مختلف مثل اکثر پایتخت های بزرگ این عصر بوده است و البته جای تعجبی نیست زیرا شهر دو بندرگاه بزرگی بنا یافته بود که مسافرت اشخاص از بلاد مختلفه وتمام ممالکی که در اطراف او وسواحل بحر سفید متوسط واقعند در آنجا بسهولت انجام میگرفت و دراین شهر مدنیت بابل وحثیه وفینقیه ومصریه وقبرصیه و یونانیه و غیره ها باهم مخلوط شد و همچنان در آن ادیان والسنه و عادات مختلفه باهم تصادم نموده بود ، وشاید در آن اوقات نفوذ بیشتر مدنیت قبرصی داشت زیرا قبرص در آنوقت نسبت به این بلاد خیلی مترقی ومدنی بود .

قسمت جنوبی نشیبی که بین « رأس شمرا » و ساحل بحر واقع بود باتمام معنی یك مقبرهٔ صحیحی بود ، زیرا ازسنه ۱۹۲۸ تا امروز یك عده قبور دران کشف شده است ، که تمام به طراز واحد ساخته شده و باستثنای یك قبر که منهدم شده بود تماماً سالم بودند . یکی از آن قبرها معلوم می‌شد که نوساز باشد زیرا سقف ودیوار ها ونقوش آن که خیلی قشنگ ساخته شده بود هنوز از بین نرفته و معلوم می‌شد که دزدان دران قبر راه یافته و هر چه که یافته بغارت برده اند .

در مدخل قبر زنه سنگی دارای شش پایه یافت شد که در هر پایه آن تقدیمی برای آلهه قرار داده و در یکی از آنها ظرفی بطرز مصری قرار داده و معلوم می شد که این ظرف ها بر از ما کولات و مشروبات بقرار رواج آن زمان بوده است دزدان به تمام این ظروف دستبردی نکرده ولی از ادوات دیگری که داخل قصر بوده است چیزی باقی نگذاشته اند باستثنای بعض انگشتر های طلا و نقره و آهنی و یک تمثال آلههٔ صنوبری که سینه اش برهنه بوده و معلوم از آلهه های یونان بوده است .

جدا کنندهٔ راه های مدنیت

درین شکی نیست که این قبر وقبور دیگر محتوی ادوات کثیره بوده است که از آن جمله ادواتی بطرز مصری بوده است ولی دزدان چنانچه عادت شان در هر زمن و هر جائی است آنها را بغارت برده اند در اینجا یک عده دلایل و قرائنی موجود است که دلیل می شود مدنیتی که صاحبان این قبر ها داشته و ادوات آنرا نشان میدهد از نوع معروفی که امروزه مخلوط گفته می شود بوده است ، و شکی نیست زیرا سوریه درین عهد در ملتقی طرق مدنیت های مختلفه واقع بوده است و تجارت دنیا درین حدود ها خیلی رواج و جریان کاری داشته است و معلوم می شود که عصر طلائی آن در دو قرن سیزده هم و دوازده قبل از میلاد بوده است ؛ یعنی در زمان دولت های سیزدهم و نوزدهم مصریها که دورهٔ سلطنت رمسیس ودیگر کبار ملوک مصر بوده است درین موقع امپراطوری (حیته) در مقابل جنگ های ملل بحری (فینقی ها) متلاشی و سقوط کرده آنها برین بلاد حکمروائی و سلطنت میکردند تا اینکه درقرن دوازدهم قبل از میلاد آشوریها پیدا شده و سوریا را طوریکه در تاریخ وارد شده است برهم زدند و تصرف نمودند ؛ و این بلاد بعد از آنها در مرتبه از خاک مذلت و پستی بلند نشد .

دیانت قوم

حالا با عمال حفریتی که درین بلاد برای بحث در مدنیت متعرض شده آن مسافرت کرده بودند بر گردیم ، این هیئت بر علاوه چیز هائیکه پیشتر ذکر کردیم یک عده آثار شاهنشان های سنگی یافتند که منهدم شده بود و در سنه گذشته در آنجا هیئت جدیدی بعنوان هیئت پیشتر آمده و آثار یک معبد بزرگی را یافتند که خیلی جسیم بوده و دارای دو صحن بزرگ و متصل هم بوده و در صحن شمالی آن مصطبه سنگی ساخته بودند که در آن در قدیم تمثال های آلهه مصری را از سنگ گرانیت کنده بودند ، وتنها این دلیل نمی شود که ملت مزبور فقط دیانت مصری ها را داشتند بلکه از روی یک سلسله قرائن ثابت شد که دیانت این ملت از دیانت های مختلفه مرکب بود زیرا طوریکه در بالا ذکر کردیم مدنیت آن ملت از مدنیت های مختلفه ترکیب یافته بود .

(ناتمام)

صحیات

شؤون صحی واجتماعی

اطفال و مشروبات :

درهمین نزدیکی ها در واشنگتون پای تخت ولایات متحدهٔ امریکا کنفرانس طبی برای شؤون صحت اطفال و طرق وقایهٔ شان از امراض مختلفه تشکیل یافت که در کنفرانس مذکور خیلی از مسایل متنوع راجع بحفظ الصحه طفل مطرح بحث قرار داده شده و از جمله در موضوع اغذیه مباحثه در میان آمده و به این فیصله یافت که نوشیدن چای و قهوه و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 387 of 896

دیگر مشروبات امثال آن هر گاه باندازه اعتدال باشد برای جوانان و بچه سالان مضر نیست اما برای اطفال مضر تمام می شود ، زیرا نوشیدن آنها اطفال را دارای مزاج های عصبی ساخته و به بداخلاق و شرارت مایل شان میسازد ، بنابراین مادرها باید تا اندازهٔ که ممکن باشد اطفال خود را از نوشیدن چای و قهوه مانع آمده و اقلاً این عادت را در ایشان خیلی کم نمایند .

فایدهٔ غرغره

این یك پوشیده نیست که دهان مرکز میکروب های میباشد که بذریعه هوا یا غذا و آب داخل آن می شود همچنان اطفال صغیر غالباً عادت داشته میباشند که انگشتان خود را داخل دهان میکنند . که این عادت خیلی مضر بوده و مادرها و مربیه ها باید در ابتدا حتی این عادت در اطفال خود سعی نمایند و در هر حال باید دهان صبح و شام با آب پاك مثل آب [illegible] و امثال آن شسته شده و غرغره شود و هر گاه طفل هر روزه غرغره کردن بلا انقطاع عادت داده شود از بسیاری امراض نجات می یابد .

امساك سبزیجات

افراد در خوردن گوشت در مقدمه قائل امساك یا قبضیت قرار میگیرند و از همین باعث است که اطباء مردم را در خوردن گوشت باعتدال توصیه کرده و در عوض آن بخوردن سبزیجات بصورت همیشگی دعوت میکنند . امساك یك حالت غیر طبیعی است که

باید معالجهٔ آن کوشید و بهترین طرق معالجهٔ آن خوردن سبزیجاتی استکه دران روغن زیاد باشد .

ولی این را هم باید دانست که بین امساك و اعتدال درجاتی است که هر کدام آن هر گاه دوام نماید بمرض خاتمه میابد و درجه اعتدال بین آنها همین است که در هر بیست و چار ساعت دو مرتبه خلای معده واقع شود .

طفل چرا پا بر زمین میکوبد

از عادات طفل است که هنگامیکه خسته می شوند یا گریه میکنند پا بر زمین کوفته و اکثراً انگشتان دست هایشان نیز دچار تشنج می شود ، و این حرکت دلیل بر مقدار نشاط و قوه حیویه که در جسم طفل موجود است و منتظر میباشد که طفل بزرگ شده و قوت حاصل کند میباشد .

این حرکت در حقیقت برای طفل فایده بزرگی میرساند ، زیرا این بهترین ریاضت های بدنیست که طفل باجرای آن محتاج میباشد ، و مادرها هر گاه طفل خود را دیدند که زمین را با پاهای خود میکوبد نباید طفل را منع کرده و یا بالایش غضب نمایند ، و باید بگذارند تا طبیعت خودش او را از این ورزش بعد باز دارد .

جوشیدن انگشتان

اطفال غالباً به جوشیدن انگشتان عادت دارند و بر مادرها لازم است که هر وقت طفل خود را دیدند انگشتهای خود را میجوشد باید مانع آید و یك اعتقادی بین اروپائیها شایع است که جوشیدن انگشتان دلیل بر ضعف قوای عقلیه می باشد ، در حالیکه این اعتقاد مستند بر هیچ دلیلی نمیباشد و حقیقتش اینست که این عادت خیلی بد و مضر است [illegible] آن میکروب های امراض مختلفه را به دهن نقل داده و شکل الاشه را بد نما ساخته و نظام دندان ها را در آینده فاسد میسازد بهترین راهی برای اینکه طفل عادت جوشیدن انگشتان را ترك نماید اینستکه انگشتها را برای چند روز بکنین آلوده نماید تا اینکه طفل عادت مکیدن انگشتان را ترك نماید .

* * *

سیزده ؟

هر طفلیرا که بصحت مزاج علاقه مند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 388 of 896

بوده و بمطالعه اطلاعات صحی دلچسپی داشته باشند مژده میدهیم که ستون های صحی شمارهٔ آتیه جریده انیس ؟ یک وقتی مزین خواهد بود بترجمه مقالات بسیار مجرب و مفیدی که آثار مساعی آقای سید حفیظ خان جاهد نگران طلاب مدرسه طبی به اداره ما بدون در خواست یک حق الزحمه بذل گردیده .

آقای جاهد کابلی از محصلین افغانی هستند که چندی در ترکیه مشغول تحصیل بوده و فعلاً هم نزد آقای دکتر رفیق بیک مشاور طبی فن طبی را تحصیل مینمایند .

و این مقالات هم تماماً از آثار برجسته اطبأ مشهور عالم گرفته شده و برای افراد و فامیل هائیکه در صدد تربیه و تنمیه اولاد ذی سالم البنیه باشند بهترین وسیله و سر مشق گفته می شود . برای آنکه احساسات وطن خواهانه آنها را تقدیر کرده و ضمناً شائقین را یاد آوری کرده باشیم به تذکر این چند سطر پرداختیم البته قارئین کرام از دقت در مطالعه شماره های آینده غفلت نخواهند کرد .

خبرهای داخلی

مقرری ها

آقای عبد الاحد خان وکیل حکومت اعلی فراه نمایندهٔ شورای ملی رئیس کمیسر سرحدی فراه و چخانسور مقرر شدند .

ص آقای حسام الدین خان بمدیریت محاسبه ریاست مطابع مقرر شدند .

از وزارت حربیه

ع ، ش عبدالغفور خان به فرقه مشری عسکری مزارشریف و ع ، ش محمدشعیب خان بفرقه مشری عسکری هرات و ع ، ش عبدالغنی خان فرقه مشر به فرقه دوم قول اردو و ح غلام رسول خان غند مشر به غند اول عسکری قطغن و ش سید حبیب خان کندکمشر رئیس ارکان قطعه توپچی مقرر شدند .

ع ، ش عبداللطیف خان فرقه مشر به فرقه مشری عسکری شمالی و ع ش فیض محمد خان فرقه مشر بفرقه قطغن و ش شیراحمد خان کندکمشر بریاست ارکان فرقه دوم قول اردو و ش سید یاسین خان کندکمشر بریاست ارکان فرقه قندهار مقرر شدند .

از وزارت تجارت

ص میرزا محمد جانخان مدیر اداری سر کیکه از دهن غوری تل دره شکاری و به ناله ورفك دره سرك شكار واصل می شود و میرزا محمد مهدی خان سرکاتب ادارهٔ مذکور مقرر شدند .

از وزارت داخله

آقایان محمد عمر خان علاقه دار ارغنداب بوکالت حکومت گرشك و عبدالروف خان به علاقه داری ارغنداب مقرر شدند .

آقایان عصمت الله خان علاقه دار محمد آغه لهوگرد به علاقه داری باد خواب شانه و عبدالعلی خان علاقه دار باد خواب شانه به علاقه داری محمد آغه تبدیل و مقرر شدند .

اصلاح دعاوی

درین هفته ریاست اصلاحیه موفق باصلاح دعاوی ذیل گردیده است :

مدعی عبدالرحیم خان غند مشر مدعی علیه سردار خان تیل فروش و مدعی عبدالرزاق خان ولد مدد خان ساکن ریکا خانه و مدعی علیها محمد عمر خان و محمد عزیز خان ساکن قصاب کوچه .

تعقیبات پولیس

غلام حسین ساکن مرادخانی از طرف پولیس بفعل غمزه کشی گرفتار گردیده و در قوماندانی مسئله مذکور تحت تحقیق است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 389 of 896

خبر های خارجی

ژاپان چین

مسکو – ۲۰ سنتمبر – بموجب اطلاعات از شهر سانهای بعد از عطیات شش ساعق جهازات هوائی قشون ژاپان ی شهر مکدن را اشغال نمودند – تعداد زیاد قطعات نظامی ژاپان به طرف مکدن روانه شدند – بطوریکه ژاپانها میگویند مصادمه مذکور در اثر آن شد که در حوزه های ریسل ما نجوری جنوبی سپاهیان چین به سپاهیان ژاپان حمله کردند – درمحافل چین به گفتگوی مذکور اعتماد ندارند .

رویتر ٤ سنتمبر

راجع به کجا بودن ناتیلس هنوز هم خبر قطعی بدست نیامده است .

رویتر ٥ سنتمبر .

فرانسه وایتالیا رسما خبر دادهاند که در مسابقه یادگار شنائیدر داخل نخواهند شد .

مجازات

چون شیرمحمد پولیس با محمدحسین خان ولد عبدالخالق خان ساکن چهاردهی بدون سبب گفتگوی بیجا نموده بود لهذا پولیس مذکور محکوم به طرد از ملازمت پولیس و یک سال حبس گردید

رویتر ٥ سنتمبر

قرار پیغام اولسو راپورت هائیکه آنجا واصل شده است این مسئله را تصدیق میدارد که کیبختن سلسه ی سیم به سببی قطع شده است که تحت البحری مذکور درین نزدیکی ها درزیر یخ غوطه خورده وخساره دیگری نیز اگرچه شدید نیست باو رسیده است .

رویتر ۷ سنتمبر

پیغام دهتروات بیان میدارد که در مسابقه دوم کشتی موتور دار بین المللی هارمس ورت مس انگلیند دوم کی ون غرق شد مگر اشخاصیکه را کب بودند نجات یافتند .

رویتر ۷ سنتمبر

یکنفر فرانسوی موسوم به هیز که شکاری بزرگ است ادعا میکند که من در یک منطقه که ۳۲ میل بطرف مغرب الجزایر الیا واقع است وهنوز کشف نشده است بعضی از معادن قدیمه را کشف نموده ام مذکور درین نزدیکی از افریقای مرکزی باز گشته است .

دیروز درعین پرواز در مسابقه شنائیدر لفت ستام فارت یک نمایش عجیبی از پرواز سریع ، از قرار زیاده از چار صد میل فی ساعت نشان داد .

قرار اطلاع اوتی (تکساس) سترانگک نائب الحکومه مجلس تقنین حکومتی را برای تاریخ ۸ سنتمبر دعوت نموده است که جهت تقابل اراضی زرعی پنبه سال ۱۹۳۲ قانونی وضع کنند .

ترقی بی کاری دراتازونی

مسکو – درتاریخ ۱۸ سنتمبر تیلرگمپساد اموات خبر به شهر نیویورک اظهار نموده است که تعداد بی کار ها در اتازونی امسال تا پانزده ملیون نفر خواهد رسید – در شهرد تروید که در آنجا کارخانجات (فورد) واقع است عیالداری های گرسنه بی کاران هر روزه به وبا ست بلدیه حمله و مراجعه برای کمک مینمایند اما هیچ چیز حاصل نموده به خانهای خود ها بر میگردند – ده ها نفر از آنها خود کشی مینمایند .

تبادله معلومات شوروی با ایطالیه و بولند

مسکو – ۲۳ سنتمبر – در تاریخ ۲۱ ماه سنتمبر در مسکو بین اتحاد جماهیر و ایطالیا تبادله معلومات راجع به تسلیحات یکی دیگر که آن معلومات برای کنفرانس خلع اسلحه لازم میباشد به عمل آمده است .

۲۲ ماه سنتمبر ما بین اتحاد جماهیر و بولند تبادله معلومات مذکور بوقوع پیوسته است .

زندگی شاعرانه :

یکنفر جوان شاعری که تازه عروسی کرده و با خانم خود عشق و علاقه زیادی دارد روزی زن محزون فوق العاده بسوی شوهر شتابیده و با لهجه سوزناکی فریاد می زند :

خانه ما . . . . .

شوهر بدون آنکه مجال بدهد بقیه کلام را بگوید او را در آغوش کشیده و سر را بآسمان بلند کرده شکر گویان بلی خانه ما جانم خانه ما جای خوشبختی ما صرف از من و تو . . . .

زن : خانه ما . . . .

مرد : خانه که من بدست خود آبادش کرده‌ام و در زیر این سقف من و تو بکمال خوشبختی آرزوهای زندگی را بسر خواهیم برد خانه که بآن افتخار بکنم .

زن : خانه ما . . . .

مرد : بلی قسم خانهٔ ما . . . .

زن به بسیار خلق تنگی : آخر مرا رها کن که مطلبم را تمام کنم زنده گی ما بر باد شد خانه ما سوخت بدوید که درون خانه حریق افتاده این قاعده بیجاهای تو بیشتر از طول موقع آتش را دامن میزند

جنگ و جدال :

زن : شوهر عزیز میخواهم اظهار نظریه کنی که این لباس جدیدم را می پسندی ؟

شوهر : دیوانه نیستم ۳ روز شده با من آشتی کردی .

سوال و جواب :

معلمی که از شاگرد نصاب خوان خرد امتحان میگرفت روزی پرسید شما باید اسمای حیوانات را در عربی بلد باشد شاگرد گفت سوال کنید هرچه را بلدم .

معلم عربیان اسپ را چه میگویند (فرس)
» » گاو را » » (بقر)
» گوساله را » » این کلمه را که فراموش کرده بود بدون آنکه فکر کند گفت : صاحب صبر میکنند وقتی بزرگ شد او را هم میگویند (بقر)

کار آسان

بلدیه بیکی از مستخدمین بلدیه گفت او را دو : چرا این سرک‌ها را آب پاشی نمیکنید خاک باد مردم را دیوانه ساخت

مستخدم بلدیه : عجب آدمی هستی تا من آب جوی گرفته و بروی سرک بپاشم کار آسان . به باد بگو خاک را بهوا نکند

راه گذر و آب پاش

شخصی از راه عام میگذشت بسکه آب زیاد پاشیده بودند پایش لخشیده و سخت بزمین خورد یک نگاهی باطرافش کرده زود بر خواست و کلاه را بر سر خود گذاشت از بیم آنکه کسی او را دیده باشد درد را فراموش کرده و بغضب تمام گفت :

او دیوانه آب پاشی میکنی و یا راه را خندق میسازی .

آقا جان اگر کم او بپاشم لازم زود خشک می شود صبح تا شام که نمی توانیم آب پاشی کنم پیش پای تانرا دیده راه بروید .

آقا که میخواست زودتر خودش را از انظار مردم که بگرد او جمع آمده اند نجات بدهد بیشتر مکالمه را جایز ندیده غر غر کنان روان شد :

خدا بزند شما را یک کمی ازین آب ها بسرک های دیگر بزنید که آدم ها بین خاک غرق شود .

آقا و نوکر :

آقا بنوکر خود میگوید : این ماست ترش را کدام خانه خراب آورده نوکر آقا ماست تازه و بسیار اعلی است مخصوص دکاندار آشنا بسر شما قسم خورده که یک هفته برای شما نگهداشته .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 391 of 896

بالایه مولوی محمد ابراهیم کاموی نماینده ورکن جمعیت العلما درمجلس افتتاح تعلیم گاه پیاده

فواید تحصیل فنون عسکری

استعمال و آلات حربی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم

اعدو الهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله وعدوکم الخ (الایه) ترجمه : ای مسلمانان آماده سازید برای کفار آنچیزیرا که میتوانید از قوت واسب های بسته تابترسانید بآنها دشمنان خدرا که دشمنان دین و دشمنان شما که دشمنان وطن میباشند .

بنابران بهر فرد مسلمان لازم است که بموجب حکم آیه شریفه فوق تحصیل علوم عسکری را بجا آورد تا بتواند از اثر رهنمائی آن در محافظه وحمایت مملکت خود از تعرضات وتجاوزات دشمنان دین و وطن حصه بگیرند ، وتجربه رسیده که در اکثر مواضع عمل بدون علم نتیجه بد محجه نگردیده ونمیگردد علم بدون عمل نیز همچنین مثل شجر بلاثمر شود ومنفعت کافی نمی‌بخشد لاکن چون علم مقدم ومنبع عمل ومنشاء و سبب ومحل ترتب اعمال گفته می شود لهذا علم را اثر زیاد داده می شود چنانچه بارها دیده شده که اشخاص تمام یافته فنون عسکریات در موقع و مواضع محاربات ومدافعات بانحاد مواضع حرب و مبارزت در میدان محاربه و سوقیات عساکر منظم ترین اصول را بکار برده توانسته وضمنا در دفع دشمن وانسداد تعرض وتجاوز آن مظفریت و منصوریت تام را حاصل توانسته اند اما اشخاصیکه از علم وفن حرب بی بهره بوده اند از اعمال وسایط و مفکوره های حربیه عاجز مانده و در نتیجه جنایت و بزدلی وبی استقامتی ورعب و ترس و بیم برایشان مستولی گردیده تا که خود ایشان اسیر و وطن را دچار مشکلات گردانیده اند که تاریخ محاربات گذشته شاهد و دلایل واضح این امثله شده میتوانند و حاجت باثبات نیست .

پس معلوم شد که مدار عروج و ارتقا وتعالی در فتوحات علم است که بدان عمل کرده شود علی الخصوص دراین زمان که قحط الرجال گفته شده عرفان و شجاعت بدرجه لزوم ناموجود افراد جامعه در عیش وعشرت گرفتار ودشمن برای حصول مقصد خود درساعت آماده و بیدار و همه وقت ناظر و منتظر است که کدام وقت باشد که حصه وطن را اعدا بخواسته ابقه خود سازد بنابراین میباید که افراد وطن غفلت و کاهلی وتنبلی را در راه تحصیل فنون عسکری راه نداده از نهایت جدوجهد شوق و ذوق خود کار گیرند تابعد از تحصیل علوم حربی و حصول استعمال وسایط آن در اثر شجاعت وجرئت فطری خود بموجب امر اولی الامر (پادشاه اسلام) گوی سبقت دنیوی و نیکنامی را برای خود و اولاد خود حاصل نمایند از حضرت مکحول روایت است که جناب حضرت عمرفاروق رضی الله عنه به اهل شام نوشته بود که برای اولاد خود علم حربی متقاضی العصر را که عبارت از رمی سهم (زدن تیرها) و سواری اسب هاست نشان بدهد که بواسطه تحصیل آن حفاظت دین اسلام و حمایت وطن حاصل شود ونیز رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه صفت سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه را می فرمود که در علم حربی بسیار مهارت داشت علاوه ازین رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه تحضیض وتیزی می فرمود درباب مشق تیر زنی بطوریکه داخل مقاصد حربی باشد از روایت عقبه ابن عامر نیز ثابت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به صحابه کرام می فرمود که جهان بسیاری از وطن برای شما فتح گردید ، تکالیفات و زحمات شما بطرف خواهد شد پس باید ترک تمرینات تیر اندازی نکنند و آیه شریفه فوق را بالای منبر سه مرتبه خوانده تکرار فرمودند که مراد از قوت در آیه مبارکه مذکوره تیر زدن است .

از این جهت تعلیمات حربی بر هر فرد مسلمان سنت و ترک آن ترک سنت وبعبارات ترک آن عتاب است .

اگرچه در فوق راجع به تیر زدن و اسپ سواری ذکر شدم و امروز درعوض آن توپ و تفنگ طیارات غازهر دار تنك و ماشیندار . . . . وغیره استعمال می شود گفته می شود که مقتضی محاربات آنعصر ، آن وسایط و مقتضی این عصر این وسایط اند که هر دوی آن در وا و محافظهٔ وطن و مدافعه دشمن بداخل نسبت یك مقصد حقیقی بکار رفته ومیروند

بنا بر این افضلیت عسکری چه از حیث دیانت و چه حیث بر قراری امنیت یك مسئله جدیدی نبوده بلکه از خیلی قدیم است که مشتمل بر صفات متعدده بوده و ما دربنجا چندی از آنرا مختصراً ذکر می نمائیم :

۱ ـ رضامندی مادر و پدر ،

۲ ـ ادای امانت خدا وند تعالی جل شانه مثل نماز و روزه . . . . الخ ،

۳ ـ عدم تظلم بر رعایا ،

٤ ـ داشتن اخلاق حسنه یعنی چیزی را که بخود نه پسندد بدیگران نه پسندیدن

٥ ـ در اطاعت امیر خود محکم ماندن ،

٦ ـ در میدان محاربه از تدبیر کار گرفتن و ثبات نشاندادن ،

۷ ـ در برابر امر اولی الامر عذر و خیانت نه نمودن ،

۸ ـ در ادای خدمت عسکری رعایت امر اولی الامر را مد نظر گرفتن و اعزاز دین و وقار جامعه را ملاحظه نمودن ؛

۹ ـ از دراز کردن دست تسلط واغراض بحقوق غیر یکلی احتراز کردن ،

۱۰ بارفیقان ومصاحبان خود بنهایت احترام و ادای انسانیت ومدنیت واسلامیت پیش آمدن وحتی الوسع در امداد یکدیگر خود در هرحال ووضعیت برداختن .

وقتیکه عسکر چه صاحبمنصبان و چه افراد باین صفات که ذکر آن رفت متصف بوده وباشند در حقیقت از همه مسلمانان در طاعات وعادات خود بهتر و در محل اجابت بیشتر و مرجع فیوضات رحمانی بیشتر خواهد گردید گویا برای خود صفت مجاهد حقیقی راحاصل کرده محافظه دین و وطن وخدمات جامعه بشری که از بهترین طاعات الهی است درید قدرت او باقی خواهد ماند .

اندرز

بیاموز و بشنوز هر دانشی
دگر با خرد مند مردم نشین
که دانا اگر دشمن جان بود

بیابی ز هر دانشی رامشی
که نادان نباشد بر آهین ودین
به از دوست مردی که نادان بود

شجاعت عسکری

شجاعت که بیك نام معین یاد می شود خاصه های متعددی دارد که یك با دیگر مربوط بوده و بیك مجموعه آن میتوان استفاده مطلوبه خودرا وضع نماید در بن صورت ما اقسام مهمه آن را که ازان هیچوقت صرف نظر نمیتوان شد میخواهیم که بسط و بیان نمائیم .

۱ ـ دزدلاوری شیرصفت بودن بدرجه که تدبیر اجازه دهد .

۲ ـ در مقابل دشمن دین و وطن هیئت های شان و مسلك و وقار ملت و حکومت و دولت خود را بدرجه اخیر محافظه کردن و عیناً آنرا تمثال کردن

۳ ـ اعضا و اندام ها را برای اجرای محاربه بمقتضای حرب آماده ومهیا گردانیدن

٤ ـ درمقابل حالات گونا گون دشمن از ثبات وتدبیر کار گرفته پشت ندادن .

٥ ـ در حمله بر دشمن طوریکه تدبیر و قرار فیصله کند گرگ چته بودن .

٦ ـ افراد منصبداران خـود را در هر امر و وضعیت اطاعت و فـرمان بر داری نمودن .

در خاتمه دعای مظفریت و منصوریت عسکر شیر جگر افغانستان را بزیر لوای اعلیحضرت شاه افغانستان بجا آورده ترقیات مقتضی امروزه اردوی افغانی را مطالبه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 393 of 896

مؤلف : له بلانيه فرانسوی   (۱٦)   مترجم : حبيب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل هشتم

(تسليم شدن شهر وردن)

مردن را بر حيات بی شرفانه که ديگر هم وطنانش بران فخر ميکردند ترجيح داد يك ساعت بعد تا بوت اين وطن خواه حقيقی را به بسيار شان و شوکت بطرف عمارت بلدی بردند و همان اشخاص که او را مجبور بانتحار نموده و جسد او را مانند پيروی اعزاز و اکرام نمودند بساعت يك بعد از ظهر دروازه های (وردن) بر روی دشمن باز و شاه پروس در ميان کف زدن های اهالی داخل گرديده سر راست به عمارت بلدی رفت حاکم شهر در دعوتيکه بشرف و رود کامیابانهٔ شاه ترتيب ديده بود او را با سکندر اعظم که شهر بابل را فتح نموده بود تشبيه کرد راه وردن و پاريس باز و گرفتن پاريس بيك حمله ديگر منحصر مانده بود .

عساکری که برای مدافعهٔ دشمن جلب شده بودند با ساخلوی خود شهر به نظام حربی از شهر بيرون شدند اه بدر که بدرجهٔ کاپيتانی ترقی نموده بوده حکم گرفته بود که با ژنرال هيژدهم عساکر شمالی ملحق شود ودر حاليکه ازين خيانت صريح مامورين و اهالی (وردن) خونش بجوش بود با سر بازان خودش طی مراحل می نمود .

فصل نهم

(ژيماپ)

در اثنائيکه فرانسه به سکرات انقلاب گرفتار بود (دانبير) ميگفت در چنين يك وقت اقدام بحرب ديوانه گی محض است ولی بهر صورت فرانسه بايد بجنگد حقيقتاً دران وقت محاربه ديوانه گی بلکه انتحار هم گفته می شد ! نه سر باز و نه سلاح نه پول و نه تفنگ زيرا اينها همه شاه پسند و خائن ، زير دستان شان همه نا لايق و کم تجربه ! چيزهای که اجازهٔ محاربه را بفرانسه ميداد به کلی معدوم !

عسکری که موجود بود تلاق سر بازت ران ها ظلم ! همه از فن حرب بيخبر با سيخ ها و شاخی ها مسلح دسپلين نام چيزی را نمی شناخته ! اينها طبقهٔ ادنی اهالی بودند که در يك لحظه به وجد آمده هر آنچه که بدست شان افتاده گرفته بی سر و بی سامان به نجات وطن محبوب خود شان می شتافتند ولی حدت و گرمی و تهوری که داشته بسياری از نقايص شان را جبيره ميکرد و اينها را در مقابل عساکر منتظم و باقاعدهٔ دشمن فاتح می ساخت دسته های عساکری در مقابل (ژيماپ) جنگيدند راست است که در زير فرمانده افسر های تعليم يافته و فعال مثل (هوش) و له فيور جنگيده اند ولی نبايد از رشادت و شجاعت خود سر بازان چشم پوشی نمود همين سر بازان و افسران شان بود که برای بيست سال مابعد ستونهای عمارت حکومت نا پليون را تشکيل داد بتاريخ ٥ نومبر ۱۷۹۲ تمام در وقتيکه آفتاب ميخواست در پس افق که پنهان بشود واشعهٔ خونين خودش را برای لحظه های آخرين بر اراضی سر سبز فرانسه نثار می نمود عساکر جمهوريت در مقابل استحکامات ژيماپ ايستاده ند بلندی های اطراف قصبه (مونز) در اشغال اتريشيانی و بواسطه داشتن استحکامات اين سه نقطه قلعه های همجوار را غير قابل تسخير گردانيده بودند . باطری های توپ در جا های مناسبت نصب و تير جيان مشهور (تيرول) در جنگلهای قريب وجوار بکمين نشسته بودند . وساله هم واديهای اطراف دهات را در تصرف داشته آماده بودند که بر فرانسوی های بی سلاح اگر جرئت حمله بکنند ، تاخته اينها را از ميان بر دارند !

قوماندان عساکر اتريشی دوك (ساکس تاشن ومعاون (و جنرال وکيلر فيت) يك افسر نهايت قابل ومهم بوده که مشوره های عاقلانه او اکثراً از طرف مافوقش رد می شد . کيلبرفيت از هجوم مشهوراه فرانسويان خوف نموده تجويز يك حمله شبانه را بر دسته جات شان که بتازگی رسيده بودند پيش نهاد کرده بود تا آنها را پيشتر از اينکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 394 of 896

نمی‌توانند بنظام حربی مقابله کنند تارومار گردانند یقین است که عساکر بادسلین ومنظم استریا با چنین یك حمله فتح می‌شدند ولی از رسائی طالع وطن‌پرستان دوك حمله‌های ایشانرا یك عمل پست و نامناسب شان یك اردوی مقتدر تلقی کرده منتظر یورش فرانسویان نشست زیرا یقین کامل داشت .

فرانسوی های اتحاد در مقابل اردوی امپراطوری تاب آورده نمیتوانند ؟ (مورتی) از این سکوت وسکونت قوای دشمن استفاده کرده سربازان خودش را در مقابل قریه (زلباپ) یك خط نصف دایره موضع داد . حکم این بود که دسته جات پیاده آهسته آهسته پیش روند و رساله در عقب یك فاصله معین موضع بگیرند . توپ خانه بر یك موقع مهمی نصب گردیده بود که هم بر داخل وادی حاکم و هم دهاتیکه بتصرف دشمن بود زیر بمباران گرفته و از هم جدا بیندازد (هوسارها) و (دراگون ها) در بین (کریزم) و (زلباپ) جا گرفته راه را بر رساله استریا مسدود داشتند .

باینصورت از سبب بندر حصه زیادی باقی بود که خط جنگ فرانسویان قریب گردیده آماده محاربه فردا شدند و چون از طرف دشمن بکلی مطمئن بودند که حمله نخواهند کرد .

برای لحظهٔ استراحت چشم بر هم نهادند در وسط (زلباپ) و هر دو اردوگاه شاتوی اوندال که از خط فرانسویان شبها بواسطه یك چشمهٔ خوردی جدا میشد واقع بود . این شاتو از آتش توپخانه استریا در پناه بوده تپه کوچکی محفوظ مانده . چون تقریباً در بین دو اردو و در یك منطقهٔ بیطرف واقع گردیده بود از آنرو جولانگاه کشافان جانبین شده مانده بود دستهٔ از کشافان فرانسه با دسته از قراولان استریا همین در زیر دیوارهای شاتو باهم بر خوردن بعد از تبادلهٔ چند تیر تفنگ بر گردیدند و باردوگاه‌های خود از تصرف طرف مقابل بر قلعه را پوره دادند و باینصورت قلعه از طرف هر دو اردو بر آمده بدست صاحب حقیقی آن ماند . بارون یك روز پیشتر از ورود عساکر فرانسوی در شاتوی خودش رسیده و چنانچه قرار داده شده بود مارکی (دولاولین) و دخترش نیز باو ملحق گردیده بودند اولین کار بارون تهیه لوازم عروسی خودش بود اگرچه مارکی نسبت بانتخاب منتکلی برای چنین یك امر مهمی که دشمن مرا داو از فرانسویان بوده در هر لحظه میتوانست برانها حمله کند اعتراضات خودش را به صراحت اظهار نموده بود ولی بارون بواسطه عشق مفرطی که داشت بر اعتراضات او گوش ننهاد بینا برای قانون دانی را از (زلباپ) خواسته و بادری که قلعه بارون سکونت داشت برای عقد نکاح انتخاب نموده و مقرر داشت که عروسی نام به نصف شب واقع گردیده بعد از عقد شاه و عروس با مارکی بطرف بروکس راهسپار گردند و در آنجا منتظر نتیجهٔ محاربه شوند .

بلانش بمجردی که وارد قلعه شد خود را در اطاق مخصوص خودش محصور نمود و ملاقاتیکه بارون از و رجا نموده بود قبول نکرد جای خودش را کنار دریچه که یك منظرهٔ لطیف و وسیعی باز می‌شد انتخاب کرده منتظر ورود شخصی نشسته با قلب حزین و نبض جهان ساعتهای کوتاه زمستانی را که در نظر او هر کدام آن یك سال می آمد .

می‌شمرد تا آنکه شب پردهٔ ظلمت خودش را بر منظرهٔ مقابل دریچه کشید کاترن ظاهر نشد ! بلانش این نیامدن کاترن را بر سهل انگاری او حمل نموده و مطمئن گردید که کدام واقعهٔ مهمه او را از انجام وعده اش باز داشته است چون از حیات تازهٔ که قصاره بدان داخل شده بود خبر نداشت واقعهٔ که موجب غیاب او گردیده بود حدس زده نمیتوانست نمیدانست که کاترین با طفل او یکجا در اردوگاه فرانسه چند صد ذرعی شاتو راحت بسر می‌برد کاترین از طرف خودش از رسیدن مارکی و دخترش در شاتوی بارون باسانی مطلع گردیده و بمجرد جا بجا شدن در اردوگاه بلانش را اشد تا ما در نگرانی را از سلامت او لازمش خاطر جمع دهد چون دید که قاصدی در شوقت پیدا کرده نمیتواند خودش عازم گردید که بشاتو رفته بلانش را به بیند .

(دنباله دارد)

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 395 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 396 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

❊ قیمت اشتراک ❊	
در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۴ »
طلبهٔ معارف	۷ »
در ممالک خارجه	۵ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط حواله‌ی دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

«مطبعه انیس»

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 398 of 896

(شماره ۲۱۰)

(مجلد ۵)

انیس

اشتراك سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ٔ ارگ
موئسس وصاحب امتیاز : محیی الدین
مدیر و نگارنده :

۲ شنبه ۱۲ میزان ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰۶ | ۲۲ جمادی الاول ۱۳۵۰

ملیت و حکومت

همه میدانند که دولت از ملت تشکیل یافته واساساً تمام افراد مهمی که زمام اداره امور را در دست دارند آنکسانی هستند که بکثرت آراء و انتخاب عامه از جامعه هیئت اداری شناخته شده وحکومت را صورت داده اند .

تنها در وظایف جزوی تفاوت هایست که به بعضی مسایل ملت ودولت را بوضعیت های جدا گانه از هم ممتاز نشان داده و هر دسته را علیحده یك نوع اموری موظف میدارد .

این وظایف بیچاره در ظاهر خالی مهم گفته شود دانستن معنی وی قسمتهای یافتن عمل آن هم آنقدر بنظر اهل آن لذت آور است .

فقط فهم معانی است که برای انسان ذوق پیدا میکند وذوق روح سعی وعمل را تقویه کرده موجب انهماك وپیشرفت کار میگردد .

همانطوریکه حکومت از قیم کردن امنیت وحفظ حقوق جمعیت وغیره اسباب راحت وسعادت امور مسئولیت های خودش را برآورده و بانجا اینگونه خدمات می نازد ملت هم وظیفه دار است در بعضی اعمال بمعاونت های مالی ومعنوی همدست حکومت شده در فراهم ساختن وسایل مدنی وظیفه تعاونی را اختیار ودر بیشتر قسمهای آن شریك بل مایه افتخار باشند .

حکومت اگر بحیث محدودترین موسسه عقلی خیروشر بالفعل وضرر ملت را سنجیده حتی توسیع بدون تعاون عمومی هم در جلب منافع ملی ومملکتی خود را قوه مجرایه دانسته وکار میکنند ملت هم نباید تارك وظایف شده در کل وجزو امور بدون معاونت ، حکومت را مسئول تمام نواقص بشناسند در وطن ما بعضی افکار سطحی که بنسبت برخی نواقصات هدف تنقید خود شان حکومت را قرار میدهند اگرچه برخی تنقیدات بلحاظ هم تمیز میشود باز به نسبت آنها یك سر راست متوجه حکومت می شود گفته میتوانیم یك اشتباه وسوء تفاهمی است .

چه بیشتر این نقصان ها از عدم فهم یا بی ذوقی ملی شناخته می شود مثلاً : عدم پیشرفت مسایل صحیه نایابی ادویه و ذرایع معالجه ، معوق ماندن شرکت های ملی ، [illegible] گردیدن از آن موسسات و اتلاف سرمایه آنها مقصد هرچه ازین قبیل باشد اکثراً ترقی اینها منوط بفعالیت و جدیت ملت است و تنزل شان از نابلدی وعدم لیاقت خود ما . اینجا ر میخواهیم یك مبحث بزرگی و تصور نشود ما بطرفداری حکومت صحبت میکنیم معاذ الله جانبه ملیت ما کجا ندارم احتیاج اثبات نداشته باشد فقط از پهلوی انصاف و باز بتاسف آنکه چرا ذوقیات ملی را در ابهاد یك قسوم کشته و آن احساساتی را که سایر ملل دنیا دارند ، محروم از آن باشیم ، عرض مطلب خواهیم کرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 400 of 896

آقایان با سواد و باصطلاح جهاندیده که باطراف و اکناف عالم سیاحت کرده باشند دیده خواهند بود که در همه جای دنیا اگر یك مکتب رسمی از دولت تاسیس شده بصد ها مدارس و بنا های بزرگ عرفانی از قبیل کلاس های اکابر روزانه مدارس لیلیه کلوپ های اسپورت دارالتربیه ها بنام ملی ، از جانب افراد حساس و متمول بمنافع روحی ملت بر پاست تنها پروگرام و امتیاز آن ها به اجازه و تصویب وزارت معارف حکومت موافق خواهد بود .

همچنان اگر یك شفاخانه دولتی برای تداوی ملکی یا نظامی وجود دارد هزاران مریضخانه های ملی برای خدمت جنس جامعه مجانی و غیر مجانی اظهار آماده گی میکنند آنتیك ها (دوا فروشی) که در بازار های عالم ولا تعد ولا تحصی است یا که کمتر دیده شده که کدام دوا خانه دولتی باشد همه ملی و تجارتی است

همینطور شرکت های تجارتی و اقتصادی یا موسسات فنی وصنعتی مانند فابریکه های نساجی نخ تابی تجارتی آهنگری روغن کشی و .... در همه جا باجلب متخصصین آنها به پول ملت از خارج خریداری و در داخل ممالك دایر می گردد ، فقط حکومت بعضی امتیازات برای آنها داده و در فراهم کردن تسهیلات نسبت به تخفیف گمرك در داخل ویا حقوق ترانزیت درخارج ؛ حکومت به امتیازاتی معاونت میکند .

هکذا تمدید خطوط شوسه وتیلفون و تلگراف باذرایع پسته رسانی را دراغلب مواضع به تصویب واجازه حکومت ، سرمایه داران ملت عهده دار شده اند .

حتی معاونت های ملی وتکفل وحمایت جانی از فقرا وایتام را نیز ملیون وظیفه دارند که بوسایل موسسات خیریه ونافعه از قبیل تیاتر وغیره تماشات پولی فراهم آورده در موقع شدید گرما وسرما و بحرانهای اقتصادی حیات وراحت آنها را تامین کنند ، امروزه همه اینها را فراموش کرده وباصطلاح نباید دودسته حکومت بچسپیم حکومت چکند ؟

حکومت در تعمیم معارف بکوشد حکومت برای ما کلاس اکابر و کلوپ تهیه کند حکومت دوا فروشی کند حکومت شرکت ملی تاسیس کنه حکومت گدا ها را سیر و برهنه هارا بپوشاند .

اگر همیشه حکومت وظیفه ماهارابگیرد بوظایف عمده خود چه وقت خواهد توانست رسیده گی کند اگر از وجه انصاف بگوئیم همین کار هائی که در اکثر جاها از ملت باید صادر شود حکومت ما بافشار های اقتصادی وغیره که در انقلاب دیده عین همه را انجام داده است .

بار کاشکه در آن موضعی که ما ازدست حکومت داد میزنیم افراد متمول کثر داشته باشیم آقایانیکه برای حفظ شئونات وبسط نفوذ خود در هر سالی ۲۰ هزار روپیه حقوق مستخدمین شخصی میپردازند وپنجاه هزار روپیه خرج دسترخوان دعوتهای حکام برای سر بلندی نزد سیال وشریك میدهند یك روپیه عفت خوران ولگرد نقد وجنس میرسانند تا هرصبح وشام در هر کوچه وبازار برای شان دعا کنند واز آنها تعریف و توصیف نمایند دولك روپیه بنام تقاوی بخشنودی دهاقین ولی بغرض احتکار غله مایه میگذارند و ... چه ضرر دارد نصف بابت مخارج یك سال را بدهند بتاسیس یك دوا خانه ویا افتتاح یك مدرسه ملی ویا اقلاً کمك کنند بآن موسسه یا افاده که بپول صد ها نفر غریب وفقیر را قربان تجربه وریاست خواهی خود کرده اند تایك وقتی نزد جامعه خصوصاً نسل آینده ملت مجد دات روحی وجسمی نوعی سرهائی بافتخار بلند داشته وبك نویسنده بیچاره راهم به تنقیدات بی مورد مجبور نسازند .

سیاست عالم :

اینده بریطانیا

این مقاله بقلم پرفسور هارولد لاسکی که یکی از بزرگترین نویسندگان سیاسی و معلم علوم سیاسی اقتصادی در اونیورسیته لندن باشد نوشته شده و در مجله « فوروم » امریکا انتشار یافته که درینجا از روزنامه اطلاعات اقتباس گردید

• هر کس که امروز امعان نظر در اوضاع بریطانیا بنماید بدون شك احساس یك انحطاط و پستی در تمام امور و طبقات مردم مینماید و ناچار تاثیر این انحطاط اقتصادی در مدت ده سال اخیر در عقول افراد مردم رخنه نموده و نمیدانند که حقیقتاً چگونه از این ورطهٔ هولناك خود را نجات دهند .

• همه ضرورت اصلاح امور را حس کرده اند ولیکن هیچیك از زعماء و زمامداران معروف دارای آن شهامت و شجاعت لازمه و توانائی و قدرت کافی نیست که این اصلاح حیاتی را اجراء نماید بدبینی نسبت بنظامات و رژیم حزبی امروز خیلی زیاد و در تمام مردم دایره آن وسعت بهم رسانده و در آنجا یك تنفری نسبت بنظامات مذکور وجود دارد که روز بروز در ازدیاد است پیش از پیدایش طبقهٔ جوان مملکت که آنها کنون در شك و تردید هستند که آیا رژیم پارلمان کنونی لیاقت و کفایت حل مشکلاتی که امروز با آن مواجه شده اند دارد یا نه ؟ آیا روش فعلی می تواند اشکالات موجوده را مرتفع سازد ؟

• در مقابل دوره انتقالی که تمام ملل با آن مواجه میشوند ، نمی توان سرنوشت و مقدرات انگلستان را پیش بینی کرد چه ، انتقال مزبور بطور حتم مردم را ناگزیر از این خواهد نمود که در افکار و نظریات خود تجدید نظر و مطالعه نموده و بر حسب مقتضیات و پیشرفت هائی که حاصل کرده اند افکار خود را تنقیح و اصلاح نمایند و در همین تجدید نظر و مطالعه است که آثار یك آشوب و غوغای قوی که در ادوار مختلفه تاریخ بر اثر نزاع و زد و خورد شدید بین رژیم اریستوکراسی و رژیم دمکراسی بروز مینمود ظهور می نماید .

• یك قرن تمام بر ملت بریطانیا گذشت و سیاسیون او مسائل مربوطه را یکی پس از دیگری حل کرده بدون این که ارتباطی بین این مسائل قایل شوند و آنها را بطور محکم بهمدیگر ربط دهند در آنجا یك سیستم خاص و سیاست ثابتی وجود نداشته است که کارها عمومی دولت را بجریان اندازد تا جائیکه از گفتگو و مذاکرهٔ در تجدید آینده و هدف مقصود ملت بریطانیا خود داری و اجتناب میورزیدند .

• تا امروز این مسائل را نظر باعتیادی که بسیادت و تسلط خود در بازار های دنیا داشتند خصوصاً بازار های مستعمرات برای حفظ حد متوسط رفاهیت و آسایش زندگی عمومی بالنظر سهل انگاری انگریته کار ها را آسان میگرفتند ، ولیکن وضعیت تغییر نموده و پس از نابودی و زوال یك قسمت از آن سیادت تا محدود اینجاست که ما سئوال میکنیم که چگونه میتوانند این حد متوسط و میزان فعلی زندگی را در صورتیکه وضعیت بهمین حال کنونی باقی بماند حفظ کنند ؟

• برای اینکه وضعیت حاضره را خوب بفهمیم باید اوضاع یك قرن پیش از این را هم مورد مطالعه قرار دهیم چه ، آن اوضاع هم تاثیر مستقیم در وضعیت و نظام زندگی حاضرهٔ ما داشته است بریطانیا دریك قرن پیش دو طبقه بر آن فرمانفرمائی مینمود ؛ طبقه هویکس (عالی) و طبقه توریس (متوسط) این دو طبقه از حیث آیده آل و غایت مطلوب خویش و مسائل دولت محبوب خود اختلاف مهمی با یکدیگر نداشتند و باین ترتیب سلطهٔ آنها تا سال ۱۹۰۶ باقی مانده و مسائل با یك روح عدم مقاومت و شدتی مطالعه و حل میگردید

و همین باعث تدوین قوانین راجع بکارگران و از دیاد بعضی مزدها و اسعار شده بدون اینکه مقاومت و مبارزه با آن شود بعضی ها حل مسائل مزبور و وضع قوانین مذکوره را در اثر تفوق کارخانجات بریطانیا و طبقه حاکمه که احتیاجات مزبور را بدون اینکه بسرمایه آنها لطمه وارد شود از منافع هنگفت خود مزد و اجرت را میپرداخته اند میدانند .

این وضعیت بهمین منوال باقی بود تا آنکه حزب کارگر روی کار آمده نمو و رشدی نموده و در میدان مبارزه رجال دیگری که از جهت آراء و عقاید مبادی و فلسفی با رجال احزاب قدیمه اختلاف داشته ظهور و خود نمائی کردند و اتحادیه های کارگران که از سال ۱۹۰۰ اهمیتی پیدا یافتند بیش از پیش اهمیت پیدا کرده چه آنها اکتفا بحل مسایل مربوط بکارگران و ترقی و بهبودی احوال و اوضاع خود نموده بلکه مسائل مهمتر از اینها را عهده دار حل آن ـ شده از قبیل ایجاد نظامات و قوانین مخصوص برای صنایع که نقطه مقابل قوانین اساسی سیاست بود ، و برای اینکه حکام و نمایندهگان در انتخابات آراء کارگران را بنفع خود تمام نمایند ناچار بودند که در باب تقاضای کارگران توجه و اعتناء نموده و آن تقاضا ها را در یک ـ ردیف از امور سیاسی قرار دهند و بیابت هر چیز بجای خود باید جریان پیدا کند .

را کنار گذاشته و در عوض سیاست اشتراکی را پیش کشیده و باین ترتیب شروع بوضع لوایح برای حل و اصلاح امور مربوطه به اختلاف بین زندگی طبقاتی نمود تا اینکه آن جوان کار آمد یکقسمت از عایدات خود را هم صرف آن شخص فقیر بنماید و موضوع تقاعد و تهذیب ایجاد نگردید مگر از این راه ، یعنی راه مساوات بین زندگی افراد ملت .

و جنگ عمومی دنیا جریان امور را تغییر نداد ولیکن ، بسرعت ـ بسرعت عجیبی این سیستم کار را بمعرض ظهور آورده و کمترین نتیجه آن انتخابات عمومی بود .

چیزی که بیشتر این جنگ را اهمیت داد همانا نیاز مند ساختن بریطانیا بود که با اخراج هنگفت و کمر شکنی که باو تحمیل گردید او را محتاج ساخته و این تغییر اقتصادی در وقتی پیش آمد که مقرون بهبود حمایت گمرکی در میان دول دیگر بود ، و قسمت عمده از بازار های بریطانیا که تجارت او با آنها متکی بود از دستش بیرون شد خصوصاً بازار چین و هندوستان .

گذشته از اینها که بجای خود کمال اهمیت را دارد . رقابت بین المللی در رشته صنایع و تجارت بریطانیا را جرح و بی توسعه بهم رسانده ، در حالیکه انگلستان بخودی خود قادر برقابت با آنها نبوده و نتوانست با اختراعات جدیده و یا آنکه با سیستم تجارتی جدید ، در قبال رقابت دول دیگر که صورت بین المللی بخود گرفته بود جواب آنها را بدهد و مقاومت کند ، و جنگ عمومی هم بعضی از مستعمرات او را مثل کانادا ، استرالیا افریقای جنوبی یک ممالک مستقل نمود و باین ترتیب تأثیر اقتصادی او در امپراطوری انگلستان نقصان پیدا کرد .

در سال ۱۹۲٤ کارگران در سیاست خود موفق گردیده و شروع بمناقشه و رقابت با سیاست محافظه کاران را گذاشتند و تخمین اختلاف آنها حقوق مالکیت و طرز آن بوده زیرا آنها نمی توانند و [illegible] مقصد خود را عملی نمایند مگر وقتی که رژیم و نظامات موجوده را یک تغییر اساسی و حقیقی بدهند .

فکر اساسی آنها تساوی زندگی در تمام مراحل حیاتی میباشد و طریقه که برای عملی کردن این فکر در نظر گرفته اند این است که تمام منابع حیاتی دولت را اشتراکی نموده و بتوسط دولت اداره شود در حالی که محافظه کاران که در عالی راه و خط مشی قدیمی خود بر پا ایستاده اند ، اجرای فکر مزبور را باعث

خرابی خود دانسته و میبینند که اجرای این فکر بنیاد سلطه و فرمانفرمائی آنها را در هم فرو خواهد ریخت بین این دو فکر متناقض که برای هر کدام از این دو دسته منتها غایت مطلوب میباشد چه اقداماتی را ممکن است برای صلح جهان بعمل آورد ؟

موقعیت بریطانیای کبیر نه تنها از حیث امور داخلی دوچار اشکالات گردیده بلکه از حیث امور خارجی هم بمشکلاتی بر خورده زیرا بریطانیای کبیر دولتی است که زندگی خود را با تجارت خارجی خویش اداره مینماید و تجارت خارجی در محور صلح دور میزند ، و بنا بر این تحریم امتعه انگلیس در هندوستان و نهضت ضد بریطانیا در آنجا و جنگهای داخلی مملکت آسمانی چین ، اینها متضمن مرگ و یا زندگی بریطانیا است بامتعه ئی که حیات و ممات تجارت او وابسته بوجود این دو بازار مهم شرق و با این ترتیبات رسوم گمرکی حد بندی هم بر امتعه او وضع گردیده و فکر استقلال - استقلالی که مقرون بسیاست اکتفاء اقتصادی میباشد (مقصود نویسنده در اینجا گویا همان فکر محدودیت تجارت در حوزه ممالک امپراطوری کبیر انگلستان است که دسته از محافظه کاران و ایرلی ها بآن موافق هستند م .)

(باقیدارد)

رفع اشتباه

روز نامه شریفه اصلاح در سر مقاله شماره (۱۰) سال سوم خویش تحت عنوان (قابل غور مدیرات مستقله طبیه) شرح مبسوطی راجع به امور صحی مملکت و ترقیاتی که در دوره همایون اعلیحضرت غازی درین شعبه حاصل شده است نگاشته وضمناً مینویسد « .. لاکن چون احتیاجات صحی یك ملت بزرگ خیلی یك امر خطیر و با اهمیت است لهذا از طرف دکتوران معالجه همان قسمت مرض ها ممکن میشود که بپای خود و معاونت اولیای خویش تا شفاخانه نزد دکتور ها حاضر آمده یا دکتور برده میشوانند و یا آنانیکه در شفاخانه ها قبول گردیده و در تحت علاج بستری فتاده اند اما باید راجع به تداوی مرض هایکه قوه آمدن تا شفاخانه ندارند یا اشخاصیکه بیکس و ضعیف اند خود و یا دیگر ها رسانیده نمیتوانند از مدیرت محترمه طبی در موضوع تیمار داری شان نیز اقدامی بشود ... » این بود نظریه که روز نامه شریفه اصلاح راجع به تداوی اشخاصی که فوقاً مذکور یافت نوشته اند که ما در جواب ایشان لازم است چند سطری مینویسیم :

اول درباره مریضانیکه نوشته اند در شفاخانه ها ملاحظه و تداوی میشوند ما [illegible] که مینویسند واقعاً مدیرت طبیه بوسیله داکتر های متعدد و وسایل لازمه که در شفاخانه حاضر داشته و از هیچ رهگذر نقصی در آن ملاحظه نمی شود موفق شده است که هرچه مرضانی که بشفا خانه مراجعه مینمایند چه بصورت بشری و غیر بشری بصورت درست تداوی و علاج نماید ، چنانچه راپورت هائیکه از شفاخانه ها میرسد و تعداد معالجه شده گی مریضان (ذکور و اناث) را در هر ماه نشان داده و ماهم برای اطلاع خوانندگان مرتباً در نمرات مجله محترمه اشاعه نموده ایم برای تائید ادعای ما کفایت مینماید ثانیاً روز نامه شریفه اصلاح که در باب معالجه مریض ها که بشفا خانه رسیده نمیتوانند مینویسند . مدیرت طبیه از آنهم غافل نمانده وتا جائیکه مقتضای وظیفه ش بوده است اقدامات جدی نموده است چنانچه اولاً بلدیه بمکتوب نمره ۲۲ تاریخی ۲ حمل ۱۳۱۰ خویش درینموضوع ریاست بلدیه چنین نوشته است .

خلاصه مکتوب :

چون ریاست بلدیه مرجع اطلاعات عمومی شهر گفته می شود و تمام راپور ها از قبیل توالدی و وفات و مریضی شهر به ریاست موصوف میرسد لهذا ریاست بلدیه موظف است تا راپور مریضان و

صحیات

امراض جهاز تنفس

زکام :

از التهاب غشای مخاطی انف که اولین پارچهٔ جهاز تنفس است سبب زکام میشود خصوصاً در اطفال نوزاد از اینکه مانع جوشیدن سینه شده و اینکه عوارضات دیگر را از وسایه و سبب می شود خیلی با اهمیت است .

تداوی این :

شستن بینی است بواسطهٔ بعضی لوشن ها ومطابق امر وشیوه داکتر رفتار نمودن

خون بینی :

از زده شدن التهاب غشای مخاطی و زخم شدن انف که بعضاً وجود را رهن دار می سازد و امثال امراض مسری مثل محرقه و زیاده چرکین شدن رك های چرائین که صدمهٔ با آنها میرسد حاصل می شود .

تداوی آن از روی فهم حرکت کردن و معالجه نمودن است .

امراض گلون :

گلون یك التهاب عادی تصادف می کند که علامت ابتدائی آن قطع شدن صدا است .

بندیز که با آب سرد تر شده باشد به اطراف گلون پیچانیده بالای آن مشمع گذاشتن است . وعلاوه سر مریض را بالای کدام ظرفیکه درین آن آب جوش وبعض ادویه تبخیر که مخصوص برای مرض مذکور استعمال وبصورتیکه اطراف سر مریض مستور شود تنفس گرفتن و همکذا بذریعه آله های مخصوص بخارات را بگلوی مریض رسانیدن است .

خناق کاذبه که سن یك الی پنج به اطفال تصادف می کند وعلامه آن بحال صحت دفعتاً در شب سرفه ونفس تنگی اطفال است . این مرض آنقدر وخیم نیست زیرن کی صحت یاب می شود .

تداوی :

باطراف گلون پارچه ها یکه باب گرم ترشده باشد پیچانده وسر مریض را به بخارات گرم گرفتن است . این علاج فوری است . بهر صورت بدوکتور مراجعه کرده بشود .

التهاب حقیقی گلون از تاثیرات مکروب (لد لر) در اطفال دیده می شود . و اکثر نتیجه آن بدفتری خناق می شود .

علامات ابتدائی آن :

در نل تنفس (شریان تنزل) پارچه های کاذبه عارض شده صدا پست می شود وسپس خپ شده آواز قطع می شود . نهایت اگر تداوی آن بخوبی کرده نشود این عوارضات رفته رفته زیاد شده مریض را شتابی خفك می سازد .

تداوی :

اول باول در تداوی دفتری (خناق) پیچکاری سیرم آن است . این سیرم در شیشه های کوچك به مقدار ۱۰ سانتی ترکیب وموجود میباشد . مقدار پیچکاری در اطفال نوزاد ۱۰ سانتی متره مکعب

(بقیه صفحه ٥)

فوتی ومولدی را بمدیریت طبیه بفرستند تا مدیریت طبیه در مقرر نمودن داکتر ها بالای مرضان وغیره اقدام نماید . . . .

چون مکتوب مذکور از طرف ریاست بلدیه بجواب مکتوب های تاریخ ۱۷ حمل و ۲۰ حمل خویش موضوع بیشتر را تعقیب کرده و وظیفهٔ که درین رهگذر داشت اجرا نموده . و روز نامه شریفه اصلاح برای تائید دعای ما میتواند بوسیله نامه نگار های خود از اوراق ریاست بلدیه معلومات بگیرد .

نگارنده مجموعه صحیه (لطیف)

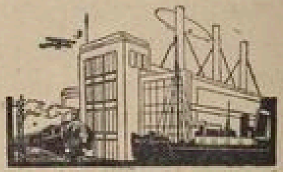

خبرهای فنون و اختراع

آلتی که بوسیله چشم از اسرار درون خبر میدهد

بعضی اوقات در عالم اختراعات چیز های پیدا میشود که علاوه بر غرابت فوق العاده ای که دارد برای جامعه بشریت آتیه عجیبی را نشان میدهد دو روئی و دو رنگی و ظاهر سازی میان مجامع بشری سخت نفوذ دارد و حتی میتوان گفت محال است حقیقةً کسی را شناخت زیرا پرده های ضخیمی از تملق چاپلوسی روی اشخاص کشیده شده و حقیقت آنان در عقب آن از افکار مستور مانده.

هیچوقت ممکن نیست بتوانیم از افکار و اعمال دیگران بخوبی اطلاع پیدا کنیم بسا میشود سالها با کسی معاشرت میکنیم و از رو حیات و اخلاق او اطلاعات کافی در دست نداریم مثلا مجرمینی که مرتکب جنایت ها میشوند اگر در طرز جریان قضائی ما بصیر باشند میتوانند با زردستی و مهارت قضات و محققین را باشتباه اندازد و خویشرا در پیشگاه عدالت بیگناه وانمود کنند اخیراً یکی از علما موفق باختراع دستگاهی شده که بوسیله آن ها عدسیکه طبقه چشم را عکس میگیرد و نظر باینکه افکار درونی در شکل انعطافه اثرات مخصوصی مینماید پس از مراجعه بعکس از افکار و خیالات درونی اطلاع میدهد فرض کنید مجرمی در برابر مستنطق با کمال مهارت بسوالات او جوابهای ساختگی میدهد این است که در برابر چشم او نصب شده مرتباً در هر دقیقه ودر هر موقع هر سئوالی از او عکس میگیرد و بعد از ختم استنطاق بوسیله مراجعه بعکسها و مقایسه آنها از صحت و سقم جوابها اطلاع پیدا کرده و حقیقت را بزودی کشف مینمایند و بهمین قرار کسانی که آنچه بر زبان میرانند بر خلاف چیز هائی است که در دل دارند وقتی در مقابل این آلت غریب واقع شدند فوراً صنع افکار شان معلوم میشود و پرده تزویر و ریا پاره میگردد.

(عرفان)

« بقیه صفحه ۶ »

واز سن یك الی چهار ساله ۲۰ سانتی مکعب وبالاتر از سن چهار ساله ۳۰ الی ۴۰ سانتی مکعب پیچکاری کرده میشود.

اگر به دفتری (خناق) بودن کدام مریض اشتباهی پیدا گر پیش شود، قبل از معاینه نمودن میکروب آن در تحت بافت های جلد بدیوار معده بواسطه پیچکاری تعقیم شده (انتی سپتیك) سیرم دفتری را پیچکاری مینمایند در اشخاصیکه بمرض خناق گرفتار می شوند یك ال از خزعال گذرانیده عملیات اجرا می شود

(سید حفیظ جاهد)   باقی دارد

ادبیات

چو یك در بسته گردد صد در دیگر شود پیدا خوشه چینی ما خوشبختانه از خرمن های ذوق نوجوانان وطن هیچوقت بی بهره و نصیب نخواهد ماند.

در عوالمی که امید و انتظار ستون های ادبی جریده ما از انجماد و افسرده گی ادبا میخواست بدل بیاس شود نزدیك بود غافل بشویم ازینکه در گوشه و کنار انجمن تازه نهالان برومندی عرض رسائی وزیبائی دارند که صداهای

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 406 of 896

ما را بی جواب نگذارند .

مقاله ذیل رقم ورشحه کلک رسای آقای عبد الملك خان متعلم صنف دهم مدرسه امانی است که در صنف خودشان موضوع ماه گرفته گی را بهدایت معلم خود بطور مسابقه نوشته و به اداره ما برای نشر فرستاده اند البته هم قطاران عزیزشان هم هرچه ازاینگونه اثرات در رشته نگارش آرند آینده محل نشر وذوق آزمائی شان (جریده انیس) را خواهند شناخت .

***

ماه گرفته گی :

انسان در محیط زندگانی خود طبعاً عاطفه بشری را مالك است . جذاحساسات هرکس از طلعت گل ، نالهٔ بلبل ، گریهٔ آبشار ، شمیم نسیم شاخسار ، تجلی آینه‌داری مه در ظلمت شب و طلا کاری خورشید در صحن چمن متهیج میگردد . معذلك میتوانم بگویم کاهی نبوده که از صفحه تحریر یك ادیب زبر دست ورده تصویر بشر سام همی در دانه های اشکم را در رشته نکشیده بر کوتاه بخته باشم و دران حال جریان قلمم را شدید و تاثرات رقیقم را تجدید نکرده باشد .

عصری در کنار سبزه و لب نهری نشسته ام ، نسیم باکمال محرمیت از مشاهد شاخسار درختان عاو در هم مجده عبور میکند ، بلبل درشاخ گل مسرت را آشکار و گلبن بر فرش چمن عکسش را بدیدار میسازد . اشعات آخرین آفتاب وتار های زر فام خورشید تنها سرهای درختان و بلند پایه شاخه را تجلی میدهد . درمیان عالم طبیعی ومناظر قدرتی محو و مستغرقم از یکطرف چهرهٔ گل نالهٔ بلبل و از یك جانب جلوهٔ مرغزار ، گریه آبشار مرا مات و مبهوت ساخته .

آب بر روی سبزه چون قطرات اشك
بر عارض نوجوانان دلباخته روان است

هرطرف که می‌نگرم وهرچه را که می‌بینم باحزن و رقت امن سر گوشی مینماید و بی خودانه کلام ادیب وفیلسوف بزرگ میرزا بیدل بر زبانم روان میگردد .

در عدم هم ز عشق شوری هست
سبزه دامن کشیده می آید
ورنه خاك نیز راحت نیست
گل گریبان دریده می آید

مرا جوش و بلبل را خروش است . خورشید آهسته آهسته بجانب افق عدم خرامان و می‌خواهد باتمام کائنات این عالم را وداع نماید آفتاب میرود و نورانیت شمشماهت این جهانرا نیز باخود میبرد موجودات سیاه پوش به ماتم می‌نشینند ظلمت بر همه اشیا طاری میگردد . از غائبی که در چند دقیقه پیش موجود بود اثری نیست ، نی صورت و زینت گل نه صفیر ولغیر بلبل نه سبزی وشادابی دمن و نه حسن و رونق چمن ، هر چهرهٔ تابان را غبار ژولیدگی و هر طایه درختان را سموم خزان آمدگی نه عالم رنگ و بو را دوامی و نه روز گار حسن و جمال را زوالی ، ازهیچ طرف نه صدائی و نه ندائی ، بلبل خاموش و گل نقاب پوش است .

پرنده گان بآشیان خود ها می خزند من هم باخاطر گرفته و دل افسرده روان میشوم . بمطالعه کائنات زوال ثوابت آفاق تفکر میکنم وباقدمهای سریع ازراه خوردی که اطراف آنرا درختان پیچیده می روم .

.. ازیك گوشه افق سر برزده روز سیاه این جهان تاریك لب خنده میکند دنیا را عالم را سرور میبخشد پرده عروس ظلمت را انهدام و شب محنت را اختتام میدهد ، او اولین ماهی مقدسی است که بعد از غروب آفتاب از دریچه آمال کائنات ، برای انجات از جهان ظلمت واستمداد عالم ظهور کرده است ازتقریب خرام ماه جهان آرا تصرف و تسخیر این دنیا هویدا و از شکفت و درخشنده گی فضا ذوق استقبال ناجی مقدس و محبوب مطلوب آشکار است . افق باسیمای کشاده و تبسم جلوه و طراوت

قریبا این پرده قدرت را انتظار می برد ، ماه برای سیر و تماشا بوبان و من عجائب منزل و ماوای روانم ا آخرالامر از سرزمین آزاد طبیعت و بیشه خاقانی که بدست فرشته قدرت بوجود آمده و از باغبان طبیعت تربیه می گردد ، به گوشه تمدن بشریت افتادم ، این جا شبستان و عبارت از چار دیواری است که به نقشه معمار و دست کامکار بنا یافته . آمدم و بجای خود افتادم مگر از دریچه که بجانب تبه باز گردیده تماشای عالم پر کیفیت را کرده می توانم .

ماه بر فرش نیلگون آسمانی با قدمهای مساوی مسافات معین عقب می گذارد عالم موجودات به جهان خواب مستغرق و خود را از پردهٔ حریر و حجاب چادر کتان سفید پوشیده اند :

من به بسترهٔ راحت افتاده و از دریچه تفکر گهوارهٔ صنایع قدرت را نظاره می کنم ، این نقاب سفید کم کم محو و معدوم می گردد ، موجودات سر از بالین خواب و از روی پردهٔ حجاب بر میدارند پیمانه سکوت در جنبش و محیط خموشی در لرزش است * من در حسرت و مردمان در حیرت اند ، بیرون می شوم و می بینم که بر چهرهٔ درخشان مهتاب چو سیاه یه تاریکی افتاده و از تابیدن بازمانده ، مرا گریان و عالم را فغان است

از هر طرف صدا و از هر گوشه ندائی است ،

چادر سفید دوشیزگان قدرت بلباس ماتم مبدل و سیمای درخشان نوباوه گان خلقت به تیره گی مبدل گردیده ، روی تابان ماه از روشنی و درخشنده گی باز مانده .

دور ظلمت است و می خواهد که جهانیان را مغلوب پنجه ظلم و اسارت خود نماید دلهای خورسند را مغموم و دیده های روشن را مکتوم دارد دقایق حال به همین صورت سپری می شود پس از چندی انتظار شقاوت ظلمت رو بزوال می رود و بعد مدتی اسرار بدر هلال وار از پردهٔ خفا بیرون می آید .

نمیدانم که ظلمت به بیچاره خلق و تیره روزی عالم رقت آورده و یا از طلیعه درخشان صبح صادق و از ورود سلطان باهیبت وشان خورشید مطلع گردیده ؟

ولی اینقدر میدانم که آفتاب جهانتاب برای سرخروئی عالم و فیروزی اولاد آدم برای استمداد کائنات و طراوت موجودات برای آرایش چمن و پیرایش دمن طلوع خواهد کرد و با نیزه های آتشین خود این غبار اندوهناک را از صفحه عالم پاک خواهد ساخت .

سبزه با فرش زمرد ، لاله با طشت یاقوت نرگس با ساقه زبرجد ، سنبل با طره پریشان ، بلبل با ناله خروشان شمشاد با قامت افراشته و سرو با جامهٔ سبز پیراسته باستقبال خواهند رفت .

مسابقه فوت بال

امانیه و حربیه

سپورت بهترین شغلی است که جوانان نیرومند در وقت غروب آفتاب و در فضای آزاد آنرا سر مشق حیات خود ها قرار داده اند . هر صاحب عاطفه که در جامعه اجتماعی حیات دارد میداند که باید با قلب پر از اخلاص روح زنده و بازوان توانا در راه سعادت وطن و قوم خود فدا کاری نماید و این خدمت بدون دماغ سالم و صحت بدن متصور نیست .

عصر روز پنجشنبه اعضای مدرسه حربیه و شاگردان جوان امانیه بدور میدان مسابقه حلقه زدند . اولاد های عالم و با وکار معززات در اطراف چمن چون بر [illegible] بهادری و فرزندان رشید عسکر با جرئت و جسارت سرشاری به زیبائی محفله افزودند . جوانان دلیر با طرفین مقابل داخل میدان گردیده دو جانب محوطه تماشا را استحکام خود قرار دادند . هر دو طرف با کمال متانت و همت حرکات بازی را ایفا و در دلهای ناظرین اثرات پر جوش تولید می کنند .

اطفال معصوم معارف با یکدیگر از برد و بای فتح و مغلوبیت هیچ همهمه و زمزمه ندارند ، در این بازی هیچ اثری از رقابت دیده نمی شود در حالیکه مقایسه با مسابقات گذشته مغایرت کلی دارد چه نه صدا از فا محبت دسته سرخ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 408 of 896

خبرهای داخلی

مقرریها

آقای میرزا قطب الدین خان مدیر محاسبهٔ وزارت حربیه به مستوفیت ولایت قطغن و آقای میرزا عزیز الله خان مدیر بودجهٔ وزارت مالیه به مدیریت محاسبهٔ

(بقیه صفحه ۹)

پوش و نه بدا از شکست جنبه زرد پوش است .

گویا به اضمحلال معنویات حزب صرفاتی و نه مغلوبیت روح پرشور عسکری را طرفدار اند .

نگاه تماشائیان در هر دقیقه و هر لحظه بجانب دو نفر دروازه وان که آخرین تکیه گاه اند عطف می گردد چون بازی در طرف حصه حربیه زیادتر دیده می شود پس سرنوشت سعادت و امتیاز به بازوان توانا و سر پر افتخار این گول کیپر است و این جوان رشید عسکر هم مردانه مدافعه می نماید . توپ از دست رفته ده نفر و امید و آرزوی گم شده یك طائفه را سر از نو تجدید می کند ، وهمان است که بر از آن آواز چك چك و صدای تهنیت از ردیف حرفاتی و قطار عسکری بلند می شود تا آخر الامر این مرتبه بازی پس از دوام دو ساعت و دو گول به غالبیت مدرسه امانیه اختتام یافت .

(یکی از متماشین امانی)

وزارت دربار و آقای میرزا محمد انور خان به مدیریت بودجه مقرر شدند .

کذلك فقیر شاه خان کندکمشر قوماندانی کوتوالی کابل بقوماندانی کوتوالی خان آباد مقرر شده .

از مدیریت مستقله طبیه

ش غلام سرور خان منتظمی مکتب طبی و میرزا ضیاء الحق خان سر کاتبی مکتب مذکور و سید محمد صالح خان به معاونی اول شفاخانه مرکزی عسکری و غلام حیدر خان داکتر به شفاخانه حضور و حاضر باشان و محله مقرر شد !

و نیز آقای داکتر امام الدین خان که در طب یونانی وفن داکتری مهارت داشته و در عصر اعلیحضرت شهید از زیر دستی داکتر الله جویا خان کار میکرد و چندی قبل ازین در سمت شمالی بسر طبیبی شفاخانه اشتغال داشته و با چند وقتیکه آقای داکتر عبد الغنی شاه خان سرطبیب شفاخانه عسکری بوجه رخصتی رفته بودند وکالتاً بسرطبیبی شفاخانه عسکری مصروف بودند نظر بلیاقت و تجارب زیاد شان که در افغانستان داشته اند بسر طبیبی شفاخانه ولایت هرات مقرر شدند .

از وزارت حربیه

ش محمد افضل خان بمناسبت خدمت شان که بهمرکابی وزیر صاحب حربیه به ولایت قطغن نموده به کندکمشری و ش شاه محمد خان تولیمشر جیمناستیکی به کندکمشری مقرر شدند !

موسسه خیاطی

برای اجرای کار خیاطی باصول فنی سه نفر خیاط از خارج به مشاهرهٔ ۳۰۰ و ۱۲۵ و ۱۰۰ کلدار کنترات شده اند .

خیاطان مذکور قبلاً وارد گردیده وداخل کار شده اند (۳۰) نفر متعلمین نیز زیر نگرانی ایشان اصولاً فن خیاطی را می آموزند .

جریان کار تعمیر بند ها

هیئت های مدیره اعزامی تعمیر بند زنه خان غزنی وبند سرخ آب لهوگرد که مخارج انشا آن بند های مذکور در پروگرام امساله وزارت تجارت داخل است شروع بکار نموده اند .

مستر کریمه مهندس مستخدم وزارت مامور ساختمان بند های مذکور برای تهیهٔ بعضی لوازم کار خـود بکابل آمده و عنقریب بصوب ماموریت عزیمت مینماید .

مراجعت

آقای محمد شریف خان متخصص که قبلاً برای انتخاب موضع مناسبی جهت بذر زرکاری مصارف ایام زمستان مرکز بمشرق اعزام شده بودند درین تازه گیها از مشرق مراجعت نموده ویك راپورت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 409 of 896

مفصل راجع باوضاع طبیعی انجا بوزارت تجارت تقدیم نموده است .

(قصاد)

قدردانی همایونی

جناب عبد الله خان خانه سامان سابقه سا کن جداول که یکعمری در خدمات دولت مصروف بوده از ریش سفیدان قومی شمرده میشد بروز یکشنبه بدرود زندگانی گفته و برحمت ایزدی پیوستند .

حضور شاهانه از کمال عاطفه و رقت قلبی که دارند اظهار تأسف و تسلیت فرموده و مبلغ ۲ صد روپیه بجهت مصارف فاتحه داری بخانواده مرحوی از وزارت دربار التفات فرمودند که وجه مذ بور روز دوشنبه ذریعه غلام حیدر خان پیشخدمت حضور بخانواده شان ایصال شده قرار اطلاع آقای محمد ابراهیم خان مامور یتیم خانه که باداره ماخبر داده باز مانده گان عبد الله خان مرحوم باینهمه نهایت حرمت و قدر شناسی بدعا گوی دوام دولت و بقای پادشاه بامعرفت خودشان مشغولند

زلزله در کابل :

شب سه شنبه ۱۳ میزان ساعت ۲ و بیست دقیقه زلزله سختی در شهر کابل واقع شد تکان های شدید سه مرا تبه و حرکات خفیف تماماً تا پنج ثانیه دوام داشت .

تعزیر شرعی

سید یعقوب شاه که از طرف پولیس به فعل قمار گرفتار و محول محکمهٔ شرعیه شرعیه گردیده بود بعد اثبات التزام شرعی شرعاً تعزیر شد .

محمد نادر وصفدر نامان سا کنان چنداول که بواسطهٔ سرقت وجه نقد علی احمد نام هزاره گرفتار ومحول محکمهٔ شرعیه گردیده بود محمد نادر مذکور برائت ذمه ثابت ورها وبصفدر مذکور اتهام شرعی ثابت وشرعاً تعزیر گردیده .

گرفتاری

۶ نفر دزد در کوتل تخت چند راه گذر را برای اخذ اموال شان گرفته بودند که از طرف آقای نیک محمد خان مامور پولیس وحاکم موقتی میدان خود سارقین بایک میل تفنگ مواخذه وتوقیف شدند .

کذا : — احمد نام که دو بهسود هزاره جات در سنه گذشته مرتکب قتل گردیده واز محبس فرار نموده بود در تاریخ ۱۴ سنبله امسال گرفتار وبدا [illegible] توقیف گردید وهم اشخاصی که قاتل مذکور را دستگیر نموده بودند عبارت از شش نفر بودند ومورد انعام واقع گردیدند .

قتل

یوم جمعه ۹ میزان محل ۱۲ بجه بعد خواب گناه عقب پل خشتی جمعه خان ملازم تولی قطغن باغلام بهاء الدین خان تولبمشر احتیاطی در باب قرض خود مباحثه کرده ودر نتیجه غلام بهاء الدین خان جمعه خان مذکور را بضرب لگد قتل رسانده وخودش فرار نموده بود که در اثر تعقیبات پولیس از سرای حاجی خانه دستگیر گردیده وحبس شد .

خبر های خارجی

ریوتر

۲۲ ستمبر — مطابق ۳۱ سنبله کاندی رفقای خود را به منکاشابر جهت ملاحظه نمودن اثر بحران مالی فسخ نموده است و در شام چهار شنبه در دار العوام در جلسهٔ هر ۳ پارتی نطق ایراد خواهد نمود رمزی میکدونالد در از دیاد کار خسته شده است و مشورت گرفته است که چند روز در ده رفته استراحت کند

۲۳ — قضیه انتخاب که نتیجه آن تشکیل کابینه جدید میباشد معطل است و منتظر باز گشت ما کدونالد میباشد که قرار بیان یکی از دو ایر وقت رخصتی را جهت غور و دقت بر مقدر خود استعمال مینماید عقیده متزاید حزب محافظه کار اینست که در روز های اخیر اکتوبر راجع بمسئله تعرفه بتمام مملکت اجتماع خواهد نمود واین صورت بسی پیش بردن نقشه مفصل تعرفه که غالباً در تحت فشار رسوم بارلمانی بر هم خورده است در تحت بارلمان جدید خاتمه خواهد داد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 410 of 896

آقا و نوکر :

آقائی نوکری داشت و هر کاری را که باو تکلیف میکرد نوکر به تأنی وتفکر

(بقیه صفحه ۱۱)

۲٤ سپتمبر ـ دار العوام به ۹۷ رأی در مقابل ۲۳۷ قرائت ثانی پیشنهاد ملی را گذشتاند . گاندی در یک جلسه که از طرف دایره مصالحات ملاح ها در کلامبوس وکنزریا روز چهار شنبه ترتیب شده بود نطق ایراد نمود که حاوی بر پیغام او به دنیا بود .

مضمون مذکور در غربت اختیاری بود وبنی ماد را ثبوت اجرای ریاضت مینمود سپس دو جگر در شام چهارشنبه ندا کرده طول یاد نوبه راجع به مسئله هندو و مسلم نمودند دانسته شده است که برای گاندی سعی میکنند ترودی تجناح و آغاخان را ملاقات کنند قرار پیغام جنوا بعد از آنکه لارد سیسل لیایه فوق الذکر را که بالدوین در دار العوام نموده بود اد کرد مث کیس از طرف امریک مصالحت در تعمیرات بحری را قبول نمود .

خدمت را بعمل می آورد .

مثلا با دارش باو میگفت برو بازار نان و پنیر بیار نوکر اول بازار میرفت نان می آورد و باز میرفت پنیر بخرد که مبادا در معاملات سهوی واقع شود بادارش بغضب شده او را تهدید کرد که انسان شو ! مردم همه کار های خود را بیک مراتبه انجام میدهد دفعه دیگر یکی از اقوام آقا در منزل مریض شد بنوکر گفتند برود طبیب بیاورد .

ملازم چون از دفعه دیگر ترسیده شده بود واز خطا و دست پاچه شده این دفعه بسیار دیر کرده وبالاخره طبیب را با یکمقدار دوائی که خودش سنجیده بود و دو سه نفر آدم هم باخود آورده و به آقای خودش را یورت داد آقایش طبیب را که دید خوشوقت شده ولی از دوا و نفری دیگر پرسید که این چه خبر است جواب داد آقا خودت بمن عتاب کردی که کار ها را باید بیکمراتبه انجام داد بمن هم طبیب آوردم هم دوا و این ۳ نفر هم یکی مرده شور است و ۲ نفر قبر کن برای تجهیزات کهنه کفن بخانه پیدا خواهد شد مقصد اگر مجبور شود باز سر گردان نشوم .

هرچه بگوید همان میکنند :

یکی از مسافرین گرسنه شبی در میدان دهی منزل کرده بزرگ قریه بعادت معهود پس از ادای نماز شام مهمانی در مسجد ده دید برسبیل عادت گفت آقا اگر به لقمه نان خشکی ساخته اید بفرمائید مسافر گرسنه هیکل بزرگی ونجابت آن بزرگ قریه را دید بطمع افتاده بکمال مسرت دعوتش را اجابت کرده ولی پیش خود میگفت این صلاح نان خشک بین شهری ها هم رسم است که بجوانمیر مهمانی میگویند آقا نان خشک باشور بنی داریم بالاخره به قاب های پلاو وسالان های متعدد حتی بازبی ومشکوفی پذیرائی میکند این تصورات بدماغ مهمان گرسنه باشدید ترین حرارت تمنا خیال پلو های چرب را بحدت تا تکیه مهمان خانه دود زده خانه دوار رسید پس از لحظه دست مهمان شسته وخالی گسترده شده نان خشکی در جلو دستگاه طمع وحرص خود مو جود دید آنوقت هوش سر مهمان آمده وفهمید که راستی راستی هرچه مهمان دار او در اول وقت وعده کرده بود همان است هرچه صبر کرده وچشمک زد همانست که شنیده آنکه تصور کرده . تصادفاً طفلی در آن محوطه شوخی میکرد ناگاه صاحب خانه قهر شده وفریاد زد : پسر! آرام باش ورنه دو پاره ات میکنم بمجرد مهمان برخواسته وتنهایت استرحام به طفل گفت عزیزم آرام باش که من از چشم این آدم میترسم هرچه بگوید همان میکند !

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 411 of 896

از هر طرف

ساکنین عالم :

از روی جدید ترین احصائیه‌های رسمی معلوم می شود که در خلال قرن حاضر عده ساکنین عالم بیك سرعت عجیبی زیاد شده، و حتی تقریباً به هزار ملیون نفر بالغ شده است. ازین جمله یك پنجم آن در ولایات متحده امریکا سکنی داشته و باقی در تمام عالم متفرق میباشند.

اطفال و نطق :

هرگاه احوال طفل از ساعت ولادتش گرفته تا موقعیکه بحرف زدن عادت میگیرند تحت تدقیق قرار داده شود دلیل زیادی بر این یافت میشود که ادراکات او در مسمی ها بیشتر از یاد کردن بنام ایشان میباشد چنانچه اگر شیر را مثلاً دو یا سه دفعه ببیند میفهمد که برای او حاضر شده است تا بنوشد، ولی نمیتواند کلمه «شیر» را جز بعد از مرور زمان بر زبان ادا کرده بتواند.

همچنان ملاحظه شده است که اولین حروفی که طفل نطق آنرا یاد میگیرد حروف های شفاهی است یعنی حرف ها ئیست که به لب ها ادا میشود، مثل (با) و (میم) و امثال آن، ازین رو برایش آسان میشود که کلمه «بابا» و «ماما» را قبل از اینکه یکان یکان دیگر حرف زند بر زبان آورده بتواند.

بعد از اینکه طفل حرف های شفاهی را خوب آموخت شروع به تمرین حروفی که در ادای آن زبان و دندانهایش شرکت مینمایند مثل تا و طا و دال و لام، ومیگوید «تاتا» «دادا» ـ لالا ـ و امثال آنها.

خیلی وقوع میشود که طفل خیلی دیر به نطق کلام موفق میشود و الفاظ مفهوم را تا به عمر سه سالگی و حتی چهار سالگی ادا کرده نمیتواند این تاخیر بسبب یك عده علل میباشد که مهمترین آن اینستکه مادر طفل خود را به تمرین زبانش برای نطق مساعدت نمیکند چنانچه هر وقتی که طفل میخواهد یك کلمه را بر زبان آرد مادرش آنرا از زبانش گرفته و پیشتر از او آن کلمه را ادا مینماید.

همچنان از علل تاخیر، ضعف عضلات نطق و عضلات صوتیه وجزئی کری گوش میباشد، و این یکی از سبب های خیلی وجیهی است که والدین باید آنرا ملاحظه نمایند. زیرا طفل هرگاه بضعف حاسه سمع مبتلا باشد به کلام خیلی دیر شروع میکند.

رویت دقائق ماده :

این یك پوشیده نیست که ماده مرکب از دقائق میباشد (که بعض از مترجمین آنرا جزئیات مینامند) این دقائق مرکب از جواهر فرد و از عناصر مختلفه میباشد که تا امروزه علما نتوانسته اند باختراع میکروسکوپی که با آن بتوانند جوهر ها یا دقائق را رویت نمایند موفق شوند تا اینکه دکتور بیر یکی از پروفیسور های معهد فنی کالیفورنیا اخیراً یك تجربه علمی قیام نموده است که بواسطهٔ آن ممکن است تصویر دقائق را به کامرای عکس بر داشت تفصیل آن اینستکه که یك استوانهٔ شیشهٔ را از هوا خالی کرده و بعد از آن کمیت قلیلی یکی از انواع غازات را داخل آن میکند و درین غاز جریان برقی را داخل کرده و غاز را بوسیله آن میسوزاند درینوقت اگر غاز بان میکروسکوپ ملاحظه شود ممکن است دقائق ماده که عبارت از میلیون ها میباشد دیده شود.

علما این را سنجیده اند که در یك انگشت مکعب هوای عادی ملیون ها ملیون دقائق میباشد که آنرا چنین حساب کرده اند که عدد ٤ و طرف چپ آن بیست صفر باشد)

عصر اوتوموبیل :

شتر تا امروزه (سفینه صحرا) اعتبار می شد، ولی شیوع اوتوموبیل شتر را از زحماتی که تا این عصر متحمل می شد راحت میکند، چنانچه در احصائیه وزارت تجارت امریکا وارد شده است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 412 of 896

که فابریکه های امریکائی در سال گذشته ده هزار اوتوموبیل به قاره افریقا صادر کرده است که مجموع قیمت های آن قریباً به ده ملیون دولار بالغ می شود ، و قیمت مهم آنها به داهومی و سنگال وساحل عاج و غیره بلده های "افریقای فرانسه" فرستاده است . چنانچه بهر اندازه" که اصلاح طرق شوسه درین خطه وسعت میگیرد بهمان اندازه توجه و اقبال به اوتوموبیل زیاد شده و ضرورت به شتر کم می شود .

بالاخر همچنانیکه این مسئله به افریقا مطابقت دارد به تمام صحاری عالم نیز مطابقت مینماید ، و درین صحاری که بیشتر شتر سلطنهٔ قوی داشت رفته رفته اوتو موبیل جای آنرا میگیرد .

معارف شوروی :

ممالک سویت در حین یکسال تعلیم اجباری بذرایع مکاتب ابتدائی در دهات و بوساطت تدریس هفت ساله در مناطق صنایع بعمل آورده تعداد عمومی متعلمین مکاتب درجه اول در جمهوریت شوروی بدون متعلمین جماهیر خود مختار تا هشت ملیون وهفت لك و نه هزار وسی وهفت نفر رسیده تزاید تعداد متعلمین فقط در مکاتب ابتدائی نسبت به سال ۲۹ و ۳۰ ، ۲۴ در صد و ۲۸ در صد میباشد در جماهیر خود مختار تعداد عمومی متعلمین فقط در مکاتب ابتدائی به یك ملیون وپنج لك وشش هزار وسیزده نفر یعنی ۳ در ۱۰ رسیده است برای امر ادخال تعلیم اجباری عمومی وخصوصاً در مناطق دهاتی شصت هزار معلمین جدید روانه شده اند .

راجع به اطفال یازده پانزده ساله گفته می شود که احاطه آنها با تعلیم تا یك ملیون و سه لك ونود و دوهزار یکصدو چهل وشش نفر رسیده است در حالیکه در سال گذشته ۹۰۰۰۰۰ نفر بود .

در جمهوریات شوروی بدون جماهیر خود مختاری ۴۵۲۲۵ مکتب وجود دارد .

از عدد عمومی مکاتب هفت ساله فی صد و نود وهفت به کارخانجات الحاق شده است .

مؤلف : له بلانیه فرانسوی (۱۷) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل نهم
(ژرباب)

دو عدد پستول را بکمر بسته منتظر نشست تا آنکه سیاهی شب فضای مرگ زای میدان محاربه را در برگرفته تردد سربازان را منقطع گردانیده . کاترین که مطمئن گردید کسی او را نخواهد دید باحتیاط بطرف قلعه لوندال حرکت نمود ، له فیور را هم ازین (پلان) خودش باخبر نگردانیده بود زیرا یقین داشت که او این اقدام پرخطر زن خودش را مانع خواهد شد .

کاترین باوجودیکه از مخاطرات عبور از بین دو خط حرب باخبر بود ولی برای او حین اجرات وظیفهٔ خطره وجود نداشت ! او بکمال خاطر جمعی براه افتاد یگانه آرزوئی که داشت برسیدن قلعه وبسلامت برگشتن ازانجا بود وخوف داشت که مبادا در راه از طرف استریائی دستگیر شده وبجاسوسیت متهم گردد ! ازین هم باك نداشت که از دست استریائی اعدام گردد یگانه خوف اوازین بود که گرفتاری باعث نارضائی شوهرش وهم مایوسی بلانش را نتیجه خواهد داد .

با این افکار بکمال سرعت روان تا آنکه به قراولخانه آخرین محافظ فرانسه رسید ودر اثنای که از یك بیشه کوچکی عبور می نمود قیافهٔ باهموار یك مردی در مقابل او نمودار شد .

کاترین یکی از پستول هارا بدست گرفته صدا زد ، « آینده کیست ومقصدش چیست » .

یك صدای آشنا جواب داد « مادام له فیور اینقدر حماقت نخواهی کرد که مرا هدف گردانی : من (لا، بولت) هستم » کاترین پیشکارهٔ خودش را شناخت .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 413 of 896

صدازد : این تو هستی ؟ زود بگو در اینجا چه میکنی ،

لاوبولت یك پسر ساده لوح ومیزوب شکلی بود که در اردو گاه بعنوان دلی ورسنده جائی شهرت حاصل کرده بود ودر نتیجه هدف مزاح وتمسخر تمام سربازان شده مانده بود .

کاربن پستول را بجایش گذاشته ودر خوفی کاازدیدن (لاوبولت) دردلش جا گرفته بود خندید، گفت « نزدیك بیا وازمن نترس بگو ، ببینم دراینجا چکار داری ؟ »

لاوبولت بایك وضع انکسار وشرمنده گی چند قدمی بسوی او بر داشته گفت ، « من دیدم که مادام له فیور از اردو گاه درین تاریکی شب بر آمده بهتر دانستم که اورا تعقیب کنم »

کاربن مشتعل شده گفت « بخیالم برای اینکه جاسوس من باشی؟ »

لاوبولت « آه هیچگاه ، بنین نیست مادام بمن ظلم میکند ! من خیال کردم در جائی که مادام میرود ، پر خطر خواهد بود شاید بمن احتیاج داشته باشد ! »

کاربن در خطر ! مخاطره را باتوجه نسبت ؟ بخیال من که از تعقیب مخاطرات عموماً پهلوتهی میکنی ؟

لاوبولت « برخلاف آن از بسیار وقت است که میخواهم با آن برخوردم ودامشب را یك موقع خوبی برای این ملاقت یافتم »

کاربن از وضعیت دلیرانه خلاف توقع لاوبولت متحیر شده پرسید « باعث این انتخاب چیست » لاوبولت باتردد فوق العاده گفت « زیرا اگر در شب خوف کنم هیچکس ملتفت نخواهد شد ولی در روز چون همه چشمها برخود معطوف میشکرم از خوف میلرزم علاوه برآن یك حسی بمن میگوید باشما هیچگاه از هیچ چیز نخواهم ترسید ! »

کاربن « خیال همراهی مرا که نداشته خواهی بود ؟ »

لاوبولت « یکی از بهترین آرزو هایم همین است ! رجا میکنم مرا باخود ببرید ومایوس نسازید . مادام عزیز من شما را بسیار دوست دارم هیچگاه جرئت کرده نمیتوانستم که این اقرار را در وقت روز بشما بکنم ولی لاوبولت هنوز اقرار خودش راتمام نکرده بود که کاربن اورا گذاشته روان شدودرحینیکه میخواست جواب تعقیب کننده دیده درای خودش را دهد که دو فیرتفنگ پیهم شنیده شد .

لاوبولت تعقیب کاربن را ترك نموده بجانب تفنگ خودش دوید کاربن ذرین حرکت او متوحش شده نعره زد « باش کجا میروی ؟ هوش کن »

هنوز طنین صدای کاربن از فضا مرتفع نگردیده بود که (لاوبولت) خودش را به پشهٔ خوردی که از آنجا تفنگ فیر شده بود انداخته از نظر غایب گردید .

کاربن از موضع خودش حرکت نکرده منتظر نتیجه ایستاده صدای خرخرشاخهای خشکیده و آواز بزمین خوردن های سنگی از پشه بر خواسته اورا متیقن گردانید که مجادلهٔ مدهشی برپاست یك لحظه بعد قیافهٔ مرد حیدرآبادی کاز پشهٔ بر آمده وبطرف اردو گاه استرپا بگریختن آغاز نهاد .

کاربن بخیال اینکه این شکست خورده ضرور لاوبولت خواهد بود باخود گفت بیچاره لاوبولت اراه فرار را غلط انتخاب نموده است اگر از اینجا زنده بر آمد بدست استرپا ئیها اسیر خواهد افتاد ، و بایك آه پر دردی بر سخن او اقدام نمود « بسیار افسوس ! اگرچه ترسو بود ولی یك پسر خوبی بنظر می آمد من برای یافتن عوض او در اردو گاه دچار اشکالات زیادی خواهم شد

کاربن این فقرهٔ خودش را تمام نموده میخواست که بطرف قلعه که منارهای آن از دور نمودار بود روان شود که دفعتاً لاوبولت از پشهٔ بر آمده درحالیکه با برگ های خشکیده کارد خون آلود خودش را پاك می نمود در مقابل او ایستاده کاربن را ، از دیدن او حیرت فوق العاده

دست داده صدا زده « تو از کجامی آئی ؟ حال چه میکردی ؟ »

لاوبوات بکمال متانت جواب داد « همینقدر کرده توانستم که یکی از آن استربائی ها را از پا بر ساختن تفنگش مانع شدم ! »

کازین : « میخواهی بگوئی که اورا کشته ؟ »

لاوبوات : چنین خیال میکنم ! مگر دیگرش خیلی خوش قسمت بود که مانند من زنتی را درمقابل خود یافت باز هم او را میگرفتم ولی افسوس که این بار منحوس را بدوش خود داشتم ، زیرا من بدویدن سرعت زیادی را مالم .

کازین : « راستی به من نگفتی که این چیست »

لاوبوات : « تنبور ست که من آنرا از شخصی امانت گرفته ام . »

کازین : « برای کدام مقصد »

لاوبوات : « بعضاً بسیار مفید ثابت میشود بالیکه من آنرا بایك تفنگ برابر میکنم بسیار خوش می شدم اگر یك تنبور چی می بودم ، ولی بدبختانه برای این وظیفه موزونیت ندارم ... این چیز نخواهد بود که راه خود دوام کنیم ؟ استربائی رختی سفید پوشان دیگر فعوراً اطلاع خواهد داد و در آن واحد هزاران مشاق رزما خواهد رسید ، من و خود نگران نیستم ولی ر ... »

کازین : « چرا »

لاوبوات « چنانچه پیش تر بشما گفتم در شب ها هیچ نمی ترسم حال بیترانست برویم »

کازین « از عقیده‌ئی که نسبت بتو در دل داشتم عفو می خواهم ، حقیقتاً که تو یك مرد شجاعی هستی »

لاوبوات مادام که فیور مرا تمسخر و استهزا نکنید من خود را می شناسم که بجز یك تر سوچیز دیگری نیستم ولی شما را بسیار دوست دارم »

کازین پسر کم تو باید درین موضوع با من مکالمه نکنی ـ خیال میکنم فهمیده خواهی بود .

لاوبوات حق دارید دهنم را خواهم بست چرا نیدروانه شویم .

کازین پیش کاره خودش با مقصد اری تحیر نگریسته با خود گفت آیا ممکن است که این سرسو شمشیر در دست یا دونفر استربائی در آویخته یکی را به قتل رساند و دیگرش را به فرار مجبور ساخته باشد آیا از یك پسری که او را (فسول) وزبان میگویند این چنین یك عمل متهورانه عجب نیست ؟ پس بهتر است برای اینکه او را خوب تر بشناسم با خود اجازه همراهی بدهم ؛ چنانچه بایك وضع مهربانانه او را مخاطب ساخته گفت

« لاوبوات من باید ترا اخطار کنم که من در یك جائی خطرناك ـ بسیار بسیار خطرناك میروم ، اگر او جود آن هم به همراهی من مصر هستی بسم الله برویم . »

لاوبوات : « مادام که فیور من باشما باشد هم خواهم رفت ! »

کازین : « اول باید به آب روی زیرا برای رسیدن بشاتو لازم می شود که ازین نهر عبور کنیم . »

این را گفته هر دوی شان از دریاچه که موسوم به (رم) است به بسیار مشقت عبور نموده بعد از طی مسافه قلیل در عقب دیوار هـای بلندی که اراضی (لوندان) را احاطه کرده بود رسیدند .

بعد از جهد و جهد زیاد رخنه یافته از آن بالا بر آمدند و در یك لحظه دیگر بکمال احتیاط از عقب درختان در مقابل عمارت بسیار روشن باروی ایستادند .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 415 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 417 of 896

یادگار نجات وطن

(شماره ۲۲) (مجلد پنجم)

انیس

این عدهٔ استقبالیه را بعموم

هموطنان تقدیم داشته
و تبریک میگوید

۲۲

مطبعهٔ انیس

44

(شماره ۲۲۰)

(مجلد ۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محیی الدین
مدیر و نگارنده : سرور جویا

۲ شنبه ۱۹ میزان ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰۶ | ۲۹ جمادی الاول ۱۳۵۰

کامد به نجات ملک ملت نادر شه غمگسار ملت

تمثال بی مثال پادشاه دانشور و قاید معظم لشکر و کشور افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی که یگانه عامل ترقی و تعالی این آب و خاک و نجات دهنده مظلومین این سر زمین پاک میباشد .

خوش یافت نظام کار ملت
باز از شه نامدار ملت

از فیض قدوم پادشاهی
گوهست شفیق و یار ملت

اقلیم دو باره شد گلستان
زین نو گل نوبهار ملت

بنگر که چه باز خوش نهاده
شهر از شهٔ با وقار ملت

گر جور و ستم خلاص گشتند
بیچاره و کار دار ملت

امروز زمان شاد مانیست
زانروی که شهریار ملت

دائم سر لطف و مهر دارد
بر حال غریب و خوار ملت

هر لحظه و هر زمان و هر دم
دارد نظری بکار ملت

شاهیکه شجاعت و کمالش
شد باعث افتخار ملت

شاهیکه ز پرتو جمالش
روشن شده شام تار ملت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 420 of 896

صد شکر قرار یافت آخر
جان دل بیقرار ملت
کامد به نجات ملك ملت
تا در شهٔ غمگسار ملت

چندی که در انقلاب بودیم
از دور فلك خراب بودیم
آزاد ولی بخانه محبوس
بیدار ولی بخواب بودیم
بی نشه بی زهوش بیهوش
چون مست خم شراب بودیم
در بین دو سنگ زور گردون
چون دانه در آسیاب بودیم
از گردش چرخ همچو سیماب
هر لحظه در اضطراب بودیم
چون بره ز بیم ظلم گرگان
که در تب و که بتاب بودیم
از پیر و جوان اگر که بودیم
در زیر هزار عتاب بودیم
هر لحظه چو مرغ نیم بسمل
در آتش غم کباب بودیم
در شهر و دیار اگر چه بودیم
بیخانه چنان حباب بودیم
از تیر تفنگ و جار جاری
هر روز دگر عذاب بودیم
چون تشنهٔ یك نگاه خنده
که دیده پر ز آب بودیم
در کار امید این گشایش
نومید ز جمله باب بودیم
کامد به نجات ملك و ملت
تا در شه غمگسار ملت

بسیار اگر چه غم کشیدیم
از دست سقو ستم کشیدیم
یك رنگ نه رنگ رنگ محنت
یك بار نه دمبدم کشیدیم
صد آه بهر نفس نمودیم
صد ظلم بهر قدم کشیدیم
باریکه بجا ز ظلم افتاد
لاچار بدوش خم کشیدیم
از دور زمانه آنچه آمد
با دیده پر زنم کشیدیم
غم بود اگر چه یك قدح زهر
یاران همگی بهم کشیدیم

جناب عالیقدر جلالت مآب و الا حضرت محمد هاشم خان صدر اعظم که رکن محترمی از ارکان نجات وطن بشمار میروند .

بسیار اگر چه بود مشکل
صد شکر که زود و کم کشیدیم
تنها نه که من تمام ملت
آنوقت بسی الم کشیدیم
هر کس بقرار قسمت خویش
دیدیم بچشم و هم کشیدیم
نومید شدیم بسکه زهر سو
دست از همه یکقلم کشیدیم
ده ماه و سه روز زیر گردون
تکلیف رقم رقم کشیدیم
کامد به نجات ملك و ملت
تادر شه غمگسار ملت

هر روز که روز غیرت ماست
وز خدمت و هم صداقت ماست
بیکار بخانه چون نشینیم
اینده که زمان فرصت ماست
چندی که حکومت سقو بود
آن بود که بهر عبرت ماست
بنمود خراب یك جهانرا
از جور که این ز جرئت ماست
انصاف اگر کنیم در خویش
بیشتر ز همه ندامت ماست
آنهم که اسیر و خوار بودیم
آن نیز ز دست غفلت ماست
بر ما ز زمانه آنچه آمد
آن از اثرات نیت ماست
جز نفس و هوا کرا بگوئیم
کو در سبب ملامت ماست
آنجمله بلا و غم که دیدیم
از شومی نفس و شامت ماست

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 421 of 896

تا کام ز کار خویش دیدیم
حالا که زمان همت ماست
باید که درین زمن بکوشیم
در کار وطن که خدمت ماست
هر ساعت هزار شکر گوئیم
زان روز که روز عشرت ماست
کامد به نجات ملك وملت
نادر شه غمگسار ملت
صد شکر که مرغزار گل کرد
هم بلبل وهم هزار گل کرد
هم گل بچمن شگفت از شوق
هم لاله بکهسار گل کرد
تا جوش بهار او غوان زار
از نشه روی یار گل کرد
یك عمر گل حنا چه خون گشت
تا باز بدست یار گل کرد
بسیار غم شتا کشیدیم
تا سبزه بجویبار گل کرد
تا گشت روی او مقابل
آئینه کرن عذار گل کرد
اندروه آن که چشم عاق
یك عمر ز انتظار گل کرد
نظمیکه بوصف آن نوشتیم
هر بیت وی آبدار گل کرد
صدق کمراست پرمضمونش
از شعر من آشکار گل کرد
باز آمد و شکر باز دیدیم
آرزو که در دیار گل کرد
پر دود سرش زصدق زهر سو
مردم همگی نثار گل کرد
زان پیش مکش تورنج سر ما
(نوروز) بیا بهار گل کرد

کامده به نجات ملك وملت
نادر شه غمکسار ملت

اشعار فوق نشیده ایست که در موقع ورود اعلیحضرت نادر شاه غازی یکی از افراد حساس ملت سروده بوده و کنون توسط شخصی از علاقه مندان مطبوعات به اداره فرستاده تا در ین شماره استقلالیه بخوانندگان عزیز اتحاف شود

سردار والا شان ع ج شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس و فاتح کابل که در محاذات سمت جنوبی عهده مهم را متکفل بودند .

وطن ای مایه ناز !

باز رسیده است آن موقع هـای راز و نیازی که بیاد روز های تاریخی تو از سرهای دلباخته گان شوری بر پا و در جسم حسودان شرری انها کرده با ولوله و غلغله های شادمانی دمساز گردیم .

باز دستگاه حشمت وجلال آب وخاك تو میخواهـد مطنطن ومتموج شده روشنی چراغان واهتزاز بیرق های لوان صحن چمن و دامنه های کهسار ترا بیارایند باز هوا حس شئونات ملی در دلهای فرزندان تو تولید سرور کرده مایلند به آواز های خوش و آوازه های دلکش از لابه لای اشجار و کناره های جویبار جملات و معانی پیشانم نجات وطن بسرایند .

باز خون های گرم جوانی در عروق ملت جوشیدن آغاز کرده بروح زنده دلی در بین قوم میخواهد حماسیت وطن پرستی براز دهد .

چرا نجوشیم و نخروشیم باید بگوئیم و بشنویم ، چه ذهنیت مبدء تمدن زنده گی است وجهان مملو کشمکش لایقف ، چشم عالم برای ما هنوز غالب ومغلوب در نظاره است و آغوش عطوفت روزگار برای پذیرائی فاتحین گشاده .

بشر همیشه درپی نفع ونقصان وسود وزیان طبیعه واز خوبی و بدی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 422 of 896

به اندازه توان وقسمت سهمی گرفته ومیگیرد ،

هر قوم وملتی روز های سختی ونیکبختی دیده وگرم وسرد یا تلخ وشرین ایام چشیده اند ؛ بالاتر ازان بیگوئیم هر ذی روحی انسانی واقبال دلبستگی داشته وبغلاکت وادبار پابندی دارد ،

همچنان هر متنفسی بسعادت وخوشبختی یکنوع الفت های روحی داشته وبذلت وسختی یکقسم انزوائی از خود ظاهر ساخته است ؛

کسی طالب مجهول مطلق نیست هر کسی ایده آلی دارد وپیش خود آرزو وخیالی محرر وو اند ،

یکی زنده گانی اجتماعی می پسندد ویکی بخود روابط انفرادی می بندد ،

جمعی به آبادی منزل وتجمل شیفته ودر بندند وگروهی بدستگاه بزرگی وامول می پیوندند .

قسمتی بمعانی باطنی مبنا اند وحزبی به شئونات ظاهری خود سند اند ،

طبقاتی دنیا وبشریت میگویند واقوامی وطن ومامن خویش میجویند .

بعضی ازمجلس بهار می سرایند وبرخی از هموم خزان می هراسند .

کسانی میدان مرغزار ولب جویبار می طلبند واشخاصی صحاری وسیع ودامنه های کهسار میلپند .

یکی باسرمایه گزاف از جوش گل وخروش بلبل حظ می برد ودیگری با دست تهی اوقات غروب آفتاب طلائی و

طلوع مهتاب نقره ئی میخرد .

درین حسرت سرا هر کس سری دارد سری دارد !

همه مستغرق کیف اند واز هر کیفی اذتی میبرند لم شود باهفکوره کسی

یگانه فرزند شجاع وسرباز فداکار ما باقیمتدار جلالتمآب المراعلی نشان والا حضرت شاه محمود خان سپه سالار وزیر حربیه که در مجاهدات ملی ونجات وطن حصة مهمی را مالکند .

اختلاف نموده ، ویا قیمت وقت وذوق کسی را اتلاف

وطن اي مايه ناز ·

ما ، دوی از تمام عوا طف بشری بسوی توباز کرده در بین تمام قشنگی هائیکه چهره های رعنا وزیبائی دارند ترا جوئیده بتو می نازیم برای اثبات شئونات تو در دنیای زندگی مبارزه کرده وبراه سعادت تو سر وجان می بازیم .

مدفن آبا واجداد ما توئی و مولدخودما واولاد ماتو ، محل رشد وتنمیه ماتو هستی ومامن زنده گی وتربیه ماتوای ماحجة امید ما وطن ! ای مرجع آرزو های شدید ما اما انستان بجلال وعظمت باعشق ومحبت تو که در دیده ودل ما بر تو افگن است سوگند که همیشه در معراج خیال وامواج آمال از همه وهر چیز گذشته بسوی توشتافته ایم ودرهمه سختی ها نور مبدی از حب تو بدل تابیده .

مقصد ومقصود توئی و حبیب ومحبوب تو .

عزت وتجمل ما حشمت دستگاه وعظمت تست ؛ و افتخار حسب واصب ما شئونات ورفعت ظاهری وباطنی تو .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 423 of 896

دنیا و بشریت را در جلوه مدنیت تو می بینم ؛ شمع و گل ترقی و پروانه و بلبل ما ، لب کشت و کنار جویبار تو پای آبشار و بلندی شاخسار از ما ، تو بهار امید مائی و ما نمونه خزان تو ، صحرای وسیع و دامنه های کهسار از تو جوش و خروش با ناله های زار زار . .

کسانیکه وطن و ملت می پرستند حافظ و حمایت کنند ، آن را محترم میشمارند .

آنهائیکه به محبت وطن می طپند به مصیبت و تباهیکه آن هم مبتلا زند بالاخره اشخاصیکه از تصور غم وطن متاثر و دلگیر میشوند از سعادت ونجات آن هم بایست شاد و خرم و مشعوف وخندان گردند ،

در جامعه ما از آن روز هائیکه آنرا مبداء سرور می شناسیم جشن نجات وطن است .

نجات گل دومی است که پس از استقلال در قاموس [illegible] جا گرفته .

نجات سطر برجسته یست که در صفحات تاریخ افتخار افغانستان رقم شده .

نجات بمبارکترین روز ؛ ندای التجای یك ملت وحشت زده را لبیك گفته .

نجات یك قوم شجاع و نجیبی را از گرداب گم نامی وارهانیده .

روز ۲۳ میزان یا روز نجات همان روز بزرگی است که اعلیحضرت نادر شاه افغان بفکر و تدبیر شاهانه و فداکاری برادران رشید و همراهان شجاع خود وحوش درنده و دشمنان مدنیت را که سرتاسر این آب و خاك را اسیر خود سری ها ساخته بودند از تخت حکومت و آمریت رانده و بما صفات آزادی و خرمی بخشیدند .

نجات بزرگترین تحفه ایست که از غیرت و همت یا فتوت نادر شاه غازی و برادران اوشدش بوطن عزیز ما افغانستان و ملت نجیب آن اهدا شده .

ما این یادگار قیمت دار را بحیثیه نشانه آزادی و غیرت مندی یك ملتی که با تمامی زور بار استبداد و رذالت نمیروند نگهداری کرده و بنظر تقدیس مینگریم و در هر سال بیاد این روز مقدس و سلامتی نجات دهنده وطن خود اعلیحضرت نادر شاه غازی جشنی بپا خواهیم کرد .

چه در بین افراد حساس و وطن پروری که در آن دوره وحشت مختصر زنده گی بسر برده اند کی نخواهد بود که خودش را ممنون این روز تاریخی ندیده باشد

جشن نجات بود که اشك جاری و گریه وزاری هزاران زن های بیوه و اطفال صغیر را بخنده شادی مبدل ساخت .

نجات بود که بیك مملکت از هم پاشیده ، رنگ و رونق داده آبروی از دست رفته ملك و ملت را استحصال و برای دایم حفاظه و وقایه نمود .

وطن عزیز !

شاد زی و مانند بهترین نقاط عالم منظر خوشبختی باش که فرزندان مدبر و دلاوری داری این خادمان محتشم وغمخواران محترم تا آخرین قطره خون از تو حمایت کرده ، وبتحصیل شئونات تو خدمتگاری خواهند کرد ،

چطوریکه سنگلاخ های سمت جنوبی را بیهوده وزندگی پرعسرت عسکری افغانستان را بر حیات مترفه ترجیح دادند وترا در ذلت ومسکنت دیده نتوانستند .

آینده درخشان ترا هم در تاریکی نمانده واز دل وجان در راه تعالی وترقیات تو واولاد آت جهد و کوشش می ورزند .

ما که بتو عشق وعلاقه قلبی داشته و می نازیم باین فرزندان رشید هم که ازاکین عمده نجات اند افتخار کرده واز ته دل فریاد میکنیم .

پاینده باد حشمت وجلال وطن عزیز ما افغانستان .

زنده باد نجات دهنده شجاع برادران رشید شان .

اقتباس از جریدهٔ کابل

اعجاز قرانی

بقلم محمد کریم
قاضی زاده

تکامل از نوامیس طبیعی موجودات بوده بشریت نیز بمثل سایر موجودات فطرتاً محکوم این قانون وبه پیمودن مراحل ترقی در سیر است . چنانچه اعصار مختلفه علم طبقات الارض ، تاریخ طبیعی وبالاخیره تاریخ عالم بشریت بهترین مؤید ومحلل این نظریه ومدعا است .

در زیر نفوذ وتاثیر این قانون طبیعی (تکامل) است ، که بالتدریج ارتقائی در قوای عقلی وفکری بشر تولید شده درنتیجه منجر باینهمه ترقیات بهت انگیز ومدنیتهای حیرت افزای امروزهٔ عالم گردید . وهکذا ، در زیر سیر سابقهٔ طبیعی بالارتقای قوای عقلی وفکری او است ، که آهسته آهسته یکی بعد دیگری غوامض کون ، وجود ، اوامر ونواهی اسرار آلود شارع حقیقی وادیان سماوی در جلو عقل وادراک عالی داهی وسرشار او کشف گردیده ، پردهٔ عارضی بطالت واوهام از روی جوهر وحقایق اشیا بر داشته شده میرود .

از آنجمله موفقیت شگفت انگیز کنونی بشر ، بحل عقدهٔ غامضهٔ مضرات شراب ، بافهم وادراک علل حرمت آنست که دریوتن کالهی باز حکمت بالغهٔ الهی مبرهن وآشکار بوده ، از ۱۳۵۰ قبل ما مسلمین را بنا بر مضرات مادی وروحی صدمه های صحی ، عقلی ، اخلاقی واقتصادی آن ، از گرفتار وآلوده شدن بلوث شرب آن بموجب آیهٔ کریمه (انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون . انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله وعن الصلواة فهل انتم منتهون . (سورهٔ مائده شپارهٔ هفتم) منع ونهی نموده است . که اینک بعد از تجارب زیاد و متحمل شدن بخسارات طاقت فرسای لا یتناهی آن بزرگترین ملت متمدن دنیا (امریکه)

FLOWERS FOR "PUSSYFOOT": A WARM WELCOME FOR A DRY PROPHET

مبلغ معروف ضد شراب

مستر پسیفوت ، یکی از مبلغین معروف ضد شراب نوشی در دنیا ، بانان تازه گی ها که وارد خاک مدراس شده اند بروزه ورود شان یک استقبال و پذیرائی گرم جوشانهٔ از طرف جمعیت پرهیز گاران و مبلغین ضد شراب نوشی بومی مدراس بعمل آمده و گل ها وی تقدیم داشته اند .

مستر پسیفوت مبلغ معروف امریکائی تا حال یک سلسله خطابه ها و بیانات راجع به مضرت شراب و لزوم عدم استعمال آن به هندو ها و فرنگی های آنجا ایراد نموده است .

هم چنان به مسلمین آنجا هم راجع بمضار شراب که اساساً بیانات او مطابق مقررات دین مقدس اسلام تطبیق میشود ایراد و تبلیغ مینماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 425 of 896

بمضرات خانمانسوز آن پی برده ، جلوگیری بل بقمع واستیصال آن جداً از جان میکوشند . وبرهانیدن جان و مال ابنای وطن خویش از چنگال بیمروت وظالمانهٔ آن ، از ابراز هیچگونه مساعی دریغ نمی نمایند ، وهمچنان روسیه و اکثریه ملل متمدن دنیا نیز در اجرای این مقصد با او یار وهم آواز بوده ، به استخلاص عالم بشریت از شر آفات روح گداز آن مصروف اند ، وسالیانه چقدر مبالغ هنگفت ومصارفی نیست ، که ایشان از رهگذر تبلیغ (اجتناب ازآن) واعزام مبلغین به اطراف ونواحی عالم ایثار آنرا متحمل می شوند وحقدار اند .

زیرا ، مضراتیرا که عالم بشریت از هنگام شیوع عمل شنیع شرب آن ، تا کنون از پهلو های متعدد ، صحی ، اخلاقی واقتصادی بدان دوچار ومبتلا گردیده واست با بزرگترین مصائب وواقعات هائی مستولیه فی عالم بشریت ، زیر مطالعه ومقایسه قرار بدهیم ، آنگاشته نمیتوانیم مصیبتهائیکه از بدو استعمال آن تا امروز به بشریت رسیده است ، هیچیک از آفات وقایع مدهشهٔ طبیعی وغیر طبیعی

(بقیه دارد)

سیاست عالم :

آیندهٔ بریطانیا

(۲)

انگلستان را دولتی خواهد نمود که بایك نظر دیگری بدنیا نگریسته ، دنیا را بازار تجارتی ثانوی برای خویش فرض مینماید بعبارت دیگر با نمو و رشد این فکر - اگر سیاست اکتفاء اقتصادی وعده نفوس زیادی که دارد نخواهد توانست محیط زندگی خود را در حد اعتدال ومیزان متوسط دقیق حفظ نماید

در واقع انگلستان بنسبت سایر دول عالم باستثنای امریکا غنی ترین دول دنیا محسوب میشود و فقط امریکاست که در خلال این جریان با او منافسه و رقابت دارد ولی قوت و توانائی بریطانیا فعلاً اجازه نمیدهد که تاثیرات انحطاط هویدا و آشکار گردد و مدتی بطول خواهد انجامید تا تاثیرات آن معلوم میشود .

در جواب این هر گاه اقداماتی را که بریطانیا در سال ۱۹۱۹ برای جبران این مشکلات نمود تحت مطالعه و تحلیل علمی وفنی در آورد خواهد دانست که انگلستان دراین قسمت قدمهای بلندی برای اصلاحات امور خویش برنداشته صناعت انگلستان از سه نقطه نظر ناقص است : اول قدیمی بودن وسیستم کهنه و پوسیده که دارد دوم عدم وجود نظاماتی که امور آنرا تنظیم ویك صورت کامل و صحیحی به آن داده باشد سوم طرز فروش و عرضه داشتن امتعه در بازار های داخلی و خارجی و نمیتوانیم بگوئیم که اقداماتی که برای اصلاح این سه امر بعمل آمده است یك کدام از آنها با قدمهای بلندی پیشرفت حاصل کرده و تعمیم پیدا نموده است و اگر این امور در کمال خوبی اصلاح شود بطور حتم تجارت بریطانیا رو بانحطاط سیر مینماید برای جلوگیری از این انحطاط باید این موضوع را اصلاح و بازار های جدیدی برای فروش امتعه خود ایجاد و یا آنکه مستعمره جدیدی برای مصرف نمودن پیدا کند و همان طوریکه در دایره امور اقتصادی اینطور دوچار اشکالات است ، همینطور هم در امور سیاسی :

در یك دولتی که با حزب کارگر دو خورد سیاسی دارد خاصه که طرف مقابل هم طبعاً محافظه کار باشد ممکن نیست که در اصلاح این امور و بر طرف ساختن مشکلاتی که ایجاد گردیده است موفقیت حاصل نمود ، لااقل محتاج بیست سال وقت و مجال کافی هستیم تا آنکه محصول یك همچو رشد فکری و نظامات کامل نائل شویم .

تقریباً از یك قرن باینطرف این عقیده عمومیت پیدا کرده که پارلمان اجرای مقاصد هیئت دولت و فرماندارانی است که در رأس امور قرار گرفته اند ولیکن در آنجا کسی وجود پیدا نکرده که برای اصلاح این رژیم دارای شهامت و شجاعت ادبی کافی باشد و گذشته از این حکومتهای محلی دستخوش یك هرج

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 426 of 896

و مربی بوده و روابط آنها با حکومت مرکزی بر اساس ثابت و معین که وظایف و مسئولیت آنها را تحدید کرده باشد نبوده ، وبان ترتیب آن هرج ومرج قدیم بحال خود باقی مانده وبك جنك بزرگی در راه اصلاحات واقع شد و اگر یك جنك عمومی دیگری حادث شود وضعیت تجارتی واقتصادی باندازه' خراب وپریشان خواهد شد که نظر آن را تاریخ بریطانیا نشان نداده باشد حال اعم از این که این جنك به فتح و یا شکست بریطانیا منتهی شود زیرا قسمت عمده از بازار های تجارتی خود را از دست خواهد داد .

حیات بریطانیا همواره متوقف بر صلح عمومی است ولیکن متاسفانه اگر نظری بلهستان وروسیه ، لهستان وآلمان ، ایطالیا ویوگوسلاوی ، واما فرانسه که معتقد بانتقام است بنمائیم و آنها را مثال تحت خود قرار دهیم می بینیم که صلح عمومی هم یك مسئله محقق ویو' کدی نیست .

و اگر این جنك مشئوم حادث شود اروپا را بالمعدن در خشان ، منقلب وزیر وزبر کرده ونام اروپا مانند افسانه در خاطر ها چون خوابهای خوش طلائی باقی خواهد ماند .

*

* *

آینده بریطانیا در یکی از این دو مرحله سیر خواهد کرد . مرحله اول ـ : حوادث و وضعیت کنونی دلالت بر این مینماید که مدت زمان دیگری محافظه کاران در انگلستان زمامدار امور بوده وحکومت خواهند کرد در حالی که بهره حزب کار گر در زمامداری امور ، در ظرف این مدت آنقدرها زیاد نخواهد بود ، ودر مدتی که زمام امور در دست محافظه کاران است رژیم مالکیت فردی بتمام معنای خود بروز وظهور خواهد نموده وبریطانیا ثابت خواهد شد که هدف مقصود او حمایت گمرکی بوده وبرای حفظ بازار های دنیا بحساب صادرات خویش اولین عامل سعی وعمل خواهد شد وهر گاه مستقیما در این خط قدم برداشته ، روی فکر اقدام نهاد مدت مدیدی صاحب کار خانجات در رفاهیت وآسایش زیست نموده وقسمت عمده از فلاحین بامساعدتی را که دولت بانها خواهد سپرد زندگی خواهند نمود ، ولی بطور حتم تغییراتی هم درقسمت فلاحت وصناعت بنسبت وضعیت امروز رخ خواهد داد .

هر گاه عده ساکنین جزایر بریطانیا بواسطه مهاجرت ویا آن که قلت موالید نقصان پیدا نکند ، سد های گمرکی که ایجاد مینمایند حد متوسط زندگی ساکنین انگلستان تنزل خواهد کرد ، ولیکن بعضی از مواد وتخارج زندگی ارزانتر شده وبکار بردن قوه الکتریک در صناعت تعمیم پیدا میکند ولی بطور کلی قیمت زندگی گران وسنگین می شود وناگزیر در دوره' اشتغال مطالباتهای جزئی و مختصر خواهد بود و اگر حزب محافظه کار موفق در اقدامات خود شود حزب کار گر نمیتواند تمام این اوضاع را تغییر دهد مگر آن که یکمرتبه زمام امور بدست این حزب افتد چه مدت حکومت آن ها در این دوره زیاد نبوده ودر فترتهای کوتاهی زمامدار خواهند شد و بفرض اینکه حزب کار گر موفق بتغییر بعضی از نظامات بشود ولی اساس اقتصادی را نمیتواند درهم فرو ریزد واز بنیادش خراب کند ، زیرا تنها سلاح این حزب وضع مالیات است واین سلاح وقتی برنده خواهد بود که پشت سر کار گرها محافظه کاران روی کار نیایند وتا وقتیکه حزب کار گر نتواند اوضاع را بر طبق مصالح خویش تغییر دهد ونفوذ مطلق و بدون منازع در زمامداری امور پیدا نکند بطور حتم در عملی کردن آرزو های خود موفق نشده وپیشرفتی حاصل نخواهد کرد .

بقیه دارد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 427 of 896

(۲)

در بین بت هائیکه در صحن شمالی معبد مذکور گذاشته شده بود تمثال یك آلهه قبیح المنظری بود که شاید قبیح ترین تمثالی باشد که از زیر دست سنگتراشان غربی آسیا درین زمان خارج شده است لباس هائیکه این عجیب الشکل را پوشانده بودند بین طراز مصری وحشی واقع بود که در سر آنهم تاج مصری را که با پرها زینت یافته و در بالای آن برق متصل بود قرار داده بودند ، همچنان بعض ادوات دیگر نیز در بدن و دست ها و پاهایش قرار داده بودند شاید این بت تمثال «بعل» آلهه قوم در آن زمان بوده است ، چنانچه مصری ها نیز در مقابل آن همان آلهه را داشتند . اما اهالی شهر طوریکه از بعض نوشته جات ظاهر شده است آن را آلهه «سابونا» میخوانیدند و ممکن است «سابونا» نام شهر هم باشد زیرا اهالی این زمان ها آلهه های خویش را بنام شهر های شان میخوانیدند .

بهر حال چه این زعم راست باشد یا نباشد اما این شهر ملتقی مدنیت های شرقی (آسیائی) و غربی (قبرسی و یونانی) بوده است ، چنانچه آثار قبرسی نسبت بدیگران درین شهر خیلی واضح و نمایان است . و این امر هم چندان غیر طبیعی نیست ، زیرا جزیره قبرس به سواحل سوریه نزدیك بود و بین این دو ساحل همیشه کشتی ها بلا انقطاع در ایاب و ذهاب بود .

کتابت میخی

شاید مهمترین اشیائی که هیئت بین آثار «راس شمراء» کشف کرده اند بعض الواح یا صحائف سفالی است که در جنوب معبدی که قبلاً ذکر شد یافت شده است . و اینهم پوشیده نیست که الواح سفالی که در تمام موزه های عالم یافت می شود بر روی آن همان کتابتی میباشد که در قدیم ها در بابل رواج داشت اما لوح هائیکه در خرابه های «راس شمراء» یافت شده است دارای کتابت جدیدی است که در اصل شاید از کتابت میخی اخذ شده و یا اینکه بر اساس نمونهٔ کتابت میخی ساخته شده است ، اما از آن بکلی اختلاف دارد . البته مبدا هم که کتابت میخی مرکب از رموز هائیست که هر رمز آنها دلیل بر یك مقطع صوتی میباشد و در حقیقت مجموعهٔ آن ها مرکب از چند صد رموز اتی است که تمام آنها در بابل مستعمل بوده است . همچنان علما بعض لوحه های دیگری در خرابه های «راس شمراء» یافته اند که بعین کتابت میخی تحریر یافته است ، این دلیل می شود که این کتابت در آن زمن در سوریه شیوع داشته است ، یا اینکه محررین عموماً آنرا مهارت میکردند ، اما قسمت اعظم این لوحه ها به کتابت جدیدی تحریر یافته است که عدد رموز آنها از بیست وهشت بیشتر نمی شود وهر رمزی از آنها عبارت از «میخی» است که یك شکلی که مخالف شکل دیگرش میباشد گذاشته شده است واین دلیل خیلی قاطعی میباشد که این رموز درحقیقت مجموع حروف هجائی است یا اینکه در هر صورتی رموز مقطعی نمیباشد ، زیرا ممکن نیست که یك لغتی فقط از بیست وهشت مقطع مرکب باشد .

ترجمه لوحه ها

درینجا مذکور در کتب در مقابل علمای آثاریکه این لوحه هارا کشف کرده اند شروع شد ، زیرا بایستی ایشان طلسم این رموزات یا اصطلاحات و حروف را شکستانده ، و ترجمهٔ در مقابل آن بیابند ، و در اول وهله معلوم شد که چنین عملی از مستحیلات میباشد اما جهود وسعی علما گاهی در مقابل مشکلات ها خسته نشده وهدر نمی رود چنانچه در اول امر فهمیدند که لغت این لوحه لغت «سامی» است ، و چیز هاهم که در آن نوشته میباشد مخصوص امور ومو ضوعات معروف است ، بهمین حال علما شب و روز را بزحمت و تحمل گذشتاندند تا بالاخره توانستند طلسم های این رموزات را بشکنانند .

تا اکنون فرصت دست نداده است که ترجمه تمام لوحه هارا نشر بدهند لیکن علما متوقع هیچ صعوبتی بعد از

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 428 of 896

آنکه توانستند قرائت کتابت را نمایند
نیستند که حایل شان گردد و شاید حاجت
به تشریح باشد که محتویات بعض الواح
لوحه ها خیلی مهم است و تعلیماً مخصوص
عنوان دینی است ، چنانچه در آنها
ذکر «استاروت» و «داجون» که
و هر دوی آن در تورات ذکر شده است
وارد شده. همچنان «حکومت» یا آلهه
حکمت و «دیال» در آن ذکر یافته است
یك لوحهٔ هم در بین آن میباشد که تا
هنوز ترجمه آن بپایان نرسیده است ، و در
آن هشتصد سطر است که شاید قصیده یا
افسانه شعری باشد که پهلوان آن شخصی
موسوم به «طافون» است بلکه عده
لوحه های دیگری نیز میباشد که معلوم
می شود مجمعی برای تقدیر الفاظ لغت
اجنبی غیر معروف است ، شاید لغت
«هیتوا» که اهل گریت بدان تکلم میکردند
یا لغت که اهل «ساموتا» بدان تکلم
میکردند باشد .

(تایمز) (اطلاق)

اخطار

عبدالقدوس خان عکاس که سابقاً در بازار
احمد شاه واقع کنار دریا محل فوتوگرافی
داشت تازه گی در جاده ارگ به عمارت
زرین شرکت امان محل نوی برای
فوتوگرافی اختیار کرده و از آقایان
شایقین عکاس انتظار میبرد .

صحیات

امراض جهاز تنفس

پیوسته بگذشته :

تلیکه از سوراخ مصنوعی گذشتانده
می شود عبارت از دو پارچه بوده یکی
به دیگر در بین هم داخل شده، حصهٔ
بیرونی آن بواسطه فیته بدور گلوی که در
آن تنها داکتر نهایی کرده می تواند بپیچا
نیده، و حصهٔ داخلی آن با محلول نمك خوب
شسته وانتی سپتك نموده اصقی می شود
پارچه هاییکه بروی جلد از اثرات مرض
بهم ظاهر می شود در هر دو ساعت باید بر
داشته شود .

بهر کدام طفلیکه ایس عملیات اجراء
می شود اطاق باید گرم و مرطوب باشد .
بهر صورت خیلی دقت کرده شود که تل
خارجی از موضع خود حرکت نکند .

علاوه این عملیات یك تل خصوصی
معدنی از راه دهن و حلقوم تا مقر تك
گذاشته می شود . اگر مرض بواسطه
سرفه و یا کدام سبب دیگر تل را از
موضعش حرکت میدهد ، بسیار مشکل
نفس میگیرد ـ که دراین حال اطلاع بدوکتور
لازمیست .

اشخاصیکه به مرض خناق (دفتری)
گرفتار باشند ، و اشخاصیکه بامراض
مسری مبتلا هستند شخصاً در تامین صحت
وجود خود متوجه باشند .

امراض قصبات وشش

این مرض بواسطه بعضی علامات خود
را ظاهر می سازد : سرفه دوام میکند
و مکرر نوبت ها می آید .

ترتیبات تداوی :

تولوه ، کدینا و غیره است .

بلغم مریض را در بین توف دانی هائیکه
محلول انتی سپتك داشته باشد ، جمع نموده
بداکتر نشان داده شود .

صاف ، مخاطی چسپنده ، کف دار ، و یا
خون آلود می باشد .

وقتا که خون با لعاب دهن خارج می شود
مریض در دهن خود شوری و در سینه
گرفته گی حس میکند .

به مقابل این : مریض را بلند خوابانیده
و تکه های کوچك یخ به مریض
خورانیده شود ، هکذا ادویه مایعه .

نفس تنگی

از علامات التهاب شش و قصبات بوده به
شکل حس گرفتن مریض است .

تداوی :

تنفس به اکسیجن .

دوا ، بپره ، آستم ، ضیق النفس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 429 of 896

بار بار بصورت نوبت آمده اکثر درساعات اول شب دیده می شود .

در اثنای نوبت مریض بمثل خفک شده گی نفس گرفته نمی تواند به دروازه وپنجره برای هوا گرفتن میدود وخود را پیچ و تاب میدهد ، این وضعیت یک دو ساعت دوام میکند . درین وقت اثواب وبغل مریض را کشاده نمودن ومریض را بجای هوا دار نقل داده به سینه اش کاغذ مستاروط (آوری) چسپانده و بخار داده شود .

سیاه سرفه :

یک مرض نهایت مسری است که در راه تنفس خصوصاً دراطفال دیده می شود .

این هم نوبت به نوبت آمده شبیه بآواز خراش سرفه شنیده شده اخیر نوبت بقی بلغم واستفراغ نهایت پذیر میگردد .

در اثنای نوبت سر مریض را پیش رو پائین نموده بواسطه پنبه جوش داده بلغم ولعاب دهن مریض را پاک وانواش باز نمایند طفلیکه دچار نوبت این مرض باشد ازینکه زود زود استفراغ کردن ضعیف می شود اوقات غذای آن را نزدیک ساختن والبسه گرم به مریض پوشانیده جای هوا دار برایش انتخاب کنند .

برای سرایت ننمودن مرض که بدیگرها نرسد طفل مریض را موعد دو نیم ماه از اطفال دیگر کناره کنند .

(بقیه دارد)

(سید حفیظ حامد)

خبر های خارجی

تاس

چین

مداخله جاپان

مسکو ، ۳۰ سپتمبر — قرار اطلاعات آخرین چین ، عساکر جاپان تمام خط آهن جنوبی منچوری را اشغال نموده تفتیش آنها را برای خود مخصوص نمود .

از توکیو اطلاع میدهند ، که دریک آینده قریبی یک دسته دیگر جهازات جنگی بسواحل چین فرستاده خواهد شد . چند گروه از ورهای جاپان بطرف شانگهای آموی و سواتاو حرکت نمودند . عساکر جاپان تاونان را اشغال نمود .

مسکو ، اول اکتوبر — از توکیو اطلاع میدهند ، که حکومت جاپان تصمیم گرفته است که افواج خود را برای حاصل شدن امنیت وانتظام کلی از منچوری خارج نماید . قرار اطلاع شانگهای ، در اکثریه ایالات منچوری (حکومات مستقل) از طرفداران جاپان تشکیل گردیده است آنها ایالات خود را از دیگر حصص مملکت چین مستقل اعلان نموده اند .

یادداشت متحده امریکای شمالی

مسکو ، ۲۸ سپتمبر — حکومت متحدهٔ امریکای شمالی یادداشتی بحکومت جاپان فرستاده است در یادداشت خود ، راجع به اوضاع و قصمات افسوس نموده اطلاع میدهد ، که حکومت امریکا اعتقاد دارد که جاپان یک حرکتی که بر خلاف پاکت کیلوگ و معاهده سنه ۱۹۲۲ واشنگتون باشد نخواهد نمود .

مداخله جاپان در چین

مسکو ، ۴ اکتوبر — نماینده گی چین کومین اطلاع میدهد ، که دسته جات افواج جاپانی در ایالت غاولنگوتو تا بیپین — راه آهن موکدن جمع میشوند نماینده گی مذکور اطلاع میدهد دسته جات جاپانی امر گرفته اند تا بطرف گیرین و مانچون شمال مانچوریا حرکت نمایند

جاپان و مجمع ملل

مسکو ، ۴ اکتوبر — جاپان بتوسط نمایندهٔ خود در ژنیواز تصمیم مجمع ملل راجع به فرستادن مبصرین با کمیسیون مختلطه انکار نموده ، زیرا فرستادن مبصرین را یک قسم بی اعتمادی از طرف مجمع ملل برای جاپان میداند .

جاپان

مطبوعات راجع به واقعات منچوری

مسکو ، اول اکتوبر — قرار اطلاع توکیو ، مطبوعات جاپان بر خلاف مداخله مجمع ملل و ممالک دیگر در واقعه منچوریا بشدت قیام نموده اند مطبوعات بجواب فیصله مجلس مشوره و مجمع ملل اشاره مینمایند ، که تخلیه بعد از ضمانت و امنیت زندگانی و دارائی تبعهٔ جاپان ممکن است ، و کوشش مداخله مملکت سوم مورد مینماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 430 of 896

خبر های داخلی

تقرر

آقای فاضل غلام جیلانی خان «جلالی» که یکی از جوانان حساس وطن عزیز ما بوده واز مدتی باین طرف بصفت محرری باین جریده منسوب بودند اخیراً حسب در خواست و ح عبد الرحیم خان وکیل نائب الحکومه گی قطغن وبدخشان بمدیریت تحریرات آنجا مقرر شدند.

آقای محمد ایوب خان بحیث سر کاتب از دهن غوری تادره شکاری تمدید می شود مقرر شدند.

آقای عبد الرشید خان قسند هاری بحکومت میدان مقرر شدند.

تمدید شوسه

خطوط شوسه ذیل درین اواخر تمدید و کار آن ختم گردید وقابل عبور ومرور است :-

۱ :- سرک جاغوری که از حد رباط کوه آبین حکومت درجه ۲ بطرف جاغوری میرود الی حکومت جاغوری سنگ ماشه

۲ :- یک خط سرک از حکومت کوه آبین الی قریه بدی کنواز.

۳ :- سرک جدید که از خود حکومت کلان الی علاقه داری گیلوری آباد شده

۴ :- یک خط سرک از مرکز حکومت کلان درین اندر مرسلطا نباغ وغندي مرسل بشرن کتواز برده شده.

۵ :- از غزنی الی گردیز اگرچه سابقاً هم سرک بود ولی بالکل معدوم شده وقابل تردد نبود که سرک مذکور آباد ورفت وآمد موتر وغیره بین گردیز وغزنی جاریست.

۶ :- یک سرک از غزنی به بند زنه خان تمدید شده کار آن انجام شده است

تاسیس مکتب ابتدائی

روز پنجشنبه ۱۰ میزان یک مکتب جدید ابتدائی را در گذر سردار جانخان بسرای جراب بالی ع ه ص معین صاحب معارف افتتاح فرموده در افتتاح آن یک بیانیهٔ مفصلی بحضور اولیای اطفال که تماماً فوائد مدرسه ودرس را حاوی بود بیان فرمودند.

مکتب کتابی

یکصد نفر از طلبای مکاتب عالی را وزارت معارف جمع نموده وباسم مکتب کتابی یک مکتب جدیدی باز کرده اند که پروگرام این مکتب عبارت است از عملی نمودن دروس مکتب که در هر مضمون میخوانند.

درس هیئت :

معلم اروپائی به پسرش وقت تدریس میگوید ستاره ها در آسمان دونوع اند قسمتی ثابت که همیشه در آسمان توقف دارند وقسمتی هم سیار......

پسر : پدر جان سیار چه طور است ؟

پدر نجم سیار مانند مادرت که هیچوقت بخانه نشستن طاقتش نمی آید.

همدردی :

وکیل دعوا بکدام مجرمی محرمانه میگفت بسیار ضبط بزرگی کردی که عیالیت را ذریعه سم ارسنیک کشتهٔ زیرا ارسنیک مشهور واز آن زود معلوم می شود اگر یک بشقاب سماروق زهر دار کفایت میکردی کارت به اینجا نمیکشید.

مجرم دانسته گی هاست که تراوکیل الدعوا ساخته ورنه درباقی حال هردوما همدردی باشیم.

آرزوی خام :

خانم بدگل به جوانی که سابق عکاسی خانه داشته وباستجازه بر داشتن عکس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 431 of 896

او اصرار داشت با مید های طولانی افتاده وگفت : آیا شما که مایلید فوتوی مرا بگیرید از داشتن آن بسیار محظوظ خواهید شد ؟

جوان : آه مادام هرگز .... جریده من یك مسابقه بدرفتگی ترتیب داده ویقین دارم انعام درجه اول را شما حائز شوید .

لذت گوشی .

شیر جان وزیر دربار را گویند در یکی از روزهای زمستان سقورا براه نزدیك دکان قنادی دید که بچه گداها خشناك میزنند (رامیرود) وابزار های کهنهٔ دربا دارد وزیر متاثر شده بنوکر ها صدا میزند : او بچه ها بدوید براه بابه جان یك گلوش خوبی بخرید که گرم باشد بابه سقو بیك غمزه وخیازه شیرانی دهن خود را باز کرده گفت بچم کجا دندان دارم که تو برایم گلوش میخری .

هوس طبابت :

در یکی از دهات که به ز دیکی آن ها ابز خربوزه موجود بوده شتری از مرد مال ده داخل فالیز شده وچند دانه خربوزه را می بلعد اتفاقاً یکی از خربوزه ها درحلقوم شتر بند شده وشتر را بهلاکت نزدیك ساخته بود صاحب شتر بهر طرف دویده طبیب وبیطار میجست تا مرد هوشیاری بسر وقت شتر رسیده علت را دریافت وبار چه چوب بزرگی را بر داشته چند مرتبه بگردن شتر زد تا خربوزه خورد شده واز گلوی شتر پائین رفت واو نجات یافت صاحب شتر بیکمقداری نقد وجنس به آن شخص که مهارت بیطاری را بخرج داده بود تعارف داده وتشکر کرد ، مرد احمقی که درانده زنده گی میکرد این قضایا را دیده دربهوس افتاد که واقعاً بیطاری کار آسان وپر منفعتی است . ازان روز بطمع افتاده برای اینکه کسی از سابقه او آگاه نشود بده دیگری رفته و خودش را بطبابت ، بیطاری معرفی نمود قضا را زن پیری در آن جا بدرد گلو مبتلا بوده نزد او برای معالجه شتابید طبیب وقتی شنید که درد بگلو ، گردن تعلق دارد خوشوقت شد که اینجا بهتر می شود از تجربه کار گرفت سوخته چوب بزرگی را که در آن حوالی بنظرش بر خورد بر داشته مریض را خوابانیده وبقوهٔ تمامی چوب را بلند برده وبگردن بیمار فرود آورده فرود آمدن چوب وآسوده شدن ابدی مریض ها تا اقوام بسر وقت او رسیدند سفر آخرت پیش گرفته بودهمه باچوب وسنگ ریختند سر آقای طبیب ها پس از یك فصل کتك شکم سیری که برای معالجه به او دادند کلانتر ده از داد وفریاد او متاثر شده گفت بس است ازینکه زنده جوانی را قربان مرده پیره زنی کنیم بهتر است بقیه مجازات را به آن قرار دهید که دربن زمین سخت دامنه کوه وظیفهٔ قبر کنی را اجرا کرده باشد پیوله برجمت زیادی از آن تپلکه ومشقت نجات یافته و بده دیگری فرار کرده اتفاقاً مردم آنجا که شهرت طبیبی او را شنیده واز آدم کشی وی بی خبر بودند معالجه وبیکری را به او پیشنهاد کردند .

این مرتبه طبیب آقا که ازعلاج اولی تجربه خوبی گرفته وهوشیار شده بود گفت : بسیار خوب من بمعالجه حاضرم بشرطیکه محل دفن آنرا دامن کوه و قبر کن آن من نباشم .

اصلاح دعوی :

ظریفی از راهی عبور می نمود دید دو پسری بین هم دعوا دارند پرسید چه قضیه بین شما اتفاق افتاده که در زد وخورد دید ؟ یکی ازان دو نفر یکدانه جوزی را باو نشان داده و گفتند مادو نفر ازین راه میگذشتیم واین گردو را از راه یافته در تقسیم آن بین خود ما جنگ داریم هر کدام استحقاق خود را زیاتی ثابت میکردند یکی میگفت جوز مال منست برای اینکه اول من او را دیده ام . دومی میگفت :

مال منست چرا که اول من او را از زمین بر داشته ام . شخص ظریف گفت من اصلاح می کنم وجوز را گرفته از هم دو حصه کرد یکطرف پوست آن را داد بیکی از آنها گفت این حق تو که اول دیده بوده دیگر پوست را داد بدیگری که تو اول از زمین بر داشته مغز آن را خودش بدهن انداخته و گفت اینهم مال من که بین شما اصلاح کردم .

مؤلف : له بلانیه فرانسوی (۱۸) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

فصل دهم

(عروسی منقطع)

بارون ومارکیز بالنهایت بشرایط عروسی متفق گردید ند لوندال به لاولین فهمانده بود که اگر بلانش مادام لوندال نمی شود تمام گروی ها ئیکه بر جایداد او تعین یافته است ضبط کرده خواهد شد علاوه بران بارون بعضی اطلاعات خصوص سیاسی در دست داشت که مارکی حصهٔ زیادی دران ها داشت اگر بارقی انقلاب چنین اسناد را بدست می داشت کمترین مزاقی که بمارکی میداد ند ضبط جایداد او می بود . بارون این اشاره را بکمال فصاحت اظهار نمود از خانه بر آمد بارون هم بکمال عجله و بی صبری باطاق دختر خودش رفته خواست او را بعروسی مجبور وادار واز مخاطلاتی که انکار او در کنار داشت اخطار کرده باشد .

بشنیدن این قضیه رنگ از رخسار تابناک بلانش پریده مانند شاخ گل سفیدی از اثر نسیم سرد میشود لرزیده قطرات چند اشک از چشمان آهو مثالش بی اختیارانه فرو ریخت وباخود گفت آیا این بارون از ترحم وشرافت بکلی عاریست که باوجود اقرار شرم آور او هنوز هم خواهش ازدواج او را دارد . از کیفیت مکتوب هم نمیتواند که پدر خودش را اطلاع دهد ! شاید بارون آرزوی ازدواج او را ندارد ولی چون یک مرد بخیل است میترسد که عروس از کف او بدر رفته میخواهد که تکالیف سود قرض خودش را باین بهانه بیفزاید وانتقام از پدر او بگیرد ! این تخیلات او را دیوانه ساخته حیران بود چه کند ! بالآخره فیصله نمود که پدرش را قطعاً مایوس سازد چنانچه گفت : « اگر چه من دختر تو ومطیع اوامر تو هستم ولی بر قلب خودم اختیار ندارم وبهیچ صورت نمیتوانم فکر قبول ازدواج را با این مرد در کله ام جای دهم ! »

مارکیز ازین انکار دخترش خود را گم کرده نعره زد پسر من مجبورم که ترا کشان کشان در کلیسا ببرم این را گفته دختر خودش را بناله وفغان گذاشته رفت تا بارون را به تهیهٔ لوازم عقد نکاح امر دهد .

هرقدر که بلانش بحال هلاکت اشتمال خودش فکر نمود همان قدر برای مقاومت با اینچنین یک اتحاد شرم آور وننگین خود را مقحم یافت وبرای این که وسیلهٔ دیگری برای نجات خودش ازین بلای مبرم بیابد ، طفل خودش را بشدت خواهش نمود . آنرا خیال می نمود که منظرهٔ چنین یک تشافی زندهٔ عشق اورا بانیرنگ ثابت می نمود ! ولی افسوس که این امید او هم بسر نرسیده و او را بیاس وناامیدی گرفتار گذاشت !

بالآخره وقتیکه تمام امیدهای نجات از مکروه اش رخت سفر بست فکر فرار بخاطرش خطور نمود ولی درین چنین یک شب تاریک که مردم باعث تقریب دو از دو ازهم پاشید خود شان را بنزدیک ترین قصبات (بلژیک) میرسا ندند وبا بنصورت جاده ها را مملو میداشت مشکلات این اقدام پیش چشم او متجسم میشد وخیال میکرد دشوار خواهد بود که بتواند خودش را به یکی از قصبه جات قریب بدون آنکه شناخته نشود ویا آنکه راه را گم نکرده باشد برساند احتمال داشت که در اردوی اتریش ویا کم از کم در دست وطن پرستان گرفتار آمده بموجب رسوائی اوشود این افکار بنزدیک بود او را مایوس گرداند که نتایج وخیمهٔ ازدواج با بارون وعشق مفرط وبیرنگ ویتیم ماندن فرزندش یکی بر دیگر برو فشار آورده او را بفرار آماده وحاضر گردانید وامید نموده که بدون آنکه دیده ویا شناخته شود یکی از قصبه جات رسیده واز انجا بپاریس رفته از (سان ژین) احوال فرزندش را دریافت کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 433 of 896

تمام اشیاء پیش قیمت و زیوریات خودش را با مالاقی که ذخیره کرده بود در یك بقچه کوچك گذاشته و یك پالتوی سفری بدوش کرده چراغ را خوب روشن گذاشته دروازه را به بسیار احتیاط باز نموده و از پله ها با نوك پنجه پائین رفت در انتهای زینه دروازه کوچکی بود که بطرف باغ عقب مطبخ باز میشد بعد زن که گوش نهاد دید صدای از هیچ طرف شنیده نمی شود و سکوت عمومی حکمفرماست به کمال احتیاط قلقلك زنگ زده دروازه را بر داشته هوای سرد شب را استشمام نمود آسمان بنهایت صفوت و ستاره گان بمثل های درخشنده گی برای اینکه از باغ هم بی سرو صدا برآید از عقب بوته ها خیز بده خودش از رو شبین اطاق خدمت کاران واشپزخانه حیله نمودن میخواست که دفعتاً در مقابلش دو نفر ایستاده یکی ازین دو نفر مرد بلند قامتی و دیگرش زن دامن کوتاهی بود که پر بزرگی بر کلاه خودش نصب داشت ـ بلانش از خوف زیاد مفلوج شده نه حرکت میتوانست نه صدا و نه تکلم مانند مجسمهٔ یاس و نا مرادی بی حرکت ایستاد . طرف مقابل که باندازهٔ او متحیر و مبهوت نبود از فرصت استفاده کرده آهسته گفت هوش کن یك کلمه هم بر زبان نیار ما دوستهای تو هستیم ـ بلانش شما میگوئید ولی من آواز دوست را نشنیده م .

کارین اینقدر بلند حرف مزن ! بگو ببینم مادموازل بلانش کجاست .

بلانش مثلیکه از شدت خوشی حالی خفقه شده باشد نعره زد خدای من ! کارین این تو هستی کارین من هستم ایزا گفته وبطرف لادولت اشاره نموده ایزاد نمود بلی این منم که بمعاونت این مرد شریف وعدهٔ خودم را ایفا کردم . طفل شما صحیح وسالم در اردوی فرانسه بخواب راحت است کارین چون دید که بلانش هنوز هم بگفتان او بدرستی آگاهی نشان نمیدهد مسئله را زیاده روشن نمودن خواست من از روز بهانه سبزه هم پیادهٔ خفیف مشروبات فروشم (هانری بوت) پسر شما در خیمه من نزد شوهر محفوظ وسالم است ـ

بلانش آه دوستم مرا از غم واندوه یکی نجات بخشیدی وچقدر ممنون خواهم شد اگر همین دم باردو داخل شده وهانوبوت را ببوسم کارین این قدر عجله مناسب نیست درین وقت شب باردو گاه داخل شدن مخوفیت محض است لاوبولت خانم عزیز مدام له فیور حق بجانب است درین وقت هر که ارادهٔ رفتن اردوگاه را بکند مثلیکه سرش را بکف داشته و باخود میبرد .

بلانش باوجود اصرار وتکرار زیاد کارین ولاوبولت مخاطرات ماندن قلعه را شرح داده گفت پدرم میخواهد همین امشب مرا بپای محراب کشانده بدست بارون دهد چنانچه قانون دان وکشیش هر دو منتظر نشسته اند اگر نروم باید از حیات دست بشویم .

هر سه نفر در تاریکی شب عقب بته ها ماننند سه مجسمه ها ایستاده خاموش ماندند و نمیدانستند چه تدبیر بسنجند بالنهایت کارین با صدای لرزان خودش خاموشی را شکسته گفت ایکاش اگر نه نور درینجا میبود ضرور یا فکری برای پیشنهاد کرده میتوانست !

بلانش : چه میشود که هر سه ما یکی بر گردیم کارین مخاطرات گله ها استحکامات و اردو گاه را چسان عبور باید کرد ؟

بلانش : من بنفس خود از هیچ یك ازینها خوف ندارم ! آیا میدانید مادریکه مشتاق دیدار او لادش میباشد مخاطره یا مانع تمام چیزی در مقابل او وجود ندارد ؟

قریب بود که کارین ازین دلایل قانع گردیده با بلانش بطرف اردوگاه برگردد که دفعتاً صدای پای چندی از یکی دروازه های قلعه شنیده شد هر سه بدانطرف متوجه شده دیدند که بارون لوندال با چند نفر خدمت کارها که مشعل ها در دست دارند بطرف کلیسا میروند چون دیدند که از کنار ایشان خواهند گذشت خود را زیاده تر در برگ ها و شاخ ها پنهان نموده ساکت وصامت ماندند .

در اثنای که از قریب ایشان میگذشتند بارون یکی از خدمت کاران را گفته گفت برو مادموازل بلانش را اطلاع بده که عروسی از ساعت موعوده قدری وقت تر اجرا خواهد یافت و من ومادر کز در کلیسا منتظر او هستیم .»

جریده ملی انیس مولد ارتقای ملت است ومنادی تفوق ووحدت ، انیس از اولین جراید صاف گوی و بلند آواز است که در پرتو شعاع آزادگی دوره درخشان نادر شاهی بوطن عزیز ما افغانستان خدمت میکند جریده انیس همیشه در برابر اعمال وافعال عموم مثال این جامعه یك آئینه مصفائی بوده افراد صادق وفعال دولت وملت را بابر جسته ترین عباراتی بنام تشویق وقدر دانی تحسین وآفرین گفته چهره‌های زیبای شان را بقشنگ ترین وضعیتی تصویر میکند واشخاص تنبل وکاهل واجنبی وخائنین جامعه را بنام تنبیه وتنقید بشدید ترین لهجه تقبیح وبه فجیع ترین حالی کاریکاتور میکشد .

اخبار انیس به نسبت تفریح بیکاران باسواد ممدود شفیق است وبرای مطالعه اهل کار بهترین مصاحب ورفیق صفحات انیس دارای تمام مزایای نشریات ملی است وستون‌های آن جامع جزو وکل مطبوعات لازمی

انیس اگرچه بوضعیت یك جریده هفته گی در وسعت اطلاعات عمومی خدمت میکند ولی صورت و معنویات یك مجله را داراست که رفع همه نوع احتیاجات روحی خواننده را نموده ودر اخیر سال تحت یك مجموعه نفیس ونافع زیب کتابخانه شما هم شده میتواند .

سر مقاله های آن پیشنهاداتی در اصلاحات اجتماعی میدهد وسیاست عالم پر خیزش را به اوضاع دنیا آگاهی میرساند علوم و علمای آن مردم را بفضایل علمی و شرافت علما و کارنامه های آنها آشنا میسازد و فنون و اختراع آن در اکتشافات تازه دنیا شما را دانا و بینا مینماید اطلاعات صحی آن حافظ صحت وسلامتی شما است ودافع مرض وناخوشی !

ادبیاتش مهیج روح است و زنده کننده احساسات قلب خبرهای تازه خارجه وداخله آن اسباب اطلاع شما از اوضاع نزدیك و دور است و فکاهیات پر خنده آن باز کننده چین های پیشانی و آورنده سرور .

هموطنان با ذوق به انیس اشتراك کنید و از اشتراك خود بترقی یك مؤسسه ملی اظهار همدردی !

انیس در هر هفته یك شماره در هر ماه چهار هرسال پنجاه و دو شماره از دستگاه مطبوعات وطن بیرون میدهد هر شماره انیس ۱۶ صفحه و در هر صفحه ۳ ستون و در هر ستون (۳۲) سطر موجود دارد به استثنای بعضی هنگام فوق العاده که مفصل تر بیرون خواهد شد .

اعانه آن در سالیانه در مرکز ۱۲ افغانی و در ولایات باضافه محصول پست ۱٤ افغانی و در خارجه (۲۰) شلنگ میباشد
اینهمه مزایا را با این پول قلیل دارا شدن وباز در خرید آن اندیشه یا خود داری کردن کمال بی ذوقی است ۱۲ افغانی در یکسال معادل قیمت مصرف گوگرت هم نمی شود که به خرید آن کاهلی نشان داده شود .

آقایان! زود است بشتابید و اشتراك کنید که ندامت خواهید کشید سالهای گذشته اگر در بدل ۱۲ افغانی به انیس اشتراك میداشتید چرا حالا برای هر مجلد سالانه او ۲۰ و ۳۵ افغانی پرداخته و باز هم برای بدست آوردن آن قلینه و چراغ گرفته سر دوره بگردید .

یك قصه چند عقل را زیاد میکند از پیهم قصه کشیدن بهتر است از گذشته اگر تجربه گرفته باشید آینده انیس را از دست ندهید انیس روز بروز بصورت طبع و ترتیب مقالات ترقی خواهد کرد ممکن است به آینده نزدیکی از همت هم وطنان با ذوق و مشترکین حساس تغییر وضعی بخود داده در دایره و مطبعه خود وسعتی دهد ستونها یا کلیشه های مخصوص و صفحاتش را با گراورهای قشنگ آرایش داده و با حروفات تازه تری جلوه گر عالم مطبوعات گردد وقتا که انیس سر و صورتی بخود گرفت ولباس قشنگتری پوشید باز مجبور خواهید شد بقیمت گران تری تمامی خریداری کنند آنوقت پول زیاد تر و پیشکی گرفته خواهد شد مانند حالا اداره هفته و ماهانه قسط و مرور راضی نخواهد گردید غرض نگوئید چرا نگفتی
هموطنان با ذوق با انیس اشتراك کنید و از اشتراك خود بترقی یك جریده ملی همدردی !

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 435 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 436 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

❁ قیمت اشتراک ❁

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ ۱
طلبهٔ معارف	۷ ۱
در ممالک خارجه	۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دوائر فرستاده میشود باید رسید قبوض و معاوضه بشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 438 of 896

(شماره ۲۳۵) | انیس | (مجلد ۵)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوسته ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده:

۲ شنبه ۳ عقرب ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۵۰

جشن سال سوم نجات وطن

بدیهی است که هر ملتی دارای پاره ای خصایص و استعداد فطری بوده و نظر به آن روح ملیت و قومیت آنها تشکیل می یابد.

ملت نجیب افغان گذشته از شجاعت ذاتی یکنوع محبت و صمیمیت بوطن و پادشاه خود داشت و همچنان بامورات که موجب ترقید شئونات مملکت است فوق العاده اظهار علاقه مینماید.

که این محبت بشاه و وطن و علاقه بوسایل ترقیات مملکت یکی از خصایل فطری این ملت بشمار میرود.

روز ۲۳ میزان که یکی از روزهای تاریخی و مسعود مملکت عزیز ما است و بیادگار انجات وطن از چنگال ظالمانه حکومت سقوی و فتوحات درخشان نادری همه ساله درین جشن یک روزی جشن مطلعی و باشکوهی در خود مرکز و بتمام اقطار مملکت گرفته می شود لذا در جشن حضوری که یکی از رزمگاه های با صفای مرکز است قبل از رسیدن

روز مسعود ۲۳ میزان ترتیبات جشن با کمال جلال و شکوه گرفته شده بود اهالی با همان ذوق سرشار بساعت موعوده پای منار یادگار انجات مجتمع شده متعاقباً کابینه محترم وزراء، هیئت کوردیپلوماتیک و وکلای محترم ملی و صاحبمنصبان رشید عسکری طلاب مکاتب و سایر مأمورین کشوری و لشکری حضور بهم رسانیده منتظر ورود موکب ملوکانه بودند.

ساعت ۹ بم ذات قدسی شاهانه تشریف آورده بمنبریکه جهت ایراد خطابه گذاشته شده بود صعود و جشن سال ۳ نجات وطن را با بیانات قیمت دار ذیل افتتاح فرمودند.

نطق افتتاحیه اعلیحضرت

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت عزیز و قدردانم!

اولاً بشما و عامهٔ ملت شیوع ورود مسعود این روز فیروز را که مبدأ دور سعادت و حیات باشرف افغانستان و یوم پر خاطره و پر اقتدار تاریخی است تبریک و تهنیت میگویم و بعد گمان

خالق بی نیاز عموماً عرض و نیاز می نمایم، که افغانستان را تا مادام الایام در اوج عزت و شرافت ها و احترام و افتخارات سر بلند و ممتاز داشته باشد!

از خداوند برای شما و تمام ملت محبوبم و عامهٔ مأمورین و همه عسکر مظفر خود مزید توفیق و مساعدت را مسئلت داره تا در راه سعادت ملت وارتقای مملکت خود بیش از پیش مظهر چنان خدمات مهمی شوید که ازان رضای الهی و خوشنودی ملت اسلامی و شرف و افتخار این خطهٔ افغانی حاصل گردد.

عزیزانم! بمناسبت این روز فیروز که ما و شما آنرا از فضل و مرحمت الهی و حسن مساعدت عموم ملت و مجاهدت فداکاران صادق وطن نایل گردیده ایم و به این تقریب صمیمیه در رفع فتنه و تفریط و دفع وحشت و جهالت و ازالهٔ مناظر بد بختی کسب موفقیت کرده ایم شکر نموده بشما و کافهٔ ملت عزیزم توصیه مینمایم تا برای حفظ موجودیت ملی و سعی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 440 of 896

مدارج تکامل و ترقی خود همیشه وقایع تاریخی جشن امروزه را که حاوی یک سلسله خاطرات متضادهٔ غم انگیز و فرحت بخش است ، بخاطر داشته اسباب وعلل آن را که باعث انتباه و بیداری نفوس است ، بحافظه های نسل آیندهٔ وطن بسپارند زیرا اگر عدم آموختن تجربه از سوانح گذشته و غفلت آینده باز دیگر میدانی به اینگونه بلیات ملی بدهند ما نا که (خدا نا خواسته) آروی مملکت بخاک مذلت خواهد ریخت .

(لا وقع الله)

آری اگر ملل واقوام جهان از سیر نا ملایم حوادث سوء عبرت نگرفته در صدد اصلاح و جلو گیری از خاطرات آتیه نبرایند ، البته که روز گار برای اضمحلال و فشار دادن قوای هستی و موجودیت آنها حاضر و منتظر خواهد بود .

برای اینکه ما وملت ما خدای منان را باین موفقیت ملی که جشن نجات وطن جز ز یاد گار تاریخی اوست شکر گفته باشیم ، فریضهٔ اولین ما و ملت ما ست که برای اعلای کلمة الله وحفظ بقای ملی باتمام موجودیت خویش در ره تقدم و ترقی مملکت عزیز ایثار و فدا کاری نمائیم .

خداوند را شکر میکنیم ، که درین عرصهٔ دو سال بفضل حق سبحانه وتعالی ومساوات و اتحاد ملت عزیز حکومت شما توانسته است تا یک درجه بخدمت ملت و اصلاح امور مملکت کامیاب گردد ، و ازان جمله است ترتیب اردوی عسکری بلوازم عصری ، تامین امنیت عمومیه و تنظیم امور را کندهٔ داخلیه ، تمدید راه ها و سرک ها ، تهیهٔ وسایل حمل ونقل ، ترقی تجارت و گمرکات و زراعت و صناعت ، تدویر مدارس ومکاتب ومطبوعات وطبق تأسیس موسسه های مقدس شورای ملی واعیان و جمعیت العلماء ومجالس اطاق تجارت واصلاحیه ، و انجمن های علمی وادبی ، ترویج و ترقی فابریکه های صنعتی ، کشف معادن تازه ، واستخدام متخصصین علمی وفنی خارجی وامثالها .

این چیز های که شمردیم همه دراثر اتفاق و اتحاد ملت با حکومت وحسن خدمت گذاری و وظیفه شناسی تمام ماموران وهیئت کابینهٔ دولت وصمیمیت ومعاونت تمام اقوام افغانستان است . لهذا ما از عموم آنها اظهار رضایت مینمائیم و از خداوند توفیقات مزید برای عموم شان می خواهیم . ولی ملتفت باید بود که باین خدمات واصلاحات قناعت کامل کرده نشود زیرا که این مملکت اسلامی ما محتاج مزید ترقیات سریع اداری و عسکری ، فلاحتی و تجارتی ، تخنیکی صنعتی و تحصیلی ، یعنی محتاج حیات علمی وفنی است .

ترقیات علم وفن نیز از همه بیشتر محتاج باتحاد آراء و اتفاق افکار عموم ملت است ، که صمیمانه باهم دست داده با حکومت خود متحداً درراه این وظایف ملی که اسباب بقای حیات مملکتی وحفظ آئین مبین اسلامی است قدم بر دارند .

ما برای ادای این واجبات دینی وملی خویش از همه پیشتر هیئت دولت را بمزید حسن اداره واعتدال وملت را بیشتر باتحاد واتفاق و ابراز مودت ومساعدت بادولت ، و عموم افراد مملکت را به تحصیل علم وفن و حفظ الصحه که مراد از ورزش های جسمانی مهیا شد وتقویهٔ اخلاق حسنهٔ اسلامیه که سرچشمهٔ همه ترقیات مادیه ومعنویه است توصیه و دعوت مینمائیم .

خصوصاً از ملت محترم تمنای ما اینست که دولت برای اجرا وعملی شدن آرزو ها و آمال ملی وجلب مطالب ومواد خوشبختی وترقیات مملکتی هیچگونه از مساعدت عملی وهمدردی وموافقت فکری ملت خود بی نیاز شده نمیتواند وحکومات مترقیهٔ امروزه دراثر همین گونه معاضدت و پشتی بانی ملل خویش مدارج ترقی و سعادت را طی میکنند البته که ملت عزیز ما هم بحکم این ایجابات در همراهی کردن و هرگونه مساعدت ورزیدن با حکومت متبوعهٔ خویش پیش از پیش بذل مقدرت خواهند فرمود .

در خاتمه با منتهای صمیمیت و صفای نیت بقا و اعتلای ملت و مملکت عزیز افغانستان را از بارگاه خداوند فیاض نیاز و استرحام میکنیم .

زنده باد افغانستان (متعابعت عموم)

تبریکنامهٔ شیخ السفراء

بحضور اعلیحضرت

دران موقع م ج سفیر کبیر شوروی که سمت شیخ السفرا را داشت تبریکنامه ذیل را بحضور همایونی قرائت نمود :

اعلیحضرتا !

امروز افتخار دارم باعلیحضرت شما و ملت افغان تبریکات صمیمانهٔ همقطاران محترم و تبریکات صمیمی خود را بتقریب جشن شاندار نجات وطن و جلوس تقدیم نمایم .

دران روز عید ما بملت افغان آرزو های بی آلایش و صمیمانهٔ نسبت به پیشرفت آن در راه ترقی مادی و عرفانی و تشئید استقلالش ابراز داده ، و با علیحضرت استطاعت و قوای زیاد و صحت کامل که برای اجرا آن درخشان و دوستی وسعادت دولت افغانی لازمی است ، آرزو میکنم

جوابیهٔ ذات شاهانه

جناب شیخ السفراء !

با مسرت تمام از احساسات و نظریات نیك جناب شما و همقطاران محترم تان نسبت به تعالی ملت و مملکت عزیز خود مان و هم نسبت بشخص خوایش امتنان می نمایم و آرزو دارم که افغانستان مستقل همیشه بحفظ حسن روابط صمیمانهٔ که خوش بختانه با دول دوست و معاهد خود دارد ، بر همان اساس سالیان دراز قائم و پایدار بماند .

معروضهٔ وکلای شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت استقلال ونجات بخش افغانستان

خوشبختی و مسرتیکه ما وکلای شورای ملی و عامهٔ ملت نجیب تان از ورود این روز فیروز سال سومین جشن نجات وطن که یادگار اختتام دورهٔ نحوست و بد بختی ملت افغانستان و شکرانهٔ حیات با شرفانه گردیده شده است داریم ما را وادار مینماید تا به حضور شما اعلیحضرت معظم غازی و تمام ملت افغانی خود عرض تبریك این تقریب سعید را تقدیم نمائیم و این نصائح عالی و ارشاد های قیمتی شهریاری را بگوش دل شنیده جداً به تعمیل آن بکوشیم و باین وسیله خود ها را به مفخرت و شرافت مادی و معنوی و مراتب بلند دینی و دینوی واصل گردانیم !

اعلیحضرتا !

این روزیست که اجساد بروح ملت در از مجاهدات ملت پرورانه و مساعیات وطنخواهانه و ایثار و شجاعت تاریخی اعلیحضرت شما بحیات با شرفانه نایل و از عزم بالجزم شما بالمره لکهٔ جمودت از دامان ملت افغانستان زایل شده است

این روزی است که طلوع خورشید برچم مجاهدین بقیادت اعلیحضرت شما ابر های تیره و مظلم شقاوت و بد بختی و ابتلای اجبانی و روحانی ابنای وطن را از مملکت بر طرف گردانیده است.

این روزیست که فدا کاران وطن برای نجات مملکت صفحات خاك پاك افغانستان را از خون گلگون خود لاله زار و ملت و مملکت را از فداکات تاریخی شان مسرور و صاحب افتخار نموده اند

این روزیست که دقایق یأس و حرمان ملت بیك عالم امید درخشان و مسرت بی پایان به نیروی همت اعلیحضرت شما مبدل شده است .

خلاصه این روز ، عنوان سعادت و ترقی و دیباچهٔ آفاق وطن پروری و پیش خیمه انواع شرافت و مفخرت و حیثیت ملی ماست .

به این تقریب بدرگاه حضرت الهی بکمال اخلاص و نیاز عرض شکران این لطف و مرحمت خداوندی را مینمائیم که بما ملت این روز فرحت اندوز نجات وطن را از کرم و فضل خود بواسطه حسن تدابیر نادرانهٔ اعلیحضرت شما کرامت وارزانی فرموده که عظمت ملی و شرافت تاریخی این خاطره شیرین و خدمات قیمتدار شما شهریار دیانت قرین ما دائما نقش سینهٔ صداقت دفینهٔ ما و نسل های آیندهٔ افغانستان بوده در بطون اوراق تاریخ وطن بخطوط درشت طلائی ثبت و یادگار می ماند .

اعلیحضرتا ! هرچند ملت افغانستان از اثر انقلاب گذشته بسی خسارات مادی و معنوی را متحمل شده است ولی بهم راه آن ، تجارب مفیدی را حاصل ، و دوست و دشمن و خیر و شر خود ها را شناختند و ازان لوحهٔ عبرت خوبتر پند و

نصیحت کرد: از یکطرف ملت شجاع ما برای جلب منفعت و دفع مضرت خیلی زیاد بذل مجاهدت داوند و از طرف دیگر حکومت متبوع ما در اصلاح خرابی وارده و ترمیم خساره های دورهٔ انقلاب و تنظیم عساکر و نشر معارف و تعمیم و قوام امنیت و بسط انصاف و عدالت و فراهم آوری اسباب مسرت عامه و رفاه جامعه و غیره شعب اداریه و مدنیه فوق العاده بذل مقدرت می ورزد.

اعلیحضرتا! امروز ملت محبوبهٔ حکومت شما را از خود و خود ما را از شما دانسته تماماً سعادت و مرفه الحالی و آرزوهای خود ها را منوط و مربوط بوجود همین حکومت متبوع مقدس خود میدانند و تماماً متیقن هستند که این افتخار و نیکنامی که افغانستان را بعد ازین انقلاب خانمانسوز در سایهٔ الطاف ربانی نصیب گردیده است از اثر زحمت کشی و حسن نیت اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی است.

اعلیحضرتا ملت محبوب و قدردان شما همهٔ این زحمات قابل قدردانی را که شما آنرا محض جهت سعادت و آرامی ما متحمل شده درین عرصهٔ دو سال مملکت ما را با انواع فیوض و برکات و الطاف خود مالامال فرموده اید از دل و جان قدر و از خدای قدیر برای شما شهریار با تدبیر خود مزید توفیق را خواستاریم تا حسب آرزو و نیات بلند خویش وطن را شاداب و ملت را بمدارج بلند ترقی کامیاب گردانید.

اعلیحضرتا! امروز ملت افغانستان بر وجود مسعود شما می نازد و برین کارنامه های درخشان شما که موجب سر بلندی و افتخار وطن در داخل و خارج است بر خود می بالد و از حسن ادارهٔ بازوی توانای شما و والا حضرت صدر اعظم و ارکان کابینهٔ فعال شان که تحت اوامر و هدایات شاهانهٔ شما بر طبق امیدواری و انتظار ملت اجرا آت مینمایند اظهار مسرت مینمائیم و اضافه دعای مزید موفقیت شما و حکومت تان را مینمائیم.

اعلیحضرتا! ما این دورهٔ با سعادت نادر شاهی را که از موهبت حضرت الهی بر ملت افغانستان احسان شده است از مسعودترین ادوار مملکت دانسته امرار و دوام آن را از درگاه حضرت قادر توانا خواستاریم که برای عموم ملت خصوص هیئت مامورین مزید توفیق اتحاد و اتفاق و حسن نیت و خلوص عقیدت و فعالیت و زحمت کشی را که بهترین وسیلهٔ ارتقای یک جامعه است عنایت نموده ملت افغانستان را از خوشبخت ترین ملت ها بگرداند.

در خاتمه مزید موفقیت و کامیابی های اعلیحضرت استقلال و نجات بخشای خود را در انجاح مقاصد مبرکه برای سعادت ملت و ارتقای مملکت در نظر دارند خواستار بوده میگوئیم زنده باد اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی. پاینده باد استقلال افغانستان.

نطق اختتامیه
(اعلیحضرت همایونی)

بعد از ختام معروضه فوق ریاست شورای ملی تکرار از ذات شاهانه در کلمات مختصر دلچسپ نهایت مهم ازین حسیات و کلای ملت محبوب شان شکر گذاری فرمودند و دعا کردند، که خداوند بذات شاهانه و عموم مامورین و عسکر و ملت افغانستان توفیق ارزانی فرماید تا در راه انجام خدمات مقدس وطن که فرض ذمهٔ هر فرد ملت است مصدر اجرا آت مهمی شده این وظیفه مقدسه ایمانی و وجدانی خود را بکمال صداقت و امانت انجام دهند.

راجع به اصلاحات و پیشرفتی که درین عرصهٔ دو سال به ملت و مملکت افغانستان عاید شده است ارشاد نمودند:

«این اصلاحات و اجرا آت که شما ازان تظاهرات نمودید در حقیقت از لطف و کرم حضرت الهی نصیب شما و این خاک پاک اسلامی گردیده است باز هم چون جهان عالم اسباب است تمام این کامیابی و موفقیت افغانستان در اثر مساعدت و همدستی ملت محبوب با حکومت متبوعه شان و کوشش و مساعی جمیله صدر اعظم و کابینه شان و عامهٔ مامورین ملکی و نظامی افغانستان بعمل آمده است.

از درگاه الهی امید واریم ما همواره که از لطف و کرم خویش افغانستان را از آفات و بلیات گوناگون نجات بخشد.»

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 443 of 896

در مدت اندك همهٔ جرا حاتش را التیام بخشیده است ، دائماً او را با شرف و وقار و جاده پیمای راه ترقی و افتخار داشته باشد .

در خاتمه بعموم شما توصیه میکنم که درهمه مواقع برای خدمت وطن وتعالی ملت خود ساعی و جاهد وهمت خود را همیشه بلند وعالی داشته باشید تا بواسطه جد وجهد وسعی وعمل وهمت بلند خویش نزد خالق ومخلوق سر فراز وممتاز باشید .

همت بلند دار که نزد خدا وخلق
باشد بقـدر همت تو اعتبار تو

بهر اندازه که عزم و همت شما عالی وبدو گناه حضرت الهی سر عجز ونیاز شما بسجده باشد البته که بهمان اندازه مراحم ربانیه ممدو معاون شما بوده بواسطه عزم با لجزم و همت بلند خود مراتب ارجمندی را نائل میشوید .

پس از اختتام نطق شاهانه تقریباً بساعت (١٠) اعلیحضرت غازی رونق افزای صحن جشن گردیده وعده عساکر رسم گچت از حضور همایونی می گذشتند متعلمین مکتب حربیه ، تعلیم گاه توپچی تعلیم گاه پیاده ، تعلیم گاه سوار ، فرقه شاهی وقول اردوی اول مرکزی با تمام لوازم و تجهیزات حربی از قبیل موتر های زره پوش وتانك ها وموتر های لاری به نظم و ترتیبی که در خور یك عسکریت عصری است رسم تنظیم وحرکت خودرا بدورا دور صحن انجام دادند گذشت همان عده موجوده بتقریب دوساعت تماشا چیان را بامسرت وخوشوقتی تمامی مشغول ساخت متعاقباً وقت ظهر رسید ومطابق پروگرام هنگام نمازشد اعلیحضرت بطرف مسجد جامع برای ادای صلوة جمعه تشریف برده و از دحام مردم هم متفرق گشت .

پس از ادای نماز جمعه و اوقات تفریح از ساعت ٣ الی ٤ ونیم در صحنه نمایشگاه عمومی عملیات مسمریزم جریان داشت و پس از آن بین تیم حربیه وتیم معارف یك مسابقه هاکی از ٤ ونیم الی ٥ ونیم دوام داشت .

روز دوم جشن از ساعت (٩) صبح الی ١٢ آنروز یك مانوره بزرگ عسکری در میدان سیاه سنگ و رشجاعت کنان داده شد که از بهترین جنگ های مصنوعی بوده که تا کنون دیده شده گویا حس شهامت و شجاعت در دل ها ایجاد کرده واز عظمت قواء عسکری و بنظم ومرات آن که درین دوره نادری خود کرده یاد میداد .

همینطور برای هر روز و شب یکنوع نمایشاتی قرار پروگرام های جشن و اخبار های آن معین کرده بودند ازقبیل پهلوانی وفت بال والی بال ونمایش کابلوانی عندبدن سازها کشتی رانی در کول وعده تفریحات بسیاری بود که این ٣ شب و چهار روز بهترین خوشوقتی و سرور جشن نجات وطن را بپایان رسانیدند .

سیاست عالم :

اینده بریطانیا

(٣)

علاوه بر آنچه که گفته شد هر نهضت وجنبش اشترا کي که حادث شود قوانین ونظامات موجوده را در مقابل پیشرفت کار خود سنگ بزرگي خواهد دید این قوانین ونظامات حقوق مالکیت فردي را صیانت نموده ، بنا براین اولین قدمي که بایستي برداراند تغییر واصلاح قانون و بر قراري رژیمي است که بر طبق آن براي اجراي مرام خود اقدام کنند وهر گاه دراین دوقسمت ، تغییر قانون ووضع رژیم جدید — موفق نشوند بطور حتم شکست خواهند خورد .

نتیجه این خواهد شد که حزب کار گر وقتي نتوانست مقاصد اساسي خود را اجراء نماید وخط مشي صحیحي اتخاذ کند قواي خود را از دست داده وقطعه بتواناي او میخورد ، زیرا حزب در انجام مقاصد ومرام خود ، بیشتر متکي باجراي مقاصد و بر آوردن آرزو هاي خود بوده تا آنکه به زعماء وشخصیت آنها نظر داشته باشد ودر اینصورت یك حزب جدید در مقابل حزب کار گر وجود پیدا خواهد کرد که بطور حتم آن حزب بالشویکي خواهد بود وتبیت بمبادي واصول حزب کار گر یك نظر نگاه خواهد کرد ، که حزب کار گر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 444 of 896

در بدو تشکیل خود با صول ومبادي حزب لیبرال لنگاه کسرونند و مسئولیت حزب بالشو یکي بیش از حزب کار گر خواهد بود ؛ چه ؛ آیا براي تغییر افکار و طرز کار و منقلب ساختن احساسات و مشاعر مردم ابراز فعالیت نموده و کار خواهند کرد و باین ترتیب انگلستان آرام وساکن یکمرتبه بواسطه وجود یك افکار انقلابي عمیقي که از ریشه تکان خورده است منقلب گردیده وباعث یك زد و خورد شدیدي بین طبقات مختلفه میشود ؛ واین یکي از پیش بیني هاي لنسبري در طرز انتشار بالشو یکي در اروپاي غربي است!

* * *

مرحله ثاني که بریطانیاي کبیر در آن سیر خواهد کرد اینست ..

خیلي دور بنظر میرسد که مستر ماکدونالد مجدداً زمامدار امور شود ودر انتخابات آتیه ناچار شکست خواهد خورد و در اینصورت محافظه کاران پیشرفت حاصل نموده و مستر بالدوین براي مدت پنجسال دیگر زمامدار امور خواهد شد . حال اگر ما در موضوع سیاستي که مستر بالدوین پیش خواهد گرفت بحث و گفتگو نمائیم ، در واقع از حقایق مشهودي گفتگو کرده وپیش بیني وحدس نزده ایم زیرامبادي و اصول حزب محافظه کار معروف و براي همه کس شرح داده شده — مجمله ایجاد سد هاي گمرکي ، و کوتاه کردن دست اشتراکیون ، الزایل اهمیت بحریه بریطانیاي کبیر — وخلاصه خط مشي او بیشتر ملي میباشد تا آنکه بین المللي وبهمین واسطه باتخاذ این رویه در سیاست خارجي پیشرفتي حاصل نکرده ومجدداً کارگران روي کار خواهند آمد .

با یك همچو وضعیت متناقض دو احتمال در سیر وجریان سیاست انگلیس وجود دارد اول آنکه چه دو تن زمامدار امور خواهد شد که رویه اشتراکي را بپذیرفته وبر طبق آن عمل کنند ، ودیگر آنکه چه دولتي در رأس امور قرار خواهد گرفت که باز رژیم اشتراکي مبارزه نماید ودرصورت ثاني ؛ یعني مبارزه با اشتراکیون ابتداي اضمحلال حزب کارگر ونمو ورشد افکاري که بیشتر از افکار بالشو یکي و «سندیکالي» افراطي میباشد خواهد بود چه ؛ با این وضعیت بعموم ثابت خواهد شد که تاوقتي که رژیم پارلماني با این صورت وجود دارد رویهٔ اشتراکي را پیشرفتي نخواهد بود ثبوت این قضیه افکار اشتراکي را در مقابل افکار بالشو یکي ضعیف خواهد ساخت ؛ بطوري که افکار حزب کارگر در بدو تشکیلات آن حزب نفوذ لیبرالها را از بین برد ودر نتیجه این پیش آمد آنقدر عمومي که حتماً منتهي باستعمال زور و عنف خواهد شد ایجاد میشود .

واینکه اگر در این مبارزه حزب کارگر یك سیاست فعال وشجاعانة را پیش گرفته مصادره ، بانکها کمپانیهاي ، سیکورتا ، وغیره را در مالکیت دولت بدر آورده ، ودر وضع مالیات براي ثروت اختلافات اتفاقي رو بعدالانه را اتخاذ کند یك همچو سیاستي داراي مزایاي بیشماري است که در عین حال مشکلاتي هم در پیش دارد که عدهٔ زیادي از اشتراکیون با آن بمخالفت قیام خواهند نمود .

بنابراین اینطور فهمیده میشود که در آنجا بعضي اشتراکیها وجود دارند که معتقدند تغییر ناگهاني وعنیف موجب از بین رفتن بنیادي از پروژه هاي اقتصادي بوده ولطمه عجیبي بصادرات انگلیس خواهد زد که در نتیجه بعضي از بازار هاي تجارتي او از دستش بیرون میشود .

آنها با داشتن این معتقدات چنین فهمیدهٔ اند که با بستي بین تمام عناصر ملت ایجاد اتحاد و توحید مساعي نموده ور ژیم زور وعنف منتهي بمتلاشي ساختن و انقسام عظیم بین طبقات ملت میشود .

آنها معتقدند که این ترتیب مخالف باطبیعت ساکت وآرام انگلیس بوده ودلیل آنها در این عقیده اصلاحات زیادي است که در انگلستان با آرامي وسکوت بعمل آمده وخلاصه سیستم عنف وشدت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 445 of 896

که در روسیه مجری است بالطبع منفی می نگرند .

* * *

از شرح این دو طریقه اینطور نتیجه میگیریم ، که از میان این مرحله در ظرف مدت سی سال آینده یک چیز بوجود خواهد آمد ، اولاً اگر جنگ عمومی حادث شود رژیم حکومت انگلیس بطور حتم تغییر خواهد کرد ، وهر گاه در جنگ هم فاتح شود باز هم نخواهد توانست احد متوسط زندگی مردم را صیانت و حفظ کرده ، و معنای عدم توانائی او در محافظت حد متوسط زندگی ، تنفر عمومی تمام طبقات ملت خواهد بود و این تنفر موجب تمرد و تمرد باعث انقلاب بوده که در نتیجه سرمایه داران و یکتا تور میادت خود را تحصیل و مدتی پیش طول نخواهد کشید که انقلاب عظیمی نظیر انقلاب روسیه در انگلستان حادث خواهد شد .

ودر صورت ثانی ، یعنی استقرار صلح بعقیدهٔ من بریطانیای کبیر رو باشترا کی سوق میشود ، و منتجات از پیتو کراسی که فعلاً درهمه جا دیده میشود ، ضعیف خواهند شد و بجای فعالیت فردی وشخصی فعالیت مشترک وعمومی برقرار خواهد شد .

شخصیت افراد و رجال از روی عملیات وفعالیت آنها تعیین می شود نه از روی ثروتی را که مالک هستند و در خلال این حربان افراد را مجالی برای اختیار رژیم و تعیین مقدرات خود خواهد بود ومدت زمانی انگلستان در فقر وفاقه باقی خواهد ماند ، زیرا در این دورهٔ انتقال مصائب بسیاری روی آور می شود که باید بر تمام آن ها غلبه نمود . ودر هرحال من کاملاً معتقدم که اگر این رژیم اشتراکی پیشرفت نماید انگلستان در آینده یک مملکت نیک بخت وسعادتمندی خواهد شد که رفاهیت و آسایش در سر تا سر آن وجود داشته زیرا افراد ملت انگلیس فی اندازه عدالت و دادگری را احساس و درک می کنند . (انتهی)

(اطلاعات)

اقتباس از جریدهٔ کابل

اعجاز قرآنی

بقلم محمد کریم

قاضی زاده

(۲)

(بمانند تلفات سنگین امراض مهلکه محرقه و کولیرا ، صدمات جانفرسای و لکانها ، زلزله ها ، طوفانهای بری طغیانهای دهشتناک ابحار و رود خانه ها یا تشدد مخوف و تباکی سردی و گرما ها بالاخره وقوع حریقهای بزرگ) ، که با خسارات فوق الطاقهٔ آن را برابری وهمسری نموده بتواند .

چه آن وقایع و صدمات آنها از یک جنبه یا دو جنبه بیشتر نبوده ، موقتهٔ دوام داشته است . بالعکس مضرات این مادهٔ خبیثه و وجود آن پس از اعتیاد ، همیشه با عالم بشریت توام و بر سبیل استمرار و دائم همراه بوده ، متهاجماً بفاسد و معطل نمودن اعضای جدی وفعال جامعهٔ بشری مصروف ، و بخاتمه دادن حیات باشرکانهٔ آن دوری کار است .

تا اینجا از مضرات بر آشوب آن بحیث عمومی بحث راندیم ، کنون بد نخواهد بود که سلسلهٔ کلام را قطع ننموده ، داخل تفرعات مضار آن بتوانیم و حتی المقدور فرداً به تشریح ضررهای مهمه ایکه از آن متوجه عالم بشریت شده و میشود بپردازیم .

صرف نظر از ضرر های اخلاقی و اقتصادی آن ، نخست لازم میدانیم که ابتدای از مضرات (صحی و عقلی) آن مباحثه شود ، بهتر است ، چرا که ، وجود صحت و سلامت عقل اولین شرط بقای انسان در ساحهٔ زندگانی و تنازع حیات بوده ، در مقابل پیش آمد های خشن و ناگوار روز گار (که هرانی با یک قیافهٔ عبوس و وضعیت های درشت در مراحل تعب خیز حیات انسا نرا استقبال مینماید و او برای ادامهٔ حیات بپذیرفتن آن مجبور است) بزرگترین وسیلهٔ کامیابی و مظفریت بشمار میرود .

بیشترین مضرات جسمی الکحل ومشروبات الکحل در معده ، نظام عصبی مرکز قوای فکری ، ودماغی و سایر اعضای رئیسهٔ بدن بمشاهده رسیده است چه ، اولین هدف پیکان زهر آلود آن در جسم از قرار مسلو داشته کمه علمای فن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 446 of 896

تشریح پس از تجارب زیادی بدست آورده اند ، معده میباشد .

زیرا ، بواسطهٔ استعمال آن یکنوع خراش و سوزشی در معده تولید ، و بالتدریج غشای لعابدار آن (که هضم و تحلیل غذا بدان مربوط است) تورم و درشتی اکتساب نموده ، در نتیجه بسوء هضم ، اسهال و پیچ شکم و غیره امراض امعائی منجر میشود .

و هکذا بوسیله عروق جاذبه بجگر نفوذ نموده ، جگر را خورده و ضعیف ساخته ، بالاخره دامنهٔ آن بورم جگر ، استسقا و یرقان میکشد . و از خواص آنست که ، بواسطهٔ دوران خون بقلب رسیده ، بی انتظامی درحرکات آن تولید و امراض متنوعهٔ قلبی بمانند اختلاج و ضعف قلب احداث مینماید . و اینا چنین نیز شده است ، که از ... جریان خون بعضی از شرائین کوچک دماغی ترکیده ، بمرض سکته بحیات صاحب آن خاتمه داده است .

باینه (غش) انتقال نموده آنرا تحریک و در حرارت غریزی و حرکات آن موقتاً حدت و تندی تولید مینماید . و پس از چند ساعت رفع تأثیرات آن ، رخاوت در طبیعت طاری گردیده ، جسم سرد و کهولت فوق العادهٔ بدن و اعصاب را استیلا مینماید ، که از آن بعد ها سل و ذات الریه احداث شده ، طراوت و رونق چهره بر طرف ، و از عمر طبیعی میکاهد .

ازینجهت است که در اوایل استعمال ، بدماغ و دوران خون هیجان و سرعتی تولید نموده ، موقتی از آن انسان احساس لذت و مسرت میکند .

و بدبختانه بعد از چندی عکس العمل بخود گرفته ، در نتیجه اختلال در نظام عصبی و دماغ پیدا شده ، منجر بامراض مهمه دماغی مانند هذیان ، فراموشی رعشه ، فالج ، گردیده ، قوای عقلی مختل ، ناطقه دچار لکنت و متدرجاً حواس زایل شده ، بالاخره بجنون و مالیخولیا یا بانتحار و خودکشی خاتمه میابد چنانچه (در ممالکی که شرب آن رائج و متداول است) در صد (۶۰) الی (۷۰) از مجنونین و انتحار کننده گان ، مبتلایان بالکحل ، یا اشخاصی معتاد بمشروبات الکحلی میباشند . و گذشته ازینها بر سبیل توارث نیز تمام این امراض که ازان حاصل میشود بنسل و اولاد صاحب آن متوجه گردیده باقیت و خیمی نسل بشری می انجامد .

مضرات اخلاقی آن ، از آنجائیکه تکوین اخلاق حسنه در بشر ارتباطی بصحت داشته ، تمکن و رسوخ آن متعلق بقوای دماغی و حواس اوست ، و استعمال مشروبات الکحلی ، بکلی برهم زننده نظم و نسق قوای دماغی و عقلی بشمار میرود . لذا در اثر ضعف و تخلل ساختن استعمال آن دماغ را ، بدبخت ، که بواسطه دماغ مدیر تمیز مختل مانده ضعف اخلاقی تولید میشود .

و انسان از دائرهٔ اختیار خارج گردیده بمانند حیوانات بهیمه از ارتکاب هیچ یک اعمال شنیعه (که بحکم شرع یا عادت و مراسم اجتماعی ممنوع است و شرم و حیا که در وقت سلامت حواس مانع آن میشود) باك و رو گردانی ندارد که توضیح و تشریح هر یك آن مفرداً خارج از خط تهذیب و نزاکت است .

مضرات اقتصادی آن : این قانون اقتصاد است ، که هیچیك از سرمایه و ثروتها استهلاك کرده نمیشود ، مگر در اثر فائدهٔ که بعد ها از آن مترتب و در زیر نظر گرفته شده است .

انسان مبالغی صرف مینماید از برای خوراك و اطعمه ، بالمقابل فائدهٔ که از آن بر او عاید میگردد همان ادامهٔ حیات و رفع وسائل هلاکت است ، زیرا ادامهٔ حیات از جملهٔ آن مسائل است که راساً به اکل و خوراك متعلق بوده بجز آن چاره متصور نیست .

همانطور ـ زارع ها ، تاجر ها شرکتها کمپانیهای بیمه و غیره و غیره موسسات اقتصادی ، فنی ، مدنی ، عرفانی ، هر آنقدر سرمایه و مبالغی را که استهلاك مینمایند ، از برای فائده آنی خواهش و ثمره لذیذ و خوشگوار است ، که بعد از چندیها مدت بدان نائل میشوند .

این استهلاك سرمایه و مبالغیکه در راه الکحل و شراب نوشی نموده میشود یا بمصرف میرسد ظاهر است ، که از رهگذر جسمانی ، بغیر نتائج وخیم آن که در فوق ذکر یافت ، هیچ رنگ فائدهٔ دیگری از آن توقع و چشمداشت

نشده و نمیشود . و همچنین نقصانات آن از جنبه های دیانت (اسلام) و اخلاق نیز بهر فردی آشکار است . که درباره ش آنهمه ثروت و مبالغ هنگفت خویش جز خسران و پشیمانی برای خود اری دیگری نیاورده ، چه ظلمهای صریحی نیست ، که چه در دنیا و چه در عقبی در حق خویش نکرده است .

چنانچه دیده میشود (در ممالکی که شرب شراب متداول و مستعمل است) اکثریه از مبتلایان آنرا ، که آهسته آهسته تمام سرمایه وهستیهای گزاف خود را در راه آن عمل شنیع و حرام صرف نموده ، در آخر به انواع مرض مهلک و خانمانسوز جسمی و اخلاقی مبتلا گردیده ، به آلام گوناگون و بدبختی های حسرت باری رخت زندگانی از جهان بربسته اند .

یا بعضاً بعد از اتمام دارائی های گران خویش ، به سفالت و سبب روزیهای رقت انگیزی افتاده ، گدائی و سر گردانی ها مونی ر آشوب سفاهت اخلاقی دزدیها ، یغما ها ، نهب ها ، قطاع الطریقی ها وغیره وغیره گردیده ، و حاصل زیر ساطور خونریز جلادان ، دست و پایشان قطع و یا زیر سر چار چوبه های موبهدار مقدرات شان فیصله و حیات ننگین سر تا سر عارشان خاتمه یافته است (نعوذ بالله)

و از نجاست ، که آنرا در کتب فقه ما به ام الخبائث تعبیر نموده اند ، وباعث اینکه شرب آن در دین مقدس اسلام (از ۱۳۵۰ سال قبل بدین) حرام قطعی گردیده ، و به اجتناب و دوری گزیدن از آن ، کافهٔ مسلمین مامورند . مضرات وهلاکت صدمات جانخراش آنست که ذات واجب الوجود (جل جلاله) بعلم قدیم خویش بدان عالم بوده ، در شریعت غرای محمدی استعمال آنرا نهی نموده است .

بنازم آن دیانت پاک وحکیمانه ای را ، که بعد از (۱۳۵۰) سال حقایق منافع ومضرات اوامر و نواهی آن امروز کشف وظاهر گردیده ، مخالفین آن بحقانیت وبرتری آن اعتراف و بغیر از فرو کردن سر تسلیم در مقابل آستان رفیع و مجید او چاره نمی بینند .

و اینک بسبیل اطلاع وتائید قول خویش یک قطعه فتوئی یکی از مبلغین مشهور امریکا (مستر پیره وت) نامی را که کنون در مدارس (هند) جهة تبلیغ ضد شراب آمده است . نشر وتوزیع در شماره گذشته نموده بود، که تا ابنای وطن عزیز از آن عبرت و پند گرفته ، در انجام و اجرای اوامر و نواهی دین خویش که روا بمرتبه نهایه آنها از روی نفع وضرور خالی از حکمت نبوده ، و بدان مامور و مکلفیم ثابت که از هیچگونه مساعی کوتاهی و خود داری نورزند .

خبر های خارجی

بحران اقتصادی

در امریکای شمالی

تاس

مسکو - ۱۶ اکتوبر - قرار اطلاع نیویارک ، تهدید بحران اقتصادی بر متحده امریکای شمالی قریب شده میرود .

مطبوعات هر روزه در شکسته گی ۱۰ - ۱۵ بانک های نیویارک را اطلاع میدهد . اسهام بانک ها در تمام مدت ماه سپتمبر ۳۵ فیصد تنزل نموده است قرار اطلاع رسمی وزارت کار مبلغ عمومی معاشات در فابریکه ها صنایعی در حال حاضر ۴۰ فیصد کمتر است نسبت به سال ۱۹۲۵ در عین زمان با وجود شدت بحران انواع مصادمات رو بترقی است اعتصاب و خلاف تقلیل معاش در حال حاضر در صنعت نساجی وچرمی شروع گردیده است .

ترقی خواجه گی دهاتی در س س س ر

مسکو - ۷ اکتوبر - کمیسار عملی زراعت ، یاکوولف اظهار نموده که در سال ۱۹۲۹ در تمام اتحاد شوروی (۱۲۰) ملیون هکتار بذر کرده شده در سال ۱۹۳۰ ، ۱۲۷ هکتور ، و در سال ۱۹۳۱ ، ۱۳۸ هکتور بذر شده است . میدانهای کشت س س س ر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 448 of 896

در سال ۱۹۰۰ الی ۷ ملیون و در سال ۱۹۳۱ الی ۱۱ ملیون هکتار ترقی نموده است . حالا انکه ده سال قبل از جنگ تمام میدانهای کشت روسیه به ۱۵ ملیون هکتار میرسید .

جمع آوری پنبه در اسیای وسطی

مسکو ـ ۷ اکتوبر ـ اسیای وسطی در اول ماه اکتوبر قریب ۱۰۰ هزار تن پنبه جمع آوری نموده است حالانکه در همین موقع سال گذشته همه ۴۰ هزار تن پنبه تهیه نموده بودند .

فلز کاری شورویه

مسکو ـ ۷ اکتوبر ـ محصولات چودن وفولاد س س س ر ترقی لایتغری را نشان میدهد . محصولات چودن وفولاد ممالک مهم کاپیتالستی در ده سال آخیر ۷ ، ۴۱ فیصد تنزل و محصولات س س س ر الی ۳۱ فیصد ترقی نموده است . وزن مخصوص س س س ر در محصولات چودن دنیا در سال ۱۹۲۹ از ۴ و نیم فیصدی الی ۸ فیصدی در نصف اول سال حاضر ترقی نموده است . وزن مخصوص س س س ر در محصولات فولاد دنیا از سال ۱۹۲۹ الی ۱۹۳۱ از ۴ فیصد الی ۶ فیصد ترقی نموده است . اتحاد شورویه در محصولات چودن وفولاد از انگلستان پیش رفته است . بنابرین س س س ر جای چارم را در فلز کاری دنیا اشغال نموده است .

بحران اقتصادي

رویتر

پیغام دنیا بیان میدارد که خطر بحران در موضوع اقتصادیات که مجمع ملل به صورت شرط دادن قرض باستریلیا اقتضا نموده است ، رفع گردیده و مجلس ملی پیشنهاد اصلاح بودجه را منظور نموده است .

* * *

پیغام واشنگتن بیان میدارد که خساره (۹۰۴۹۵) هزار دولار در اصول اتحادی در ربیع اول سال ملی را خزانه امریک اشعار نموده است ، و فکر نموده میشود که خساره این سال بجز در صورتیکه محاصیل زیاده شود ۱۵۰۰ ملیون دولار خواهد بود .

* * *

پیغام لندن بیان میدارد که ، ماموق است ن ، جری حزب محافظه کارنست بتواقص اتوانستن حزب احرار باه فورمول ، انتخاب قبل از التوای پارلمان به تاریخ ۷ اکتوبر معاملات را به بحران نزدیک کند ، پس از انکه معلوم شد که احرار میل دارند راجع به تعرفه به موافقه برسند وضعیت ایشان قسماً بنابر بیان های لاند جارج از بستر علالت که سیاباً باتعرفه و انتخاب مخالفت نموده است ، دفعتاً شدید شد .

گندي وانگلیس

روز نامه (آبزوور) در سرمقاله خود بیان میدارد که آتیه کنفرانس میز مدور خیلی درخشان به نظر نمی آید ومیگوید که اگر میخواهند اصلاح ممکن شود کانگرس باید وضعیت خودرا به نسبت اقلیت ها تبدیل کند .

گاندی که ظهر روز یکشنبه به کین تر بری رسید و در انجا درمنزل شیخ القری اقامت نموده ، چون گاندی به استراحت محتاج است ترتیبات گرفته میشود که در آخر هر هفته هم چنین استراحت داشته باشد زیرا کار لندن برای او زحمت زیاد میدهد .

برای مرتبه اول درعین مفاهمت گاندی و نماینده گان مسلمان متینهٔ کنفرانس میزمدور مذاکرات شب دوشنبه به صورت ممتازی امید افزا بود . دانسته شده است که گاندی به صورت موقتی با اصلاس انتخاب جداگانه ، و اکثریت مسلمان ها در پنجاب وبنگال وحق کثرت به مسلمان ها در ایالتی که درانی اکثریت دارند تسلیم نموده است .

به محض آنکه تشکیل جدید درحیز عمل در آید ، راجع به مسئله انتخاب مشترکه استصواب نموده خواهد شد . گاندی قرار که را پورت میشود ، اظهار امید نمود که مسلمان ها تمام اقتضاآت کانگرس را قبول کنند . نماینده گی مذکور براین منصوبه در جلسهٔ صبح روز سه شنبه غور نموده دو تر مسلمان باقتضای استقلال کامل طرفداری ندارند و حاضرند از اقتدار کامل مستملکات طرفداری کنند راجع به مسئله ادارهٔ کامل دفاع و مالیات ، مسلمانها تا باندازهٔ که باداوهٔ یا لیسی عسکر تعلق دارد ، با گاندی طرفداری خواهند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 449 of 896

کرد . مگر در اداره انتظام عسکر طرفدار نیستند . در مسئله اداره مالیات کاملاً به او موافقت دارند ، ونماینده کی مسلمین متحداً تصمیم گرفته اند که از ادعای اقلیت های دیگر برای نماینده کی مخصوص طرفداری کنند . وقبل از آنکه رسماً فارمول اتخاذ نمایند ، از گاندی خواهش خواهند نمود ، که موافقت اقلیت ها دیگر را نیز به تصویبات خود بدست آورد . در جلسه امروزی ظاهر گردید که تا باندازه که به اقتضاآت مسلمین تعلق دارد گاندی عزم دارد مسئله انتخاب مشترک وجدا گانه را به وسیلهٔ یک استصواب که بزودی نموده شود ، حل کند .

وغالباً بذریعه تلگراف با انصاری مخابره خواهد نمود ، تا آنکه درنظریات او خصوصاً در مسئله استصواب که اعتقاد مرحوم انصاری با آن مخالف است نظریه او را معلوم کند . در کنفرانس غیر رسمی در روز سه شنبه گاندی راجع به پیش رفت مذاکرات خود با مسلمان ها فعلاً راپورت معین ندارد مگر اظهار امید نموده که درعصر امروز اطلاع معین داده بتواند . بجواب سوال اقلیت های کمتر گاندی گفت بهترین راه برای ایشان اینست که یک فارمول متوافق علیه را اتخاذ کنند و گفت من به طرفداران خود به هند اطلاع خواهم نمود چونکه فعلاً دست های مرا حکم (ماندات) کانگرس بسته است ، کنفرانس بساعت ٤ بعد ظهر امروز جلسه خواهد نمود . گاندی باز مسلمان ها را ملاقات میکنند ، با مردم سک نیز مذاکره دارد .

تاس

تغییر کابینهٔ جرمنی

مسکو — ۱۱ اکتوبر — قرار اطلاع برلین ، حکومت جدید تشکیل گردیده در حکومت جدید صدراعظم وزیر خارجه برونینگ ، وزیر حربیه وو زیر داخله گرینر مقرر گردید . مطبوعات کمونیستی جرمنی اشاره می نمایند ، که تشکیل دوباره حکومت برونینگ اقدام جدید وجدی بطرف فاشیزم وتهیه اقدامات برای ترتیبات واضح ودیکتاتوریت در تحت رهنمائی هندنبرگ وگوهبلز میباشد .

طوفان هوا وسیلاب در چین

شنگهای — ۲۸ اگست — بواسطهٔ طوفان هوا هشت میل کناره های شهر زرگی که مابین شهر شابو و کاوجو واقع شده است هزار ها میل مربع زمین را غرقاب نموده ، وصد هزار نفر از سیلاب تلف و ملیون ها نفوس بی خانمان میباشند .

آیا دولت اتازونی قروض جنگ را کم خواهد کرد ؟

احتیاج ساختن اروپا از سر نو

اخبار تجارتی نیویارک اظهار میدارد که قرض های دول متحدین را باید دولت امریکا کم نماید دراین صورت استفاده این مطلب را اول از همه دولت بریطانیا خواهد برد . تمام پولی که دولت اتازونی طلب دارد گمان میرود باید پنجاه درصد تخفیف داده شود ، بانک های امریکا هم باین مطلب متفق و اظهار میدارند که اصلاح ونظر ثانی به قروض جنگ از سر نو سبب و کمک تجارتی دنیا خواهد شد .

(خبر نگار دیلی هرالد)

نیویارک — ۱۹ اگست

روز نامه مذکور تحت این مطلب را به تذکاریکه از طرف جمیت با اطلاع وال استریت بآن شده میدهد و نیز اظهار میدارد که حکومت جمهوری امریکا مشغول تهیه کاستی قروض ها و مبادله می باشد و ممکن است که دریک کار روائی ابتدئی از برای قرار داد تازه متحدین و خلاص کردن انتظام باقروض مجدداً ادا حل شود — توجه کامل به ترتیب تازه ادا نمودن قرض بعمل خواهد آمد تا اینکه بتوانند بموجب وضعیت حاضره اقتصاد قرض های خود را متحدین ادا نمایند .

روزنامه مذکور این مطلب را هم نیز متصل میدارد که دولت بریطانیا سود زیادی می پردازد و به این جهت اول از همه از قرض دولت معزی الیها کاسته خواهد آمد .

ادا نمودن تمام قرض ممکن نیست روسای ارشاد دولت اتازونی در واشنگتون عقیده ندارند که شروع نمودن کار روائی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 450 of 896

ادائگی قرض در موقع آخر سال جنگ مستر هور را امکان نداشته باشد و تصور میکنند که سفارش کمیته بانک های بین المللی در باسیل براینکه دولت باید وقت خودرا در کار روائی ابتدای راجع به پرداختن قرض های زمان جنگ بیشتر از وقت دیده باشد روسای مذکور نیز این عقیده را دارند که این پیشنهاد پس از چند ماه خیلی ذیقیمت خواهد بود ، یعنی وقتیکه فشار مادی در موقع مذاکره راجع بعهد و پیمان بین الاقوامی شروع خواهد شد نیز عقیده دارند که دراین موقع مذاکره زیاد رسمی در خصوص کار روائی ابتدائی ممکن است مخالفت فرانسه را سخت تر نماید . خیلی اشخاص هم کار روائی ابتدائی و کم کردن قروض مخالفت دارند عقیده روسای دولت [illegible] این است که مدت یک سال زیرای اصلاحات امور مالیه اروپا کافی نخواهد بود .

مستر بوراه رئیس کمیته تعلقات خارجه دولت امریکا به اولیز اظهار داشت مادامیکه اروپائی قرار داد علاوه ماده وقرار داد جنگ را درست نه نمایند واقعاً مسئله قرض یک گونه ضیع اوقات خواهد بود که پیش نهاد باطل نمودن قرض را نمایند مستر بوراه حتماً طرف دار اصلاح قرض می باشد ولی باید این اصلاح با اصلاح ساختمان حقوقی اروپا هم سیاسی و هم اقتصادی شمولیت داشته باشد.

از هر طرف

اتومبیل روی آب

یکی از کارخانجات انگلستان اخیراً اتومبیلی را اختراع کرده است که میتواند روی آب وخاک ، مثل هم حرکت کرده وبرای رفتن آن خشکی و دریا فرق نمی کند .

از این سیستم اتومبیل دو عدد برای پرو پاگند وتبلیغ از کارخانه بافریقا و امریکا فرستاده اند ، تا ضمناً اعلان فی از امتعه انگلیس باشند . این اتومبیل روی دریا بقوه متعارف « سرعت مطابق سرعت روی خاک » بواسطه توازن ظروف مخصوصه که در اطراف او میباشد حرکت کرده — چون ظروف اطراف آن مملو از هواء بوده ومتصل با اتومبیل است از هر گونه غرق وزیر آب رفتن درموقع طوفانی هم مصئون میباشد محرک این اتومبیل شبیه بمحرک کشتی بوده وتنها یک نفر شوفر می تواند حرکت کرده و بهر جانب رانده شود .

طیاره او قیانوسی بزرگ

یکی دیگر از کارخانجات انگلستان یک طیاره بزرگ اقیانوسی برای خدمت در قوای بحری دولت ژاپن ساخته وتسلیم نموده است این طیاره در نوع خود از بزرگترین طیارات بوده و حتی از طیاره اقیانوسی معروف آلمان که معروف بنام «دو کی » میباشد و وسعت ۲۰۰ نفر مسافر را دارد بزرگتر و مسدهش تر است .

مشین آن عبارت از ۴ انجن بزرگ بوده و از بزرگترین طیارات این سیستم میباشد که تا بحال کارخانجات انگلستان بحساب دولت ژاپن ساخته .

ساختمان این طیاره با استتار و کتمان شدیدی شروع وخاتمه یافته ، چنانچه تا هنوز تصمیمات را جع بحمل و یا اعزام آن و تشخیص پست مخصوص طیاره که در چه قسمت وارد کار میشود . معلوم نیست .

« از مجلات خارجه »

خبرهای داخلی

محاکمات عسکری

قرار اطلاعات واصله

۱ :— محمد موسی ملازم فرقهٔ اول یک میل تفنگ را مفقود کرده بود به تعزیر شش ماه حبس وتاوان تفنگ بالمثل که محکوم گردید .

۲ :— عبدالغنی خان کاتب سابقهٔ کندک ۲ غند ۳ فرقهٔ اول به نسبت غفلت به تعزیر ۷ روز حبس عادی محکوم گردید .

۳ :— سید احمد خان کندک کشر که بالای یک نفر شیر محمد نام سپاهی خدمت شخصی خود را ایفا مینمود ده روزه قطع معاش گردید . (بقیه در صفحه سیزده)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 451 of 896

۴ : — خوشدل خان تولی مشر شاهی تولی ■ غند ۲ که غفلت کرده بود تعزیراً ۲۴ ساعت حبس عادی محکوم گردید .

۵ : — غلام نبی خان سر کاتب غند ۲ فرقهٔ اول پیاده به نسبت غفلت مذکور تعزیراً به سه روزه حبس عادی محکوم گردید .

۶ : — شیر محمد ، عبد الصمد ، محمد محسن ، محمد نبی ، لعل محمد سلاح انداز ، که متهم به عمل قمار گردیده بودند بعد از تعزیر شرعی بداون عوض وطرد از مسلک جلیلهٔ عسکری محکوم گردید .

۷ : — سید احمد ، محمد افضل ، جعفر قربان ، امیر محمد ، وغلام محمد نامان قومی هزاره که عبد العزیز خان کند کمشر قومی خود را تحقیر نموده بودند هر کدام شان به هشتاد هشتاد ضرب و یک یک سال حبس محکوم گردیدند .

اقدامات گمرک کابل

اگر چه چندین بار شکایت ما موجب گمرک چهار بکار بمدیریت گمرک مرکز واصل شده بود مدیریت گمرک کابل در صدد تحقیق ومنتظر معلوم شدن اصل قضیه بود که اخیراً راپورتی بمدیریت گمرک واصل گردیده ومشعر بر ساخته کاری تجار و گمرک اینجا بود که جناب مدیر صاحب گمرک کابل با سر کاتب و یک نفر ملازم گمرک برای تفتیش وتحقیق مسئله مذکور عازم چهار بکار شد درنتیجه تحقیقات واقدامات جدی وغیره وغیره چهارده قلم اموال مذکور را دستیاب نموده واپس بکابل آمدند .

ورود وعزیمت :

آقا محمد بهادر خان نواب یار جنگ که یکی از اعیان حیدر آباد دکن بوده و بمجلس تقنینیه آنجا عضویت دارند در ایام جشن تجلیات وطن بکابل وارد شدند بتقریب هشت و نه روز درینجا توقف داشتند .

آقای نواب شخص دانشمند و مرد مهذبی هستند زبان فارسی را بفصاحت تلفظ میکنند ، از حیدر آباد بعزم حج بیرون آمده و پس از تشرف بیت الله شریف بسیاحت ترکیه رفته بودند راه شام و عراق عرب خاک ایران عزیمت کرده و از انجا راه هرات رهسپار کابل گردیدند طوریکه خود شان اظهار میکردند علت این سیاحت شان ذوق دیدن بعضی ممالک اسلامی و ملاقات برخی علما و دانشمندان عالم اسلام بوده :

در کابل بشرف حضور اعلیحضرت غازی نایل آمده وایام توقف اینجا را در اثر پذیرائی شایان وزارت جلیله در بار بخوشی بسر بردند .

اغلباً اوقات خود را بسیر و گردش اطراف و نواحی کابل گذرانیده و گاهی هم طرف ملاقات بعضی رجال علمی و ادبی افغانی و ارباب جراید واقع میگشتند از سیاحت و ملاقات های خود درین نواحی و خصوصاً از وضعیت کنونی افغانستان و امنیت تامه این سرزمین که از هرات الی کابل دیده بودند بسیار اظهار خشنودی و رضائیت مینمودند ، چون دوره زندگانی ایشان تمام ها در نقاط گرم سیر مصروف شده و بهوا و فضای سرد کمتر عادت داشته اند است که با تاسف خاطر سیاحت خود را درینجا قطع کرده و روز یکشنبه بسمت هند عزیمت کردند .

بسیار خوشوقت شدیم که یکفردی از اعیان و دانشمندان یکی از ممالک اسلامی بوطن عزیز آمده و بمسرت خاطر مسافرت خود شان را بپایان رسانیدند .

سرمای پیش از وقت و بارنده گی

تقریباً از یکهفته بایطرف هوای کابل فوق العاده سرد شده روز ۳ شنبه ۴ عقرب از صبح باران شروع وشام چهار شنبه به برف تبدیل یافت صبح چهار شنبه روی سرک و گذر ها باندازه ۳ انچ برف دیده میشد اگر چه برف کم بود ولی اکثر اشجار شکسته وسیم های برق وتیلفون را بهم زده است .

معذرت

این هفته جریدهٔ ما بعلت علالت نگارنده واجزاء ادارة از موعد نشر آن یکدو روزی عقب افتاد و روز پنجشنبه بیرون آمد از آقایان مشترکین تعطیل گذشته را عفو خواسته وتلافی آن را در آینده وعده می دهد .

(دفتر اداره)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 452 of 896

نطق اختتامیه

وزیر صاحب معارف

در روز آخیر جشن نجات

بسم الله الرحمن الرحیم

اولاً حمد و ثنا میگویم مر خدای را که مکون جهان وحیات بخشایندهٔ عالمیان است و درود می فرستم بروح پاک و مقدس حضرت رسول مقبول او محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و آل و اصحاب او که حامیان حقه و فدائیان حقیقیهٔ راه اسلامیت بوده اند .

بعد آ و رود سال سوم این جشن نجات وطن را از دست جهل و نادانی از دست غوایت و گمراهی ، از دست هلاکت و تباهی ، بعموم هموطنان عزیز تهنیت و تبریک گفته از درگاه ایزد منان جل ذکره تمنا میکنم سالیان دراز تا ختم دورهٔ جهان صحنهٔ مملکت افغانستان از چراغان این عید تاریخی متشعشع و درخشان و قلوب افغانیان خاطره های قیمتدار این خدمت بزرگ و فدا کاری سترگ پادشاه معظم و قائد افخم خودشان اعلیحضرت (محمد نادر شاه) افغان مسرور و شادان باد . آمین .

هموطنان محترم ! تداول ایام و لیالی رفتن شب ها ، آمدن روز ها و وقوع واقعات در این اثنا نه محض یک امر معمولی ساده عبث و بیفائده ایست بلکه یک عالم رمز ترقی و انحطاط عالمیان درآن مرموز و مرکوز است .

بلی تنها گفتن دیروز چه بودیم امروز چه شدیم برای تامین حیات جامعه کفایت نکرده بایست بدانیم چرا دیروز آن حال دورشیده کدام عمل سوء واقع گردید و این مسرت را چه عمل بروی کار کشید .

همه میدانیم انقلاب ارتجاعی و هلاکت آوری را که در اواخر ۱۳۰۷ بروز نمود و در عرصهٔ چند ماهی تخت شاهی افغانستان را بدست دزدان سپرده ، خزینه ، سامان حربیه که از سال ها باین سو جمع و گرد آورده شده بود در میدان ضایع و اتلاف گذارده . هزار ها پدر را بی پسر پسر را بی پدر گردانید چه اشخاص بروی کار آورد و کدام اشخاص باعث این همه خرابیها گردید هر کس علتی برای آن خواهد سنجید اما علت مهم آن هانا بی اعتنائی حکومت در تطبیق اصول ترقی و عنعنات ملی و عدم توجه و مراقبت در اجرای اصولات حکومتی بوده که همچه بی اعتنائیها و عدم توجه و در نظر نداشتن مقتضیات حال و محیط لا جرم منجر باحداث بی اتفاقی در بین حکومت و ملت گردیده رفته رفته این بی اتفاقی و نفاق بدرجهٔ رسید که همه را از جادهٔ حزم و احتیاط بر آورده صحنهٔ مملکت را یک صحنهٔ خونین پس مدهش و عبرت آوری قرار داد . آیا در نتیجهٔ اشخاصیکه باعث اینهمه تباهی های ملت گردیدند کدام زحمتی دیدند ، جان و مالی ضایع کردند ؟ نی بلکه همه آنها از میان صحیح و سالم جسته بدون اندک خسارهٔ جانی و یا مالی هر گوشه و کناری فرا رفتند افغانستان ماند و همان ملت بیچاره بخون آغشته آن افغانستان ماند و همان سه چهار ذوات مبارک و هایونیکه راحت و وجود و مفاد شخصی خود شان را وقف امنیت و آسایش خاک وطن کرده زندگی دور از خاک وطن را ننگ شعار میدانستند

بلی می بینیم در آغاز انقلاب این ذات مبارک که این فدا کار حقه اسلام و وطن پادشاه محبوب ما در گوشه مملکت فرانس در بستر بیماری مدیدهٔ افتاده افکار برادران معظم خود شان را به تیمار داری خود مصروف داشته است همینکه خبر انقلاب و بی امنی وطن را می شنود با وجود ممانعت دو کتور های ما هر که نبایست از جا حرکت کند والا خدا ناخواسته بیم مرگی است آن همه تداوی و شفا خانه های مستریح و منظم را گذاشته باراده‌ٔ اصلاح و تامین امنیت وطن با برادران با عزم و ثبات شان پس از تحمیل زحمات فوق الطاقه مسافرت خود شانرا بسمت جنوبی میکشانند .

در مدت هفت هشت ماه با وجود علالت مزاج از ابراز خدمت برای نجات وطن باز نمانده چه بزبان ، چه بتحریر چه بشمشیر بمعاونت خداوندی و کمک اقوام غیرتمند سمت جنوبی و وزیر باستیلای مرکز حکومت افغانیه موفق و بمناسبت این خدمت برجسته و فداکاری مردانه خود بپادشاهی و اولی الامری ملت افغانستان برضائیت و اصرار عامه با وجود امتناع خواهش منتخب و قبول گردیدند . (باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 453 of 896

نادر افغان

شناختن مردان بزرگ و برجسته اقوام وطبقات عالم براي افراد حساس ، اشخاصيكه طبعاً ذوق كنجكاوي دارند ، يكي از بزرگترين نعمت هاي دنيا بشمار ميرود ،

افراد ذكي و نوابغ روزگار بهر پايه در نظر عامه عظمت واهميت مقام دارند بهمان اندازه آگاه شدن سوانح وحالات ايام زندگاني شان براي مردم پر قدر وقيمت است ،

خواندن سرگذشت ها ، كارنامه هاي افراد نامدار عالم نه تنها به اشخاص متفحص لذايذ تفريحي وروحي بخشيده بلكه براي وسعت معلومات ومجرب ساختن يا مجهز گردانيدن افراد در مبارزهٔ حياتي بزرگترين اعانتي مينمايد ، چه ، پستي وبلنديها وتلخي وشيريني هاي كه دوره زندگاني يك نابغه را تشكيل داده ودر كشاكش زندگي بواعث بزرگي كه در برابر آنها عرض اندام نموده وبالمقابل استقامت ومتانتي كه از طرف آنها بظهور رسيده بالاخره از مايوسي ها گرفته تا كاميابي هاي او شان يك سلسله معلومات ويك رشته اطلاعاتي است كه در روحيات تاثرات عميقي كرده وبراي افراد يك جامعه ناصح مشفق يا سرمشق دهندهٔ رويه و رفتار زندگاني واقع ميگردد ،

اعليحضرت نادر شاه افغان كه امروزه زمام مهام مملكت زيباي افغانستان را در يد اقتدار دارند گفته ميتوانيم نه تنها در جامعه ما طرف محبوبيت واقتدا هستند كه در تمام اقطار عالم يك فرد برجسته وبا نام ونشاني تشريف دارند كساني كه سيماي موقر وهيكل پر حشمت اين قايد محبوب ما را ديده وباواقعات مهمه وفداكاريهاي تاريخي آن ها را به بشت ترقيات وطن عزيز ما افغانستان شنيده اند از هر گوشه و كنار در تجسس وتفحص اند كه يك مجمل ومفصلي از ادوار زندگاني ايشان را بدست آورده وبصورت واقع شناسائي بآن وجود مقدس بهم رسانند ·

درين باره بايستي بسيار ممنون ومشكور زحمات قلبي آقاي برهان الدين خان كشككي بود كه درنتيجه يك مدت مطولي دوندگي و ذوق سرشار نويسنده گي توانسته اند يك مجموعه نفيس وممكني بنام نادر افغان درقيد نگارش آورده و بهموطنان و اهل دانش خارجه و داخله اهدا نمايند ·

برهان الدينخان از فضلاي معروف ونويسنده گان جدي وفعال وطن ما بشمار ميروند گذشته از علم وفضل آن يك نويسنده كه فعاليت بتمام معاني در شان او اطلاق شود برهان الدينخان است ·

آقاي كشككي علاوه بسلسله نگارشات با تراجم وتاليفات خود كه عبارت از چهار ساله نشريات اتحاد مشرقي جلال آباد چهار ساله نگارشات سوانح نگاري عصر امائي ، تاليف رهنماي قطغن وبدخشان ، ترجمه سيرت النعمان ، كتاب لوي جرگه ۱۳۰۳ ونشر اخبار حقيقت در محاربه منگل بوزارت حربيه وترجمه شعر العجم در رياست شورا هيكام تصدي خود به تصحيح قوانين ، بآن پرداخته اند اين كتاب جامع ومهم را نيز بوطن يك اثر بزرگي از خود بيادگار گذاشتند كتاب نادر افغان تنها سوانح اعليحضرت غازي نيست بل حلقه هاي تاريخ نهضت و ترقي مملكت عزيز ما افغانستان بشمار ميرود كه به سر انگشتان فعاليت آقاي كشككي بهم وصل شده ·

نادر افغان اولين كتابي است كه بحجم وقطع متناسب وطبع عالي وموضوعات دلچسبي از دستگاه مطبوعات وطن بيرون آمده كتاب نادر افغان داراي (۶۱۱) صفحه و (۴۹) قطعه تصاوير تاريخي ونقشه‌هاي خالي ميباشد ·

اين كتاب ، اهل تفحص وطالبين شناسائي يك نابغه جامعه افغاني را از تمام احتياجات معنوي كنجكاوي مستغني ساخته آوان ولادت و آغاز شموليت اعليحضرت را در خدمات وطن مخصوصاً محاربات استقلال وغيره حوادثات ترقي افغانستان را هنگام نجات وطن همه را بعبارهٔ بسيار ساده وشيرين جلوه گر عالم مطبوعات گردانيده ·

كتابيكه باب اين استفاده بزرگي باشد در داخل مملكت بعموم دواير جرايد وطني ودر خارج بوكيل التجاران افغاني رجوع بفرمايند ·

قيمت كتاب نادر افغان در مركز ۵ افغاني در ولايات با ضافه محصول پست ۷ افغاني ودر خارجه با محصول پست ۳ كلدار ·

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

جریده ملی انیس مؤید ارتقای ملت است ومنادی اتفاق ووحدت ، انیس از اولین جراید صاف گوی وپاک نویسی است که در پرتو شعاع ازادگی دوره درخشان نادر شاهی بوطن عزیز ما افغانستان خدمت میکند جریده انیس همیشه در برابر اعمال وافعال عموم عمال این جامعه یک آئینه مصفائی بوده افراد صادق وفعال دولت وملت را بابر جسته ترین عباراتی بنام تشوق وقدر دانی تحسین، آفرین گفته چهره‌های زیبای‌شان را بقشنگ ترین وضعیتی تصویر میکند واشخاص تنبل وکاهل باجانی وخائنین جامعه را بنام تنبیه وتنقید بشدید ترین لهجه تفسیح وبه فجیع ترین حالی کاریکاتور میکشد .
اخبار انیس به نسبت تفریح بیکاران باسواد محدود شفیق است وبرای مطالعه اهل کار بهترین مصاحب ورفیق صفحات انیس دارای تمام مزایای نشریات ملی است وستو اوای آن جامع جزو وکل مطبوعات لازمی

انیس اگرچه بوضعیت یک جریده هفته گی در وسعت اطلاعات عمومی خدمت میکند ولی صورت ومعنویات یک مجلهٔ را دارا ست که رفع همه انواع احتیاجات روحی خواننده را نموده ودر اخیر سال بحیث یک مجموعه نفیس ونادر زیب کتابخانه شما هم شده میتواند .
سر مقاله های آن پیشنهاداتی در اصلاحات اجتماعی داده میدهد وسیاست عالم بی خبران را به اوضاع دنیا آگاهی میرساند علوم وعلمای آن مردم را بفضایل علمی شرافت علما وکار نامه های آنها آشنا میسازد وفنون واختراع ان در اکتشافات تازه دنیا شما را دانا وبینا مینماید اطلاعات صحی آن حافظ صحت وسلامتی شماست ودافع مرض وناخوشی !
ادبیاتش موجب روح است وزنده کننده احساسات قلب خبر های تازه خارجه وداخله آن اسباب اطلاع شما از اوضاع نزدیک ودور است وفکاهیات پر خندهٔ آن باز کننده جبین های پیشانی وآورنده سرور .
هموطنان با ذوق به انیس اشتراک کنید واز اشتراک خود بترقی یک مؤسسه ملی اظهار همدردی !
انیس در هر هفته یک شماره ودر هر ۰۰ چهار هرسال پنجاه ودو شماره از دستگاه مطبوعات وطن بیرون میدهد هر شماره انیس ۱۶ صفحه ودر هر صفحه ۳ ستون ودر هر ستون (۳۲) سطر موجود دارد به استثنای بعضی هنگام فوق العاده که مفصل تر بیرون خواهد شد .
اعانه آن دو ساله در مرکز ۱۲ افغانی ودر ولایات باضافه محصول پست ۱۴ افغانی ودر خارجه (۲۰) شلنگ میباشد
اینهمه مزایا را با این پول قلیل دارا شدن وباز در خرید آن اندیشه با خود داره کردن کار بی ذوق است ۱۲ افغانی در یکسال معادل قیمت مصرف کبرت هم نمی شود که به خرید آن کاهلی نشان داد شود .
آقایان زود است بشتابید واشتراک کنید که ندامت خواهید کشید سالهای گذشته اگر در بدل ۱۲ افغانی به انیس اشتراک میداشتید چرا حالا برای هر مجلد سالانه ۲۰ و ۳۵ افغانی پرداخته وباآنهم برای بدست آوردن آن فتیله وچراغ گرفته سر درد بکردید .
یک نقص چند عقل را زیاد میکند از نیم نقص گشتن عین نفع است از گذشته اگر تجربه گرفته باشید آینده انیس را از دست ندهید انیس روز بروز بصورت طبع وترتیب مقالات ترقی خواهد کرد ممکن است به آینده نزدیکی از اثر همت هموطنان با ذوق ومشوق کن حساس تغیر وضعی بخود داده در دایره مطبعه خود وسعتی دهد ستونها با کلیشه های مخصوص وصفحاتش را باکرا ورهای قشنگ آرایش داده ویا حروفات تازه تری جلوه گر عالم مطبوعات میگردد وقتیکه انیس سرو صورتی بخود گرفت ولباس قشنگتری پوشیده باز مجبور خواهید شد بقیمت گران تری تمنای خریداری کنید آنوقت پول زیاد تر وپیشکی گرفته خواهد شد مانند حالا اداره هفته وماها به قسط ومردود راضی نخواهد گردید غرض نگوئید چرا نگفتی هموطنان با ذوق بانیس اشتراک کنید واز اشتراک خود ترقی یک جریده ملی همدردی !

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 455 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 456 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که توسط خزائن دوائر فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 458 of 896

(مجلد ۵)

(شماره ۲۴)

انیس

اداره: کابل چاره ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده: [illegible]

واشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

۲ شنبه ۱۷ عقرب ۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۵۰

کبریت وطن یا رفع یک

احتیاج مهم مملکت

واضح است که حیات اقتصادی یک مملکت تا چه پایه مهم و قابل اعتنا و مستلزم چگونه زحمات و فداکاریست اما سا عظمت و شوکت یک مملکت مربوط به پیشرفت و ترقی اقتصادی آن مملکت است.

مشکلاتیکه بحران اقتصادی کنونی در دنیا بوجود آورده، صحت مسئله را بطور قطع ثابت میکند چه امروز افکار تمام عالم بطرف بحران مالی متوجه و در مقابل آن مصروف ... چاره جوئی هستند تا از خطرات ... آن جلوگیری کنند.

غالب متفکرین بحران مالی کنونی را از اثر کثرت تولید جنس و قلت مصرف تشخیص میکنند و ... عقیده دارند که تولید جنس از اندازه لزوم و مصرف تجاوز کرده و وضعیت حاضره را بوجود آورده است ... ... را ...

... حال باید مطمئن بود که ممالک غیر صنعتی نظر به عقیده اول در تحت تأثیر بحران عمومی ترقه و به آنها سرایت نخواهد کرد.

در حالیکه فشار اقتصادی عمومی باشد تا اندازه بسیار ممالک غیر صنعتی تاثیر کرده و به نسبت ترقی طلا، تنزل پول داخله و استعمال آن تولید بعضی مشکلات خواهد کرد.

از آنجا که مملکت عزیز ما هنوز در در داخله مملکت محتاج ورود اجناس خارجیست و قسمت عمده احتیاجات ما از خارجه تهیه و وارد میشود درینصورت جای تردید نیست که مسئله اقتصاد، منتها زحمت و فداکاری را ایجاب نموده و برای تامین احتیاجات داخلی و کثرت صادرات خیلی کوشش و توجه میخواهد.

خوش بختانه مسئله اقتصاد نهایت مورد توجه حکومت مقدس ما واقع گردیده و فوق العاده جلب نظر اولیای امور را کرده است چنانچه پیشنهادات متعدد و مفید وزارت جلیله تجارت که از طرف مجلس عالی وزراء و حضور ملوکانه ... منظوری یافته ... ... وزارت ممدوحه ... موجب ... امید است که یک آتیه نزدیکی پیشرفت های درخشان و مهمی در رشته اقتصاد محسوس و مشهود گردد.

چیزیکه بیشتر از همه اسباب امیدواری و خوشبختی ترویج کبریت ساخت وطن منع ورود کبریت خارجیست این قدم بزرگی را که حکومت متبوع ما بر داشته باید با یک نظر مخصوص نگریست بلکه باید آنرا تقدیس نمود که یک احتیاج مهم مملکت در داخله تامین و یک مقدار کلی پولیکه همه ساله در بدل قیمت کبریت میدادیم به جیب خود ما باقی مانده و به ثروت مملکت افزوده میشود.

بدینجهت حکومت مقدس ما که یگانه طرفدار رفاه و تعالی مملکت است مرتباً به اتخاذ اینگونه اقدامات مفیده صرف توجه مساعی میفرماید ولی نظر باینکه مسئله اقتصاد یک مسئله عمومی و حتی درجات شخصی و خانوادگی نیز دخالت دارد لذا معاونت و کوشش تمام طبقات ملت درین مسئله خیلی لازمی و لابدیست تا در تحت توجه ... حکومت ... از یک طرف احتیاجات ما در خود مملکت تهیه شده و از طرف دیگر حجم صادرات ما بیفزاید.

موقعیست که قدم هائیکه از طرف حکومت متبوع ما در راه پیشرفت و ترقی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 460 of 896

اقتصادی مملکت بر داشته میشود از طرف عموم بالخاصه کسانیکه چه از جهت بکار انداختن سرمایه وچه از جهت صنعت وزراعت مصدر کار و پیشرفتی شده میتوانند باکمال فداکاری وتحمل هرگونه زحمت وکوشش تعقیب و پیروی شود تا درنتیجه بکامیابی ها وموفقیت های متمتع اقتصادی که عظمت وقدرت مملکت ورفاه عمومی بدان مربوط است نایل آئیم .

امروزه که حکومت ما به تهیه یك کارخانه کبریت سازی موفق شده وحتی برای رواج آن وورود کبریت خارجه را منع کرده است ما هم باید این احساسات وطن دوستانه را داشته باشیم که درخرید آن از دو پیسه فداکاری مضایقه نکرده. گوگرد موجوده خارجه را بقیمت نازل تر خریداری نکنیم هرچه دربازار های موجوده ما تنزل نرخ گوگرد خارجه را به بینیم باید فهمیم که این سیاست برای اختناق ترقی صنایع داخله ماست وما نباید بدست خود از مضایقه دو پیسه تفاوت قیمت کبریت وطنی وخارجه اسباب خساره بزرگی معنوی وطن خود واقع گردیم از ین هم باید مطمئن باشیم که بخیین حکومت ما برای آینده درنظر خواهند گرفت که قیمت کبریت وطنی کمتر شود چه بکار خانه وسعت وقوت دهند که از میزان موجوده که در روز بیست و پنج هزار قطی است زیاده تر تهیه شود وچه تدبیرهای دیگری از قبیل لاتری واعطای انحصار به تجار ویا بوسایل تشویقیه دیگری متشبث شوند که گوگرد بیشتر ازین در داخله رواج بازار پیدا کرده وارزان تر شود .

(احمد علی)

اخبار مهمه

چین وژاپون

پیچیده گیهای بین چین وژاپون ازچندی است ارباب سیاست عالم را متوجه خود ساخته خصوصاً موضوعات تازه برای جراید ومشغولیتی برای ژرانس ومتصدیان اطلاعات میدهد .

تصرف منچوری از طرف قوای حربی ژاپون چینائی ها را مجبور به بعضی قدامات برعلیه ژاپون واداشته که این قدامات حربی اگرچه خصمانه است ولی بدون جنك وجدال واستعمال قوای حربی گرفته می شود چینی ها در مطالبه حقوق (بعنی تخلیه منچوری نه اینکه ازآماده گی وموفقیات عسکری کار بگیرند بلکه به بروپاگند مقاطعه اقتصادی وبایکوت اموال ژاپون درچین بیشتر اسباب تهدید ژاپان را فراهم آورده وبآن اهمیت میدهند)

واین قدامات از قرار اطلاع جراید که ژاپونیها را نیز متاثر ساخته وبلکه دولت ژاپون از حکومت انگلیس تقاضا کرده که بایکوت ضد ژاپون را که بتمام مملکت چین فرا گرفته خواموش کند ومقارن اینحال دولت چهار کشتی کراوزر به شانگهای فرستاده و خیال دارد که عده قشون در شهر پیاده کنند .

ودر اخبار مابعدآن مینویسند یازده فروند طیاره ژاپونی اخیراً تسزین جزو را که در راه آن پلن موکدن واقع شده وحکومت جدید موکدن که از طرف جزان سولیا تشکیل شده درآنجا میباشد گلوله باران کرده اند جمعی مقتول وعده مجروح شده اند

مقصد هرچه از آنطرف شدت وحدت بخرج داده می شود از طرف مقابل (چین) دراقدامات بایکوتی علایم قوت تاکنون ظاهر می شود بحدیکه بعضی جراید خارجه آن را ازجنبش ضد ژاپونی فزون تر دانسته وبه یك نهضت امپریالیزم تعبیرش میکنند یکی از جراید المان (برلنر تاگیبلات) مینوسد مسئله جاپان وچین بریاست اتحادیه ملل تواله شده است مطابق به پیشنهاد حکومت چین ریاست الیوم (۲۲) سنتمبر در یك جلسه قبل ازظهر محاربه منچوری را تحت مذاکره گرفته است گویا اولین مرتبه است که یك محاربه بزرگ دو حکومت مهم آسیائی در جامعه ملل تحت مذاکره گرفته می شود

(سی) نماینده چین اطلاعات آخرین را بیان نموده ؛ گفت .

همان حدودی را که ژاپانیها متصرف شده اند برا و به انگلستان بزرگ است و از بقایای اظهارات او چنان مفهوم میشد که از اوانی که یاد داشت حکومت خود را تقدیم نموده وضعیت خراب تر شده است مطالبات ذیلرا که در یاد داشت نیز ذکر شده اند تکرار نمود :

۱ برطرف نمودن پیشرفت مجادله
۲ دو باره حاصل نمودن اوضاع سابقه
۳ تعیین صورت مصالحه برای چین

پس ازان (یوشیزاوا) نماینده ژاپان اظهار کرد :

منچوری یك زمین وسیع است که در آن ژاپان دلچسپی های زیاد و حقوق مصئون دارد و علاوه بر آن در آنجا بصد ها هزار تبعه ژاپانی امرار حیات میکنند .

در آنجا چین دو صد هزار نفر عسکر و ژاپان تنها ۲۰ هزار نفر دارد ، خرابی راه آهن مکدن از طرف عسکری چینی واقع شده است و این واقعه حالهٔ شدیده واقعات سابقه میباشد که بواسطه عسکری چینی پیش شده بود مطالبات اتلاف چین برای ژاپان قابل مذاکره نمیباشد دو باره حاصل نمودن اوضاع سابقه تنها در همان جای مرتب گردیده میتواند حکومت ژاپان خیال ندارد بمقابل جمهوریت چین بجنگد و خواهش دارد که هر گونه کشیدگی بر طرف گردد و مستقیماً مذاکره نماید یك مداخله پیش از وقت طرف ثالث در ژاپان باعث نا آرامی میگردد .

۳

حروف هجا را که اختراع کرد ؟

الف این مستغنی از بیان است که وسیله های را که ما در صدد تشریح آن میباشیم قیمت بزرگی در نظر علما دارد ، زیرا آنها نور جدیدی در اصل حروف هجائیه انداخته و مارا بشناختن

(بقیه در صفحه ۴)

نماینده چین میگوید که حکومت او یك تفتیش را بواسطه اتحادیه ملل میخواهد و هر آنقدر که یك حصه خاك چین در تصرف ژاپانیها باشد در طرف این هنگام ممکن نخواهد داشت بمذاکره مستقیم رضا بدهد .

بنا برین وضعیت جامعه ملل در صدد اند که زودی تر ترتیبی بگیرند نماینده ژاپان هم به جلسه آینده تعطیل این مذاکره را پیشنهاد کرده تا هدایات جدیدی گرفته بتواند ، یعنی تا کنون جامعه ملل هم نتوانسته است در اصلاح این مجادله موفق آمده و وضعیت سابق را فی ما بین چین و ژاپون عودت دهند آینده معلوم شود مسایل بچگونه کجا خواهد کشید .

اختراع آن کمك میکند زیرا دران شکی نیست که اختراع حروف هجا بزرگترین اختراعی است که انسان از زمان وجودش بر روی زمین تا امروزه بدان موفق شده است ، چنانچه اگر باختراع آن موفق نشده بود با مدنیت وعلوم امروزه نیز واصل نشده و به معارف بین مردمان انتشار مییافت ، زیرا علم مقدم بر هر امری است و انسان بوسیله آن از مغاك جهالت نجات یافته است ، مخفی نماند که فارس ها در قرن هشتم قبل از میلاد یك اسلوبی از کتابت (میخی) اختراع کردند که مرکب از سی و نه رمز یا حرف بوده و این اسلوب بین ایشان شیوع کامل داشت ، تمام علما برین عقیده دارند که فارس ها فکر این اختراع را از آرامیه یا فنیقی ها (که دران زمان بین ایشان شایع بود) اقتباس کرده اند اما لوحه های ، راس شمراء از اختراع فرس ها قریباً شش یا هفت قرن پیشتر میباشد چنانچه اسلوب تحریر آن نسبت به خط میخی خیلی بسیط تر و آسان تر است همچنین این یك نیز معلوم است که حروف یونانی و بالنتیجه تمام حروف اروپائی که حاضراً معروف و متداول است اصلاً از حروف فنیقیه که تا آلان تمام علما برین عقیده بودند که قدیم ترین حروف هجائیه است که انسان شناخته است اخذ شده میباشد اما آراء علما در

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 462 of 896

کیفیت اختراع آن و اینکه آن را فنیقی ها از دیگران اقتباس کرده اند و یا اینکه از رموز مختلفهٔ که در نزد ملل که در سواحل بحر ابیض متوسط سکنی داشتند و خصوصاً مادایکه در سیاحت های بحری خود ها با ایشان اختلاط حاصل کرده بود معروف بود جمع کرده اند یک عقده نمیباشد . پوشیده نیست که یک عده از علما گمان میکنند که فنیقی ها فکر حروف هجائی را از رموز هیرو کلیفی اخذ کرده اند و چون این رموزات را خیلی مشکل و پیچیده یافته و مقصودی که حروف مذکور را برای آن بوجود آورده بودند غیر کافی یافتند باشکال وسیله دیگری تصمیم کرده و بعبارت نزدیک تر بفکر اصلاح آن افتادند تا اینکه منتج به اختراع حروف هجائی [illegible] اینکه یک قسمت دیگر از علما از علائم آثار جدیدی که اخیراً بعضی ها را در سینا کشف کرده اند و در آنها رموزات تحریری است می بینند و مشاهده مینمایند که دلیل از تطور تدریجی رموز هیرو کلیفی است تا اینکه منتهی به اختراع حروف هجائی شده است در اینجا یک چیز دیگری هم میباشد که باعتبار نزدیک میباشد و در نزد علما دست آویزی برای آن نیستکه بصورت قاطع کن آنرا قبول نمایند و آن اینست : که حروف هجائی فنیقیه که در حوالی قرن یازده قبل از میلاد پیدا شد اثری از آن که ذکری از قرن ۹ قبل از میلاد نماید باقی نمانده و این همان قرنی است که تاریخ حجر معروف به (مو آبی) باین مراجعه مینماید شاید قارئین میدانند که علما آثار در همین نزدیکی ها کتابت فنیقیه را در روی قبر « احیرام شاه بیلوس » کشف کرده اند و این قبر ، تمام محتویاتش بقرن سیزده قبل از میلاد مراجعه مینماید که این عین همان تاریخی است که لوحه های « راس شمرا » نیز بهمان تاریخ میباشد . این اکتشاف تمام علما را متحیر ساخته است زیرا این تاریخ کتابت فنیقی ها را قریباً دو قرن عقب مراجعه میدهد آیا علت این چه طور است ؟

در هر حال هر گاه حروف هجائی فنیقیه ها قبل از زمانیکه تمام علما بر آن عقیده دارند یا قبل از قرن یازده قبل از میلاد اختراع شده باشد ، و یا کتابتی را که علما بر روی قبر « احیرام » یافته اند بعد از مدتی از وفات وی نوشته شده باشد (که دراین حالت قبر باید قریباً قرنی بعد از وفات احیرام شاه ساخته شده باشد) در هر حال هر دوی این فرض احتمال دارد ، چنانچه اینهم محتمل است که قبر در همین وقت « احیرام شاه ساخته شده باشد ولی اینکه قبر از بین رفته و اینکه هیئته نامش بوده دو قرن بعد از وفاتش خط مذکور را نوشته باشند ، در تمام این احوال هیچ ان نمی شود که ما تاریخ حروف هجائی فنیقی ها را بقرن سیزده قبل از میلاد مراجعه ندهیم در حالیکه لوحه های را که علما را « راس شمرا » کشف کرده اند این فرض را نیز تائید مینمایند .

در هر صورتی چه این لوحه ها بلغت فنیقی ها نوشته شده باشد و یا بحروفی که در ظاهر مثل فنیقی ها میباشد مارا باصل اختراع حروف فنیقی ها دلالت نمیکند . خصوصاً که بین آن و بین حروف فنیقی ها یک فرق ظاهر و نمایانی میباشد ، خصوصاً چیزی را که تا حال علما هم نگفته اند و آن اینستکه کتابت فنیقی ها از اصل کتابت « مینی » اخذ شده است .

بالاخره چیزی را که صراحتاً میتوانیم اظهار داریم اینستکه حروف هجاء در قرن سیزده قبل از میلاد رایج بوده است چنانچه کتابتی که بالای قبر « احیرام » می باشد و این کتابت از تحریری که بر روی « حجر موآبی » است و قبلاً بدان اشاره کردیم فرق زیادی ندارد بر این ادعای ما دلیل میباشد .

در اینجا یک رای دیگری نیز هست که موقع برای شرح آن در اینجا نمیباشد و آن اینستکه کتابتی را که در لوحه های « راس شمرا » یا « سا بوتای » قدیمه تحریر یافته است از اختراع یک تحریر فنیقی است که بکتابت بابلی یا میخی است که ... و میدانسته که این سبک تحریر چه مشکلاتی دارد بناءً

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 463 of 896

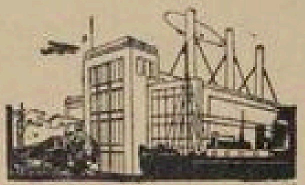

خبرهای فنون و اختراع

ترجمه از جراید خارجی

ایا رادیوم کدام معدن است

سحر بخت

رادیوم یک مسحوق سفید مثل

(بقیه صفحه ٤)

خواسته است یک اسلوب جدیدی که قریب بمقصود و ساده تر باشد ابتکار نماید ، و چون اهل بابل بنوشتن بالای لوحه ها یا اسطوانه های سفالین بقلم مخصوصی که میتوانستند با آن تصویر حروف میخی را خیلی دقیق بصورتی که اطراف حروف مذکور . ... وخیلی ظاهر باشد معتاد بودند . کاتب فینقی مذکور که کتابت جدید را ابتکار کرده است نخواسته از لوح و قلم معتاد صرف نظر نماید بنا" آنها را برای اختراع حروف جدیدی که برای خواندن و دیگران آسان باشد استعمال کرده است ، و این همان حروف هجائی است که بعد ها تمام ملل متمدن دنیا آنرا اقتباس کرده و وسیله برای نشر علوم و مدنیت آنرا قرار دادند . (انتهی)

(ترجمه : لطفی)

نمک طعام ، ولیکن در وزن یکسان آن مساوی هزار یار طلاء سرخ میباشد رادیوم خیلی گران بها است زیرا خیلی نادر و کم پیدا است ، یک مقدار قلیل آن مساوی یک ثروت بزرگ است در تمام دنیا بیشتر از یک چند قاشق زیاده تر از آن موجود نمیشود .

رادیوم دارای یک قوای عظیم وفعالیت که اگر یک مقدار بیشتر آن یعنی یک رطل و یا دو رطل آن در یک محل جمع شود ، اسباب هلاک خیلی از انسان ها خواهد گردید .

اگر انسان به رادیوم مسح کند ویا بدست بگیرد ، درحال حس الم و یا از آن کدام جرح و درد حس نخواهد کرد ، مگر بعد از یک دو هفته همان موضع ممسوس التهاب نموده یک زخم وجراحت بزرگ پیدا خواهد کرد که علاج ناپذیر و سبب موت سریع می شود .

اگر یک مقدار قلیل رادیوم را هم مالک باشیم و آن را با خود ببریم همین خاصیت را دارد . چنانچه شخصی انبوه (بیچه) کوچکی از این عنصر را برای تجربه از مقرات در جیب خود نگاه داشته بود تا برای متعلمین ارائه کند پس از حل یک ساعت آن را از خود دور نموده بود لیکن پس از سه چهار هفته عین درهمان موضع در تحت جیب آن روی جلد یک سرخی و خراشی پیدا گردیده و بعد ها یک جرحه بزرگ وعمیق ومؤلمی در آنجا حاصل نمود که مدت ها برای معالجهٔ آن صرف گردید ، تا آن شخص جبان خود را رهائیده توانست ، امروز قیمت این جوهر خیلی گران ومقدار آن در دنیا بسیار کم است ؛ یکی از خواص رادیوم اینست که در شب وروز مثل آتش مشتعل و درخشان بوده حرارت می دهد ، وهم در این صورت از وزن آن هم نمیکاهد وما سند یک پارچه ذوغال روشن شده همیشه حرارت وضیاء انشر میکند ودرجه حرارت آن قدریست که یک رطل یخ رایک رطل رادیوم درهر یک ساعت میگدازد .

(باقی دارد)

ترجمه : اسمعیل معلم اقتصاد

صحیات

امراض جهاز تنفس

بیوستـه بگذشته :

(ذات الریه) (پنو مونی)

(پنو مو قوق)

یك التهاب دیریته شش است که از میکروب پنو مو قوق سرایت میکند از علامات ابتدائی که مریض دفعتاً بلرزه ودر پهلو خود درد شروع کرده واز ٨ تا ٩ روز دوام نموده یکبار نهایت پیدا می کند .

بلندی حرارت ، پژ مرده گی لب ها سرفه در اول رنگ بلغم زرد وبعد صورت مختلف بخود میگرد .

مریضیکه بذات الریه مبتلا باشد . باید خوابیده شود اشیای اطراف مریض خیلی بدقت پاک نگاه داشته شود .

التهاب شش ونل تنفس (برونقو پنو موق)

اکثراً در اشخاص سال خورده ودر اطفال ، وبعد از سرخکان در اطفال دیده می شود .

بذریعه سرفه وبا خصوص زیاد شدن حرارت وتعداد تنفس ، بلغم ، خود را ظاهر می سازد .

(در اطفالیکه سن شان از پنج کم باشد بلغم نیست)

تداوی :

کدو کنگ ، وچسپانیدن بلا - تر وغیره است .

ذات الجنب - پلوره زی .

مقصد از جنب پرده نیک سینه وشش را می پوشاند می گویند یا خشک می شود ویا بداخل غشا آب جمع می شوه

علامات :

سرفه خشک ، دربدن حرارت ، درد در پهلو درصورت خشک شدن غشاء شا خشک خشک وضع می شود . ونسبت به جمع شدن آب دربین غشا خارج کرده می شود .

امراض جهاز دوران

ناخوشی در قلب ، شرائین ، اورده بوده امراض جداگانه مخصوص برای خون نیز دارد .

علامات ابتدائی امراض قلب :

(خفقان) گرفته گی وهیجان قلب است . که استراحت در دایره اصول با بعضی ادویه ها ، وخور را که ونو شیده نی تسکین پیدا میکند .

کبود شدن جلد ولب ها ، حس خشک خورده گی در وجـود که دران حال جلد را با بعضی اشیای خوشبو دار مالش دادن مفید است .

استسقاء :

آبیکه بداخل غشون است از انجام های محیط وجود در بافیکه تحت الجلد است : مانند انجام پا ها - ورم تار های پوست ویا تشکیل وجود جمع شده اماس پیش می کند . ویا پلو را جنب (ایداو تورا قس) به ریشوان (حین - آسیت) درمیان پرده آب جمع می شود .

ورم پا ها بسیار باره . با ناغرن یکجا شده درحال یك تیمار اسپیک لازم است

(باقی دارد)

سید حفیظ جاهد

خبر هاي داخلي

عروسی شهزاده

شام پنجشنبه در سلام خانه مجلس عروسی شهزاده محمد ظاهر خان منعقد واز صاحب منصبان لشکری تا مراتب نفر مشرو کمندك مشرو از مامورین دوائر تا درجه مدیر از طرف وزارت دربار درآنجا دعوت شده بودند . محفل بنهایت باشکوه ، وبا ترتیبات منتظمی از مدعوین پذیرائی شد بساعت شش ونیم همه بمواضع معین حضور بهم رسانیده بودند تقریباً بساعت هفت اعلیحضرت همایونی تشریف فرمای مجلس شده وباطاقهای که مدعوین حاضر شده بودند باوالا حضرتین صدر اعظم ووزیر حربیه وشهزاده محمد ظاهر خان گردش کرده ومی جاچند ثانیه توقف فرموده بجملات مرحمت آمیز وسبهای صحبت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 465 of 896

انکه از مسرت عمومی اظهار دل خوشی میفرمودند حاضرین هم ، بمقابل مرحمت وعطوفتهای جدا جدا فرمایشات شاهانه را بکمال حرمت تلقی کرده ودا شاشت تمام دامادی شهزاده والا جاه را بشاه محبوب خود تبریک کفتند .

ورود

جناب محمد یعقوب خان والی که بریاست تنظیمه مزار شریف ومیمنه در سال گذشته تشریف برده بودند یك مدتی را در آنجا بخدمات موظفه اشتغال داشتند شرح خدمات آنها را به نسبت حکومت وملت هموطنان عزیز در جرايد بیدار مزار واتفاق اسلام مطالعه کرده باشند وکمانداریم احتیاج بتکرار نداشته باشد غرض در اثر زحمات فکری و دماغی بسیاری که در انجام وظیفه متحمل شدند اخیراً علیل شده وبه اجازه همایونی از ترکستان برای معالجه رهسپار روسیه گردیدند .

پس از چندی که در انجا مشغول معالجه بودند متعاقباً صحت شان بهتر شده وازراه مشهد وهند عازم کابل وبتاریخ (۱۲) عقرب وارد شهرکابل گردیدند ازانجا که این شخص متشخص یك فرد جدی وفعال حکومت بوده به الایش ظاهری چندان علاقه مند نیستند بدون آنکه از ورود خود اطلاع داده ومنتظر تشریفات محافل شوند از سرحد بطور معمول مانند یك فرد ساده ملت وارد وطن عزیز خود شده وشرف حضور همایونی را نایل آمدند قرار اطلاعات واصله بعد از رفع خستگی بوظایف سابق خود شان (ولایت کابل) اشتغال خواهند ورزید .

تشرف وکلا بحضور همایونی

حسب تحریریکه از دار الشورای ملی نسبت به تعطیل مجلس همه ساله در زمستان وجریان آن از اول هر سال الی اخیر ماه میزان شده بود روز سه شنبه ۱۱ عقرب وکلای محترم دار الشورای ملی معیت جناب عبد الاحد خان رئیس شورا، ساعت ۳ بعد از ظهر در قصر گلخانه محض تودیع بحضور شاهانه مشرف شدند اعلیحضرت غازی آنها را بصحبت تمامی پذیرفته وپس ازانکه اجازه نشستن دادند زبان اسبار شرین و جملات موثری بخطابه ذیل مترنم گشته :

مفاد نطق اعلیحضرت غازی

عزیزانم ! اولاً احوال سلامتی شما را می پرسم وثانیاً ازین افکار خیر اندیشانه و مساعیات همدردانهٔ شما که از بدو افتتاح ریاست محترم شورای ملی الی الان از شما به منصه شهود پیوسته است و من اثرات این زحمت و صمیمیت شما را بصورت اصول نامه های نهایت عالی منظم مطالعه کرده در ذیل آن تصدیق وامر اجرا و تنفیذ آنرا جهت سعادت مملکت و مرفه الحالی ملتم داده ام اظهار تشکر میکنم .

عزیزانم ! چیزیکه بر مسرت من می افزاید همانا احساس اثرات فرحت افزای وحدت واخوت است که خوشبختانه امروز در سر تا سر مملکت افغانستان بین ملت محبوبم دیده میشود لله الحمد که امروز بر خلاف سابق عامه افراد ملت محبوبم بر حکومت متبوع خود اعتماد کلی دارند وتماماً مراتب اقصی خلوص وصمیمیت شانرا نشان میدهند و هم چنین ماموران حکومت هم در فراهم آوری وسایل و وسائط رفاه و آرامی ملت و سعادت ونیکنامی وطن کوشش دارند !

چیزیکه دوای تمام دردها ونسخه شفا بخش همه علل اسقام جامعه شناخته میشود ـ پیدا شدن رواج اتحاد واتفاق در تمام افراد یك مملکت است واقعاً راز ترقی وتعالی ملل وابسته بتوکید رشته های الفت ومحبت میباشد در قلوب ملت ، دلهای مملو از اخوت ومحبت ، دلهای پاك وصاف دارای اخلاص وصمیمیت بهر کار بزرگی که اقدام کنند بفضل الهی و بقوه وحدت عمومی بموفقیت کلی نائل میگردند وهمه مطالب ومقاصد خودها را بصورت خاطر خواه حاصل کرده همواره دشمنان از وشان هراسان ودوستان از مشاهده این وضع ووحدت اخوت شان شادمان میشوند ودر برابر هیچ یك عائقه وموانع واشکالی اوشان حائل نمیگردد .

دو دل یك شود بشکند کوه را
راکنده گی آرد انبوه را

اینك بنا به این مطالب همین موفقیت شما وکلای محترم را که درین عرصه قلیل درسا ختن اصولنامه های متعددی باکثریت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 466 of 896

مطلقه نائل شده اید و بسا افکار و نظریات همدردانه عاقبت اندیشانه تانرا برای خیر ملت و ترقی مملکت خود تقدیم کرده اید، میباشد و در عین زمان وجود امنیت و انضباط کامله در سر تا سر این خطه اسلامیه و ترمیم حصص مهم خسارات وارده دوره انقلاب و شیرازه بندی امور عسکری و ملی و غیره شعب وطن هر کدامش فی حد ذاته یک یک دلایل ظاهر آنرا بیک وحدت ملت با حکومت و ثمره مجاهدات و مساعی حکومت است در راه مرفه الحال ملت.

من دوام و افزونی این الطاف لایتناهی را از درگاه حضرت الهی خواهان بوده آرزومندم تا همواره ملت و حکومت افغانستان را با همدیگر متحد و متفق و همدرد داشته در اثر وحدت عمومی این خطه اسلامی بمراتب اقصی ترقی و تمدن مشروعه مسرور و واصل گردد.

راجع به تعطیل موقتی دار الشورای ملی در هر سال برای چند ماه که نظریات وکلای لویه جرگه ۱۳۰۹ بود و دیگر نفری هم بمنافی اجراآت عصریه و پارلیمانهای دنیا این رخصتی موقوته را تائید میکردند از بدو تأسیس منظوری این افکار وقتاً فوقتاً بحضورم گفته میشد، من تا چندی نظریه خودم را درین موضوع معطل و اخیراً تصویب و تردید این مشکوره مهم را مانند سائر اجراآت مملکتی خود را بشورای ملی گذاشته امر کردم قسمیکه وکلای ملت درین مواد فیصله کنند اجرا شود.

چون شما عزم رفتن خود هارا به اوطان تان جهة تبادله افکار با موکلین خود ها و ارائه مجاری امور سال یک مراتب تصویب وجمع شدن ومصروفیت تانرا در مهمات امور مملکتی بدار الشورای ملی در سال شش ماه مقرر داشتید من هم این مصوبه شمارا محض باین ملاحظه منظور کردم که شما وکلا بجاهای خود رفته عامه ملت عزیزم را از افکار و نظریات وطرز عمل حاضره حکومت خوبتر و بهتر دانسته کرده حسیات وجذبات حاضره رعیت را هم بدرستی به خود حاصل کنید.

باین مناسبت امروز خواستم تا با شما ملاقات کنم و بذریعه شما سلامهای خودم را بملت عزیزم برسانم چون پادشاه که در حقیقت خادم قوم است (نظر به خدمت و تربیت جامعه) بمنزله پدر معنوی ملت وشرعاً وعرفاً حقدار جامعه میباشد مسلماً دعای پدر وحقدار در حق فرزندان وزیر دستان بدرگاه خدا مؤثر و مستجاب است بملت عزیزم بگوئید که محمد نادر خیر اندیش شما شب و روز بفکر سعادت و راحت و ترقی شما بوده از لطف و مرحمت الهی شمارا باعزاز و مفاخر دینی و دنیوی سرافراز خواهان است شما هم در اوقات سحرگاه این خادم حقیقی و خیر اندیش صحیح تانرا از دعای خیر فراموش نکنید و هر کدام تان درعبادت الهی و کسب و کار مشروعه وامور معیشت تان فوق العاده بذل مجاهدت ورزید و با همدیگر شیوه اسلامیت و اخوت را مرعی داشته با خوردها شفقت و با بزرگان حرمت و باوامر حکومت خود اطاعت و پیش از پیش خود هارا مظهر انواع سعادت و مفخرت نمائید.

امروز چشم امید دوستان شما ملت بطرف افغانستان است و همگی منتظر اند که این ملت چگونه خود هارا از انواع این مشکلات و زحمت که از هر حیث و هر جهت بآن شان متوجه است خواهند رهانید اینها باید دیانت و فطرت افغانستان پیش از پیش از در سعی و عمل و مجاهدت پیش آمده با این حکومت خیر اندیش و خیر خواه خود از راه مزید مساعدت و معاونت پیش آمده بکوشند تا خود را از این مشکلات واحتیاجات بفضل الهی و اتحاد و اتفاق عمومی بکشند و بیاد خیر القرون اسلامیه باز مدارج علیای ترقی و تعالی را کسب و خود هارا بمدارج ترقی برسانند قدری بعالم تاریخ توجه کنید در اعصار گذشته شهر بلخ که امروز بصورت یک خاکدان افتاده وشهر هرات و کابل و دیگر حصص افغانستان در اثر جد و جهد وسعی و عمل و علم و عرفان ابنای آن زمان عروس امصار و مرکز مدنیت قیمتداری آنها بود ولی مع الاسف مرور احوال و صعوبت آن بالنسبه از قیات نظر ربای جهان که درین وقت بنظر رشک بسوی افغانستان میدیدند جای اشیاء و اثر هر فرد وطن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 467 of 896

خواه است اگر باز ما و شما زحمت کشی را برای رفعت وطن اختیار و فعالیت و همت را جبهٔ از تقای خود بکار اندازیم و بحبل المتین اتحاد و اتفاق چنگ بزنیم و تمام قوت و قدرت خود را بصورت صحیح برای سعادت خود صرف نمائیم و اساساً بزابر ساده دین مبین رفتار کنیم البته که قانون قدرت تکرار ما و شما را بهمان اوج رفعت میرساند و لطف و مرحمت ایزدی الان که کل شامل حال ما و شما میگردد .

طوریکه من و عموم ما مورین شما در همه شعب مملکتداری مسئول و برای مرفه‌حال و سعادت شما تماماً مشغولیم همچنین هر دهقان و هر مالدار و تمام اهل کسبه و هر فرد ملت نیز بخدمتگذاری این وطن و کوشیدن در راه نیکبختی و ترقی این خاك اسلامی مسئولیت دارند و بر هر کدام شان واجب و لازم است که از هیچ گونه معاونت و خدمت برای این مملکت خود که من حیث المجموع تعلق دارد فروگذاشت هر هر فرد افغانستان را دارد فروگذاشت نکنند و باید بلانهایه کوشش کنند که این خانه شان آباد و دایما صاحبان خانه و دوستان شان را از آبادی و آرایش آن شاد نمایند .

در خاتمه شما وکلای محترم را فعلاً به محافظة حق می سپارم و از خدا وند برای شما راه صحیح و سالم در انجام وظایف محوله تان که الی زمان سعادت تان از طرف وزارت خانه ها او ج آن مکمل و مرتب میشود در سال آتی میخواهم که ببینیم بر وفق این نصائح خیر اندیشانه ام را بملت محبوبم ابلاغ و آن ها را از طرف من بیکی خاطر جمع بدهید .

خاص معروضهٔ وکلای

شوراي ملي بحضور همايوني

در موقع ختام این نطق عالی همایونی که به اجمال آن اشاره شد غلغلهٔ دعاگوئی از تمام حضار بلند گردید و تماماً دعای ترقی و تعالی افغانستان را بحق مجاهدات صادقانهٔ ذات شاهانه و اطاعت و صمیمیت ملت این خطه اسلامیه نمودند و هر واحد شان به ذکر خدمات همدردانه و کار روائی مترقیانه ذات ملوکانه حسب نوبه خودی پرداختند که عمدهٔ مطالب معروضهٔ این ذوات عالیه قرار آتیست .

اعلیحضرتا ! این نصائح پدرانهٔ شما را کاملی کردن و با شدی نموانی ملت عجیبت بر هر جهة آن بفضل الهی ضامن سعادت و ترقی حال و آتی ما بان شده میتواند بگوش دل شنیدیم و متعهدیم که همه آنرا بملت محبوب و فرزندان تان ابلاغ می نمائیم و بحضور مراحم ظهور شما اطمینان میدهیم که ملت افغانستان بر وجود مسعود همچو شما شاه دیانت آگاهی که هر هر ذره افغانستان از ذات و لایت افتخار میکنند و می از وجود مبارک تان را از نعمت های غیر مترقبه دولت الهیه می شمارند و مهبه او امر و هدایات تان که مبنی بخیر و بهبودی ملت و وطن است از صمیم قلب اطاعت و تعمیل آنرا موجب مفخرت خود میدانند .

اعلیحضرتا : خدمات صادقانه شما در طول حیات تان که در دوره های مختلفه برای افغانستان نموده اید ظاهر و باهر است و برای سرسبزی وطن دائماً مانند آب حیات موثر گردیده است خصوصاً مجاهدات سرفروشانه و ایثار های وطن خواهانه حضور والای شما برای احیای شان و شرف و مجد و ترقی افغانستان در موقع حصول استقلال و نجات وطن و باز در انتهای نعمت و تاطیف دار الشورای ملی نزد وطن از قبیل افتخارات بزرگی است که تمام عالم اسلام خصوصاً ملت افغانستان نسلاً بعد نسل با آن افتخار میکنند و در بطون اوراق تاریخ افغانستان بخطوط زرجسته طلائی ثبت میگردد حقوق ملتی را که ذات رعیت پرور اعلیحضرت شما با ملت افغانستان عطا و کرامت فرموده و ما را در تمام مهمات امور مملکتی سهیم و شریك قرار داده اصول نامه شورای ملی ظاهر است و خلوص و عقیدت و محبتی را که ما ملت صداقت طویت بذات ستوده صفات شما و حکومت متبوع خود داریم از محبت و اختلاط و آرامی عمومی و [illegible] معلوم است [illegible] حکومت و اخلاص و صمیمیت ملت را با همدیگر بر دوام داشته اطمینان میدهند که دائماً برای خیر و بهبود وطن کار کنیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 468 of 896

اعلیحضرتا شکریهٔ این حقوق بخشی حضور مراحم ظهورت که ملت ها برون کردن جو برای خون و قربانی دادن جوان های رشید خود آنرا حاصل کرده اندو شما آنرا از روی روا داری و ایثار بر ما عطا کرده اید ، بهیچ زبان ادا کرده نمیتوانم بجز اینکه متفقاً خون خود هارا تحت اوامر شما برای ارتقا و سعادت وطن نثار کنیم .

ملت شما تماماً متیقن هستند که اعلیحضرت شما آرزوئی بجز از دوام شرف و عزت و از تمای مملکت و حصول انواع مسرت و سعادت مملکت ندارد و دائماً امتحان کرده اند که ذات ملت پرور شما در مقابل خیر و آرامی ملت از سر و جان و مال و عیال گذشته اید و کسانی مانند دیگران عقب شخصیت و اندوختن ثروت و جمع آوری عین المال نمیباشید بلکه میخواهید که قلوب ملت را از راه عاطفت و همدردی صید کنید و همواره درد مملکت را دوا مصائب وبلیات را از ملت خود بردارید ازین جهت ملت قدردانی این خدمات عالی العال ذات شاهانه را از دل وجان قدر و تماماً برای امتثال هر گونه اوامر شان به فدا کردن جان و مال خود حاضر بوده از خداوند بی نیاز بعجز و نیاز سلامتی وجود مراحم آمود شما و دوام و دوام سلطنت پراز سعادت شما را تمنا دارند و برای شما و عموم مامورین شان توفیق مزید خدمت و صداقت را خواهان بوده تماماً به هر گونه معاونت و خدمت با شما وحکومت شان از دل وجان حاضر و آرزو دارند که یک آن اولتر افغانستان که خانه عموم ماست آزاد و آباد و ذات اعلیحضرت شما و عموم دوستان خود را از صداقت وخدمت خود دلشاد کنند .

اعلیحضرتا مطمئن باشید که ما درین موقع مفارقت صوری و موقتی خود از حضور شما ، در تنویر افکار عمومی و رسانیدن نصائح ذات شاهانه و گرفتن نظریات و افکار جامعه خواهیم کوشید ولحظهٔ را بجز از فکر خیر و سعادت مملکت نخواهیم گذارانید وبمجرد تکمیل موعد رخصتی خود تکرار بمرکز حاضر و آن لوایح و کارهای را که وزارت خانه های حکومت متبوعه مامورین فرست جمع و ترتیب میکنند تحت نظر غور و دقت گرفته مثل این چند اصول نامه های را که امسال آن را تصویب نمودیم دیده بصحهٔ ذات شاهانه خواهیم رسانید ، اکنون ما هم ذات شاهانه ومملکت محروسه شانرا بخدای بزرگ سپارده مرخص میشویم واز خداوند امید واریم که باز مع الخیر والعافیه بحضور اعلیحضرت همایونی شرف یاب در سال آینده بوظائف محوله خود تکرار مشغول وبکمال جدیت وفعالیت بافکار ونظریات تازه که آنرا در ینمدت از ملت ومملکت اکتساب میکنیم شروع بکار کنیم .

بعد از اختتام این مذاکرات ذات شاهانه با هر واحدی از وکلای محترم مصافحه وسر وروی شان را بوسیدند و وکلا هم بدست بوسی همایونی فائز وهر واحدی منفرداً جذبات خلوص عقیدت شان را بحضور عرض و با اعلیحضرت وداع می نمودند ذات شاهانه هم باهر کدام شان علیحده علیحده تلطف ونوازش کنان او شان را تودیع میفرمودند .

جشن در سفارت شوروی

روز شنبه (۱۵) عقرب بمناسبت چهارد دهمین سال انقلاب اکتوبر در سفارت دولت سوویت مقیم کابل جشن گرفته شده و مامورین کشوری ولشکری مرکزی ما نیز دعوت بودند حفله جشن از ساعت (۱) بعد از ظهر الی دونیم دوام داشته پذیرائی شاهانی بعمل آمد .

خبرهای خارجی

اوضاع انگلستان

۱۱ - اکتوبر - دیروز هندرسن بالائد جارج در « جرث » ملاقات نموده ملاقات مذکور قرار دعوت لائد جارج به عمل آمده ومنتج به مذاکرات کامل وصمیمانه عائد به وضعیت عمومی گردیده است . لائد جارج در بارهٔ حوادثی که سبب استعفای حکومت کارگر شد طلب معلومات نموده . در اثر مذاکره خود شان غالباً لائد جارج و احرار وسوسیالیست ها برای مدافعه از تعرفه باهم بیشتر متفق خواهند گردید . لائد جارج ازین انکار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 469 of 896

میکند که صندوق مجادله او قفل شده باشد ومیگوید برای نماینده گی نمودن کاندید های حزب احرار بدون محافظه کار از تجارت آزاد اعانات می رسد .

۱۲ — اکتوبر — با رسیدن روز نامزدی کاندید ها ، پارتی هائیکه طرفدار حکومت اند جداً سعی دارند بر خلاف آن نفری حزب کارگر که از مجادله مثلث استفاده نموده ، در انتخاب گذشته ۱۱۸ کرسی را با وجود اقلیت گرفتند ، مجادله مستقیم نمایند .

در اثر احتیاج بالدوین برای اتحاد در آخر هفته کاندید های خیلی مهم احرار ومحافظه کار دست کشیده اند . وحالا می توان گفت که با جمعیت ملی میکدونالد که عده شان به ۲۰ میرسد (وملیون احرار شرجان سائمن که تقریباً می نفر می شوند) از طرف محافظه کاران هیچ مخالفتی نموده نخواهد شد . مگر با احرار طرفدار تجارت آزاد ، حتی در وقتیکه حکومت طرفدار هم باشند . محافظه کاران مخالفت شدیدی دارند ، با وجود اجماع بالدوین میل ندارند به طرفداری آنها از کار دست بکشند . محافظه کاران داوون انکار نموده اند از اینکه کاندید خود را که مخالف هر برت صموئیل است باز بگیرند . تقریباً ۱۲ صد کاندید ها برخلاف ۱۷۲۹ نفر که در انتخاب گذشته بودند ، درمیدان می باشند . واز هشت پارتی ، یعنی ، محافظه کار ، احرار کارگران ملی ، احرار مستقل (صموئیل) احرار ملی (سائمن) ، احرار لائد جارج پارتی جدید (موسلی) کمونیست ها نماینده گی میکنند .

میکدونالد امروز بطرف سی هام میرود ودر آنجا دخترش (ازابل میکدونالد) دلیرانه برای انتخاب او مجادله میکند در اثر مخالفت شدید حزب کارگر در مسئله جزئیات وتقلیل معاشات ، این انتخاب مشکل ترین وپر افتراض ترین انتخابات خواهد بود .

غالباً اکثر کاندید های حکومت در ایالات غربیتر کسی گوش نخواهد داد وپولیس ها جهت حفظ نظام کار های خود را معطل مانده اند .

۱٤ — اکتوبر — پیغام لندن بیان میدارد که ، رسماً بیان نموده شده است که حزب کارگر کاندید های پیدا نموده است که با تمام طرفداران حکومت ملی مجادله کنند .

حزب کارگر خود را طرفدار کارگر ملی گفته به حد اصغر ۵۰۰ نفر کاندید را اما لکند .

لائد جارج ، در عین اعلامیه خود مشورت میدهد که باید به ترجیع سوسیالیست های طرفدار تجارت آزاد به طرفداران تعرفه رای داده شود وشکایت می کند که در حالیکه اتفاق لازم است ، ملت به مجادلات فرقی گرفتار آمده است . ونیز اعلامیه ملا کوره بر انتخاب کننده گان حکم میکند که بر خلاف اقدام محافظه کاران کهمی خواهند وطن را که مردم وضع معمول کنند مجادله نمایند .

۱۶ — اکتوبر — قرار علامات آخرین چنان معلوم می شود که ۶۹۰ کاندید ، که دران ۱۲۰ کارگر ، ٤۶۰ محافظه کار (۱۱۰) احرار شامل اند ، قبل از اثباتت ورقه نامزدی های آخرین بدون مخالفت منظور خواهند شد ، اشخاصیکه درین جمله شامل اند عبارت از ، بالدوین ، کپطان فس ، سر تو ماس ، انس کپس ، می باشند .

در ۲۶۰ محل انتخاب ، درپلی محافظه کاران واحرار مجادله مستقیم داخون است وامید میرود کارگران ملی ۱٤۰ مجادله مستقیم داشته باشند ، ٤۸ کاندید زنانه نیز درمیدان وجود دارد .

تا مزدی های مربوط به انتخاب عمومی ختم شده است ، (۶٤۰) نفر اعضای بدون مخالفت منظور شده اند که از آن جمله ٤۶۰ نفر ، محافظه کار ، ۱۲۰ نفر کارگر ملی ، و ۶۰ نفر کارگر می باشند .

۱۸ اکتوبر — هندرسن در یك نطق خود در (اکرنگ تن) گفت حمله ستودن بر خلاف قوه حزب کارگر ، بر مکتوبی که به تمام کاندید های ملی نوشته بوده ، بر ضد انصاف است . وگفت علت

آن اینست که ستودن می خواهد و عزم دارد پول خزینه را قطع کند . بنابران هندرسن و دیگران ثمره موفقی را کمتر منتظر میباشند . هیچ یک از امضاء کنندگان اعلامیه حزب کارگر تفرقه را تجویز ننموده اند .

حالا که تهیات تکمیل شده وکاندیدها جداً مصروف مجادله گردیده اند مجادله انتخابی بحال معراج خود رسیده است علاقه خصوصی که بوضعیت آینده لائد جارج نشان داده می شد در اثر یک راپورت جدیدی که شایع شده است و اشعار میدارد که بعوض آنکه مخلص باندازهٔ برسد که بتواند بکار عمل شروع کند ، بطرف سوسیالیست ها میرود دو بالا شده است . راپورت مذکور اشعار میدارد که در اثر کنفرانس با هندرسن لائد جارج حاضر است که از قیادت حزب احرار استعفا [illegible] و سوسیالیست ها یک اتحاد تشکیل نماید .

۱۹ اکتوبر — در وقت میتنگ شب یک شنبه سر اوسوالد موسلی و عائله شخصی او که دران جلسه ، کدلیوس مشت زن نیز شامل بود ، با یک دسته مردم در بازار (ربک) که مرکب از پانزده هزار نفر بودند آزادانه بمناقشه شروع نمود انتظام مجادله انتخابی را بر هم زد . مجادله زمانی رو نمود که مردم از شنیدن الات بلند کننده صوت (لود سپیکر) ها بی طاقت شدند و جلسه بزودی بیک همهمه تبدیل یافت . موسلی و طرفداران او از مرتبه [illegible] بین مردم [illegible] حل [illegible] و جنگ دست و گریبان شروع گردید بوتل ها و چوکی ها را آزادانه بر سر هم می گرفتند . وعدهٔ از طرفداران موسلی ، که (کدلیوس) نیز دران شامل بود زخم های خفیف بر داشتند .

لائد جارج در عین یک ملاقات از موافقه خفیه با سوسیالیست ها انکار نموده ، گفت حتی راجع به عمل انتخاب من نیز مسئله وجود ندارد .

هند وانگلستان

۱۳ اکتوبر — بامید انعقاد جلسهٔ روز سه شنبه کمیتهٔ کوچک تعمیر اتحادی نماینده گی حیدرآباد در صبح روز دوشنبه تقسیم نموده بود مذاکره نمودند .

هندرسن گاندی را در دعوتی که از طرف حزب کارگر بعمل داده شده بود خوش آمدید گفته اظهار امید نموده ، که نماینده گان متعدده کنفرانس میز مدور بعد از انتخابات مصروف کار گردیده کنفرانس را بصورت اطمینان بخش خاتمه خواهند داد . گاندی گفت اگر ما ملیون ها حیات را برای آزادی خود قربان کنیم ، چندان اهمیتی ندارد ، مگر امید وارم که کانگرس مجادله خود را دوام رفته بدون تشدد و باراستکاری به پیش برد . پس چه یک حیات و چه یک ملیون حیات را در مقابل آن بدهیم . من امید وارم و دعا میکنم که ، برای مشرقین آینده ممکن باشد بگویند که هندوستان [illegible] آزادی خود مجادله نموده ، و بدون ریختن خون انسانی آنرا بدست آورد .

۱۴ — اکتوبر — برای مرتبه اول نماینده گان هندو در شب گذشته جلسهٔ نمودند ، تا راجع بتجویزات محدود ، جهت فیصله مسایل فرقی ، مربوط بکار کمیتهٔ کوچک اقلیت های کنفرانس میز مدور غور و تدقیق کنند . در جمله اشخاصی که حاضر بودند گاندی ، مالویه ، شاستری ، مونجی ، سردار آجل سنگ شمول داشتند . [illegible] نیز در اثر خواهش مخصوص ، بنابرانکه این جلسه برای غور در اطراف مسائل فرقی بود حضور بهم رسانید مگر بهیچ صورت اظهار عقیده ننمود . از وضعیت مذاکرات دانسته شده است که ، جلسه مذکور بجز از اینکه بعض از نماینده گان بر خلاف اکثریتی که به مسلمانان ها در پنجاب و بنگال داده شود ، اظهار مخالفت نمودند در مسائل دیگر به فیصله آخرین نرسید و مسئله نصاف نیز بحث نمودند مگر به فیصله نرسیدند . اشاره نموده شد که با نماینده گان مسلمین بزودی تماس شخص قائم شود ، تا آنکه مذاکرات را تجدید نمایند . [illegible] عمومی کاملاً طرفدار این پیشنهاد بود . نماینده گان حکومت هند بی شام گذشته یک جلسه طولانی نمودند ، تا راپورت کمیتهٔ کوچک تعمیر اتحادی غور نمایند .

۱۵ اکتوبر — مربوط به کنفرانس میز مدور [illegible] مذاکرات فرقی [illegible] عمومی [illegible] شده است . دیروز [illegible] گاندی [illegible] های دیگر هندو مذاکرات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 471 of 896

خصوصی واقع شد مگر هیچ کس تحریك مهتی ننمود. دانسته شده است که دو نوبه از گاندی خواهش نموده است از مسلمان ها معلومات کند که آیا انصاف سه نفر اشخاص عمومی را قبول می کنند یا نه تحقیقات آخرین نشان میدهد که وضعیت مسلمان ها تبدیل نشده است، و از انصاف نفری خارجی انکار دارند. دانسته شده که گاندی در شام با نماینده های مهم مسلمان ملاقات طولی نموده.

گاندی به صورت خصوصی با قائدین هند و ملاقات نموده، راجع به بهترین طریقهٔ که با آن به فیصله رسیده شوانند گفتگو نموده است. دانسته شده است که گاندی هرروز چند نماینده گی را ملاقات نموده راجع با انصاف و مسائل دیگر تبادل نظریات خواهد نمود غالباً گاندی تعاون شهزاده آغاخان هندی را خواهد خواست و ایشان نیز میل دارند امداد کنند.

۱۷ اکتوبر — گاندی نماینده گان مسلمان را در هوتل (ریتس) ملاقات نمود. دانسته شده است که مسئله انصاف را با تمام طرفهای آن تحت بحث گرفتند مگر بصورت دقیق اظهار عقیده ننموده شد. در بعد نماینده گان مسلمان جلسهٔ نموده وضعیت سابقه خود را بقا به فیصلات خود و طرفداری از دعاوی اقلیت های دیگر تاکید نمودند. روز دو شنبه گاندی با مسلمان ها را ملاقات خواهد نمود.

۱۸ اکتوبر — گاندی مقابل صدها و مفکورات کانگرس را به معلمین و تلامید دار الفنون (ناتنگهام) تفصیل داده گفت، مردم هند عزم دارند و نیز صورت امکان آن همین است که استقلال بوسیله تحمل مشقات و عدم تشدد تحصیل شود. و از نسل جوان (ناتنگهام) اقتضا نمود که، تصور نکنند و این عادت که هنود و مسلمین در لندن به موافقتی رسیده نمیتوانند. مردم هند بی اتفاق باشند و یا سبب اینکه در بعضی مقامات اختلافات واقع میشود باهم متحد نباشند.

مگر بیاد داشته باشید که هندوها و مسلمان ها در هفت صد هزار دهات وقرا مأمونانه و مسالمانه باهم همراه حیات دارند.

۱۹ — اکتوبر — از گاندی در یك جلسه در مرکز (دود بروك برمنگهام) که در آن مجموعه حاضر داشتند سوال های زیادی نمودند، گاندی حکومت هند را ملامت کرد که در هندوستان یك پالیسی را برخلاف دیگر تحریك می نماید وموافقهٔ هند و مسلمان و سکه را یك کار مشکل میسازد و بیان نمود:

که نماینده گان منتخبهٔ کنفرانس میز مدور، به جهت اینکه از طرف حکومت برطانیا تعیین شده اند نمی توانستند اختلافاتی را که درمیان فرق وجود دارد فیصله نمایند. علاوتاً مسائلی که ما داریم که خود ما مسئله را تصفیه کنیم به اقلیت ها امید میدهد که در صورتیکه بتوانند کانفرانس را ناکام بسازند. و اگر برطانیا اعلان کند که از هند دست بردار میشود، فرق مختلفه بزودی به موافقت خواهند رسید. و گفت تا زمانیکه عوام برطانیا بر حکومت فشار وارد نکنند از کنفرانس میز مدور نتیجهٔ بدست نخواهد آمد. و در مابعد گفت من هیچ امید ندارم با آغاخان و مسلمین موافقتی حاصل نموده بتوانم و گفت کانگرس آماده است مسئولیات حکومت هند را بگیرد و حکومت برطانیا باید مملکت را بدست کانگرس بدهد و بگذارد که کانگرس با اقلیت ها فیصله کند. راجع به گرسنه گی ملیون ها نفر در هند مخالفت نموده گفت، اگر من فرصت بیابم شهزاده آغاخان هندی را از آفتاب های مقصود شان محروم میسازم.

۲۰ اکتوبر —

پیغام آخرین لندن بیان میدارد که گاندی شام دیروز اجل سنگ را ملاقات نموده، و پیشنهاد خود را تکرار نموده، که من فیصله پنجاب را تا زمانیکه سکه ها آنرا قبول نکنند منظور نخواهم نمود. و گفت یقیناً من سکه ها را تحریر خواهم نمود بوجود آنکه بدانم سکه ها نمی خواهند به هیچ یك فرقه در پنجاب اکثریت تفویض بدهند و اصلا قبول نمایند. مسئله تجدید تقسیم پنجاب نیز روی کار آمد و اجل سنگ تفصیل نموده که

چرا سکه ها نقشهٔ (کارات) را قبول ندارند گاندی گفت من قوهٔ مجادله سکه ها را تقدیم میکنم و گفت هیچ یک نقشهٔ من نخواهم داد که برای سکه ها و مسلمانان ها قابل قبول نباشد .

نمایندگان مسلمانان در هوتل (ویدس) برای سه ساعت ملاقات نموده ، راجع به وضعیت موجوده مذاکرات با گاندی تجدید نظر می کنند .

واضح شده است که مسلمانان راجع به امور بیان گاندی فیصله نموده اند که اگر گاندی به دعوی مهم ایشان که دران جمله مسئله اکثریت شان در پنجاب وبنگال ومسائل دیگر مانند انتخاب مخلوط وجداگانه واکثریت موجوده درمقامات دیگر شامل است و تسلیم کند ایشان نیز پروگرام کانگرس را قبول خواهند نمود . ونیز فیصله نموده اند که تا زمانیکه کیفیت فضاآت گاندی بصورت معینه نشود . ایشان راجع به آن غور نخواهند نموده . ونیز شوکت علی وعزتوی اظهار داشته اند که جهت فیصلهٔ شرافانه صرف مساعی زیاد از طرف مسلمان ها نموده شده است ، مگر بنا برانیکه گاندی در هیچ نقطه به فیصلهٔ آخرین رسیده نه می تواند هیچ یک موفقی حاصل نشده است .

موصوف بیان نموده که فیصله به وسیله موافقت ممکن نیست . مگر در صورتیکه اقتضاآت مسلمین تسکین شود .

وبیگانه تبدیلی که واقع گردد عبارت از وجود یک محکمه انصاف خواهد بود .

— ٢٣ اکتوبر —

نامه نگار سیاسی (دیلی هرالد) در یک مقاله پر هیجان خود که بآن اهمیت داده می شود ، بیان میدارد که ، یکی از کار های اولین حکومت ملی خاتمه دادن به کنفرانس نیز مدور خواهد بود . نامه نگار مذکور بیان میدارد که ، گاندی به صدر اعظم مکتوبی نوشته راجع به وضعیت حکومت که مقدار مسئولیتی که به حکومت اتحادی داده می شود ، نیز شرائط دارای حفظ ، تقدم نمیتواند هندوستان را از موقعش بلند تر برد ، در آخر گاندی از ناکامی کنفرانس اندازهٔ طمانیتی نموده است که خواهش نموده است (آروِن) (سابق وایسرای هند) را ملاقات نماید .

هور وزیر هند راجع به بیانات فوق « دیلی هرالد » انکار صریح و اصولی نموده ، میگوید که کنفرانس دوام خواهد نمود وتا اندازهٔ که حکومت فکر میکند تا جائیکه کار موجود باشد ، میتوانند کاملاً کار کنند . ونیز از طرف کنفرانس نیز مدور رسماً بیانات نموده شده است که صدر اعظم راجع به بیانیه (دیلی هرالد) گفت که این اقدام بدی است که (دیلی هرالد) جهت برهم زدن کنفرانس می کند ، وگفت این مسئله کاملاً غلط است .

نطق اختتامیه

وزیر صاحب معارف

در روز آخیر جشن نجات

پیوسته بگذشته :

مثل مشهور است که کور از خدا چه میخواهد جز دو چشم روشن پس گوئیم افغانستان چه ضرورت داشت جز همچه این یک قائد ، افغانستان دیگر چه می خواست جز همچه این یک رئیس .

برادران عزیز من ! ملت افغانستان دیناً واخلاقاً بایستی لابد مرهون این شاه بزرگوار باشند و ترقیخواه خود شان باشد چه حضور شاهانه شان نه تنها در خلاصی مملکت از دست دزدان فداکاری و جان نثاری نموده بلکه تاسیس اول مجمع یک مملکت اسلامی و تهیه وسایل ترقی و اعتلای آن را نیز بفضل و مرحمت سبحانی تأمین نموده و تأمین نموده میرود چنانچه ملت را با حکومت و حکومت را با ملت یکجا کرده اساس امور مملکت را بمشوره ملت گذاشت و ملت را حق داد تا در امور مهمه مملکت با مامورین سهیم و شریک بوده متحداً وسایل خیر و بهبود وطن را فراهم آرند زنده باد پادشاه ملت پرور افغانستان .

پس ای هموطنان عزیز امروز که خدای متعال این سعادت را بما عطا کرده و وطن عزیز ما را بتوسط این شاه بهی خواه دین پرور از ورطه تباهی و هلاک

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 473 of 896

رهانیده است باعث محافظه و ادامهٔ این سعادت و مسرت را تصمیم کرده از تجربهٔ دیروزی که هر چه داشتیم و همه را از دست دادیم عبرت گیریم و این نمی شود مگر اینکه افکار و آمال این پادشاه محبوب القلوب خیر خواه حقیقی و برادران فدا کار شان را سر مشق اجرا آت یومیه خود مان قرار داده یک اتحاد و اتفاق صحیحه را در این راه عامل گردیم چونکه اتفـاق است و هنر مایهٔ آبادی قـوم اختلاف است وجهالت همه اصل خسران .

آری اگر در ملت اساس اتفاق صحیحهٔ گذارده می شود آن ملت بدورهٔ اعلای ترقی صعود می کند چه وقتاً که در ملت اتحاد و اتفاق صحیحهٔ فکری پیدا میشود افکار و نظریات مضرهٔ مغرضانهٔ یك چند اشخاص مخصوص که محض افساد در هر جا موجود می باشد از میان رفته تمام افکار عمومیه برای تامین امنیت و تهیهٔ وسائل تمدن و رفاه مبذول می گردد .

اسلام پیروان خود را در موارد متعدده باتفاق و اتحاد توصیه و احکام فرموده است چه مزیت بزرگ اتفاق صحیحه همانا موجب اصلاح اخلاقیات عمومیه می گردد دروغ گوئی ، غیبت ، منافقت ، رشوه ستانی ، ظلم و تعدی از میان رفته علم و عرفان ، تعلیم و تربیه جای آنرا گرفته زمینهٔ ترقیات دینیه و دنیویهٔ ملت را حاضر و آماده می سازد .

پس اینست وقتاً که خدای متعال همچه یك پادشاهی بما عطا کرده که جز ترویج اخلاق صحیحه و اتفاق طبقات متنوعه ملت به شاه راه مستقیم اسلامی آرزوی ندارد و برادران غازی و وطن خواه دین دار شان که شب و روز در همین راه قدم می زنند در تمام اوقات و در تمام دورهای خدمات خود شان یك حس فدا کاری و اسلامیت خواهی بروز داده اند امروز خوش بختانه رهنمای ما ملت اند لازم است از خورد وکلان ، پیر و جوان ؛ عالم و امی همه با یك دل و یك زبان در ارتقا و اعتلای مملکت عزیز پس ماندهٔ خویش بکوشیم و در حالی که خویش را یك ملت مسلمان و مملکت خود را مملکت اسلامی می خواهیم نگذاریم (لا سمع الله) مورد خنده و تمسخر اجانب گردد بزرگان جوانان را محبت و جوانان بزرگان را احترام و مکرمت نمایند اطفال خویش را که آینده افغانستان اولاً بمرحمت خدا وندی و باز در عالم اسباب با آنها منوط است و همین اطفال امروز اند که مرد فردا می شوند تحت تعلیم و تربیهٔ صحیحه گرفته محافظهٔ صحت روحی و جسمی آنها را رعایت کنیم یعنی از یکطرف اطفال خود را از بله گردی باز داشته تعلیم و تدریس وا داریم از طرف دیگر پرورش ها و عملیاتیکه مفید صحت و تقویهٔ بدن می گردد توصیه و سرتابیم چه دماغ صحیح در جسم صحیح میباشد بانطور مشود گفت شکریهٔ این موهبت بزرگ خداوند ذالمنن وخدمتگذاری وفدا کاری این پادشاه باغیرت ترقی خواه حقیقیه وطن خویش را ادا کرده خواهیم بود :

باقی دست تضرع بدر گاه حضرت واهب العطیات برداشته دعا میکنیم که الهی پس از اینکه بلطف عمیم خود برما ملت بیچاره بذل مرحمت نموده همچه یك پادشاه دین پرور ترقی پسند صحیح الفکر را عطا فرموده فغانستان را از مخمصهٔ تباهی نجات داده از ما مگیر و عمر دراز و صحت کامله اش ببخشا ! الهی برادران باعظمت وشان این پادشاه مارا که اوشان نیز در راه نجات وطن حیات خود شان را بقربانگاه امتحان گذاشته از ازل وال زحمتی را در عزم و ثبات خویش راه نداده اند دنیا نام نیك و با افتخار دار ! الهی ملت افغانستان را بآن یك اتحاد واتفاقیکه منظور بار گاه ایزدی تو وسبب تأمین ترقیات دینی و دنیوی شان است رهنموئی کن ! الهی ارواح پاك ذواتی را که در این راه نجات وطن بدرود حیات گفته اند غریق لجهٔ رحمت بیکران خویش گردان آمین (زنده باد شاه) (زنده باد قوم)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 474 of 896

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داری شناسائی و خواندن سوانح یک پادشاه محبوب افغانستان ، یقین از نشریات گذشته ما و همقطاران ، تا حدی با همیت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدینخان کشککی بوده و در صدد خواهند بود که یک نسخه آن را زیب کتابخانه خود قرار بدهند .

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف باز نوشتن این چند سطر یادآوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع مناسب و تعداد (۶۱۱) صفحه و (۴۹) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی بقیمت اسعار نازل بفروش میرسد .

در داخله	:	مرکز	۵ افغانی
«	:	ولایات باضافه محصول پست	۷ «
خارج	:	با محصول پست	۳ کلدار

محل فروش

در داخله : مرکز و ولایات طالبین به محو، دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجارت افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

عرض : هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هرچه بیشتر جواب شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 475 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 476 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

﴿قیمت اشتراک﴾

در افغانستان	۱۳ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ "
طلبهٔ معارف	۷ "
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 478 of 896

(شماره ۳۲)

(مجلده ۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارک
مؤسس وصاحب امتیاز : محیی الدین
مدیر ونگارنده :

۲ شنبه ۲۴ عقرب ۱۳۱۰ تأسیس ۱۳۰۶ ۵ رجب المرجب ۱۳۵۰

وکلا از تفریح هم باید استفاده کنند

انسان ها تا منفرداً زنده گانی داشته واز حد وحدود معین حیات انفرادی پا بدایره اجتماعی نگذارده اند گویا راحت تر و آسوده تر میزیسته اند چه هنگامیکه حواس وافکار آنها از اداره امور نفسی وشخصی بنقاط دیگر وجاهای دور تری تجاوز وانعطاف پیدا کرده بکمال وظایف وتکمیل علایق تا دوری خود ودرپیشگاه نظر خود ها وجهت داده شده میباشند که باستی درانجام واجرای آن ها خود شانرا مکلف بشناسند.

این تکالیف وباصراحات اگر چه دراثر نشو بر افکار افراد واحساس احتیاجات مدنی بوده وباین خلاف این هر دو در تحت یک نوع تأثیر روشنائی های مروت وانکشاف تهانی های بین الاقوام باشد، درهر صورت می باید انسان در مقابل موقفیت های موجوده اهمیت‌های آینده را که غرض از سعادت وطن وخدمت بجامعه گفته شود مدنظر گرفته وجداً برای تحمل هر گونه مشقات آماده گردند.

وکلای شورای ملی یک مملکت از آن افراد ملت بحساب میروند که از حیات انفرادی درگذشته وبعوالم اجتماعی شمولیت یافته اند از ین رو گفته میتوانیم اسلوب زنده گانی یکنفر وکیل وبال وافکار آن باید از سایر افراد ملت یکلی متفاوت وحیثیات شخصی وشهوات نفسی را در برابر آمال مقدس ملی اجتماعی فدا کرده حتی حیات خویش را موقوف خدمت جامعه بدانند.

شرافت وظایف وکالت وامید واری یکتوده که زمام اختیار صغار وکبار خود را به اقتدار یکنفر وکیل وخوب وزشت آینده شانرا از رفتار وکردار او انتظار می برند همین مسایل را ایجاب میکند که یکنفر وکیل بتمام مدارج وطنخواه وملت دوست ، فداکار فعال صداقت کیش وحق پرست بوده زحماتی مصروف گردد، که راحت موکلین در آن متصور باشد.

وکلای محترم شورای ملی ما اگر چه اکثراً بان صفات متصف بوده وحدت اهمیت وظایف خویش را دریافته اند بازهم خالی از فایده نخواهد بود اگر دراطراف بعضی مسایل بطور یاد آوری تذکراتی بشود.

چه این طور موقع کمتر بدست می آید که پادشاه وقت خودش بشخصه مانند یک وکیل حقیقی حقوق ملیت را بدون شدت خواهش وکلا ملت خود عطا کرده وهر جنبه موقع نما بدهند، باید یک فقط را ذات بکمی شمرد!

دراین مدتی که شورای ملی دایر بوده بسی ممنونیت داریم که قوانین مرتب مملکتی از دستگاه باحشمت دار الشورا بیرون آمده وتحت الطبع است که عنقریب بمعرض استفاده عامه گذشته خواهد شد واز عرصه ده دوازده روز است وکلای محترم از حضور همایونی شرف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 480 of 896

رخصت حاصل کرده اند که تقریباً این چهار پنج ماه اخیر سال را بین اقوام و خانمان خود شان بسر برند ، بجاست که باید پیشنهاد کنیم احتیاجمون از تفریح هم باینش استفاده کنند آسوده گی وکلا هم باید در کار و زحمت باشد .

وکلاء محترم اگر دقیق شوند برای هر مامور و مستخدمی در یکسال یکماهه تفریح کافی شناخته شده و بلکه خود شان در موضوع قانون رخصتی باحاضری این موضوع را تحت بحث گرفته خواهند بود . و این تفریح پنج ماه و شش ماه را که حضور شاهانه بنسبت شورا بتصویب خود شان را گذاشته ومنظوری داده اند کال همراهی یك پادشاه را بوکلا ثابت میکند چه در طرف ۳ چهار ماه که ایام ایاب و ذهاب هم ازان استثنا شود هر فرد وکیل میتواند یکعالم تجربیات و ذخیره های فکری از اثر تعاطی افکار و تبادل خیالات با اقوام خود گرد آورده و در معاودت بیکار برد .

وکلا از پیش آهنگان اقوام شمرده می شوند آمیزش و اختلاط آنها با اقوام در هر چند وقتی واجد یك نوع افکار نوین و خیالات تازه تری است همین طور که از مرکز باخود از اثرات اجرا آت خود ها تحفه های قابل تمجید و مژده های مفیدی میبرند ، یقین در باز گشت هم یاد داشت های مهم و موضوعات نا قمتری از تجربیات آوان مسافرت با خود ها خواهند آورد که برای سال آینده طرح و مذاکره آن در مجلس شورای ملی مستلزم تامین سعادت وطن و ارتقای جامعه باشد .

امید وارم که این مسافرت وکلای محترم ما محض خوشگذرانی مصروف نشده از هر جهت محل استفاده ما مه واقع شود .

شمولیت آنها در بین اقوام ذرایع توصل رشته های اتحاد و اتفاق و مراجعت او شان بدار لشورا اسباب ترقی اقوام و سر بلندی خود آنها گردد .

برای یگانگی شرق

آراء و افکار وزیر مختار

(افغانستان در مصر)

جناب سید محمد صادق المجددی وزیر محترم مختار افغانستان در مصر که یکی از رجال خبیر و مطلع افغانستان بوده وسالها در سیاحت بین الملل ورزیدگی دارد ، اخیراً در موضوع مهم وحدت و یگانگی بلاد وممالك شرق آراء و افکار خود را اظهار داشته و در مصاحبهٔ که بین یك نفر از مهمین نویسندگان مصری و معظم له بعمل آمده است ، فورمول سیاسی خویش را برای ایجاد یك روح وحدت و یگانگی در ممالك شرق بیان کرده و نظریات سیاسی خود را در موضوع فوق الذکر بیان نموده اند .

وزیر معظم افغانستان را در خصوص تشکیل یك مجمع شرق و حل مشکلات امور شرقیها عقیده ، است که ذیلا از نظر خوانندگان محترم گذشته ومی توانند از مطالعه نظریات ایشان مقررات ممالك شرقی را از حیث وحدت نژاد وقوم و حفظ کیان قومیت ومبادی ملیت و تشخیص مصالح ومنافع خویش ممتاز ومعلوم دارند .

وزیر معظم افغانستان اظهار داشتند ، من معتقد نیستم که ممالك شرقی واقطاع شرقی ببلوغ مرتبه اتحاد و سر حد استحقاق وحدت و یگانگی نائل گردند الا اینکه پیروی از احکام خدا و مقررات قرآن نموده ، و آنچه در کتاب کریم ذکر گشته است مورد اجری ومتبع قرار دهند در این صورت شرقی و نژاد عرب استحقاق درك سعادت یگانگی و وحدت را دارد ؛ اگر ملل و نفرات اقوام شرق در مقابل تشکیلات دینی و سیاسی ملل و نفرات اقوام غربی ، هر آنچه را که پیغمبر آسمانی ایشان گفته ، هدف زندگی خود قرار داده و رو بجانب انجام احکام خدائی که با منطق پیغمبر عربی آنها وارد شده است نیایند قطعا مدارج تکامل و ترقی حقیقی را پیموده و خود را برای زندگی و حیات باپهترین سلاح مجهز و با کاملترین مهمات تقویت نخشوده اند .

اگر شرقیها بالعموم وملل عرب نژاد بالخصوص چون اسلاف صالح خویش پیروی از اسلام واقعی و خالص نموده و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 481 of 896

حقیقت مذهب خود را عریان وساده در معرض انظار دنیا گذارده و اسلام را چنانچه از آسمان آمد در معرض افکار وقلوب مردم قرار دهند صرف نظر از اینکه براثر نفوذ حقیقت خود را چه مقام شامخ وکامل از حیث شئون و احترام خواهند گفت . قهراً از جمیع شرور ومقاصد مصون بوده واز علل و بوالعجبی که اقوام وملل را بسوی انقراض سوق داده ومخالب هلاکت بدبختی میراند نجات حاصل خواهند کرد

چه پیروی وتبعیت از احکام اسلام و اجرای اصول ومبادی دیانت خدائی شرق را مجبور می سازد بوطن ومملکت خود خدمت کرده وبرای آبادی وعمران شرق واستقرار مدنیت معنوی آن کوشش کرده وفدا کاری کند .

در نظر من حفظ آداب وسنن نگاهداری شئون وشعائر بهترین وبالا ترین وسیلهٔ برای ابقاء آتش قومیت بوده ومهمترین محرکی برای تقویت وتحریک احساسات وطنیت وملیت است علت مبقیه شعور ملی واحساس وطنی وعامل باقیه حب موطن وتعلق بمحیط زنده گانی بعقیده من یک چیز است و آن الزام افراد و آحاد هر قوم وملتی باجرای تقالید و آداب جاریه آنها بوده وناگزیر ساختن نفرات هر عائله بشری برای تأدب بآداب ورسوم اجتماعی خویش است . پابندی بحفظ شعائر ملی وتقید باجرای مراسم قومی برای همیشه شعله های سوزان عشق وطنیت را در کانون قلوب افراد مشتعل ساخته و آتش قومی و بر از لهیب مملکت دوستی وجانب داری را در میدان دماغ های مردم هر سرزمینی شعله ورو فروزان می سازد .

آنانکه به تقلید آثار اجانب پرداخته ودر این راه افراط نموده وتصور کرده اند براثر رها کردن آثار قومی خود واقتباس رسوم و آئین دیگران سیر طریق تمدن مینمایند ، دچار خطاء فاحش واشتباه کامل گشته اند ، زیرا یک خسارت وضرر کامل بآداب ورسوم اصل خود وارد ساخته واز آن تقالید ورسوم تازه هم چیزی درک نکرده ونتوانسته اند انتفاعی کسب کنند اجرای رسوم و آداب اجانب وبیگانگان برای یک قومی که خودش دارای آثار وشعائر و آداب ورسوم مشخصه میباشد عیناً شبیه این است که امریکائی متمدن دست از تمدن خود کشیده وبرود بدنبال اسکیموئیکه درست برای اساس تمدن وعمرانش مهم ترین لطمات را وارد کرده ومبانی مدنیتش را ویران سازد .

مادامیکه اسلام دیانت رسمی ممالک شرقی اولا و اقطاع شرقی ثانیاً میباشد ممالک وبلاد شرقی دارای یکسلسله متصله ویک مدنیت اسلامیه هستند که پیوسته وآنها را هم مربوط ونزدیک ومتحد ساخته و مصالح ومقدرات آنها را روی هم قرار میدهد . وبنابر این در این صورت سهل ترین کار ها برای ابناء شرق وسران این بلاد ، تعاون وکمک کاری نسبت بیکدیگر بوده وحق آن است که همگان چون شالوده های یک عمارت بزرگ و استوار باشند که برای پایداری عمارت میبایست ، یکدیگر را معاونت وهمراهی نمایند . اگر حقیقت مشرقیها یکدیگر را معاونت کرده واز اصول ومبادی دیانت خود تبعیت کنیم فی ذلک مبادی دیانت مابزرگترین موصل است که ملل واقوام شرق را با هم متحد ساخته و آنان را بسعادت و ابدیت میکشاند .

آنچه مستحق تذکر است ملل شرق میبایست پیوسته دارای عقل و بواعث مرتبه بوده وسعی کنند وتا براثر رفت آمد های رسمی وغیر رسمی هر گونه حس تفاوت وتنافری را گشته ویک روح صمیمی ویک رنگی را بین خود حاکم سازند . شرقیها ومسلمین امروز یک وظیفه مقدس وعمومی دارند که میبایست باتمام قوی بشری اجرای آنرا کوشش وفدا کاری نمایند ـ آن وظیفه مقدس اصلاح شئون خود و همسایگان ایشان میباشد .

اگر واقعاً ابناء شرق شروع بعمل نموده و ائمة دانشی ومذهبی خود را حفظ کیان ملیت خود قرار داده واجد یک روح و حدت و یگانگی گردند . بلاشک مراد یک مبانی و اصولی گشته اند که ما در جمیع قوای مادی و معنوی ایشان بوده و رستگاری کامل را برای آنها تأمین خواهد کرد .

(از مطبوعات عرب)

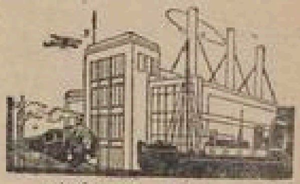

خبرهای فنون و اختراع

سینما ناطق

تمام کوشش و جهد کامل رجال سینما روی این موضوع قرار گرفته که سینمای ناطق و فیلم گویا را تا آخرین نقطه امکان متقن و نیکو گردانند.

مهمترین مشاکل و معضل این قضیه مسئله صوت و نطق فیلم ها میباشد. چه تا کنون نتوانسته اند صداهای اکتر ها و بازی کنندگان سینما را کاملاً طبیعی ساخته و از حنجره اولیه تحویل بینده و شنونده دهند. اگر اشخاصی که با صدای بازی کنندگان آشنائی دارند و اتفاقاً متوجه جریان فیلم باشند و فقط با صفای بیانات فیلم سینما بر داز بد خواهی نخواهی اعتراف میکنند، که کوشش ها و مجاهدت رجال فن تا کنون؟ منتهی بیك نقطه مثبت نشده و نتوانسته اند صدای اصلی را تحویل شنونده دهند شما نمیتوانید اعتراف کنید که این صدای مسموع عنان عنان صوتی است که از حنجره ستاره سینما بیرون می آید و از اینرو سینمای ناطق تا کنون تمام نشده و ناقص است. در یکی از مجلات امریکا این خبر انتشار یافته که یکی از رجال فن موفق شده تا آلتی را اختراع کند که از تماشات صوت بازی کننده را تصفیه کرده و امواج صدای هر گوینده را در فیلم، مثل حالت عادی بگوش شنوندگان برساند بطوریکه نشود تشخیص مصنوعیت آنرا داده و همه معتقد گردند عین بازی کننده در فیلم در مقابلشان ایستاده و لهجه خودش صحبت می کنند.

شك نیست اگر مقوله این مجله صداقت داشته و این اختراع صحیح باشد یك قدم تازه در طریق تکامل مبانی این اختراع بر داشته شده و سینمای ناطق قدم اول سیر تکامل خود را بر می دارد لذا این نظر مقطوع میشود که در آتیه نزدیکی سینمای ناطق در محل سینمای ساکت قائم مقام می گردد و چه بسا درب نمایشات و تأترها را نیز به بندد.

زبلن جدید

دهر دور، رئیس اداره مهندسی کارخانجات «زبلن سازی» معلومات بسیار دقیقی در باره زبلن جدید بدست آورده و از مطالعات عمیق که در اطراف احتراق دیرژیبل «ر ۱۰۱» معمول داشته نتایج بسیار مفیدی برای ساختمان «زبلن» تازه که در دست ساختمان میباشد تهیه کرده است.

حجم این زبلن و دیرژیبل عجیب از این بعد میتواند بالغ بر ۲۰۰ هزار متر مکعب گشته و ۱۰۰ نفر مسافر بغیر از عمال خود کشتی هوائی در آن جای گیر شوند، که در کمال رفاهیت زندگی کنند و نیز محرکات و ماشین ثقلی که بقوه بنزین بکار افتاده و یك کره مجوف آسمانی را در بالای سرما مجولان می آورند، از این بعد می توانند بر اثر احتراق روغن های نباتی سنگین و ثقیلی این وظیفه را انجام دهند مقدار قوت «زبلن» جدید بین ۳٤۰۰ و ۳٦۰۰ اسب میباشد در این «زبلن» گاز هلیوم بجای ئیدروژن نیز مصرف می گردد و بدین مناسبات ساختمان آن تا آخر سال ۱۹۳۲ طول میکشد.

تازه ترین سیستم طیاره

باین نزدیکیها صنعتگران ماهر ژاپونی موفق گشته اند بساختن یك فروند طیاره که از زمین بطور عمودي پرواز کرده باسمان صعود میکند و از آسمان هم هنگام فرود آمدن همانطور راست بزمین می نشیند گویا این اختراع از دوران هاي هنگام هبوط و صعود و خطرات خرابي ماشین طیاره بوقت آغاز پرواز و انجام آن اهل کارش را فارغ داشته و علاوة مزیت دیگري که نسبت بسایر طیاره ها دارد اینست که براي یکمدت قلیلي در هوا قادر بر توقف هم میباشد.

(عرفان)

صحیات

امراض جهاز دوران

(۴)

پیوسته بگذشته :

هبوط قلب ؛ اسیستولی

عارضهٔ نهائی امراض قلب است که مریض را به تشنق محکوم می سازد ، درین حال :

نفس تنگی ، ورم (ورما) کبود شدن ، درد سر ، ورم شش ، دوار دراز البوم (سفیدی تخم) کش نکش در نبض (که عبارت از مجموم خون بشش است) به مریض عاید می شود .

تداوی این حال :

خون گرفتن ، مسهل واپیکاک خوراندن ، اپلیزرکابنابه ، روغن های کافوری انجکسیون کردن عبارت است .

امراض شرائین : ارتریو اسقله روز : سخت شدن رگ های خون سرخ :

با لخصوص در پیرها تصادف کرده سبب بسیار خبرابی ها می شود این مرض از سخت شدن رگ خون سرخ والزیر شدن (اعوجاج) فهمیده می شود .

تداوی :

به مریض سبزی و شیر خورانیدن و از طعام های نمکین و جام وغیره اجتناب نمودن است .

از سخت شدن رگهای خون سرخ که از یک طرف در بسیاری اعضا خرابی پیدا می کند و از طرف دیگر در رگ های کلان (ام الدم ـ انو وریزم) حصول می آید درین حالت که خیلی وخیم است بدکتور مراجعه کرده شود .

خناق الصدر ـ انژین دو پا ترین :

مثل بالا از سخت شدن رگهای خون سرخ بحصول آمده بیکباره گی بیهوشی و عبارت از یک درد شدید است درین گونه احوال به مریض استراحت داده بالای قلبش یخ گذاشته شود علاوتاً ایولیا تیکه . (امیل الاتریس) در آن موجود میباشد بالای دستمال ریخته بو یانیده شود .

گان گرن :

گان گرن که در انجام های دست و پا پیش می شود تا خوشی همین رگ های خون سرخ بود . نتیجهٔ بروش نیافتن و محروم ماندن حصهٔ اعضا از خون است که دو صورت را بخود میگیرد : یا ز ترسیدن خون بهمان حصه خشک می شود و یا جریان متعفن و خرابه پیدا کرده پارچه هائیکه ترمضا بوده شده باشند آهسته آهسته می افتد .

تداوی :

جائیکه بوده شده باشد تیمار انتی سپتیک نموده و همان حصه را باآب اکسیجن شسته محل گانگرن قطع شود

امراض آورده (رگهای خون سیاه) :

رگ های اورده که در پاها می باشد از وسیع شدن آنها بسیار بار (دوالی) حصول می آید . اشخاصیکه باین مرض گرفتار می شوند ، از مانده شدن ، وزیاد راه رفتن ، به پا ایستاده شدن ، و از استعمال کمربند که بسیار مضیق بسته شود اجتناب کنند عضویکه مریض است باید بلند نگهداشته و زود زود بآب سرد شسته جراب را هم ی استعمال کنند

التهاب اورده (رگهای خون سیاه) فلبیت :

در عقب امراض (مسری) بالخصوص در زن ها حصول می آید .

علامت ابتدائی :

حرارت خفیف ، درد در ساق پا ، او ورم سفیدیکه مثل ریسمان بلند تر در پا دیده می شود ، عبارت است .

تداوی :

اعضای مریض را هیچ حرکت نداده پای مریض را در یک خفطه مخصوص شکل پا ساخته شده است بالای آن پنبه گذاشته پای مریض مانده شود این چنین مریضها الی مدت یکماه بپا ایستاده نشوند .

(باقیمانده)

(سید حفیظ جاهد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 484 of 896

خبرهاي داخلي

شرفيابي اعضاي

جمعيت العلماء بحضور اعليحضرت

چون حركت جمعيت العلماي افغانستان، محض جهة ابلاغ مواعظ حسنه و انجام امر معروف ونهي منكر حسب اصول مقرره و القاي نصايح و اندرز هاي ذي منفعت سال يك مرتبه باطراف و نواحي مملكت خالي از اثر و منفعت نبوده درين سال فرخنده فال اعليحضرت ستوده خصال ما صورت نقل و حركت اين جمعيت را چنين مصلحت ديدند، تا چند تني ازين علما با انتخاب سائرين جهة اعطاي مضامين مندرجه مجلة شريفه حي على الفلاح در زمن غياب ساير فضلا در مركز مانده و ما بقي او شان تماماً در ايام سرماي زمستان موقتاً باوطان و مملكت شان معاودت فرموده از نشر فضايل وتوصيه هالي به عدم تقرب بذل صرف مقدرت ورزند و در بهار سال آينده تكرار بمركز وارد و بوظايف مفوضة خويش ساعي و جاهد شوند.

ازين جهة در هفته گذشته تمام اعضاي محترم جمعيت العلماي افغانستان محض جهة وداع و خداحافظي ذات شاهانه واستماع اوامر و نصائح اولو الامر مراتب او شان بعد از استجازه ملوكانه با عاليقدر جلالت مآب وزير صاحب عدليه حضرت نور المشايخ وارد قصر گلخانه گرديدند و بعز ملاقات و استماع كلمات حكمت آيت شاه ستوده صفات خود فائز شدند، كه ما حصل فرمايشات وعمده كلمات هايوني را يكي از نامه نگاران تحريري ما تا جائيكه قيد وضبط كرده توانسته است قرار آتي بما تلطيف نموده جهة استعلام قارئين كرام ذيلاً ارقام ميشود:

ياد از دورة جواني وارتقاي

(ابتدائيه اسلامي)

اعليحضرت شهرياري در طي اين ملاقاتيكه با علماي محترم فرمودند ازحالات ابتدائيه اسلام و از انتشار مساعيات حسنة خير البريه و خلفاي راشده و اصحاب نبويه (رض) كه در راه رفعت وعظمت ومفخرت اسلام اسلاميان و ارتقاي شوكت دينيه از او بمنصة شهود پيوسته و در اندك زمن اكثر حصص جهان واقوام و ملل متفرقة آن زمن را بنور ايمان و تهذيب حسنه عاليشان آراسته، و عموم تابعين وپيروان عقايد صحيحه اسلام را بجميع صفات و اخلاق عالي درجات پيراسته، يك تذكرة دلچسپي را ايراد كنان درين حصة بيانيه خويش بهترين مصداق (الاسلام يعلو و لايعلى) را خاطر نشان حاضرين ساخت و ثابت نمودند كه ترقي و پيشرفت محير العقول مسلمين خير القرون در نقاط مهمه جهان تنها قوة شمشير نبوده بلكه يگانه واسطة نشر اسلام در اندك زمان و توسعه رقبة آن تعميم عدل و احسان، تسليم حقوق پروري و انصاف گستري اخلاق عالي و تهذيب حقه اسلامي بوده است

اين قسمت نصيحت اعليحضرت فوق العادة موجب وجد وصله افزا بود.

اسباب انحطاط وتنزل اسلام

ما بعد ازان بيان حقيقت توامان شاهانه شانرا در اسباب وعلل تنزل اسلاميان وچيزهائيكه موجب از دست رفتن آن شوكت وبزرگي اسلام كه در اول وهله مايه ناز ومحل افتخار مسلمين وسبب رشك وغبطه تمام مردمان روي زمين بود معطوف نموده ارشاد فرمودند كه علت پارچگي در انحلال قواي اساسي ومفاخر تاريخي اسلامي فقط وفقط بواسطه اغراض آفريني وشخصيت پرستي سلاطين وامرا و علما و روساي اسلام وعدم اتحاد و اتفاق وفرو گذاشت اوامر صحيحه دينيه واختيار نمودن تنبلي وجهالت و گرفتاري مسلمانها به عيش وعشرت وغيره امور منهيه پر از مضرت بوده است.

اين قسمت كلمات پرحكمت اعليحضرت نهايت موثر ورقت آور بوده تماماً در اطراف اين آية شريفه كه (ان الله لا يغير ما بقوم حتي يغيروا ما بانفسهم) را تثبيت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 485 of 896

وسراسر مفهوم این شعر را بخواطر ترسیم میکرد که .

اسلام بذات خود ندارد عیبی
هر عیب که هست در مسلمانی ماست

راز ترقی اسلام در چیست

اخیراً بیانات غیرت خاتمه شان را در اطراف محاسن ومزایای تام آن اوامر حقه اسلامیه که امروزه روز دیگرها بواسطهٔ خوشه چینی آن خرمن افتخار واقتباس ازآن شعله انوار اسلام فائز المرام وشاد کام ومسلمین بواسطه عدم پابندی واهتمام بآن پریشان ونا کام اند دور داده از فوائد ارکان پنج گانه واثرات نیکوی سعی وعمل وجد وجهد وعلم وعرفان ، صنعت وحرفت وانیکه دین اسلام بکدام پیمانه بکسب وکمال وفضائل توصیه وبچه اندازه باجتناب مناهی ورذائل اوامر داده است ویگانه مسئول وذمه دار الابلاغ آن بمصداق (انما یخشی الله من عباده العلماءُ) طبقهٔ علما را گردانیده است وتزکیهٔ نفوس عامه را محتاج بتصیقل امر معروف ونهی منکر آنها ساخته ونیز گمان بقول زلة العالم زلة العالم لغزش وفرو گذاشت ارباب فضل را بخرابی جهان تعبیر کرده است ما بیاحث عالی را واثر وحضار را ازین ارشادات خویش نهایت متأثر ومتذکر ساختند ومعانی شریفه وانشارات اللطیفه آیه شریفهٔ لیس لی الانسان الا ماسعی را تشریح وتقریباً مطالب این شیرا ذهن نشین حضار نموده

تا تو کوشش نکنی لائق اندام تو نیست
جامه را که بدوخته خیاط ازل

این قسمت بیانیهٔ اعلیحضرت بسیار نافع و بلند و هر نکته و جمله آن دارای نکات و اشارات ارجمندی بود که تعمیل و پیروی هر جمله و هر کلمه آن باعث سعادت دنیوی و اخروی شده میتواند .

مسرت علما و وداع اعلیحضرت با آنها

در خاتمه از مسایل جمله ، اکثری از حضار وسائر علمای حقانی افغانستان که دلهای شان از درد اسلام مملو ودست های حق پرست آنها در شناختن نبض مریض های دور حاضره قوی وتوانا وبه تشخیص امراض مزمنهٔ جامعه اسلامیه خوبتر آشنا هستند واز فکر رسا وهمت بلند وعلو نظر واز کیمیا برور خود روح وروانی را بپیکر این میت های محتضر ادوخته میتوانند ، اظهار مسرت وتشکر فرموده گفتند که من ازین خدمات همدردانه موقع شناسانه شما علمای حقانیهٔ افغانستان شاد مان ام ومزید توفیق را برای ثان وسائر علمای باوجدان وطن خواه هم امید میکنم که طبقهٔ علمای محترم درین دور نازک که احوال اسلام واسلامیان در تمام نقاط جهان پریشان و بواسطه شخصیت و اغراض پرستی ملاهای سوء درسائر بلاد اسلامیه علمای محترم بنظر اشخاص کوتاه فکر نا فهم مورد تنقید میباشد ، خلل بکوشند وزحمت بکشند تا در اصلاح احوال جهان موفق آیند ودر رفع هر گونه غلط فهمی واهمالیکه در بین واقع شده کامیاب شوند و بواسطه نشر وتعمیم حقائق صحیحی اسلام خودها را بالعموم محبوب القلوب طبقه خواص عوام ساخته در دنیا مشکور ونیکنام ودر آخرت ماجور وشاد کام بسازند .

علمای محترم جمیت العماء ازین بیانات حکمت آیات شاه دیانت اکتناء خود در یک جهان مسرت وشادمانی بدعا گوئی طول عمر وتوکید قوائم سلطنت اعلیحضرت پرداختند ومرتباً باین بیانات قیمت بهای پادشاهی را تصدیق وتائید و احضاریت ومعروضیت خود شانرا در خاطر نشان کردن همین اوامر ونصائح حکیمانه ملوکانه که تماماً پیرو وتالی احکام الهی وسنن نبوی ومقررات حقه اسلامیت عرض کردند وبلا نهایه اظهار خلوص وعقیدت شانرا بحضور اعلیحضرت نموده ضمناً به تبریک نکاح شهزاده بلند اقبال افغانستان والا حضرت محمد ظاهر خان پرداخته دعای تسعید این مواصلت میمون را کردند .

بالآخر این محفل عالی بیک وضع خوب انجام وذات شاهانه علمای محترم جمیت را جبهٔ ولق باوطنان شان برای همین زمستان وداع فرمودند ، و گفتند که از خدای بی نیاز موفقیت شما را در انجام این وظائف مهمه روحانیهٔ ثان

خواستارم وامید وارم که بعد از گذرانیدن ایام رخصتی درسال آتی بار بفضل اللهی مع الخیر والسلامتیه با شما علمای محترم ملاقات نمایم ، علمای اعلام هم شادان و دعا کنان از حضور اعلیحضرت مرخص گردیدند .

(اصلاح)

الطاف شاهانه

نقل فرمان حضور شاهانه عنوانی ریاست بلدیه : مبلغ یازده هزار افغانی از پول شخصی حضورم بقسم خیرات برای غربا و فقرای شهر کابل بمناسبت عروسی نور چشم شهزاده محمد طاهر خان منظور نموده توسط فرمان نومره ۳۴۹۶ . ۱۶ عقرب بوزارت دربار امر دادیم که بریاست بلدیه کابل بپردازند شما را امر است که مبلغ مذکوره فرمان هذا از وزارت دربار تسلیم و بفقرا ومستحقین شهر توزیع و تقسیم بدارید .

رضایت وامتنان

بمناسبت علاقه واحساسات پرجوش وصمیمیت کارانه که اهالی شهر کابل درموقع عروسی شهزاده محمد طاهر خان ابراز نموده بودند ذات شاهانه تیلفوناً ذریعهٔ ریاست بلدیه از اهالی اظهار امتنان فرموده وبرئیس بلدیه امر فرمودند تا رضایتم را ذریعه کلانتران باهالی تبلیغ نمائید که رئیس صاحب بلدیه رضایت

اندرز

بهنگام سختی مشو نا امید — که از ابر سیه بارد آب سپید
دو چاره سازی بخود در مبند — که بسیار تلخی بود سودمند
گره در میاور بابروی خویش — در آئینه فتح بین روی خویش

(نظامی)

حضور شاهانه را باهالی تبلیغ واز طرف اهالی به یک عریضهٔ طولی که بهترین احساسات صدقت مندانه شان را حاوی بود جواباً بعرض رسانده شد که مفاد آن اینست : —

ملت افغانستان مجاهدات تاریخی ذات شاهانه شهریار کامگار آن ایکه ازبهترین نعمای الهی است ابداً فراموش ننموده وشخص اعلیحضرت والامیل شاهانه را اولین ناجی ومقتدار افغانستان دانسته در امتثال امر وباحصال رضای پادشاهی بفدا کاری دل وجان حاضریم .

ولی متاسفانه بواسطهٔ برودت هوا چنانچه لازم بود که شهر را به تقریب عروسی شهزاده چراغان بکردیم موفق نشدیم .

در اثر عرض اهالی حضور شاهانه هم ذریعهٔ فرمان ۳۲۹۵ ، ۱۷ عقرب پادشاهی از احساسات شان اظهار رضایت وامتنان فرمودند .

افتتاح مجلس اعیان

روز دو شنبه (۲۴) عقرب ساعت ۲ بعد از ظهر در قصر دلکشاه مجلسی از مامورین مهمه لشکری وسائر منصبان عسکری منعقد شده بود ، اعلیحضرت غازی ... در بین تشریف فرمای محفل شده ومجلس اعیان را افتتاح فرمودند خطابه افتتاحیه شاهانه ومعروضه جناب میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان را باتفصیلات در شماره آینده نشر خواهیم نمود .

عزیمت

آقای قاضی عبد الحق خان معاون ریاست شورای ملی با یکعده از وکلای هرات وقندهار دیروز ساعت ۱۰ بعزم هرات بطرف قندهار رهسپار گردیدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 487 of 896

خبرهاي خارجي

تاس

جواب لیتونوف بسوال مجمع ملل

مسکو – ۲۲ اکتوبر جواب لیتونوف بسوال درو موند راجع به آماده گی حکومت شوروی و قبول کردن پیشنهاد کرالدی در باب معطل کردن اسلحه الی اختتام امور کنفرانس تحدید اسلحه اشاعه یافته است لیتونوف در جواب خود مینویسد : من قبل ازین یعنی ۲۱ ستامبر راجع به آماده گی حکومت شوروی به قبول کردن تعهدات را با تمام ممالك بالمساوات اطلاع داده بودم حکومت شوروی به همچنان حاضر است که میعاد پیشنهاد شده را از امروز الی یکسال یعنی از اول نوامبر قبول نماید و همچنین او حاضر است مکملاً یا بعد اکثر اسلحه خود را بقرار پیشنهاد یکه من بکمیسون تحدید اسلحه نموده ام تحدید نماید باید واضح باشد که آیا این تعهدات با تمام اسلحه مربوط است ، اگر این مسئله واضح نباشد هر حکومت بخیال خود این پیش تعهد را تعبیر خواهد نمود ، حکومت شوروی به حاضر است بعد از واضح شدن امور هر قسم تعهدات راجع بمعطل نمودن اسلحه را باساس مساوات با تمام ممالك قبول خواهد نمود .

مسکو – ۲۷ اکتوبر آمدن لیتونوف رفاقت سفیر ترکیه در مسکو چین ۲۷ اکتوبر وارد انقره گردید لیتونوف را در استاسیون توفیق رشدی بیك وزیر امور خارجه و مامورین مسئول وزارت خارجه ترکیه و اعضای سفارت س س س ر در انقره استقبال نمودند در استاسیون یکدسته عسکر احترامی نیز موجود بوده از استاسیون الی هوتل طلباء بای طرف باکتیبه های خوش آمدید بزبان روسی قایم کرده بودند .

اخبار انگلستان

رویتر

یك هفته آرامی که بعد از اعلان قانون ممنوعیت در آئرلند آمده بعد روز شنبه بایك حادثه سیاسی خیلی مبهم خاتمه یافت ۲ نفر اعضا پارتی کار گر آئرلند که طرفدار حکومت بودند از حزب کار گر آئرلند اخراج شده اند این دو نفر یکی موسوم به ... ای نماینده دبلن و دوم ایجادر انتولی عضو شهر کارك .

۲۷ اکتوبر – نتیجه انتخاب دارالفنون و یلز با ۶۶ رای وضعیت پارتی ها را قرار ذیل می سازد محافظه کار ۴۹ ، احرار ملی ۱۴ ، احرار (۱) کار گر (۱)

ترتیبات بی نظیر و وسیعی که برای اشاعه نتایج گرفته شده است علاقه مصر و عموم را برای گرفتن امروز نشان میدهد تعداد آراء در هوتل ها ، کلب ها ، تیاتر ، و سینما ها ، و مقامات دیگر عمومی و عمارات زیر زمینی ها نشانداده خواهد شد .

شب گذشته اختلال کامونیست ها در کنسك تن شپال و واسیوهان وضعیت نسبتاً سکون انتخاب را بر هم زد .

۲۸ اکتوبر – رای دادن در انتخاب عمومی بر طاقوی آرامی پیش میرود و اختلال هیچ وجود ندارد و غالباً عده آرائی که داده است یك مسابقه تشکیل نموده میتوانند راپورت مامورین انتخابات اجتماع مردم را در موقع افتتاح که در آنجه عده زیاد نسوان و دختران جوانی که قابل رای دادن بودند مشمول داشتند بیان میدارد که با یك جدیتی که شایان سیاست دانان است مقدرات مملکت را تعین مینمودند اشخاصیکه ملاحظه کرده اند میگویند درین انتخاب چنان جدیت و عدم سوء ظنی حکم فرما بود که کاهی قبل ازین دیده نشده بود .

رای دادن را دمه معطل ساخته عده از آراء نتایج وجود دمه بهبود رفت کار گر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 488 of 896

اینکه که بار میگشتند تا زمانیکه موقع رای گرفتن مسدود شدند معطل ماندند واشخاصیکه هنوز رای خود را تقدیم نکرده بودند موقع نیافتند که رای بدهند.

در نتیجه اولین انتخابات عمومیه که از (تیمس) اطلاع شده است ملیون شماره رای کشیدند اوان ویس نماینده حکومت (محافظه کار) ۱۱۱۹۴ رای گرفت وفرانکلیس (کار گر) ۷۵۸۵ رای ونسبت باکثریت محافظه کاران به ۹۵۱۱ رای هیچ تبدلی وقع نشده است.

در شالفورد شمالی ج . بی موریس محافظه کار ۳۱۵۱ رای گرفت.

(دین لیلث) کار گر عضو نشسته ۱۲۲۷۱ رای (محافظه کار موفق شد) بعد ازان در نصف شب وضعیت پارتی ها ظاهر شد. محافظه کاران حکومت ۸۲ واحرار ۱۷ کار گران مخالف ۸ ومحافظه کاران ۱۵ واحرار سه رای گرفتند.

در روز پنجشنبه جلسه کابینه عقد خواهد شد، که راجع به امور خارجه ونطق شاه در موقع افتتاح رسمی پارلمان بتاریخ ۱۰ نومبر مذاکره کنند. پارلمان جدید به تاریخ ۳ نومبر قبل از انتخاب اطلاق وسوگند دادن اعضاء عقد خواهد شد.

احوال پارتی ها در آخر شائع واز اولین انتخاب عمومی قرار ذیل است :ـ

ملیون ـ ۲۶۳

محافظه کار ـ ۳۳۲

کار گر ملی ـ ۱۰٤

احرار ـ ۳۲ (من جمله ۱٤ آن طرفدار سائمن میباشد)

کار گران مخالف ـ ۲۲

پارتی مستقل ـ ۳

موفقیت محافظه کاران ۱۲۰، کار گر ملی ٤، واحرار ۱۱ میباشد. خسارهٔ کار گر ۱۱۱ وحزب مستقل ۵ است.

۲۸ اکتوبر :

دوائر سیاسی از تمایل سیاسی بی نظیری که از نتیجه او از اولین ظاهر شده است، متعجب اند. محافظه کاران خیلی مسرور اند، و کار گران طبعاً خیلی مأیوسند، زیرا که نتایج شب گذشته عموماً نتایج قصبات دهات انتخاب میباشد و یك عده زیادی مراکز صناعتی که دوائر را، کار گر قوی میباشد دوائر شامل است. نتیجهٔ کرسی که امروز اعلان میشود عبارت از نتیجه آرای هیئات انتخابی دهات خواهد بود که کاملاً طرفدار محافظه کاران میباشد، و محافظه کاران در نتایج روز دوم فتح کاملی را در نظر دارند. واگر هم چه واقع شود حزب کار گر به حیث حزب مخالف موثر در دار العوام وجود نخواهند داشت و در پارلمان جدید تنها کمتر از صد نفر طرفدار خواهند داشت. برای آنکه محافظه کاران اکثریت مطلق را بدست بیاورند به ۹۰ کرسی دیگر احتیاج دارند، و برای قوهٔ محافظه کاران در پارلمان جدید که زیاد از ٤۰۰ نفر میباشد امید میرود احرار و کار گران ملی متفقاً تقریباً به یکصد می رسند و حکومت ملی اکثریت زیاد از ٤۰۰ را خواهد داشت

روز نامه های حکومت ملی، راجع به نتایج انتخابات که آنرا یك غلبه بزرگ ومحو شدن سوسیالزم می دانند، خیلی مسرورند. دیلی تلگراف میگوید:

این نام عبارت از یك غلطی وضعیت شدید سیاسی است.

دیلی میل موفقیت را به طرفداری زیاد تعرفه، وعزم کار گران بر طاقوی به ابراز ضربه های شدید وتار تیکری سوسیالزم استناد می نماید. دیلی اکسپرس بیان میدارد که پارتی سوسیالیست محو شده است. دیلی هرالد اظهار مسرت میکند که محافظه کاران کامیاب شده اند ومملکت بصورت درستی، راجع به اشخاصیکه محو شده اند وطرفدار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 489 of 896

شان عبارت از اختلال انگیزان و مفسدت پردازان میباشد ، قضاوت نموده اند .

پیغام اخرین بیان میدارد که حکومت از اکثریت مطلق یقینی حاصل نموده است . ومیکدونالد ، لاتد جارج سرجان سائمن ، مس ایبکن ، وجرچیل انتخاب شده اند .

و ج درلن ، ومس سوسن لارنس شکست خورده اند . محافظه کاران به نسبت تمام پارتی های دیگر اکثریت حزبی دارند . تعداد پارتی ها یساعت ۲ و نیم بعد از ظهر قرار ذیل بود :

محافظه کاران	:	۲۸٤
کار گران ملی	:	۱۰۸
احرار	:	۴۹ (۱۵ نفر طرفدار سائمن)
کار گر مخالف	:	۲٤
حزب مستقل	:	۱۰

یعنی محافظه کاران ۱۲٤ فائده کرده اند ، و کار گر ملی ۱۰۸ و احرار ۱۱۱ حزب کار گر ۱٤۰ به ضایع داده است .

هند وانگلستان

۲۵ اکتوبر

پیغام لندن بیان میدارد که گاندی از ایتن واود اکسفورد شده با ماستر اف بولیول که درسته گذشته درهند عضو کمیون تعلیم عالی مسیحی بود وبا گاندی رفاقت داشت ملاقات نموده . شام آن در (مجلس هندی) نزد اعضای کلب بیلوفنر نطق ایراد نموده وبه سوالات طلبه جواب داد .

۲۶ اکتوبر

پیغام لندن بیان میدارد که از کالج اکسفورد به نسبت رسیدن گاندی بجا بجا اوازه های مسرت بر آمده ودر مسافرت مختصر خود گاندی در دار الفنون مذکور یك فهرست زیاد مصروفیات دارد وبه همراهی داکتر لندسی ، ماستر آف بولیول ، داند دیوز ، مس سلید و ویسای ، ایدور تا پسن را ملاقات نموده بعد ازان گلوت مری ، سر میجل سیدلر ، وابجنتا لد لید را دیده وبعد ازان سر هنری لاورنس را ملاقات نموده که باو به سواری موتر به اکسفورد رفت . وبعد آن در شام در کلب دبلی نطق ایراد نموده . هفته آینده به کمبرج خواهد رفت .

مذاکرات مسایل فرق در کنفرانس میز مدور عملاً به سکته دو چار گردیده است . عقیده عمومی دوایر نماینده گی چنین است که ، تمام پیشنهادات ممکنه ختم شده . مالوبه عقیده دارد که هنوز هم ممکن است مسئله فرق را با اتفاق سه نفر که از طرف سر وطه بمذا کرات انتخاب شوند فیصله نمود و میگوید حتی اگر مسئله فرق فیصله نشود هم باید مسایل تشکیلی را بزودی فیصله نموده وفیصله مسایل فرق را برای ما بعد بگذارند ، و بیان میدارد که ، معطل شدن اصلاحات و التوای کنفرانس بدون آنکه به مقصود خود رسیده باشد ، در هندوستان اثر خطیری خواهد نمود . قائدان مهم هند و مسلمان مذاکره غیر رسمی نموده راجع به پروگرام فوری کاری که در مقابل کنفرانس است ، مذاکرات نمودند نماینده گان مسلمان شام امروز بجهت تجدید نظر بر وضعیت خود ملاقات خواهند نمود .

تلگرام لندن بیان میدارد که ، عاید به محاسبات و قضاوت محکمهٔ عالی ، در موقع تجدید مذاکرات کمیته تعمیر اتحادی ، روز چار شنبه ؛ بعض نظریات مزید شنیده شد . کیبوی جونز ، از طرف او روپائی ها تاکید نمود که محکمه اتحادی ضرور است ، مگر این مسئله یعنی ضرورت دارد ، که حق مرافعه از محکمه اتحادی به مجلس خصوصی اعطا شود . (یکی از حضار) با مرافعه به مجلس خصوصی مخالفت نموده اظهار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 490 of 896

اعتقاد نموده، که از نقطه نظر حکومت و صدر و طالوی، مطلوب است که در خود هندوستان محکمه عالیه هندوستانی قائم شود دا کتر شفاعت احمد راجع به مسئله مرکزیت محکمه عالیه بحث نموده و نیز راجع به طریقه که بآن شرائط دارای حفاظات تقدم اجری شود گفتگو کرد.

و راجع به این مسئله اظهار عقیده نمود که تبدیل نمودن شرائط حفظ ما تقدم را ممکن است تبدیل کنند، بجز طریقه که بصورت مناسب رفع و فرق مربوط بآن رضا دهند.

مستر ریچارد راجع به مرافعه مجلس خصوصی موافقت ننموده، که باید مفکوره ماعبات از تولید یك نظام مکی بالنفس عدلی برای هند باشد مگر گفت که تشکیل نمودن مجلس خصوصی هندی قبل از وقت است.

روز دوشنبه در بین بعضی از نماینده گان مهم مذاکرات غیر رسمی شروع شده مسئله دفاع تحت مذاکره گرفته شد. اعضای نماینده گی اظهار عقیده نمودند که باید یك وزیر هندی کار عسکر را بدست داشته باشد، وراجع به وضعیت او درمقابل حکومت برطانیا ونفوذ مرکزی ومقداری که از اداره وپالیسی حربی به وزیر مذکور سپرده شود، مذاکره نمودند. روز سه شنبه این مذاکرات دوام خواهد نمود.

نماینده گان مسلمان نیز ملاقات نموده واقعه نظر سابقه خود را تاکید نمودند که، نمی توانند راجع به مسائلی به اقلیت ها ربط دارد تا زمانیکه از دیگر مسئله اقلیت ها سر دست گرفته شود، مذاکره کنند اطلاع رسیده است که مذاکرات مسلمان ها بر اساس مذکره آغا خان و گاندی بود.

از هر طرف

در چین جدید:

یکی از آدابی که تا ان اواخر نیز در چین از آن متابعت می شد و موسوم به (کوتو) بود این بود که وقتیکه شخصی با یکی از بزرگان مقابل می شد برای احترام خود را بزمین خم کرده و سه دفعه پیشانی خود را بزمین میمالید. دفری خارجه نیز موقعیکه بملاقات امرا طور میرفتند مجبور بودند که عین همین احترام را اجرا نمایند. اما لباس های رسمی که در بر میداشتند غالباً مانع رکوع و سجود شان شده و ازین حیث در مضیقه بودند. اما از وقتیکه چین جمهوری شده است اجرای این مراسم از ایشان لغو شده و فقط بانحنای سر از ایشان اکتفا می شود.

ولی از آن بین عموم نیز این عادت که دلیل بر خضوع میباشد بر طرف شده وعوض رکوع ولمس زمین پیشانی فقط انحنای سر سه دفعه متوالی رایج گردیده است.

چگونه از بحران کبریت جلوگیری می شود.

ایفار کروگر (بادشاه کبریت) سویدی تجارت کبریت را در اروپا احتکار کرده و در این اواخر انحصار آنرا خیلی بالا برده بوده است.

در مقابل آن اهالی یك قریه از رومانیا وسیله عجیبی برای مقاطعه بحران کبریت استعمال کرده و دریکی از نواحی قریه شان آتشی روشن کردند که هر رهگذری در آن یك تکه چوب ویا هیزم میانداختند وهر فردی هم که میخواست سیگار خود را آتش بزند نزدیك این آتش رفته وقطعهٔ آتشی از آنرا استعمال میکرد چنانچه صاحبان خانه نیز برای رفع احتیاجات خود از آنجا آتش گرفته وبخانه های خود میبردند، وباین وسیله صورت تساوی در اشتعال واستهلاك آتش اجرا شده وبرای اینکه خیلی آنها را تمسك بحساب نه هند قرار دادند که مبالغی را که از مقاطعه کبریت فرد شان جمع شده بود با انشاء یك کلیسای صرف نمایند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 491 of 896

مؤلف : لهبلانیه فرانسوی ؛ (۱۹) مترجم حبیب الله طرزی ؛

مادام سان ژین

فصل دهم

عروسی منقطع

بلانش را رعشه گرفت گفت :

خدای من ! من تباه شدم حال دشمنی از فرار من اطلاع یافته وتعقیب خواهند نمود ،، کاترین : ما باید وقت را از دست ندهیم یگانه راهی که موجود است آنهم بنهایت خطر ناك است ، ولی چه باید کرد باید تن بتقدیر نهاد .

بلانش بگو به بینم اگر ذرهٔ امید هم در آن باشد بکردن آن حاضرم .

کاترین ، اگر کسی بجای تو بماند وتو فرار کنی کم از کم یك نصف ساعت بعد از از حالا خبر خواهند شد ، .

نیم ساعت خیلی زیاد است من تصور میکنم یك ربع ساعت نیز مرا نجات خواهد داد .

کم از کم از پارك گذشته یك جای دیگری خودم را پنهان کنم شاید بتوانم بیکی از قراول خانه های فرانسویان رسانیده بهار بوت نیز ملحق شوم ،

ولی افسوس که برای این مقاومت کسی نیست !

کاترین از من بهتر که را میخواهی باید یك لحظه هم وقت را ضایع نکنی

پالتوبت را بمن بده ، زود شو ! اینك بارون بر میگردد .

حرف کاترین حقیقت داشت زیرا بارون بعد از اینکه کلیسا را دیده و خودش را از مهیا بودن تمام لوازم مطمئن گردانید بر میگشت تا مارکی دو لا ولین را با خود بگیرد و هم با مطبل هدایت لا رمه را بجهت سفر برو کمل بدهد

کاترین خودش را به پالتوی دراز بلانش پیچیده بطرف شاتو و بلانش با لا ولیت که ازین همراهی مانند طاوس بر خود میبالید بطرف اردو گاه فرانسه رهسپار شدند کاترین خودش را بدر وازه اطاق خدمتکاران رسانیده و یکی از آنها را مخاطب ساخته گفت : بمسیو بارون بگوئید که مادموازل بلانش او را در کلیسا منتظر است ،

این را گفته و با قدم های متین بطرف کلیسا روانه شد بداخل شدن کلیسا فردی را غیر از کشیش پیری که مشغول اوراد بود ندید ، راهب هم آنقدر مصروف بود که هیچ توجهی بکاترین نه نمود ، خاموشی مردهٔ کلیسا روشنی خفیف چند دود شمع که از سقف تاریك آویخته بود کاترین را مرتعش نمود

وتصور کرد که در یك زندان داخل شده است و برای ابد ازان نجات نخواهد یافت .

لحظه چندی که در آن جا انتظار نمود مانند سالی برو گذشت تا آنکه دروازهٔ بزرگ بایك صدای مهیبی عقب رفته اواز پا های اشخاص زیادی در راهرو منعکس گردید .

کاترین برای آنکه حصه بازی خودش را تا باخر بخوبی بازی کرده باشد پالتورا بر سر کشیده و مثلیکه نماز مشغول باشد بزانو در آمده خاموش ماند .

کشیش آهسته بر خواسته بمحراب نقرب جست با یك صدای کاواك ولی آهسته شروع به تکرار اوراد نمود بارون هم نزدیك کاترین شده و یك سلام مختصرانه داده آهسته گفت

« مادموازل ! اگرچه امید داشتم که شرف و مسرت همراهی شما را بابعبا حاصل کنم ولی باوجود آن هم مسرتی که از دیدن شما درینجا بمن دست داده از حیط بیان بیرون است »

اجازه دهید تا در پهلوی شما به ایستم »

کاترین خاموش وبی حرکت مانده مارکیز چون دید که دخترش بعد ازانکه بهوش آمده و برضای او تن نهاده است باز میخواهد خاموش و بی حرکت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 492 of 896

پایستد نزدیك او رفته گفت : بلانش عزیزم ! این پالتوی مغلوك که یك پالتوی مسافرت زیاده ترشبیه‌است ازسرت دور کن تو باین وضعیت عروس شده نمی توانی روبت را بدنیای وقدری متبسم باش اگر قلباً آرزو نداری بجهت دوپانان ما افسران ژنرال کولیرفیت که زحمت کشیده وبعروسیت مشارکت نموده اند وضعیت بشاش بخود بگیر !

پیشتر از آنکه منع کرده بتواند ویا آنکه اراده او را حدس زده باشد بلانش را ازسر او دور ودر مقابل مارکیز با یك پیراهن ایستاده بود ،

مارکیز از دیدن یك زن بیگانه درلباس دخترش متحیر شده نعره زد « این زن دختر من نیست بارون نیز که باندازه مارکیز از دیدن کازرین متحیر شده بود صدا زد آیا تو کیستی ؟ مادموازل بلانش کجاست !

درین اثنا کشیش بطرف حضار با بازوهای باز استاده ادعیه مشهور لاتینی را که درچنین موارد عادیست به متانت تمام شروع نمود : (پی تی دیکات وس ، اوشی یوتاس دیوس او می نوس دویس کم) ولی حضار همه مصروف حادثه جدیده بوده بدعای کشیش توجهی نکردند ونه جواب عادیه که در چنین موارد از طرف حضار گفته می شود دادند .

کازرین چون دید که علاوه برین پنهان ماندن بی فایده است دامن سه رنگ خودش که بیرق فرانسه را تشکیل میداد بمقابل چشم استریائیها گرفت .

یکی از افسرها : بخدا این زن مشروبات فروش عسکر فرانسوی است

سان زن : بلی هیچ غلط نکردید عیناً خودش هستم مشروبات فروش پیاده خفیف سیزدهم ، امیدوارم که الطاف لم را آنتر شناخته باشم .

این پیش بینی کازرین حقیقت داشت زیرا استریائیها دامان هزیمت یافته مارکیز همه با نگاه های مضطربانه باطراف کلیسا منگریستند و خیال میکردند یکدام حمله غیر مترقب شبیه گرفتار آمده اند .

یکی از افسرها : بعد از تفکر زیاد چون او را تنها و بی سلاح دید پیش رفته و دست خودش را بر دوش او نهاده بمتانت گفت جناب مادام (مادموازل) اسیر هستید .

کازرین - دور شو ، من نمیجنگم درین جا برای ملاقات یك دوست آمده ام نه بجنگ .

افسر ! مزاح نمیکنم شما درین قلعه که من آنرا بنام امپراطور استریا تصرف کرده ام داخل شده اید ، من باید شما را دستگیر کنم زیرا شما فرانسوی واین خاك استریائی دو دولت باهم میجنگند .

کازرین : آیا جناب شما بازن ها هم میجنگید ؟

افسر : شما مشروبات فروش اردوی فرانسه هستید !

کازرین : مگر عرض کرده میتوانم که مشروبات فروش سرباز نیست !

افسر : من شما را بحیث یك سرباز نه بلکه بحیث یك جاسوس گرفتار میکنم افسر این را گفته وبطرف یکی از زیر دستانش برگشت حکم داد که دو سه نفر سرباز وابه نگهداری کازرین جلب کنند ،

بارون لوندال که در اطاق مادموازل بلانش برای تجسس او رفته بود از انجا ناکام برگشته نعره زد « آقا بون این زن درسازش فرار عروس من مادموازل بلانش دولاوین شراکت دارد از برای خدا او را گرفتار کنید ! وبا یك حالت یاس وناامیدی کازرین را مخاطب ساخته ایراد نمود : برای خدا بگو به بینم عروس من کجاست ؟

کازرین خندیده جواب داد « اگر میخواهی که عروست را بیابی ضرور است که آقایان استریائی را گذاشته بامن به اردوگاه فرانسه بیائی آنجاست که او منتظر تو نشسته است .

بارون : این بدبخت درمیان آن گدایان فرانسوی چه بلا میخواهد شاید با موابه ژنرال معاشقه پیدا کرده باشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 493 of 896

کاترین : نه ! رفته‌است که فرزند خودش ملحق شود !

بارون و مارکی یکجا نعره زدند : با فرزند خودش ! این چه فضول است بخیال من که دیوانه شده خواهی بود

ملازم بارون اونارد که حاضر بود فهمید که با آشکار شدن این راز که او چهار زحمت پنهان داشته بود اساسی که روان سعادت آتیهٔ خودش را تصور مینمود از دست داده است حال بهر صورت میتواند در جبرهٔ آن بشتابد اگر از یکطرف چیزی بدست نیاورد از دیگر جانب ممکن است کامیاب بشود چنانچه از عقب سر بازان استرانیها لغزیده بدروازه کلیسا رسید از آنجا بکمال عجله بطرف اردو گاه روانه شد .

فصل یازدهم

داماد غیر مترقب

درین اثنا افسریکه کاترین را گرفتار کرده بود بی صبر شده گفت : آقای بارون ما برای ایستادن اینجا وقت نداریم آیا جنابشما از اسیره ما استنطاق کردن آرزو دارید بفرمائید ؟

بارون بکمال حدت : نی بیریدش : هرچه میخواهید با او بکنید و با یک یاس قابل تمسخر رسخن خود دوام داده گفت : باشید بهتر است ازو بپرسید که ماد موازل ورلا وین کجاست و او از تذکار نام فرزند او چه مقصد داشت ؟

پس در پنصورت او را در یکی از اطاق های شاتو قفل میکنم حبس او را دوام خواهند ساخت فردا جواب شما را خواهد داد .

کاترین : فردا سربازان جمهوریت اینجا خواهد بود و همهٔ ما و شما مانند ذرات بهوا خواهیم پرید .

افسر : او را ببرید و اگر مقاومت میکند آن را به بندید .

چهار نفر سربازان بشنیدن کلمات مافوق خود تفنگ ها را مانده بطرف کاترین میرفتند کاترین موقع بهتر یافتی برای استعمال ریولور های خودش یافته و آنها را بطرف چهار نفر سپاهی گرفته نعره زد هر کس بمن دست پیش کرد ها ندم مرده خواهد بود .

افسر جوان از ترده و ترسی سربازان به تنگ آمده صدا زد ، آیا شما از یک زن میترسید ! سپاهیان به تخویف افسر خود جدی شده خواستند که بر کاترین حمله برند که دفعتاً در بیرون کلیسا صدای شیپور فرانسویان که اوامر شلیک و حمله را میداد بلند گردید ، حضار همه یک با نعره زدند ، فرانسویان ! فرانسویان و بدون آنکه یک نفر فرانسوی را هم بجز بارون و کاترین دیده باشند بخیال آنکه وزیسیان سیزدهم بر آنها هجوم آورده است سر را از پا نشناخته و هرچه که با خود داشتند انداخته فرار نمودند در یک ثانیه دیگر کاترین از هر همه نجات یافته در کلیسا تنها ماند .

صدای شیپور نزدیک و نزدیک تر شده قیافه دراز و باریک (لا وبولت) از عقب دیوار ظاهر گردید کاترین بدیدن لا وبولت ممنون شده نعره زد ، تو و این جا ؟ زیبان کجاست ؟

لا وبولت از شیپور زدن فراغت یافته گفت ، کجا باید باشد ، البته بجای خودش در اردو گاه خواهد بود بخیالم که در موقع خوبی رسیدم ! دروازهٔ بزرگ را فرو بسته و از عقب بند نموده بر سخن خودش دوام ورزید اگر این را به بندم زیاده تر محفوظ خواهیم بود ،

لا وبولت توضیح نمود که چطور در اثنائیکه بطرف اردو گاه میرفتند آنها را گزمهٔ فرانسوی یافته که فوراً آنها را گرفتار نموده و بعد از آنکه (بلانش) را بالمغیوره گذاشته خودش بر گشته و بدیدن روشنی در کلیسا از دریچه کیفیت را معلوم نموده بعد از آنکه وضعیت وخیم خیال کاپیطان خودش را مشاهده نموده استعمال شیپور بفکرش رسیده و استرانیها را بفرار مجبور گردانیده است .

لا وبولت : آه مادام اگر قدری کوتاه می بودم یکی از بهترین شیپور چیان بحساب میرفتم ! (باقیدارد)

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داران شاهی و خواندن سوانح یک پادشاه محبوب افغانستان ، یقین از نشریات گذشته ما وهمقطاران معاصر ما حدی باهمیت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدینخان کشککی پی برده و در صدد خواهند بود که یک نسخه آن را زیب کتابخانه خود قرار بدهند .

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی این کتاب نفیس و هر به قابل توصیف باز بنوشتن این چند سطر یاد آوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (٦١١) صفحه و (٤٩) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی قیمت بسیار ارزان بفروش میرسد .

در داخله	:	مرکز	٥ افغانی
"	:	ولایات باضافه محصول پست	٧ "
خارج	:	با محصول پست	٣ کلدار

محل فروش

در داخله : مرکز و ولایات طالبین ، به عموم دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجاره‌ای افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

غرض : هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هرچه بیشتر چاپ شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 495 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۰ ۰
طلبهٔ معارف	۷ ۰
در ممالک خارجه	[illegible] شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید
رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 498 of 896

(شماره ۲۶)

(مجلد ۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
موسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده : [illegible]

۲ شنبه اول قوس ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰۶ | ۱۲ رجب المرجب ۱۳۵۰

باستقبال قانون اساسی

نوع بشر حسب المجبول زنده‌گانی اجتماعی مجبور بوده و قانون تکامل و مدنیت برای تعاضد و تعاون همدیگر یک احتیاج شدیدی دارند .

چطوریکه این مجبوریت و احتیاج شدید برای آنها وسیله اجتماع و اتحاد فراهم مینماید ، همانطور مرام اجتماع و اتحاد آنان لزوم انسانیت و مدنیتی را نشان میدهد که فقط نیل آن در زیر سایه قوانین است و بس .

انسانها در دنیا اولاً به تنهائی افکار شان از فراهم آوردن وسایل راحت و سعادت خود و دیگران قاصر است .

و باز در مرتبه ثانی وقتی شامل جماعتی شده و هیئت جامعه را تشکیل دادند بدون نهاده شدن یک راه مستقیم پیش پای او شان (که عبارت از قوانین موضوعه باشد) در عالم زنده‌گی از رویه و رفتار مجهی بسوی نجات و رستگاری عاجز اند ، چون افراد ، اعقول و افکار متفاوت خلق شده ، و در جامعه از فاضل و رذیل و نادان و دانا و عادل و ظالم بعضی آخری از خوب و بد از هر یک بنوعی صدا و ندائی بلند است اگر یک هیئتی تام مقننین برای سنجش های جلب منافع و دفع مضرات عامه وجود نداشته باشند و آنها دست تسلط غاصب را از گریبان مغصوب و ستم‌رسیده کوتاه نکرده ، و یا در مقابل جور و ظلم ظالم برای مظلوم بیچاره پناه گاهی واقع نگردند ممکن است تماماً ممالک و محیط ها پر از شور و غوغا گشته نظام زنده‌گی عمومی از هم بپاشد و امور اجتماع و اتحاد در هم و بر هم گردد .

اینجاست که این سنجش های عقلا و برازنده‌گان ملل را قانون نامیده و قانون را شیرازه ممالک و واحد عدالت یا اسباب راحت و سعادت ملل و مجامع تعبیر کنیم .

مللیکه خوشبختانه بوجود هیئت مقننه فی مابین خود ها قایل گشته و موادی برای تنظیم و ترقی مملکت و یا حفظ و دوام عدالت وضع کرده و آنها را در کلیه امور مراعات میکنند از موجودیت ملی و معنویات حیاتی خویش استفاده های حرفی برده اند ، ممالک شان پر امن و امان حقوق شخصی و اجتماعی طبیعی و سیاسی شان مصئون با تمام سر و سامان آزادی و نهایت استراحت زنده‌گانی سرا سر سعادت شان بسر می شود بر عکس در طبقاتی که این هیئت وجود نداشته و یا اگر باشد محض نام بوده و مفاد و معانی قوانین صورت عملی نگرفته و مراعات نشود گویا عدالت از آن سر زمین رخت بسته و سعادت زان قوم وداع ابدی گفته ضعفا پامال اقویاء ملک و ملت فاقد محسنات امنیت و آزادی گردیده و

باسارت و خواری باقی میماند این حق مشروع بشریت را بعضی از اقوام و قبایل جهان در اثر شور فکری ، نهضت های عقلانی و روحانی و به مجاهدات و سربازی جرأت های ملی بدست آورده اند .

برخی طبقات هم از لغات و فداکاری های زمامداران باقوت وحمیت شان نصیب شده اند .

ما ملت افغانستان اگر چه دو اغلب آوان این گونه احتیاجات مدنی را از خود ظاهر ساخته وبرای استحصال این حقوق حقه خود ها همیشه تمایل داشتیم ولی چون جبه عرفانی ما ضعیف بوده و انوار علم و معرفت به عجالة در سر زمین متواری مادر نه باید طوریکه لازم بود قوانین و نظامات مملکتی و شعایر ملی را بحدت وشدت استقبال نکرده وبا خلاص وارادتی قدر شناسی نه نمودیم .

ازین رو گفته میتوانیم اکثراً مراعی های مدنیت کارانه از جانب زمامداران بوده جرگه ها داشتیم مجلس ها پا کردیم شورا ها سا نمودیم ولی گفته نمیتوانیم چرا اساساً بسعادت نایل شده نتوانستیم اگر در قوانین یا طرز مجالس ما کمتر نقصان نبود بیشتر ضرر و زمان ازان بحران قانون بردیم که از این خود ها مکلف یک نوع وظیفه شده و قانون را برای اغراض نفسی و منافع شخصی خویش بسوء استعمال کردند .

مثلاً یک مجلس مشوره ایالتی مانم اجرای قانون و عدالت در اثر غرض یک عده از اهالی یک حکومتی ، حاکم یا مامور مالیه را جلب و تحت محاکمه میگرفت وپس از مدتی کما کم یا مامور بری الذمه می شدند و مردم جوابداده میشد معلوم میگردید از طریق رشوه گرفته شده و عدالت خوب مراعات گردیده !

غرض ، این شخص پرستی ها و خود سری ها خود غرضی ها بحدی بین ما قوت گرفته و عصیان طغیان نموده که نزدیک بود بدست و پای خود شئونات ملی و مملکتی را پا مال وحشت کرده از استیلای رهزنان آینده خود و اولاد وطن را فدای شهوت رانی یکعده محدودی کرده محل ظهور عظمت های تاریخی را میدان تاخت و تاز دزدان قرار بدهیم .

بسیار باید ممنون و متشکر از اعلیحضرت نادر شاه غازی باشیم که بفدا کاری خود و برادران جوانش شئونات پارینه افغانستان را تجدید کرده و حقوق از دست رفته ما را مسترد گردانید .

وقتی است که بانهایت مسرت و ابتهاج این روشنی معدوم کننده ظلمت این مقیاس مقررات خوب و بد ملت این میزان مکافات و مجازات فضایل و رذائت این ممیز وحشت و مدنیت بالاخره این سر پنجه قوی را که برای صیانت حقوق اجتماعی ما از دار الشورای محترم ملی شید الله ارکانه بیرون آمده و میزان

مساوات وحریت و عدالت اقوام مسکونه افغانستان را دارا است خوش آمدید بگوئیم .

خیلی محل تأسف خواهید بود اگر هموطنان عزیز ما باغتنام موقع و عبرت از گذشته ها این دارالشورای محتشم ملی و قوانین موضوعه آن را با سرشار ترانی علاقه وعشقی استقبال نکرده ودرصورت وظیفه داری با کال صداقت و صمیمیت مجری این حقوق حقه واقع نکردانند .

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول اساسی

دولت علیه افغانستان

اصول کلیه

اصل : —

۱ : — دین افغانستان دین مقدس اسلام و مذهب رسمی وعمومي آن مذهب منیف حنفي (رح) است ، پادشاه افغانستان باید دارای این مذهب باشد ، دیگر ادیان اهل هنود ویهودي که در افغانستان هستند بشرطیکه اسایش وآداب عمومیه را اخلال نکنند ، نیز به تحت تأمین گرفته می شوند

۲ : — دولت علیه افغانستان اداره امور داخله وخارجه خود را باستقلال تامه حایز بوده همه محلات وقطعات مملکت بزیر امر و ارادهٔ سنیهٔ ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد وبه هیچ حیثیت

(بقیه در صفحه ۳)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 501 of 896

در اجزای مملکت تفریق کرده نمی‌شود

۳ : — پای تخت افغانستان شهر کابل است و تمام اهالی مملکت به نظر حکومت مساوی هستند که هیچ امتیازی اهالی شهر کابل نسبت بدیگر شهرها و قصبات مملکت محروسهٔ افغانیه ندارند .

۴ : — بیرق رسمی افغانستان دارای الوان سیاه و سرخ و سبز و در وسط آن خوشهٔ گندم و محراب و منبر میباشد .

حقوق پادشاه :

۵ : — بنابر تقدیر فداکاری و خدماتیکه اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه افغان در راه استقلال و نجات وطن افغانستان و بر انداختن بنیان ظلم و استبداد ابراز فرموده اند ، ملت افغانستان عموماً ذات شاهانهٔ شانرا پادشاه صحیح و لایق مملکت خود شناخته و با نهایت تقدیر و احترام تعهد آیند پرفته و می پذیرند و ذات همایونی در حین جلوس بر تخت سلطنت مستقلهٔ افغانیه بالمواجههٔ عموم وکلا و اشراف اهالی افغانستان تعهد نموده اند که مطابق اوامر مقتضی های شرع شریف نبوی (ص) و مذهب مهذب حنفی (رح) و اصول اساسی مملکت اجرای اوامر حکومت شاهانه خود را فرموده محافظت و رعایهٔ استقلال افغانستان را مهمترین وظایف خود دانسته بملت و وطن صداقت نموده از تعمیل مرابط فوق مخالفت نه نمایند ، بناءً علیه ملت نجیبهٔ افغانستان متعهد می شوند که سلطنت افغانستان بخاندان این پادشاه ترقی خواه مملکت بانتخاب اعلیحضرت پادشاهی و اهالی ملت افغانستان انتقال می کند .

تبصره :

خاندان عبارت است از اولاد ذکور کبیر و برادر .

۶ : — پادشاه افغانستان باید قبل از جلوس بر تخت سلطنت عهد نامهٔ ذیل را بمقام شورای ملی بحضور وکلا اظهار و امضاً نماید :

« بخدای عظیم و قرآن کریم عهد میکنم که در اعمال و افعال خود خدا وند جل شانه را حاضر و ناظر دانسته به محافظت دین مبین اسلام و استقلال افغانستان و حفظ حقوق ملت و حراست و ترقی و سعادت وطن باساس شرع متین محمدی (ص) و مقررات اصول اساسی مملکت سلطنت نمایم و به برکت روحانیت مقدس اولیای کرام (رض) برای خود استمداد می نمایم . »

۷ : — در خطبه‌ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه بنام پادشاه ، تعیین رتب و مناصب ، اعطای نشان ، تعین صدر اعظم منظوری وزرا ، عزل و تبدیل ایشان تصدیق اصولات مصوبهٔ شورای ملی اعلان مرعیت و محافظت آنها ، محافظت و اجرای احکام شرعیه و اصولیه قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد مصالحه و علی العموم معاهدات ، عفو و تخفیف مجازات تعزیری مطابق شرع شریف ، از حقوق جلیلهٔ پادشاهی شمرده می شوند .

۸ : — پول معارفت پادشاهی باید در بودجهٔ مملکتی معین باشد .

حقوق عمومیهٔ تبعهٔ افغانستان :

۹ : — همه افرادیکه در مملکت افغانستان می باشند ، بلا تفریق دینی و مذهبی تبعهٔ افغانستان گفته می شوند صفت تابعیت افغانیه مطابق اصول نامهٔ تابعیت استحصال یا ضایع می شود .

۱۰ : — کافهٔ تبعهٔ افغانستان در امور دینی و مذهبی و اصولات سیاسی دولت متبوعهٔ خود مکلف و مقید بوده آزادی حقوق مشروعهٔ خود را مالک هستند .

۱۱ : — حریت شخصیه از هرگونه تعرض مصئون است . هیچ کس بدون امر شرعی و اصول نامه های موضوعه توقیف و مجازات نمیشود . در افغانستان اصول اسارت ممنوع است از زن و مرد هیچ کس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمی تواند .

۱۲ : — تبعهٔ افغانستان در امور تجارت صنعت ، زراعت در داخل اصولات موضوعه آزاد اند .

۱۳ : — کافهٔ تبعهٔ افغانستان بحضور شریعت غرا و اصولات موضوعهٔ دولت در حقوق وظایف مملکت حق مساوات دارند .

۱۴ : — عموم تبعهٔ افغانستان نظر به قابلیت و اهلیت بقدر ضرورت حکومت استخدام می‌شوند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 502 of 896

١٥ : ـ در افغانستان مال و ملک هر شخص در امن می باشد اگر یک ملکی بمقصد منافع عمومیه بکار دولت شود ، موافق حکم شرع شریف و اصول نامهٔ مخصوصهٔ آن اولاً قیمت آن را بمالکش تادیه نموده بعد ملک را گرفته می تواند .

١٦ : ـ مسکن و جای هر فرد تبعهٔ افغانستان از هر گونه تعرض مصئون است . هیچ کس از طرف حکومت و سایره بدون احکام شرع و اصول نامه های موضوعه بخانهٔ شخصی بلا استیذان داخل شده نه می تواند ؛

١٧ : ـ ضبط املاک و اموال اهالی ممنوع است باستثنای کسانیکه در خارج مملکت متوقف بوده و بر علیه حکومت افغانستان تحریکات و نشریات می نمایند .

١٨ : ـ مصادره و بیگار ممنوع است اما کار و تکالیفیکه در زمن محاربه پیش شود ازین قاعده مستثنی است .

١٩ : ـ شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و اصول نامه های دولت برای هیچ کس مجازات داده نه میشود .

٢٠ : ـ تعلیم ابتدائیه برای اطفال تبعهٔ افغانستان واجبی و حتمیست .

٢١ : ـ در افغانستان تدریس علوم اسلامیه آزاد است ، هر فرد تبعهٔ افغانستان عموماً و خصوصاً برای تدریسات علوم اسلامیه ماذون و مجاز میباشد اما اشخاص اجنبی باستثنای نفری که برای تعمیم فنون وصنایع وتعلیم زبان های اجنبی استخدام می شوند ، بداخل مملکت افغانستان بافتتاح و ادارهٔ مدارس مجاز نیستند .

٢٢ : ـ عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت وتفتیش حکومت می باشند تا امور تربیه وتعلیمیه آنها بر خلاف عقاید ومصطلحات اسلامیه نبوده بمنافع علمیه وفنیه وصناعیه موافق باشد ، اما اصول تعلیمیهٔ که بامور اعتقادیه ومذهبیه اهل ذمه تعلق دارد اخلال کرده نه می شود .

٢٣ : ـ مطبوعات واخبارات داخله که خلاف مذهب نباشد مطابق اصول نامهٔ مخصوص آن آزاد می باشد نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و تبعهٔ افغانیه است مطبوعات وجراید خارجه که به مذهب وسیاست حکومت علیه افغانستان اخلال نرساند ادخال آن به افغانستان آزاد است .

٢٤ : ـ فیصله منازعات شخصیه و دیگر امورات افراد تبعه که بمحاکم عدلیه ودوایر رسمیه متعلق است هر گاه به فیصله وحکم دوایر منسوبه قناعت حاصل نکنند می توانند که بمقامات بالاتر تا وزارات متعلقه و در صورت عدم قناعت بمقام صدارت عظمی وبه حضور شاهانه عرض وطلب غورسی نمایند .

٢٥ : ـ مالیات ومحصولات مقرره مطابق اصول نامه های علیحده آن گرفته میشود .

٢٦ : ـ خارج اصول نامه های دولت از هیچکس چیزی گرفته نمی شود .

شورای ملی

تشکیلات مجلس

٢٧ : ـ مجلس شورای ملی بعزم وتصمیم اعلیحضرت همایونی وتصویب جرگهٔ ١٣٠٩ منعقدهٔ مرکز کابل ، دایر و مؤسس است .

٢٨ : ـ این مجلس تمام و کمال مرکب از افرادی است که در امورات معاشی و سیاسی افغانستان مشارکت دارند یعنی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت است .

٢٩ : ـ ترکیب وتشکیل مجلس شورای ملی از وکلائی است که از ولایت کابل وسایر ولایات ـ حکومات وعلاقه داریها منتخب میگردند ومحل انعقاد آن در پای تخت است .

٣٠ : ـ تعداد وکلای شورای ملی در اصول نامهٔ مصوبهٔ انتخابات درج وتعین گردیده است .

٣١ : ـ موعد انتخاب وکلای این مجلس در جمیع ادوار سه سال است وشروع دور اول اعتباراً از روز افتتاح شورای ملی است ومقرر است که بعد مرآمد هر سه سال وکلا مجدداً انتخاب شوند ـ انتخاب

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 503 of 896

کننده‌گان در اینکه بخواهند ، از وکلای سابقه را تکراراً انتخاب کنند ، درصورت رضا ثبت مختار ومخیر اند .

۳۲ : ـ اوقات تعطیل وموعد اشغال شورای ملی در اصول نامهٔ داخلی مجلس مشخص ومحدود کرده خواهد شد در اثنای تعطیل اگر حکومت بوضع کدام اصول نامه ضرورت حس کند این اصولنامه موقتاً از طرف حکومت تصویب وبموجب فرمان پادشاهی تعمیل میشود ، در موقع اشغال اگر اصول موقتی از طرف شورای ملی تسلیم کرده شد ، درعداد اصول دایمی داخل ؛ والا از طرف مجلس مذکور تعدیل یا تردید می شود .

۳۳ : ـ مجلس شورای ملی برای تحقیق وفیصله مسایل مهمه درهنگام تعطیل هم دایر شده میتواند وهر گاه بجهت فوت مسئله مبحوث عنها فرصت اجتماع عموم ممکن نشود تنها بحضور وکلای مرکز وقریب آن ، مجلس شورای ملی انعقاد می یابد .

۳۴ : ـ وقتی بمذاکرات آغاز می شود که اقلاً مناصفهٔ اعضا حضور داشته باشند وفیصله مقررات آن هم باساس اتفاق یا اکثریت آراست .

۳۵ : ـ مجلس شورای ملی در موقع افتتاح هریک از ادوار خود خطابهٔ به پیشگاه پادشاهی عرض وتبیین داده واز طرف قرین الشرف همایونی بجواب میگردد

۳۶ : ـ اجد ، اعضای شاملهٔ مجلس به ترتیب ذیله سوگند یاد می نمایند وقسم نامه را امضا می کنند :

قسم نامه

۳۷ : ـ ما امضا کنندگان ذیل از جهة اعتمادیکه ملت و حکومت بر ما نموده بخدا وند عظیم و قرآن کریم سوگند می نمائیم که برای ملت و حکومت خود صادق میباشیم .

۳۸ : ـ اعضای مجلس شورای ملی در اظهار رأی در مجلس شورا بحضور جمع وکلا آزاد و از هر گونه اعتراض مصئون اند .

۳۹ : ـ کافهٔ مذاکرات مجلس شورای ملی باستثنای که نتیجهٔ آن عدم اجرا گذارده می شود علنی است ، نمایندگان جرائد و معاینه کنندگان در تحت قیودات اصولنامهٔ داخلی مجلس تنها حق حضور و استماع مذاکرات را دارند

وظایف .

۴۰ : ـ مجلس شورای ملی امورات داخلی خود را مثل انتخاب رئیس اول و ثانی و هیئت تحریر و سائر اجزا و اصول مذاکرات و شعبات وغیره بر اساس اصول نامهٔ داخلی دایر خواهد کرد .

۴۱ : ـ کلیه اصولات و ضوابطیکه وضع و موجودت آن رای تشیید مبانی حکومت و انتظام امور مملکتی لازم باشد به تصویب شورای ملی میرسند .

۴۲ : ـ تسویه امورات مالی رد یا قبول عوارض و فروعات و هم بجتهای جدیده که دولت اقدام نماید به تصویب مجلس خواهد بود .

۴۳ : ـ تدقیق و تصویب بودجهٔ مملکت بعد از ترتیب و پیشنهاد وزارت مالیه از وظایف شورای ملی است .

۴۴ : ـ وضع اصول نامه جدید یا تغییر و فسخ قوانین مقرره به تصویب شورای ملی صورت خواهد گرفت خواه لزوم آن از مجلس عنوان و خواه از طرف وزرا اظهار شده باشد .

۴۵ : ـ تصویب امتیاز ، تشکیل کمپانی ها و شرکت های عمومی از هر قبیل و بهر عنوان که باشد از طرف شورای ملی خواهد شد .

۴۶ : ـ عقد مقاولات و معاهدات اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتی و صنعتی و فلاحتی وغیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب مجلس شورای ملی میرسد .

۴۷ : ـ استقراض دولتی اعم از اینکه از داخله یا خارجه بهر عنوان و اسم باشد باطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد .

۴۸ : ـ تمدید خط آهن و شوسه به پول دولت و یا بخرج شرکت و کمپانی های داخلی و یا خارجی ، تماماً وابسته بتصویب مجلس شورای ملی است .

۴۹ : ـ مجلس شورای ملی حق دارد که در اوقات لازمه عریضهٔ به پیشگاه همایونی تقدیم دهد ، اما تقدیم این عریضه بهمه حال بتوسط هیئتی مرکب از رئیس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 504 of 896

و شش نفر اعضا که سایر طبقات از بین خود انتخاب میکنند ، خواهد بود ووقت شرفیابی حضور هم اولاً توسط وزارت دربار استیذان می شود .

۵۰ : — وزرا برای استماع مذاکرات در جلسات مجلس شورای ملی حضور بهمرسانده می توانند ، و نیز حق دارند که در صورت لزوم به استجازهٔ رئیس مجلس رای مذاکره و تدقیقات امور توضیحات بدهند ، در مجلس برای حضور وزرا موضع معینه میباشد .

۵۱ : — هر گونه قوانین جدیده که وضع آن احتیاج حس شود از طرف وزارت تجویز و انشاء گردیده توسط وزرا یا صدر اعظم به مجلس شورای ملی اظهار می شود و بعد از تصویب مجلس بصحهٔ پادشاهی مزین گشته قابل التعمیل میگردد

۵۲ : — لزوماً رئیس مجلس میتواند که شخصاً یا به پیشنهاد ده نفر از اعضای مجلس و یا وزیری بدون حضور نمایندگان جراید ومعاینه کنندگان ، اجلاس محرمانه تشکیل دهد و نیز می تواند انجمن محرمانهٔ مرکب از یك عدهٔ منتخبین اعضای مجلس که اعضای سایرهٔ مجلس حق دخول در آن نداشته باشند ، ترتیب نماید ، مگر نتیجه انجمن یا اجلاس محرمانه وقتی مرعی خواهد بود که درهر دو صورت مسئله مبحوث عنها بحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده و با کثرت آراء قبول شده باشد ، در صورتیکه مطلب در انجمن محرمانه قبول نشود در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند

۵۳ : — در صورتیکه مجلس محرمانه بخواهش رئیس دایر شده باشد اگر از مذاکرات را تا اندازه مناسب باطلاع عموم برساند اختیار دارد ، اما اگر تشکیل مجلس به تقاضای وزیری بوده است در آن صورت افشای مذاکرات هم وابسته با جازهٔ خود وزیر خواهد بود .

۵۴ : — وزرا مطلب اظهار نموده گی خود را ولو هر قدر بروی مباحثه شده باشد حق دارند که از مجلس مسترد کنند اما اگر اظهار ایشان بخواهش مجلس بوده است برای استرداد مطلب موافقت مجلس هم شرط است .

۵۵ : — اگر لایحه اظهار نموده گی وزیری را مجلس قبول ننماید باملاحظات خود عودت خواهد داد ، این لایحه وقتی به مجلس ثانیاً اظهار خواهد شد که وزیر ملاحظات مجلس را رد یا قبول نماید .

۵۶ : — اظهار رای از طرف اعضای مجلس شورای ملی راجع به تردید یاقبول مطلب واضح و باتصریح می شود ، و هیچکس نمیتواند ایشان را بدادن رای خویش تحریص یاتهدید نماید اظهار رد یاقبول اعضای مجلس بعلامات ظاهری امثال ورقه سیاه وسفید بوده محل ادراك وافادات نایندگان جراید ومعاینه کنندگان خواهد بود .

عنوان مطلب از طرف مجلس

۵۷ : — هر یک از مطالبی که از طرف اعضای مجلس عنوان میشود آن وقت قابل مذاکره خواهد بود که اقلاً ربع اعضا مذاکرهٔ مطلب مذکور را تصویب بدارند دراین صورت عنوان مذکور کتباً به رئیس مجلس تقدیم میشود و اگر رئیس مجلس آن لایحه را بدواً درانجمن تحقیق تحت تدقیق بگیرد میتواند .

۵۸ : — یک عده از اعضای شورای ملی که بانتخاب سائر اعضا وتصویب رئیس شوری منتخب وتجزیه می شود بنام (انجمن تحقیق) سنجش های ابتدائی مسائل واردهٔ شوری را بدقت نموده از آنجمله مواد قابل الذکر مجلس را همراه یک لایحهٔ نظریهٔ خود ها برئیس مجلس پیش میدارند وباجازهٔ رئیس مطرح مذاکره می شود .

وموادیکه اکثر بخواهد بامذاکره مجلس را ایجاب نکند با اسباب موجبهٔ آن از طرف رئیس بوزارت منسوبه اش اعاده میشود — اعضای انجمن تحقیق اقلاً ده نفر خواهد بود .

۵۹ : — مطالبی که نظر باصل (۵۷) درمجلس عنوان میشود اگر متعلق بیکی از وزرا باشد دروقت مذاکره وتدقیق لایحهٔ مذکوره چه در انجمن تحقیق ویا در مجلس باید به وزیر متعلقه اش خبر داده شود که شخصاً خودش حاضر شود ویا معین خود را بفرستد ویک نقل لایحهٔ وضمایم آن را باید مجلس قبل از احضار وزیر ویا معین برای مسبوقیت شان از ده الی یازده روز باستثنای مطالب ضروری بوزارت منسوبه ارسال دارد .

۶۰ : ـ در صورتیکه وزیر بنا بر کدام مصلحتی در مطلب معنون از طرف مجلس موافقت نتواند لازم است معاذیر خودش را موجهاً تصریح و مجلس را قانع سازد .

۶۱ : ـ وزیر بکه مجلس شورای ملی از وی توضیحات بطلبد ، از جواب ناگزیر ومسئول است وبدون عذر موجبه وعلاوه از اقتضا به تعویق و تأخیر جواب هم مجاز نیست ـ الا در صورتیکه مطالب محرمانه و در اختفای آن برای یک مدت صلاح ملت و دولت باشد ، اما بعد موعد معینه باز از مطلب مذکور بحضور مجلس مکلف است .

۶۲ : ـ عرض شخصی از ذیتبعهٔ افغانیه (؟) تا مرکز وزارت مسوله نور آن نشود ذریعه وکیل محل خود شامل مجلس شوری عرض واستفاثه کرده می تواند از ریاست شوری انقسم عرایض برای غور وتحقیق بمقام صدارت فرستاده می شود .

۶۳ : ـ در وقت رحلت پادشاه اگر مجلس شورای ملی تعطیل باشد حتماً انعقاد خواهد شد و انعقاد مجلس از فوت پادشاه باید زیاده از بیست روز معطل نشود .

۶۴ : ـ قبل از رحلت پادشاه اگر دورهٔ وکالت وکلا تمام شده باشد و در موقع رحلت دیگر وکلا معین نگردیده باشند مجلس بوجود وکلای دوره سابقه انعقاد می شوند .

۶۵ : ـ موادیکه در مجلس شورای ملی تصویب می شود باید باحکام دین مبین ، اسلام وسیاست مملکت مخالفت نداشته باشد .

۶۶ : ـ مصوبات و قرار های مجلس شوری بالعموم بعد ازامضای ذات شاهانه در موقع اجرا گذارده می شود .

مجلس اعیان

۶۷ : ـ مجلس اعیان مرکب است از اشخاص تجربه کار و با بصیرت که راساً از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب وتعیین می شوند ، مرکز انعقاد آن کابل است .

۶۸ : ـ تصویب اصولات موضوعه متعلق است بمجلسین شورای ملی و اعیان بشتهاداتیکه از طرف هیئت وزرا درین مجلس عنوان میشود پس از مداقه و مذاکره باکثریت تصدیق و به غرض تصویب بمجلس شورای ملی فرستاده میشود . بر عکس آن مواد مصوبهٔ شورای ملی درمجلس اعیان ملاحظه وتصویب میگردد

۶۹ : ـ در وقت افتتاح مجلس شورای ملی اگر مجلس اعیان منعقد نشده باشد مصوبات مجلس شورای ملی معطل نمی ماند و بعد از صحهٔ هایونی در معرض اجرا گذارده می شود .

۷۰ : ـ مطالبی که در مجلس اعیان تصویب و به مجلس شورای ملی فرستاده میشود ، درصورتیکه به مجلس شورای ملی قبول نشود نظر باهمیت مطلب مجلس دیگری مرکب از یک عده اعضای مجلسین تشکیل میگردد تعداد اعضای این مجلس که با التساوی انتخاب میشوند اقلاً بیست نفر خواهند بود ، مجلس منتخبه به مسئله متنازع فیه غور و دقت نموده رای خود را به مجلس شورای ملی ارائه میدهند ، اگر برای مجلس منتخبه مجلس شورای ملی موافقت نکرد موضوع بحضور ملوکانه معروض میگردد و باراده سنیهٔ فیصله می شود .

(باقیدارد)

خبرهای خارجی

رویتر :

اوضاع انگلستان

انتخابات

۲۹ اکتوبر

احوال اخراب بساعت پنج ، ۱۵ بعد از ظهر قرار ذیل بود : ـ

محافظه کار : ۵۵۹

کارگر ملی : ۱۳

احرار : ۶۸ (باشمول ۲۴ نفر طرفدار سائمن)

کارگر مخالف : ۴۸

مستقل : ۳

موفقیات قرار ذیل است : ـ

محافظه کار : ۲۰۵

کارگر ملی : ۱۳

احرار : ۱۳ وضیاع کارگر ۲۲۱ کرسی بود . نتیجه رای دهی در (سیتهام) قرار ذیل بود : رمزی میکدونالد (کارگر ملی) ۳۸۹۷۸ ، ویم کاکس (کارگر) ۲۳۰۲۷ جارج لبالی (کمونست) ۶۷۷ .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 506 of 896

مکدونالد در یك پیغام خود به ملت از ماليون هـا نفر احزاب دیگر تشکر می‌کند که حس حزبی را جهت پیش بردن مقاصد ملی ترك داده اند و برای تحمل و هم چنان اعتماد احتجاج نموده میگوید که زمه دار صنف کارگر اهمال نموده نخواهد شد و تجدید تشکیل کابینه احتمال زیادی دارد و ممکن است مکدونالد بعد از ملاقات نمودن با (بالدون) و سر هربرت سموئیل و قائدین دیگر امروز شاه را ملاقات کند . غالباً تعداد اعضای کابینهٔ جدید نسبت به سابق خیلی زیاد خواهد بود دو کمیته های مخصوص جهت مطالعه مسائل مخصوصه مقرر خواهد شد .

۲۹ اکتوبر

پیغام لندن بیان میدارد که امروز در حالیکه دنیا انگلیت غیر مترقب حکومت ملی را تمجید میکند و راجع به آن اظهار امید می نماید ، انقلابین می گویند این عادت از قبل شفیدی است که خیلی بزرگ است و آسانی تحت اراده می در آید .

روز نامه هـای طرفدار حکومت از طرف دیگر میگویند اگر این حیوان بزرگ است باز گرانی نیز دارد که بار و مار سنگ بوده است ، میگویند اگر اسائل قتصادی قرار سابق بحال خود باقی ماند حکومت کار بزرگی خواهد داشت . این کار یك کار عملی و زحمت آور خواهد بود ، مگر در حالیکه ملت حاکم باشد تنها چشم ما طرف روح جدید اعتماد

عزم در اجرای امور باز می شود .

اکسپرس ، راجع به ترکیب کابینه پیش بینی میکند که عدهٔ آنها به عوض ۱۳ نفر ۲۰ خواهد بود . نویل چمبرلین به عوض سنودن کار خواهد کرد . روزنامه ها اسم ، امری ، سر جان سائمن ، واستن چمبرلین ، و لارد هیلشام را نیز در جمله اعضای معمول کابینه ذکر می کنند .

و نیز اظهار فکر نموده می شود که قیادت حزب مخالف کارگر در دار العوام در عقب هندرسن بدوش لنسبری و یا سر ستیفورد کریپس معاون سابق قانون خواهد افتاد .

بالدون ، سنودن ، هربرت سموئیل ، هندرسن ، همشان تمیع و تاثیرات انتخابات برطانیه را اظهار نموده اند و همه شان اعلان میکنند که فتح ملی فتح کدام یك از پارتی ها نیست بلکه فتح حکومت ملی است ، تاکید نموده می شود که اقتدار پارلمانی باید برای مقاصد متوافق ملی مستعمل شود ، نه برای مقاصد کدام حزب .

۳۰ اکتوبر :

اعضای کابینه بعد از انتخاب مخصوص پارتی مربوطه اول ، دیروز عصر اجتماع نمودند و معمول است کار ایشان عبارت از تجدید تشکیل کابینه یا فرودن بر عدهٔ اعضا الی ۲۰ نفر خواهد بود و بدو نفر کافی به ثبوت رسیده است ، قبلاً ذکر اسامی اشخاص شروع شده است .

و اظهار نظر می شود که اگر چه نمره کرسی نویل چمبرلین را فائق می سازد مگر وزیر مالیه (ناویل چمبرلین) و یا (ورالتر انسی مین) خواهند بود دریں شك نیست که سر جان سائمن غالباً درین کابینه داخل خواهد شد .

۳۰ اکتوبر

تجدید تشکیل کابینه تا به هفتهٔ آینده معمول نیست زیرا که صدر اعظم عصر روز جمعه به طرف (چیکرز) حرکت می نمود و صبح روز جمعه (سموئیل هور عائد به وضعیت هندوستان عذر کرده نموده است . صدر اعظم عزم دارد که کابینه جدید کاملاً از تمام پارتی هـای حکومتی نماینده گی داشته باشد ، محافظه کاران جداً دعوی می کنند که نماینده گی شان بارز داری غلبه باشد . روز نامه ها پیشبینی میکنند که بالدون به حیث رئیس شورای ، دوسی وزیر مستعملکات و هور وزیر هند ، و سر فلپ کنلف لستر وزیر ادارهٔ تجارت خواهند مقرر ، دانسته شده است که سنودن رتبه شخصی را حائز گردیده ، مهر بردار خصوصی شاه خواهد بود و در کابینه موقع خواهد داشت ، ممکن است درجاهٔ لارد ریدنگ که وزیر خارجه است نیز تبدیل شود (و ویل شام) شاید به عوض سینکی وزیر عدلیه مقرر گردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 507 of 896

قرار بیان روز نامه ها در کابینه جدید اقلاً دو نفر وزیر غیر دارای مسئولیت مقرر خواهند شد که وظیفه شان این خواهد بود که بهیئت افسر های پرواز حکومت ملی خدمت خواهند نمود و در کنفرانس های داخلی و خارجی از طرف حکومت به ایشان وظیفه داده خواهد شد . و مخصوصاً با مستملکات متماس خواهند بود . اسم سر جان سائمن درین نومره ذکر شده است .

هندو انگلستان

کنفرانس میز مدور

۲۹ اکتوبر

کمیته تا به روز دو شنبه ماتوی گردید سینکی امید دارد قبل از آن راجع به تعیین و مالیه و محکمه اتحادی به اعضای کمیته راپورت ها را تقدیم کند . سینکی به جواب این سوال که در مسایل راجع به عسکر و روابط خارجی و حفظ ، تقدم مالیکی روی کار خواهد آمد ، گفت : من امروز با صدر اعظم مشوره خواهم نمود مگر قبل از چار شنبه به مسایل مذکور شروع نخواهد شد .

۳۰ اکتوبر

سر صموئیل هور در جواب اقتضای مواجبی درباره عقد نمودن یک کمیته کوچک مدافعه جهت خود پر راپورت کمیته کامل عسکری هند گفت در حال حاضر غیر ممکن است فیصله نموده شود که کدام کمیته دیگری بجز کمیته کوچک تعمیر اتحادی و کمیته کوچک اقلیات روی کار بیاید و تعیین شود که بکدام تاریخ این مسئله باید موقوف بر پیش رفت عمومی کنفرانس باشد . گاندی و مالویه دیروز با پتیال و کار وود ، و برلا ، و تاکر داس و غیره دیروز عصر ملاقات نموده راجع به حفظ ما تقدم مالی مذاکره نمودند . دانسته شده است که مذاکره عمومیه در اطراف تاسیس یک مجلس مالی بود که مرکب از سه نفر متخصصین مالی عائد به مسایل مشورت بدهند . بعد از قدری مذاکره جلسه مذکور ماتوی گردید . گاندی ، و تاکر داس ، و برلا سرزا کوش را ملاقات نمودند تا راجع به مالیه مذاکره کنند .

کنفرانس غیر رسمی نماینده گان مهم عقد شده راجع به مسایل عسکری مذاکره نمودند میرزا اسماعیل وحیدری نماینده گی مسلمان ها را ملاقات نمودند تا بر مسائل فرق تجدید نظری کنند مگر ظاهراً با وجود مذاکره طویل وضعیت بحال سابق ماند . نماینده گی مسلمان فیصله نموده است ، به آغا خان شوکت علی ، جناح ، و شفیع اختیار بدهند که با گاندی ، پدکار ، سلوانی ملاقات نموده راجع به اقلیات مذاکره کنند .

۳۱ اکتوبر

وزیر عدلیه به نماینده گان کنفرانس میز مدور دعوت داده است که بتاریخ ۵ نومبر در دعوت قصر (بکنگهام) شمول ورزند ، روز نامه ستار اطلاع حاصل نموده است که گاندی در دعوت مذکور بالباس عادی خود خواهد آمد .

سواد راپورت کمیته کوچک تعمیر اتحادی که حاوی مذاکرات جلسه موجوده میباشد ، بیان میدارد که « معاینه مزید مسائل تشکیل که از طرف کمیته اجری شده است کمیته را معتقد ساخته است که حل مسئله را تنها میتوان در خط اتحادیه [illegible] و حکومت در یافت . و راجع به ترکیب تقنینیه بحث نموده کمیته تجاوز می نماید که دو اطاق وجود خواهد داشت و سفارش میکند اطاق ها باید با اندازه تکمیل فیصد و ۳۳ و نیم فیصد اطاق علیا را دارا باشد . این تعریف باید بر این اتخاذ مبنی باشد که تمام هیئت حکومت اتحاد شامل شوند ، کمیته مذکوره سفارش میکند که ، طبقه علیا باید عموماً از واحد های هیئت ترکیبی نماینده گی کنند و از نماینده گان انتخاب شوند . و سفارش می نماید که یک کمیته مخصوص رای دهی باید راجع به انتخاب مستقیم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 508 of 896

تحقیقات کند . و نمایندگان حکومت در اطاق عالیا باید مقرر شوند . راجع به اطاق سفلی کیته اظهار نظریه می کند که فیصله آن به حکومت گذشته شود .

۱ نومبر

صدر اعظم که بعد از عودت خود به جنوب نمایندگان مهم کنفرانس میز مدور منهاس بوده است ، روز دوشنبه ترتیب گرفته است که با گاندی وسید و ملاقات کند .

۲ نومبر

۱۸ نفر نمایندگان متعینه کنفرانس میز مدور روز شنبه در (وار چیمبر) در اطاق سیره ملاقات نموده ، وعلاوه بر ۴ ساعت راجع به راپورت سینکی که روز شنبه دیره شده بودند مذاکره نمودند ، رای عمومی بر این قرار گرفت که راپورت مذکور کاملاً خوب ودر بعض جهات از امید نمایندگان بر زیاد تر است ویك یادو جنبه راپورت را پسند ننمودند . مگر اظهار امید نموده شد که در کنفرانس علنی اصلاح نمودن آن غیر ممکن نیست ما مسؤل است که مذاکره راپورت در جلسات علنی کیتهٔ کوچك تعمیر اتحادی برای سه روز دوام خواهد نمود .

دیروز کیتهٔ کوچك تعمیر اتحادی اجتماع نموده ومواد راپورت کیتهٔ را شعبه به شعبه به تدقیق شروع نمود شعبه های مقدماتی آن قبول شده ، ونیز تدقیق شعبی را که از وسعت و ترکیب تقنین بحث می نمود ، ختم نمود ، و آنرا با بعض تغیرات وافزودن بعض مطالب قبول نمودند . سینکی راپورت را تقدیم نموده تفصیل داد که ، بعد از منظوری کیتهٔ تعمیر اتحادی کنفرانس مکمل راجع به آن مباحثه خواهد نمود واظهار امید کرد که بالاخره اساس قانون پارلمان را نیز همین تشکیل خواهد نمود ، وتاکید نمود که دران موضوع هر قدر موافقت زیاد باشد ، همانقدر پیش نهادات از پارلمان پارامی وبصورت متفقانه منظور خواهد گردید . وعلاوتاً گفت من امید دارم که ، روز سه شنبه قسمت های بقیهٔ راپورت را که از محکمه اتحادی بحث میرند تقدیم کنم .

سینکی از طرف گاندی (که روز خاموشی اوساعت ۸ بعد ازظهر روز دوشنبه ختم میشد) یك نوتهٔ را قرائت نموده که در آن او از راپورت عدم موافقت نشان داده بود ، گاندی از وجود یك اطاق تقنین طرفداری نموده بود ، مگر در صورتیکه در آن بعض اصلاحات مهم نموده شود ؛ ویا نمایندگی مخصوص زمین داران ، وارو پائی ها ، وتجار هندی و کانگرس کار گران مخالفت نموده بانفرادی نمایندگان نیز برخلاف اظهار نموده ، مگر علاوتاً بیان نموده بود که ، کسانیکه نمایندگی مخصوص میخواهند باید حق داشته باشند دروقت لازمه به اطاق رجوع کنند .

کیته تا روز چار شنبه ملتوی گردید در روز مذکور پران شعبه راپورت که از محکمه اتحادی بحث می کند ، به تحقیقات شروع خواهد نمود .

فوت کوک

پیغام لندن بیان میدارد که : ای ج کوك رئیس کار گران معدن فوت نموده است .

۴ نومبر

صبح روز سه شنبه گاندی برای بجاه دقیقه با میکدو نالد در وار شنگ سترت ملاقات و گفتگو نمود . وقبل از ملاقات خود با رئیس الوزراء برای نیم ساعت با شدت مدن موهنی ، مالویه ملاقات نموده بود . اعتقاد میرود که مسئله قلیات که حل آن درعین مذاکره هند و مسلم به سکته دوچار گردیده بود موضوع مذاکره شان بود . ومیکدو نالد به حیث رئیس کیته اقلیات مجدداً سعی خواهد نمود که نمایندگان در موقعی که بار دیگر اجتماع کنند به موافقهٔ برسند .

نامزدی ولی عهد حیدر آباد

دانسته شده است که مراسم نامزدی شهزاده اعظم جاه ولی عهد حیدر آباد با یگانه دختر سلطان سابقه ترکیه بتاریخ ۱۲ نومبر در پیس اجرا می شود ومراسم عروسی نیز درهمان تاریخ اجری خواهد شد . وعروسی شهزاده معظم جاه پسر دوم نظام با پرنس نیلوفر که یکی از اقارب سلطان ترکیه است نیز صورت می گیرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 509 of 896

خبر های داخلی

صورت افتتاح مجلس اعیان

در شماره گذشته بنابر ضیق وقت از صورت افتتاح مجلس اعیان منصرف شده فقط باطلاع اخباری اکتفا و وعده تفصیلات را به آتیه موکول کرده بودیم اینک باغتنام موقع صورت افتتاح محفل را با نطق ابتدائیه اعلیحضرت غازی درمعرض اگاهی قارئین کرام میگذاریم .

از مدتی با نظر به کثرت مشاغل دارالشورای محترم ملی وعلاقه مندی متنورین و زعمای مملکتی لزوم یك موسسه تعاونی دارالشورا، باحفظ موقع اعتدالی فی مابین حکومت و ملت را که عبارت از تاسیس مجلس اعیان باشد ایجاب کرده وتوجهات پادشاه ترقی خواه اعتدال‌پسند مارا از بخود معطوف گردانیده بود تا به روز دوشنبه گذشته حفله بزرگ در قصر دلکشا منعقد و جناب صدراعظم صاحب با والا حضرت وزیر حربیه وباقی هیئت کابینه ورئیس واعضاء وسایر مامورین مهمه کشور ولشکر ونماینده گان جراید داخلی وخارجی رادعوت کرده بودند .

حضور شاهانه بساعت معینه تشریف فرما شده باسیمای نهایت بشاش وجملات متین وموقر مجلس را بنطق ذیل افتتاح فرمودند .

نطق ابتدائیه ذات شاهانه

بنام نامی خداوند عز العلی وبه تکریم سیدنا محمد مصطفی علیه وعلی اله صلواة الله مجلس عالی اعیان را در مملکت خود افتتاح مینمایم !

شکر میکنم خدای قادر توانا را که در اوان خدمتگذاری خویش افغانستان نایل بوجود موسسات عالیه که سعادت وخوشبختی ملك وملت افغان در آن متضمن وملحوظ است می بینم .

وجود مجلس شورای ملی ومحفل عالی اعیان که نسبت بهر موسسه عالی از بوده ومقدم بهمه وسایل ضروریه حیاتیه يك ملتی موقعیت وقیمت دارد و امروز بتاسیس وتشکیل هردوی آن خداوند مرا موفق گردانیده است امید دارم ازدرگاه ایزدی که بقدر آرزو های من وامدن سعادت جویانه ملت افغانستان این موسسات نتایج واقعی خودش را بخشیده مملکت را مسعود وخوشبخت گرداند .

وجود مجلس شورای ملی که مقصد اصلاح مملکت واتحاد آرای عموم طبقات ملت مطابق بمقدرات وسفارش شارع مقدس دین از جمله ضروریات حیاتی ، بوده و افغانستان بآن شدیداً احساس احتیاج مینمود آن را ما وچندی قبل بتاسیس آن موفق گردیدیم ولی چون در غالب ممالك امروزه برای کمك وهمرهی شورای ملی وحفظ موازنه خط مشی دولت وملت وآمدن طرفین را دریك نقطه واحده اعتدال و تحاد رهنموئی ودعوت کردن وجود مجلس اعیان نافع وسوده مند واقع شده وملل واقوام جهان از آن استفاده مینمایند هم خواستیم ملك وملت خود را بوجود این مجلس ثانوی مستفید وآن را در مملکت خود تاسیس نمائیم .

نظر باعتماد وحسن عقیده که ما بالنسبه اعضای موجوده مجلس اعیان خویش داریم وآنها را برای انجام خدمت وطن عزیز خود مستعد می بینیم تکفل این موسسه عالی را بکفایت وصداقت شان تفویض و امید داریم رئیس واعضای این موسسه مطابق به آرزو های قلبی ما که محضاً مقصد از خوشبختی وسعادت ملك وملت افغانستان است ایفای وظایف نموده خودها را به‌نزد قوم وملت خود نیکنام وضمناً این خادم مملکت را از خدمات جدی وصادقانه خود ها ممنون بفرمایند .

مجلس اعیان ما که مطابق مقررات مواد اصول اساسی مملکت ایفای وظایف خواهند فرمود فقط آرزوی مدر حسن تطبیق آن وظایف وصرف ابراز عواطف واحساسات خیر اندیشانه دران دارد اه رئیس واعضای مجلس نسبت بوطن وجامعه وسعی مجاهدات جدی وصمیمانه است که یك

جواب بی ادبانه

گویند وقتی ملای جامی این شعر را میخواند که :

بسکه درجان فگار وچشم بیدارم توئی
هرچه پیدا می شود از دور پندارم توئی

بی ادبی او گفت بلکه خری ازدور پیداشود

جامی گفت : باز پندارم توئی

بقیه صفحه ۱۱

دولت وبك ملت از خدام خود انرا منتظر وآرزو مند است درخاتمه از خدای متعال جهة شما توفیقات کامله را استدعا داشته وبرای مملکت وملت خود افغانستان خوشبختی وترقیات روز افزون واتحاد ویگانگی را که بهترین وسیله نیل بارزو است خواستار بوده رجا میکنم

(بقیه دارد)

کار کردن زنها

روزی معلم حساب از شاگردی پرسید که اگر یکنفر زن دریك روزیك پیراهن بدوزد دونفر در دو روز چند پیراهن خواهد دوخت ؟

شاگرد گفت : نصف یك پیراهن .

معلم گفت تو درس های خود را فراموش کرده وقواعد حساب را خوب یاد نگرفته ئی ! شاگرد : ـ قواعد حساب را میدانم ولی زنها را هم خوب می شناسم که وقتی که دونفر زن باهم مشغول کاری شدند ، اینقدر حرف زده وبایکدیگر صحبت خواهند کرد که در دو روز فرصت دوختن نصف پیراهن را هم نخواهند داشت .

مراعات اقتصاد

دیروز یکی از رفقا موقع تفریح وگردش قدم های بزرگ بزرگ برمیداشت . گفتم آقا مگر کدام کار ضروری دارید که اینقدر بعجله رفته وهنگام تفریح هم به خود زحمت میدهید ؟

گفت : شما شنیده اید که بحران مالی تمام مقتصدین را متوجه اهمیت آن کرده اید ، من هم میخواهم برای کهنه نشدن بوت های خود بعوض دو قدم یکقدم بردارم .

شعبده بازی

روزی شخصی ظریفی دریکی از هوتل های معروف اوروپا برای صرف غذا رفته بود . هنگام خوردن غذا یقیناً متوجه یکی از مهمانها گردید که با احتیاط تمام وآهسته گی یکدانه قاشق نقره ئی را از بالای میز برداشته ودر موزه خود پنهان کرد .

شخص ظریف که از ین دزدی آگاه بود ؛ پس از صرف طعام ازجای خود بلند شده وحاضرین را مخاطب ساخته گفت : آقایون ! من یك شعبده باز بزرگ هستم ومیخواهم امروز یکی از شاهکار های خودم را بشمانشان بدهم ! یك قاشق نقره ٔ دیگر که نظیر آن قاشق مسروقه و ؛ ز خودش بود بر داشته وبموزه خود فرو برد گفت : اینك شما میتوانید این قاشق را از موزه آن آقای که به میز مقابل نشسته بیابید .

بالاخره باز این حالا کی قاشق مسروقه از موزه سارق بیرون آمد وخود آقای شعبده باز با قاشق دیگر هوتل را وداع گفت .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 511 of 896

مؤلف : لەپلاتیه فرانسوی :   (۲۰)   مترجم حبیب الله طرزی :

مادام سان ژین

از فصل یازدهم

کاترین : آیا له فیور را کجا گذاشتی ؟

لا ویولت : در دوصد زرعی اینجا منتظر پیش قدمی اگر من اشاره کنم ،

کاترین : کدام اشاره ،

لا ویولت بطرف تفنگ هائیکه از سر بازان استرباقی مانده بود اشاره نموده گفت در صورتیکه اینهارا موجود ومهیا داریم بهتر است یکی از آنهارا فوراً استعمال کنیم ،

دراین اثنا صدای سم اسپان و کلمات جرمنی که سربازان باهم تکلم می نمودند ظاهر ساخت که اسیر بانها با عدهٔ زیادی از عسکر برگردیده اند .

لا ویولت بدون کدام تأنی و درنگ تفنگ هارا بدست گرفت و کاترین از خوف آنکه مبادا آتش کنند نعره زد هوش کن پیشتر از آنها آتش نکن اسیر بانها در مقابل ما زیاد هستند .

له فیور دوسته سر بازانیکه باخود دارد اگر هم برسد باز هم مغلوب خواهند گردید مامیتوانیم بهر صورت خود را ازینجا بکشیم

کلمات کاترین را باران گسله شد بدی بر دروازه بزرگ کلیسا تعقیب نمود لا ویولت به تکمیل امر کاترین دروازه را باز نمود بباز شدن دروازه یک عده زیادی

از سر بازان داخل شدند که خود های مجلل شان در روشنی خفیف شمع ها میدرخشید و آواز اسلحه شان در گنبد منعکس میشد مشروبات فروش وهمراه دلیرش تابه محراب خود را عقب کشیده بپهلوی کشیش که هنوز هم مشغول دعا بود جا گرفتند .

افسریکه پیشتر ازین هم خیال گرفتاری کاترین را داشت ولی بواسطه ورود لاویولت ناکام مانده فرار نموده بود دراین دفعه برای اینکه انتقام خودش را از و گرفته باشد بطرف او پیش رفته و بطرف افسر دیگری که ما فوق او بود دیده گفت : کلنل ما باید این دو نفر را گرفتار نموده و تیر باران کنیم اینها جا وسان فرانسه است و مجازات شان اعدام است .

کلنل : اول از ایشان استنطاق لازم است و پرس که اسم ایشان چه و در اینجا چه کار داشتند کاترین چون از اهالی السانس بود این کلمات جرمنی را فهمیده گفت من میخواهم که با معیت اسیران حرب رفتار شود !

کلنل تا حال حرب آغاز نشده است .

کاترین بطرف لاویولت دیده گفت ما حرب را آغاز نموده ایم من طایفه جرمن و این هم صف اولست شما حق ندارید که ما را تیر باران کنید ما خود را تسلیم

نموده ایم ، اگر چنین یک جنایت پست را مرتکب شدید از انتقام وزیجان سیزدهم خلاصی نخواهید یافت وزیجان بزودی این جا خواهند رسید و شوهر من شما را بتادیه عوض آن مجبور خواهد ساخت . این مسئله چنان ثابت است که نام کاترین له فیور است ،

کلنل یک چند قدم پیش رفت کوشش نمود که بواسطه شمع خیره که در محراب می سوخت چهرهٔ کاترین را خوبتر ببیند وبعد از لحظهٔ دقت گفت : « آیا مادام یک له فیوری که در زمره گارد های پاریس می بود و با یک قصاره باسم « لا سان ژین » ازدواج نموده است ، قرابت ومنسوبیتی ندارد ؟ »

کاترین : « من خود لا سان ژین قصاره « و کپیتان له فیور شوهر من است . »

کلنل : « پس عجب است که مرا نمی شناسید ! آیا روز دهم اگست را باینقدر زودی فراموش کرده اید ؟ »

کاترین : « پس گفته میتوانم که شما بجز آن مرد زخمی که در اطاق من تداوی شدید دیگر کسی نخواهید بود ! »

کلنل : « بلی ! کونت « نیرک » که برای حیات خودش مقروض ابدی شما است ! »

کاترین : « آقای کلنل بدیدن اینکه جناب شما چنین یک حافظه خوبی وادارا هستید خیلی ممنونم خدمتی که من در دهم اگست نسبت بشما اجرا کردم فریضه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 512 of 896

هر انسان است . زخمی بی سلاح و از پا افتاده بودید . او خود که در زیر علم دشمن بر وطن پرستان آتش کرده بودید من شما را نجات دادم . امروز شما را ملبس به یونیفورمهٔ کفلند می یابم و می بینم که دشمنان وطن بیچاره ام را اسیر می کند . من نه می خواهم گذشته را بیاد بیاورم . شوهرم ، دوستهایم ، رفقای های رزیمان همه مرا توبیخ خواهند کرد که چرا یك اوستو کرات استریائی را که اسیران خود را حکم اعدام میدهند ، نجات داده ام . من نه میخواهم که بیاد آرم آرزوی مخصوصی را که من یك دشمن فرانسه را از مرگ نجات دادم . »

معلوم می شد که الفاظ کازرن اثر عمیقی بر افسر جوان نموده بود چنانچه گفت :

« در صورتیکه خود شما بخدمت وطن تان مشغولید ، امید دارم که مرا بالای فریضه ام توبیخ و سرزنش نخواهید فرمود . چنان بنظر می آید که قسمت و قدر چنین خواسته است که من یك نفر افسر اردوی شاهنشاهی ، قرض یك بیچاره و مظلومی را که در دوکان قصاره کوچه رویال پناه برده بود ادا کنم . پس بشارت باد بر شما که از همه تکالیف آزاد هستید . »

مشروبات فروش بطرف لاوروات دید جواب داد : « تشکر میکنم ! ولی در بارهٔ رفیقم چیزی نفرمودید ! »

تیبرگ : « این شخص یك سرباز و به حیله درینجا آمده است . من مجبورم به حیثیت یك جاسوس با او رفتار کنم . »

کازرن : « پس بفرمائید مرا هم با او یك جا تیر باران کنند . این هرگز گفته نخواهد شد که خانم کابطال له فیور یك مرد بیچاره را با خودش در مقابل استریائیها کشانید و بعد ازانکه هر دوی شان گرفتار شدند ، کازرن خودش را نجات داده رفیقش را به هلاکت گذاشت . »

تیبرگ : « پس لطف کرده به من بگوئید که درینجا چه میخواستید بکنید . »

کازرن بافسرها ، و سربازان که اطراف افسر بزرگ خود حلقه بسته بودند نگریسته خاموش ماند .

لاوروات چون مدعای کازرن را از خاموش ماندن درك کرده شوانته و هم در عین زمان از جان خودش بخوف بود بسخن در آمده گفت « قسم است که این آمدن مبنی بر مقاصد عسکری و حربی نبود ، تنها بخاطر یك طفل معصوم باین زحمت سر دچار شدیم .

تیبرگ بوی امید شمیده نعره زد « طفل خوب فهمیده نتوانستم ، مقصد را واضح تر بگو ! »

کازرن : از خود جناب کونت من بپادرش وعده کرده بودم که طفلش را دو ترجابیس باو برسانم »

تیبرگ « این همه مخاطرات را بواسطه یك وعده برداشت نمودید »

کازرن : من برای ۰۰ ژوزل بلاش در هر گونه مخاطرات مبدو آمدم »

تیبرگ به بخشید که من قدر شما را چنانچه لازم بود کرده نتوانستم و از پیش آمد درشت خودم متقلم حال بفرمائید طفل و مادرش کجا است .

کازرن « کاملاً صحیح و سالم در اردوی فرانسه حیات بسر می برند »

تیبرگ : « او این جا چطور رفته است ! »

کازرن : « عین در دم آخرین بقرار قادر شد و من جایش را اشغال کردم ، زیرا پدرش میخواست که او را جبراً در محراب کشانیده و دباورون تسلیم کند ! »

تیبرگ : « مادام عزیزم ! هر قدر کوشش میکنم از زیر بار احسان شما بدر آیم خودمرا زیاد بدان گرفتار میابم اگرچه در مقابل این نیکی های شما رفیق تانرا نیز از او میکنم ، ولی باز هم می بینم که صد یك خدمت شما را نسبت به خودم ایفا نکرده ام . حال بفرمائید بطرف اردوگاه خود بروید که وقت بسیار نمانده است . »

کازرن فرحناك شده نعره زد : « پس مارا آزاد فرمودید ! هیچ که تصور نمیکردم ! بسیار متشکرم ! جناب کونت همیشه در نظر داشته باشند که یك دوست در فرانسه دارند ! خدا حافظ ! »

کازرن نطق خود را بانجام رسانیده لاوروات را تیله داده هر دوی شان بکمال غرور از مقابل صفوف استریائیها گذشته

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 513 of 896

بطرف اردوگاه با چهره های متبسم روانه شدند .

به مجردیکه کاترین ورفیقش از نظر ها غائب شدند ، تیرک اگرچه بر الفاظ کاترین اعتبار داشت باز هم طاقت نتوانسته از ملازمین شاتو قضیه را پرسید گفتند که بارون لوندال ودوکی بمحافظه زیاد بدون آنکه جستجوی مد موازل بلانش را کرده باشند بطرف (روکل) رهسپار شدند .

باین وسیله تیرک نفس راحتی کشیده مشغول سنجیدن پلان دیگر شد تا بواسطه آن میتواند بزن وفرزند خودش یک آن اولتر برسد . ولی هرقدر فکر نموده ، همان قدر مسئله در نظرش دشوار شد . فردا علی الصباح تمام دوره های تپه ها از (زنهاپ) تابه (مونس) در زیر آتش توپ ها مشتعل خواهد بود ، وهر گونه اقدام بعبور از آنها عقیم ثابت خواهد شد . هیچ شبهه نبود که عساکر منظم اتریا نیها وگروه خیاطان وبوت دوزان که اردوی جمهوریت را تشکیل داده بودند مظفر ومنصور میگردید ، واین سبب (دیوك دوسا کس) قومانذان اتریائیها پیش از وقت ایلچیی به (ویانه) روانه نموده ومظفریت خودش را از (پی یاپیه ها) اعلان نموده بود . وقتیکه این فتح یقین خود شانرا تصور میکرد قلب تیرک پرخون می شد ، زیرا خیال می نمود که حال بلانش وطفلش دریك عسکری مغلوب که هزیمت یافته باشد چه خواهد بود ؟ . چون بسکلی مأیوس شد وبه میدانست برای نجات بلانش به چاره بروی کار آورد در یکی از صالون های شاتو داخل شده بسنجیدن پلان های محاربه فردا مشغول گردید . اگرچه بکار مشغول بود ولی فکر ، عقل ، هوش ، و تمام حواسش مصروف فکر نجات معشوقه وفرزندش شده مانده بود . بالنهایت دیسپلین عسکری وظیفه وجدانی بر تصورات او غالب آمده برای لحظهٔ تمام فکر های دیگر را از کله اش بدر بود درین اثنای دروازه صالون زده شد و سربازی با تمام عجله داخل شده راپوری بدست او داد ، این راپور زنی بود که میخواست در شاتو داخل شود ، ولی سربازان او را منع نموده نگذاشته اند ولی او اصرار نموده خودش را باسم دختر مارکی دو لا والن معرفی نموده است .

تیرک از خواندن این راپور نعرهٔ بزرگی زده بخود گفت : « این ضرور بلانش است ؟ چطور شده است که درین وقت شب از بین یک عالم سرباز و تمام این گزمه ها عبور توانسته است اگر با فرزند خودش ملحق شده بود برای کدام مقصد باز از اردوی فرانسه فرار نموده است ؟ »

بعد ازانکه از بهت وحیرت نجات یافته بسرباز منتظر ، امر حاضر نمودن او را داد : در یک دقیقهٔ دیگر دروازه باز و بلانش با موهای ژولیده ولباس پاره پاره در مقابل او ظاهر گردید : تیرک او را بآغوش گرفته با یک عالم اشتیاق ومحبت بوسید و باعث عودت او را پرسید .

بلانش : « بعد ازانکه کاترین مرا نجات بخشید ، بار دوگاه رفتم در آنجا گهواره (هارزبوت) را خالی یافتم از یاس وغم برای دو سه ساعت همانجا بی هوش شده ماندم . بعد ازانکه به هوش آمده شنیدم که یکی از سربازان شخص ملکی را دیده بود که یك طفل را در آغوش داشته بطرف (موبوگ) روانه بوده است . این خبر یك از مقناطیسی بمن نموده بعد از چند سوال دیگر از سرباز متیقن گردیدم که دزد طفل غیر از (لیوتارد) ملازم بارون لوندال کس دیگری نبوده است . باین سبب باوجود اصرار زیاد سربازان از اردو برآمده وبعد از مشقت زیاد وخسته زیاد تر ، خودم را به شاتو رسانیدم . ولی حال میشکرم که پدرم وبارون بطرف روکل روانه شده اند ولیوتارد با (هارزبوت) وجود ندارند . »

گونت : « هیچ یك خوف بدل راه مده من وتو هم فردا با آنها ملحق می شویم . »

بلانش خوش حال شده صدا زد : پس چرا امشب روانه نمیشویم فردا با هارزبوت یك جا خواهیم شد . »

(باقیدارد)

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داران شناسائی و خواندن سوانح یک پادشاه محبوب افغانستان، ازین نشریات گذشته ما و همقطاران ما تا حدی باهمیت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدین خان کشککی پی برده و در صدد خواهند بود که یک نسخه آن را زیب کتابخانه خود قرار بدهند.

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف بار بنوشتن این چند سطر یاد آوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (٦٦١) صفحه و (٤٩) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی بقیمت بسیار نازل فروش میرسد.

در داخله	:	مرکز	٥ افغانی
«	:	ولایات باضافه محصول پست	٧ «
خارج	:	با محصول پست	٣ کلدار

محل فروش

در داخله: مرکز و ولایات طالبین، بعموم دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجارانی افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود.

غرض: هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هرچه بیشتر چاپ شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 515 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 516 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 517 of 896

(شماره ۲۷)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

(مجلد ۵)

اداره: کابل جادهٔ ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده: [illegible]

۲ شنبه ۸ قوس ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۱۹ رجب المرجب ۱۳۵۰

ورزش

پیشرفت‌های متوالیهٔ علمی و فنی و ترقیات حیرت انگیز عصر حاضر که در نتیجه زحمت و سعی عمل به عرصهٔ گیتی عرض وجود نموده در امور زندگی تسهیلاتی فراهم ساخته است، مقتضیات هر روزهٔ دنیا و احتیاجات زندگانی ابنای بشر مخالف با تنبلی و بیکاری و بروی شالوده مساعی و کوشش قرار گرفته. مدنیت کنونی اگر از یک طرف وسایط حیاتی بشر را تکمیل و تسهیل نموده از طرف دیگر اگر بیک نظر عمیقتری دیده شود تولید بعضی اشکالات نیز نموده است یعنی ملل میتوانند در ساحهٔ گیتی متمتع شده و گوی موفقیت را بربایند که بایستی کار و روح انجام وظیفه در مقابل هر گونه تزاحم و مشکلات مقاومت کرده برای پیشبرد مرام ملی و رفع احتیاجات خود از هیچگونه زحمت و کوششی مضایقه نکنند.

موجد روح عمل و کار بدون تردید محافظهٔ صحت و تقویهٔ بنیه و دماغ است بهترین وسیله ای برای تکثیر قوای جسمی و دماغی به جز از ورزش سراغ نداریم از همین نقطه نظر است که ورزش امروز در عالم خاصه در ممالک متمدنه موقعیت خاصی کسب نموده و بلکه جز پروگرام یومی هر فرد بشمار میرود گذشته از ترغیب و تشویق تاسیس کلوپ های متعدد حتی در بعضی ممالک صورت اجباری به خود گرفته است.

محسنات ورزش باندازه‌ئیست که بیرون بدن حدی قابل شد برای شناختن اهمیت و فواید آن همین قدر باید تذکر داد که ورزش در عموم مکاتب هر روزه جز و پروگرام اساسی شناخته میشود اشخاصیکه بورزش عادت دارند هرگز از کثرت کار و تحمل زحمت اظهار خستگی نکرده متاعب و مشکلات هیچوقت بر آنها غلبه نخواهد نمود بعکس کسانیکه علاقه بورزش ندارند قوای خود را زود از دست داده و بسرعت استعداد فکری ایشان به تحلیل رفته زیادت کم حوصلگی، عصبانیت، عدم قوه برای ادامهٔ شغل از آنها مشهود خواهد شد.

ورزش بطور عموم برای همه و خاصه برای کسانیکه مصروفیت دماغی دارند و تمام مدت روز را در حالت نشسته مشغول کار اند بیشتر ضرور است ورزش نه تنها قوای مصروفهٔ فکری دماغی را بحال اول عودت میدهد بلکه استعداد فکری و جسمی را روز بروز تقویه مینماید.

گمان نشود ورزش خاص بازیهای معموله از قبیل فوتبال و گلف و امثال آن است چه اینها ورزش های منظم و در درجه اول بشمار میروند اما برای اشخاصیکه نتوانند باینگونه ورزش ها شمولیت ورزند یا مجبوری داشته باشند به انواع دیگری نیز میتوانند موازنهٔ صحت خود را حفظ نموده و به تزئید قوای جسمی و فکری خود بپردازند مثلاً قدم زدن در هوای آزاد سواری اسپ و بایسکل حرکت دادن دست و پا و اعضا به اصول مخصوص آن و امثال آن که با یک ترتیب منظم بسرعت دوران خون کمک کند ورزش گفته میشود

پس کسانیکه علاقه بمحافظهٔ صحت و تقویهٔ جسم و دماغ خود دارند و مایل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 518 of 896

به پیشرفت شغل و انجام وظیفه خویش هستند یك مدتی را لابد در اثنای روز باید برای ورزش وتفریح تخصیص داده وجزو پروگرام یومی خود بگیرند.

درینصورت هم قوای جسمی آنها سالم مانده وهم در تمام شعب و امور رسمی و غیر رسمی یك نهضت وپیشرفت قابل ذکری مشهود خواهد گردید.

هرچند درجزو سایر اصلاحاتیکه درین دوره‌ی درخشان نادری بروی کار آمده مسئله‌ی ورزش و تشویقات دسته های عرفانی تاسیس کلوپها وغیره نیز مورد توجه حکومت واقع شده و یقین وزیر روشن ضمیر معارف نیز در بسط وتوسعه آن با تمام فعالیت خواهند کوشید باز هم بر تمام هموطنان خود یاد آوری می‌شود که این مسئله حیاتی را محل توجه و قابل غور دانسته و بصورتیکه بتوانند از آن غفلت نکنند. مثلا جوانانی که در معارف شمولیت داشته و از کلوپها استفاده کرده میتوانند از آن بازیهای مخصوصیکه در پروگرام های کلوپ معین شده کار بگیرند و اگر بنابر بعضی ملحوظات و مشاغل از کلوپهای ورزش کنار دور مانده اند همان بازی های وطنی را، از قبیل توپ بازی چوب بازی، چشم پتکان پتك وسینه کشیدن، خیز زدن دویدن سنگ انداختن وغیره را فراموش نکرده اگر هر روز عصر امکان نداشته باشد اقلا روز های جمعه اسباب سرگرمی خویش قرار بدهند هم اوقات بخوبی مصروف شده و هم بمرور ایام از این تمرینات بدنی دارای اعضاء سالم و جسم قوی خواهند شد که با قواء روحی آنها توام برای میدان مبارزه حیات آماده شده بتوانند.

(احمدعلی)

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول اساسی

دولت علیه افغانستان

اصول کلیه

(۲)

مجالس مشاوره ولایات

۷۱ –: در مرکز نائب الحکومه گیها و حکومت اعلی و کلان یك یك مجلس مشوره تشکیل می‌شود.

۷۲ –: صورت انتخاب و تعداد اعضا و وظایف این مجالس در اصول نامهٔ مخصوص آن بیان و ایضاح میگردد.

وظایف وحقوق وزرا

۷۳ –: امور اجرائیه مملکت، بذریعه وزرای دولت، که با انتخاب صدر اعظم ومنظوری حضور ملوکانه تعین می شوند اداره می شود.

۷۴ –: ریاست هیئت وزرا مفوض است بصدر اعظم، در غیاب صدر اعظم وزیر وزارت اول وظیفه ریاست را ایفا میدارد.

۷۵ –: هیچکس نمیتواند مقام وزارت را اشغال نماید، بدون اینکه مسلمان واز تبعهٔ افغانستان باشد.

۷۶ –: هر یك از وزرا در سیاست عمومیهٔ دولت مشترکاً، و در امور موظفه وزارت متعلقه خود مخصوصاً، بنزد شورای ملی مسئول اند. بناءً علیه ذات شاهانه غیر مسئول می‌باشند.

۷۷ –: مسئولیت وزرا وسیاستی را که راجع بان ها می‌شود اصول تعین خواهد نمود.

۷۸ –: وزرا امورات مربوط متعلقه خودرا بالاداره اختیارات خود اجرا و مافوق آن را بحضور صدر اعظم تقدیم میدارند صدر اعظم بدرجهٔ صلاحیت وظایف خود اجرا نموده مافوق آن را بحضور ملوکانه عرض وهدایت میگیرد.

۷۹ –: هرگاه یکی از وزرای دولت بجرم خلاف ورزی درحدود وظیفه رسمی شان مظنون وقع شوند، مرجع محاکمه شان دیوان عالی شناخته می‌شود – دیگر دعاوی شخصیه وزرا که خارج وظیفه ماموریت شان باشد مانند سائر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت می‌نماید.

۸۰ :– وزیریکه تحت اتهام می‌آید الی نتیجه محاکمهٔ وزارت آن از وظیفه رسمی معطل می‌ماند.

۸۱ :– درغیاب وزیر معین وزارت یا وکیل که عندالزوم مقرر شود تمام اختیارات شخص وزیر را دارا میگردد.

۸۲ :– برای تفتیش احوال عمومیه وزرا وماموریین یك هیئت تفتیشیه باستیذان حضور شاهانه مطابق لایحه مخصوصه آن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 519 of 896

از شورای ملی انتخاب وتعیین می شود.

۸۳ : ـ تعداد وزارت وتشکیل دوایر و وظایف شان در اصول نامهٔ تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

حقوق مامورین

۸۴ : ـ بالعموم مامورین مطابق موادیکه در اصول نامه های مخصوصه ایضاح گردیده به ماموریت هائیکه لایق و مناسب باشند تعین کرده می شوند وهیچ یك از مامورین تا ریکه از وظیفه خود مستعفی نشود ویا از طرف دولت بنابر یك امر ضروری لازم تبدیل ویا موقوف نباشد اصلاً عزل وموقوف نمیشود ـ وماموریکه حسن سلوك واستقامت خدمت خود ها را ابراز نمایند مطابق اصول نامه های مخصوصهٔ استحقاق ترقی رتبه وماموریت ومستمری را دارند.

۸۵ : ـ همه مامورین علی المراتب در اطاعت آمر مافوق شان مطابق اصول نامه های موضوعه مکلف هستند آمران مافوق و مامورین ماتحت هیچیك امر را خلاف آن اجرا کرده نمیتوانند هر گاه از طرف آمران مافوق در اجرای کدام امر خلاف اصول بالای مامورین ماتحت امر اجرا شود مامورین ماتحت قبل از اجرای آن به مرکز وزارت الی صدارت عظما باید اطلاع نمایند.

۸۶ : ـ وظایف مامورین در اصول نامه های مخصوصه تدوین و تفریق گردیده وهر مامور موافق هدایات اصول نامه های موضوعه از وظایف موظفه اش مسئول شناخته میشود.

محاکم

۸۷ : ـ محاکم عدلیه مرجع دعاوی عمومیه شرعیه میباشد.

۸۸ : ـ در محاکم شرعیه دعاوی مرجوعه مطابق مقررات مذهب مهذب حنفی رفع فیصله می شوند.

۹۷ : ـ همه محاکم از هر گونه مداخلت آزاد هستند.

۹۰ : ـ در محاکم عدلیه دعاوی بصورت علنی فیصله می شود باستثنای مسائلیکه شارع فیصله آن را بطریق خفیه هدایت داده است.

۹۱ : ـ در حضور محاکم هر شخص برای محافظهٔ حقوق خود همه وسایط مشروعه را پیشنهاد نموده می تواند.

۹۲ : ـ محاکم عدلیه در رویت و فیصله دعاوی باستثنای امر شرعی تاخیر و مماطله کرده نمیتواند.

۹۳ : ـ هیچکس خارج محاکم برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه یك محکمهٔ فوق العاده تشکیل داده نمیتواند.

۹۴ : ـ صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان باصولنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

دیوان عالی

۹۵ : ـ دیوان عالی برای محاکمه وزرا دولت عند الاقتضاء موقتاً تشکیل می یابد و بعد انجام امور کار او سپرده می شود فسخ میگردد.

۹۶ : ـ طرز تشکیل دیوان عالی و اصول محاکمه در آن مطابق اصول نامهٔ مخصوصهٔ آن اجرا می شود.

امور مالیه

۹۷ : ـ همه محصولات دولت مطابق اصول نامهٔ مخصوصهٔ آن اخذ می شود.

۹۸ : ـ هر سال برای واردات و مصارفات دولت یك بودجه مطابق اصل ۴۳ تنظیم کرده می شود این بودجه برای واردات دولت موازنه و برای مصارفات اساس بوده همه مصارفات از روی آن اخذ و صرف می شود.

۹۹ : ـ بعد از تطبیق واجرای بودجهٔ سالانه یك محاسبهٔ قطعیه تنظیم می شود این محاسبهٔ قطعی مقدار حقیقی واردات ومصارفات این سال را حاوی میباشد.

۱۰۰ : ـ برای تنظیم محاسبه قطعیه وبرای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن اصول نامهٔ مخصوصه موجود است

۱۰۱ : ـ تخفیف ویا معافی مالیات بموجب اصول نامهٔ مخصوصه آن اجرا می شود.

اداره ولایات

۱۰۲ : ـ اصول ادارهٔ ولایات از سه قاعدهٔ اساسیه مبنی است توسیع ماذونیت تفریق وظایف ، تعین مسئولیت ، سایر قواعد مذکور همه وظایف مامورین

ولایات مطابق اصول نامه های موضوعه تعین وتفریق کرده شده است و اختیارات مامورین نیز بر طبق اصولات موضوعه محدود است و هر مامور در وظایف خود علی المراتب نزد آمر مافوقش مسئول شناخته می شود .

۱۰۳ : ـ در ولایات از هر شعبه وزارات مامورین جدا گانه مقرر هستند ـ افراد اهالی برای اجرای کار و انجاح حوایج خود بشعبات مرجوعه مراجعت میکنند .

۱۰٤ : ـ هر گاه که در یك حصه مملکت آثار عصیان و بغاوت که مخل امنیت عمومیه باشد حس کرده شود حکومت برای دفع بغاوت و قیام امنیت تدابیر لازمه کرده می تواند .

۱۰۵ ـ تشکیل دوایر بلدیه و وظایف آن قرار اصول نامه مخصوص آن اجرا میشود .

عسکر

۱۰٦ ـ صورت اخذ عسکر بموجب اصول مخصوصهٔ آن اجرا میشود وظایف وحقوق عسکر وترقی در مناصب بموجب اصول است .

۱۰۷ ـ حقوق ومناصب هیچ یك افراد عسکری سلب نمی شود مگر بموجب اصول .

۱۰۸ ـ تبعه خارجه در سلك عسکری باستثنای صنف داکتری ومعلمی حربی قبول نمیشوند .

(اصول متفرقه)

۱۰۹ ـ مصئونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است همه مکاتیب ومراسلات مخصوصی اهالی که توزیع پوسته می شود تا از طرف یك محکمه حکم جواز تجسس نشود در هیچ پوسته خانه ودیگر جا باز نمیشود همچنان سربسته بمرسل الیه سپرده می شود .

۱۱۰ ـ در اموریکه از حضور شاهانه ویا صدر اعظم یکی از وزرا یادیگر مامورین امر شفاهی فرموده شود باید احکام تحریری آنرا بامضای همایونی ویا صدر اعظم حاصل دارند .

تعمیل واجرای احکام مواد

اصول نامهٔ هذا را امر واراده میفرمایم محرره ۸ عقرب سنه ۱۳۱۰ .

(محل مهر همایونی)

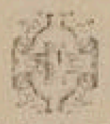

معذرت

شماره گذشته (۲٦) بنابر عدم تعمق مامحسین کار ، صفحات جریده غیر مرتب بطبع رسیده . عفو قارئین محترم را تمنا میرود .

(مصحح اداره)

صحیات

اقتباس از مجموعه صحیه

خرابی دندان وطرز تغذیه

قلم آقای دکتور رفیق بیگ :

دندان برای محافظه صحت یك واسطه لازمی است . کسانیکه بالتمام در محافظه آن دقت و اعتنا نمی نمایند در حیات بجلیل علل و عوارض و بیوده محکوم میگردیده . یك [illegible] ان مثل یك مخلوق بی معده شمرده می شود . معده در حصول وظایف حیاتیه صحت را ادامه کرده میتواند و اشخاصیکه ازین وظایف محروم هستند این نقایصات را تلافی کرده نمیتوانند و حیات و زندگانی شان ناقص و همیشه مریض و علیل اند .

معهذا با دندان [illegible] درجه دارای اهمیت اند در [illegible] محل عطف توجه واقع نگردیده و شرارت عصرها این مرض دندانها و دندانهای ناقص و معطل ان محصولهٔ آن با ضرار و اختلالات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 521 of 896

حیاتیهٔ که از نبردن دندان و درد آن پیدا می شد تحمل می نموده ا ... انسان ها در در اوایل این مسئله را خیلی بی اهمیت می پنداشتند .

پس از آنکه فیزیولوژی و وجود کیمیای حیاتیه مرض و عمیق تدقیق گردید ، فهمیده شد که دندانها در حیات و صحت رول مهمی دارند ، و پس از آن بمسلك دندان سازی توجه شده و ساحهٔ آن توسیع گردید . برای تمام و اکمال دندانهای خراب و نقصان های دندان سعی و اقدامات بزرگی شده لیکن ساحه فعالیت آن آنقدر ها فراخ و وسیع نگردید .

علت آن : ــ علت فراخ نشدن ساحه فعالیت آن این بوده که مسلك دندان سازی ناخوشی دندان را تداوی میکرد نه جلوگیری از ناخوش شدن دندان که درین صورت طبعی باید ساحهٔ آن محدود میماند .

از مرور باکشفیات و تجارب فنی که واقع شده است ، اسباب و علل امراض دندان را تقریباً بالتمام و صورت حقیقی تعین نموده که از روی آن در حالت رفع علل مذکور از مرض دندان جلوگیری ممکن شده است .

اینك بحثی که در اینجا راجع بدندان مینمائیم خصوصاً در موضوع طبابت دندان و جلوگیری کردن از خرابی دندان و توقف دندان دردی است .

در خرابی دندان دو سبب سنجیده شده است :

یکی اسباب موضعیه و دیگری اسباب عمومیه : بالجمله این اصول بتمام احوال قابل تطبیق است .

اسباب مرضیه بواسطه میکروب در دندانها و جوار آن ، شدت و نمو جودت میکروب را مسبب است . این شرط هر گاه در داخل یك دهان موجود باشد گویا آن دهن حفظ الصحه نداشته و یا بحفظ الصحه آن اهمال کرده شده است . لکن آیا یك دهنی که با کمال دقت و اهتمام تنظیف گردیده است . محفوظ ماندن آن دندان ها داخل امکان است ؟ مع التأسف جواب آن منفی می باشد بنا برین دهن را همیشه در صورت تنظیف و پاك نگهداشتن نیز محافظه دندان را کاملاً تامین نمیکنند .

و معلومات بکتریولوژیه نیز معرفت مادهٔ دندان قطعاً یك قدم پیش نبرده است . باکتیك میکروب که عارضه دندان خرابی یك (اسیلوس آسید و فیلوس) پیدا میشود این اسیلوس از دهن هاییکه دندان های شان فرسوده و علیل است کلتور ساخته شده و در صدی نود وهشت هم بوده و کلتور مذکور بدهن ودندان ها پاشیده شده است که دندان درد و فرسوده گی دندان را احداث نکرده است .

و از روی این هرگاه ملاحظه کنیم بطور یقینی بعض عوامل دیگری است که غیر از میکروب در خرابی و فرسوده شده دندان مؤثر میباشد ، و نظر به همین علت تتبعات و تدقیقات گردیده ، و مؤلفین (بوتیك هاو ــ شیلاز ، فارا لره ــ میلنك) موش ها و موش خرما و خنزیر را زیر تجربه قرار داده و در نتیجه فهمیده اند که مدخله عضویت بحادثه (متابولیزم) هم دخل دارد .

چون متابولیزم (تحولات) عمومی عبارت از متابولیزم حجرات میباشد یعنی هر وقتیکه جسم دچار تحولات گردد عین همان تحولات در حجرات نیز موجود میباشد ، از آنرو اسباب خرابی دندان ها و عناصر اساسیهٔ آن (کالسیوم) همان توسعه متابولیزم و وجود بتمام جسم است و بعبارت ساده تر یك متابولیزم عمومی یك متابولیزم حجروی نیز احداث میکند چنانچه ماده کالسیوم که عناصر اساسیه دندان است و آنرا حجرات عظمیه دچار تحولات گردیده ، در افرازات آن نیز نقصان پیدا شده و یا اینکه افرازات بالای استخوان تثبیت نگردیده ، افرازات مذکور موجب خرابی دندان میگردد ، در اواخر معلوم شده است که افرازات کلسیه را بالای استخوان ویتامین تثبیت می نماید و در صورت که ویتامین بقدر کفایه بجسم نرسد از نقصان آن آفات عظیمه پیدا می شود و بالاخر بطوریکه ماده کلسیه بالای استخوان تثبیت نمی شود از آن ناخوشی راشتیس تولید میگردد ، یعنی اگر مادهٔ کلسیوم بالای استخوان نرسد استخوان حالت صلابت خود را از دست داده و در آن

تلفی پیدا می شود از آن رو وجود هیکله بعد کفایه ویتامین را مالك نیستند ویا از ویتامین محروم میباشند دچار تحولات وتغیرات گردیده .

و یکی از علل خرابی دندان هم محرومیت از ویتامین می باشد .

از طرف مؤلفینی که اسامی شان را در بالا ذکر کردیم لای حیوانات تجربه گردیده وغذا هائیکه محروم از ویتامین بوده ویا ویتامین آن بقدر کفایه نبوده باین حیوانات خورانده و در نتیجه آن حیوانات مذکور به فرسوده گیهای حقیقی دندان دچار گردیده اند . بعد از آن همین غذا ها را که ویتامین آن را محدود و یا معلوم کرده بود . بغذا های ویتامین دار (بمقدار کفایت) تبدیل کرده و سپس برایشان معلوم شد که آن خرابی دندانها بر طرف و بعضاً بکلی شفا یاب گردیده و در نتیجه این تجربات استنباط گردید که بیشتر عامل تثبیت کالسیوم بالای دندان ویتامین میباشد .

اکثراً در مشاهدات دکتوری معلوم شده است که خرابی دندانها زیاده تر به مصابین مرض قند (دیابیتیک) پیدا می شود زیرا مصابین این مرض ویتامین را مالك نیستند . وازین سبب در تثبیت کالسیوم تحولات پیش می شود .

اساساً در حالات طبیعی ما تام بولیزمه کلسیه • تثبیت کردن کلسی در انسجه غیر از ویتامین به ضیای آفتاب و بالخاصه اشعه ماورای بنفش نیز احتیاج دارد مما لکی که از اشعه ماورای بنفش محروم اند در آن مملکت به امراض خرابی دندان خیلی تصادف میشود زیرا معلوم است مما لکی که از نور آفتاب زیاده تر محروم باشند اشعه ماورای بنفش آنیز در آن مما لك خیلی کم میباشد زیرا اشعه ماورای بنفشی با نور آفتاب توام بزمین میرسد و در این سقوط از آسمان اشعه مذکور با هوا ها و طبقات گرد و غبار و ابر ها تصادف کرده و مانع رسیدن اشعه ماورای بنفش در آن سر زمین ها میگردد بنابران اهالی که در مواقع مرتفع و هوا های صاف واقع اند کمتر امراض دندان دچار می شوند . مثلاً زمین های مناطق قطب شمالی را تصور کنیم در آنجا بسبب تقوهٔ مستقیم آفتاب بر زمین و انتشار آن از روی یخ ها انسان از هر طرف محیط به ضیا و اشعه ماورای بنفش می شود از اینست که درچنین مناطق اگر ویتامین هم برای اشخاص کم باشد به ناخوشی دندان کمتر تصادف می شود . اهالی مما لکی که در مناطق پست وهوا های پر از ابر زندگانی میکنند زیاده تر کالسیوم متام بولیزمه شان به ناخوشی دچار می شود ودر آن ها خرابی دندانها بکثرت تصادف می شود

بنابرین برای محافظه از خراب شدن دندان وبرای توقیف کردن مرض دندان اول اتخاذ غذا دوم استحضار غذا ونور آفتاب وحسن اجرای افرازات داخلیه لازم است .

برای خلاص گریافتن از این امراض بایست ماشین وجود بیک طرز صحیح ایفای وظیفه نماید ، وشخص باید درمحل مرتفع سکونت اختیار کرده وبه اشعه ضیا ئیه بدرستی معروض باشد وغذا های خود راهم به سه نوع باید صرف نماید که ازین سه قسم غذا یکی شیر (باندازه یك لیتره بشرطیکه بوجه تقصیه شده باشد) ودیگری سبزیجات ومیوه جات وقسم سوم هم گوشت وحبوبات باید باشد ، واین ملاحظه فراموش نگردد که گوشت کمتر استعمال شود .

درطبخ غذا باید مراعات اصول دقیق گردد مثلاً روغن که دارای ویتامین است هرگاه در حرارت بلندی جوش بخورد بسبب حرارت زیاد ویتامین های مذکور ضایع می شود . سبزی ها هم همین طور میباشند سبزی عادتاً با آب جوش داده شده وبعد از آن سبزی گرفته شده آب مذکور بیرون ریخته میشود که با این آب ویتامین نیز بیرون میریزد به این سبب روغنی که زیاد جوش خورده باشد و همچنان سبزی که بآب جوش خورده و آب آن بیرون ریخته باشد ویتامین را مالك نمیباشند و غذا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 523 of 896

هایکه باینصورت طبخ گردند ز ویتامین محروم هستند و بالآخر اصول طبخ غیر فنی گفته میشود . طبخ کردن غذا باصول فنی اینست که غذا در موقع طبخ بسیار با آتش زیاد عرض نشود . کذالک سبزی ها و میوه های که همرای آب جوش میخورند با همان آب باید خورده شود . بنابران روغن و سبزیجات ومیوه جاتیکه باصول فنی طبخ شده باشد ومعروض شدن به هوای مساعد هر شخص را از ناخوشی دندان محافظه مینماید ، و دندان خراب شده شده نیز در تداوی موضعی وعمومی که کرده میشود رو بشفامیرود ، اگر اکمال این شرایط امکان نداشته باشد حلق را باشعه مصنوعی ماوراء بنفش وخود را بر هنه معروض نور آفتاب باید داشت .

وهمچنان ویتامین زیاد که در روغن زیتون وامثال آن موجود میباشد باید بمریض داده شود .

بالآخر هرگاه نقصان در دندان موجود باشد باید دانست که نقصان مذکور موجب تولید سوء هضم میگردد وسوء هضم سبب مرضی جهاز هاضمه وقرحه معده می شود . کذالک وجودیکه بسبب قلت غذا مقاومت وتحملش نقصان می یابد در چنین وجود ضعف ناخوشی جهاز تنفسی (شش) مثل دق سینه زیادتر پیدا میشود همچنان میکروب های که در محل دندان خراب شده دندان تکثیر حاصل میکند درآنجا سمیات قرار گرده واین افرازات بوسیله بول از جسم خارج می شود ، که در نتیجه خروج آن مریضی گرده حاصل می شود . اما یك جسمی که بوسیله تدابیر فنی که فوقاً شرح دادیم از خرابی دندان محفوظ ماند یا النتیجه از مرض هایکه بذریعه مرض دندان ها پیدا می شود نیز در امان میماند .

خبر های داخلی

عبدالرحمن خان ترکی تسلیم نمود

عبد الرحمن خان ترکی که در اعصار سلاطین گذشته فرار هند وتمام جایداد وحق پدری آن ضبط بود ، در اوائل جلوس اعلیحضرت نادر شاه بابا امنه های خودش از طرف حکومت اجازه معاودت بوطن واپس داده بود ونیز اموال ضبطی آن واپس رد گردید . لیکن متاسفانه عبد الرحمن خان مذکور در تابستان ۱۳۰۹ شروع به شرارت نموده وعلیه حکومت قدادت نمود . چنانچه درهمان وقت ع ، ج الله نواز خان باور حضور با چند قطعه از عساکر نادری برای سرکوبی آن مامور گردید ، ودر اوائل زمستان سال گذشته عبد الرحمن مذکور مجبور به فرار گردیده حدود سرحد را مسکن خود قرار داده ومجدداً بنای بغاوت را نهاد .

اینک درین روز ها اقوام باوفای سلیمان خیل وتره کی که از نیات اعلیحضرت غازی پوره واقفیت دارند ، برای مذکور موقع بغاوت نداده ومجبور به تسلیمش نمودند .

رئیس تنظیمیه فراه وچخانسور :

ع ، ج عبد الاحد خان رئیس شورای ملی ، بنابر تصویب مجلس عالی وزراء ومنظوری حضور ذات همایونی بریاست تنظیمیه فراه وچخانسور مقرر گردیده روز پنجشنبه ٤ قوس بصوب ماموریت خود رهسپار گردیدند . قرار معلوم رئیس مذکور علاوه بر ست مالیات وفروش اراضی چخانسور و غیره کارات اولا به حل وفصل موضوع رودهلمند که از چندی است دولتین افغانستان وایران را مشغول مذاکره ساخته است نیز وارسی خواهند نمود .

ورود تشرف بحضور همایونی

عالیجاه عزت وشجاعت همراه محمد عمر خان نائب سالار قوماندان عسکری مزار ، و ع ، ش محمد افضل خان فرقه مشر معاون ریاست تنظیمیه قطغن وبدخشان بایك عده عده از صاحب منصبان درین اواخر وارد کابل گردیده ذریعه عالیقدر جلالتماب ا ، ا ، وزیر صاحب حربیه به عز شرف یابی حضور همایونی نائل گردیدند .

* * *

هکذا جمعیتی از اقوام شمالی ومعاریف ومعتبرین کوهدامن ، جبل السراج وریزه کوهستان که ارزوی شرف یابی حضور ملوکانه را ذریعه وزارت دربار استدعا نموده بودند ، بعد اجازه ذات شاهانه و تعین وقت از وزارت دربار ، تشرف حضور را حاصل نموده عرائض پر از اخلاص وصمیمیت خود ها را بپیش گاه همایونی عرضه داشتند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 524 of 896

وفات

جناب مرحوم سردار فتح محمد خان که سمت عموزادگی ذات شاهانه داشته و یکی از اعیان این مملکت بشمار میرفتند روز شنبه ۲۹ عقرب بسن ۷۸ سالگی برحمت ایزدی پیوستند .

(انا لله و انا الیه راجعون)

سردار مرحوم در دورهٔ حکومت اعلیحضرت شهید مدت ۱۶ سال امین المسی بوده و در اواخر عصر امانی ریاست فابریك پشمینه بافی اشتغال داشتند . درین مواقع از مسافرت بیت الله شریف مراجعت کرده و معتکف بودند چون جناب شان از دودمان نجابه و اعیان مملکت و یك خدمتگار راستکار حکومت گفته می شدند ، فاتحه داری شان در عمارت سلام خانه تا سه روز دوام داشته ، جناب وزیر دربار و آقای معین شان با حفاظ قرآن کریم ، برای اجری مراسم فاتحه داری ، از طرف ذات شاهانه مامور شده بودند .

***

کارکنان جریدهٔ انیس به پسر ارشد شان جناب شیر محمد خان سفیر کبیر افغانی در طهران ، تسلیت گفته ، و از فقدان سردار مرحوم اظهار تأثر مینمایند .

مراسم فاتحه گیری

روز شنبه ۶ قوس مراسم فاتحه گیری مرحوم آقای عبد الصمد خان محمد زئی ترجمان وزارت مختاری افغانستان درلندن در وزارت جلیلهٔ خارجه ازطرف حکومت متبوع بعمل آمد . ج ع ج صدر اعظم صاحب وبعض اراکین حکومت عالیه نیز حضور داشتند .

تبادله تلگرامات

از طرف اعلیحضرت غازی بعنوان

(غازی مصطفی کمال پاشاه)

بمناسبت عید جمهوریت دولت فخیمه ترکیه تهانی وتبریکات صمیمانه خود مرا را تقدیم نموده بهترین آرزوهای قلبی را برای سعادت حشمت مآب شما وملت نجیبه ترکیه اظهار مینمایم .

(جوابیه)

بحضور اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه

از تمنیات فوق العاده آن اعلیحضرت که بمناسبت سالگرهٔ جمهوریت ما اظهار فرموده اند متحسس شده تشکرات خصوصیه و بهترین آرزوهای خودرا نسبت بسعادت وجود شاهانه وملت برادر وما افغان دوم تقدیم می کنیم .

(غازی مصطفی کمال)

تلگرام تبریکیه اعلیحضرت غازی

بعنوان جلالتمآب کالینن رئیس جمهور شوروی

بمناسبت عید جمهوریت دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی تبریکات دوستانه واحساسات صمیمانه خود مرا بان جلالتماب اظهار نموده ترقی و تعالی ملت برادر جمهوریهٔ شوروی وسعادت و خوشی جلالتماب شما تمنا مینمایم .

تلگرام جوابیه جلالتماب کالینن

رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی

حضور اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی !

از تبریکات دوستانه وآرزو های اعلیحضرت بمناسبت چهاردهم سالگره انقلاب اکتوبر ممنون ومشکور بوده خواهشمندم که تشکرات صمیمی وبهترین احساسات مرا قبول فرمایند .

(کالینن)

معروضهٔ مجلس اعیان

بحضور شهریار افغانستان

پس از اختتام نطق فرحت التیام اعلیحضرت همایونی حضرت عالی آقای میر عطا محمد خان هروی رئیس مجلس اعیان معروضهٔ آتیه را به حضور شاهانه از طرف اعضای مجلس عیان عرض رسانیدند :

اعلیحضرتا !

از آنجا که خداوند متعال و قادر لایزال میخواهد ملت نجیبهٔ افغان را یکی از ملل مترقیهٔ تاریخی دنیا نماید برای رهنمائی و ادارهٔ آن مانند اعلیحضرت شما یك ذات سراسر صفاتی را که دارای تمام محسنات اخلاقی و صاحب عقل و دانش کافی و تجارب خیلی عالی و نافعه میباشند عطا و مرحمت میفرماید تا در راه و ارتقا اعلاء و فراهم نمودن هرگونه وسائل رفاه ملت از هیچگونه سعی و فداکاری خودداری نکرده ملت عزیز خویش را در ردیف ملل متمدنهٔ عالم بشمار آرند .

اعلیحضرتا !

ذات شاهانهٔ شما از رجال بزرگ تاریخی دنیا و یکی از نوابغ عصر حاضر بشمار می آئید که برای فلاح و ترقی ملت محبوب خود با یك ارادهٔ قوی و یك متانت و استقامت بزرگ از هیچگونه فداکاری و جان بازی دریغ نفرموده مشقات و زحمات مانع جوشش دریای عزم و همت شاهانهٔ شما نگشته در سایهٔ عزم و همت بلند یك نام و شرف ابدی و تاریخی را برای خود و برادران با درایت و اولاد و احفاد و نژاد آتیهٔ خود بیادگار گذاشته اید .

اعلیحضرتا !

گر نامه های برجسته و درخشان اعلیحضرت همایونی شما در صفحات تاریخ افغانستان نظیری نداشته همه افراد وطبقات ملت قدر و قیمت آنهمه زحمات خستگی ناپذیر اعلیحضرت شما و برادران با عزم و دانش شما را دانسته ذات ملوکانهٔ شما را درین عصر عرفان برای ترقی و رفاه خود یکی از بهترین نعمای الهی میشمارند تشکیل مجلس اعیان که یکی از موسسه های نافعهٔ تاریخی اعلیحضرت شما است و امروز آن را افتتاح فرمودید افتخار داریم از طرف خود اعضای این مجلس که شرف حضور دارند تبریك افتتاح مجلس را عرض نموده و علاوه تمام آرزوی یگانهٔ ما حصول رضای خداوند و طاعت امر ذات همایونی بوده و برای اجرای امور وظائف خویش با خلوص نیت و اعتقاد راسخ از خداوند متعال استمداد مینمائیم تا در پیشگاه ملت و در این عصر مجال ملت دوستی و عدالت پسندی اعلیحضرت کسب افتخار نمائیم

خبرهای خارجی

اوضاع انگلستان

(بعد انتخابات)

۱۰ نومبر

چارج لیس بری ، به حیث قائد حزب مخالف عرض وجود نموده جداً اعلان کرد که این حکومت ملی نه بلکه یك حکومتی است که اداره را به جعل سازی وسوء استعمال اطلاق های متاع ونشان دادن مخاطراتی که هیچ ثبات ندارد ، بدست گرفته است .

***

میکدونالد در اول وهله بیان نموده که کار حکومت عبارت از پیش رفتن بر خطوطی است که در اعلامیهٔ حکومت که بسبب غلبهٔ آن در انتخاب گردیده است ... : یعنی وصله مسائل رائج مسائل قرضه ومسائل مسئله موازنهٔ تجارت ، و مسئله موازنه بودجه، وضعیت صناعات و علامات اصلاح را نشان میدهد وجهت رفع علامات مضره اقدامات موثر نموده خواهد شد ، و راجع به اصلاح غیر طبیعی اقتصاد بوسیله حمل و نقل مقادیر زیاد طلا از یك ملت به ملت دیگر بدون توجه بصورت احوال گفت : لازم است بزودی با ملل مربوطه متماس گردیم تا خود را از اشکالات مضر اقتصادی وارهانیم . و اظهار میدهد که مسافرت لاوال (رئیس الوزرا فرانسه) با امریك منجر به ملاقات همه ذات بین المان وفرانسه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 526 of 896

خواهد گشت ، و هر ملتی که این معامله مربوط است باید در مذاکرات آخرین موافقه شامل باشد .

و گفت که کنفرانس میز مدور دوام خواهد نمود ، و امید نمود که موافقت کافی حاصل شود و حکومت امپراطوری بتواند پیش رفت پالیسی خود را بصورت مصوبات عملی اظهار کند .

* * *

در دارالعوام کارگران صف آخرین با فرقه اول اعلان مناقشه نمودند ، و بر مصروف شدن تمام وقت پارلمان به امور حکومتی تا زمان (عید کرسمس) اعتراض کردند ولی در نتیجه حکومت به ۲۷۹ رأی در مقابل ۹ فائق آمده وکارگران دارای رسمیت رأی ندادند ویک مباحثهٔ مختصری واقع گردید ومحافظه کاران بی صبری نشان داده یک پروگرام معین را جهت رفع ارزان فروشی مطالبه می نمودند .

کابینهٔ جدید انگلستان

لندن ۵ نومبر : صدر اعظم بعد از تدقیق تمام کابینه جدید ملی انگلستان را به شمولیت ۱۱ نفر قدامت پسند ، ۵ نفر کارگر ، و ٤ نفر سوسیالیست ملی تهیه دیده است که بقرار ذیل است :

مستر رمزی میکدونالد : صدر اعظم و نگران عمومی مالیات .

« فلیپ سنودن : مهر بردار شاهی

« ستنلی بالدوین : رئیس مجلس

« لارد سینکی : لارد چنسلر

« مستر نویل چمبرلین : رئیس دیوان قرضه جات داخلی وخارجی .

سرهوربرت سموئیل : وزیر داخله

« جان سایمن : وزیر خارجه

جی ایچ تومس : وزیر مقبوضات

سر فلیپ کنلف لستر : وزیر مستملکات

لارد هیلشام : وزیر حربیه

مارکوایس : وزیر هوائی

سر سموئیل هور : وزیر هند

سر بی مونسل : وزیر بحری

مستر والتر : وزیر تجارت

هلتن نیک : وزیر صحیه

سر جان گلمر : وزیر زراعت

سر دونالد مکلین : وزیر معارف

سر هنری بترتن : وزیر عمال

مسی گور : وزیر فوائد عامه

سر ارچی بلد : وزیر اسکاتلیند

روتر

هند و انگلستان

(کنفرانس میز مدور)

۷ نومبر

بصورت موثوق دانسته شده است که اعلامیهٔ مورخه ۱۹ جنوری گذشته حکومت برطانیا حالا نیز مانند سابق اساس کنفرانس میز مدور خواهد بود .

این اعلامیه به موافقت تمام پارتی ها شده بود وظاهراً هیچ یک حکومت برطانیا نیز از آن منحرف نخواهند شد .

شام روز جمعه در منزل مالویه یک جلسه طولی وقع شد و دروازه ها مسدود بود . در جلسه مذکوره گاندی سپرو ، جینکر ، مالویه ، خانم سپیار وبان ستنالوادا ، ونگا سوامی اینگر وعکی سار شمول داشتند وراجع به وضعیت کنفرانس میز مدور بحث مفصل نمودند . وراجع به اداره های که فعلاً در دوتر نماینده گان شائع است که پروگرام فعل حکومت راجع به تشکیلات هند صورتی دارد که آیا بورت ساندن ومکتوب حکومت هند موافقت داشته باشد ، خیلی اظهار خوف نمودند .

وجهت تبلیغ این خوف نماینده گان در جلسهٔ مذکوره فیصله نمودند که راجع این موضوع به صدر اعظم مکتوبی بنویسند ومکتوب مذکور را تسوید نموده اند که غالباً هفته آینده به « داونگ ستریت » فرستاده خواهد شد .

۸ نومبر

۲۷ نفر نماینده گان هند برطانوی متعینهٔ کنفرانس میز مدور مکتوبی به صدر اعظم نوشته اند وراجع به اواه شایعه اظهار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 527 of 896

ناندوه نموده اند ، اوازهٔ مذکور این قرار است که : بصورت قدم اولین در تجدید تشکیل سیاسی هندوستان ، به هند خود مختاری ایالتی داده خواهد شد و مسئولیت مرکزی اتحادی (فدریشن) را برای ما بعد خواهند گذاشت . نماینده گان مذکور معتقد اند که احتیاج موجودهٔ هند را تنها یك نقشهٔ بزرگی رفع نموده می تواند که مسئولیت مرکزی مانند خود مختاری واحد های متزك منه اتحادی قسمت کلی آنرا تشکیل نماید و در حالیکه اعتراف مینمایند که مسئله اقلیات تا حال بصورت اطمینان بخشی حل نشده است ، تاکید میکنند که باید این مسئله در راه ترتیب یك نقشه بزرگ حکومت مسئول که یگانه وسیله حل مسایل مشکل است ، حائل واقع نگردد . در جمله امضا کننده گان دیگر مکتوب گاندی ، مالویه ، شاستری سپرو ، جیکر ، خانم رولن ، انگسوای ای ننگر ، جمال محمد ، و خانم نائیدو نیز شامل اند .

مذاکرات که درین هفته در بین مسلمین و اقلیات کوچکتر جریان داشت ، ختم یافته است . دانسته شده است که در کنفرانس بین نماینده گان مسلمان و اقلیات کوچك تر راعلان حقوق و مطالبات خود تجدید نظری نموده اند و حالا یك موافقتی راجع به دعاوی مشترکه ایشان صورت گرفته است .

۱۰ نومبر

گاندی در موقع عودت خود از اکسفورد به لندن بساعت ۱۱ قبل از ظهر روز دوشنبه چون روز خاموشی او بود تحریراً گفتگو می نمود . و نوشت که در اثر فیصله کمیتهٔ کار کانگرس من عزم سیاحت اروپای خود را فسخ نموده ام و چشم من متواتراً به طرف حوادث هند دوخته است و فکر میکنم که در حال جریان کنفرانس میز مدور رفتن من از انگلستان غلط است و امید دارم که در عین هفته تاریخ حرکت خود را از انگلستان تعین نموده بتوانم . امروز رئیس موسسهٔ کین و وی رمستر سن گیتا و خانم او گاندی را ملاقات نمودند .

تقریباً ۱۶ نفر نماینده گان متعینهٔ کنفرانس میز مدور شام روز دوشنبه در منزل مالویه اجتماع نمودند وراجع به مسائل که در مقابل کنفرانس مذاکره کردند و نیز باید به اقدام دیگری که جهت تکمیل مکتوبی که بنام صدر اعظم نوشته اند لازم شود ، بحث کردند . دانسته شده است که سپرو اجتماع نموده که برای آخرین مرتبه جهت حل مسئله فرق سعی کنند ، زیرا بدون حل آن ممکن نیست نماینده گان هند یا نماینده گان حکومت نقشهٔ اتحادی را به صورت کامل به پیش ببرند . چون گاندی حضور داشت مذاکرات نیز بی نتیجه ماند و امروز بآن ادامه خواهند داد .

چین و ژاپون

پیغام جاپان از هاربین بیان میدارد که در زمرهٔ مقتولین چینی یك نفر آن قوماندان رجمنت (آلای) و دو نفر صاحب منصب و ۶۴ نفر آن خورد ضابطان می باشند . عساکر جنرال «مجن شان» در بین انگکال چی و [illegible] سیانگ اجتماع نموده میروند . و [illegible] نیز بدانجا فرستاده می شود .

اعلامیه مجمع ملل

پیغام جنوا بیان میدارد که ، از طرف بریان و رئیس حلقه مجمع ملل به نانکنگ (چین) و توکیو (جاپان) اعلامیهٔ به وسیلهٔ تلگراف اصدار شده است که چون توسیع حوادث جدیده به طرف مانچوریای جنوبی و اطلاعات بدی که راجع بآن میرسد ، سبب تشویش حلقه گردیده است باید عملیات را حربی را معطل سازند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 528 of 896

طبع نه‌تنها :

یکی از دوق نامه نویسان شوخ چشم بعالم تازه بمغرب مخصوصی که تازه آشنا شده بود گفت :

خانم ! بسیار میل دارم اجازه بدهید یک بوسه گک قشنگی بروی ناز بین شما طبع کنم !

خانم جواب داد : « بشرطیکه نشرش نکنید . »

دانس بازیکی

در کدام شهری مردی تازه واردی که عزم رقص رقص خانه داشت راه گم کرده بمهمان خانه رسید و از یک عده مردمانی که در آنجا حضور داشتند پرسید رقص خانه همین جاست ؟ گفتند بلی !

— چه وقت شروع می‌شود ؟

— بعد از نصف شب !

— قیمت بلیط چند است ؟

— این لباس بدون بلیط و هر کس بجا شامل شده می‌توانند .

مرد مسافر پس از کمی انتظار دید چراغ‌ها را خاموش کردند ، علت پرسید ، گفتند اینک رسید وقتی که کیک‌ها ماوره و ساچه‌ها تمامی مسدود گشته ، و دانس بازیکی شروع شود .

نوکر و ماهی پز

یک خدمتگار نزد ماهی فروش برای خریدن ماهی آمده با تعجب پرسید : آیا این ماهی را شسته و پاک کرده اید ؟

ماهی فروش : — عفو کنید ، اگر شما علم حیوان شناسی را می‌آموختید مایه تعجب شما نمی‌شد . زیرا این ماهی‌ها تمام حیات خود را در آب گذرانیده اند و حاجت به شستن ندارد .

رسام

دو نفر آدم در یک اطاق ریل باهم همسفر شدند و هیچ کدام یکدیگر را نمی‌شناختند رسام بعادت معمول با کمال دقت بطرف آن شخص دیگر نگاه میکرد سپس گفت مرا عفو کنید از اینکه به نسبت تقاضای پیشه خودم که رسامی است اینطور تیز تیز بطرف شما می‌بینم .

شخص دیگر نگران اینکه هیکل و وضعیت او پسند خاطر رسام شده ، رسم او را بردارد ، با ملتوسات دهشتانه جواب داد اگر اینطور است بلی مایلید !

رسام : — بلی آرزو دارم که برای یکی از روزنامه جات که در آنجا مستخدم هستم کاریکاتورشانرا و دانسته بفرستم .

فلسفه فردا :

— چرا هر روز بقرضدارت فردا وعده میدهی و مردم که آیند باز میگوئی فردا در حالیکه میتوانی مثلا " وعده را دور قرار داده و یکباره بعد بگوئی

— زیرا وعده‌های دور اگر تکرار شود قرضدار را بخشم میآورد .

اما در هر روز آمدنش بالاخره دلتنگ و مأیوس شده و از پول خود صرف نظر میکند .

لاف و بلاف مرجوک

یکنفر لرکلاغر اندام و قد کوتاه داریم که هر وقت بالایش قهر می‌شود ، میانه پیراهن خود را بخاکی میکشد تا اینکه خشمم و عرقش می‌شود .

جد مرحومم کباب و برق قدها را بسیار دوست داشت .

هر چاشت برای خوردن آن میرفت و پیشین بس میآمد سر او خانه ما یک [illegible] ... [illegible] لوث آدم که هر سال سه خروار حاصل میدهد .

نوکر ما روز دوشنبه از بام خانه ما افتاده و روز چهارشنبه بزمین رسید .

دیروز یکدانه چار مغز را شکستاندم میانه آن یک جوره پیزار بشوری بر آمد .

دیروز نوکر خود را جواب دادم زیرا یکدانه کراچی را دزدیده در الماری کتابهایم مخفی کرده بود .

یک کیسه پول از پدر مرحومم بمن میراث مانده که هر وقت از مقابل دکان صراف میکذرم ، جیبم حرکت میکند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 529 of 896

مؤلف: لەبلانیه فرانسوی: (۲۱) مترجم حبیب الله طرزی:

مادام سان ژین

از فصل یازدهم

داماد غیر مترقب

بیبرگ: «فردا من باید بحکم وفریضهٔ خودم را ادا کنم با بمجردیکه (سان کولوت ها) را به شان روان ساختیم عقب بدبختانی که اولاد ما را دزدیده اند بشتاب روانه خواهیم شد . یک سرباز باید بیشتر از همه چیز فریضه اش را ادا کند ... مگر تا وقتیکه جنگ خاتمه یابد توچه خواهی کرد؟ یک زن در میان یک عالم مرد؟ من نه میتوانم برای حمایه تو از جنگ دست کشم . درصورتیکه هیچ یک مناسبتی باتو ندارم ، نه میتوانم که از مافوقان ویا ما تحتان خودم کسی را به حمایه تو بگذارم؟ بلانش عزیزم آیا تو بد های مرا خوب درک نمودی؟ »

بلانش گردن مقبول خودش را خم نموده خاموش ماند .

بیبرگ: « اگر با پدرت وبا وزن مقابله شویم آیا چون طفل ترا در دست دارند میتوانند که بر توفشار بیاورند . آیا من بکدام حق میتوانم ترا مدافعه کنم بگانه راهی که ما را ازین اشکالات وتکالیف نجات میدهد ... ؟

بلانش: « بگو به بینم چه میخواهی بکنم؟ »

بیبرگ: « با فوراً زن وشوهر شویم هر چیز برای عروسی ما آماده ومهیا است کشیش در کلیسا (ونار) بالا بر نوده کاغذات عروش خوابیده است . تنها اینقدر لازم است که او را بیدار ساخته و بگوئیم نام ما دو را در کوترات تبدیل کند و کشیش هم نکاح ما را به بندد یا محبوبهٔ من یا ومرا در زمرهٔ مسعود ترین مرد های دنیا داخل گردان ! »

یک ساعت بعد در آن لحظه که گلهٔ اولین توپ بصدای مهیب خودش شروع محاربه را اعلان نموده ، عروس وداماد غیر مترقب از زینه های کلیسا در بین کف های شادمانی سربازان انتزیانی وبعرهای تیر یک افسران ، پایان آمدند .

فصل دوازدهم

بعد از محاربه

یک منظرهٔ شاندار که هیچ گاه در تاریخ فراموش نه می شود از طرف دها قین پتو ، بکی که سر تا سر تپه های اطراف (ژماپ) را تملو داشته ومنتظر نتیجهٔ محاربهٔ استریائیها و (سان کولوت) ها بودند به مشاهده پیوست .

درآنا یکه شفق خیرهٔ صبح از افق مشرق بنای سرکشی را نهاد عساکر شاهنشاهی که در قرب وجوار تپه ها متوقف بودند در جنبش در آمدند .

مواقعیکه ایشان در اشغال خود داشتند وسیع ودر عین حال بر اطراف حاکم بود .

بدامنه تپه ها استحکامات سه قطاره مبنی بشکل نصف دائره تعمیر گردیده ، وباتوپ های سریع الاتش دهن بزرگ تسلیح شده بودند .

تفوق ظاهر عساکر منتظم امپرا طور ودارائی شان در اسلحه وذخایر حرب وقوماندان های صاحب تجربه مثل (کلیرفت) و (بولاو) فتح را برای شان یقین ولابدی گردانیده بود . علاوه ازین شب گذشته سربازان شان استراحت خوبی کرده وطعام های مکلف خورده بودند ، در حالیکه فرانسویان بیچاره تمام شب را در میادین قشلاق بسر کرده وقتی به ثرهٔ نهاری هم نشده بودند ! بایشان یا سب گفته شده بود که بعد از فتح ناشتای صبح را در (مونس) خواهند خورد ، بایصورت داوطلبان بیچاره با قلب های سبک ومعده های خالی بمیدان قدم نهادند .

سربازان بشنیدن اولین صدای طوپ به پیش حرکت کردند وموزیکه ها نت های هیجان آور (مارسیز) را نواختن آغاز نمودند . آواز موسیقه با الحان خروش به هوا بالا میرفت وهزار ها نعره (زنده باد انقلاب) در فضا منعکس می شد ! به خوبی دیده می شد که سربازان فرانسوی تنها عسکر نبودند که بمقابل دشمن مقتدر خود پیش میرفتند بلکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 530 of 896

کشتهٔ عظیمهٔ ملت بود که برای محافظه شرف و ناموس خود بمیدان شرف یک بر دیگر سبقت می جستند و استروپاییهای باعجهٔ تیاری های شان امان نداده متصلاً از مقابل خود میرفتند و آنها را به هزیمت مجبور می ساختند . یک دسته از

گارد های متقاعد که با آنها کپهٔ وبله آمیخته بود خود شان را بزنو بچانه دشمن انداخته یك واحد توپ ها را تصرف وطوبچیان را متلاشی نمودند . غند های قدیمهٔ امپراطوری که بشان و شوکت عسکر زبان زد بودند از دست هیرو های گرسنهٔ جمهوریت که اکثرشان با پیراهن های دهقانی و لباس کاهنی ملتبس بودند و نمیدانستند تفنگ را چطور بر کشند ، شکست فاحش خورده با تلفات زیاد فرار نمودند .

شرف حقیقی امروز بنام پسران پاریس خاتمه یافت . حلقهٔ جناح راست (زیباب) به تند پاریسی تفویض شده بود . اینها در مقابل خود سه عدد از استحکامات بسیار مسلح استروپاییها را یافتند و نامیخواستند سمت حقیقی قوای دشمن را معلوم کنند که سوارهای شاهنشاهی مانند سیلاب مدهشی بر آنها ریختن گرفتند . داوطلبان در مقابل این مرگ یقینی ایستاده منتظر شدند تا آنکه وسیله منطقه نفوذ آتش رسید بعد ازان همه یك جا و یك آن آتش سریع و مدهشی بر آنها کشاده بعقب انشی مجبور شان ساختند باز پسیان ازین وضع غیر مترقبه خود ها مغرور شده

وزیبان دیگر دشمن را از استحکامات آخرین شان بیرون ریختند ، از ین فتح درخشان نه تنها اینکه فرانسه ازپا مالی اجانب نجات یافت و بلژیك از اسارت وارهید بلکه جمهوریت نو بدنیا آمده شان و شوکت مخصوص حاصل نمود .

*

* *

در اثنائیکه فاتحین برای رفع گرسنگی بر لب سبزار نشسته تقریباً شب بود ، قدح ها بنام ملت و شرف (مورتل) سر افسر ژورکت و بنام مجلس ملی و بلژیك های آزاد وحتی بنام انسانیت تجویز شد ؛ سربازان گرم سرگذشت های محاربه گردیده یکی از انها مقابل خودش را مخاطب ساخته گفت .

« هیچ حدس زده نخواهی توانست که در اثنائی که استروپاییها را تعقیب می نمودیم در قلعهٔ لوندال چه یافتیم ؟

رفیق مقابلش : « لوندال بسیار صاحب ثروت است شاید صندوقچهٔ طلائی یافته باشی ؟ »

سرباز : « یك طفل خورد سال با مو های طلائی ! »

یکنفر دیگر « خدا مادام له فور تجسس یك طفل را می نمود . زود بگو الطفل که یافتی چطور بود ؟ »

سرباز : « خوب بیاد ندارم ! زیرا معطل نشدم که اورا خوب تر میدیدم »

« پس معلوم می شود که اطفل بیچاره را معرض مخاطرات گذاشته وخودت بر گشته ! از یك سرباز فرانسه چنین یك عمل نامناسب بود ! »

سرباز : « آقای سارجن ، رجا میکنم بحرف من گوش نهید و بعد ازان سرزنش نمائید .

من وچندی از رفقا برای تفتیش شاتو تعیین گردیدیم و داخل شدیم ، بخوف اینکه مبادا استروپاییها هنوز هم آنرا تخلیه نکرده باشند بکمال احتیاط پیش میرفتیم زیرا خاموشی مرده ، مکان اطمینان بخش دیده نه می شد . . .

سارجن بی صبر شده گفت : « بسیار با فلانه ومد برانه بود ولی بهتر است باصل مقصد بپردازی ! »

سرباز خجل شده بحرف خـود دوام نمود : « در اثنائیکه بسر دابه پایان رفتم سایه مردی را دیدم که عقب خمره ها خودش را مخفی می نمود . من هم نشان گرفته تفنگم را بر او خالی نمودم ولی که به نشان اصابت نکرده ، وشخص مذکور از نظرم غائب گردید .

درین اثنا صدای گریهٔ پسرکی را از اطاق مجاور شنیدم ، خواستم دروازه را باز کرده به بینم کیست دیدم دروازه را از عقب قفل یافتم بعد از زحمت زیاد آنرا شکسته در آمدم ، دیدم طفلی با چشم های گریه آلود یك کنج اطاق نشسته بزبان فرانسه تکرار میکند : « لیونارد گریخت »

در این اثنا کاترین که شنیده بود از پیدا شدن طفل در میان حرف است خودش را رسانیده نعره زد : « اخر آنچه کرده اید که لیو نارد ـ طفل را بعدم فرستاده وپسر را آورده باشی ـ حال کجاست ؟ »
وبا خود بشخص زدن شدة گفت :
« یقین دارم که این پسر نیز سگی است که لیو نارد بد بخت دز دیده وبرای بازوت میخواست به برد . »
باز بطرف سرباز متوجه شده بقهر گفت مگر تو چرا حرف نه میزنی ؟ شاید از کمال شجاعت عوض لیو نارد طفل بیچاره را کشته باشی ! »
سرباز : « بهیچ صورت امکان نبود که اورا با خود بیاورم زیرا آن شخص که شما « لیو نارد » می نامید در اثنای فرار به سبب باروتی که استر با اینها فراموش کرده بودند اتش نهاده بود ، اگر یک لحظه دیگر می ایستادم با قلعه وطفل وهمه به هوا میشدم . بنا بران بکمال تعجیل فرار نمودم هنوز از عمارت دور نشده بودم که صدای مهیبی برخواسته وعمارت به هوا شد . »
کاترین نعره زد : « رفقای من میفهمم که در میان شما بسیار دلهای دلیر موجود است . کیست که بیاید وبه تجسس خرابه های قلعه بامن کمک کند ؟ شاید هنوز طفل در زیر خرابه های آن زنده باشد .
بیائید وهمهٔ تان یک جا حرف از زنید . »
یکی از سربازان : « والله مادام که فیور هرکدام ما بدرجهٔ مرگ خسته شده ایم . »
دیگری : « هنوز یک لقمه نان هم نخورده ایم . » سومی : « باید استراحت کنیم تافردا برای (مونس) اماده باشم علاوه بر آن احتمال میرود که از طرف کدام اتریائی زخمی بیکالهٔ بدبرائی شویم برای یک طفل قبول این همه خطرات بسیار دشوار است . »
کاترین : « پس من خود میروم وهم تنها میروم . زیرا که فیور مشغول اجرای وظیفه است و شما از یک زن بی همت ترید من به مادر این طفل وعده داده ام که طفل را برای او برسانم وبهر صورت باشد باید این وعده ام را ایفا کنم . بخورید وبنوشید که از این بهتر کاری نیست شب شما خوش . »
لاویولت از کنج برخواسته گفت :
« افسوس میکنم که مادام که فیور بازمرا فراموش کردند مجبورم که خودم را خود برای این خدمت آماده نشان دهم . »
در حالیکه یونیفورم اش پارچه پارچه وکار دش بی غلاف وکلاهش بایکی از کلاهای کاپیطان های اتریائی تبدیل یافته بود خرامیده پهلوی کاترین ایستاده وبر سخن خود دوام نمود :
« تو میفهمی که من نمیگذارم از میدان محاربه تنها عبور کنی ، اگرچه امروز باندازهٔ ترس خورده ام که تمام عمرم از یاد نخواهد رفت . آه . آن کاپیطان رساله ـ یک آدم عجیبی بود ! بدبدن او بلزه در آمدم وبرای اینکه از زحمت نجاتم دهد خواست کاسه‌مرا بشکاند . کلاه سنگی آن من از سرم پرید .
چون نه می توانستم سر برهنه برگردم مجبور شده کلاهش را از سرش در ربودم گرفتن این کلاه چندان اسان نبود ، زیرا نه تنها خود او بلکه پنج نفر دیگر هم که در اطراف او بود نمیگذاشتند که کلاهش را بگیرم ، با وجود سر سختی و کاهلی جرمن ها باز هم صاحب کلاه شدم !
کاترین : بخیالم میخواهی بگوئی که کاپیطان مذکور را کشتهٔ !
لا ویولت : چنین خیال میکنم حال بهتر است برویم زیرا چنانچه پیشتر گفته‌ایم در شب ها میترسیم کاترین ولا ویولت در زیر خرابه های شاتو بنای دیواری (ها تر بوت) خورده را زنده یافتند زیرا در اثنای غلطیدن عمارت کیان خشت بخت تصادفاً برو آمده و او را از صدمه نجات داده بود ولی تا رسیدن کاترین از گرسنگی وتنهائی وخوف احتراق قب لب جان بود . وفات شدن ها تربوت تمام اردو فرحناک شده واو را پسر رژیمان سیزدهم خواندند .

(بقیه دارد :)

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داران شاه شهید و حوادث سوانح یک پادشاه محبوب افغانستان ، بعین از نشریات گذشته ما و مقالات روزنامه ها با عجلت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدین خان کشککی پی برده و در صدد خواهش بودند که یک نسخه آن را زیب کتبخانه خود قرار بدهند .

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف باز بنوشتن این چند سطر یاد آوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

__قیمت__

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (۶۱۱) صفحه و (۴۹) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی بقیمت بسیار نازل فروش میرسد .

در داخله :	مرکز	۵ افغانی	
» :	ولایات باضافه محصول پست	۷	»
خارج :	با محصول پست	کلدار	

محل فروش

در داخله : مرکز و ولایات طالبین ، بر عموم دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجاری افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

عرض : هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هرچه بیشتر چاپ شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 533 of 896

انیس

جریدهٔ ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۳ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۳ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط خزائن دولت فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

(شماره ۲۸) (مجلد ۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱ افغانی
محصول پوست ۰
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جادهٔ ارک
مؤسس وصاحب امتیاز: محی الدین
مدیر ونگارنده:

۲ شنبه ۱۵ قوس ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۶ رجب المرجب ۱۳۵۰

گفتن و خاموشی

دو کلمه معروفی هستند که همواره در نظر عقلا وادبا مورد اعتنا قرار گرفته ودر قاموسهای السنه از مسائل مهمی شناخته شده اند.

اگرچه به تناسب تحریر وتلفظ نزد فصحاء هر یکی همه ذکر می‌شوند ولی معانی متفاوت واز هم دوری دارند، هر که مبتدی آموختن زبانیست پیش از همه پیدا کردن آنها میکوشد وهر کس صلاحیت تحریر وتقریر بخود می بیند پیش خود تمیز آن کرده ومعانی متنوعی برای آنها میتراشد.

عقلا وادبا به نسبت مواقع مختلف گاهی خاموشی را بر گفتن ترجیح داده وگاهی هم گفتن را از خاموشی لازمتر دانسته اند وبرای اثبات مطلب جملاتی ترتیب داده وبا بعبارات قوافی متلازم ومناسب الفاظ ومعانی ابیاتی سروده اند که اغلب مردم عوام هم در محاورات ومکالمات خود آنها را قاعده دلیل قرار داده وبرای مقاصد خویش بانواع ساختگی طرق کار میگیرند.

واقعاً این صفات گویائی وخاموشی در هر کسی از روی معانی حقیقی آن جمع آید قابل تعریف است مگر بشرطیکه در اعمال هر یکش از آنکه محتاج زایل شده ودر محل کم وجدانی برای پیدا کردن جملات وابیات کتب دیانتی وشعرا از روی زینت لازم است از روی حقایت وظیفه شناسی مواقع گفتن وخاموشی را مراعات کرده باشد (بوقت گفتن گفتن ووقت خاموشی) با آنکه شاعر محترم گفتن را مقدم ذکر کرده وبمناسبات زندگانی وهوا خواهی تجدد وغیره ملاحظات عصری هم امروز حل عقده های مملکت را در گفتن ها می بینند با وقتی در آغاز گذشته کان نفیس کلام حبه خاموشی چندی پسندیده عقلا وعرفا واقع شده ومعمول شده بوده وبرهان دلائل بسیاری موجود است که فواید خاموشی ها وابلهسیت های بایست تصدیق کرد.

الآن در اینده قدم در اکثر ممالک ومجامع یک انجماد روحی بوده ومردم بحالت خواب آلودی زاده گانی میکردند سر وصدای قانون خواهی ومحترق طلبی با نهضت های دیگری وعقل وجود انداخت که هم از خواب گران غفلت بیدار شده بگویند وبشنوند وبخروشند وبجوشند غالب مردم طبعاً بهمان حالت عادت گرفته وبمقتضیات محیطی طرفدار سکوت وخاموشی بوده واز قرار ابیات سابق سروده اند: سخنه های خاموشی گنجینه گوهر کند

ظاهر هیچ ضرور [illegible] خموشی [illegible] در گفتن نمی آید تا با تطریب هرد از مدت هنگامی که حکم [illegible] خود [illegible] جوامع شخصیات خود را تأمین کرده وسواینکه راه سعادت اقوام را [illegible] میکردند، مردم بتشار استعداد [illegible] از آنجا بودند که خاموشی را ترجیح داده [illegible] دانسته از گفتن دوری کرده چون تاب مقاومت نداشتند بخاموشی می بودند بالاخره ازانکه علم وترقی گذشته

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 536 of 896

وعداوت حکم فرما گردید هر بعضی طبقات درهمان حال باقی مانده خاموشی را از وارا وسیله راحت وعیاشی ساختند ، در حال اولی میگفتند : ساکت باش تا در امان باشی با احتیاط حرکت کنید ، چیزی نگوئید که : زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد ، یا اینکه

لب‌بیوان که نقاب از رخ سخن برداشت
چرا که مردم بد چشم در پس و پیش اند

تا رفته رفته از آن طبقات زمزمه های خوش گذرانی وتنفر بعضی بلند شده ولهجه های مستهزئانه شنیده می شد – گوشه عافیت و کنج قناعت بکف آور !

تا الآن خاموشی بهترین پرده پوش جهالت ونادانی بوده ، گویا اندازه اغلب عقلا و شعرا هم باین طرز فکر معتاد بوده ، گوئی و یاوه سرائی منع گفتن کرده وخاموشی را کمتر از لب گشادن میدانسته اند که مایه رسوائی بشود چنانچه درین موضوع گفته اند

کی کمالی های نادان از سخن پیدا شود
پسته بی مغز چون لب وا کند رسوا شود

ودر جای دیگر میگویند :-

تا مرد سخن نگفته باشد
عیب و هنرش نهفته باشد

الحاصل دلایل بی شمار هست بر اینکه خاموشی مبهم بوده و از بعضی جهات باید هم قدر وقعتی داشته باشد اما به نسبت تحولات دوران و مقتضیات زمان از این هم غافل نباید شد که گفتن نیز بموقع خودش دارای اهمیت ومنافع بسیاری است و از اولی بشخصیات و افتضاحات گوینده مضر واقع شود ، بکثرت اتفاق افتاده که تکلم ویا اقدام یک فرد فداکار و حق پرست سبب احیای یک جامعه خاموش و منزوی واقع گشته یکی از دانایان متبحر زبان فارسی میگوید :

اگر بینی که نابینا و چاه است
اگر خاموش بنشینی گناه است

چه انسان وقتی در امورات مهم وخطیر با اقتدار بوده و احتیاجات جامعه خود را بشنیدن صدایات ویا بکردن اقدامات محسوس شد فوراً گفته بتوانیم که کناره گیری وخاموشی او در نزد حق پرستان از بزرگترین گناه و خیانات محسوب خواهد شد .

مثلا در دوره صفوی که وطن عزیز ما در خطر اضمحلال دچار بوده و از تاخت و تاز رهزنان شئونات مدنی آن مستغرق لجه خون و در ورطه سقوط بود بسا اشخاصی بودند که بعضی اند و نه عالی رشوت و ذخیره هائی خیانات در گوشه هائی فراغتی خزیده در بی غیرتی بروی خود بستند ومشغول مطبوخات چرب وشیرین گشتند یا یکمشت خان منافع نامشروع راه مسافرت خارج پیش گرفته هوسات شهوانی با استراحت روحانی را پیروی کردند شبا روزی مشغول عیش ونوش اسم وطن محبوب را فراموش و برای نشنیدن استغاثه هموطنان مظلوم پنبه غفلتی در گوش کردند نه قلمی برداشتند ونه قدمی نه بداخل مصدر خدمتی برای نجات وطن شدند ونه در خارج متحمل زحماتی برای استخلاص هموطنان گردیدند تا شهریار فداکار ، اعلیحضرت نادرشاه غازی از خارج بسروقت وطن وهموطنان رسیده وسیله نجات ومایه آبرو ملک و ملت گردیدند .

درین دوران آرامش و امنیت و عصر درخشان مدنیت کاملا بی انصافی وبی مروتی خواهد بود اگر از این طبقات تنبل و مفت خوار پس از عمری عودت کننده وبدون خجالت ، انزوا و خاموشی خود را بر گفتن وکار کردن دیگران ترجیح داده ادعای وطن خواهی کنند یا سرهو بیت ومغروریت خود را از غیرت ملی وجنبه عقلی وملی بشمرند .

اینجاست که ما باید در اعمال وافعال خود نسبت به انزوا وخاموشی با گفتن وکار کردن از روی انصاف وحقیقت و جداناً موقع شناسی کنیم نه اینکه حقوق کارکنان وحقیقت شناسان را پامال کرده وهر یکی خود را مصدر افضال معرفی وبنفع خود دلیل ودلایل بتراشیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 537 of 896

اصول وظایف

داخلي شوراي ملي

در انتخاب رئيس ومعين ها و منشي و وظايف آنها

اصل

۱ : — رئيس ومعاونان از وكلاء با كثريت آراء تعين مي شوند ، انتخاب رئيس بايد درجلسه اول انعقاد شوراي ملي درحاليكه اقلاً سه ربع از اعضا حضور داشته باشند اجراء گردد .

۲ : — منشي شوري با نتخاب مجلس و منظوري رئيس و باقي هيئت تحريريه بتصويب منشي ومعاونان شوري از حضور رئيس مقرر مي شوند ، تعين خادم سامان وتحويلدار وغيره مستخدمين را ما از صلاحيت رئيس است .

وظايف رئيس

۳ : — شروع بمذاكره وختم اجلاسات متعلق برئيس است ، همچنان اوقات اجلاسات مقرره يافوق العاده ازطرف رئيس تعين مي شود .

۴ : — بعد از مذاكره بقدر كفايت در يكموضوع رئيس مجلس امر بگرفتن آراء نموده نتيجه را بمجلس اطلاع ميدهد .

۵ : — رئيس دايماً مراقب مذاكرات مجلس بوده هر گاه دروقت مذاكره خلاف موضوع از طرف يكي از اعضاء اظهار شود رئيس طرز مذاكره را باو مي فهماند .

۶ : — هر گاه در بين مذاكرات نظر بوقوع مشاجره ومنازعه اعضاء باهمديگر تعطيل امر مذاكره تصور گردد بمقداد رفع مشاجره ، رئيس مجلس را معطل كرده مي تواند .

۷ : — رئيس مجلس مذاكره يك مطلب را كه در مجلس رسيده است بيك وقت معين ديگر تاخير كرده مي تواند واين قسم مسايل درفهرست آنروز از طرف منشي قيد مي شود تا بروز معين مورد بحث قرار داده شود .

۸ : — انجمن هاي تحقيق كه از اعضاي مجلس تشكيل مي يابد رئيس داخل مذاكرات انجمن ها عند اللزوم شده ميتواند .

۹ : — رئيس مجلس هر گاه بخواهد در مباحثه كدام مطلبي مداخلت كند ، بايد جاي خود را بمعين اول گذاشته وخودش بجاي متكلم قرار گرفته بعد از آنكه لازم داند مذاكره نمايد .

۱۰ : — اجازه رخصتي وكلاء منوط بامر رئيس است .

وظايف معين ها

۱۱ : — معين ها درحال حضور رئيس باعضو مجلس بارئيس معاونت مي يابند ، ودر غياب رئيس معين اول ، وهر گاه معين اول حاضر نباشد معين دوم ، باجراي تمام وظايف رئيس مكلف ميباشند .

وظايف منشي

۱۲ : — منشي امور تحريريه مجلس را قرار آتي تعقيب واجرا ميدارد : —

ا — فهرست كارهاي مجلس را قبل از انعقاد آن ترتيب ، ودر آغاز مجلس بحضور رئيس تقديم مينمايد .

ب — دراين فهرست نظر باهميت ودرجه كار اسماء وخصوصيات لوائح با تاريخ آنها درج مينمايد .

ج — درحين انعقاد مجلس تعداد حضار را بفهرست مخصوصه آن تطبيق داده تعداد حاضر وغير حاضر را معلوم كرده بحضور رئيس عرض ميكند .

د — هر روز بوقت افتتاح مجلس از اصول مطالبيكه درجلسه گذشته بحث شده ومذاكره آن تمام نگرديده براي استحضار مجلس قرائت مي نمايد .

ه — تصويبات وفيصله مجلس را تسويد نموده بامضاي مجلس ميرساند — همچنان نقل آنها را براي طبع بمطبع وجهة نشر باداره جرايد ، باجازه رئيس ميدهد .

تحريرات مختلف نويسان را غور ودقت مينمايد .

و — قرائت لوائح ومكتوبات درمجلس وظيفه منشي است .

ز — منشي بجديد قرائت لوائح وهمچنان بتكرار آن نزد يكنفر اعضاء

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 538 of 896

قرائت را کفی بداند مکلف است .

ح — معلوم نمودن اکثریت آراء در مجلس بحضور رئیس بعهدهٔ منشی است .

ط — سوالات وجوابهائیکه از مجلس بدوائر رسمیه مکتوباً لازم می شود میثوت آنرا منشی تحریر وبعد امضای رئیس میثوت با اوراق متعلقه اش بدفتر سپرده اصل مکتوب آن بمرجعش فرستاده میشود .

۱۳ — از اعضای مجلس کسانیکه با نجمن تحقیق مأمور می شوند باید اسامی آنها با تاریخ انتخاب و وظایف مخصوصهٔ شان در دفتر شورای ملی قید وثبت باشد .

۱٤ : — منشی در حفظ مسائل مبهمهٔ غیر قابل افشاء که در ضمن مذاکرات خود کسب می نماید مکلف است که نباید اشاعه نماید .

۱۵ : — منشی مطالبی را که در یک دورهٔ انعقادیه شوری ملی بمجلس ناتمام مانده باشد باید فهرست آنرا بدورهٔ ثانی در حین فتح مجلس بحضور رئیس تقدیم نماید تا مطابق اصل (۲٦) این لایحه مطرح مذاکره شود .

وظایف اعضاء

۱٦ : — از اعضای مجلس کسانیکه برای منافع ومصلحت عمومیه ، بخواهند چیزی اظهار کنند باید مطالب را در لایحه نوشته رئیس مجلس تقدیم نماید ، تا در صورت موافقت بمذاکره آن قرار اصل (۳۱) اصول اساسی شوری ملی مطرح مذاکره قرار داده شود .

۱۷ : — مطالبیکه قرار اصل (۱٦) فوق برای مذاکره در مجلس قبول میشود مجلس مختار است بهمان ساعت در آن موضوع مذاکره نماید ویا مذاکرهٔ آنرا بدیگر وقت بگذارد .

اصول آداب مجلس وترتیب مذاکرات

۱۸ : — اعضای مجلس باید نهایتاً بهمدیگر بکمال ادب واحترام بوده وحرکتی را که منافی اصول آداب مجلس وتضیع احترام وحقوق دیگری باشد ، مرتکب نشود . واگر یکی از اعضاء مشغول نطق باشد باید از قیل وقال ، وهیجان سرگوشی کردن بایکدیگر فکر آنرا پریشان نسازد — هرگاه شخصی از اعضاء مرتکب این افعال شود از طرف رئیس مجلس نصیحت وترک آن توصیه می شود .

۱۹ : — الف : تا اختتام قرائت لوایح یا دیگری اوراق هیچیک از اعضاء تعرض وتنقید ، یا استفسار شفاهی را حق ندارد تا که لزوم اعتراض وتنقید ، یا استفسار باشد اعضاء هریک در کاغذ یک روی مراد خود را یاد داشت داشته باشد بعد از اختتام قرائت لوایح وجمع یادداشت های خود داخل مذاکره شده می توانند .

ب : — اعضای مجلس مطابق اصل (۱۲) و (۳۰) اصول اساسی شوری ملی در اظهار رای خود آزاد اند ودر موقعیکه دو نفر اعضاء مقارن یکدیگر خواهش نطق نمایند اول شخص مقدم حق نطق دارد .

۲۰ : — اعضای مجلس در وقت مذاکره خارج از موضوع مذاکره نمیتوانند ودر حین مذاکرات رئیس مخاطب قرار داده میشود .

۲۱ : — در حالیکه یکی از اعضا نطق میکند هرگاه سایر اعضاء ملتفت نطق آن نشوند باجازهٔ رئیس تجدید نطق را نموده می تواند .

۲۲ : — مطالبیکه در مجلس تحت مذاکره است قبل اتمام آن نباید مطلب دیگر ازطرف اعضاء آغاز شود ، مگر در صورتیکه مطلب ثانی مقدمهٔ مطلب اول یا توضیحات آن باشد .

۲۳ : — مطالبیکه در مجلس مذاکرهٔ آن تمام شده است ، قبل از تحصیل آراء برای استحضار مجلس مجدداً قرائت میشود

۲٤ : — مطالبیکه فهم آن موقوف بفهم مطلب دیگر باشد ، اول مطلب موقوف علیه را مذاکره کرده بعد به مطلب اول میپردازد .

۲۵ : — مطالبیکه پیچیده گی ویا موشگافی مخالف داشته باشد ، مجلس بخودرا خود شان مسائل وتدقیق کرده مذاکره می نماید یا برای تدقیق وتنقید موضوع از اعضای مجلس انجمن مخصوص تشکیل میدهند .

۲٦ : — از مسائل واردهٔ شوری هر گاه در یک دورهٔ انعقادیهٔ شوری ناتمام مانده باشد بدورهٔ ثانی بمجلس شوری وارد ومذاکره میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 539 of 896

در اصول مباحثه ومذاکره مطالب

۲۷ : ـ شروع بمذاکرات وقتی می شود که اقلاً نصف اعضاء حاضر باشند ، اما در وقت تحصیل آراء حضور تمام وکلاء حتمی است وهرگاه بنابر بعضی معاذیر مثل مریضی وغیره حضور همه وکلاء ممکن نشود اقلاً سه ربع اعضاء باید حضور داشته باشند .

۲۸ : ـ در موقع تحصیل آراء هرگاه از جملهٔ اعضاء بعضاً که تعداد آنها اضافه از ربع اعضاء مجلس فاقد حضور شده باشند حق تردید آراء مجلس را ندارند .

۲۹ : ـ بعد از مذاکره در یک موضوع بقدر کفایت از طرف رئیس امر به تحصیل آراء داده میشود .

صورت تحصیل اکثریت آراء

۳۰ : ـ بعد از قطع مذاکرات که مطابق اصل (۲۹) فوق شروع بتحصیل آراء می شود هریک از اعضاء رای خود را یکی از ورق های کبود وسفید ، که سفید آن علامهٔ قبول ، وکبود نشانهٔ تردید است اظهار مینمایند ، وتمام اینورقه ها بحضور مجلس از طرف منشی شمار شده باینصورت اکثریت معلوم می گردد ، واز طرف رئیس حاصل شماره بمجلس اعلان می شود ـ رئیس ومعین ها بعد تحصیل آراء ، اعضاء رای خود را بترتیب فوق اظهار می کنند (در حال تساوی آراء طرفیکه رای رئیس است رجحان دارد) .

اصول تشکیل انجمن هاي تحقیق وسپردن مطالب بآنها

۳۱ : ـ انجمن های تحقیق عبارت است از هیئت هائیکه ازبین اعضاء برای سنجش های ابتدائی مسائل وارده شوری قرار اصل (۳۱) اصول اساسی شورای ملی بانتخاب مجلس تعیین می شوند وتشکیل آن نظر بضرورت موقتی ویا دائمی وتعداد هر انجمن اقلاً (۱۰) نفر خواهد بود .

۳۲ : ـ تشکیل انجمن های تحقیق بصوابدید رئیس مجلس وتعداد واسامی انجمن ها از طرف مجلس انتخاب وتعیین می گردد .

۳۳ : ـ برای انجمن تحقیق یک نفر منشی ویک نفر کاتب از بین خود اعضای انجمن بانتخاب رئیس انجمن مقرر می شود .

۳٤ : ـ مطالب واردهرا تنقیح وبوقت تمام مذاکره کردن ونتیجه تحققات را بلائحهٔ تحریریهٔ خود مرتب نموده وامور ئیکه رئیس معین می کند درمجلس عرضه داشتن از وظایف اعضای انجمن است .

۳۵ : ـ نتیجه تحققات که از طرف انجمن تحقیق ترتیب می شود خلاصه ویا تفصیل آن را در مجلس قرائت می نمایند وبعداً اوراق مربوطهٔ آن را برئیس مجلس تقدیم می کنند ، تا اگر احتیاج بتوضیحات آن احتیاج شد تکرار خوانده شود ، در صورت عدم قبول رأی انجمن از طرف مجلس در آن باره امر استیناف ، ویا انجمن دیگر منعقد می شود .

۳٦ : ـ مسائلیکه از طرف اعضای مجلس عنوان ، ودر انجمن تحقیق تحت مذاکره گرفته شده باشد ، اعضای مذکور موقتاً در مذاکره وحل سوالات داخل انجمن شده می توانند .

۳۷ : ـ انجمن های تحقیق مطابق لائحه مخصوصه که از طرف مجلس تصویب می شود اجرای وظایف می کنند اما در اصول انتظامات داخلی انجمن تحقیق تابع احکام وظایف داخلی شورا میباشند .

۳۸ : ـ هرگاه اعضای انجمن تحقیق مطابق لائحه مجلس رفتار نکنند اعمال آنها از درجهٔ اعتبار ساقط است .

در اصول معلومات خواستن از وزارت ودوایر مستقله

۳۹ : ـ سوالاتی که مجلس از وزراء کتباً لزوم بدید ، باید منشی آنرا انشاء ، و [illegible] آن اعضاء لنموده رئیس بعد [illegible] آنرا امضاء وبمقام صدارت تقدیم نموده ، اصل را بدفترخانهٔ مجلس بسپارد ، وبرای حاضر شدن وزیریکه حل سوال متعلق اوست باید رئیس مجلس تعیین روز را کتباً بنماید .

در تکالیف مستمعین

٤۰ : ـ از اهالی کسانیکه خواهش استماع مذاکرات جلسات عالی مجلس را داشته باشند ، باید تکت جارهٔ شورای ملی را بیتوانند در جائیکه برای مستمعین معین شده ، اخذ مقام نمایند ، اما بهیچ صورت حق شرکت را در مذاکرات ندارند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 540 of 896

۴۱ : ـ مستمعین از حین ورود شان بمجلس شوری تابع احکام امور انتظام مجلس بوده باید بکمال آرامی نشسته مستمع باشند ، هر گاه مخالف نمایند بامر رئیس از مجلس خارج می شوند .

اصول متفرقه

۴۲ : ـ مدت تعطیل شورای ملی ابتداءً از آخر میزان الی اول ثور ، و موعد اشغال در شش ماه باقی در هفته سه روز است باستثنای اوقات کار روساً واعضای انجمن های تحقیقه که در زمن اشغال در هفته بجز روز اجرای وظایف می نمایند .

۴۳ : ـ شکایات راجع بانتخاب وکلا شورای ملی نظر باصل (۲۲) لائحه انتخابات شورای ملی الی مدت یکماه در مجلس شوری شنیده می شود ، و حکم مجلس قاطع خواهد بود ، بعد از انقضای این موعد شکایت کسی شنیده نخواهد شد اعضائیکه قرار تصریحات فوق از طرف مجلس عزل آن تصویب شود تا صدور حکم مجلس وانتخاب و شمولت دیگر اعضا بمجلس شوری اعضای مجلس حساب شده حق رای دارد .

۴۴ : ـ در مجلس سگرت کشیدن و امثال آن منع است .

خاتمه

۴۵ : ـ مجلس شوری هریک از مواد این لائحه را که نظر بضرورت واقتضای وقت لزوم تغیر و تبدیل به بیند می تواند بوضع دیگر قوانین تغیر و تبدیل کند و همچنان فصول جدید وضع نماید .

اجرای احکام مواد فوق لذکر را امر و اراده میکنم ، تحریر ۸ عقرب سنه ۱۳۱۰ ش مطابق (۱۹) جماد الثانی ۱۳۵۰ ق (محل مهر همایونی)

مباحث عام :

جنك از نظر علمي واجتماعي

« جنك مربوط باراده ٔ انسان نبوده وحتی مربوط بعقل او هم نیست ، زیرا عبارت از یك حادثه حیاتی شیمیائی است که مستلزم وجود هر ترقی وتطوری میباشد جنك های حقیقی افراد مقدم بر جنگهای دستجات وقشون است ، وتا زمانی که دستجات انواع بشر برای مبارزه خود احتیاج باسلحه دارد ، هر فردی که دارای احساس وتغذیه ورشد ونمو باشد در مبارزه وجنك خواهد بود .

جنك ومبارزه برای فرد من بود واجب ولازم میباشد ، چه ، وقتی که غریزه فتح و نصرت . باراده وتصمیم نمودن بزندگی کردن امتزاج حاصل نمود هر موجود زنده ای سعی میکند غلبه پیدا کند ، برای این که غلبه پیدا کند بمیدان مبارزه وارد می شود ، و فتح وغلبه هیچ راهی جز جنك ندارد .

آری ! جنك یك حادثه حیاتی است ، وابدا مستلزم این نخواهد بود که برای بدست ، آوردن میزان واهمیت آن ، باموازین اخلاقی وادبی جنك را مقایسه کنیم ، آیا در حقیقت جنك در هر نقطه مرحله ٔ ترقی محسوب نمیشود ؟

در تمام نظامات وقوانین ، با اختلاف مراتب وتفاوت آن ها یك صورتی بخود میگیرد از جنك اموال گرفته تا جنك پولها وثروت ، از تجارت تا اقتصاد ، هر اندازه که نسبت بهمدیگر اهمیت داشته باشند با وجود این بطور حتم منتهی بزد وخورد میشود .

جنك در هر موجود زنده ٔ ، در خارج وداخل ما وجود دارد ، این مسئله ! یك موضوعی نیست که ما آن را باز بچه فرض کرده وروی آن سخن میگوئیم در یك حوادث ساده شیمیائی ابتدائی میدان جنك را به چشم میبینیم ، جسم وهیکل موجود زنده و حتی عبارت از یك میدان جنك وخون ریزی است که هیچگاه آرام نگرفته وخسته نمی شود ، زیرا جسم موجود حی حاکم خاص هر فردی محسوب میگردد ؟

در این کره ٔ دو بسته ، همان طوری که روی این سیاره ٔ که در فضای لایتناهی در گردش است ، جنك هائی برپا است که شعلهٔ فراوان آتش آن در همان نقطهٔ مخصوص عضو خود زبانه میکشد .

جنك گاهی شامل تمام وزمانی شامل قسمتی جزئی از آن میشود ، یك قسمت از این کره ٔ سیار (مقصودش کره ٔ زمین است) در آن شرکت داشته وقسمتی دیگر از آن بر کنار هستند

مرض جز جنك چیز دیگری نیست ، همان طوری که صحت هم یکنوع

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 541 of 896

مبارزه شمرده میشود ولیکن آن هائی که در قسمت ثانی یعنی صحت غلبه پیدا میکنند ؛ از آن دستهٔ اول یعنی مرض اختلاف دارند .

نار این جنگ وقتی که در ردیف ضروریات عمومی وجزء لاینجزای زندگی قرار گرفت از وجهه عقل ومنطق مشروع است ولی از جهت اخلاق ووجدان نا مشروع جنگ در نظر فرد وانسان ـ انسان غیر از حیوان ـ یك استحاله خوف وزرستاگی در زندگی محسوب شده ولیکن در عین حال جزء ، ضروریات قاهرهٔ نوع بشر وحیات او شمرده میشود چه ؛ هر کس که اوراق فتوحات را ورق بزند میبیند ملل قوی بیشتر از سایرین این نتایج بزرگ افتخار میکنند ، زندگی بدون هلك کار سخت ودر اصل خود مخوف و وحشت انگیز است وبرای خلاصی از خوف و وحشت آن باید بخواهیم وبرای بقای خود سعی کنیم :

جنگ مانند مرگ وقتا که ما از مواجههٔ با آن هستیم ؛ خیلی وحشت انگیز است ؛ وجدان وضمیر زیر بار آن نمیرود ولی چه میشود کرد این هم یك سنت طبیعی گردیده است .

حکمت ودانش انسان بهیچ یك از این دو قسمت یعنی مرگ پی نبرده بر آن غلبه پیدا نکرده ، تا از یك طرف دیگر علم او از جنگ جلو گیری کند .

کیست که صلح را دوست نداشته باشد ؟ جنگ را جز دیوانگان و درندگان کس دیگر دوست ندارد .

شخص آرزو میکند که بطاعون مبتلا نشود ولیکن ابدا حاضر نیست که باطاعون بمیرد ، باوجود این مدتهای مدید طاعون در میان بشر بقتل و عام مشغول بوده ، حال اگر غلبه نهائی بر طاعون پیدا شد آیا بشر در صلح کامل و بدون وحشت خواهد زیست .

گفتگو ندارد که اضطرار در تغذیه و تهیه قوت اساسی هر جنگ ومبارزه محسوب میشود عقل هر اندازه که قدرت و تسلط بهمرساند عاجز از مخفی نگاهداشتن حس گرسنگی و اخفاء غریزهٔ تغذیه میباشد بطوریکه اگر یك روز از تغذیه او جلوگیری شود با یك احساسات مؤلمه و مرارت انگیزی با آن مقاومت کرده و با آنکه عکس العمل شدیدی بروز میدهد .

و باین جهة بر هر فردی فرض و واجب گردیده ، که باتمام قوای خود برای این غریزه اضطراری علاج هائی پیدا کرده ، ویا اندکی برد باری و تعقل راه علاج را پیدا کند این دوای قاطع هم در اصل تقریباً جز کار وعمل تا محدود چیز دیگری نیست غذاء ، جنگ ، ترقی وتعالی تمام توابع مشترك بین تمام این عوامل محسوب میشود ، و ممکن نیست در هیچ وقتی از اوقات مبادی و اصول معاهدات وقرار دادها ، نطقها و خطابه ها را تاثیری در حوادث طبیعی باشد ، جنگ ها وانقلابات در هر عصری و در هر مملکتی در راس تمام امور کائنات قرار گرفته است .

مردم همیشه از جنگ و اثرات آن خائف وهراسان بوده ولیکن هیچوقت هم بمحض اینکه ملاحظه کرده اند غلبه خواهند نمود از آن خود داری نداشته اند صلح جهان را عاشقند از منازعات داخلی متنفر ولیکن در حقیقت هر قدمی که برمیدارند از انقلابی بانقلاب دیگر انتقال پیدا میکنند .

خنده آور است که مثلاً روشن شدن آتش فلان انقلاب بزرگ را منسوب بتاثیر نوشتجات فلان نویسنده بزرگ بدانیم وبلکه حماقت ونادانی محض میباشد که مثلاً بگوئیم والتر وروسو (دو نفر از فلاسفه ونویسندگان بزرگ قرن هیجدهم فرانسه) باعث انقلاب کبیر ۱۷۸۹ – ۱۷۹۳ گردیدند ، درصورتیکه هر دوی آنها در اصول وعقاید خود متناقض همدیگر بوده اند ؛ نیز ، جسارت اظهار نظریهٔ که خارج از حدود دایره نظامات زندگی باشد ننموده ، وطوریکه میدانیم مشارالیه یکی از آن اشخاصی بود که مطالعات عمیق در مدارك محیط خود واحصائیه های دقیق درعادات وقوانین وعواطفی که درعصر اخیر نسبت بنظامات قدیمه موجود بود تدوین و مورد مطالعه قرار داده ، وبا اشکال وصور متعددهٔ انقلاب میتوانیم بگوئیم که انقلاب بزرگ فرانسه از تمام مؤلفات : ژ آبه مونتش کالون ، هسوئمن ، پاسکال ، کوبن مونتسکیو و حتی مولیر نیز ایشه فرو رانی داشته ولیکن نمیتوان گفت که نویسندگان مزبور آن قدرت ونفوذ عظیم را دارا بوده اند که جامعه را تکان داده اند این نویسندگان درجماعت ، زبانی حال

مردم بود ، وتغییر از عقاید مردم عصر خود مینموده اند . آنها انقلاب را ایداع وموجد نبوده اند بلکه عقاید مردم را در قالب وشکل مخصوصی ریخته بخود جامعه تحویل داده اند ، ودر این میان روز ولادت وتاریخ وفات خودرا در سجل تاریخ بشر جاوید نگاه داشته اند دربین قرن دوازدهم تاقرن شانزدهم چه اندازه از بی کیش ها ، مجالس دینی ومذهبی مردمان لاهوتی ، پاپ های بزرگ خواستند باصلاح کلیسا اقدام کنند ولیکن موفق نشدند زیرا تا آنموقع هنوز افکار مردم حاضر برای اصلاح این امر نبوده مثل مربی حاضر نبودند که به بینند یك پاچه لوتر میخواهند در کلیسا اصلاحاتی کنند ، ولی همینکه خود مردم خواستند واراده آنها تعلق به این کار گرفت اصلاح شد :

صلح جز بین دو نفر برقرار نخواهد شد ، اگر ثالثی پیدا کردند بطور حتم بین آنها جنگ واقع خواهد شد واین شبیه باجبار در تغذیه میباشد خوردن و آنکی درهر موقعی آفاقی بطاق ازهر نوع ماکولی دارد ، در عالم حیات وزندگی اقویای بزرگ وضعفاء زیردست رفته وجود دارند که همیشه برای صلح کوشش کرده وباهر جنگی مخالف هستند در حالیکه ضعفاء برای تغییر وضعیت خود درحال صلح طالب وخواهان جنگ هستند باینجهت باینکه دست ضعفا را فقط مجبور شان کنیم که روزه بگیرند آیا مردم ، باینکه میدانیم ناگزیر ازتغذیه وتناسل هستند میتوانند از مبارزه با انواع حیوانات و جنگ باآنها خود داری کنند ؟

منظره زندگی همه روزه یك میدان جنگی برای ما نمایش می دهد وهر صدق ما کرور در این میدان مقتول ونابود خواهد بود ، بعقیده من هیچ چیزی مخوف تر و وحشت انگیز تر از این منظره نخواهد بود ، و غریب اینستکه این منظره ناچار ، همه روزه در تکرار و تجدید است ، و قربانیهای این میدان سر بملیونها نفر نفوس میزند .

انسان در عصور اولیه ، نوع خود را میخورد ، ولیکن امروز ثروت و املاك را غارت و چپاول می نماید . شکار یك نوع جنگ منظرفة بوده و در عرف قدماء وسیله تغذیه محسوب می گردید طولی نکشید که صورت مذهبی بخود گرفت وهر مجاهدی را وعدهٔ بهشت داده که در نعیم ابدی بسر خواهند برد ، وزورق ده برد صیاد غالب بود آهو و ببر و غیره را شکار کرده و مزد و عقیدهٔ او در این شکار عقاید اساطیر مقدس را بحیوانات تعلیم میداد ! ..

در حقیقت تصمیم و اراده کردن برای زندگی و حیات عاری از ارادهٔ قوی و مقتدری برای روشن کردن آتش هر جنگی میباشد !

اگر عقل در این امور مداخله داشت جنگ واقع نمی شد ولیکن مقصود از عقل چیست ؟ آیا مقصود یك عقل مقتدر و جبار یا یك عقل ضعیف و ناتوان است ؟ گفتگو ندارد که عقل ضعیف مثل مقدمهٔ بی مروه یك کتاب بی معنی یا احمق آدم لا ابالی میباشد که شنیده نمیشود ؟

آیا اگر ضعیف در مقابل ارادهٔ قوی سر تسلیم فرود آورده از دست او آزاد خواهد شد ؟ یا آنکه قوی او را محو نموده و از بین خواهد برد ! آیا قوی قوی تر از عقل و اراده خود مجبور دیگری معتقد است ؟ آیا من و شما می توانیم در این امور مداخله کنیم ؟ ! ..

خبر های خارجی

تاس

بی کاران برطانیه

لندن ۲۹ نوامبر :

در تمام انگلستان مظاهرات بی کاران جاری است . بزرگترین مظاهره در خود لندن بود ، چنانچه بی کاران بر علیه پولیس بوتل وخشت استعمال نمودند ، و در نتیجه یك صد نفر از طرفین مجروح گردیدند .

سقوط بانک های امریك

امریك : در ده ماه سال جاری در امریکا یکهزار و هفت صد و پنجاه و دو بانک سقوط نموده است که سرمایه آنها قریب که نیم ملیارد دالر (یکنیم کرور) می شود .

در ایران

خبر ... سفیر برطانیا در ایران

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 543 of 896

یاد داشتی بحکومت ایران تقدیم داشته دران حق ورود مال انگلیسی را بدون جواز ورود مطالبه نموده است . و نیز محصولات قالین ایرانی را که در برطانیه وارد می شود ، اضافه نموده اند . فکر عمومی در ایران اینست که این تزئید محصول مقابله ایست که حکومت برطانوی بر علیه قانون انحصار تجارت ایران نموده است .

* * *

طهران : — مرض طاعون در ایران بروز نموده است و سرحد بین ایران و اتحاد شوروی از استرآباد الی استره قرانتین گردیده است .

چین وژاپون

شانگهای : — به تعداد ۵۰۰۰ نفر قشون جاپانی از مکدن بطرف نی ین حرکت و پیش قدمی نموده اند ، و نیز از کوریا قوه جدید به مکدن رسیده میرود چنانچه تا حال یک دسته هوائی و یک غند سوار و یک غند پیاده رسیده است . در اطراف شهر تین سین محاربه شدید جاری است ، قوه انگلیسی که در تین سین است برای حفظ امتیازات برطانوی آماده است .

* *

توکیو : — می لا می وزیر حرب جاپان در مجلس وزرا اظهار نموده است که : افواهات راجع به شمولیت اتحاد شوروی در معاملات چین وژاپون در منچوریا بی اساس است ، وتا حال از قشون شوروی برای شمولیت به حادثه مذکور احدی از سرحد عبور ننموده ودیده نشده است .

هند وانگلستان

روتر

(کنفرانس میز مدور)

نماینده گی مسلمانان هند بسر کرده گی آغاخان روز دو شنبه وفدی به وزیر هند فرستاده تا با سموئیل هور راجع به مسایل مربوط به سرحد و سند مذاکره کنند ، ملاقات مذکور ۷۵ دقیقه دوام نمود ، چون هور بنابر خرابی صحت نتوانست حاضر شود ، نماینده گی مذکور را سینوار پذیرفت . نماینده گی مذکور اطلاعات اخری را راجع به حوادث کشمیر گرفته با نظریهٔ خود تقدیم نمود .

* * *

گاندی به شاگردانی که جهت شنیدن نطق آن راجع به عملیات مربوط به کنفرانس میز مدور اجتماع نموده بودند چنین بیان نمود :

مذاکره نمودن از عقب میخ های آهنین محبس آسانتر است نسبت به آنکه در کنفرانس میز مدور ، بوده شود اگر من در تحصیل آزادی برای هند کامیاب نشوم رجال و نسوان هموطن خود را دعوت خواهم نمود که به عدم اطاعت سلمی (۱) شروع نموده و با مسرت ملیون ها حیات را در این مجادله فدا نمایند

در کنفرانس که تا به سه شنبه دوام داشت کار مهمی از پیش برده نشده است ومساعی که جهت تجدید مذاکرات هند ومسلم صرف نموده شده بود تا بحال غیر مفید ثابت شده است .

پس از عودت گاندی از اکسفورد آوازهٔ وسیعی شایع است که گاندی حاضر است مسئله خود مختاری ولایتی را قبول نموده ، مسئله تشکیل اتحادی را بگذارد که در مجلس شوری که مرکب از نفری انتخاب شده ، وکشیده های غیر ولایتی خواهد بود ، تحت مباحثه بگیرد . ونیز گفته می شود که گاندی از قضیهٔ کاریت طرفداری میکند ، نماینده گان مهم خصوصاً سپرو ، شاستری ، مالوی ، جیکری ، و رام چندرآ رو ، طرفدار [illegible] گاندی یعنی قبول نمودن خود مختاری ولایتی هستند ومتفقاً عقیده دارند که چون قضیه خود مختاری ولایتی قبول نموده شود مسئلهٔ اتحاد پشت سر خواهد افتاد ، ویا دیگر روی کار آوردن آن وقت زیادی میخواهد - در عین زمان صدر اعظم رفقای خود وهم چنین اشخاص دیگر را ملاقات نموده میرود تا زود تر به فیصله برسد . عموماً اعتقاد می نمایند که کنفرانس میز مدور بتاریخ ۲۲ نومبر بعد از دو اجتماع جلسه مکمل در هفتهٔ آینده ختم خواهد شد ، صبح روز چار شنبه صدر اعظم ، لوید را در داونینگ ستریت ملاقات نموده .

---

(۱) مبارزه بدون خونریزی - پاسیف رزیستنس .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 544 of 896

۱۲ نوامبر

گاندی در حین ملاقات وی با رویتر در لندن گفت : من معتقدم که اگر حکومت جداً میل داشته باشد کنفرانس میز مدور ناکام نخواهد شد . چون از او سؤال نموده شد که چقدر وقت لازم است که مطمئن شوید حکومت میل این عزم را دارد ؟ گفت در یک هفته خواهم دانست و تا زمانیکه بصورت معین بدانم که توقف من در انگلستان فائده ندارد ، امیدوار خواهم بود . از او پرسیده شد که آیا در صورت بر هم خوردن کنفرانس خطر عدم اطاعت سلمی بصورت فوری متصور نیست گفت و تا زمانیکه کمترین امید هم وجود داشته باشد در عدم اطاعت سلمی فکر نخواهم کرد من به تمام اشخاص مربوطه اطمینان نموده میتوانم که تا زمانیکه امید پیش بردن مذاکرات بصورتیکه فعلاً آن مصروف هستم وجود داشته باشد ، عدم اطاعت سلمی حدوث نخواهد نمود :

۱۳ نوامبر

ترتیب گرفته شده بود که در شب پنجشنبه بنا بر تجدید اجتماع کمیته اقلیات کابینه در دار الوزراء جلسه نماید و عموماً فیصله نموده اند که مباحثه آتی عائد به پالیسی بریطانیا به نسبت هندوستان خواهد بود .

اگر کابینه اقلیات امروز (روز جمعه) جلوس کند راجع به کابینه یا به صدر اعظم اوازه های زیادی شیوع دارد . غالباً صدر اعظم فعلاً خود مختاری ایالات مرکزی را اعلان خواهد نمود ، بعض مسئولیات مرکزی برای آینده خواهد ماند که در اوایل سال آینده مخصص وطنوی هندی راجع به آن بحث کنند . این مسئله بر نماینده گان تاثیر غریبی نموده است شاستری در حین ملاقات بیان نمود که من در راه معرفی نمودن خود مختاری ایالات با مسئولیت مرکزی یکجا هیچ اشکالی نمی بینم . داکتر انصاری اظهار عقیده نمود که مسایل مهم را باید به فیصله آینده موقوف دارند . جیره بیان نمود که من طرفدار خود مختاری ایالتی بدون مسئولیت مرکزی نیستم جیکر تاکید نمود که اعطای خود مختاری ایالتی بصورت قسمت اول اصلاح تشکیل باید به هیچ صورت قبول نشود و گفت من عقیده دارم که اگر ورتی هم رفته این مسئله تردید نشود اتحاد معطل خواهد ماند .

دیروز گاندی می خواست سر سموئیل هور وهم چنان رئیس بالدوین را ملاقات کند مگر نتوانست چونکه در وقتی که می خواست اینها را به بیند بنابر کار دیگر معطل گردید .

دربین مسلمانان و اقلیات کوچکتر موافقتی حاصل شد و آغا خان و دیگران آنرا به صدر اعظم تقدیم کردند و دانسته شده است که این موافقت دعاوی مخصوصه مسلمان ها ، اروپائی ها ، مسیحی های هندی و صنوف مظلومه مسیحی ها را نیز توضیح کنند .

۱۳ نوامبر

دعاوی مخصوصه اروپائی ها حاوی مطالبهٔ حقوق و امتیازات میان تجارتی و متاعشی با رعایائی میباشد که از روی ولادت هندی میباشد . و نیز راجع به اجراآت قضاوت جنائی حقوق قبل خود را بر حال میخواهند . و بر پیشنهادی که راجع به اصلاح این مسئله نموده شود باید قبل از اجری شدن از طرف گورنر جنرال تصدیق گردد . تعداد مفصل نماینده گی تمام فرق در تقنینیه های مختلفه قرار ذیل است :

از روی این اعداد ، در اطاق علیای تقنینیهٔ مرکزی که دو صد نفر اعضا دارد یکصد و یک کرسی به هندو ها و ۲۰ کرسی به صنوف مظلومه ، و ۶۷ کرسی به مسلمانها و یک کرسی به مسیحی ها و شش کرسی به سکه ها ، یک کرسی به هندوستانی های مسیحی و چار کرسی به اروپائی ها خواهد رسید .

هم چنان در اطاق سفلی که سه صد نفر اعضا دارد ، هندو ۱۳۰ ، صنوف مظلومه ۴۵ مسلمانها ۱۰۰ مسیحی ها ۷ سکه ها ۱۰ ، هندوستانی های مسیحی ۳

و اروپائی ها ۱۲ کرسی خواهند گرفت .

در تقسیم بنگال که دو صد نفر عضو دارد ، هندوها ۸۰ کرسی و صنوف مغلوبه ۳۵ و مسلمین ۱۰۲ و مسیحی ها ۲ و مسیحی های هندی ۳ و اروپائی ها ۳۰ کرسی خواهند گرفت .

در بمبئی که اطاق آن از دو صد نفر عضو دارد ، هندوها ۸۸ ، صنوف مغلوبه ۲۸ مسلمانان ها ٦٦ مسیحی ها ۲ ، مسیحی های هندی ۳ و اروپائی ها ۱۳ کرسی خواهند داشت . در بنگال که اطاق آن دوصد نفر عضو دارد هندوها ۱۰۲ صنوف مغلوبه ٤۰ ، مسلمانان ها ۳۰ ، مسیحی ها ۱٤ ، مسیحی های هندی ٤ و اروپائی ها ۸ کرسی را حائز خواهند شد .

در پنجاب که صد نفر عضو دارد هندو ها ۱٤ صنوف مغلوبه ۱۰ مسلمانان ها ٥۱ سکه ها ۲۰ و دیگران ٥ کرسی خواهند داشت .

یادداشت تفصیل اشاره میکند که هندو ها و سکه ها این پیشنهاد راجع به نماینده گی موافقت ننموده اند لکن موً خر الذکر نماینده گی را که در مرکز دعوی مینماید خواهند گرفت . و نیز یادداشت مذکور بیان میدارد که تقسیم کرسی ها تمام نقشه را تشکیل میدهد و تصویبات متصل ممکن نمی شود و از دعوت می کند که این مصوبات را میتوان از طرف ٦٤ فی صد نفوس هند قبول نمود .

***

در موقع اختتام جلسهٔ کمیتهٔ اقلیات نماینده گان مهم با هم ملاقات نمودند و راجع به اینکه صدر اعظم مداخلت را در مسایل فرق قبول نموده است مذاکره کردند و فیصله نموده شد که قبل از فیصلهٔ آخرین باید نظریهٔ مسلمانها را بدانند اعتقاد میرود که گاندی نیز مخالف فیصلهٔ که از طرف صدر اعظم شود نیست بشرط آنکه مخصوصاً به مسئله اقلیت مربوط به مسلمان وهندو وسکه تعلق داشته باشد واز مفاد های دیگر نماینده گی نکند .

* * *

بصورت فوری بعد از قیام دار العوام کابینه جلسه نمود تا راجع به بیانیه که میکدونالد درهفته آینده در کنفرانس میز مدور نمود نیست بحث نماید . محتمل است جلسه دیگر کمیته تعمیر اتحادی روز دو شنبه عقد گردد و فعلاً میگویند جلسهٔ آخرین کنفرانس روز سه شنبه منعقد خواهد شد .

***

۱٤ نومبر :

نماینده گی مسلمانان متعینهٔ کنفرانس میز مدور سر کرده گی آغاخان با سموئیل هور (در دفتر هند) ملاقات نمودند وعاید به کشمیر و سرحد شمال غربی مذاکره کردند . دانسته شده است که اشکالاتی را که بهر مسئله ربط داشت به خوبی تحقیق نمودند و نماینده گان عموماً به (هور) اطمینان کردند که ما اطمینان داریم که به مطالب نماینده گی ما با نیک موافقت گوش داده اید و بعداً از آن درهوتل (ریتس) با گاندی ملاقات نمودند و دانسته شده است از مسایل فرقی مختصراً بحثی نمودند . جلسهٔ دیگر امروز منعقد خواهد شد .

۱٥ نومبر

گاندی روز شنبه لارد اروین را ملاقات نمود .

در اثر بیان صدر اعظم در روز جمعه راجع به اینکه گفته بود آماده است در مسئله فرقی [illegible] ، نماینده گان مهم جلسهٔ های متعدده در روز شنبه نمودند و راجع به صورت مطالبهٔ که از صدر اعظم نمایند مذاکرات کردند . بعداً [illegible] که اجتماع او ثبت نموده است امضای نماینده گان را بر یک مکتوبی میگیرد که قرار معلوم بیان میدارد که او برای ادامه کار کمیته تعمیر اتحادی ورسیدن به فیصله جات وامضا کننده گان فیصله مسئله را باندازه که به هنود ومسلمین وفرقه سکه تعلق دارد به صدر اعظم وامی گذارند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 546 of 896

خبرهاي داخلي

آغاز مجلس اعيان :

روز دوشنبه ۸ قوس ، تمام حضرات اعضاً مجلس که از طرف عالیقدر جلالتماب مير عطا محمد خان رئيس ، براي انعقاد مجلس دعوت شده بودند ، بساعت ۹ قبل از ظهر حاضر و شامل مجلس گرديدند جناب رئيس شروع به انعقاد مجلس نموده مختصر بيانيهٔ دادو از طرف اعضاي مجلس مجاب گرديدند ؛ بعد شروع به کار نموده راجع به امور اداري و وظائف داخلي مجلس بحث و مذاکره نمودند ، چنانچه باکثرت آراء تصويب گرديد .

از صورت مصوبات مذکوره در آينده بحث خواهد رفت ، و فعلاً بيانيه جناب رئيس و جواب که آقاي عبدالحميد خان اعضاً قرائت نموده ، با اسماي ذوات محترم اعضاً ، ذيلاً عرض مي شود :

بيانيه رئيس مجلس اعيان

« بسم الله الرحمن الرحيم »

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى سيما على سيدنا محمد المصطفى وعلى آله واصحابه الشرفاء

اولاً بنام خداي فاتح باعظمت وباري دهنده تمام امور و کشا بنده جميع مشکلات ! استدعاميکنم اذ دوام عمر و بقاي سلطنت پادشاه صحيح ديندار خدا پرست افغانستان اعليحضرت محمد نادر شاه غازي را ، سپس شروع مينمايم بکار اولين اين مجلس عالي که مملکت عزيز ما در عصر مشعشع پر افتخار نادر شاهي ما لک ودارا آن گرديده از کمال شرافت و بي آلايشي اعليحضرت ايشان اصول اداره حکومت ورفاه ملت را با فتتاح آن تکميل وبا ادارات مملکتي دنياي متمدن موافق ومنسق گردانيده اند .

توفيق ميخواهم از خداوند بي زوال وقادر توانا در اجراي وظايف اين موسسه عاليه عام المنفعه تا بتوانم در سايه توجهات ذات شاهانه ومساعدت افکار شما رفقاي محترم همکار خود (اعضاي مجلس عالي اعيان) خدماتي را انجام دهيم که رضاي حضرت احديت جلت عظمته وحضور مقدس پادشاه معظم ما در آن بوده براي ترقي وتعالي ملت نجيبه افغانيه نافع ومفيد بوده باشد .

جوابيه مجلس

جلالتمابا !

سعادت وخوش بختي يک قوم ويک مملکت درين است که بوجود يک فرد رئيس وپادشاه ورهنماي محبي موفق شوند که افراد جامعه را بشاهراه ترقي وتعالي رسا نيده انهارا بکمال خوبي نگهداري نمايند .

حمد ميکنيم حضرت آفريدگار جل وعلى شانه را که ملت ما اعليحضرت محمد نادر شاه غازي يک ذات مکمل الصفات را با عطا فرموده که اوقات گرانبها و داراي همه مزاياي محاسن اسلامي واداري شاهانه شانرا براي ترقيات مملکت وفراهم آوردن اسباب رفاهيت وآسوده حالي ملت مصروف ميفرمايند جلالتمابا !

از جمله اساس هاي رشين ومتين که فکر بلند ورهنماي اعليحضرت غازي براي رفاهيت وبهبود ملت عزيز شاهانه سنجيده اند تاسيس وتشکيل مجلس عالي اعيان است تقرر حضرت جلالتمابي شما که يک فرد از افراد رجال لايق وبهي خواه وطن محبوب ومدارج فضيلت وعالميت شما بر همگان معلوم است بر ياست اين موسسه عاليه از حسن انتخاب ونظريات خيرخواهانه حضور ملوکانه دانسته درين روز فيروز که شروع بکار انعقاد اين مجلس عالي ميفرمائيد تبريکات صميمانه خود ها را به تقرر آن عاليقدر وتاسيس مجلس محترم اعيان تقديم مينمائيم وبراي خود همانو فقات خداوندي را خواستاريم تادر زير شکر آن عضويت اين موسسه عالي که ز حضور ملوکانه آن افتخار داريم ، بتوجهات ورياست پناهي اسباب حضور مقدس پادشاه معظم محبوب القلوب وآسوده حالي رعاياي صادقه شاهانه را فراهم آورده بتوانيم .

اسماي اعضاء محترم مجلس اعيان :

۱ : — [illegible] سردار گل محمد خان بن سردار تاج محمد خان مرحوم

۲ : — ، حاجي محمد اکبر خان وزير تجارت سابق

۳ : — ، عبد الرحيم خان سابق وکيل رئيس شوري حکومت

۴ : — ، حافظ عبد الغفار خان رئيس تميز

۵ : — ، حاجي شير محمد خان قندهاري سابق معين داخله

۶ : — ، عطا محمد خان سابق وکيل نايب الحکومه مزار

۷ : — محمد عزيز خان حاکم کلان دايزنگي

۸ : ـ جناب عبد الحمید خان سابق حاکم اعلی فراه
۹ : ـ » غلام معروف خان سابق معین مالیه
۱۰ : ـ » عبد الحکیم خان سابق حاکم اعلی جنوبی
۱۱ : ـ » خواجه محمد خان مدیر مطبوعات وزارت خارجه
۱۲ : ـ » محمد سرور خان برادر سردار محمد عثمان خان مرحوم
۱۳ : ـ » سلطان احمد خان سابق حاکم کلان اورگان
۱۴ : ـ » معاذ الله خان طوطا خیل
۱۵ : ـ » شرف الدین خان سابق حاکم غوربند
۱۶ : ـ » جان محمد خان سلیمان خیل سابق اعضا شورا
۱۷ : ـ » عبد الله خان حاکم کوهدامن
۱۸ : ـ » قاضی عبدالله خان معروف خیل عضو ریاست تمیز
۱۹ : ـ » سید یاقوت شاه خان سابق عضو ریاست اصلاحیه شمالی
۲۰ : ـ » ملک رحیم دل خان از وجهای معروف خوشی لوگر
۲۱ : ـ » ایشان امین الدین خان قطغنی سابق رئیس معادن ...
۲۲ : ـ » شاه محمود خان
۲۳ : ـ » میرزا عبد الرحیم خان سابق اعضاء شورا
۲۴ : ـ » خان آقا خان سابق اعضای شورا
۲۵ : ـ » خواجه تاج الدین خان یکی از معززین شمالی

لیاقت کار :

طبیبی مریض کیبوی را علاج میکرد پس از چند روزی که از علاج فراغت یافت با حالت تاسف میگفت : مریض بیچاره چشم هایش بهتر شده ولی افسوس که پیش تر چشمهای او هیچ دیده نمیشد و حالا یکی را دو تا می بیند و باز تصور میکنم برای او کاری پیدا نخواهد شد طرف گفت غم نخورید که هر گاه موسسه برق خبر شد فوراً او را برای خواندن متر ها بمواجب بسیاری استخدام خواهد کرد .

خندانیدن عکاسها :

در سوابق اشخاصیکه عکس بر میداشتند بسیار سعی میکردند هنگام عکس برداشتن بسیار مؤدب و موقر بنشینند و عکاسها هم توصیه میکردند دهن تانرا بسته بدید و تان سروالله بگرید و دستهارا راست داشته باشید و . . . . .

ولی حالا اغلب مردم ذوق دارند عکس شان حالت های طبیعی را دارا باشد و عکاسها هم توجه میکنند بوضعیات بی ساخته و آزاد تصاویری بر داشته باشند چنانچه عکاسهای اروپائی برای خنده دادن اشخاصی که عکس آنهارا بر میدارند وجهت کثرت مشتریان و جلب توجه خریدار هنگام فوتو گرافی این طور کلمات استعمال میکنند :

به شاگرد مکتب میگویند : خنده کن یا الله بخند فرض کن معلم حسابت مرده .

برای زن بد شکل : چرا تبخندی خانم غم مخور قیافه ات تا در نیا بنگاه خوشگلی نمره اول شده . برای عجوزه خاله جان ، بخند شاید حکومت قانون جدید وضع کند که مجرد ها زن دار شوند برای خشو : اگر خوشخبری بدهم که زن پسرت مرده یقین نوام میخندی .

برای داکتر : داکتر صاحب هوا بار مختلف شده یقین ناخوش بسیار و دوا گران خواهد شد .

خوش خانی :

شخصی کربه الصوتی مانند ملانصرالدین کدام روزی بحمامه تنها با حمامی آوازه خوانی کرده وبخوش خوانی خودش مغرور شده بود روزی بمجلسی خانده وخیال کرد مردم محظوظ شده اند یکی گفت امروز ماشاء الله خوب خواندم طرف جوابداد : بلی اکثر مستمعین از اطاق خارج شدند که جای خود شان را برای عاشق شما خالی بگذارند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 548 of 896

مؤلف : لمبلانیه فرانسوی : (۲۲) مترجم حبیب الله طرزی :

مادام سان ژین

از فصل سیزدهم

« عشق وجنگ »

« تولون » مثل لیون ، مارسیلز ، کاین پوردو ، پناه گاه های مستحکم خائنان وشه پرستان شده مانده بود ، شاه پسندان و پارتی مشهور (ژیرون دن) متحداً در واره های شهر را برای عساکر متحده جرمن وانگلیس باز کرده بودند . این وقتی بود که پادشاهان یوروپ متحد ومتفق شده بودند تا فرانسه را بکلی خراب سازند ویا قوانین منحوسه ویک خاندان پادشاهان متنفر را بر یک ملت آزاد شده بنشانند عین درهمین وقت یک پارتی تشکیل شده بود که با دشمنان فرانسه داخل مراودات خیانت کارانه شده ، میخواستند که ایشانرا برای تصفیه معاملات داخلی وطن خود بر انگیزانند .

خوش قسمتانه اشخاص جدی وطن خواه مثل : (رابسپیر) (سنت ژوست) (کوتون) (کارنو) ادور کمیتهٔ (امنیت عامه) که در پاریس تأسیس گردیده بود عضویت داشتند جماعات داو طلبان در مرکز وهم در ولایات برای تکمیل مدافعهٔ ملی وتشکیل اردو یک بر دیگر سبقت می نمودند . جنرال های جوان مثل (هوش) (مارسو) های شاه پسندان را که تا آن وقت سر افسر بودند ، گرفتند .

این هم خوش قسمتی فرانسه بود که در اثنای این ساعهٔ پر خطر توپخانهٔ دسته جات جمهوریت که (تولون) را محاصره کرده بود در زیر قوماندهٔ یک افسر جوان و مجهول الحال (ناپلیون بناپارت) می بود .

شهر (تولون) در تصرف خارجیان بود که از راه بحر سفید درانجا داخل شده بودند وآنرا بقوهٔ جهازات جنگی نگهداری می نمودند . اسپانیولی ها ، اهالی ناپولی ، سارد ها ، و ماتسوی ها یکدیگر خود را در کوچه های شهر شانه میزدند . علاوه برین ها پوپ یک عده پادری ها را برای بر انگیختاندن اهالی فرستاده بود . قوماندانی این دسته جات بی قاعده وغیر منتظم که در زمن ناپلیون اردوی منتظمهٔ ایطالیا را تشکیل داد اشخاص نالایق و نا فهم بود ؛ زیرا بواسطهٔ استعفا یا مهاجرت تمام افسران تعلیمیافته تجربه دار از خدمت دست کشیده ، اشخاص کم تجربه وبی علم که دیروز سار بودند امروز به مناصب های بزرگ ارتقا جسته بودند . افسر بزرگ شان (کارتو) یک رسام بد و سرباز بد تری بود که مهارت عسکری او بدرجهٔ صفر بود . ازین جهت وکلای مجلس ملی اوقیل (سالیتی) (فردون) و (باراً) از طرف مجلس منتخب شده آمدند و در موعظهٔ سر بازان و تشویق افسران خدمات شایانی ابراز نمودند .

محاصره خیلی طول کشید . اگر چه استحکامات اطراف شهر همهٔ در تصرف جمهوریت خواهان در آمده بود ، ولی قلعهٔ بحری شهر هنوز مقاومت داشت برای پیش بردن یک محاصره مهارت عسکری تجربه وخون سردی بکار می آید که افسران وافراد این اردوی تازه تشکیل یافته از همه این صفات عاری بودند کارتو که مسئولیت ناکامی را بر عهدهٔ خود میدانست به نهایت مضطرب و بتلاش بود تا آنکه قسمت بسر وقت او رسیده افسر جوانی را که یک روزی فاتح تمام یوروپ گردیده ، به نجات او رسانیده .

بناپارت در اثنائیکه از (اوکنون) بطرف (نیس) سفر میکرد برای ملاقات هموطنش (سالیتی) به تولون معطل شد . (سالیتی) از مهارت او در مسلک توپچی باخبر بوده او را به (کارتو) معرفی نمود . کارتو هم او را برای معاینهٔ طوپ ها برد . بوناپارت بعوض اینکه تمجیدی کند ، بدیدن بازو ها شانه های خودش را تکان داده گفت :

این توپ ها بعوض اینکه جهازات انگلیسی را هدف سازد کنار ساحل را بمبارد می کند .

کارتو میخواست قصور بر دوش باروت خراب نم کشیده بار کند ، ولی ناپلیون

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 549 of 896

این بهانهٔ او را رد نموده نقصان کلی را بر انتخاب موضع و لافهمی طوبچی حمل نمود. مفتشین عسکری دلایل اورا صحیح دانسته ادارهٔ عملیات محاصره را باو تفویض نمودند.

در چند روز دیگر بکوششهای خارق العاده ناپلیون، گرونوبل، مارسیلیا توپها و ذخایر حربی تازه آورده شد ناپلیون دانست که محاصره را بصورت سابق پیش بردن غیر ممکن است، بنابران خواست اول باول جهازات جنگی انگلیسی را از خلیج براند.

برای نصف توپها یك موضع مرتفعی بکار بود که هم بر شهر و هم بر خلیج حاکم باشد. و بعد از معاینهٔ اطراف شهر تپهٔ کوچکی که (اگیلت) نام دارد انتخاب نموده صدا زد: «کلید فتح تولون در همین جاست!»

چنانچه ناپلیون پیش بینی نموده بود بواسطه توپها جهازات انگلیسی را بفرار مجبور گردانیده شهر را در آن واحد در قبضهٔ خودش در آورد. متحدین شکست خوردند، و ناپلیون نام بلند تاریخی خودش را حاصل کرد. بپاداش این خدمت بعهده جنرالی ترقی جسته بطرف (نیس) که مرکز اردوی ایطالوی بود فرستاده شد. از آنجا هم بعد از چندی برای اشغال منصب بزرگتری احضار شد.

مجلس ملی با نتهای دورهٔ پر مشاغله وحشتناك خودش رسیده مشروطهٔ سال سوم را برای مملکت به میراث گذاشته بود. طرفداران «کانوانسیون» در اثنائیکه از کار دست میکشیدند، فیصله نمودند دو ثلث تعدادشان بهر صورت که باشد در پارلمان آینده جای داشته باشند. این مسئله عصیانی را در پاریس تولید نمود از جنرال های موجوده تعداد کمی مورد اعتماد حکومت متزلزل بودند و در یك لحظهٔ سعدی (بارا) رئیس ادارهٔ حکومت ازناپلیون که در زیر دیوار های (تولون) خودش را معرفی نموده بود، بیاد آورده او را به کمك و نجات حکومت خواست. بوناپارت هم چنانکه بر علیه اهالی خیانت کار (تولون) فاتح گردیده بود بر ضد پاریسیان وطن دوست نیز کامیاب شد ودر نتیجه این خدمت جنرال داخلی مملکت گردید.

(بارا) تعیین او را به این عهدهٔ بزرگ بان الفاظ تجویز نمود. «می خواهم که توجه جمعیت ملی را بطرف یك خدمتگار جدی وطن و کانوانسیون وحامی فرانسه جلب کنم این جوان دلیر با کمال مهارت اغتشاش را بر طرف وامنیت را در مرکز قایم نموده است که قابل وسزاوار هرگونه ستایش وتمجید است. خیال میکنم که مجلس محترم ازین افسر شجاع یك نامزد بهتری برای عهدهٔ جنرالی داخلی مملکت نخواهند یافت.»

چند روز بعد (بارا) استعفا نموده بار حکومت را بر دوش ناپلیون گذاشت بانصورت باشتیاق وارزوهائیکه سالها در دل داشت رسیده ومالك ومختار شهر پاریس گردید و به خیال وسعت اختیارات خودش افتاد تا بر تمام ملت نیز حاکم گردد.

بعد از تقرر باین عهدهٔ بزرگ فکر اولیش بطرف عایله اش متوجه گردید عموی خودش را سکرتر خود انتخاب نمود و پنجاه هزار فرانك که برای دفعهٔ اول از خزینه دولت باو داده بودند، برای مادرش فرستاده. خودش را بخریدن یك زوج موزهٔ جدید و دو خط قدری سیم طلا بریك لباس کهنه قانع ساخت. برادرش (لوئی) به منصب کاپیتانی یاورش تعیین گردید.

وبرادر دیگرش (ژوزف) قونسل مقرر شد.

بانصورت ناپارت از حیات تازهٔ مستریحی که برای عائلهٔ خودش فراهم آورده بود مطمئن گردیده وهم چون از ترقی متدرج خود متیقن بود (زیرا مجلس به مردی که شمشیراو را باین درجه احتیاج داشتند هیچ چیزی را دریغ نمی کردند) بفکر تأهل و ازدواج افتاد زنی را میخواست ازدواج کند که آن زن نه تنها صاحب حسن وجمال و دارای مکنت زیاد باشد، بلکه علاوه برین صفات موقعیت بزرگی را در اجتماعات پاریس داشته باشد، تا بواسطهٔ او فقر و پریشانی سابقه خود را مستور داشته بتواند.

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 550 of 896

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داران شناسائی و خواندن سوانح ملك پادشاه محبوب افغانستان ، یقین از نشریات گذشته ما وهمقطاران ، تا حدی باهمیت کتاب نادر افغان مولفه آقای برهان الدینخان کشککی پی برده و در صدد خواهند بود که یك نسخه آن را زیب کتابخانه خود قرار بدهند .

اینك برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف با نوشتن این چند سطر یاد آوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (٦١١) صفحه و (٤٩) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی قیمت بسیار نازل بفروش میرسد .

در داخله	:	مرکز	٥ افغانی
«	:	ولایات باضافه محصول پست	٧ «
خارج	:	با محصول پست	کلدار

محل فروش

در داخله ؛ مرکز و ولایات طالبین ، به همه دوائر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجارتی افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

غرض ؛ هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هرچه بیشتر چاپ شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 552 of 896

انیس

جریده ملی

قیمت اشتراک

در افغانستان	۱۲ افغانی	
محصول پوسته اطراف و ولایات داخله	۲	۰
طلبهٔ معارف	۷	۰
در ممالک خارجه	۰ شلنگ	

لطفاً پول اشتراک که بتوسط حوالی دوات فرستاده میشود باید رسید عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 554 of 896

(شماره ۲۹)

(مجلد)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲۰ افغانی
محصول پوسته ۲ ‹
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جاده اوکک
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده:

۳ شنبه ۲۲ قوس ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ٤ شعبان ۱۳۵۰

قضاوت ملل

معلومات منتشره ذیل نطقی است که آقای فریدرش گوس مدیر شعبه حقوق وزارت خارجه آلمان، در انجمن (راته نو) ایراد نموده است.

اگرچه این موضوع بارها در جراید تکرار شده است، با این چون نطق مذکور از نقطه نظر سیاست خارجی و مخصوصاً حقوق بین المللی اهمیت تام دارد، و آقای محمد طاهر خان آزاد از جریده (دویچه الگمانیا) سایتنگ ترجمه کرده اند، بغرض معلومات عموم وطنان عزیز نیز نشر می نمائیم:

کسانیکه از کوششات مجدد دنیا در راه حقوق بین المللی می شنوند، بدون اینکه از جزئیات مطلع باشند بلافاصله فوراً وقوع مسالمانه تنازعات بین دول، محکمه منصفین دیوان عدلیه هاگ، مجمع ملل، تحریم جنگ ومعاهده کلوگ، در خاطر شان خطور می کنند، وشاید بعضی ها در اطراف مسایل صلح جوئی ومسالمت طلبی هم فکری نمایند. اما من از این مسئله باهمه تصورات شعبی آن صرف نظر میکنم واگرنه از اول ملاحظه بر یک نقطه نظر غلط، بی ثمر اجرا می شود.

اشخاص کافی هستند که قضاوت خودرا درین موضوعات پیش خودشان سهل میدانند. ایشان مسائل را بالا از نقطه نظری ملاحظه می کنند که از همه تکامل تاریخی جلو بوده امکانات موجوده سیاسی را انکار می نمایند، و هر نظریه را که طرفدار حل منطقی خالص نباشد، مرتجع می گویند، و یا هر چیزی را که بنظر شان طرفدار قوه بین حقوق بین مناسبات بین الملل بیاید، غیر ممکن و منافی تقلب خطر ناک گفته، قابل بحث نمیدانند.

در حقیقت این چیزها درین جا قول گوینده را تصدیق میکنند که ... دو افراط و تنها حقیقت بلکه مسئله میباشد.

کنفرانس های هاگ ۱۸۹۹ - ۱۹۰۷

تا چندی سابق نظرات جنگ تنها آنوقت تصور شده بود تا در عوض دعوای که بذریعه قوه عسکری اجری می شود یک دعوای دیگری، موقع داده شود. و در بین دولی، که باهم نزاع دارند بدون آنکه فکر کنند چطور موازنه حاصل میشود، اعلان الصراف جنگ یقیناً بی معنی است.

دوره تکامل این مسئله را قبل از جنگ از همه بیشتر کنفرانس های هاگ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ ونتایج آن نشان میدهد. متأسفانه معلوم است در این کنفرانس ها نه تنها از کوششاتی که برای تخفیف تسلیحات کردند، نتیجه گرفته نشد، بلکه امید های که بعضی اشخاص راجع به یک پیش رفت فیصله آن فکر محکمه منصفین ازین کنفرانس ها داشتند، هم عقیم ماند. یگانه نتیجه عبارت از تشکیل وترتیب قوانین اجرائیه خصوصی بود، تا در اوقات موقعی که دو دولت خواهش مند فیصله یک کامنکت (منازعه) بذریعه یک محکمه منصفین باشند، یک اصل اجراآت اداری آن دانسته شود، و علاوه بر این نتیجه دیگر، تأسیس دیوان عدلیه دائمی در هاگ بود.

اما این دیوان عدلیه دائمی هم که تا امروز وجود دارد چیزی که تمام آن نشان میدهد ، یعنی یك مؤسسهٔ دایمی حقیقی ، برای قضاوت نیست . در حقیقت این دیگر چیزی نیست مگر یك فهرست طولانی اشخاص تا برای آن دول که برای اصلاح کدام کاشمکشی میخواهند یك هیئت منصفی تشکیل کنند ، انتخاب منصفین آسان شود .

وضعیت عمومی در شروع جنگ ۱۹۱۴ چنین بود : این غیر ممکن ثابت شد که تمام دول دنیای متمدن در قبول اجباری مراجعت به یك هیئت منصفین اتحاد کنند ، یعنی تمام دول بمقابل یك دیگر تعهد جدی کنند ، که بعض اقسام کاشمکش ها را بذریعه محکمه منصفین فیصله خواهند کرد .

بالعکس این ، بسیاری دول با همدیگر معاهدات خصوصی انفرادی عقد کرده بودند . در این معاهدات انفرادی ، اصول بروی کار آمده بود که محکمه منصفین را در مجادلات حقوقی قبول میکردند ، اما در عین زمان مسئلهٔ شرف و انترس ، را شرط میگذاشتند . علاوه برین بعضی کوششات ابتدائی شده که در موقع مجادلات غیر حقوقی یك اصول دیگری غیر از اصول محکمه منصفین بروی کار بیاید ، یعنی اصول وساطت یا فرو گذاشتن .

این یك تنقید بی قیمت است ، اگر انسان رفتار و وضعیت آنوقتهٔ حکومات را فقط تمسك نا دور اندیشانه بسیاست زور خالص گفته ، از آن نفرت کند .

عموماً میتوان گفت : این یك اصول ناقابل اعتبار است که در این طور مسائل عصور گذشته از یك نقطه نظری که در یك دوره تکامل بعد تر حاصل شده است ، تنقید کنند .

عدم عقل و بیش بینی یا عدم عزم یك نقطه های نظر بسیار خصوص است که انسان از روی آن اصول های سیاسی یا نظریات اساسی یك دورهٔ تاریخی را خصوصاً تعریف کرده میتواند . عقل و حق بینی جزئیاتیکه بخود به خود ، بلکه زیر اثر حوادث ومسائل حقیقی تکامل موجوده ؛ بهر صورت معلوم وظاهر است که انطور یك تبدل وتغیر مهم درمناسبات بین المللی ؛ مانند تعهد حکومات جهت فیصله کاشمکش های شان بذریعه محکمه منصفین ؛ دفعتاً نی ، بلکه درو چهرقه بعد از یك تکامل طولانی ویا بتدریج واقع شده می تواند . این تعجب آور می بود ، اگر در اطراف ۱۹۰۰ تمام دول بزرگ دفعتاً مجبوریت مراجعت را به محکمه منصفین در مجادلات حقوق ، حقیقتاً قبول میکردند . ودرحقیقت هیچ یك از دول بزرگ این را نه می خواست .

مجمع ملل :

ده سال اول بعد از جنگ نشان میدهد که حتی این طور یك حادثهٔ مهم ومهلك هم نتوانست فوراً وبدون معطلی در اجراء فکر محکمه منصفین یك تبدل افراطی بوقوع آرد . در اصول اساسی مجمع ملل ــ که حالا مرکز مساعی برای تشکیل وتکمیل حقوق بین الملل شده است ــ تا امروز اعضای آن تعهد ندارند که در بعض اقسام کاشمکش ها فیصله یك محکمه منصفین را قبول کنند . اما درین اصول اساسی فوراً یك پیشرفت ظاهر شد ، چون درآن تاسیس یك دیوان عدلیه بین الملل حقیق یعنی تشکیل دیوان عدلیه بین المللی دایمی در هاگ که در سال ۱۹۲۲ بروی کار آمده ، در نظر گرفته شده بود . این قسم یك مؤسسه صحیح وجود یافت که در هر لحظه که یك دولت بخواهد ، آماده اجرا آن است .

اما از دیگر طرف کوششاتی که در وقت مذاکرات نظامنامه این عدلیه از طرف بعضی دول کوچك شد که اعضای مجمع ملل تا یك اندازهٔ بصورت مثبت تعهد کنند ودر موقع مجادلات حقیقتاً به این دیوان عدلیهٔ نو مراجعت نمایند ، نتیجهٔ نداد . تنها یك میثاق تحریر شد که بعد از امضای آن هر دولتی که بخواهد بمقابل یك دولت دیگری ، که بهمین اصول تعهد کرده باشد ، حکمیت این دیوان عدلیه را در مجادلات حقوق قبول کنند . این را « مادهٔ اختیاری » نظامنامهٔ عدلیه هاگ می نامند . اعضای مجمع ملل میثاق مذکور را بعد از معطلی زیادی امضا کردند . بالعکس این ، تعداد معاهدات جانبین در خصوص محکمهٔ منصفین زودی زیاد شده رفت ، وبعد از کم زمانی عده بزرگ دول دنیا بذریعهٔ این قسم معاهدات خصوصی باهمدیگر مربوط شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 557 of 896

اندازهٔ قبول کردن فیصلهٔ متصفین در این معاهدات مختلف است . اما به حیث نمونهٔ اساسی ، آن معاهداتی را می توان شناخت که تمام مجادلات حقوق را ماتحت فیصلهٔ یك هیئت متصفین مخصوص یا دیوان عدلیه های ــ می سازند . در عین زمان برای کانفلکت های غیر حقوق ، یعنی کانفلکت های سیاسی و انتریسی اصول وساطت در نظر گرفته می شود . اصول وساطت ازین قرار است که یك کمیسون مخصوص برای مفاهمه کوشش میکنند و برای این مقصد مجانبین ــ بدون اینکه مدعی ها به قبول کردن آن مجبور باشند پیشنهاد ها می نمایند .

این هم اساس آن معاهداتی است که المان از سال ۱۹۲۱ باینطرف با همه دول همسایه وبعض دول دیگر عقد کرده است المان اول دولت بزرگی بود که بعد از داخل شدن در مجمع ملل در سال ۱۹۲۷ و مادهٔ اختیاری ، فوق الذکر را امضا کرد . یعنی المان بمقابل همه دولی که امضا کرده بودند یا هنوز امضا خواهند کرد ، رسماً تعهد کرد که در مجادلات حقوق به دیوان عدلیه های مراجعت خواهد کرد . درین اوقات ، انگلستان فرانسه ایطالیه و بعضی دول دیگر هم مانند المان رفتار کردند .

حالا انسان باید فکر کند که مجادلات حقوق بین دول همیشه مسائل درجه دوم یاسوم می باشد . کانفلکت های بسیار مهم هم می تواند شکل یك مجادلهٔ حقوق را داشته باشد ، یك مثال برای این مذاکرات ومباحثاتی است ، که دورِ بهار در ژنو وهاگ در خصوص نقشه موافقه گمرکی بین المان و اطریش ، شد . درجه تکمیل حاضرهٔ اساس محکمه متصفین که نتیجه تکامل چندین ساله است ، تنها وقتی بدرستی فهمیده شده می تواند که درجمله همه تعهدات عمومی که مجمع ملل بر ذمه اعضای خود نهاده است ، ملاحظه شود .

دراین جاپایان نکته باید توجه شود که در شورای مجمع ملل اساس اتحاد رائی حکم فرما می باشد . این اساس ازین سبب اهمیت زیادی پیدا می کند که ، دولی که باهم مجادله دارند ، باوجودیکه داخل شورا نباشند ، بازهم در وقت مذاکرات راجع به کانفلکت شان به حیث عضو رسمی شورا شرکت کرده می توانند لهذا ازطرف شورا بدون رضائیت جانبین راجع به کانفلکت آنها هیچ یك فیصله شده نه می تواند . این مسئله در وقت مذاکرات کانفلکت چین وجاپان دیده شد .

طوریکه معلوم است ، شورای مجمع ملل مرکب است از پنج عضو دائمی و ۹ عضو موقتی که از روی یك قانون مخصوص انتخاب می شوند . درحقیقت این شورا کنفرانس نماینده های حکوماتی میباشد که درین آنها نماینده های دول بزرگ که همیشه حاضر هستند ریاست را بدست دارند . شورای مجمع ملل پابند به قوانین معین ومطرح نیست واین معلوم دار است که در رویه وتصویب های آن درمعاملات مهم هر دفعه بازی قوا و انترس های سیاست دنیا مجبوراً مراعات می شود وشرکت میورزد . بنابرین فهمیده شده می تواند که از اطراف زیادی درین خصوص فکر شده که آیا این ممکن نخواهد بود که اصول وساطت را از زیر اثر سیاست آزاد کنند ومربوط به یك موسسه دایمی ومستقل که پابند حکومات نباشد ، بسازند . تا اندازهٔ که من معلومات دارم این طور یك خواهش درسال ۱۹۱۹ در وقت مذاکرات (ورسای) راجع به تاسیس مجمع ملل از طرف دول سکاندیناوی اظهار شده بود .

اما انسان باید سوال کند که آیا این طور یك موسسهٔ که از اشخاص مستقل اما در عین زمان بزور تشکیل شده باشد درموقع صعب وباریك حقیقتاً به مقصد رسیده خواهد توانست یا نه ؟

مسائل حل نشده ، و خطرات جدی که در اصول شورای مجمع ملل وجود داشته میتواند ، نشان میدهد که بنا بر وضعیت امروزهٔ دنیا ، هر کوششی که برای تشکیل صلح جویانه یك اتحادیه دول شود ، محدود خواهد بود . بخیال من دیگر چیزی باقی نه میماند ، بجز اینکه این حقیقت شناخته شود و از قرار آن بدون گول زدن بخود ــ امکانات اجرائیه مجمع ملل تخمین شود و به مطابق آن یك رفتار عمل سیاسی اختیار شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 558 of 896

البته بعد از جنگ دنیا، ممالک این طور آلات مهم و بزرگ، مثل معاهده مجمع ملل و دیگر قرار دادهای مکمله آن راجع به دیوان عدلیه ها کی ، گردید بابراز افکار و اظهار مشغول تکمیل این آلات بوده ، کوشش خواهند کرد که این نظریات خود را در زنیو عملی نمایند . واین ، مقصد از توسعه تعهدات دول است .

اصول اساسی مجمع ملل به خطرات جنگ چنین مقابله می کند که در هر موقع کافقنک ، اول راه مصالحه را حکم میکند ، واگر آن نتیجه نداد ، پس جنگ را اجازه میدهد .

از این پیش ترجیح به مقصود نزدیک تر است که ، این اصول را به قسمی مکمل سازند ، که بهر صورت باید یک فیصله مادی شود ، و این فیصله باید قبول شود وبعد ازین جنگ خلاف حق اعلان شود ، برای اینکه خلاف قوانین مجمع ملل رفتار نشود ، اصول اساسی اخطار می کند که بر خلاف هر دولتی که در این راه محروم شود ، از طرف تمام اعضای باقی مجمع ملل اقدامات اجباری خواهد شد .

ازین پیش ترجیح به مقصود نزدیک تر است که تمام دولی که در مجمع ملل متحد شده اند ، برای این مقصد اجتماع کنند تا که اجراء این قسم اقدامات اجباری خود به خود تأمین ، و هر خود سری ومعطل از طرف دولی که برای این اجراء

وعملیات جزائیه متعهد هستند ، خارج از امکان شود ؟ بذریعه اعضای دائمی ، ماده اختیاری ، بسیاری اعضای مجمع ملل قبول کردن حکمیت دیوان عدلیه ها کی را تعهد کرده اند . از این بهتر چه خواهد بود که حال سعی کنند که کافقنک های غیر حقوقی هم بدون استثنا ما تحت فیصلهٔ یک موسسه آورده شود ؟

این طور افکار علل مختلف دارد ، مثلاً شوق برای تمیزات حقوق که از نقطه نظر منطق کامل باشد ، برخو شباوری آن اشخاصیکه وقت را مستعد دانسته وتحکیم صلح دنیا را بذریعه قراردادهای دایمی ممکن تصور می کنند ، واز این حقیقت که گاه گاه در موضوعات [illegible] واین میل ظاهر می شود که عدم فعالیت عملی را بذریعه تکمیل نظری معاهدات موازنه کنند . اما خطراتی که نتیجه این حد است ، دولی حفظ حقیقتاً جدی می شود که این قسم افکار با مقاصد سیاسی خصوص مربوط می شود که از طرف یکی از اعضای مجمع ملل برای مفاد موقعیت خصوص سیاسی آن تعقیب می شود .

(محمد طاهر)

(با فیداوه)

اصولنامهٔ حاضری ورخصتی

مامورین

اصل

اصول نامه حاضری

۱ : — علی العموم مامورین دوائر دولتی مطابق هدایات اصول نامهٔ هذا بحاضری یومیه مکلف اند .

۲ : — اوقات حاضری مامورین قرار ذیل است : —

الف : — از ابتدای حمل تا آخر سنبله از ساعت ۸ صبح الی ۴ ونیم عصر .

ب : — از ابتدای میزان الی آخر حوت از ۹ الی ۳ ونیم .

ماه مبارک رمضان اگر موافقت کند به شش ماه اول سال حاضری مامورین از طرف صبح بساعت (۸) و از طرف عصر بساعت [illegible] اجرا میشود . واگر مطابقت کند به شش ماه آخر سال تخفیف ندارد .

۳ : — حاضری مامورین در مرکز وزارات و دوائر مستقل بذریعه مدیر مامورین منسوبه آنها ملاحظه میشود و در ولایات وحکومات اعلی ملاحظه حاضری مامورین مستوفیت و هر رشته داریها را مامور یکه از طرف مستوفیها و هر رشته داران اعلی معین شود اجرا مینماید وحاضری مامورین دیگر دوائر از طرف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 559 of 896

آمر هيهان شده ويا شخصيكه آمر مذكور انتخاب نمايد ملاحظه ميشود .

٤ : — مامورينيكه قرار اصل (٢) اين لايحه براي ملاحظه حاضري مكلف اند بعد از ملاحظه حاضري از طرف صبح وعصر كتاب حاضري رابملاحظه وتصديق آمرين دوائر كه قرار هدايت اصل (٣) فوق بملاحظه وتصديق حاضري صلاحيت دارند ٬ رسانيده امضاء حاصل ميدارند .

٥ : — مامورين حاضري بعد از ساعت معينه حاضري صبح الي ده (١٠) دقيقه ديگرنيز بامامور مساعده ميكنند ٬ ماموريكه پس از انقضاي ده دقيقه ٬ بدون عذر معقول حاضر شود غير حاضر محسوب شده بمقابل غير حاضري يكروزه معاش سه روز آن كسر مي شود .

٦ : — هر گاه يكي از مستوزين حاضري كه بماموريت خود حاضر شده وبكتاب حاضري امضأ كرده است دراثناي اجراي وظيفه در كوچه وبازار بدون تكت ديده شود ٬ معاش يكروز آن كسر مي شود .

٧ — ماموريكه نظر باصل (٥) اين اصولنامه غير حاضر شده اند هر گاه وقوعه استدعاي رخصتي شان تا عصر آنروز باداره منسوبه شان برسد و آمر مافوق اجازه بدهد در كتاب حاضري كه غير حاضر نوشته شده اند كيفيت نوشته بعد امضاي وزير ويا مدير مستقله ٬ از غير حاضري معاف و در رخصتي اصول آنها محسوب ميشود ٬ وهر گاه آمر مافوق اجازه ندهد ٬ ويارخصت اصولي نداشته باشد غير حاضر شمرده ميشوند .

٨ — ماموريكه فوت شود و پول غير حاضري بذمه وباقي باشد پول غير حاضري از معاش آن كه بذمه دولت مانده باشد وضع وباقي معاش آن بورثه اش داده ميشود ٬ وهر گاه معاش آن بذمه دولت باقي نباشد پول غير حاضري آن معاف است واز ورثه اش گرفته نميشود .

٩ — معاش چپراسي هاي وزارت ٬ و ساير دوائر دولتي بمقابل يكروز غير حاضري يكروزه كسر ميشود .

١٠ — پول غير حاضري مامورين در مركز بموجب اطلاع مدير مامورين ويا ديگر مامورين كه بامور حاضري موظف اند بامضاي وزير ويا مدير مستقل دو روز قبل از اجراي معاشات بدائره كه معاش مامور از آنجا داده ميشود ٬ اطلاع و كسر ميگردد ٬ ودرنائب الحكومه گيها و حكومات اعلي وساير حكومات ٬ علاقه دار بهاء ذريعه مستوفي ها وسر رشته داران اعلي و مدير ها ومامورين مراه عمل از معاش شخص غير حاضر كسر مي شود .

١١ — هر گاه يكي از مستوزين حاضري مريض شود بايد در مركز بمدير مامورين ويا ماموريكه ملاحظه حاضري را مينمايد ٬ و در ولايات و حكومات اعلي بمستوفيها و سر رشته داران اعلي وبديگر حكومات بمامورين حاضري اطلاع بدهد در رخصتي مامورين عام و طبابت و تصديق آمر مافوق معتبر است ماموريكه تصديق آمر مافوق را حاصل نكند غير حاضر شناخته مي شود و قرار اصل (٥) اين لايحه بمقابل يكروز معاش (سه روز) آن كسر مي شود .

١٢ — رخصتي مريضي ماموران بامعاش در مدت يكسال يكماه است ٬ خواه ايام مريضي مسلسل ٬ ويا بتفاريق واقع شود مريضي اضافه از يكماه تا ششماه مناصفه معاش براي مامور مريض داده ميشود وبعد از مرور شش ماه از ماموريت سبكدوش ٬ ودر حال صحت عندالزوم بديگر ماموريت حسب لياقتش مقرر مي گردد .

١٣ — ماموريكه اضافه از يكماه مريض شود هر گاه وظيفه آن از وظائف مشتركه باشد ماموريكه در وظيفه با مامور مريض اشتراك دارند ٬ وظايف آنرا اجرا ميدارند ٬ واگر از وظائف مشتركه نباشد تا مدت شش ماه هر گاه ممكن باشد وظايف آنرا بذريعه يكي مامورين دوائر مشتركه اجرا ميدارند ٬ والا يك وكيل از طرف رئيس همان دائره مقرر شده از نصف تا سه ربع معاش مامور مريض باو داده مي شود .

١٤ — در مركز وزير و معين و مدير مستقل و در ولايات و حكومات اعلي وكلاي وساير حكومتي ها ٬ مستوفيها وسر رشته داران اعلي و مدير ها ومامورين مراه وقتاً فوقتاً ويا عندالزوم به تفتيش حاضري مامورين منسوبه خود صلاحيت دارند ٬ مدير مامورين ٬ ويا ماموريكه به ملاحظه حاضري مامورين موظف است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 560 of 896

میتواند که برای تفتیش حاضری مامورین به آمر مافوق دایرهٔ منسوبهٔ خود یاد آوری نماید .

۱۵ ـ در مرکز وزرا و مدیر های مستقله ، و در ولایات حکومات اعلی نائب الحکومه ها و حکام هنـد لزوم نظر بوقوع کار های مهم و ضروری علاوه بر اوقات معینهٔ حاضری ساعت کار را تزئید کرده می توانند .

۱۶ ـ هر گاه یکی از مستازمین حاضری در حین اجرای وظیفه اش بدیگر دوایر دولتی طلب شود (مدیریت ماموریت و یا دیگر ماموریکه مود حاضری را اجرا مینماید ، بامضای آمر دایره تکت اجازه برایش داده می شود و مامور در وقت مراجعت بدایرهٔ منسوبهٔ خود باید تصدیق مدیر و مامور دایره که در آنجا طلب شده است حاصل نماید .

(اصول رخصتی مامورین)

۱۷ ـ رخصت با معاش که از طرف دولت برای مامورین اعطا می شود چهار نوع است : ـ

الف : ـ رخصت ضرورت .

ب : ـ رخصت تفریحی .

ج : ـ رخصت مریضی .

د : ـ رخصت عروسی ابتدائی .

الف : ـ رخصت ضرورت برای امر ضروری شخصی مامور در طرف یکسال بیست روز مقرر است .

ب : — رخصت تفریحی دریک سال بیست روز است خواه مامور یکدفعه رخصت بگیرد یا بتفاریق ، و مامور مخیر است که رخصتی یکسال خود را در طرف همان سال و یا بعد از دو سال چهل روز و یا پس از سه سال دوماه بگیرد ، اما اضافه از دوماه رخصت داده نمی شود .

ج : — رخصت مریضی مطابق اصل (۱۰۲) این اصولنامه اجرا می شود .

د : — رخصت عروسی ابتدائی ده روز است .

۱۸ : — در رخصت تفریحی آمران مافوق ملاحظهٔ کار ماموریت را نمایند که هم معطلی در اجرای کار واقع نشود و ادای رخصتی مامور نیز کرده شود .

۱۹ : — در رخصت ضرورت آمران مافوق دقت نمایند که برای کار های ضروری رخصت داده شود .

۲۰ : — رخصت ضروری و تفریحی و عروسی بیک میعاد مسلسل داده نمی شود .

اصول اعطای رخصتی

۲۱ : — رخصتی وزراء ومدیران مستقل نامه روز بموجب اطلاع خود شان که بمدیریت های مامورین وزارت متعلقه خود اطلاع بدهند مرخص شده می توانند ، و علاوه آنرا از مقام صدارت استیذان نمایند .

۲۲ : — رخصتی نایب الحکومه ها و حکام اعلی ذریعه وزارت داخله از مقام صدارت عظمی استجازه می شود — رخصتی نایب الحکومه ها ، حکام اعلی در مواضعیکه تیلفون موجود است نامه روز و در جائیکه تیلفون موجود نیست تا پنجروز با ستیذان وزارت داخله ضرورت ندارد و کیل منسوبه شان اصولاً اجرای کار را می نماید اما اطلاع دادن به وزارت داخله ضروریست وسائر مامورین ولایات و حکومات از آمر مافوق دایره منسوبهٔ خود رخصت حاصل میدارند .

۲۳ : — مامورین مرکزی وزارت ها ودوائر مستقله ورؤسای محاکم بمنظوری وزیر و مدیر مستقله و رئیس منسوبهٔ خود ترخیص حاصل میدارند .

۲۴ : — برای منصبداران عسکری که به ترتیب سوانح عمری خود ها مکلف اند مطابق اصولنامهٔ هذا رخصت نیز داده میشود .

۲۵ : — رخصتی ها بقرار تکت آمرین مافوق اجراء می شود .

مواد متفرقه

۲۶ : — در موقع محاربه و با کدام خدمت ضروری رخصت داده نمیشود از مامورین کسانیکه قبلاً رخصت گرفته باشد و بودن آنها برای خدمت ضرورت شود بماموریت منسوبهٔ شان خواسته می شوند .

۲۷ : ـ مامورینکه از یک وزارت بدیگر وزارت تبدیل و یا جدید مقرر شوند ، هر گاه خواهش رخصت تفریح کنند و از سال های گذشته حق تفریح داشته باشند در سال جاری که جدید مقرر شده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 561 of 896

کاملاً رخصت تفریح خودرا حسب فیوضات حصه (ب) اصل (۱۷ و ۱۸) اصولنامهٔ هذا گرفته می توانند و اگر از سـال های داخیه حق نداشته باشند از ایام تفریح سنهٔ جاریهٔ خود تا دو ماه نگذرد ، بیست روز رخصت گرفته نمیتواند ، اما قبل از اکمال دو ماه تا پنج روز اگر خـواهش کنند رخصت داده می‌شود ، ماموریکه بیك وزارت و دایرهٔ مستقله ، سال تمام ماموریت داشته اند رخصتی تفریح خودرا در هر وقت که خواهش کنند از وزارت و دایرهٔ منسوبهٔ شان داده می شود .

۲۸ : ــ ماموریکه برای حج بیت الله شریف رخصت بخواهند هر که اصولاً حق رخصتی داشته باشد آمران ما فوق شان مطابق حصهٔ ب اصل (۱۷) و (۱۸) و (۱۹) این اصـولنامه ، رخصتی ایام استحقاق شانرا با معاش و اضـافه ، آنرا بدون معاش اجازت داده می توانند .

۲۹ : ــ ماموریکه برای سیاحت رخصت بخواهند ، ایام رخصتی استحقاق خود را با معاش حاصل میتوانند ، واضافه از آنرا بعد استعفا از ماموریت وتحصیل پاسپورت رفته می توانند :

۳۰ : ــ ماموریکه برای معالجهٔ امراض خود خواهش رفتن خارج را نمایند حتمی است که از مدیریت و یا ماموریت عـالی طبی محل ، تصدیق عـدم امکان معـالجه خودرادرداخل حاصل نماید ، آمران مافوق بعد از ضبط تصدیق مذکور رخصت داده تادیه معاشات آنها قرار ذیل می شود :

هر گاه رخصت مریضی را حـق داشته باشند ایام استحقاقي معاش کامل و علاوه از آن تا شش ماه مطابق اصـل (۱۲) این اصولنامه بموجب تصـدیق دکتر هائیکه نزد شان علاج میکنند ، باتصدیق نمایندهٔ افغانی مقیم آن مملکت مناصفه معـاش برای شان داده میشود .

۳۱ : ــ ماموریکه نظر باصل (۲۸) و (۲۹) و (۳۰) بخارج میروند وظایف شـانرا تا اکمال موعد رخصتی ، دیگر مامورین وداو کیل آنها مطابق صل (۱۲) این اصولنامه ایفا میداوند و اگر بعد از انقضای موعد معینه ، مامورین مذکور بماموریت حاضر نشوند دیگر مامورین عوض شان مقرر میگردند و در حال عودت مامورین مذکور بدیگر ماموریت ها حسب لیاقت شان مقرر می شوند .

۳۲ : ــ کسانیکه معاش شخصی دارند هر گاه برای معالجه یا حج بیت الله شریف و یا سیاحت بخارج بروند اگر برای معالجه بروند قرار اصـل (۳۰) هر گاه حـج بیت الله میروند حسب اصل (۲۸) این اصولنامه و اگر برای سیاحت بروند بدون معاش رفته میتوانند .

۳۳ : ــ کسانیکه معاش شخصی دارند و مطابق اصل (۳۲) فوق برای سیاحت بخارج بروند در قطع و تأدیه معاش آنها از تاریخ رسیدن به سر حد افغانستان در حال دخول و خروج نظر بتاریخ ملاحظهٔ سر حد دار در پاسپورت شان و راپورت سر حد داری اعتبار داده می شود .

۳۴ : ــ در زمان رخصتی های نائب الحکومه ها و حکام علی ، وکلای و دیگر حکام و علاقه داران مستوفین و سرشته داران ، مدیران و مامورین مرکز وظایف حکومت را ایفا مینمایند ، و در غیاب و رخصتی وزرا ، وظائف شانرا معین وزارت اجرا میکنند و بـ عند اللزوم از مقام صدارت وظائف آنها بدیگر وزیر و یا وکیل تفویض میشود .

۳۵ : ــ اگر مامورین دوایر دولتی ولایات و حکومتی ها که ترخیص حاصل مینمایند وکلای قانونی شان وظایف آنها را ایفا مینمایند مثلاً در غیاب مستوفیان و سرشته داران اعلی مدیر محاسبه ، و در غیاب مدیر یا مامور مالیه ، سر کاتب و کاتب اول مالیه و همچنان در جمیع دوایر دولتی وکالت مامور اول را مامور دوم عمل دائره ایفا مینماید .

۳۶ : ــ برای مبادلهٔ قلبه کشی رخصتی مامورین در یك سال یکروز مقرر است که بتصویب مجالس مشاورهٔ محلی ، وتصدیق آمر ما فوق شان منطقه نسبت بموسم هر موضع از پانزده حوت الی پانزده حمل یکروز تعین و مامورین در آن روز رخصت میشوند .

۳۷ : ــ ماموریکه بعـد اکمال رخصت معینه اش بدون عـذر معقول بماموریت حاضر نشود غیر حاضر محسوب شده قرار اصولنامه هذا مسئول است .

رخصتی هاي عمومي

۳۸ : ــ الف : جشن استقلال در مرکز (۸) روز ، جشن استقلال در ولایات و حکومات علی ۳ روز .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 562 of 896

تاریخ شروع رخصتی مذکور هر سال در تقویم تعیین میشود .

ب : ـ عید مبارک ضحی یک روز قبل و روز اول و دوم و سوم جمله چهار روز .

ج : ـ عید مبارک رمضان روز اول و دوم سوم جمله سه روز .

د : ـ دهم ماه محرم الحرام یکروز .

هـ : ـ دوازدهم ربیع الاول مولود شریف یکروز .

و : ـ رخصتی جشن نجات وطن در مرکز و ولایات و حکومات علی یک روز .

ز : ـ تأسیس شورای ملی ۱۸ سنبله یکروز .

ح : ـ روز اول ماه مبارک رمضان یکروز

۳۹ : ـ مامورین دوایر دولتی باوامر و هدایات اصول نامه هذا ، ومدیریت های مامورین و سایر مامورین حاضری که ملاحظه امور حاضری را می نمایند به تطبیق واجرای احکام این نامه مکلف اند .

تعمیل الفاظ احکام مواد اصول نامه هذا را امر و اراده میکنیم : تحریر ۸ عقرب سنه ۱۳۱۰ ش و (۱۹) جمادی الثانی ۱۳۵۰ ق (محل مهر همایونی)

ترجمه از الو ستر اسیون پاریس

ادیسن

یا

زنی و مجسمه کار

اگر نگاهی بحیات اسلاف ادیسن نمائیم ملاحظه خواهیم شد که جد و پدر کلان ادیسن که در ۱۸ اکتوبر سال ۱۹۳۱ بعمر ۸۴ سالگی از جهان گذران درگذشت وجد و عم این مخترع بزرگ هر کدام بیش از صد سال زندگی کرده اند (میزان متوسط طول حیات پدر و پدر کلان و جد و عمش ۹۰ سال میشود) علت کوتاهی عمر ادیسن را نسبت به اسلافش جز کوشش کار تعبیری نتوانیم .

ادیسن عالم فرزنگی بود که دنیا فاقد او شده بلکه میتوان او را پهلوان زمین خطه اختراع ، زنی کار بردار و بدایع افسانه های تاریخی قرن ۱۹ نامید . بلی از اثرات قوه خارق العاده او بود که (ماشین) ضبط صوت را اختراع نمود ویکتور هوگو شاعر شهیر فرانسه قبل از مرگ با ه بیاد مینمود و کرد و در بیسی موسوم به «ویکتور هوگو ادیسن » تعریفی از این مخترع امریکا نمود .

«ویکتور هوگو ادیسن» در حوالی ۱۸۸۰ ولوله عجیبی افگند. فصاحت و تصورات شاعر و اختراعات بدیع مخترع که هر یک صورت قبل خواب های هزار ساله بشر بود در اقطار عالم منتشر گردانید

ادیسن در سال ۱۸۴۷ با برق صنعتی توام متولد شده و «دوشیزه امریکا» یعنی برق دست بدست با او بزرگ شد . در فرصتیکه ادیسن «دوشیزه امریکا» را پرورش میکرد در انگلستان وات واستفن مخترعات ماده فعال را «مرد انگلیسی» نام نهادند .

ساکنین ینگی از اول وهله اشتباه نکرده در حافظه خود چنان مقادیر افتخار فوق العاده درخشانی برای توماس ادیسن تخلیه کردند که هرگز بهیچ یک زنی های علمی حتی به ویلیام وارد تر پس هم نظیر آنرا مناسب ندیده بودند .

بـ ... اعتراف باید کرد که اگر بنا باشد زنی ادیسن را مرتسم کنیم محال است ، چه او زنی عظیم است و رسم آن از استعداد قلم ما خارج ولی میخواهیم دمه از حالات او را بقید قلم آریم .

زنی ادیسن که یک سلسله ایجادات و اختراعات محیر العقول را از دیار نیستی بصحنه وجود در آورده ، فقط در اثر دامنه صبر وفکر رسای طبیعی او بود ، چنانچه در بدو هر مرحله قوای طبیعی و تجربه اش بهزار پایه از افکار وتصورات علمیه او بلند ومؤثر تر افتاده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 563 of 896

از زیر زمین منزل پدری
تا لابراتوار متحرک سیار

از این روز حیات ادیسن با طمأنینت فکر او به توسعه گذاشت . مانند زنبور عسل که برای اولین مرتبه بال بهم زده برای ساختن عسل در گلستانی پرواز نماید خود را در صحنه پرهیاهوی دنیا بمقصد کشف و ایجاد پرتاب کرد .

۱۰ سال از سن عمرش گذشته بود که در زیر زمینی خانه پدری خود در (پورت هورون) مواد شیمیائی را گرد خود جمع نمود مادرش چون ازین کیف استحضار یافت حاصل کرد خواست همانطور که اطفال خود را از بازی با کبریت منع میکنند جلوگیری کند ، لیکن نتیجه نه بخشید وبمیلان او تن داد — درین بین مانع دیگری رخ نمود که فروشنده مواد شیمیائی قیمت مواد را مطالبه کرد وبدون وجه نقد نخواست من بعد نسخه جات را باو بفروشد چنانچه بهمین علت و ملاحظه است که ادیسن درقطار راه آهن (ده ترو) وپورت هورون شغل جریده فروشی را پیشه نمود . ادیسن حتی مدت سه ماه هم منظماً در مکتب درس نخوانده فقط استعداد طبیعی او بدامان پرورش مادرش نمو نموده است .

در قطار آهن برای این جوان جراید فروش اطاق تخلیه کردند که درآنجا لابراتوار خود را برقرار کرد . لیکن چه لابراتوار عجیبی !!! ادیسن همه بوتل های مواد و وسایل لازمه چند تکری های سبزیجات را که از پورت هورون بمقصد تجارت می خرید وبدون اینکه محصولی از آنجبر دارد در امتداد راه آنرا میفروخت تا ازین راه قوه خرید مواد شیمیائی خود را به ۶۰۰ دولار رسانید .

وظیفه جریده فروشی او را ناگهان بهیئت تلگرافچی کشانید . قانون مورس را که عبارت صحیح و شفق و ثبت آواز بود یاد گرفت ، کارگری که در یك دقیقه بتواند ۴۰ کلمه بنویسد اعلی است و آنکه ۴۵ بنویسد خارق العاده است .

ادیسن بعد از آنکه چندین وقایع ناگوار در (مدل وست) متحمل شد بواشنگتن آمده بیك شرکت تلگراف مستخدم شد روزی یکنفر از همکارانش در دستگاه مقابل تلگراف نشسته وبا کمال لجاجت پاره خطابه را باو انتقال میداد . درین ضمن شخصی مقابل از خیره سری بقسمتی کلمات را نیز بثبت میرسانید که نزدیك بود رشته مضامین گسیخته و از هم پریشان گردد ، لیکن ادیسن از دسیسه واضطراب را بخود راه نداده مشغول نوت بود . نفر مقابل خطابه مختصر دیگری را شروع کرد . ادیسن بنوت نمودن آن پرداخت ودر انجام کار به حریف خود گفت : « چون دست هایت خسته شده میتوانی با پاهایم شروع کنی » — کارگر نو آموز ادیسن درین مقابله غالب آمد ودرین فن که در ۱۸۶۸ مقام عالی داشت به اسم شاهزاده شهرت گرفت چنانچه این اسم او را بمجادلات غیر المعقول اوشست و محو نمود . بلی تلگرافچی وظیفه معمولی ودر خود مقام ایطور یکشخص عالی نیست .

در همین سال ادیسن ماشین برق ایجاد کرد که در کونگره ها عوض مراتبات رای دهد چون رئیس جمهور ازین مطلع شده به او گفت : « پسر تو مگر دیوانه شدی ، قبل از ایجاد توشداد قرعه و رای سریع بلکه از اندازه هم سریعتر است آیا با آله تو چه خواهد شد .... ؟ »

بالاخره چون در نیویورك در فقر و احتیاج تمام میزیست یکی از رفقایش در یکی از زیر زمینی های شرکت « تلگراف خانه بانك طلا » ذخایره به او منزلی داد و در این دفتر و خانه مخصوص مخابره «ابورس» های حبل مهم بود و برطبق معمول ابتینی دائماً جدول های نرخ تبادله به تمام مشترکین رسانیده شود روز سوم ورود ادیسن بلا انتظار حادثه و سکته در یکی از ماشین ها رخ داد .

ادیسن فوراً آنرا مرمت کرد ، در ادای این خدمت رئیس شرکت او را نگران ماشین آلات نامیده ماهانه ۳۰۰ دولار معاش برایش مقرر کرد .

اولین کاری که ادیسن ازین عاید پیش گرفت بعضی اسباب های ساخت فارادی را خرید که در نظرش یك دنیای جدید را پیمون و منبسط کرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 564 of 896

ادیسن از شخص فارادی و اسباب‌های او بقدری استفاده کرد که در ظرف سه ماه تمام قوانین استدلالات برق و مباحث متعلقه متری را آموخت .

درین موقع ادیسن بر طبق آرزو و احتیاج ، شرکت تلگراف فیمابین بانک طلاو ذخایر ، ماشین ساخت که دستگاه ، کیبی وستون ایونیون را از پا درافکند چنانچه‌فورا آن شرکت ذخایر تبادلهٔ خارجی لندن ، آنرا استقبال پذیرفت .

رئیس شرکت چون از ین ایجاد او مطلع شد فوراً ماشین اورا که نتیجه تجسسات او بود خریدار شد و خواست بعنوان قیمت‌ٔمزدی درمقابل زحمات او باو بدهد ادیسن چون دردل امید مخفی داشت که ماشین اورا ۲۰۰۰ دولار میخرند واراده داشت ۵۰۰۰ دولار بخواهد نتوانست سخن بزبان آورد ، درین وقت کسوتی فرشته بگوش او الهام کرد که بگو ، هرچه میل شما ،

رئیس شرکت گفت عزم آیا به ۴۰۰۰ دولار رضا میشوی . ازین جواب تمام حرف و روحیات امریکا درنظر این مخترع جوان جلوه کرده پول را تسلیم شد و مشغول گشت . ازین‌وقت ادیسن مخترع صنعتی گردیده دولابرا توار شخصی خود در نیویارک در (۱۸۷۰) بساختن یك سلسله ازین قبیل ماشین را پرداخت .

(محمد علی) (باقیدارد)

خبرهاي خارجي

تاس - ۵ دسمبر

وضعیت مانچوري

شانگهای - اجتماع قوای جاپانی در تین‌سین جاری است . تاهنوز ۳ صد نفر عسکر بحری ، ۳ تولی پیاده باماشین دار رسیده است . ونیز قوای جاپانی در تمام نقاط سوق الجیشی منچور یا اخذ موقع نموده اند .

توکیو - وزیر حرب جاپان ، می تاس ، درمجلس وزرا گفت که قوه ژاپونی الشمر تسه تسه هار واپس کشیده نمی شود ، چه عساکر ژاپونی اقوه ژنرال مبا (جی) دربیکاراست .

شانگهای - ژاپونی ها فعلاً بتشکیل حکومت مانچوریا مصروف اند ، قرار معلوم شهرهاری هم در تحت نفوذ این حکومت جدید خواهد آمد . همچنین در شهر تسه تسه هار حکومت موقتی تشکیل ودر نظردارند که شهر هی لار وتمام علاقه برگی را تحت رژیم جدید در آورند

تنزل نرخ پوند :

لندن - فعلاً نرخ‌پوند به۱۳۶ شلنك طلائي رسیده ، یعنی در ظرف دوهفته تنزل آن عبارت از ۲ ونیم شلنك است .

مظاهره در لندن

لندن - درمقابل عمارت‌سفارت ژاپون در لندن ، یك نمایش بزرگ از طرف کارگران اجری شده . وتمام آینه های عمارت را شکستانده اند .

بحران اقتصادي

برلین - در این اواخر عدهٔ ازبانك‌ها سقوط نموده است ، ودر شهر فرانکفورت نیوبنگ ، المان وسطی ، کارخانه جنت ماشین سازی بند شده است . در ماه اخیر قریب ۵۰ ملیون مارك اسناد که تادیه نشده بود ، به محکمه رجعت داده شد است . هر روز حکومت جایداد دهاقین رافروخته به تادیه قروض آنها می پردازد . درمقابل ، دهاقین اموال خود را بعوض فروش ، در میدهند . در علاوه بادن بسبب همین فروش مال دهاقین ، یك دهقان عیز مامور فروش اموال را بقتل رسانیده است .

چین وژاپون

توکیو - ریاست ارکان حرب ژاپون ، راجع به فرستادن یك غند خط آهن و قطعات شاهی درمانچوری ، از حکومت خود اجازه حاصل نموده است .

مي تا مي وزیر حرب در مجلس وزرا گفت که در اطراف تسه تسه هار وتسین چاو وضعیت خوبتر شده ولهذا قوه ژاپوني درحصه مشرقي خط آهن (پیکن - مکدن) جمع مي شود .

شانگهای - قواي هشتم پیادهٔ جاپاني

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 565 of 896

به کپین ذه رسید . ونیز لوای ژنرال (سوزوکی) به تسه تسه هار داخل گردید.

روزنامهٔ جاپان کرونیکل می نویسد :

مشاهده کنندگان اجنبی که از منچوری واپس عودت کرده اند ، از افواهات در خصوص کمک از طرف شوروی ، برای ژنرال چینی (ما) ، استهزاء تعجب می نمایند بعد از دیدن میدان های محاربه در اطراف دریای (نونی) و در تسه تسه هار ، باوجود کوشش جدی آنها نه توانستند ثابت نمایند که دولت شوروی برای جنرال ما کمک کرده باشد .

کشف اسلحه :

پیکن - در شهر هاربین ، مامورین ایستگاه راه آهن و پولیس ، سی و شش صندوق اسلحه وهشتاد گولهٔ توپ و بیست صندوق البسه نظامی ، کشف نموده اند . بارهای مذکور را شرکت جاپانی (کوکوساهو) ، بنام پنبه به شعبه هاربین خود فرستاده بود چون مستخدمین شرکت موصوف از کشف پولیس واقف شدند ، برای گرفتن آن نیامدند .

روزنامه جات میگویند که این ثابت است که برای اشرار و دسته جات روس های سفید در منچوری اسلحه جاپانی میرسد .

ایران :

روزنامه ستارهٔ جهان مطبعهٔ طهران بمناسبت عقد معاهدهٔ تجارتی ایران و شوروی چنین می نویسد که :

«دو چیز درین معاهده خیلی ها جالب دقت است : اول اینکه حکومت شوروی انحصار تجارت خارجی ایران را رسماً شناخته است . ثانیاً اینکه مساوات حقوق بحری را در بحر کاسپین تصدیق نموده است حکومت شوروی اولین حکومتی است که قانون انحصار تجارت خارجی ایران را به رسمیت شناخته و راه را بدیگر دول باز نموده است . وحکومت ایران هیچوقت این نظریات دوستانه شوروی را فراموش نخواهد کرد »

هند وانگلستان

(کنفرانس میز مدور)

روتر ۱۵ نومبر

گاندی روز شنبه لارد آروین را ملاقات نموده .

در اثر بیان صدر اعظم در روز جمعه راجع به اینکه گفت آماده ام در مسئله فرقی انصاف کنم ، نماینده گان مهم جلسه های متعدده در روز شنبه نمودند و راجع به صورت مطالبهٔ که از صدر اعظم بنمایند مذاکرات کردند. بمدت مالویه که ابتداء او تثبت نموده است امضای نماینده گان را بر یک مکتوبی میگیرد که قرار معلوم بیان میدارد که او برای ادامهٔ کار کمیتهٔ تمیم اتحادی و رسیدن به فیصله جات و امضا کننده گان فیصله مسئله تا به اندازه که به هنود و مسلمین و فرقه سک تعلق دارد به صدر اعظم وا می گذارند . در مکتوب مذکور از اقلیات دیگر ذکری نموده نشده است . تا بحال بر مکتوب مذکور مالویه ، با کورمن ، سر کاوش ، جی جهانگیر ، و تلا ، جمال محمد ، و راوا امضا نموده اند . برای گرفتن امضای مسلمین نیز صرف مساعی نموده میشود تا آ مکتوب مذکور با هر قدر امضا که گرفتن آن ممکن گردید فرستاده خواهد شد .

دانسته شد است که سک ها در مکتوب مذکوره امضا ننموده اند . و فکر دارند مکتوب جداگانهٔ بصدر اعظم بنویسند شام روز شنبه گاندی برای سه ساعت نماینده گان مسلمانان را در هوتل (ریتس) ملاقات نموده و دانسته شده است که راجع به وضعیت به نسبت بیان قبول انصاف صدر اعظم غور می نمودند جوش ، نمرو ، کیری ، در یادداشت خود از اعلان حقوق طرفداری میکنند . و بادا و در یادداشت خود از دادن کرسی های دائمی به مرا تا ها و فرقه ها منفقه بمبئی موٴکداً طرفداری مینماید .

خبرهای داخلی

عزیمت بهند :

آقای محی الدین خان صاحب امتیاز جریده انیس که تقریباً از مدت دو سال بمرض سل دچار بوده و درین اواخر علائم اوشان کسب شدت ورزید ، اطبای موجوده بواسطهٔ حلول زمستان و شدت سرما رفتنش را برای معالجه در خارج تصویب کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 566 of 896

چون بضاعت وتوانائی شخصی او از معالجه خارجی امکان نداشته وبعید می نمود حضور شاهانه از منتهای عرفان دوستی وداد قدر شناسی از اهل قلم وطن رفتن محی الدینخان را در هندوستان از زاد ومصارف معالجه اش را عنایت فرمودند لهذا بروز پنجشنبه ۱۸ قوس از راه جلال آباد رهسپار هند گردیدند .

نگارنده وسایر کار کنان این اداره از خداوند متعال شفای عاجل آنها را خواستگار بوده واز ین فرط نوازش وعرفان پروریهای هما یونی ابراز امتنان میکنیم .

حرکت شهزاده و تعلیم گاه پیاده :

تعلیم گاه پیاده بنظر تعلیمات ومشق های حربی باطبیقات عمل که در نظر داشتند وهوای سرد کابل تا اندازه مانع عملیات آنجا واقع میشد حسب تصواب وزارت جلیلهٔ حربیه قرار شد در جلال آباد رفته وآنجا در هوائی که برای کار مستعد تر است مشغول تعلیم وتربیه گردند جناب شهزاده محمد ظاهر خان هم که بحیث یك فرد نظامی دران تعلیم گاه شمولیت داشتند بروز پنجشنبه معیت همکاران و معلمین مربوط تعلیم گاه پیاده بسمت جلال آباد رهسپار شدند .

حادثه اسفناك :

دیروز ، یکشنبه ، ۲۱ قوس ، یك حادثهٔ اسفناکی ، که منجر به هلاك چند نفر کارگر گردیده ، در کابل رخ نموده ، وتفصیل آن قرار آتی است .

سرای حاجی عبدالرحمن خان کوهستانی واقع لب دریا ، که از زمرهٔ املاك ضبطی ومتعلق به ریاست قبائل گردیده بود ، ودرین روزها به اجاره داری حاجی محمد رحیم خان ولایتی دار تعمیر وترمیم می شد ، حصه شمال غربی آن درحینیکه چندنفر بنا وچندین فعله مشغول کار بودند بغتتاً شکست کرده وطبقه اول ودوم آن بازمین یکسان شده ، کارگرانیکه درطبقه فوق کارمیکردند ، ازمراحم ایزدی نجات یافتند ، اما مهراب الدین خان وویس الدینخان استاکار با چند نفر مزدور دیگر یکه در زیر بودند ، گرفتار آمده و بزیر توده خاك ماندند ، درنتیجه کوششات ومساعی پولیس تنها یک نفر مزدور زنده نجات یافت ، بعض نفری مذکور (که فراز معلوم شش نفر بوده باشند) را مرده یافتند وروحی هم درهمان حال بیرون آوردن ترک حیات گفتند . اسامی مزدوران هنوزمعلوم نیست واقعه مذکور قریب ساعت ۳ بعد از ظهر رخ نموده ، و تا بروز صبح هم پولیس مشغول کشیدن اجساد بود .

راجع به علل واسباب سقوط عمارت تا هنوز پوره معلوم نیست چنانچه بعض ها میگویند که چون کار به تعجیل اجراء می شد و موسم تعمیر نبود ، لهذا عمارت نم ناك بوده وطبعاً باید چنین می شد دیگری میگویند که علت آن سرتیری اجاره دار بوده است . بهر حال قوماندانی کوتوالی درصدد تحقیقات است وانشاء الله بزودی بازخواست آن کرده خواهد شد .

تقرر وکیل نائب الحکومه مزار :

آقای عبد الجمیل خان که سابقاً برتبه فرقه مشری قوماندان کوتوالی کابل بوده و دراین اواخر بوکالت والی ولایت کابل اشتغال می ورزند در اثر خدمات شایان وقابلیت ولیاقت شان از حکومت متبوعه ما بوکالت نائب الحکومه گی ولایت مزار شریف شرف تقرر یافته وبهمین زود بها بسمت ماموریت خود عزیمت خواهد کرد .

برطرفی و مقرری :

میرزا صدر الدین خان مامور مالیه مقر بواسطه که بنام مریضی خود را از کار کناره نموده و استعفای خودش را نیز تقدیم داده بود ۳ سال از خدمات دولت محروم و میرزا محمد محسن خان ساکن غزنی بماموریت مالیه در عوض او مقرر گردید .

مقرری :

آقای میرزا عبدالخالق خان سابق مامور مالیه وردك بماموریت مالیه کنرواز مقرر گردیدند .

کامل زده باور :

دونفر آشنای همدگر در یک روز دوجفت کلفش خریدند یکی از آنها که هوشیار وپاکیزه روز کار بود همه روزه کلفش های خودرا از گل وخاک صفا کرده می پوشید و دیگری که تنبل بوده کسالت اورا از مراعات نظافت کنار می کشید همیشه پاپوش خودرا بکثافت کش میکرد پس از مدت کمی که هم مصادف شدند کامل کلاه خودرا کرده واز رفیق خودرا از نظافت کفش پرسید رفیق هوشیار مستهزیانه جواب داد : من هرروزه کلفش های خودرا با آب داغ شست وشو میدهم . کامل زده باور کرده بخانه سفارش داد کلفش های اورا با آب جوشانی بشویند یک چشم زدن لعل نزول دوپارچه رهبر کج و کلنجی وارد و کلفش پیش پای آقای کامل گذاشتند آقا با کمال عتاب بنا نوادهٔ خود گفت :

تا کی نان از خود خوردن وخل شدن باد

بدهم نمیدانید که از ملبوسات هرچه شسته شده وصورت اصلی خود را تغیر میدهد اگر درخانه موجود هستید اقلا فکری از خود نداشتید که جیرای از اداره اسب کرده پیش من آرید چیزی گفت که هدایت آقای آقا بکلفش هما قواره کلا باره نی بخشید وقتا حاضرین خنده را سر دادند آقا فهمید قوده را بوده یافته یکبال غرور گفت باز بد شد اگر تو پاپوشی برآمده بود حالا اقلاً کار کلا باران را میدهد .

معالجه دهات :

مرد دهاتی شکمش درد شد کسانش به طبیب ده رجوع کردند طبیب پس از فکر زیاد از درد و ناتی ختم آورد الحاق خود فعلی طبی دلک زده را برداشته و از بین آن اخلاط معجون نهانی بیرون آورده یکمثقالی به مریضدار ها داده و گفت تصرف هواست وبخاک تشویه برای امروز ازین دوا به او بدهید فردا خودم آمده وپس از معاینه نسخه مفصل خواهم نوشت ولی احتیاط کنید که بیش از یکمثقال به مریض ندهید مریضدار پرسید یکمثقال چقدر خواهد شد حکیم گفت معادل وزن یک قران ، فردا که طبیب بدر خانه مریض رسید صدای گریه و نوحه شنید پرسید چه خبر است گفتند مریض عمر خودرا بشما بخشید .

حکیم : افسوس ! چه وقت ؟

مریضدار : پس از خورانیدن دوای شما !

حکیم : خیر هر انشاءالله اثر زیاده است

خوب راستی من توصیه کرده بودم بیش از یکمثقال نخورد شاید بیشتر خورده است .

مریضدار : قربان توصیه شما عمل کردیم منتها قران پیش ما موجود نبود درعوض آن دوای شمارا با ۵۰ پول سیاه که جمله یکقران بشود وزن کردیم .

شب وداع :

یکی از رفقای مروض در این سرمای شدید بسفر میرفت و ولی میخواست شب آخر را از کثرت صرف فراقت یافته خواب راحتی کند . قبل از حرکت دواخانه مشدی قدری دایوین طلب کرد واحتیاطا نیمی از یک خوراک را خورده ونیم دیگر آنرا نگهداشت . پس از دقایقی چند حالت خودرا متغیر دید بلکه خودرا مسموم یافت ... بهزار حیله وزحمت تمام بدکتری رسیده و آنوقت حقیقت مکشوف شد که آقای کمپودر اشتباه کرده ؟ ! عوض دایوین مارفین فرستاده و وقتی درنتیجه عملیات دکتر بهتر شد و درفکر انتقام از کمپوندر افتاد ، ظریفی گفت : تو که حالا از خطر جستی و شکر کن که باین وسیله از کشاکش وداع شب اخیر رستی . فعلاً به خواب آن بی‌فراقی بدون احساس سردی سفر را با یاد پوساتی . واگر دو چار مارفین نمی آمدی علاوه آنکه از خواب راحت محروم میشدی کسالت آن هم در مشقات سفر تو سرباری بود .

مؤلف : لیپلاپ فرانسوی : (۲۳) مترجم حبیب الله طرازی :

مادام سان ژین

از فصل سیزدهم

(عشق و جنگ)

ولی قسمت چنین رفته بود که یک حساب دان ثابت و متین و یک مرد آهنین دوروز از یک مرد . وقوهٔ [illegible] و اعمال مردها از [illegible] گرفتار شده و تابع وضعیهٔ انجه [illegible] !

ناپلئون با همه شیره سری [illegible] و مکتب و عقلی که از آنها [illegible] بعشق عشوه گر مغروری که خیال و از سهو عرسی خودش بود گرفتار گردید .

این خانم یک زن [illegible] بود که ناپلئون را تا روزیکه تاج ملکه گری والزجیه او کنده [illegible] دیگری گذاشت یک روز هم حقیقةً دوست نداشت . خانهٔ مادام (طالین) وخت (بار) بود که این دو نفر باهم بار اول ملاقات نمودند این بیوه ویکونت (بوارنی) یکی از اهل جای دور که (آنتیل) یک سیاحهٔ دلفریبی بوده که در اکثر حصص دنیا مسافرت نموده ومعلومات زیادی داشت و بواسطه صفات برجسته که داشت در جزین سوسیاته ها ومجالس زرگان مرتبه شمولیت داشت از (بوارنی) یک پسر ودو دختر داشت که یکی ازین دو دختر بعد از آن مادر (ناپلئون) سوم گردید . اگرچه عمر بعد روز گذار واضطرابات حیات سابقه مقدار زیادی از حسن وجمال و [illegible] بود ولی آنقدر [illegible] بود که قلب فاتح دنیا را [illegible] ثابت ولین فتح کند : ناپلئون از سن عجاسی یک احساساتی بوده که بیشتر و آن تجربه نداشت . فکر متوجه [illegible] که شی [illegible] احتیاجات عاید [illegible] فراموش کرده تنها بخیال ([illegible]) که [illegible] طرف دوستان [illegible] اسم [illegible] میدید . می شد گرفتار گردید ژوزفین همچنگه لیاقت آنقدر محبت زیاد را نداشت ولی ژنرال جون که حیات او تا آنوقت از عشق ومحبت کاملاً عاری بود بعمری رسیده بود که موجبه یک زنی که سوال اورا جواب می داد بگرفتاری او منتج میگردید این بیوه مقبول از جمله آن زن های هوسرانی نبوده که قابل معاشقه با ناپلئون باشد بلکه یکی از آن (حرمان زن) های بوده که در تمام مدت زنده شوهری ناپلئون باداره او مصروف شده بود . اگرچه در حاضر جوابهای بزرگ چندان مهارت نداشت ونیز از بذله گوئی ملیحانه محروم بود ولی حاذق سرار خودش را بمصاحبهٔ موضوعات عسکری واظهار دلچسپی به فتوحات و [illegible] فریفته ومشتاق خودش ساخته بود ! چون بواسطه شوهرش به (ارستوکراتی) قدیم فرانسه رشته بهم می رسانید از آن جهت نیز احترام زیادی بچشم (بونا پارت) حاصل نموده بود . ناپلئون که در میان زنهای بدشکل (کورس) که هیچکدام شان حسن ولباس خانم های پاریس را نداشتند پرورش یافته بود قد وبالای ژوزفین در نظرش رب النوع حسن وجمال را تشکیل میداد ناپلیون بواسطهٔ عدم معلومات در اطوار وعادات خاندان های بزرگ نمی توانست که در میان یک خانم سابقهٔ حقیقی که بعمر خودش تصادف نکرده بود ویک بیوه باچشم های گیرنده که مهارت عسکری او دلچسپی ظاهر می نمود فرقی بگذارد . چیزی که میخواست یک زنی بود که بتواند مرز او را ریاست کند و برای او خانهٔ بوجود آورد تا این سبب در اجتماعیات در جبههٔ بزرگی حاصل نماید .

ژوزفین این خواهشات او را تکمیل می کرد وعلاوه برآن پول دارهم گفته میشد ازان در نظر ناپلیون بهترین انتخابات بحساب می رفت ! بعد از ملاقات اول ژوزفین بونا پارت را در خانهٔ خودش نمرهٔ (۶) کوچهٔ (شنترین) دعوت نموده بود این خانه بود که اگرچه کرایهٔ آن خیلی کم بود ولی ظاهرا [illegible] زیادی نشان داده صاحبهٔ آن را با ثروت مینمود در حالیکه شراب وچوب در مخزن او وجود نداشت یک کالسکهٔ قشنگ با اسپان مقبول در صحن سرای او انتظار میکشید لباس خودش اگرچه زیبا [illegible] بسیار ارزان ومعمول ساخته شده بود ولی به یک ذوق مخصوص انتخاب شده بود که اورا مجسمه [illegible] می ساخت !

درین ملاقات ثانوی گرفتاری (بونا پارت) تکمیل گردید . تجویز [illegible] شوهری را او

پیش نهاد نمود . ژوزفین ازین سرعت فیصله حیرت نموده قدری متردد بود تردد او ازین بود که با استقبال مشعشع ژنرال جوان مداومت خواهد داشت یانه ؟ ناپلیون را یك مخلوق (بارا) میدانست وخیال میکرد که شاید این رکن اولین (دیرکتوری) حامی خودش را از او باز دارد ویا اینکه این ازدواج را تصویب نکند ؛ بنابران فیصله نمود که پیش تر از دادن جواب قطعی ناپلیون با (بارا) مشوره کند وبان مقصد درکالسکه نشسته بطرف (لوکسامبرگ) محل اقامت اراکین (دیرکتوری) روانه شد .

(فصل چهار ده هم)

(کودتا)

جشن بزرگی در (لوکسامبرگ) برپا بود که (ژوزفین) وارد گردید . دران شب با بهترین وقشنگترین لباس خودش را اراسته بود که از آن لطافت روح و نزاکت اطوار او ظاهر می گردید . پیراهنش از پارچهٔ بدن نمائی بسیار لطیف بود که از زیر آن گوشت های مدور و ازلطافتش بابخت نزاکت فوق العاده نمودار بود .

مقصد او از پوشیدن لباس قشنگ واراستن سرو صورت تنها این نبود که (بارا) را ممنون سازد بلکه می خواست رونق بازار خانمهای دیگری که در آن سالون گرد آمده بودند بشکند ، ونیزمیخواست که بقبول تجویز ناپلیون ذرهٔ ازشهرت خودش بحیثیت یك خانم شیك در باری بکاهد . علاوه بران می خواست اینراهم ثابت کند که با وجود زیادی عمر او اشخاصیکه از او بسیار کم عمر ترند باو میل ورغبت دارند . (بارا) بدیدن اوپیش رفته دست های مقبول او را بوسید واز وضع او درك نمود که خواهش ملاقات خصوصی را دارد بنابران او را در اطاق کوچك کار خودش بکمال احترام رهبری نمود . بارا راجع بمقصد امدنش قدری مضطرب بنظر می آمد . اگرچه از لطافت ونوازش اینچنین یك بیوه فتانه ناراض نبود ولی نمی خواست که مناسبات ازهم گسسته سابقه را مجدداً پیوند کند . چنانچه اورا مخاطب ساخته گفت : خانم عزیزه من نمی دانم که این ملاقات غیر مترقبه را از کدام یك اتفاق مسعود مفروض باشم

ژوزفین : دیر کنون عزیزم مرا می خواهند که باز ازدواج کنم ، آمدم که فکر ترا درآن خصوص بفهمم ، بارا تبسم کنان: بخیال من که خوبی می توانی یك شخص را مسعود سازی ولی میتوانم فهمم که جرئت ربودن این خزانهٔ پرازگوهر را کدام دزد اوباش نموده ؟ ژوزفین : بارا تو اورا از من بهتر می شناسی یك وقت نائب تو بود . بارا : وناپارت ! آن پسری که در مقابلش در های سعادت باز است ؟ اگر تو اورا در حین محاصرهٔ (تولون) میدیدی که گله ها تکرك آسا در اطراف او میریخت واو یك سر موهم باك نمی کرد حال می فهمیدی که اینچنین یك مرد دلیر مرا وار چون تو ملکه حسن وجمال است ! شجاعت او یگانه آفاق است ! ژوزفین : همین کس است که میخواهد بی بدولی را حالا ویکسان را یاور مدد گار شود . (بارا) : بگو به بینم اورا دوست میداری یانه ؟ ژوزفین: برای آنکه راست گفته باشم بی دوستش ندارم ولی اینراهم گفته نمیتوانم که از و متنفرم . در حقیقت در سر تا آخر این معامله مترددم از همین باعث است که مشوره ترا می خواهم من همیشه در فیصله امورات کاهلم وترجیح می دهم که دیگری برایم فیصله کند . (بارا) : پس تو از من می خواهی که ترا باز دواج این ژنرال امر دهم ؟

ژوزفین : تنها میخواهم بمن مشوره دوستانه دهی وهم دوبین زمن از صحبات سابقهٔ او زیاد تر معلومات حاصل کنم ! بارا - از ملاقات اولین راست ترین آنها است . این شخص دو بار اول که با وبر خوردم بر من اثر زیادی انداخت - اگرچه قامتش پست ونهایت باریك ولی صلابت ومتانت زیادی را دارا بود - موهای درازش که بی ترتیبانه بر گوش های افتاده وقسماً در پیش آئینه باز می داد تنفر او را به اخلاق پرستی که دیگر جوانان بدان گرفتار بودند شاهد خوبی بوده نیم تنهٔ سیاه رنگ در بر و کلاه سه کنجهٔ بزرگی بر سر داشت در اول اورا بدشکل تصور نمودم .

(باقیدارد)

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه داران تشنه سابق و خوانندگان نو که بعد ها محبوب افغانستان ، این انتشارات گذشته ما و منتظران ما تا حدی با محبت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدین خان کشککی پی برده و در صدد بوده بود که یک نسخه آنرا زیب کتابخانه خود قرار بدهند .

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی این کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف با توضیح این چند سطر یاد آوری و دانستن قیمت کتاب و موضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (۶۱۱) صفحه و (۴۹) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های قابل قدر ، بسیار ارزان فروش میرسد .

در داخله :	مرکز		۵ افغانی
» :	ولایات باضافه محصول پست	۷	»
خارج :	» محصول پست		[illegible] کلدار

محل فروش

در داخله : مرکز و ولایات [illegible] و جرائد و مجلات وطنی و در خارجه به وکلای انجمن تاریخ افغانستان برای خریدن رجوع خواهند فرمود .

عرض : هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هر چه زودتر جلب شده [illegible] بکثرت خریداران کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 572 of 896

(شماره ۳)

(مجلد ۵)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوسته ۲ ،
خارجه ، ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارک
مؤسس و صاحب امتیاز : محیی الدین
مدیر و نگارنده :

انیس

۲ شنبه ۲۹ قوس ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۱۱ شعبان ۱۳۵۰

در شرق اقصی :

معرکه چین وژاپون

(۱)

وزش ملایم نسیم های شهرت انقلاب وتابش کم نور برقک های آوازه اختلاف چین وژاپون که پیش از چهار ماه به فضای دقاق ومحیط آرام وبی صدای شرق اقصی بنام پیچیده گی وبا اختلاف جزوی تاریخچه سینها طوری برپا کرده وطرف دور دست را منتظر تماشایش میداشت ؛ غافل از آنکه رفته رفته در تو موقع شامه‌های موسمی آن نسیم ها به طور تند باری وآن برقک ها بصورت رعد وبرق مهیبی کسب شدت ورزیده ودرین اوان میرود بطرف آن مقاماتی که در اراضی وسیع وپر جمعیت چین یک آتش جهان‌سوزی را مشتعل واز تموج غبار خونین زای یکمک شرار آن زبانه‌های پیش کرده‌اند [illegible] محاربه نوع کدر یا تنازع خانمانسوزی به او بخشند ، ویک عده متنابه بشر را محو وسیه روز ساخته اند .

اگرچه در ابتدا واقعات های ابتدائی وابتلا علاوه کی طرف ونواحی را که تنها این تشنگان شعله ور جنگها را دعوت میکند حق چون وچرا نبوده ودر تفریق خوب وزشت آن موقع اظهار عقیده درست نخواهد آمد ؛

ولی چه چاره ؛ زلزله های پرشور بشریت خواهی جهان وصداهای پرولوله ترویجت پسندی دنیای موجوده با غوغای تحریم جنگ وتقلیل سلاح متمدنین عالم که روح پژمرده هر منزوی را تکان داده وارکان قوی جهان را بی از [illegible] فوق العاده متاثر وقلع شده ومراقبت متوجه گردانید که ازین دو واقعه وشنونده احساسات کنجکاوی وعاطفه بشری را استراحت داده باشند .

قارئین گرام ! اگر از نظر گذرانده باشند در شماره (۲۴) پس مختصری از قضایای پیچیده گی پیدا کرده چین وژاپون تذکار رفته بود که کشمکش در شرق اقصی شده وحملات شرق ژاپونیها با اقدامات فکری چینی ها بر علیه ژاپون قرعه‌ها کرده [illegible] چینی قضایا را بمجمع اقوام پیشنهاد داد تا از آنجا به امور متنازع فیه رسیده گی شود .

با آن کاری نخواهیم داشت که چرا یک مدت طولانی حل این پیچیده گی ها در طی مذاکرات وبا اشتراک عاجز مجمع ملل پیچیده و مسکوت مانده از آنجاکه ما واره های تلگرافات و مخابرات آن از این کاغذ جدید دو گاه ملاحظه شده وبعد ورق روزنامه های شرق وغرب را ملاحظه خواهی [illegible] حملات ، وجود [illegible] های متوالی کشته شدن ها [illegible] های متوالی خصوصاً اطلاعات [illegible] تسلیم [illegible] ها که چطور تعداد کثیر افواج چینی در مقابل اعداد قلیل عساکر ژاپونی پس پا و مقهور گشته شهرهای مهم را یکان یکان تسلیم میکنند این خود وقتی یک شنیدنی بسیار غریب وقابل غوری است که حتماً هر کسی بدرق متوجه افتید در اطراف مسایل چین باید یک مدتی هم رفته خواهد وبالاخره [illegible] ولابد دلایل [illegible] خصوصاً باید که اصل وموضوع متنازع

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 574 of 896

که چه قدر وقتی را دارا است که هزاران افراد انسان برای آن مخالف و خون عاطفه‌ی سر با بشریت ابراز شود؛ چه هیچ تنازع بدون یک اراده و مقصدی نیست و تا در دنیا مقاصد غرض آلودی موجود است همین طور منازعات رواج خواهد داشت و بهر منازعات تا ممکن است ظالم و عدل دولتی جستجو نشده و یک سلسله جملات و عبارات جالب نظر به دلایل، حق و ناحق زیر و رو باسر پوش مقاصد انگرده.

لذا بسیار لازم دیده می‌شود تفصیلات تاریخی و نظریات جاپین را از جراید خارجی مخصوصاً نشریات فرانسه ترجمه نموده بی طرفانه و بدون مداخله برای وسعت مطالعات قارئین ابن منتشر سازیم:

تاریخچه:

پیچیدگی و اختلاف اولی بین چین و ژاپون حادثه است که از اواخر قرن اخیر در شرق اقصی گاهی شدت می‌کند و گاهی خفیف می‌شود. برای فهم طاقت مسئله، مجبوریم نظری به تاریخ دول مذکور بیاندازیم:

همین که ژاپون، از دروس و مدنیت غربی بهره‌ور و مستفید گردید؛ خواست در بر هم عظمتی داشته، یک حصه از چین را در سواحل بحر اصفر مالک شود. چنانچه بعد محاربه ۱۸۹۵ – ۱۸۹۶ که بعد سالی زر کانه در کره یافته بود تا یک اندازه به مرام و مقصد خود نائل گردید.

و معاهده (اسی مونو سکی)؛ که این جنگ خاتمه داد، علاوه بر خرامات جنگ؛ حق ملکیت جزایر (فورموز) و (پس کدور) را به جاپان داده، و از (پورت ارتور) و (لیائو تونگ) که جنوب منجوری و در خلیج (پچی لی) واقع است، برای یک مدت به جاپان تعلق گرفت.

مگر دول سه گانه، المان، فرانسه روسیه، ماده را جع به (لیائو تونگ) را برای صلح شرق اقصی مضر دانسته متحداً ژاپون را مجبور ساختند، تا از (لیائو تونگ) صرف نظر نماید. جاپان به ژاپون تن در داد؛ ولی منتظر فرصت جدید نشست. تا اینکه محاربه روس و ژاپون شروع، و فتح نصیب جاپان گردید. در نتیجه یک حصه از جزیره سخالین را از روس ها مالک و امتیازاتی چند در منچوریا صاحب شد.

چینی ها و اهالی منچوری – که در آن وقت ضعیف بوده، و قوه مدافعه نداشتند مجبور شده امتیازاتی را که برای روس ها شناخته بودند، به ژاپونی ها هم دادند. و از همین وقت دوره نفوذ اجنبی در چین شروع گردید. یعنی در ۱۸۹۷ المان بندر (تاو)، و فرانسه در اپریل ۱۸۹۸ بندر (کورنگ چه اوان) و انگلستان در ماه جون ۱۸۹۸ بندر (وی هی وی) را تصرف و نفوذ خود ها را در خطه چین قائم نمودند.

معاهده (پورتس موت) ۱۹۰۵ و معاهدات دیگری که مستقیماً در بین چین و ژاپون عقد؛ و از طرف دول تصدیق شده بود؛ حق ملکیت راه آهن منجوری جنوبی – از (چنگ چون) الی (دلنی) و (پورت ارتور) و از (مکدن) الی (انتونگ) را به جاپان تسلیم نمود.

(این علاوه بر بعض جاهای کوچک و حق اداره کردن و عمل نمودن (نه حق ملکیت) ۵۰ کیلو متر زمین به دو طرف راه آهن مذکور.) در این مناطق معدن تیل (فوشون) و معدن آهن (ین سی هو) هم داخل است.

برعلاوه جاپانی‌ها جزیره‌نمای کوانگ تون – که در (دلنی) و (پورت ارتور) واقع است – برای یک مدت معین اشغال نمودند.

ابتداءً اشغال آنرا ۲۵ سال، و بعد ۴۰ سال تعین کرده بودند؛ تا اینکه در ۱۹۱۵ سعی نمودند که مدت مذکور را الی ۹۹ سال امتداد دهند.

بالآخره در ۱۹۱۱ (کره) را هم به خود ضم و ملحق کردند. اگر چه کره، برای جاپان یک بار گرانی است، چه آن مستعد استعمار نه می‌باشد؛ با این چون در راس منجوری و منگولی واقع است، برای جاپان دارای اهمیتی می‌باشد. و جاپان برای استقرار امنیت کره و منجوری مبالغ هنگفتی (۳ ونیم ملیون ین) صرف نموده اند، و چین ها هم از آن استفاده نموده اند.

تا اثر جنگ عالم گیر ۱۹۱۴ – ۱۹۱۸ اشتعال نموده، و جاپانی ها موقع را

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 575 of 896

عزیمت داشته خواست که (تسنگ تاو) و (چان تونگ) را از آلمان ها برباید ، علاوتاً چون میدان تاخت وتاز را در شرق اقصی وسیع یافت ، و چین را هنوز هم بیطرف دانست ، لهذا در ۷ مِی ۱۹۱۵ پیش نهاد موسوم به (۲۱ خواهش) را به چین تقدیم و خواهش تصدیق آنرا نمود . خواهشات مذکور عبارت از اسارت مکمل چین بود .

نتیجه حسب الراد وخواهش جاپان بدست نیامد .

زیرا چین ر خواسته وبایکوتاژ اموال جاپانی را شروع نمود و در ۱۹۱۷ بطرفداری متحدین بر خواسست . غرض از شمولیت او در حرب عمومی این بود ، که یکروزی تجدید نظریه (۲۱ خواهشات) کرده خواهد شد . وهم در سال یک روز ، بمناسبت همین خواهشات ، در سر تاسر چین ماتم ملی می گرفتند .

بالاخره در کنفرانس واشنگتن (۱۹۲۱ – ۱۹۲۲) امریک وانگلیس ژاپون را تهدید نموده وبر او فشار آورده ، تاشهر (تسنگ تاو) را دوباره تخلیه ، واز تمام ۲۱ خواهشات خود صرف نظر نماید .

ونیز کانفرانس (دول نه گانه) مذکور بعض تسهیلات دیگر از قبیل ، انصراف از مناطق نفوذی ، تخلیه خطه های موقتی ، استقلال گمرکی چین ، هزیمت قطعات عسکری اجنبی وغیره را برای چین اعطا نمود ، وحزب (کیومن تانگ) که فعلاً زمامدار حکومت مرکزی نانکن اند ، تمام قوا وکوششات خود را – علاوه بر اصلاحات داخلی صرف این پروگرام نمودند ، وتایک حدی کامیاب هم شدند .

چنانچه حاضراً استقلال گمرکی چین بحد کمال بوده ، وازین روبه ژاپون تنها خساره زیاد رخ نموده است ، زیرا موعد معاهده تجارتی چین وژاپون ، از دونیم سال باینطرف انجام یافته – وتاهنوز تجدید معاهده نکرده اند .

ونیز قطعات عسکری اجنبی کاملاً ازچین عودت نموده اند ، تنها در دوروا دور سفارات خانه های خارجی وبعضی مناطق کوچک شانگهای ، تین سین ، تاهنوز باقی است . قضاوت اجنبی هم اگر امنیت درچین قائم می بود ، لغو می شد .

ازجمله دول ۹ گانه فوق تنها ژاپون مقاومت نموده ومیخواست که در بدل امتیازات سابقه اش ، در منچوری حق داشته باشد . مگر حکومت نانکن قبول دار نشد .

تا زمانیکه چین شمالی با چین جنوبی درجنگ بود ، ژاپون موقفیت را حائز بود ، چه ژاپون باقائد (دیکتاتور) منچوری ، چانگ سولن ، سازش نموده بود ، وبرای مخالفت واستقامت بمقابل حریفش کمک های مادی ومالی باو می نمود . مگر بعد ازآنکه پسر چانگ سولن ، جانشین پدر خود گردیده وبا نانکن صلح نمود ، وضعیت تبدیل شد ، وجاپانی ها هرقدر کوشش نمودند که فرصت جدیدی بدست آرند ، مانعون سد راه آنها گردید .

چنانچه در ۱۹۲۸ ، در حالیکه چین به زد وخورد داخلی مشغول بود ، ژاپون برای دفعه ثانی چانگ تونگ را تصرف نموده محافظت تبعهٔ خود را بهانه ساخت مگر بعد ازچندی آنجارا دوباره تخلیه نمود .

قضاوت ملل

-۲-

میثاق ژنو :

درخزان سال ۱۹۲٤ ، آن میثاق مشهور ژنوکه برای تکمیل اصول اساسی مجمع ملل سنجیده شده بود ، تحریر شده ، تابرای تامین صلح وتنبیه از شکست صلح ، یک آله مکمل موجود باشد .

مانند یک زره بابی که بکمال مهارت تعمیر شده باشد ، مواد واصول آن برای تصفیهٔ کافهٔ کشمکش های سیاسی تعین شده ، تاهر صورت یک مسئله ، دی که قبول آن اجباری باشد حل شود . اجراء این طور فیصله ها وفیصله های دیوان عدلیه هائی که ازطرف مدعی ها ، بائین واسطه تامین شده بودکه دروقت مخالفت ، شورای مجمع ملل حکم اقدامات اجباری را میداد . واخیراً برای آن موقعی که باوجود این همه صلح جوئی ها ، جنگ شود ، برای دول متجاوز شرایط تعین

م . اسلم بسمل زاده

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 576 of 896

شده ، تا از قرار آن اجراآت جزائیهٔ مجمع ملل برخلاف متجاوزین ممکن شود میخواستند بروی کار آورند تمام این سیستم را که در بعض جزئیات بسیار دلچسپ است ، شرط برای ترک تسلیحات عمومی بسازند . طبیعی است که در آن وقت هم مذاکرات ترک تسلیحات در زیر نام (اساس امن) مشهور فرانسه بود اصل مقصد سیاسی تمام این سیستم در یک نقطه صاف بظهور می آمد . اگر خصوصاً برای تصفیهٔ کشمکش های سیاسی اینطور یک سیستم خوب وطوریکه میگویند بی نقایص ، ساخته شده بود ، پس طبیعی است که باید این سیستم برای حل آن مسائل مهم سیاسی که در اثر معاهدات صلح ۱۹۱۹ اروپا را زیر فشار آورده ، هم استعمال میشد . اما در میثاق ژنو این مسائل مهم سیاست اروپا بیک اشارهٔ دست فیصله شده بودند .

در راپورت رسمی ضمیمهٔ میثاق مذکور راجع به این مسائل ذکر می شود : — « مجادلاتی هستند که برای حل آن این سیستم جدید تصفیهٔ صلح جویانه استعمال شده نمی توانند . مثلاً مسائلی که مقصد آن اصلاح معاهدات مروجه وقرارات بین الملل است یا تمامیت دول امضاء کننده را در خطره می اندازد ، پیش نهاد شده بود ، که این استثناها در خود میثاق ذکر شود ، اما کمیسیون ها در این فکر متحد بودند که ناممکن بودن استعمال اجباری اصول محکمهٔ منصفین درین طور مسائل از نقطه نظر حقوق سیاسی آنقدر ظاهر ومعلوم دار است که هیچ حاجت نبود که این داخل یک مادهٔ مخصوص میثاق می شد همین قدر کفایت کرد که این مسائل در راپور هذا ذکر شد . »

یا بعبارت دیگر :

تمام این ، یک آلهٔ بود برای تامین « وضعیت حاضره » (ستاتسکو) . خیال میکنم ، حاجت نداشته باشد که درین خصوص زیاد ترچیزی گفته شود . طوریکه معلوم است ، باعث سقوط میثاق ژنو بعد امضا شدن آن این شد که کمی بعد از آن در انگلستان زمام حکومت بدست محافظه کاران آمد ، واین حکومت از قبول تعهدات وسیع میثاق مذکور ، خصوصاً از قبول کردن تعهدات راجع به استعمال قوه های بریطانوی در وقت فیصله کردن کشمکش های سیاسی در تمام نقاط دنیا ، انکار ورزید . اما باوجود این ، افکار اساسی این میثاق از دنیا غائب نگردید .

قانون عمومی :

درپائیز ۱۹۲۸ ، یک قدم دیگر ظاهراً موفق تری برای تامین حل صلح جویانهٔ همه قسم کشمکش های دول در ژنو شد .

تمام اصول های تصفیهٔ مجادلات — اصول وساطت ورو گذاشت ، دیوان عدلیهٔ هاگ ، اصول محکمهٔ منصفین در یک نظامنامهٔ جمع کرده شد . اساس جدید این نظامنامه که قانون عمومی گفته می شود این است که تمام کشمکش های که بذریعهٔ یکی از این اصول ها حل نشود ، باید بذریعهٔ یک هیئت منصفین فیصله شود تشکیل این هیئت که مرکب از پنج نفر منصفین است ، از طرف مدعی ها می شود تمام این پروژه از اول تقریباً بی ضرر بنظر می آمد . چون در ابتدا این طور معلوم شد که این هم از جملهٔ آن نمونه های معاهدات برای اصلاح مجادلات بین المللی است که اعضای مجمع ملل در انتخاب از بین آنها مختار اند .

ورنه هیئت نمایندهٔ گان المانی که در آنوقت در ژنو به کار ها شرکت داشتند نمیتوانستند بگذارند که این پروژه عملی شود . زیرا ، این ظاهر ومعلوم دار است که تساوی وضعیت امروزهٔ غلب هر کشمکش مهم سیاسی بر داشت این طور یک فیصلهٔ یک هیئت منصفین را که قبول آن مجبوری باشد ندارد چه یک مملکت نه می تواند مهمترین امور [illegible] حیات خود را ما تحت فیصلهٔ پنج نفر بکند ، باوجودیکه این اشخاص دارای بهترین صفات باشند .

اما از همه مهمتر این است که قانون عمومی میخواهد در یک نقطهٔ فیصله کن یک اساسی را محکم کند که تمام خطرات اینطور سیستم ها را محوی نشان میدهد محکمه های منصفین این قانون عمومی باید مطابق به اساس های عدل و انصاف فیصله کنند ، بلکه از قرار حقوق مثبت مروج ، خصوصاً مطابق به معاهدات

(بقیه در صفحه ۹)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 577 of 896

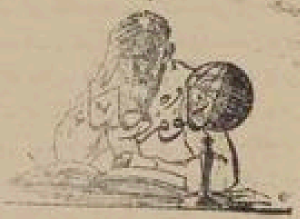

ترجمه از « لوسیتراسیون پاریس » :

ادیسن

یا

زنی و مجسمه کار

(۲)

اوایل کارخانه ولابر اتوار ادیسن در نیوپارک :

آفتاب بخت ادیسن طلوع کرده و سحاب تاریک فقر و احتیاج از سمای روز گار این مخترع و خادم مدنیت عصر حاضر بکطرف شد . پول لب خندی برخش زده و بکسره در جیب هایش جا پیدا کرد لکن گنجه این مخترع بزرک جعبه سازی و بکدام پاره دادده محبوب اختراعات است که از معاملات حیات کاملاً بیگانه افتاده است ، ادیسن که ماشین او معاملات بورس بانك را بعالم انتشار میدهد نمیداند که چطور چك از بانك دریافت میدارند تا بالاخره صندوقدار بانك از ۴۰۰۰۰ دولاری که جیب هایش را مملو کرده بود معامله بانکی برای او باز کرد .

چون وسائل مختلف و گوناگون در دسترس این مخترع بزرگ گذارده شد ما نند اناری که از کثرت پختگی ترکد ورانه های خود را هرطرف منتشر کند مغز ادیسن هم شکفته شده شروع به شعشعه پاشی گذاشت ، ماشین تحریر را به همکاری بعضی نول ها که هرگز امیدوار به ایجاد یک چنین آلت دقیق نبودند اختراع کرد ، از این وقت بعد پشت هم سرهم تلگراف (الو ماتیک) کاغذ سوراخ دار سیستم مضاعف ودریع و مسدس را ایجاد نمود .

دراین فرصت شرکت زنی گولد اساسه خود را توسعه داده سرمایه خود را به ۱۵ ملیون دولار که ۴ ملیون آن فقط از ثمر آن سیستم ادیسن بود صعود داد ، این ماشین جدید ثبت در دقیقه ۲۰۰۰ کلمه ثبت میکرد حال آنکه ۱۰ سال قبل هیچ ماشینی نبود که از ۲۰ و ۲۵ تجاوز ثبت کند ، حد اکثر ثبت ماشین همان ۳۰ کلمه بود و آنهم جز ماشین اولیه ادیسن دیگرها صورت بظهور نبود :

دراطراف (۱۸۷۵) ادیسن از کارخانه لابر اتوار (که از آنجا ۵۰ قلم ایجاد عالی وصنعتی برآمده ، درعوض جواهر طلا داده) گرد ادیسن بلا انتظار اولین آثار تلگراف بی سیم را ملاحظه نمود .

یک آله ارتعاش مانند آله ارتعاش تلگراف برقی که ورود برق را در دستگاه تلگراف بازبسته میکند ودرحین زمان جرقها انقطاع هم تولید میکند کرده ، ملاحظه نمود که چون مثله فازی راه ل بخاری نزدیک کنند جرقه بی بروز میرساند کشف باسیتی تموجی که آله ارتعاش تولید میکند ادامه یافته جریان کند ، اگرچه ادیسن نمیدانست که تموج وجود دارد لیکن قویاً ملتفت بود که در فضا قوتی است که بگفته وار دی آنرا « قوی هوتی » می نامند و آن قوا میتواند عوض « سیم » کار دهند ... بهمین اساس بر وزه تشکیل داده که در اثر آن صفاین بتوانند بدون سیم در نقاط مختلفه بحار تلگرافا مخابره کنند و از آن روز نظریه ارتباط اوقیانوس ها حل شدنی ثابت شد .

معذلك چنانچه فرانسوی ها میگویند هنوز پیاله بلب نرسیده ، یعنی آن نظر صورت فعل بخود نگرفته و اگرچه چندین علمای دیگر از قبیل ، هرتز و برانلی ، مارکونی ، فرید ، لی و فورست ، دوبلن راه کوشش ها بخرج داده بودند لیکن آب کاری از پیش نبرد ، چنانچه از روز بی تجربه خود در ۱۸۸۸ بعهرتز میگوید که امواج مکشفه او روزی تمام کره را فرا خواهد گرفت ، هرتز در مقابل شانه های خود را بلند زده صورتی نشان میدهد که گوئی امواج مکشفه مخاطبش از کیلو متر هم دور تر تجاوز نخواهد کرد درین صورت وشرایط آیا چون توده ادیسن میرسد ، ادعای او باور کنیم به اندازه (علوم عجیبه) ؟ ...

ادیسن در ملو پارک :

ادیسن لابر اتوار خود را در ملو پارک برقرار کرده اساسه آنرا وسعت داد ، مسئله بالون از ۱۸۳۷ درفضای امریکا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 578 of 896

دور مزد و باز امریکائی ارتعاش تحولی میلة و تحت قسوای برق مقناطیسی دریافت نموده بود . پروفسر المانی ریس هم دنباله این فکر را گرفت . شارل بورسل فرانسوی تلگراف چی حربی فرانسه هم در سنه ۱۸۵٤ هم یك قسمت آنرا اساس نهاده بود تا اینکه گراهامبل در ۱۸۷۵ آنرا کاملاً ایجاد و در ۱۸۷٦ در بازار صنعتی بر آمد و برای ادیسن دیگر موضوع چیزی نماند که ایجاد کند .

ادیسن برای تکمیل دستگاه تلگرافی که در آن واحد بتواند چندین خبر را توسط یك سیم انتقال دهد و در فرانسه آنرا ملتی پلکس میگویند و اصلاً آنرا یکنفر نجار تصور کرده بود در ۱۸۷٤ همان آلة گراهام را که عبارت از آلة ارتعاش بود و مقابل آن حرف میزدند ایجاد کرد چنانچه خود ادیسن دو سال بعد ملتفت شد که سیستم گراهام هم برطبق خیال او بوده است .

دراین فرصت ادیسن خواست انتقام خود را از جنبه کشفیات اشتباهی بگیرد و در صدد افتاد تا میکروفن تلوه‌فونی را ایجاد کند چنانچه نسبت به اصول بل سیستم ادیسن تا فاصله دورتری کار میداد و بمحاوره صنعتی گویا شعاع عمل سیستم اخیرالذکر طویلتر بود .

شرکت وسترن اونین اله انتقاله کلام (میکروفن) را بقیمت ۱۰۰۰۰۰ از ادیسن خرید .

بعد ادیسن آلة در یافت و میکروفن (بلند گو) را که هنوز حروف را نمیتوانست تلفظ کند اختراع کرد . این (موتوگراف) یعنی ماشین خود گوی که ابتدا اواز گوش خراشی تولید نمود که تا فاصله ۴۰۰ متر شنیده میشد آلة عجیبی بنظر خلائق شده بود . اگرچه بگوش ادیسن اعتبار نبود و ممکن اواز تا فاصله دورتری میرفت چرا وقتیکه لابرا توار خود را در قطار آهن پورت‌هورن ودیترورا بر قرار کرده بود در این قطار در اثر احتراقی که در لابراتوار و کتب وجود کرده بود چنان گوش اورا کنده بود که از یك گوش کاملاً کر بود .

بالاخره ادیسن معتقد است که اله در یافت تیلفون را اختراع نموده است و جی گولد تگران شرکت وسترن آنرا ۱۰۰۰۰۰ دولار خرید . از این موقع ببعد بازار طالع ادیسن القدر رونق گرفته بود که هر ایجاد اورا فوراً بقیمت معین خریدار میشدند چنانچه اگر اینجا مثالی ذکر کنیم از اصل بحث کنار نخواهیم بود : ژنرال گرود یك شرکت به اسم اکتشافات تلفونی در انگلستان بنا کرده و مطلع شد که ادیسن الة ساخته است فوراً تلگرافی باین مضمون به ادیسن فرستاد : ایا موتوگراف خود را به ۳۰۰۰۰ میفروشید ؟ ادیسن بگمان اینکه رقم فوق دولار خواهد بود گفت « بلی » اما در حقیقت مطلب ژنرال ۳۰۰۰۰ پوند استرلنگ بود و تا ادیسن چك ها را دریافت نکرده بود از اصل قضیه مطلع نبود .

در ۱۸۷۷ ادیسن فونوگراف را در مالو پارك اختراع نمود .

ثبت علامه هـای تلگرافی را بالای دیسك و حرکت انرا ساقاً ادیسن برای آله تکرار تلگراف تصور کرده بود از این جا استنباط کرد که دیسك میکروفن هم میتواند علامه هـای کلمات متقله را حك کند . اما عوض اینکه مخترع بزرگ دیسك را استعمال کند بخیال افتاد تا اصول سهلتری وضع کند تافکرش بدان قرار گرفت که بدور استوانه متحرك ورقی از روی نصب کند تا سوزن نقاشه آله ثبت بر آن چرخیده علامه ها حك نماید . چنانچه بهمین اساس دستگاهی بر پانموده دسته انرا بادست حرکت میداد ودقیقه ئی ژان کرومك این فقره را میخواند « ماري يك گوسفند كوچك دارد » سایر رفقا دور ادیسن جمع وبچشم حیرت باونگاه میکردند .

اگرچه اهالي ازحد زياد شيفته اين آلهٔ شدند اما ادیسن خواست كاربهتري ودي منفعت تري را عجالتاً صرف نت ميكرد چنانچه بعدها در ۱۸۸۷ براي تكميل وايجاد ومواد ثبت مناسب تري اقدامات نمود ولي فی الوقت اين فكر دامن گير خيالش شد كه از « مواد محقر توليد نور وروشني نمايد » .

قبل از ادیسن « چراغ هاي » عددي مختلف النوع ایجاد کرده بودند اما مشار اليه بخيال افتاد تا يك سلسله ديرپان نور بظهور آرد . يك چراغ برقي را ميشود بهر ذريعه تجزيه رساند اما يك عده چراغ

ها زیادي تاجریان برق نباشد نمیشود تجزیه کرد . این فکر ادیسن را به آنجا کشانید تا « شدت حرارت » کوندو کتور بار یک را صورت داد » اما این هم ممکن نشد در هواي آزاد برقرار شود سپس بعد از صدها تجربه دیگر اولین چراغ « شدت حرارت » ثابت را با لاي سیمي از طلاي سفید در خلا ء بوجود اورد اما چون اصولاً بایست ماده « شدت حرارت » شي صقلي ودرخشان مانند طلاي سفیدني بلکه چیز سیاه مانند ذوغال باشد باز ادیسن در تفحص افتاده تقریباً ۱۰ هزار مواد مختلفه را براي بدست آوردن « رشته هاي اتصالیه » آزمایش وتجربه کرد .

از کاغذ گرفته تا پنبه و پنبه ذوغال آلود و ابریشم همه بنوبه اش از نظر این مخترع بزرگ گذشتند علاوه براین مامورینی به جزائر اینتل و چین و ژاپن فرستاده شد تا الیاف نباتات مختلف را معاینه نموده رشته اتصالیه مناسبي بدست آرند . تا بالاخره یکنفر باغبان ژاپانی خرما را با الیافش گرفته با چند قلم نی هندی « خیزران » به ادیسن فرستاد چنانچه طرف پسند مخترع افتاده و تا ابریشم مصنوعي ذوغال آلود کشف نشده بود مدت بیست سال تمام رشته هاي اتصالیه چراغ هاي ادیسن را این باغبان میفرستاد .

حالا که کروپ بم بدست آمد آیا صنعت برق میتواند متولد شود و عام گردد باز بدون دست سحر انگیز ادیسن نی - براي اینکه معترف این نظریه گردیم بایستي به اولین شعبات برق کشي ادیسن در شهر نیویورک درجاده هاي وال ستریت و ناسو ستریت فری ستریت پست را بور » برقرار نموده است نگاهی افکنده ملتفت شویم که بچه اصول حیرت آوری که هیچیك از انجنیر هاي وقت فکرش بدان نمیرسید تقسیمات نموده است .

امروز اگر در (شرکت برق ادیسن نیویورك) بنگریم نتیجه زحمات طاقت فرساي این زنی عصر ۱۹ و بیست را ملاحظه خواهید نمود . امروز اعضاي این شرکت ۱۰۰۰۰۰ نفر تعداد چراغ هاي متعلقه شرکت ۱۸ ملیون و قواي ماشین هاي برق به یك ملیون (کیلو وات رسیده ، لی کوئی یك ادیسن نی لمکه صد زنی او دست بهم داده این نحیف شگفت او را خلق نموده اند .

ادیسن بعد از ایجاد چراغ برق براي اولین دفعه دیناموی بزرگی (۳۵ تن) ساخت که در پاریس مورد تحسین عامه قرار گرفت در خلال این امر به ایجاد راه آهن برق پرداخت . چون دینامو ی بزرگ ادیسن در صف دوم قرار گرفت مخترع خسته ناپذیر بالحاجت خاصي در صدد اختراع دینامو ي برامد که علی الدوام کار دهد ودر عین تجارب خود سمت وساختمان آن را کشف نمود .

زمن بر زحمت :

در ۱۸۸۷ ادیسن منلو پارك را ترك گفته در وست آورانج آخرین لابراتوار خود را وضع نمود در آنجا چنان ایجادات فوق التصور را داد که نظیر آنرا هرگز چشم دهر نخواهد دید . سینما ، فونو گراف جدید بادستك انتقال تصاویر ، تلگراف بی سیم ، تیلفون تومتیك ، آکومولا تور برق وغیره .... اختراع نمود صحت ادیسن بمناسبت کثرت کار چندان خوب نبود تنها کتابچه هاي ثبت اختراع او را اگر نگاه کنید ۵۰۰ جلد است که هر جلدش ۱۰۰۰ صفحه میشود .

یکي از ضرب المثل هاي فرانسوي میگوید « علوم وطن ندارد » . امروز در عالم همانطور که علوم وطن ندارد . برهان اساس مخترعین وموجد هاي عالی علوم هم اختصاص بیك مملکت واحد ندارند . ازین رو است که امروز عالم بشري بیك جنبش با اتفاق قلم برداشته اسم « ادیسن » را بحروف طلا در سر لوحه کتاب ثبت اسماي خدام مدنیت عصر حاضر براي ابد ثبت میکنند .

(احمد علی)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 580 of 896

صحیات

امراض جهاز ادرار

در این مرض بعضی علامات خصوصی ظاهر میشود . وبعضاً مقدار طبیعی ادرار از (۱۵۰۰) گرام زیاده می شود .

کثرت بول - پولی سوری :

بعضاً کم میشود (تناقص بول - اولیغوری) وبعضاً کیسه ادرار خالی میماند وادرا نمی شود (عدم بول - انوری) می گویند . اگر بوقت ادرار کردن درد حس کند (عسرت بول - دیزوری) وبآمدن جراحت از ادرار (بیول قیح - پی اوری) گفته می شود تداوی ابتدائی امراض راه ادرار :

بدون شیر چیزی دیگر نخوردن واز اشیای تمکین بصورت قطعی پرهیز نمودن مراض است وز مان خون آمدن از ادرار ادویهٔ که قاطع خون باشد یاس وتیپه را کثر دوام نمودن است .

بوقت آمدن حرارت در ادرار علاوه ادویه انتی سپتك مثانه را پز پشتی و ادرار مریض را از یك نصف روز الی نصف روز دیگر در یك ظرف دو سه دار جمع نموده ومقدار ادرار را قید نموده آیدو کثر جهت معاینه داده شود .

(التهاب کلیه - نفریت)

در عفونات کرده در ادرار البومین موجود میشود . این التهاب مثلیکه در دیگر امراض سری دیده میشود (باعث میباشد ویا مزمن) علامات ابتدائی آن :

درد کمر ، کم شدن مقدار ادرار ، ظاهر خون در ادرار ، به مقدار زیاد البومین در ادرار ، ورم اعضاء . امزمن می شود : که دراین صورت لتهاب ادرار بسیار دامنه دار است .

کم شدن البومین ، کش شدن رگهای خون سرخ ، خرابی بعض اعضاء خصوصاً قلب . در لتهاب دیر پیه گرده - ظاهر شدن (لوره) در وجود که مسمم شدن وجود است و باین لوره ان گفته می شود واگر وجود کدام مریض پیدا میشود علامات آن بیهوشی است که از خود بیخود میشود .

(سبات قوم لوره میك) تداوی التهاب گرده :

به مریض شیر وسبزی خورانیدن واز طعام های نمکین به قطعی پرهیز دادن خون گرفتن وسایر تداویر است .

قلنج گرده :

درد شدیدیست که از کمر تا راه ادرار بوقوع می آید .

در اثنای درد بواسطهٔ سنگ های خورد خورد یکه در میان راه های مثانه وگرده است در ادرار خون دیده میشود .

تداوی آن :

الا رسیدن داکتر مریض را دربین آب نشانده (یعنی آب زن کردن) است

التهاب حاد ویا مزمن مثانه

در ادرار ظاهر شدن جراحت ، به مشکل بول کردن وآمدن خون فهمیده می شود .

تداوی :

بخوردن بعضی ادویه جات خصوصی انتی سپتك ودوام نمودن شستن مثانه است .

سلسل بول

بدون خواهش خود بخود آمدن ادرار است که در سبب های زیاد : تب شدید ، امراض عصبی مرضی وخسته گی را ادرار بوقوع میاید

تداوی :

زایل نمودن سبب آن ، شستن مثانه ودر وقت لازم در مثانه گذاشتن سوندا (کثی تر) است .

احتباس بول - حبس ادرار

بند شدن بول است که بواسطه التهاب مثانه ، کلان شدن (پرستات) یا کتاه در تنگ شدن راه ادرار در بعض امراض عصبی ادرار احتباس میکند .

تداوی آن :

استعمال نمودن سونداء ، شستن مثانه ، فراخ ساختن راه ادرار است . (باقی دارد)

(سید حفیظ جاهد)

مروج ، یعنی ، حل مسائل سیاسی خالص هم تنها از نقطهٔ نظر احترام معاهدات های فکر اساسی که در پشتی ژنو ۱۹۲۴ نشان داده شد ، و این نمونه مشاهده در این اوقات یك تمرکز سیاسی بزرگی پیدا کرده . انگلستان و فرانسه آن را قبول کرده اند ، و در مباحثات بین المللی بدفعات ذکر شد ، که منظوری عمومی ترکیب شرط مهم برای کامیابی کنفرانس آینده ترك تسلیحات خواهد بود ، پیش از کمی ایطالیا هم قانون عمومی را منظور کرد اما بعضی شرایطی گذاشته که تا یك اندازه برای ایطالیا باعث رفع تشویش می شود که من به آن اشاره کردم .

این اشکال ، که شرحا نوشته ، نشان میدهد که در وقت مذاکرات راجع به تشکیل و تکمیل حقوق بین المللی علاوه بر دیگر اختلافات نظریه ، از همه پیش از دو نظریهٔ اساسی مقابل یك دیگر ایستاده اند . مقصد یك نظریه این است که سیستم جدید بین المللی را یك آلت برای تأمین مالکیت و حقوق حاضرهٔ اروپا بسازد .

نظریه دیگر میگوید که این سیستم نو حقوق باید باعث انجماد و منع تکامل واقع گردد ، و بنا بر این باید در آن یك راه نشان داده شود ، تا حقوق معاهداتی موجوده در یك راه صلح جویانه و قانونی مطابق به احتیاجات حیات ملل شود در حقیقت برای فیصله در بین این دو نظریه یك فکر ابتدائی لازم است .

همین قسم که یك حیات درست مملکتی تصور شده نه میتواند ، اگر قوانین مملکت در تعقیب تکامل و پیش رفت وضعیت ها اصلاح و تبدیل شود ، هیچ یك تشکیل بین المللی دوام کرده نه میتواند ، اگر بخواهند یك وضعیتی را که در یك وقفهٔ مخصوص تاریخ وجود دارد ، برای دایم محکم کنند ؟

در وقت مباحثات راجع به شمولیت المان در مجمع ملل از طرف مخالفین این اقدام یك برهان اساسی اظهار شده بود که بدون شك با اهمیت بود .

میگفتند که این طور یك موسسهٔ بین المللی طبیعتاً باید مقاصد قدامت پسندانه داشته باشد ، و لهذا این هم یك یکی از آن آلهائی شده میتواند که میخواهند برای همیشه آن حالتی را دوام بدهد که در اروپا در اثر معاهدات ۱۹۱۹ وجود دارد .

بمقابل آن گفته میشد که در خود اصول اساسی مجمع ملل یك آلهٔ موجود است که بذریعهٔ آن به این قسم مقاصد قدامت پسندانه مقابله شده میتواند .

این مقصد است از ماده ۱۹ معروف اصول اساسی راجع به اصلاح معاهدات مراجع اما این ماده از قرار مفهوم و عبارت زیاده تر یك اساس پروگرام را تدویر میکند و نه یك اصول منطقی را که از آن امید نتائج عملی شده بتواند . اگر جداً می خواهند این سیستم حقوق بین المللی را که بذریعهٔ اصول اساسی مجمع ملل تشکیل می شود ، تکمیل تر بسازند ، پس لازم که این اساس پروگرام ماده ۱۹ هم در آن شریك باشد ، و گرنه نمی تواند یك انتظام بدون دوام برپا شود .

محمد طاهر

(بغداد)

خبر های خارجی

آسیا :

چین وژاپون

شانگهای — ۶ دسمبر — مجلهٔ چینی (کری تیك) ، یك خط مخصوص نائب سالار قشون جاپانی در منچوری را که به عنوان وزیر حربیهٔ جاپان نوشته بود نشر نموده است . در عریضهٔ مذکور راجع به تقسیم نمودن چین ، و عقب کشیدن امریکا از کوتی طرف شرقی ، و انگلستان را از سنگاپور بطرف غرب ، پیش نهاد می کند .

این عریضه ثابت می کند که ژاپون خواهش حکومت نمودن در تمام حصهٔ مشرق کرهٔ ارض را دارد .

وقدم اولین این نقشه تاسیس نمودن ممالک مستقل منچوریا و منگول است به معاونت روس های سفید .

شانگهای — ۶ دسمبر — وضعیت قشون احمر در صفحه های (تسان تزی) و (هود زان) بسیار متشدد است . در صفحات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 582 of 896

(خوباي) یك شهر بزرگ (چي کو وا) به قبضهٔ قشون احمر در آمد.

در بین قشون های احمر (تسان زی) و (مودزان) روابط دوستانه ونزدیکی باهم جاری است. روز ۷ نومبر در (تسان سی) به رهنمائی فرقهٔ اشتراکی چینی، کنفرانس سوتی عقد شده بود، وفیصله شد که حکومت شوروی در آنجا تاسیس شود.

شانگهای – جاپانی ها سعی دارند که تماماً در مکدن بمانند و فیصله شده که ادارهٔ خط آهن جنوبی منچوری وریاست ارکان حربیه (کوان تون) به مکدن نقل داده شود.

روز نامجات جاپانی اعلام میکنند که تاوقت تشکیل حکومت جدید از منچوری حکومت عسکری دایر بوده، تمام مسائل دیپلوماسی، اداری، بامامورین عسکری تعلق دارد.

سرکاتب اطاق تجارتی در مکدن گفت که بعد از تاسیس حکومت مستقل منچوری، جاپان باحکومت مذکور مقاوله حربی واقتصادی عقد خواهد کرد.

توکیو ۸ دسمبر – روز ٦ دسمبر، قوای ژپونی، شهر (کوسین دون) و (سین مین) را بمبارد نموده، ودر نتیجه زیاده از ۲۰۰ نفر مقتول ومجروح گردیده است.

وزر روز نامه جات جاپانی می نویسند: که چون ژنرال چان سولان چینی، از کشیدن قشون خود از شهر (تسین چاو) انکار نموده بود، بروز ۵ دسمبر قوای هوائی ژپون قشون مذکور را تحت بمبارد مان قرار داده است. شانگهای ۱۳ دسمبر – قوه هوائی ژاپون شمال خط آهن شهر (تسین چاو) را بمبارد کرده است.

قطعه سوار جاپانی از دریای (لاو) بطرف غرب پیش قدمی نموده است.

شانگهای: – روزنامهٔ (سین وین داو) منطبعه شانگهای می نویسد:

رؤسای عسکری فرانسوی در (اندوچین) برای قبضه نمودن خاك چینی، آماده گی دارند.

درسرحد (یونن) – سمت جنوبی چین که سرحد اندوچین فرانسوی است – حرکات های سوق الجیش، میدان طیاره ساخته اند وطیاره ها وتوپ های ثقیل هم حاضر کرده اند.

توکیو ۱۳ دسمبر – کابینه (واکا تسوکی) استعفاداد، کابینه جدید تشکیل و (اراکي) وزیر حرب، و (یوسي زاوا) نماینده جاپان در مجمع ملل وزیر خارجه انتخاب شده اند. قرار معلوم کابینه جدید راجع به منچوری ومنگولی سیاست متشدده اختیار خواهد کرد.

(اراکي) در متصدیان عسکري طرفدار زیاد دارد. بعض روز نامه جات مي نویسند که ممکن است که پارلمان ملتوي گردد، ونیز کابینه جدید فیصله نموده است که صادرات طلا از جاپان ممنوع است.

فرانسه:

پاریس – ۸ دسمبر – بانک های فرانسوي، بنابر تنزل پوند انگلیسی دوصد وپنجاه کرور فرانک نقص کشیده اند.

۱۳ دسمبر: – در بورس نرخ تمام اسناد بورس باندازهٔ ٦ فیصد تنزل نموده است.

ترکیه

اسلامبول: – ۱۳ دسمبر: – آقای نادی، مدیر روز نامه «جمهوریت» مقالهٔ راجع به دسایس و انتریگ ها بر علیه ترکیه در شامات نشر نموده و می گوید:

مقصد اجتماع ارمنی ها در سرحد علاقه جات سرحدی شامات، اسباب تشویش ومخاربه دائمی است. ونیز مدیر مذکور از استقلال عراق و شامات کهباترکیه روابط وتعلق دارند، طرفداری می نماید.

روز نامه جات انقره اظهار اضطراب نموده، آماده گی وتیاری دول امپریالستی را بر علیه ترکیه، خاطر نشان می کنند. ونیز از فعالیت کورد ها و ارمنی ها بامعاونت دول امپریالیستی متذکر می شوند.

روزنامه حاکمیت می نویسد:

ما خطره حمله بر استقلال خود را می بینیم، چهرهٔ امپریالیز می را و نقابی بر روی خود گذارند، تصور

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 583 of 896

کرده و می شناسیم .

انقره — در تمام ترکیه ، هفته اقتصاد و بروپاگند محصولات صنایع ترکیه جاری است . عصمت پاشا رئیس الوزراء ، در انقره در یك نمایش ، در باب جدوجهد حکومت بغرض جلوگیری از قاچاق و تجارت گران فروشی نطق غرائی نموده و این دو چیز را سد بزرگ استقلال اقتصادی یك مملکت خواند .

***

رویتر ۱۱ دسمبر

اوضاع انگلستان

(بعد کانفرانس میز مدور)

روز سه شنبه در دار العوام مذاکره هند دوام داشت و اطاق مذکور پالیسی هندوستانی حکومت را منظور نمود . لارد پیل در عین مذاکره اظهار فکر نمود که پس از آنکه حکومت اثبات نمود که تعهدات خود را ایفا نموده است موظفین سیاسیون هند باید رفع شود . حکومت نباید ، مسئله فرق را حل نماید زیرا لیاقت فیصله نمودن مسایل فرق معیار استعداد فرق است .

سر تیو ان هند ، در دار العوام سوال نمود که آیا قبل از دادن اقتدار مستملکاتی به هندوستان از مستملکات دیگر نیز استرضا نموده خواهد شد یا نه ؟ میکدونالد در عین جواب بیان نمود که من تاریخ ۱۲ دسمبر اظهار نموده بودم هرگاهی که یکی از ممالك تحت تصرف برطانیا در تحت قانون ، وست منستر ، بیاید مثلاً با همان عادات و همان طریقه هائیکه مستملکات دیگر قبلاً در تحت آن داخل شده اند ، خواهد آمد .

سر دسته اعضای محافظه کار دار العوام که مرکب از دسته های کمیته هندوستان و کمیته صناعات و لنکاشایر وغیره بصورت متفقانه نزد سر سوئیل هور رفتند تا تاکید نمایند که یك کمیته تجارت صناعات به هندوستان اعزام گردد و در کمیته مذکور متخصصین لنکاشایر شامل باشند .

جنوا — گاندی در جمعیت اتحادیه زنان جهت صلح و آزادی در وکتور یاهال در مقابل یك جمعی که تعدادشان زیاد از ۲ هزار نفر بالغ می شد و مرکب از افراد لباس صوف بود ، نطقی در عدم تشدد خطابه ایراد نموده به تجربه هندوستان در موضوع عدم تشدد اشاره کرده گفت : مجمع باید عدم تشدد را در فیصله جات خود در نظر داشته باشد .

ریلنو ر — ۲۱ دسمبر — گاندی در حالیکه در اطاق مخصوص درجه سوم مسافرت می نمود به ساعت ۳۷ — ۳ بعد از ظهر روز جمعه از روما بطرف (برندزی) حرکت کرد و مامول است به تاریخ ۲۸ دسمبر به بمبئی برسد .

خبرهای داخلی

مجلس مکافات :

به نسبت خدمات شاندار مامورین و مستخدمین ملکی و نظامی و اعیان و اشراف مزار شریف و میمنه که در تحت قیادت والا حضرت وزیر صاحب حربیه و جناب محمد یعقوب خان رئیس تنظیمیه مزار و میمنه هنگام سر کوبی ابراهیم بیگ بعمل آمده بود یك مجلس مکافاتی بوزارت حربیه از طرف حکومت متبوع در نظر گرفته شده بود چون اکثریه عمال مربوطه بمرکز حضور نداشتند انعقاد این مجلس بتعویق افتاده بود درین روزها در قسمت عمده صاحبمنصبان وغیره افراد مامورین اولاً بمرکز آمدند بروز شنبه ۲۰ قوس مجلس مذکور بوزارت جلیله حربیه منعقد گشته و حسب تصویب والا حضرت وزیر حرب و منظوری حضور شاهانه حسب مراتب خدمت ولیاقت هر یکی بگرفتن نشان های مخصوص و انعامات شایان و ترفیع مراتب نایل آمدند چون فهرست نام نویس برنده گان جایزه و مکافات دیرتر بدست آمد و جریده بوقت معین باید منتشر میشد و بکمال تاسف از تفصیلات آن درین هفته صرف نظر کرده و نشر آن را بشماره آتیه وعده میدهیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 584 of 896

تعیینات :

والا شان جلالتماب عبد الجمیل خان وکیل نایب الحکومه مزار شریف امروز بسواری موتر بسمت ماموریت خود حرکت کردند .

خود کشی :

عبد الحمید ولد عبد الصمد ساکن گذر ملا محمود روز ۲۴ قوس خودش را بخانه مصلوب نموده و در از معلومات قومندانی کوتوالی مکشوف گشت که مشار اله مجذوب الحال بوده است .

تجویز جدید برای حفظ اموال صغیر یتیم :

وزارت تمیز در نظر دارد که برای صیانت و حفظ اموال یتیمان صغیر کتب دفتری در محاکم شرعی هر علاقه تهیه دیده و اموال یتیمان صغیر از جنس و نقد درآن قید کرده شود ، و تا سن کبارت یتیمان تجویزات درست برای حفظ اموال و گرفتن منافع مشروع ازان و نیز گرفتن وصی برای آنها از طرف محاکم میشود

مقرری ها

از وزارت حربیه

میرزا سلطان محمد خان کاتب سر کتابت شعبه بودجه دائره لوازم مقرر گردیده است .

از وزارت داخله

محمد نعیم خان سابق تلگرافی تلگرافخانه پل میم بر گری بسمت منتظم تلگرافخانه قندهار و محمد علی خان سابق تلگرافی تلگرافخانه جلال آباد به حیث منتظم تلگرافخانه قلعه جدید قندهار مقرر شده اند .

تاج محمد خان قوم الکوزائی که در وقت سابق علاقه دار نگی علاقه دار بود حال بحکومت درجه ۳ میدان خوله منگل مقرر شده است .

از وزارت تجارت :

میرزا عنایت الله خان سرکاتب محاسبه وزارت تجارت ترفیعاً بمدیریت محاسبه مقرر گردیده است .

نقیر محمد خان فارغ التحصیل مکتب حربیه بسمت ترجمان انگلیسی جریده اقتصاد و عبد الله خان سابق معلم مکتب استقلال به سمت ترجمان وزارت تجارت مقرر گردیده اند .

دعوت

به تقریب قدر دانی و ورود مظفرانه عالیقدر جلالتماب وزیر صاحب حربیه شام روز پنجشنبه ۲۵ قوس یک دعوت مجلل از طرف مکتب فنون حربیه تهیه شده بود هیئت محترم کابینه و دیگر ماموران ملکی و نظامی در آن شمولیت داشتند .

تجویز شرعی

دعا وی که سابق بین مستورات و محارمات و دیگر افراد رو میداد بعضی مستورات در حین کشمکش و تنازع دعاوی الی فیصله دعوا بخانه کلانتر همای گذر یا ملکان قریه که محروم شرعی شمرده نمیشدند گذاشته می شد .

وزارت تمیز عدالت متحد المالی صادر نموده که در آینده مستورات در حین جریان قضایای دعاوی بخانه پدر و یا در شان گذشته شوند و اگر محارم شرعی نداشته باشند بخانه زن امینه که مشهور بصلاح و عفاف باشد گذاشته و در هر دو صورت ضامن از نزد شان گرفته شود .

الطاف حکومت

محمد دین خان جدید الاسلام کمدور که اکنون بعمل شهادت رسیده است معاش مستمری او را حکومت برای ورثه اش تخصیص داده و هم بوزارت معارف توصیه شده که پسرش را تربیه عرفانی نماید .

اسقاط باقی دهی

غلام حیدر خان ساکن اللندر که باقیده حکومت بوده ولا جایداد ظاهر گردیده .

چون ضامن اعتبار او برادرش غلام قادر خان کندک کمشر به نزد حکومت بود لذا رسانیدن ...اقی دهی او بمیعاد ۳ سال قسط شده است .

کذا : ملک محبت الله خان ساکن چکری که باقیده حکومت بوده ولا جایداد ظاهر شده رسانیدن وجه باقی مذکور بکنیم سال با او قسط گردیده است .

همچنان با حاجی نور محمد و حاجی محمد رحیم ساکن چار بیکار نیز وجه باقی دهی شان از طرف حکومت قسط گردیده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 585 of 896

مادر و دختر :

دختر کی از مادرش سوال کرد : مادر عزیزم ، آیا امسال گرم من یک گدی برایم میخری ؟

مادر : — هنوز گدی که سال گذشته برایت خریده ام یکی نو است و حاجت به گدی دوم نداری !

دختر ک : آخر من که نیز تو یک دنیا دارم ، پس چه حاجت بود که تو درین سال طفل تازه آوردی ؟

داماد صاحب اخلاق :

یک یهودی نسبت به دختر خود با رفیقی چنین صحبت می کرد :

دامادم چه حاجت که متمول باشد دخترم پول کافی دارد :

دامادم چه حاجت که مقبول باشد دخترم که خیلی قشنگ است :

دامادم چه حاجت که شیک باشد دخترم که شیک ترین زنها است :

اما دامادم باید صاحب اخلاق و دیانت خوب باشد ، زیرا ۰۰۰۰۰

قیمت شعر و ادب :

در سال گذشته شاعر پیری که یکی از مشاهیر آن زمان بود و اشعار پر جوش و شیرین و با معنی اش در اکثر جاها مورد تحسین و آفرین شده بود ، عده از رفقا و دوستها شرف ورود بهم رسانیده بودند .

شاعر پیر همی از زمان سابق و قدر شعر و هنر ادبیات بحث میراند . چنانچه میگفت که اکثر از رجال بزرگ و معتبر شهر ما ، فخر می نمودند باینکه اسپ کالسکه ام را بندند .

شاعر جوانی از میان بر خواسته گفت : این چیزی که نیست ، مرا که همین دیشب از کالسکه ام سر شاهانه ، فرود آوردند و . . . .

دیگران سوال نمودند : که آخر چه شد ؟

شاعر جوان : — آخر در گودال انداخته دهنم را بسته اسپ و کالسکه ام را دزدیدند .

بنگی و زنش :

زن به شوهرش : — بنگ باز بنگ خوردی ؟ او زوال شده

مرد : — نه والله اگر چشیده باشم ! بگو دستارم کجاست ؟

زن : — در زیر بسترت

مرد : — بسترم در کجاست ؟

معلم و شاگرد :

معلم بگو چکترین شاگرد : فرض کن من دو عدد تخم بتو دادم و دو تخم دیگری بدهم ، همه یکجا چند تخم می شود ؟

شاگرد : مولوی صاحب مگر شما تخم هم داده می توانید ؟

غرور زنها :

زن در حالتیکه سرش را روی شانهٔ شوهرش گذشته بود ، چشمش را بطرف شوهر بلند نموده سوال نمود : — عزیزم اگر من پیر و قبیح شوم باز هم مرا دوست خواهی داشت ؟

مرد : — جانم ! پیر ممکن که گردی ، مگر قبیح تر نخواهی گشت ؟

فروشنده زرنگ :

خریدار : — آیا این سگ تربیه هم دارد ؟

فروشنده : — البته ! به بیند اینک من دو مرتبه بیا ، بیا بیا ، نفرین یکی ازین دو کار را خواهد نمود .

مفت شما :

یکدام تیا شاجانی طلا سید ماهی بخته از کسی فراموش شده بود ، شخصی که سبد را یافته بود بمجمعی که درآن محل گرد آمده بودند ارئه داده و تکلیف خود را معین کردن میخواست .

اجتماع به او حکم کردند که خوب است این سبد ماهی را نزد شما باشد و برای یافتن صاحبش اعلان بکنید .

اگر پیدا نشد مفت شما بدون هیچ چیز تصرف کرده میتواند .

مؤلف : لیولاتیه فرانسوی : (۲٤) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سانژن

از فصل چهار دهم

(کودتا)

ولی بعد از آنکه چشمم اندری عادی شد صورت برجسته ، نگاه های تیز ومتجسس حرکات زنده ابلک روابطه که مخصوص داشت . پیشانی فراخ وبلند او که همیشه با تخیلات پر گره است وسعت قابلیت وذکاء فوق العاده او را گواه بود گیست گفتار او مختصر وجملات او مرتب است .

ژوزفین ؛ من بتو باید بگویم که او یک مرد بست هیره ؛ روزی پایهٔ بلندی ترقی خواهد رسید ؛ مشوره من باتمام بسیبیت اینست که باید تجویز او را قبول کنی ! اگر حال او را دوست نداری چندی بعد خسوور فریفتهٔ اطوار پسندیدهٔ او خواهی شد . »

ژوزفین : — « چیزها اینکه بیگوئی تا یک اندازه حقیقت دارد ولی من قدری از او خوف دارم ! »

بارا : — درین مسئله تو تنها نیستی بلکه همهٔ هم قطاران من از او میترسند — حتی (کارنو) که یک رعب انگیز خون تشنه وهمکارهٔ (دو بسپیر) است ، نیز از و خوف میکند . »

ژوزفین : — اگر او دیر کشور ها را می ترساند ، پس فهمیده میتوانی که بریک زن چه اثر می اندازد ! »

بارا : — بلی ! آنجا نیکه یکی از مقبول ترین زنهای جمهوریت هستی اگر (بونا پارت) را بگیری یکی از مسعود ترین آنها نیز خواهی شد ... ومن که یک دوست قدیمت هستم در روز عروسیت یک هدیه بسیار قیمتداری بتو خواهم داد . »

ژوزفین خوش حال شده گفت : « ضرور یک آویزهٔ الماس که بسیار دام (تالین) داده خواهد بود ؟ »

بارا : — « از آن بهتر تو — سر افسری کل قشون ایطالی ! » این را گفته وبازوی خودش را به ژوزفین تقدیم نموده ، ایراد نمود : « بیا که بطاله بال برویم ، مهمانان همه جمع شده خواهند بود . میخواهم که درتر یک نزد واج وترقی رتبهٔ بوناپارت شخص اولین باشم . »

بالینصورت ناپلیون بوناپارت (بتاریخ ۲۲ فروری ۱۷۹۶ یعنی چند روز بعد از ازدواج با ژوزفین (بو آرنی) سر افسر کل قشون ایطالی گردید . دو روز بعد از عروسی که هنوز عروس خودش را سیر ندیده بود حکم حرکت را بطرف ایطالی گرفت . درمیان محاربات پر مشقت که اکثراً فرصت نان خوردن را نمیداشت ، باز هم عروس قشنگ خودش را فراموش نکرده هر روز یک مکتوب برایش مینوشت ، این مکاتیب بواسطه کوریر (قاصد) های سریع ، با دو خریطه های راپور محاربه ، فهرست بیرق های اسیر شده دشمن فرستاده می شد :

خیالات او بعد از فریضه به ژوزفین مصروف بود ، چنانچه بخاطر او (ژونو) را با چندی از علم های اسیر شده اسقرباً پاریس فرستاده تا به مجلس ملی تقدیم نماید . در آنروز تاریخی ژوزفین گوئه خیال ومدتی پرست خیال نمود که ملکهٔ فرانسه است . در مقابل عساکر مجتمعة ودرمیان سلامی های توپ ونعره های پر مست زنگ های (نوتر دام) سواره درمیان کوچه های پاریس تردد می نمود ونام شوهر خودش را از صدها هزار زبان می شنید . ولی با وجود همه این چیزها که ناپلیون برای او نمود بسیار وقت بعد دل خودش را ازتای ونوش پاریس وکنده وبا او در ایطالیه ملحق گردید .

جنگ محاربه در دسامبر ۱۷۹۷ ختم شد زن وشوهر به سکونت گاه محقر خود شان در کوچه (سانترین) عودت نمودند اگرچه قصر (شامبورد) بقسم هدیه از طرف ملت راجع به خدمات او تقدیم شده بود ، ولی ناپلیون این عطیه را با دیگر امتیازات رد نمود . تنها چیزی که قبول نمود سر افسری کل قشون بود که برای فتح وتسخیر انگلستان تشکیل گردیده بود .

ناپلیون بادقت وسنجیده گی زیاد ، به سنجیدن پلان حمله بر سواحل جزائر

برطانیه معروف گردید . میخواست که ذرایع بسیار مفیدی بدست آورد تا بواسطه آن بتواند دشمن بسیار جسور فرانسه وجمهوریت را ضربهٔ مهلکی وارد کند ولی مثل یک ساقی خواب وخیال فتوحات در شرق او را اغوا نموده از حمله بر انگلستان منصرفش ساخت . از جمله ممالک شرق ، مصر از همه بیشتر جلب دقت او را نموده خواست که سواحل (نیل) را مرکز عملیات آتیه خودش در شرق ، بگرداند .

یک دلیل پوچ دیگر هم بود که غیاب او را از فرانسه برای چندی مشوره میداد ، میخواست ثابت نماید که حکومت (دیرکتوری) بدون مشوره وفکر او چیزی کرده نمی تواند ، وژنرالهای فرانسه بی وجود او بجز هزیمت تجربه نمی یافت . علاوه برین این سفر احتمال میرفت که بر عظمت وشوکت شخصی او نیز مبانی بیفزاید ــ زیرا تلون مزاجی مردم و هنگامه جوئی شان کم کم از محبوبیت او میکاست ، چنانچه یک جماعهٔ از دشمنان او بر خلاف او سازش نیز نمودند . ناپلیون موقع را تنگ یافته بعجلهٔ تمام در روز ۱۹ می ۱۷۹۸ از تولون به کشتی نشسته بطرف مصر رهسپار گردید .

محاربات مصر با هزیمت فاحش بحری و جنگهای خشکه و فتوحات شاندار آن مانند حکایه الف لیله گذشته ، وقتیکه بانتهای سال دیگر آن (بوناپارت) بفرانسه عودت نمود ، همه ملت مثل یک فرد برای تبریک وتهنیت ژنرالیکه دارای شان افتخار وشهرت آورده بود ، بر خواست .

در (کودتای) که خودش را وکیل اول قرار داده بود در حقیقت از طرف ملت از شاد گردیده بود . زیرا حکومت (دیرکتوری) اعتبار خودش را ساقط نموده بود وفرانسه نمیخواست که از طرف یک چند نفر ناتوان اداره شود ، بلکه یک شخص مقتدری برسر شود آرزو داشت . اگر بوناپارت زمام حکومت را دران لحظهٔ بدست نمیگرفت بلا شبهه بدست (اوژرو) (برنادوت) یا (مارسو) می افتاد . از کمال هوشیاری ناپلیون یک دسته از اشخاص دلیر وصاحب نفوذ را که در آنجملا علاوه بر سربازان ماهرین قانون وسیاسیون مجرب نیز شامل بود در اطراف خود جمع نمود . هیچکس از شامل شدن درین جمعیت حذر نمیکرد زیرا هر شخص از وطن خواهان درین چنین یک اقدام برای نجات مملکت خود را شریک میدانستند .

بروز ۹ نومبر ۱۷۹۹ بساعت شش صبح همه رفقای بوناپارت بهمراهٔ منجمله (ژنرال) ...پلاف برای ... عسکری در خانه او اجتماع نمودند . ازین جمله یکنفر که منصب او ژنرالی بود ، در حلهٔ دیگر وقفا دیده شد . بوناپارت غیاب او را فوراً درک نموده صدا زد :

له فور کجا است ؟ این ممکن نیست که او بر خلاف ما باشد ! »

در همان لحظه فوندان عساکر پاریس که دیگری غیر از شوهر (لا سان ژن) بود وارد گردید . له فور از کاپیتانی که در وردن حاصل کرده بود ، قدم قدم ترقی کرده فرماندانی پاریس از تفا نموده بود . دراین حیثیت ومقام ائتلاف ، او در حیث ناپلیون محبت زیادی داشت .

ولی چون افکار او بطرف طرز جمهوریت میلان زیادی داشت ، از آنرو ناپلیون تی خبری او را از جریان معلومات مجلس تا بوقت ظهور نتیجه مفید تر میدانست .

به نصف شب هشتم نومبر ، بشنیدن اینکه بدون اذن او بعض حرکات عسکری بوقوع پیوسته است بر اسب خودش سوار و بطرف قشله رفته بود . برسیدن معسکر یک دسته سوار را آماده حرکت بیک سمت موهوم یافت ، وبسوال از افسر قطعه معلوم شد که به حکم بناپارت بوده است ازین مسئله بقهر شده سر راست بخانه ناپلیون آمد تا باعث این پیش آمد را به خود معلوم کند .

بوناپارت با آغوش باز او را پذیرفته صدا زد : « چطور ! این رفیق قدیمی من له فور است ؟ چطور میگذرد ؟ خانم خوبست کاری چه حال دارد ؟ دل او همیشه گرم و باتش همه وقت حاضر است این را من ضمانت کرده می توانم . مادام بوناپارت میگوید که بسیار وقت می شود که او را ندیده ! »

له فور : « تشکر میکنم ژنرال ! زن من بسیار خوبست ولی من برای کار دیگری آمدم . »

(باقیدارد)

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه دارند شناسائی و خواندن سوانح بلند پادشاه محبوب افغانستان ، یقین از نشریات گذشته ما و همقطاران ، تا حدی با اهمیت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای برهان الدینخان کشککی پی برده و در صدد خواهند بود که یک نسخه آنرا زیب کتابخانه خود قرار بدهند .

اینک برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و هدیه قابل توصیف با نوشتن این چند سطر یاد آوری پرداخته قیمت کتاب و مواضع فروش آنرا نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (۶۱۱) صفحه و (۴۹) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی بقیمت بسیار نازل بفروش میرسد .

در داخله	:	مرکز	۵ افغانی
»	:	ولایات باضافه محصول پست	۷ »
خارج	:	با محصول پست	[illegible] کلدار

محل فروش

در داخله ؛ مرکز و ولایات طالبین ، به عموم دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجاره‌ای افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

عرض ؛ هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه هر چه بیشتر چاپ شده ، نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

انیس

جریدهٔ ملی

﴿ قیمت اشتراک ﴾

در افغانستان	۱۲ افغانی
محصول پوسته اطراف و ولایت داخله	۲ «
طلبهٔ معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

لطفاً پول اشتراک که بتوسط حواله دولت فرستاده میشود باید
بسبب عوض و معاوضه باشد

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 590 of 896

(شماره ۳۱)

(سال دوم)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده : محی الدین انیس

۴ شنبه ۶ جدی ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۱۸ شعبان ۱۳۵۰

زمستان و غربا

در بین عوام ما یک ضرب المثل است که زمستان آمد و مرگ غریب رسید ، اگرچه در دیگر مواضعی که زبان فارسی متداول است کلمه غریب را مخصوصاً برای مسافر استعمال میکنند ولی در بعضی جاها بمعنی فقیر هم یاد می شود .

بهر حال شدت سرمای زمستان نه تنها برای غربا و فقرای افغانستان زحمت افزا شده و تهلکه ناک واقع میگردد بلکه در اکثر نقاط بارده دنیا که فصل شتا شدید است برای بی بضاعتان و افراد بی خانمان آنجا مشقات زنده گی و خطر جان وجود دارد .

بعضی مردم از کوتاهی فکر ممکن است تصور کنند رفع این مشکلات بحکومت یک ارتباط تامه خواهد داشت ولی اشخاص بصیر میدانند که هیچ یک حکومتی تا کنون در دنیا مقتدر شده است تمام فقیر ملت خود را باتوانائی شمول هم آغوش بسازند چه نه باشد هارا یک مراتبه پست کردن شاید سهل باشد ولی پست هارا متناسباً بلند ساختن لاممکن و بلا الا بتوجه متوسط رسانیدن و مثل این آرمان یکمسر جهد و کوشش میخواهد .

بعقیده من اول کثیرین وسیله خشکانیدن اشک جاری یتیم هاي مظلوم و بیچاره جوئی کرم ساختن بیوه زنان مرتعش بلباسه اخیری تحت تامین گرفتن حیات یکمشت افراد پژمرده و ناتوان یک جامعه فقط انتقاط عواطف رحم و مروت شریف است که از طرف اغنیای حساس آن ملت صورت بل والمداوات بگیرد .

اگرچه تشریفات گذشته مرکزی ما گواه است که در اغلب اوقات شدائد سرما و فصول زمستان این احساسات رحم و مروت بیشتر از جانب حکومت متبوع و بالخاصه اعلیحضرت والا شانات ملوکانه بوده عمل آمده بلازم گفته میتوانیم تخود از افراد و اغنیای ما احساسات آدمیت و مخصوصاً صفات شفقت و همدردی بفقرای جامعه شان را در ایام پاک نیروراندند و توجه مقررات اسلامیت و ملزومات جوانمردی اتفاقات در صدد بذل و بخشش برایشان اعانات های حکومت به تهاي اسباب استراحت عامه شده نخواهد توانست .

بعض از خوانندگان گرام ما اگر از سر کرسی های پر آسوده گی زیر کرسی ها و بای بخاری ها کمتر فراغتی داشته باشند در بین هوای بارد زمستان و آمد آمد برف ... دست آپارا گرفته و تماشای کار یک سیر بصحرا ها و کنار دریا و گوشه های بازار های چوک و شور بازار نمایند که افراد صغیر و کبیر هموطنان شان هر کدام چطور خس و خاشاکی گرد آورده بشعله آتش خفیف آنها در آن زمین های سنگ وجود خود را از برودت سرما حفظ ، بهمان روز گار تلخ و با قبل و قالي امرار حیات دارند .

آنوقت موقع اینجنت خواهد آمد که این بیت سعدی علیه الرحمه را بایشان شنوانده و بد و رهای اجتماعی زو حیات آنها را بر زانیم :

تو کز محنت دیگران بیغمی
نشاید که نامت نهند آدمی

وضرور در آن هنگام بکلیه افکار وخیالات بیننده وشنونده گان را بخود خواهد پیچاند که عظمت واهمیت مؤسسات خیریهٔ دنیا وثروت وهمه دریای اقوام عالم قایل شده وعلت تأسیس یا نفاد آن را الزما سراغ نکنند.

غرض تدین واجب وتمدن لازم میداند که درین مورد هر کس قولاً وفعلاً یا قلباً وقدماً حتی الامکان مساعی جمیله بکار برد نادر مانند اینطور مواقع بودت تا که یکعده هم نوع خودش را از تهلکه وفنا نجات کند، ما که از کمک های مادی بحیث عدم تمول تا اندازه معذور شناخته میشویم شاید این مساعدت معنوی هم خالی از فایده نباشد که هموطنان غنی خود را با اهمیت این موضوع متذکر شده وخصوصاً بریاست محترم بلدیه مرکزی یاد آوردیم تا بطور امکان چارهٔ برای اداره حیات این توده فقراء سنجیده اطفال صغیر را بیتیمخانه تا دری معرفی کرده وجهه تامینات زندگی و محافظت پیر مردان ضعیف و معذور از کار با زنان ضعیفه بی پناه از سختی سرما یک مؤسسه خیریه تاسیس و وجوه مصارف زمستان آنها را از ملکداران و صاحب ثروتان وطن استمداد وتمنا کنند.

یقین واثق است این اقدامات عین رضاییت خداوند تعالی و منتهای خشنودی پادشاه رؤف و رحیم القاب ما را حاصل کرده در عین زمان حارس زندگانی یک جمع غفیر مرد و زن فقیر جامعهٔ ما واقع گردد.

در شرق اقصی :

معرکه چین وژاپون

-۲-

در حقیقت منازعه فعلی، چین وژاپون نتیجه سابقه های است که در شماره قبل بصورت مختصر بیان رفت.

باین هم، چنانچه لازم است، حقیقت مفهوم نه میگردد، زیرا، نظریات ودلایل جانبین متخاصمین بکلی متضاد است:

نظر به چین

«کیومن تانگ»، (کیومن تانگ یکی از احزاب بزرگ سیاسی چین وزمامدار فعلی چین) کمیته اجرائیه چینی راجع به اختلاف چین وژاپون، ونظریات امپریالستی جاپان درمنچوری، چنین اعلان نموده است:

حوادث وبی نظمی که در مکدن - ذریعه عساکر ژاپونی - رخ نموده است، غیر مترقب بوده، وما این فرصت الماک را مغتنم شمرده، به عموم دنیا اعلان می نمائیم که: این حرص وخود پرستی ژاپون، امنیت وصلح شرق اقصی را در تهلکه می اندازد.

ژاپون، که خطهٔ آن محدود ومواد اولیه غریب گفته می شود، برای حفظ موقعیت خود، واینکه در زمرهٔ مال معظمه بشمار برود، مجبور است که دستی در حدود شرق آسیا داشته باشد.

فلذا، از چهل سال باینطرف، ژاپون در صدد این بوده است که در حصص منچوری دستی داشته وبطرف فتح پیش برود.

چنانچه درین اواخر، امپراطوری میکادو، بهر حیله ودسیسه که توانست، از ضعف حکومت چین استفاده نموده، نفوذ اقتصادی خود را در بعض از ایالات چین قائم نموده، چون این نفوذ را غیر مکفی ونا پایدار دانست، لهذا درصدد این بر آمد که نفوذ سیاسی خودرا هم در انجاها قائم نماید تا دائمی بماند.

ازان رو، در عین جنگ عالم گیر ۱۹۱۴، که دول غرب مشغول حفظ موقع ومنافع خود ها بودند، ژاپون چین را به گذاشتن بعض امتیازات وقبول «۲۱ خواهشات»، تهدید نمود. از همین وقت است که چینی ها، خواهشات ژاپون را حس نموده، چون قوه کافی نداشتند، علی الحال به بایکوتاژ اموال جاپانی اقدام ورزیدند؛ تا باو بفهمانند که «قوت برای محو کردن یک ملت حساس وباوجدان غیر کافی است.

مگر متاسفانه، ژاپونی ها با وجود تحمل خساره های زیاد - قانع نشده، هنوز هم می خواهند که از حصص چین به خود

ملحق نموده و در عظمت خود بیفزاید .

در اوائل بهار امسال جاری یك حادثهٔ افسوس ناك در بین چینی ها و مهاجرین (کره) — در (وان پائوشان) — رخ نموده و تفصیل آن قرار آتی است :

کره ها با امداد پولیس جاپانی میخواستند نهری بکشند . و این نهر از اراضی دهاقین چینی عبوری کرد از ین رو برزگران منچوری بر خلاف (کره) ها که از مهمان نوازی چینی ها استفادهٔ غیر مشروع می نمودند ، قیام نمودند .

از طرف دیگر ژاپونی ها در (کره) جمعیت ضد چینی تشکیل نموده ، و کره ها را فریب داده به قتل و قتال چینی های مقیم کره ، تحریك و تحریص می نمودند در نتیجه صدها نفر مقتول و ملیون ها خساره رخ نمود . و امیدی که ژاپونی ها داشت این بود ، که در اینصورت چینی ها به جان و مال و متاع کره ها تعرض خواهند نمود ، و فرصت و حق مداخله به جاپان خواهد داد .

چون چینی ها واقعه را خوب درك کرده بودند ، به هیچ نوع خلاف کره ها قیام نکرده ، فقط به قطع مراوده اقتصادی با عرك (؟) اکتفاده نموده وطبعاً خسارهٔ زیادی به امپراطوری میکادو (ژاپون) رسانیدند .

باوجود این ژاپون پیش از پیش درصدد بی نظمی چین برآمده ، و خیال میکرد که بالاخره جام صبر چین لبریز خواهد گردید . و به این وسیله منچوری را بتصرف خود خواهد آورد .

چنانچه یکی از سر افسران بزرگ ژاپونی (مینامی) (سابق وزیر حرب) در یکی از محافل عسکری علناً بیان نموده که :

« باید تمام عساکر ژاپون ، تیار و آماده باشند ، تا بطرف منچوری حرکت نمایند ، و ژاپون به مقصد دیرینهٔ خود برسد . » چنانچه عملاً هم یك مانورهٔ بزرگ در سرحد چین و کره نشان دادند ، و بعض مرمی آنها بخاك چین هم تصادف نمود .

همان است که ژاپونی ها بدون برهان ودلیل ادعا می نمایند که یکی از افسران شان که در منگولی مفقود شده بود ، بذریعه عساکر چینی بقتل رسیده است ، و به این بهانه چند قطعه از عساکر خود را به (کره) جمع نمودند ، تا به اولین اشاره چین را تصرف شوند .

چنانچه ۸ سپتمبر به ۱۱ بجه شب قوای ژاپونی بغتتاً به (پی تا ینگ) — چهاونی بزرگ شمال مکدن — حمله برده و تمام قوای شهر مکدن را — که بالغ به بیست هزار نفر بود — خلع سلاح نمودند و فردای آن — ۱۹ سپتمبر — شهر را اشغال کردند . و نیز قلعه جنگی شهر مکدن را که بزرگ ترین قلعه جنگی شرق اقصی گفته می شود ، پامال نمودند علاوه برین سانحهٔ که در مکدن رخ نمود ترتیبات حمله و شهر چنگ سونگ کو این چنگ (؟) نیز از طرف ژاپونی ها تهیه دیده شده بود . چنانچه بالفعل

آنها را هم خلع سلاح نمودند . و هم دو جهاز جنگی بطرف (نیوچوان) حرکت نموده آنجا را تصرف نمودند ، و دستهٔ جات عسکری ژاپون در کره — که امر فوری حاصل نموده بودند — آماده حرکت بطرف منچوریا گردیدند .

البته این عملیات تصادفی و فوری گفته نمی شوند ، بلکه یك پلان سنجیده شده و تجربه بوده است ، چه در ظرف کمتر از ۱۲ ساعت تمام خط سوق الجیشی منچوریای جنوبی بدست ژاپونی ها افتاد . و ژاپونی ها می گفتند که این فقط برای دفع حادثهٔ ایست که در راه آهن جنوبی منچوری از طرف عساکر چینی رخ نموده است .

این حقیقت به نظر نمیرسد ، و علاوتاً خیلی تعجب آور است که فقط برای یك حادثهٔ جزئی تمام خط سوق الجیشی را که برای تصرف منچوری حتمی است ژاپونی ها اشغال نمایند .

و عجب تر اینکه در همان روز دو جهاز جنگی ژاپونی بطرف (نیوچوان) حرکت میفرمایند ، تا آنجا را متصرف شده یگانه راه چین را در منچوری مسدود نمایند . و نیز چند ساعت قبل از تصرف مکدن ، به قوهٔ جاپانی در (کره) امر داده می شود که چین را تصرف شود .

علاوتاً بعض علائم دیگر نیز موجود است که حرص و آز جاپان را ثابت می کند :

چین که از وضعیت و فکر تعرض ژاپون باخبر بود ، به اصلاحات ملکی و نظامی و تهیهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 594 of 896

چنین درمانجوری امر داده بود، که در مقابل ژاپونی ها هیچ یک اقدامی ننمایند. چنانچه درحین حملهٔ ژاپون و تصرف شهر (بی ئاین)، وسکدن، اگر چینی ها کمی استقامت ومدافعه می نمودند، ابداً ژاپان نه می توانست درظرف مدت قلیلی یعنی چند ساعت، اقلاً یک شهر مهم مثل مکدن را اشغال نماید.

خلاصةً ما الآن می نمائیم که این اقدام ژاپونها، [illegible] است که قبلاً سنجیده شده بود، می خواسته است که در بین چین وژاپون اختلاف وپیچیدگی واقع گردد تا ازاوانه درامور چین مداخلت کرده بتواند مگر چین نظریهٔ آنها را درک نموده، هیچ یک اقدامی که آنها حق مداخلت بدهد نکرده است.

مخصوصاً دراین وقتی که تمام عالم به بحران اقتصادی [illegible] دربوده، وامریکا وتمام دول غرب درصدد رهائی ازان برآمده اند، وچین هنوزهم مشغول ومصروف مرهم گذاری زخمهای سیلاب مدهش گذشته — که تقریباً خمس اهالی آنرا محو ونابود ساخت — می باشد، ژاپون [illegible] بروی گذاشته، میخواهد خواهشات خود را تسکین و دولت هم جوار خود را تصرف نماید.

نظریه جاپانی :

جاپانی ها راجع به قضیهٔ موجوده، چنین اظهار می نمایند :

قریب ۳۵۰ نفر چینی در شب ۱۸ و ۱۹ سپتمبر حمله آورده یک حصه راه آهن جنوب منچوری را بذریعه بمب تخریب نمودند.

محافظین جاپانی راه آهن مذکور برای گرفتار نمودن اشرار چینی هرقدر کوشش نمودند، ناکام مانده بالاخره مجبور به فیر گردیدند.

ویک دسته از عساکر ژاپونی که در مکدن بودند، بکمک آنها آمده، و محاربه شروع کردند، چون وضعیت خیلی خطرناک بنظر میرسید، لهذا قوماندان قوهٔ جاپانی در مکدن، بصورت فوری چهاونی های چینی را تصرف، وعساکر چینی را خلع سلاح نمود.

ونیز شهر مکدن، وعمارات رسمی وجباخانه [illegible] را در تحت تصرف خود در آورده، هم چنین قوهٔ جاپانی اطراف شهر مکدن، وارکان حرب (چانگ چون) شهر مذکور نقل داده شده، تا عساکر چینی منتسبهٔ انتونگ، [illegible] هوانگ جنگ، ینگ کیو، را خلع نموده، قطار آهن اخاط مذکور را تحت کنترول خود در آوردند.

لیکن چینی ها در (چانگ چون) مقاومت نموده ومحاربه خونین جاری گردید.

از طرف دیگر، ژاپونی ها اطلاع حاصل نموده که چینی ها بلای تپهٔ جابوتی در (کرن) فشار آورده، وآنها را اذیت کرده اند، لهذا به ۲۰ سپتمبر یک لوا عسکری بلاطرف آن سوق داده شده، ودر ۲۱ سپتمبر فرقهٔ ۲۹ (۴۰۰۰ نفر) از (کره) بطرف منچوری حرکت نمود.

م. اسلم اسمعیل زاده

(باقیدارد)

قضاوت ملل

— ۳ —

قدامات جزائیه :

علاوه برین اختلافات که به اصطلاح حقوقی، اختلاف بین حق طبیعی وحق مثبت گفته می شود، در این کوششات یک اختلاف دیگری بظهور می آید که هم از جدیت دور نیست. بعضی دول میخواهند که مهمترین وظیفهٔ مجمع ملل اقدامات جزائیهٔ اجتماعی در موقع جنگ برخلاف دول حمله آور باشد، لهذا اشتراک درمجمع ملل بمقصد کوششات خود، تیاری وآماده گی را برای این اقدامات جزائیه می سازند، تا در موقع جنگ از طرف تمام اعضای مجمع ملل اجراء مجازات جزائیه برخلاف دولت مجرم شود.

حکومتی که درین کوششات شرکت می ورزند، عقیده دارند، که [illegible] تسلیحات خود بسازند تنها درین راه برای ممالک شان حاصل می شود، لیکن مسائل وسیع مربوطهٔ امن وترک تسلیحات از خود یک شرح مفصل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 595 of 896

می خواهد . اما میخواهم مختصراً نشان بدهم که مناسبات الدولی ، اهمیت کلی همه مسایل بین الدولی که در این موضوع با هم تصادم می کنند ، از نقطه نظر آلمان چطور دیده می شود ؟

اگر می خواهند که جنگ را نا ممکن بسازند ، پس لازم است که یک راه دیگری برای تصفیهٔ صلح جو یانهٔ همه کشمکش های که تا حال باعث جنگ ها شده ، نشان داده شود . البته باید همه کوششات برای تامین صلح از ان نقطه شروع شود . این غیر ممکن است که خود جنگ و تنظیم عملیات جزائیه عسکری را نقطه ابتدائی این کوششات بسازند . زیرا که صلح باین ذریعه تامین شده نمی تواند که برای جنگ بمقابل جنگ بازی شود ، بلکه تنها باین ذریعه که علل جنگ رفع شود . علاوه بر ان تشکیل و تکمیل این سیستم جزائیه عملاً تنها آن وقت تصور شده می تواند که موازنهٔ تسلیحات واقع شود . چون معلوم دار است که بدون این شرط صحیح وقت اجراء مجازات جزائیه بمقابل یک دولت مسلح قوی امکان نخواهد داشت ، بلکه همیشه این اجرآت مجازات دول مسلح قوی بر خلاف دول ضعیف تر ، خواهد شد .

معاهده کلوک :

برای تکمیل مباحث خود ، لازم میدانم معاهده کلوک را ، که انقلابی ترین حادثهٔ تاریخ حقوق بین الدولی گفته می شود ، قدری مفصل تر تحت ملاحظه قرار دهم ، واگر مزایا وجود این ، از آن صرف نظر می کنم ، از ین جهت بوست که اهمیت آن بنظرم کمتر می آید .

موسسین معاهده کلوک که تحریم جنگ را اظهار میکنند ، این معاهده را نه از جهت یک معاونت در تشکیل و تکمیل حقوق بین الدولی ، بلکه از جهت اعلان یک اساس بزرگ برای سیاسیات اجتماعی ملل فکر کرده بودند . بنابران با وجود شکل معاهده منشاهد آن ، اهمیت آن از همه بیشتر در حدود معنوی سیاسی میباشد . و هر کس میداند که این اهمیت بذریعه قوه ئی معنادکتی که بسقط الرأس معاهده مذکور میباشد ، فوق العاده بزرگ می شود .

از وقت جنگ تا حال ، در حقوق بین الدولی پیشرفت زیادی شده ، و میتوان گفت که وسیله کشمکش های حقوق بذریعه مؤسسات بین الدولی یک اساسی است که تقریباً از طرف عموم قبول شده ، اما آن اساس بزرگتری که در وقت تأسیس مجمع ملل اعلان شده بود ، یعنی آن اساسی که تمام مناسبات بین الدولی را ماتحت حاکمیت حق و عدالت می کند هنوز تنها یک وعده مانده است .

آیا این وعده وفا میشود ، یا وفا شده میتواند ؟ — این را کی گفته می تواند ؟

(انتهی)

محمد طاهر

در زوایای تاریخ :

زنگیه پیغاء

ترجمهٔ عبدالرشید لطیفی
سر محرر مجلهٔ حبیبیه

دریکی از شبهای زمستان سال ۱۹۲۷ برای ملاقات مستر هوم جاباردویک ، در موزهٔ و بابارت قاهره رفتم ، مستر هوم که سکونتش در همان موزه بود مرا بگرمی استقبال کرده و گفت : مرد از دو روز است که بفکر تو بوده ، زیرا یک وثیقه خطی قدیمی کشف کرده ام که میخواهم آنرا شو بسیار در ظاهر ی ترجمه نمائی وثیقهٔ مزبور دارای یک حادثهٔ تاریخی مجهولی است که برای اشخاصیکه مایل به بحث و تحری در زوایای تاریخ میباشند

این را گفت و از جیبه برتی یک ورقهٔ زرد رنگ فرسوده و رنگ پریده را کشیده بدستم داده ، که قرائت آن مشکل و بصعوبت ممکن بود ازینجا مضمون آنرا ترجمه کرده وتا اکنون نزد خود نگاه داشتم . اینک ترجمهٔ مذکور را بنظر خوانندگان محترم میرسانم :

سا کنین « بنجربه » در افریقا ، « بنجربه » که در بلاد شاق چهر بانی داشت و نیل دافوج ، نام گذاشته بودند .

در اثنا دو قرن چهارم هجرت نبوی (ص) موافق اوایل قرن یازده میلادی یک مملکت اسلامی تاسیس یافته بود ؛

در اوایل قایدین عرب و بربر دران حکومت داشته وبسا تبا حکومت بخود شان که بدین اسلام مشرف شده وصنم های را که آبا واجداد شان قبلاً میپرستیدند شکستاندند منتقل شد .

اسم این مملکت « سندای » ونام پایتخت آن « کاجوا وجاجو » بود واین همان شهریست که بسا تبا اوروپائیان آنرا « جاو » نام گذاشتند

شهر کاجو بعد ازفتح مسلمین مدینه فتنگ وبرزبی شده، تجار ازهر طرف وهر مملکتی بدان رجوع کرده ومختلف امتعه وحاصلات دران حمل کرده برای رسیدن آن گاهی صحرای کبیر وبا از ورای بحر ظلمات میگذشتند . دراین شهر مسجدی وسیع وجمیل بود که مسلمین آنرا بنا نهاده وبمخوا استند عیناً مثل قصر « الحمرای » غرناطه بسازند . در مثل این مسجد فتنگ قصر عالیٔ بود که با فرش های ممتاز مفروش شده وبا تجره های که بشیشه های ملون زینت یافته بود امتیاز یافته وداخل آن خزانه های قیمت بهای بود که یک خشت طلا بوزن چندین رطل بین این ها وجود داشت .

ساکنین این بلاد به لغت خصوصی که مزیج از لغت اصلی شان ولغت عرب بود تکلم میکردند . دریکی از روز ها سلطان جمعی از مسافرین نو وارده را در قصرش پذیرائی میکرد که ایشان مخلوط از مسلم ومسیحی ویهودی وغیره ادیان بودند ازبین این جمعیت یکنفر صفوف مقابل را دریده ودر مقابل سلطان زمین فتاد وپیشانی خود را دلیل بر خضوع وخشوعش به شاه بخاک مالیده اظهار داشت :

« ای شاه ، وقتیکه هنوز ازین دیار دور بودم از مردم تعریف مملکت ترا شنیده واعمال بزرگی ازتو ذکر میکردند ومیگفتند که پادشاهی رحیم وعادل میباشی این کسی را که آلان در مقابلت می بینی شخصی مسیحی وازابنای فرانسه است که درشهریکه « تولوز » نام دارد ، وشاید آنرا بشناسی تولد یافته است نامم انسلم دیزالجسبه ومنسوب بخانواده شریفی میباشم که در حسب ونسب عالی وعریق بوده ، وافراد خانواده آن بتمسک دریابندی بوظایف وطن واخلاص به پادشاه اشتهار دارند من خیلی مایل بدرس وبحث میباشم ودرین راه صرف حیات می نمایم . درانحای ممالک غربی سیاحت کرده واز راه بحر بمصر رفتم واهرام آنرا ملاحظه کرده ، وبه لبنان جهت مشاهده از لبنان ، مسافرت کردم وبعد از مسافرت طویلی با اهل خود بوطن عودت کرده وشنیدم که جماعتی از تور ماندیها مصمم مسافرت طویلی برای اکتشاف سواحل بحر ظلمات میباشند با این جماعه منهم ملحق شده وروانه مسافرت شدیم ، اما یک باد شدیدی در مقابل ساحل افریقا بر خاسته ومجبور نزول بخشکه شدیم ، در خشکه ازرفقایم دور شده وراه را گم کردم ووقتی بجائی که در اول پائین شده بودیم رسیدم که سفینه لنگر خود را بر داشته واز ساحل دور شده بودند . . .

« درینحال تنها در بلادی که نمیشناختم ماندم ، اما در همان ساعت مصمم آمدن نزد تو گردیدم . وبا معرفتی که بزبان عربی داشتم توانستم با مردم مفاهمه نمایم وچند روزی نگذشته بود که بقافلة که عازم اینجا بود ملحق شدم ، باین شهر فتنگ ، با این قافله مسافرت کردم وبقصر تو سالم رسیدم . الحمدلله واز حسن ضیافت وکرم وعدل تو اطمینان کامل دارم ! »

سلطان تبسم کرده واز صراحت این مسافر تعجب نموده بعد از مصافحه با وی اظهار داشت :

« من ترا عفو مینمایم ای فرانسوی نصرانی ، زیرا شخصی فصیح وصریح اللهجه میباشی که کذب ونفاق را نمی شناسی . وآنگاه ملتی را که تو بآن منسوب میباشی احترام میکنم ، زیرا بسیار چیز ها از ایشان میدانم . درکاجو مهمان ما میباشی واز حالا باید بدانی که بین جماعهٔ وحشی وجهلا که به هیچ چیز عالم نمیدانند نمیباشی . وشاید بچشم خود ببینی که تجارت کتب وعلوم در مملکت ما مثل تجارت عاج وجواهر قیمتی وشیشه های ملون رواج کامل دارد .

« لغت این بلاد را میدانی وبوسیلهٔ زبان ممکن است که با علما ورجال شرعی مذاکره وصحبت نمائی . چند سال قبل « ابن بطوطه » بمملکت ما آمده وبا بهترین آثار وخاطر ها ازاینجا رفت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 597 of 896

طبیب مشهوری داریم کسی که او را دیده به نبوغ وسعت علمش قایل شده است شاید ترا او را دار بسازیم که همراهی او راجع بمعالجهٔ امراض با گیاه ها و اعشاب و میوه ها مذاکره نمائی ، و نام این طبیب « ابن علی » و در نزدیکی اینجا مسکن دارد . »

« انسلم » چندین سال در « کاجو » اقامت گزیده و حیات آنجا خیلی برایش گوارا واقع شد ، زیرا اوقات خود را با مباحثهٔ علمی همراهی طبیب ابن علی با معلومات در عادات و اخلاق و عقاید ساکنین شهر میگذشتاند .

سلطان در هفته یک یا دو مرتبه رعایای خود را در قصرش می پذیرفت . و به موسیقی دانها و شعرای که از شرق وغرب نزدش میآمدند نعم و عطایای زیادی می بخشود . وقتی که انسلم فهمید که در مملکت سنغای زنها متمتع از حریت و آزادی کامل بوده و در اداره شئون خصوصی و عمومی با مرد ها شرکت می ورزند به دهشت و تعجب زیادی دچار شد . همچنان این را بخوبی حس کرد که سلطان اهل بلاد خویش را بقبول دین اسلامی مجبور نمی سازد . بلکه آنها را در بقای عقیدهٔ سابقه یا خضوع به تعالیم قرآن کریم آزاد گذاشته است

روزی نظر انسلم دزالجیه به دو شیزهٔ زنگی شکل در منزل یکی از بزرگان افتاد ، و نزدیکش رفته وازپا ناتش فهمید که از پدر و ما در یتیم میباشد و این شخص بزرگ منش او را ازصحرا بخانه خود آورده ، و در این قبائل « طوارق » اقامت داشت که این شخص بطور فرزندی او را قبول کرده و از آنوقت بسعد بین زنها و اولاد هایش بسر میبرد .

بعد از مرور زمان صداقت این دو جوان به محبت و بعد بعشق و علاقه تبدیل یافت و انسلم قبول زوجیت را به او پیشنهاد کرده قبول کرد و نظریهٔ پدرخواندهٔ خود را شرط قرار داد . پدر خوانده اش جواب قبول داده برایش گفت که در قبول کسی که میخواهد آزاد است .

بعد چندروزی دزالجیه حفله عروسی خویش را برپا کرده وپس از یکسال دختر قشنگ زنگی مثل مادرش از ایشان بوجود آمد ، که فقط یک خط سفیدی در جبین وسه انگشت در دست راستش سفید بود . این ظاهرهٔ عجیب اهل شهر را برین واداشت که اسم دختر انسلم دزالجیه را « زنگهٔ بیضا » بگذارند .

اما زوجهٔ او به نسبت همان قبیله بدوی که منسوب بان بود « سلام الطارقیه » نام داشت . دراینوقت انسلم فرانسوی شروع به تالیف قاموس لغات مختلفه بلاد کرد . ودر مقابل هر لغت نام فرانسوی ولاتینی آنرا میگذاشت اما انسلم بلاد واهل ونزدیکانش را فراموش نکرده ودر طول این سال هائی که در « کاجو » بسر برد وطنش قطعاً فراموشش نشد چنانچه روزی زوجهٔ خود را از شوق رفتن وطنش اطلاع داده واظهار داشت که به زودی برگشته چند ماهی در آنجا اقامت نمایند ودو مرتبه به سنغای عودت نمایند .

زوجه اش باین امر راضی شده ، اما شخصی که او را تربیه کرده و بزرگ نموده بود ، رفتن او و شوهرش را قطعاً قبول نکرده و به انسلم اظهار داشت که هر که « سلام » را که از اولادهایش بیشتر دوست دارد از وی دور کند انتحار خواهد کرد .

دزالجیه بی جهت سعی در اقناع او نمود زیرا شخص مذکور به امتناع خود اصرار داشت و بالاخره فرانسوی مجبور شد که همراه زوجه و دخترک کوچک خود و ابن علی طبیب و سه نفر از زنگی های خادمش خود به پنهانی از کاجو مسافرت نماید چنانچه تمام اینها همراه یک قافلهٔ که روانهٔ تونس بود حرکت کردند ، در تونس با یکنفری که عقب ایشان از کاجو مسافرت کرده بود مصادف شده وشخص مذکور اظهار داشت که آن بیچاره که « سلاما » را تربیه کرده و مثل دختر خود دوست داشت ؛ از حزن و بد بختی زیاد مرد و تا آخرین دقایق حیاتش نام « انسلم » را تکرار میکرد .

سلاما از شنیدن این خبر خیلی گریه کرده و شوهرش نیز از شنیدن آن خیلی متأسف و غمگین شد . بعد از چند روزی تمام آنها سفینه را که روانهٔ مارسیلیا بود سوار شده و همه خود را به سعادت آینده نوید میدادند . ولی پیش

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 598 of 896

آمدهای بخت و اقبال عکس آرزوی شان را با آنها پیش کرد . زیرا در میان بحر یک عده دزدان دریائی از اهل الجزایر بر ایشان هجوم کرده و سفینه را متصرف شدند و رجال و اطفال و زنها همه را بسفینهٔ خود بردند .

اما انسلم توانست خود را نجات داده و در یک گوشهٔ متروکی در قسمت زیرین کشتی مخفی شود . بر اثر این حادثه باد تندی بر خاسته سفینهٔ دزدان دریائی را بطرف ساحل راندند و در آنجا تمام اسری به فرار موفق شده و در آنجا با اشخاصی که خود را در اول از چپاول دزدان نجات داده بودند ملاقی شده و همه از دیدار همدیگر مسرور شده یکدیگر معانقه کردند و عنایات الهی را شکر گذار شدند .

اخیراً به مرسیلیا و از آنجا به تولوز رسیده . انسلم به اول واصد قرش هدایای زیبائی را که از سفینه با خود آورده بود تقسیم کرده و [illegible] را که بالایش گذشته بود با مخاطرات و حفرهای [illegible] که منتهی به [illegible] یا [illegible] و سلاحهای تفنگ و بعد همه را [illegible] وقف نمود .

بالاخره تمام آنها سکوت [illegible] کی تولوز را تصمیم کرده و از رفقای [illegible] منصرف شدند و از آن تصمیم خود [illegible] ایطالی هم [illegible] طرب [illegible] شان [illegible] تولوز باقی ماند . وقت شهر [illegible] تمام [illegible] را [illegible] و وحشی [illegible] کرده و بعد [illegible]

او ملتجی شده و همه وقتی که بدوا و علاج محتاج میشد باو مراجعه میکرد .

دختر انسلم در اطبا بزرگ شده بود خانواده اش میخواستند که [illegible] برایش نام بگذارند . اما انسلم همان اسم اولیش که سابقین [illegible] برایش داده بود اصرار ورزیده و به همان نام [illegible] باقی ماند وقتیکه بعمر هفده سالگی واصل شد بسیاری از جوانان تولوز دست ازدواجش را طلب کردند . اما خوئی یک جوان شرقی [illegible] اوجی دو فورودس به شوهری اختیار کرده . و حفلهٔ عروسی شان با تجمل تمام منعقد شده هدایای زیاد بر ایشان از تمام اشراف تولوز و پاریس رسیده رفت . [illegible] در تولوز بعمر ۷۳ سالگی مرد و [illegible] که [illegible] وی سم [illegible] مخلوط کرده بودند تا از رقابتش نجات یابند . اما انسلم [illegible] سیال [illegible] کرده بعد از [illegible] یک دختر دیگر [illegible] شدند . [illegible] در تولوز [illegible] جوان [illegible] کرده را که [illegible] خدمت نموده [illegible] .

اما [illegible] شوهرش [illegible] پاریس [illegible] کرده و در جمله دربار [illegible] داخل شده [illegible] اشراف فرانسوی [illegible] .

این [illegible] این ورقه [illegible] که در آن [illegible] زمستانی [illegible]

صحیات

امراض جهاز هضم

(۷۰)

امراض آن [illegible] علامات خصوص ظاهر میشود [illegible] بالخصوص [illegible] از خشکی [illegible] کی و سیاه شدن لب ها معلوم میشود .

[illegible] آبیاری کردن و [illegible] ([illegible])

[illegible] کردن [illegible]

[illegible] اطراف [illegible] مرده میشود [illegible] گردد [illegible] و [illegible] کثرت [illegible] بالخصوص بعد [illegible] که

[illegible] در [illegible] محفوظ [illegible] امروز هم در [illegible] باقی اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 599 of 896

اولاً باب خاص صابون دار خوب شسته شود با دهن ودندانهای مریض پاک کرده شود در صورت خشکی لب ودهن مریض باب مسدلی مذکوره فوق تر کرده شود .

امراض گلون والتهاب گلون ، وخناق :

باحاد وبا مزمن می شود . واکثر التهابیکه بین التهاب های گلون پیش می شود (دیفتری ـ خناق) است .

علامات التهاب های گلون :

ادبس لوزتین ؛ در فرو بردن چیزی حس کردن درد ، ورم کردن ، پیش شدن حرارت است .

در التهاب های گلون بواسطه غرغره نباتات سرد ویا گرم وباید به مرتبه مالیدن ادویه در گلون ، بتوسط قلم ، (اتمایشن) تداوی کرده می شود .

در خناق (دیفتری) پیچکاری سیروم نیز کرده میشود .

امراض مری ومعده :

از تکلیف درد در مری ومعده است . (غثیان) یعنی در معده ودر بعضی معده اغتشا ، وری ئولی وجگر (بالخصه وصفرا قی ها مانند رنگ گندنه سبز) ظاهر ودر بعضی مرض سل وبعضی (تب دمدمی) به اذیت رسانیدن اشیا ئیکه در معده باشد ودر استفراق خون دیده میشود .

خون اگر سرخ باشد جدید واگر دیرینه باشد رنگ خون سیاهست وهضم شده گی است .

خونیکه باموادغائطه (براز) خارج میشود به مثل رنگ (قهوه ـ قوروم) وآبگین سیاه وبادرخشان سرخ است .

خونیکه سرخ میباشد از حصهٔ پائین روده می آید قی های طبی وغیر طبی وبراز مریض از معاینه دکتور کند شناخته شود .

برای قطع کردن استفراق به نوشانیدن مایعات آبگین نباتات سرد مانند آب (ودی بر) و خوراندن تکه های خورده خورد یخ وبگذاشتن کیسهٔ یخ بالای معده وبه شستن معده مراجعت کرده میشود .

(بقیه دارد)

سید حفیظ جاهد

خبر های خارجی

تاس :

چین وژاپون

چین :

شانگهای ۱۶ دسمبر ـ یک میتینگ بزرگ از طرف طلبه وکارگران چین نشان داده شد ، وخواهش نموده اند که چین از مجمع ملل خارج شود . وهم وساءه اعتصاب عمومی نمودند .

چین ـ ۱۵ دسمبر ـ در روز ۱۱ دسمبر طیاره های جاپانی که بالای شهر (لی هسان) که در قرب (تی هسار) واقع است ، ۲۰ بمب انداختند . وغیر یک قطعه قشون عسکری ژاپون که تعداد آن بالغ به ۵۰۰۰ نفر است ، وقبلاً درشهر (سان کی کوان) مقیم بودند برای جنگ آماده گی دارند .

در شمال شهر (سین مین) در خط آهن (لی پین ـ مکدن) قشون ژاپونی بالای قشون چینی حمله آورده ، وآنها را عقب رانده اند .

شانگهای ۱۸ دسمبر ـ یک جمعیت بزرگ از طلبهٔ (لی پین) و (تسه نان) عمارت وزارت خارجه را تکان داده برباد نمودند . وغیر طلبه مذکور از پولیس اسلحه گرفته عمارت مجلس (کومن تانگ) را دوره بین الفقار جلسه احاطه کردند . وزیر (چنگ کای سی) رئیس حکومت خواهش ملاقات نمودند چون (چنگ کای سی) مذکور نیز آمده ویک وزیری دیگر را فرستاده بود ، طلبه بالای وزیر مذکور فیر نمودند . حیاط مرکزی (کیو من تانگ) را محصور نموده ومخابرات آنها را بادنیا قطع نمودند .

اغتشاش طلبه درشهر (تی پین) هم جاری بود ، وعمارت حکومتی آنجا را هم ویران کرده اند .

ژاپون :

توکیو ـ ۱۸ دسمبر وزیر حرب جاپان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 600 of 896

(ژا کی) ، یك لوا پیاده و یك تعداد مختلف عسکری دیگر هم به منچوری مقر شد .

توکیو ـ ۱۹ دسمبر ـ تبادلهٔ اسکناس با طلا رسماً قطع شده است .

لندن ۱۸ دسمبر ـ قشون فرانسه در اندوچین به بهانهٔ اینکه اشرار را تعقیب می کنند ، از سرحد (کوان ـ سی) چین عبور نموده است .

هند :

لندن ۱۶ دسمبر در جلسهٔ شرکت (شرکت بزرگ جمهوریت) لارد انجکیپ ، التیماتومی را که از طرف کانگرس ملی هند به سرمایه داران انگلیسی در هند کار میکنند ، تقدیم داده بود ، قرائت نمود .

کانگرس از شرکت های انگلیسی در هند چنین خواهش نموده است :

۱ ـ سه یك حصه سرمایه شان هندی باشد .

۲ ـ دو حصهٔ رؤسای شان هندی باشد .

۳ ـ ملازمین و مستخدمین شان ، همه هندی باشد .

٤ ـ شرکت های انگلیسی ، تنها مال را وارد کنند که در هند ساخته نمی شود .

ش س س ر :

مسکو ۱۶ دسمبر ـ از روی حساب هیئت نقشه کلی در ۱۹۳۲ نود فیصد از تمام حاصلات زراعتی حصه مشترکه خواهد بود ، یعنی حصه شخصی ۱۰ فیصد خواهد بود .

برای اقتصادیات حکومتی واشتراکی تراکتور های جدید داده می شود ، و مجموع قوه آنها به دو لك (هارس پاور) قوه اسپ خواهد رسید ، تعداد کارگران در اقتصادیات حصهٔ حکومتی به ۵۰ لك نفر خواهد رسید .

ایران :

طهران ۱۵ دسمبر ـ حکومت ایران به یك سندیکای شرکت های اوروپائی و امریك ، در خصوص دادن امتیازات برای استخراج معادن ایران داخل مذاکره شده است .

سندیکای مذکور تا اندازه ۵۰ لك پوند برای حکومت ایران قرض میدهد .

***

رایوتر

در حال حرکت گاندی بطرف هند

میلان ـ ۱۳ دسمبر ـ

گاندی از میلان بطرف روم عبور نمود در وقت توقف در ستاسیون دروازهٔ اطاق درجه سوم خودرا باز نموده دست خود را بطرف یك جمعیت کوچکی که در آنجا اجتماع نموده بودند ، حرکت داد مامورین استاسیون با و یك اطاق درجهٔ اول را تقدیم نمود ، و گاندی قبول نموده با رفقای خود باطاق درجه اول رفتند .

روما ـ گاندی صبح دیروز وارد این جا گردید و تا روز یکشنبه به حیث مهمان جنرال (موریس) رئیس سابق هوا پیمای ملکی درانجا اقامت خواهد نمود موسولینی گاندی را بساعت ٦ شام شنبه قبول نموده و امروز گاندی به طرف وندزی حرکت میکند .

روما ـ گاندی بطرف ارندزی روان است در عین اقامت خود در روم ، قبل از ملاقات موسولینی ، خیلی مصروف بود . در یك روز به واتیکان رفت و موزیم را ملاحظه نموده و مکتب شاهی را نیز بدقت معاینه کرد .

روما ١٤ دسمبر ـ ملاقات گاندی با موسولینی در روز شنبه برای ده دقیقه دوام داشت و تماماً مصروف سوالات زیادی شد که موسولینی راجع باوضاع هند می نمود .

گاندی به مزار عسکر گمنام رفته تمام شهر را نیز سیاحت نمود .

روما ـ پرنسس (ماریا) کوچك ترین دختر شاه ایطالیا ، شام گذشته بصورت غیر مترقب ، قبل ازروانه شدن گاندی بطرف برندزی به ملاقات گاندی رفت ، و برای نیم ساعت با گاندی گفتگو نموده و درشام با گاندی اجری عبادت نمود .

روما ١٥ دسمبر ـ گاندی در عین ملاقات خود با نمایندهٔ ـ گیرونالی ایطالیا ـ در روم گفت من به هند باز می گردم که مجادله را و علیه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 601 of 896

خبرهای داخلی

کابل

نمایندهای افغانی در مجلس تقلیل سلاح

در مجلس تقلیل سلاح که به ژنو بتاریخ ۲ فروری ۱۹۳۲ انعقاد می یابد علاوه مشمولین مجمع ملل از افغانستان روسیه وترکیه نیز دعوت کرده اند .

افغانستان این دعوت را پذیرفته و آقایان عبد الحسین خان سفیر افغانی در روما ومحمد عمر خان رئیس ارکان حرب عمومی را برای شمولیت در آن کانفرانس معرفی کرده است چنانچه آقای رئیس ارکان روز دوشنبه گذشته از کابل بسمت اروپا عزیمت کردند و آقای سفیر هم از روما در آنجا شمولیت خواهند ورزید این دو نماینده محترم اولی از جنبه کشوری ، دومی من جانب لشکری بنام نماینده های افغانستان شامل مجلس تقلیل سلاح خواهند گردید .

قرار اطلاعات واصله که دول شوروی وترکیه نیز این دعوت را اجابت کرده و نماینده های خود شان را معرفی واعزام خواهند کرد .

بقیه صفحه ۱۰

انگلستان ادامه ابرام و مجادله مذکور مانند آنکه تاحال بوده است ، مبری از تشدد خواهد بود . تشدد مترادف شکست هندوستان است . مگر در مقاومت سلمی ذخایر خیلی متین قوت را مالک است و چیزی دارد که انگلیس باید ازان خائف باشد . و اظهار فکر نمود که مقاطعه با انگلستان ضربه شدیدی وارد خواهد نمود . لاکن مقاطعه ما با اشخاص نی بلکه با موسسات سیاسی و اموال خواهد بود .

تجدید رتبه صاحبمنصبان :

یکعده منصبداران کوهدامنی وکوهستانی که در اثر اقدامات داخلی بنظریات امنیت پسندانه حکومت موقتاً از کار برکنار شده بودند روز پنجشنبه ۲۵ قوس بدربار عام شرف حضور ملوکانه را حاصل کرده وپس از شنیدن یکسلسله نصایح وعلت وقفه آنها برای چندی از کار مجدداً بمناصب سابق خود شان برقرار گشتند .

اسمای منصبداران :

۱ محمد عمر خان	:	غند مشر ثانی
۲ محمد حسین خان	:	» »
۳ عبد الغنی خان	:	» »
٤ محمد ایوب خان	:	» »
٥ غوث الدین خان	:	» »
٦ عبد الوکیل خان	:	کندکمشر
۷ شیر محمد خان	:	»
۸ جمعه خان	:	»
۹ حضرت خان	:	»
۱۰ محمد سرور خان	:	»
۱۱ محمد حنیف خان	:	»

ورود صاحب امتیاز انیس :

جناب محی الدین خان صاحب امتیاز انیس که برای معالجه درهندوستان تشریف برده بودند بهمین زودی مراجعت کرده وروز پنجشنبه وارد کابل گردیدند علت عدم توقف ومعالجه آنها در هندوستان نسبت بحال او شان همان موافقت ذرایع معالجه کابل دهند بوده که خود معزی الیه برای دیدن یکی امتیاز مرا وفضا که گرفتن کذام اطبای ای از ترتیبات معالجه آنجا جیات کابل را برای خود ترجیح داده و اینجا همان معالجات سابقی را در زیر نظر دکترهای موجوده ادامه خواهند داد .

کتابخانه و قرائت خانه نور :

روز شنبه ۳ جدی در جاده ارک مقابل هوتل کابل قرائت خانه و کتابخانه بنام نور افتتاح گردیده و عصرها تا پاسی از شب گذشته برای پذیرائی خوانندگان و هوشمندان مطالعه کتب و جراید آماده است .

بانی و موسس آن آقایان رشید خان لطیفی نگارنده مجله صحیه و سید ظهور الدین خان چشتی معلم مکتب امانی است اگرچه یک موسسه تازه بروی کار آمده است باز هم همه قسم کتب و جراید داخله و خارجه درانجا موجود است ما از وجود این موسسه نافع که ذرایع ترقیات عرفانی مملکت عزیز ماست بسیار خشنودی کرده واز آقای موسسین تمنا داریم در بسط و توسعه آن کوشیده و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 602 of 896

تاسیس کورس های فرانسه و انگلیسی را هم که شنیده ایم از مربوطات آن خواهد بود. زود تر دائر نمایند تا استفاده های عرفانی که طالبین دانش از همت اینکه نوجوانان وطن مترصد اند یک آن پیشتر بورطه عمل آمده و اکمال شود.

تبادله تلگرامات

تلگرام اعلیحضرت غازی بعنوان اعلیحضرت شاه ایطالیا

به تقریب جشن تولدی آن اعلیحضرت تبریکات دوستانه و احساسات صمیمانه ام را اظهار نموده ترقی و تعالی ملت نجیبه ایطالیا را با سعادت و مسرت حشمت مآب شما تمنا مینمایم.

تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاه ایطالیا بعنوان اعلیحضرت همایونی

از احساسات محبت کارانه اعلیحضرت شما صمیمانه تشکر کرده صحت مندی و ترقیات مملکت شاهانه را خواستارم.

متخصص گوگرد سازی

براساس نظریات منتشره شماره های قبل برای ترقی صنعت گوگرد سازی، وزارت تجارت قبلاً به قونسلگری بمبئی مراجعه نموده بود که با یکی از نمایندگی های کمپانی گوگرد سازی سویدن مذاکره نموده، یکی از متخصصین آنرا برای معاینه فابریکه گوگرد سازی کابل ومطالعه در مواد خام گوگرد پیداوار افغانستان بکابل بفرستند، قونسل اعلیحضرت در بمبئی به قونسلگری سویدن مراجعه نموده وایشان از کمپانی گوگرد سازی سویدن در بمبئی مستر هنتزل را معرفی نموده بودند اینک مشار الیه چند روز است بکابل وارد شده ومشغول مطالعات فنی خود است تا از نتیجه آن یک راپور فنی بوزارت تجارت تقدیم کند.

٤ نفر متخصص ریسنده گی

ماشین های پشم و نخ ریشی جینکه از کمپانی اوبن مانکس «جرمنی» خریداری می شد کمپانی متعهد شده بود که برای اقامه وبکار انداختن دستگاه های مذکور انجنیری های متخصص بافغانستان اعزام دارد کنون که فابریکه های مذکور بجبل السراج وقندهار وارد شده وزارت تجارت بوزارت مختاری اعلیحضرت در برلین مراجعه نموده که بشرکت اوبن مانکس اطلاع بدهد که حسب قرار داد خود چار نفر متخصص ریسنده گی: ۳ نفر برای تحریر فابریکه پشم ریسی قندهار ویک نفر برای دائر کردن فابریکه نخ ریسی جبل السراج بفرستد.

(اقتصاد)

اخبار ولایات

هرات

افتتاح مکتب ابتدائی

بروز چارشنبه ۲۱ عقرب سال جاری بحضور آقای عبدالرحیم خان نائب سالار وکیل الحکومه هرات و آقای عبدالوهاب خان مستوفی ودیگر معارف و عزه شهر هرات بکمال شعف وسرور، مکتب دوم ابتدائی افتتاح وخطابه های چند از طرف آقای نائب سالار ومستوفی ومحراب الدینخان مامور معارف آنولا ایراد گردید.

تمدید لین تیلفون:

انشاء سرک وتمدید لین تیلفون قلعه نو مرغاب درین روزها بسر رسیده است.

* * *

ونیز لین تیلفون از شهر هرات به قلعه نو امتداد یافته، ومخابرات جاری است.

ضبط مال گریزی:

یک عراده موتر حامل پسته مال میرزا محمد آقا ومیرزا محمد مهدی از هرات بطرف مشهد ایران امیرفت در حین راه از طرف مامورین گمرک توقیف وبعد از تحقیقات ضبط گردید.

قندهار

وفات:

جناب مرحوم مولوی دین محمد خان که یکی از علمای مشهور قندهار ومرجع طالب های آنولا گفته میشد، بروز نهم قوس ۱۳۱۰ حیات فانی را بدرود گفتند.

اناالله و انا الیه راجعون

جناب موصوف به اصلاح اصول دروس وتبلیغ احکام شرع محمدی (ص) تمام عمر خودرا مصروف داشتند. واز ین رو به طالب های آنولا ارشادات وفیض فراوان رسیده است.

برجنه گی:

یکنفر اروپائی پرگوئی در اطاق ریل بارفیق کم دماغ خود بنای صحبت را گذاشت:

- امروز هوای خوبی بود.
- هیچ جوابی نشنید
- طرف صبح خیال کردم می‌بارد وشکر اینک می‌بینید که هوای قشنگی است.
- باز هیچ
- انسان نمیداند آینده دنیا چه خواهد شد بحران اقتصادی عالم واوضاع بیکاری عمومی بسیار اوقات آدم را مجبور بافکار خود متوجه می‌سازد.
- باز هیچ.

بالاخره دل گوینده بتنگ آمده بالهجه بسیار تأسف آوری گفت:

عفو کنید آقای محترم این سؤال بی ادبانه، مگر شما کر یا گنگ هستید؟

- بلی!

***

این پرگوئی وکم حرفی دو نفر اروپائی یک قصه دو نفر پرگوی وطن را یاد آورده، دلم سوخت بحال آنکسی که بیچاره باطرف کم حوصله دچار شده ودر طرف چند دقیقه گفتار بیشتر ازیک کلمه (بلی) هم نشنید. یکی از رفقا گفت بااین روز ها بایک نفر از رفیق پرحرفی که کار ضروری داشتم، ناگاه بین راه مصادف گشتم، دیدم حریف هم پیشهٔ بدست آورده وروی سرک تول بتول شده اند.

کمی پیش رفته ومنتظر ایستادم تا از هم قطار خود جدا شود، به او عرض مطلب کنم. ۵ – ۶ دقیقه توقف کردم، دیدم هنوز از تعارفات معمولی ومرسومات ازلی، یا احوال پرسی های جوج وپوچ وخورد وریزه فامیل همدگر فراغت نیافتند. صلاح در آن دیدم که رفیق را بخانه خود دعوت کنم.

چون این دو نفر بسیار تشنه گفتن بوده وپس از وقت طولانی مانند همدگر خود را بدست آورده بودند، هیچ نشد بهمین زودی ترک یکدیگر گویند وهی در چه زده وراه رفته تا متفقاً وارد منزل من گردیدند. در آنجاهم از هنگام عصر تا پاسی از شب گذشت هم چنان درمکالمه بودند؛ علاوه آنکه فرصت برای اظهار مقصد خود نیافتم، سرم بدرد آمده، ساعتی بیرون خانه رفته وآنها را ترک گفتم.

وقتی بر گشتم باز دیدم، بنهایت شوق وبدون احساس خستگی سر گرم صحبت اند بلکه یک ورود تازه وحرف تازه‌ئی که یک دقیقه هم صحبت آنها وقفه بدهد چشمهای گوینده را ابلق می‌نمود.

خلاصه نان خوردیم در صحبت، چای نوشیدیم در صحبت، دست شستیم در صحبت بالاخره چراغ را خاموش کرده ومن بخواب رفتم صدای صحبت آن دو نفر بلند بود. از آن هم رنگین‌تر وقتی صبح از خواب بیدار شدم، باز دیدم دو نفر هم کار سرها را از زیر لحاف بیرون آورده ومشغول تشریح سوانحات روز پیش وتعبیر خواب های شب گذشته واز گلفتی خنک وتنگی لحاف می‌کشیدند.

من دیدم رفقا از دیروز تا حالا بدون یک مقصد و اراده ماشین های گفت وشنید را بکار انداخته اند.

وای از آنکه من از اظهار مطلب خود یک موضوعی هم در پیش کاه خرافات پاره سرائی آنها بگذارم. آنوقت یک مخاطب خواهم بود بطرف یکهفته در مقابل دو متکلم. وهفت شب وهفت روز هم مهماندار خواهم شد برای دو مفت خور – بدون ثواب دین یا دنیا.

پس خانه را برای آنها گذاشته بدون یک کلمه ادای مقصد وباحرکت دادن زبان فقط باشاره دست وسر باغتنام موقع احترامات فائقه را تقدیم داده، باصطلاح دوپا داشتم و دوپای دیگرهم قرض کرده از زینه‌ها چار نال وار کوچه، بخانه تاخت تا جائی که صدای آنها شنیده می‌شد فرار کردم.

مولف : له پلاتیه درانسوی — مترجم : حبیب الله طرزی

(٢٥)

مادام سان ژین

از فصل چهار دهم

(کودتا)

ناپلیون حرف او را قطع نموده گفت : له فبور عزیزم ! تو یك رکن متین جمهوریت هستی چطور میگذاری که در دست قانون دانیها غصب شود ؟ اینجا ! اینك شمشیری که در محاربهٔ (اهرام ها) با خود داشتم تو آنرا بقسم شهادت احترام و اعتبار من خوهی پوشید . » با این الفاظ شمشیر تاریخی و پیش قیمت (مراد بك) را که دستهٔ آن دانه نشان بود به له فبور آویخت .

له فبور : « حق داشت باید یاوری ها از میان برداشته شوند ! »

در شام همان روز که فرانسه نه تنها یك سلسلهٔ پادشاهان جدید را مالك گردید بلکه یکبار دیگر سرنوشت او تبدیل گردید . له فبور کاترین را بوسیده گفت :

« کاترین عزیزم ! این شمشیر ترکی را ببین چقدر قشنگ است : ولی فسوس که تنها برای نوره و یا کردن (یاوری) ها کار می آید ، . . . من آنرا در غلاف خواهم گذاشت ! تا از دوستی ژنرال بوناپارت یك نوکیهٔ مثل من را یادگار باشد . »

مادام سان ژین : — ولی امید میکنم که موقعی برای استعمال آن نخواهی یافت ! »

له فبور : — نی ! این شمشیر خوب خودم که با آن در (سامبره موز) جنگیدم موجود دارم که همراه من خواهد بود و بهر جائی که بوناپارت مارا رهبری کند آنرا گرفته پیش خواهیم رفت . اگر هم ملاقاتها مرگ باشد ! »

این را گفته و کاترین را بآغوش کشید چلند تا بوسه های گرم بر لب های او بنهاد .

فصل پانزدهم

(مادام له مارشال)

دروازهٔ اطاق خوب خیلی قشنگ در قصر (سنت کلو) به آهستگی تمام باز شد . خدمتگارهٔ داخل گردید ، پرده های که در اطراف قبه های منقش بسیار خوب ظرافت آویخته بود عقب کشیده صدا زد :

« مادام له مارشال ! ساعت ده روز است »

یك صدای درشت از زیر لحاف جواب داد :

« تو دیده هر دو به جهنم ! چرا نه میگذاری قدری بخوابیم ؟ »

خدمتگاره : « مادام لامارشال بسیار عفو می خواهم ! خود مادام مرا امر داده بودند که ساعت ده حاضر شوم

کاترین : — « اینقدر وقت ساعت ده شده است ؟ چطور یك حوان تنبل شده ام ؟ وقتیکه رخت می شستم خیلی وقت از خواب برخاسته بودم . در بام مشروبات فروشی هنوز صدای اولین حاضر باش شنیده نمی شد که من بسر پا هایم می بودم ! حالا که مادام له مارشال شده ام از زیر لحاف بر آمده نمی توانم بالستری مرا بده که بر خیزم . »

مادام له مارشال ، مانند ترکانی تنبل کوبان بر خواسته خواست جراب های خودرا بکشد ولی بعد از تجسس بسیار ناکام شده خدمتگاره را بکمك خود خواست . آنهم بعد مشقت زیاد از کدام کنجی آنرا یافته برای ری اش حاضر نمود . بعد از رفع این جنجال ، جنجال بزرگ تر دیگری بر روی کار آمد زیرا خدمتگارهٔ بیچاره برخت پوشاندن مادام مشغول گردید . کاترین اگرچه مادام له مارشال شده بود ولی ادا های مقبول بزرگ زادگی که در اردو گاه و سطل رخت شوهی حاصل کرده بود یکی را هم از دست نداده بود

بعد از آن بام قسمت نه تنها وضع بعضی از اشخاص را تغیر داده بود بلکه همهٔ روی یوروپ را منقلب ساخته بود . افسر طوپ خانهٔ (تولون) یا مشتری مفلس قصر کوچه (روبال) از تهده سر افسری الی بمقام (کونسلی اول) و از آنجا برتبهٔ امپراطوری صعود نموده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 605 of 896

شوکت عسکری برای او تختی برپا کرده بود که حتی پادشاهان نیز مجبور بودند در مقابل او بزانو شوند و ژنرال های شجیعی که در اطراف او جمع بودند، نیز مانند خود او از اعماق پست مذلت به سطوح تعالی و ترقی بر آمده بودند.

پیش بینی های فال بین (ووکسهال) در حق له فبور و خانمش کاملاً به حقیقت پیوست. سارجن گارد ها از رفیق خودش (هوش) خوش قسمت تر بوده بسرعت فوق العاده پیش رفته بمناصب بلندی ارتقی جسته بود و چون کور کورانه به امپراطور خودش صمیمی و فدا کار بود همیشه در محل توجه و مرحمت او واقع می بود.

در ۱۸۰۴ که (ناپلیون) حرمت و وقار مارشال های قدیم فرانسه را بدست آورده به تشکیل آن اقدام نمود «له فبور» شخص اولین بوده که یکی از آن رتبه های ممتاز را نائل گردید. فاتح (اوسترلیتز) (۱) قسمت این چنین یك مارشال را در مقابل ستون های عسا کر دشمن معلوم کرده بود که باوجود بی علمی او اینقدر قدر و احترام می نمود. اکثراً اگر پلان حربی در زیر مباحثه می بود، له فبور از کثرت شنیدن لغات حوصله خود را از دست داده پلان را بدور می افکند وصدا میزد:

«قرعه بازی وفال بینی را به جهنم کنید! مرا بام اندازم در مقابل دشمن بگذارید. مابقی را خودم فیصله میکنم.»

در مقابل امپراطور که باندازه پرستش او را دوست میداشت بکمال احترام پیش می آمد ومشکل ترین اوامر او را اجرا می نمود. ناپلیون پلانی می سنجید و له فبور اجرا می نمود. هر جائی که او را میفرستاد مانند تیری سر راست میرفت ور میگشت. بعبارت آخری یك قوه غیر قابل مقاومتی بود که درزور ارادهٔ بزرگی عمل می نمود.

فرانسوا له فبور «نه تنها یك سرباز خارق العادهٔ بود بلکه بهترین شوهر ها نیز بود. اگرچه یونیفورمه اش تبدیل گردیده بود، ولی خودش برای کاترین جان له فبور قدیم باقی مانده بود وعقاب (لژیون دو انور) که بکمال شوکت به سینه اش آویخته بود، بر قلب صادق او اثری انداخته نمی توانست.

وفاداری ومحبت زن وشوهر یك مزاح معروف دربار ناپلیون شده مانده بود ولی خود ناپلیون اخلاق دربار خود را اهمیت زیادی نمیداد بلکه له فبور و کاترین را بتعقیب بهترین زنا شوهری مستغرق می نمود. ولی افسوس که این توصیه در قلب او مورد توجه واقع نمیگردید. چیزی که مارشال را بدان مواخذه می نمود همانا اوضاع ازادانه وساده خانمش بود وبس.

چنانچه، در یکی از ملاقات ها گوش سرباز بزرگ را بناخن گرفته گفت:

«له فبور طرف من ببین! کوشش کن زنت را فهمانی دامن لباسش را در وقت داخل شدن باطاق امپراطور، مثلیکه از یك خندق خیز زدن خواسته باشد بالا نگیرد و باید عادت قسم خوردن را مانند زنان دهی کیر بکنار بگذارد! آه یك چیزی دیگری نیز هست آیا تو می شنوی؟»

«اعلیحضرتا! سراپا گوشم.» این جواب را مارشال به بسیار اطاعت داد ولی به شنیدن کنایه ها نسبت به زن خودش متاذی بود.

ناپلیون: — «زن تو حقیقتاً با خواهران من همیشه در تنازع است. دربار من سراچهٔ کدام مهمانخانهٔ باهوتل نیست که اینگونه معرکه ها دران برپا شده بتواند.»

له فبور: — «اعلیحضرتا! خواهران ذات شاهانه عیال مرا به کم اصلی وداشتن افکار جمهوریت تحقیر می کنند.»

ناپلیون بیاد کی له فبور که خودش را مثل چند نفر دیگر از جمله ۹۳ نفر طرفداران جمهوریت، طرفدار جمهوریت میدانست و درعین زمان برای امپراطور خدمت می نمود تبسم نموده گفت:

«بلاشبهه همهٔ ما جمهوریت می خواستیم.»

(باقیدارد)

(۱) (محاربه ایست که در مقام مذکور بر علیه عسا کر متحده اطریش و روس در ۱۸۰۵ جنگیده است. مترجم).

نادر افغان

قارئین گرامی و شوق مندان اطلاعات تاریخی وطن عزیز با علاقه دارند شناسائی و خواندن سوانح یك پادشاه محبوب افغانستان ، بعض از نشریات گذشته ما وهمقطارن ، تا حدی باهمیت کتاب نادر افغان مؤلفه آقای رهان ادیبخان کشککی پی برده و در صدد خواهند بود که یك نسخه آن را زیب کتبخانه خود قرار بدهند .

اینك برای سهولت خریداری و استفاده عمومی ازین کتاب نفیس و مدبه قابل توصیف بار بنوشتن این چند سطر یاد آوری بداخله قیمت کتاب و مواضع فروش آن را نشان میدهد

قیمت

کتاب نادر افغان با حجم و قطع متناسب و تعداد (٦١١) صفحه و (٤٩) قطعه تصاویر تاریخی و نقشه های عالی بقیمت بسیار نازل بفروش میرسد .

در داخله	:	مرکز	٥ افغانی
«	:	ولایات باضافه محصول پست	٧ «
خارج	:	با محصول پست	کلدار

محل فروش

در داخله : مرکز و ولایات طالبین ، به عموم دوایر جراید و مجلات وطنی و در خارجه به وکیل التجارن افغانی برای خرید رجوع خواهند فرمود .

عرض : هر قدر در خریدن عجله کنند ندامت نخواهند کشید چه مرتبه چیزی چاپ شده نظر به کثرت خریدار کمتر بدست خواهد آمد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 607 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 608 of 896

(شماره ۳۲)

انیس

(مجلد ۵)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده اوکی
موسس وصاحب امتیاز : محی الدین
مدیر ونگارنده : [illegible]

۲ شنبه ۱۳ جدی ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰۶ | ۲۵ شعبان ۱۳۵۰

یاد اوری لازمه

هوای بارانی و رهگذر های پوشیده از گل ولای یادیدن وضعیت منزاددن درین زمستان یکنوع مسایل را بخاطر ها میگذارند که بایستی همه جزویات را یکجا کرده و بنوشتن چند سطری ریاست محترم بلدیه و دوایر مربوط آن ها را متذکر شده .

درین روز ها بمقتضیات موسمی نزول برف و باران زیاد و دایما معابر عام پر از گل و گلی است خصوصاً اوقاتی که تاریکی شب فضای روشن شهر را فرا میگیرد بیشتر راهروان دچار مشکلات می گردند . اگر چه اینها هر کدام به تنهائی جزویات اند ولی وقتی دو سه موضوع آن یکجا واقع شد از امور کلیه محسوب خواهند شد هرچه ، جزویات را اهمیت داده و در صدد چاره جوئی بشویم بسهولت کار گذاری کرده و از مشقات کلیات نیز آسوده خواهیم ماند چطوریکه اقتدار بلدی ما از پاک کردن و تعمیر نگهداشتن دایمی اینهمه سرکها و کوچه های متعدد که اغلب پخته کاری نشده عاجز است همین طور نخواهیم توانست هر یک فردی از مستخدمین اداری ویا کسبه بازاری وسایل سواری تهیه به بینم تا هنگام تردد از کثافت گل و ترشح آب های گل آلود شوارع عام وخاص محفوظ باشند ، اینقدرها ازما ساخته خواهد شد که به آقایان متر الدین سواره یاد آور شویم تا هنگام سواری موتر و گادی واسپ در اوان بارندگی کمی آهسته تر حرکت نموده رعایت گل آلود ساختن پیاده رو ها را کرده باشند ، همچنان بعضی چاره جوئی هائیکه بفکر ما سهل الاجرا میرسد بطور پیشنهاد سنجیده واجرای آن را به ریاست بلدیه زحمت افزا گردیم :

اولاً برخی جاهائیکه در روز های بارندگی بروی سرکها و سر چوک وبین کوچه ها که بیشتر محل عبور ومرور مردم است جائی موقتاً وجائی دایماً مشکل می شوند باید یکعده از افراد مستخدمین بلدی مامور گردند که دفع الوقت دند آبهارا بمجرای آنها روان ساخته وبرای سهولت عابرین بطور فوری به صاف کردن راه و کناره کردن گل بپردازند وآینده متوجه باشند که سر کهارا مخصوصاً خیابانهای کناره دریارا باصولی امر تمدید وپخته کاری بدهند که آب باران در وسط آن جمع نشده ، بطرف دریا بریزد چه اغلب سر کها سابقاً طوری ساخته شده که طرف دریا بلند وطرف خانه ها نشیبی دارد و آب هاریخ دیوار ها وند می گردد .

اگر عملاً علاج آنها مشکل می نماید برای رسیدن یک موقع خشکی وغیره بارندگی کاندوم سهل الاجرا خواهد بود .

ثانیاً برای حرکت متر الدین که پیاده میباشند وقوه نگهداشتن موتر و گادی شخصی ندارند بهترین وسیله راحت آنها ترن و یا او تو موبیل عمومی موتر های بزرگ کرائی است ، مجبوری بین کوچه های معروف خود ترن نداشته و بفکر آن هم تقریباً دچار اشکال میشویم فعلاً از موتر های بزرگ کرائی که استفاده

کرده میتوانیم فقط دو سه عدد موترهای بزرگ را تهیه دیدن و طرق خصوصی به آنها نشاندادن که اگر بطور دایم نتوانند تنها صبح و عصر از مواضع مختلف مثلا یکی از دروازه لاهوری ویکی از شور بازار دیگری از کدام حصه دیگر شهر که پر جمیت تر باشد راه افتاده تا به ده افغانان یاپیش میدان ارگ و یا دیگر نقاطی که مصلحت بدانند و سروکار مردم با آنجا ها زیاده تر باشد توقف کننده و دو سه نقاط چهار راه گذر عام را ایستگاه قرار داده در هر نقطه چند دقیقه متوقف باشد مزد هم به اندازه نازلی که تقریباً از کرایه گادی کمتر بوده و از ۱۵ – ۲۰ پیسه برای هر نفر اضافه تر نباشد معین نمایند گویا بهترین تجویزی خواهد بود برای رفاه عامه اگر ریاست محترم بلدیه در صدد شود ازین موتر کاران یقیناً هوسمند بسیاری برای قبول این خدمت پیداخواهند شد .

* * *

ثالثاً برای عبور ومرور مردم از کوچه وبازار تاریکی شب اگرچه درین بازار های بزرگ و گذر های معروف از طرف حکومت ویا ریاست بلدیه چراغ های برق روشنست ولی دراغلب پس کوچه ها تاریکی شدیدی است که بدون داشتن چراغ ویا لشتد برای سرسری ممکن ندارد از آنجاها عبور نموده حالا همه مترالدین چراغ وچراغ بردار ندارند برای ریاست بلدی هم لازمی است که بهمه کوچه ها وسایل تنویرات تهیه دیده باشد چه بواسطه الکتریک ویا چراغ نفت وغیره واین کار هم وقت میخواهد فقط بهترین وسیله فوری اینست که خانه هائیکه در کنج گردوشی های کوچه ها ویا نقاط تاریکی گذر ها واقع است باملاحظه خانه متمولینی که درهر گذر وجود دارد وچراغ های متعدد از شرکت تنویرات بخانه آورده اند از طرف بلدیه بآنها تکلیف شود که بنام منافع عمومی یک چراغ را بقسمت بیرونی عمارت خود نصب کنند چون سیم وپیتر وغیره سامان آن را موجود دارند تنها یک گروپ را بطرف بیرون تخصیص دادن چندان زحمتی نخواهد برد البته درین موضوع مراعات خانه های فقرا وغربا ی کم چراغ با اشخاصیکه چراغ زیاده دارند کرده خواهد شد .

* * *

غرض مطالب بیشتر خواهد بود ، برای آنکه کم کم در محل اجرا آمده وضمناً ماهم از تقاضاهای سر بسر حروفچین مطبعه آسوده شویم بفرصتهای لازمه یاد آور خواهیم شد واما یک پیشنهاد دیگر که لازم بود مقدم رقمه باشد فراموش شد که یکدو مشترک از اداره محترم بلدی نیز لازم داریم خواه جناب رئیس باشند ویا اجزاء تا اقلاً پیشنهادات ما هدر نرفته ویمطالعه آنها تشرف حاصل کنند اگرچه قبول این پیشنهاد آخر پیش سنجش های عرفانی جناب رئیس طاقت فرسا خواهد بود

در شرق اقصی :

معرکه چین وژاپون

—۳—

اثرات جنگ حاضر
درسیاست داخلی دولتین

از آنجا که در همچه مواقع حسیات ملی ووطن خواهی عامل مهم مقدرات یک مملکت بوده ، وآینده آن از روی ایثار وفدا کاری زمامداران آن تصور شده می تواند ، لذا بدنخواهد بود ، اگر کمی از اوضاع داخلی مملکتی هم بنویسیم :

درماه گذشته ، بعد از انعقاد چارمین جلسه کیومن تانگ ، درمین نانکن وکانتن (چین) انفصال واختلاف شدیدی واقع شده وحکومات مستقل تشکیل یافته بود . چنانچه درنتیجه اهالی کانتن یک اردوی منظم تشکیل ، وخیال تعرض را بالای نانکن داشتند . ولی این اقدام بنابر سیل مدهش که در آن وقت در وپالت تسه کیانگ ، واقع وباعث ملیون ها خساره وتلفات سنگین گردیده ، معطل ماند . همین که اختلاف چین وژاپون رخ نموده ، حسیات ملی و وطن خواهی جانبین چنین تقاضا نمود که جانبین باهم متحد شوند . لذا حکومتین مذکور وفدی بغرض اتحاد واصلاح به نانکنهای فرستادند ودست یک شدند .

بالعکس ، قضیه فعلی ، درجاپان اختلاف نظر وآراء درین عساکر وحکومت ، و در بین دوحزب بزرگ سیاسی ، حزب من سیتو (که در شروع قضیه زمام حکومت بدست

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 611 of 896

آ نها بود) وحزب مخالف آن (سی یو کی) تو ئید نموده ، ودر نتیجه کابینه حزب من سیتو سقوط نمود و کابینه یوشی زوا (نماینده ژاپون در مجمع ملل) روی کار آمد .

وچیزی که وضعیت را مشکل تری میسازد این است که قرار اصول اساسی ژاپون وزیر حرب ، وزیر بحر ، بکلی مستقل می باشند . چه این دو راساً از طرف مجلس قدما (اعیان) مقرر می گردند ، وبه نزد پارلمان مسئول نه می باشند . وبسیار اتفاق میافتد که اوامری را که حکومت به ژنرال ها میدهد ، آنها بالعکس انجام میدهند چنانچه چند بن بار این مسئله بظهور پیوسته است (واز همین سبب است که می نامی سابق وزیر حرب عزل وعوض آن « ارا کی » جدیداً مقرر گردیده است) وطبعاً حکومت به مشکلات زیادی دوچار گردیده است .

مداخله جامعه ملل :

قبلاً گفته بودیم که نماینده چین قضایا را به مجمع ملل پیش نهاد داده ، تا از اینجا بامور متنازع فیه رسیده گی شود ، چنانچه در ۲۱ سپتمبر ، یعنی ۴ روز بعد از شروع اختلاف ، دولت چین یاد داشتی به دارالانشاء جامعه ملل تقدیم وتوجه مجلس را در فقرات ذیل تقاضا نموده بود : —

۱ — توجه جامعهٔ ملل راجع به اشغال مکدن وغیره نقاط منچوری .

۲ — حل قضیه چین وژاپون ، برطبق ماده ۱۱ اصول اساسی مجمع ملل .

۳ — مقررات فوری برای جلو گیری از تشدید اوضاع

٤ — اعاده ما نجوری برحال سابق .

٥ — تعیین غراماتی که ممکن است به دولت چین تعلق گیرد .

درضمن یاد داشت خود دولت چین از اینکه اوامر صادر نموده است ، که قوای نظامی واتباع مسلح چینی هیچ نوع اقدامات وعلیه ژاپونی ها مبادرت ننموده و اوضاع را وخیم تر نمایند ، متذکر شده ، بالاخره خاطر نشان میدارد که حکومت چین اقدامات و مصوبات مجمع ملل را محترم خواهد شمرد .

فلهذا مجمع ملل در ۲۲ سپتمبر دایر و تا ۳۰ آن دوام داشت . موسیو سائو که الفرد سه ، وزیر مختار چین در لندن ویوشی زاوا ، سفیر کبیر ژاپون در پاریس و نماینده گان دولتین در جامعه ملل نظریات حکومات خود ها را اظهار نمودند . چنانچه بعد از شنیدن اظهارات جانبین ، شورای جامعه ازآنها تقاضا نمود که : از عملیاتی که منجر به وخامت اوضاع شود ، خود داری کنند اختلاف را مسالمت کارانه حل نمایند و نیز رئیس مجلس اجازه دادند که ، نماینده گان دولتین مشاوره بعمل آورده تا آنها وسایل شره قشون خود را احضار نمایند . و هم از صورت جلسات جامعه به دولت امریک خبر بدهند .

نماینده دولت چین تخلیه فوری مناطق اشغاله وفرستادن یك ، کمیسون تفتیش را از طرف جامعه ملل خواهش نموده . مگر نماینده ژاپون علاوه برین که فرستادن کمیسون را زائد دانسته رد نمود از مداخلت جامعه نیز سر تنکافی نموده ، گفت که ژاپون مستقیماً داخل مذاکره ، همراه چین خواهد گردید .

در ۲٤ اکتوبر مجلس مذکور مجدداً در ژنو منعقد گردید . وحاجت به بیان نیست که مذاکرات مذکور بکدام اندازه به نسبت جوابات وسرتنکافی های دولتین متخاصمین — باحرارت و گرم بوده ، واعضای مجلس مخصوصاً نماینده گان برطانیه فرانسه ، ایطالیه ، المان ، هسپانیه برای اصلاح وحل قضیه (؟) چه کوششات ومساعی صرف نمودند .

تنها درجلسه ۲٤ اکتوبر دو چیز فیصله شد . یکی اینکه نظریات دولتین از طرف بریان وزیر خارجه فرانسه قرائت وتقدیم گردید ، دوم اینکه فیصله که راجع به قضیه مذکور مجلس گرفته بود ، تصویب گردید ملخص فیصله مذکور اینست :

۱ — حکو متین تو کیو (ژاپون) و نانکن (چین) ، باید اطمینان بدهند که دولتین از هر گونه پالیسی واقدامات تعرض کارانه خود داری کرده ، بالعکس ترتیبی اخذ نمایند که بازارد وخورد خصمانه انجام بدهند .

۲ — ژاپون قوای خود را از مناطق اشغال

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 612 of 896

شده بصورت فوری وقطعی الی انعقاد جلسه آتیه (١٦ نومبر) کشیده و آنجا ها را تخلیه نماید

٣ — چین تعهد نماید ، که مال وجان تبعهٔ جاپانی را در مناطق تخلیه شده ، تأمین نماید

٤ — جانبین ابتدا کرده شروع نموده یك وفد اصلاحیه تشکیل بدهند.

چون مصوبات مجلس به اتحاد آراء فیصله می شود ، رسیدن به فیصله قطعی ناممکن بود ، زیرا نماینده جاپان (یوشی زاوا) از تعهد و تعیین وقت برای تخلیه نمودن مواضع اشغال شده بکلی انکار نمود . با این هم از انکار مسالمت طلبانه (!) جاپان و اینکه همراه چین داخل مذاکره شود ، اظهار نمود . و جلسه به ١٦ نومبر ملتوی گردید .

سومین جلسه جامعه ملل ، در پاریس بزیر ریاست بریان وزیر خارجه فرانسه منعقد ، و در ظرف تقریباً دو هفته (١٦ — ٢٨ نومبر) ، تمام مجاهدات و کوششات آنها برسیدن بریك فیصله قطعی بر طبق ماده ١١ اساسنامه مجمع ملل صرف گردید

در نتیجه فرستادن یك ، کمیسیون مبصره ، از طرف مجمع ملل به منچوری فیصله شد تا رفته تخلیه مناطق اشغال شده را از طرف ژاپونی ها ، و اتخاذ اقدامات و ترتیبات لازمه به نسبت تأمین جان و مال تبعهٔ جاپانی ؛ را از طرف چینی ها ملاحظه ونگرانی کند (مناطق راه آهن به تحت نگرانی ژاپونی ها باقی خواهد ماند) مگر ژاپون تا روز اخیر جلسه ، از قبول مداخله جامعه ملل انکار میورزید و چین قبل از همه چیز عزیمت قطعات ژاپونی را از خطه چین تقاضا می نمود بنابر این اختلاف ، مباحثه اصلی به چندی بعد ملتوی گردید . [این مباحثه مشکل ترین خواهد بود ، زیرا در جلسه آتیه ، معاهداتی که حقوق مخصوص ژاپون را در منچوری شناخته اند ، روی کار خواهد آمد . چنانچه از جمله معاهدات مذکور یکی همان معاهده مشهور ١٩١٥ یا ٢١ خواهشات ، خواهد بود که چینی ها و خصوصاً ملیون آنرا جداً رد می کنند ، چه میگویند که معاهده مذکور بزور و تهدید (چنانچه در شماره ٣٠ انیس دیدیم) بالای شان تصدیق گردیده است]

تابك اندازه ؛ که کار مجمع ملل در پاریس پیش رفت نمود ، جاناً از از معاونت های فکری ژنرال داوس امریکائی است . اگرچه ژنرال موصوف به جلسات مجمع ملل حضور نمیداشت ، زیرا اتازونی امریك عضو جامعه نیست باأین او با بریان ، وسیمون وزیر خارجه انگلیس روابط نزدیکی داشته و نصایح وافکار مدبرانه خود را از آنها دریغ نه مینمود

نتیجه : کمیسیون نام ، کمیسیون مبصره ، از طرف جامعه در قضایای چین ودراپورت دولتین چین و ژاپون ، بعد اگر بان دولتین رسیدگی خواهد کرد . ودراو تل میکنند که کمیسیون مذکور عبارت از نماینده گان دول امضاء کننده ، معاهده دول ٩ گانه ، ١٩٢٢ باشد ، ولی بعد از مباحثهٔ زیاد فیصله برین شد که تعداد کمیسیون عبارت از ٥ نفر اعضاء (انگلیس ؛ فرانسه امریک) وچندین متخصصین ماهر عسکری حقوق ؛ واقتصادی باشد . حکومتین چین وژاپون هم یك یك نماینده رسمی خواهند داشت .

* * *

گمان دارم تفصیلات قضایای چین وژاپون را طوریکه ما از نقطه نظر تاریخی ونظریات خود آنها تا وقعات مجمع ملل وغیره تا جائی تشریح کرده ایم ، قارئین کرام را اطلاعات بسطی بدست آمده باشد . برای ما هم دیگر زمینه باقی نخواهد ماند که چند صفحه دیگر هم از عقاید خود اظهار کرده باشیم ، چه تفصیلات مذکوره بحدی آشکار است که هر با بصیرتی می تواند جنبه حق وباطل وضعف وقوی را شناخته وپیش خود درنظام وعدل قضاوت ها کرده باشند

فقط وضعیات جامعه ملل وتغیرات آتی آن است که به نکته گیران موقع میدهد که بگویند این مجمع اساس باطنی ندارد .

علاوه برین این اولین کاندیکت مهم سیاسی […] که درعرصه تأسیس وجریان مجمع ملل روز نموده و تا حال که تقریباً چارده […] می شود با این مجلس ژنوو پاریس […] که انتظار میرفت دیده نشده ، و به عقیده بعضی از سیاسیون گویا […] مجمع ملل ظاهر گردیده گفته می توانیم که اگر رئیس اول هم این مسایل ولنگ دیگری به خود […] و بطور سابق دوام داشته باشد موجودیت معنوی مجمع ملل دور از خطر نخواهد بود . . .

کابل — اول جدی ١٣١٠

م . اسلام اسمعیل زاده

ترجمه از «دویچه الگماینه ـ تسایتونگ»

خاتمه تجارت آزاد

— ۱ —

۱ ـ تنزل موازنه دخل وخرج انگلستان

در وقت مباحثه در خصوص سیاست تجارتی جدید انگلستان ، باید مدنظر گرفته شود که انگلیس ها مجبور هستند موازنه دخل وخرج خود را اصلاح کنند .

همین طور که در استحقاق انگلیسها در اختیار کردن هر سیاست تجارتی که برای خود مفید بدانند هیچ شك نیست ، در لزوم این امر هم شك بوده نمیتواند . خاتمه تجارت آزاد را می بینیم ، اگر چه طرفداران عمولات گمرکی وقتی ایراد دیگر قدم تصور می کنند ، وادعا می نمایند که تجارت آزاد از خیلی دیر در اقتصاد دنیا از بین رفته بارین سیستم تجارتی انگلستان هم از مدتی تجارت آزاد نی ، بلکه « واردات آزاد ، بدون تجارت آزاد » بوده .

کسی که جریان سیاست گمرکی دنیا را تعقیب کرده باشد ، این دعوی را رد کرده نمیتواند . باوجود این تکامل که پیش از کمی دیده شد ، آنقدر مهلك نمی بود ، اگر علاوه بران خطر جدی تنزل قطعی موازنه دخل و خرج که خصوصاً درین روز ها نرخ پول را تحت فشار آورده ، ظهور نه می نمود .

حقیقت چیست ؟ ـ تجارت خارجی انگلستان از روی صادرات وواردات تنزل کرده است . اگرچه کسر موازنه دخل وخرج بزرگ نشده ، اما باوجود قلت زیاد تجارت عمومی سال جاری ، تقریباً مانند سال گذشته میباشد . وزارت تجارت در اخیر هر سال از روی دخل وخرج یك احصائیه می سازد . این احصائیه در سال های ماضی یك فائده زیادی نشان میداد . اگرچه این فائده در سال ۱۹۳۰ تا ۲۵ ملیون پوند تنزل کرده بود ، اما در همین سال انگلیس ها زیاد تر از این فائده بخارج سرمایه اصدار کردند .

بعض متخصصین احصائیه ادعا می کنند که در موازنه دخل وخرج انگلستان بیشتر از سال ما قبل خرچ زیاد تر از دخل بود .

موازنه حکومتی « دخل وخرج پول » برای سه سال اخیر از قرار ذیل است :

	۱۹۲۸	۱۹۲۹	۱۹۳۰
« دخل »			
	در ملیون پوند		
۱ ـ عایدات حکومت از مستملکات ضمناً سود قروض جنك دومنین ها ، فائده موازنه قروض	۱۵	۲٤	۲۱
۲ ـ عایدات حمل ونقل کشتی ها برای تجارت دول اجنبی	۱۲۰	۱۲۰	۱۰۵
۳ ـ عایدات شخصی از سرمایه های که بخارج قرض داده شده	۲۷۰	۲۷۰	۲۳۵
٤ ـ عایدات از معاملات بین المللی ، بانك بیمه ، بورصهٔ لندن	٦۵	٦۵	۵۵
۵ ـ عایدات متفرقه	۱۵	۱۵	۱۵
مجموع دخل پول	٤۹۵	۵۰٤	٤۳۱
منفی کسر موازنه تجارتی	۳۵۸	۳٦٦	۳۹۲
فائده موازنه دخل وخرج	۱۰۷	۱۳۸	۹۳

این رقم ها بدقت ملاحظه شود ، در اول نظر ظاهر می شود که خود تحمل یك تنزل زیاد موجود نیست ، به هیچ صورت کسر موازنه دخل وخرج سال ۱۹۲۱ رفع شده نمی تواند ، وظیفهٔ شان این است که پیش تر از این تنزل دیگری را جلو گیری کنند . حالا این رقم ها را یکی بعد از دیگری ملاحظه کنیم .

حکومت انگلستان اعلان اتوی قرضه هوور رئیس جمهور امریك را بدو منین ها هم توسیع نموده استثنای فرقه جنوبی همه باکمال ممنونیت قبول کردند ، ودان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 614 of 896

صورت اضافه از نصف این درک وارد نه می شود و فائده شش ده اول هر قدر بسیار باشد، بیش از ده ملیون پوند نخواهد بود.

عایدات حمل ونقل کشتی ها برای تجارت دول خارجی به تخمین دقیقانه زیاده از ۷۵ ملیون پوند تخمین شده نمی تواند.

حالا درک سرمایه های بی ثمر به خارج اشغال شده می آید. تنها مبالغی که برای مدت قلیل به آلمان قرض داده شده بود آنجا بند مانده. (اگرچه سود های آن تادیه می شود) بلکه سود های قروض دیرینه، یا بین الدولی قرضه از طرف دول امریک جنوبی بند مانده یا بعد از تخفیف تقسیم فائده، مبلغ کمی را تشکیل می کند. طوریکه از احصائیه فوق ظاهر می شود، وزارت تجارت لازم دید که بمقابل سال های معمول ازین درک مبلغ ۳۵ ملیون پوند را کم کند. بخیال ما از روی حقیقت باید در سال جاری نصف درک کم کرده شود. اما میخواهیم مبالغه نکنیم، لهذا مبلغ ۷۰ ملیون را کم میکنیم. باقی می ماند ۱۶۵ ملیون پوند.

درک چارم شاید باوجود همه اشکالات ستی (بورسه لندن) ۵۰ ملیون پوند قیمت داشته باشد. چون درک پنجم خارج از کانترول ماست آنرا تغییر نمیدهیم.

اما، حالا علاوه بر این همه یک چیز دیگر در مقابل است. تا حال تخمینات وزارت تجارت تنها راجع به دخل پول بود. اما خرج پول هم وجود دارد که بالعکس این موازنه دخل و خرج را زیر بار می آرد.

درین جا زود گذرانی درک عبارت از مبالغی است که در تجارت فلم خارج خصوصاً به امریکا پرداخته می شود. پیش از کمی عایدات سینماهای انگلستان تخمین شده بود. این عایدات سالانه ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ملیون پوند می شد. اقتصاداً فلم انگلیسی تقریباً هیچ رول بازی نه می کند. اکثر اوقات نه تنها کرایه فلم بخارج پرداخته می شود. بلکه یک قسمت فائده هم به خارج میرود. مثلاً بمقابل فلم چارلی چپلین «چراغهای شهر» ۵۰ فیصد عایدات فلم پرداخته شده. اگر مبالغی که در تجارت فلم از انگلستان خارج می شود «۷۵ ملیون پوند تخمین شود، یک تخمین اعتدالی خواهد بود. غالباً این مبلغ نسبت به مبلغی که آلمان از قرار نقشه یونگ غرامات جنگ می پردازد بزرگ تر است!

درک بزرگ تر دوم قوانست. چراکه پر از شکایات تجاراست که مال را اصدار کرده اند، اما قیمت فروش اموال را نقد بدست آورده نه می توانند. تعداد دولی که اخراج و تبدال پول را تحدید کرده اند، بسیار زیاد است. تجاریکه اموال بخارج می برند، نه می توانند قیمت اموال را به پوند تبدیل کنند ومجبور می شوند که آنرا بخارج بگذارند.

طبعی است که در این خصوص هیچ عدد معین موجود نیست. درست خواهد بود، اگر برای این درک مبلغی نوشته شود که درجمله دخل پول بزیر «عایدات متفرقه» نوشته شده.

از دیگر طرف شاید نتوانند کسر موازنه تجارتی را تا یک اندازه تخفیف کنند. از روی این همه، موازنه دخل وخرج انگلستان برای سال ۱۹۳۱ از قرار ذیل خواهد بود:

«دخل» ۱۹۳۱	ملیون پوند.
۱ - عایدات حکومت	۱۰
۲ - حمل و نقل کشتی ها	۷۵
۳ - قروض بخارج داده شد	۱۶۵
۴ - عایدات ستی (بورسهٔ لندن)	۵۰
۵ - عایدات متفرقه	۱۵
مجموع دخل	۳۱۵ ملیون پوند
«خرج» ۱۹۳۱	ملیون پوند
۱ - کسر موازنه تجارتی	۳۷۵

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 615 of 896

۲ ـ از دولت تجارت قلم	۷۵
۳ ـ متفرقه (قیمت اموال مصدوره که نقد حاصل نشده)	۱۵
مجموع خرج	۴۶۵ ملیون پوند
کسر موازنه دخل وخرج	۲۵۰ ملیون پوند

این حقیقتاً بسیار باعث تشویش است. اولین بار است که موازنه دخل وخرج انگلستان کسر خواهد داشت. واین هم یك مبلغی که نسبت به فائده های که در موازنه های دخل وخرج دوسال خوب اخیر نشان داده می شد، بیش تر است. حالا می توان فهمید، دو مبلغ بزرگی که قرض شده بود، چطور بان قدر زودی تمام شد. بعوض اینکه سرمایه را تورید کند، انگلستان مجبور بود که اول ۵۰ ملیون وبعد ۸ ملیون پوند از فرانسه وامریکا قرض بگیرد. ۳۰ ملیون که یك حصهٔ بزرگی آن به طلا داده شده است باز، پرداخته شده، یعنی خساره را با ۱۱۰ ملیون پوند قروض وتقریباً ۴۰ ملیون طلا صادره جبره کردند.

به مقابل این هنوز کدام سرمایهٔ قابل ذکر ادخال نشده. اگر چه جرائد به این اهمیت زیاد دادند که صاحبان کار خانه های اجنبی؛ در انگلستان زمین خریداری می کنند، چون می خواهند بنابر محصولات گمرک جدید انگلستان؛ در خود مملکت اموال خود را بسازند.

اما طوریکه می شنویم، تاسیس اینطور شعبه های صنایع خارجی در انگلستان بذریعه سرمایه انگلیسی می شود. تاحال محرك اینطور اقدامات تاجر های انگلیسی بودند؛ چون میخواهند در آینده هم به مشترئین خود آن اشیائی را بفروشند که مشترئین بآن عادت گرفته اند.

اگرچه یك چیز باعث سهولت موازنه دخل وخرج شد (مطلب ازین سهولت عبارت از تادیه کردن قروض مدیونین خارجی است که از تنزل پوند استفاده کردند.)؛ اما این سهولت کسی که رو بهبود فته امروز مستمند آن بود اینطور رفتار کرد. اما بعد ازین انگلستان ازین درك امید مبالغ بزرگ تر را داشته نه می تواند.

این یك سوال دیگر است که آیا اقدامات حاضره صحیح است وامید کامیابی دارد یانه؟ علاوه براین یك سوال دیگر این است که چرا بین المان و انگلستان نباید جنگ گمرکی شود؟

درین موضوع در یك مقالهٔ دیگر بحث رانده خواهد شد. (باقیدارد)

(محمد طاهر)

ترجمهٔ عبدالرشید لطیفی
سر محرر مجلهٔ صحیه

جنون بکتاب ها

غالباً عشاق کتب مثل عشاق جمال و بلکه در عشق خود مجنونتر از ایشان میباشند این ها در دنیا علاقه بهیچ چیز دیگری جز کتابهای خویش نداشته و بامور عالم از خورد تا کلان آن قطعا اهتمام وتوجهی نمی نمایند؛ و تنها روح شان و راحت وریحان شان کتاب میباشد و بس! بلکه قروض و نوافل و محبت ومشغولیت وبالآخر هر چیز شان کتاب است.

چنانچه یکی از نویسنده گان فرانسه احصائیهٔ این اشخاص را جمع کرده است که خلاصه آنرا ذیلا ترجمه ونقل مینمائیم:

دو نفر انگیلیس خواستند تا برای خود دو جلد از یك کتابی که مخصوص خود شان بوده و در طباعت وتجلید و تصاویر اوراق مشابهت نداشته باشد بطبع رسانند وقتی که این فکر خود را عملی کرده و دو جلد از کتاب مذبور را به طبع رسانده هر کدام نسخه دل خود را گرفت؛ یکی ازین دو نفر با خود فکر کرد که بخانه رفیق خود رفته و در غیاب او کتابش را بدست آورده بعض تصاویر را سرقت نماید تانسخهٔ خودش منحصر به فرد گردد. چنانچه این فکر خود را عملی کرده وموقعی که صاحب کتاب در خانه نبوده نزد خادمش رفت و خواهش دیدن کتابرا به بهانهٔ اینکه بعض

مراجعاتی بان دارد کرده، و کتاب را وقتی که خانم‌مذکور بدستش داد با اهتمام زیاد آنرا ورق میزد تا اینکه خانم‌را اغفال کرده و بعض تصاویر ش "را جدا کرده در جیب خود گذاشت و وداع کرده رفت.

وقتیکه صاحب کتاب آمد و از قضیه آمدن رفیقش برای دیدن کتاب مستحضر گردید در دلش شك پیدا شده و اوراق کتاب را جستجو کرد و سرقت تصاویر را ملتفت شده بمحکمه عارض شد و بجمع کتب هزار پوند بعنوان خساره از سارق تصاویر گرفته بصاحب کتاب میبرد.

یکی دیگر ازعشاق کتب روزی مصمم احراق کتبخانه ش گردید وعلت آنهم آن بود که کتابخانه دوك دو . ل پسر اورلئان فلیپ (یکی از شاهان فرانسه که در سال ۱۸۹۷ م فوت کرده است) را دید وحسد وطمع و غیرت مثل خنجر در قلبش کارگر شد، ورشك دامنگیرش شد که چرا کتابهائی را که طالع بداشتن آن کامیابش ننموده ست شخص دیگر مالك است

از غرایب اینگونه عشاق کتب یکی کیوم بودی (۱۴۶۷ - ۱۵۴۰) است و میگویند در روز عروسیش پیشتر از اینکه بعقدش شروع نمایند فرصت را مغتنم دانسته یکدفعه سرکشی از کتابهایش کرد با آنهم پس از مدتی دارای دو اولاد شده و نقل میکنند که روزی نوکرش با وضع پریشان ومضطرب نزدش آمده اظهار داشت که حریق در خانه واقع شده و میرود تمام خانه را طعمهٔ آتش سازد، کیوم بودی که در ینموقع عادتاً پیش کتابهایش بود در جواب گفت احمق، برو بخانمم بگو نمیدانی که من بامور خانه‌داری مداخلهٔ ندارم.

غرایب تر از اینها واقعه تورنب از مشاهیر یونان و یکی از فلاسفه قرن شانزده است (۱۵۶۵ - ۱۵۱۲) زیرا اینشخص روز عروسی خود را که لازم بود در آنروز با مردم اجتماع نماید فراموش کرد. همچنان قضیه فردریك مورل لجون یکی از علمای فرانسه میباشد این شخص روزی در کتابخانهٔ خود مصروف بحث دراخبار لیبانیوس (سفسطائی یونانی) بود که قاصدی نزدش آمده وگفت خانمش میخواهد چند کلمه همراهش صحبت کند. فردریك با اینکه زوجهٔ خودرا متنها درجه‌دوست داشت بقاصد گفت مهلت بده فقط این دو کلمه را تمام نمایم اما مهلت بطول انجامیده و قاصد دیگری نزدش آمده اظهار داشت که زوجه‌ش در حال جانکندن میباشد، فردریك از شنیدن این خبر افسوس زیادی نموده وشمهٔ از مدح و مناقب و بعض اوصاف و سیر نیك او ذکر کرده و مجدداً در بحر کتبش مستغرق شد.

کوهی (یکی از قسیس ها) از حزن مرد زیرا از فروش کتابهایش امتناع و امتناع داشت. یعقوب کوپیل (۱۵۶۴) از مشاهیر فرانسه در انقلاب کاتولیك ها کتابخانه ش چپاول و غارت شده و در نتیجهٔ آن با یأس و بد بختی مرد.

برونك الفوئی معروف از اهل سترا سبورگ (۱۷۲۹ - ۱۸۰۳) از روی اضطرار مجبور بفروختن یکمقدار کتب از کتابخانه ش شد و بعد از فروختن آنها بحزن شدیدی دچار شد بحدیکه وقتی ذکر یکی از مؤلفینی که کتابش در نزدش موجود بود وفروخته بود درمقابلش میشد مرتعش شده و بلا اختیار اشك از گونه هایش سرازیر میشد.

کونت لابدویر که وقتی بحدی لش رسید که کتابهایش موجب خستگی برایش گردیده است؛ بنابران آنهارا فروخت امایك شبانه روز ازان نگذشته بود که پشیمان شده وتمام آنهارا بقیمت گرانتری پس خرید.

همچنان یکی از امریکائی ها موسوم به مستر ربان یکی از کتابخانه ها مجموعه های نفیسی از زمان های نادر هدیه کرد امـ چند روزی نگذشته بود که نزد کتابدار کتب‌خانه آمده وخواهش دیدن کتابهای خود را کرد، وسپس با نظری حسرت بار بکتابهای خویش چشم دوخته و آنهارا پائین وبالا کرده وبجلد های آن نظر میکرد، حتی کتابدار گمان برد که میخواهد کتابهای خود را پس بگیرد. اما بیچاره از چنین فکر منصرف شده وبعد از دو روز انتحار کرد.

دوکیز شالابرق در قرن نوزدهم از حسرت اینکه نتوانست نسخهٔ یك تورات قیمت بهائی را خریداری نماید از پای مرد. اوسند برتن (۱۸۰۱ - ۱۷۵۵)

روزنامه نویس معروف «مد» و «جریده» دنیا که دارای خیلی کتب قشنگ و خوبی بود عقب وفات زوجه اش بین کتابهایش مرده و کتابی را که در حیاتش خیلی دوست داشت بر روی سینه اش باز کرده و بهمان حالت جان داده بود .

یعقوب روبه مؤلف (۱۷۸۰ - ۱۸۶۷) در بالای کرسی و بین کتابهایش مرد در حالیکه یکعمر طولانی گذشتانده و جز درس و تحریر شغلی نداشت . تقریباً سه قرن پیشتر موبیلی مرده و کتابخانه اش یکصد هزار فرانک قیمت داشته ، در حالیکه حتی اندازه پولی که کفاف مصارف دفنش را نماید نزدش یافت نشد . همچنان بسیاری از عشاق کتب مثل آبرت (۱۱۹۰ - ۱۸۲۴) از اهل دوسسدوماو کز موران ایتالیائی (۱۸۰۸ - ۱۸۷۸) وورو فرو وغیره دیده شدند که از نردبان کتابخانه های شان افتاده و مرده اند .

نیرو دور موسن مورخ ونویسنده المانی (۸۱۷ - ۱۹۰۳) روزی در حالیکه شمعی بردست داشته و بجانب کتابهایش رفت وشعلهٔ شمع بدامن صفیدش التهاب کرده وبعد از یکماه از تأثیر آن جان سپرد . یکی از عجیبترین محبان مؤلفین و کتب ماگلیابیچی (۱۶۳۳ - ۱۷۱۴) از اهل شهر فلورانس است ، این شخص بدواً در دکان میوه فروشی کار میکرد و به کاغذ هائیکه میوه هارا میپیچید نظری تفحص کارانه میانداخت تا اینکه تصمیم کرد صاحب سواد شود وبالاخره پیش یک معلمی آشنائی حاصل کرده وشروع به درس نمود . این شخص صاحب یک حافظهٔ قوی بود وچیزی را که یکبار درس میگرفت دو مرتبه از خاطرش فراموش نمیشد چنانچه از اینها کتابها وقیمت ادبی آنها خیلی از حفظ کرده وخودش یک کتابخانهٔ سیار گردیده بود . اخیراً بگراندوک کوسم سوم معرفی حاصل کرده و کتابدار کتابخانه اش گردید ولی این کتابها بتنهائی برای مطالعه اش کفایت نکرده واز نزد کلیه علمای معاصر نسبت به مطبوعات و کتب شان سؤالات کرده وفهرست همهٔ کتابخانه های اروپائی را مطالعه میکرد تا اینکه همه چیز خورده وبزرگ کتابیکه بنظرش رسیده بود فهمیده وطریقه عجیبی در مطالعهٔ کتابها داشت . وقتی کتابی را که قبلاً بنظرش نرسیده بود بدست میگرفت در اسم وفهرست ومقدمه آن نظر انداخته وفصول اول وآخر آنرا ورق میزد ، وبعد از چند دقیقه رای خود را در موضوع کتاب ومطالبی که مؤلف از آنها اخذ کرده بود اظهار میداشت وچیزی هم فراموشش نمیشد . این شخص بهندام ونظام معیشتش اعتنا وتوجهی نداشته فقط در طول شبانه روز مستغرق کتابها ومطالعاتش بوده ، وخانه از سقف گرفته تا پائین وهمه جای واطاقها وپنجره ها تماماً پر از کتب بود .

درحال سکوت خود عادات عجیبی داشت چنانچه غالباً تخم مرغ ونان و آب را یکجا میخورد ، کتابها و گرههای خودش ولو گرهای همسایه ها پول هایش را که با تخم های مرغ یکجا در صندوق پهلویش میگذاشت میدزدیدند . این شخص هشتاد ویک سال بهمین حالت کامل خوش زندگانی کرده ، و کتابخانه اش را برای خوش(؟) وصیت کرده بود . این کتابخانه دارای سه صد هزار مجلد کتاب بود وتا امروزه نیز معروف است .

خبرهای خارجی

درحال حرکت گاندی بطرف هند

رابوتر

قاهره ۱۷ دسمبر - در اثر دعوت نحاس پاشا از طرف ملت مصر راجع به آمدن گاندی در قاهره گاندی از عزم خود ذریعهٔ تلگراف نزدیس اطلاع داده است که در موقع وصولش به پورت سعید بسواری طیاره به قاهره خواهد آمد .

پورت سعید - ۱۸ دسمبر - گاندی ظهر بجهاز وارد اینجا گردید . ووفدی را که مرکب از یک نفر عضو حزب وفد از شامل بود ملاقات نمود . دراین ملاقات رپوتر گاندی از ملاقات خود با نمایندهٔ ژورنال ایطالیا انکار نمود و گفت در روم با هیچ نامه نگار ملاقات ننموده ام وعلاوتاً گفت تا حال به فیصله نرسیده ام وطبعاً تا به جنبش رسمی واجتماعی کنگره عامله (کانگرس) را ملاقات نکنم ، هیچ فیصله نمی توانم ، ودر ظرف ۵ ساعت اقامت خود در پورت سعید از کشتی فرود نیامد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 618 of 896

قاهره ــ ساکنین هندی ومصر که جداً برای استقبال گاندی تهیه میدیدند مایوس شده اند زیرا باایشان خبر رسیده است که گاندی بنابر آنکه وقت ندارد به قاهره نخواهد آمد . زیرا کشتی مذکور در سویز اقامت نخواهد کرد .

* * *

۲۸ دسمبر

گاندی بر سطح کشتی (ملشا) که بتاریخ ۲۸ دسمبر به سواحل هند میرسد ، به نماینده ریوتر دوروز آخرین گفت :

من درین موقع چنان در زیر بار مسئولیت خورد شده می باشم که در روز رسیدن خود به لندن بودم من مگر درین وقت مسئولیت من هزار ها مرتبه بزرگ تر است ، بنابران درکار خود عودت نخواهم ورزید . وقبل از آنکه به هندوستان مرتبه دیگری مشورت بدهم که خود را در آتش مخاطره بیفگنند ، بهر وسیله جهت رفع توصل خواهم نمود . وخاموشی خود را در ظهر یکشنبه شروع تا آنکه شام امروز در بمبئی نطق نموده بتواند .

انگلستان

سقوط طیاره

لندن ۲۲ دسمبر ــ طیاره یك بال موسوم به (ستاره جنوبی) که پوسته کرسمس را به انگلستان آورده وامروز باید پوسته سال جدید را باسترالیا می برد ، دیروز در همین آنکه از (همبل) بطرف (کرا شین) می آمد سقوط نموده بدو خت ها تماس نموده برهم شکست . خود طیاره ران کنکسوفورد در طیاره نبود ، صدمه هم بکسی نرسید ، مگر پروانه و حصه زیرین طیاره بکلی خراب گردید .

اعتصاب مزدورها :

لندن ــ ۲۵ دسمبر ــ نظر باین حقیقت که اتحادیه جبت ریسنده گان علی بته وصله نموده است در آخر ماه موافقه مزد و ساعات کار راکه در ۱۹۱۹ با اتحادیه مختلف تجارتی روی کار آورد در صنعت پنبه (لنکاشایر) وضعیت خرابی روی کار آمده است . اتحادیه مذکور به اعضای خود یك متحد المالی فرستاده است که یك قسمت آن اشاره می نماید از اول جنوری ۱۹۳۲ ایشان آزاد خواهند بود ، کارخانهای خود را برای هر قدر ساعتی که خود شان منفرداً میل داشته باشند بکار اندازند .

اتفاقیه ریسنده گان عملی باعضای خود متحد المالی اصدار نموده تاکید کرده است که با هر اقداماتی که جهت تزئید ساعات نموده شود مخالفت شدیدی نمایند . باعضای اتفاقیه کار خانه نخ ریسی نیز همچه یك متحد المالی اصدار شده است .

صدر اعظم انگلیس :

لندن ۲۶ دسمبر ــ صدر اعظم روز کرسمس (که یکی از اعیاد مذهبی است) خود را بتمام مصروفیت بانجام رسانیده وقبل از ناشته در خانه خود در (لوسی موت) بر میز نشسته یك عده زیاد مکاتیب خصوصی و رسمی را که توسط پوسته از هر طرف آمده بود مطالعه می کرد .

در مکاتیب مذکور از تمام حصص دنیا احساسات نیکی به قبت او ابراز شده بود . از وسرای هند وسیاست مداران خارجی نیز مکاتیب رسیده بود اولتر از همه شاه وملکه باو تهنیت گفتند ونیز یك تقویم را که دارای تصویر (داونتگ ستریت) بود برایش فرستاده بودند .

خبر های داخلی

ورود :

عزتمند آقای داکتر یوشارد الیهانی که چند ماه قبل برای تکمیل معلومات جدید طبی از افغانستان بوطن خود مراجعت کرده بودند ، درین روز ها مجدداً بکابل وارد گردیدند :

حریق :

شب جمعه ۱۰ جدی بعمل ۱۲ شب در خانه عــ ۱۸ واقع گذر خافیا چنداول حریق واقع گردید ، در اول خیلی مخوف تصور می شد ، حتی همسایههای آن خیال بردن خانه های خویش نمودند تا اینکه یك عده زیاد افراد پولیس باییل و کلنگ وغیره سامان لازمه رسیده وخیلی جدیت نمودند . تا بالاخره بساعت چار ونیم شب بخاموش نمودن آتش فائق آمدند .

---

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 619 of 896

قرار معلوم حریق از مطبخ داخلی سرای شروع کرده بود . تنها یك سمت عمارت که دو منزله بود ، از آتش نجات یافت ، ما بقی آن کاملاً طعمه آتش گردید .

اما از مراحم ایزدی ضرر جانی بکس نرسیده است .

مکافات :

به نسبت جدیت و فعالیتی که از طرف آقای غلام محمد خان انجنیر برق و ۲۲ نفر کارگران در وقت تمدید لین برق جبل السراج الی کابل ، بعمل آمده بود ، از طرف حکومت متبوع یك یك ماهه معاش برای شان بطور انعام داده شد .

* * *

همچنین برای آقای محمد یعقوب خان ماموربته فراه بمناسبت تالیف یك جلد کتاب موسوم به « رهنمای فراه و چخانسور » مبلغ یکهزار افغانی از حضور شاهانه اعطا شده است .

ورود :

آقای غلام فاروق خان حاکم اعلی مشرقی درهمین تازه گی برای چند روز وارد کابل گردیدند .

مقرری :

آقای محمد علی خان سابق مدیر تحریرات ولایت کابل از طرف وزارت تجارت به مدیریت زراعت مزارشریف مقرر گردید .

* * *

هم چنین آقای محمد عزیز خان که قرار تصویب وزارت داخله و منظوری صدارت عظمی به حکومت غوربند مقرر گردید .

وفات

روز سه شنبه گذشته بساعت ۵ صبح آقای سرهنگ قصی آتشه ملیتر سفارت کبرای دولت علیه ایران مقیم دار السلطنه کابل در اثر علالت قلب وفات نمودند ؛

نظر بحسن روابط ووداديه همجواری و هم کیشی که فی مابین دولتین علیتین افغان و ایران پایدار است فوت آقای سرهنگ در نزد عموم مامورین اداری آسف ناك واقع شده ، و خصوصاً والا حضرت صدر اعظم با وزرا ، مجزه و صاحبمنصب های مهم کشوری و لشکری بساعت ۱۰ روز چهار شنبه جنازه آن را با جلال و اکرام لازمه مشایعت کردند .

هیئت کور دیپلوماتیك مقیمه دربار کابل نیز همدردانه بتشییع جنازه او اشتراك ورزیدند .

مراسم فاتحه داری در سفارت از طرف جناب سفیر کبیر بعمل آمده و تماماً اعیان و اشراف و مامورین مرکزی کابل برای تسلیت در سفارت خانه مدت فاتحه را بحضور بهم رسانیدند .

ما هم بنوبه خود از مرگ این سرهنگ جوان اظهار تأسف کرده وباز مانده گان شانرا تسلیت میگوئیم .

از هر طرف

الومینوم

و ظروف طبخ و خوراك

سالها است که نزاع وجدال بین دو دسته از علما ، حفظ الصحه جریان داشته و گفتگو ها و استدلالات و تحقیقات زیادی در اطراف این مسئله بعمل می آید که آیا « الومنیوم » برای صحت انسان خطرناك میباشد و یا آنکه ضرری ندارد ؟ نوعاً در منازل وخانه ها ظروف « لومنیوم » که موسوم به ظروف « روی » است مورد استعمال میباشد و کمتر منزلی هست که ازنظر لزوم بظروف طبخ و لوازم اکل و شرب خود بی اعتنا بوده باشند ، همه کس وهر خانواده وحسب استعداد خویش ظروف و لوازمی دارند ، که نوعاً برای نشکستن و دیر خراب شدن آنها سعی می کنند آنها را از فلزات استعمال کنند

چون « الومنیوم » یکی از فلزاتی است که اکسیژن در آن بی تأثیر و از این جهت زنگ زده و اکسید تولید نمی کند ، و همینطور اسیدها و ترشی ها هم در آن کم اثر هستند ، غالباً ظروف منزلی و لوازم طبخ و خوراك و غیره را از این جنس تهیه و استعمال می نمایند .

ازنیم قرن بدین طرف این فکر جریان پیدا کرد که ظروف « الومنیوم » و اثاث

آلت و لوازم مطبخ و ... از کثرت مدتی تولید یک قسم مسمومیت نموده و هر خوراکی که در آنها طبخ و یا ریخته شود آویخته به آن سم می‌شود ، که بعداً برای انسان خطری شده و بتدریج مجاب می کند که انسان و حیوان ها همه را مسموم نماید .

یک دسته از علماء حفظ الصحه مدعی می باشند که ظروف مذکوره تا یک چند سال هیچگونه خطری را در بر ندارد ولی معین که از این حدود گذشته و در استعمال قدری کهنه شد ، و خلاصه بیش از یکسال مصرف شد ، مسموم می گردند وخطری می‌شوند .

نظر با اختلاف شدید این عقائد جمعیت حفظ الصحه مرکزی آلمان در برلن از چند ماه بدین طرف شروع بامتحانات عملی وتحقیقات شیمیائی در اطراف ظروف فلزی دوئی ، نموده وتجربیات بسیاری برای درک حقیقت مر بجا آورده‌اند این تجربه‌ها تقریباً یکسال وقت را صرف خود نموده ومبالغی خرج برخویش تعلق داده وبیش از صد قسم ونوع چه بسیط وچه مخلوط ، روی ، مورد امتحان قرار گرفت . تا بالاخره (کاری صحی ، برلن) رساله مفصلی در آن خصوص اشاعه داده وبا قطع واطمینان معین رایرت کاری صحی پارس را دو سال ۱۸۹۳ در این خصوص تالیف کرده و مطلقاً تصریح میکند :

« ظروف مطبخ وظروف خوراک که جنساً ، لومینیوم ، میباشد بهیچ وجه حفظ الصحه مخالف نبوده و برای صحت و تندرستی مضرتی ندارند .

ولی معلوم نیست تمام مجامع صحی و متخصصین هنوز هم این قول را تایید و تقویت نمایند .

(عرفان)

اعلان

یکقطعه زمین مزروعی مقرب ... جریب که محدوده آن علاوه یک کاریز خصوصی حودش پنج ... دو کاریز مشهور کرام خان از استحقاق شرب دارد در موضع افشار ... که ... زمین ... بوده و خواهند از یک ملک ... حاصل استفاده ... (۱۰۸) واقع قلعه حیدر خان ... رجوع ... موضوع قیمت آن موافقت فی ما بین حاصل آید .

غلام حسن

* * *

کورس فرانسه ـ انگلیسی ـ ترکی

آقایانیکه مایلند یکی از زبان های فوق را بصورت خصوصی تحصیل نمایند بشرایط سهلی از طرف موسسه کتابخانه وقرائت خانه نور پذیرفته می‌شوند وبرای ثبت اسامی خودها بخود کتابخانه نور یا اداره انیس مراجعه نمایند .

کتابخانه نور

محل فروش و مطالعه همه نوع کتب و رسالهای فارسی ، فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .

کتیبیکه جدیداً به تهیه آنها موفق شده هم قابل دیدن است در قرائت خانه نور همه نوع جراید و مجلات داخلی وخارجی برای مطالعه موجود است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 621 of 896

در هوتل

مهمانِ پاکیزه روزی که یکی از هوتل ها وارد شده وچای طلبید همینکه بطروس طروف روی میزش آماده شد چیزی بنظرش گذشته از پیشخدمت پرسید :
آیا این قاشق که جلو من گذاشته اید پاک است ؟
خادم بلی پاک .. البته پاک است چرا که همین الان از خانه طرف شوئی آورده ام اگر آقایم باور ندارند دست بزنند هنوز تر و آثار چرک درو موجود است .

علاج بر حرفی :

مردی از پرحرفی خانم خودش دلتنگ شده بود وهر مرتبه که از خانه بیرون رفته وبر میگشت اگر روز ده مرتبه هم این عمل مکرر میگشت خانم تفصیلات رفتن بیرون را ازو میپرسید .لا خره مرد بفریاد آمده واز بعضی ها چاره میجست یکی گفت برای دندان های خانمت عاشق بزاش واز طبیب دندان تمنا کن به بهانهٔ دندان های او را کنده وبه او بگوید عمیقه دهن خود را بسته نگهدارد آنوقت اگر حرف بزندهم صدای او خوب صامعه خراشی کرده نخواهد توانست .

اخلاص نوکر :

شخصی که خوردن تخم نیم پخته را بجای صبح عادت داشت اغلب اوقات نوکر او تخم ها را برخلاف سابقه یا داوش زیاده از اندازه جوش داده وسخت تر می پخت روزی آقا بغضب شده گفت بیست دفعه بتو می گویم تخم ها را خوب جوش بده آخر ساعت داری ثانیه ودقایق را مراعات کن ولی تو چیز مفید را مضر ساخته کان میکنم خیال کشتن مرا داری .
نوکر ، آقا والله من نظر باخلاصی که دارم حسب توصیه وبرای رضای شما هر روز صبح های زود خواب خودم را بر هم زده بساعت نگاه میکنم همینکه ساعت پنج صبح پوره شد تخم ها را به آب انداخته وآتش خوبی زیر آنش افروزم تا حالا که برای تناول شما خوب پخته شود .

سرما خورده گی :

کسی را در فصل تابستان هوا وسیده بود وبشدت یخ یخ کرده ولرس ترس عطسه میزد رفیقش گفت درین شدت گرما وخنک زدگی چه معنی دارد جوا بداد :
هیچ جای تعجب نیست چرا که دیشب ازرا دیوی]یبیر یا ساز گوش میکردم .

چاره معقول :

راهگذری بی هوش بامر مستی هنگام راه رفتن زیر عراده موتری واقع شده پیش از آنکه باو صدمه برسد شخص خیر خواهی او را نجات داد نجات یافته بسیار متاثر شده وگفت برادر در بدل این خدمت میخواهم تیم افغانی بشما هدیه کنم ولی مع الاسف یک افغانی دارم اگر شما نیم افغانی دیگر ازد خود نداشته باشید بدل تمام این پول به قصاد من صدمه وارد خواهد کرد .
نجات دهنده گفت یک چاره میتوان ولی بشما نشان بدهم : یک مرتبه دیگر بار خود را زیر موتر بیندازد تا من ذریعهٔ نجات شما شده ویک افغانی را اینجا مستحق شوم .

مدهوش مهذب :

مردی در رنگستان که درحالت مدهوشی از کوچه که پر دو طرف اشجار زیاد داشت که عبور می نمود ، چند قدمی نرفته بود که بدرختی بر خورده کلاهش را از سر بر داشته تعظیم کنان عفو ومعذرت خواست ، چون بدرخت دیگر خورد گفت آقای محترم بنده را عفو بفرمائید واز قصوره در گذرید !
همینکه به درخت سوم تصادم نمود که بعد عذر ومعذرت بسیاره سرش را پائین انداخته به کنجی نشست وباخود گفت : بهتر است صبر کنم تا این جمعیت عبور بکندرد که وبعد آن براه بیفتم !

مؤلف: له پلاتیه فرانسوی — (۳۶) — مترجم: حبیب الله طرزی

مادام سان ژن

از فصل یازدهم

(مادام له مارشال)

در نظر له فور و امثال او ناپلیون یك سر تاجداری بر جسد جمهوریت و انقلاب حساب میرفت، ولی افسوس که خود را ازین میدانند و دانسته بر حقایق چشم پوشی می نمودند.

له فور: — اعلیحضرتا! من فرمایشات شاهانه را به مادام له فور تبلیغ خواهم نمود و وعده میکنم که مادام له فور اوامر شاهانه من بعد اطاعت کند.»

امپراطور: — بشرطیکه بتواند! زیرا من چیزهای ناممکن را از کسی خواهش نه میکنم. عادت های حیات پیشین بسیار دیر می ماند.» و از قدم زدن ایستاده بر سخن خود ازاد نمود: «چه یك دیوانگیست که شخص یك مارچن عض باشد و از دواج کند.»

بار مثلیکه بسرش خیال دیگری خطور نموده باشد گفت: «ولی خود من تقریباً همین غلطی را کرده ام. او قصاره را زن کرده و من — هم! خوب همیشه علاجی برای این چنین غلطی ها در طلاق موجوده است مگر....»

مثلیکه میخواست این خیال را از سر خود دور کند، دست های خود را در جیب واسکت کشمیرهٔ سفید خودش داخل کرده قطی کوچك دواه تصوار را بر آورده، و سر آنرا باز کرده بوهید.

ناپلیون از دخانیات بسیار بد می برد تنها یك دفعه برای آزمودن قلیان اعلی که امپسدور ترکی برای او هدیه نموده بود خواهش ظاهر ساخته بود و بعد از مشکلات زیادی کشیدن آنرا آموخت ولی بغرور بردن دود اولین که تقریباً او را خفه ساخته بود، قلیان بدور افگنده نعره زد: «این را مجهنم برید!

آنهائیکه میکشند و خوش دارند عجب حیوانات قبیحی خواهند بود.» ازان وقت به بعد بکشیدن دخانیات هیچ گاه کوشش نه نمود.

قطی تصوار خودش را در جیب نهاد و بطرف له فور بر گشته گفت: «زن تو باید چند درسی از (دیشپیر یو) استاد مشهور رقص بگیرد.

دیشپیر یو یگانه شخص است که از اوضاع دربار های قدیم چیزی میفهمد.»

این استاد رقص (دیشپیر یو) یك پرو فیسر بسیار ماهر رقص و آداب و یك شخص معروفی بود با خوش وضعی وزن نگی راه خودش را در اثنای انقلاب باحتیاط کامل پیموده و بسلطنت ناپلیون که مجالس عیش و عشرت سر از نو باز گردیده بوده، برای نشان دادن مهارت خودش موقع یافته هیچ یك محفل ارستو کراتی نبود که داران جانداشت. این ملاقات اولین او بامادام له فور در قصر سنت کلو بود، که ما درس فصل لـ کار نموده ایم، و کاترین برای پذیرائی دیشپیر یو بود که ساعت ده باید بر میخواست.

کاترین: — «شما موسیو دیشپیر یو هستید؟ یقین دارم چنین خواهد بود. چه حال دارید؟ این الفاظ را گفته و دست های کوچك آدم نحیف را بکمال شدت فشار نموده.

پرو فیسر از صمیمیت و گرم جوشی غیر مترقبهٔ مادام لا مارشال بی اختیارانه عقب کشیده جواب داد: بلی، منتظر اوامر مادام لا مارشال!

کاترین کنیج یك میرزا برچو کی ترجیح داده نشست و گفت: «خوب، اینها اینك خورده من، بطرف من به بین، امپرا طور خیال میکند که اوضاع در بارش چندان خوب نیست و میخواهد که ما همه ممتاز باشیم. پسرم آیا تو میفهمی که او ازما چه میخواهد.»

دیشپیر یو از لهجه بسیار از خودانه مادام لا مارشال یکه خورده و با یک صدای لرزان جواب داد:

«اعلیحضرت لیکو سنجیده اند و خواهش دارند که دربار ذات شاهانه گوی سبقت را از دربار های گذشته بر باید من بکمال.»

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 623 of 896

احترام و توقیر کوشش بکنم (مادام لا مارشال) که خواهشات شاهانه را بجا کنم . مگر برای اینکه خوب تر به مقصد پی برده باشم میخواهم بفهمم که در کدام شعبه مخصوص من تعلیم گرفتن میخواهید .»

کاترین : ـ خوب ! این مثل اینست مقبول من که در روز سه شنبه یك بال بزرگ در قصر خواهد بود ، چنین ظاهر میشود که در ایام مستبدان در بال ها رقص (کاوت) رواج داشته ، حال امپراطور میخواهد که ما این رقص را بیاموزیم .

دبیپیر بو : مادام لا مارشال رقص کاوت یك رقص مشکلیست که اموختن آن زودی دشوار است من خوب یاد دارم که شرف اموختن آنرا بمادام لامارشال حاصل نموده بودم .

کاترین : ـ بیا که آنرا باز دانیم . اگر تنها امپرا طور میبود وایش بگفتم که برو (کاوت) را بشخص دیگری بیاموز وقتیکه پیراهن های اورا اطو میکردم نمیخواست که (کاوت) برقصم . مگر ان لدفیور است که میخواهد بیاموزم و هرچه که رفیق قدیم من خوش دارد من هم ارزو دارم . حال دقت ! یك دو سه باشتاق بده که پاهایم را کجا بگذارم و چه باید بکنم ؟

درحالیکه مادام لامارشال یك وضعیت استهزا کارانه مانند شمشیر باران ایستاده و منتظر حمله بود ، دبیپیر بو شانه های خودش را بیاس حرکت داده و آه سردی کشیده پرسید : « ایا مادام لا مار شال پیش ازین هیچ کا رقصیده اند »

ـ بلی بسیار وقت پیش ازین ـ در و وکسهال .

دبیپیر بو : ـ عفو بفرمائید مادام هیچ گاه این اسم را نشنیده ام ، آیا میتوانید به من بفرمائید که کدام رقص در انجا رواج بود (کوراتو) (مینوی) یا (متا کو) ؟

ـ رقص فریکاسه !

دبیپیر بو ـ خدای من چه می شنوم این که رقص قصاره کان و کل شن چیان است هیچ گا ممکن نخواهد بود .

ـ بلی این دانس اولین بود که با لدفیور رقصیدم در همین دانس بود که من و او یکدیگر خود را شناخته و متعاقباً ازدواج کردیم .

پرو فیسر با یك وضع بسیار مغموم سر خود را حرکت داده خود به خود گفت : من که استاد رقص مادام لاد وفین بودم حال با که مقابل شده ام !»

دبیپیر بو مادام لا مار شال را خـوب بخیز وحشت انداخته و کوشش می نمود که چیزی بیاموزاند که دروازه بشدت باز شد و له فیور بایونیفورمه مکمل خود داخل گردید ـ احساسات اوفوق العاده پرانگیخته بنظر می آمد زیرا کلاه خودش را بدور افگنده صدا زد : « زنده باد امپراطور ! »

این را گفته و کاترین را در اغوش پر از محبت خود کشیده بوسیدن شد .

کاترین ازین وضع او متحیر شده گفت خدای من چه خبر است ؟ له فیور ترا چه می شود ؟ »

دبیپیر بو نیز متجسس گردیده بانوک پنجه پیشرفته پرسید : « موسیو لو مارشال آیا امپرا طور مرده است ؟ »

له فیور بجواب این سوال فضول باچینکه های کلفت خودش لگد سنگینی بر حصه تحتانی بدن پرو فیسر دانس نحیف نواخته درس جدیدی در فن موقع شناسی یاد داد .

دبیپیر بو خود را با احتیاط اتمام جمع نموده در مقابل له فیور کرانش عمیقی نموده گفت : « آیا مسیو لو مار شال فرمایشی ؟ دارند ؟ »

کاترین حرف او را قطع نموده گفت مارشال عزیزم بگو به بینم چه واقع شده است ؟ دبیپیر بو میخواست بفهمد امپرا طور مرده است یا زنده ، ولی به خیال من اینچنین یك چیز ناممکن است .»

له فیور : ـ بلا شبه نا ممکن است ! امپراطور مرده نه می تواند ! هیچ گا نخواهد مرد ! ولی چیزی که من حالا شنیدم اینست که ما بزودی بسفر میرویم .»

کاترین : ـ رفتن ! کجا ؟

لدفیور : « من نمیدانم کجا . چیزی که میدانم اینست که باید بزودی انجا برسیم خیال میکنم برلن خواهد بود ؟ ـ کاترین که جغرافیه دانیش از رقص ناقص تر بود پرسید : « آیا برلن دور است یا نزدیک ؟ »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 624 of 896

له فیور : — من نمیدانم ! ولی یقین دارم که هیچ جا برای همت امپراطور دور نیست . »

کاترین : — چه وقت روانه می شویم ! »

له فیور : — فردا ! این پروس ها یک پوست کن خوبی بکار دارند . در این اوقات خرومیت وشاطری بخرج میدهند . چند سال قبل ٤ استریا ٤ انگلیس ٤ روس ٤ هسپانیه وبسیار اقوام دیگر در فرانسه داخل شدند ولی آنهارا عفو نمودیم زیرا حکومت کوچکی بودند . هم مدتی زیادی داشتند . امپراطور آنهارا (مدوین) دوست دارد . همیشه درباره یک مرد جوان موسوم به (گوته) که مقالات او در جراید می بر آید حرف میزند . دو سه روز پیش با من گفت : اگر (گوته) فرانسوی می بود اورا (کونت) می ساختم . »

کاترین : — پس امپراطور میخواهد با پروس ها بجنگد ! »

لهفیور : — بلی دارا متحیر ساخت وقتیکه گفت این جنگ دشوار خواهد بود . پروس ها ! یک مملکتی مثل پروس دیگر وجود ندارد . ولی امپراطور که این چیز ها را از من بهتر می فهمد اظهار نمود که این جنگ یک حرب شانداری خواهد بود بالآخره سنجیدن مسائل کار خود امپراطور است . کارما جنگ است وهر جا که او امر کند ، رفتن ! ولی بخیال من یک ملت کوچکی مانند پروس را شکار نمودن ننگ شان است ٤ وبا لی چنین یک حریف ضعیف شان وشوکت گفته نه می شود ! »

دیپپیر بو از بوت ارشال خودرا خوب دور داشته گفت : « علو میخواهم ٤ مسیو و مارشال ٤ پروس ها اینقدر حقیر که شما فکر نموده اید نیستند .

فردریک اعظم خود شان را داشتند و هنوز هم متقرب بحاربه (روزباخ) افتخار میکیرد .

له فیور شانه های خود را حرکت داده گفت : « روزباخ ! من این اسم را نمیشناسم کدام اسم قداس خواهد بود علاوه بر آن امپراطور ما در انجا نبود یک محاربه بزرگ بدون امپراطورما ممکن نیست صورت بگیرد . کاترین : حق باتست . آیا من همراه تو میروم یانه ؟ اگر میخواهی تاسرحد رفته میتوانی گمان نمیکنم امپراطور بیشتر ازان برود کاترین ! ان جنگ یک صاعقه بود که در آسمان صاف یکدفعه دفعتاً برما نازل گردید .

مگر من ترا یقین میدهم که این حرب زیاده از یک سر گذشت چند روزه نخواهد بود . باید فوراً آماده سفر شویم ها ر بوت کجاست !

کاترین : — کدام جائی دوان نزدیکی ها منتظر تو خواهد بود

له فیور : من او را بحضور امپراطور تقدیم میکنم تا درین محاربه بجنگد وشاید ترقی هم بکند . پرویبر عزیز را تجسس کن !

دریک لحظه دیگر با یک اوتسار جوان برگشت که بطرف مارشال رفته بایک سلام عسکری پرسید :

پدر خوانده عزیزم آیا کجا میروم بجنگم !

له فیور : شرط تک خورده مسن از کجا فهمیدی که ترا من برفتن میدهند اول باید با امپراطور حرف بزنیم تو خیال میکنی که هرکس میتواند اجازه مردن و فدا شدن را برای او حاصل کند . بهر صورت امید میکنم که این شرف را بتو خواهد بخشید .

تشکر میکنم چه وقت باید بحضورش تقدیم شوم !

اگر توانستم ترا همینقدم میبرم . دو تا یکی من وتو بحضور امپراطور مشرف میشویم خانم هم با ملکه حرف خواهد زد زیرا بسیار وقت است ملکه را ندیده .

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 625 of 896

(شماره ۳۳) — انیس — (مجلد ۵)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
موسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده :

۳۰ شنبه ۲۰ جدی ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۹ رمضان ۱۳۵۰

مطبوعات وطنی و نارضائیت های قارئین

نسبت به پیشرفتهای قابل تقدیری که امروز به مطبوعات و نشریات وطنی در مرکز و ولایات مشاهده می شود چه از حیث تعدد مجلات و جراید و چه از جهه تنوع مضامین عالی و اطلاعات تازه و صحیح و باز خصوصاً وقر و عرفانی که نویسنده های وطن روز بروز نزد ملت و حکومت پیدا کرده میروند از روی انصاف بصریح ترین لهجه می توانیم این عصر را یک عصر مترقی قفا تستانی تمیز کنیم .

وهیچ کسی این حق را نخواهد داشت که این ستایش لبریزی ما را بر خود نمائی و یا چاپلوسی اطلاق کند ، فقط یکی دو تا از جراید ما اگر به برخی جهات ازین تعریف استثنا پیدا کنند آنهم از اثر عدم مطابع حروفی و غیره جهاتی است که ممکن با انکشاف وضعیات مرکزی که بود آنها ما این وضعیات طرا قبول هم صورت اصلاح و رنگ بهتری بخود بگیرد .

غرض با این حال از طرف قارئین و مشترکین در اغلب اوقات احساس یکنوع نارضائیت ها بکنیم ولو این نارضائیت های قارئین و یا بعضی افراد دیگر راساً نسبت بجریده انیس بخود تا کنون اظهار نشده اما چون سلسله مطبوعات از تجربیات هم مسلکی و از ارتباطات معنوی که باهم دارند تعریف یک جریده و یا یک نگارنده یشان ترقی مطبوعات وطن اسباب مسرت همه و همچنان نواقص یکی از واسطه و لکه تعنی گی یا اقلا تخواسته اسباب خجلت همه گی خواهد بود ، پس لازم می آید پیشتر ازانکه دیگران بما حسن و ناحق گفته روش خود اقامت کنند ما هم مطلع شده بخوب و بد خود واقف شده اگر برای معنی داشته باشیم در صدد اصلاح خویش بر آئیم .

آنچه تا کنون شنیده ایم علل انحطاط مطبوعات ما را آقایان قارئین اینطور بیان می کنند :

اولاً هر خواننده که یکی از جراید وطنی را برای مطالعه میگیرد و یا کسی دیگر تکلیف خواندن می کند پیش ازانکه به ببیند چیزی دارد یا ندارد یک نظر حقارت نگریسته و یک لهجه بخونسردانه میگوید ای بابا همه نقل و اقتباس است اطلاعات تازه ندارد یک خبر در هر جریده تکرار می شود .

دوم : طرز و اصول نگارش همیشه تحت نقد می آید و اغلب شکایت دارند که اسلوب نوشتن مقالات علمی و اخلاقی یا ادبی بسیار کهنه و تقریباً اسلوب چندین سال پیشتر استعمال شده و هیچ طریق و مایه برای خواننده گان ندارد .

سوم — عبارات تحریری لغت امیز است که تقریباً زبان فارسی عربی شکست تحویل شده و افراد مبتدی اصلاً از درک مطالب عاجز است .

چهارم — عناوین مقالات چیزی و مطالب چیزی که بسیاری مطالب عنوان وطنی ندارد و اکثر در عنوانهای سابقه کی نوشته و مدیرن جراید بکار میروند که پس از دیدن عنوان کسی میل بخواندن مقاله نمی کند .

پنجم — بسکه در اطراف موضوعات یا پیشنهادات جزوی جملات تکرار از دیگر نوشته و قلم فرسائی شده و شالوده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 626 of 896

اجتماعی ریخته، میشود اصل مطلب از بین گم و خواننده پس از مطالعه بیجاء سطر آخر کار جز تحمل درد سر هیچ یك مفادی را استفاده کرده نتوانسته .

ششم ـ از تنقیدات خود داری میشود .

هفتم ـ در نوشتن خبر های اخباری از اصل مقصد عبارت آرائی متملقانه و القاب بیشتر است و ساده گی خبر یا نزاکت های روز نامه نگاری مراعات نمیشود .

الحاصل اگر کنکاش بسازیم شاید دیگر موادی هم پیدا شود که موجبات نا رضائیت قارئین را ظاهر ساخته و ماحصهٔ این اقوال و اعمال را از زبان های مختلف شنیده و از اشخاص دیده ایم اگر چه تا جائی ما هم به آنها حق میدهیم که جراید ما بالعموم مانند جراید عصری دنیا نیست ولی تا جائی هم آقایان قارئین باید تنزل بفرمایند که خواننده گان ما هم طوری که بظاهر خود شان را دشوار پسند نشان میدهند از آن ذوقیات عالی محروم بوده و از ترقی پسندان عصری پسند ودربنگو به تنقیدات از رهگذری که جنبه نسبتی و یا مقتضیات محیطی را تغافل کرده و افراطی میشوند گفته میتوانیم اکثر آن بی مورد است و از خود موجباتی دارد .

مثلا از بسکه میگویند اخبار ها چیزی ندارد معلوم است آقایان دماغ مطالعه نداشته نخوانده‌اند بدون تنقید میکنند و حرف مفت میگویند ـ چندی قبل یکی از رفقا پرسید شما بچه کار مشغولید گفتم شما خبر ندارید که من بجریده ایس کار میکنم گفت برای اینکه اخبار های داخله چیزی نداشته و چندان دلچسپی ندارد مطالعه نمی کنم مجبور شدم باصطلاح کشکول ایس را پیش روی او کشاده و بگویم چه لازم داری که من ازین ۱۶ صفحه هفته گی ایس برای شما بیرون آورم یا بدانید که ما عبث وقت خود را ضایع نمی کنیم و همه چیز دارد و هیچ نقل و اقتباس نیست و همچنان جریده اصلاح وغیره و باز که شما یك خبر را در دو سه جا میجوئید در کدام نقطه دنیا شما دیده اید که هر روز نامه یك خبر را مخصوص نشر کرده و دیگر روز نامهٔ که در آن نقطه شائع می شود از نشر آن خودداری کنند و قصات مهمه داخلی و خارجی و همه مطبوعات داخله و خارجه عالك باید متحد المال نشر کنند منتها در کهنه گی و تازه گی اخبار اگر از طرف ما بی سلیقه گی بشود البته شما حق تنقید را دارید . حالا خود تصور کنید که آقا از نشر اخبار خبر ندارد مطالعه نمیکنند و عیب میگیرد این نظریات و بجه‌بایست تعبیر کرد جز آنکه بگوئیم نارضائیت های طبیعی است چه رفقای ما در عیب جوئی بحدی کنجکاو و جدی هستند که نمره های در عمارات را خوانده و میگویند نمره خانه رئیس بلدیه با آنکه در وسط کوچه واقع شده نمره اول و در خود تکت نوشته است :

بسم الله الرحمن الرحیم
گذر ده غوجك
خانه نمره یك

و از دیگران بسم الله ندارد ، ولی بجای دیگر اینقدر کاهل می شوند که وقت پیدا نمی کنند یك جریده وطنی را تا آخر ورق زده و فعلاً عناوین آن را بخوانند که چیزی دارد یا ندارد .

در باب طرز و اصول نگارش اینها بسته بتوسعه نشریات و ترقی معارف است و باز این مسئله یك چیز مبهم گفته نمی شود که برای همیشه دوام کند بمرور ایام خود بخود رفع شدنیست .

نسبت بمادهٔ معلقه اگر چه ساده نویسی و مطالب مهمه را بزبان معمولی انتشار دادن بسیار تعریف دارد ولی در عین زمان ازین هم نباید غافل شد که برخی مجلات و جراید یکه بنوشتن مقالات علمی و فنی اشتغال دارند نا گزیرند ازینکه اصطلاحات مخصوصه آن را در نوشته جات خود مورد استعمال قرار دهند فقط ، و دیگر همقطاران ما که اغلباً در اجتماعیات و اخلاقیات نگارنده گی میکنیم البته این نکته ها را مراعات خواهیم کرد و همچنان در بقیه مسایل که از سلیقه نامه نگاری ما نسبت به انتخاب عناوین شرح و بست مسایل جز وی ، و القاب ساختن اطلاعات اخباری و یا کم جرئتی در نوشتن موضوعات تنقیدی اگر قارئین اظهار نا رضائیتی مینمایند تا یك درجه ما باید تنزل کرده و آن ها را حق دار بشناسیم چه این دوره حکومت نسبتاً درخشان تر و عرفانی تر است و شهریار دانشور ما مطبوعات و عمال آن را بنظر قدر می بینند با اینها اگر ما مخافظه کاری مورد شده و در ارتقای مطبوعات یك اجهادی از

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 627 of 896

ترجمه از دو مجله انگلیسی سایتیک :

خاتمه تجارت آزاد

۲ ـ تبدلات اقتصادی

انگلیس ها مجبورند ، چنانکه صورت موازنهٔ دخل و خرج خودرا مستند بسازند عقیدهٔ مونسیمن وزیر تجارت جدید انگلستان هم این است که علاج انگلستان تنها بقدریکه ترقی تجارت عمومی دنیا شده می تواند . و انگلستان باید برای از دیاد حصهٔ خود در تجارت دنیا کوشش ورزد یعنی باید صادرات انگلستان ترقی کند باین صورت خود به خود باقی درك های موازنهٔ دخل و خرج هم ترقی میکند لهذا نباید اینطور اموال زیر بار محاصل گمرکی بیاید که برای صنایع داخلی انگلستان مواد خام اشیای صادره را تشکیل می کند . این همه بسیار ساده به گوش می آید . اما درك های بزرگ واردات انگلستان آنطور اموالی است که هر کس

خود نشان بدهیم گویا مسئول آینده بوده و نواقص متوجه خود ما خواهد بود . ویقین واثق است که اگر پیشنهاداتی کنیم شنیده خواهد شد وهر گاه منصفانه تنقیداتی هم بگوئیم موجبات اصلاح را فراهم خواهد آورد واگر حق وناحق از مامورین عمده چاپلوسی نکرده ویا القاب زیاد نه نویسیم چون مامورین ما الحمد لله منور اند واز مسلك جریده نگاری تا اندازه مطلع هستند گله و گذاری نخواهند کرد .

از نقطه نظر مفاد خود فیصله کرده بعضاً مواد خام را ذکر می کنند و بعضاً اسم اموال تجاری را می برند که با اشیای صنعتی انگلیسی رقابت می کنند . این یك نزاع داخلی بین آن شعبه های صنایع است که شروع به سقوط کرده و آن شعبه های که در ترقی می باشند .

هر کوشش برای حفاظت صنایع قدیمی مجبوراً برای صنایع جدید مضر ثابت می شود ، در سه وقت مسلك رقابت ، اما اله تنها از این سبب برای انگلستان یك خطر جدی می شود که باعث مقاطعه ده ساله تکامل جریان اقتصادی انگلستان بعد از جنگ عمومی میگردد . این خطر بطرف جنوب رفته ؛ باعث تاسیس شعبه های جدید صنایع در اطراف لندن شده است .

وزارت فوائد عامه درین روز ها یك احصائیه راجع به تقسیم نفوس کار گر در شعبه های مختلف مسلك ها شایع کرده . بنابر عدم دیگر اسناد ، درین احصائیه تنها مسلك های بیمه شده ؛ ذکر می شود . احصائیه مذکور تبدلاتی را که بعد از محاربه عمومی واقع شده ، واضح نشان میدهد ؛ از سال ۱۹۲۰ باین طرف در یك عده زیاد مسلك ها تعداد مشغولین بیمه شده زیادتر از ۵۰ فیصد ترقی کرده .

مسلك های که تعداد مشغولین آن رو بترقی میباشد ، از قرار ذیل است : ـ

شعبات	تعداد مشغولین بیمه شده جولای ۱۹۳۱	فیصد ترقی از ۱۹۲۳ باینطرف
۱ ـ مفاد عامه ، مخصوصاً سرك سازی	۲۷۰۶۳۰	۱۲۰٫۵
۲ ـ ابریشم وابریشم مصنوعی	۷۲۵۱۰	۹۹٫۸
۳ ـ کار گران برق	۲۲٤٦۰	۹۵٫۲
٤ ـ سنگ های مصنوعی وسمنت	۱۹۹۳۰	۹۲٫۹
۵ ـ ترام ؛ توبوس(موترهای بزرگ حمل ونقل)	۱۷۳۸٦۰	٦٤٫۹
٦ ـ موسسات تعیش	۹۲٦٦۰	۵۷٫۱
۷ ـ ماشین های برق	۹۲٤۷۰	۵٤٫۷
۸ ـ تجارت ـ دوکانداری	۱۸٤۷۸۰	۵۲٫٤
۹ ـ سیم های تحت البری وبحری ،		
سیم ها وچراغ های برق	۱۰۸۳٤۰	۵۱٫۸
۱۰ ـ هوتل رستوران پانسیون	۳۸٤۲۹۰	۵۱٫۳
۱۱ ـ خشت وخشت کاشی	۸۷٦۳۰	۵۱٫۱

ترقی فوق العاده تعداد واشخاص که در تجارت ؛ هوتل و موسسات تعیش خدمت وکالت می کنند ؛ مضر است . اما بالعکس این دو چند شدن تعداد کار گر های سرك وترقی زیاد کار گر های حمل ونقل سرك ها تجدید عاقلانه مملکت را نشان میدهد . ترقی صنایع برق مهم ترین علامه عصر جدید است .

علاوه براین دودیگر شعبه های کوچك صنایع که تاحال انگلستان به آن محتاج بوده بود، تعداد کارگرها چیزی کمتر از ۵۰ فیصد زیاد ترشده. یك قسمت بزرگ این صنایع دور اطراف لندن در پهلوی سرك های موتر تاسیس شده. بمقابل این صنایع نو در صنایع قدیمی تعداد کارگرها تنزل فاحش کرده. مثلاً آهن و فولاد ۲۸ فیصد، نسبت به سال ۱۹۲۳، کشتی سازی ۲۵ فیصد، ریل ۲٤ فیصد، معادن ۱۳ فیصد، ماشین سازی و صنایع فلزات ۱۰ فیصد، صنایع لباس زنانه ۱۱ فیصد، پشم بافی ۸ فیصد، پنبه بافی ۲ فیصد نزول نموده است.

طبیعی است که تنزل حقیقی بسیار زیاد تر است، چون این تنزل عبارت از تعداد عمومی کارگرهای بیمه شده است، بی تعدادی کارها هم درآن شامل می باشد چون بی کاری در صنایع قدیمی تا ۲۰ فیصد و زیاد تر، اما در بعضی از صنایع جدید از ۱۰ فیصد زیاد تر می باشد.

ازاین همه معلوم می شود که دورهٔ تبدل در طبقات صنعتی انگلستان شروع شده وتا یك اندازه پیش رفته. یك سیاست گمرکی غلط می تواند باعث خرابی های زیاد شود. همچنین صنایع جدید حال به سال در قسمت خود درصادرات انگلستان افزوده توانسته. اگرچه بدون شبهه بعضی این صنایع جدید بعضی است که مخصوصاً برای این مقصد تاسیس شده است که بازار داخلی را از دست تجار خارجی رها کنند. این مطلب از شعبه های صنایع است که در موقع تاسیس برای آن ها لفظه حفظ ما تقدم مرا اختراع کرده بودند.

این جا حکومت بدون فکر وممطلی در مانع شدن واردات جداً کوشش خواهد کرد. بعد ازانکه قانون اجازه تورید رنگ ها برای یك سال دیگر تمدید شد؛ چون صنایع کیمیاوی باوجود مهلت ده ساله از مقدار رقابت خود با خارجی ها هنوز مطمئن نیست، تصور می توان کرد که از حکومت از هر طرف چه تقاضا ها نموده خواهد شد.

اما هر قدر هم محصولات گمرکی اموال صنعتی را زیاد کنند، خسارهٔ موازنه تجارتی را جبیره نخواهند توانست.

انگلستان دیگر کارخانهٔ دنیا نیست واگر هم بخواهند، انگلیس ها استعداد واردات کثیر اوراق وا داده اند. اگر جلو گیری نکنند، یك وقتی قیمت آنرا پرداخته نخواهند توانست.

واردات سالانه بین درك مبلغ مجهر لمقول ۱۰۰۰ ملیون را تشکیل می کنند، برای انگلستان امروزه این مبلغ بسیار زیاد است. از بسیاری چیزها صرف نظر شده نمی تواند.

محصولات منعی که کرکچالوی تازه دراول سال وسبزه جات گل خانهٔ فرانسوی مصارف حیات طبقات متوسط را زیاد نخواهند کرد.

در این هم هیچ شك نیست که بعد از تبدیل اصول زراعتی، از زراعت انگلستان زیاد تر استفاده می توان برد. مثلا برای انگلیس ها مطلب از تربیه حیوانات اهلی عبارت از تربیه جیوانات عجیب و قشنگ برای نمایشات مسابقه ها است. امروز حتی ماموربن بلند انگلستان از گوشت خارجی حمایت می کنند، که در سرد خانه ها به انگلستان می آید. حالانکه ملت انگلستان به بسیار خوشی گوشت انگلیسی را خواهد خرید، بشر طیکه به قیمت معقول حاصل شود. اما زراعت انگلیسی یك رهنمائی نشان میدهد که فقط اشیای میوه انگلیسی جز های کمیاب و مخصوص باشد. بهر صورت حکومت مجبور است که دراین مسئله هم اقدامات کند.

مخالفت به نقشه های جدید انگلیسی به دیگر ممالك هیچ فائده نخواهد بخشید یك بسیار کمی از ممالك استعداد آن را دارند. امروز انگلستان دو چند آنکه میفروشد، از دنیا خریداری می کند بگانه استثنا مستملکات انگلستان میباشد این جا هم انگلستان زیاد تر ازانکه میفروشد خریداری میکند. اما فرق بین خرید و فروش نسبتاً کم است. در ۹ ماه اول سال گذشته (۱۹۰۱) واردات انگلستان از دومنین ها و مستعمرات ۱۸۰ ملیون پوند و صادرات به آن ۱۲۹ ملیون پوند بود.

اما از اروپا انگلستان به قیمت ۲۷٤ ملیون پوند خریداری کرده و به قیمت ۱۰۸ ملیون پوند مال به اروپا فروخته است که موازنهٔ تجارتی انگلستان با باقی دنیا هنوز بسیار بزرگ است انگلیس ها سه چند آنکه فروخته اند خریداری کرده اند، یعنی بمقابل ۵۵ ملیون پوند فروش به قیمت ۱٦٦ ملیون پوند خریداری کرده اند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 629 of 896

در ۹ ماه سال ۱۹۳۱ انگلیس ها از آلمان زیاد تر از سه چندهٔ فروش خود خریداری کرده اند . لهذا بسیاری دول از جنگ گمرکی با انگلستان خود شان خساره خواهند کشید .

تعداد درک های بزرگ واردات آلمان از انگلستان بسیار کم است . در آخرین سال عادی ۱۹۲۹ آلمان از انگلستان به قیمت ۵ ملیون پوند ذغال خریده است . رقابت ذغال انگلیسی شدید تر شده است اما یقین است که وضعیت عمومی آلمان استعداد جنگ گمرکی را ندارد . دیگر درک واردات بزرگ نخ با به فی ، نخ پشمی و پشم است ، یعنی اشیای که در صنایع آلمان استعمال می شود . شاید آلمان بتواند دمی گیری خود را زیاد تر کند . اما تمام دیگر درک های واردات آلمان از انگلستان بسیار بی اهمیت تر از این است که بتواند در جنگ گمرکی یک رول بازی کند ، ورنه یک قدری زیاد تر از آنها به سر دارد . اما باز هم در یک جنگ گمرکی خساره خواهد کشید . مراکز بزرگ چند سخن های بزرگ ارو... فقط آنها بالذات متضرر شده . و این هم مفهوم است . زیرا که انگلیس ها در ۹ ماه اخیر از امریکا ... چند فروش خودرا خریداری کرده اند . یگانه امید این است که دوام این اقدامات انگلیسی آن کوششات ، که برای این مقصد شروع شده بوده ، باز زنده شود تا دیوار های محصولات گمرکی تخریب گردد .

(محمد طاهر)

اجمال سیاسی :

هندوستان و انگلیس

کنفرانس میز گرد که در ده سنبله برای تعین تشکیل اداره مستقبل هندوستان ومذاکره تشکیلات اساسیه آن در لندن دعوت شده بود ، خاتمه یافت و بپایه اعتبار موضوع ومقصد فلاکت کرد گفته می توانیم .

اگر چه در حقیقت این کنفرانس و کنفرانس پیشتر از آن دعوت استشاری داشته ، نتایج آن ظاهراً خیلی مهم بنظر نمی رسد مگر در حقیقت حال خیلی اهمیت را حایز بوده است یعنی باوجود دعوت استشاری واینکه کنفرانس اگر اتفاق ممکن گردیده مقررات مثبت اخذ کرده می شد کنندهٔ رد و قبول آخرین که باز هم با پارلمان انگلستان بود امکان قبول اساس مقررات و طرح مناقشه روی آن هندوستان بوقت مثل یگانهٔ سیاسی اقامت این کنفرانس اختلافات موجوده ملل مختلف اجناس هند ، خصوصاً اضداد دو ... عرق و دینی و سیاسی هندو مسلمان است .

در اثنای حرب جهان ، اهالی هندوستان برای استحکام و محافظهٔ امپراطوری انگلیز و تأمین غالبیت وظفر آن در حرب تقریباً یک نیم ملیون عسکر قربان داده ملیارها امداد پول را متحمل گردیدند . و بمقابل این مظاهرت قیمت دار و صداقت هندی ها طور مکافات برای خود مختاریت اداره را طلب نموده در آن تاریخ مسلمین هند هم به نسبت رویهٔ خصمانه سیاسی که حکومت انگلستان به مقابل ترکیه و (مقام خلافت) مشوق گرفته بود از انگلیس ها رنجیده گی داشتند .

از این جهت با هندو یک شده با کنگرهٔ ملی هند متفق گردیده خود در زیر بیرق گاندهی در آمدند .

خلاصه سه صد و پنجاه ملیون نفوس ومسکنهٔ هند بطور یک وجود حرکت نموده حکومت انگلستان در مقابل آن مقاومت نه نموده اعطای پارلمنت و حقوق خود مختاری مختصر ومحدودی را برای آنها در نظر گرفت و وعده نمود که بعد از تجربهٔ ده سال پس از تطبیق آن اختیارات وسیع تری نیز برای ایشان خواهد داده . برای انجاز وعدهٔ مذکور سه سال قبل کومیسیونی در تحت ریاست وزیر خارجیه امروزه (سر جان سیمون) مرکب ومنحصر از اعضای انگلیزی جهت تحقیقات واحضار اساسات درجهٔ دوم مختاری که داده شود ، از لندن روانه هند نمود .

چون هیئت مذکور به هند رسیده از سببیکه همه اعضاء ومأموران کومیسیون مذکور انگلیز بودند ، هندی ها تماماً با آنها مقاطعه نموده از شریک مساعی با ایشان امتناع ورزیدند ، در نتیجه کومیسیون مذکور در رپورت خود با حکومت انگلستان توصیه نموده بود ، که صرف خود مختاری ایالتی برای هندوستان داده ولیکن حکومت مرکزی باید در تحت مراقبت وزیر حکومت انگلستان باشد .

لیکن در این اثناء در هند در نتیجه تحریکات گاندهی ، ملیون ها جماعت عدم تعاون وبالاخره عدم اطاعت و سرکشی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 630 of 896

از قوانین شروع نمودند . چون اشتعال این تحریکات خیلی وسیع گردیده به هر طرف سرایت کرد .

مستر ماکدونالد توصیهٔ سرجان سیمون را درنظر نگرفته برای معلومات وفهمیدن شکل اداره ودرخواست هندی ها لزوم نقطه نظر وافکار هندی هارا بهتر دانسته برای تثبیت این اساس درلندن کونفرانس اول میز گرد را دعوت و انعقاد نمود .

در کنفرانس اول اساسات فدراسیون (جماهیر متحده) قبول گردید . لیکن چون نمایندهٔ کانگرس ملی درآن شمولیت و اشتراک نداشتند ، ازآن سبب درماه سنبله گذشته کنفرانس دوم میز گرد در لندن دعوت و عقد گردید . در کنفرانس دوم فی الواقع متمثل کانگرس ملی هند و یگانه پیشواء مسٹر گاندهی اشتراک نموده ، لیکن در این کنفرانس ظهور اختلافات سیاسی ...

بین مسلمین و هنود و عدم امکان حل آن در نتیجه کنفرانس باتمام معانی افلاس کرد .

نظر به حوادث آخرین انگلیز ها مقابل احتمال حرکت دوبارهٔ ملیون و طرفداران گاندهی در عودت آن به هند تدابیر احتیاطی اخذ نموده به نقاط سوق الجیشی هند عساکر زیاد سوق نموده و برای جلوگیری از هجوم های شدید و مدافعه ایشان را به عراده های تانک هجوم و دسته های طیاره های حربی تقویه نموده است ، تا در وقت لزوم برای مدافعه و هجوم شدید مقابله نموده و در عین زمان قوانین جبری وصلاحیت ادارهٔ تشدد و تهریب واسعهٔ امثال مارشلا و فوق آن را نیز بحکام هند داده است تا در وقت لزوم بامنتهای غلبه و شدت از پیش آمد های سرکشانه جلوگیری کرده شود چنانچه حوادث آخر این این مطالب را موثوقاً تصدیق میکند .

م . اسمعیل

وارده

غزل سرخ

جو یاي عزیز!

دوسه روز قبل اتفاقاً یک بیاض پوسیده ومندرسي بدستم افتاد حریصانه بمطالعهٔ آن پرداختم خوشبختانه اشعار گم شده یک عدهٔ شعراي گمنام کابل را در اوراق پوسیدهٔ خویش حفظ نموده ومارا ازمطالعهٔ خود مسرور مینمود واقعاً مطالعه در ادبیات غوص کردن بدریائي مي ماند که نتیجهٔ اش لذت وناکامیست هزار بار انسان دست خالي بیرون میشود یا غنیمت بي قیمت به چنگ مي آورد ویا یک دفعه بغتةً بدستش به لولوي میرسد ، بنده روزیکه شروع به تحقیقات درهاي یتیم نمودم هرقدر که درین دریاي پر ازلذت وناکامي غوص کردم غیر از همان یک رشتهٔ درهاي یتیمي که در جریدهٔ انیس متواتراً از (شماره یک الي ده) انتشار یافته است دیگر چیزي حاصلم نشد وبدستم نیفتاد . اکنون خلاف انتظار وبدون زحمت از همان جنس وهمان سلک درهائي که گنجینهٔ ادبیات مارا توانگر میسازد باز خود بخود بدستم افتاد که محفظه و درج آن جریدهٔ نفیس وانیس شما است . عجالتاً وقت براي تتبع ندارم که حیات هر کدام را کما حقه روشن و آشکار نموده بریک پایهٔ محکمي استوار سازم زیرا میدانید که تتبع درحیات وشرح احوال یکنفر شاعر که آنهم افغاني باشد خالي ازرنج وزحمت نیست درصورتیکه تذکره ها وجود ندارد کتاب هاي تاریخي سیمرغ وعنقا باشد نوت ها ویاد داشت ها درین دیار مرسوم نباشد حافظه پیران وسالخوردگان ما فراموش کار باشد چه طور میتوان حیات یک نفر شاعر را خالي از هرگونه عیب وایراد نوشت فقط درین جور موارد خون دل و دود چراغ خوردن لازم است بنابران بفرستادن دوغزل ناشنیده که گوینده یکي آن عمر نام شاعر اهل کابل ودیگر آن فارغ تخلص شاعر ده یحیي است (وبعض ابیات فارغ در دوره هاي سراج الاخبار هم درج است) اکتفا میکنم . (سرور گویا)

غزل سرخ

آمد بهار شد چمن ولاله زار سرخ
شگفت غنچه هاي نهال انار سرخ
تاخنده کرد برق بکردار روزگار
ازگریه گشت دیده ابر بهار سرخ
گر یاد جام بادهٔ رنگین نمي کند
ازچیست چشم زاهد شب زنده دار سرخ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 631 of 896

خبر های خارجي

انگلستان هندوستان

رویتر :

لندن ۰ دسمبر ـ اتحاد جمهور هند پیغامی به میکدو نالد فرستاده تاکید می نماید که باید به گاندی در موضوع تعهد شما در مقابل فسخ احکام صادره ، نه تنها به حیث عدل و انصاف بلکه از روی سیاست مداری هوشیارانه نیز باید جواب ایجابی داده شود .

این نیست رنگ برگ حنا گوش کن بدان
از خون ماست پنجه ودست نگار سرخ
فارغ بیا که طرفه تماشاست روزعید
پوشیده اند مردم شهر و دیار سرخ
(فارغ ده یحی)

غزل

یارم ازغم محرم اغیار شد عبث
از من گنه ندیدهٔ ویزار شد عبث
از من خطا ندیده وما یل بقتل من
آن بیوفای شوخ ستمگار شد عبث
درسینه ام چو مرهم لطفي نمي نهي
مردم زتیغ ناز تو افگار شد عبث
زاهد نخورده بادهٔ گلگون زجام عشق
بیخود نگشته طالب دیدار شد عبث
چون نیست قدر شعر بقدر شعیر عمر
طوطي صفت به نطق شکر بار شد عبث
(شاعرای کابل حاجي عمرجان)

روز ٤ شنبه در اثنای تجدید انعقاد کنفرانس طلاب هندی تصمیم گرفته شد که یك اتحادیه بین المللی طلاب هند تشکیل شود که مرکز آن لندن باشد و نیز تصمیم گرفته شد که دار الفنون های محل هندوستان باید بضرورت وسیله تعلم و مطالعه خدمت بنمایند .

ودردار الفنون های مذکوره کلب های جمناستیك و تفنگ اندازی مقرر گردد چون اکثر شاگرد های هندی بنا بر ضعف جسمانی تعلیم شان برهم میخورد

لندن ۲۱ دسمبر ـ روز نامه مارننگ پوست در حالیکه بامساعی ولنگدن در موضوع تحکیم امنیت در هندوستان موافقت میدهد می نگارد که بد بختانه اشکال که ولنگدن بآن گرفتار است ، اساس پالیسی است که حکومت او را مامور نموده است به پیش برد .

واین مسئله از منطق عجیب ولنگدن که دیروز در کلکته ایراد نموده بود واضح میگردد وتاکید می نماید که ولنگدن باید به کانگرس به حیث یک موسسه سیاسی حقیقی توجه کنند . ونیز میگوید بنا برآن کانگرس یگانه حزبي است که ازان مي توان امید نمود که تشکیل مجوزه را صورت دهد . کانگرس بما وتنها را تشکیل واز خون ریزي طرفداري مي نماید . وور وظیفه هاي ولنگدن این مسئله داخل نیست که ازین اشکال بر بد . ولنگدن شخص

است وفادار وبه تمام لیاقت خود پالیسي حکومت خودرا پیش مي برد . دیگر روزنامه مذکور اظهار عقیده مي کند که تصویبات (ولیرز) معقول است وامید مي کند که ازان صرف نظر نموده شود .

ترفیع

لندن اول جنوري ـ قرار فهرست اعزازات سال جدید یک شیخ ترفیع نموده و ٥ نفر دیگر بدرجه گي رتبه شیخي گرفته اند . وهمه این درنتیجه خدمات سیاسي مي باشند .

انکار صدر اعظم

لندن ۲ جنوري ـ صدر اعظم ازین خبر که میگویند از گاندي درخواست نموده است گورنر بنگال را ملاقات کند انکار مي نماید . رویتر رسما اطلاع گرفته است که میکدونالد نه بصورت مستقیم ونه بصورت غیر مستقیم ، به هیچ صورت با گاندي بعد ازانکه از انگلستان برآمده است مکاتبه نداشته است .

نظر به جراید انگلیسي

دیلي تلگراف از جواب وائسراي به گاندي تمجید نموده مي گوید که وائسراي در واژه مذاکراتي که تهدیدات شروع مي شوند بسته است .

مانچستر گاردین در سر مقاله خود مي نویسد : که هندوستان یک ساحهٔ

عمومي در امور واقع گرديده . هر كس منتظر توسيع احكام فوق العاده به بمبئي و گرفتاري قائدين كانگرس و گاندي مي باشد . واگرهم چه واقع شود مجالس جلتاً از محبوسين سياسي مملو گرديده امورهندوي هم رفته با اختلالات سياسي ولي نظمي هابه يك جاي بن خواهد رفت . عواقب عمليات برطانيا كه حكات شان تسلي آميز بوده ودر دل خود استبداد را مي پرورانند ، از يك طرف ، واز طرف ديگر عمليات قائدين كانگرس كه خود را به پذيرائي خطابه ها در ظروف تيره كه بصورت تفنگچه وباتوپ ساخته شده است مسرور مي سازند ، باين اندازه قابل تلف است .

هندي تايمز ميگويد — جواب واشراي به اقتضاي گاندي در خصوص ملاقات ومذاكره در اطراف احكام فوق العاده وهم چنان نطق هاي تازه واشراي عبارت از علامات خوش آيند نه هيم جديدي ميباشد كه راجع به امور هند بر طانوي گرفته شده است . تنزل وبعض نشان دادن عدم فيصله مضرات خواهد گرديد .

هندي ريفري معتقد است كه پاليه هاي مصالحت اميز گاندي ازروي صميميت است و بي گاندي درنزد ليدر ها مانند يك اسپ قابل اعتماد است كه در مسابقه كه در وقت استعمال قوت ، هر چيز خود را برو شرط مي بندد .

تاس :

حبس ليدر هاي كانگرس ملي هند

ماسكو ٦ جنوري — از لندن اطلاع ميدهند كه در بمبئي حكومت برطانيه ليدر هاي كانگرس ملي هند مثل ، گاندي پاتل را حبس نموده وهردوي آنها را به پونا فرستادند .

وقرار معلوم كه دربن روز ها اعلان خواهد گرديد كه تشكيلات كانگرس در تمام هند ذريعه قطعات عسكري منحل گردد .

خبر ديگر اطلاع ميدهد كه درهندوستان حكومت عسكري برپا است وتمام اجتماعات ممنوع وقدغن گرديده است : وكانگرس بمبئي متفرق شد ، و در تمام مملكت اعتصاب ، مظاهره ، ومصادمه باپوليس جاري است .

بنگال

ماسكو ٦ جنوري — باساس حكم فوق العاده و شرقي هند در بنگال هم حكومت عسكري برپا است به اطلاع منجمد، وسرحد شمال غربي قطعات عسكري براي قوت اظهر پوليس داير نموده اند وماه ، ودرين انگليزي بدون معاونت محافظين مسلحه درشهر و كوچه ها داخل شده نمي توانند :

ايران

ماسكو ٦ جنوري — از طهران خبر ميدهند كه درين روز ها توفيق رشدي بيگ وزير خارجه ترك در ايران وارد خواهد

شد ، تاراجع به مسائل سرحدي مذاكره ومعاهده نمايد .

چين ژاپون

ماسكو ٦ جنوري — از پيكن اطلاع ميدهند كه بتاريخ ٣ جنوري قطعات مسلح روسهاي سفيد در هاربين مظاهره ضد چيني نشان داده ، چند باب دوكان را غارت نمودند . چون پوليس داخل عمليات شد ، جانبين يرك ديگر فير نمودند ودر نتيجه يك تن از پوليس كشته و ۹ نفر مجروح گرديدند . ونيز مظاهرين درعين عبور موتر قونسل جاپاني هورا ها كشيدند .

اهالي چين راجع به مظاهره مذكور بيان ميدارند كه : — اين مظاهره براي بي نظمي ويرو پاكند هاربين بود ، تا بصورت ممكنه جاپان به بهانه تحكيم امنيت وحفظ امتيازات حكومت خود را در آنجا قايم كند . چنانچه جريده (چان برس) مي نويسد كه :

نماينده جاپان روسهاي سفيد را تحريك مي نمايد تا هاربين را اشغال نمايد .

توكيو — چند اوي جاپاني بطرف سين جزو وشان هاي كونن فرستاده شد . ونزدو كشتي انقليه حامل عساكر جاپاني در بندر خولا رسيده وبندر را اشغال نمودند .

شانگهاي — امراي عسكري هاربين اعلاميه نشر نموده اند ودر آن از تلفات بزرگي كه در حين محاربه تسه تسه جون به چاپي ها رسيده است ، ذكر مي نمايد . ونشان ميدهد كه دروقت تعرض

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 633 of 896

خبرهاي داخلي

مدیر مطبوعات :

فاضل محترم آقای عبد العزیز خان که بمدت طولانی بمدیریت ونگارنده گی جریده شریفه طلوع فدن اعتدال داشته واخیراً در زمره وکلای قندهار عضو محترم شورا ملی گفته می شدند ، ازین تاره گیها بمدیریت مطبوعات عمومی در وزرات جلیله خارجه شرف تقرر یافتند .

ما به این انتخاب صحیح که منتهای علاقه مندی حکومت متبوع ما وا به مطبوعات وطن نشان میدهد کمال خشنودی خود را اظهار نموده و نظر به نجابت و شرافت یا فضل ولیاقتی که به آن معظم گرامی سراغ داریم امید قوی میرود یک رنگ وروانق تازه ئی نصیب مطبوعات

جاپانی ها زیاده از ٤٠ هزار عسکر جاپانی در حرب شمولیت داشته وشهر را از سه طرف تحت هجوم قرار دادند .

امریکا

امریکا یک نمایش بزرگ بحری در بحر اوقیانوس ساکن نشان داده ونیز قوای بری وهوای خود را در تمام نقاط مهم سوق الجیشی که برای جنگ آتیه سنجیده است ، جمع نموده .

ازین معلوم می گردد که دول امپریالستی تا آخرین نقطه برای حفظ منافع وامتیازات خود ها در جنگ ایستاده گی خواهند کرد .

ما گردیده ومفقودیتی که در مفارقت جناب خوجه محمد خان مدیر سابق یک غم خوار صمیم مطبوعات داشتیم بخوشی تبدیل شود .

نماینده یک شرکت

تجارتی ژاپان

موسیو (نکه سادرو) ژاپونی نماینده شرکت مرکزی چاپفروشی ژاپان چند روز است بکابل وارد ، و دو سه مرتبه هم با دوائر تجارتی اینجا ملاقاتی نموده ، طوریکه اطلاع گرفته یم ایشان از طرف شرکت خود ما موریت دارند که مناسبات تجارتی با افغانستان قایم نمایند ولی تا حال نتیجه قطعی مذاکرات معلوم نیست .

معاینه ثانوی از بندر خوشی

لهوگرد

در شماره (۱۷) نوشته بودیم که اهالی خوشی لهوگرد باتقاضا نامه های عایده تجدید نظر را در آبادی بند خوشی در خواست نموده بودند و مسیو لوزی وی دفعهٔ دوم اعزام شد که در آبادی آن تجدید نظر نموده راپورت دربین خود را بوزارت تجارت تقدیم نماید .

اینک مسیو لوزی مراجعت ورا پورتی هم از معاینهٔ ثانوی خود تقدیم مدیریت عمومی زراعت نموده که برای استحضار قارئین گرام عین آن اشاعه میشود :

نسبت به امر وزارت تجارت به خوشی لهوگرد رفته وملاحظه نمودم که آیا بندیکه بالای دریای وبندی زیر نظر گرفته شده ممکن است تعمیر نموده شود یا نه ؟

در دو مرتبه که در موضع مذکور رفتم ، متیقن شدم که بند مذکور از نقطه نظر فنی نا ممکن به نظر می آید .

۱ ، جنس زمین آن هر گز قابل این چنین عملیات نیست ، چه زمین های مذکور ریگ زار بوده به هیچ صورت در مقابل آب مقاومت کرده نمی تواند و از استقامت ودوام بندیکه زیر نظر گرفته شده اعتبار داده نخواهیم توانست .

۲ ، عدم حوض ، چه محل مذکور صورت یک تنگنای خیلی کم عرض و انشیب افتاده و برای ذخیره کردن یک مقدار آب مجبوریم که بلندی بند را به پنجاه متر برسانیم و دیوار بند مذکور ضخیم وبعد ازین صورت مخارج لازمی نسبت به مقدار آبیکه از آن حاصل شود خیلی زیاد خواهد شد .

یک جای دیگری را که در فاصله کمی واقع است نیز ملاحظه کردم ، تعمیر بند را در آنجا هم نسبت بدلایل فوق الذکر مشورت داده نمی توانم ، اگرچه موضع مذکور قدری بهتر از موضع زیر نظر اول میباشد .

علاوه برآن به زد یکیهای این محلات سنگها نیکه برای تعمیر لازم است پیدا نمی شود باو جود این اعتراضات چون مردم محلات مذکور محتاج آب میباشند بعوض اینکه درین قره بکیها دیگر بند ها آباد میشود ، عرض مینمایم که از کار

از هر طرف

حریق مهیب در پارلمان ایران

تقریباً پیش از یکماه در عمارت پارلمان ایران حریقی واقع شد وآژنس های خارجه آن را مجملاً نشرداده بودند اخیراً جراید آنجا تفصیلاتی در اطراف آن نوشته بودند که حریق بسی مرعب بوده ولی جدیت عمله اطفائیه و غیره مستخدمین بلدیه ونظمیه سبب شده است که از ضرر های کلی جلو گیری شده وتنها دو اطاق که یکی اطاق آبدار ویکی اطاق جلسه خصوصی بوده طعمه حریق گشته ودر همان گیر ودار اسبابی ظروف وفروش قیمتی را بیرون آورده ومربوطات دیگر عمارت را از آتش نجات داده اند ، قرار معلومات حاصله که آتش از بخاری زبانه کشیده واز شیر دانی ها به سقف رسیده

گرفتن آبهای زیر زمینی که یقیناً در محلات مذکور همچنانکه در اکثر نقاط افغانستان پیدا میشود ، صرف نظر نمایند

فعلاً میخواهم که به تعمیر یك دهلیز زیر زمینی توجه نمایم ، دهلیز مذکور بیك پشته که باندازه کافی بلند بوده و یك دهلیز دیگر که دهانه آن بالای زمین ها باز میشود ملحق خواهد شد .

برای اجرای این مقصد لازم است که اولاً به حفر یك یا دو چاه اقدام نمایم سپس نظریه خود را بصورت درست و صحیح بقدر پیمانه لاحه جداگانه بوزارت تقدیم خواهم نمود . (مجله اقتصاد)

عمارت را آتش گرفته وعلت دیگر نبوده خسارات وارده اگرچه تا کنون سنجیده نشده وفقط بطور تخمین در حدود شصت وهفتاد هزار تومان تخمین زده شده ولی چون عمارت بیمه شده است جبران خساره آن متوجه خود دولت نخواهد بود .

چه از سه سال قبل ببرین تمام ابنیه و عمارت مجلس شورای ملی بیمه شده است ابتدا کمپانی ایالتی آسورانس ودر سال دوم بشرکت کمپانی فاولر انگلیسی عمارت مذکوره بیمه شده مبلغ بیمه کلیه عمارات مجلس باملحقه وکتابخانه واشیاء واثاثیه آن بالغ بر هشتصد هزار تومان میباشد که هر سال بالغ بر هشتصد تومان حق بیمه از طرف مجلس در ظرف این مدت سه سال تادیه شده است طوریکه روز نامه اطلاعات می نویسد دونفر نماینده کمپانی بیمه فاولر در تمام مدت وقوع حادثه در مجلس حضور داشتند وبطوریکه مذاکره شد قرار است پس از تعیین میزان خسارت وارده وتهیه صورتی از اشیاء واثاثیه خراب شده خسارت مزبور از طرف کمپانی بیمه تادیه گردد .

قرار نظریه گاندی تمدن اوروپا سقوط میکند ـ یک مذاکره با لیدر استقلال هند.

« بچشم خود می بینم ، که تمدن غرب سقوط میکند » با این حرفها ما هتما گاندی لیدر ملی هند در یك ملاقاتیکه برای نماینده اداره اطلاعات ای ان اس دوماه نومبر داده بود ، بعد از ۱۷ سال غیبت خود نظریه خود را راجع باوروپا اظهار نمود .

وگفت « خیال میکنم ، که این تمدن اینقدر صورت مصنوعی را دارا گردیده که مدت زیاد پایش نخواهد کرد » از گاندی سوال کرده شد ، که کدام اسباب این مرض تمدن را صحت میدهد بجواب گفت : « انسانهائیکه بواسطه تقلید قوه خداوندی دارای این اقتدار موجوده گردیده اند ؛ باید بدانند ، که بکدام وسیله بیماری مذکوره رفع گردیده میتواند . همین بیماری تنها بهای جامعه را خراب وحیات را مانند یك بار گرانی ساخته است

سوال : آیا این بیماری عبارت ازچه است ؟

بجواب گاندی : « همین است که مردم حیات را اینقدر مصنوعی ، مشکل وقیمت ساخته است . علاوتاً این تمدن بواسطه تاراج دیگران ، که غیرمتمدن نامیده شده اند ، ساخته شده است .

گاندی یك « کامیابی » تمدن را که عبارت از فسخ ازدواج (طلاق) باشد خیلی بد می بیند ومیگوید : « ازدواج غلط است ، اگرفسخ آن ضرور شود ، من طرفدار طلاق نیستم ، زیرا طلاق عبارت از ناکامی یك ازدواج میباشد والاطور مسایل خوشم نمی آید . خنده کرده گفت ، امید میکنم ، که خانم من هیچ وقت عزم نخواهد کرد خود را ازمن جدا کند خیال میکنم که خود را ازمن جدا کند ، زیرا دربین هردیگر فیصله

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 635 of 896

کرده ایم ، که از همدیگر هیچ وقت جدا نشویم .

سوال : چه قدر مدت میشود که شما ازدواج کرده اید ؟ گاندی ، خیال میکنم ، که خانم من نیز این را برای شما صحیح گفته بتواند . قبل از چهل نیم ۵۰ سال بوده ، که در آنزمان من ۱۲ یا ۱۳ ساله بوده ام . سال صحیح را فراموش نموده ام . سوال : خیال میکنید ، که بعض اوقات بنابر بعضی مسایل طلاق کردن درست است ؟ — نمیخواهیم اینقدر جسارت ورزم بگویم ، که طلاق در بعضی اوقات درست نیست ، لاکن خیال میکنم که طلاق ها در امریکا واروپا بار خلاف آداب وحسن اخلاق گردیده است . بعضی اوقات مستقیماً طلاق مانند یك جایزه برای زنا میباشد ودر حقیقت تهداب هسای جامعه را معدوم می سازد .

خون هندي خواهد ريخت

بعد ازین مذکره مابه مسایل سیاسی میلان کرد . وراجع به کنفرانس میز مدور گاندی گفت . ظاهراً یك چیزرا دیده نمیتوانم ، که کامیابی کنفرانس را اظهار نماید . خیال میکنم ، اگر مقاصد ما حاصل نگردد ، عدم اطاعت کشوری تازه خواهد گردید البته تصور نمیکنم ، که مرد های قوم من خون ریزی نمایند . طبیعی است که عدم اطاعت کشوری باعث تصادمات با دوایر انگلیسی میگردد . اگر دوایر واگذار نشوند و خوشتان قوم مرا اغفاله نمایند ، یك محاربه بین دوایر وملت هند بدون شبهه وقوع میگردد ، واخیراً خون ریزی خواهد شد ! ، خیلی امکان دارد ، که دوایر جدی شوند واز تفنگ ، کرچ وگوله استفاده کنند : ازینجهت خون خواهد ریخت ، لاکن خون هندی خواهد بود ونه خون انگلیس البته امید میکنم که اینطور مسایل هیچ وقوع نگردد » .

ترجمه از جریده (برلینر لوکال انسایگر) مورخه ۲۷ نومبر ۱۹۳۱

گاندي والمان

دکتور کورت فون شونزهایم ، نامه نگار جریده برلینر تاگیلات ، راجع به ملاقات خود با گاندی به ۲ دسمبر از لندن چنین می نویسد :

الیوم صبح بعمل ۹ نیم بجه گاندی مرا در منزل خود در (نایت بریج) پذیرفت . در اطاق انتظار علاوه بر گاندی که نزدیك بخاری بر زمین نشسته بود دو نفر جوان انگلیسی که گاندی بآنها درس میداد ، نیز نشسته بودند گاندی در طرف تمام ملاقات بآنها مشغول بود .

گاندی بسیار آهسته حرف میزند اگرچه من به پهلویش بزمین نشسته بودم باآن هم حرف آن به سختی شنیده میشد پس گاندی شروع به حرف زدن نموده گفت : بسیار تأسف میکنم که بالمان رفته نمی توانم ، اگرچه بسیار دوستهای المانیم برایم نوشته اند وخواهش نموده اند که به المان بروم .

المان چنین علمای سانسکریت را دارا ست که از آنها شنیده ام .

چقدر خوش میشدم اگر بآنها معرف میگردیدم . لیکن احکام ضروری همه پلانهای مرا معدوم نموده و مرا مجبور می سازد که باولین جهاز بطرف هند سفر نمایم . من باتمام صمیمیت قلبی بدرود ها و غم های المان حرکت میورزم لطف فرموده این را با لمان برسانید . » .

چون دوین جا خیلی شنیده میشد که گاندی در حقیقت طرفدار اشتراکیت و بلشویکی است ، ازین رو از گاندی خواهش نمودم که نظریه خود را راجع به مسالك کو مونیستی اظهار نماید گاندی جواباً گفت :

بسیار افسوس میکنم که وقت نداشتم تا بالشوزم را تحصیل نمایم ، و این را هم میدانم که من باید تحصیل می نمودم لاکن من موقعیت یك شخص را دارم که برای اجرت و یك مقصد کار می کند و این شخص باید ازین جهت تمام وقت خود را برای این کار بمصرف برساند بنا برین موقع برای دیگر چیز برایم حاصل نگردد .

ای کاش ! اشتراکیت را تحصیل می نمودم تا حالا می توانستم نظریه خود را واضح بگویم ، لاکن بدون تحصیل راجع یك فلسفه اصولی که امروز تمثیل می گردد چیزی گفته نمی توانم . »

اینرا گفته وخاموش ماند . ومن

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 636 of 896

اخبار ولایات

قطغن

مفرور گرفتار

سر آج نام محبوس مبادی کوه زمن تشریف داشتن ع ، ج وزیر صاحب حربیه از مجلس مشوره بحبس دو سال وشش ماه محکوم گردیده بود وبشب دراطاق محبس زولانه خود را شکسته لده در کدام وقت فرصت از محبس فرار نموده بود .

وقتیکه راپورت مفروریت محبس مذکور به آقای قوماندان کوتوالی میرسد بساعت دو وازده نیمه شب ، که عیتنه شخصاً در محبس رفته تا ساعت (چهار نیمه شب) تحقیقات مینماید از تحقیقات غفلت پهره دار ومحمد اسلم خان مامور محبس ثابت وتوقیف گردیدند وهم در اثنای جریان تحقیقات یك عده نفری پولیس بهر طرف جهت پالیدن وبدست آوردن محبوس مذکور مامور گردیده تجسس می کردند هنگام صبح بخانه محبوس مذکور که در قشلاق عقل واقع است رسیده یك نفر حواله دار کوتوالی بخانه محبوس مزبور مفاجاتاً داخل میشود تقدیراً شخص محبوس را درحالت خواب

بخانهٔ خود گرفتار نموده دوباره بمحبوس خانه حاضر ومحبوس مینماید !

هیئت تهرین

خزانهٔ تهرین که دوره ن غرارت ابراهیم غدار از سوء اداره مامورین محلی آنجا بتاراج رسیده بود وباز در زمن تشریف آوری ع ، ج سردار اعلیٰ نشان وزیر صاحب حربیه جمعیت اشرار را کننده وسارقین پول بیت المال هم غالباً گرفتار وبمحبس خان آباد توقیف شدند چون تحقیقات واقعه مذکور طوریکه امر عالیقدر جلالتمآبی وزیر صاحب حربیه بود تا حال تکمیل نشده بناءً ازحضور ع ، ج آقای عبد الرحیم خان وکیل نائب الحکومه یك هیئت منتظم بریاست صد قمندان آقای میرزا محمد اکبر خان مامور مالیه تالقان مقرر وبه تهرین عزام گردید تا نتیجه صحیح وواقعی بدست آورده در تحصیل وجه بیت المال بپردازند .

« اتحاد »

اعلان

یکقطعه زمین مزروعی بتقریب هشتاد جریب که آبخوره آن علاوه یك کاریز خصوصی خودش پنج شبانه روز از کاریز مشهور کریم خان نیز استحقاق شرب دارد در موضع افشار ناحیه ملك موروثی خود را میفروشیم آقایانی که شوقمند زمین داری بوده و بخواهند از یك ملك وسیع وپر حاصل استفاده برده باشند بخانه نمبر (۱۰۸) واقع قلعه حیدر خان گذر الدوالی رجوع بفرمایند بآنها اطمینان کلی داده میشود که در موضوع قیمت آن موافقت فی ما بین حاصل آید .

غلام حسن

*

* *

کورس فرانسه ـ انگلیسي ـ ترکي

آقایانیکه مایلند یکی از زبان هاي فوق را بصورت خصوصي تحصیل نمایند باشرایط سهلي از طرف موسسهٔ کتاب خانه وقرائتخانه نور پذیرفته میشوند وبراي ثبت اسامي خودها بخود کتاب خانه نور یا اداره انیس مراجعه نمایند .

کتابخانه نور

محل فروش ومطالعه همه نوع کتب ورمانهای فارسی فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .

کتبیکه جدیداً به تهیهٔ آنها موفق شده ایم قابل دیدن است در قرائتخانه نور همه نوع جراید ومجلات داخلی وخارجی برای مطالعه موجود است .

هم خاموش گاندی را علامه اختتام ملاقات خود تصور نموده . ازجای خود بلند شدم ، گاندی بیك تبسم دوستانه بامن دست داده وروی خود را بطرف جوانهای که خوش بخت اند ازین شخص هوشیار ودانای هند تعلیم بگیرند ، گشتاند .

(از ژورنال تا کیلات)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 637 of 896

بوسه تیلفونی :

داماد جوانی خشوی بد و بدگلی داشت و هرچه از نوازش و دل آسائی او دور میکریخت خشویش باو تقرب میجست روزی بخانه وارد شد دید خانمش با مادر خود بذریعه تیلفون گرم صحبت است چون رسید دو لب من والده شما چیزی نگفت ؟

ـ یك بوسه گرمی ذریعه تیلفون بشما فرستاد .

ـ بکمال خوشی می پذیرم و ممنون می شوم که همیشه این بوسه ها ذریعه تیلفون وحامل یا ناقل آن اوباشد نه خود آن محترمه .

مهمان او زی طفل :

مهمانی بخانه یکی از دوستان خود وارد شده بود وقت غذا خوردن دید : طفل صاحبخانه فوق العاده درصرف طعام بمهمان اصرار کرده و تکلیف مینماید مهمان گرسنه را خوش آمده و تعجب دست داده پرسید طفلك تو چطور و خلاف اطفال دیگر که گرسنه چشم اند یکنوع سخاوت از خود نشان داده و دیگران را بغذا خوردن تحریص می کنی ؟

ـ برای آنکه مرا از نان شب مانده نفرتی است همیشه بالای مهمانها مهربان هستم مخصوصاً شمارا توصیه میکنم که هر روز خانه ما تشریف بیاورید چه از لقمه های کله گرم شما امیدوار هستم هر روزی که شما بخانه ما تشریف داشته باشید برای روز دیگر طعام باقی نخواهد ماند که مرا بخوردن آن مجبور بسازند .

نتیجه جوانمردی :

مرد کم روئی که همیشه در مقابل دوستان از دل و مال خود هیچ مضایقه نداشت آنقدر فقیر شده که از مصاحبین خود دوری میکرد بلکه زنها بخشیده بلا نه بود ، خود پسر کلاه بیه روزی جمی او را اصرار کردند ضرور یکشبی بخانه تو مهمان می شویم و عذر میخواست و چاپلوسی میکرد پرسیدند منوز هم همسایه ها و دوستان سامان خانه ات را به امانت میخواهند و می برند ؟

ـ بلی ! هرچه داشتم به امانت برده اند حتی خودم نیز در منزل ایشان سکونت دارم .

خودم را آبردند :

شخص صاف دل راست باوری بشهری تازه وارد شده و بچنگ سه نفر دزدان چالاکی افتاد ، در اولین موقع تصادف این سه نفر باو بدروغ سابقه آشنائی ها را یاد آورده وهر کدام جدا جدا خود را یار قوم پدر و خواهر پسر معرفی میکردند تا آخر تازه وارد خجل شد ازینکه او سواره باشد ودیگران پیاده از مرکب خود فرود آمده وجلو آن را در دست گرفت دونفر دزد باو قصه های مطول شروع کرده حواسش را پرت کردند ویکی از آنها سر خر را از افسار بیرون آورده وبکوچه دیگر روان ساخت افسار چون بکمر یکی از رفقا محکم شده بود وهمراه تازه وارد روان بود تا یکدقیقه ملتفت نگردید وقتی که دونفر صحبت را قطع کرده و خواستند وداع کنند صاحب خر فهماو را بی خر بلکه بسر وپابرد آن خر چه شد کجا رفت بالا دوید وپائین دوید از هر رهگذری پرسید چیزی نشنید یکی از آن دونفر گفت غم مخور چندان اهمیتی ندارد ما حالا جبران این کار کنیم خر تو چند ارزش داشت جواب داد صد روپیه رفیق لبخندی زده وگفت امروز در چاه خانه یکی از متمولین خریطه طلائی افتاده من بسراغ یکشخصی مأمور شده ام که اگر آن خریطه را از چاه بیرون آرد دو صد روپیه باو انعام بدهم بیا همینکار را بکن علاوه آنکه قیمت خر را یافته باشی صد روپیه هم منفعت مکنی راست باو بشتاب تمام بسوی چاه روان شد پس از ساعتی تمام که در قعر چاه دران هوای سرد دست و پا زده و چیزی نیافت وقتی بیرون آمد دید لباس ها و کفش های او هم عقب خر رفته بود همان عصای بزرگی را که در دست داشت دور وادور خود بشدت در حرکت آورده و بر هر رهگذر که برخورد کنی بااو مصادف شده و بخنده گفت دیوانه شده چرا ؟ به هستی و از کسی را نزدیك خود نمی گذاری جواب داد : هوشیارم و میترسم خودم را نبرند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 638 of 896

مولف : اِ. بلاته فرانسوی (۲۷) مترجم : حبیب الله طرزی

ازمادام‌سان‌ژن

فصل پانزده هم

(مادام لامار شال)

کازین بداخل شدن در اطاق ملکه تمام در پاریس را در حالت اضطراب یافت . اخبار اعلان حرب بسرعت منتشر شده وهر کس را بتلاش انداخته بود که آیا امپراطور چه وقت حرکت خواهد نمود؟ اطراف ژوزفین از چندین اشخاص متجسس مملو بود . ولی او نمی توانست جواب قطعی درین مو ضوع بگوید .

چنانچه بجواب سوال کازین گفت « : در حقیقت من هیچ نه میدانم . اعلیحضرت بمن امر نموده است خودم را حاضر ومهیای سفر داشته باشم . زیرا باموکب شاهانه تا (ماینس) همراهی کنم . »

کازین : — همین چیز است که از له فبور نیز شنیدم . من هم باو میروم وبسیار ممنون خواهم بود که خودم را باردیگر در میان سربازان به بینم . آه ! علیا حضرت ! انسان را از نشستن زیاد در یك جا رنگ میگیرد ! شما خواهید دید که خواب به بستر اردو گاه چقدر مزه دار است . چه وقت روانه خواهیم شد . — امشب یا صبح ؟ »

امپراطوربچه سرخود را حرکت داده گفت : « هیچ کس پیش بینی کرده نه می تواند ! تو میفهمی که امپراطور این چیزها را چطور انتظام میدهد هر کس باید بجای خودش اماده وحاضر باشد که بهر لحظهٔ هر طرفی که اعلیحضرت بخواهد حرکت کند . تا اندازهٔ که بمن تعلق است کاملاً حاضر خواهم بود که بهر لحظهٔ که حکم حرکت صادر شود با او ملحق شوم . »

کازین : — من هم بدین حاضر باشی های فوری آماده و آموخته ام . هیچ کس رمن غالب نخواهد شد . آیا علیا حضرت امروز صبح اعلیحضرت را دیده اند ؟ مزاج مبارك شان باعتدال است ؟ »

ملکه : — بخیالم ازین استفسار میخواهی کدام مرحمتی از من خواهش کنی ؟ »

کازین : — بلی مادام . میخواهم از حضور شاهانه برای پسر خوانده ام (هازبوت) اجازه شمولیت اردوی شاهانه را بگیرم . »

ملکه : — مارشال عزیزم تو باید پسر خوانده ات را متیقن سازی که من او را یکی از پیش خدمتان مخصوص خودم مقرر میدارم . »

کازین : — تشکر میکنم مادام ! ولی هازبوت میخواهد مهمیز شوالیه گی را در حرب کمائی کند نه درصالون انتظار پسر خوانده . له فبور شوالیهٔ قالین نیست که در دیوار نصب باشد . »

ملکه : — خوب بگذارش که بیاید درصورتیکه اینقدر مصر است برای کشتن خودش کدام موقع خواهیم داد . »

کازین ازین وعده ملکه مسرور گردیده نعره زد : « علیا حضرتا ! شما بسیار مهربان هستید ! »

باینصورت (هازبوت) شرف همراهی امپراطور و پدر خودش را در جنگ های پروس حاصل نموده ؛ در زمرهٔ اشخاص سفیری شامل و منتخب گردید .

ناپلیون در سرایچه قصر گرد هارا معاینه می‌نمود . در پهلوی او ژنرال های که قسمت های مختلف اردوی بزرگ‌را قوماندانی میکردند براسپ سوار ایستاده بودند . له فبور ، برنادوت ، نی ، لان داو دست ، روژ ورود سولت ، در بین آنها ممتاز بود .

امپراطور بعد از ملاحظه افراد بطرف مزور تنبور چیغن که مانند عفریتی با کلاه پوست خرس خود بنظر می آمد اسپ خودش را رانده پرسید : « اسم تو چیست ؟ »

— اسم بنده‌لاوبوات —

— در کجا خدمت کرده ئی ؟

— اعلیحضرتا مریجا ؛

امپراطور از جواب های کوتاه و زود خوشش می‌آمد نعره زد :

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 639 of 896

ـ بسیار خوب است آیا پراین را دیده؟

ـ خیر:

ـ میخواهی که انجا بروی؟

ـ هر جا که امپراطور بخواهد خواهم رفت:

ـ خوب پس چوب های تبورت را اماده ساز ـ در یك ماه دیگر با یك رژیمان کارد های من در پایتخت شاه پروس داخل خواهی شد.

ـ اعلیحضرتا! ضرور داخل خواهم شد

ناپلیون بطور شوخی ـ بلندی قامت چطور خواهد بود؟

ـ اعلیحضرتا شش فوت و دو انچ.

ـ چرا اینقدر بلند هستی؟ ملنگ چادری را دزدیده باشی؟

ـ زیرا اعلیحضرت من باندازه دنیا بزرگ هستند.

ناپلیون ازین تمجید متبسم گردیده بطرف لهفبور برگشته گفت:

ـ مارشال، تو باید کدام روزی از ماژور تیور جیانی را به من یاد دهانی کنی.

در اثنای معاینه بم اندازان، کارد ها و دسته‌جات جینا و فرید لاند از مقابل او با علم های خم برسم سلام گذشته و هنوز دور نرفته بودند که برگشته و با نعره های مسرت زنده باد امپراطور فضا را بلرزه در آوردند. امپراطور بطرف لهفبور دیده گفت: «خیال میکنم عمو زاده' ما شاه پروس ازینکه با ما مبارزه داده است، بزودی نادم خواهد شد. با این چنین اشخاص دلاور با خود شیطان هم خواهیم جنگید و هم اورا مغلوب خواهیم ساخت......

مارشال برو واز مادام لامارشال خدا حافظی بگیر، امشب روانه خواهیم شد!»

فصل شانزدهم

(جینا)

جنك با پروس ها شروع گردید، اما این جنگی بود که ناپلیون باسیار دور بینی واحتیاط تهیه دیده بود، زیرا حیات وشرف فرانسه بنتیجه همین محاربهٔ اول مربوط بود. از طرف دیگر پروسیها بر شهرت وشوکت عسکری ایام سابق وباد گار های فتوحات (فریدریك اعظم) وهم مهارت ژنرال های مقتدر خودش (برونزویك) و (بلو شیر) و (موللند ورف) اعتماد قوی داشته با یك غروری باکانه که نتیجه اش غیر تباهی چیزی نبود بجنك داخل گردید.

در پنجم اکتوبر ۱۸۰۶ شورای در تحت ریاست شاه پروس (فریدریك و یلیم) در مقام (ارفورت)، منعقد گردید که در آن همه وزراء وافسران اعلی دولت حضور داشتند. دور بین ترین ماهران فن حرب غلطی ها وخطا های فاحش منظم ترین محاربات وایش بینی کرده می تواند ولی در بین محاربه علاوه ازان که پیش بینی کنند ژنرال های پروس از اول مرتکب خطا های زیادی شدند. از پیش رفتن به مقابل ناپلیون که عساکر جنوبی جرمنی را باخود داشت بهتر بود که پروس ها عقب نشسته او را به اراضی حیق و بی استناد شمال می کشیدند. در آنجا ممکن بود روس هاهم با آنها ملحق شوند.

اگرچه میگویند که این مبحث در شورای مذکور تحت بحث آمده بود، ولی ملکه (لوییز) که بر لوی شاه نشسته بود نتوانست کدورت خودش را از مفکوره عقب نشستن در مقابل فرانسویان که تا آنوقت هیچ گاه بر پروس ها که اول درجه اردوی اوروپ دارا بودند، غلبه نکرده بود، ضبط کند. جنانجه می گفت تمام ملت به هیجان آمده وهیچ چیزی بجز اخراج عساکر فرانسه ودفع (لوزین) آنهارا تسکین داده نمی تواند جنانجه بطرف (فریدریك ویلیم) دیده گفت:ـ

ـ اعلیحضرتا هنوز هم مترددهستید مردم شمارا ترسو خیال می کنند!»

شاه چون ضعیف الرای وبی اراده بود بار کردن درصلح با ناپلیون آماده بود ولی ملکه قوی القلب بروغالب گردیده به حله متقابله فیصلهٔ قطعی گرفته شد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 640 of 896

بایك لفی منوم کمنا خانه روسیا تخلیهٔ قودی (رائن) را از فرانسه مطالبه کرده و تاریخ آخرین تخلیه را ٨ اکتوبر قرار دادند .

صبح ٨ اکتوبر عساکر فرانسه بعوض عودت سرحد (ساکسون) باسه ستونهٔ عسکر تجاوز کرده (مورا) که فرماندان رساله بود ضربهٔ اولین را بطرف مقابل وارد نمود . این محاربه (شلئیز) بود مقابلهٔ دیگر بروز دهم اکتوبر در مقام (سالفیلد) وقوع گردید درین محاربه پرنس لوی پروسیا کشته شد . بعد ازان جنگ در شال (لان) اطرف (جینا) پیش قدمی وتعرض را بنا نهاد .

خوف و دهشت بزرگی بر پروس ها مستولی گردید کوچه های شهر دار الفنون جینا از پناه گزینان و فراریان مملو گردیده بود پل های که (شال) را به جینا ملحق داشته بود ، تمام روز از قطار های در از ویل که مصروف حمل و نقل عساکر و زخمی ها بود ، مسدود شده مانده بود وجاده ها تا به قصبهٔ (ویمار) از زارعین و دهاقین که خود را از هجوم فرانسویان برکنار کردن میخواستند ، مملو بنظر می آمد .

بتاریخ سیزدهم ناپلیون در مقابل (جینا) رسیده خیمه خودش را بر تپهٔ کوچکی که بر شهر ناظر بود در وسط چادر های چهار هزار گارد خودش برپا نمود ، بسرعت فوق العاده طوپ خانه را بمواضع لازمه نصب نموده مشعل در دست بر تعمیر استحکامات نگرانی میکرد ، باوجود خسته گی روز تا وقت شب مصروف کار بوده بالاخره در یك کرسی بمقابل آتش اردوگاه در وسط فسران و فادار خودش بخواب رفت .

وقتیکه از خواب برخواست دمه کثیفی میدان مقابل اردوگاه را فرا گرفته و از نظر مستور میداشت . ناپلیون بایك چند نفر مشعل برداران ا جه دیث و روح تابه خودش در بین صفوف سرباز ها داخل گردید و هرجاه را مخاطب ساخته می گفت : یك ضربه مهالك دیگر قسمت پروس ها را فیصله می کند و از کمك های که متوقعند برای ابد محروم خواهد ماند ، و دربین نعره های زنده باد امپراطور اندازه حمله بر دشمن داده شد و جنگ تاریخی (جینا) بهمین صورت شروع گردید

اگرچه در امروز فرماندهٔ عموم را شخصاً خود ناپلیون در عهده داشت بازهم فتح تا یك لحظهٔ درمواز نه بود ، زیرا (ق) از یك طرف و (برنادوت) از طرف دیگر تهور زیادی نشان دادند اگر تهور زیاد این دو نفر نه می بود یك نفر هم از سربازان پروس برای گفتن حکایهٔ جنگ زنده نه می ماند .

باوجود این هم پروسیان تلفات زیاد از اندازه داده بودند و دبوك (دورو ار ویك) یکی از جمله متولین آرزو بود .

بعد از ختم محاربه بوقت شام که ناپلیون بمعاینهٔ میدان حرب مشغول بود چشمش بر یك توده سربازان مقتول فرانسوی که موضع هجوم رسالهٔ پروس ومدافعه جدی آن شیره مردان را نشان میداد ، افتاد بالجام های اوزان وکلاه در دست به قصبهٔ (اورشتاد) که یکی از صحنه های مدهش جنگ آرزو بود ، داخل گردیده جاده ها را از اجساد مرده وسلاح شکسته مستور دید ، امپراطور یك سرباز بلند قامتی را دید که بدهن دروازه خانهٔ کنار جاده است . دریه وقت که میدان محاربه [illegible] کاملا خالی ومدفن مرده گان شده بود ، ناپلیون بدیدن سرباز دیگاه متحیر شده اسپ خودش را بطرف او راند وباصدای متین پرسید : « آیا تو » زور تبور چیان چیتی » درین جاچه میکنی ؟

« زور تبور چیان قد خودش را زیاد تر نشان داده وچوب از رك خودش را دره واگردش داده جواب داد : اعلیحضرتا ! منتظر کمك هستم ! »

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 641 of 896

(شماره ۳۴)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ ۰
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

(مجلده ۵)

اداره : کابل جاده ارگ
موسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر ونگارنده :

۲ شنبه ۲۷ جدی ۱۳۱۰ — ثلیس ۱۳۰۶ — ۹ رمضان ۱۳۵۰

پول چیست؟

این کلمه خوش آهنگ هر ساعت در صحنه حیات تمدن کنونی صدا میکند که پول آرتیست بزرگ بازار روز کار است وودل بزرگ روحیات بشری را بازی میشاید .

متخصصین علم اقتصاد گفته اند هیچ یک کاری در حیات ما ثبات وجود ندارد تا تعاون پول را از یک طرفی حاوی نباشد .

بدیگر جا گفته اند از حیث روحیات شناختن معنویات پول دشوار است زیرا پول در افکار هر واحد بشر تأثیر مبهمی را حائز است .

کذالک میگویند که حقیقت ونأثیر پول را نمیتوان بزبان وقلم تشریح داد ولی پول را به یلی میتوان تشبیه کرد که دست قدرت صانع حقیقی بروی دریای سترگ مایوسی وناوعلمان را امر کرده تابصورت عزم واراده متین از ساحل عسرت بساحل نجات وسعادت معاشرت بسهولت بگذرند باز میگویند مسبب اتحاد معاشرتی وموجد وضامن ارتقای تمدن پول است چه هر قدریکه ملتی رو به تمدن پیش رود علی الرغم احتیاجاتش بیشتر شده بودجه اش سنگین تر گردیده تدوان خزینه اش ضعیف تر میشود که جبران وکفایت آن نظر بایجاب امور اجتماعی وسیاسی بصورت تزئید مالیات و استقراض ممکن نباشد مگر بیاسیاست پول . حفظ توزن بودجه را باپیشرفت ثروت ملی میتوان نمود .

رونالن چارج میگوید اگر سیاست پول بدست دول متمدنه نمیبود در محاربه عمومی ۱۹۱٤ تا ۱۹۱۸ بودجه آنرا مقابل مصارف هنگفت فوق الطاقه وتامین حیات ملون ها نفوس عاجز آمده به بحران عظیمه اقتصادی دچار گشته وبراه عدم وهیبار میشدند مگر سیاست پول است که در دوران محاربه وبعد از محاربه لی یوما در عرصه گاه مهم اقتصادی فاتح میباشند . توکفل متخصص اقتصادی انگلیس میگوید اسباب اعظم پیشرفت ارتقای ثروت امروزی به محصول تجارت چند تاجری ، بخاصلات چند موتلی به حق الورود چند مسافری ویا تمایلات چند زارعی مربوط نیست بلکه سیاست پول اسباب اعظم آن است .

وزیر تجارت فرانسه میگوید سیاست تجارتی وبانکی صناعتی دول معظمه امروزه باعث نمو اقتصاد عمومی است .

بالاخره محققین اقتصاد کنونی راجع به تصریح این ماده مهمه ابراز افکار نموده واین وسیله را برای ایجاد ومنابع اقتصادی جامعه بشری بحران وراه صلاح وفلاح بحران اقتصادی دانسته وبدست ناسین که تمام وزارات مالیه واقتصادیه متعهد ترقی ثروت جامعه میباشند سپارده تا آنها طوریکه « آدم اسمیت » میگوید « دوائر پیشرفت اقتصادی را بصورت مختصر ذی منفعتی تشکیل سازید واز مشتریان نفع بسند منفعت خواه سهام مالیه حق الزحمه را بخواهید اما متوالیاً منابع مختلف ثروت ملت را بتوسط افکار ذوات خبیر لائق و دو کتوران حاذق فن اقتصادی انکشاف نمائید تا ملت از منابع سرشار جدید وجهد اعمال شما شادان وفرحان باشند »

والحاصل مدققین فن اقتصاد توصیه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 642 of 896

میکنند باشتی جامعه بشری حتی لا مکان براسرار مرموزه پول وسیاست مسکوکات واقف شوند تابه بحران وهیجان اقتصادی دچار نباشند .

خصوصاً برای مملکتیکه دامنه مناسباتش وسیع نبوده وتازه پادر دائره تمدن گذاشته ومراودات وسیعه با دول وملل دنیا آغاز نموده فرض است که بر هموطنی دانشوران علوم اقتصادیه منابع ثروت مملکت رابروی اساس متین استوار سازد تا آنملت بواسطه بی تجربه گی واحتیاجاتیکه بآن دچار میگردد مورد بحران اقتصادی نگردیده درمقابل رقبا وهمسایه گان توازن اقتصادی را داشته باشد .

چونکه مملکت عزیز ما نوپیدا تره تمدن گذاشته وبادول وملل عالم داخل مراوده گردیده ومحتاج معلومات ومطالعات است اینک احساسات وطن خواهی وملت دوستی مرا واداشت بان مقامیکه درصدد ترجمه (خلص مالیات) که منجمله تصنیفات رفائل جارج اعضای انجمن مقننه اقتصادی مجلس اعیان فرانسه که ۱۹ هزاروبین کتابیست برآمده وفارسی آن رابعبارات ساده وجامع درپیشگاه مطالعه هموطنان عزیز بگذارم چه رفائل جارج درفصل اول کتاب خواسته است که روشنی طبیعی واساسی که مدار احتیاجات کلیه حیات انسانی را دارا باشد یعنی اهمیت پول را نشان بدهد ونیز ظاهر سازد آن مرموزات اختراعات وایجادات که ممالک مهمه دنیا برای نشو ونمای ثروت ملی و مملکتی خود شان گرفته اند چیست .

در فصل دوم میگوید که حقوق مالکیت طبیعی وحقیقی پول چیست ؟ وصورت موفقیت اصول ارتقای ثروت کدام است .

در فصل سوم عیان میسازد آن تقسیماتی را که قبلاً در عالم بشریت میان پول مالیه خصوصی وپول مالیه عمومی که موجد ثروت طبیعی مملکتی است وضع کرده است علاوتاً توضیح میکند که اکنون در میان پول مالیه خصوصی وعمومی تحدید حدود مطلق را داشته است زیرا پولیکه دهنده گان بخزینه دولت میسپارند بعوض آن اعتبار آن سرمایه را بغرض استفاده خود شان می ستانند .

اما در فصل چهارم آن تقدی مسائل سری رفتار پول را باقیمت جریان پول که بنام تقسیم اسهام نافعه رول مهمه اقتصادی را در صحنه حیات عالم بشریت بازی کرده وروز بروز وسعت داده برود توضیح مینماید .

البته خواننده گان محترم وخصوصاً افراد حساسی که طالب استفاده از فنون اقتصادیات اند این هدیه ناچیز را که ترجمه آن در بعضی مواضع خالی از تصرف هم نیست واز وجهه احساسات وطن خواهانه یك هموطن شان ذریعه نشریات جریده انیس به آنها تقدیم میشود پذیرفته واز خطا های لفظی آن و یا نادرستی اگر در عبارات به بینند اغماض خواهند فرمود .

* * *

مرقومات فوق را ترشحات قلمی آقای عبدالرحمن خان معروف به (رهبان افغان) است که برای ترجمه یك مجموعه نفیسی ازآثار مفیده اقتصادی عنوان کرده وزمینه چیده اند آقای موصوف در ادوار گذشته انیس همیشه معاونت های عرفانی کرده ومقالات آنها در تحت عنوان شئونات وطن صفحات انیس را زینت داده است اینك بعد از وقتی که از مسافرتهای ولایات داخلی واشتغالات اطراف فراغت یافته وبمرکز عودت کرده اندباز آماده شده اند تادرنشریات مامعاونتاً مقالاتی نوشته وتراجمی کرده باشند این ترجمه ایشان چون به نسبت مقتضیات عصر حاضر دارای یك اهمیتی بوده واولین آثار قیمت دارست که بجامعه ما اشاعه میگردد باکمال امتنان آن را بجریده خود قبول کرده باینکه آغاز آن را سر مقاله قرار دادیم آینده در صفحات انیس یکصفحه یا چند ستونی را برای بقایای آن تخصیص داده وقارئین کرام را بخواندن واستفاده بردن از آن تحریص مینمائیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 643 of 896

سیاست عالم :

اصول اساسی جدید

امپراطوری بریطانیا کبیر

اگرچه مشغولیت یگانه ومهم پارلمان جدید انگلستان امروز تدوین قوانین موازنه تجارت خارجیه آن دولت است ، لیکن درین اثنا بعلیه راجرای یک مسئله نازک دیگر هم مصروفیت تامه دارند .

نظامنامهٔ جدیدی بنام (اصول نامه ویست مینستر) در پارلمان انگلستان زیر بحث است که این قانون به مشابه قانون اساسی امپراطوری انگلیز شمرده خواهد شد . این قانون نامه وضعیت دو مینون ها را که اجزای امپراطوری گفته می شوند در مقابل یکدیگر و درعین زمان بامرکز امپراطوری یعنی انگلستان تحدید وتعین می کند

در اجتماع کونفرانس های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۰ دو مینون های امپراطوری انگلستان ، نظر راقع راجع به تعین اوضاع مذکور بحث وبعدا کرده ومنظور شده ، در خطوط اساسیه ان ، هریک از دومینونهارا مثل حکومت انگلستان یک دولت دانسته برای آن حقوق تامه وشمولی سنجیده شده است .

این حقوق بقدری واسع است که دومینون های بالا ، می توانند بلا هیچ گونه موانع علاقه وروابطهٔ با هرکدام از دول مستقلهٔ دنیا ربط نموده ، داخل هرگونه مناسبات سیاسی گردند ، سفیر فرستاده و سفرا قبول نموده ، معاهدات عقد نموده و ترک تعلق نمایند ، حتی می توانند هریک از دو مینون با تمام شئون و عنعنات مثل حکومت انگلستان بمیدان برایند .

آینده صرف وحدت امپراطوری انگلستان مستقلدر تحت اسم وشخصیت امپراطور انگلستان و پادشاه آن ربط وتجمع خواهد داشت ، یعنی پادشاه انگلستان در عین وقت پادشاه کانادا ، پادشاه اوستر الیا و پادشاه جنوب امریکا هم خواهد بود .

اصول وراثت شاهی در خاندان سلطنتی انگلستان برای همه مقبول بوده و در صورت تغیر وتبدیل آن عموم دول دومینون باید رضاء و موافقت داشته باشند .

پس از قبول این اساسات در کنفرانس های امپراطوری پارلمان های دو مینون ها این حقایق را در حال بصورت مقرارت خصوصی تثبیت نموده ، مگر صرف پارلمان انگلستان ان را بنابر بعض علل مختلفه تا اکنون جایزه نداده است . یکی از علل فوق انست در حالیکه از اعصار متمادی در انگلیزه اصول مشروطیت جاری است در انگلستان یک اصول اساسی مضبوط موجود نبوده و انگلیز ها هم بطور عنعنوی اصول اساسی معین را داشتن نه می خواهند لیکن در حالیکه حقوق فوق الذکر را خصوصاً در طلب حق جدا شدن خود دو مینون ها از امپراطوری بطور واضح اصرار دارند که محتمل است در دو مینون (حکومت آزاد ایرلند) فرقهٔ جمهوریت خواهان روی کار بیایند ، در صورتیکه انگلستان با ایرلند در شروط ومعاهدات خود در خواست این حق را از ایرلند نزع نموده است ـ طبعاً از جریان مخل منافع متصوره روی کار خواهد آمد .

با وجودیکه حکومت انگلستان نه می خواهد قانون اساسی امپراطوری انگلستان بطور معین ومعلوم نوشته شود مگر بازهم قانون مذکور باصرار دومینون ها از طرف مجالس عوام مجبوراً باید تثبیت ومنظور کرده شود بلکه قسمت بزرگی از محافظه کاران متنفذ در تحت سر کرده گی وزیر مالیه سابق چرچیل بر علیه این مسئله می کوشند ، مگر با این قانون اکثریت را حایز گردیده و در نهایت رشته اتحاد و روابط زوال ناپذیر بین دو مینون ها یعنی اجزای امپراطوری انگلستان خیلی سست خواهد شد . در اینصورت یگانه راه و چارهٔ بقا و استحکام این مناسبات بین دو مینون ها و امپراطوری صرف به توسیع و تقویه مناسبات اقتصادی منحصر خواهد ماند .

واین کار هم مربوط به قبول تمام مواد « اصول حمایه » (۱) در تجارت از

---

(۱) ـ طریق حمایه وطریق آزادی در اقتصاد از قوانین عمومیه شمرده می شود که خیلی بسط دارد .

اصول حمایه : ـ بعضی دول برای ترقی صنایع داخلی وتهیه مواد محتاج الیه خودش اصول حمایه را پیرو بوده بر واردات خارجی گمرک های ثقیل میگذارند که تا ادخالات ورقابت خارجیه مصنوعات وحاصلات وطن را محو نسازد وتجارت آن ترقی کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 644 of 896

طرف انگلستان است .

حال آنکه این مسئله هم خیلی مشکل است ، زیرا انگلستان مواد زراعیه و ارزاق خود را تماماً از خارج تدارک می کند اگر اصول شدید حمایه را قبول و اجرا کند ، در آن وقت گویا انگلستان از حیث حصول معیشت "خوراک ، و ارزاق محاصره میگردد وبعدها سکنهٔ انگلستان بطوریکه در "حاصر معیشت و حوایج ضروریه خودرا که خود را با بسیار ارزانی از خارج تدارک می کند میسر کرده نه خواهد توانست .

در حوادث آخرین وحرب گمرکی اروپا که درمقاله آینده شرح خواهم داد واضح می کند که انگلستان دراین اوقات با اغلب تمام دول گمرکی سنگین گذشته است . وطبعاً این راه انگلستان را به سوی طریقه حمایه می کشاند .

م . اسماعیل

اصول آزادی : ـ وبعض از دول اصول آزادی تجارت را برای اینکه بازار داخل آن مملکت تمام حوایج ضروریه ساکنین آن از خاک خودش تأمین نمی شود ، ویا اینکه برای مصرف کننده گان به نسبت مستحصلات داخلی از دول وارده خارج بیشتر ارزان تمام می شود ، پیرو میگردند .

این دو نظریه در هر مملکت نظر به احوال طبیعیه وجغرافیه وسیاسیه واستناد تشکیه وصنایع وتجارت آن تطبیق میگردد که از ملاحظه مطولات به خوبی فهمیده می شود .

از روز نامه « ایران »

انگلستان وسر نوشت او

اثر تغییر کامل سیاست انگلستان پس از انتخابات جدید انعکاس بزرگی درامور اقتصادی ومالی وسیاسی او داشته است یکی از جراید بزرگ فرانسه برای وقوف آگاهی براین اوضاع روز بعد از انتخابات نمایندهٔ مخصوص خودرا بانگلستان فرستاده ومقاله ذیل ترجمهٔ مقاله ای است که نماینده مزبور برای روز نامه خود ارسال داشته است :

لندن ـ تقریباً هفت سال است که مملکت انگلستان را ندیده ام ـ آیا امروز مملکتی را که سابق براین مدت ها دران بسر برده ام چگونه خواهم یافت ؟ تجربیات مکرر وپی درپی دولت سوسیالیست چه تأثیراتی دران بخشیده است ؟ آیا طبقه دوم که هوای اشرافی وهوس راحتی دارد کاری برای طبقه سوم وکار گران انجام داده وتوسعه ای در حال آنان حاصل شده است ؟ آیا بر عکس این وضع واین قید یعنی « اعتبار وجلال » را که از رواج افتاده است از دست داده است ؟

آیا این مملکت عظیم که سایهٔ خود را بر دور ترین و کوچک ترین نقاط عالم نیز افکنده است ، در شرف زوال وفناست ؟

این بود سوالات درونی من هنگامی که هواپیمائی « شماع طلا » در روشنائی سپیده دم مرا طرف انگلستان می برد

مسافرت باهواپیما اشتغالات دیگری برای فکر انسان تهیه می کند . ـ فی الحقیقت وقتی که آدمی قدری بالاتر از زمین پرواز می کند مناظر دیگر گون می شود ، توسعه وعظمت عجیبی به خود میگیرد ـ تغییرات پی درپی افق برای کسانیکه باقطار های سریع السیر مسافرت می کنند ! زیبائی مناظر ومراتع ومرغزار ها برای مسافرین که پیاده راه چمن وصحرا را می پیمایند در مقابل آنچه که مسافر هوائی می بیند چیزی خوار وبی مقدار است .

پس از عبور از فراز فرانسه ومناظر زیبای آن وپس از تماشای امواج سفید رنگ دریای مانش وعمارات عظیم بندری انگلستان وپس ازمحظوظ شدن از تماشای حومه آباد وتماشای لندن به پایتخت انگلستان وارد شدیم .

*

* *

در این لحظه که شروع به تشخیص احساسات ومشهودات خود کرده ام احساس میکنم که وسوسه ای مرا فرا گرفته است . ـ جهتش آن است که احساسات ومشهودات من صورت خوبی ندارد ، جهتش آن است که علی رغم تغییرات کلی وعمده ای که از تجدید انتخابات حاصل شده است وعلی الرغم دور اندیشی وعقل وبصیرتی که آقای « رمزی میکدونالد » در انتخاب اعضاء کابینه خود بکار برده است ، آتیه انگلستان بطرزی مغشوش وتیره وتار است

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 645 of 896

فکر خود را که با فکر جمعی از متفکرین همراه و موافق است بگویم: — از انگلستان عظیم بوی پیری و خستگی بمشام میرسد و آفتاب سعادت و دوام آن برلب بام زوال احساس می شود.

در این خیابان بزرگ که من با همهٔ خانه ها و عمارات آن بمناسبت سابقهٔ ممتد آشنا هستم، تقریباً در هیچ یک از ساختمان ها جز یکی دو عمارت سینما و تأتر تغییر حاصل نشده است. —

جلو مغازه ها و خانه ها که حامل تاریخ و عمر است؛ بساط های بلند بالای دکاکین که بنداری هرچه دارند در معرض نمایش گذارده اند، بدون اینکه کوچک ترین و کم بها ترین جنس را از یاد ببرند. — اتوموبیل های تاکسی بلند در کوچه ها، این کالسکه ها و بارکش ها که معمولاً باید بلند باشند و تا سرا نباخته گردد، اتوموبیل های کهنه و تق و لق که در مملکت ما در جنگل ها و بیابانهای دور افتاده هم کمتر دیده می شود، و اگر هم باشد برای حمل و نقل فقرا بکار میرود، این سالون بزرگترین رستوران و مهمانخانهٔ شهر که من از آن خارج می شوم و در سرتا سر آن جز چند نفر تنها، دور خاکستری مرده که باصدای نیمه خاموش سخن میگویند و بی اندازه ضعیف و پریده رنگ و محروم و مأیوس هستند؛ هیچکس دیده نمیشود؛ غبار افسردگی و ملالتی که در همه جای این شهر گسترده شده است؛ همه بنظر اشخاص دقیق نشانه ها و علامات و آثار اسلوب سیاسی و اقتصادی و ملی بریطانی کبیر است.

وقتی که انسان از اتازونی که از نوك آسمانخراش های عظیم آن از ناز و نعمت و راحتی و مکنت انباشته است قدم بسر زمین انگلستان میگذارد خیال می کند که از محتشم ترین قصور سلاطین وارد بیابانی بی آب و علف و قبرستانی خشك و خاموش شده است.

شاید این نکته است که انگلستان را در آتش حسد و حرمان میسوزاند و او را رنج میدهد (و ما نیز اگر دارای خون لاتن نبودیم شاید به همین رنج و محنت دچار می شدیم.)

این است که بجهت فقدان صدها هزار جوانان آتشین خوی که داس مهیب جنگ بین المللی خرمن حیاتشان را درو کرده است، بدون نونهالانی که گرد باد حوادث ریشهٔ عمر شانرا خشکانیده است، افتادن کارها و جریان امور بعهدهٔ دماغ های کهن سالی که کثرت سن پوسیدگی و فساد را در آن راه داده است؛ تمام زمام امور بدست های لاغری که از ضعف پیری لرزان است.

در این مملکت که هنوز دنیا از تصور باطل عظمت و شکوه او لرزان است چنین بنظر میرسد که همه اشیا و اشخاص مسن کهولت و موسم پیری خود را نیز بپایان رسانیده، بادست زور مند تقدیر بر سراشیب خطرناکی رانده شده، بسرعت و غلطان غلطان پائین میروند و در انتهای این پرتگاه مهیب چیزی جز ظلمت و خوف نمی بینند.

هر جا چشمانی دیده می شود چین خورده است، بهر چشمی که نظر کنید روشنائی و فروغ خود را از دست داده است، بهر زانوئی که بنگرید خمیده است، بهر پائی که نگاه کنید بزیر بار قامت لرزان است و بدن صاحب خود را بزحمت می کشد. این یك قانون و ناموس بزرگ طبیعی است که هر کس ناچار باید روزی سر تعظیم و تسلیم در مقابل آن فرود آورد.

ملتی که اینگونه احساسات در هر بیننده دقیق ایجاد می کند، چقدر مریض و افسرده است من با چه زبان میتوانم لب بتوصیف او بگشایم!

وقتی که از ویکتوریاستریت میگذشتم یك وزش شدید باد کلاه مرا بدان کنار انداخت. خوشبختانه یکنفر کلاه دوز در آن نزدیکی دیده می شد. — من کلاه گل آلود خود را بدست گرفتم و وارد مغازه او شدم. مغازه زیبائی بود. — در روی یك قفسه قریب بصد مقوای کلاه بود، که روی هریك اسم شخصی که لبه صاحب آن بود دیده می شد و اسم ها عموماً مطابق نمونه های ذیل نگاشته شده بود: —

عالیجناب مرکی دولوزنی برلاند. — با — حضرت اجل دوکی دوکولیت وغیره. وغیره همه اعضاء مجلس لرد ها از این دکان عبور می کرده. میتوان گفت که سقف این مغازه باستون های محکمی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 646 of 896

از مجموعه های تماشاهای رسمی انگلستان رباى بود .

بهر دیوار ورقه اعلان بزرگی نصب شده بود ، بروی هریك ازین اعلانات دو کلمه دیده می شد . این دو کلمه کوچك ومختصر بود که البته برای ترکیب وپیدا کردن آن زحمت ها به خود داده بودند تا چیزی شوند که هرکس دیده فوراً در ذهنش منقوش گردد . اعلان کلاه فروش هم باتمام قوای کلمات وحروف کوتاه خود میگفتند . فریاد می کشیدند . نعره میزدند که : « بوی بریتش » !

در زیر ورودی مقوا هاى داخل دو کان دوجمله با حروف زرد طبع شده بود وبه مشتریان وخریداران اعلام میداشت که : « قدر بهتر از چوب و مقواست . » در صورتیکه این جای لندن بوده که همیشه اشخاص شیك وظریف بدانجا می آمدند تامد مردانهٔ خود را در آنجا تکمیل کنند .

« بوی بریتش » ! اگر بخواهم آنرا بلسان ادبی ترجمه کنیم به معنی « انگلیسی بخرید » است وترجمهٔ آن باصطلاح وبیان بهتر « از امتعه انگلیسی خریداری کنید » است .

من به خود گفتم : _ « خوب اگر این اعلانات سرمشق ودستور تبلیغوئی « انگلستان میدهد مشتمل بر اندرز خوبی برای خارجیان نیز هست . من چرا صبر نکنم تاباریس باز گردم ودر آنجا کالا تازه ای از امتعه وطن خود خریداری کنیم ؟ »

در این موقع صاحب دکان یکی از اعلانات را با انگشت بمن نشان داده گفت : _

« به بینید این یك رمز خوب ویك جمله تبلیغوئی است ! آیا چنین نیست ؟ روز ۱۶ نوامبر اول صبح در سر تاسر انگلستان یك ملیون نمره ازین اعلانات از طرف کمیته رسمی منتشر خواهد شد . به استثنای آنهائی که اشخاص مختلف طبع ومنتشر خواهند کرد . »

مطلب را خلاصه میکنم . در حقیقت اعلام این جملهٔ عجیب البته برای شما تازگی ندارد ومیدانید که روز دوشنبه آینده سه هزار سینما در انگلستان فیلم ناطقی نمایش خواهند داد که کلمهٔ « بایکوت » یا تحریم امتعه خارجی را درسر تاسر مملکت منتشر خواهند کرد ودر همین حال و در همان روز کودکان بیست وپنج هزار مدرسه را باین فکر تجهیز خواهند کرد بطوریکه اطفال محصل باطفال مبلغ ودر یا کسانه چی مبدل خواهند شد ؟ و خانه بخانه در زده این مطلب را بگوش همه کس خواهند رسانید .

همانطوریکه در آن شعر ضرب المثل خوانده اید که : « ذغال فروش درخانهٔ خود آقا است » جونبول نیز درخانه خود صاحب اختیار است ـ از وی تشکر کنیم زیرا لا اقل برای افکندن بودجه خطر با کشور خود صبر کرده است که جشن سالیانه ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ که در روز مذبور شهر « رتوند » (شهر فرانسه که در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ عملیات نظامی جنگ بین المللی درآنجا امضاء شد) بااتمام جنگ ، باین مسئولیت متقدرا نیز اعلام داشت « سپری گردد . _ ولی انگلستان یکی از بزرگترین مشتریان فرانسه است ـ فرانسه نیز فراموش نباید کند که مهم ترین مشتری انگلستان بشمار میرود . بنابرین ، ما اوناً میتوانیم امتحان کنیم که جملهٔ مذکور که بزودی با اقدامات وتدبیرات گمرکی متکی خواهد شد ، چه تاثیرات بزرگی در صادرات ما خواهد بخشید و از طرف دیگر چه منافعی از ین راه عاید انگلستان خواهد شد .

استعجاً ، هرگونه احساس ملی را بکنار بگذاریم با اینکه این موضوع برای یکنفر فرانسوی اهمیتی ندارد ؟ من بتنها سئوال که این مملکت درمدت ٤ سال مخوف جنگ چنانچه بسیاری از اشخاص معتقدند نه پول خود را از دست داد ونه فرزندان وخون جوانانش بخاك ریخت چرا باید امروز باین وضع وخیم دچار باشد .

در سیاست داخلی هر خبط واشتباهی که شده خود او موجب و مسبب آن بوده است . در سیاست خارجی خبط ها و اشتباهات از جهات مختلفه ای بوده است بطوریکه امروز و درین لحظه تجسس و تعیین مسئولین حقیقی آن کار آسانی نیست . فقط برای اینکه از تکرار این مطلب بی نیاز باشیم بعضی نکات را یاد آوری کنیم . _ ما (فرانسویان) علاقه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 647 of 896

مدیم که انگلستان سعادت مند و عظیم و منظم باشد . ـ اما او بر خلاف رفتار تا شما بدت که میکند ناچار محتاج به قرا نسوی تجبار و سعادت مند میباشد .

محبت را روی ارقام صحیح بریم . در سال ۱۹۳۰ انگلستان به مقدار پنج ملیارد و نیم از محصولات مختلفه خود بها فروخت و در صورت این محصولات دقال دو واس هم قرار داشت . ازطرف دیگر تقریباً قدری بیش از شش ملیارد از امتعه مادریداری کرد . و اگر صادرات غیر مرئی را هم بحساب آوریم تقریباً تعادل و توازن کامل بین واردات و صادرات برقرار بود .

اما تما بسیراتی که اخیراً اتخاذ شده و پرده پوشیدگی و اختفا از روی آن بر افتاده است این تعادل را بر هم خواهد زد . ـ آیا این کار صحیح است و آیا این کار احتراز ناپذیر است ؟

قبول داریم که انگلستان وضع مشکلی دارد واقعاً بسیار مشکل ، این نکته مسلم است ومخالفی ندارد ـ عمل کرد سال ۱۹۳۱ ۱۹۳۰ که به ۸۸۱ ملیون لیره بالغ میشد و به حساب ۱۲٤ فرانك یك لیره به مبلغ صدو ده ملیارد فرانك میشود کسر شده است . مالیات های جدید کمر شکنی زود وخوب وصول نه میشود .

اکنون باول مطلب باز گردیم . انگلستان که طبیعت اورا با این همه ثروت و مکنت مجهز ساخته است فاقد بسیاری از مواد غذائی وغیر آن است . واقعاً انگلستان به خودی خود بدون احتیاج بکمك دیگران زندگانی نه میتواند کرد . بنابر این باید احتیاجات خودرا تشخیص داده دروازه مملکت را روی امتعه بعض ممالك بگشاید و روی بعض دیگر ببندد .

پس ابتدا از چه چیز جلوگیری خواهد کرد ؟ از اشیای زیادی وغیر لازم و لیته از اشیای تجملی .

وزیری که این تدبیرات را پیش نهاد میکند یعنی دو الزر تیبمن که در تمام مدت زندگی خود یکنفر طرفدار معامله آزاد بود وثروت خود و شهرتش از این راه تحصیل شد .

هر دو جهاز گیر کشتی بودند و با این عقیده اقتصادی قدم در عرصهٔ حیات نهادند . مسید تمبن که شغل و کالتی بدست آورد بدون اطلاع بر قوانین و مقررات عمومی پیشنهاد و پافشاری کرد که پای اجناس خارجی از این مملکت بریده شود . و یا اقلاً تا موقع دوام بحران اجناس زیادی و اشیای تجمل وارد مملکت نشود .

اگر شخص مذکور رای خود را یك بار دیگر تغییر دهد موجب تعجب خواهد بود ، ولی بیشتر تعجب دراین است که وزیر خزانه داری که حقوق گمرکی عایدات سرشاری برای او تشکیل میدهد نتواند از پیش نهاد تحدید هم کار خود جلوگیری بعمل آورد . ـ اگر مشار الیه نیز حرف را بیشرمرد بطور وضوح و علناً معلوم میشود که انگلستان کاملاً مصمم است که مدتی با نهایت خشونت و با رفتاری دور از انتظار و بد عاقبت زندگی کند .

ما تحت و بلیه بسیار بر خود هم وارد کرده ایم تا آسیبی ازین ضربت جدید برما وارد نیاید . آری ! لیکن اگر هم بر خلاف این اتفاق افتد باز هم صبر و اعتماد داشته باشیم . ـ

هرچه این مملکت و اسلوب ها و روبه های مختلف او مورد آزمایش و امتحان قرار گیرد بیشتر آشکار خواهد شد که اگر معجزه ای در کار این مملکت روی ندهد بسیاری از امتعه ومحصولات هست که انگلستان در روی آنها قادر به رقابت ما نیست .

بالآخره فکر کنیم ومنطق یا شیم سیاست کارگری ، این مملکت را برای مدتی از ماده وجوهر خود عاری کرده است .

فرض میکنیم که ماشوالیم هم سابقان خودرا موافق ومجبور کنیم که درهای مملکت خود را باز نگذارند .

انگلستان چه نتیجه دارد وقتی که جیب خریدار از پول خالیست ؟ بنابرین آیا بهتر آن نیست که بوی کمك کنیم تا بتواند روی پای خود بایستد وسنگینی پول درجیب خود احساس کند ؟ البته وطبعاً این کار مشروط ومنوط باین است که رفتار انگلستان با ما نقد و رفتار درك ، یا ، دور ، نباشد .

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 648 of 896

از عرفان :

فنون واختراع

راحت کامل

برای راحتی کامل در خانه و اینکه مقداری از اوقات مدبرات منازل و رئیس های هر خانواده صرف انتظار آماده شدن خوراك و قهوه و امثال ذلك نگردد اخیراً دو ولایت لنکراس امریکا آلتی اختراع کرده اند که ضامن این راحتی هست مخترع امریکائی ساعتی اختراع کرده که متصل بجهاز رادیو منزل هده و موقع معین تهیه چاشت صبح که میرسد شروع بگرم کردن چای و شیر و غیره میکنند و سر ساعت معین زنگش بصدا آمده و اهل خانه را بیدار ساخته و آنها کاری جز شستشو و حضور سر میز ندارند . همینطور وقت ظهر برای یك ساعت قبل ، ساعت جهاز رادیو را حاضر برای کار ساخته وهیچ کاری اعضا خانواده ندارند غیر از آنکه خوراك را از اجاق گرفته و سر میز گذارده شروع باستعمال کنند . این اختراع در هر شبانه روزی چند ساعت وقت را برای صاحبان منازل باقتصاد تو مصرف نموده و خدمت شایانی باشخاص خانه دار میکنند .

کشتي که غرق

(نمي شود)

درسال ۱۹۰۹ مسیو شار تران فرانسوي موفق بیك اختراع مهم وعجیبي گردید که بوسیله آن هر کشتي از غرق شدن نجات داده مي شود .

بدینمعني که هر کشتي روي سیستم آن ساخته شود از خطر غرق شدن مصئون خواهد بود . مي گویند تجارب ابتدائي « شار تران » نیز تا درجه هم امید بخش مي بوده است . ولذا مي گویند این اختراع بدستوي تعقیب گردیده آنجا که معلمش به ساختمان یك کشتي بزرگ اقیانوسي شده وقانع بود که غرق نخواهد شد . این اختراع خود را بر اولیاء امور فرانسه عرضه داشته ونمونه اي از کشتي پر از اسرار خود در معرض مطالعه آن ها گذارد .

ساختمان این کشتي بقدري اسرار آمیز است که مهندس آن حاضر نشده طرز ساختمان وخصوصیات آن را نشان دهد واز ترس اقتباس دیگران مي خواهد این حق انحصاري را فقط براي دولت فرانسه محفوظ دارد . که کشتي هاي فرانسه داراي این مزیت باشند .

اولیاء امور فرانسه اختراع مذکوره را کاملاً تقدیر نموده وشروع به تفحصاتي در اطراف آن کرده واخیراً نمونه کشتي مذکور را روي دریاي ساحلي فرانسه تحت امتحان گذارده وبا هرگونه وسائل فوق العاده که اعمال کرده اند نتوانسته اند آن را غرق سازند .

دولت فرانسه درصدد برآمده که بوسائل مخصوصي اسرار کشتي مذکوره را

از هر طرف

بدیني گاندي

مهاتما گاندي قبل از سفر خود بطرف هند ، در برندیزی برای یکنفر نامه نگار مجله مستملکه « اسرول کولو نیال » توضیحات ذیل را بیان کرد :

کنفرانس میز مدور لندن برای آینده یك نتیجه خوب نداده است ، زیرا حکومت انگلستان نظریه سابق خود را تبدیل ننموده است . تنها یك جز باقی مي ماند ، که تا به آخر برای حاصل نمودن حاکمیت استقلال و آزادی خود بجنگیم و با این مذکوره ها به وطن خود مراجعت میکنم .

راجع به مسلمانهاي هند فرمود که کوشش مي کنم تا دربین هند ومسلم اتفاق حاصل گردد ومتحداً ضد انگلستان پیش بروند . واگر به این مقصد کامیاب نگردیدم یك انقلاب خونین واقع خواهد شد . ودرین صورت یك هندجدید ودریك عصر جدید تشکیل خواهد یافت .

(برلینرتا گیلات)

اخیرا دریك کار خانه کشتي سازي بموقع بروز گذارده وقیدا باستثار نوع کشتي هاي فرانسوي را از این بعد داراي این خصوصیت نماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 649 of 896

خبرهاي خارجي

تاس

استعفاي بريان وزير خارجه فرانسه

ماسکو ۹ جنوری - مو سیو اریستید بریان وزیر امور خارجه فرانسه مستعفی شد . ازویستیا جریده روسی راجع به استعفای مشار اله چنین می نویسد :

استعفای بریان وقتی بعمل آمد که فرانسه محتاج به یك شخص جدید بود وبریان معتقد است که ابداً حکومت شخص دیگری نخواهد یافت .

حکومت فرانسه جرمنی را به تنزل مجبور نموده ، و همیشه بریان را تحریك می نمود تا بالای المان غرامات جنگ را بقبولانند . حالانکه وضعیت اقتصادی فعلی ابداً اجازه نمیدهد که المان درصدد غرامات جنگ کذکوری نماید ، لیکن قوای مسلح حکومت فرانسه نمیخواهد که برای المان رعایت نماید .

ازاین رو برای حکومت فرانسه یك وزیر بسیار مفید و رسمت بالاخره یك شخص ملی لازم است ولی اخبار مذکور استعفای او را نتیجه دل سردی بریان از ناکامی او دروقت انتخابات ریاست جمهور دانسته می گوید : بریان همیشه اقدامات می نمود که حکومت را بمحور سیاست خود در آورده وزیر مداری نماید اما این امیدواری او به ناکامی مبدل گردیده وبریان از صحنه خارج گردیده است .

چین وژاپون

۱۰ جنوری - شانگهای - حمله های بی جبر جاپانی ها دوام داشته و (سوی جون) را که یی مل از شمال شانگهای واقع است ، اشغال نموده اند . و نیز شان های کوئن را به ذریعه طیاره ها بمبارد نموده و برای اشغال آن آماده گی زیاد دیده اند .

شانگهای - ۱۱ جنور - جاپانیها عساکر خود را از راه آهن چین و مکدن بغرض اشغال شان های گوان ، به پیش سوق نموده اند .

توکیو ۱۱ جنوری - نماینده وزارت خارجه جاپان بیان نموده که : هر گاه تحریم امتعه جاپانی در چین دوام نماید جاپان را جمیع آن تدابیر لازمه اخذ خواهد کرد .

جزاي داکتر انصاري

۱۱ جنوری - پیغام لندن مظهر است که در وقتی که نماینده گان کانگرس ملی هند را حبس می نمودند ، برای انصاری ۹ ماه حبس تعیین کردند .

نوت وزير خارجه امريك به جاپان وچين

واشنگتن ۱۱ جنوری - استمسون وزیر خارجه امریك اراداتی راجع به اشغال ... جنوری ، به حکومتین جاپان وچین فرستاده در آن خاطر نشان می کند که دولتین باید حقوق امریك را بخاطر داشته باشند ، زیرا خلاف رفتاری معاهدات وموافقت ها ، حقوق امریك را دچار تهدید می نماید .

توکیو ۱۱ جنوری - نماینده وزارت خارجه بیان داشت که بمناسبت ، توجه استمسون حکومت ژاپون به ملاحظه و مطالعه ، پاك ، کساورك ومعاهدات واشنگتن امری صادر نموده تا بعض عبارات را تشریح نماینده .

سوء قصد به تربت امپراطور جاپان

۱۱ جنوری - یك نفر از اهالی (کره) بالای امپراطور ژاپون درحین انکه امپراطور سوار بوده ، بم انداخت مگر آسیبی برای آن نرسید . ولی در نتیجه کابینه وزرا استعفا دادند .

اعتصاب درلندن

لندن ۱۱ جنوری - اعتصابیون کاریگر های کش سازی روبه ازدیاد نهاده اند تا اوس اعتصابیون درلندن به ده هزار رسیده است .

فرانسه والمان

۱۱ جنوری - ازاکس خبر رسانی (هاوس) اطلاع میدهد که راجع به بیان برونتگ که المان مقتدر نیست که غرامات لازمه را بپردازد ، (فلاندن) وزیر خارجه فرانسه بیان نموده که انکار یك طرفه فرانسه را مقید نمی نماید که از حقوق مشروعه خود یعنی غرامات صرف نظر نماید . علاوتاً اژانس مذکور خبر میدهد که حکومت فرانسه فیصله نموده است که بادولتکا و انگلستان المان دل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 650 of 896

جنبی دارند ، مداخله نماید .

چین از مانچوری صرف نظر می نماید

۱۲ جنوری ـ حکومت نانکین نامهٔ بحکومت امریک فرستاده ودران خواهش نموده است که مانچوری یك منطقه بیطرف بین المللی « بشکل بلجیم » شناخته شود . جریده پراودا راجع به این نامه چنین می نویسد :

این اقدام شرمانه پارتی کیومن تانگ « امپریالیزم هارا به تقسیم نمودن چین و مداخلت در سیاست خارجه و داخلی آن آماده و تیار ساخت . »

حکومت نانکن مسائل را برای جاپانی ها بسیار سهل ساخت . حکومت نانکن قبل از حادثهٔ مانچوری چین را قطعه قطعه برای امپریالست ها فروخته است حکومت از مانچوری صرف کرده و کوشش می کند که باز بوپی یك دست و یك زبان شود « . مگر ملت چین از مانچوری صرف نظر کرده نمی تواند .

معاهده تجارتی فی ما بین ترکیه و عراق

۱۲ جنوری ـ انقره ـ اطلاع انقره مشعر است که نوری پاشاه صدر اعظم عراق و وزیر منافع ملی ترکیه شریف بیك معاهدهٔ تجارتی و مقاوله فرستادن و تسلیم نمودن مجرمین را عقد نمودن . معاهده تجارتی باساس و اصول سیار مفید تحریر شده است . تبادلا و تصدیق آن در بغداد خواهد شد .

اقدام بیکاران فرانسه

او حیا کر بزرگ صنعتی فرانسه (روبه) را بو خبر رسیده است که بیکاران شورش نموده وبابولیس مصادمه نمودند . وآنها بلدیه را محاصره واز حزب تدن حکومتی تقاضای تأمینات خود ها نموده اند . بمناسبت شدت بحران اقتصادی در علاقه (لیون) مؤسسات ابریشم از حد زیاد در زحمت می باشند . چنانچه در آنجا تعداد بیکاران به ۸۰ هزار نفر میرسد . وهم حاصلات صناعت ابریشم ۶۰ فیصد تنقیص یافته است .

ترکیه

مطبوعات ترکیه راجع به مناسبات ترکیه وشوروی وسفر عصمت پاشا رئیس الوزرای ترکیه به شوروی اهمیت زیاد می دهند . وزیر اقتصاد عامه هم باعصمت پاشاه همراه خواهد بود .

اعلان

یکقطعه زمین مزروعی تقریب هشتاد جریب که آبخوره آن علاوه یك کاریز خصوصی خودش پنج شبانه روز از کاریز مشهور کریم خان نیز استحقاق شرب دارد در موضع افشار تا تحتی ملك موروثی خود را میفروشیم آقایانی که شوقمند زمین داری بوده و بخواهند از یك ملك وسیع و پر حاصل استفاده برده باشند بخانه نمبر (۱۰۸) واقع قلعه حیدر خان گذر اندرابی رجوع نفرمایند بآنها اطمینان کلی داده میشود که در موضوع قیمت آن موافقت فی ما بین حاصل آید .

غلام حسن

*

* *

کورس فرانسه ـ انگلیسي ـ ترکي

آقایانیکه مایلند یکی از زبان های فوق را بصورت خصوصي تحصیل نمایند باشرایط سهلي از طرف موسسه کتاب خانه وقرائت خانه نور پذیرفته مي‌شوند وبراي ثبت اسامي خودها بخود کتاب خانه نور یا اداره انیس مراجعه نمایند .

کتابخانه نور

محل فروش ومطالعه همه نوع کتب ورمانهای فارسی فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .

کتبیکه جدیداً بتهیهٔ آنها موفق شده ایم قابل دیدن است در قرائت خانه نور همه نوع جراید ومجلات داخلی وخارجی برای مطالعه موجود است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 651 of 896

خبرهای داخلی

شئون ماه رمضان:

از آنجا که حضور شاهانه بیاد ترین مدارجی از شئونات دینی و مراسم آن در مملکت مراعات میفرمایند ماه مبارک را امسال با تهیات اجلال می پذیرائی داده و مقرر فرمودند که در تمام مساجد شهر حفاظ و قاعین ختم کلام الله شریف بنهایند مصارفات محروقات و شرینی و حق الزحمه حفاظها از جانب حکومت پرداخته می شود و همچنان یک مجلس افطاری در ارگ حضور خود شان منعقد می شود که این مجلس مرکب است از افراد مهم مملکت و صاحبمنصبان عالی مراتب کشوری و لشکری و این مدعوین محترم دو شب پیشتر از شب اول ماه مبارک از طرف وزارت دربار دعوت شده و الی آخر ختم قرآن شریف پذیرائی شاهانه خواهند شد.

اعلیحضرت غازی بشخصه هنگام افطار شامل این محفل شده و اکثراً بالای میزبان بیاناتی در عوالم اجتماعی و سیاسی میفرمایند چنانچه بیانیه مفصل که بدست آورده ایم و بعید تر از نشر این شماره بدست آمده ممکن است در شماره آتی منتشر و بمعرض استفاده هم وطنان دور و نزدیک بگذاریم.

مقرری از وزارت مالیه

علی احمد خان عریضه دار سابق حکومتی کلان شمالی که در عمله منتظرین وزارت مالیه بود به تحویلداری جنسی مطبعه عمومی مقرر گردیده است.

معرفی برای کار

چهار نفر طلاب فارغ التحصیل امساله مکتب زراعت که اسامی شان ذیلاً مندرج است از وزارت معارف بوزارت تجارت معرفی گردیده اند تا بکارهای لازمه مقرر شوند.

سید گل خان ولد سید حکیم خان ساکن قلم چاق سرای خوجه.

میرزا نور شاه خان ولد سید عادل شاه خان ساکن قلم چاق سرای خواجه.

مسافر شاه خان ولد سلطان شاه خان ساکن قلم چاق سرای خواجه.

غلام محمد خان ولد پردل خان ساکن قلعه فرهاد کوهدامن.

کشف اموال گریزی

در اثر اطلاعات متواتره نسبت بورود مال قاچاق بجای ملک محمد اسلم خان ساکن جنگ چای وردک به مدیریت گمرک کابل از طرف مدیریت تحقیقات سری اجرا گردیده بانتیجه چون ورود اموال گریزی بجای مذکور محقق شده خانه ملک مذکور از طرف هیئت تفتیش اعزامی مدیریت علناً تلاشی گردیده، وهفتاد توپ اجناس از قبیل محن کوره وسفید وچیم وطول وغیره ازخانه مذکور ظاهر شده واجناس مذکور با مالک مزبور بکابل آورده شده است.

چون مخبر ورود ۲۳ بار مال گریزی را درخانه مذکور بمدیریت گمرک اطلاع داده بود لهذا مدیریت کیفیت را بوزارت تجارت نگاشته و درخصوص تحقیقات واز خواست بقیه اموال مذکور سررشته خواسته است.

ترمیم سرک بین کابل وتورخم

از اطلاعات تازه واصله معلوم میشود که کار سرک کشی دوره شکاری دراین ایام بواسطه برودت هوا تاززنی تبدیل موسم تعطیل، وعمله انشات وانجنیرهائیکه دران مصروف کار میکردند ازطرف حکومت برای ترمیم سرک درمیانی کابل وتورخم مامور شده اند.

فعلاً کار ترمیم سرک ازطرف جلال آباد بجانب کابل وهمچنان از تورخم بجانب جلال آباد از دوطرف آغاز نهاده زیرا که این سرک بواسطه عبور ومرور زیاد عراده ها وقوافل کبراتی واقعست درشور ترمیم بود وبدون آن واردی باصلاحات لازمه آن بعضی مشکلات بهم میرسید.

اطلاعات مشرقی:

قرار اطلاعات منتشره اتحاد مشرقی نسطر بوطن خواهی و عاد دوستی هائیکه مردم صافی کنر هما دارند در اثر ملاقات حاکم اعلی آنجا با کلان

از قلم آقای غلام جیلانی خان اعظمی
نقل از مجله کابل

اخلاق

بنای تمام مذهب و ادیان باساس اخلاق استوار بوده و هر پیشوائی به پیروان خویش این هدیهٔ بزرگ را بارمغان آورده است .

دین مقدس اسلام که وسیع ترین و کامل ترین ادیان بوده و نمی شود بهتر از آن دین و آئینی بشریت نسبت بحیات و نتایج حیاتی خواش جستجو نماید موضوع عالم بزرگ اخلاق را باخوبترین و نافع ترین اسلوبی دارا و بما مسلمین توضیح و سفارش مینماید .

اخلاقیات در جنب دیگر تکالیف دینیهٔ ما یک قسمت بزرگی قرار گرفته که ما مسلمین نسبت بسائر اقوام جهان می توانیم آنرا از پهلوی دیانت حقه بیشتر استفاده کنیم .

فضایل و امنیت زندگانی و پیشرفت های اسلاف مسلمان ، در اعصار گذشته نظر بعدم ترتیب یافتن قوانین موضوعه اجتماع با ترقی و اصلاحات علوم معاشرتی بدرجات عالیه و پیمانه هائی وسیعه که صحائف تاریخ ترقی متذکر است فقط در سایه اخلاق بوده است و بس .

زیرا از جمله صفات اخلاقی که میگویند اخلاق با انسان فضیلت نفس ، سعی و عمل اتفاق و محبت می آموزد شک نیست که این فضایل چه در گذشته چه در هر نتیج حیاتی مروزه بزرگترین عوامل ترقی و پیشرفت اجتماعات بشری بوده است و بعکس آن طبیعتاً قوم بطرف ذلت و پستی سیر قهقرائی می نمایند .

از بزرگترین علل ضعف و پس ماندگی کشورهای اسلام - وای ضعف امور اخلاق آنها چیزی را علت عاقلی نمی توان شمرد .

یکی از سیاحین عاقل مراکشی میگوید برای اینکه قبل از اجرای سیاحت دور بلاد عالم و فهمیدن عقب ماندگی و ترقیات آنها کافی است که اگر یکی یا چندی از اهالی آن مملکت را ملاقات کرده و اندازه اخلاق و تهذیب آنها را بدانید !

اخلاق در اصلاح امور عقلانی و مدنی و تربیهٔ اجتماعات بشری آن اندازه علاقهٔ مهمی دارد که فقط به تحصیل و استقرار آن بقا و ترقیات ملل و اقوام جهان را می توان یقین نموده و بالعکس با شهادات تاریخ و مشاهدات وقت حاضره میتوان علت محو موجودیت و حیات استقلالی یک ملت مطمئن شد .

و الحاصل از مهمترین امتیازاتیکه نوع انسان را نسبت بسائر مخلوق یکلی عالی و ممتاز می گرداند مسئلهٔ اخلاق و امتیاز داشتن وی بصفات اخلاقیه و است .

اگرچه اساس امتیازات انسانی نسبت بدیگر حیوانات که علما آنرا تعیین نموده اند عبارت از فضایل سه گانه عقل و حسیات و قوه ارادی است ولی معلوم است اگر این فضایل عالیهٔ انسانی متحلی باخلاق نبوده و در حدود مقررات امور اخلاقی معمول نباشد لذا نمی شود انسان را از فضایل خود شر حسن استفاده کند در صورت سوء استعمال آنها فرق بین حیوانات ضاره و انسان نخواهد بود .

در پیشگاه مشاهدات و محسوسات بشر عادتاً مرسوم و معمول است که باندوزه بر هر حسی خفیف وذلک که یک دزد رهزن یک شخص جانی و یک ظالم منحا سرمی پیشه این اقربت در نفس بعضی بعضی حیوانات نمی باید .

نوع شریف انسان که فطرتاً از جنبه های مختلف حیوانی و معنوی سرشته و تشکیل یافته است البته این دو قوا در وجود وی استیلا داشته و هر کدام مقتضی بیشرفت خود موجود است ولی از آنجا که مقتضیات جنبه حیوانی وی متفاوت اند ... و طبیعتاً در مبادی حال انسان (باقی دارد)

شوده، کان قوم مذکور در کنرها علاوه بر لغری قومی که سابقاً با فرقه مشر آنجا قرار گذاشته بودند در این روز ها یک کندك دیگر هم طور کندك قومی مستقلاً قرارداد گردید و لغری آنرا جوقه جوقه وارد جلال آباد گردیدند .

انفلنزا :

از قرار اطلاع و انتشار جریده شریفه اتحاد مشرقی هویداست که ناخوشی انفلو را در جلال آباد بکثرت شیوع دارد .

تبدیل و تقرر :

سید امیر خان قوماندان کوتوالی مشرقی بقوماندانی مزار شریف تبدیل و محمد جانخان سابق حاکم شنوار عوض مشار الیه بقوماندانی کوتوالی مشرقی مقرر گردیدند .

راست گوئی اطفال :

درین شب ها دوسه نفری بخانه یکی از رفقا خود را مهمان ساختیم، اما صاحبخانه هرچه عذر خواست که کسی بخانه نیست بشما تهیه چای بنماید، مقبول واقع نشد بالاخره خود بیچاره بکوشه و کنار خانه سماوار نیمه نوئی گذاشته ودر حالیکه بهر طرف دست وپا میکرد، بالهجه سنگین و کراهت آمیزی پرسید چای سیاه مینوشید یا سبز ؟

گفتیم ، اگر دو چاینك ندارید چای سیاه لطف کنید !

وقتی بساط چای بمیدان آمد راستی راستی عقل ما از تمیز دادن سیاه وسبز آن کوتاهی کرد پس از چشیدن معلوم شد زرنگی صاحب خانه باقیل آن مزه ای هردوچای را در یك چاینك جمع کرده رنگ اگر چای سیاه است مزه چای سبز را دارا است .

شوخ چشمها بطرف صاحب خانه نگاه نگاهی کرده وپس پس اصر صر را شروع کردند .

آقا دست وپاچه شده، برای آنکه یك وره روی چالاك دستی های خود کشیده باشد فوراً متوجه پسر شده

بعتاب تمام : بچه چای را از کدام قوطی گرفته بودی ؟

آقا جان وقه همان چایست که خانه از سحر برای شما دم داده وگذاشته بودند .

عذر معقول :

پیر مرد خمیده قامت وضعیف البنیه در ماه رمضان پیش از شام غذا میخورد ، ناگاه محتسبي بتر وقت او رسیده و گفت :

زاچه شده است که روزه میخوري ؟

— براي اینکه مسافرم وبیش از ده سه روزي اراده اقامت اینجارا ندارم .

— کجا میروي ؟

— سفر آخرت .

عقیده چرسي :

مرد چرسي که از اداي فریضه پنجگانه پنجاه فرسخ دور میگریخت یکر فتن روزه بسیار اظهار علاقه مینمود، روزي رفیق ازراملي او بغضب شده گفت :

روز محشر که جانگداز بود

اولین پرسش از نماز بود .

تو که نماز نمیگذاري چه مانند گاو دهن بسته دنبال روزه را قایم گرفته ومارا مي آزاري چرسي جواب داد :

قربانتوم ؛ روزیك مهمان سنگین است که بعدازیکسال می آیدوما بایدعزتش کنیم اگر یك روز نماز خواندی تا زنده باشی از غمش خلاصی نداری شب و روز باید بخشش سلامی بگیري .

سرعت ریل :

شخصی برای اولین دفعه سوار قطار ریل شده و از آهسته رفتن قطار به تنك آمد وقتی مفتش ریل آمده و ازو تکت خواست پرسید :

چرا این قطار به این اندازه بکندی رفتار میکند .

— آقا این آخرین حد سرعت آن می باشد .

— عجب انسان پیاده برود ازین زود تر خواهد رسید .

— پس بفرمائید فرود آئید و بهر راهی مایلید پیاده بروید .

— این آسان ولی نمیخواهم یکساعت قبل از رسیدن قطار در آنجا وارد شوم چه رفقا بساعت ورود ریل باستقبال من خواهند آمد .

سنجیدن طفلانه :

طفل : ماما . . . ماما . . . میتوانم فردا ساعت ٤ صبح از خواب بر خیزم ؟

— ساعت ٤ صبح برای چه ؟ اولادم .

— هر روز صبح بابام مرا کتك میزند که چرا ویرا از خواب بیدار میکنم برای این میخواهم پیشتر ازانکه او از خواب بیدار شده باشد من یکساعتی با پیانو بازی کنم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 654 of 896

مولف : ل. پلانیه فرانسوی (۲۸) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل شانزدهم

ناپلیون : « آه . حال من تراه شناختم . تو ما ژور تیبور چیان یم الماژان من هستی تام توهم بخیالم لاویولت خواهد بود .

« لاویولت » : اعلیحضرتا فرموده شما بجاست عین . برسر راه برلین چنانچه اعلیحضرت ارشاد فرموده بودند هیچ ترس بسیار زودی برلین خواهی بود . راویرای ما بازاست

امپراطور این جمله را با یک تبسم ایراد نمود ! راستی کمک که می خواستی چه بود !

اعلیحضرتا اسیران خودم را تنها باردوگاه برده نمی توانم !

امپراطور از شنیدن لفظ اسیران بحیرت شده گفت اسیران تو ! کدام اسیران
— اسیران که خودم گرفتار کرده ام اینجاه هستند درین خانه من قفل بزرگ را به دروازه زده و منتظر کمک هستم .

اینهارا چطور درین خانه در آوردی تفصیل را بگو .

اعلیحضرتا ! تعداد شان شصت نفر بالغ است من با تیبور چیانم از اینجا گذشتم که با چند نفر از (دراگون) ها پیاده بر خوردم براینها نعره زدم تسلیم شوند آنها تسلیم شدند اغلباً خیال کردند روز بهان در عقب ماست بعد از تسلیم سلاح شان را گرفتم و گفتم اگر نجات میخواهند درین خانه درآیند آنها هم از وعده من فرحنا ک شده درینجا درامدند !

بامر امپراطور یکی از یاورانش داخل یلاق شده حکایه لاویولت ارا تصدیق نمود . امپراطور بطرف ما ژور تیبورچیان دیده با خوش طبعی زیاد گفت !

اینجا بیا . وگوش او را یک تاب سختی داده بر سخن ... نمود توهم شجاعت ابراز نموده واسیر گرفته پس من باید تراه مکافاتی بدهم . این را گفته وصلیب (لیژون دانور) را از سینه (راپ) کنده بسینه ما ژور تیبور چیان که باد هوا بازدر مقابل او استاده بود نصب نموده گفت . ! لاویولت تو یک مرد دلیری هستی . از ین بعد نشان شجاعت خواهی پوشید ! وبطرف راپ برگشته بر سخن خود ایراد کرد .. این اسیران را به (جینا) بفرست .. وبدون آنکه شکر به شوالهٔ جدید را بشنود بر اسب خود مهمیز کشیده بر گردش خود دوام نمود لاویولت درحالیکه دست هایش بر چوب وچشمهایش بر نشان نو یافته اش مانده بود با خود میگفت .. آیا این ممکن که من نر ... نیستم و یک شخص شجاع باشم ؟ ... امپراطور چنین گفته است ! برای یکلحظه در دریای فکر غوطه ور گردیده خاموش ماند بعد ازان دفعتاً چوب خودش را در هوا حرکت داده صدا زد .. من این صفت را حاصل کردم . حال میدانید چه باید بکنم ! باید به امپراطور ثابت کنم که او سهو نکرده است .

در اثنائیکه بطرف اردوگاه میرفت بقد و قامت و نشان شواله گی خودش نظر نموده میگفت . نام خدا کجا است یک چند روس دیگر که بکشم . ناپلیون بمجرد باز گشتن از اردوگاه مارشال له فیور را خواست و بطرف کاتبان که باقلم و کاغذ منتظر ارشادات امپراطور نشسته بودند بر گشته و بقدم زدن شروع نموده گفت : دسته جانبیکه تحت قوماندهٔ مارشال (داوست) بود کارستانهای نمودند . کلاه مارشال را از سرش ربود و حالت بی نظمی (یونیفورمه) اش دهشت محاربه را نشان میداد وظاهر میساخت که این مارشال یکدام یک سرعت وتعجیل افراد خودش را در مقابل مهاجمات دشمن پیش برده است . علاوه بران از کل حرب او که همه شان در شجاعت وجلادت مانند رئیس خود ممتازند خارقه ها نشان دادند . ما از سی الی چهل هزار اسیران گرفته ایم ولی این تعداد در تزائد است از سی الی چهل با شصت علم وسه ضرب توپ با ذخایر متکاثر حرب غنیمت گرفته ایم

من از اسیرانی هستم که بی نظمی و هرا سیکه بر متباق ها کر مستولی شده است از حیطه اظهار و بیان بیرون است . ناپلیون ساکت شده استاد . خود او بسیار کم و به ندرت مینوشت . دست او سرعت دماغ او را تعقیب کرده نمی توانست . نتیجه کوشش های خودش در تحریر مراد از آنکه اجزای بر روی کاغذ بود که خودش نیز در خواندن آن ها عاجز می بود ازان جهت قرینه کاتبانش خیلی مشکل بود ولی بقوه عادت و تمرکز دقت به تسوید تقریر سریع او کامیاب گردیده بودند . خود او هم تکلیف این کاتبان بیچاره را حس کرده همیشه موقع نفس گرفتن بایشان میداد تا اگر جائی از نزدشان مانده باشد تکمیل کنند و خودش بکار دیگری مصروف می گردید بعد از لحظهٔ خوشی بطرف کاتب دوم خود بر گشته گفت . این جمله برای اخبارها خواهد بود . ملکهٔ پروس از طرف پیش قراولان مادر مواقع زیاد دیده شده است . متوالیا در اضطراب و خوف است . بنام محاربه ترزیبان خودش را در (جنیا) معاینه کرده بشاه و وزرا مشوره داده که بفرانسویان مهلت داده نشود . در حقیقت مخمور خون بود و بمراد خودش نایل گردید . اولین ژنرال ها و طنش رو تزوبک و (مولندروف) بشروع جنگ کشته شدند . لهجه ناپلیون بسیار تلخ بود و ابتداد تا الفاظ باید شخصی که همیشه سریع الکلام

و دارای وزنی فوق العاده زیان بود دفعتاً خاموش گردید . کاتبان ازین سکوت غیر مترقبه امپراطور بکمال حیرت و تجسس دیدند و ترسیدند مبادا در خواطر او ملالی رسیده باشد . ناپلیون ازین سوال خاموشانهٔ کاتبان بر انگیخته گفت جاناں بنویسید : امپراطور در شهر (دیمر) وقصر نکه چند روز پیش محل سکونت ملکهٔ پروس بود جا خواهد گرفت . چیز هائیکه راجع بملکهٔ موصوفه در فرانسه گفته می شود همه راست و بجاست .

ملکه یك زنیست که اگر چه دارای روی مقبول است ولی از اراده و عزم محروم دیده میشود از سنجیدن نتایج رفتار خودش بکلی عاجز است حالا قابل ترحم گفته می شود زیرا ندامت و تأسف او بعد از آنکه دانسته مشوره های احمقانه اش چه یك حال هلاکت اشتمال را بر وطن وشو هرش آورده است تحمل فرسا خواهد بود . درین اثنا له فبور بالونی فورمهٔ با چهارچه ودست و روی بادود و گرد سیاه داخل بار گاه گردید . ناپلیون بدیدن له فبور بسیار فرحناك گردید صدا زد :

رفیق دیرینه ام خوب شد که آمدی درین دفعه بسیار خوب کار کردیم ـ آیا چنین نیست . تو چه خیال میکنی ؟ با اعلیحضرت شهاوم الدا زان من همیشه کار های خوب میکنیم . امپراطور : کارهایم در زیر فرماندهٔ تو بسیار اعلی جنگیدند . له فبور که مثل دیگر رفقای خود حسود بود

گفت : اعلیحضرتا که رستان های رسالهٔ (بس ایر) را نیز نباید فراموش کرد . امپراطور : از هر جهت این یك جنك خیلی شاندار بود . تو باید بهم اندازات ممنونیت امپراطور شان را تبلیغ کنی . له فبور : شکر میکنم ـ آه اعلیحضرتا نهایت متشکورم . این قربان بشنیدن لفظ قیمتدار اعلیحضرت خیلی ممنون خواهند شد و با اعلیحضرت یقین عرض میکنم که این نوازش اعلیحضرت را سزا هستند . علاوه از ١٤ میل فاصله را بدون استادن جنگیده پیش قدمی کردند !

امپراطور : من میدانم . خوب میدانم . علاوه برین که شمشیر تو هم کاری از پیش برده است و یکنفر این شمشیر اورا نیم از غلاف کشیده رسخن خود دوام نمود : از شمشیرت بر آمده و بکلاه کش زیاده شبیه تر است : من باید یك گراپیچ جدید برات بدهم ولی تصور میکنم که باعصای مارشالت چند هفته دیگر کار کرده میتوانی . آیا چنین نیست ؟

له فبور از توجه زیاد امپراطور قدری متحیر شده گفت !

بلا شبه خواهم توانست . علاوه بران شمشیر دیگر برای خودم تهیه کرده میتوانم و از کشتن روس هایش نخواهم ماند . ناپلیون : آه من می بینم که تو مقصد مرا نمی فهمی بلا تبت بسائر خواهی فهمید . بطرف من ببین از ین چه فکر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 656 of 896

میکنی این یک پلان پلاونیست که از طرف ژنرال (شاسلو) انجنیر بزرگ از دو ترتیب داده شده است . لوفور در حالیکه چشمهایش بر یک ورق کاغذ بزرگی که از خطوط و اشکال در هم و بر هم مملو بود میدید و مدعا و مقصد این همه خطوط سیاه و سرخ نمی فهمید جواب داد : خیلی ماهرانه و مفصل است ناپلیون : این پلان (دانزیغ) است که جمیع فاصله ها ، ارتفاعات و مواضعات مهم اطراف شهر را نشان میدهد . لوفور : پس این دانزیغ است نمیشناسم . با آنکه هیچ گاه این نام را نشنیده ام امپراطور تبسم کنان . لوفور تو به بسیار زودی آنرا خواهی شناخت این یکی از مهم ترین شهر های جرمنی و بر دریای و سیجولا واقع است مرکز بزرگ تجارت شمال و دارای ذرایع متکاثره و ذخایر زیادیست که برای محاربات ما در پولیند بسیار مفید خواهد بود شبهه نیست که تو خواهی فهمید که ما با روسها هم خواهیم جنگید . لوفور : بلاشبه من ازین بابت خیلی ممنونم . میخواهم باشخاص مقابله شوم که از سربازان شاه پروس قدری قوی تر باشند . آیا چه وقت با این روسیان ملاقی خواهم شد . امپراطور : هنوز قدری زود است انتظار بکش . روسیه یک سلطنت وسیعست و برای مهاجمین اشکالات زیاد در پیش دارد . این مملکت بامیدان های وسیع مستور زیادی که ذرایع مراودات در آنها معدوم است حایل شده است سربازان ما از گرسنگی درمیان برف های پولیند خواهند مرد و هیچگاه بشهر یا دهی نخواهند رسید اگر مدخار لازمه را در عقب خود نداشته باشم این چیز ها یقیناً واقع خواهد شد . ازین سبب است که من (دانزیغ) را میخواهم . لوفور : اگر اعلیحضرت می خواهدش من یقین دارم که آنرا حاصل خواهد کرد . امپراطور امید دارم ولی اینراهم باید بگویم که دانزیک یک شهر بسیار مستحکم است شاه پروس آنراه استحکام آخرین خویش قرار داده . ساخلوی آن مرکب از چهارده هزار سرباز پروس و چهار هزار روسی مرکب است مارشال (کالکروت) یک سرباز مشهور حاکم این شهر است . تمام اطراف شهر را سوختانده اند تا عساکر ما بآن گاهی نیابند . آنراه گفته دست خود را بردوش لوفور گذاشته برسخن خود دوام نمود ـ حقیقتاً غیر قابل تسخیر است ازین سبب مجبورم تراه بگرفتن آن امر بدهم . لوفور بیک خورده گفت من ـ من آنراه بگیرم بلاشبه خواهم گرفت . باهر اندازه ایکه هر چیز را خواهم گرفت .

ناپلیون شانه های خود را تکان داده گفت : « احمق با این ! »

و نقشه ژنرال شاسلو را در مقابل چشم او گرفت . لوفور با دهن باز به تکرار گاهی بنقشه و گاه ناپلیون می نگریست و نمیفهمید که با یک پارچهٔ کاغذ چطور ممکن است یک شهرٔ مستحکم گرفته شود . این چه معنی دارد ؟ او حکم گرفتن دانزیغ داده شده است . بسیار خوب ! آنرا به حمله و زور بهم اندازان خود خواهد گرفت . وبعد ازان پلان را خواهد دید بهر صورت چون دید که ناپلیون منتظر جوابست خود راجمع نموده گفت : ازین شرف اوی که به من می بخشید خیلی متشکرم .

اجازه دهید رفته این خبر های خوش را به خانمم بنویسم یقین دارم که از این مرحمت های اعلیحضرت در حق من به نهایت ممنون خواهد شد و اعلیحضرت را دعا خواهد نمود .

ناپلیون یک نگاه کوچک چشمی بطرف سربازان پیرا فگنده بفکر فرو رفت . لوفور را بسیار دوست میداشت . اگرچه یکی از افسران کم تعلیم او بود، ولی شجاع ترین آنها گفته میشد .

(باقیدارد)

(شماره ۳۵)

مجلد ۲

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ ۰
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده :

چهارشنبه ۵ دلو ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰٦ | ۱٦ رمضان ۱۳۵۰

شئونات ماه رمضان

اگرچه در هر قرن، مسلمان و هر مملکتی از ممالک اسلامی بطور عموم واجب و محترم است که از ماه مبارک رمضان با حسن نیت و صفای عقاید اسلامیت استقبال و پذیرائی کنند ولی ما باید بنام وافتخار کنیم که در جامعه ما این روزه داری به نیکو ترین و برگزیده ترین اسلوبی رسم و رواج داشته و عمومیت دارد. یعنی ما از شاه و گدا به این ماه اظهار دلچسپی نموده و در مقابل فضائل آن اطاعت و انقیاد فوق العاده نشان میدهند.

در شماره گذشته شئونات رمضان را بطور خبری تذکر شده و از ختم ها و مجالس بزرگی که در ارگ بشمول حضور همایونی نوده بودیم وعده داده بودیم که بیانات علما را برای استفاده عام منتشر سازیم و همچنان خیال داشتیم مقالات مبسوطی هم در اطراف فضائل این ماه شریف از خود در وقته نگارش آوریم ولی اصلاً از وقتی مطالعه فرو شده شاهده و بعض آمده و هیچ یک مری از امور دینی و اجتماعی نبوده که به نسبت ماه رمضان از آن بیانات فرو گذاشت شده باشد ولی از لوایح شئونات ماه رمضان یقیناً در آن عبارات دلچسپ تامین شده است که ما توده های حاصله را بطور مقاله مرتب کرده و به استفاده جوامع اسلامی زیب صفحات این شماره جریده خود ساختیم تا بتائید اقوال ما و برخی مقطعات بهمکاران ثابت شود که یک پادشاه اسلامی در ماه رمضان چگونه اسرار حرمت دارد و هنگام فرغ افطار با پیش از ادای نماز تراویح به چه نوع مصاحباتی اشتغال می ورزد ؟

نطق اعلیحضرت

« ترقی مسلمانها منوط به پابندی شعائر اسلامی است و روزه رمضان از جمله ارکان های بزرگ اسلام میباشد.

« فضائل این ماه شریف که در قرآن پاک و احادیث نبوی ذکر شده موجود است و معاد آن بعموم ملت معلوم است که بر حسنات او اجر و ثواب های زیادی که برای روزه دار ها و نیز گذار ان این ماه داده است و روزه از نقطه نظر صحیه و اجتماعی آن و نیز مفید تر درجی را برای عاملین خود داده »

« مثلاً اطلاعاتیکه در طول یازده ماه در معده و شرائین انسانی اجتماع نموده است بواسطه روزه یکماه منحل و وجود ما از ازاله آن فرصت و صحت مکمل بدست می آورد و در آنهائی معلوم که خوردن پر خوردن از روزه بعمل می آید »

« ماه رمضان سلسله جسمانی و حسیات اجتماعی بوده و دائما مشوق از حال فاقه کشی مسلمانان با لذات بطلع و نیز ترغیب شده وبرقابل احسان و همدردی کردن با سائر بنی نوع خود از اعطای خیرات و مبرات کوشان میگردند و بعض و بجا مقدمه در وار کرسی و تشکی که در خواب و سفر وغیره مواقع طبعاً واقع میگردد عادی میگردند »

« حیات دوازده ماه دنیا شبانه این ماه که تمامش بذکر رب الموت و فکر آخرت بسر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 658 of 896

میرمد ، روح را فرحت و دل را قوت می بخشد وعملاً مسلمانان را اراده نفس مقتدر و بر ضد خواهشات نفسانی موفق می سازد ، اگر یک مسلمان برطبق اوامر الهی این روزه فرضی رابجا آورده ، بفلسفه اصلیه این عبادت بسکلی پی برده چشم وگوش وفکر وهوش خودرا متوجه بحصول فواید آن ساخته از تمام نواهی پرهیز کند البته بهترین فرد صاحب اخلاق گردیده از منافع دینی ، دنیوی متمتع می شود »

« روزه گرفتن برطبق احکام صحیح اسلامی روح انسانی را قوی می سازد ، درحالیکه روح قوی و اخلاق صحیح انسانرا را دارای عزت وشرف بلند وحائز مقام ارجمند مینماید ،

« شخصیکه دیانت پابند ودارای اخلاق نیکو و روح قوتمند باشد طبعاً در مردم باعزت واعتبار ودنیا برای کسب هرنوع سعادت وافتخار کامکار است ،

« طوریکه انسان ها برای حصول صحت جسم وتقویهٔ بدن خویش احتیاج دارند بلند تر از آن ضرورت به قوت دادن روح وبلندی اخلاق خود دارند زیرا که هیچ یك انسان کامل بدون از مساعدت این دو قوهٔ کامل مصدر کار صحیح شده نمی تواند ،

ـ (منافع اتحاد عمل) ـ

اعلیحضرت همایونی در ضمن همین نصایح نافعه شان در اطراف اتحاد عمل ومنافع خط مشی صحیح ومضار پلان غلط شرح دلچسپی را ایراد فرموده اند که خلص آن را قرار ذیل مینگاریم :

« تعین خط حرکت ووضع پروگرام برای هرملت وهر قوم حتماً باید که برطبق روحیات ملی واستعداد و لیاقت افراد ومامورین وموقعیت جغرافیائی همان مملکت باشد ،

« خط حرکت را عیناً مثل پلان یك عمارت باید دانست ، اگر یك مهندس ونقشه کش در کشیدن پلان یك منزل بدرستی فکر وعقل خود را بکار نیندازد وهمه پهلو وجهات آنرا بخوبی تحت تدقیق وسنجش بگیرد حتی وسعت زمین وظرفیت خانهای کار آمد وهمه ضروریات آن عمارت را باحالت اقتصادی زیر نظر دقت گرفته سپس آنرا آغاز ننماید البته که آن تعمیر بسر میرسد ومالکش از آن استفاده نموده هیچ یك نقص و خساره از آن بوی عاید نمی شود ،

واگر نااسنجیده یك پلان بروی کار آورده شود ، وفکر ضروریات عمارت ووضعیت اراضی واحوال اقتصادی آن چنانچه شاید به عمل نیاید ؛ البته که آن عمارت اولاً بسر نمی رسد ، اگر تا یك حدی برسد ، باز هم فایده از آن عاید نشده ، مصارف آن بارگردن میگردد ،

« اگر بهمین قسم برای پیشرفت یك قوم پروگرام صحیح برطبق حالت مملکت و روحیات ملت ترتیب داده نشود و یا بر کدام پروگرام غلط رفتار را اختیار کنند ، مسلماً آنان عوض منفعت همیشه مضرت دیده شده و می شود لذا می باید که در کشیدن پلان ها بالعموم دقت کرده شود ،

« لله الحمد از پروگرامیکه برای افغانستان تجویز شده و حکومت موجوده آنرا در خط مشی خود تشریح داده است و در طول این دو سال و چند ماه همان خط حرکت را تعقیب می کند ، نتایج بسیار خوشگوار پدیدار گشته است ،

« چنانچه امنیت امروزهٔ وطن به هیچ یك از اعصار گذشته نسبت داده نمیشود و نظر به این مرفه الحالی که خوش بختانه فعلاً در تمام طبقات وطن مشهود است بیشتر ازین کمتر دیده شده است ، حالت اقتصادی وطن هم روز بروز رو به بهتری گذاشته ، و ما توانسته ایم که برای رفاه عامه سرك ها را تمدید و بندرها را تشدید ، و عمارات تعمیر وفابریکه ها را تاسیس و مکاتب را دائر و مطبوعات را ترقی و عساکر را تنظیم نمائیم ،

« واگر بنظر انصاف دیده شود در اثر تعقیب از همان پروگرام صحیح درین مدت قلیل بسیار کار شده است ،

« پروگرام ما دارای مواد زیادی نیست ودران فقط مراعات همین مسئله کرده شده است که بمذهب پابند بوده باهمدگر شیوه روا داری و دلسوزی را مرعیداشته تماماً کار را از خود دانسته و از مواد تفرقه انگیز پرهیز و در پیشرفت وطن همگان یك دل و یك جهت شده کار کنیم و در سعادت ملت کوشش ورزیده در همه امور تعمق و سنجش نموده و از ملت مشوره گرفتن را شیوه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 659 of 896

خود قرار دهیم •

• اینست پروگرام ما و کمان دارم که غیر از این خط حرکت برای حالت موجوده افغانستان دگر چیزی مفید شده نمیتواند • اگر ما و شما همین طرز عمل خود را دوام نمائیم و همچنین صادقاً و همدردانه برای منفعت مملکت خود خدمت کنیم از پرتو وفاداری و پابندی بمذهب و نشر علوم و فنون اخلاق یوماً فیوماً درست شده میرود آثار جهل و نادانی بکلی نا پدید و معارف بصورت صحیح ترقی نموده مردان لائق را مهیا میسازد • روحیات ملت را عالی و اشخاص صاحب عزم و اراده قوی را در جامعه بوجود میآورد •

• مسلم است که بند ها نهر ها سرک ها برای آرامی و آسایش عمومی خیلی نافع و در اقتصاد مفید است همچنان بکار انداختن فابریکه ها مردم را از احتیاجات فارغ و تجارت و صنائع وطن را فروغ میدهد و در عین زمان در هر یکی از شعبات فوق الذکر بعضی مامورین و افراد دیگر موقتاً بیکارند مشغول بخدمت وطن میشوند و باین واسطه مملکت بصورت صحیح مترقی و کامگار میشود •

• این ترقیاتیکه بصورت صحیح اساسی بفضل الهی زیر نظر است و متدرجاً یکی بعد از دیگری بروی کار میآید انشاء الله تعالی که قائم و برای دایم محفوظ میبا شد •

«من یقین دارم که در سایهٔ وحدت افکار و بوجود آمدن مزید اتحاد صحیح امال در تمام طبقات ملت افغانستان همه این امور و ترقیاتی که برای حصول و عملی ساختن آن حکومت‌شان داخل اقدامات است از قوه بفعل می آید چنانچه خوش بختانه آثار و مبادی آن فعلاً در افغانستان بوجود هم آمده است »

(اسباب حصول ترقی صحیح)

ذات شاهانه درسلسلهٔ آن اظهارات قیلدو فانه شان که بالنسبه مشکلات حاضره جهان در یکی از نطق های شان ایراد میفرمودند بر حالت موجودهٔ دنیا تبصره کنان بیانیه دلچسپی دادند که از انجمله اقتباس چند جمله ذیلاً اکتفا میشود •

«انسان هارا امروز که در تمام دنیا مادیات چنان فریفته خود ساخته است که از معنویات و اخلاقیات دور افتاده اند اگرچه از اثرات مفیدهٔ آن تعلیمات وترقیات عصری که دنیای متمدن امروزه حاصل کرده اند کسی انکار کرده نمیتواند ولی بهمراه آن از کمی اخلاق ونکالیفی که ازان عاید گردیده وپابعد ازین لاحق شدنی است نیز انکار نمودن ممکن نیست»

درعصر حاضر تمام عقلای عالم این مسئله را محسوس نموده اند که تنها مادیات موجب سعادت نوع بشر شده نمیتواند بلکه مادیات محض بدون رعایت از معنویات موجبات تولید بسیار فساد ها و اشکالات را فراهم می آورد و در نتیجه آن دوره زندگانی بی لذت و انواع رذائل و وحشت بوقوع می انجامد ـ چنانچه در نتیجهٔ وقوع یک تکلیف جزوی بهانه صبر اعزاز و قوهٔ ادارهٔ فاقد می تنگ خود کشی و انواع بی باکی میشود •

• چنانچه ملت امریکا این نکته را محسوس شده برای درستی اخلاق خود داخل کوشش و اقدامات موثره میباشند و ازین سلسله از مسکرات که منبع بد اخلاقی و مضر صحت است جلو گیری مینمایند •

• اگر فکر کنیم فعلاً ملت افغانستان قدم اولین خود را در راه تمدن مشروعه عصری گذاشته خوشبختانه حکومت و ملت متحد اند در جلب فضائل امروزه و کسب تمدن نافعه دنیا داخل اقدامات اند و میخواهند که در نتیجه این مجاهدت خویش چنان سعادت و ترقی را برای وطن محبوب شان استحصال نمایند که دران سعادت دنیا و فلاح عقبی و خوشنودی خالق و رضای مخلوق موجود باشد •

اگر افغانستان رعایت او امر مقدس مذهبی خود را نموده اخلاق خود را عالی دایماً خود را باساس صحیح تطبیق بدهد و برای دنیا و عقبی خود یکسان داخل میدان مجاهده شود من امید وارم که بنیاد های مستحکم مدنیت حقیقی دران بوجود آمده الی الابد مسعود بمراتب اقصی سعادت واصل خواهد گشت •

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 660 of 896

سیاست عالم

محاربهٔ گمرکی انگلیس و فرانسه

بحران اقتصادی و تجارتی اینکه امروز تمام دنیا را ابتلا نموده است نوسانات و مناسبات سیاسی دول هم تغییر و تکان کرده‌اند.

انگلیز و فرانسه که از پنجاه سال به اینطرف خیلی صمیمانه گذاره نموده و در حرب عمومی هم در یک صف شانه بشانه جنگیده استحصال فتح و ظفر نموده‌اند، امروز برای تأمین وضعیت و سلامت سیاسی و اقتصادی خود هر کدام در مقابل یکدیگر تدابیر ضد و عکسی اتخاذ نموده‌اند.

رجال و اکابر اصحاب صلاحیت حکومت امروزهٔ انگلستان، مخصوصاً این است که در مقابل حکومت فرانسه خیلی الساق صریح و شدید خطاب نموده اخطارات تلخ و تند می‌نمایند، و مطبوعات طرفین هم بر حکومت خویش هجوم نموده اهمال و تسامح آنها را تقبیح می‌کنند.

مستر لزولیس وزیر تجارت انگلستان در نطق آخرین خود تصریح نموده می‌گوید که از سببیکه فرانسه به نسبت صد پانزده بلا استثناء بر تمام امتعه تجارتی انگلیز گمرک ضم و وضع نموده است حکومت انگلستان ازین رویه فرانسه خیلی منفعل گردیده است. حکومت انگلستان هیچ گاه تجاهل و مسامحه نمی‌کند که امتعه تجارتی آن در معاملهٔ گمرکی از امتعه تجارتی دیگر ممالک در فرانسه فرق واستثناء را جایز نباشد.

وزیر مالیه انگلستان هم در مقابل فرانسه بالحن درشت و شدیدی ادارهٔ کلام نموده می‌گوید، حکومت فرانسه مدعی است که به نسبت صد پانزده ضم گمرکی بر امتعه تجارتی انگلیز محض از سبب سقوط استرلنگ و برای حمایهٔ مال تجارتی و صنایع داخلی فرانسه مجبوریت حاصل نموده است. حال آنکه در ماضی قریب هنوز فراموش نشده است که فرانک فرانسه یک وقتی که در صد ٩٠ قیمت خود را باخته بود حکومت انگلستان بر امتعهٔ تجارتی فرانسه اینطور یک معامله گران استعمال نه نموده بود.

در عین زمان وطاق تجارت انگلستان از سبب ضم گمرک که در قسمت ذغال انگلستان در فرانسه بر هر طون ٣ و نیم شلنگ افزوده است شکایت می‌نماید.

فرانسه‌ها در مقابل از ضم گمرک در صد پنجاه پیمان و دامپنگ که انگلستان بر عموم امتعهٔ تجارتی گذاشته است، اعتراض می‌نمایند. لیکن انگلستان در وضع این گمرک بر عموم امتعهٔ تجارتی دنیا که وارد انگلستان می‌گردد فرق نگذاشته چنانچه عین گمرک را فرانسه و دیگر ملل یکسان می‌پردازند.

فرانسه برای رفع و حل این اختلاف که از مسئله گمرک پیدا شده است تکلیف مذاکره بین رجال صلاحیت دار هر دو دولت را تحریراً پیش نموده لیکن انگلستان جواب داده است که قبل از انعقاد کونفرانس امپراطوری که در دو ماه آینده در لندن عقد خواهد شد، راجع به موضوع قرار اساسی گرفته نمی‌تواند.

اگرچه رسم گمرکی دنیا یک در مقابل امتعه تجارتی هر دولت یک سان است، لیکن در فهرست مال تحتنی انگلستان کرده‌است، از سبب اینکه اکثریت آن بر اشیاء امتعه تزئینیه و (لوکس) اطلاق نموده است، از آن رو قسمت زیاد آن بر امتعه تجارتی فرانسه تصادف کرده است. اگر فرانسه، بالمقابل تدابیر جدید گرفتن نخواهند، طبیعی است که انگلستان از آن شدیدتر آن مقابله خواهند کرد.

در نتیجه، گویا این دو دولت دوست و متفق قدیم به محاربه گمرکی آغاز نموده‌اند، طبیعی است که این چنین محاربه در عقب خود عداوت سیاسی را تأسیس خواهد داد،

زمامداران روحی است که از غبار نفرت و از نفرت عداوت، و از عداوت انتقام تولید میگردد!...

م. اسماعیل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 661 of 896

وضعیت هند

مرتبهٔ دیگر عدم موافقت مسلمان و هند منجر به عدم کامیابی کنفرانس میز مدور گردیده، مطالبات گاندی و کانگرس و هم چنان امال و مطالبات مسلمانان و وفرق کوچك (اقلیات) دیگر نیز صورت حصول را به خود نگرفت.

درین هیچ شك نیست که گاندی و رفقای هندوی او که مؤسس و بانی و حامی کانگرس را چنانچه معروف است قائدان میباشند، می خواهند هندوستان استقلال خود را از پنجهٔ تسلط امپریالیستی و استعمار شیر انگلستان که از مدت مدیدی گلوی هندوستان را می فشارد، خلاص آنرا میکند، حاصل نمایند. اما بصورت طبیعی می‌ا حقوق و امتیازات و اختیارات وثقل وحقی که موقعیت طبیعی و تعداد نفوس فرق در مجالس تقنینیه و ادارات اداری میدهد، درین صورت هر کس به خوبی میتواند درك نماید بنابر کثرت نفوس خود وهم چنان لیاقت عرفانی یك حزب غالب وفائق بوده، مسلمانان و فرق دیگر مجبور خواهند شد بساز هم و رقصند وشکار امیال و اراده های هندو ترم واقع گردند.

و از همین جهت است که قائدین مسلمان در عین مذاکرات کنفرانس میز مدور، از ترس آنکه مبادا به اصطلاح خود شان در تحت اساوت هندو راج (حاکمیت هندوها) گرفتار آیند، جهت حفظ ما تقدم از حوادث و جهت تامین حیات ارادی و زندهٔ برای طبقه مسلمین بعض مطالبات را تسوید نموده تقدیم کردند و درعین زمان می سرائیدند که اگر فی الواقع مقصود هندوها از آزادی هندوستان حاکمیت مطلق هنود نباشد باید هندوها این مطالبات ما که جهت تامین وضعیت آینده مسلمانان ها خدمت می نماید تسلیم نمایند.

وهم چنان فرق کوچك دیگر مانند اروپائی ها و سکهه و فرقه هنود غیر قابل تماس، نماینده های خودرا به کنفرانس مذکور اعزام داشته، جهت حفظ یك موقع برای خود در تشکیل آینده هند طالب تامینات گردیدند.

در عین زمان خورده گمان هندی که برای اشتی وجود یك هند متحد مستقل ویك هند غلام دست استبداد برطانیا العظمی فدا ورد، جهت حفظ حقوق خود وبرای آنکه مبادا در تشکیل آینده ... وبتان در حقوق آزادی ... تصرف واقع شود بعضاً نماینده فرستادند وبعضاً خود شان رفته.

تقاضات مسلمانان اگرچه شاید حاوی جزئیات زیاد باشد، ولی مواد مهم آنرا ظفر الله خان معروف بحیر هندی که در کنفرانس میز مدور سمت نماینده گی مسلمانان را دارا بوده، پس از عودت خود در الجامعه تمام مسلمانان قرار ذیل شرح داد: —

اولاً مسلمانان در کنفرانس میز مدور خواستار گردیدند، حدود پنجاب طوری اصلاح شود که مسلمانان پنجاب بتوانند از روی نفوس خود تقریبهٔ ایالت پنجاب (که در آنجا نفوس مسلمانان زیاد است) اکثریت داشته باشند. ولی تمام فرقه سکهه وقائدین هندو ها این مطالبه اعتراض نموده، به تردید آن اقدام نمودند. ومقصود شان ازین مخالفت تنها این بوده که بهر صورتی از صور مسلمانها نباید در پنجاب دارای اکثریت باشند.

ثانیاً مسئله «ویتج» (این وزن و سنگی) است. این لغت به تعبیر سیاسی معنی دیگری غیر از معنی لغوی خود دارد، وظفرالله خان آنرا چنین ترجمه میکند که: (دادن حق نماینده گی به یك فرقه کوچك بیش تر از آنکه از روی تعداد نفوس مستحق می باشد.) ودر عین زمان مسلمین حق خود را این میدانند برخلاف مطالبه سابق (که یك حق جداگانه بود) رعایتی و تفضیلی دانسته میگویند:

ویتج به قلت ویا اقلیات بصورت یك نشانهٔ بی خواهی فرقهٔ کثیر محض جهت تولید حس معذوریت واعتماد در بین فرقه کوچکتر داده میشود. ومعنی آن اینست که اکثریت یك مقدار از حق نماینده گی را که خودش مستحق آن است به قلت میدهد، اما بصورتیکه با کثرت خود آن نیز ضرری ایجاد ننماید.

ونتیجهٔ که ازین مترتب میگردد عبارت ازین است که فرقه ویا فرقه‌های کوچك می‌توانند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 662 of 896

نسبت بآنکه این حق برای شان داده نشود ، در صورت دادن آن بر پالیسی و عملیات حزب بزرگتر بیش تر اثر و نفوذ داشته باشند .

وی گویند این حق و بتیج در صورتیکه در ایالات که مسلمانان ها در آن اقلیت دارند داده شود مهم از اکثریت هنود نخواهد کاست زیرا در هیچ یک عمده ایالت تعداد نماینده گان هند و کمتر از ۵۰ فیصد نمی شود . و این یک اکثریت خیلی متکی است . و راجع به اکثریتی که مسلمانان ها در پنجاب و بنگال دارند بدفاع بر خواسته می گویند درین دو مقام نیز مسلمانان ها ۵۵ فیصد نماینده گی را خود شان احراز خواهند نمود . و درین صورت نیز فرق دیگر نسبت به مسلمانان در ایالت دیگری که اقلیت دارند مصئون تر و قوی تر میباشند .

ثالثاً مسئله انتخاب جداگانه است که ، مسلمانان میگویند که انتخاب نماینده گان باید بصورت مشترک در بین هنود و مسلمانان اجری نشود و چنانچه از مدت ده سال قرار قانون حکومت هند هر فرقه جداگانه هیئت انتخابی تشکیل داده نماینده گان خود را در تقنینیه انتخاب می کنند ، حال نیز همین اصول بحال خود باقی بماند و تغییری در آن رو ندهد هنود بان مسئله اعتراض تشکیل نموده می گویند ، این اصول مخالف دیمو کراسی است . ولی مسلمانان دفاعاً اظهار میدارند که مقصود از دیمو کراسی اینست که حکومت یک مملکت روی هم رفته در نزد ملت مسئول باشد ، و مسئولیت مذکور وقتی صورت وجود میگیرد که قوه اجرائیه مملکت تابع به قوه تقنینیه آن گردد . یعنی در ضمن هر مسئله که واقع گردد و یا نگردد باصول دیمو کراسی افاده و یا احرازی نموده نه می تواند ؛ لهذا انتخاب جداگانه نیز چون باصل موضوع یعنی مسئولیت کامل حکومت در نزد عامه ملت کاری ندارد مخالف و مناقض دیمو کراسی نیست . و علاوتاً اصول انتخاب جداگانه وقتی اجری گردید که تجربه به ما ارائه نمود که عدم اجرای اصول غربی انتخاب در یک مملکتی مانند هندوستان مسلمانان را از یک حصه زیاد حق مشروع نماینده گی شان در تقنینیه محروم خواهد ساخت .

اینست که درین این کشمکش هندو ومسلمانان ، و در بین افکار متخالف این دو فرقه که یکی خیال حاکمیت مطلق را در دل خود می پرورد و فرقه دیگری میخواهد از چنگ گرگی خلاص شده به پنجه گرگ دیگری نیفتد و از حقوق حیات محروم نگردد ؛ کنفرانس میزمدور بنتیجه مواصلت نشود وبالاخره انگلیسی ها چنانچه همواره ازین مورد اختلاف هند ومسلمانان استفاده نموده اند ازین مرتبه نیز طرف کامل بسته ، درعین زدن این مسئله را دلیل عدم قابلیت اهالی هندوستان باداره نفس و دفاع حقوق داخلی وخارجی خود شان نشان داده ، « میکدونالد » در نطق آخرین خود گفت :

« اگر فرق نتوانند راجع به مسائل فرقی باهم به موافقتی رسند ، حکومت برطانیا یک فیصلهٔ موقتی خواهد نمود »

بایتصورت انتریک و چال بازی که یکی از خصائص ملی وشعار خفی برطانیا است کامیاب گردیده ، نماینده گان میزمدور عودت نمودند ، ولی جای تعجب اینست که در حالیکه انتریک برطانیا نگذاشت موافقتی به عمل آید ؛ باین مسئله نیز موقع نداد که روی هم رفته از موافقت وفیصله ها مایوس گردند . چنانچه همین کلمه « فیصله موقتی » که میکدونالد در نطق آخرین خود ذکر نموده است هنوز هم برای مذاکرات ومباحثات مزیدموقع میدهد ، و حالا فکر دارند کنفرانس میز مدور بصورت کمیته ها در تحت ریاست اشخاص سیاست مدار برطانیا که رگ خواب هندی ها را خوب یافته اند درخود هندوستان جریان یابد ، واین مسئله نیز عبارت از یک چالیست که جهت تمدید مباحثه و بالاخره استفاده از کمترین فرصتی که بانگلیسی ها دست دهد .

یعنی درین وقت بر خلاف پالیسی « گلید ستون » که در وقت محاربه ترک می گفت : « ترک ها را با بار و بار خانهٔ شان به در دانیال داخل کنید . » میکدونالد می گوید هندوستانی ها را گول زنید وتا می توانید به مباحثات و مذاکرات عقیده داده هر لحظهٔ را که در آن ، هند حاکم بمانید مغتنم شمارید ، واز ساده گی اهل هند استفاده بنمائید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 663 of 896

فعلاً انگلیس ها بهانهٔ خوبی یافته اند ، وحال قراریکه معلوم می شود ممکن است به تشدد شروع کنند وباز مجالس هند از یك عده ی گناهانی که به که به جرم وطن خواهی ومطالبه حق سیاسی آزادی در دائرهٔ بشریت ، محروم اند به حکم استبداد مطلق وامریت مطلق الشأن برطانیا ، مملو گردد .

وفعلاً در اثر همین تصمیم جواهر لال ، نهرو ومستر شیروانی ، وهم چنان خان عبدالغفار خان (معروف به گاندی سرحد) به جرم آنکه برای پذیرائی گاندی میرفت ودر یك دربار یکه جهت مذاکرات راجع به امور اصلاحیه سرحد عقد شده بود حاضر نگشته بود حبس شده اند . ومحتمل است فداییان آزادی هندمداقعین ملت منصوب الحقوق هندوستان یکی بعد دیگر بهمین راه بروند .

گاندی وتمام قائدین هند از ناکامی کنفرانس میز مدور کاملاً متأثر اند وشاید هم تایك اندازه متحسس گردیده اند که بالآخر در نتیجه این همه زحماتی که چه در سفر وچه در اثنای مذاکرات کنفرانس کشیده اند وقت شان به ضیاع رفته هم چنانکه غلام برطانیا رفته بودند باسلاسل غلامی پیچیده باز آمدند . و رفتن و آمدن شان هیچ فائده نکرد .

مگر گاندی نیز با انتریك ها وچالهای برطانیه مقابلهٔ عمرینی نموده با فلسفه عجز ومذهب عدم تشدد آن احساسات رقیق واکه طبعاً خاك هندوستان مولد ومهد آن است در بین هنود کاملاً به هیجان آورده است .

و مطمئن است که از همین راه و از همین طریق فیلسوفانهٔ خود و رو حیات هنا سانهٔ خود می تواند به مقصود آخرین خود نائل گردد . و می خواهد به مجادلهٔ شریفانهٔ خود که [اجرای] مقصود بلند وطنیت و بنام حق و حقوق است ادامه دهد ودر حین [ورود] او در بمبئی روز نامه ستیتسمن خلاصه نطق مؤثر او را قرار ذیل نشر می نماید :

بمبئی ۲۹ دسمبر - گاندی مجدداً به عدم تشدد اظهار اعتقاد نموده در یك جلسهٔ در آزاد میدان گفت :

« من حتی از فدا نمودن ملیون ها نفوس رو گردان نیستم . » و راجع به گرفتاری پندت جواهر لال نهرو ، و خان عبد الغفار خان و گشادن آتش بر جمعیات انقلابی پشاور اظهار اندوه نمود . و از مردم خواهش نمود بر راه خود دوام ورزیده پرو گرام عدم تشدد کانگرس را تعقیب نمایند . و راجع به قتل مستر ستیونز (مجستریت انگلیسی است که دو نفر دختر متعلمه مکتب او را به قتل رسانیده بودند) در کامیلا گفت : من مغموم ازینکه دو نفر دختر یك نفر خدمتگار ملکی هند را به قتل رسانیده اند زیرا هندوستان آدم کشی را نمیخواهد ولی من نمی توانم از وضع حکومت راجع به قاتلین مدافعه نمایم . حکومت میتواند قاتلین را بدار بکشد ، مگر نه میتواند تمام نسل را از انانیت بیرون کند . و اگر مجبور گردم که اقدامات جدی نمایم میدانم که مانند سابق خود را حفظ نموده نخواهم توانست ، زیرا [که] درین وقت باید با گلوله مقابله نمائیم .

اگر جنگ ضرور شود شما را دعوت می کنم که حاضر باشید ، مگر من همواره سعی خواهم نمود که ملت را ازین ابتلای آتشین حفظ نمایم . معهذا ازین هم رو گردان نیستم که شما را به تحمل بر اندازه مشقت دعوت نمایم . و گفت من از فدا نمودن یك ملیون حیات نیز رو گردان نخواهم شد .

علاوتاً بیان نموده ، یگانه طریقی که ازان به مقصود خود رسیده بتوانیم اینست که ماوحتی کسانی ازما که عدم تشدد را عبارت از یك پالیسی تصور می کنند ، به عدم تشدد گرویده باشیم . تا زمانیکه کانگرس به عدم تشدد اذعان دارد شما باید با آن ملحق باشید ویا آنرا به کلی تبدیل کنید اگر جداً بان التحاق نمائید البته برحیثیت کانگرس خواهید افزود . اگر کانگرس ستیا گره (مجادله ازادی) را ترك دهد گفته می شود که حکومت باو صلح خواهد نمود . مگر من با احترام لازمه به حکومت می گویم که ستیا گره ها عبارت از یك قسمت پروگرام کانگرس است وچنانچه در انگلستان باشان گفتم حکومت باید مسائل را با کانگرس فیصله کند . وبعد ازان از وضعیت نماینده گی کانگرس بحث نموده گفت :

امروز کانگرس یکی از بزرگترین قوه سیاسی هندوستان است و این وضعیتی است که از روی خدمت خود احراز نموده است زمانیکه به طرف انگلستان میرفتم میدانستم مسئله هند و مسلمان نباید در انگلستان فیصله شود . باوجود آن رفتم . و حالا نیز اطمینان دارم که کانگرس به خدمات خود برای مسلمین و سکهه و اقلیات دیگر ادامه خواهد داد . عقیده راسخی دارم که همه شان جهت حل مسائل فرقه به کانگرس رجوع خواهند نمود .

فرقه غیر قابل تماس :

و گفت : من خود را غیر قابل تماس می گویم زیرا میدانم اشخاص غیر قابل تماس وجود من اند . هیچ یک فرقه مانند هندو با اشخاص غیر قابل تماس اجری مظالم نموده است . حتی اگر اشخاص غیر قابل تماس سرجدا از هندو را بشکنند من از ایشان نفرت نخواهم نمود و عقیده کامل دارم تا زمانیکه برادران غیر قابل تماس خود را آزادانه در آغوش گرفته راجع به حقوق شان ایشان اطمینان ندهیم آزادی معنی نخواهد داشت .

و گفت : شب گذشته در عین آنکه بر سطح کشتی بودم امیدوار می نمودم که امروز به شما چیز مختلفی بگویم ولی خداوند چیز دیگری خواسته .

و تازه وقتیکه از کشتی فرود آمدم خبر نداشتم در پشاور فیر نموده شده و پندت جواهر لال نهرو و شیروانی گرفتار شده اند . من ان عملیات لاود و لنگدن (وایسرای قبل هند) را به حیث انعام عهد کرسمس میدانم . » و برای یک نفر آزادی خواه ازین بهتر چیست ؟ »

راجع به مواد جدید هلد گفت : امید داردم تداوی را با حکومت پیدا کنم ولی عترقریب تمام علامه را که مشاهده نموده ام این امید مرا خیلی ضعیف میسازد . اینصورت هنوز هم سعی مزیدی خواهم نمود تا راه خروج را ازین مشکلات پیدا کنم .

و از حاضرین خواهش نموده در مرکب ترسیده در صورت لازمه با آن با اهمیت مقابل شوند . ولی در عین این کار باید به موی یکنفر انگلیس ضرری نرسد . و امید وارم باشید که با تحمل رنج و زحمت فکر انگلیس هارا تبدیل نمائید .

ابراهیم

از روزنامهٔ ایران :

انگلستان و سرنوشت او

— ۲ —

هر چه بنظر میرسد که بمجرد تاسیس مجدد پارلمان اوضاع سر و صورت بهتری به خود گرفته است . — بر فرض هم بهتر نشده باشد مطبوعات انگلستان با سر و صدای بسیار و با مقالات دور و دراز و تصورات بی حد و حصر بهبودی اوضاع را مسلم و قطعی می شمارند — کوره های بزرگی در هر گوشه و کنار دیده میشود که جان تازه ای به خود گرفته و دود از دود کش های آن بیرون می آید — چرخ های کار خانه ها که یک چند امکیفتی بیجان و بی حرکت بوده به جنبش در آمده و معادن که مدتی توده های پر سر هم ریخته بود تغییر صورت داده است ، ولی این خوش بینی فقط یک طرف بد و یک گوشهٔ ظلمت باقی مانده است و آن دو دمپینگ » خارجه است که باید بدون یک لحظهٔ تردید تا خیر متوقف گردد .

یک پروگرام سیاسی تهیه یک تعرفه عمومی گمرکی در نخستین جلسات مجلس و اجری آن در ظرف سه ماه لازم است و ازین لازمتر و قوی تر آزاد ودن حکومت است برای منع و جلوگیری هر گونه واردی که برای صنعت انگلستان خطر ناک تشخیص داده شود .

می گوئیم که با نظری دقیق تر بقدری پیش تر ازین موقع میگردیم — و فرض می کنیم که انتخابات جدید اعتماد تازه در بین صنعت گران ایجاد کرده است فرض میکنیم که تنزل لیره انگلیسی از سفارشات قابل ملاحظه خارجه حاصل شده است ، این ها قطعی و مسلم است صاحب کار خانه که کاملاً حق داشته از اوضاع مراسان باشد با بشیر امیدوار مکرده و منتظر خارجی او که او صحبت و بلغ جوی تخفیف میدهد طبیعتاً نظم و ترتیبی در کار او حاصل میداردند .

آیا این موجودی دوامی دارد و یا برای ترک عیار و آزاد کردن قیمت اول طلا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 665 of 896

تا اینکه صنعت گران موافق با این کار «مجدداً بکار خود مشغول شوند کافی خواهد بود ؟

متأسفانه ! مسرور نخواهید که از این طرف دریای مانش خوانده می‌شود ، جز ایمنا معلوم می‌دارد و ثابت می‌کند که این اقدامات هنوز بیموقع است .

همسایه گان و دوستان ما حق دارند که از سفارشاتی که مربوط به بهبودی و حائل تسویه محصولات و امتعه نیست (بلکه مربوط باین موضوع که اجرت کار و در بعضی موارد مواد اولیه پولی تأدیه می‌شود که هنوز در داخله تقلیل نیافته است .) مسرور و خشنود باشند .

انگلستان از حیث مواد و محصولات اصلی برای نان روزانهٔ خود بقدری تحت تسلط و استیلای خارجه است که قیمت های داخلی ازدیاد ترقی خواهد یافت گران تر شدن زندگی بمعنی زیاد تر شدن مزد است . ـ زیاد تر شدن اجرت کار به معنی افزایش قیمت محصولات و امتعه است . و این چیز است که بتسلسل بهر چیز دیگر سرایت کرده و ما خطر آنرا پیش بینی کرده ایم .

اگر فرانسه میخواست به خودی خود زندگی کند و محصولات خود را کافی شمرده از دیگران بی نیاز باشد ، بهتر از این مملکت قادر بزندگی بود یک تثبیت نرخ عاقلانه ، صاحبان کارخانه وتجار و تهیه کنندگان امتعه و محصولات مارا کمک کرد که برای کار هاي خود اساس محکمي تهیه کنند وتا اتجاي که از تزلزل وعدم اطمینان آن زمام اجازه میدهد در استحکام کار خود بکو شند .

همچه بنظر میرسد که در انگلستان بسیاری از مردم قدر وقیمت نرخ ثابت پول را نه مي شناسند ونه مي دانند که تثبیت نرخ پول چیست وچه فواعدي دارد . دیروز شنیدم که یک نفر صنعت گر از ازاد شدن قیمت لیره خشنود است وبه خود نیز یک مي گوید که معاملات بیشتري خواهد کرد .

من باو گفتم : ـ شما مواد اولیه خود را ازخارجه خریداري مي کنید وباید درمدت شش ماه قیمت آنرا مطابق پول مملکت بپردازید . بنا بر این چگونه مي توانید قیمتي براي امتعهٔ خود معین کنید ، درصورتیکه نمیدانید شش ماه دیگر پول شما چه وضعي خواهد داشت وقیمت مواد اولیه که باید دران روز بپردازید چه خواهد شد ؟

در جواب من گفت : ـ بله ! شما چقدر بد بین هستید ! معلوم می‌شود که انگلیس را نه می‌شناسید ! البته وقطعاً تا آن موقع لیره انگلیسی ترقی خواهد کرد .

من میخواهم که معتقد شوم که این تحقیر عناصر بزرگ اقتصادی صورت استثنائي دارد وبخصوص باین مملکت است . عجیب تر واضطراب آور تر آن است که غالباً مردان اینجا تصور می‌کنند که حذف آن قسمت از امتعهٔ خارجی که «دومپینگ» نامیده می‌شود وپس از آنکه تثبیت تعرفهٔ گمرکی کافی خواهد بوده ، که انگلیس بتواند بسعادت اقتصادی و تجاری گذشتهٔ خود باز گردد .

باز هم بگوئیم و در اوضاع دقت کنیم «دومپینگ» کلمه است که اگر هم تازه نباشد ، لا اقل از چند سال باینطرف معنی آن تغیر کامل یافته است .

فعلاً معنی این کلمه فرستادن مال التجاره های است که دارای قیمت های پست و جنس پست تر است بیك بازار کاملاً خارجی است یا باین جهت که قیمت پول مملکت صادر کننده آن تقلیل یافته ویا برای اینکه لطمه ای بر تجارت محلی وداخلی آن مملکت که اجناس مزبور بدان داخل شده است وارد گردد . مثلاً در موقعی که مارك المانی تنزل فاحش یافت پارلمان انگلستان تدبیری اتخاذ کرد تا از یك چنین رقابت خطرناك جلو گیری بعمل آورده . حال به بینیم این اتهام «دومپینگ» که ازطرف انگلستان به ممالك خارجه خصوصاً فرانسه وارد شده است صحیح وقابل تصدیق است ؟

به هیچ وجه : : این یك موضوع قابل تأسفی است وخصوصاً از جهت اینکه نتایج علم النفسی صورت خوبی ندارد . حقیقت آن است که بعض از تجارت خانهای خارجی از یك مدت باینطرف چون مترصد بودند که تغیراتی در تعرفه گمرکی داده شود وضرری برای شان وارد گردد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 666 of 896

باعجله چند رقم اجناس مختلف وگویا گون ولی اجناس خوب وقابل ملاحظه بفراوانی وارد بازار های انگلستان کرده اند ؛ ولی وارد کردن این اجناس وامتعه برای آن نیست که بقیمت پست و ارزان فروخته شود وبا اجناس پستی نیست که مستلزم ارزان فروختن باشد ، بلکه بمراتب بیش از قیمتی که این اجناس در مملکت صادر کننده داشته است بفروش خواهد رسید .

این دو مطلب نیست اگر فروشنده گان خارجی صبر می کردند و منتظر می ماندند که صنایع ملی انگلستان با دیوار های بلند گمرکی بتوانند خوش بختی و سعادت صنعتی سابق خود را محفوظ دارد و بعد ایشان این امتعه را وارد کنند و با قیمت های بیش از بفروشند انگلیس ها بیش تر و شدید تر زبان اعتراض میکردند

اگر تدبیرات برای حمایت صنایع ملی اتخاذ گردد فکر صادر کننده گان خارجی و پیش بینی آنها برای صدور این اجناس بانگلستان یك سبب مهم آن خواهد بود . تمام این عکس ها که منتشر میسازند و کشتی ها نیز نشان میدهد که در ساحل لنگر انداخته و جاپك های پر از کره وصندوق های تخم مرغ و توده های منسوجات خالی میکنند ، بی اندازه و به حدی دور از باور موجب تحیر عمومی میشود . در عین حال دیده میشود که کار خانه ها همه مسدود است ، و بیکاری پیوسته رو بتزاید میرود . اشخاصی که باکمال شدت و حدت از حمایت مصنوعات داخلی طرفداری میکنند کاری جز حرف زدن نخواهند داشت . بازاهن این حرف ها را گوش خواهد کرد .

آیا همه این قول و قال ها مرا از مناسبات آینده فرانسه و انگلیس بتردید می افکند ؟

نه ! بگذاریم تا این سند باد بید وام بپایان رسد و به کار خود مشغول باشیم . اگر نخواهیم فردا از برای ما خواهد بود .

(باقیدارد)

قلم آقای غلام جیلانی خان اعظمی : قتباس از مجلهٔ کابل :

اخلاق

(۲)

در تحت تأثیری رفتار می نماید هر گاه بر امانت خواهش وفرمایشات این جنبه بحد اعتدال نشده واز آنحد تجاوز نماید لا بد ضعف درانوه ملکی یا جنبه معنوی انسان طاری شده وکلی حفظ موازنه را خراب کرده فضایل انسانی را می بازد .

چون این حادثه بزرگ در حیات بشر ملحوظ بود خداوند متعال رهنمایانی بنوع انسان گماشت تا آنهایک عده خصایل خوب وعادات وملکات فاضله رابانسان آموختانده وبارا بوسیله مشق واعتیاد آنها از خطره فنای فضایل وشرافت انسانی نجات بخشایند .

امروز مجموع آن عادات خوب وملکات فاضله بنام علم اخلاق تدوین شده وبوسیله مکاتب ومدارس وعلما وپیشوایان اجتماعی مورد استفاده ما واولاد ما قرار میگیرد : که در صورت فهمیدن آن ما افعال واقوال خوب وناخوب خود را فرق کرده میتوانیم .

علم اخلاق به تعبیر اخلاقیون حاوی مسائلیست که بذریعه آن وظایف وتکالیف خود را نسبت بخویش وغیر فهمیده ومراعات نمائیم ! چه ازنقطه ایجاب عقل واخلاق تا مایی بوظایف و تکالیف خود نپردازیم البته ظلم به نفس خویش وحق دیگران کرده خواهیم بود . ازین رواست که تحصیل علم واخلاق را دیانات وهمه پیشوایان اجتماعی وروحانی بانسان حتمی دانسته وسفارش می نمایند .

گرچه شریعت مقدسه وقوانین اجتماع برای حفظ واحترام حقوق انسان حدودی را معین کرده که درصورت تجاوز وانحراف مرتکب جزا خواهند داد ؛ ولی فضایل بزرگ انسانی وعلایق محبت کارانه وتعاون اجتماع وحیات توام انسانی اجازه نمیدهد که هردم وهر زمان حقوق واحترام اشخاص معروض تجاوز واقع شده وبوسیله مقامات ها که تلافی واسترداد کرده شود بلکه بایستی انسانیت ازنقطه تهذیب اخلاق واصلاح فکر ونفس ابداً مبادرت باوضاع واعمال سوئی نکنند تا حقوق واحترام اشخاص در معرض تلف واقع نشود ؛ نظیر این اعمال بزرگ اخلاقیون را امروز در

ممالک متمدنه می توان مشاهده نمود چه هر مملکتی که از روی علم وتمدن واصلاح اخلاق زیاده ترپیش رفته است منازعات ودعاوی در محاکم عدلیه ودوایر پولیس شان کمتر اتفاق می افتد .

در ممالکی که هنوز اهالی آن متحلی باخلاق نشده وجریان مسائل خلاف اخلاقی درآنها حکمفرما باشد حکومات طبعاً قوانین ومجازات را درآن ممالک شدید میگذارند ولی درجائیکه مردم متصف بفضایل وصفات اخلاقی شده باشند بعکس آنست . منبع فسادات اخلاق اساساً در یک قوم وملتی دوچیز است .

اول : جهل که مردم بوظایف وتکالیف خود ندانسته از مقتضیات اخلاقی بی خبر می مانند .

دوم : اغوا متنفذین ومقتدرین است که روح اخلاق طبیعی راهم در وجود اشخاص کشته وآنهارا بمقاصد خویش استعمال و درطرق سوء اخلاقی سوق مینمایند .

استفاده از فضایل اخلاق ومتنبه شدن از اینکه انسان دچار مراتب سوء اخلاق نشود بازهم بوسیله همان قوای فاضله ایست که خداوند متعال ممتازاً نسبت بدیگر مخلوق درو جود انسان بودیع فرموده است یعنی عقل طبیعی که بواسطه علم صیقل شده باشد وانسان بوسیله آن بین خیر وشر ، زشت وزیبا فرق میگذارد .

دیگر حسیات است که بذریعه آن انسان تأثرات خارجی را دروجود خود انتقال داده وارادات خودش را بوسیله آن تحریک می نماید .

ثالثاً اقتدار که بتوسط آن ازاعمال خود اخذ نتیجه میدارد .

در صورتیکه این سه قوه ممتازه انسانی باساس تربیه وپیروی مطالب اخلاق در در وجود انسان تقویه شده و شروع بکار و ایفای وظایف وعملیات خود می نماید ، طبعاً انسان مصدر خوشبختی شده شخص وی وهم جامعه از وجودش مستفید میگردد و بچنین شخصی اطلاق انسان و متصف بودن بفضایل انسانی جائز و سزاوار است .

طوریکه عرض شد که انسان در حیات خویش تکالیف و وظایفی را نسبت بشخص خودش و هم بجامعه دارا بوده و مدیون بتادیه آن میباشد عبارت از مطالبی است که این تفریق توضیح می یابد :

قسم اول : تکالیف و وظایف شخصیه که این هم اساساً بدو قسمت تقسیم میشود .

اول : رعایت حقوق و احترام باری تعالی جلت مجده که خالق و آفریده گار ماست وبایستی وظایف بنده گی ولوازم اطاعت و انقیاد تماماً بحضور حضرت باری تعالی بجا آورده شود .

دوم : تکالیف و وظایفی که عاید بشخص و نفس است عرض از تهذیب نفس و اخلاق و تربیه روح و جلب و اعتیاد بعبادات و ملکات فاضله بوده ضمناً رعایت حسن اداره قوی بدنی و سلامتی مزاج است بمقصد انجام و ایفای وظایف و تکالیف خویش در حیات ، سپس فراهم نمودن وسایل وموجبات یک زنده گانی آبرو مندانه ایست از طرق مشروع بوسیله سعی وعمل .

قسمت دوم : تکالیف و وظایف است که انسان در مقابل عموم تادیه و ایفای آن مجبور میباشد :

۱ : مقابل خانواده مثل : پدر ، مادر برادر ، خواهر عیال و اولاد ، غیره اقارب ؛ چه در موقع عسرت و بدبختی یا دیگر مواقع بقدریکه تو نسبت بایشان طالب رحمت و محبت و تعاون آنهاستی و آنهاتورا مقدم بدیگران خدمت و کمک کرده اند لابد از تو هم نسبت بایشان طالب رحمت و محبت و تعاون تو بوده و مدیون آنهاستی و نبایست این حق واجب التادیه را فراموش نمائی .

این قسمت مراعات و تکالیف که نسبت به خانواده مرعی میشود آنرا موسوم باخلاق فامیل و یا خانواده گی کرده اند که این مرتبه اول تجارب و تربیه عملیات اخلاقیست برای یک انسان که در صورت حسن اجرای این وظیفه و برآمدن از عهده اش ممکن است انسان در ملت و اجتماعات بشری از عهده تکالیف و وظایف عمومیهٔ اخلاقیه بدرستی برآمده خواهد توانست .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 668 of 896

۲ : ـ وظایف و تکالیف اخلاقی نسبت بملت و وطن که خود مراعات حقوق و احترام وطن و جامعه ملی و داشتن محبت و صداقت بانها عیناً بمشابه آن تکالیفی است که انسان بخانه و فامیل خود میداشته باشد .

۳ : ـ تکالیف و وظایف اخلاقی داخلی نسبت بقوانین و نظامات اجتماعی مملکت خود چه در صورتی که عموم افراد یک جامعه مواد آن را اراده و قابل اجرا شمرده اند عدم احترام و مراعات نکردن آن عیناً بحرمتی و بد رفتاری با ملت و جامعه است .

۴ : ـ تکالیف و وظایف داخلی در مقابل عموم ابنای نوع خویش : وقتا که ما احتیاج حیاتی خویش را در اثر اجتماع و کمک و همراهی آنها دانسته و احساس کردیم آنگاه فضایل و ممیزات انسانی بحکم اخلاق متقاضی است که چگونه می خواهیم در جامعه بخوشبختی و راحت زنده گی کنیم ؟ و چه احترام و سعادت و راحت و امنیت را برای خویش آرزو داریم ؟ باید برای دیگران هم خواهان و آرزو مند آن بوده باشیم .

و هم چه چیزی سعادت و راحت ما را ممکن است اخلال و یا اذیت نماید اگر ما هم آنرا بدیگران نه پسندیده و بایستی دست و زبان را از دست اذیت کوتاه سازیم .

اعتیاد بملکات عالیه

خادمین نوعی در اثر مساعی و زحمات و تحقیقات خویشتن نسبت بعلل و امراض درمعنی قوای روحی انسان ، که اساس اعمال وارادات غیر صحیحه آن شمرده می شود نتایجی را مکشوف میدارند ، و بایستی انسان نظر باین تحقیقات مسلمه معتقد شود زمام اراده و عمال وی درطریق خوب وحقیقی دردست اقتدار فکر و خیالات صحیح و باترتیب وی است یعنی درمجاری حیات درصورتیکه قوای باطنی خودرا بطور منظم و بمطالب نافع وسودمند ورزش داده و آنها را بعملیات موزون ولایق عادت میدهد آن عادت ارادی اکتسابی سودمندی را در وجود خویش مرغوب ساخته و روش نامرغوب و خصایل بد را منکوب میسازد .

فضلای دانشمند عصر از قبیل نیوتن هانن ریش لوبه ـ لینسکند ، امثالها از علمای علم الروح و علم النفس میگویند : اعمال و ارادات صحیحه ما همه تابع احساس و عکس العمل خیالات سالم شما ست ، هرگاه نتیجه صحیح و ثابت از اعمال ظاهر نمیشود ، نقصش را باید در عقول و افکار خود جستجو نمود خیال شما میتواند اراده را بصورت خوب و صحیح ویا بطور غلط ونا خوب القا وتحریک نماید مثلا خیال میکنید که حتما صبح ساعت شش بایستی از خواب بیدار شوید و این خیال بصورت جزم وتصمیم در دماغ شما تمرکز مینماید البته صبح در ساعت مطلوب بیدار خواهید شد .

(باقیدارد)

خبرهاي خارجي

تاس

وزیر دربار ایران در ماسکو

ماسکو ۱۵ جنوري ـ تیمور تاش وزیر دربار ایران در مسکو وارد گردید . در سرحد واستاسیون ماسکو استقبال خوبي بعمل آمد . نماینده هاي حکومت شوروي واعضاي کار دیپلوماتیک ، لیتوینوف کمیسر خارجه ، قره خان ونایب رئیس شوروي و آقاي پاک روان سفیر کبیر ایران درماسکو وسفراي سوئد و ناروی نیز در استاسیون حضور بهم رسانده بودند .

بتاریخ ۱۶ جنوري همراه کالنین رئیس جماهیر شوروي ملاقات نمود . وزیر خارجه ونایب اوهم حضور داشتند . ونیز با رئیس الوزرا مولوتوف ملاقات نموده است شام آنروز از طرف وزارت خارجه بیک دعوت داده شده بود . وضمناً مابین وزیر خارجه وتیمور تاش تبادل افکار وملاقات خصوصي اجري شد .

هند

لندن ۱۷ جنوري ـ اطلاع لندن مشعر است که در بمبئی از طرف تشکیلات کانگرس ملي چندین مظاهره بعمل آمده است . و درنتیجه تصادم همراه پولیس ها ده نفر زخمي وبسیار نفري حبس گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 669 of 896

فرانسه

۱۷ جنوری ـ اطلاع پاریس حاکی است که: حکومت به پارلمان پیش نهاد کرده که در وزارت حربیه یک ریاست تجهیزات جدید منظوری داده شود. وظیفه ریاست مذکور اینست که در وقت حرب سرعت تمام جمع آوری تجهیزات عسکری را نماید.

چین وژاپون

مکدن ۱۷ جنوری ـ عساکر جاپانی برای اشغال نمودن انگولیا داخل اقدامات شده اند ـ فعلاً ولایت ژنغ را اشغال کرده اند. وژنرال ژاپون ها خیال دارند که بطرف علاقه سین پیین گونه وچاز ین سوقیات کنند.

چی بی ۱۷ جنوری ـ تعداد عساکر جاپانی در خاک منچوری بالغ بر صد هزار نفر می شود. طیاره های جاپانی به بمباردمان دوام دارند، مقصد شان خراب نمودن شهر های چین میباشد. بسیاری از اهالی چین که در انجا عساکر نبودند از طرف طیاره های جاپانی بقتل رسیده اند.

استقبال از وزیر خارجه ترک

ماسکو ۱۸ جنوری ـ در وقت عبور وزیر خارجه ترکیه از راه شوروی به طهران، از طرف نماینده وزارت خارجه در باطوم مراسم استقبال بعمل آمد. اجنت کمیسری خارجه در آجرستان و قونسول ایران وقونسل ترک نیز حضور داشتند. بعد ازان وزیر خارجه توفیق بیگ ذریعه کشتی (قومین) به پهلوی رسید.

رویتر:

رای دهی نسوان در هند

۱٤ جنوری ـ کمیته های مساوات حقوق اعضای کمیته حق انتخاب هندوستانی را نیز با خود شامل نموده تا که میخواهد نسوان نیز سیاساً حق دادن رای را داشته باشند؛ تا بتوانند در تقنینیه ها بدون شرط خصوصی داخل گردند.

تایمز لندن وهند

روز نامه تایمز در قسمت مسائل شهری خود راجع به تجدید تا به ۵ سم فی صد قرض می گوید:

اعتماد سرمایه داران را به ضمانت هندوستان نه تنها یک تغیر امور مالی بلکه حوادث موجوده سیاسی نیز، که به دوائر مالی اطمینان زیادی بخشیده است تصویب مینماید. و در یک سر مقاله خود راجع به هندوستان برطانوی میگوید: هیچ چیزی ازین غیر مناسب تر نیست که در حالیکه اکثر قائدین کانگرس محبوس شده اند، اعضای برطانوی کنفرانس مزمیز ور جهت پیش بردن کنفرانس به هندوستان می روند.

کابینه جدید فرانسه

پاریس ۱٤ جنوری کابینه جدید فرانسه تشکیل شد لاوال رئیس الوزرا ووزیر امور خارجه وتاردیو وزیر حرب می باشد. در کابینه سابقه دیگر تغیری نشده است؛ باستثنای اینکه کاتالا وزیر داخله وفولد وزیر زراعت مقرر میگردند.

برطانیا وهند

لندن ۱۵ جنوری ـ سر سموئیل هور وزیر هند در عین نطق خود در مجمع روز نامه نگاران در دفتر هند دیروز گفت: ـ اقداماتی که در موضوع وضعیت هندوستان نموده شده است منتج به کامیابی گردیده است. وحکومت عزم ندارد باقدامات حاضره موجوده یک روز ویا یک ساعت پیشتر از آنکه لازم است ادامه دهد تا وقتیکه حکومت را تهدید نموده ویا جهت برهم زدن آن سعی نمایند، اقدامات مذکوره جریان خواهد داشت. تا آنکه تهدیدات مذکوره رفع شده وموافقت وتعاون بجای آن قائم شود. وحکومت برطانیا نیز با رژیم جدیدی که صورت وجود بگیرد موقتاً اجراآت خواهد نمود واز صمیم دل به وثیرای وخدمت گزاران دیگر اظهار احترام نموده گفت باوضعیت بصورت موثری مقابله نموده اند ونیز گفت عدم توافق ظاهری که در بین روانه شدن کمیته های سه گانه بطرف هند ووجود اقدامات شدید اداری معلوم می شود در حقیقت مخالف نیست زیرا، هیچ یک پیش رفت تشکیل بدون وجود قانون ونظام امکان ندارد، وراجع به اصلاح اصول اصلاح مرکزی وایالت سرحد شمال مغربی، وبنگال اشاره

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 670 of 896

نموده اظهار امید نمود که دوستان هندوستان بر اطراف پالیسی حکومت برطانیه بصورت درستی نظر نموده بدانند که یک پالیسی مکمل پالیسی دیگر است . ولیز پدانند تشکیل را که چند سال قبل غیر ممکن میدانستند در شرف رسیدن است راجع به اشخاص که در کمیته های کنفرانس میز مدور مقرر گردیده اند گفت هم نفری هندوستانی وهم انگلیسی هر دو جنبهٔ آن ذوات برای نمایندگی می باشند .

* * *

پیغام کیب تون مشعر است که تا حال کنفرانس هندی محض از مقررات مجالث میرالد و مسائل حقوق ۶۹ روز شبه متوجه شده نخواهد توانست تا بحال تمام مذاکرات موافقانه بوده و جهت کامیابی کنفرانس هر امید میرود .

ریاست جمهور امریکا

پیغام واشنگتن مشعر است که جهور باز فیصله نموده است کاندید انتخاب رئیس جمهور گردد .

رساله هندی

درمجلهٔ که تازگی باسم (رساله هندی) درتحت ادارهٔ اتحادیه جمهور هند شایع می شود و روزنامه (اندیا لیبوز) نیز با آن توحید شده است . گاندی ، بر تراند رسل ، سرجان بی لارد ، لا رس هوس من ، من این ، ولکنس مقالات داده اند . درمجلهٔ مذکوره ازا . بک ء .

خبر های داخلي

ورود

عالیقدر جناب غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجه و مستشار هیئت تنظیمیه فراه روز یکشنبه ٤ دلو از راه هند وارد کابل گردیدند .

تبادلهٔ تلگرامات

تلگرام اعلیحضرت غازي

بعنوان اعلیحضرت شاه ایطالیا

بمناسبت و ورود سال نو تبریکات دوستانه و خواهشات صمیمانه خود ماترا برای

اشخاص مهم نیز راجع به گرفتاری گاندی نشر شده است .

هند

درتنگ یوست در سرمقالهٔ خود می گوید : ولنگدن محب وعرق نشاداده است که جوان ها توانسته بود از (؟) کنند . وجهت بحال آوردن حیثیت حکومت کار می کنند واظهار حیرت می کنند که چگونه و نمرای خواهد توانست کانگرس را باوجود فشاری که بران وارد می آورد با پالیسی دادن حکومت مسئول اقناع کند ومیگوید کانگرس یگانه موسسه خوبی هند است لهذا چند نفر وزرا از کانگرس گرفته خواهد شد .

واین یک فکری است که اشخاص وفادار را کاملاً تهییج نه می کند .

سعادت ، و کامرانی آن اعلیحضرت و فامیل شاهی شان اظهار میتمایم .

تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاه ایطالیا

بعنوان اعلیحضرت غازی

از تلگرام تبریکیه اعلیحضرت که بمناسبت سال نو فرستاده اند از صمیم قلب خورسند گردیده ، از طرف خود به ابراز محبت قلبی و همچنان از طرف فامیل بحضور اعلیحضرت شما تشکرات فوق العاده را به تقدیم رسانیده محبت و خیریات و جود آن دوستم را با فامیل شان خواهانم .

تلگرام اعلیحضرت غازي

بعنوان اعلیحضرت شاه انگلستان

بمناسبت و ورود سال نو تبریکات دوستانه و خواهشات صمیمانهٔ خود ماترا برای سعادت و کامرانی آن اعلیحضرت وفامیل شاهی شان اظهار میتمایم .

تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاه جارج

بعنوان اعلیحضرت غازی

بحضور اعلیحضرت پادشاه افغانستان پیغام مهربانانهٔ تبریکیه سال نو اعلیحضرت را بکمال مسرت گرفته و خواهش دارم که بمناسبت آرزو های نیک شاهانه تشکرات صمیمانه ام را بپذیرند .

تلگرام اعلیحضرت همایوني

عنوان حشمت مآب رئیس جمهور فرانسه

بمناسبت و رود سال نو تبریکات و احساسات دوستانهٔ خود ماترا برای سعادت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 671 of 896

لق جلالتماب و ملت نجیبه فرانسه تجدید میشمائیم .

تلگرام حشمت مآب پول دومر رئیس جمهور فرانسه بعنوان ذات شاهانه

اعلیحضرت شاه افغانستان ! تلگرام تبریکیه اعلیحضرت شما مرا خیلی متأثر ساخت . اینک من و مادام دومر با کمال تشکرات آرزو و نیات صمیمانهٔ که برای سعادت و ترقی افغانستان داریم بآن اعلیحضرت میفرستیم .

شرفیابی و تقدیم اعتماد نامه

جلالتماب آقای بودار وزیر مختار دولت جمهوره فرانسه روز دوشنبه ۲۰ جدی ساعت ۱۱ قبل از ظهر با تشریفاتی معموله بحضور همایونی در قصر دلکشاه رسماً شرفیاب شده اعتماد نامهٔ خویش را بحضور همایونی تقدیم نمود :

سواد نطق وزیر مختار بحضور اعلیحضرت همایونی

اعلیحضرتا ! بنده افتخار دارم مکاتیبی که توسط آنها مرا بسمت سفیر فوق العاده و وزیر مختار جمهور فرانسه بدربار حکومت اعلیحضرت شما معتمد میگرداند ؛ تقدیم نمایم .

من خصوصاً خود را سعادتمند میدانم که رئیس جمهور مرا به نماینده گی فرانسه در کابل تعیین کرده اند بنده این انتخاب بعد از ماموریت زیاد که در شرق داشتم خود را بی نهایت مفتخر می شمارم اظهارات مفاد فرانسه برای افغانستان حقیقی و بی ریا است .

اعلیحضرتا ! ما اقامت شما را در فرانسه فراموش نمی کنم .

اعلیحضرتا ! شما در غیاب خود افسوس و حسرت زیادی در دلهای فرانسویان گذاشته اید و همدردی پر حرارتی نسبت بشما دارند .

ما به نهایت توجه جدو جهود قابل تقدیر اعلیحضرت شما را که برای اصلاح و صلح داخلی سلطنت در باب ترقیات آن از روی ملاحظه روایات قدیمه مذهبی عادات و رسوم بکار نموده اید با نظر های تقدیر تعقیب مینمائیم .

قوای من بماموریتیکه در این جا متکفل آن هستم صرف خواهد شد . این ماموریت عبارت ازین است روابط دوستانه که مملکتین ما را مواصلت داده کار کنان با حکومت شما به اعتماد و مساعدت نیک جانبین هر روز بیشتر از پیشتر آنرا نزدیکتر و محکمتر سازد .

این وظیفه عمدهٔ من در کابل خواهد بود برای کامیابی آن علاوه بر همه از اعانت اعلیحضرت شما اعتماد دارم این وظیفه سهل خواهد شد هر گاه با مدح و دوستی بنده برای افغانستان کمک با التفات که از طرف رئیس و اعضای حکومت انتظار دارم افزوده شود ، بنده از پذیرائی صمیمانه که قبلاً نسبت بمن شده از اعلیحضرت شما اظهار تشکر و امتنان دارم ، من از صمیم قلب سعادت و عظمت ملت نجیب افغان را آرزو مندم .

سواد نطق اعلیحضرت همایونی

جناب وزیر مختار ! مسرت نامه های جلالتماب رئیس جمهور فرانسه را که مبنی بر معرفی شما بسمت سفیر فوق العاده و وزیر مختار جمهوریت فرانسه بدربار ما است می پذیرم .

از احساسات بی آلایش و خیلی دوستانه شما که نسبت بان ماموریت خویش در بار ما ابراز داشته اید خوشنود هستم .

خاطره های خوبی که از لجانب حکومت وملت شما درنزد ما موجود است فراموش نخواهد شد و همیشه حسن مناسبات و نزدیکی علایق صمیمانه افغانستان وفرانسه آرزوی قلبی ماست قد میکه مملکت ما باساس حفظ شرافت ملی وترقیات آتیه خویش می پردازد ما را برای تعاون فکری وازدیاد علایق صمیمی با ملل دوست وبهی خواه افغانستان بالخاصه دولت متمدن فرانسه امیدوار می سازد .

آرزو دارم شما بکمال صحت و خوشی این ماموریت خود تا را ادامه داده باشید وما خصوصاً بارا کین سلطنت خویش توصیه خواهیم کرد که با شما در ازدیاد علایق واستحکام مناسبات دولتین از ابراز همه گونه مساعدت ومعاضدت خود داری ننمایند .

فایده سر فایده :

کسی از موسسین کتابخانه وقرائت خانه (نور) پرسیده کار وبارتان چطوراست ؟ مؤسس قرائتخانه آقای لطفی با یک لهجه طولانی وبسیار شیرین گفت خوب است ! ده یا پانزده قسم جرید و روز نامه جات داخلی وخارجی همیشه روی میز قرائت خانه مهیا است یکی دو تای آن را مردم میخوانند و باقی آن را خودم .

اما مدیر کتابخانه آقای چشتی فرمودند : من بسیار خوشوقتم که علاوه از کثرت روز افزون مشتریان کتابخانه منافع معنوی دیگری هم داریم .

اول : کتابهای مهر چه مورد استعمال قرار گرفته و دست میخورد وزکنز میشود مثلاً وقتی آقایون کتابها را یکروزه دو روزه برای خواندن بکرایه میبرند وقت پس آوردن سر و آخر کتاب همان دو سه ورق سفیدی که دارد همه پر از نوشته میباشد واگر در آن صفحات سفید گنجایش پیدا شد گاه وقتی حاشیه هم میشود .

دوم کتاب اگر نثر باشد سر و آخرش منظوم شده یا یادگار ها و دستخط های کج و پیچ پر میگردد و ایسان خوش نصیب کتابخانه میگردد از قبیل این فرد :

نوشتم من درین دیوار خانه
بماند از من مسکین نشانه

یا بیت دیگری که نزد یادکار نوسان بسیار معروف است :

نوشته بماند سیه بر سفید
نویسنده را نیست فردا امید

و همچنین فرد دیگری که با بعضی نثر های یادکاری زینت می یابد :

در پشت کتاب دوستان خط
بنویس و به یادکار بگذار

سوم در خانه بعضی آقایان اگر کدام یکی از کتابهای پدری دم دست نباشد که در آخرش آن تاریخ تولد نور چشمان خود را بنویسند کتابچه بغلی نیست و کاغذ یادداشت هم اعتباری ندارد ، درهمان موقعیکه آقا مشغول قرائت کتاب های ماست وتصادفاً تولد نور چشم شان را خبر میدهند فوری آقای خواننده سال وماه ساعت و دقایق روز ویا شب میلاد نور چشم را در پشت همان کتاب قید میفرمایند

گویا کتاب اگر یک رمان ادبی یا عشق باشد تاریخی هم میشود .

رفیقش گفت آقای چشتی راستی را نی فایده سر فایده است یا مصطلاح خدا بکسی که میدهد نمیگوید بچه کیستی همین یک قسمت سوم آن را که بینهی وخوب جرئت زنی اضافه بر فایده معنوی فواید مادی هم بسیار برمی آرای :

اول آنکه : مژده تولد نور چشمان را که بخوانی وخبر شوی دلت باغ باغ میشود که فرد نوی در اولادت وطن افزود شده ومیتوانی پس از چندی والا دین آنها را تشویق کنی که او را بمدرسه که خودت میایی برای تحصیل بفرستند وباز خودت هروقت کلان کاران در مدرسه از اسم پدر وفامیل وتاریخ تولد آن خود را مطلع نشانداده انها را تربیه کنی گویا شما کردن اشنا وصمیم بخود داشته می باشی که بمجرد اموختن سواد مشتری کتابخانه خودت شوند .

ثانی : هنگامیکه از تولد نور چشمان باخبر گردی چون آدرس صاحبخانه هم از دفتر کتابخانه شما هویدا است میتوانی از خبر دادن محل تولد به نشرح خرق های مکاتب خانه گی وسا زنده هر گرچه گشت با قال بدین ور دل یک چیز علاوه تر از کرایه شب ۳ پیسه کتاب حق الکلام بگیری .

ثالثاً ـ در اواخر هر سال اگر نفوس شماری بشود ویا کدام معاملات پیشکی روی کار بیاید یقین دوایر مربوطه با رواست . بلدیه بشما احتیاج تامی خواهد داشت خاتمتاً بسیار عفو میخواست که کیجی روزه از سنجیدن دیگر منافع آن فعلاً مانع است . غرض فایده سر فایده است که بشما حق یاد می شود .

(شماره ۳۶)

(مجلد ۵)

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ •
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره: کابل جاده اوکت
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر و نگارنده:

۴ شنبه ۱۲ دلو ۱۳۱۰ — تأسیس ۱۳۰۶ — ۲۳ رمضان ۱۳۵۰

بار یاد آوری های لازمه

در یاد آوری های گذشته متذکر شده وعده داده بودیم که دیگر مسایل جزئی هم اگر بخاطر رسید یاد داشت کرده و بمقام محترم ریاست بلدی پیشنهاد میکنیم اینک دو فقره دیگر به بهای این روزها را از نوشته نگارش می کشیم.

اولا ما پیشتر نسبت به بارندگی و کثرت گل و لای معابر نوشته و دیدیم که باید تا اندازه امکان رفع زحمت از [illegible] شود مگر این چند روزه که هوا گرم شده و شوارع عامه خشک است همان کار را که آب و گل میکرد باد و خاک میکند ولی خشنودیم که از ریاست بلدیه افرادی موظف شدند برای صفائی راه ها و جمع کردن خاک های زیادی وغیره کثافات آن اما چیزی که از طرف ایشان فروگذاشت شده رعایت نزاکت وقت و موقع است چه اینکارها عموماً باید در مواقع صورت انجام بگیرد که تردد عامه کم باشد مثلا در دیگر جاها اغلباً مأمورین بلدی به نیمه های شب و آوانی که عبور و مرور مرده از کوچه و بازار منقطع می شود شروع بکار مینمایند تا صبح و ظهر و عصر که مردم مشغول تردد و با گردش های تسلی بخش میباشند از خاک آزار متأذی نشوند.

دوم — در بازار های تنگ و تاریک که انواع و اقسام اجناس و اشیاء محتاج علیه عمومی خرید و فروش می شود و در آنجاها از دهقان و [illegible] معامله کننده ها بیشتر میباشند انتظام آن هاهم غیر از معابر دیگر و در کار گیری است که در جاده های وسیع بوده و مردم برای خرید و فروش و بدست آوردن اشیاء لوکس و اجناس تجملی رفت و آمد دارند در بازار های ارگ بواسطه که طرز ساختمان معابر آن ها باصول قدیمه و تنگ و تاریک است اسپ و گادی و موتر رانی وغیره سواری ها باید قدغن شود. اگر کسانی هیچ کار نداشته و تنها عبور از آنجا احتیاج داشته باشند هم باید با پاهای خود راه بروند چه درین روزها در سر چوک یک منظره دهشت دیدیم در دوران قطعه وسطی چوک که پیاده روها از انبوه مردم ممتلی راه پیما بودند یکنفر اسپ مستی را سوار بوده و از وضعیت راکب و مرکوب معلوم می شد که هر دوی آنها شریر بودند در همان حالیکه سواره خیره وار گذشته به بیباکی مشقت راه عبور پیدا می کرد بغتتاً موتر لاری بزرگی با بار زیادی از عقب رسیده و هارن کرده صدای بوق موتر بلند شد اسپ رم کرده و خیابان را از وحشت سوار در [illegible] مانند ماراتی که از سر گذشته اسپ خودش را مرگ مانده بطلب لشکر مقابل هجوم نمود و باصطلاح مداحان از کشته پشته [illegible] تنگی های نان بیکری های خرما و نارنج سبد های شیرینی و میوه بود که روی خاک و گل ریخته میشد و دستار و کلاه مانند کاغذ پران بهوا بازی میکرد و صدای آخ و واخ و فحش و دشنام فضای بازار را فرا گرفت مظلومین آنروزه [illegible] بود که زده و زخمی شده بخاک [illegible] بغلطیدند بالاخره خود سوار هم یک پائی بر رکاب گذاشته و با عقب بدن مانند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 674 of 896

سیاست عالم :

روس و ژاپون

ژاپون ها اردو های شمالی مانچوری چین را پریشان ساخته و تسی تسی کار را اشغال نمودند و نقطه تعدال (ولادی وستوك) که بندرگاه آزاد و مخرج یگانهٔ اقصای شرق روسیه شمرده میشود حاکم گردیدند . حال آنکه از زمان های زار الکساندر ۳ امپراطور روسیه تا کنون در هیچ گاه یکی از حکومات روس به اینگونه وضعیت میدان نداده بود .

قوای ژاپونی هایی این جاها هم قناعت نکرده به استقامت خطوط راه آهن روسیه بحرکت پیش رفت خود دوام نموده نهایت رفته رفته قول های ژاپون تا دروازه های روس پیش آمده توقف نمود .

ماري که دم آن بدست دیگری باشد در یکقسمت بازاربسه رهسپار بود .

اگرچه تکمیل ساختمان تعمیر گمرك جدید عبور ومرور موتر های بزرگ را ازین راه کم کرده ومردم را آسوده خواهد ساخت ولی باآنهم اگر ریاست محترم بلدی واداره پولیس توجهي بفرمایند ممکن است این قبیل موتر هاي باربر داري راشوارع دیگر که کم جمعیت تراند راهنمائي کنند بلکه دیگر قسم سواري ها را هم ازین حدود بازار منع کنند بهتر خواهد بود .

حکومت روسیه ازین حرکات تقدم و پیش رفت ژاپون ها تا حال با کدام اعتراض و یا معاملهٔ جدی جلوگیری نه نموده . لیکن اخیراً یکی از جراید مهم روسیه که ناشر افکار حکومت شوراني روسیه شمرده میشود چنین رقم طرازی نموده که :-

« اگر چه رویهٔ حکومت شوراني روسیه خیلي صلح پرواز نه میباشد ، لیکن این را هم تصریح می نمائیم که بعض دول و قواء و بنها ما ژاپونیا را با روسیه بسوی حرب می کشانند »

ظاهراً این دعوی دور از حقیقت نیست .

امروز از روی ملاحظات ذیل ، صلح پرور ترین دولت ها دولت روسیه است زیرا روسیه امروز در نازك ترین احوال و موقع انقلاب مسلکی آن [illegible] است حکومت شوروی امروز برای بپایان رسانیدن پروگرام پنج ساله خود جداً مشغول است امسال سال چهارم است . لیکن مشکل ترین وصعب ترین دورهٔ آن هم همین است . روس ها براي اینکه این مملکت وسیع را مرتباً بیک مملکت صنعت وحرفت درجهٔ اول انقلاب بدهند ملیارد ها روبل طلا را از خارج به اعتبار ومساعده ماشین وفابریک خریداري نموده اند وبراي تادیه این دیون روسیه صرف به استحصالات زراعیه خود تکیه داشته حال آنکه بحران زراعي جهان ثلثان قیمت محصولات زراعیهٔ دنیارا محو ونابود ساخته است . ازین جهت محصولات زراعیه حکومت شوراني امروز قیمت معتنابه ندارد والیان هاهم پول مي خواهند .

از طرف دیگر وسایط نقلیه امروز در روسیه خیلي وضعیت پریشان وبربادي کسب نموده است که تنظیم آن یک آن او لتر استلزام مي کند ، وحکومت روسیه قطعاً قرار داده است که آنرا درست کند .

از طرف دیگر صنف زراع روسیه امروز داخل یک دورهٔ تحولات گردیده است همه میدانیم که روسیه داراي صد وشصت ملیون نفوس بوده که صد وچهل ملیون آن زراعت کار مي باشد . روسیه پس از انقلاب اراضي واملاك وجاگیر زاده گان واصحاب ثروت وخاندان سلطنت را به صنف زارع داده بود ، باین زراع ازین وضعیت خیلي ممنون بوده واصول رژیم شوراني را مظاهرت مي نمود . مگر بعد ازان که در ۱۹۲۸ اصول اشتراکیت زراعي تطبیق ومعمول گردید : ازان به بعد زارع خود را در داخل تشکیلات جدیدي که مال وملك خود را مال جمعیت وخودش را از جمله نفر [illegible] مشاهده کرده ومجبور به کار دید .

روز بروز اسباب تولید عدم ممنونیت و خشنودي درمیان خلق گردید . اگرچه در مرور زمان این مسئله امکان عادت را پیدا کرده وضعیت هاي اولي فراموش شان خواهد شد . ولیکن .....؟

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 675 of 896

اینك این اوضاع موقت روسیه ، به قوت ها و دولت های که دشمن آن اند فرصت داده آنها هم بوسایط غیر مرئی و تشویقات زیره کی ژاپون ها را بر علیه روسیه سوق می نمایند .

جراید حزب محافظه کار انگلستان که امروز صاحب اقتدار است فریاد میکنند .

که پلان پنج ساله امروز دست و پای شوروائی را بسته است ، جمعیت اقوام نباید به جای گیر شدن ژاپونیا در مانچوری مانع گردد . بگذارید ژاپون با روسیه حساب خود را صاف کند .

جمعیت اقوام هم مثلیکه از امر این جرائد سر کشی نه کند ، چنانچه ژاپونیا تا در سرای روسیه رسیده کسی مانع نگردید ، بلکه متصرفین تسهیلات هم یافته خواهندبود .

اگرچه حکومت روسیه مشغولیت فوق العاده در تاسیس رژیم اقتصادی خودش داشته باشد ، باز هم صبرو تحمل یك درجهٔ خواهد داشت .

این معما که ما را قناعت میدهد که صلح جهان باز در تحت تهلکهٔ بزرگی واقع شده است .

باشد کنفرانس تحدید اسلحه یکبار دیگر هم در پاریس یا در جنو منعقد شود .

صدای دهل از دور خوش است

م . اسماعیل

افغانستان در خارج

ترجمه از جریده « خلافت »
بمبئی تاریخی ۱۳ جنوری

اشخاصیکه حین اختلال افغانستان وقایع افغانستان را مطالعه می کردند ، هر کدام بفکر خود برای اختلال مذکور عوامل تراشیده و همه وقایع را بآن استناد میداد : یکی جهل ملت و دیگری تعصب اهالی را عامل مهم میدانست .

اما اگر کسی وضعیت امروزه افغانستان را ملاحظه کند میداند که هیچ کدام این ها نبوده ، و فقط سوء اداره و سوء انتخاب افغانستان را باین بلیه ها دو چار ساخته بود ، چه ممکن نیست یك ملت جاهل و متعصب بیکدو سال از جهل و تعصب خود گذشته و تماماً طرف علم و تجدد برود .

امروز کسی که داخل افغانستان می شود می بیند که تمام ملت بیك شوق و سر گرمی بکار های خود مصروف و به ترقیات مملکت و تمدید سرك های و تاسیس مدارس به نظر استحسان می بیند . و سر تا سر مملکت شوسه ها و سرك ها تمدید می شود که باید تا ۱۹۳۲ در تمام افغانستان سرویس موتر رائی بکار بیفتد ، مدارس ابتدائی ، متوسط عالی ، مکاتب فنی ، مؤسسات اگری کلچر و صناعتی و تخنیکی ، مطابع و بعض کار خانه جات نساجی ، آهنگری تجاری ، مکاتب طبی و شفاخانه ها و سناتوریم ، و مدارس عسکری وجباخانی های عظیم الشان برای عالم عسکری یکی بعد دیگر تاسیس شده ، عمارات باشکوه برای شورای ملی و مجلس اعیان و برای وزارت خانه ها و بلدیه ها بنا و تکمیل شدند . عمارات مخروبه دور انقلاب تماماً از سر نو تعمیر و تکمیل گشته .

تعلیمات کشوری و لشکری بیك روح نو و با جدیت بر پروگرام های صحیح عصری پیش میرود ، کلب های متعدد هر مسلکت های نو ، مؤسسات خیریه دار الایتام ، کندر گارتن ها (که در شرق تاسیس است) روح قوی در جامعه احداث نموده شوق سپورت و اقامه سپورت گاه های متعدد در ملت بر حس افغان وجد و نشاط دیگری تولید ساخته .

مامورین لائق که بانتخاب صحیح ملت وحکومت مقرر شده اند بخسارات سابقه دانسته وبجان ودل می کوشند که جبیره مافات کنند ؛ اشخاص لایق و کار ازموده که سال ها گوشه گیر بودند ؛ امروز روی کار آمده ونشان میدهند که بین جاهل و عالم چقدر فرق است .

اگر کسی بوزارت تجارت ومعارف داخل شود وببیند که درهرشعبه متخصصین افغانی که در اروپا تحصیل کرده اند ؛ کار میکنند تعجب می کند که در افغانستان اینقدر جوانان با تعلیم از کجا پیدا شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 676 of 896

عالم عسکری وتشکیلات عصری سپاه افغانستان و وزارت باشکوه حربیه بانچهارنی های عظیم الشان جدید التعمیر وشفاخانه های عسکری ونهاده های نظامی که در تمام افغانستان ساخته شده دیگر عالمی را بچشم بیننده تولید میکنند . تاسیس بند های آب ونهرات جدید وجنگل های نو واعزام طلبا باروپا وامریکا . طبع ونشر کتب وجرائد ومجلات علمی ، فنی ، ادبی ، افتتاح وانعقاد مجالس و انجمن های اقتصادی وادبی ، هر کدام بنوبت خود تاثیرات عمیق در اذهان تولید نموده ، وتوده ملت را بطرف انکامل سوق می دهد .

ارکان هـای تجارتی وتقرر وکلاء تجارتی در اروپا و هند وتدوین مجلس تجارت افغانستان بفارسی وافغانی وهر گونه حرکت های بزرگ انقلاب عظیمی را در وضع تجارتی افغانستان تولید نموده و ازین است که رفاهیت بزرگی این راه بملت عاید گشته است .

اتحاد ملت وحکومت ، صمیمیت مجلس اعیان وشورا ، ریاست وزراء وکابینه ، واشتراک مساعی هردو ومجاهدت خستگی ناپذیر اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی در اصلاح وتنظیم وصداقت وفعالیت وبی غرضی والا حضرت محمد هاشم خان صدر اعظم در اجراء وترتیب امور واقامه عدل وآزادی ودلسوزی وصمیمیت مجلسین اعیان وشورا در وضع قوانین وانصرام امور وبوجه مملکت یک سلسله فعالیت وبی غرضی ووطن

توبه وندامت یک راشی

ازطبع آقای س . ظهور الدین جشتی

باز میخواهد دلم زاهد شوم
در طریق راه حق جاهد شوم
بگذرم زین عالم پرشور وشر
که ندارد هیچ کس از وی مفر
هیچ کس در این جهان باقی نشد
مستفید زین همچو مستغنی نشد
این حیات بی وفا وبی دوام
از برای ماشده مانند دام
حرص ما را سوی راه میکشد
از قضا در حبس خانه میکشد
میکند بس امتحان مردم بدان
دیدوت ظلم وستم تا کی چنین
رفته هرچه جمع بد از آن طریق
تو در حبس زوال دعوت ای رفیق
بعد از این من ترک عشق کی کنم
فکر دل دون دنیا کی کنم

خواهی را در تمام جهر یافت مملکت کارفرما شده است ، امورات کلی وجزوی بهمت ورهنمائی پادشاه و صدر اعظم و وزراء ومجلسین شورا واعیان اجراء وتنظیم می شود . وازین است که مملکت به سرعت برق بجانب تکامل ورقی وملت بنام نیل ترقیات بنظر امتحان نظر می کند . چه حکومت صحیح و انتخابات بجا است وتوجه بامور اساسی وجوهری مملکت که مفید ومثمر است مبذول می شود .

قاضی عبد الجبار افغان میاخیل

بابد از پند پدر آموخت فن
گوش کن وپندش همی گفت این سخن
در راه حق جوی بسر در این جهان
مستقیم اندر طریق راست مان
حق پرستی کن اجتنابی جاهلان
پاس هر چه دو مقارزی بدان
زاهد بی معنی وجاهل مباش
عالم دو رای عمل غافل مباش
تنبل وغفلت از خود دور کن
این قضا را علم جو در نور کن
باش حق گو حق پرست وحق پسند
کس نباید زین طریقت ها گزند
منقی عالم از ازادی نکو ست ،
جان من السالات مخصوص اوست
معنی تقوی بود ترک گزند
معنی حاصل میکنی این ره پسند
فکر نیکو باش همچو گره متقی
هرکسی بی سازدت آخر شقی
از دل این جهان دشمن هوش
میکند آخر ویرانت خروش
هر کس را همدوطن خود
وهم کس را حال همچشان خود
آخرین یک حرفکی گوشم هشو
جاده کعبه رفتن به تو رود ،

* * *

ای که خواهی نفس را سازی اسیر
آخرین پندش بفکر خویش گیر
گر قناعت را بخود رهبر کنی
کی کسی را مضطر و نوکر کنی
هر که ظلم وفتنه در عالم کند
پادشاه از ازان منشاء رم کند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 677 of 896

بقلم آقای غلام جیلانی‌خان عطفی؛
اقتباس از مجلهٔ کابل:

اخلاق

– ۳ –

اعتیاد به ملکات عالیه:

پس اگر تصمیمی در خیال و ارادات با طبع خود کرده و آنرا به مقصد اعمال مستحسن معتاد می‌سازد البته ارادت و اعمال ظاهری از حدود خود و اعتدال تجاوز کرده نمی‌تواند.

برای اینکه انسان از عادات خوب و ملکات فاضلهٔ خویش یك حظ روحی برده و به عکس آن یك انقباض و تأثری در روح پیدا شود، یك قوهٔ محکم را خداوند متعال در باطن انسان خلق کرده که آنرا «وجدان» می‌نامند. و از خصایص اعمال وجدانی این است که فرق بین اعمال خوب و بد گذاشته در صورت بروز اعمال صالحه و خوب انسان در روح خود یك مسرت و انبساط و از ارتکاب اعمال سوء و غیر حسنه مقابل نفس خود یك خجالت و سرزنش باطنی احساس می‌نماید همین احساسات خوب و ناخوب باطنی عمل و فعالیت وجدانی انسان را ظاهر می‌دارد و گفته می‌شود که وا قعاً قوهٔ شریفه نام وجدان

در وجود انسان موجود است.

ولی چون از فرط عادات بدی ومشق رذایل یك نوع تسلط قاهرانه در اخلاق وطبع طفل کرده، و رفته رفته ضمیر را زنگ‌آلود وقلب را قسی میگرداند البته در چنین انسانی فعالیت وجدانی مختل شده، تأثیراتش روح را خوب‌تر تألم یا انبساط داده نمی‌تواند؛ چنانچه چشم‌های علیل و تاریك از مناظر زشت یا زیبا کمتر محظوظ یا متألم می‌شوند.

هرگاه انسان در میدان ارتکاب و عیب و مبارزه در حیات حاضر شده و مایل باشد: طرزی بر پیچ و تاب زندگانی را بدون مخاطره و مغالطه مثل فضائل اخلاق، مقتضیات انسانی را در بین رزمگاه، و ولوله و آشوب مفقود نکند، یعنی از حدود تکالیف و امر و نواهی وجدانی خارج نشود، لا محالت موقع ارتکاب عمدی یا تصادف به یکی از اعمال خلاف اخلاق سرزنش و تحقیرات وجدانی را تماماً گردن نهاده، نفس خود را معتوب و متعلق به نکوهش بداند و نادم باشد. اینست سرزنش و از پیچ وجدانی را که ملت عمال زشت در نفس انسانی تولید اضطراب می‌نماید.

اگر انسان مطیعانه آنرا تلقی میکند، البته آینه خودش را از تکرار اعمال سوء حفظ و برای پرهیز کاری وتقوی قوای باطنی خودش را مستعد گردانیده خواهد بود.

اشخاصیکه برخلاف این سرزنش و تادیب وجدانی، به لجاجت و بیبا

لای وجدان خود فشار را نگرفته، و مقابل ارادت آن یك نوع رذایل ترشی و فتاوی غیر معقول قائم؛ و با قناع وجدان خویش می‌کوشند.

گویا آنها عمداً خود را در گرداب عمق جهل و بدبختی پرتاب کرده، و وسیل دارند دیدهٔ روشن بطن خویش را کور گرده و برت گشتی عدم را بادیده لاابالی استقبال نمایند.

همت بلند ونیروی عقل واستعداد عالی وکمال انسانی در قبول و اعتیاد ملکات فاضله و خصائل حمیده خیلی قوی وتوانا از کفایت است: چه، وقتاً که انسان عظمت مقام عقلانی وقوهٔ بزرگ اراده وتصمیمات خویش را درکارهای مبارزه، از قبیل اختراعات وکشفیات وغیره سنجید البته سهل است که برای معتاد شدن یك عده ملکات وخصائل خوب تصمیم کرده، ودیگر خیالات خود را بدین عقیده مجبور و مأنوس بسازد.

عادت یك عامل بزرگ مؤثر است که خود ارادات انسانی را بهر طریقیکه میدان داشته باشد می‌کشاند، وقتاً که انسان خصائل خوب یا بدی را اعتیاد ومشق می‌نماید، البته عادت محبت ارادات و اعمال او را بطرف خوبی سوق میکند، ولی در اول وهله عادت را به مقصد حصول ذری اعمال صالحه وملکات فاضله جز بعزم وتصمیم تسخیر کردن ممکن نمی‌شود، یعنی شخص معتاد باید وقتیکه مقابل آن آماده باشد تا تصمیم نکند که از مقدار گذشته کمتر باید استعمال

وه امروزی خصلت ابهم نیست،
چونکه وحشی مقدار درفهم نیست
زان سبب او رم کند از هرچه هست،
عفو باید کرد وحشی هرکه هست.
رم مکن زان خصائل بی رونق
تا که هر فردی از باشد شفق

نباید البته باین عمل معتاد شده ، نخواهد توانست .

عزم وتصمیم قطعی ولا یتزلزل خصایل خوب ملکات فاضله را در عادات تمرکز داده ومطیع آن میگرداند !

مثلا انسان تصمیم می نماید که هیچ گاه زنهارا بدنام ومذمت معتاد نخواهد کرد ! و به مقصد نفاق انگیزی بین هم نوعان وسیله قرار نخواهد گرفت ! وگوش را به شنیدن الفاظ بی فایده وسخن چینی حاضر نه می نماید ! ودست را بحق غیر باذیت نوع دراز نه می کند ! چه این چیز ها همه مغایر اخلاق وبر خلاف اوامر وجدانی ومضر شرافت انسانی است !

پس آنرا مرتکب نه می شود بلکه هر زمانی از این افعال تفرقی در خیال وضمیر خود می پروراند ، البته رفته رفته با یك تصمیم وثباتی درین راه ، این ملکات جز وعادات وی قرار گرفته ، اعمال ناخوب را مرتکب نخواهد شد ! وضمناً باینوسیله ملکات عالیه را تملك خواهد نمود .

هم چنان برای غلبه ونفوذ اخلاق ردی وخصایل مذمومه ، همین طریق اعتیاد است ؛ که اگر انسان حسیات وعواطف مجبه را مغلوب هوسات وطغیان شهوات ساخته ، ضمن در تصمیم او طاری وبمقابله قیام ورزد ، لذا عادات ردیه در انسان نفوذ کرده واوا دات واعمال اورا به چاهای پستی می کشاند .

فقط غلبه وموفقیت انسان درین مبارزه مربوط به این است که از قوه ممیزه و وجدان درتفریق خصایل وملکات زشت وزیبا کمك وهم خواسته ، وبه نیروی عزم وتصمیم عادت را مطیع اعمال و کار های خوب قرار دهد .

(غ ، ج اعظمی)

از روزنامه « ایران »

انگلستان وسرنوشت او

(۲)

یك قصهٔ مناسب :

در پایان این مقاله قصه ای گوئیم :

دو مملکت بود که سابقاً روابط و مناسبات اقتصادی آنها کاملا دارا ورضایت بخش و پسندیده بود . هرچه از یکدیگر خریداری میکردند بهمان اندازه بیکدیگر میفروختند . بدین ترتیب در مدت چندین سال مبادلات ایشان کاملاً معادل بود و به هیچ وجه اشکال و حتی در کار شان راه نه می یافت . بهمین جهت صنایع شان روز بروز کاملتر وبهتر میشد وترقی این صنایع ومنافع آن بیشتر وقطعی تر میگردید .

خداوند ، یا شیطان آن روزی که تفرقه وجدائی در بین بشر ایجاد کرده و برای هریك سرحدات وحقوق وامتیازات وزبان مخصوص معین نموده ، مثل این بود که از روز اول این دومملکت را برای آن آفریده که اگر محصولات و منابع شان را بروی هم ریزند از همه حیث برای زنده گانی انسان حتی از حیث مخارج و موزنج زیادی وتجملی او کافی خواهد بود بدین معنی که یکی از ین دو مملکت ذو غال ومشین و آلات تهیه میکرد ، ودر مقابل منسوجات ابریشمی و شراب های گوارا و میوه های شیرین ، غلات طلائی و گل های رنگارنگ و هزار چیز دیگر که برای زنده گی و برای تزئین آن لازم است به مملکت همسایه خود میفرستادند .

یك روز اتفاق افتاد یکی ازین دو مملکت که یك عصر نیك بختی و خوش گذرانی کامل و درتعقیب آن تجربیات و از مایش های شقاوت آمیز سیاسی قوت نیروی کار کردن را تا حدی از دست او بدر برد ملاحظه کرد که دو سررشته کار خودرا از دست داده است . نشست وپلان خود را تشکیل داد و مطالعه ورسیده گی کرد تا بخوبی بداند این بد از کجا بوی روی آور شده و این شر از کجا گریبانش را گرفته است . بالا خره نشستند و بر خواستند و مطالعات وگفت و شنود ها کردند تا به علت بد بختی خود واقف شوند .

چند نفر بر حرف فضول که همیشه از اینگونه اتفاقات استفاده میکنند وشکرابی بین دوستان ایجاد می نمایند بمیان افتادند وآب را گل آلود کرده به خیال خودمسئولیتی برای این بد بختی ترتیب دادند و نتیجه آن شد که مملکت مزبور با نهایت ساده گی تصمیم گرفت که ازان به بعد از هیچ جا وتقریباً ازان همسایه ودوست قدیمی خود هم چیزی خریداری نکند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

ولی معهذا به معاملهٔ او ادامه دهد یعنی اجناس و محصولات خود را باو بفروشد .

عقلا و وزراء کسانی که حکومت این مملکت را بدست داشتند باحسن الطمینان بخش گفتند :

« اگر چنین کنیم کیسهٔ ما همیشه باز خواهد بود ولی نه برای پول دادن بلکه برای پول گرفتن و این سبب خوش بختی و کامیابی ما خواهد شد » .

این رویه وفور مولی ساده ، بسیار ساده ، بی اندازه ساده بود .

خیال کردند که مردم مملکت هم سایه معتقد به دستورات مسیح (بلکه مستخلق باخلاق مسیح هستند) یعنی اگر سیلی یك گونهٔ ایشان زده شود تسلیمی می کنند وطرف دیگر صورت خود را بطرف سیلی زننده می گردانند ومی گویند :

قربان دستت یکی هم باینجا بزن ! یعنی خیال کردند که باز هم مملکت هم سایه جوال جوال پول می آورد واز اشیای این مملکت میخرد . در صورتی که اشیاء و اجناس خود او تحریم شده ونمی تواند چیزی بفروش برساند . از اینجا معلوم شد که مملکت اول را مرد مالی خوش عقیده و خوش باور وخوش بین بوده است .

این قصهٔ مملکت فرانسه و مملکت انگلستان است . که ملاً وضع ماو آن مملکت بدینگونه است اگر انگلستان صنایع فرانسه را مشمول حد اکثر نرخ گمرکی که مسیو رنسیمن از روزشنبه آینده پیش نهاد خواهد کرد قرار دهد صدمات بزرگ بر صنایع ما وارد خواهد آمد وباید تدابیر عاجلی اتخاذ گردد .

وزیر تجارت « مسیو » لوی رون « از مدتی باینطرف این وضع را پیش بینی کرده وفکر آن بوده است . قرار نامهٔ ای که او تهیه کرده وبرای جبران تنزل مبادلات و « بر قرار کردن تعادل گمرکی بصورت قبل از این اوضاع » تست بتاریخ اول ماه اوت گذشته است این قرار بدون اینکه هم سایه گان بتوانند شکایتی داشته باشند اجازه داد که بطور استثناء مملکت مدفا کاری کرده ۱۵ درصد بر نرخ گمرکی محصولات انگلیس بیفزاید در صورتیکه تنزل لیره ۲۵ درصد از صادرات ما کاسته بود . حتی « مسیو لوی رون وزیر تجارت شروع » اتخاذ تصمیماتی کرده بود که باقراری که قطعاً موسیو رنسیمن مشغول تهیه آن است بسازد .

بنابر این ما می توانیم باکمال شدت در مقابل تصمیمات وتدابیری که بر علیه محصولات وصنایع فرانسه اتخاذ می شود استقامت وپافشاری کنیم . ولی باز هم باید امید وار بود که انگلستان هنوز مبتلای تب حمایت مصنوعات داخلی است و صبر باید کرد که تا این بحران برطرف شود ورزودی دیده خواهد شد که مملکت ماوراء دریای مانش با بهترین مشتری خود مانند ممالك دیگر رفتار نخواهد کرد ودر فکر ملاحظهٔ جالب خواهد بود . حقیقت مابیش از هر مملکت دیگر از امتعه ومصنوعات انگلستان خریداری میکنیم . بر عکس انگلستان در مقابل امتعه آلمان وایتالی وحتی دانمارك بیش از معامله ای که با ما میکند وبیش از چیزهای که از ما میخرد پول میدهد . بنا بر این جای شبهه وانکار نیست که ما کاملاً حق اعتراض داریم .

گاهی زبان ارقام از زبان کلمات و اقوال گویا تر است . بدین جهت ارقام ذیل را این چند روزه که در انگلستان بودم از رسمی ترین وموثق ترین منبع انگلیسی بدست آوردم . در ضمن ناگفته نماند که این ارقام حق ناشناسی های بی حدو حصر را که نسبت به فرانسه می شود نمایان می سازد .

در شش ماه اول سال ۱۹۳۱ انگلستان به فرانسه دو ملیارد و ۲۰۰ ملیون « مال التجاره فروخته واگر کلی ها را حساب کنیم دو ملیارد و ۴۷۸ ملیون می شود و در مقابل دو ملیارد و ۵۴۶ ملیون از امتعه واجناس فرانسه خریداری کرده است .

به خوبی دیده می شود که تعادل و توازن این مبادلات چقدر کامل وخصوصاً برای هم سایه گان ما چقدر رضایت بخش است . زیرا در صورتیکه در مطالعه در ارقام مداومت کنیم . می بینیم که درهمین مدت شش ماه انگلستان از امریکا شش ملیارد و ۴۰۰ ملیون متاع خریداری کرده وفقط مبلغ یك ملیارد و ۵۷۵ ملیون بوی فروخته است ، و واردتش از امریکا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 680 of 896

خبرهای خارجی

تایمس

انقلاب در هسپانیه

پاریس ۲٤ جنوری ــ اطلاع پاریس مشعر است که در بسیاری علاقه جات و ولایات (بارسلون) عملیات حربی انقلابیون روی کار آمده است . مبارزه صورت عمومی را گرفته است و دهاقین و کارگران بر خلاف پولیس می جنگند .

انقلابیون در هر جا پولیس ها را هزیمت داده و قبه و هم شهرها را تصرف

مبلغ ٤ ملیارد و نیم کمتر و صادرات به آن مملکت بوده است . از آن ۳ ملیارد و ۵۵۰ ملیون خریداری کرده و ۲ ملیارد و ۱۳۵ ملیون بوی فروخته است ، یعنی یك ملیارد و ٤۱٦ ملیون کمتر صادر کرده است . خریداری او از او تین ۳ ملیارد و ۲۲۸ ملیون و فروش او یك ملیارد و ۸٦ ملیون ، یعنی ۲ ملیارد و ۱۵۲ ملیون کمتر بوده است .

سوالی که از مسیو تعیین کرده شود است :

آیا اگر انگلستان با مملکت فرانسه که خرید و فروش او با انگلستان یك میزان است همان معامله ای را که با ممالك دیگر (یعنی با آنهائیکه بیشتر مال میفروشند و کمتر می خرند) میکند روا دارد کاری از روی شایستگی و عدالت می کند و آیا این اقدام طاقت خوشی برای انگلستان خواهد داشت ؟

(اشپا) (ژاك دو ساك)

می شوند . در (برگر) (سلاتون) و (سلاسون) حکومت بدست انقلابیون در آمده است وعلم های انقلاب را در آنجا ها بر افراشته اند .

چین و ژاپون

شانگهای ۲٤ جنوری ــ قوماندان کشتی های جاپانی که در سواحل چین لنگر انداخته اند ، به حکومت شانگهای اولتی ماتوم فرستاده ، و خواهش نموده است که حکومت چین ، بزودی خواهشات و تقاضای ژاپون را پذیرفته قناعت حکومت ژاپون را حاصل نماید .

خواهشات مذکور عبارت از پراکنده نمودن تشکلات ضد ژاپونی است .

و از کشتی های جنگی ژاپون بغرض تقویه التی ماتوم فوق به شانگهای رسیده می روند .

رویتر

اعتصاب در هسپانیه

۱۸ جنوری ــ اطلاع برسلون بیان میدارد که ۲۵ هزار نفر کارگران قسمی امروز اعتصاب نموده اند ، و اگر اقتضاآت شان داده نشود در سرتاسر (کاتلونیا) اعتصاب قائم خواهد گشت .

در عین زمان سندیکالیست ها در تمام مملکت به تاریخ ۲۵ جنوری اعلان اعتصاب کرده اند .

دیروز یك عده از دختران به جرم اشاعه نمودن اوراق اخلال انگیز گرفتار گردیدند ، بصورت اغلب یقین است که برضد سری اعتصاب بعمل آورده

در هسپانیا موقع گرفته است ، بخود میگیرد . و سبب اختلافات خونریزی گشته است که در اثنای آن ۱۸ نفر مقتول و شصت نفر مجروح شده اند و زیاده از ۱۰۰ نفر گرفتار گردیده اند .

حادثه خط آهن

پیغام ماسکو مشعر است که حالا اجازه داده شده است تفصیل حادثه مخوف خط آهن را که در بین (کوستان) و (رحتو سکیا) در نزدیکی ماسکو واقع شده است اشاعه نمایند .

بتاریخ ۲۰ جنوری دو قطار ریل با لوکوموتیو های خود مورد این حادثه واقع گردیدند و در اثر آن ٦۸ نفر کشته و ۱۲۰ نفر مجروح شدند . حالا مفصل آن شایع شده است که ۱۱ نفر راجع به این حادثه گرفتار گردیده اند .

ترمیمات جنگ

۱۸ جنوری ــ در حالیکه یك اخبار ... می گوید : « کنفرانس ترمیمات که در ۲۵ جنوری در لوزان عقد شده بیست برای پنج ماه معطل خواهد شد » ، به تصدیق رسیده است . از علائم چنان معلوم می شود که اگر کنفرانس مذکور عقد شود هم محض بنابر رعایت وقت مبنی بوده و آنچنان از مسائل مهم بحث نخواهد نمود تا آنکه نتایج انتخاب عمومی فرانسه و انتخاب رئیس جمهوری معلوم گردد . و در عین زمان معلوم گردد که کنفرانس خلع سلاح چه صورت پیش میرود غالباً در لوزان اعلان التوای

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 681 of 896

قرضه هوور) تا به ۱۵ دسمبر که دوران تاریخ متفقین قرض امریک را پرداختنی هستند ، توسیع نموده خواهد وشاید دوران وقت دل اعضای کانگرس امریک نرم شود ، از دوایر سیاسی دانسته شده است که ایطالیا و برطانیا حاضرند به جرمنی بدون مشاورت با امریک ترمیمات طویل بدهند . مگر فرانسه میل ندارد ، قبل از آنکه امریک نیز مایل باشد از مطالبات خود را ترک کند ، از هیچ یکی از حقوق مقدسه خود صرف نظر نماید ، دانسته شده است در صورتیکه میکدونالد ولاوال پرولد موسولینی نیز حاضر خواهد بود به لوزان برود .

۱۹ جنوری ـ تاریخ کنفرانس لوزان وهیئت ترکیبی نماینده گان هنوز فیصله نشده است ، یک اجنسی نیم رسمی فرانسه بیان میدارد که هنوز معلوم نیست که آیا کنفرانس مذکور عقد خواهد شد یا نه ؟ وآیا نماینده گان عبارت از رئیس الوزرا ها و وزرای مالیه خواهند بود ؟ یا عوض متخصصین ها در حالیکه در بین امضاء کننده گان پلان (یونگ) در باب آوردن موضوعی برای موافقه موقتی ترمیمات جاریست دو دو از بین الملل این فکر اخلی ترقی نموده است که فعلا حل کامل مسئله خارج از بحث میباشد قرار یک بیانیه غیر رسمی فرانسه وبرطانیا راجع به عوض تجدید اعلان التوای هوور ، در حق جرمنی برای شش ماه ویا یک سال دیگر قریب است که موافقه حاصل شوند . در عین زمان قرار یک

چیزیکه دیگر مدیونین اروپائی امریک که با جرمنی قرض دارند ، اعلانی اصدار می کنند که امریک باید بصورت شرط توسیع اعلان التوای قرضه به جرمنی با ایشان نیز هم چنان معامله کند واگر در بین مواضیع به موافقتی برسند ، کنفرانس لوزان دردیرن موقع خود به خود بی لزوم خواهد گشت . چه تا یک سال دیگر از اصل مسئله بحثی به میان نخواهد آمد ، مگر جلسهٔ متخصصین جهت طی یک موافقه در باب توشیح اعلان التوا ضروری است ؟

امریک رهائی گاندی
را تقاضا می کند

۱۹ جنوری ـ نیویارک ـ امریکائی ها تلگرامی به میکدونالد رئیس الوزراء انگلستان فرستاده واز او تقاضا نموده اند که گاندی را رها نموده در حل مسئله هندوستان اظهار تعاون نماید ، در تلگرام مذکور ۱۰۶ نفر قواد ملی امریک از امضاء کرده اند .

امریک از معیار طلا صرف نظر
نه می کند

نیویارک ـ امریک از معیار طلا صرف نظر نخواهد کرد .

قرار بیان یک نفر متصدی صاحب از بانک ، حالت بانکی مملکت خیلی طاقت وی تواند با هر اقتضای دفعی خارجی ها مقاومت نماید .

واشنگتن ـ لاوال رئیس الوزراء فرانسه راجع به امکان توسیع اعلان التوای هوور از امریک استفسارات می نماید .

اعتذار جاپان از سفیر کبیر
انگلیس در توکیو

توکیو ۲۰ جنوری ـ یاشی زاوا وزیر خارجه جاپان رسماً از نزد سر فرانسس لندلی سفیر کبیر برطانیا متعینه توکیو به نسبت حادثه شب گذشته اعتذار نموده است . حادثه مذکوره باین صورت واقع شده که یک چند نفر از اعضای موسسه معروف به (کنکوکاکای) جبراً داخل سفارت کبری گردیده با سفیر ملاقات خواستند تا بر خلاف حبس گاندی اعتراض کنند ولی سر لندلی از دادن ملاقات امتناع نموده ودر جواب اعتذار یاشی زاوا لندلی تحریر نموده است که باین معامله مجری نمیدهم .

امریک از اوروپا
خود را کناره می کند

۲۰ جنوری واشنگتن ـ حکومت امریک به فرانسه اطلاع نموده است که اوروپا باید مسئله قرض خود را بدون مداخلت امریک فیصله کند .

ترمیمات جنگ

۲۱ جنوری ـ وزارت خارجه انگلیس بیان میدارد که مذاکرات ذات بینی حکومت ها عوض مربوط به کنفرانس لوزان بود هنوز طی نشده است . وظاهر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 682 of 896

است که کنفرانس بتاریخ ۲۵ جنوری شروع نخواهد شده . فعلاً مذاکرات مزید جاریست و حکومت برطانیا امید دارد راجع به مراسمی که در چند روز باید اتخاذ نموده ، به فیصله اطمینان بخشی واصل گردند .

۲۱ جنوری - پیغام پاریس مشعر است که در پاریس دیگر امید ندارند از واشنگتن راجع توسیع اعلان التوای قرضه مکتوب و یا پیغام دیگری بگیرند لهذا امید میرود فرانسه تنها و یا به معیت برطانیا و متحدین که مدیون امریک میباشند ، به واشنگتن اطلاع بدهند که فرانسه تا زمانیکه از جرمنی پول نگیرد نه می تواند تا دیه قروض خود را جاری داشته باشد . و مسئله کنفرانس لوزان هنوز غیر معین است .

فرانسه والمان

قرار اطلاع دیگر پاریس دیروز در کمیته وزار تخارجه الحاق میمونین جنرال بورژوا و موسیو اپکارد بیان مهیجی نمودند که جرمنی باوجود معاهده (ورسای) عسکر مثنی را تهیه نموده میرود . این دو نفر مامورند که راجع به مسائل مربوط به تسلیحات رایپورتی بدهند که در آینده راجع به آن بحث نموده شود و بیانیه شان در کمیته تزعرق نمود .

ژاپون

توکیو ۲۱ جنوری - باشی زوا وزیر خارجه موجوده دریک بیانیهٔ خود در مجلس حکومتی بیان نمود :

منچوریا کلید امنیت شرق قصی است وتاکید کرد که جاپان در منچوریا از روی جهان گیرانه ندارد واز اساس های (پالیسی ازاد انه) ودادن موقع مساوی به همه دول طرفداری خواهد نموده ، و راجع به تحریک ضد جاپانی در چین گفتگو نموده بیان نمود که حکومت چین مخالفت جاپان را تحریک وتشجیع می کند ، وباالد به بیطرفی وعدم مخالفت حکومت سویت (روسیه) اظهار اطمینان کرد .

التوای ترمیم

قرار اطلاع لندن بیانیه وزارت خارجه را راجع به کنفرانس ترمیمات لوزان (که در فوق ذکر شد) عموماً بصورت قبول کردند که معنی آن عبارت از التوای حتمی کنفرانس مذکور می باشد .

المان وفرانسه

پیغام برلن مشعر است : — دوائر رسمی بر بیانیه جنرال بورژوا و پکارد (که در فوق بزیر عنوان فرانسه والمان ذکر شده است) تمسخر می کنند و می گویند این سخن یا ساخته گی محض و یا تحریک مخالفانه است .

خبر های داخلي

تنظیم امورات
پستی وتلگرام

آقای رحیم الله خان مدیر عمومی پست وتلگراف قبلاً بامر مرکز برای تنظیمات امور پستی وتلگرافی غزنی ، فراه ، قندهار ، هرات بامتخصص پست ودیگر نفری بصورت هیئت انتظامی عزیمت نموده بودند . معزی الیه پس از انتظامات لازمه در امورات پستی وتلگرافی صوب ماموره بمرکز مراجعت نموده اند .

اینک راپورتیکه باداره از کار روائی شان واصل گردیده اجمالش قرار اینست :

۱ : — در غزنی تاسیس یک تلگراف خانه بیمدار وتنظیم دفاتر پست وتیلفون وتکمیل سامان لازمه آنرا نموده اند .

۲ : — دفاتر ماموریت مخابرات قندهار وتحویل خانه قبه آنجا را باصول تازه تنظیم نموده وتعلیمات وسررشتهٔ اصول دفترداری امور مخابرات آنجا را بمعاونت متخصص المانی انجام نموده اند .

لین های عمومی تلگراف وتیلفون متعلق ولایت قندهار را معاینه فرموده اند وبما مورین تمدید هدایات لازمه داده اند علاوتاً سامان لازمه را از کابل طلب نموده وبکار انداخته اند .

۳ : — در فراه هم چون امورات پستی پریشان بود مامور مخابرات آنرا برطرف نموده اند وبکنفر کاتب مخابرات آنجا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 683 of 896

را که نسبتاً فعال مشاهده گردیده بصفت وکیل موقتاً مقرر نموده اند وجداول دفتر مخابرات را که طور نمونه با خود داشتند به وکیل مذکور تعلیم داده اند وامورات مخابرات را تنظیم نموده وخطوط تلگراف وتیلفون را معاینه واصلاحات لازمه دران فرموده اند .

٤ : — امور مخابرات هرات وسرحد کشک وسرحد اسلام قلعه را با خطوط تلگراف آنجا ولین جدید را که بطرف مرغاب میرود ملاحظه فرموده واقدامات لازمه در اطراف آن فرموده اند .

درحین بازگشت خود بقندهار امورات پستي وتلگراف آنجارا نیز بدرستي انجام نموده عازم مرکز شده اند .

عزل ونصب

محمد عمر خان خزانه دار ویزه کوهستان بواسطه باقیداری او که در تفتیش ظاهر شده از کار برطرف وعوض او علی احمد خان ساکن کوهستان که جایداد وضمانت خط شرعی خود را بحکومت تقدیم کرده است مقرر گردیده .

طردو جریمه

مبلغ ۱۳۰۱ افغانی و ۳۱ پول که در حساب خزانه میدان تکرار موضوع شده بود لهذا میرزا عبد الله خان مامور مالیه میدان که در حساب خزانه دقت نکرده بود سه روزه قطع معاش وخان محمد خان خزانه دار که مظنون باختلاس پول گردیده سه سال طرد ملازمت گردیده وپول مذکور هم از نزدش حصول شده .

تلگرام اعلیحضرت غازي

عنوانی حشمت مآب فون هندنبرگ رئیس جمهور المان :

بمناسبت ورود سال نو تبریکات و احساسات دوستانه خود ما را برای سعادت آن جلالتماب و ملت محبوبهٔ المان تجدید مینمائیم :

تلگرام جوابیه حشمت مآب رئیس

جمهور المان بعنوان ذات شاهانه :

بحضور اعلیحضرت شاه افغانستان! بنابر لطفی که اعلیحضرت شما بمناسبت ورود سال جدید اظهار نموده بودید صمیماً تشکر کرده محبت اعلیحضرت و ترقی افغانستان را قلباً خواهش میکنم .

مکافات

ع ص ، محمد حسین خان معین اول وزارت مالیه که در ناحیهٔ قطغن وبدخشان در سرکوبی اشرار در ریاست ع ج وزیر صاحب حربیه بذل مقدرت ورزیده بود از حضور شاهانه باعطاء نشان استور درجه (اول) نسبت به فعالیت وخدمات وی مفتخر گردیده است .

تشکیل دوائر احصائیه

زراعتی ومال مواشی

برای اینکه اطلاعاتی از مقادیر و انواع بذر وکشت ، و تعداد و انواع حیوانات همه ساله در دست بوده و در طی سنوات ترقی و تنزل آن بدرستی محسوس شود و نیز ـ با آن از عوارض واقعه هم معلومات در دست باشد ، مدیریت عمومی زراعت ومعادن یک مدیریت در مرکز وهم چنین برحسب درجات ٤ مامورین و ٤ سرکاتب در ولایات وحکومتی های اعلی جدید آ برای ترتیب احصائیه های زراعتی ومال مواشی ، به مقام مربوط پیشنهاد ، ومنظوری حاصل داشته ، وفعلاً درصدد است ، بزودی دوائر مذکور را در مرکز و ولایات تشکیل نموده بکار آغاز نماید . (اقتصاد)

از چند مواضع کار آن

معطل شد

برحسب اصول تعمیرات باید امور عمرانی از قبیل ساختمان ها و تمدید طرق و شوارع وغیره تماماً از مناطق برفگیر معطل شود ، امور تعمیرات متعلقه وزارت تجارت مبنی برین اصل در نقاط ذیل معطل شد :

شوسه شکاری : اگرچه قسمت ما ورای شیر یا اقسام شکاری وتمام خطوط راه اصلاً زیاد برفگیر نیست ، ولی قسمت های کار غالباً در دره های کم عرض بود که عمله در اوقات کار کمتر می توانستند از نور آفتاب استفاده کنند چون این ایام موسم سرماست ولو آنکه برف هم باشد ، حین مشغولیت ، از یک طرف کارگران را سردی هوا دچار زحمت می نمود واز طرف دیگر از نقطه نظر اقتصاد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 684 of 896

گرمی هم ، بودجه معارف وزارت تجارت تولیدی کرد ، زیرا حاصل ابجرفی را که دولت در روز های گرما از یخ و نقر عمله منتظر بود ، درین ایام بر آورده نمیشد لهذا کار شوسه شکاری را از تاریخ اول جدی الی ۱۵ حوت معطل نمود ، و بر حسب امر مدیریت عمومی زراعت و معادن و معابر هیئت تسطیح و تمدید آن چند روز قبل بمرکز احضار شدند .

* * *

هیئت تعمیر بند سرخ آب لهوگرد و مامورین آبادی بند چرخ ، هیئت بند زه خان غزنی هم چند روز قبل بر حسب حکم وزارت تجارت بمرکز احضار شده و امور بند های مذکور نیز بواسطه سرما معطل شدند .

اقدام بامور عمرانی مشرقی

در ولایت مشرق موسم زمستان چندان اثری ندارد ، برای اینکه امور بواسطه سردی هوا و نزول برف در سایر نقاط مملکت (قطغن) معطل میشود ، در ولایت مشرقی بر عکس میتوان این ایام را بانفریح خاطر ، و استفاده از روایح عطر آگین آن کار کرد .

زیرا ایام زمستان برفی ، که در اکثر از نقاط گلها ، سبزه ها ، جنگلها و بالاخره مزارع را می پوشاند و مانع امور فلاحتی و عمرانی میشود در مشرقی محاسن و زیبائی طبیعی تمام مملکت جمع میشوند ، آنجا مواهب قدرت بصورت یك کلکسیونی در میآید و انظار بیننده را فروغ و روشنی میبخشد ، گلهائی هر رنگ با هم آمیختنی و امتزاج خواهر نبا تی خود که چهره نی را قدرت بانظار دوستان زرد نموده (نارنج) از وار دان پذیرائی میکند ، مردم ازین نشاط و لذت بخورسند میشوند ، و حسن کتبی برای کار در خود احساس مینمایند .

اینك وزارت تجارت هیئت بند زه خان را بمرکز احضار و مامور نمود که بکار نهر سراج و بهر دکه و حفر چاه بهشت بتی کوت (مشرقی) که در مواد ۱ ، ۵ ، ٦ پروگرام اقتصادی سال جاری وزارت تجارت منظوری حاصل شده آغاز نمایند واز کشیدن یك نهر جدیدی بهشت بتی کوت که در پروگرام سال ۱۳۱۱ زیر نظر است پیمایش نموده صورت آن را بوزارت تقدیم نمایند .

معلوم میشود ، یعنی از روز شنبه ۱۹ جدی هیئت ماموره از مرکز حرکت کرده و الحال مقدمات کار خود را آماده نموده و بکار آغاز کرده اند .

(اقتصاد)

از هر طرف

تحریم امتعه جاپانی
بایکانه سلاح چین

یك « کمیته ضد جاپانی » برای نجات وطن ، در چین تاسیس گردید .

این جمعیت کوچك ، برای نجات وطن ، نشان میدهد که در نظر چینی ها تحریم امتعه جاپانی یك آله مدافعه بوده ، و در حقیقت هم مخوف ترین سلاح چینی ها گفته می شود . کمیته مذکور راجع به عمل نمودن و دانستن تحریم چنین توصیه می کند :

۱ ـ خود داری از خرید و فروش حمل و نقل ، و استعمال اموال جاپانی .

۲ ـ نرساندن مواد اولیه و غیره اشیای لازمه برای جاپان .

۳ ـ مسافرت نکردن در کشتی های جاپانی ، و ممانعت از حمل و نقل اموال تجارتی ذریعه کشتی های جاپانی .

٤ ـ از گرفتن اسکناس بانك های جاپانی و از گذاشتن پول در بانك های جاپانی خود داری کردن .

٥ ـ برای جاپانی ها کار نکردن .

٦ ـ کارگر های جاپانی را استخدام نکردن .

۷ ـ از اعلان و پروپاگند اموال جاپانی جلو گیری کردن .

۸ ـ جاپانی ها را پذیرائی نکردن .

حاصل زمین داری

در مجلسی صحبت از کسب وکاسبی وحرفه های دستی وماشینی بوده وفواید آن منقول وغیر منقول را تعریف و تمجید میکردند. از راه عمومی برآن قرار گرفت که بر گزیده ترین کسب وپیشه زمین داری است وهر که میخواهد آسوده نشسته ویک جا بیفتد وبخورد باید چیزی زمین زراعتی بدست آورد.

یکی از رفقا گفت: من دراز عده چندین قبه ملك دارم وامسال هوس کردم اقلاً ازین ملك فراوان افطار رمضان را تامین کنم. بدها فهمیدم وصاحب کاران خبر دادم اگر دیگر حاصلی از املاك من نمانده باشد، یك مقدار برنج هم اگر بفرستید خوش وقت خواهم شد.

چیزی نگذشت که برنج رسید، ولی زحمت مهمانداری چندین نفر صاحب کار ودهقان که حامل ده سیر برنج بودند، ذائقه آنرا بکام من تلخ تر از زهر کردند. تا خواستم مهمان ها را مرخص کنم قاطر مهمان که آنرا برنج حمل کرده بودند مفقود گشت.

پس از دو سه شبانه روز که تو دالان وکوچه ها وبازار بالا وپائین دویدیم وقاطر بدست آمد، دو سه نفر دیگر پی ما را گرفته وبه مهمان های ما افزوده شد.

یکی شیرینی میخواست، یکی جو که چند شبه قاطر ودیگری پول حاجی گری.

وقتی خوب حساب کردیم، چندین مواقع قیمت برنج حاصل زمین داری از جیب آقا صرف شده ...

کسی بود عقل آنها را بالا کند:
زمین داری خوب است بشرطیکه خود مالك دهقان باشد.

سحر خیزی

شخص مذهب الحالی در ماه رمضان هر شب بخانه تاکید می نمود که سحر اورا از خواب بیدار کنند. وقتی هم که بیدار می شد باچشم های خواب آلود وروی ناشور، عجله تمامی شروع میکرد، تا صبح نشده بخوردن غذا ادامه داده باشد. بسیار بر میخورد ومی خوابید صبح که بیدار می شد پشیمان شده روزه را هم می خورد.

باز شب دیگر وقتی که برای سحر خیزی خودش بدیگران توصیه اکید میکرد، یکی گفت:

ترا که روزه نمیگیری چه باعث است همه شب از خواب شیرین بلند شده و خیزی؟

جواب داد:

نیاز نه میخواهم روزه نمیگیرم، سحری هم نخورم میخواهی بلکل کافر شوم!

پیش بینی افطار

دیوانه بی دندانی را گویند در ماه رمضان غوره لك (زرد آلوی خشك) میخورد تا با روزه داری مصادف شد دهن خود را محکم بست گمان کرد کسی نخواهد فهمید، طرف که از بر جسته گی های گونه (دو طرف دهان) او فهمیده چه خبر است، گفت:

ـ ای تا قلا روزه میخوری؟

ـ نی بابا جان، دندان ندارم، دو دانه غوره لك را از حالا این جانم کرده ام تا وقت افطار براحت نهارا بلمیده باشم.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 686 of 896

مولف : ا. پلانیه فرانسوی (۲۹) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل شانزدهم

(جدا)

مارشال همیشه به اصول جمهوریت صادق مانده وسلطنت ناپلیون را یك انقلاب منظمی تصور میکرد که در حکومت آن بعوض قانون دائما سربازان جا گرفته بودند .

ناپلیون از وضاع ی ساخت خود او وزبان حاضر جواب مادام لا مارشال همیشه به خوف می بود . از بسیار وقت ها می خواست بپاداش خدمات بیش قیمت او صلهٔ بزرگی که نشانهٔ دوستی ومحبت او شده بتواند باو بدهد . محاصرهٔ دانزیخ یك موقع خوبی را برای این بلان ناپلیون مهیا کرده بود . —

ناپلیون با قدری که ورت خاطر گفت «زن تو ! آه . بلی یاد دارم — لاسان ژین لــه فیبور راست بگو آیا تو در حقیقت مشتاق این زنت هستی ؟

مارشال : — اعلیحضرتا ! چرا چنین یك سوالی را از من میفرمائید ؟ من وکاترین یکدیگر خود مانرا باندازه پرستش دوست میداریم . آیامن مشتاق زنم هستم ؟ عجب یك سوالیست ! امپراطورم ! زنم ، وبیرقم چیز هایست که در مقابل آنها حیاتم قــدر یك سر موهم قیمت ندارد . من تقریبا آ مادنی هستم بسیار کم به مکتب رفته ام ولی این سه چیز را با وجود کم علمی به مهارت کرده می توانم : —

به امپراطور خدمت کردن !

زنم را دوست داشتن !

عقابی را که به من ازطرف امپراطورم سپرده شده است حمایه کردن !

امپراطور فکری را که میخواست اظهار کند بایك تبسم پنهانی نموده گفت : —

«له فیور ، هیچ لازم نیست که باین یك مسئله بی اهمیت اینقدر بر انگیخته شوی . بعد ازانکه از (دانزیخ) فاتح بر گردیم ، هیچ گاه کوشش نه خواهم کرد که ترا از آغوش محبوبه ات دور کنم . بیا ای رفیق خوب من میدانم که باوجود زبان دراز و اوضاع ساده و آزاد خانمت خیلی پاك طینت و با وقات اگرهــم مردم خفیتاً رو بخندند باز هم مجبور خواهند شدکه در مقابل او زمین خدمت را ببوسند . »

له فور سرش را خاریده گفت :

« آه ! حالا میفهمم که اعلیحضرت در باره شمشیر من اشارهٔ بوده است که فرموده اند ! اعلیحضرت میخواهند علاوه بر مارشالی امتیاز دیگری هم به من عنایت کنند »

اعلیحضرت رجا میکنم عفو مائید این سه چیست ؟ »

ناپلیون : « چه ... گفتم دانزیخ را بگیرم ؟ »

له فیور : « خواهم گرفت . » این را گفته وسلامی امپراطور داده از بارگاه امپراطور باتمنات مسرت بر آمد .

ناپلیون از عقب او نگریسته باخود گفت : «

« یك مرد خیلی دلیر وشجاع . افسوس که این گونه هیروها رفته رفته بی فایده ثابت خواهند شد ، زیرا اصول محاربه روز بروز تغیر می نماید .

شاید فن حرب ترقی کند واصول جدید ایجاد گردد ، ولی له فیور ! و ناپلیون باز دیده نه خواهند شد . کسی که بی مانند خواهد دید . »

فصل هفتم

(تسخیر عشق)

منظرهٔ ۲۷ اکتوبر ۱۸۰٦ (برلین)

یکی از مناظری بود که که در عظمت وشکوه باکی از تماشا هــای مجالل از منهٔ قدیمه هم سری می نمود . مثــل جوش طلائی (روما) عساکر فاتح (اردوی اعظم) ناپلیون مظفر ومنصور در پایتخت دولت منهزم پروس داخل می شدند . از طلوع شفق همه اهــالی شهر بتردد بودند دریچه ها ، برنده ها ؛ وحتی سقف های عمارات از تماشا بینان پر بوده ، تامنظرهٔ نابغهٔ را تماشا کنند . جادهٔ بزرگی که از (شارلوتنبورگ) تاقصر سلطنتی امتداد می یابد از یك جمع غفیری مرکب از هر طبقهٔ اهالی ، مملو

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 687 of 896

بوده و یکبال بیصبری تا ساعتها در هوای سرد اکتبر انتظار می بردند . افسانه های زیادی راجع وقایع فوق العاده که ناپلیون وعساکرش را بدروازه های برلین رسانده بود از یک دهن بدیگر میگذشت . ولی ازین فتح مکمل باندازه جرمنها دلباخته وخوف زده بودند که جرئت اظهار نفرت یاغضب را بر علیه فاتحین خود نداشتند .

حس تجسس و آرزوی یک نگاه بر روی ناپلیون ، هیروی جهل محاربه مشهور و تباهای عساکر فاتح و مغلوب ناشده و جبران دنیا ، بر احساسات دردناک این اهالی مسخر غلبه کرده بود . این هم گفته میشد که این بار اولست که قیصر فرانسوی بر سیاهیات و تجمل فتح خودش پابند گردیده است و موقع اجرای این آرزوی خودش را در برلین یافته است !

بالاخره بعد از انتظار زیاد دروازه های (شار لوتنبورگ) که تمام صبح بسته گذاشته شده بود باصدای موزیکان عسکری وطرمهای جنگی وهم همهمه آه و افسوس اهالی باز شد .

چنانچه ناپلیون وعده کرده بود اولین شخصی که برأس عساکر مظفر داخل شهر گردید ، مارژور تیبور چیبان بلند قامت بم اندازان ، گارد های امپراطوری بود .

حینیکه از زیر رواق بزرگ باکم های فراخ میگذشت کلاه پوست خرس او در هوا از همه سرها بلندتر می نمود . چوب بزرگ خودش را علاوه . از هر وقت به جوش وخروش حرکت میداد ستاره که بر سر سینهٔ او بدست شخص امپراطور زده شده بود قدری زودرخشنده گی خودرا بروی صاحب خود هم منعکس میساخت در عقب تیبور چیبان ستونهای بزرگ آن عفریت منشان که تا سالهای درازی موجب حیرت و تعجب تمام یوروپ شده مانده بود یعنی گارد های امپراطوری بود که با لشهایت در میدان (واترلو) از طرف ورزبان (میشلاند) محو ونابود شده بودند .

دنبال شان دق ماندهٔ دسته جات پیاده که در محاربهٔ (جنا) حصه گرفته بودند روان بود . یک انقطاع و بعد ازان جماعهٔ درخشان ژنرال ها و مارشال ها بودند که از میان شان (داووست) ، لهفبور برتیه ، اوژرو ، ممتاز بنظر می آمدند . بعد از ژنرال ها بیک فاصله کمی امپراطور باعظمت و جلال بر اسب سفید مشهور خودش سوار ظاهر گردید ؛ در عقب او جنگل ضخیم رساله که باچهره های مهیب خود بدل های ناظرین حیرت و دهشت می انداخت روان بوده جلوس را خاتمه میداد .

ناپلیون بعد ازانکه کلید های شهر را تسلیم شد ، نهانده گان ضوابط شهر را پذیرفته بسیار کوشش نموده که از ارادات امنیت خواهانهٔ خود ایشان را مطمئن بسازد . اوامر اکیده ناقده برای قیام نظام وامنیت داده وبرای ممانعت وقوع مناقشات دربین سربازان واهالی علاج های لازمه را پیش بینی نمود .

بمجردیکه ضوابط بلدی رفتند وامپراطور میخواست که کار خودش را باکاتبان خود شروع نماید که حاجب مارشال لهفبور را اعلان نمود .

ناپلیون صدا زد : « بگذار بیاید لهفبور مقید باجازه نیست ، من یاد شاهان را منتظر می دارم ولی مارشالهای خودم را نمی خواهم انتظار کشند » .

حاجب : ـ « باخود یک لیوتنان جوانی را همراه دارد وخوف نمود که اعلیحضرت نتوانند او را بپذیرند » .

ناپلیون باقدری حدت : « میگویم بیاید هر که باوست باکت ندارد ، زود بیاید » .

لیوتنان جوانی که لهفبور می خواست بامپراطور تقدیم کند ها روت پسر خواندهٔ او بود ناپلیون چشم خودش را بر مرد جوان دوخته بطریقهٔ عادی کوتاه خودش پرسید :

ـ عمر تو !

ـ اعلیحضرتا ۲۱ :

ـ خیال میکنم درفقد چارم هوسار ها وژنرال توهم لاسال وخودت هم پسر خوانده لهفبور هستی !

لهفبور از طرف پسر خواندهٔ خودش که در حضور این مرد بزرگ هراسان بنظر می آمد جواب داد :

« مارشال او را از میدان حرب (زیباب) بفرزندی برداشت » .

ناپلیون : ـ زیباب هم یک محاربهٔ خوبی بود ایس تو آب حلالهٔ حقوقات را از آتش (جینا) گرفته ؟ این یک

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 688 of 896

شروع خوبی بوده است کاپیطان ».
هانزبوت بالهجهٔ شرمگین گفت : —
« اعلیحضرتا ، در کلمهٔ روز بوده ام » .
امپراطور یکه خورده ، ناپلیون یکی از
شایقین حاضر جوابی بود ، ازین جواب
هانزبوت او را بدرجات در چه محظوظ
گردانیده ، گفت :
« خوب من ترا کاپیطان لقب دادم
آیا چنین نیست ؟ پس تو کاپیطان خواهی
ماند درجهان ژیبان ، اگر دراینجا موضع
خالی قرباشد مورد بالاستقلال ، بعد از
جنگ آینده برای تو جای خواهد یافت
پس تو از آنکه این محاربه ختم شود
ترقی بالای دارای هر کس در پیش است »
له‌فور یک قدم پیش رفته گفت :
« اعلیحضرتا من از طرف پسر خوانده
ام بحضور اعلیحضرت تشکر عرض میکنم
زن من بشنیدن این خبر بسیار ممنون خواهد
شد ، رتبهٔ که باین پسر مرحمت فرموده
اید ، بوجه احسن مستحق است ، اعلیحضرت
باین سرباز دلیر عدالت فرموده اید . »

ناپلیون : — له‌فور آیا او شاگرد تست ؟
له‌فور : — اعلیحضرتا یکی از شاگرد
های که بدان مفتخرم ، وبطرف هانزبوت
برگشته ایراد نمود :
« پسرم خدمتی را که کردهٔ عرض کن
تا امپراطور تو بفهمد که مستحق نوازش
شاهانهٔ شان هستی ! »
هانزبوت قرمز شده متردد ماند .

له‌فور : — « بلی پیانو در مقابل شذیق
تیار بودی ... »
هانزبوت : — « نی طور من از شذیق
محبوب تر است . »
امپراطور با یک تبسم صدا زد : « آه
این هوسار دلیر من مثلیکه شذیق را
گرفته است ؟ میخواهم تفصیلات آن
معمارا بفهمم ، همین حالا خبر تسلیم غیر
مترقبه شهر را شنیدم ، ولی هنوز از
تفصیلات خبر ندارم ، آن چنین یک موضع
مستحکمی را مانند (شذیق) گمان میکنم
پسر خود تنها گرفته باشی ؟ »
هانزبوت : « اعلیحضرتا یک دستهٔ
مختصر از سواران با خود داشتم .
له‌فور باز حرف را از دهن پسر
خواندهٔ خودش گرفته گفت :
(باقی دارد)

اعلان

یکقطعه زمین من روی متقرب هشتاد جریب که آنحوره آن علاوه یک کاریز خصوصی خودش پنج شبانه روز ذکاریز مشهور کرام خان از ستحه‌ق شرب دارد در موضع افشار آنانی ملک مو روثی خود را میفروشم آقایانی که شوقمند زمین داری بوده و بخواهند از یک ملک وسیع و پر حاصل استفاده برده باشند بخانه نمبر (۱۰۸) واقع قلعه حیدر خان گذر الدراني رجوع فرمایند تا آنها اطمینان کلی داده میشود که در موضوع قیمت آن موافقت فیمابین حاصل آید .
غلام حسن

* * *

کورس فرانسه — انگلیسی — ترکی

آقایانیکه مایلند یکی از زبان های فوق را بصورت خصوصی تحصیل نمایند
بالشرایط سهلی از طرف موسسه کتابخانه وقرائتخانه نور پذیرفته میشوند
وبرای ثبت اسامی خودها بخود کتابخانه نور یا اداره انیس مراجعه نمایند .

کتابخانه نور

محل فروش ومطالعه همه نوع کتب دوره‌های فارسی فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .
کتبیکه جدیداً به تهیه آنها موفق شده ایم قابل دیدن است درقرائتخانه نور همه نوع جراید ومجلات داخلی وخارجی برای مطالعه موجود است .

(شماره ۳۷)　　　　انیس　　　　مجلد ۵

اشتراک سالانه　۱۲ افغانی
محصول پوست　۲　»
خارجه　۲۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارگ
موسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر و نگارنده : [signature]

۲ شنبه ۱۹ دلو ۱۳۱۰　　تاسیس ۱۳۰۶　　اول شوال ۱۳۵۰

بکافه مشترکین عظام و همه خواننده گان گرام و هموطن نزدیک و دور بالاخره بهر فرد مسلمی که درین ماه صیام بوده و به این روزها شامل سرور این عید مذهبی میگردند، با نهایت احترام عرضه میداریم :

عید شما مبارک

هیئت اداری جریده و کارکنان مطبعه انیس آرزو دارند این عید و امثال این اعیاد را برای همیشه آقایان عزیز درین خطهٔ مصفا و وطن زیبای ما بمنتهای امنیت و رفاهیت های عمومی ترقیات مملکتی و استحکام وحدت ملی، اتحاد و اتفاق قومی و سعادت های فامیلی بسر برند.

ترجمه از مجله الهلال مصر :

مکالمه با روح مردگان

خاطرهٔ مترجم

چون موضوعیکه آنرا برای خواننده گان خود ترجمه میکنم علاقه بعالم ابدیت و عالم سعادتیکه قدر ایمان داشتن بآن را کسی میداند که در روح و لذت دوقیقرا چشیده باشد، از این رو نا مناسب نبود که یک خاطرهٔ که حین ترجمهٔ این واقعه بیاد مترجم راجع باهمیت ایمان بعالم ابدیت گذشت، پیشتر درج نمائیم.

بلی! عالم ابدیت عالم سعادت است. و باید عالم سعادت باشد زیرا آخرت و عاقبت این کائنات دور و دوار بر انتظام میباشد و طبعاً باید دانست که این عالم ابتدائی با رونق و جمال است باید بارها عالم ابدیت از این عالم پر جمالتر و پر انتظامتر باشد خصوصاً وقتیکه ایزد تخیل کنیم که این عالم حالیرا چیزیکه بنظر ما دور میسازد همینستکه بداوری خیر و شر است. ولی در

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 690 of 896

آنجا شر ساقط خواهد شد و تنها خیر میماند . پس باید عالم ابدیت عالم سعادت باشد .

و این سعادترا که در نظر من مطلوبتر و مرغوبتر میسازد وعده های شیرین و تجلیات پر لذتیکه قرآن مجید وعده فرموده . اگر چه پهلوی آن وعده ها وعید ها است . و همچنیکه آن وعده ها مرا پر ذوق میسازد طبعاً بعضی اوقات تصور وعید ها هم لرزه باندام من میاورد زیرا بشر هستم و همچنیکه جوهر خیر در من است از داشتن یك جنبهٔ شر خالی نخواهم بود . مگر هر چند این ترسها زیاد شود . و یا هر چند که آن وعید ها شدید باشد باز هم آن عالم ابدیت لابدی بنظرم شیرین است . زیرا آیهٔ شیرینی در قرآن مجید بنظرم میخورد که همیشه در وقت ترس همچه ستارهٔ امید پیشروی من میدرخشد که فرموده [قل یا عبادی الذی اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً] هر بیم و خوف را از آن عالم پوشیده از دلم دور ساخته است .

ولی در اینجا من نمیخواهم در دلایل سعادت ابدی بپیچم . چه انواع ماهیت آن عالم مستور را حواس ما درك كرده نمیتواند . تنها به اینقدرا کتفا میکنم بعد از این حیات محدود یك حیات ابدی دیگری شروع میشود . و در آن حیات ابدی تمام معانی سعادت را ایمان دارم اما چیزیکه میخواهم آنرا توضیح بدهم اینکه سعادت این عالم بسته باعتقاد داشتن بآن عالم ابدیت است و چنانچه در اول گفتم قدر لذت ایمان داشتن را بآن عالم کسی میداند که درد و الم شك و لذت تدقیق و تحقیق را چشیده باشد .

بلی ایمان داشتن بآخرت اول سعادت دراین حیات است . زیرا سعادت عبارت از اطمینان و آرامی دل است ، واگر دل آرام و مطمئن نبود بهترین حال این عالم بدترین . وشیرینترین آن تلخترین است . بیچاره است کسیکه این اطمینان را دل او نداشته باشد . زیراهرشب وروز این حیات را بر آتش میدید . . . [و در این عذاب هم حق بطرف اوست] چه حالت شك مدهشترین رنگهای زندگی است . از کجا آمدم ؟ وبرای چه ؟ کجا میروم وبرای چه ؟ بلکه هر کدام با چشم خود می بیند که در هر ثانیهٔ که بر این عالم میگذرد ملیونها مخلوق نیکو کار با یك دل پارمان سپرد خاك میشوند ، وملیونها ظالم خونخوار با غرور می میرند . که اولها نیکی را جز بدی ودومیها بدی را جز نیکی ندیدند . وعلی هذا در هر ساعت عالمهای بی توازنی وغلبهٔ شر بر خیر بنظر میآید . از این رو اولین سوالیکه بعد از این تصور بپیشروی انسان میاید همینستکه :

« آیا خاتمهٔ این کائنات پر انتظام و پر جمال همین خواهد بود » ؟

ودر پیدا شدن همین سوال سعادت یا شقاوت انسان شروع میشود . ولی طبیعی استکه جواب آن :

ی . . . ! وهزاران ی . . . ! میباشد .

زیرا هر خورده وبزرگ این عالم بل هر ذرهٔ از ذره های آن کمال نظام ودقت . منتهای جمال ورونقرا نشان میدهد . البته درنزد قدرت عظیمیکه پیدا کردن این همه نظامها ورونقها آسان بود حل کردن این مشکلهٔ که خوردتر است یعنی توازن دادن بین خیر وشر باید ازهمه آسانتر باشد : بلکه آن قدرت عظیمیکه آفتابها باین عظمتشان ومهتابها باین جمالشان . وستارگان باین تعدادشان . و آسمانها باین فراخیشان بالاخره تمام کائنات باهمه موجوداتشان ذرهٔ موی از نظام وخواصیکه برای آنها تعین فرموده تخلف کرده نتوانند ، البته این بشر ضعیف بارها عاجزتر از تمرد وعصیان خواهد بود .

بلکه دراین کائنات عظیمیکه هیچ ذرهٔ ولو سادهٔ آن بی خاصیت وبدون فایده یا سببی خلق نشده است ، نمیشود که این مخلوق عجیب و پر رنگ که احترین رتبه های مخلوقات را اشغال کرده است یعنی انسان بی سبب وبی فایده وباسر و بی یا خلق شده باشد . و این خاتمهٔ ظاهری که آنرا مرگ مینامیم خاتمهٔ حقیقی نه ظالم و نه مظلوم خواهد بود . والبته این سلسلهٔ موجوده آن که نقصش نمایانست حلقهٔ دیگری برای خاتمه وتوازن خواهد داشت . زیرا هرچند تعمق کنیم می بینیم که تمام مظاهر حیات بشری عبارت از یك سلسله ابتدائیات است . وهر چیز و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 691 of 896

هر رنگ در حیات بشر موجود است الا خاتمه . پس برای تکمیل‌شدن آن ابتدائیات و برای پیدا شدن خاتمه این سلسلهٔ دراز بشر . باید حلقهٔ دیگری باشد . بلکه همیشه وقوع حادثات توازن خیر و شر که باصطلاح خود آنها را (عدالت غیبی میناميم) و دائما فکر ها را مبهوت میسازد داشتن ایمان را بـودن یك حلقهٔ دیگری بعد از این عالم قو ی تر میسازد . و چنانچه در شروع گفتیم اندازهٔ سعادت و اطمینان انسان در این عالم بسته باندازهٔ یقین داشتن است باین حقیقت . وبیچاره کسیکه دل اولین ایمان با یقین را نداشت در کال شقاوت و بدبختی دورهٔ این حیات‌را طی خواهد کرد . وکه میداند که در آنعالم چه حال خـواهـد داشت . زیرا بیچاره آنوقت بیك حقیقت خیلی تلخی دچار میشود که تمام این کائنات بر انتظام . و موجودات بر جمال را بنظر او منفور خواهد ساخت و چه تلخ‌تر از این نتیجه باشد که انسان مصایب والام و مظالم و فجایع این عالمرا بی خاتمه و بی درمان بیند ... اما تنها و تنها چیزیکه همه سرور و مظالم عالمرا منظر آسان بسازد . و هر درد و پریشانی را اطمینان وتسلی ببخشد تنها ایمان داشتن بعالم آخرت خواهد بود . گویا سعادت در این حیات بسته بایمان است .

ولی کدام ایمان ؟

نه همان ایمانیکه پدر یا استاد در من پیدا کرد . وخیلی خوش بخت هستم که عوارض حیات ومطالعات زندگانی مرا بتبدیل آن موفق نمود . بل اینتبدیل نه بزرگ آن زیرا اگر چه هر دو یك ایمان است . ولی فرق بزرگیکه دارد همینکه آن ایمان بیم بود واین ایمان امید . و معلوم استکه من حیث لذت و اطمینان و تسلی چقدر فرق بین هر دو ایمان است . یعنی میخواهم بگویم که از آن ایمان دل من مرتعش و منقبض و افکار من محدود وخوفناك ولی از این ایمان دل من آرام و مطمئن و افکار من آزاد وروان حتی امیدوار است گویا در انوقت اگرچه مؤمن بودم ولی شقی اما کنون مؤمن هستم خیلی سعید . و چون میدانم که درد مندان من ؛ یعنی کسانیکه دردور طفولیت درس ایمان‌راایمانند من گرفتند بسیار است . ازاین رو بی مورد نخواهد بود که قصهٔ آن درسهای خود را نقل کنم ، تا مرادیکه از ذکر کردن این خاطره دارم واضحتر گردد .

بل در جملهٔ سعادتهای که بدوم برایم سنجیده بود درسهای ایمان است . ولی راست بگویم ـ اگرچه در حسن نیت آن مرحوم شکی ندارم ـ که آن درسها خیلی مشووم بود ؛ چه مرا مدتی از تمتع بلذت واطمینانیکه ایمان دارد محروم گردانید . اینك تفصیل اولین درسیکه از ایمان به آخرت گرفتم تا جاییکه رعایت وقت خوانده و توضیح مطلب اقتضا می کند ، مختصراً مینویسم .

در عمر ۹ ساله بودم روزی صبح از خواب بر خواستم تمام خانه را ولوله و گریان وچهره ها را نشان غم و مصیبت گرفته بود . طفل بودم و از شیرینهای طفولیت خواهد بود که سبب را ندانسته از صمیم دل هر یك غم و شادی دیگران میشود . شنیم مرا نفهمیده با نیرچیده بولوله آمدم . بلکه صادقترهم بودم زیرا دیگران تنها اشك میباریدند اما من فغان انداخته بودم . چند روزی باین حال گذشت طبعاً از همه خسته تر شده بودم چنانچه خاصهٔ طفولیت است جز سینهٔ مادر علاجی برای تخفیف این خستگی نداشتم . ولی در این چند روز هرچه بالبدم پیدا نبود . از هر که میپرسیدم جز ریختن اشك جوابی نگرفتم . حالا که مادر نیست از حیث شفقت روی پدر آمد . بعد ازسوال زیاد آن مرحوم روزی [شایدناخواسته] بمن گفت که مرد . طبعاً سلسلهٔ استنطاق خود را دراز کردم تا بدانم کی میآید ؟ او هم شاید بخیال مشغول ساختن فکر خود سؤالات طفلانهٔ مرا ذریعه گرفته و از حقیقت مرگ که هر کس مردنی است . وبعد از این دنیا عالم دیگریست که همه یکجا میشویم بیان داد . در آنجمله طبعاً فلسفهٔ نیکی و بدی . با عذاب ومکافات هم آمد . ولی چنانچه گفتم این درس شومی بود . زیرا در آن سلسله از رنگ های عذابهای آخرت که انسانهای قوی هیکل و پر دلرا بلرزه میارد . چه حال که بمن طـفل برسد . شنیدم . ومختصر از تمام قصه این را فهمیدم که ما برای این پیدا شدیم که این عالمرا در عبادت و ترس از خدا طی کرده و در آنجا برویم تا نیك وبد ما رادرترازو تول کرده در مقابل هر بدی که از ما صادر شده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 692 of 896

باشد عذابهای که مخیلهٔ بشر از آن موش لعتر تصور کرده نتواند اینم (ابدی نوره) گویا محبوبترین مخلوقیکه دوستی را بمن یاد داده بود یعنی « مادره » در آنجا رفت تا نیك و بد او در ترازو گذاشته شود و بمقابل هر بدی اینکی از آن عذابهای که از شنیدن آنها هنوز لرزه دارم خواهد دید.

در آنوقت که محضور پدر ایستاده واین حقیقت جلی مولمرا میشنیدم طفل بودم چیزیکه یاد ندارم ریا و یو شدن منافی الضمیر بود . از این رو بود که خاتمهٔ این درس بر خوف من قلق تدی گردید . باعث اینکه الفاظ یا شایسته از قبیل اعتراض وتقیدیکه در خاطرم گذشت بیان کرده بودم ، ولی در آن حینیکه دردهای مادر را در وقت تول کردن نیك وبد فکر میکردم این قلق رسید وفکر را معطل کرده بالعوض مجبور شدم آنچه را که پدر گفت یقین کنم . زیرا فهمیدم که فکر کردن در این موضوع قلق پدر را موجب میشود گویا این اطمئنین بود حالا دعا لیکه بعد از این قصه دود سند من شده است فهمیده باشد که من چرا آن درس اول را شوم قرار دادم . زیرا این قلق که موجب یقین شد در آن دقیقه که بر روی من خورد جولان فکر مرا محدود ساخت وباز از آن دقیقه فکر من در هر چیز نشوونمو طبعی خود را گرفته و وسعت یافت الا در دایرهٔ ایمان که بهمان درس ابتدائی محدود ماند . زیرا انجداب

آن بصورت مخیف گذاشته شده بود .

ولی اگر تنها همین حادثه میبود شاید عوارض رنده گی وتبدلات دور گذار قرادیکه خاصیت دارد اثرش را میبرد . اما بد بختانه در جملهٔ دوستان پدرم معلم دینیات مدرسه بود . که طبعاً در ملاقات اولین خود سفارش لازمه را برای تحکیم معتقدات من داد . وشاید معلم من این سفارش را دلیل ضعف موهبات خود دانسته بود زیرا در اولین ساعتیکه در اطاق درس آمد . مرا خواسته ودو سوالی از معلومات من را جع بعالم ابدیت پرسید . البته این سوال او درد های گرانیکه از تصور حالت مادر مسکین در مقابل آن ترازوی بیم ناك که پدرم حکایت کرده بود بدل پنهان داشتم . واز زمین کوشش فراموشی میکردم بشور آورده واگرچه جواب عبارت از همان معلومات مولم پدر بود . ولی این مدقع نمیشد از اینکه لهجهٔ درد ناك مرا پوشاند . زیرا جواب های من تمام نشده بود که فلك در بین آمد . ومعلم سخن مرا قطع کرده گفت ابدا ایمان بر یقین در تو پیدا شود . که آن یقین را همین فلك پیدا خواهد کرد . ویا هـای مرا بست . گویا آخرت زنده عذابی بنام آن دیدم . وبحساب استاد خود هم یقین مطلق داشتم . زیرا فی الحقیقت بر یقینتر از عذاب آخرت در من معتقدی نبود .

این گویا نمونهٔ از مسئلهٔ درسهای عالم ابدیت بود که باید مرجع امیدم باشد

که از تفصیل گذشته تنها نتیجه را بگویم : در خیال من «بهشتر وبمعشتر و مولمتر والحاصل بر عذابتر از عالم ابدیت چیزی حاصل نشد . لاچار غیر از اینکه از نام آن گریزان شوم . وسعی کنم که آنرا فراموش کنم دیگر چارهٔ نبود . اما از طرف دیگر مجبور بودم که تسلیم داشته باشم . زیرا قرار گفتهٔ استاد که قلق وفلکه در من یقین پیدا کرده بود . ولی بسا تنها من فهمیدم که آن تخمین استاد غلط بود . زیرا وقتیکه تبدلات آن فلکه وآن قلق وآن پدر خوش نیت وآن استاد از بین بردمن ماندم واین عالم . وروزگاریرده ها وفضا های این کائنا را از روی نظر میگذشتاند والا جیات چه در خودم ویا در هوا ملکه اطراف من بود مایوسیت وبدبینی ونفرت را رواه میداد . هیچ آن تعلیمات ناقص وآن یقینیکه موجبش (فلکه) بود این دردها را نتوانست تخفیف کند . و در نتیجه (معذور هم بودم) که در عالم معنی از شك وبدبینی ومایوسیت بیافتادم . بشریکه من درود ومصایب ومظالم وآلام ومعانا . مستقبل تاریك ومشکوك وناملوم واقعاً مرحلهٔ معنی بود که طی کردم . و بدتر اینکه جهان ایمان نیز از هیچ دوشکن این مشکلات یاری نمیتوانست . زیرا ایمان من بهمان دایرهٔ خورد دیکه روز اول پیدا شده بود محدود مانده . وچیزیکه آنرا تا ئید یا قوی میساخت دلایل ناقص

استاد (یعنی فلک) بود . ولی حالا که فلک رفت گویا آن دلیلیکه ایمان را تقویت میداد هم گذشت . گویا هر چند که در میدان حیات پیش میرفتم ومسائل وقضایای زندگی ومعماها وسعت پیدا میکرد آن ایمان محدود نمیتوانست این دایرهٔ وسیعرا روشن واین دل پریشان را مطمئن بسازد .

واین افسانهٔ مختصر نمونهٔ از درسهای تلقین ایمان استکه به اولاد های خود درس میدهیم . در حالیکه قرار بسیاق اول ما که احتیج از این با آخرت برای سعادت واطمینان درحیات ذریعه‌ ور هی نداریم، وباید محبوبترین چیز در این عالم تذکر آخرت باشد . زیرا هرقدر که این تذکار شیرین ودلچسب باشد همانقدر علاقهٔ ما برای آماده شدن برای خیر زیاد خواهد بود وباید بر اعظمترین درس ما برای اطفال همین درس ایمان به آخرت باشد . [اما نه بهمان طرز و لهجهٔ بیم ناک که طفلرا مجبورنفرا موشی آن عالم بسازد . زیرا طبیعی است انسان هر چه را که خوش نداشته باشد کوشش میکند که از خود دور کند . بلکه بچنین طرزیکه آن روز مختوم با آن عاقبت لابدی که برای توازن و احقاق حق است در نظر طفل محبوب باشد . تا هر قدر که دایرهٔ حیات و وسعت بیابد . همانقدر جولانگاه فکری او در حدود ایمان وسیعتر شود . و هر قدر که معماها و اسرار کائنات در پیش روی نظرش تاریک شود ، و هر قدر که قضایای عدم توازن عدل وظلم در این عالم ببیند همانقدر بتواند از ایمان خود تسلی و تسکین و هدایت و اطمینان بگیرد . و بنظر من این اهمترین حقیقتیکه باید در اطراف آن غور کرده و برای طرز تلقین ایمان حسب مراتب عمرها معلوماتی گذاشته و آنرا برای نشر شدن آماده سازیم . وبهامه و خامهٔ خود برسانیم . زیرا اگر بخواهیم که اولاد ما در این عالم حیات بی تذبذب و پر اطمینان بگذرانند باید ایمان صحیح برای شان پیدا کنیم . و اینرا باید معتقد بود که ایمان موروث . و ایمان که از روی عادت باشد هیچگاه قوت روشن ساختن تاریکیها و معماهای این حیات را ندارد .

این راجع باطفال بود اما در خصوص جوانها نیکه درس ایمانرا همچه من تلقین شده اند یعنی تنها از راه تخریف وتهدید یاد گرفتند وطبعاً دایرهٔ ایمانشان بهمان حدودیستکه در زمان طفولیت بود یك تجربهٔ خودیکه عرض کرده بتوانم همینستکه تا اندازهٔ مقدور خود را از اثر همهٔ تخوفهائیکه در طفولیت کسب نموده اند رها بدهد و سر از نو ایمان مبنی از راه تدقیق و تفکر پیدا کنند . ومن از روی تجربهٔ خود یقین داده میتوانم که از این طریقه فایدهٔ بزرگی برده میتوانند و حتماً یك یقین صحیح که موافق ذهنیت خود شان باشد خواهند رسید . زیرا ذره ذره و هر نظام و هر حادثهٔ از حوادث این کائنات آنقدر دلایل و اشارات موجب با مساعد بایمان استکه هر ذی حس باندازهٔ احساس خود از آنها ذخیرهٔ برای تقویت ایمان خود گرفته میتواند ولی بشرطیکه فکر خود را از هر اثر تخویف و تهدیدیکه در طفولیت از راه فلک شنیده باشیم رها بسازیم .

مبادا یك خامهٔ فکر و دیگریکه نمیخواهم که ناگرفته بماند و آن همینکه راز هر شقاوت و درد و المی در این حیات راجع بسستی ایمان است . و هرقدر که بتوانیم ایمانهای پر یقین پیدا کنیم همانقدر بشر ترا از شقاوت در این حیات دور خواهیم ساخت :

ولی آن ایمان فلک و ایمان میراثی ا هیچ برای سعادت حیات بدرد خورده نمیتواند . و برای صاحب خود لذتی ندارد . غیر از ایمان پر یقینیکه حسب ذهنیت افراد و بر طبق مقام عقلشان باشد و برای حصول این چنین ایمان صحیح غیر از اینکه افکار را برای مطالعه اسرار کائنات آزاد بگذاریم دیگر چارهٔ نیست . و اگر حیات مساعدت کرد مقاله های مطول از ایمانها ئیکه در در نتیجهٔ تحقیقات و مباحثات مطالعات آزاده واصول علمی در اسرار کائنات پیدا شده است برای خوانندگان خود تقدیم خواهیم نمود .

* * *

حالا بیائیم در موضوعیکه این خاطرهٔ را بیاد من آورد : طبعاً مطالعین خبر دارند که در جملهٔ امور یکه محافل علمی دنیا را از دیر مدتی مشغول تدقیق ساخته است مسئلهٔ اتصال بعالم ارواح و امکان مفاهمه کردن با آنهاست ، که این مبحث تقریباً

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 694 of 896

از سنهٔ (١٨٤٨) میلادی روی کار شده . و از وقتیکه این قضیه پیش آمد علمای مدقق برای تحقیق این قضیه برآمده و تا امروز همین موضوع مدار بحث است . و روز بروز حوادث مهمیکه امکان مفاهمه کردن با روح مردگان را ثبوت کند بوقوع پیوست .

و شاید مهمتر چیزیکه نه تنها در حل این قضیه بلکه در حل خیل مشکلهای علمی یامد قفین صحیح کمک کرد حوصله فراخ علمی آنها باشد : که نه مؤمن و نه منکر یکدیگر خود را نفاق و فاکه بر داشتند . بلکه هر کدام جهت مقابل را با حوصلهٔ عالمانه تلقی و استقبال کردندی هر کدام جهت مقابل را از بهر رسیدن بحقیقت گرفت . و این حوصلهٔ علمی اهمتر بن ذریعهٔ رسیدن بحقیقت شده میتواند زیرا قاعدهٔ معروف عوام آنستکه در بحث جنگ کردن دلیل جهل است . از این رو باوجودیکه از کشف این مسئله قرار مفهوم امروزی ٨٣ سال گذشته است اما هنوز منکر و مؤمن موجود است . یعنی یک طبقه برای عقیده هستند بمجرد یکه روح جسم را گذاشت در این عالم لا یتناهی منحل میشود . ولی فرقهٔ زیاد علما ثبوت کرده توانستند که روح بعد از انفصال از جسم موجودیت خود را داشته و در یک عالمی غیر از این عالم هستند . تا اینکه مسئلهٔ امکان مفاهمه با ارواح پیش آمد و حوادث زیادی از این مفاهمه بوقوع پیوست . و این حادثهٔ را که ما بعدد نقل آن هستیم یکی از حوادثیستکه باین زود یکیها بین محرر مجلهٔ الهلال مصر و روح پدر او بوقوع پیوست . اینک حرفاً آنرا نقل میکنیم :

* *

سر محرر هلال پیش از اینکه تفصیل جلسه‌های مفاهمه کردن با روح پدر خودش را بنویسد یک تمهید مختصری نوشته‌است که ما مفاد بعض نکات آنرا در اینجا مینویسیم :

آیا مردن جسم خاتمهٔ هر چیز است ؟ و یا اینکه بعد از انفصال روح از جسم حیاة مستقل دیگری را گرفته ، و تذکارات زندگانی زمینی خود را داشته میباشد . باز بفرض وجود ارواح اگر بگیریم ، آیا میتوان با آنها اتصال یافت و با آنها مکالمه نمود ؟ این از مسائلیستکه فکرها را از قدیمترین زمانه ها متحیر ساخته است ، که خودم در تحقیق این مسئله مدتی مصروف شدم ، ولی دیری دوام نکردم که آن تحقیقات را واگذار شدم . زیرا دلایل و برا هینیکه بتواند مرا قانع بسازد . یا مرا در یک موقف صریح برای فیصله برساند یافته نتوانستم .

این قضیه را سالها واگذار شدم تا اینکه در این اواخر ابدیدن بعض مشاهدات موفق آمدم که اثر شدیدی در نفس من داشت . و باز مرا مجبور بتحقیق و تعمق در این موضوع وادار نمود و آیا مهمتر یا قیمتر از این موضوع دیگری خواهد بود ؟

و محرر مذکور در آن تمهید یک سلسله‌از بیانات شک و یقین ، و خودداری که در فیصلهٔ این چنین قضیه‌های مهم باید نمود بیان کرد چنانچه در آن تمهید میگوید :

وایترا باید بگویم که از حالا هیچ فیصله قطعی در این قضیه ندارم ، و مدعی نیستم که بنتایج قطعی رسیده ام . و هنوز میدان بحث و تحقیق فراخ است . و شاید سالهای دیگر بگذرد و یک فیصله قطعی پیدا نشود . اگرچه فریق بزرگی از علما و مفکرین ، در این موضوع یقین پیدا کردند ، که از آنجمله سر اولیفر لودج ، سر ولیم کروکس . و سر ولیم بارت و استاد شارل ریشه . ولو بروزو . و رسل والس ، و فلا ماریون . و ولیم جمس وغیره . که صفحات ما گنجایش ندارد برای ذکر کردن تمام تمام علمائیکه در بی غرضی و اخلاص و اصبت ایشان شکی نیست و در این موضوع بحث میکنند و نیز مقام سامی و شهرت عالی دارند و همه بموجودیت یک عالم روحانی که فکر بشر از درک آن قاصر است اعتراف دارند

و در یکجای دیگر میگوید :

مهم اینستکه انسان در این میدان یک مسلک علمی مانند علمائیکه یک موضوع نورا زیر بحث میگیرند برای خود اتخاذ کند . یعنی نه در انکار تعمد و ضد کند و نه تسلیم مطلق داشته باشد . بلکه ذهن خود را از هر تأثرات ماضی خالی ساخته (تعمق و تدقیق نماید) .... حالا از باقی تمهید بگذریم که همه از این قرار است . و شروع بذکر صورت انعقاد جلسه های مفاهمه با ارواح نموده گرائیکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 695 of 896

بین امیل زیدان صاحب این مقاله و روح پدر او وچند روح دیگر واقع شده است بیائیم .عینا قرار یکه او مینویسد

**

اثنای چند هفتهٔ که در تابستان گذشته بلبنان میگذ هتابندم با بعض از دو ستان خود" برابر شدم وقصه‌های زیاد از کاهائیها یکه در متصل شدن با ارواح مرده کـه از براشان پیش شد بمن نقل کرده . وضمناً خبر حرف زدن باروح چندین نفری که از آشنـایان بـوده و وفات یافته اند ودر آنجمله روح پدرم ود گفتند . ودر این صحبت یکی از آنها گفت یقین دارم که از صحت این نـقل ما شک داشته باشی . و دراین شک خود شاید حق بطرف باشی . ولی بیا در جلسه های ما شریك شده وبعد از آن در این مسئله فیصلهٔ خود را ببین . شـایـد ما بازی خورده باشیم . یا اینکه حقیقت بر ما پوشیده‌شده‌باشد. اما بهر حال‌در‌این شکی نیستکه تجـربه های ما در اتصال با عالم ارواح خیلی مظاهر برجیر ق دارد .

من هم در جلسه های این دو ستان حاضر شدم . وفعلاً درتمایل مشاهدا نیکه دیدم خیلی بمن حیرت پیدا شد . حتی اینکه در جلسه های اول نتوانستم هیچ یاد داشتی از مشاهدات خود بگیرم زیرا مبهوت وقایع بودم . ولی در تجـربه با جلسه های آخرین خیلی مذا کره هارا نوشتم که بعض آنهـا را آنیاً میکارم . واینرا باید بگویم که من تنها آنچه را که بچشم وشخص خوددیدم وتحقیق کردم مینویسم . اگرچه این دو ستان من از مدت بکمال اشتکه دراین تجـربه هـای خـود مصـروف هـستند وبرای شان خیلی اموری پیش آمد که موجب دهشت شونده میشود ، چه حال رسد بکسانیکه همان امور را بچشم دیدند . و اگرچه از صدق قول این رفقای خود متیقن هستم . مگر باز هم میخواهم تنها حوادثیرا که بچشم خود دیدم منشد کر شوم :

طریقهٔ شان‌که برای متصل شدن با عالم ارواح استعمال میکنند از قرار آتیست :- بر یك لوحهٔ چار کنج سنگ مرمر حروف ابجد را قراریکه در این شکل مرسوم است مینویسند .

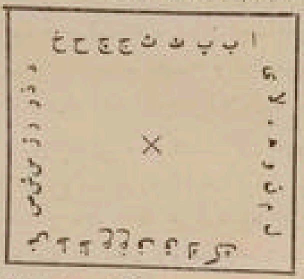

و دروسط همان تخته سنگ (X) پیالهٔ که به آسانی لغزیده بتواند بهر حرکت کند میگذارند ، و دو نفر ازوسیطها (مراد همان اشخاصیکه میانجی بین روح مرده و شخص مخاطب میشوند) نشسته و هر کدام یك انگشت خـود را در پیـاله میگذارد . آنوقت شخص یا اشخاصیکه میخواهند باروح کدام متوفی حرف زنند نام او را یاد میکنند باین صـورت که (میخواهیم روح فلان را) واین طلب کردن خواه مستقیم و یا بذریعهٔ کدام روح دیگری که پیشتر با اومکالمه شده باشد . و اگر مطلوب یافت شد آنوقت هر دو نفر وسیط که بتعبیر خود آنها را میانجی نامیدیم و انگشتهایشان در پیاله است حس میکنند کدام قوتی دستهای ایشانرا حرکت میدهد . آنوقت سوالها علناً بطرف روح گفته میشود . و جواب آنها بذریعهٔ حرکت کردن پیاله از یك حرف بدیگر حـرف در یافت میشود ، مثلاً اگر جواب روح (بلی) باشد . اولا پیاله با انگشتان وسیطها بطرف حرف (ب) بعد ازآن بطرف حرف (ل) بالاخر بطرف حرف (ی) آنوقت میتوان فهمید که جواب روح (بلی) میباشد وهمچنین تمام عبارتها . .

باز خواننده را ملتفت میسازم که تـدرج را بمن نسبت نکـند . ومـتکه در این بیانات خود کلمهٔ روحـرا استعمال میکنم . در حقـیقت مراد مـن همان مظاهر سنگیکه برای بیننده ظـاهر میشود وشاید تعلیل دیگری در بین باشد . اما من در اینجا تنها وضعیت ناقـل را بـخود میگیرم :

این یك بیان مختصری بود راجع بطریقهٔ که بذریعهٔ آن میتوان با روح مذاکره کرد و چیزیکه در اینجا اهمیت دارد همینکه هردومیانجی (وسیط) درحرکتهای دست خود مخیر نیستند ، چنانچه در این باب قناعت کامل برای شخص من حاصل شد

و بچندین وسایل که بیان آنها مطول است تحقیقات خود را در این باب نمودم . از آنجمله از هر دو میانجی خواهش کردم که پشت خود را بطرف تخته سنگ نگه دارند . و کاغذکسی خود را در پیاله داشته باشند . اما با وجود اینهم جواب سوالات من بطور صحیح و بدون خلل داده میشد . گویا با وجود اینکه هر دو وسیط چشمشان حروف را نمیدید اما باز هم دستهایشان با پیاله بطرف حروف حسب ترتیب کلماتیکه روح جواب میداد بیک قوهٔ خارج از اراده و تدبیر خودشان برده میشد . ایضا هم علاوه میکنم که خیلی سوالات من از اموری بود که هر دو وسیط از آنها اطلاعی نداشتند . حتی بعضی سوالها کردم که تمام حاضرین مجلس حتی خودم اطلاع نداشتیم . و در پسان که تحقیقات کردیم جوابها قرار واقع بود

اخیرا ابراز هم میکنم که این جلسه های مکالمه با ارواح در یک اطاق عادی که با چراغهای برق روشن میشد . و هیچ یک از ادوات زاید و یا مخصوصی که در دیگر مجالس استعمال میشوند نبود . علاوه بران هر دو نفر میانجی بحالت طبیعی خود داخل کار میشوند . یعنی تنویم مقناطیسی (خواب مصنوعی) یا تهییجات عصبی هیچ نبود . چنانچه ابراز هم میکنم که این دو نفر وسیط یا میانجی این مشغولیرا برای کسب و تجارت نگرفته اند . و بحسن نیت و صدق ایشان عقیده دارم .

* *

اینک شروع میکنم بنقل کردن مذاکره یا مذاکره هائیکه بین من و روح پدرم تا اندازهٔ که ممکن باشد یعنی حالی قسمتهائیکه میتوانم آنرا نشر کنم :

در جلسه های اول از روح پدر خود طلب کردم که بمن نشانیها بگوید تا متیقن شوم که روح پدرم با من حرف میزند . بشرطیکه چنین نشانیها باشد که هر دو میانجی از آنها اطلاع نداشته باشند : او هم بقرار مطلوب من نشانیها من گفت . حتی بعض نشانیهای دیگری گفت که من خبر نداشتم و توصیه نمود که والدهٔ خود را بانها متذکر نمایم ، چنانچه وقتیکه بو لدهٔ خود نقل کردم آنهارا تائید کرد .

و در ذیل این هذا یک مذکرهٔ خود را با روح پدر خودم نقل میکنم . چنانچه میگویم که جواب مطابق سوالهای من سلیس و واضح میامد :

بعد از یک مذاکرهٔ که راجع بافراد عائله و دیگر خصوصیات تعلق داشت من پرسیدم :

من : میخواهم یک مقالهٔ راجع بعالم ارواح و مفاهمه کردن با آنها بنویسم ، آیا با من در این اقدام کمک میکنی . و تفصیل میدهی که چگونه روح از جسد منفصل میشود . و ارواح چه زندگی دارند ؟

روح پدرم : وقتیکه روح مسکن زمینی خود را گذاشت ، مدتی آنجا میماند و بعد از آن قرار استحقاق خودش ارتفاع و تبدیل مقام میکند . در اینجا ۶ مقام است که هفتم آن از ذات پروردگار می باشد . پائینترین طبقات پائینترین اینجا را فضل خدا نرفتم و ندیدم ، ولی میدانم که در آنجا از دست عذاب خیلی مؤلم ضمیر هیچ یک آن آرامی نیست .

من : تو در کدام درجه هستی ، و آیا بان دفعهٔ رسیدی ؟

او : در درجهٔ ششم هستم که بلند ترین مرتبهٔ برای مردم است . در اینجا هیچ عذاب ضمیر یا حزن و المی نیست . بلکه یک حیات آرام و پر سعادتی است . و قبل از این دو درجه را طی کردم .

من : در این درجه ها چه فرق است ؟

او : هر قدر که مرتبه بلند شود همانقدر عذاب ضمیر کم می شود .

من : آیا با کدامی از رفقای متوفای ما برابر شدی ؟

او : بلی بسیار

من : مثل کی ؟

او : نعوم شقیر ؛ (و در یک جلسهٔ دیگر یعقوب صروف ، جبران خلیل جبران و بعضی از خویشاوندان را یاد کرد)

من : آیا ارواح حرف میزنند ؟

او : ارواح جمع میشوند و مفاهمه می کنند . تآلف میکنند . امثال شما ها را می بینیم و بخوشی شما خوش . و بغم شما مغموم میشویم . ولی غم ما نه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 697 of 896

مانند غم شماست که در زمین مفهوم میشوید. زیرا در اینجا هیچ معنی از غم نیست؟

من : پس غم شما چه رنگ است؟

او : تنها غم شما را متحسس میشویم.

من : آیا مانند ترا میشناسید؟

او : بلی

من : در این نزدیکیها مجلهٔ الهلال سال ۴۰ میرسد آیا میل داری که برای خوانندگان چیزی بگوئی:

او : بنویس: عمر خود را برای پیشرفت مجلهٔ الهلال گذشتانده‌ام. و وقتیکه میمردم خیال کردم که بر حال خود خواهد ماند؟ ولی .... اینک می‌بینم بیش از حد و دیگر انتظار داشتم رسیده است. آ ... میل؟ اینجا خیال خواهند کرد که این یک مجامله از بدو بپیراوست. ولی میخواهم بنویسی که من بمجلهٔ هلال فخر میکنم. وبدان که روح من همیشه مرافق شما خواهد بود.

من : معلومات دیگری از عالم خود بمن بده؟

او : بعد از تمام شدن حیات انسان در روی زمین. حیات علوی یعنی زندگانی لا یتناهی و شروع میشود. ودر اینجا یا اینکه زندگانی آرام ور سعادتی خواهد بود. ویا اینکه دوزخ تمام معانی آنست. واین از روی اعمال همان شخص میباشد. حیات ابدی و آخرت موجود است ودر آن هیچ شکی نباید داشت. وشقاوت یا عذاب عظیمیست برای کسانیکه با آن عقیده ندارند. ارواح همیشه دوستان خود را مرافقت میکنند واعمال آنهارا می‌بینند.

(در یک جلسه دیگر)

من : در جلسهٔ گذشته مرا معلوماتی از عالم ارواح دادی آیا میخواهی که اقوال خود را در این موضع تمام کنی؟

او : من اندازهٔ تعجب خواهند کرد ترا وقتیکه نام مرا بخوانند میدانم. ولی باید تعجب ایشان بعد از این رفع شود. ومیگویم من جرجی زیدان هستم حیات ابدیت را برایشان یقین میدهم. ومیگویم برای کسانیکه مرا شنیدند دلایل کافی پیش کردم. وایشان را بچیزهائیکه فراموش شده بود متذکر ساختم. واز آنها تمنا دارم در این چیزهائیکه گفتم تدقیق کرده وبرای دیگران تأکید کنند که ارواح زنده وموجود ابدی خواهند بود. واعمال ایشان را می‌بینند. وعذاب عظیم است برای کسانیکه از این عالم ابدیت انکار بیارند. زیرا لذت جمع شدن ومکالمه با دیگران را محروم خواهند شد.

من : چگونه ارواح باهم مفاهمه میکنند وحرف میزنند. آنهائیکه لغات غیر از یکدیگر در زمین داشتند.

او : همهٔ ما در اینجا باهم تفاهم میکنیم ولی قطعاً در اینجا حرف زدن نیست. بلکه بذریعهٔ قرائت افکار. یعنی مفهومهم چه بدل یکدیگر ما میگردد.

من : آیا روح زن را از مرد تفریق میکنید؟

او : البته هر کس عین صفتها را که داشت در اینجا داشته میباشد.

من : عاقبت مذاهب بعد از مرگ چیست؟

او : هر کس از روی اعمال خودش جزا می‌بیند.

من : فرق مذاهب؟

او : ایمان بخدا وتنها ذریعهٔ خلاصی است.

من : فرض کنم کسی بخدا ایمان ندارد. ولی نه از سوء نیت؟

او : باید معتقد شود.

من : ولی شاید عقلش او را باین نتیجه بدون اینکه تعمد وقصدی کند رسانیده باشد.

او : اگر پیدا شود کسیکه او را بداناند هنوز هم در عقیدهٔ خود میماند.

من : و بت پرست؟

او : هلاک است.

من : فرض کنیم نام خدا را نشنیده باشد؟

او : اگر ابداً هیچ نشنیده باشد جزای او دوام نمیکند و انتقال او قریب میباشد.

من : آیا میتوانی از اوصاف خالق چیزی بگوئی؟

او : هنوز هیچکدام ما او را ندیده است.

من : آیا او را خواهید دید؟

او : بلی؛ البته چنین بما وعده داده شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 698 of 896

من : آیا مستقبل را میدانید ؟
او : نباید بگوئیم .
من : یعنی مراد تو اینست که مستقبل را میدانید ؟
او : میدانیم لکن نه هر چیز و نمیتوانیم بگوئیم .
من : چرا ؟
او : چنین بما امر شده .
من : حیوانات هم آیا روح دارند ؟
او : بلی مگر جانشان نیست .
من : پس کجا میروند ؟
او : در فضا ولی نمیدانیم کجا و از آنها خبر نداریم .
من : شما کجا میباشید ، آیا کدام فراغ معین را اشغال میکنید ؟
او : البته و از زمین خیلی دور است وما نمیدانیم که چیست یا کجا ؟
من : غیر از ما کسی با شما کوشش کرد که حرف بزند .
او : شما اولین کسی هستید که ما را خواسته باشد . و میدیده میتوانید که تا کدام اندازه تعجب کرده باشیم . و در اول نمیتوانستیم با شما مدت درازی حرف بزنیم . ولی حالا روح ما و شما متآلف شد . (باقیدارد .)

این یکی از حوادث تحقیقاتیست که راجع بوجود عالم ارواح و ابدیت آنها مینمایند و در شماره های آتیه انشاء الله تاریخچه این تحقیقات را تا جاییکه رسیده اند از ابتدا مینویسیم .

محی الدین انیس

خبرهای خارجی

رویتر

وضعیت مالی انگلستان

لندن ۲۳ جنوری ـ انکار دعی میکدونالد (رئیس الوزراء انگلستان) از ملاقات لاوال (رئیس الوزراء فرانسه) و فسخ مسافرت سر جان سائمن به جینوا ، و هم چنان منصرف شدن تمام اعضای کابینه را از مصروفیات اجتماعی در دوائر سیاسی عبارت از علائم ظاهری اختلاف شدید اعضای کابینه را راجع به پالیسی مالی میدانند . بنا برآن بر جلسه کابینه که صبح روز جمعه عقد شده بود اهمیت فوق العاده میدادند . و می گفتند این یک مسئله خیلی بحران آمیز است که حکومت ملی بدان گرفتار آمده است . و در عین زمان یک امتحان دپلوماسی است که اگر حکومت از افتراق طرفدارن خود جلوگیری کرده بتواند در مقابل هجوم میدهد . در خاتمه جلسه طویل کابینه بصورت رسمی بیان نموده شد که راجع به پیش نهادات کمیته ملی یک فیصله متفقانه رسیدن غیر ممکن است . اعلامیه رسمی بیان میداد که به وزرائی که نمی توانند ، اکثریت راجع به مسئله محصولات واردات ومسایل دیگر موافقت کنند ، و هم چنان به رفقای شان آزادی داده شده است که فکر خود را به وسیله نطق ها و یا گرفتن رای اظهار نماید .

راجع به ترمیمات

میکدونالد م . لاوال را برای یک هفته رسماً به لندن دعوت نموده است . رویتر اطلاع حاصل کرده است که حکومت برطانیا توسط سفیر کبیر خود مقیمه برلین با آلمان ، که باروپا تعلق دارد توسیع اعلان التوای موجوده را برای یک مدت غیر معین اشاره نموده است مگر حکومت جرمنی اصولاً آنرا انکار کرده است .

فرانسه و آلمان

روز جمعه لاوال رئیس الوزرای فرانسه در مجلس مبعوثان در بین یک جمعیت زیاد پالیسی خارجی فرانسه را تصریح نموده که مبنی بر حقوقی است از روی معاهدات حاصل می شود . و راجع به پاتیه (پرولنسک) و در موضوع عدم قدرت جرمنی به تادیه قروض ترمیمات بیان نمود که حکومت فرانسه نخواهد گذاشت هیچ یک از معاهداتی که اطلاق آن قبول نموده اند بر هم خورد . و نیز گفت که مقررات پلان یونگ را نه میتوان اصلاح نمود . تمام کاری که کرده خواهد شد اینست که بذریعه اعلان التوا در تحصیل مبلغ تخفیفات داده شود .

مجلس مذکور ب ۳۰۴ رای مقابل ۲۶۵ اظهار اعتماد نموده مخالفتی را که از طرف (م . ب) تحریک شده بود رد نمود .

اعتصاب در هسپانیه

پیغام (ارساون) مشعر است که دو

آنجا اعتصاب و اقدامات دیگر انقلابی جاریست .

پیغام مذبور مشعر است که وزارداخله بیان داشته است که در نتیجهٔ رسیدن عساکر حرکات انقلابی که در (مان ریسا) وجود داشت رفع شده است .

چین وژاپون

تانکنگ ۲۴ جنوری — وزیر خارجه چین (داو جن چنگ) در عین کانفرانس غیر رسمی در بین حکومت و قائدان که دران جمله رئیس سابق (جنگ کی شك) و قوماندان جناح چپ (ونگ چنگ ور) نیز شامل بودند ، بر هم زدن مناسبات دیپلوماتی چین وجاپان را تصویب نمود و فکر میرود که باو جودیکه در نتیجه جاپانی ها نادر چین را محاصره خواهند نمود ، بالاخر این تصویب قبول شود .

شانگهای — بنابر از دیاد مخالفت چین وژاپون درانجا خوف شدید طاری است . قوای فعلی جاپانی حاذر شانگهای عبارت از ده کشتی حربی وچهارهزار ملاح است ودر عین زمان یکدسته مرکب از ۲۳ کشتی حربی در (نراز ساس او) موقع گرفته است . در صورتیکه وضعیت مشکل فعلی رفع نشود ، خوف آن میرود که جاپان در تصفیه معاملات از قدار خود کار بگیرد .

الغاي نظام ديني قديم درهسپانیه

میدرید ۲۴ جنوری — زا مورا رئیس فعلی هسپانیه اعلانی که نظام جیسوف (یك نظام دینی قدیمی است) را در هسپانیه لغو می نماید ، امضاء نموده است .

جاپان چین را به گرفتن شانگهاي تهدید می کند

شانگهای ۲۴ جنوری — در صورتیکه اقتضا آت مختلفه جاپان درمو ضوع دادن اطمینان دراین حمله جمعیت چین ها بر ۵ نفر اشخاص مذهبی جاپان بتاریخ ۲۰ جنوری بجا آورده نشود ، جاپان در مدت ۲٤ ساعت دیگر شانگهای بزرگ تر را متصرف خواهد گردید حالا جاپانی هب یقین میداوند که در صورت عدم اطمینان بعض از مقامات را که دران شانگهای بزرگتر — ، جاپای نان آو ، جبا خانه کیا بنگ نان ، و دفاتر بلندی چین شامل می باشند تصرف خواهد نمود .

علاقه مندي امریك

واشنگتن ۲٤ جنوری — اداره حکومتی به نسبت کشیده گی وضعیت شانگهای علاقه زیادی اظهار میکند . کیل مین اداره مذکور بیان نموده که قونسل امریك در شانگهای اقتدار زیادی دارد که در هر مسئله که پای امریك در بین آن بیاید گفتگو واجرا آت کند .

پیغام دیگر واشنگتن مبنی است که سفیر کبیر برطانیا باداره حکومتی بر خلاف پیش نهادی که بتازه گی در (سنا) تقدیم شده است ، روشنی داده است پیش نهاد مذکور به مامورین اختیار می دهد که بر کشتی هائیکه وارد امریك می شوند ، بالا شده اشخاص بحری داری تزدی را که بری تابعیت امریك مناسب ندارند بکشند .

پیش نهاد مذکور برای آنست که از دخول اشخاص بحری خصوصاً ایشانی جانبیکه از کشتی می گریزند جلوگیری نماید .

انقلاب در سان سلوادور

واشنگتن ۲٤ جنوری — یك کروازور برطانوی ودو کشتی مخرب کانا دائی ویك کروازور امریکی ویك مخرب امریکی بسرعت بطرف (سان سلو ادور) روانه شده اند ، زیرا در آنجا انقلاب کمونیستی جاریست .

وخواهش حاضر شدن کشتی های حربی را شارژ دافر های انگلیس و امریك وقونسل ایطالیا نموده بودند .

قروض جنگ

برلین ۲٤ جنوری — در بین کمیته جرمنی که از وفاد مدیونین نماینده گی می کنند وکمیته دائنین خارجی موافقه حاصل شده است . موافقه معطل که بتاریخ ۲۹ فروری ختم شد بیست برای یك سال با بعض اصلاحات تمدید شده است . قرض قلیل المدت تقریباً ۲٦۸ ملیون سترلنگ است . موافقه مذکور در بین مسائل دیگر مقرر می دارد که دو هزار ملیون مارك نقد که ببانك های جرمنی تقدیم شده است بیك قرض ده ساله تبدیل شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 700 of 896

استعفای وزیر خارجه چین

هانکنگ ۲۶ جنوری ـ او جین جنگ وزیر خارجه بنابر آنکه حکومت چین پالیسی او را قبول ننموده است استعفا کرده است . و (لورن کان) سند یافته دارالفنون اکسفورد عوض او کار وزارت خارجه را می کند .

شانگهای ـ استعفای وزیر خارجه ازین جهت است که حکومت پالیسی و عملیات مستقیم (مقابل جاپان) او را قبول ننموده است .

مجمع ملل

جینوا ۲۶ جنوری ـ مجمع ملل به حکومات چین وژاپون احتجاج نموده است که خیلی سعی نموده از اشتغالات تازه درها انگهای جلوگیری نمایند ، و وضعیت آنجا بنابر مطالب بین الملل خیلی خطرناک و پیچیده است .

انگلستان و هند

لندن ۲۶ جنوری ـ (دیس برو ک ولیمز) در عین نطق خود در لندن تصویب نموده که در مدت ۱۸ روز باید پیش نهادی تقدیم نمود که هندوستان را به اقتدار مستملکاتی قریب بسازد .

بانک انگلستان

رسماً بیان نموده شده که بانک انگلستان تاریخ ول فروری دو قروض را که هر کدام آن پانزده ملیون سترلنگ می شود واز بانک احتیاط امریکا نیویارک که وبانک فرانسه گرفته است می پردازد وبا بصورت اضافه که پنجاه ملیون سترلنگ را که در ماه اگست جهت مدافعه از سترلنگ داده بود تکمیل می کند ، این پرداختن بدون تقلیل در طلای احتیاطی بانک انگلستان اجری خواهد شد .

جراید انگلیسی و هند

لندن ۲۶ جنوری ـ امروز صبح اکثر روزنامه جات اعلاق های (و لنگدن) و آمرای هند را در سر مقالات خود تحت بحث گرفته اند .

نیوز کرانیکل ، اظهار عقیده می کند که یگانه چیزیکه قابل تنقید میباشد اینست که نطق مذکور اعضای کانگرس را در نظر دارد واین عبارت است از تولید یک مجادلهٔ طویل و مخالف و ناگوار .

دیلی تلگراف ، اظهار فکر مینماید که نطق مذکور بیشتر از یک ترتیبات حقیقی ارزش دارد وممکن است افکار اکثر اشخاص را که در هندوستان و برطانیا به نسبت یک پالیسی مقالات کارانه برای تامین و تاکید اقتدار عامه ، سوء ظنی دارند تنویر نماید .

دیلی میل اظهار مینماید که حالا در دهلی فکر و هوش حاکمیت دارد و هندوستان بیشتر ازین یک راه وسیع وسهل العبور بطرف افلاس ومخاطرات سیاسی قدم فرسا نخواهد ماند .

مارننگ پوست ، می سراید : هندوستانیهای خوب ، همچنان انگلیس های خوب سیاناً از لارد ولنگدن وسمو ئیل هور ، بنابر مقاومتی که جهت تجدید حاکمیت ، قانون و حفظ حیثیت حکومت نشان میدهند ممنون می باشند .

حرص شدید از ممانعت اکید است .

کمترین از انسانهاست که بخوردنیهای چرب وشیرین دلبستگی نداشته باشد . بی اندازه ممانعتی در دوا آکل وشرب بوقوع بپیوندد واقع شود بهمان درجه اشتها غالب میگردد . بتجربه رسیده که در اوقات مقصلی خوردن و آشامیدن بیشتر مولد طباع است ، وازهمین رهگذر است که میگویند آدم غریب پر اشتها وبا پرخور تر از دارا است . روزه ماه مبارک رمضان هم بگفته بعضی ها با استثنای فضایل و ثمرات آن که همه ما تسلیم آن هستیم یکی از آن عواملی است که تا اندازه مانع خوردن وآشامیدن گشته فقط ممانعتهایش تولید حس شکم پرستی میکند . مثلاً یک آدم روزه دار از بوی نان گرم حظی برد از دیدن میوه وسبزیجات متلذذ می شود همچنان از صحبتهای پختن وساختن وخوردن وآشامیدن هم خوشوقت میگردد چه رسد به اینکه ببیند تمام روز ها در هر گوشه و کنار هر کوچه و بازار سر هر دکان و بای هر دستر خوانی که بچوشند به هوید حرف از خوردنی است و فکر از خوردن ها :

همین کیف است که وقت افطار روی دستر خوان شاه و گدا نظر ربا بوده وبر از جل وبل است ، همین کیف است که بصحبت ها لذت داده و روز هاي طولاني را به آساني شام میکند ، همین کیف است که روز هاي عید را پر قیمت ساخته حتي خوردني هاي بي مزه و دود هاي تلخ آن را هم [ا] شیرین میسازد بالاخره همین کیف است که طبع شاعر را گشاده وقلم نویسنده را جریان مي بخشد ·

اشعار ذیل که صفحه فکاهیات ما را براي این مرتبه منظوم شان میدهد از طبع نوروز خان سازنده است که پس از اصلاح استاد او به اداره رسیده ·

این سازنده باذوق وطن ، داراي یک روح حساس وقریحه روانیست گذشته از پنها چیزي که بیشتر از همه ، ما را بتعریف او وا داشته اینست که نوروز خان در عالم بي سوادي مانند ولي طوافت اشعار نغز ودلکش مي سراید ، اگر چه این نتیجه او تنها از جنبه احساسات بشکم پروانه طراوش یافته ولي آثار خوب دیگري هم دارد که ممکن است در اوقات دیگر منتشر نمائیم فعلاً براي انکه قارئین زحمت دیده وخسته گي کشیده این وقت وبعضي رفقاي گشنه چشم را فرحت خاطري داده و تا یکسال دیگر چشم سیر وشرین کام نگهداشته باشد به نشرش پرداخت ·

صندلي و پلو صحبت یاران خوب است

عیش در کابل وسر ماه زمستان خوب است
صندلی وپلو صحبت یاران خوب است

قابلی وشلهٔ شالغم ترش و کباب
گر میسر شود همراه رفیقان خوب است

با برنج گرزی گفت خلال نارنج
غافل از مرغ شکم پرشوی کان خوب است

گر شما میل کند طبع شما سبزی چلو
همرهٔ ماست شود صرف که چندان خوب است

پسر کچری قوروتی که بزند باقیمه
دمپدم رنجش روغن جوشان خوب است

شرف قورمه چلو بیشتر از مرغ بود
کوکک وتار وجو بود بیشتر ازان خوب است

صبح شب دیگی لاندی با کچی آب قروت
همره نان پرکی بسر خوان خوب است

ساخت چپلی کباب از قیمهٔ گوشت بره
ان کبابیست که از مرغ فسنجان خوب است

هوس کله پاوار و کبابش لکنی
که نمایش خوش ومطبوع وبه اش آن خوب است

کاچی و آش بکار کسی هوس باید خورد
سال یکبار وسر خوان غریبان خوب است

روز باریدن برف از پیزی قیماق چای
روغنی باشد اگر همرهٔ آن نان خوب است

بعد ازان گر هوس میوه کنی در شب دی
نخود وچلغوزه وخستهٔ بریان خوب است

کشمش وقند کت وبادام ومنقع آب جوش
تخم تنبل کدو دینه خندان خوب است

سیب وناک وبه انگور زمستان وانار
حلویات وشیرپاپی از بانی گرگان خوب است

بعد ازان تا ساعت دوازدهٔ شب در ده
جا بك سبز ترا يك دوسه فنجان خوب است
چلم چپق وتنبا كوئی چرخی پس ازان
بهر سر گرمیٔ خاطر دوسه غليان خوب است
گرچه اينها همه نيكوست ولی نيك تر است
گر بر از زر بكی كوزهٔ نجدان خوب است
گر ترا زر بود وجود وسخاوت شب دی
بعد ازان از همه لعل لب جانان خوب است
باهمه عيش ونشاط وطرب وسعد وسرور
ساز (لوروز) ترا ازهمه يجان خوب است

مولف : ا. پلاتيه فرانسوی (۳۰) مترجم : حبيب الله طرزی

مادام سان ژين

از فصل هفده هم
(تسخير شتپن)

اعليحضرتا ! چيزی که ميگويند عيناً حقيقت دارد . اين يك اقدام دليرانهٔ بوده است . معلوم ميشود که ژنرال (لاسال) با (هسار) های خودش در يکی از مناطق مخلوط شده مشغول كشاقی بوده است که راه را گم كرده است . در همان حوالی قصبهٔ کوچکی را ديده اونشان ها ربوت را با يك دستهٔ مختصر سوار فرستاده است که آنرا کشف کند .

ناپليون : « با تنها يك دسته ! چقدر بی احتياطی ! خوب بعد از آن ؟ »

مارشال ـ : « هاربوت تا خته و رسيدن آنجا خودش را در مقابل ديوار مستحكم يك قصبهٔ بزرگی يافته است هاربوت ديگرش را تمام كن : چيزی كه بعد ازين واقع شده است ياعليحضرت عرض نما .

هاربوت قدری جرئت يافته گفت : وقتيکه خودم را در مقابل يك شهر بزرگ يافتم دفعتاً ايستادم . »

امپراطور : « نه فيور ، لاسال هم مثل تو دلير و شجاعست ولی در جغرافيهٔ از تو بی خبر تر است : خوب بگو ببينم شهر را چطور گرفتی . » هاربوت زياده تر مطمئن شده به سخن خود با طمينان قلب دوام نموده :

برای يك لحظه متردد شدم چكنم ولی پيشتر از انكه فيصله كنم ساخلوی شهر ما را ديده توپ‌ها را بطرف ما گردانيدند اگر من حكم مراجعت را بهمراهان خود ميدادم از آتش توپ يكنفر هم زنده نمی بر آمديم كه ژنرال را از قضيهٔ خبر كنم . علاوه بر آن قطعهٔ اصل (هوسارها) كه در عقب می‌آمدند نيز معرض آتش توپ های قلعه می‌شدند بنا بران شمشير را كشيده و حكم هجوم دادم . »

امپراطور دلچسپی زيادی باين حكايه پيدا نموده گفت : « بسيار خوب ، و بعد ازان ؟ »

هاربوت . « چون ديدند كه ما بطرف پل معلق حمله می بريم يكی از افسران بر كنگورهٔ ديوار ظاهر گرديد . من امر دريش داده و با همراهان خودم صف كشيده از افسر مذكور تسليم شهر را مطالبه نمودم . پل پايان آمده و ما را اجازه دادند ازان عبور كنيم و بشهر داخل گرديم . در همان لحظه قاصدی را برای ژنرال خودم فرستادم يك ساعت بعد سر افسر من بنام امپراطور در (شتپن) داخل گرديد و حاكم كليد را با و سپرده و ساخلو سلام كرده بر آمد . »

ناپليون : « چقدر بودند ؟ »

هاربوت : « لفر بشش هزار ميرسيد . »

ناپليون . « اين يك بازی شاندار بود من ترا تبريك ميگويم كاپيتان عفو ميخواهم ـ كلنل : گرفتن يك قصبهٔ مستحكم با يك مشت سوار سزا وار اين رتبه بلند است . نه فيور من ترا بيقوت بازوی پسر خوانده ات تبريك ميگويم تو خواهی ديد كه (راپ) امروز فرمان ترفيع رتبهٔ او را برای امضای من خواهد فرستاد . او را با خوده (دانزغ) ببر اميد دارم چيزهای خوش ازانجا برايم خواهی فرستاد . او رو وار كلنل

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 703 of 896

من همیشه چشم و از موفقیت های تو خواهم بود . حال بسیار کار دارم باید راپورهای لاسال را بخوانم و هم اطلاع این اقدام ها ندارا را برای (تا ایران) بفرستم تا در جریدهٔ (گراند آرمی) نشر کند » —

ناپلیون این را گفته و با یک مصافحهٔ صمیمانه مارشال و پسر خوانده اش را مرخص نمود و آنها بکمال تبختر و موفقیت از قصر برآمدند .

فصل هژدهم

(کازرن اپاچی می شود)

مارشال له فیور به خیمه خودش نشسته مشغول شنیدن راپورتی بود که که یکی از یاورانش می خواند . بالاخره خود را ضبط کرده نتوانست و با مشت گره شده میز خردی که در مقابلش افتاده بود زده و خواننده را بالفاظ ذیل از خواندن مانع گردید :

« این جفنگ ها را بگذار — من خود میدانم چقدر سرباز دارم ! شش هزار پولیندی که هر روز باندازه بدمست و سرشارند ! دو هزار و دو صد نفر از (بادن) که مانند موش ها ضعیف و ترسو هستند ! پنج هزار نفر دلهارک که در (جنا) از دست خودم شکست خورده بودند و حال لازم است که براق ها هیئت نگران باشم زیرا پشاه پروس از ناپلیون زیاده تر همدردی دارند . اینست سربازانی که امپراطور بمن داده تا همراه آن این شهر منحوس د ..... را بگیرم را »

یاور — : « موسیو له مارشال ! پیاده حقیف دوم را فراموش میفرمایند . »

مارشال — : « نی بخدا فراموش نه میکنیم ولی نه می خواهیم که درین میدان های بناء مثل کبک ها یکان یکان شکار شوند ، باید آنها را برای حمله نگهدارم . آه ، اگر تنها یم اندا والم باهن می بود . »

یاور — : « آیا موسیو له مارشال به شاسورها (شکاربان) قومانده نخواهند داد ؟ »

مارشال : — « چه قومانده بانها داده می توانم ؟ این دو رژیمان بهترین رساله ها است ولی درینجا با آنها کاری از پیش نه می رود . راست است که (شتبق) یک دسته سوار گرفته شد ولی این هر روز واقع نه می شود . تنها عهده که باین اشخاص خوب داده می توانم وظیفه قراولی است و بس . »

مارشال کاملاً به تخیلات غم آلودی که دلش را استیلا کرده بود ، تسلیم نموده باخود گفت : —

« در این دفعه امپراطور مرا بیک سوراخ عجیبی رهنمائی میکند که از آن بر آمدنم دشوار است . تنها سه هزار فرانسوی باخود دارم . این شهر باین بزرگی و استحکام را بان سه هزار چطور بگیرم ؟ هیچ توقعی برای کامیابی من باید در دلش خطور نکند آلهم با سربازانیکه از بی لباسی مانند بید از سرما میلرزند ! یک شهر خونی گرفتار شده ام ! این محاصره منحوس روز بروز دراز شده میرود و عملیات عسکر در مقابل آن یک قدم پیش نه میرود ! من هیچ وقت در مقابل هیچ شهر این قدر دیر دست زیر علاقه نه نشسته بود . »

این را گفته و میز را بار دیگر بامشت زد .

محاصرهٔ (دانزیغ) مطابق به اصول و روایات مسلمهٔ فن حرب از پیش برده می شد . این یک محاصرهٔ مهمه اولین بود که ناپلیون به تسخیر آن اقدام می نمود و عملیات ابتدائی زیادی برای آن ضرورت افتاده بود . از روزیکه مارشال از برلین باهالزبوت برآمده بود کارهای عملیات به به بسیار جدیت و غایت کمی از طرف ژنرال (شاسلو) که طرف اشتباه کی ناپلیون واقع بود از پیش برده می شد این انجنیر باخبر قدر سر مو هم از پلان که برای عملیات خودش کشیده بود انحراف نه میکرد — ولی این روش او باعث یاس و نا امیدی مارشال له فیور بوده متمادیاً و بکمال بی صبری منتظر بود تا کدام وقت بخواند افراد خودش را بیلان خودش بطرف شهر سوق دهد .

سردی هوا خیلی شدت نموده بود ولی از نظارت مارشال همه افراد بکمال راحت و انتظام در اردو بدرجهٔ اعلی حکم فرما بود . ولی خود له فیور مانند اسپ جنگی پیری که بوی میدان محاربه را از دور شمیده باشد و بکمال بی صبری برای شنیدن بوق حمله زمین را بانم زند از تاخیر زیاده بی تاب بوده از شدت غضب میکر است .

روزیکه ما اورا در خیابانی می یابیم روزیست که یک شورای عسکری میخواهد انعقاد شود . ژنرال (شاسلو) قوماندان انجنیر ها ژنرال (کرجینی) قوماندان طوپ خانه و ژنرال (شمرام) مشاور مارشال باین مجلس مدعو بودند .

مارشـال وقتیکه دید آنهـا به خیمه میدرایند پرسید :

اقایون آیا این معاملهٔ منحوسه بزودی فیصله می شود یانه ؟ »

این سوال را هر وقتیکه از هم قطاران خودش که در وطن خواهی با او هم سر ولی در بی صبری کمی داشتند ، می نمود وهمیشه آنها را به تبلی می نامید .

ژنرال شاسلو : « میسوله مارشـال حالا که طـول نخواهد کشید ، یا هم بسیار قریب شده ایم وبزودی متصدار ی خواهم شد . »

له قوور که برای افسران جدید که هر امر را از روی منطق واصول می سنجیدند مشتبه بود گفت :

« ایا به بسیار زودی تما اجازه میدهید حله کنیم و یا برای ابد درین جانگه میدارید ؟ »

ژنرال شاسلو : — موسیو له مارشال ، لطفاً باین بلان نظر کنید . این سرحد (داززخ) است . تعین در همین موقع است که دوفرقهٔ خاک رزان ما ازهم بواسطهٔ دهٔ کوچکی که (شلافتز) نامیده می شود جدا می مانند . »

مارشال : — « این ده را چرا تاحال انگرفته ایم ؟ »

شاسلو : — « در یک هفتهٔ دیگر خواهیم گرفت . »

مارشال : — « چرا پیش نرنگیریم ؟ »

شاسلو : — « زیرا اول لازم است یک حلهٔ دروغ بر (پیشانی برگ) طرف راست این موضوع بکنیم . »

مارشـال : — « برای مـن فرق نمیکند خواه بطرف راست باشـد یابه چپ مدعا بیک طرف بجنگیم . »

شاسلو : — « موسیو له مارشال ، اگر اگر مراد از جنگ است متیقن باشید که به بسیار زودی خواهید جنگید . »

مارشال : — « پس هر قدر زود بهتر است . این معطلی برای چیست ؟ »

(باقی دارد)

اعلان

یکقطعه زمین مزروعی تقریب هشتاد جریب که تخوره آن علاوه یک کاریز خصوصی خودش پنج شبانه روز از کاریز مشهور کریم خان نیز استحقاق آبحرب دارد در موضع افشار تا تجی مالک موروثی خود را میفروشیم آقایانی که شوقمند زمین داری بوده ونخواهند از یک مالک وسیع بر حاصل استفاده برده باشند بخانهٔ نمبر (۱۰۸) واقع قلعه حیدر خان کذر الدرا بی رجوع بفرمایند تاآنها اطمینان کلی داده میشود که در موضوع قیمت آن موافقت فی مابین حاصل آید .

غلام حسن

*

* *

کورس فرانسه ـ انگلیسي – ترکي

آقایانکه مایلند یکی از زبان هاي فوق را بصورت خصوصي تحصیل نمایند باشرایط سهلي از طرف موسسه کتاب خانه وقرائت خانه نور پذیرفته مي شوند وبراي ثبت اسامي خودها بخود کتاب خانه نور یا اداره انیس مراجعه نمایند .

کتابخانه نور

محل فروش ومطالعه همه نوع کتب ورمانهای فارسی فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .

کتبیکه جدیداً به تهیهٔ آنهـا موفق شده ایم قابل دیدن است در قرائت خانه نور همه نوع جراید ومجلات داخلی وخارجی برای مطالعه موجود است .

جریده هفته وار

انیس

﴿قیمت اشتراک﴾

کابل	۱۲ افغانی
اطراف وولایات داخله	۱٤ «
طلبه معارف	۷ «
در ممالک خارجه	۲۰ شلنك

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 707 of 896

(شماره ۳۸ و ۳۹)

مجلد ۵

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۳۰ شلنگ

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر ونگارنده :

۲ شنبه ۳ حوت ۱۳۱۰ — تاسیس ۱۳۰۶ — ۱۵ شوال ۱۳۵۰

عید رمضان وگذارشات ان

روز دو شنبه (۱۹) دلو که مصادف با اول ماه شوال بود بمناسبت دیدن هلال و فتوای مقامات محترم شرعی روز اول عید سعید فطر معرفی گردیده و تماماً اهالی اطراف کابل باس و ابلاغ حکومت عید کردند .

این روز چون یکی از اعیاد مذهبی و بهترین روز سرور و خوشوقتی در عالم اسلام شناخته شده ، همه متمکنین شهر و نواحی بملحوظ تقاضات موسمی (که مبادا اجتماع در مسجد جامع از برودت هوا اسباب تکلیف شود) از ساعت ۸ - ۹ صبح با چهره های بشاش و ملبوسات تازه و نظیف حاضر شدند بدواً در مساجد محلات وسوت دینی را بجا آرند و پس ازان کسانیکه دعوت شده اند برای تشرف حضور ملوکانه در سلام خانه بروند و غیر آن ها بدید و باز دید اقوام و ارحام علی الرسم اشتغال ورزند .

حضور همایونی هم بیکدسته از وزرا و اراکین عمده کشوری و لشکری که در ارگ حاضر شده بود بساعت ۹ و نیم در مسجد داخل ارگ نماز عید را گذارده و پس ازان تشریف فرمای سلام خانه شدند ، بتقریب ساعت ۱۱ که عموم مدعوین از تمام طبقات و صنوف مختلفه حضور بهم رسانیده بودند اعلیحضرت غازی (انهایت لهجه پرشفقت و سیمای مهر انگیز حضار را مخاطب ساخته و خطابه ذیل را ایراد فرمودند :

خطابه شاهانه

بدربار رسمی عید سعید فطر

بسم الله الرحمن الرحیم

من وشما همه خدای قدیر توانا را شکر وسپاس میگوئیم ، که ما ملت را خلعت دین مبین اسلامیت پوشانیده وما را بوسیله خصائص ومزایای این دین مقدس در طرق تکالیف نوعی و اجتماعی دلالت ، بسی فضائل عالیه اخلاقیه وصفات برجسته انسانیه نموده است .

صفات و ممیزات عالیه و بزرگ تدین هر کدام در حد ذات خود حاوی جهان معنی و حکمت است ، که فکر عاجز ما از ادراک تشریح ومفاد حقیقیه و عمومیه آن عجز دارد ولی معلوم است که نور هر کدام مثل ضیای آفتاب پوشیده نمانده جهانرا بنور خویش منور میگرداند که باوصف احساس و ادراک قاصر خویش میتوانیم از مفاد مدلول آن ها حس و بهتر بجا آریم .

از جملهٔ آن فضائل مقدسهٔ خدای متعال ما را بگرفتن روزه ماه رمضانشرف بخشیده ، ما درین ایام مبارکت بوسیله گرفتن روزه و ادای تراویح و ختم قرآن عظیم الشان روح ونفس خود را تزکیه نموده اخلاق خود را مهذب ومصفا سازیم چه برای تقویه ومعالجهٔ ارواح ونفوس علیل وضعیف بهتر ازین علاج و درمانی موجود نمیباشد .

ضمناً درین ماه مبارک که اخلاقاً بکتب بامداد وتعاون بافقرای ملت خویش هم مربوط ولی یکسال کم از کم بایفای این وظائف نوعی و ابراز هو عاطف انسانی که مقصد از همدردی و نقصان ملی وانوعی

ماست ، البته رسیده کی خواهیم نمود .

بالاخره در ادا های این ایام مسعود عدیه با طنطنه عید است که امروز ما سعادت آنرا درك و تحصیل نموده ایم این روز مبارك از جمله بزرگترین و بهترین روزهای مذهبی ماست که فضائل معنوی آنرا هر مومن میداند .

این روز مبارك تمام مسلمین را بصلح و آشتی و اظهار صمیمیت و وداد برادری واخوت امر وارشاد میفرماید .

این روز مبارك بسا از افراد یك جامعه اسلامی الزام میکند که زنگهای کدر وملال را از خاطر زدوده وشفقت ومرحمت وابراز احساس نوع دوستی واخوت اسلامی نمائل نمایند ، وضمناً کسانیکه ادنی قدرت مالی را دارا باشند یادی از بینوایان و فقرای ملت خود کرده وخاطر افسرده آنهارا مسرور و مبتهج سازند .

ماه رمضان مقدس ما را بمحبات و کمك مالی با فقرای ملت ما وادار میکند واین روز متبرك عید فطر ما را به اظهار و ابراز مساوات و مواطنه قومی و اخوت اسلامی توصیه مینماید که بایستی با فقرای ملت خویش قولاً عملاً مالاً کمك ومعاونت کرده و آنها خاطرنشان کنیم که ما همه اعضاء یکدیگر و ثمره واحده یك شجر یم .

حفظ مراسم و عادات حسنه در اقوام جهان عراقت و متانت تولید مینماید خاصةً مراسمی که از نص صریح قرآنی بوده ومستلزم رضائیت وخوشنودی ذات اقدس الهی باشد .

اینگونه مراسم مقدسه اشخاص را فضلیت نفس ، تهذیب اخلاق ، عواطف رقیق انسانی ، محبت جامعه ، غیرت ملی حس وطندوستی و ایثار می بخشد .

پس بهمه حال جای هزاران شکریه و سپاس بارگاه الهی است که ملت شجاع و دیندار من تا امروز بهمه مراسم حسنه دینیه پابندی و قیام داشته و از سرچشمۀ این فیوضات الهیه سیراب میباشد .

این خادم دین و مملکت افغانستان امید وارم طوریکه ملت نجیبم باموو تدین پابندی دارند در سائر معاملات اجتماعی خویش هم پابندی و انهماك داشته از نفاق و دوری ویکرنگی که وسایل عمدهٔ خسرانی و بربادی دارین یك قوم است کناره گیری و استبعاد جویند ، خصوصاً ملت عزیز و محترم من بایستی در وقت حاضر خیلی فکر و غور نمایند که خاك وطن ما که بسخت ترین ومدهش ترین حوادث خون ریزی ونفاق داخلیه متصادف شده بود ، ونزدیك بود هستی وموجودیت ملی ما را تا سالیان متمادی فلج و زبون سازد خدای متعال ترحم فرموده باین خادم و شما قوم توفیق عنایت فرمود که با همدیگر خود یك دل ویك جهت شده و این بدبختی بزرگ را از ملك و ملت خود خاتمه داده ایم ، اکنون از ملت و برجسته گان ملی خویش توقع دارم که ازین بعد در راه اتحاد و اتفاق و حفظ امنیت داخله مملکت خویش توجه و مساعی داشته و قدر و قیمت این نعمت موجوده امنیت وطن را بشناسند چه این نعمت بزرگ نه تنها ما و شما را برای راحت دنیوی مستفید میسازد بلکه در سایه این نعمت بامور عبادات ودینداری هم بدرستی وارسی کرده توانسته و سعادت دارین خود ها را تامین میتوانیم .

در خاتمه این عید سعید فطر را به شما وعامه ملت عزیز قدر دانم تبریك میگویم و از خدای توانا الی ماشاءالله همچه تقاریب سعید را برایشان خواستار بوده ترقی وتعالی وطن محبوبم را طالبم پاینده باد افغانستان مستقل زنده باد ملت شجاع افغانستان

معروضه تبریکیه ریاست مجلس اعیان

بجواب بیانیه فوق شهریار افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت معظم غازی ! این ساعتی را که بغرض اهدای تبریك عید سعید فطر بحضور مراسم ظهور شاهانه نائل تشرف یافته ایم وهمچه بیانات قیمدار شهریاری تانرا که درهر هر جمله وهر هر نکتهٔ آن انواع سعادت دنیوی ودینوی ما مضمر است ، بگوش هوش خود میشنویم ! از مسعود ترین دقائق حیات خود دانسته از خدای متعال بزیر سایه هما پایهٔ شاهانه شما امثال این عید ها را تا سالهای دراز برای افغانستان نیاز میکنیم .

اعلیحضرتا ! خدای متعال خواسته است که ملت نجیب افغانستان با ملل جهان عالم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 709 of 896

محدوش بوده ودر صحنهٔ این عالم سربلند باشند زیرا ادارهٔ امور شان بکف شخص با کفایتی مانند ذات والای شما که تمام مزایای اسلامی واخلاقی بوجود مبارك تان موجود است تفویض نموده است تا از اولین فرائض ذمهٔ ماست که نصائح ارجمند وارشاد های قیمتدار شهریاری را بگوش دل شنیده وجداً به تعمیل آن بکوشیم .

اعلیحضرتا ! معلوم است که ذات دیانت صفات تان یگانه حامی دین مبین حضرت سید المرسلین صلعم بوده فوز وفلاح اخروی وترقیات عصریه را برای ملت محبوب خود در زیر اثرات شرع انور و متابعت از قرآن مطهر میخواهید ، چنانچه ماه مبارك رمضان که شرافت آن به نص آیات قرآنی ثابت و یك ماه با رحمتی بر امت حضرت نبوی صلعم است از کمال دیانت پروری اعلیحضرت شما تمام شئونات دینی درین ماه مبارك مراعات شده و عامه ملت عزیز تان از فیوضات صوم و ختم های قرآن شریف مستفیض شده است .

اعلیحضرتا ! خدمات مهمی را که برای خیر وسعادت ملی ما انجام و در افتخار و اعتبار وطن از مساعی خود افزوده اید قابل هر گونه تمجید و تقدیر است ، چه امروز در سر تا سر مملکت عزیز مان از توجهات شاهانه نعمت امنیت و آسایش موجود وعامه ملت بنا به عدالت شهریاری مسترجعانه بامراز حیات مصروفند کار نامه های تاریخی شهریار افغان را صفحات تاریخ افغانستان با خط درشت و آب زر عنوان میکند .

اعلیحضرتا ! در خاتمه تکراراً تبریك این عید سعید را بحضور فیض ظهور شما پدر رحیم القلب تاجدار خود تقدیم و اعلیحضرت همایونی را اطمینان میدهیم که ما و قاطبهٔ ملت عزیز و قدردان تان برای پیشرفت این عزائم بزرگ شما که باعث سعادت و بختیاری مادی و معنوی ما دارید و بشمهٔ ازآن درین نطق غرای تان اشاره فرمودید از صمیم دل حاضریم و از لطف و مرحمت حضرت الهی امید واری داریم که ما ملت افغانستان از یمن این حیات متجددانه که درین دوره سعید بکمال رفاه و امنیت به آن نائل هستیم تحت هدایات تا قسمه اعلیحضرت شما و مجاهدات مجدوداته والا حضرت صدر اعظم صاحب و هیئت کابینه شان و سائر مامورین صادق حکومت شما بانواع ترقی و تعالی و بختیاری نائل خواهیم شد ، زنده باد شاه استقلال و نجات بخش افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی پاینده و مترقی باد ملت نجیب افغانستان :

نطق اختتامیه ذات شاهانه کهشفاهاً

(ارشاد داشته اند)

عزیزانم ازین افکار ونظریات شما که بالنسبهٔ من دارید اظهار تشکر می کنم واز خداوند تعالی آرزو دارم تا یمن عاجز وتمام افراد خاندانی من وعامهٔ مامورین حکومتم "جان توفیق را عنایت کنند که برای خیر وبهبود وطن عزیز خویش اضافه بر اضافه بکوشیم .

میدانید که یگانه آرزوی من از ابتدا تا حال بجز از سعادت وطن وادامه فخر وشرف ملت عزیزم دگر چیزی نبوده ونه هست من همیشه تمنا دارم که انواع نیك بختی های مادی ومعنوی برای افغانستان فراهم آید .

مسلماً برای حصول ترقی اساسی وطن عزیز ما چارهٔ بغیر از پابندی بمقررات صحیح دین مبین محمدی (ص) وحصول علوم عصری نیست ، اگر مسلمانها بان عروة الوثقی بدرستی تمسک ورزند وبهمراه پابندی بامور دینی حسب هدایات اسلامی ، شئونات دنیوی خود را هم تحکیم نمایند یقین است که دراندك مدت نه تنها همه خسارات واردهٔ خود هارا تلافی بلکه تمام عزت وجلال از دست رفتهٔ خود هارا تحصیل خواهند کرد .

برای افغانستان جای بسیار شکر وافتخار است که ملت آن از بدعات متنفر وبه حسنات مائل و با امور دیانت داری خود مشغول وعلاقه مندی دارند ، و از انوار ضیا بار آن چراغ هدایتیکه سیزده صد سال قبل ازین بدست حق پرست حضرت سید المرسلین بر افروخته شده استفاده می ورزند .

من یقین دارم که ملت افغانستان بفضل ایزد منان در سایهٔ دیانت بانك فرصت از اثر اتحاد وجد وجهد بمدارج بلند ارتقاء اعتلا میورزد واین غلط فهمی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 710 of 896

را یك قلم از لوحهٔ اذهان آنانیکه دین اسلام را مانع ترقیات عصری میداشتند محو و نابود می سازد و این نکته را عملاً ظاهر مینماید که ملت افغانستان با وجود پابندی مذهب و اخلاق؛ و تمدن حاضر را حاصل کرده می تواند .

آیا اسلام ممانعت می کند که مسلمین برای مدافعهٔ خود دارای توپ طیارات نباشند ؟ و یا به تجهیزات موجوده که امروز در محاربه های عالم مستعمل است مجهز و مسلح نباشند ؟ و یا از صنایع و حرفت هائیکه مدار افتخار سائر ملل است بی نصیب باشند ؟ و یا از پرتو علوم و فنونیکه اس الاساس مفاخر امروزیست کسب افاده ننمایند ؟

نی : فالحمد اولین چیزیکه دین پاك اسلام بآن توصیهٔ اکید نموده تحصیل علوم و فنون است و باداره دوین مورد اوامر داده است که طلب علم را بر عموم پیروان خود فرض گردانیده ، حتی برای تحصیل آن رفتن را به نقاط قصی عالم تاکید فرموده است .

همچنین بالنسبهٔ کسب فضایل و اجتناب از انواع رذایل بسا هدایات کاملی صادر نموده وراجع باستعداد فنون حربی وتهیه هر گونه آلات جنگی قرآن الهی هدایات کافی را حائز است .

آیا یك مسلمان صاحب اخلاق بادیانت که بهمه صفات اخلاق متصف باشد نمیتواند که یك دا کتر عصری کامل ویا یك انجنیر قابل شود ویا او یجی ماهر وطیاره ران گردد ؟ یقین دارم که یك شخص بادیانت صاحب اخلاق وپابند مذهب اسلام بهر شعبه که بخواهد بهترین کمال را حاصل میکند وبذریعه همان اخلاق نیك وپابندی مذهب درهمه اعمال خود دیانت مسند وصاحب استقامت میباشد .

پس جای شکر وفخر است که بفضل الهی امروز درملت اسلامی ما بهمراه پابندی باموز مذهبی حس ترقیخواهی موجود است ودرتمام طبقات مملکت از مامورین ملکی گرفته تا عسکری وغیر نظامی وعلما وفضلا وافراد رعیت روح وحدت واخوت موجود ، ویگانه تمنای هر طبقه همین است که در شعبه مربوطه خود مظهر چنان خدمتی شود که ازان وطن مسعود گردد .

درین فرصت که درتمام طبقات ملت حس فعالیت ووطنیه شناسی موجود وهمگان بفکر سعادت مملکت خود میباشند برما وشما لازم است که باهم در راه تقویه وبکار انداختن این حس شریف مصدر مجاهدت شویم ، وبرای استحکام حکومت و آبادی وطن طوری بذل مساعی ورزیم که عین فعالیت وزحمت کشی ما مر منشی اعمال عمومی گردد .

از اثر وظیفه شناسی وحرکات صحیح شما ، اوضاع عامه ملت خوب ، و همهٔ افراد در انجام وظائف خود (که عامه بدوش آن ها گذاشته) حسب مطلوب بکوشند .

خصوصاً وظیفهٔ مامورین ملکی و نظامی لازم است که در حسن اعمال و اقوال خود ها از هر حیث و از هر جهة باندازهٔ متوجه شوند ، که از اثر آن نه تنها قول وفعل آنانیکه بایشان مربوط ویا علاقه مند هستند ، خوب شود ، بلکه این کردار خجسته مقام تبلیغ عمومی را گرفته عملاً عموم افراد را ازان افکار و نیات حسنهٔ حکومت که نسبت برفاه وسعادت ملت دارد مطلع سازند .

مثلاً اگر یك علاقه دار یا مسکوبین منطقه مربوطه خویش و یا یك نولیمشر با افراد تحت خود همدردانه و پدرانه معامله میکند ، و حقوق حکومت را به آنها به بهترین صورت حالی وهر واحد را بوظائف محوله شان آگاهی و در فراهم آوری اسباب راحت آن ها بکمال امنیت و صداقت صرف مساعی نموده از اغراض کناره گیری کرده بخوشی آن ها مسرور و به غم و الم شان متاثر گردیده، خودش را بهترین نمونه حسن اخلاق معرفی داشته ارادت خیر اندیشانه حکومت را بان ها خاطرنشان مینماید ، گویا که وظیفهٔ خویش را به نیکوترین وجهی انجام وخود را نیکنام وملت را با حکومت وحکومت را باملت قریب وطرفین را فائز المرام میسازد .

هنگامیکه مامورین ، حکومت را بصورت خوب وملت معرفی نموده اعتقاد کامل ملت بر حکومت حاصل میگردد در صورتیکه ملت بحکومت اعتقاد داشت وملت دانست که همه حرکات حکومت برای خیر و بهبود ملت بوده اوامر حکومت اطاعت میورزند و در همه شعبات با حکومت خویش بذل معاونت می نمایند و بفضل خداوند همه

مقاصد عالی مملکت حاصل و وطن از هر گونه خطرات محفوظ میگردد.

از خدائیکه افغانستان را همیشه در بلیات و آفات نگهبانی کرده و مخصوصاً او را بعد از آن تبدلی و شکستگی مدهش محیر العقول بان چنین یک حیات صحیح و مرفه الحالی هم آورش ساخته و باز بمن عاجز چنان توفیق را ارزانی فرموده که درین دو سال و چند ماه بمساعدت ملت قدردان و مامورین صادق عالی و ملکی و عسکر مطاعر خویش اکثر خساره های وارده را تلافی و مقدمات اساسی را برای سعادت مادی آتی وطن وضع نمودیم، امید وارم که بما وشما مزید لطف و عنایتش را مبذول و افغانستان را یک حیات پر افتخار درخشان نائل گرداند.

من از ان خدمات صادقانهٔ صدر اعظم و کابینهٔ وزرا و مامورین صادق و عموم عسکر و امیر افغانستان که برای این وطن انقلاب دیده مصیبت کشیده خود [illegible] نموده اند اظهار مسرت دارم و از خداوند برای شان توفیق مزید خدمت گذاری و صداقت شعاری را استدعا می کنم.

خدا یا ملت و حکومت افغانستان که [illegible] تو و پیروان دین پاک محمدی میباشند انواع مراحم و الطاف خود را مبذول نما و به آنها مساعدت فرما تا باتفاق و اتحاد تمام برای خیر و بهبودی وطن خود خدمات لازمه را انجام دهند و بالاخره از اغراض و چیزهائیکه موجب هلاکت است بر کنار بوده و از مجاهدات خویش وطن را مترقی و نام نیک تاریخی را کمائی کنند.

خدا یا مرا توفیق رفیق کن تا چنان خدمات خوبتر را برای افغانستان انجام دهیم که از ان رضای تو و خوشنودی ملتم حاصل گردد.

زنده باد افغانستان! پاینده و پایدار باد ملت افغانستان!

[[illegible] حضار و [illegible] دعا گوئی]

بیانیهٔ تبریکیهٔ شیخ السفرا که در قصر دلکشا بحضور شاهانه ایراد نموده است

اعلیحضرتا!

افتخار دارم که از جانب هم قطاران محترم و از طرف خود بتقریب عید شاندار و مراسم مذهبی آن باعلیحضرت شما تبریکات صمیمی خود را تقدیم نمایم.

درین روز عید مشرف ورزیده باعلیحضرت شما آرزو های صمیمی خود را برای نیکبختی و صحت کامل و توانائی که برای عایدات اجرا آن اعلیحضرت و بهبودی ملت افغان و سعادت دولت افغانستان [illegible] تقدیم می نمایم.

جوابیهٔ ذات شاهانه در مقابل بیانیهٔ تبریکیه هیئت سفرا

جناب شیخ السفرا!

از تبریکات جلیل شما و همقطاران محترم شما تشکر مینمایم، نسبت باظهار آرزو های صمیمی شما نسبت بما و بهبودی وطن ما افغانستان ممنون بوده آرزو دارم که در مملکت ما اوقات جناب شما و همقطاران محترم شما به آرامی و مسرت بگذرد.

سیاست عالم:

نفس هاي اخرين

صلح نامه ورسای

کمیتهٔ متخصصین ملی که اخیراً در (بال) اجتماع نموده بودند، راپور حاوی مقررات آنها که از جمله حادثات مهمهٔ سال گذشته (۱۹۳۱) شمرده می شود اکمال و نشر کرده.

مقصد از اجتماع کمیتهٔ متخصصین ملی را شروع به تدقیق پلان یونگ بود که آیا المان اقساط سنوی ترمیمات را تادیه کرده می تواند و یا برای اقساط مذکور تاخیر قبل تادیه لازم است.

تبیانات و ضرورت کمیته بقدری مهم و طولانی گردیده که شکل کنفرانس مهمی را اختیار کرده و تدقیق بحران اقتصادی و مالی دنیا در وظائف آنها شامل گردید

شایان [illegible] از جلوی مذکرات و مواد از روی نتیجه فیصله کمیته مذکور خیلی مهم و عالم شمول واقع شده است.

کمیته مذکور اولاً تصدیق و اعتراف نمودند که به حسب وضعیت و احوال حاضر المان اقساط تادیه شرایط را اداء کرده نمی تواند. واگر کمیته اقساط را [illegible] تعیین نموده است

که یك قسمت آن تمام ترمیمات بوده و از تضمینات حربیه چندان فرق نداشته ، لیکن تادیهٔ آن تابع شرایط نیست وقسمت دیگر که در تضمینات حربیه داخل وتابع شرایط تادیه است .

اقساطیکه تابع شرایط است اقساط سنوی است که تادیهٔ آن در بعض احوال تمام ، جیل شده می تواند . واقساطیکه تابع شرایط نیست اصلاً تا ، دیهٔ آن پس افتاده نه می تواند . و کمیته هم حق ندارد این قسمت دوم اقساط را تدقیق کند :

این معلوم است که اقساط یك ساله تا ، دیات المان از درك ترمیمات وتضمینات یك ملیارد وهشت ملیون مارك طلا ، ویا معادل آن دولار واسترلنگ تادیه کردنی بود ! ازین میان شش صد ملیون مارك آن غیر قابل تاجیل وتابع شرایط نیست . وزیرا فرانسه حصهٔ ترمیمات خود را به هیچ گونه شرایط تا ، جیل واقساط بعد داخل نداشته وقبول نه نموده است . و این قسمت دوم تا ، دیات صرف همین قسمت حصهٔ فرانسه است که بدان یك ماهیت تجارتی داده وهم یك قسمت آنرا مقابل نشان داده استقراض نیز عقد نموده است . واز المان هم مقابل آن راه های امن حکومت آنرا کفیل وضامن تادیه گرفته است .

برای تا ، دیات قسمت اول کفالت وضمانات تا ، دیه موجود نیست متخصصین کمیتهٔ مالی دول اگر چه به تا ، دیات قسمت صلاحیت تدقیق را ندا شتند مگر در اثنای تنظیم پیلان یونگك ومحبوریت بحران وضعف احوال وشرایط اقتصادی دنیا که وضعیت وشکل چند سال اول دنیارا تماماً تبدیل نموده است در عموم موضوع تدقیق نموده و در راپور خود ملاحظات خود را چنین قید وتشریح نموده اند که المان ها امروز نظر به وضعیت آن از ایفاء هر دو نوع ترمیمات تابع شرایط و غیر تابع شرایط عاجز است . وهم عـلاوتاً یکی از اسباب مهمهٔ بحران عمومی اقتصادی دنیا را مسئله ترمیمات نشان داده . دلایل ذیل را دران ضمن چنین قید نموده اند که المان ها از مقدار هجده ملیارد مارك طلا ، که بطور استقراض واعتبار از خارج گرفته اند . قبل از انکه قابض استقراض بداشتن تا ، دیهٔ ده ملیون آن را ترمیمات فرو برده است ، ازین اسباب المان امروز در خیلی موقع مشکل واقع شده است و درنهایت متخصصین درمسئله ترمیمات فیصله قطعی نموده اند که اگر هیچ نباشد فعلاً مسئله ترمیمات برای یك مدت طولانی تا ، جیل کرده شود ،

در نتیجه از حکایهٔ فوق چنین حاصل می بر آید که حرکات اخرین مساعده ورسای هم از سرش آن جدا شده بعد از دوسالیکه خبر هـای اخرین نشیت تا ، جیل ترمیمات را اعلان می نمایند در نتیجه گمان می کنم که پس از مرور این مدت ویا دراین بار عکس آن المان ترمیمات طلب خواهد کرد . م . اسماعیل

تشکر و امتنان

(از اهالي بیدار قندهار)

آقای محترم ! جوبا مدیر جریدهٔ شرفهٔ « ملی » ایس !

ترجمهٔ فارسی ــ مکتوب افغانی اهالی قندهار ، که با اعانهٔ (ملی) نقد و جنس جهت مصارف زمستانی من از کمال همدردی و معاونت ملی ، بکابل برایم فرستاده اند ! با سواد جوابیهٔ من بخدمت شما تقدیم گردید ، تا مراتب امتنان ، و شکر گذاری مرا ، شما هم وظیفه ملی و وجدانی خود گفته ، برای استحضار همشهریان محترم اهالی قندهار ، در تازه ترین شمارهٔ جریدهٔ شرفهٔ الیس نشر دهید ــ در خاتمه توفیق شا نرا در خدمت بوطن و ملت از حضرت احدیت مسئلت مینمایم .

عبد العزیز

(سابق مدیر طلوع افغان)

نامهٔ اهالي قندهار

برادر محترم ما ، خادم قوم عبد العزیز خان ، وکیل قندهار !

ما باشندگان قندهار ، نظر باینکه شما را یك خدمتگار صادق و فاضل وصاحب دیانت میدانستیم ، و بر شما اعتماد داشتیم در غیاب تان شما را بوکالت خــود در شورای ملی انتخاب نمودیم .

شما که معذرت های زیادی نموده وکالت ما را قبول نمیکردید ، پس ما ملت شما را بر قبول آن مجبور ساختیم ، و چیزی وجه نقد بطور اعانه جلدی نموده ، برای مخارج

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 713 of 896

تان قران زمان بشما تقدیم داشتیم ، حالا ما واقف هستیم که شما استعفا نموده و بکابل سکونت دارید !

چونکه شما یك خادم صادق ملت و یك شخص با دیانت میباشید ، و عایله و اطفال صغیر شما ، اینجا در قندهار ، بی غمخوار و بی پرستار مانده اند ، لذا بنا بر همان صداقت شما و علاقه مندی که ما با شما داریم ، حتی الوسع چیزی اعانه مطابق جز و قلیل بشما تقدیم مینمائیم توقع میکنیم که شما از طرف ما همشهریان خود آنرا قبول فرمائید ، و برای وطن خود و ملت خود همیشه خادم صادق باشید ـ زیاده زنده باشید .

(امضأ جمع غفیری از معاریف وکلان شونده شهر قندهار)

جوابیه

هموطنان عزیز اهالی قندهار !

استعداد طبیعی وفطری ملت نجیب افغانستان ؛ روبهمرفته عبارت از یك حقیقت مسلم ومثبتی است ؛ که هیچ یك شخص دارای معلومات از آن نمیتواند انکار کند ، ویا حجتی برخلاف آن اقامه نماید .

من خیلی مسرورم وفی الحقیقت خودرا یکی از مسعود ترین وخوشبخت ترین اشخاص این محیط میدانم که از بدو قدم نهادن خود در دایرهٔ عمل ؛ این مسئله را کما حقها درك نموده وهمواره کوشش کرده ام بآواز های مختلفه و اصول متنوعه فکر واقعی را درین موضوع تشکیل داده بودم بقندهار و افغانستانی ! بلکه بتمام دنیا اعلان کنم ؛ وبگویم ، افغانستان وملت حساس وجوانمرد افغان مستحق همه گونه ترقیات تشکیل است ؛ ودارای هر نوع استعداد وقابلیت پیشرفت وتعالی !

نمیگویم این دعوی مرا تنها از قول من که دلدادهٔ این خاك پاك ؛ واین سرزمین مقدسم ، باور کنید ! اگر بیان من و چند نفر افراد وطن خواه ، ویا بعبارت صحیح یك مشت دلباختگان محبوب زیبای وطن را نمی پذیرند ، میتوانند بتاثرات اشخاص بیغرض وبیطرف وحتی بعضی از دشمنان با وجدان ومنصف افغانستان رجوع کنند وبه بینند وطن مقدس افغانستان و ملت مردانهٔ افغان در انظار ایشان چه یك مرتبهٔ عالیه وچه یك پایهٔ بلندی را حایز است .

بلی این است ملت جوان وآزاد ، ملت شجاع وفداکار ؛ ملت حساس وحق شناس ؛ که شهامت وحمیت ؛ غیرت و دیانت ؛ راستکاری وحق شناسی از جمله شعار معنوی ، وصفات غیر متخالف فیه تاریخی شان بشمار میرود .

این است ملت شریفه ومحترمهٔ ، که اگر هر صفحه از صفحات تاریخ گذشتهٔ آنرا مطالعه کنیم ، پر از مناقب رجال بزرگ ونوابغ حماسی است که گاهی در عالم علم وفضل ؛ تشنه کامان وادی طلب از معارف وسیعه وافکار منیعه شان متحظ ، وگاهی در عالم عسکریت ، فداکاری وجان سپاری اعدای حیات وتکامل وترقی ما ، از برق شمشیر براق وتیغ آبدار شان مضمحل ومتمرز بوده اند .

بلی ! این است ملتی که از راه وطنخواهی وملیت عزم نموده ام تا آخرین رمق حیات خود در راه تکمیل وترقی ، وتحصیل آمال وآرزو های دوستداران ومحبان وطن خدمت وفدائیت نمایم ، وهم بارها کرده ام ، وبازهم خواهم نمود . ویگانه چیزیکه در بنموضوع تسکین قلبی و اطمینان فکری من میشود ، این است ، که ملت غیور افغان نیز میتوانند از اشخاصی که پروانه وار خود را فدای شمع وطن میکنند تقدیر نماید !

همشریان عزیز !

این قدردانی واحسانیکه نسبت بمن (که وکیل شما در کابل بودم) نشان داده اید ، عبارت از یك کار سرسری و سطحی نیست ، که یك شخص فکور بتواند بدون تعمق وتفکر ازان صرف نظر کند ، بلکه عبارت از یك واقعهٔ تنا ریخی ازرگی است که برای تمام دنیا مثال مهم حق شناسی ملت قندهار بلکه تمام افغانستان را تقدیم نموده ، در قلوب پر از آرزو های گوناگون خفیفهٔ کسان محبت این محیط پر ازمجد وعظمت یك سلسله امیدهای نوتازه ئی ، ونسبت بخوشبختی ها وسعادتیکه در آینده ، این محیط با نام ونشان را استقبال خواهد نمود ئی است تولید میکند .

خصوصاً حتی قوی ترین قلبی نمیتواند

بمحض شنیدن اینکه در جلسهٔ اعطائی که از من عاجز حمایت وقدر دانی کرده اند یک پیز (چارساعه) که صد روپیه قیمت دارد) بمن آقای نور محمد خان از شامل است، متأثر نگردیده و احساسات افراد صغیر و کبیر این جامعهٔ جوان وجوان بخت، این مهد پرورش مدافعین دین و وطن، وفدا کاران راه اسلامیت وافغانیت جواباً تحیات تقدیم شده و آفرین ها نگردید.

قدر دانان عزیزم!

اینکه که با این خدمتگار عاجز ملت وفدائی ملت نموده اید، از یکطرف برای حیات تمام افراد صحیح افغانستان عبارت از یک تازیانه است که شعور وهیجانی دیرینشان تولید نموده بسوی سعی وفداکاری ایشانرا میکشاند، واز طرف دیگر، اشخاصی را که محض بنابر وهم پرستی مخالف اسلاف واستبداد این ملت سخن ها گفته چشم های خود را از حقیقت بسته بودند، قانع وساکت میسازد.

راجع باستعفای من، از وکالت شما در شورای ملی، تنها اینقدر میتوانم بگویم که درای زمن مقدور بوده ویا وجود آن استعفای من لازم وضرور بود. بهر حال همچنانکه در سابق میدان مستعار خود را وقف خدمتگذاری ملت عزیز خود ساخته بودم، حالا نیز کما فی السابق، در هر وقت همواره در باب مرامهای جلیل ملت نجیب

ترجمه از جریده «خلافت»
بمبئی مورخه ۲ جنوری ۱۹۳۲

مشورت پسندی حکومت

نادری

اشخاصیکه نسبت به شاه نادر خان این بدگمانی دارند که آنها یک جاه طلب وحکمران مستبد هستند ودر دوران شورش افغانستان از فرانس به حالت قانونی وصف شاهی محض این خاطر به وطن عزیز خود مراجعت کرده اند که به تخت خالی کرده امان الله خان متمکن شوند؛ آنها این را معلوم کرده حیرت خواهند کرد که عوض اینکه فرزند یک ویا یکی از برادران عزیز خود را جانشین وولیعهد خود بسازد اعلان کرده اند که آنها انتخاب فرمان روائی افغانستان بتجربه [illegible] کرده.

افغانستان در دل ودماغ مرتبت [illegible] بوده جهان [illegible] خود را بیک [illegible] تنگی وناشناسی [illegible] تقدیم میکنم، ومید وارم خدمات من، وخدمات شما برای افراد بومی وطن عزیز وسائل آسایش ملت افغانستان توسعه وعزت جلیل بوده ومقتدری تشکیل دهد، ودرختان ترقی وتعالی افغانستان را بطرف استقلال ملت افغان از [illegible] حضرت قادر سبحان بعد نیاز امروز شان میکنم.

(خادم وطن وفدائی ملت)
عبد العزیز

خواهد شد، وملت کامل آزاد خواهد بود نسبت به نظام حکومت خود فیصله کنند.

اعلیحضرت نادر خان اولین حکمران اسلامی هستند که یک حکومت شخصی را باصول جمهوری روشناس کرده اند ویا وجود بودن محبوب وهرایل عزم ات از بدعت ملوکیت طور از عزت واستکراه نموده اند.

این فقط نقطهٔ مصلحت اندیش وتدابیر ذاتی بوده که باصرار ملت تاج وتخت افغانستان را قبول کردند وملک را از تباهی، ویرانی وخانه جنگی نجات دادند و کسانیکه از رجحانات شخصی ذاتی واقف اند می فهمند که اعلیحضرت هرچه مائل مساوات وجمهوریت بوده اند آرزو کمتر از ذوق زندگی ذاتی همین بود که وطن عزیز ذات را بجانب آن جمهوریت حقیقی رهنمائی کند که طرز امتیاز مسلمانان های قرون اولی خیال کرده می شوند.

لاکن آن ها میدانند که بعد از تباهی که بعد دور مقتدری یک شخصیت زبردست ودماغی بیدار ذات سخت ضرورت است وبه تعلیم وجاری کردن اصول جمهوریت بتدریج کامیاب شده میتوانند لهذا آنها اطوار مجبوری قیام عارضی ملوکیت وحکومت شخصی را مراعات کردند.

ما یقین داریم که از این اعلان شخصیت نادر خان در دنیای اسلامیت باحترام بلند خواهد شد ودنیای جمهوریت پسند

ترجمه: رحمان افغان -۱- موءلف: ژرمال زاورز

رهبر اهل ثروت

قسمت اول
واسطهٔ قوهٔ مالیه

فصل اول
(صرافخانه)

[انتخاب فلز مسکوکاتی – معیار طلا – بایتا لذکره) بانک ــ (معاملات صرافیه) ـــ پول کاغذی ۰ اساس آن ــ تنزل آن – تأثیرات جنگ در تداول پول کاغذی وبلیت بانک ۰]

توصیف اختیار مسکوکاتی

واسطه قوهٔ ماله چیست ؟ – عموم دنیا آنرا میشناسد مگر باستثنای افراد محدودی که اکنون درباب حقیقت واسطه طبیعی ومعنوی پول فکر مینمایند ۰ اما واسطهٔ پول از زمان انکشاف مدنیت تاحال بطور عمومی برای مبادله عامه ایجاد شده است ۰

بناءً علیه مقدار کثیرا لا بحار متداوله اساسات چونکه آهسته آهسته اسباب تولید مشکلات شده رفت از آنرو وضع قاعده عمومی تعین ارزش اشیا نیز ضرور گشت ۰

لهذا این قاعده عمومیه تعین قیمت اشیا در اوائل بر اشیائی که بسیار تر معمول ومقبول عامه میبود تعین میشد ، مثلاً در ممالک یونان ولاتین بالظروف برنجی وچهارپایان قیمت اشیارا تعین مینمودند وبا آنها مبادله بیع وشرای خود شانرا اجرا میداشتند ، چنانچه کلمه (پیکو) یعنی رمه که ازان (کلمه پیکو یا یعنی پول اتخاذ کرده شده است که اکنون در زبان فرانسه همین کلمهٔ پیکو یا بمعنی پول رائج میباشد گویا کلمه پیکو شاهد میان تداول قدیم یونان ولاتین است ۰

همچنا در میان امریکائی قبائل (ا گینی) یعنی پارچه های رخت قیمت اشیارا تعین مینمودند وبه آن داد وده میکردند ۰

بدون که به تذکار گذشته اوقات مطالعه کنندگان ضائع شود در حالت موجوده در ممالک متمدنه نیز اشیای موجوده است که بحیثیه مبادله درممالک متمدنه رائج میباشد یعنی با وجود فلز بیش قیمت ، فلز طلا ونقره فلز برنج مس ، نکل حتی آهن راسکه مینمایند ویا فلز های مختلف را با فلز نقره مخلوط میسازند خواه برای استواری سکه فلز طلا ونقره ویا برای تزئید وزن مسکوکات ویا برای تلافی مصارف آن ضرب مینمایند ۰

البته سکه مضروبه قانونی به نسبت فلز تجارتی درهر مملکت وانسچ تراست اعم ازینکه در معیار واوزان آن تفاوتی موجود باشد ، اما نباید فراموش کرد که جوهر خالص فلز طلا ونقره همیشه محفوظ است چه لیاقت وتفاوت اساسی میان پول آزاد وپول قانونی وپول تحدیدی هم چنان با قیمت مثلاً پول آزاد (خالص) خواه مسکوک ، ویا غیر مسکوک بود قیمت وورزش متغیر نیست در داخل مملکت ویا خارج مملکت یکسان است ۰

بنا" هر کس خواسته باشد بقرار بخانه خشت طلا ونقره خود را سپرده ضرب کند ازطرف دیگر مامورین ضرب خانه بزعمان مقدار طلا ونقره را که برایش آورده باشد ضرب میکنند چنانچه در فرانسه قبل از سنه ۱۸۷۳ یک کیلو گرام نقره را ۲۲۰ فرانک سکه آزاد ضرب کرده بصاحبش مسترد مینمودند اما در حالت حاضر پول تحدیدی وپول قانونی رائج است لیکن محافظه اعتبار این دونوع تحت اثر معاهدات دراقی است ۰

افغانستان نیز یک از حقوق خواهد انداخت ، ما ملت افاغنه را تبریک میگوئیم که برای تعمیر مستقبل خود نگاه انتخاب شان به شخصیکه افتاده بود ، و از کارنامه های خود در معنی حقیقی خود را اهل این منصب جلیله اثبات کرده .

(خلافت)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 716 of 896

انتخاب فلز سکه جات

جنس فلز طلا و نقره که در میان تمام ملل مختلف نزد مردم پسند و قبول شده بجهة این است که این دو فلز سخت و نرم و کمیاب میباشد .

اما سوالی که موجود است : تفاوت قیمت فیما بین این دو فلز چیست ؟

مناسبت قیمت در میان این دو فلز کدام است ؟

بل حل این دو سوال دلچسب راجع به تفاوت بین طلا و نقره را از تواریخ مسکوکات آخر دنیا میتوان استنباط نمود . در جریان سال بیست و پنج قرن ۱۹ حدود قیمت تناسبی بین طلا و نقره از ۱۰ و ۱۵ وزن نقره مساوی یک وزن طلا بود که در حین تعین قیمت اشیاء و داد و دهش همین حساب را نگاه میداشتند مگر زمانیکه ترقی علوم مسکوکاتی در قواعد مسکوکاتی نمایان شد و انسانها به مشکلات بزرگ میان این دو نوع فلز فهمیدند خواستند که قیمت تناسبی بین فلز طلا و نقره را قانوناً تحدید نمایند مگر متعاقباً این مفکوره پیدا شد که اهمیت فلز طلا بلند و یگانه پول آزاد است و استعداد کافی دارد و هر مقدار قرض گزاف را تادیه میتواند ازین رو اقتدار و قیمت پول نقره از سنه ۱۸۷۰ تا سنه ۱۹۱٤ رو به تنزل گذاشت، بحدیکه هیچگاه در زمان تمدن این چنین تنزل نقره دیده نشده بود مگر جنگ بین الملل، برگشت و یا تنزل نقره را تحدید کرد .

عدم تداول پول طلا در اثنای جنگ

تا آغاز جنگ بین المللی پول طلا در خزائن دول متحارب و دول بی طرف موجود و محفوظ بود ، خزائن دولتی و بانکهای ملی سکه طلا را از تداول باز داشته بودند و سکه طلا را بجز از تبادلات بین المللی در جریان معاملات داخل مملکتی بکار نمی بردند . دراینوقت مانند پرداخت قروض و تاوان جنگ موجود نبود .

لهذا قحط شدن پول طلا باعث تولید تکثیر نقره شد یعنی دول در پنج سال آخر قبل از جنگ پول نقره را بی اندازه ضرب کردند با وجود آن ، قیمت نقره در میان تداول نه در یوروپا ، نه در مشرق و نه در امریکه به نسبت قیمت طلا ترقی کرد حتی در جریان جنگ بین المللی با وجودیکه مردم میل مزطبی عمومی در خزینه کردن نقره پیدا کرده بودند خواستند یک حصه ثروت خود شان را تمام نقره جمع کرده و در خزینه نگاه داشته و با اعتبار آن استفاده نمایند .

دول نیز برای تجمیع پول نقره در خزائن خود شان ساعی بودند . معهذا اعتبار نقره تفوق نجست و نه دول اعتبار داشتند که قدر و قیمت پول نقره بلند خواهد شد .

ومعهذا انکه دول از یک طرف برای جمع کردن و محافظه نمودن طلا و از طرف دیگر برای تزئید پول نقره بجهة تداول داخل مملکتی ساعی بودند .

از خاطر فراموش نشود که تمام ولایات و مجالات مملکت فرانسه به اندازه دو ملیارد پول طلا را برای بلند بردن اعتبار بانک دولتی با حکومت خود مساعدت نمودند اما با وجود آن قیمت پول نقره مطابق سکه طلا نشده . یعنی به عقیده اقتصادیون شئی که طرف قلت و کم یابی رفته از ساحه سعی و عمل و کنار شود در اعتبارش نقص وارد نمیشود خصوصاً شئی که حق انتفاعش کمتر باشد . بالعکس ذات شئی که حق انتفاعش بیشتر بود در صورت کم یابی در قیمتش افزوده میشود اما پول طلا باوجود آن تنزل نکرده .

پول نقره در خزائن

بعضیکه پول نقره را در خزائن خود جمع نموده بودند خواه دولت و خواه بانکهای انمیسیون (یعنی نشر متداوله بانکهای را گویند که با اعتبار فلزات و یا چیزیکه محل اعتبار واقع شود پول کاغذی و بیلت مراقی چاپ کرده بغرض تداول بین مملکت بدست عامه می سپارند) و یا بانکهای شرق اقصی با وجودیکه معیار نقره علاوه تر در آنجا متداول بود مقدار بزرگ را تجمیع نداشتند باستثنای خزینه هندوستان که علاوه تر از صد ملیون روپی موجود داشت هم چنان واشنگتون (پای تخت امریکا) یکصد ملیون دولار را خریده در خزینه حاضر داشت تا برای دول خارجه قرض بدهد . دیگر جا مقدار بزرگ پول نقرة موجود نبود .

بانک هند و چین یک مقدار پول نقره

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 717 of 896

که در خزینه جمع کرده بود بحر وصرف کرد .

لهذا از نقطه نظر احصائیه مسکوکاتی دنیا میتوان حدس نمود که حصه بزرگ پول طلا درخزائن دول ویا بانکهای ایمیسون وخزائن ملی موجود ومحفوظ است اما پول نقرة بدست ملت ویا بعضی سرمایه دارانیکه خزینه کردة باشند .

۲۱. علیه تجمع پول طلا در خزائن دنیا تاجائیکه آشکار است . از ۳۰ ملیارد طلای فرانسوی (۲۵ فرانک و ۲۲ سانتیم طلای فرانسوی معادل است یک طلای پوند انگلیسی) که درسنة ۱۹۱۳ بالغ بود اما در سنه ۱۹۲۵ به چهل ملیارد بالغ رسیده است .

عمومیت معیار طلا قبل از ۱۹۱٤

قبل از جنگ معیار طلا چونکه حقوق ملل معظمه بود مانند : امریکای اتازونی انگلتره ، و اکثر مستملکات وی ، فرانس ممالك اسکاندیناو (سویدن ، ناروج و یک حصه این نژاد که در دنیا ولانی باشند)

ازین رو دولار ، پوند استرلنك فرانك ، فورون ، در تجارت دنیا قانوناً باعتبار فلز زرد (یعنی طلا) رائج گردیده ، مگر جنگ بین الملل ، این حالت حقوق خاصه دول معظمه را بحالات دیگر مشروط ساخت . و در این وحدت مسکوکاتی آنها اختلاف پیش آورد ، بعضی مقدار مسکوکات آنها را در ممالك مختلفه تقسیم گردانیده متعاقباً تمام ملل به تغیر

شکل حقیقی پول کاغذی را ایجاد کردند .

باری تأثیر مهم این مسئله را از مجموع حیات اقتصادی امروزی بشریت میتوان استفهام و استعلام کرد که به نسبت رجیم اصلی مسکوکاتی چه مقدار معاملات اقتصادیه پیشرفت و ترقی کرده و چگونه بسرعت ممکنه قسم اعظم جامعه بشری ازشروع قرن پنجم این مسئله را استدراك نموده و ترقی داده اند .

لهذا حد مسکوکاتی هر مملکت بوزن معین فلز منوط است . چنانچه قانون مسکوکاتی فرانسه چنین تحدید کرده که وزن یك فرانك عبارت است از پنج گرام نقره ، که در ده / ۹ حصه اش زر خالص است و پانزده نیم وزن خالص آن مطابق است یک وزن طلا .

واضح ترش اینکه ۳۲۲ میلیگرام طلا مطابق به تفصیل معیار فوق است .

دربریطانیای عظمی یك انس طلا یعنی ۹۱٦ ملیم خالص مطابق به ۷۷ شلنگ و ۹ پنس است که یك پوند استرلنگ که بهمان دوام اعتبار ومقدار سکه انگلیسی معادل به ۲۵ فرانگ و ۲۲ سانتیم طلای سکه فرانسوی میباشد بدین صورت اگر به تمام قانون مسکوکاتی دنیا ملاحظه شود تناسب تطابقات حد مسکوکاتی بیکی از فلز طلا وفلز نقره مربوط بوده واز همان حساب در روابط تجارتی داخله وخارجه قید نموده اند .

(مرام مترجم: اگرما مورثین اقتصادی ماهم لزماً مانند قواعد جاریه عالم حد قانونی مسکوکاتی افغانی را باساس روابط

تجارتی بین الملل معین نموده ومانند مسکوکات عالم راجع به ضرب وارتباط آن با پول خارجه باستشاره متخصص اقتصاد قواعد متینی را ایجاد کرده وبا بانکهای دول معظمه ویا اقلاً با بانکهای هم جوار راجع به ارتباط وزن فلزی دولتین وتداول اشیای ضروریه مملکتین داخل عقد موافقه گردند محقق است که تنزل سکه فلز افغانی که مورث بحران اقتصادی حتی اجتماعی مان گردیده است (پریشانی عمومی اجتماعی از تجارت بی اصول حاضره مان است) تلافی شود . راجع به تفاوت عروجی ونزولی پول کاغذی دنیا وانعکاس آن در فلز غیر مسکوك واینکه پول مسکوك فلزی اگرچه درحالت تغیر باشد اما بصورت انتفاع است درمقاله علیحده بیان میشود)

باری اتخاذ این امر از تجارب اساسی وتجلیات انسانها است ومعلومات تصدیق حدود مسکوکاتی از رو حیثیات آنها اقتباس شده است .

بناءً علیه در نظام مبادلات یومیه که مبنای حیات اقتصادی و محتوی غیر محدود و تنوع مبادله و فروخت واجاره معاملات که لاینقطع مورد استفاده هستند جز قسم ضعیف اشیا و بعضی فلزات ضعیف را محل استفاده در آوردن چیزی دیگر ظاهر نیست .

لهذا تا این جاتماماً بیان افکار و وحدت فلزات و تذکار مسائل آن بود اکنون راجع به تکوین وخلقیت پول کاغذی ایضاحات داده میشود ؛ چه پرداختهای

ترجمه از مجلات پاریس :

عبور هیئت کار وانزرد

از « پامیرات »

از تاریخ ۲۶ دسامبر باین طرف از نامه نگار مخصوص ما موسیو «ژوژ لوفور» هیچ مکتوبی راجع به هیئت سیتروئن آسیای مرکزی دریافت نکرده بودیم هنگامیکه قصه اقامت هیئت را در افغانستان شایع کرده بودیم خود هیئت چنانچه مختصراً متذکر شده بودیم صعب ترین حصه مسافرتی یعنی عبور پامیرات را انجام داده بود : وقایع که در حین عبور این منطقه رخ داده تا آیا بر حادثه هست چنانچه ذیلاً می بینید . در مقابل این حائل مخوف که قبلاً آنرا در نظر هیئت غیر قابل عبور نمایش داده بودند عزم و اراده وعشق مفرط موسیو ژوژ ماری هاردت و رفقایش از اول وهله سفر شکفت آور شان معطوف شده بود تا اینکه در اثر فعالیت . طاقت و تصمیمات متزلزل نشدنی بر آنهمه موانع فائق آمدند لیکن عجالی بنید که کامیابی در اثر چه کوششهای بوده است .

شك نیست که مواصلت باین اشکالات متصوره بارها در مسافرین یك نوع اندوه تولید کرده باشد که با مسرت مظاهرات صمیمی که در منازل اول سفر شان دیده اند مخلوط شده تا یکدرجه شادمانی شانرا زائل کرده است .

در میان اندوه و غصه های مختلف النوع که در حین عبور مملکتی که از هیچ ادب مهمان نوازی اطلاعی ندارند بر آنها داده شده است با کمال تاثر وخدا حافظی وقت مخش شام ، ودعا ئیکه از ابتدای وهله حرکت منزل اول آنهارا استقبال میکرد ، توجهات مفرطی که ایران درحق آنها مبذول داشت بذراتی تمامات محبت کارانه افغانستان که از ابتدای خاك این مملکت با آنها همراه بود ـ بعد خوش آمدید شیرین اعلیحضرت نادر شاه و التفات وداد کارانه که در مقابل آن خود داری نمیشد در حین ملاقات آنها در قصر کابل ابراز داشتند ، وهیئت « مساوت » . و « آوردن دوبر وی » با تشریفاتی که سفیر فرانسه را به پذیرند پذیرفتند واظهارات اعلیحضرت بالنسبه اینکه نمیخواهند مهمان نوازی که سابقاً دو مملکت مادیده بودند ومولات هائیکه نسبت به ایشان در اثنای مرض سختی مبذول شده بود مکتوم سازند بالاخره اظهار سپاس گذاری فاسد لندنی که بالنسبه مملکت ما دارند ابراز نموده، محبت شاهانه شانرا راجع به این عزم وتصمیم بزرگ فرانسوی اظهار نمودند لی بایستی این بار کار هابرای اعضای هیئت سیتروئن نمایات خیلی تبیق باشد .

هیئت سیتروئن آسیای مرکزی که دو ماه اوریل از بیروت حرکت کرده بود به ۱۴ ژون ۱۹۳۱ دره سری ناگر « وسیله یعنی برطبق حساب » کونتور های « موتر های شان ۵۵۴۲ کیلومتر راطی کرده اند . . بعد از عبور دشت های شام ، جلگه های بین النهرین وایران ودور زدن توده عظیم هندوکش افغانستان هیئت خیمه های خود را در کشمیر در پای حائل مدهش کوهستانی که دو دنیای هند وچین را از هم جدا میکند نصب کردند .

حالا مسئله مهمی رسیده که باید از یك دنیا به دنیای دیگر عبور کرد .

اینجا سه طریق وجود دارد .

از بیروت تا افغانستان کلی سلسله کوه هیمالیا را در شمال پشاور در ناحیه چترال در . باره خیل شرق کرده که از آنجا هند توسط سرحد شمال غربی خود با افغانستان ارتباط دارد . این راه چون مخصوصاً آزادی سربی است ازطرف حکومت هند قدغن است که هیچ یك خارجی از آن عبور نمیتواند .

۵۰۰ کیلومتر دورتر طرف شرق راه جدیدی از (له) پارشده که درمیان کبابك بجاوب یار کند رفته است ، از این راه در تابستان قافله ها عبور میکند لیکن طول وعلاوه براین عیبی که دارد این است که باید متناوباً سه گردنه که هرکدام به ارتفاع های بلندی وقع اند عبور کرد بالاخره بین این

مختلفه به قدر خیلی مشکل و اسباب زحمت است ووقت رضائع میسازد ازاین رو بجهت سهولت و رفع زحمت معاملات اقتصادیه پول کاغذی ایجاد گردیده حتی برای سهولت امور امروزه تنها مخترف کتاب های بانك باعث اعتبار شده است .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 719 of 896

دو راه قریب « سری نا گار » راه سوس از « جاینت » میگذرد . این راه یکی از سلاسل غربی هیمالیا را گذاشته بین آخرین رشته های اطراف تر آقرم بصورت مار پیچ عبور کرده از راه کوتل مِنتا کا یا کِلِک به دره های بلند پامیری شرقی ملحق شده در جلگه های کاشغر فرود می آید .

هزار کیلومتر راه را در منطقه که از شامخ ترین نقاط دنیا پوشیده شده عبور باید کرد . - این راه برای انگلیسان در آواخر قرن اخیر مفتوح شده و عبارت از یك راه باریك مخصوص رفتار با یوست که در بغل های کوها رفته و درجعهٔ که در دره های مخجال دار فرود می آید شبیه یك دره تنگ مشرف بر گناو رال ها میباشد . بعد بهمین قسم به کوتل مسانیك جانگ اندوس را از تارم جدا میکند به ارتفاع قریب ۵۰۰۰ متر بالا میرود .

رئیس هیئت همین راه آخرین را اختیار نمود .

آیا میشود با موتر ها عبور کرد ؟ مسافرینی که این منطقه را میشناختند متفقاً رائی دادند که - موتر هارا در منزل تاتی ترك خواهید گفت .

بتاریخ ۲۷ ژوئن یعنی سه روز بعد از ورود هیئت در « سری نا گار » موسیو ژوز ژنادری هارت با رئیس میخانیك ها برای مطالعه خواص موانع مد هشی که راه را مسدود کرده بود ۵۰ کیلو متر اوّلی منزل را پیمود . موانع مذکور قرار ذیل بود : سر نشیبی های بلند تر از ۵ / ۴۰ - کج گردشی های خیلی تند « خاص ویا عدم پل های رود خانه های سیلانی - بالاخره کم زری وضعیت های راه ها . اگرچه وسائل مخصوصه (لول خوردن) وغیره لوازم موتر تیوب ها اجازه میداد که چنین ما نسور های مشکلات آور انجام گیرد لیکن چطور انسان مطمئن شده میتواند که در راهی که عرض آن جز ۱٫۲۰ متر نیست موتری که ۱٫۴۰ متر درازه عبور کند ؟

راجع باین مسئله رئیس هیئت چنین میل داشت تا هر قدر دوری که ممکن شود برود . - لیکن چون در سری نا گار پای کوه رسید خواست دو موتر را بقسم آزمایش صعود دهد .

اگرچه مقصد اصلی عبارت ازین نبود که از یك راه غیرقابل عبوردو موتر راعبور دهند بلکه مقصد کامیابی عبور خود اعضای هیئت بود تا ازین حائل گذشته در کاشغر برسند و از آنجا با ۷ موتر دیگر مسافرت خود را در آسیای مرکزی ادامه دهند

بواسطه نفوذ و اوامر کرنیل «ویی یانگ رمپل » که ملحق به قامنرود عسکر هندی میباشد و درین آیام خود را دوست خبیر و مطمئنی نشان داد « مصادر امور بر طابوی » هیئت فرانسه چنان اختیاراتی دادند که تقریباً گاهی به مسافرین خارجی وحتی به هموطنان شان هم مبذول نخواهند داشت ، از جمله ۷ موتر ۵ آنرا گذاشته

فقط دو تای آنرا بعنوان اله نمایش و اثبات صفات اوبا خود گرفتیم . رئیس هیئت مجبور شد وسائل تخنیکی حمل ونقل را تغیر داده در عوض وسائل ولوازمی را که وزن کل آن ۲۰ تن میشد بدوش اسپ وپشت آدم نقل دهد .

واضح است که درین نواحی کوهستانی نزاینك اموال باید بقسمی صورت بگیرد که وزن سهمی یکنفر ۲۰ کیلو واز حیوان ۷۰ کیلو باشد حال آنکه این مسئله دو عامل دیگر را تولید میکند که اسباب عدم صورت گیری اینطور عبور را فراهم میکند .

اولاً برای بار برداری ۲۵۰ اسپ لازم است که بر هر کدام بایستی نوکری هم موظف باشد ثانیاً بی بضاعتی وکم علفی منطقه هر گز قافله بدین عظمت را تغذیه کرده نمیتواند .

درینصورت رئیس هیئت صلاح بدان دید که باید هیئت به سه دسته تقسیم شود . مرکز هردسته بایستی قسمی مرتب شود که نوکر ها و حیوانات اولی را دسته دومی بکار اندازد واز دومی را دسته سومی مورد استفاده قرار دهد .

چون رای را به اتخاذ چنین تصمیمات قرار گرفت آنگاه شروع به تیاری کردند : اولاً غری نوکر ها لازمه را برطبق احتیاجات مخصوصه راه انتخاب و داز نمودند . - لوازم شخصی را تا حد ممکن کم نموده در بجدانهای چرمی ساخت « » مخصوص بار برداری اسپ ها است نهادند - مواد خوراکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 720 of 896

وخشک - لوازم نصب خیمه ها در ارتفاعات بلند - کره های سینماتوگرافی - و رادیو تلگرافی - فیلم ها - پلاک ها لوازم پیکانیکی - اسباب لازمه مرمت کاری و کلنگ وسیاتی - اسباب های جراحی - ادویه و غیره را در میان بکس ها نهاده . بعد از وزن وثبت بر کدام گروپ های کوهی تقسیم نمودند .

در از التفات مهاراجای کشمیر در باغ که اشجار صد ساله و گل های گلاب در آن سایه افگنده بود هیئت در خیمه « موسیو » « خرگاه ماده » و خیمه های که شایسته مقام شاهزاده گان بود فرود آمده بکمال شایت به آمادگی خودها که سه هفته طول کشید مشغول شدند .

بتاریخ ۷ ژوئیه یعنی ۸ روز بعد از ورود هیئت به « سری ناگار » رئیس هیئت تحت قیادت « موسیو ها کن » اولین دسته را که وظیفه آن ساختن راه و تا صورت ممکن مساعد نمودن نقاط باریک آن بود فرستاد .

خود رئیس هیئت موسیو هاردت بتاریخ ۱۲ ژوئیه با دو موتور هفتی (کوه گرد) « میخانیک » و ۶ نفر اعضای هیئت حرکت نمود .

آنچه که یك انسان پیش بینی نتواند بالنسبه این مسافرت پیش بینی شد وتمام این منازل را کمتر از ٤۵ منزل پیشبین گوئی نمودند .

در نواحی « سری ناگار » وحتی در خود شهر هم مجدداً در اثر باران های زیادی که در مناطق کوهستانی باریده بود رود ها از حد زیاد سیلابی شده بودند .

از طرف دیگر در اثر شورش مسلمین در نواحی « هائی » (کوبول) دسته که بایستی تحت قوماندیت نایب سفت و « پون » از پکن بقصد الحاق هیئت عازم شود شود به تعویق افتاده بود .

آیا ؟ عبور سد هامالیا موفق خواهیم شد ؟ - آیا عقب این دیوار چه حال است ؟ آیا روزی خواهد رسید که دو دسته هیئت بهم ملحق شوند .

این ستوالات همه مبهم واضطراب بخش است .

بتاریخ ۲۱ ژوئیه گروپ آخری تحت اداره « موسیو اوردن دو بروی » روان شد این دسته با خود کمره تلگرافی بی سیم دستی هم برداشته است که توسط آن الطرف « مزکاره » با آخرین پوست تلگرافی هند که بالای کوتل کلکک واقع مخابره میکرد . از کلکک که به ارتفاع ٤۹۰۰ متر واقع است راهی بطرف « سن کیانگ » رفته است .

بعد از این تغیرات وتصمیمات گروپ « هاردت » بکوهستان متیقا لیک ها توانست بصورت بطی در مدت ۲۶ روز ۳۰۰ کیلو متر راه را طی نماید .

(باقیدارد)

ادبیات

فراق

بقلم آقای محمد زمان خان :
دیپلومه فرانسه

دوستش داشتم ، از من هجرت گزید وبگذاشت که شب های دراز فراق با مساعدت زلفین سیاهش روزم را چون مردمك تا اهل نرگس شهلا سیاه نماید !

بیرحم هیچقدر با خود نگفت :

دل بسته چند شبگو تم را خاطر بست باریکتر از تار مو وروز گارپست تاریکتر از ظلمت گیسو ! الان که پوستش و استخوان چسبیده وخون بدن از هر وقش رمیده ، میان وی ومرگ فاصله جز آهی نیست ....

« ! هیچ نگفت .

اینکه گوشت واستخوانم آب گردیده بصورت اشک از دیده گانم خروج یافته از خویش بجز ناکامی برجا نگذاردم .

درقعر شب های فراق چنون باد از خورشید جمالش بی تابم ، مانند دیوانگان خود به خود بسخن زدن مشغول میگردم و گاهی نظر بر فلک افگنده مهتاب را مخاطب نموده میگویم :-

ای ملکهٔ پیرهٔ فلك ! که امشب عالم را غرق انوار سیماب نمای خویش نموده آیا میدانی که محبوبه ام حالا چشم های نرگسین خــود را بهم نهاده بالای بستره خویش بخواب رفته است ویاهنوز

بیدار بوده، بفکر صید فردای خویش میباشد ؟

بهر صورت ای ملکهٔ عالم سماوی ! «سلام» عاجزانهٔ این «آوارهٔ وادی عشق» را بآن معشوقهٔ بیخبر ورعنا بواسطهٔ انوار سیمینت که مماس چهرهٔ نیکویش را می نماید رسانیده بگو که : آن بیچاره را حیات بآخر رسیده است ومدت دیری بدنیا نخواهد بود . دعایش را بپذیر وبازی چهره ات را بنما !

لاکن چون اجرام سماوی و ساکت وبی اعتنا می یابم افکار مشتت صورت دیگری را گرفته اکثراً «بیدار محبوبه ام خیالاتم را استقبالا نموده با صورت مرغوبش بگفتگو افتاده میگویم :

دلبرا !

بشب کیفیت ازهجرت مه جستجو کردم
خیالت تا کجاها میکشد راه سراغ من !
لیکن مه را ساکت و ستاره گانرا صامت می یابم !

محبوبهٔ عزیزم !

من میمیرم واز روی وصالت را درتهٔ خاک با خود می برم ! ولی نمیدانم که بعد ازمن کدام بیچاره اسیردام گیسوت گردیده باوجود تحمل این همه جفا اظهار خلوصیت ووفا را خواهد نمود :

چواز درد فراقت مرگم آخر رهنمون گردد
چو روح خسته ام از قالبش آخر برون گردد
چو جام عشرتم ازضرمردن سرنگون گردد
چوبلبل برسرخاکم زهجرت غرق خون گردد
نمیدانم کی بعد ازمن زعشقت همچوتون گردد ؟

محبوبهٔ من !

شبی چون رفیقه خـواب وداعم نموده بود وشب نیز سیاه وطولانی بود ؛ قلم گرفته خواستم طپیدنهای دل ریش و تغیرات حال پریشش آرا برشتهٔ نگارش کشم، لاکن بفکر اینکه مبادا مزاج لطیفت را رنجشی رسد، تحریر را بآخر نرسانیده، آن ورق پاره نیمه کار را روی شمع گرفتم تا مانند قلب زارم پاك بسوخت وبجا جز قدری اخاکستر چیزی دیگری نماند .

غزل :

زخون دل بسی احوال خود تحریر میکردم
بفکر شمع روزان قلب خود تنویر میکردم
نوای عندلیبی را ورت تفسیر میکردم
وزین فریاد حال غنچه را تغیر میکردم
که آخرزاه بلبل درجوانی غرق خون گردد

دلبر جفا کیش من :

آیا میدانی که میان تو وگل وبین من وعندلیب فرق زیادی نیست ، امکان دارد که خودت نیز مانند گل در جوانی مغروق خون گردی ومن ، ازین واقعه مدهش بحـال ك وخون آغشته گردم .

لاکن خدا نکند ، هیچ جوانی را جوانمرگی دامن گیر مبـاد .

دعای بد ندارم ، بزوبت روا دارنیستم ، بلکه تضرع وزاری میکنم ، اشك ریزی ها ونوحه های خود راتقدیم ساحه مروت می نمایم ومیگویم که :ـ

خدا رامشیم وچشم خونین رحتی جانان
نباشد دیگرم برحل هجران طاقتی جانان
ندیدم درجهان جزآتش غم راحتی جانان
ندارد رفع درد دل من صورتی جانان
مگر خورشید دیدارت دراین دم رهنمون گردد

نه : نمی بینم که رحم بقدر ذره هم دردل سنگینت وجود ندارد ، خوب مصمم گردیده ئی که بخاك وخونم بنشانی وقدرت حسن و جمالت را بعالم معرفی نمائی .

خوب ! تا الحال خویش بوده برداشت جفا هایت را نموده ام ، حالا نیز از شیون و فغان نمی خواهم که از صبر و طاقت خویش بکاهم ونزد مرد کان عشق بی وقار گردم . آخرین اعتراز دو حم ما بل دیدن طنطنه و شکوه بهار حسن و جمال تو جفا کیش خواهد بود :

ز فیضش بر تو عشرت بهارت جاودان بادا
دل بدخواه گلزارت سراز برخزان بادا
گل حسنت زآسیب سماوی درامان بادا
اگر عاشق بمیرد ازغمت نبود ترا پروا
چه باشد دل که ازسوز فراقت قطره خون گردد

مردنم نزدیك گردیده است ، دلم را طپش عجیبی فرا گرفته است ، جهان در نظرم تاریك می نماید ، عرق سرد مرگ بدنم را مرطوب نموده است ، جهان را مغموم می بینم .... وتو بر من رحم نکردی !

اشجار و طیور ، گل ها و جویبار را به تقریب مردنم ماتم زده و گریان مشاهده.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 722 of 896

میکنم ... و تو خبر نداری .

بعد از ساعتی از نوحهٔ عندلیبی که اکثر آن را بلبل متزات می نشیند ، خواهی فهمید که عاشق مسکنت دنیا را بدرود گفته است ! ..

آه ! آفتاب را غرق خون می بینم و حالت خود را زبون حس میکنم .

چه چاره ! که فرهاد صفت پای بدامان حرمان کشیده ، و بحرمت اعتبار جمال و جلال تو در تاریخ معاشقه روزگار ، رو حیات جوانی را مانند قربانی بیاد کار نگذارم و با یاد لب شربت از آخرین اشعه آفتاب جمال مهر خونین خاموشی را بلب ها مهر مرده نه نهاده و بیاد یک هستی درخشانی بخواب سنگین ابدی و آرامش جاودانی فرو نروم ، تا نتیجه فراق عشق و ارادات عشاق را بمفهوم حقیقی آن بتو وهم کز آن معروفت نشان داده باشم .

به تنظیم روان مردگان درد مأیوسی
کجا جان دادند چون فرهاد در حرمان دوزخ وسی
بود خورشید را از کثرت غم رسم خود پوشی
به جای بر زبان اهل عالم مهر خاموشی
چو را مانشفق از خون عاشق لاله گون گردد

صید دشمن کرد باید با کمان اتحاد

از طبع آقای عطاء الله خان زرجهان
قونسلگری افغان در مرو

ای قلم بر گو بسکی کامده زمان اتحاد
وای پنهان بر خوان بجمله تو بیان اتحاد
منعدم گردید عفریت سیاه اختلاف
جلوه گر شد دلبر شیرین زبان اتحاد
ره سپار وادی نسیان شد سیه [illegible] انقلاب
چون وطن گردیده جمله همعنان اتحاد
شکر الله که عنایات خداوند مجید
منبسط از بهر کل گردیده خوان اتحاد
حمد بیحد ایزد دادار را کز لطف وی
پیر و برنا باشد اینندم تر و امان اتحاد
بود باید ساعی اندر رفع هر بغض و نفاق
تا شود رخشان در و لؤلؤ ز کان اتحاد
کند باید هم درخت بغض و کین از بیخ و بن
صید دشمن کرد باید با کمان اتحاد
بهر دفع دشمن خونخوار در هر عصر و قرن
حربهٔ نی بهتر نباشد از سنان اتحاد
هر خرابی در جهان بینی تو میدان از نفاق
آنچه عمران است صادر از بنان اتحاد
کن نظر بر صفحه تاریخ با چشم دقیق :
ملتی کاو بود محروم از روان اتحاد !
کی شدی نائل بوصل دلبر علم و فنون
تا نشد افراد ملت توأمان اتحاد
علم و هر فن کی بدست آید درین عصر ذهب
گر نگردند [illegible] همعنان اتحاد
گر تمدن طالبستی ای جوان باز کن
با سعت محکم شوید اینندم میان اتحاد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 723 of 896

بهر اصلاح معارف بتابد اولاد وطن
اسپ را جولان دهند اندر جهان اتحاد
دور بنما کبر و نخوت از خود و ننگ بدم
در تن اهل وطن روح و روان اتحاد
اطلبوا العلم است از فرموده ختم رسل
کی روان ابر طلب تو کاروان اتحاد
این وطن بستان بود ملت چه اشجار وی اند
اتفاق است میوه این بوستان اتحاد
جمله فرد ملت از صغیر و از کبیر
ظل حق را دعا گوید با زبان اتحاد
واجبی و آمل ز درگاه خداوند کریم
باد مامون از حوادث باغبان اتحاد
گفت «نامی» شمه ئی لیکن نبود
از هزاران اندکی اندر بیان اتحاد

بشتابید

کورس انگلیسی که سابقاً وعده داده بودیم، بساعت ۳ و ۵ تا بعد از ظهر بمعلمی آقای «ابراهیم خان» سر ترجمان وزارت خارجه «در قرائت خانه نور» شروع می شود. همچنا کورس فارسی از ساعت ۴ الی ۵ بمعلمی آقای سرور گویا عضو انجمن ادبی که یکی از نویسندگان متتبع ما است آغاز و افتتاح خواهد گردید.

شایقین و طالبین بشتابید که اسمای شما طلبه ها و داوطلبان آنی در دفتر «قرائت خانه نور» قرار گرفته و از منابع تحصیلات خود بهره ور گردید.

کتابخانهٔ نور

محل فروش و مطالعه همه نوع کتب و رومانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو عربی، ترکی میباشد.

کتبیکه جدیداً به تهیهٔ آنها موفق شده ایم قابل دیدن است. در قرائت خانه نور همه نوع جرائد و مجلات داخل و خارجی برای مطالعه موجود است.

تبریک سال جدید

جرائد قندهار و هرات

بدین تقریب جریده شریفه اتفاق اسلام هرات و جریده فریده طلوع افغان قندهار سال های جاری خود شان را طی کرده و بمراحل نو تری در ساحه نشریات وطنی قدم گذاشته اند.

این هر دو خدمت گذاران ترقیات ملی و مملکتی و هر دو عوامل بیداری روحی جامعه افغانی تقریباً همپای یکدیگر بسر منزل مقصود روان بوده و درین اوقات توام وارد سال دهم شده اند.

خصوصاً جریده فریده طلوع افغان قندهار که قطع آن بزرگتر شده و با ذوق و شوق تمامی میرود که در عالم مطبوعات وطنی نشو و نمای نمایانی نماید چه نگارنده، آن چون وظیفتاً خودش را عامل مهم ترقیات ملی بیداری روحی جامعه دانسته و از روی ذوق مشغول کار است باحتیاط آنکه بعضی اهل سواد قندهار بزبان فارسی آشنا باشند یکسلسله مقالات را گاهاً با فارسی هم نشر مینمایند ما بنام هم مسلکی از سال جدید این جریده های معاصر اظهار خورسندی کرده بتمام هموطنان عرفانی باخاصه مؤسسین و نگارنده های محترم شان آقای قانع و آقای عبدالحی خان تبریک میگوئیم و تمنا داریم چطوریکه عظمت اسمای این دو جریده شریفه تقاضا داشته و متوالیات بلند با مساعی مؤسسات نشریات در عالم مدنیت ایجاب میکند بتوانند حفظ موقعیت

اصول مسکوکات

هندوستان

تنها سیاست و اعظم هندوستان نیاز اضطرار شرق و وقوع حوادث لم الکو غرب نیست بل سیستم اقتصادی خصوصاً وجیم مسکوکاتی وی نیز تا تا کاتی ناقل حیرت آور ارباب ثروت و حجاب بشر است لهذا فهمیدن سیستم مبهم مسکوکاتی هند به جامعهٔ وطنم انقلابی لازم است زیرا که مناسبات تجارتی و اقتصادی با هندوستان بیشتر دارند بنابرین نتائج اعمال آنها و انعکاس پول هند هر دم در حالت اقتصادی و اجتماعی ما تاثیر بخش است.

چون مقاله مبهم پارتی دوستی ای (تمام سیاست ها طوری انگلیس) وانه مسیو موارس ایر نو فرانسوی در شماره ۱۲۹ جریدهٔ یورپ نوول راجع بر جیم مسکوکاتی هند مفصل نوشته و نشر کرده بود بغرض معلومات مطالعه کنندگان ترجمه نموده ذیلاً می نگاریم:

در آغاز عصر نوزده (۱۹) هندوستان ایرلندی به اختلاف بزرگ مسکوکاتی مبتلا بود اما حکومت هند اختلاف مذکور را به فلز عادی نقره رفع نمود مگر تکثیر مسکوک نقره در ایالات داخل هند سکته وارد کرد چرا؟ به مقابل این که مضرت آنرا علاج کند وسیستم یا اصول واحدی برای مملکت هند تخصیص نماید حکومت راجع به ترجیح دادن روپی در سنه ۱۸۱۸ چنین تصمیم گرفت و قرار داد که تنها به معیار واحد روپی تعیین قیمت تمام اشیائی مفید شود و بدون روپی جریان داد و دهش داخل بدیگر پول مرتبط باشد گو با این تصمیم ترجیح معیار نقره در اثنا عصر نوزده و تا سال اخیر یک موانع و صعابی و خیمی ایجاد می گردید دوام داشت.

متعاقباً حکومت هند برای خوشنودی زعم ملیون هندی در سنه ۱۸۳۵ پول طلا مسکوک نمود وچنین امر داد که پول طلا و روپی در خزانن به حساب یک موهور (طلائی هندی) معادل ۱۵ روپی قبول شود مگر در حین انکشاف واستخراج معدن طلائی کیفورنیا (امریکای جنوبی) فلز طلا یاده شد وبدین مناسبت فلز طلا بسبب فلز نقره تنزل نمود یعنی قیمت موهور به نسبت حساب ۱۵ روپی بلند شده و دارندگان موهور به غرض استنفاع خودشان موهور را با روپی مبادله می نمودند چونکه این مسئله خسارهٔ خزائن را فراهم نموده بود حکومت هند برای تغیر مشکلات اقتصادی وخساره خزائن دولتی چنین تصمیم گرفت که از قبول موهور در خزائن دولتی امتناع بورزد

بدین واسطه موهور از جهان قیمت ارسیهٔ خودش بیفتاد. باز دیگر بعد از سنه ۱۸۷۰ نتیجهٔ معکوس رخ داد یعنی پیشرفت اقتدار قیمت نقره در اوروپا خصوصاً در آلمان تا کیهان منسوخ گردید فلز نقره خیلی تنزل کرد وتوازن مبادله روپی به مناسبت طلا تغیر کرده در دفاتر بانکی (صرافی) خیده گی اش ثبت شد یعنی قیمت روپی که در سنه ۱۸۷۰ تخمیناً ارزش دوشلنگ داشت درسنه ۱۸۹۲ وسنه ۱۸۹۳ به یك شلنگ وسه پنس تنزل کرد لهذا این شکست قیمت بین الملل روپی سبب مشکلات بزرگی هند شد که برای تلافی این خسارهٔ بزرگ به وضع قانون مالیه جدید وتقبل دادن به پوند استرلنگ مجبور گردید.

لاکن این مسئله هم سبب مشکلات و صعوبت اقتصادی انگلیس را فرا هم نمود زیرا چون تعین قیمت اشیائی پیدا وار هند با پول انگلیسی متنوع و با روپی هندی تعیین و بر داخته می شد در بین موده که روپی هندی بمناسبت پول انگلیسی در حالت تنزل بود همانا خسارهٔ مبادله در تجارت صادرات بدولت انگلیس عائد می گشت بنا برین حکومت هند نظر به اینقدر خساره بزرگ حاضر شد تا در استقرار مسکوکاتی هند غور اساسی نماید چنانچه کمیسیون فنی برای نظم و تسویه مسائل مسکوکاتی هندوستان مقرر داشت.

گرد، با صفای اخلاق ونیتهای پاک در راه ترقی و اعتلای معنوی و مادی ملت نجیبه و مملکت زیبای افغانستان وظائف المطابعه خودشانرا به رشادت های لا زمه بجریده نگاری و فعالیت تامه آن انجام داده و جامعه ما را مستفید بداوند.

(نگارنده الیس)

بطلان آزادی سکه کردن پول

کمیسیون بعد از تتبع در مسائل مسکوکات به حکومت پیشنهاد را تقدیم کردند که آزادی سکه کردن در هند ممنوع باشد و حکومت تساق کرد و پول طلای انگلیس اساس پول هندی قرار داده شود یعنی ۱۵ روپی مطابق به یک پوند انگلیسی و یا یک شلنگ و چهار پنس معادل یک روپی مقرر شود لهذا قانون ۲۶ جون ۱۸۹۳ آزادی سکه زدن مسکوکات را در ضراب خانهٔ هندی باطل نمود.

فلهذا از نقطهٔ نظر استقرار تبادله اهمیتی بزرگی در وضع این قاعده ظاهر گشت:

مدیونهای خارجه من بعد مجبوراً چنین کردند که برای بورس بین الملل فلز نقره خریداری کرده به ضراب خانهٔ هند فرستاده روپی ضرب میکردند و بعد از آن بهمان پول اداء دین مینمودند.

علاوه برین حکومت هندی چنین تصمیم نموده بود که خزانهٔ ملی و مراکز شاهنشاهی یک روپی با اساس یک شلنگ و چهار پنس قبول کرده شود همچنان ضراب خانه به حساب فلز طلا و نقره مسکوک شده و یا غیر مسکوک شده را قبول نماید بدین واسطه مبادلات روپی تدریجاً ترقی کرد تا اندازه که حد رسمی از آن حکومت معین نموده بود. از اینجا جنبش فکر تجارت فلزات در مغازه‌ها شروع شده است.

گویا رژیم جدید مذکور فی الواقع امور تجارتی را اصلاح کرده توانست لاکن غیر مکمل بود چه اگر موازنهٔ منافع و کار در هند مساعد میبود یعنی تا وقتیکه خواهش روپی (کلدار) به نسبت پوند استرلنگ بلند بود، روپی در روابط تجارتی خوب کار میکرد اگرچه ضرخانه های هند درقدار که امور متممه لازمه روپی یگانه سمع مینمودند یعنی بالطبع اساس رواج رسیده یک شلنگ وچهار پنس را محافظه مینمودند مگر کیفیت اختلاف امور تجارتی هند توازن آن را غیر مساعد مینمود.

آیا بازار اگر یک مقدار پوند استرلنگ را ضرورت میداشت، درین صورت که پوند استرلنگ حامی اساس یک شلنگ وچهار پنس معادل یک روپی بود. در حالت مبادله تنزل وقوع نمیافت؟

آیا پوند استرلنگ درین صورت وقایهٔ کیفیت مبادله را تامین کرده میتوانست؟

خیر: حکومت نمیتوانست زیرا برای وقایه پوند استرلنگ هیچ یک ترتیب وتنظیم احتیاطی نداشت.

آیا محافظهٔ پوند استرلنگ در تبادلات روپی به رواج قیمت فلزات اصلیه ارتباط نداشت وموقع نهادکه وتنزل فاحش نبوده؟

خیر بود! چنانچه حکومت متفکر این کیفیت بود و برای برطرف کردن اضرار تنزل لواحق تبادلات میکوشید.

باری رضا میداد که برای تداول عمومیه بازار فلز زرد (طلا) منتظم کرده شود وبقسم صاف نوشاده یا ساس معیار فلز طلا خرید وفروخت شود هکذا بعلامت فرخش اشیای تصادف الظهوری مدافعهٔ عرض تبادلات را مینمود.

مگر سیستم اول (یعنی فروش فلز طلا) بموانع تصادف کرده یعنی عرق قدیم هندیان که برای جمع کردن ونگاه داشتن فلز طلا بدون مسکوک نزد خود شان عریقهٔ عادی هستند این سیستم موانع تام که پیشرفت فلز طلا در تداول داخل هند گردید.

ازان رو حکومت هند برای نظم ووضع سیستم دوهمین بنام وجیم گولد ایکسچانج ایستاندرد: (معیار مبادله طلا) مجبور گردید.

(تاسیس اصول گولد ایکسچانج ستاندرد)

اصول گولد ایکسچانج ستاندرد خیلی با نظم بود، تبادلات و برداشت بروی پول غیر قیمت ذاتیه داخل هند بروی واسطه مانند تذکره بانک و یا بروی فلزات پیش قیمت مثل نقره مؤسس شد.

ونیز خزینهٔ احتیاطی مرکزیه فلز طلا دایر گردید بمجرد اینکه خزینهٔ موصوف اقتدارات رسمیه را ورواج ثابته را برای اهالی وقایه نماید در آن حال که خارجیان بوسیلهٔ تذکرهٔ بانک و نقره استحصال حقوق نمایند.

باری این سیستمی بود که حکومت برای هندیها تجدید، این سیستم در آغاز ۱۸۹۸ بعمل در آمد.

مدیونین خارجه تعیین مالیه هند طلا را تحویل داده براج بانك شلنك و چهار پنس ۵ / ۳۲ معادل یك روپی حواله پرداختی تلگرافی در کلکته ، مدراس بومبای میدادند و خزانه هندی وجه مذکور را به لیت بانك و پول نقره می پرداختند گویا عدم مصارف فرستادن فلز طلا در هند بعهده تاجران تمام می گشت .

دران مورد اول سر روپی که به واسطه مسکوکات هند بود تا بیاً لیت بانك بود که تأمین اعتبارش به طلا و در بانك لندن بود .

لهذا حواله تلگرافی بواسطه دفتر معین مالیه هند در لندن (اندیا کونسل در آفس) فروخته میشد .

چونکه راجع بوقایع استقرار قیمت تبادله از ثبات خوبی گرفته شده بود و علاوه برین تاجران صادرات انگلیزی راجع به بالا بردن قیمت روپی وعده قوی داده بودند عمل رواج معینه یك شلنك و چهار پنس ۵ / ۳۲ قایم ماند هکذا تاجران واردات انگلیزی باکرانی مخالف مسئول تنزل تبادلات بودند اولین دو خزانه هندی تأمین نرخ یك شلنك و سه پنس ۴۹ / ۳۲ معادل یك روپی موفق شده بالای لندن بعنوان معین مالیه هندی در انتقاده پول تلگرافاً حواله میدادند و آن حواله جات (ری ورز کونسل درافس) معامله میگردید . بالنتیجه استقرار مبادله هندی باعتبار پوند استرلنگ تأمین گردید ، و قرار

خبر های خارجی

آسیا

اشغال جاپان شانگهای چینی را

شانگهای اول فبروری - با اینکه حکومت چین تمام خواهشات جاپانی ها را قبول نموده ، عساکر جاپان در حصه شانگهای چین داخل گردیدند .

تیپچن - عساکر جاپانی قریب خاربین رسیده اند ، و حکومت عسکری درانجا جاری است . قونسل های خارجی نقاط مدافعه برای خود اتخاذ نموده اند که در صورت عملیات حربی مدافعه نمایند .

صحبت قره خان با سفیر جاپان در

ماسکو اول فبروری - سفیر جاپانی در ماسکو قرار امر به حکومت جاپانی نایب کمیسر خارجه قره خان را ، ملاقات نموده راجع به وضعیت شمال منچوری چنین اظهار داشت :

به نسبت بلوای عساکر چینی در خاربین حکومت جاپانی لازم دانست که برای حمایت اتباع خود که هزارها نفر شوند ، عسکر سوق دهد ، مقصد از فرستادن عساکر جاپانی تنها حمایه مفاد و اتباع جاپانی است .

حکومت جاپان خیال ندارد که بر راه آهن شرقی چین ضربه وارد کند ، لاکن برای فرستادن عسکر البته مجبور است که از راه مذکور استفاده نماید ، راجع به کرایه آن هر قدر که شود جاپان تادیه می نماید ، و حکومت من سفارش نموده است تارفع اشتباه شوروی را بنمایم .

قره خان در جواب گفت که : طرز عملیات حکومت جاپان فی الحقیقت باعث اشتباه گردیده ، زیرا فرو ماندن عسکر جاپان از روی خود خودسرانه در طرف ۱۲ ساعت به طرف شمال حرکت نموده .

راجع به سوقیات عسکر جاپانی به خاربین ، این مسئله تنها بحکومت شوروی متعلق نیست بلکه بیشتر به حکومت چین متعلق است . الحال واضح است که اداره راه آهن از طرف چین ها و اتحاد شوروی می شود ، ولی فراموش نشود که راه آهن مذکور در خاک چین واقع است ، هر گاه حکومت چین حمل و نقل عساکر جاپانی را بخواهد ، حکومت شوروی اعتراض ندارد ، مشروط بر اینکه بر راه آهن مذکور خرابی رخ ندهد .

سفیر جاپان اظهار نمود که صورت فوری افکار شوروی را ذریعه تلگراف به حکومت خود خبر میدهم ، وضعاً گفت

قانون ۱۵ سپتمبر ۱۸۹۹ این اصلاحات ثابت گشت ، علاوه بر آن ضرابخانه هندی توانست که باعتبار سکه شبه باساس ۱۵ روپی طلا زر مسکوك نماید .

باری بعد ازین [illegible] حکومت بهترین اصول را بنام گولد ایکسچانج ستاندرد برای هند بخشید .

(باقیدارد)

رحمان افغان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 727 of 896

که بیگانه مقصد جاپان ، حمایه مفاد و تباع آنست نه آرزوی جهانگیری .

چین وژاپون

مسکو ۱۹ فروری :

از شانگهای (هنگکهای) اطلاع میدهند که اهالی شهر کهنه چینی (نانکین) زیاد مخوف شده چون قشون جاپانی آماده گی برای بمبارد نمودن شهر میکنند قوای حربی جاپانی استیشن رادیو تلگراف چینی را درهانجا ویران کردند.

دیشب ازطرف سر کرده قشون جاپان به حکمرانهای چینی شانگهای اولتیماتم داده شد — جواب اولتیماتم باید در ۲۰ فروری برسد در صورتیکه اولتیماتم از حکمرانهای چینی رد شود قشونهای جاپانی میخواهند عملیات حربی را پیش بگیرند .

مسکو ۲۱ فروری :

از شانگهای اطلاع میدهند که در تاریخ ۲۰ فروری افواج جاپانی از صبح همان روز به خط عمومی استحکامات چینی درچپیو (حصه چینی شهر شانگهای) شروع کردند ودر همان وقت گلوله باری توپ بر استحکامات چینی آغاز کردند طیاره های بم اندازشان بم های کلان بر قوت انداختند ولی افواج جاپانی نتوانستند استحکامات چینی را تصرف بنمایند ومحاربه مداومت دارد .

مسکو ۲۲ فروری :

بنابر اطلاعاتیکه از شانگهای رسیده اند جنگ های شدید وبین قشون چین وجاپان مداومت دارند . و بحسب اطلاعات سر کرده قشون چینی عموم حمله های افواج جاپانی مدافعه شدند ازطرف افواج چینی دو طیاره بم انداز ویک تانک جاپانی زده شدند که از کار برآمده اند معلومات از منابع مختلف در آن موافقت دارند که قشونچینی مقاومت خیلی جدی بحمله های جاپانی کرده اند .

منابع معلومات جاپانی مجبور هستند که اعتراف بنمایند که محاربه دو روزه شدید هیچ گونه نتایج برای جاپانی ها نه بخشید وده ازند واند امثل سابق درتصرف قشون چینی هاست .

خبرهای داخلی

معالجه

جناب محمد یعقوب خان والی کابل که بمرض بواسیر دچار بودند برای رفع این علالت روز شنبه اول حوت بشفاخانه ملکی لنگن اختیار کرده اند .

و روز شنبه ویکشنبه بذریعه دوکتور های مصری که در آنجا کار میکنند شروع به عملیات جراحی کردند از قرار اطلاعات آخری معلوم می شود که جراحی آنها بخوبی انجام یافته و فعلاً صحت شان خوب است حضور اعلیحضرت غازی و والا حضرت صدر اعظم صاحب نظر به علاقه مندی که بمامورین عمال و صادق خود دارند بشخصه برای عیادت آنها در شفاخانه تشریف برده اند وزرا محترم و مامورین دوایر و دیگر افرادی که باوشان علاقه و آشنائی دارند هم همه روزه در آنجا از ایشان احوال پرسی مینمایند .

تفریح شاهانه :

قرار اطلاعات واصله حضور همایونی روز ۲۷ برج دلو به سمت شمالی برای تفریح تشریف فرما شده بودند و حین عودت از آنجا وضعیت عسکری آنجا جالب توجه شاهانه واقع شده وبعد افراد کندک ۲ قند ۳ فرقه سمت شمالی را معاینه نموده بودند که بخلاف اصول عسکری وبیک صورت بی نظمی وپراگنده گی می آمدند از آنجا که نظریات شاهانه دایما در صدد ارتقای مادی و معنوی تام عسکریت این مملکت است لذا مصمم شدند برای حفظ ما تقدم و رقابت آتیه عسکری از مسئولین ترتیبی باز خواستی کرده باشند در نتیجه رحیم الدینخان کندکمشر وشاگل خان توایمشر وقلندر خان بلوکمشر و حیدر علیخان بلوکمشر محکوم به طرد ملازمت گردیدند .

تقرر

آقای میر سکندر شاه خان سابق مدیر خزانه ولایت کابل درین اوقات بمنصوب حکومت غزنه داری مرکز حکومتی ولایت خان آباد مقرر گردیده اند .

مراجعت شهزاده

والاحضرت شهزاده محمد طاهر خان که

که به تعلیم گاه پیاده شمولیت داشته ودر جلال آباد مشغول تعلیم بودند چند روزی بطور مرخصی درکابل تشریف آورده و بعد از انقضی عید رمضان در عین روزها وا پس مراجعت فرمودند .

تفتیش مشرقی

قرار اطلاعات داخله از وزارت مالیه هیئت تفتیشیهٔ که برای وارسی امور اداری سررشته داری اعلی مشرقی از وزارت اعزام شده بودند هیئت مذکور وظایف خودرا انجام داده مراجعت گردانددر از غور وخصوصی که مجلس محاسبه در نتایج تفتیشه آنها نمودند آقای شیراحمد خان سررشته دار محرری اخطار ومیرزا محمد نسیم خان مامور محاسب وسید مسلم خان مامور واردات ومصارفات به نسبت سوء اجرا آن شان عزل گردیدند .

رئیس واعضا هیئت تفتیش آقای عبدالرحیم خان مامور محاسبه شعبه مشرقی ومیمنه وزارت مالیه وآقای لعل محمد خان سرکاتب ومیرزا محمد حسین خان کاتب که درتفتیش مذکور وظیفه خود را بخوبی انجام داده بودند از طرف حکومت بمکافات نقدی نایل گردیدند .

تقررو :

آقای خواجه عبدالقیوم خان مامور محاسبه مزار وقطغن وزارت مالیه که بهمرکاب والا حضرت وزیر حربیه در قطغن رفته بودند بمدیریت لوازم وزارت حربیه ترفیعاً مقرر شده ، و در عوض

آنها آقای محمد عثمان خان سررشته دار جنوای بمامورت مذکور تقرر یافتند .

برطرفی :

میرزا احمدالله خان مامور و سرکاتب وکاتبان مامورت مالیه سرخ رود به نسبت خرابی امور اداری شان برطرف گردیدند .

قدرشناسی

روزی بخانه یکی ازرفقا مشغول صحبت بودیم که ملازم صاحب خانه آمده ومکتوبی بدبار خود تقدیم داده صاحب خانه یک نگاهی به عنوان وامضای پشت پاکت کرده وپیش از کشادن با بی اعتنائی تام پرتاب نموده گفت : سخت گیر افتادیم تقریباً صد دوصد نفر دوست وآشنا داریم وهمه آنها بمسافرت رفته اند هرهفته باید مکتوبی بنگیریم وجواب بنویسیم درعین حال ملازم عرض کرد آقا این پاکت به پسته بامده وادی که حامل مکتوب است یک دو دانه ماهی هم آورده آقا فوراً متوجه مکتوب شده وبدون آنکه ملتفت شود مخبر جریده جویای مطلب است پاکت را از زمین برداشته گفت :

بواقعی دور از انصاف است از دوستان قدرشناسی نشود برو فوراً از حامل آنها احوال پرسی بکن و کاغذ وقلمی حاضر کن تا جواب آنها را بنویسم اینجا حاضرین نتوا نستند از خنده خود داری کنند صاحبخانه چون شخص حساس بود فوراً فهمید زمینه را باخته است ومخبر روزنامه هم بواسطهٔ که از اقوام قریب او بوده وعلاوتاً روحیات اورا میشناخت که درین موارد نه بملتفه قانع می شود وله هم به رشوه تطمیع مسئله قومیت را روی کار آورده و گفت یا خبر ! او جوانمرد که اگر چیزی نوشته بودی بخدا تاابد آشنا یم نگویم .

کراساسی وبکسره :

اطاق اداره ما از چندی است جکجک میکند وهر وقتی بصاحبان عمارت پیغام می دادیم یک ملازم برجه را برای تسلی ما می فرستادند وملازم باصطلاح سلام چقری داده ودست ادب بروی سینه بسته پس از چندین دقیقه که باغشام موقع اعتزا ذات فایقه خود را تقدیم می داد وچندین دقیقه دیگر هم ازطرف منسوبین خود دعا وسلام خیرات انجام را بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 729 of 896

شوق و آرزو مدتی تمام ابلاغ میشود یکساعت طولانی وقت مارا ضایع میکرد تا سایه جنگهای طبیعی آمیز او منقطع میگشت بالاخره معلوم میشد که یکروز دو روز برای ملاقات وقرار دادهای تجار و کلنگکاری آهنگکارمهات لازم دارند.

ماهم از روی خوش باوری باعیوبات قبول دار میشدیم تادو اثر این یکروز دو روز طبعاً برف و باران تمام شده وجنگک خاتمه پیدا می کرد.

حاصل که ما ازین اقدامات میگرفتیم یک مدتی کار اداره را معطل کرده فرش هارا به آفتاب خشک نموده ومسوده ها را سر از نو نقل میکردیم همینکه اداره مرتب وبا آماده کار میشدیم باز بارندگی شروع وميز معاون اداره ما با اوراق اوبکوشه های اطاق سیار میگشت واجزای اداره ما با ملازمین صاحبان عمارت بالا وپائین میدویدند وهمان مسایل اولی بتکرار صورت میگرفت.

بالاخره این مراتب چون جنگک شبیه سیل در داخل اطاق جریان پیدا کرد واین جنگک هم ازان جنگک هائی گفته میشد که شیرهم ازو میهراسید مارا بغضب ساخته و خواستیم کار یکسره واساسی شود این مرتبه بعلم شدید الشی مالوم ما لندی بصاحبان عمارت رسانیدیم غافل ازانکه آنها هم مصمم شده اند کارها را این دفعه اساسی انجام داده ویکسره خود را از شکایت مدیر واجزاء اداره فراغت داده باشند چرا که بمجرد رسیدن شکایت ما طرف مقابل یک زلزله عظیمی بعمارت پیدا شده وصدا های مهیبی بلند شد که ما خیال کردیم سقف از زیر آمده وهمه ما را طعمه انهدام خواهد کرد، شروع کردیم بفرار از اطاق وتفحص در اطراف این هیجان وغال آن معلوم شد که یکدفعه عمله وفعله را بسقف روی مسطح نازک چوبی وزیر آهن پوش بالا کرده وامر داده بودند که باسوته چوبهای بزرگ از زیر به آهن ها بزنند تا برف ها از روی آهن پوش پاک شده بزیر بریزند وجنگک معطل شود.

گفتیم چه خبر است او برادر ها ما که شنفتیم ازین کار شما بد کردیم جنگ زدیم دیگر شکایت نخواهیم کرد، جواب دادند که این دفعه مطمئن باشید که ما اساساً بکار شروع کرده ایم.

دیدیم بد نمیگویند وبدهم نسنجیده اند این عملیات دونتیجه داشت و دارد یاخود اینها باسقف ومسطح شکسته زیر آمده ومارا هلاک خواهند کرد ویا بقیه درز های آهن پوش ازهم جداشده تمام اطاق رایک دریاچه تشکیل خواهند داد که ما با چوکی ومیز ها روی آب شناوری کرده وازینجا بیرون برویم درهر دو صورت کار اساسی شده ویکسره از شکوه ما فراغت خواهند یافت.

مولف: ژ. ل. پلانیه فرانسوی (۳۱) مترجم: حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل هژده هم

(کازین ایلچی میشود)

ژنرال شاسلو کوشش نمود مسئولیت این عهدهٔ بزرگ را که ناپلیون بردوش او گذاشته بود به مارشال بفهماند وهم در عین زمان نزاکات فن پیچیدهٔ محاصره باقاعده را باو تشریح دهد. این مسئله هجوم بردن چند ستونه عساکر پیاده بر دیوار های مستحکم شهر ویر داشتن بروج حصار یک حمله نبود، بلکه این یک محاربه زیر زمینی واسلحهٔ آن بیل وکلنگک بود. خیال داشتند که بواسطهٔ کندن خندق ها واستحکامات زیر زمینی نفری را بزیر دیوار های شهر برسانند.

له فیور دل جمعی تازه پیدا کرده پرسید:

« خوب بعد از آنکه نفری زیر دیوار های شهر باینصورت رسیدند چه میشود؟!»

شاسلو: - « بعد از آن توپهای مادر دیوار قلعه رخنهٔ باز کرده واز خاک دیوار های خراب شده خندق اطراف شهر پر گردیده، برای عبور سربازان شما پلی تهیه شده وآنها را بگرفتن شهر کامیاب میگردانند.»

مارشال : ــ « حال فهمیدم تو میخواهی که درین دیوار های منحوس سوراخی بکشائی : خوب پس هر قدر زودی که ممکن است این سوراخ را بساز و باقی را برای من بگذار : »

ژنرال شاسلو بسخن خود دوام نموده توضیح نمود که تا بآنوقت برای این مقصد بطرف (هاگبرگ) چقدر پیش رفت شده است وهم اشاره نموده که دشمن برای آنکه در عملیات آنها شکست وارد کنند مجبوری را تجربه دیده است .

له فبور بخواسته جواب داد : ــ « آقا بون از معلومات شما متشکرم ، بان شکاف ها هیچ وقت سر وکاری نداشتم و ازین معاملات اقب کی چیزی نمیدانم . هیچ باك ندارد : این قدر می فهمم که شما شکافی برایم در دیوار قلعه باز میکنید تا از آن داخل شده بتوانم . من تشکر شما را از صمیم قلب ادا میکنم ودو را پور آینده از خدمات های شما بحضور امپراطور هم عرض خواهم نمود . »

هنوز هیئت شورا از خیمه بر آمده بودند که هاروبوت نفس زنان به خیمه داخل گردید . مارشال که همیشه مزاح را باو ترجیح میداد گفت :

« باز چه خبر است ؟ آیا (دانزیغ) را باهمراهان گرفته یا کدام واقعهٔ دیگر است ؟ »

هاروبوت : « ــ خیر موسیو له مارشال بعضی اطلاعات تازه برای شما آورده دارم . »

له فبور : « پس اول از اردو را بگو به بینم چیست ؟ »

هاروبوت : ــ « روزهای نوزدهم ، چهل و چهارم ، با یك قطعه توپخانه به بسیار سرعت اینجا خواهند رسید . »

له فبور : ــ « براوو ! اینها همان کمك است که من منتظر بودم . امپراطور وعدهٔ خودش را ایفا کرد . من ان اشخاص رژیمان نوزده هم را بخوبی می شناسم و بهمه قول میدهم که قبل از گذشتن یك ماه درون شهر خواهیم بود خوب حال بگو به بینم دیگر چه اخبار چیست ؟ »

هاروبوت : « مادام له فبور باردوگاه واصل گردیده است . »

له فبور با یك قسم غلظ از جای خودش بر جسته گفت : ــ

« لعنت به شیطان : برای چه آمده است آیا کدام واقعهٔ بدی در پاریس واقع گردیده است ؟ در مقابل دانزیغ برای زنها جای نداریم . بارق ، استحکام کاری ها و این محاصرهٔ منحوس که هیچ خانه ندارد چطور می توانیم زن ها را پذیرائی کنیم ؟

بعد از اندکی تامل باز بسخن خود دوام نموده گفت : ــ

« باوجود همهٔ این ها بسیار ممنون میشوم که کازرین خودم را به بینم هاروبوت فوراً مرا نزدش برسان »

* * *

ملاقات زن و شوهر ساده ولی از محبت و صمیمیت پر بود . بعد از آنکه تظاهرات احساسات عادی خاتمه یافت له فبور پرسید چه چیز است که ترا باین جا کشیده است ؟

کازرین : ــ یك پیام دولتی ! »

له فبور : ــ « این پیغام از طرف که بتو تفویض شده است ؟ »

کازرین : ــ از طرف امپراطور خود »

له فبور : ــ میخواهد بفهمد که چقدر وقت دانزیغ را خواهم گرفت ؟ »

کازرین : ــ نی میخواهد بفهمد که احساسات امپراطور نسبت به او چیست ؟

له فبور : ــ چرا ؟ امپراطور چنانچه خود او میفهمد خود هم دل سنگی زیادی باو دارد اگرچه درین اواخر او را خوب رقصانیده است . ولی گمان دارم مثل سابق جوان نیست اینقدری از گرمی بازارش کاسته ــ آیا چنین نیست ؟ بخیالم وجدانش دارد او را میخراشد شاید به من بگوئی که بالاخره ملکه از کردار گذاشتهٔ خود نادم و محبت شوهر تاجدار خودش را ترجیح داده است . »

کازرین : ــ بدرجه ، بیشتر دوستش دارد . »

(باقیدارد)

(مطبعهٔ انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

جریدهٔ هفته وار

﴿ قیمت اشتراك ﴾

کاملی	١٢ غروش
اطراف وولایات داخله	١٤ «
طلبهٔ معارف	٧ «
در ممالك خارجه	٥ شلنك

(مطبعه ابیی)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 734 of 896

(شماره ٤٠)

مجلد ٥

انیس

اشتراك سالانه ١٢ افغانی
محصول پوست ٢ ٠
خارجه ٢٠ شلنگ

اداره : کابل جاده ٔ اورنگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر ونگارنده :

٢ شنبه ١٠ حوت ١٣١٠ — تاسیس ١٣٠٦ — ٢٢ شوال ١٣٥٠

حمام هایما و عدم

ترتیب انها

بازدو از تماشای بعضی رفقا و با مشاهدات خود مصمم شدیم ازان باد آوردهای لازمه همه متذکر شده و توجه ریاست محترم بلدیه را بسوی خود معطوف گردانیم .

ولی پیش ازانکه بخواهیم بوظایف نگارنده مجبات تشبث کرده و برای یك موضوع پیشنهادی که داریم زمینه هائی چیده و ساعاتی مصدع اوقات خواننده های گرام بشویم که حفظ الصحه چیست و ریاست بلدیه چرا ازان بی اعتنائی کرده و مسئولیت های خود شان را درین مورد احساس نکنند .

بهتر است بیکمراتبه برویم سر اصل مقصد و بگوییم که در ولایت خود هیچ وسیله و اسبابی برای شست و شوی بدن خود نداریم و اگر داریم حمام بدون ترتیبات صحی است ، صاف تر بنویسیم حمام نداریم و اگر داریم هم فوق العاده بی ترتیب است که بعلاوه منافع معنوی وصحی که ازان نصیب جسم و جان هموطنان بشود مضراتی باقی میگردد که کثافت بدن نسبت به آن کمتر ضرر ناك خواهد بود .

در عین گفتن این تفصیلات عده آقایان فهمیده و خواهند فهمید که حمام یکی از عوامل بزرگ حفظ الصحه عمومی است و همچنان ناقد ازین حکمی هم که برای ترتیبات و تنظیمات صحیح آن صادر شود باید از مقام محترم بلدی شهر باشد چه امروزه پیش هر دکتوری که برای معالجه بروند اولین توصیه و دستورات نظافت بدنی خواهد بود با هر صفحه از اوراق مجله صحیه را بخوانند عمده ترین شرایط حفظ الصحه را بمردم استحمام و عادت تبدیل با پاك نگهداشتن بدن نشان میدهد بلکه کاهی افرادیکه کمتر از تعلیم و تربیه بهره ور شده باشند اشخاص کثیف و چرکین را منشه امراض مختلفه تصور کرده و بنظر نفرت میبینند ازو دوری اختیار میکنند و اکثر میگویند چرا حمام نمی روید ؟ بدن تان را تمیز نمی شوئید ؟ شما بحفظ الصحه پابندی ندارید ؟

غرض اولین نقطه نظر عمومی نسبت بعالم حفظ الصحه همین وسایل رفتن بحمام است که از هر وبائی وقایه ترشح دارد ولی کسی احساس نمیکنند که ضرر این حمام ها از نفع آن بیشتر است و اگر احساس هم مینمایند نمیگویند که چرا حمامها ترتیب صحی مرتب نیستند .

باز اگر موسم تابستان باشد انسان میتواند باین هوا و فضای عالی و آفتاب درخشنده دامنه های کهسار افغانستان تمام وسایل حفظ الصحه را به نسبت سلامتی بدن بطور طبیعی هم تحت تامین بگیرد ولی چون هوای سرد درین سر زمین یك مدت طولانی تری ادامه دارد ومردم هم قسمت عمده بی بضاعت اند واز داشتن آن اندازه قدرت و توانائی که در خانه های خود حمام علحده حاضر کنند عاجز اند بالیستی از توجه ولیه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 736 of 896

امور این مملکت وبخصوص ریاست های بلدی وسائل مرتبی داشته باشیم .

اگرچه این پیشنهادات ما شامل تمامی نقاط افغانستان گفته می شود ولی فعلاً که مقاصد ما بیشتر درین نقطه مرکز است ورهایش افراد خارجی هم دراینجا زیاده تر ، اول به اول این مسئله را باید یاد آوری کنیم که در کابل چرا مایك حمام نمره نداشته باشیم که عبارت از یکعده اطاقهای جدا گانه بوده با شیر دهن های آب گرم وسرد وشاهوار وطشت های تغسل مانند حمام های عصری دنیا که هر شخصی ساعات ودقایق معین خودش را به تنهائی شسته وهنگام تغسل از ترشح آب بدن افراد دیگر بر کنار باشد تا آن حمام گویا باطمینان کامل از سرایت هر گونه امراض مسریه مورد استفاده افراد داخلی وخارجی واقع گردد .

باز درمرتبه ثانی اگر اینطور یك حمام جامع الشرائط وجود نداشته ویا فعلاً تعمیر آن از نقطه نظر اقتصادی برای حکومت یاثروتمندان ملت دور از امکان باشد اقلاً حمامهای موجوده هم اصلاحاتی بشود خالی از فایده نخواهد بود ، چه نواقصی را که ازین حمامهای موجوده ما خود شنیده ودیده ایم وپامال میشود دران اصلاحات کرد ازین قرار است .

* * *

۱ : حمامهای موجوده بیك اصول ناقصی تعمیر شده اند که جای گرفتن آب آن عبارت از محوطه کوچك دوفوت در دوفوت مدور یامربعی است که باصطلاح اینجا خزینه اش مینامند ودر هر حمام دوتا خزینه موجود است یکی برای آب گرم ودیگری آب سرد ودرین اوقات عموماً چشم امید رونده گان حمام همه بهمان خزینه آب گرم است حالا تصور کنید یکعده چهل پنجاه نفری دریك حمام چطور میتوانند ازان تنگنای تیره وتار بسختی وفشار تمام بین ازدحام نفری درظرف چندین دقیقه جنگ وجدل باید یك طاس (کاسه) آبی حاصل کنند وکاش آب هم وافر باشد که بمجرد دست فرو بردن ویا طاس را آشنا کردن مملو شود چه وقتیکه حمامی مشتری را زیاد دید فوراً آب گرم را می بندد ، که زیاد مصرف نشود ویا مثلاً آب کمی را گرم میکنند که در اثر ازدحام نفری زود آب تمام شده وانسان بزحمت بسیار یك طاس آبی بگیرد که آنهم آمیخته با یك حصه بسیار سنگ ریزه وریزه های گچ وچونه وسمنت است ، از آنهم گذشته کسی که یك طاس آب بالای خود انداخته وبخواهد طاس دیگری را پر از آب کند تمام آن آبهای سرو گردن اوباچرك وکثافت زیادی بین خزینه وقت گرفتن آب میرود گویا یك طاس آبی که در آن تیر ودار بدست بیاید هم تنها آب خالص گفته نمی شود درمرتبه سوم پس از ریگ وچونه وسمنت (چرك) حصه سومی آن آب را تشکیل وترکیب خواهد داد .

اگر کسی از قارئین درین باره تردیدی داشته باشند بروز های جمعه بحمام حاجی واقع چنداول که از حمام های معروف وبزرگ کابل است تشریف ببرند تا این اقوال مارا تائید کنند .

اصلاحات

حالا برای رهائی ازین منابع کثافت وامراض مزمنه بهترین چاره اگر سنجیده شود اینست که مواضع گرفتن آب اینطور حمام ها در تمام محلات بکلی مسدود کرده ودرعوض آن به اطراف صحن حمام نل بکشند ودر هر جای ۳ چهار جای جدا جدا دوشیر دهن نصب کنند یکی آب گرم ودیگری آب سرد واگر درهر موضع زیر این دوشیر دهن یك حوضك کوچکی بسازند که آب گرم وسرد را در آن جریان داده وبعد از آن برای تغسل ، هر شخصی بمقداری آب لازمه خود را برداشته وخودش راشست وشو بدهد بهتر خواهد بود واگر حوض های علحده ممکن نباشد تنها طاس هاهم هرگاه از این اندازه معمول قدری بزرگتر دوچند وسه چند این طاسهای موجوده بزرگتر شده واز آهن چادر یك طرف دسته دار لگنچه مانندی بسازند کافی است مردم باطمینان کلی ومستریحاً به تنظیفات بدنی پرداخته واز سرایت امراض مختلفه آسوده خاطر باشند چه این طاس های مسی بسیار خورده وبعد سه سال سفید هم نمی شوند اغلباً قلع آن رفته وتنها همان حالت کثیف مسی اوباقی است آن هم یك چیز غیر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 737 of 896

قابل استعمال و دور بین ذمّن خطرناکی خواهد بود .

* * *

۲ : ساختمان حمام باصول قدیم یك طوری است که اطراف حمام برای نشیمن باندازه سه چهار انچ صفه یاسکوئی بلند تر ساخته شده ووسط حمام میدانی که داره بهمان اندازه گود تر است .

اصلاً این فکر معمار ها برای آن بوده که ابهای صابون وغیره کثافات از محل نشیمن در آنجا ریخته واز آن بامخارج حمام جریان داده شود ولی حمامی های زرنگ ازین مسئله هم بمنافع خود کارمیگرند چون هوای اکثر حمام ها سرد بوده وبواسطه که برای گرم کردن حمام سوخت بسیار صرف نشود مجرای خارجی حمام ها را بسته ومیگذارند تا آبهای گندیده در وسط حمام جمع شود گـاهی این آب بحدی زیاد می شود که بالای سکو ها هم تموج میکند محض آنکه بخار این دلدال کثیف بگرمی هوای حمام کمك کند .

علاوه تاً چلم های مفلوك را هم برای مشتریان در داخل حمام می آورند اکثر از دود چلم وبخار آب گندیده فضای حمام طوری تیره وتار میگردد که بفاصله یك قدم یکی دیگری را دیده نمی تواند حمامی های بدبخت غافل اند از ینکه این هوا وفضای مضر برای تنفس انسان چقدر خطرناك هستند ، چه این آبها تنها آب صابون نیستند وبه این حمام ها هم تنها آدم سالم نمی روند آب دهن آب دماغ آب چرك بدن ، آب عروس خانه ها (عروس خانه ها همان اطاق های مخصوص بین حمام را میگویند که مردم برای استنجاء ورفع کثافات اعضای مخصوصه خود تنها تنها در آنجا میروند)

اصلاحات

این مسئله بهمان درجه که خطرات آن مهم است وعکس چاره آن سهل است فقط از طرف ریاست بلدیه مواظبت کردن ودستور دادن که حمامی های پول دوست برای گرم ساختن فضای حمام ازین روبه نامشروع کار نگرفته و سوخت حمام را زیاد تر مصرف کنند تا هوای حمام گرم شده وآب گنده ، ذریعه اتلاف صحت مردم واقع نگردد .

* * *

۳ : یك بی انظمی دیگری که درین حمام ها دیده می شود

عدم تعین حمام های زنانه و مردانه است که در یك حمام زن و مرد در یك روز باوقات مختلفه بی هم میروند مثلاً از صبح زود تا ساعت ۹ و ۱۰ ، مرد ها میروند و پس ازان در همان حمام زن ها باید بروند اینجا یکنوع تفاوتها نیست که نقصان کلی متوجه زن های بیچاره می گردد ، اولاً وقتیکه آب حمام گرم است و هوای آن معتدل مرد ها ازان استفاده میکنند و زمانیکه همان آب ریك آلود و سرد باقی میماند و هوای حمام هم سرد می شود زن ها باید بروند .

ثانیاً وقتیکه مرد ها در حمام بوده و هنوز از شست و شوی بدن خود شان فراغت نیافته باشند زن ها در دهن درب هر حمامی به تلاش آنکه زود تر جای گرفته باشند مجتمع می شوند و اغلباً در همین هوای سرد بیچاره ها از سرما می لرزند و باو لادان خورد سال شان به نهایت بی صبری انتظار می برند تا مرد ها از داخل حمام بیرون آمده و اینها داخل شوند .

ثالثاً با آنکه در قیمت حمام بین مرد و زن چندان تفاوتی نیست بلکه اکثر زنها بنام های مختلف زیاد تر از مردان پول میدهند با اینها اشیا زائی که از قبیل لنگ وطاس وگل سر شوی وچلم وغیره برای مرد هاست زن ها ندارند

اصلاحات

برای آنکه زن های مظلوم ازین انتظار طاقت فرسا خلاصی یافته از آب وهوای گرم نیز استفاده برداشته باشند باید دو کار بشود یا حمام های موجوده بدو قسمت زنانه ومردانه تقسیم وتعین شود ویا هر حمامی را در هفته ۳ روز برای زن ها تخصیص بدهند و ۳ روز برای مرد ها که هردو جنبه بی دغدغه خاطر وفراغت تمامی استحمام کرده باشند .

* * *

غرض این سه موادی را که راجع به اصلاحات حمام نوشته ایم اگر چه از وظایف بلدیه باشد ولی تنها مسئول عدم

سیاست عالم

در اروپا احتمال حرب

بیشتر شده میرود

اوضاع سیاسی در اوروپا و آسیا روز بروز تیره تر شده، وظلمت ومبهمیت آن بان کثیف تر میگردد. در آلمان اقتدار فرقه فاشیست تقویه یافته امکان قوی است که در آینده قریب مقدرات این حکومت بدست آنها بیافتد در همسایه ورقیب یگانهٔ المان فرانسه ومتحدین آن عصبیت می افزاید. لیدر فرقهٔ فاشیست ؛ اودلف (هیتلر) امید وار است که موقع لا اقل از رئیس الوزرائی یعنی مقام ریاست جمهور را هم بتواند اشغال نماید اگر همین است ترقی روز افزون تجمع آراء در اطراف فاشیستی در آینده هم دوام بکند شك نیست که این امل های فاشیستی المان نتیجه خواهد داد، چون انتخاب رئیس جمهور بفیصله واکثریت آراء عمومی است، طبعاً طوریکه لیدر فرقهٔ فاشیست حدس می زند، ممکن است رئیس جمهور حاضر نتواند عدهٔ آراء کافی برای ابراز واستحکام موقع خود تامین نماید. فی الحقیقت مدت معلوم رئیس جمهور مارشال هند بنبورك ختم گردیده بنابر احوال فوق العاده از طرف رایختاك مدت ریاست جمهور موی الیه برای دوسال دیگر قابل تمدید قرار داده شده است، لیکن برای اجراء وتثبیت این کار اکثریت معلوم یعنی ثلثان مجموع آراء لازم دارد.

اگرچه ممکن است مارشال هندنبورك اکثریت لازمهٔ فوق را تحصیل بتواند ولیکن نظر بوضعیت حاضره این کیفیت روز روز مبهوتانک تر شده میرود. از طرف دیگر روز بروز از کسب طرفداران رئیس الوزرا بروننگ کاسته شده میرود و احتمال استعفای آن قوی میگردد ومظاهٔ بموقع اقتدار آمدن موسیو (گرونر) که اکنون وزارت حربیه و وزارت داخلیه را در قبضه دارد تقویت می یابد.

روایت میکنند تاوقتیکه این رجال صاحب اداره وصاحب قدرت بالای عسکر باشد ممکن نیست فاشیست ها باضربه تا گهانی بر حکومت حاضر فائق شده و یا بموقع اقتدار آورده بتوانند و یا کامیاب گردند. ولیکن این احتمال هم روز بروز قوت میگیرد که فاشیست ها ممکن است بتوانند از طریق مشروعی وقانونی وسایط مجوزهٔ عنان کار را بدست بیارند.

از طرف دیگر تحقق میکند که المان ها می خواهند بحسب مقررات بلان یونگ از تاءدیه تعمیرات وتضمینات جنگ خود داری کنند. این مسئله فرانسه ومتفقین آن را دراندیشه وتفکر عمیق انداخته، چنان نتیجه میکنند که اگر المانها تاءدیه تعمیرات را معطل نماید، شبه نیست که درتعقیب آن تمام مواد معاهدهٔ ورسای را نخواهد شناخت.

وهم المان ها در کنفرانس ترك تسلیحات که در همین ماه منعقد میشود، قرار تخاذنموده اند که بمجدانهٔ جدی حیاتی بنمایند. ودر وقتیکه بمجلس اجراء میکنند رئیس الوزرا را به ریاست هیئت مرخصین خود انتخاب نمودهٔ شبه نیست که آلمان ها در این کنفرانس برای دو نقطه اصرار خواهند نمود که مرخصین ملل اجازه بدهند تا آلمان ها هم بقدر سایر دول مسلح گردند ویا سایر دول را مرخصین ملل آلمان خلع اسلحه نمایند. وهم عدم تاءدیه تضمینات جنگ را قطعاً مدافعه خواهند کرد. طبعاً در این دو نقطه انگلستان طرف المان را مظاهرت والتزام خواهد کرد. در نتیجه شبه نیست که در این معاوده فرانسه ومتفقین آن بدون مراجعت به اسلحه بتوانند مقام وموقع سیاسی خود را باشکال ومواد معاهدهٔ نامه ها خواهند محافظه کنند.

م. اسماعیل

ترتیب با اصلاحات آن ریاست بلدیه شناخته نمیشود که مدیریت محترم مستقله طبیه هم باینقی درین امور بنابر وظایف صحی که بر آنها تفویض شده دایما مراقبت داشته باشد.

تمنا داریم ازین دو مقام محترم باشد تا از آنها که مقامات شان در غور اجراآت اینگونه مسایل اقتدار داشته باشد بنام انسانیت یک توجهی فرموده وصحت وسلامتی عامه را از تعلقگاه این حمام ها نجات بخشید.

اصول مسکوکات

هندوستان

(۲)

حرکت سیستم گولد ایکسچانج ستاندرد

سیستم گولد ایکسچانج ستاندرد موسس عده بالای قانون آن تسویه قیمت هر یک ممالکی که برای خودش مقرر نموده است. هکذا بحرکت جسم موزه مسکوکاتی تاسیس شده است. مثلاً اگر میزان امور منافع معتبر شود وعلامت رغبت خارجیان درعین زمان به نسبت احتیاج توفق جوید دراین صورت تفاوت آن بوسیله بانک مرکزی و یا بدوا ترسمیه که برای علامت مبادله هستند خواه به نشر بیلت (نت کرنسی) بانک وخواه بپول کاغذی برای اینکه جسم تداول افزون گردد مجبور میسازد. چه توسعه مسکوکاتی دومرحله اول به ربح منافع رقابت سرمایه خارجیان که داخل ومانع فعالیت سرمایه های وطنی میشود تنزل داده حدورش را تعیین میکند. و در مرتبه دوم ترقی رانده قیمت امتعه داخلی که مانع صادرات امتعه ومحرک واردات میشود محدود مینماید.

هماناً اقتدار این دومسئله اعتدال میزان امور منافع را اندر بحوا محافظه میکند.

هرگاه بالعکس میزان امور منفعت دار مملکت انقضاض شده گردد وعلامت احتیاج خارجیان به نسبت رغبت آنها متجاوز شود دراین صورت تشکیلات وسعیرا در ازاو مبادله مداخله خورده بیلت و یا بانک وسائط پرداخت را معطل کرده عوض آن علامت های موضوعی را بالای خزینه احتیاطی فروشد.

لاجرم این اعمال حسابیه فوق بمعاونت موافقه نوع تداول که درمقابله در از از تضیقات مسکوکاتی و مواضعات آن تسویه تجربه حاصل شده اجرا شود.

هماناً ارتقای ربح منافع بداخل شدن سرمایه های خارجی تعجیل کرده و به تنزل آن تسویه وقیمت صادرات امتعه مساعدت مینماید. چه مضاعف کار درممالی ساختیهان اعتدال میزان امور نافعه متفق گردیدن است ازین رو درهندوستان سیستم گولد ایکسچانج ستاندرد دوام داشت.

بالنتیجه حکومت باساس (گولد اکس ریزرو) که باساس طلا و یا بالای پوند استرلنگ آنرا بر قرار شده بود تنظیم نموده بود.

تشکیل شدن (گولد استاندرد ریزرو) برای پیدا کردن چشمه منفعت بود و این امر بواسطه سکه کردن روپی که بالنتیجه حافظ ونگاهبان آن بحر و یا به نقدش پوند استرلنگ منوط بود اجرا میشود.

اگرچه حکومت هند درمیان پیش برده سیاست مسکوکاتی اساس که بنیاد فعالیت سیستم مذکور را اداره میکرد کنز زمات میشود زیرا بجهة منفعت خود حواله (ریزرو کونسل درفت) را مجبور عروض بود و بخواستن که ادعا مقابله با اصول مسکوکاتی را بدین جهت بگوییم.

والحاصل حکومت بالعموم عرض تداول که تضیقات مسئله اعتبار را تحدف میکرد حصه بزرگ روپی را بیکار گذاشته خالی میکرد که خبر داد خود حواله درمیدان تداول تا بمحل استقرار اصول مسکوکاتی قرار داد و یا به ارتکاب حرکات متعدی نگردید.

قواعد مسکوکاتی هند درمیان جنگ و بعد از جنگ

زمان جنگ وزمان بعد از جنگ قواعد مسکوکاتی هندی انقلاب مشکل داد.

از سنه ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۰ میزان تجارتی هند خیلی نافع و مفید بود. ازین رو خواهش شدید (از با کونسل درافت) (مجلس حواله جات هند) شده بود. اما در پرداختن پول با انگلیس مشکلات وارد شده بود. از یک طرف نوت (نت کرنسی) روپی نقره و مسکوکات طلا قاعدتاً در همچه مورد محدود میشد و بانک امپیریل (ناشر وحامی نوت بانک) پول طلا را محدود کرد. چه حکومت هند بلحاظ امتناع صادرات فلز طلا منع کرده بود اما از طرف دیگر بواسطه اکثر تادیه کننده گان مشکلات حقیقی تولید گردید چرا که بمناسبات معاملات هندوستان وخوشنودی آنها داخل طلا ضرور بود بار ضرب نقره هم تا یک درجه بلند تری صعود نموده بود. معهذا واردات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 740 of 896

قلز سفید (نقره) از نظر به محصولات بین المللی و اختلافاتیکه در حالت سکه جات عمومی تولید شده بود فوق الحد قیمت فلز نقره بطرف تنزل پویان گردید ازان رو موجب تنزل زائد نقره به نسبت یک شلنگ وچهار پنس درمیان چند ماه قیمت اصلیه روپی بلند ترشد .

درین مورد منفعت برای آنهائیکه نوت خود ها را با روپی مبادله نمود ومتعاقباً فلز را میفروختند عائد بود .

باری نظر باختلاف و نهضت مبادلات معین مالیه هند رواج رسمیه روپی را مجبوراً بلند نموده یعنی از یک شلنگ وچهار پنس که در ۱۹۱٦ رواج داشت در ماه دسامبر سنه ۱۹۱۹ به دو شلنگ وچهار پنس معین نمود بدین مناسبت سکه هندی خاصیت ذاتیه خود را فاقد شده در سنه ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ تغیرات کلی رخ نمود .

چنانچه بعد ازان سیکه رایج هندی به بحران مشکل دچار شدند بدین مناسبت در معاملات تجارتی هند اختلافاتی تولید شد یعنی واردات هند به نسبت صادرات وی مضاعف شده و خزینه احتیاطی زر حواله (ریزرس کونسل درافت) (مجلس حواله جات عائدات را) اضافه تر فروخته بود و از برگشت تنزل بیمایان سکه نقره که از محرکات اوروپ در سکه هندی انعکاس کرده بود بار دیگر منتج بر ان شد که در حالت فلز نقره فوق الحد تنزل ظاهر شود ازین رو در ان چند ماه رواج سکه روپی از حدود دو شلنگ و چهار پنس به یک شلنگ و سه پنس تنزل کرد .

مگر خوش بختانه در سنه ۱۹۲۲ و بعد ازان تا حال تنزل زائدیکه اصلاح کرده شد . یعنی نظر به ازدیاد صادرات هندی حالت مبادلات پوند هندی تدریجاً بلند شده تا حدود رواج یک شلنگ و شش پنس رسید گویا در ابتدای اکتوبر ۱۹۲٤ که واقعات آن در آینده تذکار نمیشود سکه هندی وقایه گردید .

عملیات هیئت یونگ

استقرار پول هندی در زمان جنگ و بعد از جنگ هویدا نمود که قیمت روپی بالکل از قیمت فلز نقره آزاد نبود زیرا قواعد مذکور در معاملات بدون تشویش کار کرده میتوانست وقیمت ذاتیه روپی تماماً بروی قیمت فلز نقره بازار بین المللی مستند بود ورسیح آن متجاوز نمیشد . ورنه تنها منافع برای کسی که مبادله نوت را با روپی مینمود وبعد از آن روپی را بقیمت فلز نقره ویا نوت بانک مبادله میکرد عائد بود .

بناءً علیه برای تحققات بعضی اصول معالجات اساسی این موضوع جدیداً در ۱۹۲۵ هیئتی انتخاب گردیده . و مقام ریاست این کمیسیون (هیئت) باستشاره آقای هلتون یونگ سپرده شده بود و متوالیاً باستشاره کومیسیون یونگ امور مسکوکاتی هند اصلاح شده رفت .

این کومسیون در مسئله مسکوکاتی تتبعات نموده وبتکرار مباحثات وتدققات طولانی چنین قرار داد که استقرار مسکوکاتی را بیک صورت نمیتوان حمایت کرد وبیک اصول پایدار به اقتدار آزادی غیر محدود روپی بمداخله طلا نمیتوان موفق گشت بدین لحاظ بدو نوع قاعده عطف نظر نمود .

۱ ـ قاعده اول اصول (گولدستاندرد سیستم) بود که منشاء آن معاوضه آزاد نوت بانک بانواع سکه شده ، باشد .

این قاعده قبل از جنگ در اکثر یوروپ معمول بود چه این قاعده خیلی ساده و موثر میباشد .

مگر کومسیون این قاعده در حالت موجوده لازم ندید ، بجهت اینکه هند ضرورت داشت تا برای پیشرفت دادن تداول خودش بخریداری مقدار زیاد طلا باندازه یک صد ملیون پوند استرلنگ مبادرت بورزد .

شاید این خواهش سترگ انتاج خواهد داشت بر اینکه در فلز طلا تخفیف پیدا شده وحالت خمیدگی را در قیمت فلزی عالم تحریک خواهد کرد مثلیکه امروز حکومت های اروپا مقروض ملت بوده وآن تسویه کنونی قیمت اشیا از چندی غیر مساعد و مشکل شده است .

(باقیدارد)

(رحمان افغان)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 741 of 896

ترجمه از مجلات پاریس :

عبور هیئت کاروان زرد

از « پامیرات »

(۲)

ولی از « بالدی پوره » آنطرف در اولین منزل راه سنگ فرش به راه قاطر رو تبدیل شد، اولین اشکال بی در پی که رخ داد این بود که در یك قافله هم انتظام حرکت سنگ پیدا کرد یعنی در زمینیکه حیوانات مرتباً راه خود را ادامه میدهند وسائل میخانیکی دچار وقفه ومعطل ها گردید .

واضح است که درین نقاط بلند ترین کوهستانی دنیا سابقاً هیچ راهی وجود نداشت ، راهی که پیدا شده آنهم از مدت ۵ سال باینطرف محض برای رفت وآمد اسب وپیاده رو باز شده که باارو وسائل محدودی حرکت کننده درین منازل موادخوراکی ، و علوفه گاه وجود آب نوشیدنی فقط در نقاط معینه بعد از طی منازل طویل روزانه در هرجا میسر نمی شود .

حال آنکه نمایشاتی که درین ناحیه در موتوشنی بروند انجام دهند حتماً دارای دالور ها احتیاط ها وکنوششاتی است که نسبت به عملیات حمل ونقل قافلئی به اکتشافاتی مربوطیت دارد .

در اول وهله اشکالات عبور خیلی زیاد بود بعد هر دسته بطور عادی جنگل ها وعلف زار های الپی را که نسبت به الپ اروپا خیلی عالی تر است ودر قبال آن جنگلهای کاج در بحر غبار غرق بود میگذاشت .

اینجا با حرکت در اثر پیدایش کج گردشی های خیلی نزدیك بعلی هـد زیرا موتوشنی ها بدون اشارات بازوه فریاد ها رفته نمیتوانست علاوه ازین بعد از عبور اولین رود سیلابی حرکت غیر منظم تر شد . زیرا بایست ٤ تن را از یك پلی که هیچ چیز متانت را تامین نمیکند و عملیات هم خیلی باریك است عبور داد برای این قبیل عملیات هر دفعه باید موتر ها خالی شود . جنگك هـا در طرف مقابل گاردال محکم شود موتوشنی را باید گیل کرد آنرا باید توسط دو ریسمان سیمی هدایت کرد تا تلفات جانی رخ ندهد . باز دو باره وموتر را باید بار کرد . این عملیات سه ساعت حرکت تمام دسته را معطل میکرد چه بگویم هر روز نسبت به روز گذشته تکالیف بر انسان و حیوان زیاد شده میرفت .

باز راه را سنگ وغیره مسدود کرده بود . من دوران شروع به پاك نمودن راه نمودند اینجا عکس خصوصی گرفتیم که حیرت ساکنین کوهستانی کشمیر را هویدا میساخت . ساکنین دهن باز ایستاده عبور اشیائی را که زور بار جهیده اند و هرگز در مملکت خود ندیده اند نگاه میکنند .

تا اینجا فقط امر اشکالات بسیطی بود بتاریخ ۱۸ ژوییه یعنی ۵ روز بعد از حرکت « بالدی پوره » گروپ « هارت » ۱۰۰ کیلومتر راه پیموده درپای کوتل بورزیل که از یکی از سلاسل جبال همالیا به ارتفاع ۴۲۰۰ میگردد رسید .

ما را باید به دشمن دیگر حمله برد در اطراف دوره مسیر که چندان خوب معلوم هم نیست برف در بعضی جا ها ٤ متر ضخامت دارد . اسپ ها تا سینه در برف فرو میرفت . لیکن در آنجا ها نیکمرداد میشدند یا گذارند موتر ها عبور میکرد ۱۰ کیلومتر راه بالای قشر برف که زیر زمین آن جریان آب تحت الارضی بود در ظرف ۱۰ ساعت پیموده شد . این اولین دفعه بود که غرش موتر در فضای خاموش منطقه که همه میگفتند عبور موتر از آن غیر ممکن است انعکاس افگنده به گوش ها رسید .

بعضی اشخاص متکولك که مملکت را مشناختند بازهم سر را حرکت داده میگفتند ممکن تا آستور توانسته بروید باز چه خواهید کرد . . . استور یك قریه کشمیر است که تقریباً به دوئك راه « جلفیت » واقع است . بتاریخ ۲۱ ژوییه طرف ظهر دو موتوشنی داخل قریه موصوف شد . صدای دوهل وطوله با فریاد های اهالی موتر هارا استقبال میکرد .

یکی از صاحب منصبان انگلیسی پسر مارشال هیگ بادوربین این دخول شگفت آور را نگاه میکرد .

— ازین بعد بیهوده شمارا تکلیف نمیدهم .

۱۱ کیلومتر بعد از « استور » هفتمین پل دراز باران های جدید براه سوراخ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 742 of 896

خورده ودره که گودال فرو رفته ، این سوراخ خورد کی ۱۵۰۰ متر راه است دوطرفه اینجا هم زمین کامل منجلاب و خندق است ، ۵۰ متر پایان تر رود سیلابی جاری است و بالای همان حصه که سابقاً راه بوده ۲۰۰۰۰۰ متر مکعب سنگ و گل از کوه فرود آمده ،

از دیدن این وضعیت موسیو هارت به « استور » بر گفته امر جدا کردن اجزای موتر را داد . لیکن موسیو فرانسوی « رئیس میخانیک ها ملاحظه کرده بود که اگر یکحصه جدار افگنده شود عبور ممکن میشود . استیذان خواستند ، مامور اینجا مردد مانده بعد اجازه داد ، اجزای موترها را دوباره برپا کردند . لیکن فردا باز از خیال خود منصرف شده تردیدات جدید پیدا شد .

درین موقع رئیس میخانیک ها میگوید خود ما موترها را عبور داده میتوانیم وقبل ازشب آنطرف خواهیم بود . بگیریم موترها را پارچه پارچه کنیم . این دفعه ثانی درمدت ۱۲ ساعت موترها را تکه تکه نمودند بالاخره با کوششات با ابداً به پارچه های موتر را عبور دادند .

از این اشکالات وضعیت عبور اشکال دیگری پیدا شد و آن این است که قافله که در آن خوراکه و خیمه ها وغیره لوازم است یا بسیار پیش از موترها رفته و یا خیلی عقب مانده اند .

حرارت آفتاب که در جدارهای سنگی منعکس شده فضای خسته کنی تشکیل کرده که فی روز ۱۲ ساعت چون حریف ظالمی ما رامیخائید . هر یکی ازما بیک گوشه خود منزوی افتاده ومعلوم نیست چه میخورد و کجا میخوابد .

بالاخره منازل « ولش فن » « دوبان » « ما نوپیر » « رامگت » وغیره را عبور کردیم .

مدت ده روز اکثر اعضای هیئت ورئیس آنها در زیر آسمان خوابیده اند وشب « رنگت » سوبین از ین قبیل شبها بود که هر کس در منازه سنگی درفضای گرد آلود قافله شبانه جای خواب مییابد .

به تاریخ ٤ اوت به « کاکت » رسیدیم . ساکنین این نواحی هرگز موتر را ندیده اند و هرگز نمیخواستند از دور آن دور شوند بعضی ها بکمال خوش بینی میگفتند سال آینده رفت و آمد منظم موتر بین « سری ناگر » وقریه آنها که در یك قلب هالیه افتاده برقرار خواهد شد . حیرت ساکنین دراستان هرشهری دیده میشد وهیجانی بیکنوع تبلوی مسرت بخشی تبدیل میشد که منظر آن خسته گی های گذشته مارا میزدود .

به شب ۲۵ ژوییه تلگرافی گروپ « آوردن دو روی » بعد از سه هفته به گروپ چین تلگرافی فرستاد که سه موتر کاشمر را برای دسته گروپ هارت بفرستد .

موترها به مدت ۲۳ روز در « گلگت » خواهد رسید و آیا چقدر وقت دیگر لازم خواهد داشت تا از گودال های درههای صعب العبور و کنار کوه های مرتفع تا کوتل « کلگت » برسد .

وچون به آنجا برسند آیا هیئت چطور در سرحد « سن کیانگ » پذیرفته خواهد شد ؟

چه چیز میتواند هیئت را اطمینان دهد که اجتهاد آتش چندر نخواهد زرفت ومجبور نخواهد شد که پس جانب هند بر گردد ؟

آنوقت چطور درابتدای موسم زمستان رهی را که گردنه های مرتفع ۵۰۰۰ متری آنرا غیر قابل عبور ساخته دوموتر باز عبور خواهد کرد ؟

« موسیو هارت » چون پیغام برق را گرفت فهمید که بایست نقشهٔ که کرئی تمام میشود ترك کرد و اینجا جدائی بین اعضای هیئت وارد نمود وچون بایستی در « گلگت » تصمیماتی راه سازان بدهیاد یك موتر را در « گلگت » بعنوان یادگار اینکه موتر هیئت تا اینجا آمده گذاشت موتر دیگر را کوفتانگ تکه شده بامیخانیك ها پس « سری نا گار » وازآنجا بفرانسه برگردانند .

بدین قرار گروپ پامیر سبك دوش شده تابیر حرکت اسباب و وسائل ایشان خود را مختصر کرده بیکدسته در سرحد چین حاضر گردند .

به گروپ سوم حکم داده شد تا حرکت خود را سریع تر کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 743 of 896

حالا بسواری اسب از منطقه دست نخورده میکذریم که عظمت آن هر روز در عالم سکوت مضاعف میشود . از « تاکیا » و « عسوزاء » ممالك مجهول را که سر حدات آن طبعاً در اثر جدار های ایخ که خط الراس آن آسمان را میشکافد محدود است عبور کردیم . مدتی در یك دنیای ساکت وخوش که فقط خلك وشغال و روباه در آن به بیکار اند میکذریم

تا آنکه این نواحی اگرچه چند تو صورت توحش دارند لکن دل حساس اند و عبور شخص غریبی در آنها بیشتر حیرت تولید میکرد . ملاحظه میکردیم مناطقی که سرحدات هند چندان خوب معلوم نیست وزی آنجا استقلال ماهوای … یك ارتفاع های اند که انسان پیش از پیش در آن کم دیده میشود . استشمام میشود .

تاریخ اول دسامبر چون تمام ارکان هیئت … مرکزی کوه هم جمع شدند یك دنیای وا عبارت آخری عالم اختلاط تمدن هند - اروپائی را که از بیروت تا اینجا تعقیب کرده بودند عقب سر گذاشتند . اطراف دو ایل خنك مرتفع افق کشاده بنظر می آمد ، و خطوط سیلانی ها را که از حصص سرچشمه شان دیده میشود خیلی باریك بنظر میخوردند و خط الراس قلل کوه ها بطرف یك ایالتی نا معلومی پست شده میروند . به ظهر سوم دسامبر به این امکانه که عبارت از کوتل کلك باشد رسیدیم . اینجا خط تقسیم رود اندوس و « تارم » از ارتفاع ۵۰۰۰ متر عبور میکند . در این چهار راه منجمد لکن انسان ناگهاناً خطوط چهار سرحد را که عبارت از : سرحد هند روس - چین - افغانستان باشد ملاحظه میکند .

وقتا که در جلکه وسیع علف داری که آخر جانب قلل پر برف پامیر روس میرود رسیدیم . موسیو « هارت » رئیس هیئت توانست پیشرفت و تاریخ مسافرت هیئت ثبت کند .

منذ کرانی که از دو سال باینطرف بعمل آمده بود چنین بنظر می آمد که نتایج آن محو شده دوباره لاکن اما این بار … شروع شد . بواسطه اغتشاشاتی که در این منطقه بود اجازه دخول « ارسی کیانگ » مورا جدرفته شده - چون کیتان بکور راوندتو ازین هیئت فرستاده بوده تا وقتیکه تا عقر قان اولین پست حربی چین تصادف حاصل کرد از اطلاع بکشفر « مولائی » معلوم میشود که « … » اوت کپتان مخلطه با ۹۰ اشتر و ۴۰ اسب به استقبال هیئت بر گشته است .

در طرف چند ساعتی با یك دنیای مجهولی که در آنجا به عنی رفقای ما مضطرباً به انتظار میکشند ارتباط حاصل خواهیم کرد . (مجهول)

(ترجمه از مجله الوستراسیون پاریس)

قسمت علمی :

ترجمه از جرائد خارجی :

ماربزرگ بحری

- ۱ -

گاه گاهی روز نامه ها اطلاعات اضطراب انگیزی به حیوان بسیار بزرگ عجیب الخلقت بحری که شکل مار را دارد و از طرف ملاحین دیده شده است می رسانند . حیوان مذکور بدفعات دیده شده ؛ لاکن تا حال وقتیکه بدست آمدن حیوان عجیب الخلقت مذکور میسر نگردیده ، هیچ وقت نعش او را هم نیافته اند . آیا فسانه خیال و یا حقیقت است ؟ اکثراً مار بحری را بروز های تابستان دیده اند .

بنابرین اکثر مردم تمام این فسانه ها را از عمال اخباری مینمایند که نامه نگاران برای احیای مضامین روز نامهٔ خود در موسم های تابستان مید هند لاکن اگر این مار بحری حقیقت دارد ؛ پس چرا دائم در ماه های تابستان بروی آب می براید ؟

کراف گوردن « در وقت خود » راجع به این مسئله یك کتاب مکمل در قرائت نشر نموده و امروز ملاح انگلیسی ایوتنان گولد کتاب جدیدی بنام : « واقعه راجع به مار بحری » نشر نموده است ایوتنان مذکور در کتاب خودتمام شهادات معلومات شخصی را که به آنها اعتماد کرده میشود و این حیوان عریب الخلقت

بحری را دیده اند ، جمع نموده است هر دو مصنف به این نتیجه رسیده اند که « مار بزرگ بحری » خیالی نی بلکه اصل و حقیقت دارد . لاکن اصل سوال اینجا است که ـ آیا مار مذکور چه اندازه است ؟

در ازمنه قدیم بوجود مار بحری قایل بودند . پلینی راجع به یك مار بسیار بزرگ بحری می نویسد : که به مثل ماهی تمام بدنش فلس داشت و بمثل برق بر کشتیهای خورد حمله آورده آنها را تکه تکه نموده آدمهای کشتی های مذکور را زنده می بلعید . دیو دور حکایت میکند که یك مار بسیار بزرگ بحری بساحل بحیر زنده گانی مینمود و هر وقت که موقع می یافت بر گله حیوانات اهلی حمله آورده آنها را می بلعید .

از ابتدای عصر شانزدهم الی حال افسانه های مار بحری دربین مورخین وملاحین جریان دارد . اولاف کبیر قسیس بزرگ اوپسال ، راجع به یك مار بحری بسیار بزرگ ذو میشین که در کوهستانهای نزدیك برگین زنده گانی مینمود ، روایت میکند : مار مذکور دوصد فوت (قریب ۶۰ متر) طول و ۲۰ فوت (قریب ۶ متر) قطر داشت ، یال داشت که ۲ فوت درازی آن بود ، پوست آن از سر تا پا از فلس پوشیده بود ، چشمهای او به مثل دو مشعل میسوخت . شبها بروشنائی ماهتاب از غار خود بر آمده گاوها ، خوك ها و گوسفند ها را میخورد ، بعد از ان وای به حال ، خارچنگ ها به بحر می در آمد . وقتیکه به نزدیك های ساحل کشتی را میدید فی الفور خود را به بحر انداخته درمیان امواج در زیر آب شناوری کرده خود را بکشتی میرساند . حیوان عجیب الخلقت مذکور دفعتاً به نزدیك کشتی از آب بر آمده ملاحین بیچاره را که از خوف ودهشت زیاد ببحر کث میافتادند ، می بلعید .

نیکو لا گرامی ، قسیس نوروجی یك مار بحری را حکایت میکند که ششم ماه جنوری سال ۱۶۵۶ از نهر بطرف بحر میرفت : « مار مذکور بمثل « دکل » کشتی بطرف پیش حرکت می کرد هر چیزی که بمقابلش می آمد ، حتی درختها وخانه هارا ، سر نگون می نمود مار مذکور چنان صفیرو یا صحیح تر آن چنان نعره میزد که هر کس که می شنید از ترس می لرزید ، سر او مانند یك بیپ بسیار بزرگی بود ، در زمان حرکت با تمام قد و قوارهٔ خود بر امواج بحر بلند می شد .

کنس ایگیدی ، یکی از مبلغین دانیمارکی راجع به یك مار بحری بسیار بزرگی که ۶ جولائی سال ۱۷۳۴ براه خود در گرین لند دیده بود ، حکایت مینماید : « ما دیدیم که مار مذکور بر سطح آب آن قدر بلند شد که سر او از بلند ترین دکل های کشتی ما نیز بلند تر گردید . سر او نوکدار وصدای او مانند صدای نهنگ بود . مار مذکور شاهبر های بسیار فراخ داشت و بدن او از یك پوست بسیار کلفت گره گره چینداری پوشیده شده بود ؛ حصهٔ زیرین او بمثل مار های معمولی بود ، وقتیکه آب بازی می نمود خود را عقب می انداخت در آن وقت دم او از یك مسافه بسیار بعیدی از بدن او بروی آب ظاهر می گردید . درازی او تقریباً یکصد فوت میرسیده . رسم او را که کشیش همسفر ایگیدی رسم کرده است تا حالا موجود است : حیوان مذکور یك سر بسیار بزرگ ، دلهانهای بسیار مخوف ، ابرو های انبوه و دم بسیار تیزی داشت .

چند سال بعد ، کاپیتان لوران دفردی مکتوبی اشاعه نموده ، ودر مکتوب خود نقل میکند که در آخر ماه اگست سال ۱۷۴۶ بر کنار ساحل یك مار بسیار بزرگی دیده است ، سر او زیاده از دو فوت از سطح آب بلند تر بود و بسیار شباهت به سر اسب داشت . مار مذکور خاکی رنگ ، دهن بسیار سیاه ، چشم های سیاه درخشنده و یال بسیار درازی بر گردن داشت . کاپیتان و دو نفر ملاح دیگر غیر از سر او هفت یا هشت حلقهٔ بدن او را که فوق العاده بزرگ و یك حلقه از حلقهٔ دیگر قریب دو متر فاصله داشت ، فرق نموده بودند لوران دفردی بر او فیر تفنگ نموده آب در همین موقع بقدر یك یا دو دقیقه سرخ رنگ معلوم شد احتمال گوله مذکور به مارا صابت نموده باشد .

در عصر نزدهم ، حکایات راجع به مار بحری تکرار میشد . در سال ۱۸۱۷

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 745 of 896

جمعیت لینیف در بوستون راپورتی راجع به یك حیوان عجیب الخلقت مشابه به مار ، که در بندر گلوچستر (۳۰ میلی بوستون) دیده شده بود ، اشاعه میدهد عجیب الخلقت مذکور بسیار زرنگ و چالاك بود ، در یك هوای آرامی وقتیکه آفتاب حرارت پیدا میکرد ، حیوان مذکور بر سطح آب بالا بر آمده ، کلچه میزد . این چنین مشاهدات و اطلاعات در دفتر شهر پلیموث نیز موجود هست .

در سال ۱۸۱۹ مسافرین که در کشتی « ایلیفان » بودند ساعت ۵ شام حرکت بسیار شدیدی حس نمودند ، اگر چه ۲۰۰ میل از ساحل دور بودند . پول اود یبر در یك مکتوبی که بعد ازین واقعه نشر نموده است مینویسد که به اطراف کشتی ما عدهٔ ازین حیوانات عجیب الخلقت بحری که به اندازه های مختلف بودند حرکت میکردند . یکی ازین حیوانات با یك خشم فوق العاده بر کشتی از طرف عقب حمله نمود ، حیوان مذکور با گلوله توپ مقتول گردید ، باقی غوطه خورده غائب گردیدند . پول اودیبر میگوید که نعش حیوان مقتول را بدنبال کشتی بسته به ساحل آوردیم ، معلوم شد که حیوان مذکور مار بحری است و صد فوت طول داشت .

آیا این حکایه صحت دارد ؟

در سال ۱۸۲۰ مار بحری را در خلیج برینگوف دیده اند .

راپورت رسمی خوزیه — ماریانوبیش کاپیتان کشتی « نیپتون » از ۵ جنوری — ال ۱۸۳۰ در هاوان حاکی است ، که سوم ماه جنوری به چهار میلی از ساحل از طرف اهالی کشتی یك چیزیکه بسیار شباهت بیك کشتی سرنگون داشت ، دیده شد « نیپتون » بطرف همان چیز حرکت نموده ، معلوم شد ، که چیزی را که ما کشتی سرنگون تصور میکردیم فك بالائی یك حیوان عجیب الخلقت بسیار بزرگی است . گردن او ۱۵ الی ۲۰ فوت بطرز عمودی از سطح آب بلند بود . حیوان مذکور از طرف یك تعداد بسیار زیاد ماهیان خورده و بزرگ که به اطراف او الی مسافه یك میل شنا میکردند ، محاطه شده بود .

وقتیکه کشتی به نزدیك او رسید معلوم شد که حیوان مذکور چیزی میخورد از حرکت دهن او یك صدای بسیار مدهشی به مثل غلطیدن زمین شنیده میشد . قریب ٦٠ فوت بلکه زیاده تر طول حیوان مذکور تخمین میشد . عجیب الخلقت مذکور از یك نهنگ بزرگ هم بزرگتر بود . کاپیتان کشتی بنزد حیوان مذکور نزدیك شده نتوانست ، زیرا تمام مسافرین کشتی با یك هراس و خوف فوق العادهٔ از کاپیتان خواهش نمودند که نزدیك نشود . در تحت راپورت کاپیتان ، تمام مسافرین و ملاحین امضا نموده بودند .

در وسط قرن گذشته ، مار بحری چند بار دیده شده بود . از همه خالی دقت تر — مکتوب کاپیتان انگلیسی هاریگتون ، قوماندان کشتی « کاستیلانا » است ، که حیوان مذکور را واضح دیده بود . این واقعه در سال ۱۸۵۷ بود سر حیوان عجیب الخلقت فورم بیب بسیار بزرگی را داشت که قطر آن قریب یك متر می آمد ، و بر گردن خود مشابه به بال یك چیزی پر چین داری داشت آب به اطراف او میجوشید ، مثلیکه تحت بحر شروع به آتش فشانی نموده باشد . معلوم می شود که حیوان مذکور قریب ۲۰۰ فوت (٦٠ متر) طول دارد . رنگ تیرهٔ واز داغهای سفید پوشیدهٔ بود ، مشابهت به مار داشت . هاریگتون ودو نفر از افسر های او با ۲۰ نفر از مسافرین آن حیوان را به مسافه قریب ۲۰ متر از کشتی دیده اند .

(باقیدارد)

احمد رحمانی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 746 of 896

ترجمهٔ : رحمان افندی -۲- مؤلف : برقانی زارژ

رهبر اهل ثروت

قسمت اول

واسطهٔ قوهٔ مالیه

نوت بانک

ماهیت ، قیمت ، قوام ، نوت کدام است ؛ چگونه منقوش شده‌اند نوت واسطه یگانگی مسکوکات بی پایان را وقایه میکنند ؛

این نوت بانک یگانه شماره کاری بود که علمای اقتصاد است برای اینکه خوب از بشوق مبدان علم اقتصاد مهرمن کرده باشیم برایشما لازم است تا از آغاز پیدایش این مذکوره وار و ماینکه وجوهات مسکوکات عالم بشریت مغرق شده و روز بروز با میلش افزوده بقارئین گرام شرح دهیم ؛

از هما بجا نیکه بعض مسکوکات واقل مهیم تجارب علم مقدماتی این علم مهره نیز مشهود بوده است یعنی تمام بهسای که با پول تعین میشود با همان پول ادای دین نیز میشود مثلاً اگر قیمت فروش امتعه ۵۰ ، ۱۰۰ و ۱۰۰۰ فرانک (پول فرانسه) تعین شده مشتری نیز بایستی همان امتعه را به ۵۰ و ۱۰۰ و یا ۱۰۰۰ خریده ویولش را بر دارد خواه به پول عددی نادیه نماید و یا بذریعه اعتبار نامه که دارای همان اعتبار بوده وطبع شده باشد بریج دارد .

بناءً علیه اولین اقدام صاحبسان که پول عالم اقتصاد تسهیلات را بخشیده اند این است چونکه هر کس پول را نزد خود نگاه میدارد پول خود را در موسسه صرافی بغرض محافظت گذاشته و در حالت احتیاج با تداول پول از آنجا پول بگیراند و یا به وسط صراف از روی خسوونش بایع امتعه پول بپردازد . چندی زمان بعد تری که این اصول ترقی کرده بعوض که پول قیمت متعه از خانه مشتری بخانهٔ بایع نقل داده شود این تجویز پیش آمد که تمام پول طرفین در همان موسسه موجوده بوده در حین معامله صراف حاضر گشته از اعتبار سرمایه مشتری آنقدریکه امتعه خریده کاسته و با اعتبار و یا بحساب بایع که امتعه را فروخته بیافزاید . دومین اقدام مالکان پول و یا از قسمت صرافان بغرض تسهیل محاسبات چنین مجوز کردند برای آنها اینکه پول فلزی خود را در بانک میسپارند اعتبار نامه که آنرا اخیراً نوت نامیدند داده بشد بجهت اینکه این اعتبار نامه یا نوت دلیل وعده اداء پول به صاحب پول بود متفاوتاً این مذکوره ظاهر شد که صاحب پول اگر بکسی پول بدهد باید بدون اعتراض در بانک باصول سهلتری بر دارد یعنی اگر بکسی پول بدهد بتواند بموجب حواله صاحب پول بانک والا ، بصاحب حواله پول بدهد .

بالاخره ، درصورت پرداخت و حواله جات بلا اصول اختلافات زیادی تولید گردید یعنی بانک میتوانست که نوت را اجرا نماید زیرا در بانک پول فلزی موجود نبوده و نوت را بر عدم فلز در امور معامله هیچ تأثیری نداشت علاوه بر این صاحب پول در حین مبادله مشکلات و تفاوت قیمتهای بین فلز طلا و نقره دچار شده نبود است که چه نوع فلز در بانک دارد و از چه نوع فلز را قرار نوت و یا اعتبار نامه حصول کرده و مخرج رسانیده است وجه اندازه و از چه نوع پول را حواله کرده میتواند .

انتقال و تجدید عمل

چونکه بنوت بانک و اعتبار آن به پول فلزی و تسهیلات که در امور عمومیه پیش کرده بود مردم عادت گرفته بودند از این رو مردم این دو واسطهٔ قوه مبادله را یعنی پول و نوت را تحت العمل داشتند خصوصاً اصول نوت را خیلی طرفدار بودند و این مورد خیلی اهمیت میدادند زیرا یك سهم بیشتری با کمال آسانی و بدون خطر انتقال داده و محافظه کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 747 of 896

میتوانستند باری امانت کاری و تصفیه
محاسبات بانکی صرافان نیز
طرف اعتماد و جلب افکار عمومی را
باعث و این بود که اعتماد نموده بود
لهذا تجدید، مصلحی و انتقال ثانی در
امور بانک در مورد بر داشت پول از
مالک اعتبار به مدون عمل آمد مگر
نباید فراموش کرد که این انتقال و تجدید
عمل طبعاً اصلاح جدی نمیشد تا رقابت
فلزی را بدست اندازد یعنی پول فلز مسکو
کاتی در بانک موجود نبودی، موجودیت
فلز را چنین نجوار کردند.

ایجاد نوت بانک

اگر بتاریخ گذشته نوت دقت شود
یعنی از آغاز که بانکها مذکوره نوت
ایجاد کردند علی الظاهر بانکها جسارت
کرده اند یعنی بالاتر از جمع پول فلزی
که در صندوق های خودشان داشتند نوت
را انتشار دادند هر قدری که سهم بزرگ
پول فلزی میبود صاحب پول می بود
داشتند.

بانکها در این عمل دو عذر داشتند:

۱ ـ اولش این بود تا وقتیکه پول فلز
مردمشان نمیشد نوت را چاپ نمیکردند
مگر چون در چنین موا خذه یعنی طلب
کاران که پیش از وقت از پوره شدن
تاریخ تعهدنامه و یا سر تاریخ عهد نامه
پول فلزی را حصول میکردند ازین رو
نوت مدت دیگری باقی می ماند البته
بانک نظر بحفظ اعتبار نوت پول مقدار
نوت را حتماً بلاز تدارک میدیدند.

۲ ـ دلیل دویمش این بود بانکها برای
اینکه اعتبار دایمی شان برقرار ماند و
تمام مردم پول خود را بموجب سند خود
شان دفعتاً نخواهند از آن جسارت می
نمودند.

بالنتیجه جسارت آنها نتیجه این بود
که پول فلزی را بدست آوردند و پول
کاغذی را متداول سازند.

تاریخ نوت بانک از وقتیکه ایجاد شد
آهسته آهسته طرف اطمینان واقع شده
و در عادت اهل ثروت دنیای تمدن
حاضره در آمده جریانش قایم تر گشت
معهذا بخوبی باید ملتفت بود که پول
کاغذی هرگز بدون پول فلزی اعتبار
نداشته و نه اعتبار خواهد داشت بدون
که اعتبارش توأماً قایم میماند.

اسمش را دیگر چیزی اعتبار نمیدهد
بجز از پول فلزی بیش قیمت. مثلاً بتفاوت
یکصد فرانك اعتبارش در حقیقت بمقصد
گرام نقره و یا ۳۲۴ گرام طلا از ده (۹)
زر خالص است.

لحن رو حسابات نقره با به تجارب
کرده و قبول توانسته است که یك پارچه
کاغذ را برای انجاد مسکوکاتی یك
مملکت ممکن نماید.

(باقیدارد)

تصحیح

شماره ۳۸ ، ۳۹ صفحه ۶ سطر ۱۹
غلط : پراشانتا ... صحیح : مذکور را
به بر دارد.

خبر های خارجی

چین و ژاپون

رویتر

زخمی شدن دونفر انگلیسی

شانگهای ۱۷ فروری ـ دونفر عسکر
بحری برطانیا که در دریای (وانگ پو)
لنگر گاه کشتی را محافظت می نمودند
ویك عده از چینی ها که بر کشتی انگلیسی
موسوم به (سوی وو) سوار بودند
درحالیکه کشتی مذکور در برابر
لنگر گاه ایستاده بودند، در اثر اقدامات
چینی ها در مسکوله بین المللی زخم
برداشتند. تمام شب جاپانی ها بمباردمان
شدیدی می نمودند و چینی ها جواب خفیف
میدادند.

وضعیت شانگهای

شانگهای ۱۸ فروری ـ پولیس ها
اطلاع میدهند در روز سه شنبه ۴۵ بم
در مسکوله بین المللی افتاد و ۵ نفر دو
از آن مقتول و ۱۴ نفر زخمی شده اند
ودر شانگهای زیاده از صد طیاره جنگی
جاپان اجتماع نموده است.

نزدیک ترین حمله هوائی که بعد از
جنگ عمومی اخیر آن دیده نشده باشد
واقع خواهد گردید.

جلب توجه

واشنگتن : ـ دوایر اداره حکومتی
توجه سفیر کبیر جاپان را به اشکالاتی
که در صورت رسیدن خساره به مرسلات

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 748 of 896

واموال ساکنین مسکونه بین المللی درعین مجادله شنگهای پروز تهاجم جلب نموده است .

التی ماتوم جاپان

توکیو – حکومت جاپان به قوماندان اردوی ۱۹ چین التی ماتوم داده است که هرگاه چینی ها بفاصله ۲۰ میل از مسکونه بطرف شمال مغرب عقب نروند جاپانی ها مجبور خواهند شد که آنها بزور اخراج نمایند .

امید

شانگهای – یگانه نقطهٔ امید اینست که جانبین توجه خودرا بطرف مسالمت شریفانه مبذول نموده اند . و گمان میرود که امروز نماینده گان جانبین باهم ملاقات خواهند کرد وحمله جاپانی برای یک هفته معطل خواهد شد .

* * *

التی ماتوم فوق جاپان تقاضا می کند که اردو چین بفاصله ۱۲ میل از شانگهای دور شوند وغالباً چنین اعتقاد میرود که وقت مقرره هم ۱۲ ساعت مقرر شده .

چینی ها مطالبات جاپان راقبول نمیکند

شانگهای ۱۹ فروری – مذاکرات صلح چین وژاپون به سکته دوچار گردیده است ؛ چه جنرال چینی مطالبات مهم عسکری جاپان را منظور نکرده است چینی ها جاپانی ها را بمقاومت شدید تهدید می نماید وقبلاً یکهزار میل راه دراین خطوط امن خندق ها حفر نموده اند .

صلح ممکن نیست

توکیو – راپوری که از شانگهای میرسد امید مصالحت ماموناته چین وژاپون را برهم میزند . راپورت مذکور اشعار میدارد که قونسل جاپانی قوماندان اردوی ۱۹ راجهت رسانیدن التی ماتوم ملاقات نموده . مگر چونکه هنوز هم امید صلح میرفت محض ازو دور کردن عسکرش را از تماس با مسکونه بین المللی خواهش نموده .

۲۰ فروری – چین التی ماتوم جاپان را رد نموده وامروز تعرض بزرگ جاپان شروع می شود . دانسته شده است که مرکز مفاهمات راجع به فیصله مسالمانه مناقشات چین وژاپون از شرق اقصی به لندن نقل شده است ودرانجا کابینه کاملاً متوجه است نظریات مخالفانه را تسکین کند . وحرت النفس هردو طرف متخالف را حفظ نموده مصئونیت فرقه بین المللی را که درشانگهای ساکنند تامین نماید . کابینه درلندن اجتماع نموده است وآماده اند درصورت ناکام ماندن مذاکرات فیصله مهمی بمانند .

باز مجمع ملل

مجمع ملل فیصله کرده است که بتاریخ ۳ مارچ جلسه مخصوصهٔ مجلس را عقد نماید . پس از فیصله درباره عقد نمودن مجلس مسائل مهم دقائق اخرین جهت جلوگیری از محاربه شانگهای ، درین یک وضعیت کشیده ٔ درحالیکه عقرب ساعت ثانیه به ثانیه بطرف ساعت مقرره خطر ناک حرکت می کند اجری گردید . نماینده گان هریک یکی بعد دیگر از نماینده جاپان خواهش نمودند که به حکومت خود تلگراف بکشد که بروقت مقرره التی ماتوم خود بیفزاید ونماینده گی جاپان موافقت نموده .

جاپان عسکر میفرستد

توکیو وزیر حرب بیان داشت که درصورت لازمه به شانگهای قوت الظهر فرستاده خواهد شد . وعلاوتاً گفت اگر این خبرکه ۹۰ هزار عسکر چینی آماده مقابله باما باشد صحیح باشد ، ما نیز موافق بآن عسکر کافی میفرستیم .

شروع محاربه

شانگهای ۲۰ فروری – تعرض جاپان بساعت ۸ ونیم امروز باغرش غول مهیب توپ خانه درخطهٔ جاپانی شروع گردید دو طیاره بم انداز جاپانی بطرف جاپای پرواز نموده ، وبکرم نمودن انجن های طیارات دیگر مصروف اند . از طرف چینی ها هیچ جواب داده نشده است و دران موضوع جنرال (اویدا) امروز درعین ملاقات بانماینده ٔ رویتر درمرکز خود گفت : نیم ساعت دیگر نیز بایشان وقت داده ایم .

مقاومت چینی ها

شانگهای ۲۱ فروری – دیروز در اولین محاربهٔ بزرگ شانگهای چینی ها

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 749 of 896

باحملات بری و بحری و هوائی جاپان مقاومت شدیدی نمودند . جاپانی ها به طیارات و تانگ ها و پیاده و توپ خانه بمدد آتش کشتی های محرب آهسته آهسته از محاذ حرب بطرف شمال جاپان حرکت نموده بر دوسونگ حمله بردند . برودی از قریه دوسونگ شعله های آتش بر آمد ولی باوجود بمباردی که یك روز کامل دوام نمود هنوزهم بیرق چینی بردوسونگ بر افراشته بود .

درمابعد قرار راپورت واصله قوای جاپان موقع عسکری کیانگ وان و خط آهن را تصرف نمودند . درعین زمان چند بم های چینی در مسکوکه بین الملل افتاد مگر از اشخاص خارجی به کسی نقصان نرسانید عساکر جاپانی بالاخره به مقصودی که از محاربه خود داشتند موفق آمده از خط آهن شانگهای ـ دوسونگ عبور نمودند و تعرض شان پیش میرود .

* * *

پیغام ما بعد مشعر است که بعد ازسکوت محاربه در وقت شب؛ توپ های ثقیل جاپانی در ساعات اولین روز باز به بمبارد شروع نمودند و از طرف چینی ها جواب خفیفی داده شد . تلفات جاپانی ها در محاربه اول از روی بیان رسمی ٤ نفر مقتول و عده زیاد زخمی ها باشند. دیروز تمام روز آمدن پناه گزینان خوف زده به تعداد های زیاد در مسکوکه بین الملل

خبرهاي داخلي

وارسی ایتام :

قرار اطلاعات واصله به اداره ما هفته گذشته والا حضرت صدارت پناهی بعد از ملاحظه شفاخانه و مکتب طبیه واقعه قلعه باقرخان نسبت بعطوفت و احساسات ملت پروری شان بمعاینه دارالایتام نادری رفته و از یتیم خانه و پسران بی پدر وارسی و خبرگیرانی نمودند .

ضمناً به نسبت امور حیاتیه پسران موصوف از قبیل جای مناسب و معاش و لوازم تعلیم و تربیه آنها یاد داشت های گرفتند که آینده بهتر از گذشته حیثیات و رفاهیت آنان تحت تامین گرفته شود .

تقرر :

عالیقدر علیجان خان معاون کوچی تنظر محمد خان صادقه ساق او غان از طرف حکومت بحاکمی طوایف کوچی مقرر گردیدند .

خبرهای خارجه .

رئیس جمهور فرانسه جای خودرا به پانلوه گذاشت

پاریس ۱۹ فبروری ـ رئیس جمهور فرانسه ریاست جمهور را به پانلوه رئیس سابق تقدیم نموده است و پانلوه کاملا مصروف وتحقیقات دراطراف امکان عسقد یك حکومت می باشد .

اخبار ولایات

هرات

اعانه بشفاخانه

قرار مندرجات شماره دوم سال دهم جریده اتفاق اسلام دروقت تازه گی ها حسب تشویقات آقای نائب سالار و کوشش امام الدین خان دکتور در بلدیه هرات مجلس ملی منعقد شده. وافراد باحسی همدردانه حاضرشده اند که علاوه مصارفات ادویه که از طرف دولت منظور است یکمبلغی همدردانه برای شفاخانه عمومی آنجا بطور اعانه جمع آوری کنند .

از آن جمله مبلغ شش هزار روپیه هیئت تجار محترم آنجا وبیکمزار افغانی آقای نائب سالار وبیکمزار افغانی مدیر کمرك وسه صد افغانی محمد صدیق خان تیموری پرداخته اند وممکن است دیگر آتاگان هم به پیروی آنها همین طور مبالغی برای منافع عامه بذل فرمایند .

جریده انیس این احساسات نوع خواهی برادران هراتی را فال دانسته امید وار است از تمامی نقاط وطن عزیز امثال این همدردیهارا که یگانه ذرایع تشید مبانی ملیت ونوع پرستی است بشنود وبه بپنید .

قندهار

ترمیم آثار تاریخی

طوریکه جریده شریفه طلوع افغان قندهار می نویسد : در مجلس سالانه

بادیه ، وکلای محترم شهر قندهار تصویب نموده اند که گنبذ مقبره اعلیحضرت احمد شاه بابای بزرگ که یکی از آثار تاریخی است وهم بر شال مقبره حضرت مرحوم حاجی میرویس خان هوتک قاید ملی ومحرک اولین آبادی افغان واقع ده قریه کوکران ، از طرف ریاست بادیه ترمیم کرده شود ، اکنون ترمیم مقبره احمدشاه بابا تمام یافته ومقبره جناب مرحوم حاجی ویس خان تحت ترمیم است .

قطغن

تاسیس مکاتب ساده گی

اتحاد خان آباد می نویسد که از توجهات جناب وکیل نائب الحکومه و ایشان سید اکبرخان محتسب باشی در حضرت امام (۴۵) مکتب خانگی دایر گردیده است . وتعداد محصلین را بالغ به ۱۳۰۰ نفر نشان میدهد .

کثرت باران وبرف

در خان آباد اگرچه از ابتدای ماه رمضان بارانهای معتدل وبرف متوالی جاری بود ، اما از تاریخ ۱۸ ماه مذکور باران شدت نموده وتا ۲۰ آن ارش سیاه و بعد از آن ۲ شبانه روز تر و برف باریدن گرفت و به بعضی ابنیه های ملی صدمه رسیده . از روی آله (ریزنگاج) برف را ۲۷ انچ تخمین کرده اند .

چرب تر

آقای پر اشتهائی آدم کم خرجی را بطمع لقمه های چرب و شیرین فریب داده اورا مانند یک نوکر مطیع کار میگرفت و وقتی از آن دانی اورا با خود بخانه های دوست و آشنا همراه میبرد ، اولین روز بخانه یکی از رفقای خود رفته و اظهار کرد که خود ویش عذر خواست که غذای بجز ... موجود نیست مهمان طماع گفت اگر دیگر غذا موجود نباشد فعلاً چند دانه تخمی یا ورید ... صاحبخانه از خوردن روغن تکرار معذرت خود مهمان دلتنگ شده گفت نی زور آور ناریخ

مشرقی

ورود شهزاده بجلال آباد :

والا حضرت شهزاده محمد طاهر خان روز ... اول حوت مع الخیر وارد جلال آباد گردیده داخل وطن خود در تعلیم گاه بیاد شدند .

ما و شما چندان دور و دراز نیست : بالدیمان یاران ما و شما باشند .

تخم ها را با قدری آب بیاورید همین جا خود ما جوش نانده و تناول میکنیم بالاخره صاحبخانه بخواهشات مهمان تا خواست را تعیین کرد آقای مهمان پس از پف و پف بسیار و عرق ریزی بی شمار که خاکسترها را بهوا کرده و دو سه جای لحاف منقل را سوختانده وملوث نموده تخم ها را جوشاند و با اشتهای تمامی با عید کاسه آب جوش و نمکدان را باد ستر خوان جلو آورش کشانده و گرفت بخورد که ملا نوبت نوست آدم کم خرج خوان را جلو خود کش داده و آنچه از ارباب باقی مانده بود بین آب تخم ازات ساخت ومرچ نمکی هم سریش کرده تا دم آخر زد .

آقا بایک تبسم دندان نمائی بطرف نوکر دید و گفت : چطور ! مزه کرد !

بچه اگر همراه من باشی این چرب تر هارا خواهی خورد !!!

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 751 of 896

(شماره ٤١)

مجلد ٥

انیس

اشتراک سالانه ١٢ افغانی
محصول پوست ٢ »
خارجه ٢٠ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر ونگارنده :

٢ شنبه ١٧ حوت ١٣١٠ — تأسیس ١٣٠٦ — ٢٩ شوال ١٣٥٠

چرا قیمتی شده ومیشود

موضوع مشابه بحث های مجالس امروزی همین است که چرا قیمتی شده و میشود ؟

هر شخص از قیمتی اشیا از تنزل سکه افغانی و از پریشانی اوضاع اقتصادی شکایت دار است .

حالا اینکه جامعه ما جنبش شدیدی نموده داده صاحب روح سعی وعمل بوده و مستعد همه گونه مجاهدت و فداکاری در راه استفاده هستند .

چنانچه احصائیه اقتصادی ملک ما از ده سال باین طرف پنج دوره ارتقا نموده است یعنی زراعت ما خیلی ترقی کرده ، فلاحت ما وسعت پیدا کرده ، اراضی زیادی تعمیم شده قیمت و اهمیت زراعت افزوده شده ملاکین وفلاحین بکمال گرم جوشی با همان آلات و ادوات قرون اولی به زراعت و فلاحت ترقی داده اند ، بنسبت سالهای گذشته محصولات زراعت بر چند شده بالخاصه در عصر نادری .

همکذا صناعت ما ترقی کرده محصولات مصنوعات داخلی ما احتیاجات ملت ما را فی صد سی تهیه میکند . حرفت و پیشه زیاد شده ذیل الاعده بیکاران و تنبلان دیروز امروز متکی بحرفت وپیشه شده اند .

سرمایه های ملت افغانی وسرمایه های اتباع خارجی در مملکت ما زیاد شده ، روح رقابت در سرمایه ها پیدا گردیده است سرمایه های دولتی بمعرض استفاده عامه بنام عمرانات گذاشته شده و نتیجه فوائد عامه کار میکند .

پس شکایت چرا است ؟ دلیل قیمتی از بهر چیست ؟ آیا قیمتی دلیل ارتقا نیست ؟ آیا قیمتی نهضت تمدن نیست ؟ آیا قیمتی محد روح فعالیت نیست ؟ آیا قیمتی نشانهٔ اتکاء بعمل نیست ؟ آیا قیمتی افراد را درطریق استقلال عمل سوق نمیکند ؟

آری درقیمتی اشیا تمام روحیات وحسیات ارتقائی را میتوان جست .

بلی درقیمتی اسرار مرموزه موجود است که دلیل واضح آن ارتقای کنونی نژاد سفید (اروپ وبعضی ممالک شرقی) است .

مگر در آن قیمتی و باان قیمتی اسراری موجود میباشد .

آن قیمتی را سیر تدریجی تکاملی گویند واین قیمتی را سیر تسریعی تناقصی خوانند . بزرگان علمای اقتصادی برای سیر تدریجی قیمت لابك اندازه خوش بین هستند اگر چه از قیمتی فاحش تدریجی امروزی اروپا شاکی ومعتقد هستند . چه جائیکه مائی به بلای قیمت تسریعی تناقصی مثلا بود مبتلا گردیده بلای مرموز قیمت تسریعی تناقصی گرفتاریم . فی لوقع بلا رهبر اقتصادی این وادی اضطرار و اضطراب ما تو آن بدر شد .

آیا علت اقلال قیمت تسریعی تناقصی مان چیست ؟

آیا علت آنرا در واردات وصادرات مملکتی می یابیم ؟

آیا احصائیه واردات به نسبت صادرات بلند شده واین امر باعث تنزل سکه شده است ؟

فرضاً باشد . آیا احصائیه واردات حالیه ما با احصائیه واردات چند سال قبل از اعلیحضرت امیرشهید اگر مقایسه شود سهم تضاعف واردات مذکور بصورت تدریجی خواهد بود ؟

آیا میزان صادرات ما همچنین درحالت عروج تدریجی است ویا نزول قهقری ؟

آیا تفاوت فاحش واردات نظر بضرورت ومنفعت است ؟

آیا به تحقیق رسیده، که ایجاد هیجان مسکوکی ماراتنها تفاوت واردات وصادرات فراهم کرده است ؟

آیا سیاست مسکوکی دنیا سیاست بانکی دنیا ؛ هیجان مغازه های فلز پش قیمت دنیا در حیات اقتصادی و اجتماعی مان از بخش نیست ؟

آیا سرمایه های داخلی و خارجی مان برای منفعت ثروت ملی و بغرض تـزئید وتولید ثروت حقیقی مملکت افغانیه کار میکنند ؟

آیا قوانین گمرکات ما باساس احصائیه ملی تدوین شده و مورث قیمتی اشیای محتاج الیه نبوده، بالی سیاست ترقی ثروت ملت است ؟

آیا سیاست مهم اقتصادی یعنی معاش مامورین و مصارف افزوده شدن و باز برای جبران معاشات و مصارفات بودجه مملکتی نقره خریدن و سکه زدن و فوق الحد در ین مملکت تداول کردن در مملکت موثر واقع شده استفاده اقتصادی و روحی برده توانسته ایم ؟

آیا خرید نقره باین صورت و بلا استشاره رهبر اقتصادی مسکوک کردن بلا سیاست بانك توسط بانك به تداول داخل افزودن و یا صرافان موجوده بلا موافقه بانکی روابط تداولی را با خارجه داشتن منفعت مند است ؟

آیا با این حالت بی اطلاعی از سیاست اقتصادی وندانشتن رهبر اقتصادی اصول آزادی سرمایه های خورد وریزه کشور ما ، مثل فوائد کثیره تجارت آزاد را میتوان حاصل نمود . واز معاهده تجارتی دولتین علیتین افغانستان وبریطانیای عظمی استفاده کرده میشود ؟

آیا یك ملت میتواند که در دنیای سیاست رقابت دول و در عرصه گاه مجادله ومجاهده ملل بلا رهبران اقتصادی حیات بسر برد ؟

خیر ! هیچ فردی وملتی نمیتواند که بلا تعاون بزرگان علمای اقتصادی در دنیای اقتصاد زنده گانی کند . هیچ یك از دولی حتی دول معظمه امروزی دنیا با وجودیکه دارای کومیسون فنی اقتصادی مجلس اعیان ، کومیسون انجمن اقتصادی وزارت و کومیسون عالی حافظ اقتصاد ملی وغیره هیئت های متتبعه ومتفننه اقتصادی کثیر التعداد میباشند معذلك به استمداد هیئت علمیه اقتصادی مملکت دیگری محتاج بوده ، ومعاونت فنی بزرگان فن اقتصاد را در تدوین احصائیه ملی ومملکتی ملتمس میشوند چنانچه کومیسون یونگ متخصص امریکا تاور یورپ نیامده کشتی اقتصاد بحران اوروپا از تنگنای تهلکه خارج شده نتوانست . آری انقلابات مهمه دنیا همیشه دارای اقتصاد و یا ترقی فکر بشر مراحل راطی نموده است . در عصر حاضر اثبات حیات وممات ملل به که اقتصاد منوط است . امروز هیچ ملتی نمیتواند که کشتی سعادت اقتصاد را بدون ملاح قایدی از انحصار مثلا علم رقابت بساحل نجات قریب کند .

بالخاصه ملت افغانستان نمیتواند که بجز از امداد هیئت فنی اقتصادی علت العلل بحران اقتصادی وپریشانی اقتصادی خودش را در اصول تجارت در مسکوکات و گمرکات خودش جستجو کند واصلاح نماید . بدیهی است تا هیئت متخصصین باشند بکشودن عقده های مشکل سوالات لا ینحل فوق را فائق شدن محال است .

اگر اولیای امور اقتصادیه دنی جلب کومیسون فنی یك دولتی هرچه زود تر مبادرت نفرماید بدیهی است که ملت و دولت روز بروز بمشکلات بزرگ اقتصادی دچار شده خواهد رفت .

(رهمان المنان)

ترجمه از « برلز تاگبلت »

پاریس مسکو

سلسله معاهدات جدید بیطرفی

و عدم تعرض

اگر روسیه در کانفرانس ترك تسلیحات سلسله جدید معاهداتی را که در شرف انعقاد است ، به حیث یك سلاح قوی برای اثبات نظریه خود ومدافعه از آن استعمال نماید ، نه یك امر سطحی ، بلکه اقدام منطقی وصحیحی خواهد بود .

الیان که سیاست خلع سلاح آن در نقاط

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 753 of 896

مهم با سیاست خلع سلاح شوروی در یك خط روان است ، و از این مسئله البته خورسند خواهد شد .

بذریعه این قرار دادهای جدید که برای یك عده بزرگ دول ـ روسیه ، فرانسه ، لهستان ، استلاند ، فنلند ، لاتویا ـ علاوه بر تأمینات معنوی معاهدات کلگ ولیتوینوف تعهدات نوی را برای تأمین صلح تشدید می نماید ، یك اندازه وسیعتری از تسلیحات موجوده تقلیل می شود .

روسیه در ژنو با این براهین مبارزه خواهد کرد . اما کامیاب شدن آن مشکوک است . زیرا اگر چه این مثبت است که دو حد پیش نهاد انعقاد معاهدات بیطرفی و عدم تعرض که پیش از پنج سال از طرف ماسکو به همه حکومات کرده شده بود ، خواهش پیش برد مذکورات ترك تسلیحاتی بود ، باز هم اسباب محرکی که در ماه اگست سال گذشته (۱۹۳۱) سبب امضای معاهده بین پاریس و مسکو ، و به تعقیب آن باعث مذاکرات دیگری شده ، کاملاً رنگ دیگری داشت و تا یك اندازه از طرف فرانسه بود .

لهذا انعقاد این معاهدات از راه دیگری نیز دارای اهمیت میباشد ، وطبعاً حصه اساسی این سلسله معاهدات را قرار داد بین دولت سوویت وفرانسه تشکیل می کند .

روسیه خواهش انعقاد این معاهده را به حیث یکی از تأمینات قوی بمقابل خطر مداخله ، که بنابر نظریه ماسکو از طرف دول غربی وجود دارد ، داشت ، برای فهم شدت این آرزوی تأمینات ، فرانسه را لازم است که آن حمله تندی را به خاطر بیاورد که درین موضوع در محاکمات معروف مضرین اقتصادی در ماسکو خصوصاً بر خلاف دولت فوق الذکر شده بود . پاریس از دو سبب خونسردی نشان داده ، اولاً اینکه سوء ظن حصه های بزرگ اهالی فرانسه نسبت به مملکت سوویت که هنوز که در پی یازده میلیارد فرنک بزار روس قرض داده شده بود ماتم میکردند ، یك مانع معنوی بود . ثانیاً حکومت فرانسه انعقاد این طور یك معاهده را مشروط به همین قسم قرار داد بین ماسکو و وارشو ساخته بود .

شاید اتحاد شوروی خصوصاً در اوقات اخیر این راهم در نظر داشت که برای اجرای دوره دوم نقشه پنج ساله خود ، فرانسه ، یعنی این قوزیزه گک طلا را ، به دادن قروض اعتباری مایل بسازد . این یك عیبی است که اهمیت آن کمتر از خواهش آن مصئونیت نیست که حکومت روسیه برای ترقی وتکمیل روسیه کمونستی بدون خطر مداخلات مانند زمان دیگر لازم میداند . بنا براین کرملن (روسیه) نه تنها اصولاً در مسئله قروض زار خود را حاضر مراعات نشان داده ، بلکه از یك معاهده پرداخت قروض مطابق به نمونه های معروف برای ۶۲ سال هم سخن رانده شده .

اما باعث میل فرانسوی ها ، که تقریباً پیش از یك سال وسه ماه شروع شد ، نه این تحریکات تشویق ده بلکه قناعت از استحکام دولت سوویت بود که روز بروز در تزائد است . ودانستند که اقلاً برای یك زمان طولانی ، مجبورند ، این دولت (روسیه) را به حیث یك جز و مهم درجه اول سیاست بین الملل حساب کنند .

ومطابق این ، شروع به تبدیل وضعیت کردند . علاوه برین دیگر خواهشاتی هم بود که از امکانات تجارت با دولت سوویت استفاده کنند . چه پیش از اینکه تعقیب سیاست گمرکی وقتی در انگلستان به اقتصاد فرانسه ضربه سختی وارد کند حکومت پاریس از تنزل موازنه تجارتی فرانسه مشوش بود ، بنابر اشکالاتی که هم برای انگلستان وهم برای المان در تأمین مالی تجارت با اتحاد شوروی رخ داده ومید هد یك موقع مساعد برای حصول یك زمینه بود در روسیه برای صادرات فرانسه رسیده . صنایع فرانسه از پرتو ثمرات معاهده ورسای تکامل حاصل کرده است وفرانسه را مقتدر می سازد که نه تنها تجارت اشیای تجمل زنانه والبسهای پاریسی وشیمپانی بلکه تجارت آن اموالی که روسیه بان جداً محتاج است ، نیز بنماید .

در اثر این همه ملاحظات جانبین (روسیه

وفرانسه) ، در اخیر ماه اگست سال ۱۹۳۱ یك قرار داد موقتی امضاء شد ، مشروط براین که پیش از امضای قطعی آن ، ماسکو با وارشو (لهستان) موافقت نماید .

واز قراریکه از زبان ستالین ومولوتوف ودیگر منابع موثوقه شنیده میشود ، این موافقت هم نزدیك است (بین حکومت شوروی و حکومت لهستان درین نزدیکیها موافقت حاصل و معاهده امضاء گردید : مترجم .)

اما این هم معلوم است که موافقت مذکور ازین سبب حاصل خواهد شد که لهستان در زیر فشار از طرف پاریس از بسیاری خواهشات خود منصرف گردد .

معاهدهٔ که ماسکو با پاریس عقد نموده و هم چنان معاهدهٔ که با وارشو امضا خواهد نمود ، در نقاط مهم مطابق به معاهدهٔ برلین ۱۹۲۶ است که پیش از چند ماه تجدید گردید . در این معاهدات یك مشابهت و مطابقتی ظاهر می شود که همهٔ این قرار داد ها را از حیث اعضای یك سیستم یگانه سیاست صلح جویانه روسیه سویت معرفی میکند . خواهشاتی که لهستان ازان صرف نظر نموده ؛ از قرار ذیل است : ــ

لهستان موفق نشد که روسیه علاوه بر تعهد مطابق در موقع تعرض بالای لهستان بدون قصور آن ، سرحدات لهستان را خصوصاً سرحد غربی آنرا بمقابل المان تصدیق کند ، یعنی یك لوکارنو شرقی غیر مستقیم وجود یابد .

حکومت وارشو به این کامیاب نشد که روسیه تصرف ومفاد تصدیق وبعضی قرارات راجع به فیصله هیئت منصفین یا مراجعت به مجمع ملل را قبول کند . علاوه بر این لهستان مجبور بود ، از یك تقاضای منصرف گردد ، که تا حال همیشه از طرف روسیه رد شده ، یعنی اینکه لهستان تنها به اتفاق دولت رومینیا که متحد آن است و دول بالتیکی امضا کرده می تواند .

لتوینوف جداً بمقابل این ادعای لهستان راجع به این طورك دول مهم آن مبارزه کرد . اما این را یك موافقت می توان گفت که باوجود این هم لتوینوف به حکومت لهستان وعده کرده که در عین زمان با رومنیا ، استلند ، فلاند هم عقد معاهدات بی طرفی وعدم تعرض خواهد کرد .

با فنلاند شروع مذاکرات شده با رومنیا که هیچ مناسبات سیاسی با روسیه ندارد ، حالا در شهر ریگا بین وزیر مختار رومنیا و نماینده مختار روس ستومونیاکوف مذاکرات شروع خواهد شد .

این طور معلوم می شود که رومنیا هم در زیر فشار فرانسه کار میکند . چون بنابر وضعیت حاضره اوروپا ، فرانسه بهتر شدن مناسبات خود را با روسیه مهم میداند ؛ ولهذا از احتیاج روسیه به قروض اعتباری استفاده می کند . زیرا ، آن مسئله که در تمام این معامله برای رومنیا از همه مهمتر است ، یعنی تصدیق تصرف بس ارابیا از طرف روسیه ، خارج مذاکرات می ماند . تنها جانبین تعهد می کنند که به حدود یکدیگر تعرض نکنند . شاید ضمناً راه فیصله هیئت منصفین را برای آینده باز بمانند .

اما چنان بنظر می آید که حتی برای شروع مناسبات عادی سیاسی هم امید زیاد نیست .

و طبیعی است که این قسم یك معاهدات بالای شرق اوروپا فقط توجهات بین المللی است . تا اندازهٔ که تا حال دیده میشود ؛ اثران عموماً خوب است . به استثنای پارتی های راست فرانسه ، عموماً عادی شدن مناسبات روسیه را با باقی اوروپا مفید میدانند . و این نظریه هم اظهار میشود که هرقدر معاهدات بی طرفی و عدم تعرض زیاد شود همان قدر فائده برای دنیا میرسد . اما طوریکه گفته شد بسیار مشکوك است که این همه در مسئله ترك تسلیحات یك نتیجه حقیقی بدهد . محسوس میشود که موقعیت بین المللی فرانسه محکمتر شده .

برای المان از همه اولتر این سوال دارای اهمیت است که آیا این برای المان مضر ثابت میشود یا نه . اساساً نظریه ما چنین نیست که هر چیزی که برای فرانسه مفید باشد مجبوراً برای المان مضر ثابت میشود . این خوف مفهوم است که لهستان از سهولات شرقی خود برای فشار قویتر به طرف غرب استفاده خواهد کرد . اما تصور نمیشود ؛ فرانسه این طور یك تکامل را که مجبوراً باعث ازدیاد نا آرامی اوروپا میشود ؛ مطابق منافع خود بداند . و یك حصه بزرگ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 755 of 896

سیاست لهستان در پاریس تعیین میشود ممکن که در لب دریای سن هم از سهولتی که بذریعه این معاهدات در مناسبات فرانسه با متفقین شرقی آن پیش میاید ، خوش شوند . اینکه در از کامیابی سیاست فرانسه حتمی باید مناسبات المان وروسیه خرابتر شود از این مسئله ستالین در توضیحات خودکه در ه رابر تاکبات ، شایع شده ، انکار میکند . همین طور او جداً اطمینان داده که روسیه نه سرحد شرقی لهستان را و نه سیستم ورسای را بذریعه امضای خود تصدیق کرده . برای ما هم تاحال هیچ یک سببی موجود نیست که راجع به کدام و معینی از طرف روسیه شکایت کنیم که برخلاف ماده اول معاهده برلین که از مناسبات ومفاهمه دوستانه راجع به همه مسائل مربوط جانبین ذکر میکند ، رو داده باشد . اگر اصل معاهدات مطابق به آن است که ستالین ، نظریه خود ، گفته برای ما هیچ جای پریشانی نیست . تشکیل موقعیت بین الملل المان حال هم مثل پیش مشروط به مفاهمه مستقیم بین فرانسه والمان است . بخوبی میتوان تصور کرد که بذریعه یك تشکل که فرانسوی ها را از واهمه یك ، اتحاد ، بین المان وروسیه از اد کند این مفاهمه آسانتر شود و نه مشکل تر .

(محمد طاهر)

اصول مسکوکات

هندوستان

- ۳ -

کومیسیون اصول (گولد بولیون ستاندرد) و سیستم (نظام معیار طلای غیر مسکوك) را نیز تفتیش کردند که اساس آن از تداول طلا در داخل مملکت اجتناب کردن و اصول معاوضه را در خارج مملکت اجرا نمودن است .

حرکت معاوضه در عمل چنین است که برای مدیون خارجه بعوض تسلیم دادن پول سکه شده مقدار بزرگ خشت های طلا را در مقابل تعداد بزرگ تبادلات نوت بانك بانك خارجه تسلیم دادن است .

این اصول بدون قطع محاسبات استقراض و جیاه اعتبار خارجی نوت بانك مملکتی در دیگر مورد اجرا نگردد هکذا این پول در داخله مملکت استعمال نمیشود .

حالا امروز بالاین اصول انگریز و فرانسه حیات میکنند .

چه این اصول نه در وقت رقابت پیش میکند ، نه به مضرت اصول (گولد ستاندرد) دچار میسازد و نه بخطر (گولد اکسچانج) گرفتار مینماید . و نه اسهام خارجیان را راجع به تمویج و تنزل پول و انعکاس آن در اشیا آزاد میگذارد بل درهمه این تامینات را فراهم مینماید .

چونکه کومیسیون بونك منافع آنرا بخوبی درك کرده بود ازین رو در راپورش این اصول را قبول کرد .

بر علاوه به تشکیل بانك مرکزی ایمیسیون بنام بانک (رزیرو بانک آف اندیا) .

(بانک پس انداز احتیاطی)

رای داد تا این بانک به تمام اعمال اهل ثروت ناظر بوده و اعتبار خارجی تجری نوت بانك را ضمانت نماید .

حقیقتاً این اصول بانفع ثابت شده است نه تنها برای حسن جریان وجریم مسکوکاتی بل این اصول ماشین بزرگ اعتبار بوده است .

معذلك در حقیقت از تاسیس بانك مرکزی فائده برای هندی حاصل نمیشود . بل این تاسیس در بر اعظم زراعتی فوق الحد هند قصور وارد نموده است . یعنی در ایجاد اصول مذکور احتیاجات سرمایه را ترقی داده است آری در دنیا هیچ یك موسسات برای کشائش انواع وجوهات بر داختی امکان پذیر نشده که محروم تسهیلات اصولی مخصوصاً لای واز ذاتی زراعتی شده ویا از مجاهدت فوق الحد مسائل اعتبارات اجتناب نموده باشد .

والحاصل رغم جزوئی درتمام عصر ارج از منافع بزرگی تصادم کرده والنسانها استفاده کرده نتوانسته اند .

لذا کومیسیون این اصول را برای پیشرفت اصول صرافی با صورت خوب تائق کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 756 of 896

اصلاحات مسکوکاتی صرافان در مجلس مقننه هند .

حکومت هند مجوزات کومسیون بونک را قبول کرده . آقای سیر بازیل بلاکیت مستشار مالیه هندیس پروژه قانون تصدیق تاسیسات (گولد بولیون ستاندرد) را بنابر رواج یک شلنگ وشش پنس معادل یک روپی با اساس تشکیل (ریزرو بانک آف اندیا) ترتیب کرده . مگر پروژه سیر بازیل بلاکیت بخوبی پذیرفتن آنرا تدبیر نکرد .

این پروژه بانکی ومسکوکاتی وی درمیان هندی‌ها که همیشه تمایش میکنند وبنابر سوء ظن که آنان از پروژه های حسی بریطانیا یافته وآزرده هستند اسباب تولید اختلاف شدید نموده . هندیان خواهش کردند که بعوض بانک مرکزی خصوصی بانک دولتی دائر شود وناظر آن دولت وبانک ویا کومسیون ملی باشند .

نظر بمقاومت هندیان که بادلائل ثابت کرده توانستند سیر بازیل بلاکیت پروژه خودرا که مراد از تاسیس بانک بهمان نام باشد واپس گرفت .

برعلاوه پارتی هندی راجع بتعیین ربع یک شلنگ وشش پنس اختلاف شدید نموده آنها دعوی استحقاق نمودند که بایستی ربع مذکور بروی صناعت انگریزی گذاشته شود زیرا رقابت صناعت انگریزی به نسبت صناعت هندی بلند تراست . هندیان ربع بیش از جانیکه که یک شلنگ وچهار پنس باشد خواهش داشتند .

خلاصه در مجادله زحمت جون اما ساً حکومت فوق تر بود ربع یک شلنگ و چهار پنس در حدود اقلیت واقع شده طوریکه برای استقرار یک شلنگ وشش پنس تهیه گرفته شده بود در بازار عمل تاثیر بخش گردید .

آینده مسکوکات هند

انگلیز مجاهدت اول رفتن میدان شطرنج را عادت ندارد .

انگلیس میداند ومداومت خودش را میزان کرده میتواند وشاید محقق باشد که انگلیس نظر به اختلاف هندیان حق سیات را خواهد داشت وشاید از سعی وعمل باتحمل ورفتار آهسته خودش استفاده خواهد کرد .

اما خیر ! موقعیتش هرگز نمایان نخواهد شد .

اگرچه دولت بهیه بریطانیا دربین ایجاد انتظام بانکی ومسکوکاتی کارتوانسته ومنابع منفعت و استفاده کردن از هندیان را بخوبی می فهمد اما مسئله استقرار روپی حل و فصل نخواهد شد تا زمانیکه هند بپیروی قواعد تطبیقاتی یک خزینه مکفی طلا را که حمایت معاوضات حقیق هند را کرده میتواند دائر ننماید .

در حالت حاضر و درمیان این اصول روپی جز یک فلزی نیست الیه قیمت اصلیه‌اش میتواند بدون موانع بحالش باقی باشد از ارتقای قیمت هیچ یک مشکلاتی درفلز نقره ظاهر نخواهد شد .

اقسام اصول های انتظام مبادلات مانند (گولد ایکسچانج ستاندرد) معاوضه با مسکوک طلا ویا (گولد بولیون ستاندرد) معاوضه با خشت طلا تماماً بغرض جریان و حفاظت خزینه فلز طلا و اسهام است .

واین خزینه برای اینکه پول ملی عملاً به بنیاد طلا بکار شود مبنی شده است بناءً علیه این تشریح کفایت می کند برای کسانیکه کشانش و بسط مید هند ویا مقاوله تداول مسکوکاتی را دقد میتمایند . این تشریح کفایت می کند برای ذواتیکه اعتماد مینمایند ویا کسانیکه مشغول بانک آزاد مرکزی ویا مشغول اقتدار ملی میباشند . این تشریح کفایت میکند برای کسانیکه جنس فلز طلا را متعاقب هستند اما بشرطیکه درمیان حالت شاذ ونادر واقع بوده ویا در کتاب الهجرت طلا خوانده ، درموسم های مختلف طلا زده گی کرده ویا اوقات طولانی را دراین زمینه سپری کرده باشد .

شاید این خزینه به استقراض خارجی متشکل گردد ، ویا شاید این خزینه تدریجاً به سیاست بانکی ویا بروی استعداد تجارت صادراتی دائر شود ویا بروی سیاست مالیاتی مساعدات بی اندازملت تاسیس شود . چه هند قبل از جنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 757 of 896

قسمت علمی :
ترجمه از جرائد خارجی :

ماربزرك بحری

(۲)

حکایه کاپیتان هارینگتون ، سبب تولید مذاکرات ومباحثات بین جمعیت های علما و مجله های علمی ومطبوعات عمومی ، خصوصاً انگلستان گردید · اکثر مردم این حکایه را افسانه وخیالی می پنداشتند ·

قبل از هارینگتون نیز در سال ۱۸٤٦ دیویل یکی از مامورین یك اعتبار بزرگ امریکائی که با هیئت و خلاف مار بحری که در آن وقت یکی از کشتیهای صید نهنگ به نزدیك جزیره تا نوکیت دیده بود · اشتراك نموده مینویسد : حیوان مذکور بسیار زود نمودار گردید · او بسیار شباهت با یك افعی بسیار بزرگی داشت لاکن حصه وسطی بدن او بسیار فراخ وپرهای شناوری او بسیار دراز بود · وقتیکه فیر توپ وتفنگ نموده شد ، حیوان مذکور بوطه خورده غائب گردید ·

۱۳ سپتمبر سال ۱۸٦٦ یکی ازروزنامه های سنگاپور در مقاله که از زورنال یکی از کشتی های بادبانی انگلیسی که از اوستر الیا آمده ، استخراج ونشر نموده بود ، می نویسند : مسافرین کشتی مذکور حکایه میکنند ، که دفعتاً کشتی ما شروع یك حرکت زلزله مانندی نموده ، مثلیکه در تحت از کدام عملیات قوای تحت البحری آمده باشد · کاپیتان کشتی یك مار بسیار بزرگی را دید که با دهن خود دنگل پیشروی کشتی را گرفته حرکت می دهد · سر او ۲۰ فوت از سطح آب بلند بود ودم او از دنباله کشتی دیده میشد :

مار مذکور تقریباً ۳۰۰ فوت (۹۰ میتر) طول داشت ، یال بسیار درازی از موهای سیاه یك شاخ هم بر پوز خود ، چشمهای بسیار بزرگ ودرخشنده داشت ، درازی یك او ٥ فوت بود · بحر به اطراف ما می جوشید و پارچه های شکسته کشتی بهر طرف می پرید · مار مذکور پارچه های کشتی را زیر دندانهای خود خورد کرده می بلعید ومی غرید · بمسافه تقریباً یك میل یك نهنگ عنبر بسیار بزرگی را دیده به مثل برق خود را بجانب او پرتاب نموده ، ودر حین حرکت بطرف نهنگ بادم خود ضربت بسیار سختی بکشتی زده کنار پیشروی کشتی شکست ·

کاپیتان « پادلیا » کشتی انگلیسی ۸ جولائی سال ۱۸۷٦ قریب ساحل های برازیل مار بسیار بزرگی را دید که بر سه نهنگ عنبر حمله آورده ویکی از آنهارا به دهن خود گرفته به آب فرو رفت ·

شام دهم اگست سال ۱۸۸٦ مسافرین جهاز انگلیسی « دن » یك حیوان عجیب الخلقت را که به مار شباهت داشت دیدند شارل دیبار ، یکی ازجمله مسافرین ، توانست مار مذکوررا رسم نماید ، چنانچه رسم حیوان عجیب الخلقت بعد ازآن در روزنامه های انگلیسی نیز ظاهر گردید · رویت مار مذکور چنانچه در روز نامه نشان داده شده است حقیقتاً خیلی مدهش و مخوف است ·

ملاحین نظامی ، کاپیتان مین وده نفر افسر های کشتی « بهار » ۲٤ فروری سال ۱۱۹۸ · یک مسافه بسیار کمی از کشتی دوحیوان را دیدند که ۳۰ متر طول و ۳۰ متر قطر داشتند ، حیوانهای مذکور نه به نهنگ عنبر شباهت داشتند بلکه بسیار مشابه به افعی های افسانه های زمان سابق بودند · راجع به این مسئله راپورت نیز دادند ·

در عصر بیستم حکایه های مار بحری زیاده ترمکرر میشود · در زمان حاضر ، حیوان عجیب الخلقت خرافی ، برخلاف

ودر زدن جنگ از حد افزون ثروت ارتقائی از قبل خزینه طلا واسباب داشت · اما شایان تاسف است که از همان حالت شاذ ونادر خود استفاده کرده نتوانستند وبنا بر تشکیل رجیم صحیح مسکوکات خود وبنا بر تعمیم اساس مالی خود بصورت مبسوط تری آهسته آهسته مسکوکات لیره را ازاله کرده نتوانست ·

خلاصه درجریان سال بعد از جنگ در زمینه پس اندازی خیلی مشکلات عیان خواهد شد · انتهی

(روح جوان افغان)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 758 of 896

هیرو ها واشخاص خرافی دیگر ، حقیقت پیدا کرده میرود ، آیا ممکن است حالا نیز تصدیق نه نمود .

« لی اوست » کاندیر جهاز جنگی « دیسیدی » از (دسته جهازات جنگی شرق اقصی فرانسه) در سال ۱۹۰۴ راپورت رسمی راجع به مار بحری برای رئیس خود فرستاد . در راپورت خود میگوید : « که ۲۵ فروری در بندر آلونك باحیوان عجیب الخلقی متصادف آمده است که شباهت زیادی به مار بحری که در سال های ۱۸۹۷ و ۱۸۹۸ در همین حدود دیده شده بود ، داشت . حیوان مذکور بدن خود را از آب یك صورت وجاهی بلند می نمود ؛ طول او تقریباً ۳۰ متر وقطر آن ۴ یا ۵ متر بود . او را از مسافهٔ ۱۵۰ متر دیده اند . او هیچ شباهتی به ماهی یونس نداشت . رنهٔ او رنك قله های کوه های ساحلی و یا سنك پشت را داشت ؛ پوست سیاه با داغهای زرد از فلس پوشیده شده . سر بسیار بزرگ تقریباً ۸۰ سانتیم متر از حیوان مذکور در زمان نفس کشیدن دو فواره آب بلند می شد . حیوان عجیب الخلقت مذکور بسرعت ۸ میل بحری در یك ساعت حرکت میشود وبحر باطراف او به بسیار شدت موج میزد .

کشتی « وال هالا » در سال ۱۹۰۵ در سواحل برازیل یك مار بحری که قریب ۷۰ فوت طول داشت ملاقی گردید هوا صاف وآرام بود ، مار مذکور به بسیار خوبی دیده میشد . بعد از برگشتن کشتی مذکور به انگلستان ، حکایهٔ حیوان عجیب الخلقت باتصویر او دریکی از روز نامه های لندن نشر گردید .

خصوصاً حکایهٔ مار بحری ، که در زمان جنك عمومی یعنی در سال ۱۹۱۷ از طرف « هیلاری » کرو وازور انگلیسی بقریب سواحل ایسلاند دیده شده بود ، شایان دقت است . این واضح است که اهالیان کرو وازور مذکور زیاده تر بفکر تحت البحرهای جرمنی بودند . نسبت به مار بحری با وجود این یك صباحی بمسافه قریبی از کشتی عوض پیسکوب « دوربین تحت البحری » مار بحری ظاهر گردید سر مار مذکور که بزرگتر از سر گاو بود بخوبی دیده میشد ، درازی گردن او قریب ۲۰ فوت ، پرشا وری دم او که به مثل نهنگ بود ، بسیار دور از بین آب معلوم میشد . این راپورت ، اطلاعات سابق راجع به مار های بزرگ بحری را بیاد میدهد . کپتان جهاز مذکور که کثر علاقه به علم الحیوانات داشت ، امر نمود تا حیوان مذکور را با توپ بزنند یکی از گلوله ها بهدف راست آمده ، و حیوان مذکور پیچ وتاب سختی خورده بعد ازآن خود را جمع نموده به آب فرو رفت . همان روز کرو وازور « هیلاری » از طرف تحت البحری دشمن غرق گردید لاکن عمله کشتی مذکور نجات ، وقصه مار بحری در راپورت رسمی کپتان کشتی اشاعه یافت .

در سالهای اخیر افسانهٔ مار بزرگ بحری زیاده تر مکرر میشود . مار مذکور را در سالهای ۱۹۲۰ ، ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ در بحر اتلانتیك ، در خط استوا و در سواحل انگلستان دیده اند . حتی چندی قبل حیوان عجیب الخلقت مذکور در دهانه نهر مسی سیپی دیده شده است .

در قصه های راجع به مار بحری بی شك چیز های مجازی (خیالی) و مبالغه های زیادی موجود است . لاکن این هم مشکل است که تمام این قصه ها را افتراء و مبالغه تصور نمائیم . تقریباً هیچ سالی نمیگذرد ، که بحر پیمایانیکه از مسافرت اقسام بحر ها مراجعت می نمایند قصهٔ راجع به مار بحری که دیده اند ، ننمایند گاهی راجع به ماری حکایت میکنند که دو دفعه بگرد ماهی یونس پیچیده بود گاهی ماری را دیده اند که سر خود را که قریب ۲۰ متر طول داشت از آب کشیده بود ، دراین حالت تمام طول مار مذکور باید ۱۲۰ متر باشد ، اگرچه این بیانات ظاهراً بر مبالغه وخرافات محمول میشوند ، لاکن جمیع این تفصیلات راجع به عجیب الخلقت مذکور ، شهادت حقیقت آن میدهد یك سلسلهٔ کاشفین میگویند که حیوان عجیب الخلقت مذکور ، بمثل مار بحری ، حقیقتاً وجود دارد ؛

پرو فیسور یودد ، تمام این چیز ها را تقریباً حقیقت میداند ومیگوید که بحر در اعماق خود حیوانات زیادی را که تا الحال کمتر کشف شده است وبسیار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 759 of 896

بروی آب بر می آیند ، پنهان میدارد : اینها مارهای حقیقی ، یا ماهی های عجیب الخلقت و یا از نسلهای حیوانات زاحف بزرگی که درعصر های سابق می زیستند (و بنا بتوسط حفریات معلوم شده است) باید باشند ، و حالا وضعیت مار بحری را گرفته اند .

وقعات بما نشان داده است که دراکثر به اراضی غیر مشهور و مکشوف ، اعضای حیوانات زائده که ما قبلاً بوسیله حفریات ازان ها اطلاع داشتیم وتقریباً یک ملیون سال قبل گذشته بوداند . یافته شده است دراین حیوانات زاحف بسیار بزرگ دورهٔ دوم جیولوجیه موجود بود که تقریباً شکل مار را داشت . آیا این ممکن نیست که یک نوع از انها لست به نسل خود نشو وارتقا یافته ومحافظه شده باشد ؟ وهم ممکن است که اقسام ، مار های بحری ، موجود باشد . وهم موجودیت حیوانات زاحف یا حیوانات ذو معیشتین که به مثل بعض از اقسام ماهیهائیکه درخشکه زنده گانی مینمایند بسیار دیر در زیر آب مانده ، ممکن است .

بومیان امریکای جنوبی قصه میکنند که دربعضی جاهای امریکای جنوبی حیوان بسیار بزرگی که موسوم حیوان زاحف را دارد و به اسم « میولو کاو » مشهور است ، وجود دارد : حیوان مذکور ، گویا ۵۰ متر طول و ۵ متر عرض دارد ، وبا یک جوشن استخوانی پوشیده شده است حیوان مذکور درخت های بسیار بزرگ را سرنگون میسازد ، مجرای آبها میگرداند . گاهی پی او را درچمن زار ها دیده اند و گاهی خود حیوان مذکور را دیده اند که دو شاخ بسیار دارد و پوز او مانند پوز خوک است . حیوان مذکور همیشه بعد از باران در غار های کوه ها یا در آب ویا در چمن زار ها ظاهر میشود فرنس مولیر جرمنی ، عالم حیوانات وجود « میولو کاو » را غیر ممکن میدانند آیا ممکن نیست ؟ این هم ازجمله حیوانات زاحف قبل از طوفان باشد ، که بسبب زنده گانی تحت الارضی خود محفوظ مانده است ؟ آیا بین آن حیوانات عجیب الخلقت ومار های بحری مناسبتی نخواهد بود ؟

بقرار بیان او دیاتسو عالم طبیعی هالندی مار بزرگ بحری ، مار نیست ، بلکه یکی ازحیوانات پستاندار است که بموجب و طرز خود چلپاسهٔ قبل از طوفان را بیاد میدهند ؟ خودش دربین پستاندارهای بحری بمثل زرافه است دربین پستاندار های بری . بر خلاف این پروفیسور اودن وای آن هیچ شک وشبهه در باب ماری بحری ندارد .

اونان گولد در کتاب آخری خود می نویسد ، که تقریباً سه قسم مار بحری وجود دارد : سنگ آبی خیلی بزرگ با گردن بسیار دراز ، حیوان بسیار بزرگی سنگ پشت مانند ، و یک حیوانی مانند چلپاسه ، ممکن است حیوان مذکور الی قبل از طوفان زنده گانی می کرد .

وفات

جناب محمد یعقوب خان والی کابل که از مریضی ومعالجه او در شماره ۴۰ انیس خبر داده بودیم ، دیروز یکشنبه ۱۶ حوت طرف ظهر حیات فانی را بدرود گفتند .

انا لله و انا الیه راجعون

اداره : — از وفات جناب شان اظهار تأسف نموده و به باز ماندگان شان تسلیت مینماید .

(تفصیلات در آینده)

پروفیسور رول ، راجع به مسخ مار ماهائیکه از بحر به نهر کوچ کرده و از آن جا واپس به بحر رفته بالکلی غایب شده اند ؟ بیان میدارد آیا همین مار ماهیان در اعماق بحر یک اندازهٔ بزرگی را بخود نمی گیرند و تبدیل یک حیوان عجیب الخلقت خیلی بزرگی که تا حالا بما معلوم نیست ودر اعماق بحر زندگانی میکنند نمیگردند ؟ بحر در اعماق خود هنوز بسیار اسرار های عجیبی را پنهان میدارد .

باید قبول کرد که «مار های بزرگ بحری» وجود دارد ، فقط چیزیکه میماند این است که آیا آن «مار ها» چگونه انداز هستند . . .

احمد رهبانی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 760 of 896

از جرايد آلمان

از هر طرف

احساسات وطن خواهي معلمين ومحصلين آلمان

توسط اتحاديه محصلين آلمان ، به مناسبت كانفرانس ترك تسليحات ، يك مظاهره موجي از طرف پروفسر ها و متعلمين دارالفنون شارلوتن بورگ برلين اجرى گرديد . مظاهرين به تعداد زياد حاضر بودند وداكتر توبين اعلاميه منتشر كه پروفسر ها ومحصلين را اراد نموده گفت : —

«بنام انديشه آتيه ملت ، معلمين واتحاديه تلاميذ دارالفنون برلين ، متحداً ومتفقاً نارضائى خود را راجع به اجبار جديد به ملت آلمان اظهار مى نمايد ونيز بانها نيكه در كنفرانس آينده ميخواهند جديداً استفاده كنند وزنجير هاى ورساى را محكم تر نموده ، ملت آلمان را باتهام تقصير جنگ اسير خود نگاه دارند اعتراض نموده واز خود دفاع مى كنيم وخواهشمنديم كه حقوق وشرف اجبارى ملت آلمان انجام يابد .

معلوم است كه ديگر اقوام دنيا از ده سال باينطرف دراسلحه خود افزوده اند لهذا ميخواهيم كه همان وظيفة را كه درمعاهده ورساى بدوش خود گرفته اند ايفا نمايند يعنى خلع سلاح نمايند .

علاوتاً بايد بشمار مسئوليت ملى خود مستحق يك عسكر كافى باشيم . واگر كنفرانس ترك تسليحات حقوق وشرف

خبر هاي خارجي

رويتر

چين وژاپون

خيال پيش قدمي ژاپون

شانگهاى — ۲۶ فروری .. وضعيت قسمت چاپى وكيانك وان بحال سابق است ، چينى ها درتمام شب براى قسمت چاپى كه در تصرف جاپان بود بمبارد داشتند .

مگر امروز صبح زمينيكه توپ خانه وماشين گن هاى جاپان به عمليات شروع نمودند ، خاموش شد . جاپان به سعى مزيد شروع نموده است كه كيانك وان را متصرف گرديده چينى ها را بطرف شمال به عقب نشستن مجبور سازند تا آنكه خطوط حربى چين را كه در چاپى است محاصره كند .

ملت آلمان راپامال نمودن بخواهد جداً ترديد ميكنيم . زيرا ملت آلمان وجداناً نزد نسل موجوده وآينده مسئول مى باشد .

«تمدين وتدارك تربيه جوانان براى حفاظت وطن ، را كه ديگر اقوام وظيفه اشرف ملى خود ميدانند ، وبراى آلمان ممنوع قرار ميدهند ، فى الحقيقت براى ملت آلمان توهين وتحقير است .

«آلمان بايد باشد اگر چه موجوديت آن سبب مرگ ما گردد .»

تعداد تلفات جانبين

شانگهاى — فرقه هاى اول ويازده هم جاپان امروز وارد شانگهاى ميشود ، از مراكز جاپانى عدد تلفات جاپانى ها در محاربه ديروزه كيانگ وان ۸ نفر نشان داده مى شود ، وتخميناً چار صد نفر مقتولين چينى در ميدان محاربه يافته شده اند .

هنگچورا خراب كردند

شانگهاى ۲۷ فروری — وضعيت كيانگ وان نسبتاً سكون نشان ميدهد مگر طيارات جاپانى بر فراز هنگچو كه يك جاى خيلى خوش نما وبه فاصله صد ميل بطرف جنوب شنگهاى واقع است پرواز نموده است وبر ميدان طياره آنجا بمباردى نمودند . ويك قسمت شهر را در دادند .

قرار راپورت جاپانى ها ، هنجگو را خراب نموده وپنج طياره را بيكار ساخته ودو طياره چينى را كه مدافعه مى نمودند بزمين افگنده اند .

جاپان هنوز عسكر مي فرستد

تاحاليكه از جاپان هيچ تقويت نرسيده است ، اشخاص بيننده بيان ميدارند كه هر كشتى حمل ونقل جاپانى كه در هر دو روز يك مرتبه ميرسد باخود افراد آورده برقوه جاپانى ها مى افزايد .

* * *

قرار اطلاع آخرين يك قول اردوى مكمل جاپانى ژودى در ميدان شانگهاى

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 761 of 896

عرض وجود خواهد نمود . ودو فرقه دیگر امروز شنبه بفرود آمدن شروع خواهند نمود . در جاپان سه فرقه دیگر رانیز تهیه نموده می روند . دسته‌های مزید طیارات جهت تقویت دو صد طیاره که قبلاً در انجا وجود دارند ، روانه شده اند . اظهار عقیده نموده می شود که منطقه تخریب توسیع نموده و به عساکر چینی مجازات مخوف داده خواهد شد .

مصارف جاپان

توکیو – کابینه صرف دو ملیون سترلنگ مزید را در مناقشه شانگهای الی ۳۱ مارچ منظور نموده است . و تخمین نموده شده است . که تا زمان باز خواستن عساکر تقریباً در هر ماه یك ملیون سترلنگ صرف نموده خواهد شد .

ملاقات سفرای دول با وزیر خارجه

توکیو – سفرای کبیر فرانسه برطانیا امریکا ، و ایطالیه مقیمهٔ توکیو باشی زاوا را ملاقات کردند که جاپان خیلی سعی نماید عملیات عسکری خود را که در شانگهای اجری نموده نیست خارج از سرحد مسکونه بین المللی اجری دارد .

جاپانی ها دعوی کامیابی می کنند

شانگهای ۲۸ فروری – جاپان دعوی کامیابی مهم را نموده می گوید که بعد از بمباردمان شدیدی چینی ها را از قریه کیانگ وان اخراج نموده قریه مذکور را کاملاً به تصرف در آورده‌ایم .

* * *

یك صد کشتی جاپانی که متحمله ۶۰ آن حربیست در شانگهای موجود میباشد . قرار راپورت واصله به عسکر چینی نیز از کانتنگ دو فرقه تقویت رسیده است .

توکیو – دوایر حربی جاپان تهیه می بیند که قوه هوائی و بحری را برای سرکوبی مقامات دور دست چین استعمال نمایند تا از ازدیاد عساکر چینی در شانگهای جلوگیری کنند .

هدایت وزارت خارجه

وزارت خارجه جاپان به قوماندان شانگهای و نماینده جاپان در جنوا هدایت داده است که در وقت مناسب ابلاغ نمایند : در صورتیکه چینی ها به صورت معقول میل خود را به باز خواستن عساکر خود از منطقه مقرره ۲۰ کیلو متر مسافت ابراز کنند ، جاپان حاضر خواهد بود مجادلات شانگهای را موقوف سازد ونیز تعهد مینماید که عساکر خود را بعد از عودت عساکر چینی تا یك فاصلهٔ عقب بکشد .

مجمع ملل

جنوا – جاپان به مجمع ملل مکتوب مبهم فرستاده است . و امید میرود مکتوب مزبور بزودی راه را برای معطل ساختن مناقشات شانگهای باز بسازد .

تاس

مقاومت چینی ها

مسکو ۲۶ فروری :

از شانگهای اطلاع میدهند که صرف نظر از بمباردمان شدید توپخانه وطیاره جاپانی ها نتوانستند استحکامات چین را تصرف بنمایند ببمباردمان استحکامات ووزون مداومت دارد وجاپانی ها نتوانستند پیش قدمی بکنند .

مقاومت کامیابانهٔ قشون چین در تمام مملکت جوش وخروش وطن پرستی را ایجاد کرده است .

بایکوت مال التجاره جاپانی درهر جا بعمل می آید ومال التجاره جاپانی را حریق میکنند .

ویرانی کتابخانه وعمرانات چین

از شانگهای اطلاع رسیده است که از طرف حکومت جاپانی فرقه های ۱۱ و ۱۴ قشون جاپانی دراین هفته به شنگهای روانه شدند از شروع عملیات حربی از طرف قشون جاپانی تااین وقت اکثر مقامات تمدنی ویران شدند ودر آن جمله کتابخانه مشهور شرقی که بیشتر از یك ملیون جلد کتاب داشت و دارالفنون قانونی شنگهای و دار الفنون جرمنی وچین ومکتب بحری در ووزون ویران شدند – خساره که بعمل آمده است بیشتر از (۲۵) ملیون دلار درحساب می آید –.

نظام نامه مانچوري

از مکدان اطلاع رسیده است که نظام نامهٔ اساسی منچو ریای نوشته وطبع شده است واین اساس نامه شباهت زیادی به اساسنامه دولت جاپان دارد .

حریق شنگهای

۲۷ فروری

از شنگهای اطلاع میدهند که روز سیوم است هجوم قشون جاپانی بطرف استحکامات چین مداومت دارد وجنگ های شدید جاری هستند .

چپی (حصه چین شنگهای) وهنا نیکو (حصه شهر ساحلی خارجی شنگهای) در حریق هستند وخانه ها نیکه تا هنوز با بمبارد مان ویران نشده اند در آتش هستند هردوطرف تلفات زیاد داده اند .

جهازات بحری جاپانی بمبارد مان استحکامات ووزون میکنند وطیاره های جنگی جاپانی بم ها در حصه چین آن می اندازند .

جاپانی ها حمله های شدید برای تصرف استیشن شمالی مینمایند .

در همین وقت ازطرف جاپانی ها وصول تهدید قتل وحشت گری به نسبت اهالی چین در ازدیاد است وهم خانهای چینی ها را تلاشی کرده اگر در نتیجه چیزی اشخاص مسلح هم نمی یابند عموم ساکنین خانهها را به قتل میرسانند قشون چین مقاومت باجدي میکند ودر بعضی جاها ازطرف خود حمله میبرند وحصه هاي قول اردوي ۱۹ چین استحکامات جاپانی را وده؛ زني را آنجا تصرف کرده؛ پیش قدمي نمودند بعض تیراند ازهای چین در خانهاي ده قامان جا گرفته به جاپاني ها تلفات زیاد مي رسانند

روز سیوم حمله عمومي قشون جاپاني هیچ گونه نتایج نه بخشید وتمام هجوم هاي جاپاني ازطرف چیني ها که استحکامات سابقه خودرا نگاه میدارند مدافعه شد — سرکرده؛ قشون چین در شنگهای جنرال تسین شاي بنمایندهٔ گان جراید ودور آن جمله به نمایندهٔ تاس اظهار کرده — مبارزه؛ در شنگهاي یك مبارزه؛ از براي حیات جمهوریت چین است وقشون چین مانند قشون جاپان بازن ها واطفال مبارزه؛ نمیکند — مبارزه؛ بعد ازفتح جاپاني در شنگهاي امکان مداومت خواهد داشت — حکومت نانکین براي تقویت قشون خود در شنگهاي (۳۰) هزار سپاهي فرستاده .

بشتابید

کورس انگلیسي که سابقاً وعده داده بودیم از ساعت ۴ و ۵ بعد از ظهر بمعلمي آقاي «ابراهیم خان» سر ترجمان وزارت خارجه «بقرائت خانه نور» شروع مي شود .

همچنا کورس فارسي ازساعت ۴ الي ۵ بمعلمي آقاي سرور گویا عضو انجمن ادبي که یکي از نویسنده گان متتبع ما است آغاز وافتتاح خواهد گردید .

شایقین وطالبین بشتابید که اسامي شما طلبهٔ داوطلبان اتي در دفتر «قرائت خانه نور» قرار گرفته وازمنابع تحصیلات خود بهره ور گردید .

کتابخانه نور

محل فروش ومطالعه همه نوع کتب ورمانهای فارسی فرانسه ، انگلیسی ، اردو عربی ، ترکی میباشد .

کتبیکه جدیداً به تهیهٔ آنها موفق شده ایم قابل دیدن است در قرائت خانه نور همه نوع جراید ومجلات داخل وخارجی برای مطالعه موجود است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 763 of 896

ترجمهٔ : رحمان افغان — ۳ — مؤلف : رفائل ژارژ

رهبر اهل ثروت

قسمت اول

واسطهٔ قوهٔ مالیه

پول کاغذی

پول کاغذی یک فکر اصلی است هیچ گاه ممکن نیست از پیش نظر ما گم شود زیرا که در بارهٔ پول کاغذی شرح زیاد کرده شده است .

از اعتبارش کاسته نمیشود وله اساس آن برداشته میشود چرا که پول کاغذی در حقیقت اعتبار جنس فلز طلا ونقره را درمیدان تداول داخل میسازد .

اگر خیال کرده شود که این قابلیت مبادله فرضاً معطل گشته وقانونی در آن واحد اهالی را مجبور بسازد که بعوض اعتبار فلز خویش پول کاغذی را بشناسند درین صورت باید دانست که درمیان تداول نوت وفلز فرق موجود نیست وتفکر کرده شود چرا که مقدار معین اقتدار پول فلزی را متساویاً به نوت بخشیده ودر حقیقت اعتبار نامه به پول کاغذی تبدیل گردیده است وپول کاغذی حائز اعتبار فلز است .

چونکه نتیجه تبدیل شکل فرق صورت مسئله ای شده است بعضی جزئیات اجمال میکنند راجع بسوال دوام وحجم امال مضطر (چطور تام و تحت کدام اصول تعین شده است) ودرین باب یک نوت بانک فوق الحد منتشر خواهد شد یا خلاصه دالدقیق این مسئله ضرور است تا کدام وقت عرتاثیر رجیم که ما از آن بحث میکنیم باقی خواهد ماند ودر تحت قضیات کدام دولت باشتق ممنوع شود آیا تنها بواسطه بانک امضا کننده ویا بواسطه بانک ایمسون که برای آن امتیاز یافته باشد ودارای فلز است مخصوص شدنش درست است ؟

اگر قاعده مذکوره واقعاً خاصیت بی دوام را پیدا کند ویا بواسطه بحران طبعی بصورت فوری محو شده یا اینکه بواسطه اصلی ویا بصورت اجتماعی و کثرت سریع عیان گردد . بهمه حال اعتبار مردم از قیمت نوت تبدیل نمیشود واین پول کاغذ بدون مشکلات امساوی جنس فلزات متداول خواهد بود . چنانچه درسنه ۱۸۷۰ حین معامله وقوع پیوست ونوت بانک فرانس بدون کسر معنوی ویا دیگر هیچ نقصان درقیمتش عائد نشد در زمان ۱۸۷۲ حکومت دو بروی بانک به ادای دین شروع کرده بالاخره کسی که باید دارای اطفال زوق اضطرار جامعه بشریت رسیده ما را دچار اقتضای مدت شده است .

احتیاجات دولت برای بنیاد ظهور پول کاغذی

در نتیجه اگر مشاهده کنیم پول کاغذی از احتیاجات خزینه ملی خارج است اما برای ارتقای تداول و سهولت تداولات قبول شده زیرا بمناسبت اینکه ادای دین با فلز حائز حل مشکلات است .

لهذا از ذمه عمدت حکومت است که صورت جریان وی را از خرابی و ویرانی نگاهداشته و از اقتدار مسکوکات خوب تری موقعیت آنرا نگاهدارد .

زیرا اگر پول کاغذی بصورت معکوس ظاهر شود بدیهی است اهالی خواهان اعتبار پول کاغذی میشود یعنی پول فلزی خود را مطالبه میکنند درین صورتیکه پول فلزی بدست افراد ملت تقسیم شود البته در آینده تداول پول کاغذی مشکلات زیادی تولید میگردد .

اگر از آغاز و مبدأ تداول پول کاغذی الی یومنا چنین فکر شود که در تداول ، پول کاغذی زیاد گذشته شده باشد و این امر میل قابل بحث خواهد شده خیر چنین نیست زیرا هر یک ازین دو علم مربوط با همدیگر نه یعنی پول کاغذی مربوط با پول فلزی و پول فلزی حامی پول کاغذی است .

هر قدریکه تداولات پول کاغذی زیاد شود بهمان پول کاغذی زیاد شود در حین ادای دین بهمان مذکوره پول فلزی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 764 of 896

محاسبات قطع وفیصله میشود .

باید ملتفت بود هر ممکن است که اعتبار پول کاغذی بجای پول فلزی ثابت گردد .

کذالک خیلی مشکل است که پول اول (پول فلز) به نسبت پول دوم (پول کاغذی) زیاد تدارک شود لهذا بدین مناسبت هیچگاه قیمت پول کاغذی از پول فلزی آزاد شده نمیتواند و پول اول به نسبت پول دوم خیلی با اهمیت وبا قدرت است .

مثلیکه تداول بین فرانسه در زمان و بعد از جنگ بین المللی شش چند ترقی کرده یعنی سرمایه فرانسه در ماه اگست ۱۹۱٤ به شش ملیارد فرانک میرسید اما در ماه نوامبر ۱۹۲۰ به سی و۹ ملیارد بالغ شد گویا سبب آن کسر نوت است کسر نوت بانک فرانسه در اول ژانویه ۱۹۲٦ به پنجاه ویك ملیارد رسید اما خزینه ، دارای همان اعتبار شش ملیارد فرانك یو دارای پول کاغذی باعتبار همان پول فلزی در مملکت متداول میباشد .

کسر پول کاغذی

اگر پرسان کنند چرا در این قاعده تداول کسر واقع گشت . در صورتیکه از بانك طلا خارج نگشت وکذالك بانك تاحال محاسبات مردم را باپول طلا قطع نکرده ودر حالت حاضر برای کسی محال نیست که راجع قیمت طلا مثل گذشته مذاکره و گفتگو نماید یعنی قیمت ۲٤٤٤ فرانك را گرانو در خالص خواهان شوند و یا در بازار آزاد کسی خواهان آن باشد .

آیا در این زمان چگونه تفاوت زیادکی در میان فلز و کاغذ موجود شده است ؟ بلی این تفاوت در خود پول فرانسه وجود آمده است یعنی در نوت بانك ، و نوع پول قانونی (که معیارش کمتر از تداول باشد) و نوع پول برونز (پولیکه با ۵ سهم نقره و۹۵ سهم مس مخلوط باشد که در فرانسه ۲۵ سانتیم و ده سانتیم حتی یك فرانك و دو فرانك تا پنج فرانك از همین نوع مسکوك و در تداول موجود است) ظاهر است . همکذا نظر به پول دول خارجه یعنی به پوند استرلنگ انگلیس و دو لار امریك و معیار طلا تفاوت پیدا کرده است حالا قیمت پول فرانسه با پول خارجه در حین مبادلات بانکی معلوم میشود چنانچه در ۱۹۲۵ قیمت یك پوند استرلنك انگلیز ۱۲۵ فرانك نوت فرانسوی بود مگر از نقطه نظر معیار طلا همان یك پوند معادل ۲۵ فرانك و ۲۲ سانتیم پول طلا فرانسوی است ازانرو تفاوتی در اصل طلا موجود نیست و نه قیمت اصلیه پول مملکتین هیچگاه تغیر پذیر نشده بلکه معیار فلزات بحال خودش باقی مانده است و حاصل کسر پول فرانسه بنسبت تبادله پول خارجه در تداول پول کاغذی است نه تداول پول فلزی .

(باقیدارد)

آدم با سر رشته :

یکی از آقایان نازك خیال بنوکرش میگوید :

چای امروز یك مزه کك دیگری دارد بخیالم ظرف های چای را خوب پاك نکرده اید ؛

ـ خیر قربان یك آدم با سر رشته چطور میتواند اینکار ها غفلت کند با اینکه ما سامان و لوازم خانه داری کمتر داریم ولی پیش از اینکه بشما زحمت بدهم که چه ندارم و چه نظافه نیست از عقل و فکر خود کار میگیرم و بطالع صاحب همه کار ها خود بخود صورت انجام میگیرد .

به بینید یك ساق دارم صبح که از خواب بر خواستم اول اول بوت های شما را پاك میکنم بعد ظرف چای را تمیز کرده و چای دم میکنم پس از ان بالای آفتابه رو شوی شما او از انش میکنم الحال همان چای صاحب است که کار دو چاق را هم میدهد .

مذاکره نفع خواهی

یکی از مشترکین با ذوق به اداره اخباری آمده وشکایت کرد اشتراك نموده‌ام ، پول داده‌ام ، تعریف اخبار شمارا کرده‌ام و بارها با گرده‌های فی سروته شمارا نسبت به صفات جریدهٔ تان شنیده‌ام و گفته‌ام . چه باعث است که اخبار نمی رسد؟

مدیر آغا یك یکی به سیگار خود زده و گفت : بلی ، بلی بسیار درست میفرمائید تقاصیر معاون اداره است آقای معاون دستی بریش برده چندین دفعه زیر و بالا کرده یکی دوتار آن را درطاع فکر کنند وفرمود گمان میکنم این غفلت از طرف سرکاتب شده باشد جناب سرکاتب پس از غور وخوض بسیاری دو سیبه ها را زیر وزبر کرده وتا ورقه اشتراکی آورده فرمودند اشتراك این آقا از شماره ۲۹ است وما باید صبر میکردیم تا عدد طبع ما بهمان شماره میرسید . . —

اینجا مجلس کم‌ترین خندهٔ حاضرین خود شان متوجه مطلب شده دانستند که تاریخ اشتراك ۲۹ بوده و ۲۹ است فوراً عفو خواسته گفتند خیر با اینها برحال من جراید را باسم شان عنوان کرده‌ام ولی گناه پیاده توزیع است که نرسانیده . زنگ سرمیز مدیر برای حضور پیاده بصدا در آمد وقتیکه پیاده حاضر آمدند مدیر بغضب‌نمائی گفت چرا اخبار های این آقا را نرسانیده اید . . . .

— والله چند روزی به آقا را مجلس کردم نیافتم بعد هم که پرسیدم وبلد شدم چون راه هم کمتر دور بود فکر دیگری کردم که برای آقای مشترك هم خالی از فائده نیست چه گفتم اگر اخطور را کنده درهر هفته شان بدرم ممکن است به خود آنها برسد باز رسید درست برای خواندن آنها فرصت داشته باشند یاندانسته باشند وباز اخبار کهنه وفرسوده شده اوراق گردد حالا که خود شان به اداره تشریف آوردند همه را جمع کرده ویکجا مانند یك کتابی خدمت شان تقدیم میکنم تا با خود ببرند بخانه وبفرصت تمامی بخوانند وحفظ بدارند بلکه بعد استفاده خود اگر بکدام کتابخانه هم ببرند اقلاً نصف قیمت را کمایی خواهند کرد .

مولف : ا. پلاتیه فرانسوی (۳۲) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل هژدهم

(کاترین ایلچی میشود)

له فور : — چین وقت ! لازم بود این احساسات موزون را یك سال قبل ازین وقتیکه ناپلیون یك قوماندان محض بود اظهار می نمود ! دران اوقات ژوزفین گرفتاران زیادی از قبیل ، (بارا) (ای پولیت) (شارل) که شارل مقبول لقب داشت وازین قبیل یك درجن دیگر است و ناپلیون بیچاره نه میبیر داخت . بر خلاف آن ناپلیون برا جان خود دوست میداشت ! عشق او عشق نی بلکه تب سوزان بود ! »

کاترین : — « بلی من هم افسانه های عجیبی ازان اوقات شنیده ام . میگویند وقتیکه ناپلیون در میلان بود هر روز دو سه قاصد برای او میفرستاد ! »

له فور : « بلی همین معامله تا بیرا گشت ناپلیون از مصر جریان داشت - بعد ازان حقیقت را فهمیده و صدمه های زیادی خورده و رنج و الم زیادی کشیده ولی بالاخره او را عفو نمود . من اینچنین یك معانی یقین کرده نمیتوانم . این را میفهمم که این شوهر متذکر خیال طلاق را داشت و چیزی را که بونا پارت در دل گرفت باز هیچ از اجرای آن صرف نظر نه می کند . شاید ایلچی گری تو همین است که ناپلیون را از طرف ژوزفین در خواست نمائی که این طلاق حتمی را به تعویق بگذارد . »

کاترین : — « من گمان مکنم ... امپراطور هنوز هم به زن خودش محبت دارد . زیرا او را در کلیسا نکاح نموده و گمان نمکنم بعد ازین قدر سالهای زنا شوهری بفکر طلاق برآیند . ولی ژوزفین میترسد . »

له فیور : — « آیا اوضاع او باعث شکایات تازه امپراطور شده میتواند؟ »

کاترین : — « آه ، بخدایی ! امپرا

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 766 of 896

طور بچه بعد ازین جوان نیست ، سی و هفت سال دارد و از یك مملکتی است که زنهای آن زود پیر می شود . بعمر شانزده سالگی مادر شده است و حال تقریباً یك زن پیر گفته می شود . حیات حالیه او کاملاً عاری از قصور است . »

له فیور : « پس بکدام سبب خوف دارد که امپراطور او را مواخذه خواهد کرد ؟ »

کارن : ـ « بجاهت اینکه عقیم مانده است ! »

له فیور پس از لحظهٔ فکر جواب داد « راستی عدم اولاد ضربهٔ مدهشی به ناپلیون میزند . خیال میکنند که بعدم اولاد ووارث همهٔ این فتوحات او بی نتیجه وثمره خواهد ماند . اگر چه حال مالك الرقاب است در استقبال ذخیره برای خاندان او نخواهد بود . »

کارلن : ـ « خیال میکنم بهتر خواهد بود که ناپلیون فکر یافتن وارث مستقیم را از سر خود بیرون کند . چه فکر میکنی که برادراو ژوزف بعد ازو برتخت فرانسه بنشیند .

مارشال : ـ « برادر او ؟ نی ، اوفهم کافی ندارد . خیال میکنم اگر ناپلیون اولادی از خود پیدا نکند یکی از او لاد های از دواج اول ژوزفین ـ ملکه هالند یا طفلش ـ را بفرزندی خواهد گرفت . »

کارن : ـ « چه ! تو میخواهی بگوئی که ناپلیون (شارل) خورد و یا مادر او (اورتز) را بعد از سر خود برتخت خواهد نشاند ؟ »

له فیور تبسم کنان : ـ چنین خیال میکنم . مردم میگویند که این پسر بنا پاپون شباهت تامه دارد . »

کارلن : ـ « بعد ازین مردم در خصوص این شباهت چیزی نخواهند گفت ، پسر مرده است ومن باید بامپراطور بگویم

مارشال صدا زد : « مرده . تو باید این سخن را تکرار نکنی . ناپلیون این پسر را نهایت دوست میداشت ومرگ او تخیلات وپیلان هـای او را زیر وزبر خواهد کرد . » اندازه که مـن امپراطور را میشناسم ، یقین دارم محبت ، احساسات یك عشق او درمقابل مسایل پولتیکی هیچ است . مـن میترسم این اخبار ترا بدتاثر نکند ؟ بهر صورت به خیالم که ترا بآوردن آن اخبار تشکر نخواهد نمود . »

کارلن : ـ « له ، تو عجب حرف های میزنی ، هر چه دلش میخواهد بکند ، من باك ندارم . نمیتوانم دلم را دو چهارم نگهداشته نزد او بروم ، تو این مسئله را به خوبی درك کرده میتوانی ؟ »

له فیور : « مگر بامقصد که تو داری خواهی بود ؟ چرا امپراطور بچهٔ ترا قاصد این اخبار مشوم انتخاب نموده ؟ وبراچه بدین آرزو آمدی ؟ امپراطور که این جاینست .

این هم یقین است که درین برف وسرما برای خوش ودیدن یك خرس پیری مثل من نیامده خواهی بود ؟ » کارلن ـ « من میخواستم بیشتر از آنکه با امپراطور حرف بزنم ، مشوره ترا بگیرم ! »

مارشال : ـ « کدام است مشوره که من بتو داده میتوانم ؟ » کارلن : ـ « میخواهم به من بگوئی چطور یك جوابی لازم است تا پلیون بدهم ! »

مارشال : ـ « پیشتر ازان من باید بفهمم که او از تو چه خواهد پرسید ؟ »

کارلن که بعضاً به آزار دادن شوهر پیر خود دل چسپی ظاهر می نمود گفت :

« تو شاید بفهمی که از من چه خواهد پرسید ؟ »

مارشال : « این ادا حرف را بگذار واصل مقصد را به من بگو ؟ کدام احوالیست که از ملکه آورده ؟ سر حقیقی مسافرت تو چیست ؟ »

کارلن : « له فیور به من گوش بده ، وکوشش کن بفهمی ! »

مارشال : « کوشش کن بفهمی ! اگر تو میدانستی که این الجبر های لاتینی برای فرو بردن بلا ها واشکال عجیب وغریب در کله ام چه زحمت ها کشیده ام ، حال قابلیت دماغ مرا بی اعتبار نمی نمودی ! خوب بفرما سرا پا گوشم ؟ »

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 769 of 896

جریده هفته وار

انیس

قیمت اشتراک

کابل	۱۳ افغانی
اطراف وولایات داخله	۱۴ "
طلبه معارف	۷ "
در ممالک خارجه	۳۰ شلنگ

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 771 of 896

کتابخانه ... عمومی
نازنده سه کابل افغانستان

(شماره ۴۲) | مجلد ۵

انیس

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ ،
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ اورنگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر محمد امین خوگیانی

۲ شنبه ۲۴ حوت ۱۳۱۰ | تأسیس ۱۳۰۶ | ۶ شوال ۱۳۵۰

قارئین کرام

بنام نامی خدای بخشاینده و مهربان و ستایش مربی عالمیان و موجد زمین و زمان مینگاریم : —

وظیفه جریده نگاری یک وظیفه مهم است باقتضاً عواطف ملی چیزی نیست که انسان را به تحمل مصائب طاقت فرسای تن واداره ساخته بتواند ، همین عواطف ملی بود که آقای محی الدین خان را به تأسیس این جریده ملی باعث شد ، و جسارت انیس را انیس هم صاحب ذوق گردانید ، آقای محی الدین خان تا وقتی صرف افکار مال خواهانه خود در پیشرفت این جریده ملی می پرداخت که محض خدا داد خود را باخت (خداوند محت و اجرش دهد) آقای جو با سینه مجروح خود را میر مشکلات جریده نگاری ساخته انیس را از سقوط نگهداشت .

حالا که وظایف ملی درین اداره ملی بدوش من افتاد با آنکه جبشوا ام دعوی کنم که چه خدمت کرده ام و چه خواهم کرد بقارئین عزیز این جریده مقدس ملی وعده میسازم که آنچه توانسته ام درو تحا مشرقی و اصلاح مشکلات موقوف طبایق محدی توانستم آنچه توانستم در خدمت جریده انیس دقیقه از صرف عواطف ملی فرو گذاشت نخواهم کرد ،

همه میدانند که وظیفه جراید است تا ملت را بیدار سازد [illegible] جراید است ولی [illegible] مدیران جراید مسئول ایقاظ نیند ، بلکه سایر متفکران و تمام اهل قلم مسئول اند تا علماً و عملاً در ایقاظ جامعه خود صرف اوقات فرمایند .

صحایف جراید وسائط ایصال افکار متفکرین الله هر اندازه که ملت متفکر آن پیش دارند ، و هر قدریکه شائقه تر به پیشرفت جامعه علاقه دارند بهمان اندازه جراید هلال ملت مقبول پیدا شد .

لهذا جریده انیس از کافه منورین و سایر متفکرین و تمام افاضل ملت افغان رجاء دارد تا صحایف انیس را به اندراج [illegible] افکار خواهند جامعه افغان را نایل خود ، به نشر طرق اصلاح و رفع موانع مدد که در محیط خود می بینند امتیاز بخشند .

انیس تمام آرزو های اولی هر فرد را بگوش عامه و سایر مشکلات مطلوبین را بگوش دولت و حکومت میخواهد برساند .

انیس میخواهد تا الم های [illegible] رابه مقتدران و وزرا های [illegible] و اقتدان و مشکلات ضعفا و زیردستان را با قویا و والا دستان و خواهشات طالبه را به مربیان و نصایح دردمندان را به عموم جامعه افغان خاطر نشان سازد .

انیس میکوشد تا خبرهای تازه داخلی و خارجی را بدست آورده بقارئین عزیز خود عرضه دارد .

انیس میخواهد سوانح رجال عصر و تاریخ وقایع مهمی را تذکار نماید .

انیس حاضر است که جذبات شعری و ادبی طلاب را بصفحهٔ اشاعه گذارد .

هر که میخواهد در موضوعات فوق با علاوه از آن افکار خود را توسط جریده انیس اشاعه نماید .

انیس به تمام قوی خود بالهجه آزاد بلا خوف بنشر آن می پردازد چون جریده انیس جریده ملی است نمیتواند امروز ستونهای اخبار خود را به موضوعات معین تقسیم نماید ولی میتواند عرض کند انیس برای نشر افکار سایر طبقات حاضر است و هر صنف ملت را در صفحات جریده خود شان (انیس) حق میدهد .

از خداوند مسئلت و توفیق و از دوده مندان ملت تمنای تعاون فکری میبریم .

(الدین متی و لا تمام من الله)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 772 of 896

موقعیت طبیعی اقتصادی

افغانستان

ظاهر است اسرار عظیم ثروت های طبیعی این مملکت کوهستانی را اوهام خیالی امروزی مدن بیان کرده نمیتواند طوریکه اسرار اجتماعی ، اسرار تاریخی واسرار سیاسی این وطن مستور است البته دانستن اهمیت اقتصادی اش نیز که در پیچاپیچ کوهستانی حیرت انگیز این سرزمین کانی ، و خزائن طبیعیه ئی در بطون جبال سهمگین این مملکت کامن و سیادت اقتصادی وی نظر بموقعیت طبیعی اش که ثابت میباشد اکنون بر ابنای وطن تقریباً غیر میسور است .

مثلیکه موقعیت اقتصادی و حفظ صحی سویس (سویزرلند) در اعصار گذشته پوشیده بود ، بسیار سیاحان و مخترعین عصر گذشته مانند دون نیکو ، موتون پرونداث ، وبزبیگ ملك و امثال آن سرزمین مذکور را بد گفته و شکایت کرده بودند .

مگر سویزرلند وقتیکه اولاد صالح سویس دوست را تربیه کرده توانست امروز دارای بهترین پلسها (موضع ها) منظره ها تماشاگاه ها ، هوتل ها تیاتر ها ، سینما ها ، و عمارات خوش گذرانی گردیده امروز در همان سویزرلند بزرگترین کنگره ها و کونفرانسها انعقاد میشود .

اکنون سویزرلند قدمگاه تمام متمولین اروپا و امریکا و آسیا حتی افریقا گردیده است .

در صورتیکه افغانستان طبیعی در میان سواد های حاصلخیز و ذی نفوس هند وچین ، ترکستان ، فارس ، واقع ، و از نقطه نظر حفظ الصحه و هوای سالم و آب و هوای تندرستی شایان تقدیر است آسمانش صاف افقش شفاف ، محل های گرم و سرد و آفتابی دارد ، برای محافظه صحت و خوش گذرانی طبائع مختلف انسانها ممالک اهمیت است وعلاوه مرکز شرقی و به نسبت ارتفاعش (یازده هزار فوت) دارای آبشار های وافریست که برای دائر کردن بزرگترین فابریک های که درجهان نظیرش باشد قوه نهایت بزرگ میدهد . چیزیکه در دنیای امروز و آینده بر اهمیت افغانستان افزوده معادن کثیره او است از قبیل آهن ، ذغال سنگ مس ، طلا نقره ، نفط وغیره وغیره که بدون مناسبت صنائع افغانستان در هر زمان خصوصاً در انقلابات اقتصادی آینده دنیا که بتمام امتعه مصنوع شده قلیل الخرج کثیر المنفعه پیش شده ئی است حائز اهمیت است .

علاوه بران بواسطه این که افغانستان در قلب شرق واقع شده ، قدرت وتوانائی ترانسپورت (حمل ونقل) افغانستان خیلی وسیع وقابل الوصف است چه پیداوار ممالک چهار گانه متباین است ونفوس ممالک چهار گانه فوق الذکر به پیداوار ممالک یکدیگر محتاج ازین رو ترانسپورت با اجرت نهایت نازل و سرعت تمام برایشان حاضر کرده میتواند هکذا پیداوار ممالک چهار گانه را بقیمت نهایت نازل خریده وبصنائع خود آورده مصنوع کرده باز بقیمت کمتر ، بزی بازار های ممالک چهار گانه حتی از راه بحر عمان ایک دور دست دنیا رسانیده میتواند باوصف این چرا در صورتیکه افغانستان موقعیت طبیعی اقتصادی را حائز وبهمان سبب موقعیت ترانسپورتی امور حربی و سیاسی اش اهمیت کلی دارد از قافله ارتقا عقب مانده واز هزار سهم یك سهم را استفاده کرده توانسته است وهم چنان در حال اضطراب واضطرار مالی است

آیا قدرت وعظمت اقتصادی حقیقی این سرزمین کوهستانی در انظار عالم واولاد این وطن پوشیده شده ویا اولاد این وطن به اقتدار وتوانائی طبیعی وطن خویش وقعی نداده وعلاقه مند نبوده اند ویا اینکه حوادث وقضایای سیاسی این مملکت کوهستانی مانع پیشرفت امور اجتماعیه وامور اقتصادیه این محیط گردیده است .

تاجائیکه تاریخ این وطن در صحائف کارنامه های جهانگیران ممالک چهار گانه ویونان نشان میدهد محیط افغانستان طبیعی نظر بموقعیت سیاسی بنام حفظ و وقایه صلح عمومی شرق همیشه بمخالفت جهانگیران دنیا مقابله کرده وجنگیده واز قوای بزرگ آنها کاسته واگر گاهی نظر بمصالحت امور شرقیه با یکی از آنها موافقت کرده باز هم در حال حفظ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 773 of 896

میزان سیاست ممالک چهار گانه هند ، چین ، ترکستان ، فارس مقدول بوده که نظر به تقویم صالح شرق افغانستان همیشه سپر وهدف مصائب ملل مختلفه دنیا بوده است .

ازین جهت برای چاره وصلاح وفلاح مالی مملکت خود نقشه‌ای ویا اقدامی از قوه بفعل آورده نتوانسته واز مزایای طبیعیه واز موقعیت ترانسیتوری خویش استفاده نکرده ، مثلا مفاد عمرانیه اجتماعی نی مصروف محاربات بوده اساس اقتصاد صنعتی او بر پایه متین قائم کرده نشده بلکه باوجودیکه جامعه افغان دارای روح پاك عزم ، شجاعت شهامت ، حمیت ، ادراك ، اراده ، زحمت پسندی هستند و روحاً اخوت وتعاون را دوست دارند و بوطن علاقه مند میباشند وباینکه مهم ترین مبادی موثر در جامعه بشری مبادی دین است بالخاصه دین اسلام که روابط اتحاد و اتفاق بشر را بفرض نائل شدن بسعادت حقیقی به آیات قرآنی ثابت ومستحکم نموده است .

مع التاسف جامعه افغانی آنقدر از جاده سعی وعمل منحرف شده وبلای خصومت ونفاق وتنبلی وکاهلی مبتلا شده است .

که تو گوئی تمام مصیبت های فلاکت ها ، دنیا از صفحه روز گار در هوا صعود کرده و از جو هوا بقلال جبال این سر زمین تماس نموده و بعدها باجسام قوی العضلات افراد این مملکت سرایت کرده است .

چرا و بهرچه ؟ علتش این است که درقطار امور اجتماعیه مدنی امور اقتصادی ملی که موجد روح اتحاد و اتفاق است منتظم نیست ودر حیات اقتصادی ما افراط و تفریط موجود است یعنی بار سنگین اعاشه و معاشرت چندین کرور نفوس استراحت جوینده همت توده وازع وکارگر تحمیل شده وازطرف دیگر زارع وکار گر ما باهمان آلات وادوات کهنه بابك جهانی خیری ارض زراعتی وفلاحتی ومنابع ثروتی با انتهای زحمت و عسرت برای اعاشه آنها صرف مساعی مینمایند .

در صورتیکه یك مملکت در حالت بی روز گاری بوده و توده جامعه آن از راه استراحت طلبی و از طریق نامعقول استفاده جو باشند و جز تامین حیات خویش در ضرر دیگران چیزی دیگر آرزو نداشته باشند . مشکل است که روابط اتحاد و اتفاق در آن جامعه تحکیم شود وباعمارت های اقتصادی آن وطن بارتقاء افتد ؟

در اجسام یك جامعه مملکتی مرض تنبلی ووظیفه ناشناسی وغنیمت شماری که اقتصادیها پنهان سازی سرایت کرده باشد دشوار است عمران شیرازه اتحاد واتفاق که اساس سعادتش گشت باعتلا رود ؟

الحذر الحذر ...... درصورتیکه بلای مبرم بیکاری براجسام یك جامعه مستولی گردد طبقه ای می زاید که دارا شدن احتیاجی گوستاو لوبون فرانسوی الزاما چنین شکایت کرده : ومیگوید : طبقه ای که بجای هوش وتفکر حس تقلید وتبعیت آنها بخرافات واموراتسطحی ونظریات آنان در کلیه مسائل ضعیف واخلاق شان متزلزل وگوناگون قوای مدرکه آنها آنقدر شایستگی نداشته که برای رسیدن یك مقصود قبلا فکر کنند و مقدماتی تهیه نمایند و ادراك پیش بینی داشته باشند ، حاوی اعمال آنها هیجان خیالات وافکار پست که خلق الساعه بذهن آنها میرسد ونمیتوانند الامنافع آنی صرف نظر نمایند البته نمیتوانند که در دنیای مجاهدت رقابت عزتمندانه زندگانی کنند .)

لهذا جامعه افغانستان بمناسبت که دارای میزان اعتدال اقتصادی ملی خود و وضع بنیاد اساس های متین برای تشکیل امور مملکتی موقع رسیدگی را پیدا کرده نتوانسته است هر آنا بانضمام همیشه دهشت و گریان بوده ودمی نیاسوده تا عاقبت الامر قریب بود که راه عدم را با عدم بپیماید . لیکن چون خداوند جهان حافظ فضائل روحی جامعه افغانی وفضائل طبیعی محیط ما است بارها حفاظت کرده وهیچ زمان نخواسته است بندگان این وطن که در آینده بعالم بشریت خدمت خواهند کرد راه عدم را بپیمایند ، واستقلال فطری وطبیعی اش را از دست دهند ، وبه چار ناچار استغنا ده جویان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 774 of 896

گردیدند آری اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه افغان را برای مظاهر قدرت الهی کابینه جامعه افغانی قدرت داد چنانچه اعلیحضرت غازی در عالم اسباب بمساعدت فوق الطاقه والاحضرت ع ، ج شاه ولیخان فاتح کابل و والاحضرت ع ، ج المراحل سردار اولی العزم شاه محمود خان وزیر حربیه مصیبت خانه جنگی وبی اتفاقی را کنار وجنرال ارز و والاحضرت صدراعظم جامعه افغانی را از تجاوز ان نجات بخشید وباساس های دوختان سعادت قرین خویش نام شورای ملی که مطابق باروح ملی وفطری (جرگه) افغانان است وبرای نظارت وتدقیقات اصولنامه های حکومت با مجلس اعیان که شعار اسلام است وتاسیس اصول کابینه که مقتضای جهانیان است در تاریخ این وطن نام تاریخی را حائز شد .

خوشا ! به ابقای خدمات تاریخی عصر نادر شاهی .

خوشا ! بسعادت آینده جامعه افغانستان اکنون جامعه افغانی محتاج فداکاری ومجاهدت شورای ملی ومجلس اعیان و کابینه این وطن است چه سعادت اتحاد و اتفاق کنونی وسعادت آینده افغانستان مولود مجاهدت فداکارانه وتاسیسات نیک وهنرمندانه آنها است .

آری اگر آنها هدایات متین و حقیقی اعلیحضرت غازی را که در روز افتتاح شورای ملی فرموده اند یعنی : —

« هیچ کاری اگر اساس ندارد پیشرفت ندارد » حبل المتین ساخته وبرای سعادت آینده افغانستان بلا فوت فرصت اساس های متین گذارند یعنی سرک مستقیمی را بکمک عقلای عصر آباد سازند جای شبهه نیست که پیاده وسوار تبدیل وقت جبر وقت خوار کور ولنگ وموتر سوار من نیا ما که مجبور بر این اند بلا زحمت بطرف مقصود روان خواهد بود . مثلیکه ملل راقیه کنونی جهان در پیشرفت وارتقا هستند .

فی الحقیقه تا یک جامعه سعادت حقیقی وطن خود را که مهد اسایش اوست درک نکرده وبرای رسیدن به آمال حقیقی طریق اساسی ومستقیمی رانجسته و جامعه را آنرا تلقین نکرده است ممکن نشده که جامعه وطن متحد العمل گشته و به تعاون همدیگر محظوظ شده باشند .

بلی تا ملل راقیه اساس های قابل الحیرت اجتماعی خود شانرا در مدت قرنها و در عین بحرانها بپایه متین استوار نه نمودند از مصائب خانه جنگی و انقلابات و بدبختی داخلی رهیدند وجاده مقصود را با مجاهدات حیرت آور خویش نپوئیدند تا طبقه عالیه آنها در راه تعمیر و تحکیم شیرازه اقتصادی و اجتماعی جامعه خود فداکاری و جانبازی نه نمودند ، قدار و حاکمیت بحر و بر را حائز نشدند .

چه گوستاو لوبون پروفیسر اجتماعی میگوید .

« امتیاز و اقتدار ملل از یک دیگر مربوط بروحیات واعمال طبقه عالیه آنها است ورنه فرق (در طبیعت بشری) میان یک ملت وحشی ویک ملت متمدن نبوده و سواد اعظم آنها مثل همدیگر هستند »

روی همین فلسفه است که طبقه عالیه ملل راقیه باوجود دارای ذوات خبیر هوشمند ملی شان از همدیگر استمداد جسته و می جویند و برای بنیاد سعادت ملت خویش از افکار عقلای همدیگر استفادات کرده ومیکنند .

چنانچه امریکائیان و ژاپونیان که از قافله تمدن خیلی عقب بودند چونکه از عقلای جامعه بشریت استمداد جسته و اساس های متین ملی را اختراع کردند و کوشش نمودند امروز همان دو ملت بچنان سرعت خارق العاده به کمال ترقی و تعالی را که ملل راقیه در مدت قرن ها پیموده بودند در مدت قلیل طی کردند اکنون این دو ملت جوان در صحنه تیاتر روزگار چنان بکمال مهارت رول سیاست و تجارت را بازی میکنند که تماشاه بینان کهن یعنی ملل راقیه جهان و غیره از بازی آنها چنان متحیر و مبهوت گشته اند که نمیتوانند از شگفت تدویر ماهرانه آنها از جای خیزند . دلیل این ارتقا وسعادت جستن اساس درست . صحیح .

فاذا طبقه عالیه جامعه افغانی اگر علت تنزل اجتماعی واقتصادی واداری را بتوسط دانشمندان خبیر دنیا استمداد فرموده واصلاح کرده ودرقرون گذشته با تطبیقات شریعت اسلامی) اساس میگذاشتند بلاشبه قبل از مرور زمان فوت فرصت از ملل راقیه درردیف مللیکه منتهای ترقی رسیده اند عد وی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 775 of 896

می‌شدیم ؛ مثلاً اولاً برای قوای حاکمه که مراد ما از طبقهٔ عالیه یعنی ما مورین است تطابق قواعد جاریه نظام صورت تامین احتیاجات ، طرق اوقات ، و تهذیب ذوق فطری ، آنها نظر بمقتضات طبیعت ومحیط واقتدار وتوانائی روحی واخلاق جامعه وسیاست قتصادی اضافه ودرست کرده میشد الیه مرض اضطراب اخلاق وروحی از جسم جامعه افغانی تا بدء مرتفع شده امنیت روحی واخلاق ... ثابت میشد چرا گفته اند هر اداره ای که طرق نظم وآسایش این طبقه اصلاح شده باشد همان طاکمیت وترقی یک جامعه ثابت شده است (وتا جائیکه خبر داریم حکومت متبوع ما دوائر زمینه مساعدت انکار نموده میرود) اورو پائیان که این حقیقت واسرار را کشف کرده اند واصلاح کرده اند ، چنانچه حاکمیت بحر و بر وفضای آنها ثابت وبیرق حاکمیت آنها در تمام اقطار عالم در اهتزاز است هر فرد عزل هر جا خواسته باشد برود بیرق دولتش را حامی ومامورین اتش را خادم ومعزل خود می بیند ، چرا ؟

وسببش چیست ؟ چونکه انسان مطیع احتیاجات ومقتضیات خویش است و هرجستن مدارج آن دیگر چیزی را طبعاً آرزو ندارد آنها این فلسفه را کشف واصلاح کرده وبقانون استخدام آنها را قانع ساخته است . آن ها چنان روحی بخشیده که در حوزه ماموریت خویش ودر آزادی خود داخل حدود قانون خودش را مستقل دیده و بالذات خود را امیدوار دولت بکمال فدا کاری وديانت وکفایت شماری در سعادت مملکت کوشیده وبه کمال مقتضات بشری را می‌بینند آیا تولید این روح در آنها غیر قانون اجتماعی آنها دیگر چیست ؟ بعبارت دیگر آیا اسباب روح فعالیت و فدا کاری اتباع پنجاب وسرحد برای سلطنت حکومت انگلیس غیر پابندی اصول ووظیفه شناسی مامورین چیزی دیگر هست ؟ اما آوهر گز ، از بلان صحیح به تصویب کومیسیون فنی تدوین میداشت البته جامعه افغانی میتواند که بفهمد قوای فطری او چه ؟ وتا کدام وقت ؟ و بچه اصول میتواند طرق ارتقا وسعادت اقتصادی وطنی کشد زیرا پلان درست تعین می کند : —

مزایای طبیعی محیط چیست ؟ اقتدار وتوانائی اخلاق و روحی جامعه محیط کدام است ؟ قدرت وعظمت سیاسی کافهٔ محیط تاچه پایه است ؟ ترویان ؟ ق وتمایل آنها تاچه اندازه قوی وتا چه پیمانه وسیع است ؟ محیط ویک جامعه پس مانده چگونه آن را ودیعه ای ثروت را که ملل طی کرده اند چگونه زودی بپیماید گویا در حقیقت پلان محرک ومحور علم هر فکر وتوانائی ذهنی جامعه میباشد چنانچه علمای امروزی میگویند تجربه وعلوم وفنون وعرفان بما ثابت کرده وثابت نموده است که سعادت وحقائق معنوی ومسعود اهل وعرفان برای جامعه ها تا اسرار طبیعی وطن را دانستن وهیئت اجتماعی وسیاسی و اقتصادی و تاریخی وطن را شناختن سعی وعمل وکوشش خود متکی شدن است مثل امریکائیان وژاپونیان . ورنه علم و عرفان مغایر این مفهوم مولد انقلابات واضطراب و پریشانی اجتماعی بوده ودیگر ثمری ندارد مانند حالت اوروپائیان و شرقیان .

بعد از این بذریعه کومیسیون فنی بموقعیت طبعی و اقتصادی خودش متایکه در عصر گذشته نشان شده ویا تمهیدیکه اعلیحضرت غازی و ناجی فرموده بودی به بود ملت خود اساس گذاشته ومیفرمایند در اعصار گذشته که مراد ما از تاسیس صنایع و تمدید خطوط آهن است نظر به عقیده ترا نسپورت بین المللی طوریکه به اوائل سنه ١٣٠٧ در جریده اتیس مقاله داده بودم که مورد تحسین هم واقع شده بود .

التمامات افغانستان زیاده تر از حالت حاضره بکمال سرعت تجارت ، تجارت تفوق علم وعمل رهسپون شده ، از نظام وتجاوزات بر عرض ومال می آسوده ویس ، عمل جنگ زده در انقلاب گذشته طرفدار جنان شورش ناسوزنمید بوده مثل ملت آلمان وقتیکه در رای صنایع گذشته تجارت و اتفاق ودرج التوحقامرا رجند وابراز شده شد چرا که دانستند آنان میگویند شریان حیات و ارتقای ملت و مملکت خطوط آهن است بالخاصه برای مملکتی که موقعیت مرکزی دارد و هم چنین استفاده اش چیز شده میرود که گریک ساحتی مترهم راه آهن وی باصول فنی داراء بوده به بحر نزدیک بمادن وصل و در قلب مملکت از نقطه نظر سیاست اجتماعی واقتصادی

وسیاسی ومصنوعی تداوی حتی تعارضی نظر بمقتضای طبیعی محیط تدبیر شده باشد کذالک متخصصین فنی امریکا گفته اند اسباب بیداری ملت پس مانده تبدیل بیکاری خواب برده آهنگ چکش صنایع است قوای صنایع در حال یك جامعه مصیبت دیده چندان موثر است که شی طبیعی را مصنوع ساخته باشد خصوصاً مملکتی که مزایای طبیعی صناعتی را دارا باشد لهذا افغانستان درین موضوع های فوق قدامات جدی میفرمود .

البته افغانستان از بدبختی های نفاق و خصومت های قومی وخانه جنگی و غرض پرستی رهیده بزودی بطرف سعادت رهنمون میشد مثلیکه از اصول اساس های متین در شعب امروزه خوشنود و مسرور هستند .

والحاصل هیچ جامعه ای از پرتگاه گودال های اوهام ظلمت حرص و آز بشری نمی رهد تا حدود آن معین بوده و طریق صحیح اتخاذ نشده باشد خصوصاً در مملکتی که قلاش حکم فرما باشد .

ما از حکومت اساس پسند خوش بین و امید وار هستیم که به بنیاد موسسات صحیح خویش جامعه افغانی را بطرف آرزو هایش سوق فرموده و از حالت انحطاطش نجات داده و میدهد اکنون جای مسرت است که جامعه هم از هر یك قدم اساس دار متین جامع حکومت خویش استعلام فرموده تمجید و تقدیر میکنند .

(رو جهان افغان)

ترجمه از الاهرام مصر :

شخصیت بزرگ ناجی افغانستان اعلیحضرت نادر شاه

تمایلات ذات شاهانه بمصر ـ اخلاق ، معیشت ، اصلاحات ذات شاهانه

درین شك نیست که شخصیت بارزه در طول وعرض افغانستان همین شخصیت ذات شاهانه نادر شاه میباشد . چه ذات شاهانه از شخصیات بزرگ معروف عالم سیاست حاضره بوده که اوقات تکفل وظائف مختلفه روشن تر گردیده ودراثر حوادث تاریخی مشهوره که مهمتر آن حرب استقلال افغان و حرب بچهٔ سقاء سفاك سیاه کار که دفعتاً به ملك قدیم هجوم آور گردیده در صبح وشام در حالیکه هیچیك ازواین گمان وانه میبرد باستیلا نموده وشهرت ذات شاهانه منتشر افاق گردید .

رعب او مملکت را فرا گرفته خوفش درقلب هر انسان امتداد یافت . شورش تعمیم وزوید طوائف را دو چار ابتری ومبتلای تکالیف گردانیده بود .

در حالیکه فضای مملکت از فسادات تیره وتار گشته گرفتار مصائب پیچا پیچ بود درطرف مملکت این بطل قوی العزم نمو دار گردید . ذات شاهانه نفس خود را باقوس عزیز ترین رجال خود در راه نجات وطن در خطر افدا خته مطمع نظار گردید چه ذات شاهانه ناجی وقت شده محور امید های ملت گردید .

ودر آن وقت سیلاب استبداد بچهٔ سقا بانتها رسیده ملت از دستش بجان آمده بود وذات شاهانه صاحب صبر معتاد به بصیرت نافذ خود دانست که از وقت وطبیعت احوال استفاده نماید .

مثلیکه اضبار قبائل قویه وعنا صرکار آمد را به خود مناسب دید وبا وجود موانع وعوائق ها تعزاء باستیلا کابل واعدام سفاك باغی موفق گردیدند .

ملت کوششات شخصیت وناجی خود را تقدیر کرده به پادشاهی خود انتخاب گردند ذات شاهانه در ارگ اقامت نموده اکثر اوقات زمستان خود را در قصر گلخانه گذا شته ونیز اکثر اجرا آت دولتی وملاقات هـای شان در آنجا سر انجام می یابد ، وقصر مذکور از دوطبقهٔ مختصر تشکیل یافته دفتر شاهانه در طبقه ثانی آن میباشد .

وقتیکه برای ملاقات ذات شاهانه معین شده بود ساعت سوم بعد از ظهر بود در وقت مقرره برفاقت دونفرطلبهٔ افغانی فارغ التحصیل اروپا ومدیر بمعارف قند هار رفتم ، وقتیکه بقصر شاهی رسیدیم کمی باطاق انتظار که بقرب دفتر شاهی واقع است ، منتظر ماندیم ، جناب وزیر (دربار) مناسب دانستند که نوبت من در آخر باشد تاوقت کافی مکالمه بذات شاهانه میسر گردد .

زمانیکه باطاق ذات شاهانه داخل شده قریب میز شاهی رسیدم ، ذات شاهانه دست مبارك شانرا (مطابق اصول اسلام) برای مصافحه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 777 of 896

دراز نمودند . وتبسم شیرینی که ترجمانی عواطف قدیمهٔ ذات شاهانه را (که برمن در زمان معلمی معارفم داشت وذات شاهانه درآن وقت وزیر حربیه بودند) می فرمود هویدا بود .

ذات شاهانه متوسط القامت ، گندمی رنگ جلیل الطلعه بوده منظر حضورشاهانه شان بیننده را متعجب می سازد وار ذات شاهانه سکون ووقار نمودار بوده بازای سخن زده قبل از اظهار آن آنرا می سنجند ودر وقت تکلم کلام شان محدود بوده با ایجاز خود معنی مقصوده را ظاهر می سازد . ودر وقتیکه بکدام جماعت مخصوص تکلم نمایند مفصل تر می گویند . پس ذات شاهانه سر کردهٔ عارفین تقسیمات ومیول رعیت شان بوده اگر بگوئیم که سرکامیابی واقتدار شان همین است بی جا نخواهد بود .

بعد ازانکه ذات شاهانه مرا به نشستن امر فرمودند شروع به تکلم کرده تهنیات هم وطنین (مصری) خود را باشدت مسرورت شان از کامیابی ذات شاهانه بر شورشیان وفتنه هائیکه مملکت را فرا گرفته دار حربش (میدان جنگ) ساخته مدت یکنیم سال فریاد میکرد تقدیم نمودم . ونیز تهنیاتی را که بافغانستان وحضور پادشاه افغانستان دارند تقدیم نمودم .

ذات شاهانه جواباً فرمودند که محبت من نسبت به مصر وحضرت پادشاه مصر غیر محدود است . و از محبوب ترین امور نزد من اینست که تعلقات بین مصر وافغانستان و عالم اسلامی محکم باشند . و همین محبت حکومت و مملکت مرا به مبادرت بطرف ارسال سفیر بحکومت مملکت عزیز شما با وجود تکالیفیکه بر افغانستان گذشته بود آماده نمودند مرا مسرور می سازد که شما را به حیث دوست افغانستان و نماینده جریدهٔ صدیقهٔ بزرگی که در توثیق روابط تعارف و صداقت بین ملتین میکوشید استقبال نمایم .

و من محتاج بذکر جذبات و عواطف محبت که من وملت این مملکت بملت نجیب و وطن عزیز شما دارد نیستم دربین حسیات طبیعی و بحکم رابطهٔ دینی غیر منقطعه میباشد و من امید میکنم که عمل هریك از بین دو ملت تجربه در روشنی این حقیقت درخشان باشد .

مکالمه دربین ما بلسان فارسی زبان رسمی مملکت بود و ذات شاهانه علاوه از فارسی بانگلیسی و پشتو زبان ملی مملکت تکلم خوب کرده میتوانند و نیز اردو و فرانسوی میدانند .

در وقت هم کلامی باذات شاهانه صفاتی ظهور می نماید که نادراً در شخص دیگر یافت شوند . جلیس ذات شاهانه مکارم اخلاق ، زکی طینت ، صفای روح را محسوس می نماید و بشاشت از وجه شان حتی دروقت غضب شدید جدا نه می شود .

ذات شاهانه زندگی بی تکلف خالی از مظاهر ، وتکلف بسر می کنند ، چه اخلاق ذاتی شان آنها را از مظاهر طنطنه و محبت خود نمائی دور میدارد . و تمام توجه شان محصور دران است که مملکت خودرا به بیند که بسرعت تمام برای تحصیل مرکز سامی در بین امم رهسپار است .

ذات شاهانه پروگرام منظمی داشته برای در زندگی وامور روزانه خود عمل پیرای باشند . پس در روز های زمستان بعد ازادای نماز صبح وتلاوت قران و اوراد ، در امور واردهٔ شام تا ساعت ده غور می کنند ، بعد ازان از حرم سرای بدفتر مخصوص شان برای غور در امور مهمهٔ دولت می بر آیند .

ودر روز های تابستان قریب ساعت ۹ بدفتر بر آمده غالباً تا ساعت ۱۲ شغل نموده عادتاً همراه ارکان دولت و خوانین حاضر دربار طعام تناول می فرمایند بعد از صرف طعام ظهر را به جماعت ادا نموده باطاق مخصوص شان برای استراحت تشریف میبرند ودر ساعت سوم برای کار واستقبال ملاقاتیان تشریف می آورند . بعد از نماز عصر قریب ساعت ۵ و نیم بموتر خود به معیت بعض خواص برای هوا خوری بیرون شهر تشریف می برند و اکثر اوقات هوا خوری خود را در ملاحظهٔ بارکهای عسکر جدید التعمیر میگذرانند و به هر کار و ریاضت که مشغول باشند برسیدن وقت نماز مغرب ترکش نموده در قریب ترین مساجد آنرا ادا می کنند . بعد ازان بقصر شاهی برای مراجعهٔ امور صدارت عظمی و باقیماندهٔ امور روز رجوع می نمایند و قدری بعد از نماز عشا باطاق خود رجوع می نمایند .

ذات شاهانه روز پنجشنبه را از هر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 778 of 896

دراز نمودند . وتبسم شیرینی که ترجمانی عواطف قدیمهٔ ذات شاهانه را (که بر من در زمان ماضی معارفم داشت وذات شاهانه دران وقت وزیر حربیه بودند) می فرمود هویدا بود .

ذات شاهانه متوسط القامت ، گندمی رنگ جلیل الطلعه بوده منظر حضور شاهانه شان بیننده را متعجب می سازد وردات شاهانه سکون ووقار نمودار بوده بارامی سخن زده قبل از اظهار آن آنرا می سنجند ودر وقت تکلم کلام شان محدود بوده با ایجاز خود معنی مقصوده را ظاهر می سازد . ودر وقتیکه بیکدام جماعت مخصوص تکلم نمایند مفصل تر می گویند . پس ذات شاهانه سر کردهٔ عارفین نفسیات ومیول رعیت شان بوده اگر بگویم که سرکامیابی واقتدار شان همین است بی جا نخواهد بود .

بعد ازانکه ذات شاهانه مرا به نشستن امر فرمودند شروع به تکلم کرده تهنیات هم وطنین (مصری) خود را بشدت مسرورت شان از کامیابی ذات شاهانه بر شور شیان وفتنه هائیکه مملکت را فرا گرفته دار حربش (میدان جنگ) ساخته مدت یکنیم سال قرباد میکرد تقدیم نمودم . ونیز تمنیاتشان را که بافغانستان وحضور پادشاه افغانستان دارند تقدیم نمودم .

ذات شاهانه جواباً فرمودند که محبت من نسبت به مصر وحضرت پادشاه مصر غیر محدود است . و از محبوب ترین امور نزد من اینست که تعلقات بین مصر وافغانستان و عالم اسلامی محکم باشند . و همین محبت حکومت و مملکت مرا به مبادرت بطرف ارسال سفیر به حکومت مملکت عزیز شما با وجود تکالیفیکه بر افغانستان گذشته بود آماده نمودند مرا مسرور می سازد که شما را به حیث دوست افغانستان و نماینده جریدهٔ صدیقهٔ بزرگ که در توثیق روابط تعارف و صداقت بین ملتین میکوشد استقبال نمایم .

و من محتاج بذکر جذبات و عواطف محبت که من و ملت این مملکت بملت محبوب و وطن عزیز شما دارد نیستم دربین حسیات طبیعی و بحکم رابطهٔ دلی غیر منقطعه میباشد و من امید میکنم که عمل هریك ازین دو ملت محبوبه در روشنی این حقیقت درخشان باشد .

مکالمه دربین ما به لسان فارسی زبان رسمی مملکت بود و ذات شاهانه علاوه از فارسی بانگلیسی و پشتو زبان ملی مملکت تکلم خوب کرده میتوانند و نیز اردو و فرانسوی میدانند .

در وقت هم کلامی با ذات شاهانه صفاتی ظهور می نماید که نادراً در شخص دیگر یافت شوند . جلیس ذات شاهانه مکارم اخلاق ، نرمی طبیعت ، صفای روح را محسوس می نماید و بشاشت از وجه شان حتی دروقت غضب شدید جدا نه می شود . ذات شاهانه زندگی بی تکلف خالی از مظاهر ، وتکلف بسر می کنند ، چه اخلاق ذاتی شان آنها را از مظاهر طنطنه و محبت خود نمائی دور میدارد . و تمام توجه شان محصور دربن است که مملکت خودرا ببینند که بسرعت تمام برای تحصیل مرکز عالی دربین امم رهسپار است .

ذات شاهانه پروگرام منظمی داشته برای دو زندگی وامور روزانه خود عمل پیرای باشند . پس در روز های زمستان بعد از ادای نماز صبح و تلاوت قران و اوراد ، در امور واردهٔ شام تا ساعت ده غور می کنند ، بعد ازان از حرم سرای بدفتر مخصوص شان برای غور در امور مهمهٔ دولت می بر آیند .

و در روز های تابستان قریب ساعت ۹ بدفتر بر آمده غالباً تا ساعت ۱۲ شغل نموده عادتاً همراه ارکان دولت و خوانین حاضر دربار طعام تناول می فرمایند بعد از صرف طعام ظهر را به جماعت ادا نموده باطاق مخصوص شان برای استراحت تشریف میبرند ودر ساعت سوم برای کار واستقبال ملاقاتیان تشریف می آورند . بعد از نماز عصر قریب ساعت ۵ و نیم بموتر خود به معیت بعض خواص برای هوا خوری بیرون شهر تشریف می برند و اکثر اوقات هوا خوری خود را در ملاحظهٔ بارکهای عسکر جدید التعمیر میگذرانند و به هر کار و ریاضت که مشغول باشند برسیدن وقت نماز مغرب ترکش نموده در قریب ترین مساجد آنرا ادا می کنند . بعد ازان بقصر شاهی برای مراجعهٔ امور صدارت عظمی و باقیماندهٔ امور روز رجوع می نمایند و قدری بعد از نماز عشا باطاق خود رجوع می نمایند .

ذات شاهانه روز پنجشنبه را از هر

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 779 of 896

از زمانیکه اریکهٔ سلطنت شاهی افغانستانرا زیب افتخار بخشیده اند از هیچگونه مجاهدت و زحمت کشی دریغ نفرموده اند.

چنانچه وقتیکه بار سنگین سلطنت شاهی افغانستان بنا بر اصرار ملت محبوب شان بدوش ذات شاهانه بعد از آن انقلاب خانمانسوز واگذار گردید درین حالة ولو چیزی را که ذات شاهانه الزم و ضرور دانستند وجود امنیت حقیقی در سر تاسر مملکت بود زیرا درحال عدم امنیت امکان پذیر نیست یک حکومت در زمینهٔ فلاح و بهبودی ملت و مملکت خود قدم هـای اساسی بر دارد لذا ذات شاهانه در راه قیام امنیت عمومی در مملکت توجهات شاهانهٔ مبذول نمودند تا به فضل خدا یک امنیت واقعی در تمام مملکت عرض وجود نمود.

ثانیاً چون برای دوام امنیت و حفاظهٔ وطن وجود عساکر منظم و تعلیم یافته مجهز بالوازمات والبسه عصری ، از ضروریات اولیه شمرده میشد ذات همایونی دران قسمت توجه صمیمی شاهانهٔ خود را معطوف داشته علاوه بر تنظیم سایر قشله های قشله بزرگ با اصول عصری مجدداً تهیه فرمودند اکنون برحمت خدا مملکت ما دارای عساکر فداکار و منظم و مجهز بالوازمات عصری است که نظیر آن در تاریخ افغانستان مشاهده نشده است.

باز چون تعمیم معارف و تعدد مکاتب برای تعلیم و تربیه از اسرار مهم و عامل عمدهٔ ترقیات و خوشبختی های ملل بشمار میرود ذات اشرف همایونی دران باره عطف توجه فرموده معارف و مکاتب عرفانی مملکت را توسعه بخشیده خدمت قیمتداری را درین راه ابراز فرموده اند.

ترمیم و تعمیر مکاتب جدید کتب خانه و کلوب ها مطابع و مطبوعات تراجم و تألیفات استخدام معلمین فاضل الاخلاق یادگار عصر نادر شاهی بشمار می آید.

پس ازین چون ذات شاهانه هرگونه ترقیات صوری و معنوی مملکت را متوقف و منحصر به ترقی شعب اقتصادی میدانستند هر حیث وزارت تجارت را انتظام و وسعت بخشیده و وسائل لازمهٔ آنرا فراهم فرمودند.

همچنان ذات شاهانه در سایر شعب حیاتی مملکت انتظام و رونق تازهٔ ایجاد نموده همه را بخط اصلاح و ترقی رهنمائی کردند مثلا موسسه های جمعیت العلماء شورای ملی و دار الاعیان از خصایص دوره حاضر اند وزارت خانه ها و ریاست دار العلوم و ادوار تستی و سایر دوائر همه از ... و توجهات شاهانه شان فروغ و تعالی یافتند و باستخدام مامورین پاک نفس و صادق توجه فرموده اند.

در قسمت امور صحی طوریکه امروز حفظ الصحه اهمیت بزرگی در دنیا کسب نموده و توجه حکومات دنیارا بخود جلب نموده است ذات شاهانه درین باره نیز توجه فرموده علاوه بر تأسیس شفاخانه های متعدد ملکی و عسکری دوا ... مامور حفظ الصحه ... برای ... امراض صعب العلاج دق (سل) شفاخانه ... توبرکلوز ... تحت نظریات و ...

در علی آباد به پول شخصی خویش تأسیس فرموده اند که از هر رهگذر بهترین فوائد عصری دارد و بسترهای ملت عزیز ما گذاشته اند اعتنائی که درین موسسه بکار برده شده و در سناتوریوم های دنیا هم همین قدر اهتمام ورزیده اند باز چون الحمد لله ما همه مسلمان و مملکت عزیز ما مملکت اسلامی است و بدیانت مقدس اسلام علاقهٔ وصف ناپذیری داریم لهذا ذات شاهانه در راه تعمیر و ترمیم مساجد و تهیه لوازم مفروشه آنها و عطای معاشات لازمه به خطبا و امامان و مؤذنان خادمان مساجد و سرپرستی علما و مشائخ توجهات شاهانه مبذول فرموده اند.

و باز هم ذات شاهانه از فرط علاقه بدیانت و اسلامیت و ادای فرایض الهی که در سال گذشته موقع ادای حج بیت الله الحرام ... خودرا برای ادای حج اعزام نموده و توصیه فرمودند تا کلیه جناب شان مشکلات حجاج افغانی را هم که در اراضی حجاز بآنها پیش میآید بحضور شاهانه معروض بدارد.

چون مملکت افغانستان در اراضی حجاز حاجی خانه نداشته و دارائی برای اینکار نبود که در عصر سعادت حصر ذوات مقدس اعلیحضرت همایونی شاهنشاه افغانستان برای ورود حجاج افغانی حاجی خانهٔ در سرزمین حجاز تأسیس و تعمیر شود لذا ذات شاهانه قبلاً تأسیس یک حاجی خانه را در آنجا اراده فرموده و یک مقدار کافی پول برای حاجی خانه مذکور منظور فرمودند و درین موقع ...

جلالتمآب وزیر صاحب دربار او دو نفر علمای متبحر مولانا سیف الرحمن خان وجناب سید مبشر خان طرزی را بمعیت جنابشان مقرر فرموده واختیارات لازمه بایشان اعطا فرمودند تا جنابشان در ارض حجاز محل حاجی خانه رالانتخاب و تهیه آنرا بکنند .

و برای ارتباط علاقه و مناسبات سیاسی با حکومت حجاز خوش نظر به وابسطهٔ دینی ونسبت به کثرت ایاب و ذهاب و اقامت اتباع افغانی وقت حج در آن سرزمین انتقا معاهدهٔ مودت با حکومت حجاز داخل مجلسات گردیده معاهدهٔ را انعقاد دهند .

و نیز یك دکتور وعدهٔ از کمپو درها را با ادویه لازمه بمعیت جناب وزیر صاحب دربار مقرر فرمودند تا حجاج افغان را در ارض حجاز مجاناً معالجه و تداوی نمایند .

امروز وزیر صاحب دربار را تبریك این سفر خیرات اثر را گفته سلامتی و کامیابی مراجعت شانرا مسئلت دارم .

خودم هیچ رتبه و منصب ، هیچ نعمت و ثروت کسی تا امروز رشك نبرده ام ولی به اعزام جناب وزیر صاحب دربار از حضور چنین پادشاه مشفق با دل غیور ویندار به آن سرزمین مقدس در موسم حج اکبر برای تاسیس یك موسسهٔ خیریه غیر مسبوق که بی اولاد اسباب رفاه برادران مسلم ما بشود ،

در وقتیکه می تواند مسلمین تمام روی زمین را در یك عرصه سینه رشك میبرم و اظهار میکنم کاش بان خدمت اشرف در این اوقات متبرك از حضور چنین پادشاه مقدس ، من اعزام می شدم .

باز هم وزیر صاحب را بکمال روادادی بخداوند سپرده از خداوند تمنا می برم تا مرا هم چنان موقع مقدم نصیب فرماید .

در خاتمه از خداوند کریم التجا می کنم تا ما و همه مامورین و ملت غیور افغانستان را به پیروی و تأسی اعمال و نیات حسنه و خیر خواهانهٔ اعلیحضرت غازی توفیق کرامت فرماید و مملکت و ملت عزیز ما را در سایهٔ توجهات ذات همایونه باقصی درجهٔ خوشبختی وسعادت دینی و دنیوی نائل گرداند .

(پذیرائی وزیر صاحب دربار)

از کابل تا استانسیون چمن

روز دوم وقت حرکت جناب وزیر صاحب دربار احباب واقارب مجای جنابشان حضور بهم رسانیده بامان خدائی فرمودند در عرض راه اهالی مسکونه مجاور راه جهت ادای مراسم وداع واظهار امتنان از دیانت پروریهای شخصی اعلیحضرت غازی عرض وجود میکردند ، هنگامیکه وزیر صاحب دربار وارد جلال آباد گردید برعلاوهٔ ادای مراسم پذیرائی که از طرف نائب الحکومه ومامورین ملکی در محل اجراء پیوسته از عیسائی و کلانشوندگان شهر ونواحی قریبه نیز بعمل آمده ، ومردم تماماً از اصلاحات مهمه حکومت درهمه شعبات مملکت واز دیانت پروریهای شخص اعلیحضرت که بامورات مقدسه مذهبی که در دورهٔ حکومت نادر شاهی بمنصهٔ ظهور پیوسته اظهار مسرت وامتنان نموده اند ، جناب وزیر صاحب نیز این اظهارات عمومی را که بالنسبهٔ خدمات واصلاحات حکومت متبوعه ما ومساعیات اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی ابراز می شد ، شنیده ، بجواب هر جمعیت مستقبلین جانات مقیدهٔ را ابراز میفرمودند ، وهمه این ابراز آت حکومت حاضره را به نظر تقدیس نگریسته برای آتی نیز موفقیت ملت وحکومت را مسئلت می نمودند بالجمله مراسم پذیرائی حضرت وزیر صاحب درهمه جا الی زمانیکه از سرحد عبور می نمودند بوجه احسن معمول واین اقدام خجستهٔ حکومت در انظار عموم بنظر تحسین وقبول دیده شده است .

۶ حوت طالع قدر جلالتمآب سردار احمد شاه خان وزیر دربار افغانستان ساعت ۴۵–۷ بسواری قطار آهن سرحدی درحالی وارد استاسیون لاهور شدند که جمعی از اکابر وعمائد رؤسا وحکام محل واز کان ریاست بلدیه نو جوانان لاهور (واز طرف حکومت پنجاب سید بشیر احمد مجسترت) حاجی میر شمس الدین خان لاله کرم چند مدیر جریده پارس سردار فتح سنگ وزعمای متعدد مسلمین وهنود برای پذیرائی وخیر مقدم شان حضور بهم رسانیده بودند از طرف مستقبلین گلها نثار میشدند وحمایل گلها در گردن سردار موصوف تعلیق میشدند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 781 of 896

از سوادی موتر صرف نظر فرموده تا هوتل بریگنزا پیاده تشریف بردند روز جمعه مولانا احمد حبیب خان مدیر سراحت وحاجی میرشمس الدین خان ومیر حبیب الله خان با یک جمیم غفیری قبل از ورود وزیر صاحب حضور بهم رسانیده بودند درصحن مسجد شاهی با آن بزرگی جای خالی نمانده بود .

متصل وزیکه وزیر صاحب دربار با (ع . س آقای عبدالرسول خان جنرال قونسل افغانی وشهزاده محمد علیجانخان وشهزاده محمد یوسف خان وشهزاد کان سدوزائی) وغیره رفقاء سفر بمسجد شاهی ورود افگندند - از طرف اهالی غریو صدای زنده باد اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی وزنده باد سردار احمد شاه خان بلند شد . بعد از فراغ نماز آقای وزیر صاحب دربار به فراز منبر بر آمده نطق ذیل را ایراد فرمودند .

برادران اسلامی !

روز جمعه را در بدو غرام خود به لاهور از این رو تخصیص داده بودم که با برادران عزیز خود نماز جمعه را ادا نمایم . از اظهار خلوص که راجع به خیر مقدم سفرم نموده اید اظهار امتنان می نمایم - نظاره دلربای که دیشب در استاسیون لاهور مشاهده نمودم خاطرهٔ قیمتدار فراموش نشده نیست .

برادران مسلم !

وطن عزیزم افغانستان یک همسایه وهم دین وهم مذهب شماست لهذا بشما مژده میدهم که زیر سایهٔ حکومت اعلیحضرت غازی که موسس باساس محیز ومطهرهٔ اسلامی است بسرعت تمام بسوی تعالی وتکامل رهسپار و بفضل خدای متعال امنی از خلاف وافتراق در آن مملکت اسلامی نمانده .

اندازهٔ مصایب انقلاب گذشته را که مشتمل بر مصایب ومصاعب است آنها جهان مردم میتوانند کرد که از دور آن گذشته باشند ؛ لیکن در شعله های انقلاب نه برای افغانستان بل برای جمیع عالم اسلام صدها راز عبرت مکنون بود .

ولی خدا را شاکرم که بقوهٔ تدبیر وشمشیر اعلیحضرت غازی حیات اجتماعی وانفرادی ملی ما مستحکم از وشاداب تر شده اعلیحضرت از یک طرف برای تعالی وبهبودی ملت افغان افغانستان لاینقطع تدابیری اتخاذ می نمایند .

از طرف دیگر به جهت استحکام و فلاح اخروی ملت عزیز خویش نیز شب وروز ابتهال ورزیده وعقیده دارند که راز ترقی وفلاح مسلمین وابسته مراعات بامور مذهبی که ذمه وار سعادت دینی و دنیوی است . میباشد .

حضرات محترم مرام این مقصد مترقع تکالیف حجاج افغانی است زیرا هر ساله هزارها افرحجاج برای زیارت کعبة الله در آن سرزمین مقدس حجاز رفته با اشکال غیر متحمل مواجهه می شوند بنیاءً ذات شما هانه این تکالیف را حس وبرای فراهمی تسهیلات لازمه و استراحت وآرامش شان بما امر فرمودند که باتوفیق اخوت افغانستان وحجاز برای حجاج افغانی در مکه مکرمه تدبیر تعمیر قامت گـه مشتقل حجاج افغانی وا نمایم .

از حضار وهوخواهان اسلام التجاء می نمایم که برای کامیابی من بدرگاه باری تعالی دست دعا بردارند ؛ در خاتمه دعا میکنم که الله تعالی جل شانه همین را از محاسنیکه برای مسلمانها وتبسع ق القرون الاولی حتمی ولابد است مستفیض گرداند .

آمین ثم آمین -

بواسطه کثرت مستمعین که نتوانستند یکبار بشنوند برای وزیر صاحب دربار ضرورت افتاد تا نطقیکه از منبر بیان فرموده بودند در صحن مسجد اعاده فرمایند بلکه تا دفعهٔ سوم بر اتفاق تکرار افتاد در محل مذکور هزاران نفری برای مصافحه تشریف ورزیدند تمام حضار تحت ریاست مستر امین الدوله محراقی صداهای زنده باد اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه افغان و احمد شاه خان وزیر دربار ؛ فضا را انکان میدادند شب ۹ حوت بواسطه قطار پوسته سرحدی بسوی دهلی با آقای جنرال قونسل و رفقای همسفر عازم شدند در حالیکه رهبران ملت هند و رؤسای مسلم وهنود لاهور و جمع عظیم مسلمانان معزز با وزیر صاحب دربار تا استاسیون مشایعت می نمودند ساعت ۴۰ - ۷ صبح دهلی را رونق افروز فرمودند اعضای اداری جنرال قونسلگری افغانی در هند

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 782 of 896

خبر های داخلی

(وزارت حربیه)

(محاکمات عسکری)

نظر به راپورت واصله که از سوء اجراآت قوماندانی فرقهٔ غزنین وتعلیم گاه طوبچی بحضور عالیقدر جلالتمآب المر اعلی نشان والا حضرت وزیر حربیه رسیده بود ، تغییر وتبدیل ماموران فرقه های مذکور قرار آتی در وزارت حربیه بعمل آمده است :-

فرقه غزنی :

۱ - ع ، ش محمد شاه خان فرقه مشر وقوماندان فرقهٔ عسکری غزنی نظر به سوء اجراآت آن جلب مرکز وتحت محاکمه می باشد .

۲ - ج ، عبد الرؤف خان غند مشر به غند اول وج غلام رسول خان غند مشر به غند ۲ وج گل محمد خان غند مشر به غند ۳ فرقه غزنی جدیداً مقرر گردیدند .

۳ - ش ، فتح محمد خان کند کمشر رئیس ارکان حربیهٔ فرقه غزنی که اجراآت درستی نکرده بود ، موقوف ودر مرکز تحت محاکمه می باشد .

تعلیم گاه توپچی :

۱ - ش محمد غوث خان کند کمشر معاون تعلیم گاه نظر به سوء اجراآت آن از آنجا موقوف وتحت محاکمه است .

و اگر محمد غوث خان مذکور برائت خود را در محاکمه حاصل کرد بدیگر جا منصوب خواهد گردید .

وج عبد الغفور خان غند مشر توپچی که شخص لایق است به مدیریت تعلیم گاه توپچی مقرر گردید .

۲ - میرزا لطیف الله خان سرکاتب تعلیم گاه نیز نسبت به سوء اجراآت موقوف وعملاً تحت محاکمه می باشد .

وزارت مالیه

(مقرری ها)

ماموریت های مالیه :

۱ - ص میرزا محمد کاظم خان سابق مامور مالیه دره صوف مزار شریف به ماموریت مالیه درزاب وگرزیوان مربوط حکومتی اعلی میمنه .

۲ - ص میرزا غلام حیدر خان سابق مامور محاسبه بلدیه ولایت که از طرف ع ش احمد علی خان معاون ریاست تنظیمیه مزار شریف ، به ماموریت مالیه قرچه تعیین شده بود ، منظور شد .

۳ - ص میرزا محمد کاظم خان پسر عالیجاه احمد قلیخان سرکاتب ووکیل مدیر استخبارات ریاست تنظیمیه مزار شریف بماموریت مالیه وریزه کوهستان منصوب گردید .

۴ - بماموریت های مربوط حکومتی اعلی مشرق :

الف :- ص میرزا عبد المجید خان سرکاتب محاسبه مدیریت محاسبه عمومیه وزارت مالیه ، ترفیعاً به ماموریت محاسبه حکومتی اعلی مشرق مقرر گردید .

ب . ص میرزا محمد ابراهیم خان ولد میرزا محمد ... خان مرحوم سابق مامور مالیه نوری به ماموریت مالیه کوز کنر مربوط حکومتی کلان کنرها مقرر شد

ج . ص میرزا عبد الحمید خان سابق مدیر محاسبه ولایت قطغن و بدخشان به ماموریت واردات و مصارفات حکومتی اعلی مشرق منصوب گردیدند .

د . ص میرزا محمد یعقوب خان ولد میرزا محمد شریف خان غزنیچی ، مامور سابق ترنک وجلدک قندهار ، بماموریت مالیه خوگیانی مقرر گردید .

ح . ص میرزا عبد العزیز خان سرکاتب مستوفیت ولایت کابل که سابق عهده

و ارکان انجمن رفیق المسلمین با رهبران ملت و روزنامه نگاران جراید و حکامان وزیر صاحب در بار را در استاسیون دهلی استقبال نمودند و بوقت فرود آمدن از قطار آهن صدا های زنده باد اعلیحضرت غازی و وزیر صاحب در بار بلند شد . اراکین انجمن رفیق المسلمین حمائل طلائی و اهالی حمائل گل را بگردن وزیر صاحب تعلیق نمودند .

بتاریخ ۱۱ حوت وزیر صاحب در بار وارد استاسیون بمبئی شد و درانجا اراکین احزاب مختلف و نماینده گان جرائد هندی و انگلیسی یاروسای شهر استقبال نمودند .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 783 of 896

ماموریت داشت به ماموریت مالیه سرخ رود مقرر گردید .

۵ - ص میرزا نور محمد خان سرکاتب مستوفیت ولایت کابل ، بماموریت چقانسود رتبهً مقرر گردید .

جلب حیوانات برای توپ کشی

طوریکه شایع شده وزارت جلیلهٔ حربیه جهت حمل و نقل توپهای هو درز و انواع سنگین حرا یکصد اسپهای وله و فیل های قوی خریداری کرده و از آنجمله (۱۲۰) اسپ بجلال آباد سوق و ما بقیه نیز عنقریب خواهد رسید .

(مکافات)

بخبر خصوصی ما اطلاع میدهد حکومت عالیهٔ دن ماموریں و مستخدمین شفا خانهٔ ملکی و شفا خانهٔ مستورات را در نتیجهٔ نظافت و حسن تنظیمات و اجرا آت شفا خانه های مذکوره علی قدر مراتبهم مکافاتاً باعطای یک مقدار پول برخی را بترفیع عهده هم قابل و مفتخر فرموده است .

طرد ملازمت

عبد الحق نام کاتب کندک توپچی مقیم لغمان که یک مقدار پول دولت را از درک معاش بیطور دست بازی زده و خورده است اصولاً تادیهٔ پول و طرد ملازمت از طرف حکومت محکوم شده است .

* * *

بلند محمد خان علاقه دار الدرهٔ چدران مربوط حکومت اعلی جنوبی نسبت به عدم پرداخت او در اجرای امورات علاقه داری یک ساله طرد ملازمت شده است .

دستیاب اموال

زیوراتیکه از خانهٔ عبی الدین نام ساکن شهر غزنی مفقود شده بود در اثر تحقیقات و مساعی جمیله عالیجاه عزت همراه نصر الله خان حاکم کلان و قومندانی کوتوالی غزنی از نزد محمد عارف نام که در قومندانی آنجا توقیف گردیده بود دستیاب شده و بصاحبش استرداد گردید چون سارق مذکور اقبل سرقت فرار نموده البته اصولاً برایش تعزیر داده میشود .

وی پولیسیکه در اثر فعالیت و وظیفه شناسی خواش بحکمت عمل اشیاء مذکور را با سارق پیدا نموده از طرف حکومت تحسین و علاوتاً به او مکافات نقدی نیز داده شده است .

مسافرت

عالیقدر جلالتماب یوسف حکمت بیگ سفیر کبیر دولت جمهوریهٔ ترکیه بدربار شاهی کابل که بتاریخ ۳ سنبله ۱۳۰۷ وارد افغانستان گردیده بودند اینک بعد از انقضای ۲ سال و ۶ ماه و ۷ روز بروز دو شنبه ۱۰ ماه حوت ۱۳۱۰ بطور مرخصی از راه هند بطرف وطن مالوف خود شان اعزام گردیده ، بصورت مجموعی مراسم وداعیه شان خیلی صمیمانه گرفته شده دوستان شان عموماً برای مفارقت شان متاثر گردیده اند .

از ریاست عالی تمیز :

(۱) از ریاست تمیز وزارت عدلیه در باب جلب مدعی علیه چنان تجویز و بذریعهٔ مکتوبهای متحد المال در هر محکمه اطلاع داده شده ، کسانیکه بحضور قاضی محکمه را جع بدعوی حقوق خود که شرعاً دعوی مینمایند ، ولی بحضور قاضی قسم خورده و یا دو نفر شاهد موافق دعوی خود اقامه نماید که باعث جلب مدعی علیه گردد ، و الا بمجرد عرض مدعی ، مدعی علیه را از جا های دور و دراز و خارج شهر که شبانه واپس بجا لهای خود عودت کرده نتوانند خواسته نمیشوند .

(۲) احمد نام ولد محمد رضا ساکن خوردک تحته درنگی که خدایداد ، و محمد بخش نام ساکنان موضع مذکور را به قتل رسانیده بود ، و در محکمه ابتدائیه و مرافعه و ریاست تمیز بالای احمد مذکور ثابت گردید و از طرف حکومت مشروع ما امر شد که بورثه مقتولان سپرده شود .

از وزارت تجارت

هیئات خریداری پوست :

دائرهٔ جدیداً بنام ریاست خریداری پوست در ولایت مزار شریف تاسیس شده و رئیس آن هیئت خواجه تاج الدین خان است ، بر علاوه دو نفر مامور که یکی در مرکز ولایات و یکی هم در اندخوی و میمنه است با یک سرکاتب و یک منصف

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 784 of 896

خبرهای خارجی

روتر ۱۱ حوت

چین وژاپون

امید صلح میرود

اطلاع شنگهای مشعر است که افواهات شاعه دربابِ صلح توالید امید مینهاد. افواهات مذکوره ازین قرار است که جاپان آماده است به مقرر نمودن یك کمیتهٔ مرکب از چینی ها وجاپانی ها وملاحظین بی طرف جهت نگرانی باز گشتن وعودت عسکر جانبین وبه تقرر یك کنفرانس مرکب از تمام دول دارای مفاد مشترك تا در موضوع مسایل امنی وپولیسی نقطهٔ تخلیه شده وحفظ مفاد چینی ها وخارجی ها ترتیبات قرار دهند

ویك تحویلدار ، از وزارت تجارت مقرر و اعزام صوب ماموریت خود گردیدند

مدیر احصائیه زراعه :

آقای محمد علیخان سابق مدیر تحریرات ولایت کابل به مدیریت احصائیه زراعت مزار شریف و حاجی عبد العزیز خان سابق سرکاتب محاسبه ریاست قبائل بسر کاتبی مدیریت مذکور مقرر شدند .

مدیر گمرك مزار شریف :

میر نور الدینخان مدیر برق وزارت تجارت بمدیریت گمرك ولایت مزار مقرر شدند .

وراجع بوضعیت آینده ٔ شنگهای مذاکره نمایند .

بمبارد ومقاومت

درعین زمان طیارات بمهای دارای مواد انفلاقیهٔ مهلکه را می افگنند وتوپخانه نیز مصروف عملیات است وتانك ها وپیاده ٔ جاپانی بر موضوع چینی ها در جاپای ترس عمومی مینمایند ودو نظر دارند خطوط عسکری چین را بشکنند مگر چینی ها بشدت مقاومت نموده باتوپهای بزرگ جواب میدهند .

معنویات چینی ها

اگرچه در کیانگ وان سکون حکم فرما است مگر علامات حملهٔ شدید به ملاحظه میاید مقدمت الجیش فرقه یازدهم جاپانی اینجا موقع نموده است مگر قسمت کلی فرقه مذکوره هنوز فرود نیامده است وامید است جنرال جدید جاپانی (شیرا کاوا) امروز برسد معنویات عسکر چین باوجود اشکالات وضیاعیاتی که بدان گرفتار شده خوب است وبشدت مواقع مدافعه خود را تحکیم مینمایند وخصوصاً مواضع تعبیهٔ ماشیندار های خود را بخوبی درست می کنند .

کمیسون مجمع ملل در توکیو

قرار اطلاع توکیو کمیسون ماموریای مجمع ملل بانجا وارد شده است .

یك اطلاع دیگر توکیو مشعر است که بر سطح کشتی علم بردار دوائر ترتیبات امیر البحر کلی جهت ترغیب قوماندا های طرفین باتخاذ اصول مسالمت مسی جدیانه نموده می شود ، وامیر البحر های جاپانی کامیس راو وموتسوردی گوداکته ولنگتن کوی چینی ووتیس ارکان عمده ۱۹ چینی حضور دارند .

اظهار مامورین جاپانی

اطلاع شنگهای مشعر است که روز یکشنبه مامورین جاپانی به روتر گفتند که عزم نداریم کشتی علم بردار وکشتی که دران قوماندان دستهٔ واحل می کند بیرق بر افراشته شود از قراریکه دول چارگانه اقتضا نموده اند جهت جلو گیری از افتادن بم بر مسکونه بین المللی از جانبین حرکت دهیم ونه اقتضا نموده اند تعهد مینمائیم که بعد از این قوای جاپانی در مسکونهٔ بین المللی فرود نخواهد آمد .

اگرچه قابل توجه است که یازده صد نفر پیشداران فرقه یازدهم جاپانی در تحت حمایت آتش کشتیهای مخرب در دو سرنگ فرود آمدند لکن که نسبت احتمال فرود آمدن عسا کر جاپانی در مسکونهٔ بین المللی وجود داشت بصورت معینی دفع گردید و کشتیهای حمل ونقل جاپانی که حامل فرقه یازدهم بودند شام یکشنبه بلنگرگاه جاپانی در مسکونهٔ بین المللی رسیدند وعساکر در آنجا فرود می آمدند .

شهر مرده گان

کیانگ وان حالا شهر مرده گان است ودر کو

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 785 of 896

چه هاي آن اجساد زياد اموات افتاده است که متجمله ششصد نفر آنرا اتال شمرده اند. که اشخاص ملکي ميباشند ووزير چاپونرا پورتي که ازچينوارسيده اشعار ميدارد که جاپاني ها صلح ما بل الدوغي نداده ميگويند اين عبارت ازچال است که بدان جوابوسيله جاپاني ها مي خواهند جهت آوردن کمک وقت حاصل نمايند وماموري چيني اعتراف مينمايند که مقاومت شديد مدافعين کيانگ وان خاتمه يافته وشهر مذکور تخليه نموده شده است.

اير لند وانگلستان

شين او کيل که ماءمول است درحکومت جديد آيرلند عضويتي داشته باشند درعين نطق خود در کارويك روزيکشنبه بيان نمود که پروگرام « فيانا فال » ازبراي آيرلند عبارت از آزادي کاملي است. واظهار عقيده نمود که آزادي آيرلند بدون رسانيدن زحمت به برادران آيرلند حاصل ميشود و تاکيدنمود که « فيانا فال » ميخواهست که قسمت هاي ديگر حقوق ملي را بصورت مسالمانه وطريقه هاي تشکيل بدست آورد. و ما نمي خواهيم حکومت خودرا وادار کنيم بانيکه با انگلستان اعلان مبارزه نمايد.

چين تصويب صلح برطانيه را قبول نموده

اطلاع جينوا مشعر است ، که دالتنه شده است حکومت چين مصوبات صلح برطانيا که از طرف ليس از سطح کشتي (کنت) فرستاده شده بود قبول نموده است وجاپاني ها مصوبات مذکوره را جهت ملاحظه امپراطور به توکيو فرستاده اند.

مجلس بي نتيجه

اطلاع شنگهای مشعر است که کنفرانس که بر سطح کشتي علم بردار موسوم به (کنت) جريان داشت نتيجة بخاطر خواه نداده است چونکه جاپاني ها آماده نبشند ه. راجع به مطالبة خود در باب بازگشتن وجمعت عساکر چين به فاصله بيست کيلومتر از شنگهای وتهديد قلعه هاي پوشان ووو سونگ که ميخواهند تابه زمان رسيدن تقويت وقت حاصل کنند.

جاپاني چيني ها را تهديد مي کنند

اطلاع ديگر شنگهای مشعر است که در نوته ماءمورين عسکري جاپان به رئيس بلديه شنگهای مذکور است که اگر حرکات عساکر چين در بين خطوط آهن را که دربين شنگهای ونجو ، وشنگهای تانکنك زودي معطل نشود خط آهن را که دربين شنگهای ونجو ، وهانکنك امتداد دارد خراب خواهيم نمود در نوته مذکور به چيني ها تاه تاريخ ٤ مارچ وقت داده شده است که اين اقتضا را تعميل نمايند . اگر جاپاني ها اين تهديد خود را اجرا کنند باموال ونفوس خساره زيادي خواهد رسيد.

بمباردي درجاپاي

اطلاع شنگهای مشعر است که در محاذ کيانگ وان تمام روز محاربة شديدي جريان داشت وهر دو طرف تلفات زياد برداشتند جاپاني ها ورود عدة زيادي از عساکر وتوپخانه را که حاوي بر توپهاي ها وازرشش اخ ميباشد فرود آورده اند وبراي حکومت احاطه واجراي آن لازمي است تهيه مي بينند . ظاهر است که چيني ها در مقابل تصادمات قوه متزايد جاپاني ها مقاومت نموده نميتوانند و درعين زمان بر جاپاي نيز بمبارده شديدي جريان دارد .

کوشش بمنع محاربه

اطلاع جينوا مشعر است ؛ اطلاع قبول مصوبات پول بانکور از طرف جاپاني ها ديروز شام درجينوا رسيد واز طرف ماتسو ورا ، وسيج ، به ساتمن دوبول بانکور ، ابلاغ گرديده ، ساتمن ، به ماتسورورا ، راجع به ضرورت معطل ساختن عمليات حربي تاکيد نمود وماتسو ورا وعده کرد کوشش زيادي راجع به منع محاربه بنمايد .

اطلاع شنگهای مشعر است که توقف عمليات حربي در شنگهاي غير مقصود معلوم ميشود . تلگرامات جينوا وشنگهای وامانند بيش مراه ييش از اسب مي نگرند جاپاني هـا ازباز خواهي

عساکر خود دریك وقت برابر باچینی ها اقدام نمایند . شیرا کاداشت گذشته اعلان نمود که اگر قوای چینی تصویب جاپان را قبول نموده عساکر خود را به فاصلهٔ بیست کیلو متر عقب بکشند عملیات حربی معطل خواهد شد ، ولی ذاتاً چینی ها این را قبول نخواهند نمود اطلاع دیگر شانگهای مشعر است که کمیته ی چینی وزارت خارجه چینی پریو تر کمیت وصول راپورت نو کیو دریاب عدم امداد کی جاپان را جمع به باز خواستن عساکر خود دریك وقت باچینی ها تمام امید مصالحت را برهم میزند .

عزیمت

ج ج آقای الله نواز خان صاحب یاور اول حضور اعلیحضرت که چندی قبل برای معالجه به المان رفته بودند ، لیکن علاج شان با کمال نرسیده بکابل عودت فرموده بودند ، امروز مجدداً بمعرض اکمال معالجه بطرف المان عزیمت فرمودند

تصحیح صفحه ۱۱ این شماره

در ستون اول سطر ۱۳ محتاج ، محتج خوانده شود.

در ستون اول سطر ۲۵ نظار ، نظاره خوانده شود .

در ستون ۲ سطر ۲ قبل از ممیز شریعت افزوده شود .

در ستون ۳ سطر ۳ توفیق ـ توثیق خوانده شود .

در ستون ۲ سطر ۱۰ فی القرون خیر القرون خوانده شود .

وداع

مشترکین کرام بلکه عموماً قارئین ذوالاحترام جریدهٔ انیس مسبوق خواهند بود که نگارنده در انجمن ادبی کابل عضویت داشته و به نسبت علالت آقای محی الدینخان صاحب امتیاز این جریده موقتاً تحریرات انیس را عهده دار شده بودم (چنانچه در شماره ۱۷ همین سال بتفصیل ذکر شده)

درین اوقات که از طرف پرورشهای بیکرانهٔ پادشاه دانش دوست ، انجمن ادبی در شرف توسعه و امور مفوضه آن رو به انبساطات اشتغالمن وظایف اصلی لازم تر افتاده .

اگر چه دراین عرصه تصدی من شاید نگارشی که شایان این جریده یا امور وطن اما بوده از قلم نگارنده طراوش نیافته باشد تنها باین مفتخر بوده و دل خوش دارم که شش ماههٔ زحمات قلمی و دوندگی من مانع سقوط یك جریده ملی بحساب رفته باشد .

در خاتمه از همکار و همقلمانی که در مدت شریك این زحمات من شده اند تشکر کرده و آرزو دارم جریدهٔ ملی انیس از فر فکر و قلمی مدیر صاحب سابق اصلاح آقای محمد امین خان خوگیانی و دیگر نویسندگان وطن سال های درازی درین دور درخشان نادر شاهی که از بهترین اعصار عرفانی مملکت عزیز شناخته می شود محل استفاده هموطنان واقع گردد .

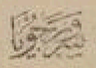

اعلان

هر کس معارف اداره شود و با معارف میشود جریدهٔ انیس را بیکان خدمت شان تقدیم میگردد .

هر کس مجریدهٔ انیس سابق از ین اشتراك نموده باشد واخبار برایش نرسیده باشد وسید اداره بدست دارد به اداره ارسال فرمایند تا اداره در احیاء حقوق شان بکوشد .

کسانیکه از نرسیدن اخبار شکایت داشته باشند اداره را مطلع فرمایند اداره حاضر است تا از جای مشترکین جریدهٔ خوش معاملات تمام ورزد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 787 of 896

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 789 of 896

جریده هفته وار

انیس

◊ قیمت اشتراک ◊

کابل	۱۲ افغانی
اطراف وولایات داخله	۱۴ 〃
طلبه معارف	۷ 〃
در ممالک خارجه	۲۰ شلنك

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

(شماره ٤٣) مجلد ٥

انیس

اشتراک سالانه ١٢ اقاتی
محصول پوست ٢ ٥
خارجه ٢٠ شلنگ

اداره : کابل جاده ارک
مؤسس و صاحب امتیاز : محیی الدین
مدیر محمد امین خوکبانی

۲ شنبه ١ حمل ١٣١١ تفلیس ۲۳۰٦ ١٣ ذیقعده ١٣٥٠

قلم و شمشیر

قلم خلقت (اول) الهیه است ، شمشیر صنعت انسانیت است .

ارباب ادب ، در باب مناظره لیل و نهار و در فصل جدال قدیم خاك و باد ، در بوستان گل و از هار ، و در معرکه سیوف ابطال با قلام اهل کمال مقالات بلیغه افاده و مقامات مفیده را اقامه کرده اند . البته هر فضایلی که ارباب ظرفین گفته اند درست است اگر زیاده گویند درست تر خواهد بود . زیرا فضائل قلم و مزایای سیف غیر محدود است .

مدح آن اشیاء که امش می برند
قاصرند گر تا قیامت بشمرند

آری در بیان فضائل تفاخر کردن اگر با شان همسکر باشند جایز است (اما بنعمة ربك فحدث) و اگر در تفاخر اثری از مطالعه و قدری از غرض داخل شود بهر طرف دروغ اثری ندارد (الهاکم التکاثر) اگرچه در بیان فضائل و در اظهار محاسن اسلوب تفاخر را من خوش امی بینم مگر ارباب سیوف در مابین خود ، محاب قلم با همدیگر مباحثه می ورزند در یك سنگر با را در فضیلت خود محصور میدانند .

بهر حال سیف و قلم با هم دیگر متعارف و متکافل میباشند ، شمشیر با قلم در هر شان توأم و صدیق و در هر حال حبیب شفیق است .

آری تفاضل وجدل در رجال و اعلام است در شمشیر و قلم نیست .

اگر در بیان فضائل شمشیر و با فضائل قلم با خیال شاعری سطحیانه سخن گفتن روا باشد شمشیر فضیلتی دارد که قلم ندارد یعنی دست با عصمت رسول الله صاحب قرآن کریم و شمشیر داشت قلم اداشت حقائق اسلامیه را با برهان ، ادلام نبویه را با بیان ، سیاست عادله و امنیت عامه را با سیف برنده قامت کرده ، بدست ذی عصمت قلم انگرفت ، از شرف تامس اسلامیت قلم نصیبی ندارد (انا ارسلنا و فی الامیین رسولا) این دو شرف ، شرف صاحب حیق تا سیس اسلامیت شرف بودن در دست عصمت رسالت ، مخصوص شمشیر است .

معهذا قلم فضائلی دارد که سیف ندارد .

ثانی قسم در قرآن کریم در آیات متعدده آمده و در سوره ، ن و القلم و ما یسطرون ، تعظیم قلم بصورت قسم الهی بنهایت درجات رسیده اما سیف در قرآن کریم در هیچ آیت کریمه مقسم به واقع نشده است .

در فضل سیف و در فضل قلم این دو دلیل در نظر ظاهر بینان گرچه تمام است لیك در نظر واز دانان حقائق بینان البته نا تمام است . زیرا سیف و قلم از صورت مادیه معدنیه یا از صورت قصبه نباتیه نیست ، سیف در حقیقت تمثال قوت و شعار عدالت است . قلم رسول افادات عقل و ترجمان رأی و لسان علم است . هم عقل و هم قوت در اساس اسلام معتبر است ثانی عقل و قوت در قرآن کریم در آیات متعدده آمده است : عقل رکن اول اسلام و اساس متین اسلام است (مدار تکلیف شرع است) قوت در تأسیس اسلام و تمکین امر اسلامیه سبب متین شده است برای شان قوت و تمکین نعمت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 792 of 896

خداوند است علاوه برین قوت از اسماء حسنای الهیه مستفاد شده است .

وذات علیه دست عصمت رسالت اسلامیه هم سیف صارم وهم قلم ساطع داشت . قلم در حکم و در تشریع . سیف در تأمین و در تنفیذ معتبر است .

قلم در اصل وجود و در اساس موجود دخلدار است مهندس حکیم در هندسه نظام کائنات بدست قدرت خود قلم حکمت الهیه را گرفت ، نقاش ازل در الواح طبیعت ؛ در صحائف وجود . عدد قلم حروف کائنات را و کلمات موجودات را بخط جلیل نوشت .

رب اکرم جل جلاله به انسان همه علوم را با قلم الهی عادی تعلیم کرد گویا قلم اولاً بقدرت خدای عزوجل ثانیاً دردست انسان اصل جمیع برکات شده است .

هر موجود ، همه علوم ؛ همه معارف وصنائع از قلم است . شمشیر در این امور قاقعه دخل نداشت وندارد

هیچ موجود ، هیچ نقاش ؛ در وقت ایجاد در وقت نقش ، در ساعات کشف بغیر قلم کار نکرده ، ودر دستش هیچ وقت سیف نبوده است .

بل کسیکه بدست خود خونها اشک ناحق ریزد دست او عاقبت از برکت عقیم مانده است .

عوالم علویه در دست خود قلم دارند در صحف مکرمه مرفوعه مطهره بایدی سفرة کرام برره ، غیر انسان عاجز بدست خود سیف نگرفته (در مغازی نبوی چون فوج ملك بر معاونت رسید از طرف

استعمال سیف مسبوق نبودند که برایشان هدایت میشود که شمشیر باید بر مفاصل بخورد) و در غیر مجمع انسانی و در غیر ضرورت ، سیف هیچ ندارد زیرا که سیف صناعت انسانیه میباشد .

فضل شمشیر تنها برای مدافعه وتنها برای حفظ وحمایه است اما سیف از شرف ایجاد دنیاماً محروم است .

آثار هدم درهر عصر و درهر مدنیت درصحائف ایام به اساطیر وقائع و وقوعات مدهشه مرقوم ومتصل شده است .

شمشیر بی قلم غیر از هدم چیزی کردن نمیتواند وقلم از سیف مستغنی شدن میداند .

بس غزا زین فرض شد بر مومنان
تاستانند از کف مجنون سنان

سیف در ذات خود اختیار حریت ندارد دردست اهل ونا اهل کار خود میگذارد .

چـون سلاح وجهل جمع آمد بهم
گشت فرعون جهان سوز از ستم

اما قلم در دست نااهل هیچ وقت کارنمیکند (نه خیر گاهی بدست بداخلاق هم می افتد که عالم را تباه میسازد) قلم عزت ذاتیه واختیار عملی دارد از قلم کمال انسانیت فضائل اسلامیت است اما از سیف هیچ وقت مقصد عالی نیست بلکه جواز آن برای ضرورت واضطراب است . .

از لسان مولانا جلال الدین رومی رضی الله تعالی عنه از مثنوی میگوید .

من نمیکردم جهاد از بهر آن
تا ظفر یابم فرو گیرم جهان

در شرق اقصی :

معرکه چین وژاپون

درین اوان چون محاربه چین وژاپون بماشهای شدت جریان داشته ، تذکار شانگهای بار بار در صحایف مطبوعات آمده میرود ، لهذا لازم دانستیم که بقارئین جریده اهمیت شانگهای واز مفاد دول اجنبی که دران علاقه دارند خاطر نشان کرده شود .

کین جهان جیفه است مردار وخبیص
بر چنین مردار چون باشم حریص

پس وجوب جهاد برای مصالح بشر است چون حواس انسان بر عقل او غالب است و وهم انسان بر حواس او قاهر است از آنرو خوف در انسان اول انفعال است وخضوع و در حضور قوت بجای حال است .

لاجرم حرمت ارباب سیوف در نظر عموم مشهود میشود وحرمت اهل قلم درهر جا و درهر عصر مستور .

این عدالت الهیه است که نقصان سیف را به محترم بودن خاطره جبیره کرده فضل سیف نسبت بقلم بدین جهت متضاعف شده ، وخاطر اهل سیف بدین تدبیر مطمئن گشته است .

نیست باطل آنچه رحمن آفرید .
وز غضب وزحلم وزنصح مکید
رو حبان افغان

انیس : شمشیر از مزایای ذاتی وخصائص موروثی ملت افغان است قلم از فضائل کسبی بشر است باوصف شمشیر مقدم وجیز . لاینفك باید ساخت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 793 of 896

میدان حرب شانگهای :

جهازات بحری ژاپون بر منطقه شانگهای علی التواتر میرسد . و دیگر دول معظمه دنیا باین محاربه چین وژاپون راساً دلچسپی دارند . زیرا مفاد دول مذکور بآن مربوط است .

شانگهای یك منطقه و مسکونه بین المللی است اگرچه تنها تهانه محافظت قرانسه دران جا موجود میباشد ، با این شانگهای مرکز توجه و مفاد تمام دول خارجی است ، چنانچه به شانگهای مفاد ۱۴ حکومات اجنبی وابسته بوده حقوق و مطالبات همه دول قریب و بعید حیثیت متوازنه دارد . و بازار تجارت اجنبی درانجا حاوی مبالغ هنگفتی می باشد بنا برین میرهن که اگر احیاناً بمنافع یکی ازین دول خساره رخ دهد ، طبعاً در تمام نظام آن یك رخمی تولید شده و همه شان درین هیجانات عظیمه متحد خواهند شد .

شانگهای در شرق اقصی حیثیت فتیلۀ را دارد که اگر کمی حرارت بآن داده شود ، تمام جبا خانه های دنیای به یك مشعله مهیب هم آغوش گردیده و بر باد فنا خواهد رفت . .

اهمیت شانگهای :

شانگهای یك شهر عجیب و غرایبی است که ۹۰ سال قبل یك مسکونه چیری های معمولی بود ، اجنبی ها هیچ گونه مجاز بل استیذان بیع و شرای (نفوذ اقتصادی) نداشتند . امروز شانگهای در دنیا شهر که درجه ششم بشمار میرود وعلاوتاً از متمول ترین شهر ها محسوب میشود و دارای صدها عمارات عالیشان و دفاتر عظیمه و بانك وغیره بوده مرکز تجارت چندین هزار ملیون روپیه میباشد بنابرین درعالم مدنیت یك حیثیت تجارتی (بل اهمیت سیاسی) راهم حاصل داشته است .

شانگهای در تحت منافع ۱۴ دول عالم میباشد ، ولی تنظیم امور آن بدست مجلس بلدی که محصول دهندگان شهر انتخاب می کنند می باشد.

حالات شهر :

در شانگهای پنج هزار پولیس امنیه و یك هزار وهشتصد عسکر اروپائی سکه و جاپانی وغیره نیز موجود میبود در ۱۹۲۷ فوج محافظ برطانیوی به شانگهای فرستاده شده بود که ازان به بعد دائماً دو نوع افواج برطانوی دران جا موجود میباشد . آبادی اشخاص غیر ملکی قریب ۵۰ هزار بشمار می رود عرانات برطانوی ، تجارتی بوده وخیلی اهمیت دارد ، چنانچه تعداد آنها به ۸ هزار نفر میرسد .

و عموماً جاپانی ها در حصه شمالی شهر سکونت دارند . درین حصه شهر دکاکین بزرگ ، معبدگاها ، مکاتب دفاتر جرائد و میدان های بازی وکتاب خانه ها ، خانه های سکونت ، تهانه های پولیس ، بالاخره تمام حوایج ضروریه شان موجود می باشد .

چینی ها به تعداد ده لك در مناطق غیر ملکی سکونت دارند ، و اغلب آبادی آنها خیلی سنجیده و برامن است . و بکسی ضرر نمیرسانند . اگر احیاناً در بین چینی و ژاپونی ها جنگ وجدل واقع شود و منجر به مخاطره گردد پولیس متینه آنجا امنیت را تامین مینماید اگر ضرورت زیاد پیدا شود برای استقرار و امنیت قیر هم کرده می توانند بالفرض اگر چینی ها به تعداد زیاد مقتول شود درینصورت هیجانات فطری شان رو بتزاید نهاده مخاصمین جاپانی و دلی دشمنان خود میگردند .

تحریم امتعه :

بزرگ ترین آله مدافعه نزد چینی ها تحریم امتعه جاپانی ها است که یعنی اموال جاپانی ها را چینی ها نه میخرند و ازین رو جاپانی ها خیلی مشوش و پریشان گردیده اند . وفی الحقیقت انسداد و مقاطعه اموال برای بازار تجارتی جاپانی صدمۀ رسانیده است که جاپان ازان به خوف بود .

چنانچه در ماه گذشته در شانگهای تحریم امتعه اموال باعث خساره یك کرور پوند برای جاپانی ها گردیده . و در هانگ کانگ ۱۱ کرور پوند صدمه رسید ، و در حقیقت تحریم امتعه نزد چینی ها بزرگترین حربۀ است و جاپانی ها بکلی پریشان اند .

آغاز تحریك تحریم امتعه :

چینی ها در ۱۹۱۹ اولین تحریك تحریم

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 794 of 896

امتعه را شروع نمودند واز معاهده (ورسای) مایوس شده مجبوراً برای برباد ساختن استبداد جاپانی ها این آله را استعمال می کردند .

ازان وقت به بعد این تحریم آنقدر منظم ومنضبط شده است که برای دفاع از هر فشار این ضربه را استعمال می نمایند واگر دریکی از دکاکین چینی مال جاپانی دیده شود ، آنرا « مال دشمن » گفته ، به جور آن قدام ورا لگد کوب آن دوکان را مجرم می نمایند .

حکومت چین از رسمیت وقانونی بودن تحریك تحریم امتعه انکار نموده می گفت که اگر مردم از روی وطن خواهی به تحریك اقدام نمایند ، البته حکومت هم ازان جلو گیری کرده نه می تواند .

طلاب چینی :

روح تمام اضطراب های سیاسی و تحریم امتعه طلاب چینی می باشند ، چو آن ها به تعداد هزار ها ولك ها جمع شده مظاهره می نمایند . این طلبه بسیار محنت کش بوده اوقات فراغت خود ها را به مظاهره صرف می نمایند وبه سیاست بسیار دل چسپی دارند . وهمیشه برای تحریکات می کوشند . ویك حصهٔ ازین طلاب را افراطیون می نامند . وهمین گروه حکومت را « بزدل » و « کمزور » معرفی می نمایند .

افلاس حکومت نانکن :

درین وقت حکومت نانکن افلاس کرده است ، قرض نموده اجرآت امور را می نماید . وهمین قرض باعث موجودیت او گردیده است . زیرا اگر معاش و تنخواه افواج دولتی را ندهد ، همه عسکر اغوا نموده ، در چین یك انقلاب زیر دست وپا می شد .

ترك تازی حکومت جاپان :

ترك تازی حکومت جاپان جریان داشته وشنگهای را تصرف نموده است ، دفاتر بلدی ، میدان هوائی وجهاونی های عسکری را اشغال کرده است . مگر اصل واقعه اینست که دیگر ممالك بر خلاف این احتجاج خواهند کرد زیرا که مفاد اوشان هم دران شهر مربوط است . (لامع)

علوم وفنون :

ماضي وحاضر وآینده

تلگراف بیسیم تجربه سینیور مارکونی از ٣٠ سال باینطرف

درروز ١٢ دسمبر سال ١٩٠١ مارکونی به تجربه تاریخی خویش جهته ارسال اولین خبر تیلگرافی که بحر محیط اتلانتیکی را عبور نماید قیام کرده وخودش همراهی معاون خود (کیمب ادر (سنجال صیل) نیو فوندلاند نشسته ودر مقابل آلهٔ مخترعهٔ خویش گوش میدادند تااینکه سه ضربه خفیفی که حرف S را ترکیب نموده وبحر محیط را از (پولاهو) در کورنوال که مسافه ١٨٠٠ میل داشت عبور نمود ، این سه ضربه خفیف مبشر نجاح تلگراف بیسیم وموذن انقلاب مدهشی که درتمام عالم ایجاد خواهد کرد بود مارکونی جهته این تجربه سامان لازمه را تهیه کرده ودرراه آن متحمل تمام فدا کاریها شده بود ومیدانست که هرگاه موفقیت خانه بپذیرد چه اثر بزرگی دردنیا خواهد داشت وبلکه آنرا بمثابهٔ حکم حیات ویا حکم ممات تلگراف بیسیم میدانست . ودرین هم تعجبی نیست ، زیرا درین وقت تلگراف بیسیم مثل خیالی از خیالات شمرده شده وتجربیات علما ودارالتجربه هاي آنها هنوز درین باره در یك دایره خیلی کوچك ومحدودی بحساب میرفت بلکه اکثر به علما وحتی بزرگان شان درین امرشك داشته وبه نجاح وموفقیت آن قانع نمی شدند . زیرا ایشان از کرهٔ امواج اثیری اطلاعی نداشته ومعتقد بودند که آنها در خطوط مستطیلی مثل روشنی سیر مینماید ، ودرصورتیکه ممکن نیست شعاع وروشنی را ازلندن به نیویورك فرستاد همچنان عقیده داشتند که از محالات است که باوجود استطالهٔ امواج اثیری و انحناي خطوط کرهٔ زمین خبر تیلگرافی را فرستاد ، تااینکه مارکونی درین میدان داخل شده وبه تجربهٔ خویش امکان همان چیزی را که با ستحالهٔ آن متفق الکلام بودند ثابت کرد ، وکه همان امواجی را که ازشناخت ومعرفتش عاجز بودند برایشان واضح وعیان ساخت منتها با اینکه انتظار اقدام واجرای این کار بیاد کونی تکیه میکردند ولی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 795 of 896

افتخار سبقت را درین راه ندارد ، زیرا ادوارد برانلی علامهٔ فرانسوی در حقیقت اولین مخترع بیسیم شمرده شده و دنیا این افتخار سبقت وی را پامال کرده اند . همچنان ژوزف هنری در سنهٔ ۱۸۴۲ قرار داد که شرارهٔ کوچک برق را در هوا بفرستد بعد از وی دافید هیوز علامهٔ بزرگی که میکروفون را اختراع نمود پیدا شده و تجاربی در بارهٔ شراره ها اجرا کرده و توانست که امواجی را که بوسیله میکروفون ایجاد میشود ثابت نماید کذا مخترع معروف امریکائی توماس ادیسون درین راه یك عده تجربیاتی اجرا کرده و در سنهٔ ۱۸۷۵ اختراع یا اکتشاف را بنام خود ثبت کرده و آنرا (قوهٔ اثیری) نام گذاشت . اما اعمال و تجارب این علما بمقاومت از طرف یکدسته از علمای دیگر مصادف می شد ، چنانچه سیلوانوس تومسون خواست که تجارب ادیسون را با همان نظریات معروفه تطبیق نماید و ابداً باین راضی نشد که با مکال نقل الکتریسته از جای بجای دیگر بی اینکه هر دو جا را سیم با هم وصل کرده باشد اقرار و اعتراف نماید بعد ازوی کلارك ماکسویل که بدو نیز اعتبار داده می شود پیدا شده و آنرا باساس علمی جدید چنین شرح داد که یك قسمی از امواجی است که میتوانیم بوجود آن احساس نمائیم مثل امواجی که روشنی را نقل میدهد اما یك قسم دیگری هم میباشد که نه میتوانیم آنرا ببینیم و نمیتوانیم از وجود آن احساس نمائیم . و بدین وسیله اساس نظریهٔ امواج تلگراف بیسیم را وضع کرد جز اینکه تمام این علمای که در اطراف تلگراف بیسیم تبادلهٔ افکار و نظریات و تجربیاتی بیزاجرا کردند ، توانستند که آنرا بدسترس خویش گذاشته و حقیقت واقعی آنرا به دنیا پیش کنند . زیرا طبیعت قوای را که تا اندازهٔ بکشف آن موفق شده بودند درك کرده نتوانستند تا اینکه مارکونی که در آن وقت در جامعه بولونی ایطالیا تحصیل میکرد ظاهر شده واستادش (ریجی) درطی کنفرانس های که میداد اهتمام اورا به نظریات هرتز جلب کرد . مارکونی در بحث و کنجکاوی این نظریات بیشتر وقت وفکر خویش را صرف کرده وبتمام چیز های که متعلق باین قوای جدیده بود فکر خودرا مشغول ودر اطراف آن بحث وتجسس میکرد .

وقتیکه مارکونی بعمر ۲۰ ساله گی واصل شد یك محبت وعلاقهٔ در امواج اثیری گردیده و آنرا بهمان صورتی که ماکسول وهرتز بارها تجربه میشناختند شناخته بلکه از تمام آنها پیش قدمتر رفته ومسکوکهٔ جدیدی را ابتکار نموده که این امواج را میتوان حسب مشیت انسان بدون اینکه بین فرستنده وگیرنده سیم های موجود باشد فرستاد ، ورا در راه معطل کرد .

و وقتیکه در نجبان خویش باین حد واصل شد درسنه ۱۸۹٦ به لندن مسافرت کرده وبا سرولیم پریس که درآنوقت رئیس فنی پوستهٔ بریطانی واز کبار مهندسین تلگرافی بود ملاقات کرد سرولیم پریس از غم جوانی که مارکونی داشته وهنوزه بیشتر از ۲۲ مرحله از مراحل حیات را طی نکرده بود تمام نظریات و بیانات اورا شنیده ومان گفتهٔ وی که تلگراف هوائی (بیسیم) مستقبل خیلی بزرگتری نسبت به تلگراف سیم دار خواهد داشت قانع شد . ومارکونی ازطرف این شخص هر نوع تشجیع ومعونتی را حاصل کرد ، دراوایل سال ۱۸۹۷ بود که مارکونی اشارات تلگراف بیسیم را بمسافهٔ ۹ تاده میل فرستاده وهرکس برای انحصار این اختراع تاسیس کرد .

درسنه ۱۹۰۶ دی فورست (استوانهٔ فراغ) را اختراع کرده واین اختراع بزرگترین معین تلگراف بیسیم و وسیلهٔ تعمیم آن گردید چنانچه این اختراع فقط بمثابهٔ مشتهٔ تفنگ و کلید حرکت ولادتن لوکوموتیف برای بیسیم گردیده وبدون آن تلگراف بیسیم درواحهٔ خیلی محدودی باقی میماند و درین باره کفایت میکنند که بگوئیم که این آله تاثیرات خیلی بسیطی را ملیون ها دفعه بزرگتر ساخته وبوسیله آن میتوان تك تك ساعت جیبی را مثل ضربهٔ چکشی که بر روی سندان بخورد ، شنید . وبالآخر این وسیله اختراع را دیو علماءً وعملاً خاتمه بزرگترین وبوسیلهٔ آن سفاین دریائی بخشکه ارتباط

حاصل کرده وممالك یکی با دیگری نزدیك شده ودول عالم بمنزلهٔ یك دولت واحدی گردیدند .

اما رادیو مدتی نگذشت که از میان دایرهٔ که برای آن عبارت از یك نوع تلگرافی که مثابه تلگراف سیم دار بوده ویا فوق تر از آن باشد باقی نماند . بلکه بزرگ ترین وسیله اشاعه وانتشار گردیده وبذریعه آن آرزو های خواننده ها ، خطبا وکنفرانس دهنده ها ، وموسیقین وامثال ها گردید .

مار کونی شخصاً چنین مقصودی نداشته وآنرا پیش بینی کرده هم نمیتوانست اما مثل یك حاذقی در راه این آمال خویش بوده وخواست بهر ذریعه که باشد برای خود آله برای استماع بسازد . تا اینکه بخاطر یك تاجری در پتسبورگ امریکا گذشت که این آله ها را ساخته ودر همان موقعی که هار دنج وکوکس بالای ریاست جمهور باهم مسابقه ورقابت میبودند بفروش برساند این تاجر اعلانی نشر کرده ومردم را تشویق کرد که آله های استملاع وگرفتن خبر را بخرند تابذریعه آن نتیجهٔ انتخابات را موقعیکه تمام می شود در حالیکه در خانه خود باشند بفهمند وهمچنان این تصادف اثر بزرگ در نشر آله های رادیو بین مردم داشته و از همین وقت امریکا موطن رادیو گردید در ینجا حاجت نخواهد بود که بخواننده اثر انتشار رادیو را بیان دهیم ، عامل بزرگی در حیات اجتماعی وسیاسی گردیده وبرکت آن انسان میتواند حالیکه در خانهٔ خود نشسته باشد خطبه یا کنفرانس یا موسیقی وامثال آنها را استماع نماید وبلکه مکتشف قطب هم در حالیکه در نواحی منجمد وهزاران میل دور از خانه های مسکونه میباشد موسیقی که در یکی از شهر های متمدن زده می شود گوش بدهد . امروزه رادیو در اوروپا وامریکا برای افراد یك احتیاج مهم گردیده وکفایت می نماید که در ینجا بگوئیم که فعلاً در امریکا (١٢٥١٣٠٠٠) آله استماع که برای شنیدن خطبه ها وامثال آنها استعمال می شود موجود است درقرن حاضر رادیو مقرون به تقدم نقل صور بواسطهٔ آن که (تلیوزیون نامیده می شود) پیشرفت حاصل کرده وخصوصاً امریکا درین راه گام های وسیعی برداشته است چنانچه آله های مخصوص تلیوزیون در آنجا مثل آله های رادیوی اول گردیده ویك عده تیاتر وسینما ها بوسیلهٔ آن صور اکتور واکترس ها را باصوات شان اشاعه کرده ومردم از دور مثلیکه از نزدیك دیده وشنیده می شود ایشان را دیده وآواز شان را می شنوند .

اما آیندهٔ رادیو شکی نیست که مجلل تر از حالت حاضرهٔ آن خواهد گردید وشکی ندارد که تلیوزیون عیناً مثل رادیو عمومیت حاصل خواهد کرد . اما رادیو اثراتی دورتر وبیشتر هم نسبت به تلیوزیون حاصل کرده و دور نیست که ممکن گردد که سفاین وطیارات بواسطهٔ آن و بدون عامل انسانی سیر کرده وهمچنان دیده شود که طیاره ها درناحیهٔ بم انداخته درحالیکه طیاره رانی بین آن نبوده وفقط بوسیلهٔ رادیو از دور اداره شده است اندازهٔ اول وآرزوئی را که بتقدم وپیشرفت رادیو در آینده دارند از قول مار کونی که درطی خطابه که درمعهد مهندسین درلندن ایراد داشته است میتوان حدث زد : شاید مرا شخص خیالی به حساب بیاورید هر گاه برایتان بگویم که روزی خواهد آمد که در آن روز امواج برقی برای نقل قوه درمسافات نسبتاً نزدیکی استعمال شود . واین درصورتی می شود که به درجهٔ کمال واصل شده وبوسائل مخصوصی بتوانیم امواج را باشعهٔ متوازیه درفضا بفرستیم .

(ترجمه از مجلات خارجه)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 797 of 896

از هر طرف

طیاره براي طبقات ابر

بقرار اطلاع جریده « سندي ریفري » چند ماه بعد در عالم هوا پیمائي انقلاب حقیقي رخ خواهد نمود یعني بهترین طیارات یکدفعه از کار افتاده ، کهنه شده ، بي قوت و کود کانه بنظر خواهد آمد .

هوا پیمایان عوض ۲۴۰ کیلومتر ، که در زمان حاصل نمودن « کپ » « شنیدر » پرواز نموده بودند ، از ۸۰۰ الي ۹۰۰ کیلومتر في ساعت پرواز خواهند نمود . حالا تمام این چیزها منتظر نتایج تجربیاتیست که با اسرار تمام در فرانسه در ماشین خانه هاي هوا بازي « فرمن » بعمل مي آید .

طبقات ابر

حالا قریب ۱۸ ماه مي شود که در کارخانه هاي (فرمن) در (بیانکور) بهترین متخصصین هوا پیمائي نظامي و ملکي بر یک نمونه جدید ایروپلان (طیاره) که مخصوص براي پرواز در طبقات ابر مي باشد ، کار مي کنند . متخصصین مذکور اطمینان دارند که بعد از تجربات پروفسر « بیکار » هوا پیمائي در فضاهاي بسیار زحمت مخصوص نخواهد شد . برخلاف این هوا پیما هیچ گاه به ارتفاع ۲۰۰۰۰ متر با جریان هوا ، غبار برف و باد مقابل نخواهد گردید .

ترقي که براي مجادله با هوا و براي رفع نمودن عناصر هوائي صرف میشود ، در حال پرواز در طبقات ابر تماماً صرف ترقي سرعت نموده خواهد شد .

اصولاً ، ایروپلاني که در طبقات ابر پرواز مي نماید ومجهز به موتوري است که ۳۵۰ اسب (هارس پاور) قوت دارد نزدیک ساعت ۹۰۰ کیلو متر طي کرده میتواند .

یعني عملاً مارسیلز — پاریس یک ساعت طي خواهد شد ، پیلوتي که صبح زود از (بورژي) میدان طیاره پاریس پرواز نماید ، براي ناشتاي صبح خود را به نیو یارک رسانده مي تواند .

ایروپلان حاضر است :

ایروپلاني که بقرار پلان شعر کت (فرمن فرار) ساخته شده است ؛ حاضر ومجهز به پروانه است که از ذوب المونیم مخصوص ساخته شده است . تمام روي آن مذکور نیز از همین ذوب المونیم مخصوص که اسرار آن تنها به خود مخترع معلوم است ؛ ساخته شده است . زیرا دیگر اقسام فلز طاقت درجه حرارتي را که در طبقات ابر وجود دارد ، نمیداشته باشد . فولاد معمولي در بلندي ۲۵۰۰۰ متر به مثل چیني سریع الانکسار والمونیم را به مثل رابرترم مي سازد . لاکن این ذوب پر اسرار جدید تمام نقصانات را رفع نموده .

اسرار بکه بشدت پوشیده مي شود :

این واضح است ، که امور تعمیر آله مذکور براي طبقات ابر بشدت در اسرار نگاه داشته مي شود . در ماشین خانه مذکور فقط بهترین ووفادار ترین مرد مان ، خصوصاً فرانسوي ها راه دارند . برادران فرمن (فرمن فرار) مالکان کارخانه اصلاً انگلیسي هستند ، لاکن در زمان محاربه ترک تبعیت نموده به هوا پیمائي فرانسه خدمات شایاني نمودند .

برادران فرمن میخواستند که شخصاً طیارات جدید را اداره نمایند ، لاکن وزیر هوائي مخالفت سخت نمود و گفت : که طیاره را نهایت خوب بسیار هستند ولي چنین موجدین به مثل فرمن یافت نه مي شوند .

وفیصله نموده شد که این هوا پیما را به خطر پرواز اول طبقات ابر نیندازند .

سندي ریفري در مقاله اخطراتي انگیز خود میگوید : « ایروپلان براي پرواز حاضر است . روزي مي آید که انسانها با تعجب زیاد خواهند دانست ، که در هوا پیمائي انقلاب بزرگي رخ نموده است . »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 798 of 896

خبرهای خارجی

اوضاع سرحد

قراریکه جراید هندی وانگلیسی چندی قبل بر این اشاعه داده بودند. در روز های گذشته اقوام پاینده خیل ربتهانه هائیکه از علاقهٔ ریاست در گذشته به چیترال میرود حمله کرده تفنگ هارا برده بودند .

بار دوم بر دو تهانه دیگر نیز یورش بردند از یکسو ریاست در مردم رابه جرگه دعوت داده میکوشید تاتفنگ هارا استرداد نماند ازطرف دیگر برخی از جوانان پاینده خیل یوسف زائی باجوری هارا دعوت اتحاد میدادند و در نتیجه اعلانات رسمی حکومت اعلای صوبه سرحد درجراید نشر گردید که راجع‌که از علاقه دیر میگذرد برامن است پاینده خیلان باریاست در توافق نموده اند حالا جراید هند اعلانی که ازطرف حکومت اعلای پشاور شده اشاعه میدهد .

پشاور ۱۷ حوت حاکم اعلی صوبه سرحد مضمون ذیل را که راجع به اوضاع سرحد واذاه عارفی حکومت هند به چند دیهات شائع کرده است :

« از سه چهار هفته باین طرف شورش پسندان مشهور کوشش داشتند قبائل سرحدی را که بشمال دریای کابل سکونت دارند بر خلاف حکومت بر انگیزانند و برای حصول باین مقصد در مهمند ها و اتمان خیل وقبائل متعدده باجور تبلیغ جهاد را مینمودند »

« این تحریک سرحد به کانگرس وتحریک سرخ پوشان مربوط بود زیرا که برای ثبوت دلائل قوی داریم که این تحریک فی الحقیقت یک پارسل کانگرس بوده است »

معاونت سرخ پوشها

« لیدر های این تحریک که برای اشتعال التهاب میورزند به لیدر های کانگرس پشاور ارتباط زیادی دارند »

« چه مفرورین سرخ پوش که ازپولیس فرار ودر سرحد رفته اند با آن ها معاونت مینمایند بطور مثال نام سالار سرخ پوشان چهار سده را ذکر واشاره به بعض از رو حانیون سرحدی که بیکجای مدوار تقسیم اشتهارات اشتعال انگیز بربعضی اقوام سرحدی بود مینمائیم »

« جاسوسان کانگرس باشور شهای هندی درجرگه نیز مربوط اند که نصب العین یگانهٔ این جماعت مثلیکه خود آن ها اشاعه نمودند مبنی برتخلیص مسترگاندهی و رهنمایان کانگرس است »

« اگرچه تاچند روز قبل این اشتعال انگیزی های افراد مزبور چندان کامیابی حاصل نکرده بود مگر ازچند روز باین طرف اوضاع را تیره کرده است . »

« یک لشکر مهمند وباجوری ها در رقبهٔ وانش کول که بفاصلهٔ ۱۲ میل از رقبهٔ سرحدی بعید است داخل شده باتمام قوا مصروف عمل است تامهمند های شمالی را بر انگیخته در لشکر خود داخل وبر سرحد برطانیه بیارد ، دور تر بطرف شمال یک لشکر سالارزئی وباجور که در دسته های اتمان خیل نیز شمولیت دارند بطرف غرب دریای پنجکوره (سرحد مغربی دیر) اجتماع نموده تهدید می کند که دریای مذکور را عبورنموده درسرک چترال داخل شوند . »

« این لشکر ها وسا کنین دیهاتی که از آنها این لشکر ها متشکل شده اند بر طیاره‌ها تیکه برای کشف رفته بودند فیر نموده اند تا امروز بر خلاف این فیر ها یکبان اشتک شورش فرو خواهد شد هیچ کار روائی بعمل نیامده مگر معلوم می شود که تا خبر مزید غرائی های زیادی را در سرحد وضلع پشاور تولید خواهد کرد . »

« در نتیجه بتاریخ ۱۵ حوت اشتهارات زیادی در دهات مذکور وبر لشکر پرتاب وعده‌ بواسطه چند نفر به حصص اطراف فرستاده شد که محتویات اشتهارات مذکور یک التماس باهالی دیهاتی که عسکر از آن جمع شده وخود عسکر ها بود میداد باین طرق که اگرتاشام ۱۷ حوت این لشکر منتشر نشد بر لشکر وتمام دیها تیکه از آن جا این لشکر ها جمع شده است روز ۱۸ حوت بمباری کرده خواهد شد وهم بسر کرده‌های شان اخطار گردید که دوام او در هنگامه جوئی او را مستوجب کلهٔ باری خواهد ساخت . »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 799 of 896

خبر ۸ مارچ ... گیت : — نتیجه اتیاس حکومت بر طایه ختم گردیده لشکر های قوم سالار زنی که در مغرب دریای نجکو را جمع بودند ، قریب بود که سرک چترال را قبضه نمایند . باستثنای یکدسته خورد که ماورای سرک چترال بود منتشر گردیدند .

در حدود کوه (سپید) لشکر اقوام شامورلی مهمند جمع شده بر سرحد هند حمله آور شده منتشر نشدند ، واز دهاتیکه اجتماع نموده بودند امروز بذریعه طیاره های برطانیه بمباری نمودهشدند .

اخبار مدینه بحواله استیسمین می نگارد که بصورت عمومی خیال کرده میشود که این مصیبت جدید یکه با قبایل باجوری وابنده شغل در سرحد ریاست دیر شروع شده است .

جواب سر جیوهان کانگریس اعلام می باید این آخرین مباحات است اگر ازین رهگذر برای حکومت واساً نقصی رسد کم از کم برای کابینه که خدمت حکومت اند حتماً خطر خواهد بود . از این رهگذر برای حکومت حساطت طرفداران لازم است محل وقوع علاقه مهمند بر محازی است که آنجه دوره تحریک سرجیوشان است در آنجا یک نوآبادی مهمند ها نیز میباشد که از آنجا برای تیرکی وغیره مزدور دانی می روند از آنرو در این علاقه سرجیو خان باعد نفاق کامیاب شده اند اگر چه از این روبه خطر نیست اما از مقاصد شان این هم بشمار می رود که طرفداران حکومت پریشان کرده شوند .

تاس

چین وژاپون

مسکو ۱۴ مارچ — از شنگهای اطلاع میدهند که جاپانها در فرونت (محاذ) هوند تایزانسی هزار عسکر فرستاده اند . کوششات جاپانها برای اشغال تایزان عقیم ماند .

مطبوعات مازین اطلاع میدهند که بتعقیب تبدیل پایتخت مانچوری در چانجون ریاست ارکان حربیه افواج کانتون نیز در آنجا نقل داده میشود وهم قونسلگری جاپان تبدیل بسفارت گردید .

شنگهای

مسکو ۱۴ مارچ — از شانگهای اطلاع میدهند که شش هزار عسکر در حصص خود وزیا و شمال مغرب ووسین فرود آورده شده اند . طیاره های جاپانی به بمباری ها نیز دادهسوار ان وعسکرین مداومت دارند وهر بمبی که میاندازند سبب حریق بزرگی میگردد . وزارت بحریه جاپان به ترتیب قطعه راجع به بیای دایمی فلوت بحری جاپان در شانگهای که حالا هم در آنجا موجود هستند مشغول است .

اردوی چین در مانچوری انقلاب نموده اند

مسکو ۱۱ مارچ — قرار اطلاع بلاگو ویشچینک اردوی چینی که در شهر ساخالین که مقابل به ساحل امور ودرو بروی شهر بلاگو ویشچینک واقع است بنا به سبب بالا کردن بیرق حکومت جدید مانچوری به غضب آمده انقلاب نموده اند . انقلاب یان های شدید ماشیندار شروع گردید ، و گوله های آنها به شهر بلاگو ویشچینک میافتاد . رئیس ارکان حربیه افواج حکومتی از طرف انقلابیون اسیر وقریب ده نفر افسر های جاپانی وبک دلاک جاپانی مقتول گردیدند . در شهر ساخالین در دی ها و ارشان حکم فرما است شعبهٔ (گومنیوانگ) تجارتی حکومتی شوروی ومغازه یکی از اتباع شوروی ، هر چار بانك چینی محبوس خانه ، لامبارد (لامبارد کمپانی است که در آنجا مردمان شهری که محتاج پول می شوند ، اشیاء خود را گرو کرده پول میگیرند . مترجم) وغیره غارت کرده شده ابودین قونسل جاپان ، نائب الحکومه جاپان و هم چینی مدیر بانک حکومتی چینی باخدام واعضای فامیل خود از سرحد شوروی گذشته در شهر بلاگو ویشچینک پناه آورده اند . گروسیان مدیر گمرك انگلیسی بسبب گذشتن از سرحد شوروی خود را خلاص نموده کشتیهای مامورین قونسلگری شوروی بطرف بلاگو ویشچینک حرکت نموده اند .

(جاپان تایمس) راجع به پیشنهاد صلح جاپان

مسکو ۱۴ مارچ — جاپان تایمس روزنامهٔ شانگهای مسایل راجع به پیشنهاد صلح

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 800 of 896

جاپان را تشر بحات داده میشوند : جاپانها اراده نموده اند الی رسیدن کمیسیون مجمع ملل فضای صلح را تولید نمایند باوجود این قوای نزرگی از طرف جاپانها دوشنگهای رسیده و برای حمله آینده تهیه می‌بینند . جاپانی ها اظهار مینمایند که چینی ها فقط بشرایطیکه جاپان پیشنهاد مینماید صلح را حاصل کرده میتوانند ، بقرار ذیل : امتیاز مکمل بمقابل توکیو و آقای جاپانها بر ملت ومملکت چین پیشنهادات صلح جاپان عبارت است ازیك تهیهٔ حملهٔ جدید .

مطبوعات جاپان بطر فداري

شاهی درمانچوری

مسکو ، ١٤ مارچ - از ماخذین اطلاع میدهند که مراسمی که درچانچون بشرف جلوس ، پو ، بوظیفه حکومت عالی در تحت قوای محافظ جاپان وزا لدارم بعمل آمده است ، صورت تاجگذاری را بخود گرفت است . مطبوعات جاپان واضحاً ضرورت مقرر کردن شاه درمانچور اظهار میدارند .

قونسل جاپان به عملیات جنگي

تهدید مینماید

مسکو ، ١٤ مارچ - از شانگهای اطلاع میدهند ، که قونسل جاپان درشهر هانگو او نوق بحکومت چین فرستاده است ودر نوتهٔ خود اظهار میدارد که اگر حکومت چینی از حرکات ضد جاپان جلوگیری ننماید وحرکات مذکور دوام کند مجبور بعملیات نظامی بقسم شانگهای خواهند گردید . ظلوت جاپان درحصص هانکین شروع بعملیات نا گهانی نمود واین عملیات پریشانی زیادي در اهالی تولید نمود .

هیئت حکومت درمانچوری

مسکو ، ١٤ مارچ ازشنگهای اطلاع مي دهند که کابینه اشاعه شدهٔ وزرای حکومت جدید مانچوری بهیئت عمومی دست نشاندهٔ جاپان هاهستند چزان سیاسو که تربیه‌دهندهٔ پو ونشرمنشی قدیم در پاریو گدیخان بود ، صدر اعظم مقرر گردید ، سین زیبی عضو جنبه بیلیتر وزیرخارجه ، سي سیا که درحال حاضر بخدمت حکومت جاپان میباشد وزیر مالیه وجنرال ما وزیر حربیه مقرر گردیده‌اند .

خبرهای روتر از ٧ الی ٩ مارچ :

پلان فرانسه

اطلاع جنیوا مشعر است که فعلا در جنیوا مصروف مباحثه در اطراف پلان فرانسه میباشند راجع به اتحاد اقتصادی اوروپای مرکزی این پلان عبارت ازیك اقدام متقابله فرانسه در مقابل اتحاد استریا وجرمنی میباشدنقشه مذکور یك پلان اقتصادی ومالی را خواست که استریا هنگری سلوا کیا و رومانیا ، و یوگوسلاویا را در بر میگیرد ومقصود بزرگ آن عبارت از وضع نرخ ترجیحی مصرفه در بین حکومات مذکوره میباشد .

یا داشت به نماینده برطانیه

به نمایندهٔ برطانیا در جنیوا یك یادداشتی از طرف فرانسه رسیده است که بر طانیا و فرانسه و ایطالیا و جرمنی دربن موضوع به فکر واصلاح وضعیت اوروپای مرکزی باید تعاون نمایند .

وفات

اطلاع پاریس مشعر است بریان که یازده مرتبه صدر اعظم و ٢٥ مرتبه وزارت را اشغال کرده بود ، پس از استعفای خود از وزارت خارجه بتاریخ ٨ جنوری در اثر مرض قلب بساعت ١ - ٢٠ دقیقه روز دوشنبه پس از یك هفته بیماری وفات نمود .

تقاعد درين مامورين

سموئیل هور بجواب کوکث پیتر که در دار العوام توجه‌را بطرف تشویشی که در باب ضمانت معاش تقاعد در بین مامورین شیوع یافته است جلب نموده گفت من آگاهم که دربن موضوع در بین مامورین هندوستان بصورت عمومی یك نوع تشویش وجود دارد ، و بیان نمود که حکومت برطانیا تقاعد هارا ضمانت نخواهد نمود چونکه پول مذکور بر عایدات هندوستان تحمیل میشود ، مسئولیت ضمانت آن در آینده بدوش وزیر خواهد بود و علاوتاً گفت حکومت موجوده نمیتواند حتی بفکر خود بیاورد که در عین اجراآت در باب یك نقشه تبدیلات تشکیل هندوستان ، پارلمان نمیتواند همچه یك حفظ ما تقدمی‌را وضع نماید که تاديه پول تقاعد را بصاحب‌منصبانیکه به مملکت مذکور خدمت نموده اند تضمین کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 801 of 896

هوور به مجادله

اطلاع واشنگتن اشعار میدارد که هوور به مجادلهٔ خود بر ضد ذخایر طلا ادامه داده در یک نطق خود که در تمام ممالک امریک اشاعه شده است تجمیع کنندگان طلا احتجاج مینماید که طلای غیر مسکوک وذخایر غیر مستعمله را بامیدان بکشند و بیان میدارد که این اقدام اهمیت شانرا به وطن نشان خواهند داد ، عامل مهم این مجادله عبارت از اصدار اسناد است از طرف حکومت به تمام اشخاصیکه از تودیع پول در بانکها می ترسند فروخته میشود اسناد مذکور به مقابل ده پوند سترلنگ ویا بیشتر از آن ارزش خواهند داشت ودارای دو فی صد منافع بوده در آخر یک سال مستهلک خواهند گشت .

در ۲۴ ساعت خارج شود

روز سه شنبه (هوور) در دارالعوام گفت من در تحقیقاتم این مسئله مترددم که آیا واقعاً چنانچه میگویند به وکیل که در سری نگر از مسلمانان دفاع می نمود حکم داده شده است که در مدت ۲۴ ساعت خارج شود وباینصورت اشخاص ملزم بی دفاع مانده اند یانه ؟ زیرا این مسئله بصورت عمومی به اداره داخلی حکومت هندوستان مربوط است و قرار اطلاعاتی که بدست آمده است من دلیلی نمی یابم که حکومت هندوستان باین کار مداخلت ورزد .

در نظر دول

وتیبل نطاق دار العوام در مجمع « جمعیت بزرگ مشرق » گفت قسمت صناعتی مسئله هندوستان یک مسئله بزرگیست وتصویبات کمیسیون شاهی را تفصیل نموده گفت در مصوبات مذکوره این مقصود ترتیب شده است که زمانیکه هندوستان بطرف مقابل حرکت می کند بایک نوع اطمینان پیش رفته وقیمت خود را در نظر دول حفظ نموده بتواند .

عساکر جاپان بطرف شنگهای

اطلاع توکیو مشعر است ، که تقویت مزید برای عساکر جاپان بطرف شنگهای میرود وزارت حرب تفصیل میدهد که حکم روانه شدن عساکر قبل از معطل شدن محاربه داده شده بعد حرکت شان باین علت فسخ شود که عزائم چین هنوز واضح نیست .

دول کوچک

اطلاع توکیو خبر میدهد که در اثر حملهٔ دول کوچک بر جاپان در مجمع ملل بنابر بیان جاپان که این دول بدون آنکه منافعی از ایشان درشرق اقصی ملحوظ به مخاطره باشد در کار یکه برای جاپان جدیت دارد مداخله می کنند یک قیل وقال جدیدی در حلقه مجمع ملل درباب سوای ساختن جاپان از مجمع ملل امر داده است .

چهارده هزار عسکر جاپان

اطلاع شنگهای مشعر است که روز دوشنبه ۱۴ هزار عسکر جاپانی در ووسونگ فرود آمدند . معهذا در توکیو گفته میشود که جاپان حاضر است قوای اصلی خود را باز بخواهد چونکه اطمینان حاصل نموده است که بیشتر ازین مخالفت زیاد واقع نخواهد شد ولی عزم دارد یک قسمت عساکر خود را بدون کدام مقصدی قرار اقتضای حقوق خود در مسکونه بین الملل نگاه دارد . در این زمان نفری تخنیکی جاپان شعبه ووسونگ مان زرانگ خط جلو تر ترمیم مینمایند .

قوای جاپانی به تعرض خود ادامه داده میرود

اطلاع جینوا این خبر خیلی اهمیت میدهد که تمام مساعیات مبذوله جهت اقامه مصالحت تا بحال ناکام شده است ؛ جاپانی ها فعلاً از پیشرفت منصرف شده اند ، ولی محاربات کوچک درحصص خارجی ایالات در وقت شب واقع شده میرود در راپورت چهارم کمیون مشورتی شنگهای که از تمام حوادث الی ۴ مارچ بحث مینماید بعضی مطالب مهم شامل است وبیان میدارد که قوای جاپانی ها به تعرض خود ادامه داده میروند وسلسله اشتغال خود را باین بهانه تجدید میکنند که باید آخرین منطقی را که تصرف نموده اند حفظ نمایند این تاکید مینماید که در مکتوب خود به سکرتر مجمع نیز جاپانی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 802 of 896

معین پالیسی عسکری را اظهار نموده است .

مکتوب پنجصد هزار دالری

اطلاع نیویارك مشعر است ، آخرین حادثه که درسلسله گرفتار شدن پسر لند برگ واقع شده است ، این است که پولیس یك مکتوبی را که به لند برگ فرستاده و پنجصد هزار دالر بصورت فدیه خلاصی آن مطالبه شده وابتر تصویب نموده بودند که باتیا بشده لند برگ دراستورانی که درنزد یکی میتز فیلد (پنی سلوانیا) واقع است ملاقات خواهند نمود ، از راه گرفته است ورا پورت میرسد که سی تن که یك نفر از واسطین مذکره باز دان است فعلاً بطرف میتز فیلد بسواری ریل روانه گردید .

دستگیری دونفر مرد و دونفر زن

اطلاع پرسل (پنی سوانیا) که دونفر مرد و دونفر زن ازطرف پولیس ها به حیث نویسنده گان مکتوب به لند برگ که پنجصد هزار دالر دران مطالبه شده بود در روز شنبه دستگیر شده اند .

چینی عسکرخود را در مقابل عسکر جاپانی جمع می کند

اطلاع شنگهای مشعر است که هنوز امید کنفرانس میز مدور دران نزدیکی ها جهت تعیین شرائط مخلیه عسا کر جاپانی وجود ندارد وبر خلاف آن بیانیه جنرال جاپانی شیرا کاوا خط محاربهٔ مزید را تولید مینماید جنرال مذکور بیان میدارد چینی ها صورت جدید مدافعه را اختیار وعسا کر خود را در مقابل خطوط عسا کر سابق جاپانی جمع نموده میروند جابجا کنیده گی دوام دارد ، و کانونل فلیننگ قوماندان عسا کر برطانوی درمسکونه بین المللی بابر حادثه که در روز دوشنبه واقع شده بودند جنرال شیرا کاوا رجوع واز او مذاکره مینماید واقعه مذکور چنین است که یك دسته عسا کر مسلح جاپانی به سواری موتر بار برداری بزرگ سعی نمودند در یك قسمت مسکونه که از طرف تفنگ داران سکات لیند حافظه می شود داخل گردند .

دوشهر تانشاوی چین نیز خوف ووحشت حکمفرماست زیرا جاپانی ها میل دارند آنرا نیز بزودی اشغال نمایند .

راجع بمناقشه چین وجاپان

اطلاع جنوا ما کیست که مجلس مجمع ملل بمباحثهٔ عمومی خود راجع بمناقشهٔ چین وجاپان خاتمه داده وبکمیتهٔ ۱۹ ـ ترتیب تصمیمات وتقدیم یك تسمیم به مجمع ملل ، غالباً در روز جمعه مقرر نموده است .

خبر هاي داخلي

تبدلات وزارت عدليه در محاکم مشرق

چنانکه جناب فضل احمد خان معین وزارت عدلیهٔ که باع ، ج وزیر صاحب دربار الی سرحد مشرق رفته بودند ، پس ازوداع وعودت درجلال آباد بامور شعبهٔ عدلیهٔ آنجا پرداخته ، بعضی قضات ومفتیان محاکم را که برطرفی شان را لازم داشته اند از ماموریت سبکدوش فرمودند .

(۱) ملا اوراد الله خان قاضی محکمه لغمان بواسطه شکایت اهالی موقوف وعوض او فضیلت مآب مولوی عبدالله خان لغمانی که چندی در جمعیت العلماء شمولیت داشت وشخص پاك نفس بنظر دیده ویشد مقرر گردید .

(۲) ملا عبدالله خان قاضی خوگیانی که اهالی ازاجرا آت او شکایت کردند نیز منفصل وبجای او فضیلت مآب مولوی محمد زاهد خان لغمانی که شخص صالح معرفی کرده شده نصب گردید .

(۳) ملا غلام محمد خان قاضی کرغش که در اثر معلومات شخص ۃ فلك کار بنظر رسید از قضاوت عزل وعوض فضایل همراه میاں عبد القادر خان خوگیانی مفتی محکمهٔ مرافعه مرکز جلال آباد که دراجرا آت خود بی غرض بنظر رسید وهم اهالی ازو اظهار رضایت کردند ترفیع یافت .

(٤) ملا عبدالسلام خان قاضی کُنر بالا که از قضاوت مستعفی گردیده بود عوض او ملا عبد الغفور خان چون یك شخص اهل معلوم شد مقرر گردید .

(٥) ملا عبدالواحد خان مفتی محکمه ابتدائیه نسبت بشکایت واجراآت از افتاء بر طرف وعوض او فضائل همراه ملا محمد اسمعیل خان ساکن قند هاری لغمان که شخص خوب بنظر آمد مقرر گردید .

(٦) ملا محمد قاسم خان مفتی محکمه خوگیانی نسبت ثقالت معلومات فقهی برطرف شد .

(٧) مفتی محکمه لغمان نیز از عدم لیاقت بر طرف وعوض شش فضیلت همراه ملا فقیر محمد خان ساکن رود کوت که شخص خوب بنظر رسید مقرر شد .

انتصاب مامورین جدید

در شعبات مربوط وزارت جلیله حربیه :

(۱) ع ، ش ، پیر محمد خان فرقه مشر احتیاطی که سابقاً قوماندان فرقه عسکری میمنه بود ــ رتبهٔ فرقه مشر ثانی بفرقه غزنی منصوب گردیده است .

(۲) ج ، غلام رسول خان غند مشر قطعات قول اردوی مرکز به غند مشری غند ۲ فرقه غزنی مقرر گردیده است .

(۳) ج ، گل محمد خان غند مشر قطعات قول اردوی مرکزی به غند مشری غند ۲ فرقه غزنی مقرر گردیده است .

(٤) ج ، عبد الغفور خان غند مشر توپچی بمدیریت تعلیم گاه توپچی به وظیفه غند مشری مقرر شده است .

(٥) ع ، ش ، نور احمد خان سابق لوا مشر عسکری هرات به رتبهٔ فرقه مشر ثانی در زمرهٔ نفری احتیاطی وزارت حربیه داخل ومحسوب شده است .

(٦) آقای یعقوب علیخان سابق مامور حسابیه پوست دوائی در نتیجه حسن کار های سال گذشته او ، مامور حسابیهٔ فابریکه لباس مقرر گردیده است .

(٧) آقای محمد ابراهیم خان به رتبهٔ تولیمشری به تحویلداری جباخانه بالا حصار عوض کمبود منصوب گردیده است .

تلفات بارنده گی هفته ماضی

باران های که چند روز علی الاتصال دوام داشت در قریهٔ خم زرگر علاقه کوهستان خانه محمد شریف نام ویران وهفت نفر هلاك شده اند .

کذا شنیده می شود که در استالف هم یك خانه غلطیده سه نفر را تلف کرده است .

ورود شهزاده

والاحضرت شهزاده محمد طاهر خان که در شماره های قبل ایشان از عزیمت شان بطرف جلال آباد بعد از ایام مرخصی عید تذکار رفته بود ۵ شام روز شنبه ۳۰ حوت مع الخیر والعافیه باهیئت تعلیم گاه پیاده وارد کابل گردیدند .

وکیل جدید بغلان

آقای حاجی محمد شریف خان وکیل بغلان ورشو دوانی بنا بر عدم رضائیت اهالی

مکتوب وارده

صداقت مآب جناب مدیر صاحب جریدهٔ فریدهٔ انیس را احترام !

چون حضور شاها همیشه خدمت گاران صادق حکومت وطن خویش را نوازشات میفرمایند وتشریفات را افزایش میکردند خصوصاً اشخاصیکه بحکومت ووطن خویش صمیمیت دارند وهیچکس از شفقت و مراحم ذات شاهانه که برعامه رعایای وخدمتگاران صادق خویش دارند انکار کرده نمیتوانند چنانچه الیوم شنبه ۲۹ حوت یکی از عایله شجاعت مآب جناب شرف الدین خان جرنیل ملکی جاجی ، رکن مجلس عالی اعیان قضای الهی را لبیك گفته بدار جاودانی رحلت نمود .

نسبت بدغم خواری ما یان اعلیحضرت پدر تاجدار دولتت مدار غازی شاه

مستعفی شده ، وعوض شان آقای عبدالحبیب خان از طرف اهالی انتخاب گردید .

مکافات

آقای عبدالرسول خان حاکم درجه اول غوری مربوط ولایت قطغن که بغرض معالجه چشم خود به کابل آمده بودند بنا بر صداقتی که از ایشان در امور اداره شان معلوم شده بوده از طرف حکومت مبلغ دوهزار افغانی بخشش برای شان اعطاشده ، ونیز فرمانی بمدیریت طبیه صادر گردیده است که بذریعه جناب آقای داکتر فوادبیگ متخصص امراض چشم وسر طبیب شفاخانه ملکی ، مرض ایشان تحت معالجه گرفته شود .

افغانستان که با خدمت گاران صمیم حکومت و بهیخواهان وطن دارند برای مصارف تدفین و تکفین و غیره ضروریات متوفای مذکور ما بان مبلغ زیادی عطیه فرمودند . و از روی غمخواری بعمل ساعت یك والاحضرت وزیر صاحب حربیه هم بجنازه و دفن متوفای مذکور ما بان حاضر و خود را غم شریك می نمودند . و بعد از فراغ تدفین و دعای مغفرت متوفای : مراجعت فرمودند ما بان همه قبائل جاجی ازین غمخواری اعلیحضرت غازی و والا حضرت وزیر صاحب حربیه هزاران تشکر میکنیم از خداوند بی زوال تمنا و آرزو داریم که برای خدمات افغانستان خصوصاً برای مابان توفیق خدمات وطن و حصول رضای اعلیحضرت غازی عطا فرمایند . (شیرگل)

ضیاع اسف ناك

چون حکومت عرفان دوست ما در قدردانی اهل عرفان عطف توجه فرموده و میفرمایند در مصائب شان نیز اظهار همدردی میفرمایند .

چنانچه دیروز عالیقدر جلالتمآب وزیر صاحب معارف برای اخذ فاتحه محمد علی خان متعلم پسر میرزا محمد حسن خان که در حین تحصیل در ترکیه فوت نموده است تشریف داشتند رؤسای دوایر و معارف ملك جهت فاتحه خوانی بهم بر سیده اند . الیس نیز به نوبت خود برای وزارت جلیله معارف اهل معارف و بازماندگان آقای مرحوم اظهار فسوس اجر و تسلی میخواهد .

ترجمه : رحمان افغان — ٤ — مؤلف : رفائل ژارژ

رهبر اهل ثروت

قسمت اول

واسطهٔ قوهٔ مالیه

نتائج جنگ بالای تداول وجوهات

اگر به تمام ممالک کرهٔ ارض گردش کنیم ما خواهیم دید که نتائج جنگ بین المللی باعث تغیرات حالت مسکوکاتی شده است .

انسان میتواند که درین مورد ملل را به سه طبقه تقسیم نماید .

اولاً دول بی طرف هستند : که آنها طلای دول متحارب را بعوض فروش امتعه زیاد خود شان جمع کرده اند وبدست آورده اند .

ثانیاً دول محاربی که موفق شده تداول وجوهات خود را توانستند که از رجعت و کسر محافظه نماید .

ثالثاً دول متحاربیکه مجبوراً پول کاغذی را بلا نهایت درجه طبع کرده اند بعبارت دیگر پول کاغذی خود را تنزل داده اند .

دولت فرانس متاسفانه از طبقه سوم محسوب میشود .

زیرا از یک طرف برای ارتقای سعی وعمل واز طرف دیگر برای سلامت تداول مجبور بود که بلا نهایت درجه پول کاغذی خود را چهاپ کند واحتیاجات خود را تکمیل نماید .

ورنه غیر این مشکوره پس از جنگ ١٩١٤ پول فرانسه شش ملیارد بود واکنون ملت فرانسه بدهی است ٨ یا ٩ و یا برده سهم زیاده ساختن پول خود را ضرورت ندارد . باری بریطانیای عظمی برای حمایه تداول پول خود تقریباً ده ملیارد وهم چنین دولت امریکا تا ١١ ملیارد فرانک اعتبار دارد که از قرار حساب فرانک البته دولارو بوند معلوم میشود البته این دو سهم بالنسبت سهم فرانسوی خیلی بزرگ است ، نه تنها از نقطه نظر اقتدار بلکه از نقطه نظر خلق وثروت طبیعی نیز این دو مملکت بزرگ میباشند .

چطور سیاست مسکوکی فرانس ایت باشد

ما فهمیده وشناختیم بعد از صرف مساعی شایان تقدیر عالم عسکری فرانس که در مدت پنج سال تدارك دیده است هیچ یك موجبات حقارت برایها مانده نیست ازینکه ملت فرانس مجبوراً اساس وبنیاد پول خود را تا سنه ١٩٢٥ بحالت ضعف گذاشته است .

(باقیدارد)

مولف : له پلاتیه فر انسوی (۳۲) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل هژدهم

کاترین ایلچی میشود

کاترین : « غم مرگ این پسر نه تنها امپراطور بیچاره را بیکدر ساخته بلکه بنهایت ترسانیده است خوف میکند که مبادا امپراطور باعث عدم وارث سلطنت اورا گذاشته دیگری را ازدواج کند ! اگرچه من یقین دارم چنانچه جو گفتم ، ناپلیون مثل سابق زن خودش را دوست دارد ، حال باید بفهمد که موقع داشتن وارث مستقیم از دست رفته ، دوکتورها ، ساحره ها و روحانیون تمام روی زمین اگرچه جمع شوند ، نتیجه مطلوب را بدست آورده نمی توانند بناوان بهتراست بکرن جوان تر را در عقد نکاح خوددرآورد . لین ، تا ایران و دیگرها متبادیا ساز طلاق را می نوازند وامپراطور را از ازدواج یکی از پرنسس های پادشاهان اروپا تشویق می کنند .

امپراطور بچه ازین چیزها شنیده ومنتظر است که امپراطور ریمدار سلطنت خانهٔ داخلی خودش طلاق را تجویز خواهد نمود . برای دفاع این ضربه ، مهلك تجویزی نموده است که بنهایت ماهرانه و مدبرانه است . »

کاترین توقف نمود وله فیور بطرف او بانگاهای تجسس دیده گفت : « من میترسم که نخواهد توانست بلان هوشیارانه ببرد ! »

کاترین : « آیا تو یك خانم قشنگ بلند قامت گندم گون که (ایلیا لوردولابلان) می نامید ویا پرنسس کاره این میبود بخاطر داری ؟ »

له فیور : « بلی میشناسم ، ایسا تر یا (ژان دیول) افسر خدمهٔ ۱۳ درا گون دارا که بجرم تقلب محبوس گردید ، ازدواج شد . وبعد ازعفو ناپلیون زنش را کهعمین (ایلیاور) باشد بدربار ، بار داده شد . مگر فهمیده نمی توانم که این زن را با امپراطور بچه و پلان او چه مناسبت ودخل خواهد بود ؟ »

کاترین : « این زن یك پسری دارد که گمان می شود از امپراطور است ! »

مارشال : « شیطان ! آیا ثبوت وشهودی درین هست ؟ » کاترین : ثبوت های بلا گفتگوی . هر کس بدر بار رفت و آمد دارد می تواند چنین ثبوت هارا ارائه دهد . »

مارشال : « تو یا دیگری می خواهید این پسر را برملت بیچاره بار کرده امپراطور مستقبل شان بسازید ؟ » کاترین : « چرا نسازیم ! امپراطور بچه باینترین قانون دان ها مشوره کرده باو گفته اند که قانون روما فرزندی گرفتن را بپادشاه اجازه میدهد . همه دلایل را شنیده ام وترا به تکرار میگویم که در فرزندی گرفتن طرف من قوبست بزد گترین امپراطور ها که دردنیا گذشته است - حتی اوگوستوس خودش - فرزندی را برای وراثت استعمال کرده است مگر با تصویب سنا (مجلس اعیان) .... ؟

له فیور : « خوب خوب ، می بینم که درمعامله معلومات وسیعی داری . چیزی که دیگر امپراطور ها کرده اند ، امپراطور ما کرده نمی تواند . راجع به (سنا) مجلس اعیان .... »

درین جا له فیور تنها شانه های خودش را به تغیر حرکت داده چیزی نگفت ودنبهٔ سخن را بجانب دیگر گردانیده گفت : « به من بگو که تو برای همین مقصد نزد امپراطور به (انگلتین) میروی ؟ »

کاترین : « محض برای همین مقصد امپراطور بچه از مرگ نواسهٔ خودش مایوس گردیده وتمام کراهیات را یکطرف گذاشته وبر قلب حزین خود فشار آورده وظیفهٔ مادری این طفل را بعهده میگیرد چون مردم وسنا کر تمام کار های ناپلیون را تقدیر می کنند ، این حوصله دلیرانهٔ او وملکه را نیز تمجید خواهند نموده بهر صورت این پسری که در عروق او خون ناپلیون درحرکت است از ژوزفین وناپلیون برادران بیکاره ناپلیون بارها بهتر خواهد بود . ملت این دو برادر را خوب می شناسند - آنها چیستند ، بجز یك دو احمق ؛ بلکه بدرجهٔ او باش ومغرورند که برای آنکه داعتی تاجی که برسر دارند ، ناپلیون را باولین موقع خواهند کشت ؛ این طفل که در آغوش

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 806 of 896

ژوزفین و کنار ناپلیون تنها و تنها یافته باشد و هر کس او را به چشم ولیعهدی نگرد ، با اشتغال تخت هیچ یك مخالف در تمام فرانسه نخواهد داشت ! اینست مجوز که شام ملکه برای ناپلیون پیش نهاد میکنم ! »

له فیور سر خودش را بشکل وراب حرکت داد ، زیرا او خیال میکرد که مجاویز ژوزفین پسند خاطر امپراطور شده ، و بکمال آزادی حرف خودش را از ناکامی سفارت کاترین اظهار نموده گفت : -

« زن ، چون تو یك وظیفهٔ را بعهده گرفته باید در اجرای آن فرو گذاشت نکنی . فردا بوقت طلوع فجر رواله خواهی شد ، و امشب باهم تنها شام صرف میکنیم . قاعدتاً طعام خودم را بوقتیکه سربازانم می خورند ، میخورم . و آن هم اکثراً از یك طرف . ولی امشب بشرف حضور تو کدام چیز مخصوص فرمایش میدهم . آیا این فرمایش چه باشد ؟ »

کاترین : - « بیاد داری که در (لاراپی) همیشه شکنبه می خوردیم و در عقب آن شراب سفید می نوشیدیم ، کاترین این را گفته لب های خودش را بامزه لیسید .

له فیور : - « در این جا هم شکنبه های خوبی پیدا می شود . پس فرمایش ما شکنبه با پیاز خواهد بود . ولی میترسم که شراب های سفید آنروز ها را بتو داده نتوانم . ما کت نیست شراب های کهنهٔ (هتو لنگری) هم چندان بد نیست اگرچه اسقف بزرگ (یا میر کت) امپری من پیش نهاری فرستاده است ، باید بفهمی که من اعادی هم دارم . »

کاترین : - « اعاد ! اوه بسیار خوب شد چرا تو طریقهٔ نهار گذاردن را خوب یاد نداری ! »

له فیور : - ولی از چندی باینطرف مشق کرده ام . امپراطور می خواهد که در بوایلد بسیار مذهبی باشم . نهار زیاد ادا کنم و شراب از آن کمتر صرف نمایم ، زیرا این عمل مردم آنجا را بسیار گرویده میگرداند .

کاترین مضطرب شده نعره زد : - له فیور من می ترسم که باین پادری و شراب درین غار حیوانات مجازات زشت دیگری گرفتار نشوی ! »

له فیور : « آه تو این چارها ناامیدی خدا این دروغ را راست کند . اگر این انجیر های ملعون تکی ازین چیزی که فرمودی برای من بسازند جان دم در آن خواهم در آمد . این را بتو قول میدهم ! »

میز طرز ساده گذاشته شد . کاترین بدون آنکه یك کی حس کند درپیش چشم سربازان مارشال که برای چیدن طعام آمد وشد میکردند ، تواضع اجری نمود و باله فیور بخوردن ونوشیدن منصرف گردید .

فصل نوزدهم

(پدر و پسر)

زن مارشال بسیار ممنون شد که صبح دیگر بصدای بوق حاضرباش از خواب برخواست ، زیرا این آوازی بود که یاد گار بسیار بخش وعزیزی را در قلبش احیای نمود . باز خودش را در اردو دوربین سربازان جمهوریت تصور می نمود که (مارسیز) نشیدهٔ ملی فرانسه را خوانده بردشمن قوی پنجه حمله مینمودند وهر روز فاتح برمی گشتند .

چون فکرش کلی مشغول این خیالات بود در پوشیدن لباس وقت زیادی گرفت چنانچه مارشال از معاینهٔ عساکر برگشت ولی توالت زنش هنوز تمام نشده بود . مارشال امروز بر خلاف عادت قدری رنگ پریده ومضطرب بنظر می آید .

کاترین بدیدن او نعره زد : - چه خبر است ؟ آیا موقع را از دست داده ئی ویا دیشب کدام سهوی واقع شده است ؟ »

له فیور : « چیزی واقع نگردیده وهمه بمرام است . ولی این حادثه اثر زیادی در قلب من وتو دارد : »

کاترین : « آه ! زود بگو به بینم چه حادثه است ؟ »

له فیور : « هارابوت - هارابوت عزیز ما که عیناً بمنزلهٔ پسر حقیقی ماست . . . . .

(باقیدارد)

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 808 of 896

مندرجات شماره (۲۹ ۱۰ ۴۱ ۱۱)

مجموعهٔ صحیه

۱ – پایان سال اول

۲ – حفظ الصحه معنوی (حیات وبشر)

۳ – یاد داشت های صحی

٤ – شئونات اطفال (انکشاف وتشکیلات حمایهٔ اطفال شیرخوار در اوروپا والمان

۵ – طفل و وراثت

۶ – تولد کردن طفل قبل از بسر رسیدن موعد حمل

۷ – روح طفل وتربیهٔ آن

۸ – کزاز یا التهاب رحم اولاد وعلاج آن

۹ – غسل وتاثیر آتش در وجود وقلب

۱۰ – عالم طبابت – مهمترین اکتشافات طبی پس از پاستور

۱۱ – اسپورت – تربیهٔ بدنی

۱۲ – استخوانهای وجود انسان

۱۳ – دختر لنگ وقشنگی که بوسیلهٔ قطع یکقطعه استخوان وانشرلنگی خویش را علاج کرد

۱٤ – امراض قلب

۱۵ – اسپورت وهوای آزاد وغسل برای صحت

۱۶ – شئون صحی واجتماعی

۱۷ – راپورت های صحی مرکز و ولایات

۱۸ – والا حضرت صدر اعظم صاحب ومؤسسات صحی مرکز

۱۹ – خبر های متفرقه

۲۰ – گراور های اطبا وغیره وغیره

از قرائت این شماره غفلت نکنید که پشیمان میشوید

جریدهٔ هفته وار

انیس

﴿قیمت اشتراک﴾

کابل	۱۲ افغانی
اطراف وولایات داخله	۱۴ »
طلبهٔ معارف	۶ »
در ممالک خارجه	۲۰ شلنگ

(مطبعه انیس)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 811 of 896

(شماره ٤٤)

انیس

مجلد ٥

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

اداره : کابل جادهٔ ارک
موٌسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر محمد امین خوگیانی

۲ شنبه ۸ حمل ۱۳۱۱ — تاسیس ۱۳۰٦ — ۲۰ ذیقعده ۱۳٥۰

محفل انعامات در مدیریت گمرک کابل در روز نوروز

بمناسبت روز نوروز (روز اول سال ۱۳۱۱) در مدیریت گمرک مرکزی ولایت کابل بطوریکه همه ساله معمول است مجلس باشکوهی ترتیب و انعقاد یافته بود .

جناب عالیقدر جلالتمآب صدر اعظم صاحب و ع ، ج میرزا محمد خان وزیر صاحب تجارت وسایر وزراٴ وروساٴ وامرا ، عزه و اشراف و تجار ان تماماً در مجلس مذکور حضور بهم رسانده تشریف ورده بودند ، اولاً از طرف عموم تجار مرکزی یک معروضهٔ که قبلاً تحریر یافته بود بحضور مجلس قرائت گردید ، سپس ج ، ع ، ج صدر اعظم نطق موثری قرار آتی ایراد فرموده که ما عیناً آنرا از برای آگاهی قارئین جریدهٔ خویش باجوابیه وزیر تجارت درج واشاعه نمودیم !

چون سواد معروضه تجاران بعد از صفحه بست نطق ج ع ج صدر اعظم صاحب و ع ج وزیر صاحب تجارت به این اداره رسید ، از ینجهت خلاصهٔ معروضه مذکور در آخر صفحه ــ طبع گردید .

نطق صدر اعظم صاحب

هیئت تجار محترم !

بنده اولاً از مراحم بی پایان حضرت خداوند مستعان عز وجل تشکر گذارم که سال گذشته ما با برکات وافره وامنیت تامه ورفاهیت عامه اختتام یافته وایک بایک عالم سرور وخوشی ویک جهان نشاط وخرمی به سایهٔ سلامتی اعلیحضرت غازی تظریات ومعلومات خود را در بارهٔ اقتصادیات وطن عزیزم بشما ارائه میدهم وباز از مساعیات شما نهایت خورسندم ــ وبسهم خودش از عالیقدر جلالتمآب وزیر صاحب تجارت وما مورین متعلقهٔ شان که در امورات مربوطه باجتهادات لازمه پیش رفته اند اظهار خوشنودی مینمایم ــ البته موقع نیست که در ینجا تمام پیش رفت های وزارت تجارت را ذکر کنم وممکن است هر کدام بموقعش ذکر شود ــ ولی تنها در اینجا تمام مطلوب در امور گمرکی است که درین قسمت نیز وزارت تجارت سهمی دارد ــ بعد از ذکر مقدمهٔ فوق میخواهیم راجع به تزئید عوائد گمرکی سال ۱۳۱۰ باز هم اظهار نمایم ــ هر چند در طول سال گذشته مراتبی بسوی ترقی پیموده شده ولی باز هم قناعت بخش نیست ــ شاید فراموش نشده باشد پار سال گفتم عمل سال گذشته (مقصود ۱۳۰۹) برای آینده مظهر حسن ظن است ولی اینک از ملاحظه ارقام صادرات وواردات وبالجمله تجارت یکساله مملکت نظرهٔ من تائید می شود وعین همین مقصد را برای آینده هم تکرار میکنم ــ اگرچه معلوم است عمل گمرکی ۱۳۱۰ بصورت عمومی نسبت به سال ۱۳۰۹ ، هفتاد و پنج فیصد ــ ونسبت به سنوات قبل پنجاه فیصد ــ ترقی نموده که توضیحات کامله آنرا وزارت تجارت برای شما میدهد ، ولی لازم است اینجا ازمساعی وعرق ریزهای جدیانه عالیقدر جلالتمآب آقای محمد گل خان رئیس تنظیمهٔ قندهار که نه تنها محصول سال گذشتهٔ گمرک آنجا را ازدیاد نموده بلکه امور گمرکی قندهار را با چنان یک اساس صحیح واستعداد منتجی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 812 of 896

گذاشته است که برای هر وقت وهر ماموری که درقندهار مقرر شود امید ترقیات کاملی درعمل گمرکی آنجا میرود وهم چنین از آقای عبدالرحیم خان وکیل نائب الحکومه هرات ومدیر گمرک آنجا که دردوسال گذشته عمل گمرکی خود را ترقی داده اند ولی چون قرار اطلاعات واثقه گمرک هرات هنوز هم مستعد ترقیات زیاد است به فرامین موکده درین موضوع برای شان هدایت داده شده ـ واز آقای محمد عمر خان مدیر گمرک مرکزی کابل که خدمات قابل قدری نموده اظهار رضائیت ـ واز غلام فاروق خان مامور گمرک اند خوی که عمل گمرکی خود را زیاد کرده ابراز خوشی مینمایم ونیز از مامورین گمرکات میمنه وقطغن وبدخشان ومزار شریف وفراه ومشرق که عمل خود را نسبتاً زیاد کرده اند تایك اندازه راضی واز اینکه اصول صحیحی در کار خود نگذاشته اند به فرامین جدا گانه برای شان تاکیدات لازمه داده شده ـ وهم چنین باید بگوئیم که نسبت باین ترقیات وقتی زیاده ، دلخوش خواهیم بود که این ترقی از طریق تزئید صادرات باشد پار سال هم گفتیم و درین روز که اولین روز سال جدید است نیز همان نظریه را تجدید میکنیم که در قسمت تجارت ما وقتی به ترقیات مطلوبه واصل خواهیم شد که اقلاً صادرات وواردات مملکت ما متوازن گردد ـ

یعنی ما بنام مصالح عمومی وخیر جامعهٔ خود ـ تا میتوانیم از قلم وار دات طوریکه از وورود اشیای تجملی و بی مصرف جلوگیری شده کاسته وبالمقابل رقم صادرات اعنی صدور مواد خام وبخته مملکت بیفزائیم ـ البته شماهم بامن اعتراف خواهید کرد که به چنین موفقیت تا حال نتوانسته ایم نائل شویم .

همهٔ میدانید اساس تشکیلات اجتماعي ومدنی ممالك ، روي مال وثروت گذاشته شده وتحصیل ثروت هم بسته بعناصر اقتصادي یك مملکت است .

ونیز نباید از نظر دور داشت که ما در عصري واقع شده ایم که دنیا نهایت ازما پیش رفته که اگر ادنی غفلتي در امور متوجه ما شود ممکن است اساس مالي ما را واژگون نماید پس ما باید طوري مراقب کار خود باشیم که بمعاونت خدا وندي پیوسته با مقتضیات زمان در تمام امور ترقي نموده وتا حدي که ممکن است پیش برویم .

درین موقع که روز اولین سال است حسب المعمول اینجانب لازم دیدم که این مختصر را بشا اظهار نموده توصیه مینمایم که روي این دستورالعمل آتیه را اتخاذ نمائید . ودر خاتمه از خداي عزوجل توفیق خدمت براي همه خدام اعلیحضرت غازي مسئلت دارم .

(نطق ع ج وزیر صاحب تجارت)

والاحضرتا !

نسبت بفرمایش قیمت دار والاحضرت که وزارت تجارة را مرهون لطف و مرحمت خود فرموده اجازه فرمائید نخست مراتب شکر گذاری خود را تقدیم حضور والاحضرت صدراعظم صاحب نموده و عرض نمایم که این همه پیشرفت ها از توجهات فرد اول مملکت اعلیحضرت شهریار غازی و مساعیات قیمت دار حضور والاحضرت است و نسبت اینکه وزارت تجارة رابط مستقیمی با آقایان تجار دارد لازم میشود درین محفل که کافهٔ تجار محترم حضور دارند فرمایشات والاحضرت را تائید نمایم .

باساس فرموده والاحضرت ، نخست باید شرح داد که تزئید عمل گمرکی در کدام یك از ولایات مملکت بیشتر بظهور پیوسته و در تحت چه عوامل بوده و کدام ولایت کسر عمل دارد .

گمرکات کابل نسبت بسال ۱۳۰۹ سی فیصد و نسبت بسال ۱۳۰٦ پانزده فیصد گمرك قندهار نسبت بسنه ۱۳۰۹ صد فی صد نسبت بسنه ۱۳۰٦ پنجاه فیصد گمرك هرات نسبت بسنه ۱۳۰۹ چهل و پنج فیصد نسبت بسنه ۱۳۰٦ صد فی صد گمرك مزار شریف نسبت بسنه ۱۳۰۹ چهل فیصد و نسبت بسنه ۱۳۰٦ هشتاد فیصد گمرك قطغن و بدخشان نسبت به ۱۳۰۹ چهل فیصد و نسبت به ۱۳۰٦ پنجاه فیصد گمرك میمنه نسبت بسال ۱۳۰۹ ده فیصد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 813 of 896

وتسبت بسال ۱۳۰۶ دوازده فیصد گمرک اند خوی نسبت به سنه ۱۳۰۹ هشتاد فیصد ونسبت به سنه ۱۳۰۶ فی صد دو نیم صد گمرک مشرقی نسبت سال ۱۳۰۶ بیست وپنج فیصد نسبت بسال ۱۳۰۹ مساوی است گمرک فراه نسبت بسال ۱۳۰۹ نجاه فیصد ونسبت به سنه ۱۳۰۶ صد فیصد ترقی نموده باستثنای گمرک جنوبی که عمل آن کاملاً کسر نموده .

واین ارتقای عمل درمواد اوغالات در تحت قواعد مخصوصی انجام یافته که عبارت است از تزئید طبیعی قیمت مال باین صورت که اخذ محصولات گمرکی تاحال در افغانستان از روی قیمت بوده وقیمت هم مطابق ارزش فعلی داخله مملکت می شود والبته آقایان تجار اطلاع دارند که نرخ اشیا نسبت بسنوات قبل از حیث تفوق مسکوکات خارجی نجاه فیصد زیاد گردیده است که این ترقی محصول همان تفوق است که طبعاً درقیمت مال عاید شده ولی ترقی گمرک قندهار مربوط بعوامل مخصوصی است که از حسن توجه جناب رئیس صاحب تنظیمیه آقای محمد گل خان درضبط وربط گمرکی ها واداره کردن صحیح گمرکات اعمال شده است طوریکه والا حضرت میفرمایند دوست است نظریات دولت در قسمت صادرات بکلی انجام نیافته . ولی باید ازیک طرف بسهم خود وزارت تجارت اصلاح این نقیصه رابه تدریج وعده داده واز طرف دیگر آقایان تجار راملتفت نموده که قسمت ایشان در امور مربوط مقتضی این است که بافدا کاری تمام نظریات ترقی خواهانه دولت را تعقیب نمایند .

همچنین که والا حضرت درنطق خویش اشاره فرمودند که ماوقتی بترقیات مطلوبه وقتی واصل خواهیم شد که فیصد صد محصول گمرکی ما مربوط بصادرات مملکت باشد این کلام مستحسن درحقیقت با آرزو های اقتصادی هم آهنگ است زیرا آمال اقتصادیات مربوطه بالوریه مقوا های بازی اطفال نیست بلکه ملت آرزو مند است تجار محصول زحمت ایشان را در اطراف دنیا پراگنده کنند ودر ازای آن پول برای بدهد که قیمت زحمت آنان رانکافو نماید .

بالاخره تجار باید مطلع باشند که درین گیرو دار که صدای بحران اقتصادی از دنیای جدید و عتیق شنیده میشود هرکس برای ادامه نفع خود بدست وپا افتاده ما نیز بسبک روش دنیا برای جلب منافع خود آنی غفلت ننمائیم ، افکار ندارم درطول سال گذشته باموافقت تجار یك شرکت اسهامی در مرکز ونماینده گی های تجارتی در لندن وپشاور از طرف وزارت تجارت تاسیس شده وبعضی هم در طرف تاسیس است ، ولی این اندازه اصلاح در صحنه تجارت دنیا مارا نیرومند نمی سازد باید طوری تجارت کرد که دیگران تجارت مینمایند .

تطویل کلام ممکن است وسایل تصدیع رافراهم کند ، لازم است درختم کلام رضائیت خود را باستثنای مامورین گمرك جنوبی که قسمت مهم عمل را ضائع نموده اند ، به آقایان تجار و مدیر گمرك مرکز آقای محمد عمرخان و سائر مامورین گمرك ولایات اظهار کرده و تشکرات صمیمانه را بجناب رئیس تنظیمیه قندهار آقای محمد گل خان ووکیل نائب الحکومه هرات آقای عبدالرحیم خان که در راه تفوق عمل صرف مساعی نموده اند تقدیم دارم ، وبرای استفاده بیشتر ازهمان آقایان تجار را بفرمایشات والا حضرت صدر اعظم صاحب که مروج افکار ترقی خواهانه ذات همایونی است متوجه نمائیم .

خلاصهٔ معروضهٔ تجار

(بعد ازحمد ونعت ومنقبت) تمام اهالی افغانستان بالعموم وطائفهٔ تجار وصنعت پیشه خصوصاً ازذات عدالت صفات همایونی ومساعی جمیلهٔ مامورین امانت شعار خود اظهار مسرت وحقانه عرض مینمائیم که نظیر این راحت ومرفه الحالی که فعلاً درامور تجارتی وغیره موارد اقتصادی وطن عزیز ما ازطرق رزین حکومت موجود است وتکامل بزرگ پیشرفت همه شعب حیاتی پدیدار میشود ، قبل ازین کمتر دروطن عزیز ما مشاهده شده است : ما در برابر این آرامی و جاده بازار تجارتی خود بجز اینکه بدعای بقای این سلطنت ذی معدلت خود پرداخته برای پیشرفت هرگونه مقاصد و آمال حکومت خود که مبنی برخیر وبهبود ماست

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 814 of 896

دگر چیزی عرض کرده نمی‌توانیم . لله الحمد که امروز در سر تا سر وطن عزیز از حال امنیت تا به حکمفرما بوده همچنان در همه شعب امور مملکتی و کشوری نظم و نسق کابینه و روح و رونق تازه و هویدا است ، و ترقیات علانیه ظاهر و بسی مشکلات و حوائج و قبایح ادوار گذشته رفع ، و از همه جهات اسباب استراحت ملی تامین شده ، بلکه سبب این همه نظم و نسق و ترقیات فقط حسن اداره زمامدار اعظم و پادشاه معظم محبوب القلوب ما و بذل مساعی والاحضرت صدر اعظم صاحب و دیگر اخوان معظم و هیئت محترم کابینه شاه است ــ ما حضور آن شهریار معظم خود خصوصاً و بحضرت ذات صدارت پناهی و هیئت محترم کابینه و باقی زمامداران امور خویش بالعموم تشکرات قلبی و احساسات صمیمی خود ها را عرض و از درگاه حضرت خداوند موفقیت ها و پیشرفت های مقاصد و خیالات بهی خواهانه حکومت متبوع خود را خواستاریم .

اوضاع هند

موسم سیاسی هند و ستان از روی وقایع گوناگون قابل ذکر است :

در (پنجاب) مطلع لاهور تا حدی غبار آلوده است و در حصص بقیه آن جابه جا ابر سایه فکن است .

صوبه سرحد حالتش غیر متیقن است ، سرحد القیوم فضای صوبه سرحد را از دمه و غبار صاف می نماید آنجا برای تولید سکون سیاسی بمبارد مان ضعیف جهازات هوائی در جریان است .

کوائف موسمی بمبئی و مدراس صوبه جات متحده ، بنگال تا حال تصفیه نشده اند . باران چوب زنی در « دهاکه » خفیف و در « مدورا » بشدت مواقع شده است . کره هوائی صاف از « دهلی » جدید رحمت نموده بسوی « بنارس » انتقال میکرد ..

تخمین مبصران است که در بمبئی ، احمد آباد ، دهاکه ، تعداد گرفتاری ها رو باز دیاد است . و در سمله ، امرتسر مظفر پور ، رو بتنزل میرود .

در بنگال و صوبه جات متحده آسمان ابر آلود است . البته در (راجپوتانا) و (کاتهیاوار) مطلع صاف است در کشمیر باد مخالف به شدت میوزد . در حیدر آباد آثار گرد باد در ظهور است .

از نقطه نظر جریده نگاران درجه حرارت تنظیم پنجاب در ارتقاء است .

در صوبه دهلی فضا خنک است .

از مواسم دهلی ثابت می شود که جهاز صلح‌آبی را که کاپیتان « سپرو جیکار » بساحل سلامت می آورد لیکن وزش هوای تند دهلی را آورده نتوانست در خلیج بنگال غیر جهازه « امن پسند » تا حال نا معلوم است . گمان میرود که با کوه یخی « انگلو انڈین » متصادم گردیده غرقاب شد .

(الدین فناس ، ماخوذ او بندی تار)

در شرق اقصی :

حقایق سیاسی مانچوریا

کشمکش چین و جاپان در منچوریا رو به ترقی است . صورت حاضره حرب موجوده حیثیت قوت آزمائی دو اقوام مجاور را دارد ، لیکن ماهرین سیاست در اندیشه اند که مبادا توپ های شرر ریز چین و جاپان در منچوریا در استقبال کدام جنگ عالم گیر نبوده باشند .

دانستن سیاست پیچا پیچ منچوریا سهل نبوده برای فهمیدنش سلسله های واقعات مختلفه را با هم جمع کردن لازمی است .

تا قدرات روسی در منچوریا تا آغاز قرن ٢٠ غلبه داشت ، در ١٩٠٥ ع خاتمه جنگ روس و جاپان به توسط معاهده (پورتس ماوت) روس از حقوق حاصله خود برای جاپان دست بر دار گردید . چین نیز برآن مهر توثیق خود را ثبت نمود ، ملخص حقوقیکه جاپان بذریعه معاهده پورتس ماوت تحصیل نموده ، اینست که در مملکت مذکور حکومتی مستقل که برای نام تحت ممالک محروسه چین محدود بوده ، در حقیقت تابع جاپان باشد تشکیل کرده شود . و نیز مسئله خط آهن جنوبی منچوریا که از دیرن تا به چانگ چین به پول و محنت روسیها تمدید شده بود بعد از اختتام جنگ روس و جاپان در تصرف جاپان داخل گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 815 of 896

وفیز از مکدن پایه تخت منچوریا تابندر گاه « آنتنگ » حق تمدید شعب جدید سلسله خط آهن مذکور را حائز گردید .

از معاهده پورتس ماوث فائده خاص به جاپان این رسید که در جزیره نمای میاو تنگ باختتام خط آهن منچوریای جنوبی ۱٤٤۱ مربع میل علاقهٔ کوانتنگ را مثلیکه علاقهٔ وار در تصرف انگلیس ها است بپهان قائده در زیر تصرف خود در آورده .

رقبهٔ مجموعی منچوریا ۵ لک و۸۲ هزار میل مربع میباشد نظر برقبهٔ مذکور منچوریا کوانتنگ هیچ موجودیت ندارد لیکن از جهت تجارت ومفاد بحری علاقهٔ مذکور دارای اهمیت بزرگی میباشد .

درین بندر که کوانتنگ مرکز امل جاپان درمنچوریا است . بظاهر جاپان به هیچ عوض ممکن (باقیمت زرگزاف) ازبها لنگ مذکور دست بردار نخواهد گردید واگر حالت منچوریا ومنگولیا کمی خوبتر گردید اهمیت تجارتی درین از شنگهای سبقت خواهد برد . ۲۰ کرور اهالی کن وادی یانگتزی ادنیای دیگر تنها بذریعه درین تجارت خواهند نمود وعلاوه برین درعلاقهٔ مذکور نیل بسیار خوب استخراج می شود .

درسنه ۱۹۱۵ وقتیکه میثاق (قرارداد) قریب اختتام گردید جاپان ازحکومت چین بذریعه « ۲۱ » خواهشات خود جبراً مدت را زائد گردانید وچونکه مها لنگ پورت درجنگ عالمگیر مثلاً بود جاپان موقع خوب بدست آورده منچوریا را تاحدی تحت قوهٔ اقتصادی خود آورده که اگر الحال از منچوریا دست بردار گردد بر مفاد قومی ان اثری زیادی خواهد افتاد وعلاوه برین جاپان منچوریا را محاذ اول مدافعه خلاف روس میداند منچوریا ازحیث زراعت ومعادن نیزدارای اهمیت بزرگی میباشد زمینش سرسبز وقابل است که حاصلات انرا دولت (ثروت) منچوریا گفته می توانیم معادن بزرگ آهن ذغال سنگ را نیز دارا میباشد در سنه ۱۹۱۵ چین مجبور شده قرار داد جاپان را تجدید کرده میعاد قرار داد کوانتنگ تا سنه ۱۹۹۷ وقرار داد خط آهن جنوبی منچوریا تاسنه ۲۰۰۲ وقرار داد خط آهن آنتنگ مکدن تا سنه ۲۰۰۷ توسیع داد .

علاوه برین جاپان در منچوریا حقوق ملکی گری واختیارات تصرف در اراضی وغیره از چین جبراً حاصل نمود خلاصه ۲۱ خواهشات جاپانی اینکه جذبات قومی چینی‌ها ازین روبه لمیاه ارباب رزم جاپان ها دلخواه گی بوده اند .

درسنه ۱۹۱۵ چین ازسبب بدامنی های داخلی خود مجبور شده حقوق امتیازی جاپان را در منچوریا بحرف جنگ تسلیم نمود لیکن چین در مسالک خود این مداخلت خارجی « عارتگر » را تاقابل برداشت میدانست .

۱۸۹ ستمبر جاپان عسکر چینی را باین الزام که آنها زیر هدایت منصبداران خود درمقامات متعدده خط آهن جنوبی منچوریا را خراب کرده اند ازروی معاهده پورتس ماوث جاپان بدرش محافظت خط آهن بنام دست محافظه حق دارد که عسکر خود را در آنجا مقیم دارد ازین سبب این الزام دسته های محافظه (که مقصد شان ازروی معاهدات تنها محافظت خط آهن است) اینقدر طریقه حربی شروع کردند که گویا این مملکت تحت تصرف و ملکیت چین نیست بلکه زیر تصرف جاپان است ازاینرو تاجنگ چین مسلسلاً آمد عسکر جاپانی شروع شده برجمیع مقامات مهمه منچوریا جنوبی و وسطی قابض گردیدند ازان وقت تا الحال موجوده اتماماتی جینیوا واشنگتن ماسکو جاپان علاقه های منچوریا را تخلیه نه نمود .

انجمن اقوام نیز هدایت کرد که جاپان تاتاریخ ۱۶ نو امبرا عساکر خود را حسب معاهده پورتس ماوث در علاقه اشغال شده اعاده نماید لیکن جاپان اینقدر عساکر تا حال از حدود شمالی خط آهن منچوریا جنوبی تجاوز نه ... میدان بیشتر اقدام کرده اند .

ریاست های متحده امریکا لاینقطع دراین راه کوشیدند که جاپان از جاده آئین وانصاف انحراف نورزد اولاً در انجمن اقوام خیال بریا کردن تحریک این امر بود که احترام میثاق کیلاگ مدنظر گرفته شود که از

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 816 of 896

ترجمه از منبر شرق

آواز شرق در کنفرانس

خلع سلاح

روز سه شنبه ۲ فروری کنفرانس تقلیل وتحدید اسلحه که معمولاً « کنفرانس خلع سلاح » نامیده میشود در جینوا تحت ریاست ارتهر هندرسن رئیس حزب کارگر وسابق وزیر خارجه حکومت برطانیه افتتاح گردید .

علاوه بر ٥٥ حکومات عضو مجمع ملل ۹ دول دیگری که عضو مجمع نیستند هم دعوت شده اند که در کارات آن حصه بگیرند و دول آخر الذکر قرار ذیل است :

افغانستان، برازیل، کوسته ریکا ، مصر

روی آن رمحاربان قید گذاشته شده است.

لیکن در این سلسله (تحریم جنگ) سوالی تولید میکرددکه برجنگ کدام وقت اطلاق جنگ نمیشود ؟

زیرا از ستمبر گذشته بین چین و جاپان در منچوریا کشمکش درجریان است اما تعلقات سفارتی بین هر دو انقطاع نیافته است ، ونه هردو دول باقاعده اعلان حرب نموده اند

لهذا درواشنگتون آن میثاق باهمی ۹ دول تحت انظار گرفته شده که در کنفرانس ۱۹۲۱ در واشنگتن مرتب گردیده بود و بعض اوقات ازان تعبیر به «منشور اعظم» بین الاقوامی برای چین کرده میشد . (باقیدارد)

اکوادور، انا زونی امریکه، حجاز ، ترکیه ، س س س ر (روسیه)

بدون سه حکومات عضو مجمع : نیکاراگوا، پراگی ، سلواد ور ویك حکومت غیر عضو اکوادور ، تمام دول نماینده گی خود ها را در کنفرانس فرستاده اند نظیر این کانفرانس تا حال دیده نشده است . وکلای ٦٠ دول ۱۷ صد ملیون نفر را نماینده گی مینمایند؛ بعبارت دیگر تمام بشریت در جینوا جمع شده اند چنانچه ارتهر هندرسن درنطق افتتاحیه خود خاطر نشان نمود که : یك فردیکه خواه در مرکز صنعت مملو از جمعیت ، خواه درصحرای افریقه ویا در شرق ویا در مناطق منجمد شمالی زیست می نماید نخواهد ماند که درین جا آواز خود را بلند نکند ،

اگرچه متأسفانه بعضی حکومات وساکنین مستقل و یاغیر مستقل (تحت حمایه ملل خارجی) هستند که نه درمجمع ملل ونه در کنفرانس خلع سلاح نماینده گی دارند باآن گفته می شود که تمام بشریت ویاقریب کل آن درینجا آواز خود را بلند کرده می توانند :

ازینجا است که آواز شرق واسلام از کنفرانس مذکور بذریعه هیئت نماینده گی افغانستان ، ترکیه مصر ، ایراق ، هند ، والبانیا خیلی قوی بوده ونباشد. کان مذکور یکی بعددیگر افکار صلح طلبی حکومات وملت خود ها را از منبر خطابه ابراز نموده ودر اظهارات خود خیلی صمیم وبی آلایش بودند :

نماینده گی ترکیه

چنانچه توفیق رشدی بیك وزیر امور خارجه ترکیه در آخر نطق خود در روز ۱۵ فروری ابراز نمود که بهترین ومهم ترین خواهش ملت ترکیه اینست که تمام ساکنین عالم برادوانه حیات بسر برند؛ وقبل از ابراد این جمله قشنگ وزیر مذکور راجع به مناسبات حکومت کالی بادول همجوار چنین فرمودند .

« یك وجب زمین در داخل خطه فاصلاً زیر اثر هیچ یك از دول معظمه نیست وماهم در خارج خطه ترکیه خیال تصرف ومد نظری نداریم سیاست ما بنابر عشق نوع پرستی درراه اخوت باام دنیا مخصوصاً باهمسایگان ما در تزاید است ».

ما که این حصه از اظهارات نماینده مذکور رادرج مینمائیم ازین سبب است که راجع به ترکیه بعضی افواهات وانتریگه ها شنیده میشد که حکومت ترکیه هنوزهم از نظریات خود درباره عراق وشامات کاملاً صرف نظر نه نموده وبه نسبت اتحاد این دوسلکت واتحاد عرب بد بین است

سه نطق عرای دیگر هم در روز های ۹،۱۶ ، ۲٤،٤ فروری ازطرف نماینده گان ایران ، مصر، افغانستان ایراد شد که ذیلاً نشر میشود

نماینده گی ایران

وفعلاً این نکته پر از زاکت ومنطقی نماینده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 817 of 896

اول ایران را نقل می کنیم .

«ما صلح طلب ترین ساکنین دنیا هستیم و بدون از دفاع استقلال وحقوق خود دیگر نظر به لداشته درصورت فقدان خطر تام قوا ومجهودات خود رابه توسیع امورات اقتصادی واجتماعی مان صرف مینمائیم» وضمناً نماینده محترم شهنشاه ایران یاد آوری نمودند: که تنها اوازایران بود که ۱۹۲٤ اوده ۰ امیثاق را نجات داد (فکرما هم با نماینده مذکور متحداً به طرف جناب پرنس ارفع سابق نماینده بزرگ ومحترم ایران که رتبه «پرنس صلح» راحائز گردیده اند رفت)

نماینده گی مصر

وهم دراینجا خلص الظهارات فصیح وبلیغانه نماینده محترم مصر راکه معاي سیاسي دارا کمال مهارت ایراد نمودند ذکری کنیم «بهتر است که ملل متمدن درمناسبات خود بادول دیگرعین همان پرنسیب حق وعدالت را اجراء نمایند که در بین خط سرحدي خود می نمایند»

وفخري پاشا (نمایندهٔ مصر) علاوةً تصفیهٔ اجباري دربين ممالك راخواهش نموده گفت «هیچ دول منازع منصف شده نمیتوانند» (گویا این ممااشاره انت بایپجده گی مصر وانگلیس) واینکه بنام اهالی نیل نطق کرده است یقیناً به سود آن هم فکر می نموده اند) دربین همه نطاقها تنها نماینده مصر ، بود که ازرئیس وبلس متوفی ؛ موسس مجمع ملل ، یاد آوری نمود واین یاد آوری از طرف « مصر » طبعاً گزنده واقع شد وهم نماینده مذکور این فرموده حضرت رسول مقبول را ذکر کرده « از آواز گریه یتیمان عرش به لرزه می در آید »

وتنها بطور خیر خاطر نشان می کنم که خدیو سابق مصر هم درین روز به کنفرانس حضور بهرسانیده بود وفخری پاشا را به مناسبت نطق شان تحسین نموده ، این وضعیت خدیو مذکور چندان اهمیت ندارد زیرا افکار مذبذب ومتناقص جناب خدیو بهمه معلوم است .

نماینده گي المانیه

در روز ۲٤ فروری بعد از نطـق نماینده افغانستان ، نماینده المانیا مملکتی که حصه بزرگ اهالی آن مسلمان هستند ، نطق خوبی نموده وچنین اختتام نمود ! « حکومت من خوش بخت است که از صمیمیت به وظیفه شریف کنفرانس حصه گرفته ، واز ته قلب تمام مصوبات که ممکن است خلع سلاح را محقق بسازد تائید نماید ودرین صورت به تمام دول که ابد آل اخوت وترتیب صلح را بدل می پرورانند اطمینان بدهد »

نماینده گي هند

بعد از نطق فخری پاشا نماینده مصر بروز ۱۹ فروری آغاخان مشهور نماینده هند بر خواسته نطق بزبان انگلیسی ایراد نمودند که ماخلص آنرا نقل میکنم :

« من در اینجا بنام چندین ملیون هموطنان خود که عشق بصلح واجتناب از تشدد را از جمله صفات اولی بشریت می دانند اظهاروای می نمایم ، برای آنها ایدال صلح یك وسیله اقتصادی نیست ، بلکه ابد آل صلح در قلوب آنها جای گرفته است . »

نطق ع ، ج عبد الحسین خان نماینده

افغانستان در کنفرانس

خلع سلاح

روز چار شنبه ۲٤ فروری ، روزآخرین جلسه مباحثات عمومی کنفرانس ع ، ج عبد الحسین خان نماینده افغانستان در کنفرانس خلع سلاح وزیر مختار اعلیحضرت در روما نطق ذیل را بزبان انگلیسی ایراد نمودند .

آقای رئیس خانم ها آقایون !

من از نقطه نظر عمومیت در نطـق های مهمی که از طرف نطاق های مامن دول در همین منبر تا حال ایراد شده است بسیار چیزی ایراد نمی کنم .

چون حکومت افغانستان به کار هـای کمیسیون ابتدائی سهیم نبود لذا میخواهم نقطه نظر مملکتی راکه افتخار نماینده گی آنرا دراینجا دارم مختصراً ارائه نمایم .

انتهای خواهش وآرزوی شدید حکومت من بود که به مجاهدات بین المللی راجع به « خلع سلاح » شریك گردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 818 of 896

ما لهاماً نظریه رئیس محترم هند وسن را تائید مینمائیم که فرمودند « دنیا تقاضای خلع سلاح را می نماید . دنیا به خلع سلاح محتاج است » وما گمان میکنیم که این پیشنهادات که به کنفرانس تقدیم شده به تکمیل وظیفه بزرگ کمك نماید - هیئت نمایندگی افغانی آماده است که پیشنهادی را که از طرف تقریباً کل نمایندگی ها راجع به فسخ نمودن قطعی بعضی اقسام تجهیزات که بنابر خواص مخرب وتعارضی آن ها غیر انسانیت گفته می شوند تائید نماید .

ما اظهارات بعضی نمایندگی ها را راجع به فسخ نمودن طیارات بمبارد متن تائید و اعتراف مینمائیم و این حتمی است که بمبارد دن هوائی و محاربات کیمیاوی و انتشار میکروب و جراثیم قطعاً ممنوع شود زیرا لازم است که اهالی را ازین طور نمایشات متوحش نجات باید داد .

در جمله پیشنهادات که به کنفرانس تقدیم شده اند پیشنهادی که جدیداً از طرف نمایندگی ایتالی پیش شده است بنظر ما قابل دقت وتوجه مخصوص است .

نمایندگی افغانی نیز به شرف عالی مجلس وادور را تحدید وتقلیل سلاح بنظر خوب دیده وخیری برای بشریت میداند . و ازین جهت حکومت افغانستان حاضر است که تمام پیشنهاداتی را که برای خلع سلاح خدمت می نماید بکمال دقت مطالعه و مدقه نماید .

خانم ها آقایون : سال اجازه بفرمائید که وضعیت مملکت خود را کمی بشما توضیح نمایم .

افغانستان در یك چار راهی راههای تاریخی آسیا وسطی واقع و ازین جهت در یك وضعیتی است که به هیچ یك از ممالك مقایسه نمی شود . در اختتام جنگ عالم گیر، افغانستان به حصول استقلال مطلق خود کامیاب گردید و امروز بجز از کار کردن در حالت آرامی در داخل سرحدات ملی خود و بسرعت پیمودن ترقی در راه تمدن و بودن یك عنصر انضباط وصلح در آسیا وسطی به زیر سایه شاه معظم خود دیگر منظور ومقصدی ندارد .

افغانستانی که دو ایدال خود یابند ودر استقلال ومصئونیت خطه خود مفتخر میباشد احترام حقوق همسایه های خود را وظیفه خود میداند .

بنا برین ملحوظات پروگرام ما حاوی انتظام یك اردوی مدافعه محض که امنیت داخلی را تامین وثغور ملی ما را حمایه نماید میباشد و این وظیفه ایست که تاریخ بدوش ما میگذارد . از وقت اعلان استقلال خود افغانستان در صدد را که می خواست به آن نائل گردد بتدریج و قدمات احتیاطی کارخ نموده انجام داده نتوانست حتی به تشکیل یك اردو (فرا خور احتیاج عصر مترجم) برای دفاع ثغور ملی خود هم موفق نگردید .

امروز اساس مقصد ما تکمیل شئونات ملی ما است ومن امید قوی دارم که کنفرانس وضعیت مخصوص وطن ما را مد نظر خواهد گرفت واطمینان قطعی دارم که کنفرانس که ترجمان احساسات صلح خواهی تمام ملل است به اجرا وتکمیل وظیفه بزرگ خود کامیاب خواهد گردید و بایصورت برای بشریت یك راه جدید ، اتحاد ، صلح و اخوت را باز خواهد نمود .

درخاتمه خانم ها وآقایون بهترین وصمیم ترین آرزوهای ملت افغان را برای کامیابی کنفرانس بحضور شما ابراز میدارم .

قوای دول

اداره :- معلومات ذیل که شامل تمام قوای بحری وبری ملل است از روز نامه شریفه « اطلاعات » مطبوعه طهران بغرض اینکه معلومات قارئین اقتباس و نقل می نمائیم تا اهمیت و وظیفهٔ سنگین کونفرانس معلوم گردد .

فرانسه

- فرانسه دارای منظم ترین ومکمل ترین قشون وتجهیزات جنگی میباشد بعد از جنگ بین المللی دوره نظام وظیفه فرانسه سه سال ولی اکنون به یکسال تقلیل داده شده است بودجه تخمینی قشون فرانسه در سال ۱۹۳۱ پنجاه وچهار ملیون لیره بوده است قوای هوائی فرانسه درجه اول را در دنیا حائز است وروی همرفته دارای سه هزار فروند طیاره جنگی میباشد .

قشون فرانسه در ۱۹۳۱ عبارت از ۳۲۰،۶۵۷ افراد نظامی و ۳۳ هزار

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 819 of 896

ژاندارمی بوده. تجهیزات جنگی فرانسه عبارت است از ٤٦ باطالیون تانك وانو میلها زره پوش و ۱۸ رژیمان توپخانه ـ توپخانه قشون فرانسه دارای ۳٤٥ باطالیون ، سواره نظام آن عبارت از ٦٥ رژیمان و افراد آن با تفنگهای اتوماتیك مسلح هستند ـ ۱۲٥ ادکا درون زره پوش و ۳٥٥ اتومبیل زره پوش نیز جزو سواره نظام می باشد .

قواي بحري فرانسه

کشتی و کرواز جنگی	۱٥	فروند
کرواز ده هزار تنی	۷	»
» های مختلفه	۲	»
کشتی های مخرب	٥۲	»
تحت البحری	۱٥	»

کشتیهای جنگی فرانسه روبهمرفته ٦۲۸٬٦۰٤ تن میباشد .

بریتانیای کبیر ـ قشون بری بریتانیای کبیر در حدود ۱٥۰ هزار است قریب ٦٥٬۰۰۰ نفر نظامی نیز مامور هندوستان است . بودجه قشون سال ۱۹۳۱ انگلستان در حدود ۳۹ ملیون لیره بود . مستعمرات و کلنی های انگلیس هر کدام بنوبه خود دارای قشون مرتب منظمی میباشد در استرالیا و نیوزلاند جدید نظام اجباری مجراء است .

بریتانیای کبیر دارای ۱٬٤۳٤ فروند طیاره جنگی میباشد .

قواي بحري انگليس

کشتیهای قدیمی قبل از جنك	۳	فروند
کرواز رهای جنگی	۳	»
کشتی جنگی	۱۷	»
کروازرهای مجهز	۱۳	»
کرواز	٤۳	»
کشتیهای مخرب جدید	۷	»
تحت البحری	٥٦	[illegible]

تعداد صاحب منصب و افراد بحری ۹۲٬٦۰۰

بودجه بحری سال ۱۹۳۱ پنجاه و دو ملیون لیره

کشتیهای فوق روبهمرفته دارای ۱۲٥۰۲٤۷ تن میباشد .

امریکا ـ دولت امریکا پس از جنك بزرگ بودجه هنگفتی صرف قوای بحری و بری خود نموده واز حیث تعداد کشتیهای جنگی وافراد قوای هوائی از انگلستان قوی تر است بودجه ۱۹۳۱ وزارت جنك امریکا بالغ بر ۷۸ ملیون لیره بود .

دارای ۱٤۰ هزار قشون و ۲۳٬٥۱ فروند طیاره جنگی و ٥ زیپلن میباشد

قوای بحری امریکا ـ

کشتی و کرواز جنگی	۱٥	فروند
کرواز های ده هزار تنی	۱٥	»
کرواز های مختلفه	٤۳	»
کشتیهای مخرب	۷٦	»
تحت البحری	۷۲	فروند

تعداد صاحب منصبان وافراد بحری ۱۲۰ هزار

کشتیهای فوق دارای ۱٬۰۲٥۱٬۰۸٤۰ تن میباشد

ایتالی — قشون ایتالی بالغ بر ۲٥۰ هزار و قوای هوائی آن مرکب از ۱٬٥۰۰ طیاره جنگی است ودر آتیه نزدیکی بنا به تصمیم اخیر دولت ایتالی به ٤۰۰۰ فروند توسعه پیدا خواهد نمود

تعداد صاحب منصب وافراد قوای هوائی ایتالی بالغ بر ۲۳ هزار میشود

قواي بحري ايطالي

کشتی و کرواز جنگی	٤	فروند
کرواز های ده هزار تنی	۷	»
» مختلفه	۱۰	»
کشتیهای مخرب	٥٦	»
تحت البحری	۷٦	»

کشتیهای فوق روبهمرفته ٤۰٤ هزار تن میباشد .

آلمان — برطبق عهدنامه صلح ورسای قشون آلمان بر ۱۰۰ هزار محدود گردیده ونظام اجباری در آن کالعدم قشونی وقوای هوائی آن نیز برطبق عهدنامه مزبور کاملا ملغی شده است آلمان دارای زیادی طیارات تجارتی است که در مدت قلیلی ممکن است بطیارات جنگی وبمب انداز تبدیل وتجهیز گردد یا اینکه رسما خلع سلاح گردیده وقشون آن محدود به صد هزار شده آلمان دارای ٦ ملیون صاحب منصب وافراد نظامی با تجربه میباشد که در جنگ بین المللی خدمت نموده اند کار خانجات آلمان سالیانه مقدار زیادی اسلحه ومهمات جنگی برای ممالك کوچك همسایه خود

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 820 of 896

ساخته ونیه میباید . کارخانجات مزبور برای ساختن اسلحه ومهمات جنگی از مکمل ترین کار خانجات دنیا بوده واین باعث نگرانی فرانسه گردیده است . بودجه بری و بحری آلمان در ۱۹۲۱ سی وشش میلیون لیره بوده است بحریهٔ آلمان — برطبق معاهده ورسای آلمان فقط مجاز به تجهیز قوای بحری ذیل میباشد

کشتی جنگی	۸	فروند
کروازر سبك	٦	»
کشتی مخرب	۱۲	»
کشتی تربید واندازی	۱۲	»

کشتیهای فوق ۲۰۰۷۸۰ تن میباشد

ژاپون — نظام ژاپون اجباری ودوره آن دو سال است قشون آن بالغ بر ۲٦۰ هزار نفر میباشد قوای هوائی آن ۹۳۹ فروند طیاره جنگی و۷هزار طیاره چی میباشد

بحریهٔ ژاپون

کشتیهای جنگی	۹	فروند
کروازر های دمهزارتنی	۸	»
» مختلفه	۲۱	»
کشتی مخرب	۸۵	»
تحت البحری	۷	»

کشتیها ی فوق ۸۵۰۱۳۲۸ تن میباشد

روسیه — قشون روسیه بوسیله نظام اجباری باوضیعت ناگواری به ۸٤۳ هزار رسیده است لیکن تجهیزات جنگی آن نسبت بقشون دول معظمه قابل مقایسه نبوده وبعلت عدم وسائل وسیستم ورواه آهن دردنیای نظامی امروز قشون سرخ مقام مهمی را حائز نیست گرچه مقداری از اسلحه جات ومهمات جنگی که متفقین درزمان امپراطور تزار بروسیه فرستاده‌اند هنوز باقیست . قشون سرخ با اینحال دراین دهسال اخیر ترقی محسوسی نموده و تجهیزات ودیسپلین ومهمات آن نسبت بسابق بمراتب بهتراست

قوای هوائی روسیه ۱۵۰۰ فروند طیاره جنگی است بالغ بر ۱۸ هزار طیاره چی تحت نظر استادان وهوا نوردان آلمانی تربیت شده وحاضر دارد

لهستان — نظام وظیفهٔ درلهستان نیز مجرا ودوره آن دوسال است قشون آن درحدود ۲٦٤ هزار نفرو قوای هوائی آن مرکب از ۷۰۰ فروند طیاره جنگی میباشد

بلژیك — قشون بلژیك درحدود ٦٥ هزار ونظام اجباری نیز مجراست وتعداد طیارات جنگی آن در حدود ۲۰۰ فروند است دولت بلژیك اخیرا چند ین طیاره جنگی به کار خانجات انگلیسی سفارش داده است

رومانی — دوره نظام وظیفه دررومانی دوسال وقشون آن روی‌همرفته بالغ بر ۱۸٦ هزار میشود قوای هوائی آن مرکب از طیاره میباشد ۷۹۹ فروند

چك اسلواكی — قشون چك اسلواكی بالغ بر ۱۰۰ هزار و دوره نظام وظیفه آن ۱٤ ماه است قوای هوائی آن مرکب از ٦۸۷ فروند طیاره میباشد

هنگری ـ دولت هنگری بر طبق عهد ـ نامه ورسای اجازه ندارد بیش از ۳٥ هزار قشون مجهز داشته باشد . با قلت افراد آن تجهیزات قشون هنگری خیلی مکمل ونظامیان آن از بهترین نظامیان جنگی دنیا محسوب میشوند

نکتهٔ قابل ملاحظه عظمت قوای بری هوائی وبحری فرانسه وعقب ماندن انگلیس از رقبای اروپائی وامریکائی خود میباشد. انگلستان از حیث قوای بحری نیز بعد از امریکا میباشد

فرانسه تفوق بری و هوائی دنیا وامریکا تفوق بحری را حائز میباشند .

خبر های داخلي

وکیل یاور اول حضور

نظر باطلاعات داخله ؛ تا زمانیکه عالیقدر جلالتماب الله نواز خان یاور اول حضور اعلیحضرت غازی از معالجه فارغ واز الپان پس به کابل وارد گردید ؛ امورات یاوری اول حضور به عالیقدر جلالتماب اقای محمد نوروز خان سر منشی حضور مبارک غاغا نه بعلاوه انجام وظیفه محوله شان وکالتا تفویض شد . اگر چه وظیفه اصلی جلالتماب جناب سر منشی حضور خیلی مهم وزیاداست که ما اوقات شبانروزی شانرا در آن مصروف می بینیم وباوجود آن که این وظیفه مهمه یاوری هم بان علاوه شده نسبت به فعالیت و عشق سرشاری که جناب ممدوح در انجام امورات محوله خود دارند یقین کامل داریم که امورات این دو وظیفه مهمه بصورت بیدار صحیح وحسب مطلوب حکومت انجام یابد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 821 of 896

رئیس بلدیه :

عالیقدر صداقتمآب آقای گل احمد خان وکیل والی کابل بریاست بلدیه شهر کابل انتخاب و امورات بلدی را در دست اجرا گرفتند .

اداره :- ازقرار مصاحبه مختصري که نماینده ما باجناب آقای گل احمدخان رئیس بلدیه بعمل آورده اند، معلوم میشود که برای بهبود امورات بلدی تجاویز خیلی معقول و صحیح اتخاذ شده تا عملی گردد . نظر بوعده که جناب رئیس به نماینده ما داده است تفصیل تجاویز را درشماره های آینده بجریده خود انتشار خواهیم داد . درعین زمان نسبت به فعالیت وحسن اداره آقای رئیس بلدیه که ما بجناب ایشان سراغ داریم اینقدرمیتوانیم که بقارئین محترم خود اطمینان داده میتوانیم که امورات درهم وبرهم موجوده بلدیه در اثرمساعی این جوان مدبر امید است که در آینده قریبی روبه بهبودی واصلاح گذارد انشاء الله الکریم

وکیل ولایت کابل :

ع ، ج ، آقای محمد عمرخان مدیر گمرک کابل نسبت به فعالیت وحسن خدمتگذاری های مورد نوازش حکومت متبوعهٔ خود گردیده به وکالت ولایت کابل افتخاریافتند .

ترفیع :

حیمت مند آقای طره باز خان وکیل قوماندانی کوتوال که در انجام وظیفهٔ محوله خود حسن صداقت وفعالیت را ابراز داده اند مورد نوازش حکومت متبوعهٔ خود گردیده به قوماندانی کوتوالی ترفیع و با اعطای یکمقدار پول نقدی و ازدیاد معاش نایل گردیدند .

استقلال مدیریت عمومي مخابرات

نظر باطلاعات واصله چون حکومت تصمیم گرفته است که امور مخابراتی نظم ونسق درست بخود گرفته واصلاحات اساسی دراین امورمهم بعمل آید لذا مدیریت عمومی مخابرات را ازوزارت داخله منفك ومدیریت مستقله تجویز کردند تادر آینده بصورت مستقل اجراات نموده وامورات خودرا راساً بحضور ع ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب تقدیم نمایند .

مدیر گمرک کابل :

ع ، س آقای غلام حیدر خان رئیس دائرهٔ فیصله منازعات که درعصرسراجیه سرپرست امور پستی و تجارتی افغانی در پشاور بودند و نسبت به سابقه که در امور گمرکی داشتند بمدیریت گمرك کابل تبدیل شدند .

اداره به آقایان موصوف و ظایف جدیدهٔ شانرا تبریك گفته و از خداوند برای شان توفیق صداقت و خدمتگذاری را خواستگار است .

تصحیح

درشماره ٤٣ صفحه ۱۳ سطر ۳ ستون ۲ دربعض ازنسخه های جریده ع ح ش نوراحمد خان سابق لواءمشره سهواً تولیمشر آمده است

(مصحح)

خبرهاي خارجي

تاس

چین

مسکو ، ۲۱ مارچ - از شانگهای اطلاع میدهند ، که کمیسیون مجمع مال تلگرامی از موکدن از اقسام مجامع چینی وتشکیلات ملکی ، اطاقهای تجارتی ؛ موسسه های مسلکی ، انجمن های مطبوعات و غیره گرفته است ، که در آن تلگرام امضا کنندگان بنام ۳۰۰۰۰۰۰۰ اهالی چین در مانچوری اطلاع میدهند ، که وطن آنها مانچوری از طرف جاپان هانیکه چینی ها را حتی از تمام حقوق اساسی حیاتی محروم می نماید ؛ تصرف و ویران کرده شده است در تلگرام مذکور مذکوراست : هزار هانفر چینی از طرف جاپانها بنام مدافعه محو میگردند ، جاپانها هرنفر چینی را اگر بقدر یك ذره هم حس ملیت دران ببینند دزد و رهزن می نامند . حکومت مانچوری صرف برای نام وبازیچه ئیست در دست نظامیان جاپان آینده نشان خواهد داد . آیا مجمع ملل اثبات کرده می تواند ، که در وضعیت امروزه حق فوق قوت است . در خاتمه بیك تهیه بزرگ مجادله برعلیه غلبه قوت بر حق ، اشاره می رود .

مسکو ، ۲۲ مارچ - ازشانگهای اطلاع میدهند : ، شانگهای منتمره عمومی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 822 of 896

امپریالیسم میگردد . توسعهٔ مسکونه خارجیها ثبت دیده میشود محاکمات چینی تصفیه میشود . به اطراف شانگهای و منطقه طبیعی ساخته میشود. این مطالبات برای مستعمرهٔ خارجی محل پیشنهاد شده است ، تا برای تبرهٔ انتخابات بلدی مسکونه شانگهای حاضر باشند، در هیئت بلدیه مذکوره دو نفر امریکائی ، دو نفر جاپانی و ۵ نفر انگلیس داخل می باشند ،

مسکو ، ۲۲ مارچ – از شانگهای اطلاع میدهند ، که قونسلگری بریطانیا اطلاعات رسمی اشاعه نموده ، پیشرفت مذاکراتی را که درآن غیر از جاپان و چین سفرای ممالک خارجی نیز شامل می باشند شرح میدهد .

مانچوری

مسکو ، ۲۲ مارچ – اطلاعات پاتین حاکی است ، که حکومت مانچوری اراده نموده ، تا یك هیئت فوق العاده برای اظهار عقیدت خدماتیکه حکومت جاپان برای تولید حکومت جدید نموده است در جاپان بفرستد . هیئت مذکور حکومت جدیده مانچوری را بصورت یك حکومت حقیقی در توکیو معرفی مینماید . (ترا جیم)

چین وجاپان

جینو ۱۷ مارچ

اولین ثمر اقدامات مجلس بین المللی راجع به مسئله چین و جاپان امروز در مجلس مذکور اعلان شده . مستر هی نیز گفت که « ساتو » به او خبر داده که نمایندهـ های چین و جاپان در شنگهائی به صلح موقتی متفق شده اند .

عساکر جاپان بایست از منطقه که تصرف شده اند بر آیند .

شنگهائی ۱۷ مارچ

از مواد اگریمان موقتی چین که بتوسط کدام ژانس چینی رسیده چنین ظاهر می شود که عساکر چین در همان منطقه موجوده اعنی بیرون از منطقه ۲۰ کیلو متر مقیم باشند و عساکر جاپان از منطقه تصرف شده بر آیند منطقه تخلیه شده را حکام چین اداره خواهند کرد بر آوردن عساکر جاپانی را یك کومیته مشترک که نمایندگان چین و جاپان با یکنفر غیر جانب دار سر پرستی خواهند کرد ، همین کمیسیون انتظامات منطقه تخلیه شده را نیز خواهند کرد .

حبس صدر جمعیت العلما

مفتی کفایت الله خان صدر جمعیت العلمای هند در اثر عدم تعمیل احکام در قانون « اخبارات فوق العاده، در موقع خط ۱۸۹۰ ماه حبس با مشقت امر شده . (تریبون)

طیاره واخبار

اخبار بمبئی کرانیکل و بمبئی سماچار از تاریخ ۸ مارچ در احمد آباد توسط طیاره در ظرف ۳ ساعت از بمبئی رسیده بمشترکین توزیع شد . (انقلاب)

طریق جدید برای توزیع پروگرام کانگریس

کانپور ۱۷ مارچ :

یك طرز عجیب را تفری کانگریس برای توزیع پروگرام خود اختراع کرده اند . رضا کاران کانگریس یك نوع پیراهن پوشیده که برآن بحروف جلی پروگرام کانگریس راجع به پیکتنگ و غیره چاپ است .

اولاً رضا کاران کلاه های سه رنگه را پوشیده به خاموشی در جاده ها تردد میکردند و بعد از آن جمع غفیر یکجا شده اشعار کانگریسی را می سرائیدند در نتیجه پولیس یکنفر از رضا کاران معادت انل نام را دستگیر کرد .

مسائل سرحد

پشاور ۲۶ مارچ

فقیر علی لنکر در تهیه کردن لشکر سالار زئی در علاقه باجور کامیاب شده، تهدید می کند که بر علاقه چندول در منطقه نواب دیر حمله آرد – بر طیاره، ذریعهٔ همین عسکره بروز افزون شده و جواب آن ذریعه آتش ماشیندار پرداخته شد وضعیت در علاقه مهمند آرام است لشکر که در مغرب دره خیابك جمع آوری نموده بود منتشر شده زیرا که از مهمند های حصه بالا به آنها کمك نرسید – سر کردگان لشکر میخواهند که در علاقه مهمند های بالا رفته برای اقدامات آینده جوش و خروش تولید کنند .

سر کرده این لشکر امین خان پسر محصل خان است چون مذکور یك شخص متمول است لهذا در تهیه لشکر کامیاب شده . (سول)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 823 of 896

از هر طرف

با طیاره در طبقات ابر

راجع به ساختمان طیارهٔ که با بسیار اسرار در ماشین خانه « فرمن » برای هواپیمائی در طبقات ابر ساخته شده است (در شمارهٔ گذشته) اطلاع دادیم.

نامه نگار جریدهٔ « پاری میدی » پاریس در ماشین خانه های فرمن رفته با صاحب ماشین خانه های مذکور « هانری فرمن » ملاقات نموده است.

از دور آلهٔ مذکوره را که سبب انقلاب بزرگی در هواپیمائی گردیده است، بنامه نگار مذکور نشان دادند زیرا به نزدیکی آلهٔ مذکور احدی را راه نه میدهند.

فرمن بنامه نگار مذکور اظهار نمود:

ـ تفصیلات تخنیکی آلهٔ نو را بشما گفته نمیتوانیم، زیرا حکومت ما ازان منع نموده است. فقط چیزیکه بشما گفته می توانم این است که: ـ طیارهٔ مانو مونوپلان (طیاره یک باله) موتور آن دارای ۵۰۰ اسب قوه (هارس پاور) ودارای یک اطاق غیر قابل نفوذ میباشد. طیارهٔ مذکور تا حالا حاضر شده است و قبل از دو ماه به اتمام نخواهد رسید. ما حالا تقریباً یک سال می شود که بر او کار میکنیم.

ـ بعد از شش ماه شروع به تجربه آن خواهیم نمود. تجربه بلند کردن آن ابتدا از ۵۰۰۰، بعد ۶۰۰۰، ۷۰۰۰ متر الی ۱۵۰۰۰ ـ ۱۸۰۰۰ متر نموده خواهد شد.

ممکن است در بلندی ۶۰۰۰ متر سرعت آن دو چند و در بلندی ۱۲۰۰۰ متر چهار چند خواهد گردید. در ارتفاع بین ۱۵ هزار و ۱۸ هزار متر طیارهٔ مذکور ۸۰۰ کیلو متر در یک ساعت طی خواهد نمود.

ـ لاکن اینها همه تا حال اصولی است که در تحت تجربه نیامده است. بعضی از متخصصین تصدیق مینمایند، که سرعت باد در یک بلندی معین ۲۰۰ کیلو متر در یک ساعت می باشد. بادهای که چنین سرعت حرکت نمایند مجادله غیر ممکن است. لاکن جناب (پرو فیسر پیکار) این فرضیات را تردید می نماید.

ـ طیاره ران در یک اطاق بسیار محکم بسته شده باید پرواز نماید. وکور کورانه خصوصاً باید براهنمائی آلات و ادوات مبادرت نماید. باوجود خطرهٔ بزرگی که این پرواز ابتدائی دارد، باز هم خواهش مندان هواپیمائی در طبقات ابر بسیارند. پرواز اول را به (کوبی) طیاره ران سپرده اند.

تجربه طیاره ران کوبی

تجربهٔ رسیدن به طبقات ابر بواسطه طیارهٔ هوائی سنگین بالاخره در محل اجرا گذاشته شده، طیاره ران مشهور فرانسه (کوبی) این عمل را اجرا خواهد نمود. اگرچه تا حال روز و ساعت آن مقرر نگردیده است، لاکن، تقریباً تمام چیزها برای این تجربه دلاورانه مهیا است.

الآن که دران کوبی پرواز خواهد نمود، ماشین خانه فرمن را در (بیانکور) در تحت قراولان خفیه ترک کرده، وحالا در میدان طیارهٔ « اوسوله نوبل » میباشد.

طیارهٔ مذکور دارای ۵۰۰ اسب قوه واطاق او که به مثل کابینهٔ تحت البحری میباشد، با آکل پوشیده است.

در میدان طیارهٔ اوسوله نوبل

بنا بر یک سلسله ملاحظات، کوبی اراده نموده که از هر قسم تجربیات ابتدائی صرف نظر نماید. لهذا نظریه خود را اظهار نموده امر داد که طیارهٔ مذکور را فقط در زمانی که برای تجربهٔ آخرین میخواهد پرواز نماید، از خانهٔ او بیرون بکشند.

به تعقیب این مسئله نمایندگان جمعیت هوائی بین المللی همیشه در میدان طیارهٔ مذکوره کشیک میدهند، باشترک ایشان تمام آله های ثبت که در طیارات مستعمل می باشند، تفتیش وبعد ازان مهر ولاک کرده شدند.

طیاره کوبی

غیر از اطاق فلزی که فرم استوانه را دارا بوده وبسیار محکم بسته شده بود بایک برج مدوری که بر او بلند شده بود بالهای بزرگ آلهٔ مذکوره توجه انسان را به خود جلب می نمود.

ترجمهٔ : رحمان افغان — ۵ — مؤلف : رفائل ژارژ

رهبر اهل ثروت

قسمت اول

واسطهٔ قوهٔ مالیه

اگرچه ضرورت زمان جنگ بین الملل مشکلات محاربه مشکلی که بر علیه فرانسه از سنه متارکه ۱۹۱۸ مقتضی گردید تعمیق شود البته سیاست مسکوکاتی گذشته با امروز هیچگاه طرف مقایسه نمیشود امروز برای ملت فرانسه لازم است که موافقه و جوهاتی و سیاست جدید مسکوکاتی را بگشاید؟ چه بنیاد آرزو بیک تا ازان بحث میکنیم یعنی اعتبار و توازن فرانک ۱۹۱۳ به ۱۹۲۶ مطابق بیست آیا هرگز چاره اش نمیشود مثلیکه بعضی مکتب هاازو میگویند؟ آیا فرانک کاغذی طبع نشود تا مقیاس کاغذ نزول کند؟ آیا حجم حاضره پول کاغذی تقلیل شود تا موازنه مسکوکاتی داخلی ثابت گردد؟

قبل ازانکه برای انکشاف اساسی های مختلف مسکوکاتی برائیم باید بدانیم که هیچ یک منافع ابهتر ازین نیست که کمیت ومقدار اجناس یک مملکت بزرگ شده باشد.

بشرطیکه آن ملت بعمل مقدماتی اصل ثروت هـای صادراتی کوشش نموده و آنرا تا صرف مساعی آخرین خودشان ترقی داده میتواند.

علی الحاله و در حالت حاضر و برای تأمین آرزوهای امروزی ملی و با اینکه از خدمات شورای ملی در حالت حاضر متوقع شویم، و با شورای ملی نظر با قدامات خویش حس امید واری بخشاید و با ملت در دفع نواقص پول خویش مجاهده کنند. بایستی این تنزیل پول خود را بمقابل خارجه بذریعه طلا چاره کنیم.

زیرا قبل از جنگ این اتلاف موجود نبود و از اتلاف نجات داشتیم. پول ما مقایسه مسکوکاتی جهان بود. امروز بالعکس پول ما زائد نازل شده و خیلی از مدارج قیمت که بآن عادت داشتیم و بصورت سیر تکاملی میرفت دور شده ایم.

وصف قیمت مسکوکاتی

باری داشتن فکر روشن درموضوعیکه ما آنرا وصف مسکوکاتی مینامیم برای انسان خیلی لازم و با اهمیت است باینیکه اصل معنا و قیمت اشیای طبیعی را که ممد ثروت هستند ارتقا بخشید؛ یعنی در ازدیاد قیمت ثروت حقیقی مملکت واشیای پیدا وار آن صرف مساعی نمود اینکه یک تجار در ۱۹۱۳ یک کوتی را بقیمت اصلی نظر به تعمیر و مصارف او یک لک فرانک بفروخت حالا آن کوتی در سنه ۱۹۲۶ به قیمت هشت لک رسیده است. آیا ثروت حقیقی آن کوتی هشت چند شده است؟ بلی در صورتی انسان قائل شده میتوانست که مفاد عمارت زائد میشد و یا از آن عمارت استفاده زائدی حاصل می گردید مگر در صورتیکه آن تاجر هر چیزیکه ضرورت دارد و بخریدنش مجبور است و قیمت آنرا به نسبت سابق ۱۹۱۳ هشت چند بر دارد و یا از همین سرمایه هشت لک فرانک به نسبت گذشته هشت چند ربح میگیرد ویا اینکه اجاره دار و یا کرایه نشین به نسبت سابق هشت چند اضافه کرایه بدهد ترقی اصلی نیست بلکه ترقی فروعی است

متخصصین راجع به یک صفت کامیابانهٔ دیگر جدید الاختراع که به طیاره ران درحالت پرواز امکان انتظام دادن خیده کی های پیچ هارا میدهد، اشاره می نماید.

قرار نتیجه عمومی، ساخت آلهٔ مذکوره که برای ترقی وتشکیلات هوا پیمائی در طبقات ابر میباشد، اتمام مقتضیات خود را پوره می کند، آینده آن منحصر است به لیاقت و کامیابی شخص طیاره ران وهم به آن اجرای غیر قابل فهمی که هیچ یک از انسان هـا پش بینی کـرده نه می تواند. (از جراید خارجی)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 825 of 896

در نتیجه قوانین مختلف که طرف ارتقای کرایه را تحدید کرده اند اجازه نمیدهند که ربح اجاره ویا کرایه مطابق قبل از جنگ متزایده شود وبه بعضی صاحبان املاک دیروز در امروز بحال باقی هستند .

فلهذا اگر سخن روا باشد ابداً لازم نیست که کسی را خوشنود سازند ازینکه حساب قیمت مسکوکات را در ثروت حقیقی ملت محسوب نمایند . وبا متفکر اوصاف مسکوکات خود باشند . بلکه تفکر وتجزیه در پول خیلی لازم است زیرا پول اساس اقتدار است ؛ و ممد قدرت وتوانائی . وپول تحدید میکند پیش از آنکه انسان داخل تتبعات علمی در تشکیلات حقیقی ثروت گردد .

آری تجزیه وتتبع در پول بحدی نفع آور است که روح در بدن است . اگر مسائل روابطی ، ناسي پول بحقائق طبیعی فلز منوط گردد . وبه تدوین وتکوین مسکوکات خیلی تفکر وتعمق صاحبان فن کرده شود . ودر مقیاس مسکوکاتی تمام دول خاصتاً دول همسایه ویا آنانکه طرف داد ومعامله بشوند تتبعات شود ، ومراجع باختلاف وتفوق مسکوکاتی خواه در مبادلات ویا در حالت منقلب ساختن ضبط وربط بعمل آید جای شبه نیست که اقتدار وتوانائی پول بمعرض تداول آمده نافع حال واحوال ثروت حقیقی یک ملت میشود . پوشیده نماند که اقتدار وتوانائی پول مسکوکاتی هر دولتی بسنجش وتتبع متخصصین اقتصادی آنمملکت مربوط است .

(ناتمام)

مولف : له بلانیه فرانسوی (۳٤) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل هیژدهم

پدر دو پسر

کاترین در حالیکه دانه های درشت اشک از رخسارش میچکید نعره زد : « آیا مرده است یا زخم مهلکی برداشته ؟ »

له فیور : « نه ، چنین چیزی واقع نگردیده ! »

کاترین : — « پس چیست ؟ زود بگو ؟ »

له فیور : — بدست دشمن گرفتار آمده است ! »

کاترین بایک آه تسکین گفت : « تنها همین قدر ؟ احمق مرا بسیار ترساندی ! اگرچه اسارت خوب نیست ولی خطره آلی ندارد . باواین موقع اورا یا کدام اسیر عوض خواهی کرد . شنیده ام هر روز اسیران زیادی از آلمان ها میگیری . »

له فیور سرخود ش را با کدورت تمام حرکت داده گفت :

« بمجرد اسیری اوبرای (مارشال کالکروت) قاصدی فرستادم و بعوض خلاصی (هاربوت) رهائی دو افسر ودو نفر سرباز را پیش نهاد کردم . »

کاترین : « هاربوت) مایه بسیار خوبی لایق این معاوضه را داشت ؛ وپروسه ها هم ضرور این تجویز را قبول کرده خواهند بود . »

له فیور : — « برخلاف توقع انکار نمود . »

کاترین : — سبب چیست »؟

له فیور : — « هاربوت را یک اسیری حرب تسلیم نکرده اند بلکه اورا به اتهام جاسوسی گرفتار کرده اند ومیگویند در وقت گرفتاری لباس تغیر بوده . مارشال این الفاظ را بایک صدای که از کدورت خرشکسته بگوش میرسید ادا نموده .

کاترین : — « هاربوت یک جاسوس ! پروبابا ! یک سرباز دلیر مثل او عیب وعار جاسوسیت را قبول نمیکند . اوشمشیر برهنه در دست زیر علم وطنش میجنگد ! شاید این مارشال کالکروت یک مرد احمقیست ! آیا اشخاص هوشیار واخبری در اطراف اونیست ؟ »

له فیور : « حقیقت طور دیگر است . هاربوت مادر اثنای محاربه گرفتار شده ؛ بلکه در کوچه های شهر ادانزخ ادر لباس یک افسر استریائی اسیر گردیده است ! »

کاترین : — « خدای من ! آیا دلیل این تغیر لباس چه بوده است ؟ »

له فیور : « وقتیکه ازین واقعه شنیدم من هم باندازه تو متحیر شدم . مگر لا وبوك کهطورا بکمال شدت یکمك این پسر گماشته بودم ، ازین معامله منحوسه که یک افسر نوجوان ودلیر فرانسه را جاسوس بنظر جلوه میدهد خوب باخبر است .

کاترین : « بخیال من درین حادثه کدام افسانه عشق مستور خواهد ؟ »

له فیور : « من هم چنین تصور میکنم . »

کاترین : « هاربوت جوان دلیر بست

وهم قابلیت تمام احساسات والهامات عشق را داراست . هر چیز یکه کرده من او را تائید می کنم !)

له فیور شانه‌های خود را تکان داده گفت : « عین مثل زنها ، در هر مرد جوان ، هیروی یك (ناول) معاشقه مشاهده می شود ، خاصه جوان هائی که در لهوو لعب گرفتار باشند ! »

کاربن : ــ آیا هاریوت چطور توانست لباس افسر استریائی را بدست آورد ؟ »

له فیور : « البته میتر قونسل خانه استریا که با او آشنائی دارد ، برای مقصد بی طرفانه با رود که آمده بود وبان صورت هاریوت پاسپورت والبسه ئی را امانتاً برای چند ساعت بدست آورده و بشهر داخل گردیده است . »

کاربن . « وشناخته شده است ؟ . »

له فیور : « جنرال قونسل استریا او را دیده وشناخته است که افسر او نیست باینصورت رسوا شده است . »

کاربن : ــ آیا برای استخلاص او بلائی سنجیده‌ئی ؟ من گمان میکنم که محکوم به تیر باران خواهد بود ؟ »

له فیور : ــ بلا شبهه ! در یك شهر محصور با تبدیل قیافه در اثنای حرب گرفتار شدن از جرایم (کاپیتال) بزرگ بشمار میرود . قوانین حرب هیچ گاه تغیر وبا تبدیل نمی شود . اگر من یك افسر روس را در اردوی خودم ، ناولی موریهٔ فرتری بیرم هیچ چیز او را از اعدام نجات داده نمی تواند . »

کاربن : ــ پس هیچ وسیلهٔ که او را نجات بخشد موجود شده نمیتواند ؟ »

له فیور : ــ هیچ چیز مگر معجزه وبا خارقه ! حال اگر می توانستم بام اندازان خودم به شهر حمله برم چه قدر خوب می شد . »

کاربن : « چرا حمله نکنی ! این هجوم از دو رهگذر برلو فرض است . یکی وظیفه ودیگر استخلاص هاریوت . »

له فیور سر خود را بپایان حرکت داده گفت « : ــ نه نمی توانم اقتدار ندارم . »

کاربن : ــ « اقتدار نداری ! تو یك مارشال فرانسه چطور اقتدار نداری ؟ »

له فیور : « به مجردیکه شنیدم هاریوت گرفتار گردید و محکوم باعدام شده ، در همان لحظه میخواستم چیزی را که تو حال اصرار میکنی ، با یك مشت سرباز خود اجرا نمایم . ولی مرا مانع شدند . به من گفتند (مورتیر) با چند نفر وز بهان تازهٔ طوریخانه در راه است ، این دیوانه گی محض خواهد بود که انتظار کمك را نکرده بر شهر حمله شود ، علاوه بر آن هم قطاران من به من یاد دادند که امپراطور احکام داده است محاصره را عیناً باصول عامی پیش برده شود .

این اخبار ها مرا در یك کشمکش گرفته اند ــ میگویند شهری مثل (دانزخ) به جوش و خروش و شجاعت گرفته امیشود جنگ داده به بلان ها و تخمینات فتح شود که من از آنها بی بهره ام ، ولی معلوم می شود که امپراطور به آنها دلچسپی زیادی دارد ، ژنرال شاسلو لونهٔ از طرف او به من نشان داد که دران از همه چیز هائیکه درین جا از قوه بفعل آمده است اظهار ممنونیت نموده . پس من شمشیرم را بغلاف واپس گذاشته همهٔ امید های نجات هاریوت را از سر بیرون کشیدم چه فائده ازین که انسان مارشال فرانسه گفته شود ولی محاربهٔ را از پیش برده نتواند . زیرا در مکتب بسیار دیر مانده است ؟

کاربن : ــ پس هاریوت بمیرد وما زنده باشیم ؟ »

له فیور : ــ میترسم که چنین واقع خواهد شد ، مگر بخدا قسم است که بمجردیکه داخل دانزخ شوم انتقام او را خواهم گرفت ، قسم است که این (نیرگ) بدبخت که او را رسوا کرده است درزیر دستم خواهد افتاد . »

کاربن بشنیدن نام نیرگ یکهٔ خورده گفت : « این کدام نیرگ است ؟ »

له فیور : ــ کونت دو نیرگ ، قونسل جنرال استریا که یك دشمن بسیار جدی ناپلیون گفته می شود . »

کاربن : ــ تو او را میشناسی ؟ ونمیدانی که پیش تر ازین بکجا با او دیده ام ؟ »

له فیور : ــ تو این استریائی مرتد را از کجا می شناسی ؟ »

کاربن : ــ آیا شب زنهاب را بخاطر نداری ! من جای بلاشر را در عراب گرفتم وبواسطهٔ یك افسر جوان استریائی از اعدام نجات یافتم ، همان افسر جوان همین جنرال قونسل است ! » (باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 828 of 896

(شماره ۴۰)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوسته ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد ۵

اداره: کابل جادهٔ ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین
مدیر محمد امین خوگیانی

۲ شنبه ۱۵ حمل ۱۳۱۱ — کابل ۱۳۰۶ — ۲۷ ذیقعده ۱۳۵۰

حزن وسرور

دیروز که برخلاف روزهای مفارق سال نو آسمان صفا و انوار واشعهٔ زرین خورشید افق شهر را منور ساخته وسبزه های نو خواسته و اوراق اشجار را زینت مخصوص بخشیده بود منظرهٔ خارج شهر خصوصاً چمن حضوری ابزهت و صفائی نظر ربائی داشت، و همه یان عزیز بعد فراغ از شغل غالبا از طرق خارج شهر عازم منزل بودند تا در ضمن طی طرق استفاده و تفریحی از هوای خوش ولطف بهار کرده و از منظرهٔ زیبای چمن حضوری نموده باشند.

بنده هم باین آمال متفق بوده وارد چمن شدم حقیقتاً لطف و نظارهٔ زیبای داشت!

چه چمن با نهایت صفائی هوای پاک و رایحهٔ لطیف خود را جهت استشمام تفریح کنندگان ایثار مینمود.

سبزه گک ها از رایح سرما وعوارض موسمی چندی در زیر خاک که خود را از انظار محفوظ نموده بودند؛ چون در این روزها ورش نسیم بهاری را حس کرده بیمابات همدگر سرها بخود را از زیر خاک بیرون و صحن چمن را یک صحنهٔ زمرد ساخته بودند.

مرغکان خوش الحان بار هیای قشنگ چهچه زنان چمن را طواف میکردند؛ جوانان آزاده، رجال فرزانه وطن هم کدام بحسب دلخواه خوش گردش و تفریح مینمودند.

من ازان هوای پر لطافت ونرش؟ سبزه‌دان و چهچهٔ مرغکان چمن حضوری پردهٔ خاطر، خوب وطبیعتم بهایت مرغوب گردید باوجودیکه اثر نشاط و فرحت بس از دلهای [illegible] حادثهٔ غروب تمام شده وتاریکی شب جهان را فرا گرفته بود بطرف منزل برگشتم، و از لطف چمن ومسرت خاطر هموطنان عزیز فرحت وحظ بی نهایت داشتم!

ولی افسوس بمحض داخل شدن بشهر وبازار یک منظرهٔ حزن انگیزی را مصادف شده، که آن سرور مبدل بالم گردید!

چه در عرض راه بین بازار چند نفر فقرای بینوا را نشسته دیدم که با گردنهای شکسته و رنگهای پریده با کمال یأس و ناامیدی از اشخاص رهگذر گدائی و تمنای یک پول و دو پول را میکردند بعض اشخاص که یک حس ملت دوستی و نوع پرستی در قلب شان موجود بود حتی المقدور برای آن بیچاره ها چیزی امداد مینمودند.

بعضی ها که دلهای شان از سنگ خاره هم سخت تر بود باچشم حقارت ودیدهٔ استهزا باین هموطنان مظلوم [illegible] دست خود را پل ساخته جهت لقمهٔ نانی از آب روی خوش میگذرند، تکبرانه واظهار تنفر میکردند.

وضعیت پریشانی این بینوایان فقیر حظ وفرحتیکه از چمن گرفته بودم، آنرا بیک عالم اندوه مبدل گردانید. از بین بازار وازدحام خلایق مثل یک شخص مصیبت زده گذشته که تا گاه یک نفر فقیر بدبخت دیگر را با دو پسر صغیرش در یک کوچه دیدم در گوشهٔ تاریکی نشسته بایک لهجهٔ حزن انگیز، والا که حال خود و بی نفقگی صغیرهای خویش را بسمع مردم میرساند.

این ناله وطرز شوره باد الم انگیز شخص مذکور وصیحه های پسران صغیرش با جامهٔ ملطخ؟ و بیک گرداب

تفکر والدوه پر تاب نمود ، وبد بختانه پولی هم نداشتم که برایش تقدیم بکردم هانطور گرفتار غم الدوه بوده ، قریب آن بیچاره ها ساکت وصامت ایستاده بودم وبیچارهٔ نقشه های شب شانرا می سنجیدم که درهمین اثنا یك شخص ریش سفیدی که شاید پیش از من آن فلاکت زده هارا دیده بود ، باچند قرص نان وچند پول نقد در رسید وبرای آن بیچاره ها هدیهٔ نمود .

چون مرادر آنجا ایستاده ویك مجسمه حزن والدوه دید ، بامن باب ملاطفت وا باز وبسخن گفتن آغاز کرد .

گفت ترحم باحوال فقرا وغربای این مملکت لازمیست اما فسوس باحساسات تجاران وثر وتمندان ما که هیچ عاطفهٔ معنوی وحس همدردی بغربا ، وفقرای وطن خود ندارند ، زیرا بومیه نالهای پنهان وفغان های جگر خراش غریبان وفریاد های جانگداز پیر مردان وطن عزیز خود را می شنوند ومیدانند که این بیچاره ها غرق دریای فلاکت وبد بختی هستند که شب ها باعیال واطفال خود در زیر یك گلیم درشت بروی خاك باشکم خالی میغلطند ، کورنگهای پریدهٔ آنها راز درونی شان را آشکار میسازد ، وهیچوقت لذت حیات وزندگانی با آسایش را این فلك زده ها ندیده ونفهمیده اند .

اگر بنظر انصاف ودیدهٔ بصیرت نگریسته شود این ها بحکم خدای متعال برادر ما ومعاونت ودستگیری شان فرض ذمهٔ هر فرد مسلمان است .

ولی افسوس بما مسلمین افغانستان که بجز پادشاه ما دیگران همه این حقوق اسلامیهٔ را بکلی تاحال فراموش کرده ایم ، از قبیل این بیچاره ها بسی اشخاص بینوا ودرد مندی هستند که در اکثر شب ها بی نفقه بیك گوشهٔ مسجد ویا کدام گلخن حمام می خسپند .

اهالی توانگر وطن ما بفکر مرتفع ساختن این بلای عظیم فقروفراهم آوردن وسایل آسایش برای این بیچاره گان فقیر وبرانداختن اساس فلاکت حال محموم نیست بجای اینکه ما مردم قدمی بطرف نیك بختی وسعادت بر داریم روز بروز در نتیجه غفلت فرسنگها عقب مانده میرویم ، ودر هراٰنیهٔ بر بدبختی خودافزوده صله رحم واخوت اسلامیه را ترك وتبعید میمائیم .

امروز برای رفع احتیاج وتهیهٔ مایحتاج این اهالی بیچاره کچاره اساسی لازمی وحتمی است ، یعنی بایستی در راه تعاون نوعی عمومی مسلمین متمول این کشور غیرت وشتاب نمایند .

اگرچه حکومت متبوع ما شب وروز مصروف رفع احتیاج وتهیه سامان فلاح وسعادت ما است ، چنانچه بوساطت بلدیه برای اکثریهٔ فقرای معروف معاش مقرر فرموده ، وسالانه از کیسه حیت ونوع پروری خویش مستقیماً یك مبلغ خطیری بفقرا بذل والطاف میفرمایند ! (وبارها در اوقات مختلفه وشهور متبرکه نیز از کیسه فتوت پول زیادی بخشیده اند) ولی انصافاً در هیچیك نقطهٔ جهان حکومت به تنهائی از عهده اعاشهٔ وعم خواری فقرای یك مملکت برآمده نتوانسته وبدون همراهی ملت چاره اساسی درینمورد کرده نمیشود ، درین ما مرام مثل است که (از یکدست صدا نمیخیزد) اگر تجاران ، ثروتمندان ، متمولین ، ما سامعه خاطر شان از لوث حرص وآز پاك است ، باید که با ریاست بلدیهٔ درین خصوص داخل یك مفاهمه شده ، چاره فلاح ونجاح برای فقرای بیچارهٔ وطن بسنجند ، البته درصورت تعاون ومعاونت تجاران وثر وتمندان باریاست بلدیه ، این بدبختی از وندهٔ کانی فقرای مارفع شده بعد ازین گوش ما از اذیت شنیدن ضجه های جگر خراش نجات خواهد یافت !

بعقیدهٔ ما راه پیشرفت وترقی یك مملکت ونجات ملت آن از فقر وفلاکت وجلو گیری از مسکنت هانا بسط شرکتها ودایر کردن فابریکها وتاسیس کارخانهای صنعتی است ، زیرا چاره از تنگنای مذلت جز در تحصیل کمال واکتساب صنایع ملحوظ نیست تا بیچاره گان بیکار ، وفقرای بی روز گار چنگ بحبل المتین صنعت زده وخود را از دریای فلاکت بساحل سعادت ونجات برسانند .

مسلم است درصورت اجرای این مقصد برتوسعه ثروت تجاران وثر وتمندان افزوده وهم از عدهٔ افراد بیکار قابل کار وغربا ، وفقرای مملکت شان میکاهد ضمناً اقتصاد مملکت بایك پایهٔ متین استوار شده ویك نام نیکی تاریخی از همت ونوع دوستی متمولین ملت ما در صحایف تاریخ بیاد گار باقی میماند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 831 of 896

ریش سفید مذکور بیانات خود را در اینجا خاتمه داده ، وبا من وداع نموده هر کدام بطرف منزل خود روانه شدیم وفقیر بیچاره نیز باپسران صغیر خویش آهسته آهسته بهر جائیکه منزل داشت روانه شد .

اوضاع دلخراش فقرای آنشهر وبیانات متضعانه شخص رهگذر درمن تاثرات مهمی بخشیده و خیلی متاثر شده به بی مبالاتی واحساسات مرده تر وتمتعدان این شهر تاسف کردم چه روح اتکالی این قوم ابدا بانها اجازه نمیدهد که اقلاً وارد یك اقدام خیریهٔ و یك امر جزئی هم بشوند !

اهالی ما تاکنون خود را عادت نداده یا نمیخواهند خود را حاضر سازند که آنها ایماناً وجداناً در راه تعاون اجتماعی واقدام در اینگونه امور خیریهٔ متکاتف میباشند بلکه انتظار عموم همین است که در هر کلیات وجزئیات امور آنها باید حکومت صرف توجه ومساعی نماید ، ضمناً در پایان مقصد بحضور آقایان وکلای بلدی عرض وپشنهاد مینمایم که قدری بابستی بوظائف خود شان ومسئولیتی که دراینگونه موارد بذمه ملت و دولت دارند توجه فرمایند !

امروز طوریکه متمولین ومالکین این شهر ازشما آقایان انتظار حفظ حقوق امور بلدی خود شانرا مینمایند فقرای شما هم انتظار دارند که برای حفظ حیات آنها با متمولین شهر یك چاره سازی وفکر کرده واین مقصدرا بوسیلهٔ ریاست محترم بلدیهٔ عملی سازند . (یار محمد)

در شرق اقصی :

حقایق سیاسی منچوریا

(۲)

بر سر طبق معاهدهٔ مذکور حق حکمرانی چین درمنچوریا تسلیم کرده شد وذمه واری این مسئله کرده شد که در دروازهٔ منچوریا برای تمام عالم علی السویه مفتوح خواهد بود دراین هیچ شك نیست که از ترك تازی های جاپان پرزه های میثاق منعقدهٔ دول نه گانه اروپا در فضای منچوریا پاشان است در (کرین) ولایت شرقی منچوریا جاپانی ها ازطرف خود یك نائب الحکومه را مقرر نموده اند ، درمکدن نوان جنگانی یك خوش نویسی را بصدارت حکومت شانده اند وسرگرم است که هنری پو یی تاجدار سابق منچوریا را جاپانی ها واریکه سلطنت منچوریا مکرر بنشانند از واقعات منچوریا تعلقات روس یك نوعیت جدا گانه دارد در معاهدهٔ مذکورهٔ دول نه گانه یورپ شرکت نه نموده است درمیثاق کیلاگ حتماً دستخط نموده است لاکن آنرا ازپرزه کاغذ باطله بلند تر نمی داند . ازین جهت همچو دول مغرب برخلاف جاپان اعتراضش نیست که جاپان خلاف ورزی کدام معاهده (میثاق) مینماید بلکه درمنچوریا شمالی که دست تطاول را جاپان بداو دراز مینماید درآنجا مفاد روس است « منتسیو » که مستقر خط آهن چین شرقی است بمعیت چین ملکیت روس هم است اینچنین مسئله صاف ظاهر میشود که در منچوریا الآن مفاد چین جاپان وروس خصوصاً وبعضی دول دیگر اروپا عموماً معروف کار نموده اند .

چینی ها دراین فکر اند که مملکت شان از دست برد اغیار نجات یابد .

جاپان میخواهد قبضه خودرا پیش ازپیش در منچوریا تحکیم نماید .

روس فکر دارد که ازدست جاپان مفاد او با خاك یکسان نگردد .

امریکه وغیره دول اروپا بعضی با جاپان و بعضی باروس کمک کرده دارند .

از بعضی کشمکش های چین و جاپان در کوریا یك واقعه معلوم شده بود ، ایام شان که بین چند نفر چینی ها و کوریائی ها مناقشهٔ روی کار آمده بود در آن مناقشه پولیس جاپان و عسکر منچوری هم حصه گرفته بودند بهمین وتیره در سر تا سر کوریا خلاف چینی ها بروپاغند آغاز گردید و در چین مقاطعه مال جاپان بوقوع پیوست ۱۸ دسمبر که جاپان در منطقه منچوریا مخاصمت نمود فی الحقیقه از فروع این واقعه عادی کوریا بود .

مطابق معاهدات سال ۱۹۱۵ جاپان در منچوریای جاپانی حق زراعت داره گرفتن زمین بطور قرار داد ظاهراً یك امر عادی است لیکن در چین این چیز اهمیت مخصوص حاصل است .

چه مطابق قوانین ملکی استثنای کمپنی ها حسب معاهدات چپانی ها اجنبی ها نمی توانند زمین را بطور قرار داد بگیرند و اهالی چین در تولید این موانع حق بجانب میباشند زیرا که اینجا ایاب از نفوذ عدالت و

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 832 of 896

قانون چی بیرون اند .

اگر اجنبی ها زمینی را متصرف گردد حکومت چین در هیچ یك از معاملات شان مداخله کرده نمی تواند بعضی اجنبی ها که زمین ها را بطور قرارداد متصرف می شوند بنام قرض چیانی ها که جاپانی ها را مطابق معاهدات سنه ۱۵ اختیار گرفتن مین بطور قرارداد ودادن آن بدیگران بقسم قرارداد حاصل است چیانی ها را مجبوراً بالطری خورد زیرا این صورت در راه شان مشکلات سیاسی بشدت حائل می شود .

در اول مرحله جاپان امید داشت که توسط زارعین و نفوس خویش بر این حصه مملکت تسلط خود را استحکام خواهد بخشید لیکن بار شان مایوسی عائد شد .

درجمله ۲۷ ملیون نفوس منچوریا عده جاپانیها ۲۵۰ هزار می باشند واکثریه نفوس ایشان درخط آهن وغیره دوائر به حیث ملازمت کار می کنند . عده زارعین جاپانی نهایت کم بلکه برای نام می باشند سبب مخصوصی که این قلت دارد این است که جاپانی ها خارج رفتن را فطرتاً دوست ندارند ، در گذشته بین امریکا شمالی وجاپان درخصوص هجرت جاپانی ها قدری کشیده گی وقوع پیوسته بود .

شاید بخاطر قارئین خطور خواهد کرد که جاپانی ها تا این حد وطن دوست اند پس این قصه چرا کردند !

لذا دراین سلسله ثابت کردن ضرور است که ازسال دهم قرن بیستم تا سال نزدهم ، این ده سال در تاریخ جاپان به ثبوت می رساند که درظرف این مدت عده کثیری از جاپانی ها بخارج هجرت نموده اند لیکن تعداد مجموعی آنها یکصد وپنجاه هزار به ظهور رسیده وبالمقابل درظرف این مدت نفوس جاپان شش صد هزار افزونی پیدا کرده اند .

یك نفر جاپانی تاك خشك وطن خود را بر قطعه های مکلف خارج ترجیح میدهد اگر جاپانی ها در انتهای اضطرار از مملکت خود بدر می شوند پس از روی اقتصاد منچوریا برای ایشان زیاده تر مقام بامنفعت نیست .

زارعین جاپانی در زحمت کشی مقابله چینی ها را کرده نمی توانند ، به مزدیکه مزدوران چیانی کار میکنند آنقدر مزد قابل ؛ زندگی کذاره مسافرین جاپانی ها کفایت نمی کند لذا جاپانی ها اضافه تر به برازیل می روند .

مزدوران چیانی از امول جاپانی بلدی می برند لیکن از اجوره کاران کوریائی مشت به دهان می خورند .

بمقابل چیانی ها خوراك کوریائی ها ارزان می باشد لذا نسبت به چیانی های منچوریا ، کوریائی ها به اجرت کمتر کار می کنند علاوه برین زارعین کوریا نسبت به زارعین چینی باعتبار قابلیت افضل می باشند ، چونکه نسبت این تقابل بزراء .

واست باشکم است ازاین جهت مابین قبلهٔ چینی وجاپانی وچینی و کوریائی جذبات معاندانه روز افزون می باشند تاده سال گذشته تعلقات چیانی و کوریائی بسیار خوشگوار بودند .

لیکن قدری بواسطه ریشه دوانی های جاپان وچیزی بواسطه مسئله شکم حالاً دشمن یکدیگر شده می آیند .

در منچوریا فی الوقت یك ملیون کوریائی ها می باشند چیانی ها کثرت نفوس خود را دیده از ترقی ترات .

کوریائی ها در منچوریا ناراض میشوند چرا که علاوه بر مسئلهٔ معیشت یك مسئله این هم است که کوریائی ها زیر نگین جاپانی ها است در منچوریا قلت کوریائی علاوه بر مسئله اقتصادی اهمیت سیاسی را اضافه تر حاصل نموده است .

چیانی ها داخله کوریائی ها را در منچوریا عماً داخله جاپانی ها میدانند یك مصیبت این است که اگر کوریائی ها قومیت چیانی را اختیار کنند باز هم جاپانی ها آنها را تبعه خود می پندارند لهذا بل کوریائی ها ازاین حقوق خود فائده تر استفاده نموده آله کار جاپانیها می شوند .

از جهات فوق خواهشات چیانی های رشید بیان است که آن معاهدات جاپان منسوخ شوند که جاپان ازمنچوریه هاي چین استفاده ناجائز کرده براوشان تسلیم کرده اند .

برخلاف این تحریك تنسیخ معاهدات جاپانی ها عسکرجنگي منچوریا را ازدخول

مکدن منع نموده است نوجوان مشهور بحب
وطن پسر این سردار مشهور «چانگ سولن»
است که بعد از اختلاف با حکومت چین
نخواست آلت کار حکومت جاپان باشد.
مارشال چانگ سو لیان چیزی خدمت
مادر وطن را کردن مجبور هسته مقوله اوست
در چین حق حکمرانی صرف برای
چینی حاصل شده می تواند» مارشال
مذکور باشنده گان منچوریا را درس
حب وطن داده و در رگ و ریشه ایشان
خلاف امپریالیزم جاپانی ها جذبات
معاندانه را مذاق نمود با وجودیکه
او عهد نامه دول نه گانه امضاء جاپان هم
بود لیکن جاپان منچوریا را از چین
مستقل کردن مجبور هد.

هر وقت که کدام سردار منچوریا فی
درمعاملات جانب جنوبی دیوار چین سروکار
پیدا کرد جاپان ازو ناراض گردیده
وقتیکه چانگ سولن در معاملات چین
حصه گرفت، حکومت جاپان او را از
رفتن پیکن باز داشته است.

تعلقات نوجوان چانگ سولیان جماعت
قوم پرست چین و کومن تانگ نهایت
مستحکم و خوشگوار است ازین تعلقات
جاپان اضافه تر در هراس است.

طبقه نوجوان منچوریا از اقتدار
جاپانی ها در وطن شان نهایت مخالف اند.
این آتش در نهاد ایشان از
امروز نیست بلکه از سال ... از
طرف ... است لیکن بعض شیوخ سرداران
جذبات نوجوانان را در قبضه گرفته بودند.

حالا در سیاسیات ملکی فرقه نوجوانان
زیاده تر رو به اقتدار می آید، اثرات شیوخ
در ایشان موثر شده نمی تواند انقلاب زمامدارا
و چند چند سرداران سالخورده جنگی منچوریا
با نوجوانان موافقت نموده اند و اکثریه
از او شان اند که گوشه عافیت را اختیار نموده اند
در واقع چانگ سولیان قوم جوانان را مقابله مشکلات
فوق العاده پیش افتاده، یك دوست عزیز
و سیاسیات مملکت تبصره گویا گفته بود که
در زمانه گذشته حکام چینی قدری اوقات خود
را به اطاعت سلطنت و برخی از آن به اطاعت
سرداران ولایت و بعض از اوقات خویش را
در فراهمی پول شخصی خود صرف مینمودند
لیکن اکنون نه پروای حکومت مرکزی و
نه خیال حکومت های مقامی دارند بلکه
تمام اوقات خود را در فراهمی ثروت
شخصی خود صرف می رسانند.

لیکن نوجوان چانگ سولیان ازین حالات
افسوس ناك مایوس شده بلکه در مساعیات
قوم پروری یك جهت مصروف مساعیه بالآخره
کامیابی قدمهای اول را بوسیده عاد امروز در
منچوریا جذبات قومی ۶۹ نهایت تیزی نشوو
نما یافته می روند.

چونکه ازین جذبات ... متأثر گردیده در چیناتی
ها پروگرام اقتدار را آهسته مرتب نموده
درین هیچ شك نیست که درپیش ... ایشان
این عمل را ی پروگرام مجوزه خود چیناتی
ها کارروائی ولیات خود را به اثر رسانیده.
چیناتی ها با وجود کثرت موانع بالغ به
هشت صد میل خط آهن «هیبن» مکدن را
چیناتی ها به سرمایه انگلیس تیار کرده اند.
ازین جهت چیناتی ها فخریه گفته می توانند
که در منچوریا راه آهن ایشان از راه
آهن روس و جاپان دراز تر است اگر
در راه چیناتی ها مشکلات پی هم تولید
کرده نشوند بی شک نیست که تا حدیکه
تعلق راه آهن است چین قابلیت وزحمت
فوق العاده خود را حسب الکفایه
بالذات خواهد رسانید فی الحقیقت سلسله
خط آهن چین را در منچوریا چانگ
سولین آغاز نموده بود حینیکه در مکدن
به سر اقتدار آمد خواهش نموده که
از خط آهن چین مشرق بی نیازی را
حاصل نماید.

سال ۱۹۲۵ که یك بغاوت رونما گردید
منتظم روسی خط آهن چین شرق
از بردن افواج این مارشال قبل از
وصول کرایه پیشه کی انکار نمود.

این واقعه بر مارشال چانگ سولین
اضافه تر موثر افتاد آنوقت به یك رقم
کار خود را پیشرفت داد لیکن در
آخیر آن کار ترید خط آهن را آغاز
نمود و در مقابل خط آهن چین مشرق
امتداد خط جدید را اراده کرده خط
آهن مکدن و پیکن را آغاز نمود
همچنان نوجوان مارشال چانگ سولیان
خواهش داشت که خط آهن مصوبه
ایشان از درون بندر که جاپان بی نیاز
باشد ازین تجاویز جدیده در حلقه های
جاپانی سراسیمه گی زیاد سرایت نمود
زیرا که این با مفاد سیاسی و اقتصادی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 834 of 896

ژاپانی ها متصادم شده می رفت .
ژاپان می فهمید که اگر در مقابل
خط آهن منچوریا جنوبی کدام خط
جدید برآید پس در تناقض او تقابل
روی خواهد داد وخودش در منچوریا
تیکه دار منفرد تجارتی نخواهد ماند .
علاوه براین رسالۀ ژنوچ مخالف درمکدن
آمان خواهد شد ازین رو به مخالفت
خط آهن جدید شدت مخالفت نمود لکن
محبان وطن چینی از سرمایه ژاپانی ها
بی نیاز شده بودند از آن رو یك ذره
هم پروای مخالفت ژاپانی ها را نکردند
وخط آهن زیر تعمیر است .
سنه ۲۷ جنگ دوره دوم این خط
آهن جدید آغاز شد ژاپان موزقه خطر
را نواخت که حسب معاهدات هرگز
چین حق ندارد که در محاذ خط آهن
منچوریا جنوبی خط جدید آهن را امتداد
بخشد .
مستر یوشی زاوا سفیر ژاپان مقیمن
پیکن باقوت کامله خود نزد چین احتجاج
نمود ، وخوف این مسئله در پیش اود
که اگر چین از تعمیر خط آهن جدید
خود باز نیاید پس ژاپان برخلاف چین
اعلان جنگ خواهد داد درین موقع ژاپان
افتراضی نوی را ایجاد نموده گفت که
اگر چین برخلاف معاهدات سابقه
می تواند در محاذ خط آهن منچوریا
جنوبی خط جدیدی واکشیده می تواند
پس ژاپان هم حق دارد که محاذ خط
آهن چین شرقی خط جدید آهن را
امتداد دهد .
در دوران این حال بواسطه قوت سرداو
ممبر منچوریائی جنگ سولی مسئله خط
آهن جدید چینی در معرض تعویق افتاد
وقبل از امروز از دوتیم تاسه سال پیشتر
جنگ چین وژاپان آغاز گردیده بود .
(رواست)

—مقولهای مصاحبین معارف :

تقریظ از کلوپ معارف

شبی است که ماه جهان آرا با چهره
افروخته در خرگه سحاب ساحت قرار
گرفته و ثریا با قلب پر آبله متوجه زمین
گشته گوئی ماه عاشقان را تهدید
و ثریا دل آبله دار خودرا عرضه میدهد
تا آنانکه درد دلی دارند چهره پر
افروخته ماه و قلب ثریا را دیده اشکی
چند بریزند ، تا لهولعب محفل خویش کنند
زیرا عاشق وقتیکه ماهتاب و منظره
دلکش شرشر آب و یا معطر گلاب را
مشاهده می کند بی اختیار یاد محبوب
خود افتیده قلبش شروع به تپ شیدن
میگیرد و بخار آن از قلب متصاعد گشته
از روزنه هر دو چشمش لولو وارسرازیر
میگردد و همین چند قطره که از دامن
مژگان در سر زمین یأس و حرمان می
افتاد باعث تسکین آلام او میگردد
بدا بحال کسیکه این مناظر را می بیند و
بدرد هجران نمی سوزد ، نمیتواند که اشکی
بدرد دل بریزد فقط مات و مبهوت به ناله
مرغ حق که حق حق گفته فریاد می کند
گوش داده ساعتی چند آه سوزناك از
سینه کشیده به منظره ماه و قلب ثریا نگر
بسته یادی از چهره افروخته محبوب نموده
بایك حالت رقت آور چون بیچاره گانی
که ظلم می بینند و دست آن ندارند که
جبران کنند با غم و الم ساخته از اول
شب تا سحر یاه و افسوس می گذرانند
باز هم خوش بخت است که محبوبه دارد
و یا بعبارت دیگر غمی دارند و درد دل را
در شب های مهتاب و یا در منظره شرشر
آب تسکین میدهد .
ولی بدبخت تر از همه کسی است که
مسالك معزی‌ندشته گاه بتعریف محبوب
خیالی ووقتی به قبح گفتن رقیب
ساختگی پرداخته درهر آن و ساعتی
مجبوری گرفتار و در هر دقیقه ولمحه
به بد گفتن آنها سروکار دارد .
چه مردمان دو رو (بد مسلك) را
هیچ کس در دنیا بنظر دوستی نمینگرد
و آن مردمان هم کسی را دوست ندارند
بل فقط آله دست دیگران هستند .
خوب ما را به دیگران چه کار محیط
عاقبت تاثیر میکند بدان را خوب خوبان
را خوبتر می سازد ولی من که دربین
نیمشب با فکر پریشان و دیده گریان چشم
بسوی ماه دوخته ام نمیدانم مقصد چیست؟!
تنها همینقدر میخواهم که درین وقت
اوضاع و اطوار چندساله خود را مدنظر مجسم
سازم تاشود که دیگران هم اوضاع های بدم
را دیده نتائج بد کرداری که بمن رسیده
داستان عبرت نشان شدیه افسوس بحالم نموده
اشکی بعد بختی بدمسلکانی برانداز امتش

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 835 of 896

را عرض کنم که من دهمسك نبودم ولی فقط به نداشتن تربيه اين دوروئي که گمان ميکردم باعث پيشرفت مقاصدم است پيدا کردم . امافافل ازين بودم که وقتي خواهد رسيد که کارم بر ملا وخودم رسوا خواهم شد . قواي جواني ء حس جاه طلبي پرده پيش چشمم انداخت دراول مرحله بد گفتن صاحبان بصيرت رابغرض دانسته شروع بدفع انعامودم افسوس ازبي تربيه گي . درست گفته اند که « تعليم غير تربيت است تعليم قوه حافظه را توانگر ميسازد . تربيه درمرد خصلتهاي مفيد توليد کرده غلبه کردن برخصلتهاي مضر رياد ميد هد » (۱)

تربيه بهترين طريقه است براي اصلاح يك جامعه اگريك قوم باتربيه باشد البته آنها جاده اضمحلال رانزود تري پيمايند جاده ترقي راچه صاحب تربيه هميشه صادق في تربيه کاني بطرف صدقت خواهدرفت . حق سبحانه تعالي انسانرا طبيعتاً نيك پسند خلق فرموده پس اگرشخصي تربيه باشد . قواي جواني وخواهشات نفساني ديده بصيرتش را کورساخته کارهاي مذموم بنظرش خوب معلوم ميشود بيچاره وقتي بخود مي آيد که کاراز کارفته ازحياتش جزئيي باقي نمانده است آنوقت خصائص خوب سربالا کرده براندوه وندامتش مي افزايد . واين حسرت وقتي برا ان دست ميد هد که زمانه دانش را ازجاه پرستي سردومحيط اورا متنفر ساخته ميباشد دست حسرت برفرق زدن هيچ فائده

بپاش لنيخند آواي دوره درخشان نادري چقدر نوراي سيات آنيه اين ملت سعي ي کي بلي مزاياتوظاهر است مالنتوانيم که جبران اين خدمات تراندا کاري نمائيم فقط ممنون هستيم وبس ان اگرنيا بوافتتاح کلوب معارف به عرض حق بيني نگريم مي بينيم که اين کلوب مي تواند که اطفال را وات گوي باسلك صادق تربيه کند .

زيرا اينجا ديگر حرف هاي موهوم والفاظ مذ موم (از قبيل خنانت وغيره) را نمي شنود هر چه بگويد هرچه بشنود فقط صداقت ، شرافت ، عزم ، عشق بوطن داشتن است وبس

درين کلوب همه يك عشق سرشاري کوشش دارند تا دوره تحصيل شان زود تر ختم ويك آن اولتر براي خدمت حکومت مقدس خويش حاضر شوند

بلي اين کلوب جوانان را محض براي خدمت باصداقت تربيه مي کند اينجا ديگر خود خواهي جاطلبي اغراض نفسي در محيط خود پرورش نمي دهند

آه اي دوره طلائي (نادري) کاش من هم قتضي تربيه را مي کرد تا رفقه دراين کلوب شامل شده کسب اخلاق فاضله مي نمودم .

بالاخره ازغايت يأس دستي بفرق خويش زدم همچو الکتريك رسيده از جاي پرندم . ديدم که ازشب خيلي گذشته واندك باقي مانده لا علاج بطرف استراحت گاه روان شده

ودر بستر استراحت بدعاي ذاتي اعليحضرت مشغول بودم که الهي اين شهنشاه عادل ما را از همه خطرات محفوظ داراد .

(مير محمد عزيز)

خبر هاي داخلي

معاينه اعليحضرت غازي

مکتب صنائع نفيسه را

شايد محتاج به تحرير علاقه که ذات شاهانه به معارف دارند نباشيم زيرا درين عرصه کمي که حضور شاهانه سرير آراي تخت پادشاهي افغانستان گرديده اند الطاف بزرگ و توجهات قابل تقديري به معارف فرموده اند . اينست که دو اثر همين علاقه شاهانه قبلاً مقرر فرموده بودند که روز پنجشنبه ساعت ۱۰ بجه بمکتب صنائع نفيسه تشريف فرما شده و معاينه مي فرمايند قبل ازورود ملوکانه تول تشريفاتي با موزيك در بيرون احاطه مدرسه و طلاب به داخل احاطه صف بسته انتظار موکب همايوني را داشتند همينکه ساعت ۱۰ و ۱۵ دقيقه بسر رسيده اعليحضرت غازي بموترسوار با هيئت دربار و جناب سرمنشي صاحب . و وزير صاحب معارف وارد مکتب شدند .

همينکه بلاي ختم شد ذات شاهانه وارد احاطه مدرسه شدند از طرف طلاب و هيئت منسو بهٔ مکتب از تعظيمي اعمل آمده بعد از تعارف و احوال پرسي که با طلاب و معلمين وهيئت اداري مکتب فرمودند

محمد نبی خان متعلم مکتب مذکور وکالتاً از طرف طلاب پیش روی صف بر آمده لایحه شکریه ذیل را قرائت نمود :

(لایحه شکریه مکتب صنایع نفیسه)

ای قهرمان ملت افغان خوش آمدی
شاه شجاع نادر دوران خوش آمدی
دادی برای نام و نجات وغم وطن
اولاد و مال ملک سر و جان خوش آمدی
میسوخت مملکت بغم رنج انقلاب
از مقدمت رسید بپایان خوش آمدی
شیران بود صفات نکویت بما شفان
محبوب قوم خسرو خوبان خوش آمدی
سلطان باوقار طرف دار علم وفن
ای مظهر معارف عرفان خوش آمدی
از مقدم مبارکت ای شاه باشرف
تاب توان گرفت دبستان خوش آمدی

اعلیحضرتا پدر معنوی بسیار مهربان پادشاه مربی علم و عرفان ما !

امتنان وشکرانیکه این ورود سعادت مقرون شاهانه در روح وقلب ما تولید کرده است نه باندازهٔ است که قوه تحریر وبیان ما بتواند اندکی از آنرا بقالب لفظ وتحفهٔ عریضهٔ حضور مبارک بدارد بجز اینکه بزبان ساده واحساس بی آلایش یک متعلم مکتب بحضور مبارک پدر غم خوار ومربی جسمی وروحی خود عرض نمائیم که [illegible] مهربان ترقی خواه دین ودنیای ما ، ذات وجود رهبران خود ما قربان ارادات پاک ومقدس شما !

اعلیحضرتا ، این اولاد های فدائی و فرمان بردار اعلیحضرت شاهانه دیندار اند ترقی خواهانه شما پدر تاجدار خود را در راه تأمین سعادت انفرادی و اجتماعی ملت افغان خوب متحسس اند ووجود مبارک شاهانه را یگانه وسیلهٔ حیات و افتخار این ملت نجیبه تلقی می کنند .

وبناءً علیه بپیروی افکار وتعقیب هدایات شاهانه شما را سعادت ونیک بختی دارین خویش پیدا شد ، امروز که خدای متعال مارا بحضور مبارک اولولامر متبوع ما شرف بخشیده ومکتب را بورود همایونی اقدس ، قرین افتخار گردانیده بدرگاه بی نیازش هزار ها سپاس گفته بحضور اقدس همایونی عاجزانه عرض مینمائیم که درین وقت نتیجهٔ مساعی ما مجملاً به پیمانهٔ نیست که قابل عرض وتقدیم به پیشگاه حضور همچو یک شاه بزرگ معظم باشد ، ولی امید واریم معاینهٔ مکتب حضور اقدس همایونی را اطمینان خواهد داد که بذل مراحم وغم خواری اعلیحضرت محبوب ما فراموش ما اطفال نگردیده در حاضری ، متابعت اصول مکتب ، توجه به تعلم وصرف غیرت درنیل مقصد سعی کرده ایم ، وهر یک شعبه این مکتب باندازهٔ مدت تحصیلیه خود پروگرام معینه خویش را تکمیل نموده است . در خاتمه عرض امتنان وشکران خود را به حضور مبارک همایونی تکرار واز درگاه حضرت واهب العطیات نیاز میکنیم که الهی این پادشاه معرفت آگاه نیک خواه حقهٔ مارا تا سالیان دراز از ما نگیرد ، ومعارف افغانستان را بزیر سایه ترقی وایه اعلیحضرت شاهانه شان بآن مدارج ترقی واعتلا قابل گردان که باعث تأمین سعادت وسربلندي دین ودنیاي افغانیان گردد ، آمین زنده باد اعلیحضرت معارف پرور ما (سه دفعه تکرار)

در پایان لایحه مذکور اعلیحضرت غازي فرمودند که بیان آن اینست :

نطق افتتاحیه

« من براي شما که وکالتاً از طرف طلاب لایحه را قرائت واحساسات خود وطلاب رانسبت بمن اظهار گردید خاطرنشان میکنم که حیثیت وموقعیت امروزهٔ شما بسیار بلند است شما وامثال شما بمحیط وموقع مستعد بوده میتوانید هرگونه وسایلی را که لازمهٔ رفاه فرد است براي خود حاصل نمائید » « اینه حس کرده اید که خدمت آتیهٔ شما بسیار سنگین است وطن وملت در آتیه از شما که رجال فرداي او مي شويد خواهان وظایف وتکالیفی است که لوازم آن را امروز فراهم نمائید » « یقین دارم که حس وطن دوستي ومعارف خواهي در تمام شما اولادهاي وطن جاگزین شده ، وزارت معارف هم درین زمینه توانسته است حسب نظریات حکومت ووطنیهٔ بمعوله خود کار کرده بناءً علیه از وزیر معارف وسائر منسوبین آن وزارت اظهار امتنان میکنم » .

این مدرسه یک مدرسه صنعتي بوده اطفال

وطن زندگانی شرفانه وپیشه های از ادرا درس میدهد که وظایف وزندگانی فردی و اجتماعی آتیهٔ آن ها بدرد خورده مفید ثابت شود» اگرچه اطفالی که امروز درین مدرسه درس میخوانند: نصاب درسیهٔ آنها یکی از اقدامات کوچکی بنظر می آید اما من آن را بسیار مهم دانسته امید میکنم که در اثر کوشش معلمین و مساعی وزارت معارف در آتیه همین اطفال شده بتوانند خدماتی را که هر فرد بدان مکلف است بهتر و درست تر به ملت و وطن خود انجام بدهند »

بعد ازین اعلیحضرت غازی وزیر صاحب معارف فرمودند که « میخواهم کار های شما را معاینه نمایم » درین وقت جناب وزیر صاحب معارف عرض کردند که این عمارت (اشاره به عمارت مکتب) یک عمارت جزوی است که نمیتواند تمام حوائج این مکتب را رفع کند ، از همین باعث عمارت جدیدی (اشاره به عماریکه در اطراف مدرسه با یک طرز درست و مرغوبی ساخته شده) که تا هنوز ساختمان آن مکمل نشده بتوجه حکومت تعمیر و مخصوص همین مدرسه است » بعد از آن حضور شاهانه بعمارت مدرسه تشریف فرما و مشغول معاینه کار دستی طلاب شدند ، اولین اطاق که طرف معاینهٔ اعلیحضرت و حضار قرار گرفت اطاقی بود ، مملو از قطعات لطیف رسم طلاب درینجا از شباهت این کار رسم ها با شخاص داشت اعلیحضرت تحسین فرمودند ، بعد ازان یکان یکان اطاق های نجاری و رسامی قالین بافی ، حکاکی مهندسی ، و غیره را ملاحظه فرمودند هر اطاق درسی خصوصاً صنف رسامی نجاری قالین بافی بیشتر مورد رضایت شاهانه شده معلمین آن که بعضی متخصصین خارجی بودند از استعداد ذاتی افغانها برای کسب تعلیم اظهار رضایت کرده به حضور شاهانه خاطر جمعی دادند .

علاوه ازینکه در ختم معاینهٔ هر اطاق اظهار رضائیت فرموده مسرور میگردیدند اخیراً بعد از معاینه تمام اطاق ها وقتیکه عودت میفرمودند باز دفعهٔ دوم طلاب صف بسته ومنتظر ادای سلامی بودند که اعلیحضرت غازی برای دوم دفعه فرمودند که مفاد آن اینست :—

—(نطق اختتامیه ذات شاهانه)—

اولاد هایم !

وقتیکه ارادهٔ معاینهٔ این مکتب را نمودم تا این اندازه تصور نمیکردم که این مدرسه این مدت کم اینقدر پیش رفت نموده باشد اکنون که مکتب شمار امعاینه نموده ودر تمام کار های شما دقت کردم یک امید واری زیادی راجع به سعادت آینده وطن برایم پیدا شد ، خدا بشما توفیق بدهد تا این رشتهٔ نیک امروز برای آتیهٔ خود میکشید نتیجه خوبی ازان بدست آید من ازین معاینه خیلی مسرور گردیدم و امیدوارم که اگر سعادتی شما با توجه زیادی بالا بعمل می آید تکمیل شود بهتر میتوانید کار و تحصیل نمائید ،

خوب متوجه باشید که این شعبه درسیه شما در آتیه بصورت کامیابی و احصال نتائج خوب میتواند یک قسمت مهم از حوائج افغانستان را رفع کند ، درین موقع همین وزارت دو بار امر کردند که از وزارت در او بدون لباسی که از وزارت معارف برای این طلبه داده می شود یک یک لباس مکمل برای شان ساخته شود .

بعد ازین فرمایشات ملوکانه آقای وزیر معارف به پیش روی طلاب ایستاده عرض کردند که مفاد آن حسب ذیل است .

(معروضهٔ وزیر صاحب معارف)

مبداء ترقی وتکامل هرچیز تشویق وترغیبی است که از طرف رجال بزرگ به نسبت پیش رفت آن امر و مستعدین آن بعمل می آید ، وسیع است که یگانه نصب العین اعلیحضرت غازی رفاه ملت افغانستان است وغیر ازن آرزوی ندارند ، پس درینصورت وزارت معارف اطمینان میدهد که معارف افغانستان خدماتی را که معارف دنیا در راه سعادت جامعه متحمل است انجام خواهد داد ، اگرچه این انکشاف است که آغاز ماین قبیل امور گردیده واز باعث عدم معلمین و وسائل لازمه نتوانستیم کاری را که باین ما تعلیم وتصالدین خود قرار داده ایم انجام دهیم ، بهرحال یگانه آمال وزارت معارف اینست که اولاد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 838 of 896

افغانستان مفید ملک و ملت واقع و حوائج جامعه خود را خود رفع نماید شعبات تعلیمیه مملکت ما اصولاً ازروی حوائج جامعه ووطن سنجیده شده و باین نیت خوبی که ذات شاهانه درمعارف وسائر شعب حیاتی مادارند اطمینان میدهیم که معارف ما در عرصه کمی پیش رفتی خواهد نمود که اعلیحضرت غازی طالب آن اند در خاتمه برای خود و تمام همان ذواتیکه در راه سعادت این مملکت صرف مجاهدت و صداقت مینمایند توفیق خدمت میخواهم زنده باد اعلیحضرت غازی (متابعت عموم) فرموده اعلیحضرت ما ـ زنده باد افغانستان

تلگرام تبریکیه اعلیحضرت همایونی

بعنوان اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

بمناسبت روز ولادت آن اعلیحضرت تبریکات صمیمانه واحساسات دوستانه خود ملت را اظهار وطول عمر و بقای سلطنت اعلیحضرت را قلباً آرزومینمایم .

تلگرام جوابیه اعلیحضرت پهلوی

بعنوان اعلیحضرت همایونی

اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه افغانستان .

ازوصول تبریک محبت آمیزان اعلیحضرت بمناسبت عید تولدی خود کمال امتنان را داشته آرزوی صمیمانه رابرای نیک بختی آن اعلیحضرت ابراز میدارم .

تلگرام اعلیحضرت همایونی

بعنوانی اعلیحضرت فواد شاه مصر

بمناسبت جشن استقلال دولت علیهٔ مصر تبریکات دوستانه و احساسات صمیمانه خود ملت را اظهار نموده ترقی و تعالی ملت نجیبهٔ مصر را با سعادت آن اعلیحضرت تمنا مینمایم .

تلگرام جوابیه اعلیحضرت فواد

شاه مصر معنونی اعلیحضرت غازی

از اعلیحضرت شما بالنسبهٔ تلگرام محبت کارانه که بموقع جشن سالگره استقلال مصر فرستاده بودید تشکر نموده آرزو های پر حرارتم را بالنسبه سعادت اعلیحضرت شما و ترقی ملت شما میفرستم

از وزارت جلیله حربیه

مقرری ها :

۱ ـ میرزا عبد الشکور خان به کاتبی اول مدیریت تعلیم گاه پیاده مقرر گردید .

۲ ـ میرزا سید علی خان به کاتبی ۲ مدیریت تعلیم گاه پیاده مقرر شد .

۳ ـ میرزا عبد الفتاح خان سر کاتب مخصوصه مکتب حربیه .

۴ ـ ح محمد اصلح خان غند مشر بغند طوبچی فرقه عسکری مزار شریف مقرر گردید .

۵ ـ میرزا محمد طاهر خان معاون کاتب کندك انشاء مقرر شد .

۶ ـ میرزا محمد حسین خان به کاتبی کندك نقلیه فرقه اول قول اردو انتخاب گردید .

۷ ـ دین محمد خان محصل عسکری در نور کریه ۲ بضابطی شعبه ۳ مدیریت حرکات ریاست ارکان حربیه عمومیه منصوب گردید .

۸ ـ محمد اسلم خان کندك کمشر در قطعات پیاده فرقه عسکری مزار شریف مقرر گردید .

۹ ـ میرزا عبد السلام به سر کاتبی غند در فرقه قطغن وبد خشان منصوب گردید .

۱۰ ـ غلام محمد خان به ترجمانی لسان اردوی وزارت حربیه انتخاب شد .

۱۱ ـ نی محمد حسین خان کند کمشر رئیس ارکان فرقه غزنی منصوب شد .

۱۲ ـ دیوان خان چند به کاتبی شعبه ترجمه مدیریت تعلیم وتربیه ریاست ارکان حربیه عمومیه منصوب گردید .

۱۳ ـ میرزا محمد اکبر خان به کاتبی اوراق فرقه عسکری قطغن وبد خشان مقرر گردید .

۱۴ ـ شاه گل خان بلو کمشر پیاوری فرقهٔ غزنی مقرر گردید .

۱۵ ـ عبد الله خان برتبهٔ تولیمشری یاور والا حضرت وزیر صاحب حربیه مقرر گردید .

۱۶ ـ میرزا عبد لاحد خان به کاتبی درجه ۲ مدیریت اخذ عسکر وزارت حربیه مقرر شد .

۱۷ ـ میرزا محمد ابراهیم خان به کاتبی کندك هزاره گی غند ۲ فرقه غزنی مقرر گردید .

۱۸ ـ محمد جانخان به رتبهٔ بلو کمشری

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 839 of 896

در کندک حاضر باشهای حضور ملوکانه مقرر گردید .

۱۹ ــ نور الله خان برتبهٔ بلو کشری در کندک حاضر باش های حضور شاهانه منصوب گردید .

۲۰ ــ گل خان برتبه بلو کشری در کندک حاضر باش های حضور شهریاری مقرر گردید .

۲۱ ــ غلام نبی خان تولیمشر به فرقه شمالی مقرر شد .

۲۲ ــ صاحب جانخان بمعاونی کاتب کندک ۲ غند اول فرقه طوبچی مقرر شد

تبدلات

۱ ــ ع صاحب نور خان تولیمشر تولی ٤ کندک ۲ غند ۲ فرقه قول اردو به فرقه غزنی تبدیل شد .

۲ ــ ب مراد علیخان کاتب غند ۲ فرقه ۲ قول اردو به فرقه غزنی تبدیل شد .

۳ ــ عبد لحنان خان بلوکشر تولی ۲ کندک اول غند ۲ فرقه ۲ قول اردو به فرقه غزنی تبدیل شد .

٤ ــ میرزا عبد الحسین خان سرکاتب شعبه مصرف مدیریت لوازم فرقه عسکری قند هار نظر به تصویب ریاست تنظیمیه انجا لزوماً به سرکاتبی شفا خانه تبدیل وعوض او میرزا سید وهاب شاه خان کاتب اول شعبه مذکور ترفیعاً مقرر گردید :

ترفیع

۱ ــ میرزا محمد علیخان کاتب تولی کندک ۳ غند ۲ فرقه عسکری مزار شریف به معاونی کاتب کندک ۳ غند ۲ فرقه مذکور ترفیعاً مقرر شد .

۲ ــ میرزا غلام سرور خان کاتب درجه ۲ مدیرت مامورین که بوظیفه خود فعالیت نشان داده به کاتبی اول ترفیع داده شد .

۳ ــ شیرگل خان سر برکمشر غند ۳ پیاده فرقه عسکری قطغن وبدخشان به بلوکشری تولی ۲ کندک اول غند فرقه مذکور ترفیع یافت .

٤ ــ عبد الغنی خان کاتب تولی کندک اول غند ۲ پیاده به معاونی کاتب کندک ترفیع یافت .

۵ ــ میرزا عبد الاحد خان کاتب درجه ۲ مدیریت استخبارات وزارت حربیه ، نظر به اهلیتش کاتبی اول ترفیع یافت .

٦ ــ شیر محمد خان کاتب تولی غند ۲ فرقه قطغن وبدخشان به معاونی کاتب کندک آنجا ترفیع یافت .

مکتب ابتدائیه در گردیز امر کرسمت جنوبی

نظر باطلاعیکه از وزارت جلیلهٔ معارف گرفته شده است ، آقای عبد الصمد خان به سر معلمی ومحمد عالم خان به معلمی مکتب گردیز تعین ومقرر شده اند که درانجا رفته مکتب ابتدائیه را افتتاح نمایند .

تعین جزا

غلام حسین ولد عبد الغفور ساکن جند اول که بسرقت مال عبد الرحیم باثر تعقیبات قوماندانی کوتوالی گرفتار شده بود درنتیجه بعد از تحقیقات مکمله واثبات مفتنه ، محکمهٔ شرعیه درباره او حکم یک سال حبس وجزای ۳۳ ضرب دره را صادر واین حکم بالفعل در محل اجرا در آورده شد .

خبرهاي خارجي

تاس

ایضاحات حکومت جاپان

مسکو ، ۲۳ مارچ ــ مطبوعات مسکو مراتب ذیل را اشاعه میدهند : قره خان مستشار کمیسارت ملی امور خارجیه ایضاحات مکمله وتاکیداتی از حکومت جاپان راجع به یک سلسله مسایل که نامبرده قبلاً باهیروتو سفیر جاپان مذاکره نموده بود ، چنانچه قبلاً مطبوعات اطلاع داده است .

حاصل نموده ، هیروتو بقرار امر حکومت خود افواهات راجع به معاونت حکومت جاپان ، روسهای سفید را در منچوری . وهم چنین اطلاعات مطبوعات خارجی وشوروی را در باب عملیات تعرضی روسهای سفید در مانچوری رسماً تردید مینماید . اطلاعات نظامی جاپان را از ۲۷ فروری تصدیق نموده ، که قشون جاپانی عملیات تعرضی ودیوزیونی از روسهای سفید در مانچوری تشکیل

تمدید شد ، و اگر در بین سفید ها عنصری که در تحت اسم عساکر جاپان پوشیده شده باشد و تهیه تحریک زشتی را ببینند ، پیدا شود ، پس حکومت نظامی حاضر است برای انقطاع آن تدابیر لازمه اتخاذ نماید . هیرو تو مجدداً از طرف حکومت خود اطمینان داد ، که قشون کوانتون ، در حالت ضرورت امداد موافق به سیاست خواهد نمود ، خصوصاً به انقلاب عملی روسهای سفید بر علیه س س س ر ، در مسئله راجع به حکومت جدید مانچوری ، هیرو تو بیان نمود ، که اگر حکومت جدید مانچوری سندات معاهدی را ضمانت نماید وحیات ودارائی تبعهٔ جاپانیها را بعهده میگیرد ، ـ حکومت جاپان نیز چنین حکومتی را بحری خواهد پذیرفت . حکومت جدید تا حال الطرف حکومت جاپان شناخته نشده است حکومت جاپان فقط ، رفتار واقدامات را در مانچوری دقت مینماید ، در مسائل راجع به معاهدهٔ پارتسموت ، هیرو تو اظهار نمود ، که حکومت جاپان در حمل و نقل افواج در راه آهن شرق چین خلاف شکستن معاهده چیزی نمی بیند زیرا حمل و نقل مذکور بمقصد پریشانی و بی نظمی کرده میشود ، و محافظه حیات و دارائی تبعهٔ جاپان لازمی است راجع به محافظه راه آهن شرق چین بتوسط افواج جاپانی حکومت جاپان خود را ازین سبب ذیحق میداند که در اوایل وقفه ، راه آهن در مانچوری حفاظت نمیشد ، بعد خوف انقطاع در خطوط واقع گردید ، لهذا از ۳ ماه مارچ محافظه راه مذکور بقشون (گرین) سپرده شد . اطمینان داد که جاپان بعد ازین نیز معاهده پارتسموت را وفا دارانه تعقیب خواهد کرد . سفیر مذکور قره خان اظهار نموده ، که جاپان در راه آهن شرقی چین هیچ یک مقصد سوق الجیشی را تعقیب نمینماید ، در سوال راجع به تجمع افواج جاپانی در سرحد شوروی و کوریا ، حکومت جاپان مراتب ذیل را شرح داد : در اظهاراتیکه سفیر جاپان به نزد قره خان بتاریخ ۵ مارچ نموده است ، حکومت جاپان از تجمع عساکر جاپان در سرحد شوروی و کوریا انکار نمینماید ، و این تجمع به مقصد تهدید خاک شوروی نیست . در اظهارات ۱۹ مارچ خود حکومت جاپان اشاره مینماید ، که اجتماع [illegible] محض محافظه سرحد است ، اطمینان میدهد که حکومت مذکور از وزن عقد معاهدات سیاسی بین س س س ر و جاپان قشون خود را در سرحدات شوروی تزئید نموده است ، بجواب سوال حکومت جاپان راجع به اجتماع قشون شوروی در سر حدات شوروی و کوریا و ساختن میدان طیاره ، (آیبو و درو) که ۱۹ مارچ از طرف هیرو تو تقدیم شده بود ، قره خان اظهار نموده ، که این اطلاعات از هر قسم اساس عاری است ، زیرا هیچ یک قسم اجتماعی از قشون شوروی در سرحدات شوروی و کوریا بعمل نیامده است و هم بعمل نخواهد آمد و هم چنین هیچ یک قسم عملیات نظامی دیگری که بر خلاف معاهده پارتس موت باشد بعمل نخواهد آمد . حکومت شورای که سیاست صلح طلبانه را تعقیب می نماید ، بشدت معاهده پورتس موت را محترم داشته وامید می کند که حکومت جاپان و نماینده گان او در منچوری ، هم چنین وظائف خود را که بواسطه معاهده پارتس موت بدوش گرفته است حفظ و محترم بدارد .

تصحیح

صفحه	ستون	سطر	غلط	صحیح
۳	۱	۷	مکلاف	مکلف
۴	۳	۲۶	چنین اهمیت	وچنین امور را اهمیت
٤	۱	٦	قرش	قرضی
۴	۲	۳۳	اعمال	عمال

اعلان

هر کس معاون اداره شود و یا معاون میشود جریده ، انیس را بیگان خدمت شان تقدیم میگردد .

هر کس بجریده انیس سابق الان اشتراک نموده باشد و اخبار برایش نرسیده باشد و رسید اداره یا خزانه بدست داشته اصل یا نقل باداره ارسال فرمایند تا اداره در احیای حقوق شان بکوشد .

کسانیکه از نرسیدن اخبار شکایت داشته باشند اداره را حالی فرمایند اداره حاضر است تا با رضای مشترکین جریده خویش مساعیات تمام ورزد .

از هر طرف

اهمیت چین در دنیای اقتصادی

اهمیت چین در عالم اقتصاد در چهار قسمت تقسیم می‌شود:

۱ــ وسعت چین
۲ ــ تعداد نفوس
۳ ــ ثروت طبیعی: ــ معادن، مواد خام
۴ ــ وضعیت فعلی چین

چین که رقبهٔ آن عبارت از ۱۱۲۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد، ۷۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع نسبت به اروپا و تخمیناً ۲۳ مرتبه از آلمان بزرگتر است، (آلمان تقریباً مطابق به افغانستان بزرگ است).

چین اصلی با ۱۸ ایالت آن، باستثنای تبت، ترکستان، مغولستان، ومنچوریا واقع از ۴ ملیون کیلومتر مربع رقبه دارد، یعنی ۸ مرتبه از آلمان بزرگتر است. تعداد نفوس اهالی تمام حصص چین را هنوز هیچ یک از احصائیه‌ها نشان نداده است، و در بین ۳۰۸ الی ۴۵۰ ملیون نفر تخمین میشود، یعنی تقریباً مساوی به تعداد اهالی اروپا و ۷ مرتبه زیاده از اهالی امریکای جنوبی میباشد.

چین دارای آبهای معدنی، معادن، ذوغال و آهن ومواد خام زراعتی میباشد، که ازانجمله تنها ولایات منچوریا ۹۰ فیصد احتیاج دنیا را تکافو می‌نماید.

اگرچه در تمام ملک چین امکان توسعه صناعت وجود دارد و اهالی آن خیلی زحمت کش و کارگران خوبی میباشند، لیکن اقتصاد و صنایع چین، باستثنای بعضی بندرهای بزرگ نسبت به اروپا خیلی عقب مانده است وجدیداً پا بجادهٔ ارتقاء گذاشته است.

اگرچه معادن ذوغال چین نسبت بمعادن ذوغال انگلستان ۷۰ مرتبه مشمول تر بوده و گفته میشود که معادن مذکور دارای ۱۲۰۰ ملیارد تون ذوغال اعلی میباشند، باز هم ذوغال از خارج وارد می‌کنند.

امروز چین دارای ۸ هزار کیلومتر راه آهن میباشد، یعنی راه آهن مذکور مساوی به راه آهن چکوسلواکی یا مصر ۲ مرتبه زیاده از ناروی میباشد، ولی اصولاً چین باید الی ۵ صد هزار کیلومتر راه آهن داشته باشد تا راه آهن آن به آلمان وامریکا مساوی گردد، این نسبت به چین صد چند زیاده آهن مواد میکند.

باوجودیکه در چین خطوط آهن زیاد نیست درتمام این مملکت وسیع که بدون موتر ورسیده مساوی ۹ اروپا است، تا تاریخ اول جنوری ۱۹۳۲ زیاده از چهل هزار اتوموبیل و موترهای باربرداری وغیره وجود دارد.

مجموع واردات مشین ها در چین در سنه ۱۹۲۸ (۱۹۶۲۱۸۹۶) در سنه ۱۹۲۹ (۲۹۸۸۶۵۰۳) و در سنه ۱۹۳۰ (۴۴۲۳۸۲۰۰۰) تیل پول چینی بوده است از احصائیه فرق معلوم می‌شود که صنایع این مملکت وسیع اگرچه کم است، با آن هم سال بسال رو باز دیاد گذاشته میرود.

مجموع صادرات و واردات تجارت خارجی چین در ۱۹۳۰ عبارت از ۲ ملیارد و ۲۴۱ ملیون و ۵۵۱ هزار و ۸۷۴ تیل (پول چینی) بوده است، که ازانجمله یک ملیارد و ۳۰۸ ملیون و ۳۲۱ هزار ۹۸۶ تیل واردات و ۸۹۴ ملیون و ۸۴۳ هزار و ۵۹۲ تیل صادرات و ۳۸ ملیون و ۴۷۶ هزار ۲۴۴ تیل تولید صادراتی (یعنی مال مواد خامیکه از چین صادر میگردد، ساخته شده بصورت جنس واپس وارد می‌گردد) میباشد.

چون قیمت تیل در ۱۹۳۰ یک مارک و ۹۳ فننگ بود (یک پوند طلا انگلیسی تقریباً ۲۰ مارک) لهذا تمام تجارت خارجی چین در سنه مذکور تخمیناً ۴٫۳ ملیارد مارک حساب میشود، یعنی تقریباً مطابق به تجارت خارجه یک مملکت کوچک مثل سویز.

اگرچه ۸۰ الی ۸۵ فیصد مملکت چین زراعتی بوده است، این مملکت مذکور ارزاق محتاج خود را حاصل کرده نمی‌تواند ومجبور است که برای چند صد ملیون نفر ارزاق وارد نماید و ترتیب واردات آن نسبت به صادرات هم از همین جهت است. وانیکه چین تا حال یک مملکت زراعتی باقی مانده، دلایلش اینست که تاشروع قرن اخیر، چین حیات

ترجمهٔ : روحیان افغان — ٦ — مؤلف رئل فاززژ :

رهبر اهل ثروت

قسمت اول

فصل دوم

مناسبت های مسکوکات بین المللی — مبادله — ماده واساس فلز طلا وفلز نقره مبادله بین المللی ۱۱ تاثیر مبادلات بالای جنبش مسکوکاتی — اصول نظام بین المللی — کسر وتنقیص مبادله — اصول مبادلات در فرانس — استحصال فلز بیش قیمت .

مبادله بین المللی

اساس مبادله بین المللی را کسی مالك است که در ریشانی اهل ثروت معاصر جای فائق تری را احراز کرده باشد .

اگرچه قبل برین این نظریه را کسی نمی شناخت ، بانکهای مخصوص بودند که از حیث فوقیت فلزات اعتبار داشتند مگر امروز این نکاتی را که هرمملکت دانسته ویانادانسته برای خود اتخاذ کرده واز مایش می نمایند باقتضای حقیقت متباین است .

فی الحقیقت جامعه بشریت هرگز قوه مدرکه کامله اصول مالیه را پیدا نکرده و تتبع لازمی برای مبادله نه نموده یعنی برای نقل پول فلزی از یك مملکت به مملکت دیگری اصول صحیحی را موجود کرده نتوانسته است .

لذا توسط روابط تجارت بین المللی نظر به ارتقای تمدن امروزه میباشد واین دو نوع پول (پول فلزی وپول کاغذی) بمعاونت هم دیگر امور تجارت بین المللی را خیلی ترقی داده اند . یعنی در ۱۸۷۰ میلادی که تجارت خارجی ملل راقیهٔ کرهٔ ارض به چهل ملیارد فرانك میرسید در ۱۹۱۳ چهار برابر شد ؛ یعنی به یکصدو شصت ملیارد بالغ شد . امّا در ۱۹۲۵ تنها تجارت خارجی دولت فرانسه به هشتاد ونه ملیارد فرانك کاغذی ترقی کرده که چهل وچار ملیارد درسهم صادرات وچهل وپنج ملیارد در سهم واردات فرانسه ازداد گردید .

گویا مجموع تجارت خارجی بین المللی در سنه مذکور دوصد و بیست ملیارد فرانك طلائی فرانسه رسیده بود . حالا این احصائیه تنها از قیمت امتعه که تحت اقتدار گمرك دول آمده وخارج شده استنباط شده است . علاوه برآن خیلی چیز های هستند که خرید وفروخت شده ودر حساب گمرك نیامده، مانند مسافرین که دریك مملکت برای احتیاجات خود خرید وفروخت کرده اند ، ویا اشیائیکه جهت اعتبار به قرض دار خود داده اند ویا دیگر اشیای منقوله که فروخته شده درقید این حساب نیامده است . ویا قرضه اوراق علاوه براینکه پول را بحساب پول مملکت خود بگیرند .

بعض هستند که آن پول راتماماً بهای پول خارج نه می کنند بلکه باآن مال می خرند ؛ گویا تفاوت آن هم درین حساب نیست وامثال آن .

تاسیس مبادله بالای جنس مسکوکاتي

پیش ازانکه داخل بحث شویم باید گفت : مملکتی که وارداتش به نسبت صادراتش بیش تر است وسیاست اصلاح آنرا نگرفته است آن مملکت نه می تواند از مسکوکات خویش استفاده کند .

اگر قیمت اصلیه فلزات تمام ملل یك نوع می بود ؛ یعنی تمام ملل اساسی مسکوکات خود را به فلز منوط می داشتند یعنی اساس اعتبار آنها طلا می بود، البته مشکلات حاضره ملل مرتفع وتجارت بین المللی بلا زحمت جریانی می پذیرفت وانگاه مملکت مدیون می توانست که بجهت سهولت تداول تجارت بین المللین اتحاد استقرار مسکوکاتی را بروی اعتبار

گوشه گیرانه را اختیار واز اصولات وکشفیات غربی متنفر بوده است واز ثروت طبیعی خطهٔ خود هیچ آگاهی نداشت . واز همین جهت است که خارجیها امتیازات اقتصادی وصناعتی رابه بسیار زحمت بدست آوردند .

(باقیدارد)

مولف : له پلانیه فرانسوی (۳۵) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل نزدهم

٦ (پدر و پسر)

له فبور : ـ خدای بزرگ ! پس من بااین قاتل ها زبوت ، مقروض حیات تو هستم ! »

کاترین : ـ نه چندان زیرا او خود برای حیات خودش به من مقروض بود ، چون حیات یك قوماندان استریائی نسبت یک مشروطات فروش زیاده تر قیمت دارد بنا بران هنوز هم او را مقروض خود میدانم . »

له فبور : ـ خوب پس او از حیات خودش بتو مقروض بود ؟ »

کاترین : ـ بلی ! تو همیشه از افکار عسکری باندازه پر هستی که هیچ گاه چیزی که بتو میگویم بیاد آورده نمی توانی ! آیا دهم اگست ۱۷۹۲ یکی از تاریخ های فراموش شده نیست ؟ »

له فبور : ـ من این روز را هر گز فراموش نخواهم نمود . این روزی بود که من به منصب ایو تنانی قابل شدم ! »

کاترین : ـ بعد از جنگ دو (تو یلری) مرد زخمی بدکان من پناه آورده و من او را در اطاق خواب خود پنهان کردم یکی از ان سواله های (دا کر) که تو برانها قسم خورده بودی ـ »

له فبور : ـ بلی بیاد دارم . دراول من قدری به او حسود بودم ! »

کاترین : ـ آن مرد زخمی دیروز نیبرگ امروز است . من ترا گفتم که حساب من واو هنوز هم پاک نیست . من باید به هر صورت می شود ، بشهر (دانزغ) داخل شوم ! »

له فبور : ـ تو دیوانه هستی ! تو ـ زن مارشال لهفبور ـ درشهر محصوره داخل شدن ! میخواهی که یك گروگان خوبی بدست آنها بدهی : ـ

کاترین : ـ باید ضرورباکونت دونیبرگ حرف بزنیم . »

له فبور : تو میخواهی که نجات ها زبوت را ازو استرحام نمائی ؟ این اقدام بی فائده است حالا کار از کار گذشته است .

کاترین : من بدانزغ خواهم رفت و بالضرور باید بروم . وقتیکه کونت او نیبرگ چیزی را که من باو خواهم گفت بشنود ، اعدام خودش را خواهد خواست و نخواهد گذاشت که پسرش ق پسرمایر باران شود .

مارشال و زنش از عروسی (بلانش دولا ولین) و معشوقش کونت اطلاعی نداشتند وقتیکه بعد از محاربه (زیباب) طفل را از زیر خرابه های سانتوی لوندال بفرزندی بر داشته بودند ، کاترین نتوانسته بود که طفل را بشوهرش و ازدوی فرانسه معرفی کند و این راز را حالا میخواست برای نجات هازبوت استعمال کند .

کاترین بدون آنکه منتظر جواب شوهرش باشد یا با اعتراضات او گوش نهد از خیمه بر آمده برای انجام دادن ایلچی گری جدید خودش بسرعت روانه شد .

* * *

هر وقتیکه وقفه موقتی در توپ جنگی استحکامات دانزغ و اردوی فرانسه واقع میگردید ، سلسله مباودات و مخابرات سریعه متقابله در بین اهالی

مملکت صاحب پول تاسیس نماید .

باری مقصود ما از بردن اسم ملت دائن وملت مدیون آنست چونکه خزینه بیت المال ضامن اعتبار وقرضه اتباع خویش است ، بدین مناسبت البته خزینه بیت المال مملکت دیگری ضامن حفظ اعتبار اتباع خودش است . هکذا از قرضه او گویا درین صورت نوع اول بنام دائن ونوع دوم بنام مدیون خوانده می شوند . زیرا هر حکومت برای حفظ اعتبار خارجی اتباع خویش مکلف است .

معهذا شناختن اصول صحیح این موضوع مشکل وقائل شدن امتیاز در هر زمان غیر ممکن است .

زیرا امکان دارد یك اصول که دریك زمان تخصیص وتحدید شده باشد در زمان دیگری .... (باقیدارد)

(بقلم آقای میرعثمان خان)

قحطی رسیده چند نفر دهاقین که با وجود جریان محاربه در خانه های محقر خود مانده بودند، بیدار میشدند. و این معامله غیر رسمی بی خبر که در همه محاصره های طولانی ؟ لابدست از جانبین تحمل می شد. در اثنای یکی ازین وقفه ها بود که کاترین تصمیم نموده بود راه خودش را بطرف شهر بگشاید. واین دفعه بار لادیوال با او همراه گردیده.

ماژور شیور چیانی یونیفورمه مخالی خودش را از بر کنده، لباس دارای سرجای بر بودی به لیند را در بر نموده کاترین نیز با لباس دهاقین خود را پوشانیده است. با این قیافه عجیب و غریب خود شان را بدروازه شهر رسانیدند کاترین چون زبان آلمانی را به اندازه کافی تکلم می نمود. با شیر موظف به سپاهی آلمانی فهمانید که زن دهاتی دوست خودش در شهر است می رود.

چون آنها در شهر کوچه ها را از اهالی مصیبت زده گرسنه و سربازان زخمی پر یافتند تا یک لحظه خود را یکلی گم کرده بودند و نمیدانستند بکدام طرف بروند واز که راه را بجویند. هر لحظه خیال می کردند که شخصی آمده دست بر بازوی شان نهاده مقصد را می پرسد و هر روی شان دفعتاً اسلحه بر گردیده می ایستادند چون کسی را ندیدند خجالت شده از ... خود دوام می نمودند بالاخره کاترین جرئت پیدا کرده خانه کوچک جوزل ... را پیدا بسرعت بدان طرف روان شدند. بعد از چند دقیقه دیگر در مقابل دروازه بزرگ قوناقگی ایستادند. طنبلم زنگ را بکرار کشیده منتظر باز شدن در ماندند بعد از چند دقیقه انتظار حاجبی ظاهر گردیده آنها را بدرون برد. از یک سلسله کوریدورها گذشته و از پله های زیادی بالا رفته، بالاخره بحضور کونتس دوشیرک که او ملاقات بی وقت اینها که ساعتی را در آورده گر تصور میکرد چندان نظر امن آمده رسیدند. کونت بدخول آنها با عدی خشن پرسید و شما کیستید و از من چه میخواهید؟

زن مارشال بالا پوشی که دوش او را پنهان داشته بود دور افکنده بطرف قونتس چند قدم پیش رفته گفت: آیا موسیو دوبیرگ مرا آشنا ساخته؟ کونت مثل که چهره او را فوراً بخاطر آورده باشد گفت: «... بخوبی میشناسم شما کاترین مادر زن هستید که حیات مرا من نجات دادید آیا من هیچگاه شما را فراموش کرده می توانم؟»

کاترین: «موسیو دوبیرگ من حالا زن مارشال لوفور هستم». بیرگ: «در اینجا هستید؟ چه اوامر چه می شود؟ مگر شهر گرفته شده است؟»

کاترین: «خیر لیکن من قدری پیشتر از شوهرم آمدم تا حیات پسر او را حمایه کنم».

بیرگ: «پسر شما؟ تو... فهمیدم...»

کاترین: «پسر یک انشب جاسوسی گرفتار شده است».

بیرگ: «او واقعیت اسم لفبور را دارد، ولی من میدانستم که او پسر شما است».

کاترین: «آیا من بعد از وقت رسیده ام؟ آیا او را تیرباران کرده اند؟»

بیرگ: «نی هنوز نشده است ولی میترسم که نجات او خیلی مشکل خواهد بود، خودش را یکی از آشنا های من معرفی کرده بود وظیفه من نسبت به شغلیکه دارم مرا مجبور ساخت او را رسوا کنم. اگر از شما بود اقلیتم بقدر یک دره هم بی مقصد نمی شدم».

کاترین: «آیا حال چیزی کرده می توانید؟»

بیرگ: «بلی... میخواهم توانست اگر بگویم پسر مارشال لفبور است علاوه بران مطابق قانون حرب هم باید محکوم شود».

کاترین: برای لحظه چندی روی خودش را در بین دستهای خود گرفت بیرگ به احترام او خاموش مانده بود. بالاخره زن مارشال بلهجه گریه آلود گفت: «آقای کونت بعد از آنکه ما و شما از هم جدا شدیم یعنی بعد از جنگ (ژوماپ) بسیار چیزها واقع شده است».

بیرگ: «از این تبدیل که در وضع شما بعمل آمده است خیلی خوشوقتم. در آنوقت یک مشروبات فروشی بودید، که بالک کاپیتان ازدواج نموده بودید ولی حالا مارشال فرانسه هستید. وعده دادم تبریکات صمیمانه ام را قبول کنید. در وقت بازگشت به اردوگاه به مارشال هم تقدیم کنید».

(باقیدارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 845 of 896

ک
باز : محیی الدین
خوگیانی

ذیحجه ۱۳۵۰

ه محمد طاهر خان
طرف حضار رسم
ا گردید .
بك ولوله فرحت
اقشارین تماشا چیسان
ر یك برای تقرب
رت غازی یکی از
ند تا اینکه موتر
ارابه که محفل دو
سیده ذات مبارك
فرود آمده به آن
مخصوص خود شان
ال پرسی نموده و
ان را که در پرده
کور ایستاده بودند
وند .
الم ، شاهمه جور

اور به ما وشما مبارك

یك نوئی پر حرارت
نی استقلال بخش
جاب شده پس اینکی

جریده هفته وار

انیس

قیمت اشتراك

اطراف وولایات داخله

خلاصه معارف

در ممالک خارجه

مطبعه انیس

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 846 of 896

قحطی رسیده چند قرنها ق
جریان محاربه در خانه های
مانده بودند، باز میشد،
غیر رسمی ای طرز که در ج
طولانی ؟ لا بدیت از
می شد. در اثنای یکی از
که کازرن تصمیم خود
را بدرون شهر بکشند.
لا دیوات با او همراه
ماژور تیبور چیان او
خودش را از بر کنده
سرجان بر بودی به
کازرن لیز یا لباس
پیاده است. با این
جود شان را
یکترین چون زبان
کافی تکلم می نمود
بسیار آشنائی
دوست خودش در شهر
بود آمدند در شهر
اهالی مصیبت زده
وحشی پر با دند تا یک
گم کرده بودند و
طرف برونه و از که
لحظه خیال می کردند
دست و بازوی شان
برسد و هر دوی شان
گردیده بی استفاده چون
خجل شده برای خود
بالاخره کازرن جر
کوتشل جرال آ

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 847 of 896

(شماره ۴۶ و ۴۷)

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پوست ۲ »
خارجه ۲۰ شلنگ

انیس

مجلد ٥

اداره : کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر محمد امین خوگیانی

۲ شنبه ۲۴ حمل ۱۳۱۱ | تأسیس ۱۳۰۶ | ٤ ذالحجه ۱۳۵۰

میله قلبه کشی

قلبه رانی امسال در باغ بابر شاه که طرف جنوب غربی کابل در دامنه کوه شیر دروازه واقع است از طرف وزارت انتخاب شده بود .

بروز جمعه ساعت نه و نیم ع ج وزیر صاحب تجارت باهیئت منسوبه شان حضور بهم رسانیده تشریف آوری ذات همایونی و والاحضرت صدر اعظم صاحب را انتظار می کشیدند .

ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه والاحضرت صدر اعظم صاحب باهیئت کابینه شان تشریف آورده از طرف مامورین واهل حضار مراسم استقبال شان ایفا گردیده ، وجناب والاحضرت شان بافری صمیمانه شان در مجمع دهاقین تشریف برده پس از احوال پرسی وملاطفت بیانیه ذیل را ایراد فرمودند .

(مطالب اساسی بیانیه جناب صدراعظم صاحب)

« برادران وهم وطنان من ! از خدای متعال می خواهم که حکومت شمارا بمقصود هائیکه برای ترقی وتعالی این وطن عزیز و استراحت ومرفه الحالی ملت نجیب این مملکت دارد موفق گرداند ، آنچه جزء حقوق را که حکومت شما بجهت ارتقا واستراحت شما سنجیده وعملی کردن آنرا به توفیق ومعاونت خداوندی درنظر دارد هر گاه یک یک به شما توضیحات بدهم موجب تطویل کلام می شود - وهم عقیده دارم مادامیکه به اعانت ومعاونت خداوندی عملاً هریک را بمعرض نمایش بگذاریم وشما آنهارا برأی العین مشاهده نمائید ، ترقی وتمدن امروزه دنیا تماماً درنتیجهٔ اتفاق وسعی وعمل که توأم بعلم ومعرفت است میباشد ، باید ما وشما هم تمسک و تأسی باین رویه کرده بمعاونت خداوندی مملکت خود را ترقی بدهیم »

حاضرین از بیانیهٔ حضور جناب والاحضرت صدر اعظم صاحب نهایت مسرور شده وبرای کامیابی حکومت مقدس خویش دعا های پرحرارتی نمودند .

پس از آن جناب والاحضرت صدر اعظم صاحب ووزرای عظام به کرسی های مقدره خود قرار گرفتند ، که در همین موقع والاحضرت شهزاده محمد طاهر خان نیز تشریف آورده از طرف حضار رسم تعظیم شان اصولاً ایفا گردید .

ساعت ۱۱ ام بود که یک ولوله فرحت وخوشی در باغ بابر بین تماشا چیان حکمفرما گردید ، وهر یک برای تقرب جستن به موتر اعلیحضرت غازی یکی از دیگر سبقت می جستند تا اینکه موتر اعلیحضرت متصل بعمارتیکه محفل در آن تشکیل یافته بود رسیده ذات مبارک اعلیحضرت از موتر فرود آمده به آن لطف ومهربانی که مخصوص خود شان است با حاضرین احوال پرسی نموده و دهاقین وقریه داران را که در پرنده غربی عمارت مذکور ایستاده بودند مخاطب ساخته فرمودند .

« برادران وعزیزانم ! شما همه چطور هستند .

خداوند این سال نورا به ما وشما مبارک بگرداند .

از طرف مخاطبین بیک لوسی پرحرارت « زنده باد پادشاه منجی استقلال محبوب ترقی خواه ما ! » جواب شد ، پس از انکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 848 of 896

دهاقین پیش آمده عریضهٔ ذیل را قرائت نمود .

(معروضهٔ دهاقین بحضور اعلیحضرت همایونی)

اعلیحضرتا ! با میل شخصی و کمال افتخار که از جانب سائر حضرات دهاقین دارم اجازه می خواهم قبل از اینکه حضور شاهانه برای سال جدید عمل زراعت را افتتاح فرمایند عرض خود را به پیشگاه ذات همایونی شان تقدیم نمایم .

شك نیست ترقی زراعت اساس آبادی جهان و رکن بزرگ ترقی حیات بشر است ، یك مملکت در زندهٔ کرانی بین المللی بسهولت می تواند حوائج صنعتی خود را از قبیل لباس و سائر لوازم ثانویه از مملکت دیگری هم اکمال نماید در صورتیکه عواقب آنهم آنقدر تاریك و خطرناك بنظر نمیرسد ، ولی موضوع خوراك و احتیاج آن به ممالك سائره با حیات و ممات ملی توام و همراه است .

قابل فراموشی نیست ، پار سال اعلیحضرت غازی حین افتتاح عمل بذر و کشت در نطق افتتاحیه فرموده بودند : « خودم شما دهاقین و زراعین افغانستان را که همواره سعادت خود و اهل وطن تانرا به آبلهٔ دست و عرق پیشانی فراهم میکنید و ابوکاریل خوش خدمت به زراعت مینمائید خیلی بنظر محبت و احترام می بینم » این جمله مخصوصاً کلمهٔ « بنظر محبت » از زبان یك پادشاه که تاریخ حیات پر افتخار وی مستلزم هر گونه ستائش و شکر گذاریست ، برای ما خیلی پر قیمت و گران بهاست زیرا پادشاهی که علاقهٔ خاصی بسعادت ملت ، بآسایش و رفاهیت جامعه خود نداشته باشد نمیتواند تا این حد یك جماعتی را که از صبح تا شام سر و کارش با گل و خاك است با کلمهٔ محبت و احترام بنوازد .

ما نهایت متشکر و فوق العاده خوش قسمتیم که ذات شاهانه یگانه پدر غمخواریست که از راه تقدیس مارا بعمل خود ممنون و تشویق فرموده و پیشه مارا بیشتر طرف احترام قرار میدهند .

حقیقتاً طوریکه حضور شاهانه مرحمت فرموده اند سعادت و راحت قوم مربوط به ترقی زراعت است و ما زراعین خیلی ممنون و دلشادیم که باوجود مشکلات مالی که از سوء اثرات انقلاب و بحران موجوده متوجه اوضاع زوفی (؟) مملکت گردیده ذات شاهانه به محاسن نظریات آزادیخواهانه خویش در امور زراعت که یکی از مسائل مهمهٔ حیاتی است توجه فوق العادهٔ خود را مبذول میدارند ، چنانچه وزارت تجارت و زراعت در سال ۱۳۱۰ برای احیای اراضی بائره و فکر تعدیل اوضاع زراعت دورهٔ ماضی باصول عصری افتاده است و بدیگر اقدامات مهمه از قبیل شروع کار ، بند ده خان غرق ، بند سرخ آب لوگرد ، بند قرغهٔ پغمان ، بند غرو ، کار حفر یا قبهادهٔ نهر سراج مشرق ، احداث نهر جدید در (؟) ، نصب ماشین های هوائی برای استخراج آب ازمجاری عمیقه ، تورید ماشین های جوجه کشی مرغ ، جلب اقسام تخم های زراعتی از اوروپا و تطبیق آن بداخل مملکت ، تاسیس و تشکیل دوایر نسل گیری و پیلهوری ، احصائیه زراعتی وغیره وغیره نیز گامهای بزرگی را در راه ترقی فلاحت بر داشته که بالنتیجه بدیهی است امور زراعتی در زیر تاثیر این اقدامات متدرجاً بترقیات کامله نائل می گردد .

در خاتمه از خدای عز وجل مسئلت میکنیم که ذات اعلیحضرت شهریاری را در تمام امور همواره موفق و کامیاب گرداند ، « زنده باد اعلیحضرت غازی »

بعد از ختم عریضهٔ مذکور ذات شاهانه ایشانرا تکراراً مخاطب نموده نطق آتی را ایراد فرمودند —

(خلاص نطق اعلیحضرت همایونی)

« برادران من ! ازین احساسات و نیات پاك شما که درحق حکومت خود و شخص من دارید مرا به آتیهٔ درخشان شما امید وار و مسرور نمود »

« میدانید که حیات انسانها وابسته بزراعت و فلاحت بوده ازین جهت یکی از مهمترین لوازم تامین حیات انسانی زراعت میباشد پس هر قدر باین راه صرف مساعی گردیده به محصولات آن افزوده شود بهمان اندازه اهالی بهره مند و آرام میگردند — بناءً علیه باید هر کس قدر و قیمت این ذریعهٔ حیاتی خودش را باتمام محاسن و مزایای آن دانسته کوشش انتهائی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 849 of 896

در بهبودی و ترقی آن نمود، تأمین حیات و وسیلهٔ استراحت خود را فراهم نماید چه برای ترقی زراعت این خاك نهایت مستعد و افراد این سرزمین قابل میباشد .

و این را همه کس یقین دارد که در هر امری که انسان سعی و کوشش بکند بی مزد نمیماند و خواه مخواه محصولی از آن کوشش خود بر میدارد خدای تعالی به ما و شما هم توفیق عنایت فرماید که در پی حصول احتیاجات حیاتی خویش پیش از پیش کوشش کرده بمقاصد مشروعه خود زود تر نائل آئیم .

و شك نیست که صفائی و پاکی نیات و دست بدست شدن حکومت و ملت بهترین وسیله ایست برای رسیدن بمنزل مقصود .

و من از الطاف خدای توانای خود راضی و متشکرم که درین عرصهٔ دو نیم سال حکومت من ، حکومت و ملت بیکبال یك وجود کی بموافقت و پاکی نیات متحداً و متفقاً در همه شعب اصلاحات مملکت کوشیده و از نتائج مفیدهٔ آن تماماً ما و شما متمتع و بهره ور شده ایم و از ین لطف خداوند کریم که بر حال افغانستان شده در هر امور ترقی در تجارت و زراعت و غیره بهتری مشاهده میشود که نتیجهٔ اتحاد و سعی و کوشش و حسن نیت است .

و بنابر همین صفائی نیات طرفین من امروز از این ملاقات شما ها نهایت مسرور شده ام .

و باید ما و شما قدر و اهمیت این چنین مملکت حاصل خیز و اینطور آب و هوای خوب زنائی را که خداوند بما و شما عطا فرموده است بدرستی بدانیم و در برابر این عطایای خالق خود شکر گذار – و از ین استعدادی که در آب و خاك و ملت توانای ما موجود است استفاده از کار بگیریم و بدرجهٔ انتهائی از منابع طبیعی مملکت استفاده و این وسیله برای خود هر نوع سعادت و مرفه الحالی را اعاده نمائیم . .

و چون وزیر صاحب تجارة از دو نفر خویش ال‌لان که مدت قلیل از آن منقضی شده تجاوز مفیدی را جبهه تطبیق دادن امور زراعت و فلاحت افغانستان باصولیکه فعلاً بامور زرعی و فلاحتی عالم رائج است ، زیر نظر گرفته اند و می خواهند که این بنیاد و پیشنهاد های نافعهٔ وزارت تجارت را از قوه بفعل بیاورند فعالیت و جدیت این وزارت اطمینان میدهد که آنها این تجاوز شان در محک عمل مشاهده خواهد شد و هر روز در همه امور مرجوعه اش انتظام بهتری بمشاهده خواهد پیوست . .

و نظم و نسق را که بامور وزارت تجارت و زراعت می بینیم موجب بسا امیدواری ها است لهذا من از حسن انتظام و خدمات وزیر صاحب تجارت و مامورین منسوبهٔ شان را تقدیر می نمایم .

و همچنین بالنسبهٔ گذشته در امور دیگر وزارات و دوائر : مثل وزارت حربیه خارجه ، عدلیه ، مالیه ، معارف وغیره شعبه ها فرق کلی مشاهده مینمایم پس خدای متعال را متشکرم که به این مدت قلیل دو نیم سال ، ما را توفیق عنایت نمود تا باین حد رسیده توانستیم .

و معلوم است که این همه موفقیت های حکومت شان در همه شعب اداری و اصلاحات اساسی که در بهبودی امور نموده است اول از لطف خداوندی و بعد از آن بذل مساعی روز ساعی همین ادارات و حسن انتخاب اخوی عزیزم صدر اعظم صاحب و هیئت کابینهٔ شان و معاونت ملت عزیزم است .

و الحق که امروز تمام مورین حکومت شما همه روزه امور ادارهٔ امور را سعادت وطن و پیشرفت افکار خیر اندیشانهٔ من ، متحداً خدمت میکنند از خداوند تبارك و تعالی مسئلت مینمایم که ایشان را توفیق عطا کند تا زیاده بر زیاده در خدمت مملکت خود ها کوشیده تاریخ وطن نامهای نیکوی خدمت گذاری را از خود یاد گار گذاشته موجب افتخار نسلهای آیندهٔ خود ها بشوند .

و وظیفه و فرض منصبی من و حکومت شما ست که برای شما ملت خدمت کنیم ولی در طی انجام خدمت دائماً پاکی و صفائی و توفیق نیات شرط اعظم است

و شنیده باشید که می گویند یك پادشاهی در کدام زمان بعزم شکار بر آمده گذرش در کدام باغ افتاد باغبان از پادشاه احترام کرده برای نوشیدن پادشاه اناری شکسته آب آنرا در ظرفی فشرده حضور پادشاه تقدیم کرد پادشاه از بلکه دانه انار آنقدر آب را دیده تعجب نمود از وی پرسید که ازین باغ چقدر مالیه

بحکومت میدهد او مقدار مالیه دهی خودش را اظهار نمود بعد از لحظهٔ پادشاه تکرار از وی آب انار طلب کرد باغبان رفته یك انار دیگر را از درخت فرود آورده آنرا شکسته آب آنرا در ظرف مذکور فشرد معلوم شد که آب مذکور کافی نبوده یك دانهٔ دیگر را آورده آنهم کفایت نکرد دو دانهٔ دیگر بیاورد تا از این چهار دانه انار بقدر آن یك دانه اولی آب بعمل آمد پادشاه از باغبان پرسید که بار اول از یك دانه انار آنقدر آب بعمل آمد این دفعه چگونه چهار دانه انار بقدر یك دانه انار اولی آب داد باغبان تأملی کرد بجواب گفت ممکن است یا در نیت من و یا از پادشاه خللی پیش شده باشد پادشاه چون دیگر افزونی مالیات آنرا بخیال خود سنجیده بود فوری اعتراف کرده از خداوند عفو طلبید »

« من برای خود نیت نیك بحق ملت عزیزم و برای ملت عزیزم نیت پاك برای حکومت شان می خواهم ، خورسند هستم که بطرفه همین نعمت بزرگ صمیمیت و صداقت در دل های طرفین موجود و به اثر این لطف خداوندی شامل حال است و بچشم خود مشاهده مینمایند که در وطن امنیت کامل بوده سال گذشته نهایت بخوبی گذشت و سال نو نهایت بصورت خوب آمده است و باید شکر گذار باشیم و متحداً و متفقاً بکوشیم بافضل و عنایت خداوندی زیاده محمد و رهبر ما شده برای وطن خود خدمتی نموده از این حالت موجوده مملکت اسلامی خود مارا بیشتر با وج تعالی و ترقی رسانیده بتوانیم »

(از این نطق عالی حضور واقف مجاری امور این نطق عالی شهریاری که بخلاصهٔ مطالبش فوقاً اشاره شد و بهترین مصداق

(کلام الملوك ملوك الکلام)

واقع از این نمونهٔ حسن کلام پادشاهی را ثبت می کند باندازهٔ بر مستمعین تأثیر افگند که بی ساخته تماماً عرض نمودند که ما تمام قوای خود را در راه سرسبزی وشادابی وطن عزیز خود صرف و بدرجهٔ شادمانی این نصائح پدرانهٔ ها ونی را بگوش هوش میشنویم وعهد می کنیم که کاملاً بادلهای پاك وخلوص نیت هر کدام در دائرهٔ وظائفی که از طرف جامعه بدوش ماست بذل مساعی ورزیم »

الا خیر این قسمت مسرورشان دعاقین باظهار شکر گذاری ودعا گوئی خاتمه یافت ، بعد از این اعلیحضرت هما یونی باحضار محفل خارج عمارت آمده ، در موضعیکه یك قابه را ترتیب کرده بودند به جمیت دهقین داخل شده ، بعد ازادعیه وفاتحه بعداً هیپار را بدست مبارك خودشان رانده بصورت مراسم قلبه کشی را افتتاح فرموده ، پس از آن محفله مراجعه فرموده هر کدام بکرسی خود شان اخذ موقع نمودند ، بعد از چند دقیقه ذات ملوکانه با جناب صدر اعظم صاحب ووزیر صاحب حربیه ووزیر صاحب تجارت ، در مسجدیکه تماماً از سنگ مرمر ساخته شده آمده پس از ملاحظه ترمیم بعضی جاهای مرمت طلب آنرا امر واجازه فرمودند ، از آنجا به مقبرهٔ اعلیحضرت بابر شاه رفته دعای ترحیم نمودند ، بعد از ختم دعا بوالا حضرت صدر اعظم صاحب فرمودند که این قبر یك پادشاه بزرگ اسلامی وقابل هر گونه احترام است باید از سنگ لاجورد و یا سنگ خواجه تا سطح زمین فرش فرش وهم بالای آن بطور گنبد یك ترتیب هرچه خوبتر ومقبول تری که ممکن باشد ، تعمیر شود ، قبرهائیکه باطراف این مقبره است آنیز درست کرده شود .

ودرین ضمن آقای وزیر صاحب تجارت یك قطعه نقشهٔ را که پیشتر ترتیب کرده بودند بحضور شاهانه تقدیم وعرض کردند که وزارت تجارت می خواهد برای این نقشه اتی نو قسمت این باغ را هم اصلاح وفواره های آب و یك عمارت مختصری برای هوتل سر از نو تعمیر کند تا اهالی در موقع تفریح از آن استفاده نمایند .

ذات شاهانه فرمودند ، « وزارت تجارت خیلی تجویز خوبی کرده است من خیلی خوش می شوم ازشنیدن تصمیمات واقداماتیکه مبنی بر اصول اجتماعی ومتضمن استراحت عمومی باشد » .

پس از آنجا بطرف محفل عودت فرموده بدهن دروازهٔ مقبره که بعضی افرای مستحق نشسته بودند بایشان یکمقدار پول اعطا فرموده در آن اثنا درست

(بقیهٔ در صفحه ۱۳)

ستونهای اهل معارف :

تربیه بدنی نخستین احتیاج

فردی واجتماعی ملت

ثابت ومسلم است که سعادت واعتلاء یک ملتی منوط به تعلیم وتربیه افراد آن ملت است اعم از اینکه در طریق تحصیل علم باشد ویا در راه تکمیل صنعت وغیره . کاسب ؛ بنا برینکه اگر تربیه صحیح نه باشد از ء او نمیتوان بهره گرفت ونه از دیگر پیشه استفاده لایق ومنزا . از همین جاست که ملل متمدنه امروزی مقام وموقعیت رفیع این موضوع را حس نموده انواع تربیه چون تربیه علمی ؛ تربیه روحی وعقلی تربیه بدنی ؛ هکذا سایر تربیه را درمعارف ومکاتب داخل نصاب تعلیم ودروس اطفال خود نموده در عملیات آن باعمال فی ذته واصول مختلفه بس مواظبت واجتهاد به خرج میرسانند همچنان علما ، ودانشمندان آنان به تربیه همه افراد ملت بوسایل اشاعات ونشریات وغیره ذرایع وعملیات زحمات ومشقات فوق الطاقه را به خویش هموار ومرارت ناگوار آنرا بمذاق اجتهاد شیرین وگوارا شمرده تا فهم ودانا پیدن افراد جامعه خود را بمزایای انواع تربیه وتمرین آن را از وظایف واجبه ووجدانی خویش می پندارند ؛ تا افراد تربیت شده درملت شان بار آمده اسرار جهانی را بامفهوم معینکه دارد احساس کرده درصحنه تنازع للبقاء برای تأمین حیاة وبلند بردن شئون وشکوه ملت خویشتن در معارج ومعالی عظمت واقتدار باقدم های سرمتین واراده های نیرو مند آهنین که در مقابل هر نوع مشکلات وحادثات دهر ، ولو طاقت فرسا باشد ، مقاومت مینمایند قدم گذاشته مراحل ترقی وتمدن را غیر ازینکه هیچ حایل ومانعی بتواند درقبال سیر تکامل آنان سدی بسته باشد بیک لمحه سرعت آنرا بمایه اندازه قطع وطی مینمایند ؛ بنا برینکه اگر به عمق موجبات ووسایط تمدن موجوده ملل حیه فرو رفته بخواهیم عوامل آن را تشخیص بدهیم نخستین عامل موثر آن تربیه صحیح را خواهیم شناخت که پیش از همه وپیش از هر چیزی افکار زعمای او شان را مشغول ومتوجه خود ساخته که دقیقه ازان فرو گذاری وتغافل نمیورزند اگرچه تربیه انواع مختلفه دارد که هر یک محتاج بهای اعظم انسان بوده ازات ازو که مهمه آن در امور زنده گانی حائز مرتبه عالی لعلی است که هیچ وقت ازان نمیتوان مستغنی شد ولی آنچه بیشتر مورد توجه و اهمیت واقع گردیده یکی از احتیاجات عمده فردی واجتماعی شمرده میشود تربیه بدنی است ، چه تکمیل و تحصیل هر محتاج وتهیه و تأمین همه لوازم حیاتی مربوط به بدن سالم واگر بدن سالم وصحیح نباشد هیچ یک اموری ، ولو سهل هم باشد ، اولاً نمیتوان باجسم علیل وضعیف اقدام کرده یا الفرض اقدام نموده آخر الامر نمیشود به نقطه مقصود رسید . مثلاً متعلمی اگر صورت جسمی تربیه بدنی نداشته باشد نمیتواند ضبط وحفظ دروس خویش خوب تر کامیاب شود ، زیرا قوه مفکره ومدرکه وابسته قوت وصحت بدنی بوده درصورتیکه جسم ضعیف باشد مغز وقوه دماغی ضعیف است ؛ اگر بدن نحیف است قوه حافظه نحیف است ؛ اگر وجود علیل است فکر واحساسات علیل علی الرغم هر اندازه که وجود سالم وقوی است معادل آن دماغ قوی ، مغز سالم قوه مفکره تند وسریع ، حافظه مستعد وصحیح مییا شده ، اینست متعلمی که به تربیه بدنی خود زیاده تر اهمیت داده وجود خویشتن را به تمرینات ومشق میپرورد می گمارد خوب تر میتواند دروس وتعلیمات را در محفظه دماغ ضبط وبه مغز جا گزین نماید وهمچه متعلم نیک تبعت که دوره تحصیلات را با قدم های سرعتری طی نموده از فراغت تحصیل مربوط هم صنفان خویش گردد .

هکذا تربیه جسمی دوسایر مشاغل از قبیل صنعت ، فلاحت ، حرفت ، ملازمت وغیره ها بیشتر مدخلیت مهمه داشته ومیتوان گفت همچنان که جسم ما برای حرکت وحیاة محتاج بروح است ؛ تربیه نیز اولین محتاج الیه او بوده حسن وسیله تقویت روح بشمار میرود ؛ زیرا که با جسم علیل ووجود ضعیف طوریکه

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 852 of 896

تحصیل و تکمیل علم متعسر و دشوار است ، اقدام بدایگر نوع کار های که طبعاً مقتضی قوه است از دشوار دشوار تر است ، چه بدیهیست اگر وجود صحیح وقوی نیست اشخاص که ضعف البنیه وعلیل مزاج و نحیفند اولاً به نسبت اینکه اجرا و تحمل آنرا ما فوق اقتدار وتوان خویش تصور می کنند قدم نمیگذارند ، و فرضاً اقدام نمایند با الماقبه نمیتوانند از عهده آن بر آمده باشند درین صورت بدا هتاً از تهیه حوائج معیشت مایوس ودر انتظام امور حیاتی شان اختلال حادث شده اسیر پنجهٔ کابوس وهیولای بد بختی میشوند ما نسبت به متعلمین مکاتب خویش از توجهات حکومت صحیح ومعارف پرور خود که بیگانه آرزو ونقطهٔ غایهٔ نظریات واقصای آمال ان جز ترقی وتعالی مملکت وترتیه مادی ومعنوی ملت نیست مطمئنیم طور یکه اساس معارف را در مبانی صحیحه تأسیس واستوار نموده نصاب دروس وتعالیم اطفال مارا بروی ناموس وشعایر مذهبی طرح ریخته است چنانچه بدوره های سابق نظر باینکه معارف آنوقت بر مبنای صحیح وشعائر دینی تشیید نگردیده جز تقلید بی ثمر ولاینی فائده واشنا حی نداشت افراد ملت معارف را یکنوع بدعت پنداشته اذهان فرزند و اطفال خود را در مکاتب جاهد نفرت و استکراه تلقی نموده از میوه زیبنده ، واینک که مزایای

معارف حقیقی دوره ٔ درخشان نادر شاهی را که انوار رخشنده ٔ آن پرده های او هام را از هم دریده بچه بان شان تجلی میکند شناخته و فهمیده اند که ترقی و تمدن شرافت و افتخار ، سعادت و استراحت و الحاصل هر گونه فضائل ور جحانیت یک ملتی که باوج تکامل ارتقاً مینماید از طرق معارف و منحصر به معارف است با ذوق و شوق مفرط و سرشاری در ادخال طفلهای خود بمکاتب یک از دیگر سبقت جسته و همچنان متعلمین بر خلاف سابق که دور رونق بمکتب بی میل ومتنفر بودند فیض معارف را درک نموده با یک عشق و ذوق معنوی مکتب را حسن تلقی مینمایند ، ، همان طور سایر تربیه جسمی و روحی را در نصاب تعالیم بر اصول و قواعد صحیحه مقرر فرموده است . اما دیگر افراد ملی را از فضلا و دانشوران محیط ما واجب و فریضهٔ ذمه است که ایقاظ نموده از اهمیت و نتایج کثیر المنافع تربیه بدنی که اولین وسیقهٔ در سلاسل احتیاجات فردی و اجتماعی است متنبه ساخته و تشویق بدهند که باین مهم با نظر سطحی و بی مبالات ندیده بغرض اینکه جسم و دماغ را برای هر کاری قوی کرده مستعد بسازند ، خود را بایک نوع تربیه وورزشی مثل پیاده گردی و غیره ریاضت های بدنی گماریده معتاد نمایند ، تا بقوت و نیروی لازم و افکار صحیح و سالم بتوانند وظایف وجدانی خود را اجرا و حوائج خویشتن را تأمین کرده باشند گفتیم وظایف وجدانی خود را اجرا

نمایند ، بلی : زیرا چون حقیقت نوع شریف انسان و حیات وی طبعاً اجتماعی وهم از انجا که احتیاجات و لوازم حیاتی انسان زیاد بوده هر یکی نمیتوانست بالشخصه تمام آن احتیاجات خود را تهیه نماید لهذا هر فردی از افراد جامعه بشری به معاونت همدیگر مکلف و هر شخصی از هیئت اجتماعیه دیناً و وجداناً بالذات مامور شد که خدمتی را اشغال و بتأمین حیوة و بقأ یکدیگر و تکمیل موجبات و وسائل رفاه و آسایش هم تعاون نماید ، چنانکه در قرآن پاک صاحب لولاک این آیه شریفه « لیس للانسان الا ما سعی » فرموده شده برای ما مسلمانان بهترین دلیلی است که خداوند عظیم الشان به مقتضای حکمت بالغه خویش انسان را بکار کردن وسعی که مفهومش همان خدمت اجتماعیه می باشد مکلف ساخته ، خود کسی ازین امر پهلو تهی و شانه خالی کرده وجود خود را بار دوش سائرین نموده از حاصل رنج و زحمت دیگران تعیش کند نه تنها بهمین کفایت میتوانند که او را بی حمیت و بی ننگ و غیرت بنامیم بلکه در ایفاء وظایف جامعه خائن گفته میشود . البته برای اینکه انسان وظیفه ایمانی و وجدانی خودش را ایفاً کرده انسان حقیقی باشد قوهٔ جسمی و دماغی لازم بوده و جهت اینکه جسم و دماغ را پرورش داده مستعد بسازد از تربیه بدنی ناگزیر است .

سید احمد شاه (بوزارت عدلیه)

قسمت علمی

مغز انسان

مغز انسان چیزی عجیبی بوده ، وهمه کس میداند که مقدرت وابسته به تشکیل و ترکیب آن است .

فلهذا سعادت وبختیاری اهالی یك مملکت باوصاف مواد مغزی اهالی آن منوط ومحدود میباشد .

بزرگترین قوه که درعالم ما موجود است ، یعنی قوه مخیله ، مربوط بحیات مواد عصبی است و این قوه چنان قدرت و استطاعت خارق العاده را داراست که لاینقطع چیزهای جدید ایجاد مینماید .

وازپرتو همین قوه (انرژی) است که ما ازحالت انسانهای عصر حجری تفوق وبرتری حاصل نموده ایم ، وتمدن ما را بدرجه اعلاء رسانیده است . ونیز همین قوه است که باعث بربادی این (تمدن) خواهد گردید .

* * *

مغزازیك مواد سفید مانند ملائم ونازك ساخته شده است . واگر بدست فشرده شود ، پارچه پارچه می گردد .

ازین روبرای حرکت دادن مغز ، طوریکه وهم نخورد ، جراح باید درحین عملیات منتهی احتیاط وزاکت بکار برد .

ترکیب مغز انقدر غامض است که ابداً فکرما قادر بفهم آن نیست . چه فی الحقیقت مغزانسان دارای ۱۲ ملیارد سلول میباشد ، وهم سلول های مذکور تودهٔ مساوی را تشکیل میدهد :

یعنی سلول ها یك طریق متناسب ونظیف ذریعهٔ الیاف فبر های کوچك باهم دیگر مربوط بوده ومجتمع میباشند ، وبا قی بدن و عالم خارجی آن ربط داشته عضلات واعضاءرا اجازهٔ عمل میدهند .

الیاف (فبر) های مذکوره دارای شرائن متعدد بوده ، وانتهای آنها بابدن وسلول های دیگر بدن تماس پیدا شده باشند .

تمام سلول باهم موافقت ندارند ، یعنی متحد الشکل نیستند . وبیش ترینه حیوانات کوچك مختلف الجنس شباهت دارند . لاکن خاصیت مشترك دارند ، یعنی بذریعه رشته های طویل وباریك امتداد می یابند .

ونیز میدانیم که سلول ها دروقت حیات زیاده نمی شوند . لیکن اگر تعداد آنها زیاده نمی شوند ، بمرور زمان و هر قدریکه سن بچه برشود ، ساختمان آن تکمیل می شود .

شرائن اعصاب مقدر جاً اضافه میگردند بانقسم که سلول ها کم و بیش کامل باهم جمع می شوند وطبعاً ملیون ها ملیارد ارتباط مختلف سلولی موجود میباشد .

ازین رواست که مغز در عالم ما پیچیده و دشوار ترین سیستم را تشکیل میدهد .

* * *

صفت توصیف فکر تنها به تشکیل و ساختمان مغز متعلق نیست ، فعالیت سلول های عصبی مانند فعالیت تمام سلول های جسم مربوط حالتی است که سلول های مذکور درانجا مغروق می باشند .

ازین رو مغز تحت اثر ونفوذ اعضائی است که سمیت خود هارادرخون داخل می کنند ومیکروب ها ومواد شیمی که از از عالم خارج می آید میباشد . همچنین است که عقل و زکای نوابغ بزرگ ، بمقابل کمی الکحل ، مقاومت کرده نمی تواند .

درصورت فقدان موادجنسی یا (تی روی ان) قوه ذهنی هم موجود نمیداشته باشد وازطرف دیگر ، وجود مکروب مفلس (سپی روشه) درمغز ، دنی ترین اشخاص را خوش باوری سازد یعنی آنها خودرا ناپلیون ویا (رود شیلد) تصور می نمایند

شجاعت ، قضاوت ، زکاوت و قوه معنوی واخلاقی وتصورات درنزد آنها همیشه بروز نمی کند مگر در صورتیکه حالت طبیعی واعضای آن اجازه بدهد .

انسان درحقیقت سیستمی است که تمام حصه های آن باهم دیگر مربوط ومحکم میباشند .

* * *

گویاعظمت علمی ، معنوی وسری انسان وابسته بخوبی انساج (تیسو) ها وموادعصبی آن است . وهر کدام ماذرهائت بوزانی یك تعداد مختلف سلول های مغزی داشته میباشیم . وازهمین سبب است که غیرمتساوی خلق شده ایم .

ولی اصلاح این غیربرابری وتربیه میبرت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 854 of 896

فنون واختراع

میکانیکي هوائي

مستر استرلی بارلو شخص انجنیر معروف امریکائی چنین اظهار دارد که اغلب اختراع مذکور جنگ مدهشی را تشکیل خواهد کرد و چه مخترع مذکور هم ازان مرعوب گردید اگر قضیهٔ مذکور به پایهٔ اثبات رسید به مسافت هزار میل نفوس چندین شهر را تماماً منهدم می‌سازد مالان لهٔ مذکور از مضمون باشند.

انشخاص تاپایك اندازهٔ ممكن است . یعني میشود که بذریعه تربیه جسم مغز انسان بسط داده شود ، تا بتواند به حیات تجدد امروزی بهتر توافقت بکند .

امروز ماشین کار عضلات را میکند . فلهذا توازن اعصاب بتفاوت عقل ، حس اخلاق ومعنویت ، به نسبت مسابقه خیز وانداخت ضرورتر ومفیدتر است .

ورزشي هاء راجع به تفوق عقلي وعلمي ومعنوي سیستم عصبي بیارزه نمیکنند بلی البته که وقت آن هم نیست که تمام توجه انسان به بسط وترمیمه قوهٔ بدني مصروف گردد .

ادم جدید امروز محتاج عضلات قوي نیست ، مگر باندازهٔ که عضلات مذکور جسم را متناسب ومتحمل بسازد . فلهذا اولتر شناختن مغز حتمی است ، زیرا هیچ چیز جانشین قوهٔ مخیله شده نه میتواند .

(ترجمه از جراید خارجي)

مستر بارلو نزد چهار نفر عضو مجلس اعیان امریکائی قرار آتی بیان نمود و آنها در محفلی داشتی مسئلهٔ عهد وپیمان بستند اینکه : —

توسط عوامل رادیو انفجار شدید ، ادوات احتراقیه وگاز های مهلك به منازل مطلوب سوق داده می شود امید است یك هیئت ایجاد بنده را با خود به جنوا برده اهمیت استهلاکی آنرا به احضار کنفرانس خلع سلاح پیش کنند .

مستر بارلو بلهجه عادی اظهار نمود هرگاه آله مذکور بتصرف حکومت یقوت باشد یك قافله سیاره بمیدان شهر را در ۲۴ ساعت تباه می کند صاف گفته میتوانم که اختراع من چه است ؟ بعد از سکوت چند ثانیه اظهار کرد که اینقدر ضرور خواهم گفت که درظرف چند دقیقه بعد از صدای طلی تسلسل سه هزار میل سیم تیلفون را تنگ خواهد کرد .

آله میکانیکی مذکور از اجتماع ۵۰۰۰ واحد مشمول وهر کدام فرد تام واحد موسوم هر فرد آن از ۲۰۰ پوند وزن انگلیسی مایع مهلك وانفجار آور را دارا میباشد پنج هزار نفر جهت عملیات آن بکار دارد اگرچه اجرا آت آن باصول بسیط وسهل است کارکنان آن اولاً در خط کم هستند وانهم خوف ندارند اصول استعمال آله خارج از گمان است . اکنون از مراتب تجربه گذشته عنقریب در حضار کونگره مظاهرهٔ آن باقیست — الخ

جنگ اروپا بانی ایجادات بم هاي طیاره وبم های تحت البحر شکن گردید . حالا خواهش دارم معامله محاربه را خاتمه بدهم ایجاد هذا برای آن کافی است ، بعوض ایجاد خود مکافات پول یا عزت نمیخواهم محض امنیت عالم مکافات کار من است .

تجارب سري انگلیس

مستر بارلو اظهار نمود که به تحلیل یك مسئله که حکومت دنیا در چند سال ماضیه تدقیق مینمودند موفق هدم ... اثنای جنگ اروپا یك دسته مخصوص طیاره شاهی را بدو نفر وظیفه برداشت بعنی تجارب انفجار آور یك محل معین فضا وفرو سوق داده شده وظیفه مذکور تحت سرپرستی داکتر ای ، ایم لو اجرا گردید — تا حال تحت نظارت سخت پوشیده است تا کنون توسط کاید شعاع کوتاه دور رس از فاصله بعید تحت نظارت رادیو اداره نموده وبصورت کامیابانه تجربه گردیده — بار استهلاکیهٔ را در طیاره بعمه هوا محصور نموده پرواز داده میشود هنوز هم مشکلات تخنیکی بی شمار است .

هشت یا ده مجری جهت کنترول رادیو بکار دارد هر مجری آن از علائم خارجی رادیو بالنسبه نظام رادیو لطایف خطرات مزید متصور است .

پروفیسر ای ، ایم در شب گذشته گفت که اگر یکمرتبه کنترول رادیو خطا شده طیاره از نظر مفقود گردد پس دو باره تحت اداره اوردن بالنسبه

به انظار مخترع غیر عملی بسیار پر زحمت است مذکوره مستر ارلو قدیمی است در حقیقت تعلیمات آن چیز عجیب است.

هرگاه نظام تسلسل یک هزار میدل در دست بیاید، پس از راه توسعه تسلسل خطرات اندیشناک تخلیکی کمتر پیدا می شود.

اطلاعات مفید

بعد از تحقیق معلوم شده که فاصله دور زمین (۲۵۰۰۰) میل است. طیاره انگلیس (سینهدر ترافیک) فی ساعت ۴۰۷،۵ میل در ۲ یوم روز موتر (بلوبرد) فی ساعت (۲۵۰،۹۶۸) میل در ۴ روز، او ۰ ای ۰ سی ۰ موتر بایسکل فی ساعت ۱۵۰،۷۲۹ میل در ۷ روز کشتی دارای ماشین موتر (مس انگلینه) فی ساعت ۱۱۰،۲۸ میل در ۹ نیم روز در راه آهن (جاپانی هم) در ساعت ۸۱،۲ میل در ۱۳ روز بدور زمین گردش خواهند کرد.

از قرار فی ساعت که رفتار هر کدام حسب فوق تحریر یافته بعد از مسابقه قیاس ساعت رفتار شان مشخص گردیده.

(از جرائد انگلیسی)

از : «دویجه الگمائیه سایتوانگ»

المان وفرانسه

قراریکه معروف است، فرانسه بصورت شرط تخفیف تسلیحات (در کنفرانس خلع سلاح) ضمانات «مصئونیت» خود را که عبارت از مصئون بودن از حمله المانی که در کله هر فرد فرانسوی جای گرفته است، طلب مینماید.

این مسئله قابل ایقان بوده و تصور هم شده نمی تواند که عسکر کوچک و خلع شده المان آنقدر قدرت داشته باشد که ماشین های عظیم و خطوط قلعه های جنگی فرانسه را خراب کند و با باچهار ملیون عسکر و قوای هوائی و ملت مسلح، فرانسه و اقوام و تشکیلات تعاونی (امریقائیها) و قوای بری و هوائی متحدین شرقی او مقابله کرده بتواند. و لا بد دیگر قوای مخفیه و مخوف المان کشف می گردید.

ادعای فرانسه راجع به «استعداد حربی» المان عبارت از اینست: که المان مقتدر است در حین جریان محاربه قوه حربی خود را نظر بوضعیت جغرافیائی، طول و موازنه سرحدات و وسعت مملکت و معادن و تشکیل اراضی مملکت و تناسب اهالی وضعیت اقتصادی و مواد خام مخصوصاً امکانات اکمال صنعت تسلیحاتی از تبانیات ارتباطیه قوای ملیاتی و غیره – ازدیاد نماید.

این ادعای فرانسه فکر غلطی میباشد زیرا تنها موجودیت «استعداد جنگ» در زمان صلح باعث تزئید قوا در حالت حرب شده نمی تواند. مگر در صورتی که استعداد مذکور تکمیل گردیده و در وقت درست تاثیر بخش گردد. مثلاً ۴ صد ملیون نفوس چین که «استعداد حربی» قوی گفته می شود بمقابل ۷۰ ملیون جاپانیها هیچ اهمیت نداشته و امروز استعداد نفوس چین نظر بنواقص قوای مدافعه فی الحقیقت حیرت است. و ازین رو اگر جنگ موجوده بمفاد جاپان تمام شود و در آتیه قراریکه چین عسکر خود را منظم تر هم نماید فائده برای چین نخواهد رسید.

روسیه در ۱۹۰۴ – ۱۹۰۵ در جنگ با جاپان با وجود «استعداد حربی» مغلوب گردید، زیرا میدان محاربه از مرکز خیلی دور بود و روسیه نتوانست از تمام قوای خود استفاده نماید.

اگر کارخانه جات و فابریکه ها قبل از آنکه برای تولیدات حربی آماده شوند، بواسطه تعرضات هوائی خراب گردند، تمام تولیدات دوغان و کارخانه آهن قیمت خود را بصورت «استعداد حربی» می بازند.

اگر در ابتدای محاربه طیارات بم انداز دشمن از طرف شرق و غرب وظیفه تجربه خود را ایفا نمایند و عساکر اجنبی با قوای فوق العاده از سرحد المان بگذرند پس حالا «استعداد حربی» که در المان کشف گردیده چه فایده خواهد رسانید؟

مقایسه قوای حربی فرانسه و المان

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 856 of 896

نتائج ذیل را نشان میدهد : فرانسه بهترین سرحدات را حائز بوده و سرحدات آن بصورت مستقیم است . طرف اسپانیا و ایطالیا کوه های بلند واقع است که اکثر دره های آن بدست فرانسه میباشد فرانسه از طرف سویس بی طرف و لوکسمبورگ و بلژیک محتاج به قلعه های جنگی نیست . یگانه سرحد جالب توجه سرحدات المان است و آنهم بواسطه سلسله قلعه های جنگی و مناطق تخلیه شده بطور کفاف محفوظ گفته میشود .

قشون بحری فرانسه ، علاوه بر بنادر نقاط تعاونی ، بیحرهای بزرگ وبحیره شمال وبحیره روم نیز ارتباط دارد .

سواحل فرانسه یك شکل محفوظی دارد که فرانسه را قطعاً از محصوریت تنگناه میدارد و بدرجه ترایش مفید ثبت میگردد ، که فرانسه میتواند بکمال اطمینان تمام قوای حربی خود را بر سرحد شرق جمع نماید ممالك مستعملکه ومستعمرات افریقائی آن خیلی قریب است ازین نقطه نظر فرانسه حتی نسبت به انگلستان هم غالب است .

اوضاع جغرافیائی ومناطق سرحدات المان برعکس آن است وضعیت مرکزی اوروپا لمان را همیشه در خوف انداخته است ، وهیچ یك از ممالك دنیا اینقدر همسایه ندارد . وقوای مدافعه ئی لمان باید بهرطرف باشان باشد . واگر بیك طرف قوای زیاد انداخته شود ، دیگر اطراف ضعیف میگردند . سرحدات طویل مملکت المان قطعاً غیر محفوظ است .

پای تخت فرانسه درمرکز واقع است وپایتخت المان امروز قریب بسرحدات ویك شهر سرحدی گفته میشود . سواحل المان خیلی باریك بوده وبه دو بحیره کوچك ارتباط دارد . ویك درب آزاد طرف بحرهای بزرگ دنیا قطعاً وجود ندارد چون المان در مرکز واقع است بسیار ممکن است که میدان جنگ گردد . وفرانسه ازروی شکل وساخت زمین آن ، خیلی بآسانی مرکز مدافعه میگردد فرانسه یك خط مربع را تشکیل میدهد و مطابق به سرحدات شرقی وشمال شرق دریاها جایهای بلند دور ازمرکز حدود های مدافعه ئی تشکیل میدهد بدون انکه سد وسایل از تباهیه گردد . ازین رو میتوانیم تمام فرانسه را بیك قلعه بزرگ جنگی تشبیه کنیم .

استفاده ئی که فرانسه از اتحاد با ممالك شرقی مثل پولیند وغیره میکند ، معلوم بوده وحاجت به توضیحات ندارد . المان که چیزی برای هدیه کردن ندارد خیلی مشکل است که طرفدار پیدا کند .

فرانسه ازمستعمرات خود ، نه تنها فائده های اقتصادی میگیرد ، بلکه قوه دفاعی خودرا نیز تزئید مینماید . در جنگ عمومی عساکر افریقائی نیم ملیون نفر بوده ونیز ۳ صد هزار کارگر کارهای ملکی را انجام مینمودند . وامروز سوم حصه عسکر فرانسه ازنفری سیاه میباشد وشاید در آتیه تعداد مذکور تزئید گردد .

المان اینطورنفری احتیاطی قطعی ندارد ازنقطه نظرسیاست حربی ۴۰ ملیون فرانسوی ها مقابل ۶۲ ملیون المانها میباشد ، زیرا فرانسوی درخارج سکونت اختیار کرده اند وامروزازاهالی مستعمرات شمرده میشوند ، واگر آنها نیز حساب شوند تعداد تبعهٔ فرانسه نسبت به المان خیلی زیاد است تنزل فاحش تولدات در المان قوه واستعداد حربی را کم میکند علاوتاً تقسیمات اهالی در المان مفید ثابت نه میشود . درحالیکه فرانسه ۱۷ شهر بزرگ صد صدهزار ساکنین دارد ، المان دارای ۵۰ شهر بزرگ میباشد که ازآنجمله ۴۰ شهر آن به ۱۵۰ کیلو متری سرحد واقع است .

فرانسه بواسطه اراضی حاصل خیز وهوای خوب خود نسبت به المان که زمین آن نسبتاً سنگ زار گفته میشود ، ارزاق زیاد بکار ندارد زیرا زمین آن فراوان ونفری کم است برعکس در المان نفری زیاد وزمین خیلی کم است . ازین جهت واردات ارزاق المان نسبت به فرانسه خیلی زیاد است .

صنعت تسلیحات فرانسه خیلی بیش تر از احتیاجات مملکت است ، چنانچه فابریکه شنایدر کروبس اوت ، امروز به تمام شرق حاکم است . واگر المان بخواهد صنایع خود را بصورت یك کار خانه حربی تبدیل دهد ، از روی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 857 of 896

مخارج امریکائیها ۱۲ الی ۲۰ ملیون بیکار دارد.

علاوتاً فرانسه موقعیت مهم او سائل وسائل را دارا بوده ریل های خوب دارد. و نیز تعداد موتر های آن نسبت به المان دو چند است فرانسه دارای راه های خوب از بحر اتلانتیک الی بحیره روم و دریای راین میباشد که در زمستان یخ بسته نه می کند و چون دریا هـای راین، دونار، الب، وادوور باساس معاهده ورسای بین الملل گردیده اند، المان از آنها استفاده کرده نه می تواند علاوه بر ثروت ملی قشون هوائی بزرگ‌ترین، استعداد حربی، فرانسه گفته می شود. در زیر خانه های بانک فرانس ۱۲ ملیارد طلاء موجود است!

اگر به همه این مسایل دقت نمائیم خواهیم دید که کدام مملکت بیش تر دارای استعداد حربی می باشد. لاکن اگر فرانسه میگوید که استعداد حربی المان خیلی زیاد است دیگر دلیل ندارد بجز اینکه یک بهانه ایست، تا از تعهد خلع سلاح آزاد گردد.

ترجمه از براوزتا کیبلت

تبدیل عصر

از پروفیسر ویکتور
و انکو وایکن وزیر
امور عامه رومانیه

تاریخ تجربه تصدیع موازنه محصول و صرف که درین سالهای آخیر واقع گردیده است، در هرجا دنیا بروز نموده است، همان تصادم موازنه باعث بیکاری زیاد و همچنین سبب تزلزل مالیات خصوصاً بانکها گردیده است.

بربادی اموال در زمان جنگ عمومی یکی از علل بزرگ تکامل بحران مذکوره میباشد این خرابیها و بربادیهای اموال انسانی برای وضعیت اقتصادی عمومی بدون تاثیر مانده نمیتوانست. درست است که ترمیمات اموال خراب شده مذکوره تایک اندازه برای صناعت حیات دوباره حاصل نموده. لاکن در عین زمان دول به قوه خود زیاد تر کوشش نموده خسته گردیدند و در پیشبرد ترمیمات خود ناکام ماندند که باعث ضعف مالی همان دول و اهالی آنها گردید.

علت دیگر حالت موجوده غیباً اهمیت دادن زیادقوه خرید است. کمبودی بعضی اشیا و اموال در جنگ عمومی مردم را گرسنه ساخته بود لهذا بعد ازان مردم بخرید اموال و اشیاء مذکوره دلچسپی پیدا کرده، قیمت اموال ترقی نموده بود

این مسئله سبب آن گردید که نسبت به اوقات قبل از جنگ بعدازان تولیدات فوق العاده بلند رفته سرمایه زیاد را اشغال کرد.

لاکن چون بعد از مدت کم احتیاج عادی ختم (پوشیده) شده بود و یا عادی شدن حیات همان دوره گرسنه گی رفع گردید، محصولات و مصنوعاتیکه از احتیاج زیاده بوده بفروش نمیرسید و حالا همان سرمایه اشغال شده استهلاک شده نمیتواند. نتایج آن تعطیل کارخانه جات تزئید بیکاری وسقوط بانکها میباشد.

هیچ مملکت ازین واقعات تجربه خود را نجات داده نتوانست. البته بعضی دول ازبار اقتصاد راسبتاً خوب برداشته توانستند و توانستند که مناسبات عادیرا بین داین و مدیون (مدیون و داین) مستقیم نگهداشته دارند لاکن دیگران مجبور گردیدند از اساس تادیات منظم منصرف گردند و یا خیال دارند در آینده صرف نظر نمایند. دول مذکوره میخواهند اصول جدیدیرا کشف نمایند، که قیمت مطالبات داین را بصورت صحیح تعیین نکنند.

این مسئله باعث فکر و توجه زیاد میگردد آیا تزلزلات اقتصادی و سیاسی جنگ عمومی در تاریخ اقتصادی دنیا باعث انقطاع دوام و یا تبدیل عصر گردیده میتواند؟ آیا لازم است که همان اساس اجتماعی و ترتیبات اقتصادی قبل ۱۹۱۴

قطعی تجدید گردد ؟ بنا بر احساس قدامت پسندانه و دلایل دیگر ، انسان این مسایل دفعتاً موافقت کرده نمیتواند .

با وجود آنهم تکامل ما را مجبور به تجدید اساس مذکوره مینماید ، زیرا جامعه متشکله به اساس موجودهٔ غیر محفوظ موجودیت خود را قایم کرده نمیتواند . عدم مصئونیت اساس مذکور اثبات مینماید که ما در یک دورهٔ جدید تاریخ تکامل داخل شده ایم که از ۱۹۱۴ بعد شروع گردیده است .

آیا علاقهٔ این عصر جدید تکامل مدنی چه خواهد بود ؟

سوال مذکور را جواب گفته نمیتوانیم یک تکاملیکه ممکن قرنها دوام کند نمیتوان تنها به اساس تجارب چند سالهٔ قضاوت کرده .

اینطور یک قضاوت به بعض حقیقتها و به بسیار موهومات تکیه خواهد کرد با وجود آنهم یک مقصد اصلی و مخصوص تکامل اجتماعی و اقتصادی ما به اساس تجاربیکه تا حال حاصل گردیده کشف گردیده میتواند .

حالت موجودهٔ اقتصادی بعض ممالک بزرگ شرق و اروپا همچنین تنزل اقتصادی و تکامل سریع تهدابهای عمارت جدید روسیه شورویه که یک تشکیلات فوق العادهٔ اقتصاد اجتماعی میباشد برای قضاوت مقصد اصلی مذکوره دلایل قیمتداری میدهد .

اولاً انسانیت معیار حیاتیه افراد را صورت دیگری میدهد ، زیرا میخواهد همان فرقیرا که در زمان گذشته در حیات انسانی وجود داشت ، حتی الامکان تخفیف دهد .

طبیعی است که در انتهای این تکامل در عین تقسیمات اموال (یک انسانیت فقیر معیار توسط حیاتیه یافته است) دولت نیز در تأثیرات طبیعی معیار خصوصی خود را تخفیف خواهد داد و احتیاج خود را با وسایل محدود شده خواهد پوشاند .

از روی این تکاملیکه طرف ابتدا لیت را اشغال کرده ، واز نهٔ مدقیقها بواسطهٔ یک سیاست معقول و با عزم مداخله ، میتوان مستقیم نگاه کرده شد . دولت بنابر تحفظ مناسبات طبیعی و لازمی اهالی بین همدیگر مجبور است مداخله نماید و برای همین مقصد در بین دول « اتحاد به دول » مداخله خواهد نمود .

در اثر ساده و آسان نمودن حیات این اصول مداخله نسبت به دول زراعتی در امور خارجی و داخلی دول صناعتی بدرجه زیاد اجرا خواهد گردید . بنابران یک دولت زراعتی مثل رومانیا در تکمل مطابقت به اساس جدید ، کمتر دچار تغیرات اجتماعی میباشد . چون خود را که اهالی یک ملک زراعتی بواسطهٔ وسایل شخصی مستقیماً محفوظ است کثرت خوف تزلزل اجتماعی محدود میباشد .

ازینجهت رومانیا بوشان است فرض خود را بوقت معینه اداً نماید . اگر رومانیا میخواهد موقعیت خود را نگاه دارد ، باید در سیاست اقتصادی آتیه خود خیلی با احتیاط پیشرود . بنا مقصد تخفیف حیاتی دولت اینست که احتیاج مملکت بکلی و یا حتی الوسع قطعی بواسطهٔ وسایل و محصولات شخصی خود پوشیده شود .

اخبار مهمه :

محاربه چین و جاپان

خاتمه یافت

۲۹ مارچ از شنگهای اطلاع مشعر است که قرار پیغام نامه نگار جاپانی عملیات خصومت کارانه ممالک فوق الذکر بمعرض سکوت آمده ، بأثر آن یک معاهده تامین گردید . اما مسئلهٔ معاد تخلیه از مناطق متصرفه و عقب نشینی افواج جاپانی هنوز تحت مذاکره است کانفرانس بتاریخ ۳۱ مارچ ثانی منعقد خواهد گردید .

(تریبون)

حمله بر فوجی

خبر تاریخ ۲۹ مارچ حاکی است که از ۱۵۰ الی ۳۰۰ نفر افغان بر یک چوکی فوجی زوب حمله آورده اند باوجودیکه به چوکی امداد رسیده شد لیکن از آتش صدمهٔ به چوکی رسید .

(مساوات)

(بقیه از صفحه ۱)

جلوی محل کار، ای گذاردن نهار جمعه ترتیبات گرفته شده بود آذان نهار جمعه گفته شد اعلیحضرت با حاضرین بالطرف حرکت نموده به ادای نماز مشغول شدند بعد از فراغ نماز اعلیحضرت وتمام مدعوین در سالون یک طعام های متنوعه ترتیب شده بود تشریف برده بصرف طعام مشغول شدند — در وسط صف اول ذات همایونی وجناب والا حضرت صدر اعظم صاحب بدو طرف شان مالکان وزارعین وفلاحین نشسته دیگر صفوف را باقی ذوات مدعوین تشکیل داده بودند.

در ضمن خوردن طعام ذات ملوکانه با زارعین وفلاحین بذکر از زراعت مصر واروپا و پیشرفت های مال زراعه واینکه تمام این ترقیات را تحت فقط علم ومعرفت و اتفاق واتحاد و سعی وعمل نائل شده است مصاحبه میفرمودند.

پس از صرف طعام بساعت یک ونیم ذات شاهانه از سالون کنفرانس خارج شده بطرفیکه موتر سواری شان ایستاده بود حرکت فرمودند.

ذات شاهانه بطرف موتر خودشان که تقریباً بیست متر دور بود در راه [illegible] اثنا جناب وزیر صاحب تجارت را مخاطب ساخته فرمودند:—

«وزیر صاحب امروز من خیلی خوش گذشت، این خوشی من دو جهت دارد اول سبب خوشی من همین است که حکومت و ملت را باهم متحد ومتفق و اهالی را شاد و خندان می بینم، دوم حسن نیت واجراآت شما»

وزیر صاحب تجارت تشکر نموده عرض کردند که این همه نتیجه حسن نیت وتوجه شهریاری ذات شاهانه است، ما تنها این قدر کرده ایم که فکر اعلیحضرت را تعقیب نموده ایم. سپس ذات همایونی با تمام حضار وداع کرده بموتر خود نشسته طرف کابل حرکت نمودند، از طرف نفری نظامی بادولتک مراسم تعظیم وسلام بجا آورده شد، جناب مستطاب صدر اعظم صاحب وجناب شوزا دو محمد طاهرخان وهیئت محترم کابینه باقی مدعوین واپس درمحل آمده مشغول صرف شیرینی ومصاحبه های آزادانه گردیدند، بساعت دونیم والاحضرت شهزاده ها، ذوات معیت شان نیز رهسپار کابل شدند، ساعت ۳ بعد از ظهر بود که والا حضرت صدراعظم صاحب باجناب سپه سالار غازی وزیر صاحب حربیه وباقی وزرای عظام نیز در موترهای مخصوص خود شان نشسته روانه کابل شدند.

اهالی که درین اراضی باهم بنا کرده نمودند عبارت از خوش گذشتن این روز وتکرار کردن کلمات همایونی بوده، ولهاسی [illegible] میلاد [illegible] خاتمه یافت.

اقتباس از جریده گلشن:

صحرانورد هوا پیما

مقایسه تمدن قدیم وجدید

دوره و عصری که ما در آن زندگانی میکنیم موسوم بعصر صحرا نوردی سریع (طی الارض) و هوا پیمائی است چنانکه می شنویم فلان طیاره سبعه الی چهار صد میل را در یک ساعت پرواز نموده و فلان اتومبیل فرسخ ها مسافت را طی نموده. اینگونه پیشرفت و ترقی وسایل نقلیه وارتباطیه بهترین ضامن تمدن و امتداد آن خواهد بود. تمدن قدیم فقط در چند نقطه از نقاط زمین منحصر بوده و اگر گاهی از طرف جماعت وحشی یا اقوام غیر متمدن بآنها تهاجمی میشد تمدن دنیا بکلی در اثر انقراض تمدن آن نقاط منقرض می گردید و همین علت بود که تمدن روم بواسطه هجوم ها [illegible] و از تمدن اسلامی و بغداد بواسطه تهاجم مغول وتاتار از بین رفت در هر دو صورت دنیا دچار ظلمات توحش گردیده و مدنیت منحط. آن که در روم و بغداد پا برجا بود دستخوش فنا شده و بواسطه زوال و اضمحلال تمدن آن دو آثار تمدن از تمام دنیا سپری گردید.

اما تمدن فعلی در تحت حمایت وسایط وارتباطات جدیده آنرا پایدار نموده در معنی دارای اساس متین وغیر قابل انهدام یافت چنانکه اگر فرضاً سیل توحش

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 860 of 896

در اروپا جاری شده وتمدن آنجا را از بین ببرد نظیر آن تمدن و آثار آنرا ما در امریکا وآسیا وغیره خواهیم داشت وهمین واسطه قطع دارم که خوف طغیان توحش بر تمدن حاضره چندان صورتی نداشته ونسبت بارتباطات و وسایل مدنیت کنونی دارای تاثیری نخواهد بود .

سابقاً قسمت های صحرا بزرگترین سد برای نزدیك بودن و آمد وشد نمودن بشر بایکدیگر بوده واز آنجا همواره بزرگترین خطر بتمدن ادوار سابقه بروز می کرد صحرا نشینان وسیله ارتزاق خود را جنگ وتاخت وتاز وتهاجم می دانستند ودر حواشی نواحی ممالك متمدنه زندگانی کرده از اختراعات ومصنوعات آنها استفاده می نمودند خصوصاً چیز هائی را که جز واسلحه وتجهیزات جنگی بود گرفته وبا آنها باقطار ونواحی ممالك همجوار تاخت وتاز می کردند و آنجا را نهب وغارت نموده آثار تمدن آنهارا محو ونابود می نمودند .

من جمله از این جماعت صحرا نشینان مردمی بودند که در صحرای غربی از مصر وسودان تا محیط اقیانوس اطلس زندگانی کرده وعده آنها در حدود چند ملیون نفر بود و آنها از نسل مردمی بودند که با ملوك جزیره اندلس جنگ وجدال کرده واسباب زحمت آنها می شدند واکنون هم در صحرا وحول وحوش نواحی مسکون شمال وجنوب افریقا زندگانی کرده وجزء بربری ها بشمار میروند

عبور ومسافرت از این قبیل صحرا از سخت ترین کارها بوده وبرای عابرین و مسافرین مبارزه باجان خود بوده وبا دو خطر بزرگ که یکی مردن از تشنگی وگم شدن و دیگری گرفتاری در دست وحشیان بوده همیشه مواجه میشدند سابق براین این مسافرت باقافله های سنگین انجام گرفته واهل قافله و هریك از افراد از دیگری مواظبت ویاسبانی میکردند قوافل مزبور باشترطی طریق کرده با این وضعیت موجبات روابط وآمدوشد بین آن نقاط خیلی کمتر بوقوع می انجامید .

حالا که ما متوجه قسمت افریقای غربی میشویم خواهیم دید که قسمت عمده آن تحت نفوذ فرانسه قرار گرفته و از این جهت عبور و مسافرت صحرا باوسایل حاضره بسهولت انجام میگرد

نواحی سواحل دریای مدیترانه در تحت نفوذ فرانسوی ها امنیت یافته وپیشرفت تجارتی پیدا کرده از شر دزدان وتهاجم وحشیان صحرا در امان است وتمدن فرانسه در آن نقاط کاملا حکمفرما است و اتومبیل های معمولی باسهولت صحرا را طی کرده بدون هیچگونه آسیب قطع مسافت مینمایند ولی کافی میشود که ترس راهزنان مسافر اتومبیل را وادار میکند که بادسته دیگری از اتومبیل ها حرکت کرده درراه پاسبان یکدیگر باشند و این دسته مسافرین در راه محتاج بقسمتی از لوازم ومایحتاج سفری میشدند

برای رفع این زحمت یکی از کارخانه جات مخصوص اتومبیل سازی فرانسه اخیرا اتومبیل خیلی ضخیم وبزرگی ساخته که حامل تمام مایحتاج مسافرین میشد ودارای امتیازاتی بود که جز مسافرین قطار راه آهن از آن استفاده نمینمودند اتومبیل مزبور دارای چهارطبقه وطول آن درحدود ۱۳۰ پا و بارتفاع ٤۲ پا و عرض ۲٦ پا بوده ومنظره کشتی های بزرگ بخار را از خود نشان می داد در این کشتی تخت خواب درجه اول ودوم بوده قسمت ناهار خوری و استعمال دخانیات وقدم زدن وغیره وجود دارد وموتور های آن هر یك دارای قوه ٤٥۰ اسب میباشد چرخهای آن مضرس (دندانه دار) بوده ومیتواند از تل ها وتپه ها بالا رفته ودر زمین هموار فرود آید بدون اینکه بر گردد زیرا دندان های چرخ بزمین گیر کرده ومانع از خطر آن میشود این کشتی بعد ها می تواند بقدر کفایت ۱۲۰۰ میل راه بنزین برداشته و ۱۵۰ مسافر را با ۲۰۰ تن مال التجاره ولوازم حمل ونقل بدهد وچون صحرا در روز خیلی گرم است وریگهای سوزان در اثر وزش باد از آن بلند میشود اطاق جلو را طوری قرار داده اند که هوا را خنك نموده ومسافرین از هر حیث راحت خواهد بود .

کشتی صحرائی مزبور بواسطه کثرت مسافرین برای دفاع مهیا بوده وبا داشتن دیوار های آهنین بدویان صحرا نمی توانند به آن هجوم نمایند وحد متوسط سرعت

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 861 of 896

آن ور هر ساعت ۶۰ میل بوده واتومبیل مزبور سفیر تمدن آتیه صحرا خواهد بود .

اما در قسمت طیران وهوا پیمائی و عبور از قیانوس اطلس لند برک اول کسی نیست که محیط مزبور را با طیاره پیموده باشد زیرا آلمان ها این محیط را در چند سال قبل عبور کرده ولی تفاوتی که هست آلمان ها با بالون ولند برک باطیاره اینکار را انجام داده اند - باینکه طیاره از بالون سریع السیر تر است افکار مکتشفین در صدد فایده تجارتی بر آمده که در آینده مسافات بعید را با بالون انجام دهند زیرا با لون ممکن است مقدارزیادی از مال التجاره را بار گیری کرده وتیز محلی و وسیع برای مسافرین داشته وبااطمینان تر از طیاره باشد

فرانسوی ها وامریکائیها مساعی خود را در تهیه کردن طیارات بخرج داده ولی انگلیس و المان بیشتر مقید بتدارك نوع مخصوص از بالون (زیلین) خواهند بود چنانکه انگلیس تا کنون چندین دستگاه بالون های عمده و بزرگ تدارك نموده طیارات و بالون پیکهای تمدن هستند که عنقریب تمام دنیا رابهم مربوط خواهند ساخت .

تبادله تلگرامات

تلگرام اعلیحضرت غازي بعنوان

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بمناسبت ورود سال نو !

ورود سال نورا با علیحضرت شما تبریك گفته [illegible] ارزو میکنم که سال خوشی برای ملت ایران بوده صحت وسعادت اعلیحضرت وملت نجیبهٔ ایران ضامن باد

تلگرام جوابیه اعلیحضرت رضاشاه

پهلوی بعنوان اعلیحضرت غازی !

اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه افغانستان ؛ کابل از تبریکات محبت آمیز آن اعلیحضرت کمال تشکر را داشته عدیه متقابلهرا اظهار میدارم .

(رضا شاه پهلوی)

تلگرام اعلیحضرت غازي بعنوان

اعلیحضرت فواد شاه مصر

بمناسبت روز تولدی آن اعلیحضرت خواهشات دوستانه واحساسات صمیمانه خودمان را برای سعادت وترقی اعلیحضرت وخوش بختی فامیل شاهی شان تجدید مینمائیم .

تلگرام جوابیه اعلیحضرت فواد

ممنونی اعلیحضرت هما یونی از نیات و تبریکاتی که اعلیحضرت شما در موقع سالگره من فرستاده بودید متاثرومتشکر شده متمنی ام آرزو های بهترینم را بپذیرید .

خبرهاي داخلي

مراحم اعلیحضرت غازي

ازانجا که حکومت متبوع ما میخواهند که خدمات افراد لایق و صمیمی این مملکت بهدر نه رفته درعرصهٔ مشهود گذاشته شود ، فلهذا درین روز ها از حضور مبارك فرمانی مبنی به تقدیر خدمت واظهار امتنان بعنوان ع ° ج آقای محمد گل خان وزیر داخله ورئیس تنظیمه قندهار شرف اصدار یافته است !

که ما با کمال خلوص وشکرانی از تقدیر حکومت وامتنان از خدمات بی آلایش جناب وزیر صاحب عیناً فرمان گهربار پادشاه محبوب خود مانرا افتخاراً بمنصهٔ اشاعه میگذاریم ، وچون آقای وزیر صاحب یکی ازرجال بر جسته وفرزند صالح وطن ومشاهیر عصری ملت افغان میباشد که قارئین کرام ما ایشانرا بخوبی می شناسند ؛ لهذا حاجت به توضیحات خدمات آن نداشته میباشیم چه حسن اخلاق و محبت شان به این خاك بهترین معرف شخص شان است .

سوادفرمان ملوکانه

« از اطلاعات موثوقیکه بحضورم واصل شده همچومستفاد ومشهودمي گردد که شما وظایف مرجوعهٔ خود تانرا تماماً از روي لیاقت و کفایت ، ودرعین زمان بکمال صداقت وجدیت سرانجام کرده دراجرا آت واقدامات خویش همیشه صلاح حکومت وخیرملت را ملحوظ ومراعات مینمائید وچنانچه معلوم

است و در پرتو حسن تدبیر و لیاقت خود هر عهده
متوجهٔ خود را تا این وقت بشرافت انتهائی
تکمیل نموده و در نتیجه خود را نزد حکومت
متبوعهٔ خود یک فرد وطنخواه صادق و یک
مامور بسیار جدی و لائق ثابت نموده اید » .

« حضور والایم که آمال آن فقط و فقط
وابسته به ترقی افغانستان و آسایش اهالی آن
می باشد شما را یک فرزند صالح وطن ، یک
مامور صادق حکومت ، یک فرد خیرخواه ملت
دانسته به تقدیر خدمات بی آلایش تان این
فرمان هذا را که محتوی بر شائیت
وخورسندی حضور ما از شما ، از خدمات شما می
باشد بنام تان اصدار میدارم ، و چون شما آمال
و آرزوی قلبی ما را تعقیب نموده در هر امر
برای حصول رضائیت حکومت متبوعهٔ خود
داخل سعی و عمل هستید ، از وجود مثل
شما فرد صحیح و لائق وطن تشکر نموده از
خداوند قدیر میخواهم که در حال و مآل
بمراتب او جمند و معزز نائل بوده وجود شما
برای وطن عزیز ما مایهٔ فخر و زیب صفحات
تاریخ باشد » .

(محل امضای ما یونی)

انصراف از بازخواست اموال متلوفه

از آنجا که ذات شاهانه آسایش و
رفاهیت ملت عزیز خود را نصب العین اساسی
خویش قرار داده اند درین تازگیها از
حضور همایونی شان فرمان بصدارت
عظمی صادر شده است که راجع به پول
نقد و اموال و اسلحه وغیره که در اثنای
انقلاب تلف شده و بقیه زمه دو از
استخباریه از اطلاعات موصوله مکشوف
می شود که در نزد بعضی اشخاص موجود
است بنابر رفاهیت و آسوده حالی افراد
ملت و نظر به عدم وقوع تکالیف بر آنها
ازین قبیل مطالبات صرف نظر کرده
با حدی از رعایا درین موضوع ... مو این
دو از حکومتی مزاحم و مزاحم نشوند
البته کسانی که موجب اسناد و معاملات
حسابیهٔ اصولاً مسئولیتی داشته باشند از ین
حکم مستثنا می باشند .

جمعیت حمایهٔ مساکین در قندهار

قراریکه جریده شریفه طلوع افغان
می نگارد یک جمعیت بنام جمعیت حمایه مساکین
تحت ریاست جناب سید محمد اکرم خان
رئیس قضاء منازعات تجارتی در شهر
قندهار تشکیل یافته و ذوات ذیل اعضا
موسسه خیریه مذکور میباشند .

۱ جناب سید میر احمد شاه خان
۲ « حاجی محمد یوسف خان
۳ « « ولی محمد خان مخلص
۴ « « گل محمد خان سرکاتب گمرک
۵ « عبد الشکور خان تاجر کاکری
۶ « ملا عبد الحسین خان
۷ « حاجی محمد عمر خان
۸ « « وفی محمد خان کاکری تاجر
۹ « سردار عبد الله خان
۱۰ « محمد اسمعیل خان فرملزائی
۱۱ « سید میر احمد خان فارسی
۱۲ « عبد الحکیم خان

علاوه بر ذوات فوق اهل هنود قندهار
هم درین جمعیت شامل میباشد و آقای
رئیس جمعیت و سید میر احمد شاه خان و
آقای مخلص و حاجی محمد یوسف خان برای
جمع آوری اعانه شروع نمودند و ذوات ذیل
به این موسسه خیریه اعانه داده اند
قرار ذیل است .

۱ جناب حاجی ذکریا خان ۵۰۰ افغانی
۲ « سید محمد اکرم خان ۲۰۰ افغانی
در هر سال
۳ « عطا محمد خان نورزائی ۵۰۰ افغانی
۴ « حاجی گل محمد خان سرکاتب گمرک
۲۰۰ افغانی در هر سال
۵ « حاجی عبد الشکور خان تاجر
۲۰۰ افغانی
۶ « سردار عبد الله خان ۱۱۰ افغانی
۷ « حاجی محمد عمر خان نورزائی
۱۰۰ افغانی
۸ « محمد عثمان خان نورزائی ۱۰۰ افغانی
۹ « محمد شریف خان مومن ۱۰۰ افغانی
۱۰ « عبد العلی خان ۲۰۰ افغانی
۱۱ « حاجی وفی محمد خان ۵۰ افغانی
۱۲ « امیر محمد خان تاجر ۵۰ افغانی
۱۳ « جان محمد خان هوتکی ۵۰ افغانی
۱۴ « عبد الودود خان تاجر ۵۰ افغانی
۱۵ « محمد انور خان نورزائی ۵۰ افغانی
۱۶ « عبد الله خان تاجر ۵۰ افغانی
۱۷ سید محمد خان آغا ۵۰ افغانی
۱۸ میرزا عبد الله خان هوتکی ۲۳ «

انیس در شمارهٔ ۴۵ ، ۱۵ حمل خویش
تحت عنوان (حوزل سرود) این موضوع
را نیز خاطر نشان کرده است که باز

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 863 of 896

توجه و کوشش آقایون تجار وسایر متمولین مرکزی یك موسسه خیریه از برای بینوایان ومساکین بیچاره وطن تاسیس کرده شود .

تمکن که آقایون مذکوره وکلای بلدی عرض وپیشنهاد این جریده ملی شانرا فراموش نکرده یك چاره اساسی برای بیچاره گان مذکور سنجیده باشند .

وما این حس نوع پروری برادران قدهای خود را انظار قدیمی تقدیر دیده از خدای متعال همیشه در همچه امورات که خیر وبهبودی عامه در آن متصور است کامیابی شانرا مسئلت مینمائیم .

محفل انعامات طلاب معارف

روز پنجشنبه ۱۸ حمل از ساعت ۲ ونیم الی ۵ بعد از ظهر یك محفل با شکوه بحضور اعلیحضرت غازی در سمت غربی باغ « رلکشا » مشتمل بر طلاب ومعلمین مدارس و باقی اشخاص معارف وعرفای مملکت منعقد گردید از طرف ذات شاهانه برای طلاب نمره اول دوم سوم انعامات وجوائز امتحان توزیع گردید .

محفل به تشریف آوردن اعلیحضرت شروع بازی والی بال بین تیم های مکتبین امانی و امانیه افتتاح شده و طرفین خیلی . هر یك برای مغلوب ساختن حریف کوشش می نمودند حقیقتاً این مسابقه تعلق به تماشا داشت وقتیکه بازی ختم شد اعلیحضرت طرفین را تحسین نموده به اسپورت های مفید تشویق فرمودند .

بعد از ختم والی بال وزیر صاحب معارف در ضمن راپورت مختصری که بحضور اعلیحضرت قرائت می نمود گفت « اعلیحضرت ودیگر حضار گرام معلوم است که در انقلاب از دست سقاوی هاهر شعبهٔ کار مملکت خساره کشیده ولی باندازه معارف هیچ یك از شعبات دولت تلف ومحو نگردیده بود کتب خانهٔ ملی که یکی از آثار پیش بها و ثروت عرفانی مملکت بشمار میرفت بی ورق آخر برباد غارت از خاطر من هیچگاه محو نخواهد شد که شهر بار غازی بروز اولین ورود خود بکابل مرا وکیل وزارت معارف تعین فرموده از چند هزار روپیهٔ که باخود داشتند دولت آنرا برای احیای دوبارهٔ معارف بدست من نهادند . سزاوار جای شکر است که بودجه معارف در سال ۱۳۱۰ یك مبلغ کافی بالغ گردیده است .

اعلیحضرت با نطق مفصل . وزیر صاحب معارف نطق ایراد فرمودند که مفادش اینست .

(معارف یك دستگاهیست که از آن انسان کامل وآدم صحیح بعمل می آید چون بدون وجود افراد وصحیح انسانهای کامل یك جامعه ومملکت بمدارج اعلای ترقی رسیده نمیتواند پس وظیفه حکومت ملی است که برای تهیهٔ لوازم این دستگاه ورونق کاری چرخهای آن مصارف لازمه راتحمل گردد) وباز طرف طلاب معارف متوجه شده ایراد فرمودند :

(شما باید بدروس وتعلیمات خود جدیانه مصروف وساعی باشید زیرا آتیهٔ مملکت بدست شماست امروز اگر چه طفل گفته می شوید ولی فردا مردها وزمام امور مملکت را بدست خواهید گرفت امروز چشم امید من وجامعه ملت طرف شما نگران است باید حیات خود را باندازه تزئین وتنظیف نمائید که امید من وجامعه بهدر نرود)

بعد از این ارشادیهٔ مختصر وجامع اعلیحضرت - طلاب معارف پیکرار سه بار :

(زنده باد اعلیحضرت معارف پرور ترقی خواه !!)

جواب داده پراگنده شدند .

بعد از تکمیل این حصهٔ رسمیات (گاردن پارتی) که از پیش تهیه دیده شده بود شروع شده . اعلیحضرت غازی با تمام اهالی معارف از قبیل اساتذه و متعلمین ومختصری از . . . ورزن ووزارت مشغول صرف چای وشیرینی شدند وروز بمسرت تمام باخر رسید .

رئیس قضیه منازعات تجاریه

آقای غلام حیدر خان خلف جناب سردار عبد القدوس خان صدر اعظم مرحوم بسمت رئیس قضیه منازعات تجاریه منظور و منصوب شده اند .

ازین ان عهدهٔ عالیهٔ آقای موصوف را تبریك گفته از خدای متعال برایشان توفیق می خواهد ، تادر امور آن ریاست نظم و انسق بهتری بدهند .

ترفیع در وزارت جلیله مالیه

اشخاص ذیل از طرف حکومت متبوعه بترفیع وتزئید معاش نائل شده اند :

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 864 of 896

(۱) ص محمد رضا خان مامور تحریرات ترفیعاً مدیر تحریرات

(۲) ص محمد حسین خان مامور اوراق ترفیعاً مدیر اوراق

(۳) ص محمد اسلم خان مامور محاسبه شعبه دوم وزارت ها مدیر شعبه مذکور

(۴) ص عبدالغفور خان مامور محاسبه شعبه اول وزارت ها مدیر شعبه مذکور

(۵) ص محمد حسن مامور محاسبه دوائر مستقل ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۶) ص محمد سرور خان مامور محاسبه ولایت کابل ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۷) ص میر امام الدینخان مامور محاسبه قندهار وهرات ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۸) ص محمد عثمان خان مامور محاسبه مزار وقطغن ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۹) ص عبد الرحیم خان مامور محاسبه مشرق ومیمنه ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۱۰) ص محمد هاشم خان مامور محاسبه مصارف ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

(۱۱) ص میر آقا خان مامور محاسبه جنوبی وفراه ترفیعاً مدیر شعبه مذکور

مقرري ها

ص میرزا نور احمد خان پسر حاجی میر احمد خان بماموریت مالیه لغمان ومحمد یعقوبخان بخزانه داری مزار شریف مقرر شده اند. اطلاع تازه حاکی است که ص میرزا محمد اسلم خان مامور محاسبه شعبه وزارتهای وزارت مالیه حسب پیشنهاد وزارت مالیه از حضور ع ع ج والاحضرت صدر اعظم صاحب بسر رشته داری حکومت اعلی میمنه مقرر گردیده است

اداره : به آقای موصوف که از جمله جوانان باخلاق است تبریك عهده جدید شان را گفته از خدای متعال برایشان توفیق خدمت با صداقت را میخواهد .

ص میرزا محمد شفیع خان مامور مالیه لهوگرد که درخواست تبدیلی خودرا نموده بود عوض او ص محمد سعیدخان مقرر گردید وهکذا ص گل محمد خان بماموریت مالیه خوست مقرر شده .

در وزارت داخله

سید غلام حسین خان علاقه دار تاله و برفك برطرف وعوض آن محمد اعظم خان مقرر وتعین گردید .

در وزارت تجارت

تاج محمدخان جبل السراجی بماموریت گمرك غوربند مقرر شده است

حاکم کوچي

ص ، ملك رحم دل خان عضو مجلس اعیان بحکومت درجه اول کوچی احمد زائی مقرر شد .

شایقین ترقي زراعت بخوانند

چون تعلیم زراعت برای وطن بسیار مفید بود وهم اکثر اهالی وطن عزیز ما زراعت کار میباشند ، بنابران حکومت متبوع ما وزارت معارف را مامور بر آن نموده که ترویج معلومات فنی زراعتی سعی نماید ، یك مکتب زراعت برای این کار در دار الامان بوده حال وزارت معارف مکتب را بقریب ده مزنگ بجوار دهقان خانه تحویل میدهد تا محصلین آن از هر جا بسهولت بمکتب رسیده تواند ، مر از امسال تسهیلات زیادی با بعضی امتیازات جهت شاگردان این مکتب تعیین شده است تا اشخاصی که ذوق شمولیت مکتب مذکور را دارند و نویسنده و خواننده باشند داخل مکتب مذکور گردند . ه

مکتب زراعت برای اشخاصیکه دران اخذ تعلیم مینمایند فوائد زیادی را دارا است و این فوائد ذیلاً تحریر میشود :

۱ – برای هر شخص فیماه سی افغانی نقد داده خواهند شد که برای خوراك و ضروریات خود صرف کنند .

۲ – کسانیکه خانه های شان دور میباشد اجازه دارند که در مکتب اوقات خود را بگذرانند و برای شان جای خواب داده می شود .

۳ – لفری مکتب زراعت بعد از فراغت تحصیل اینه زمین خود را بطریق فنی و خوب تر زرع نموده ازان بنسبت دیگر اشخاص زیاده تر حاصل میگیرند و مرض های غله جات و درختها را فهمیده رفع آن امراض را بطریق فنی می نمایند و تربیه حیوانات وانیز بخوبی دانسته طریق خوراك دادن و معالجه نمودن امراض حیوانات خود را خواهند دانست چون تربیه خانهٔ جدید حکومتی از نزدیك مکتب زراعت واقع است ، بنابران طلبا می توانند که در آنجا تربیهٔ عملی حیوانات را دانسته حاصلات حیوانات شان زیاده تر گردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 865 of 896

۴ ـ اشخاصیکه عاشق زراعت زمین هستند برای شان بعد از فراغ تحصیل یك اندازه زمین از طرف حکومت داده خواهد شد تا زراعت آنرا از قرار معلومات خویش نموده منافعه حاصل آنرا خود شان بگیرند .

۵ ـ طلبای مکتب زراعت بعد از سه سال تعلیم بشرط کامیابی از طرف حکومت بامورات زراعتی مقرر گردیده ماموریت های مناسبی را احراز خواهند کرد .

بنا بر صورت های فوق از اشخاص مردم شش کروهی وغیره امید میرود که بچه های خود را که نوشتن و خواندن را خوب بدانند داخل مکتب زراعت نمایند زیرا برای خود آنها فوائد زیادی دارد حکومت متبوعهٔ ما همه وقت طالب بهبودی و برتری ملت خویش میباشد لهذا به تمام حصص افغانستان خصوصاً زمین دارهای بزرگ توصیه می شود که اگر میل دارند و بتوانند ، فی المجلد اولاد شان آمده داخل مکتب زراعت شوند .

نمایش عسکری

روز (شنبه ۲۰ حمل) درمیدان طیاره نمایش بزرگی از تمام قطعات عسکری مرکز از قبیل پیاده ، سوار ، توپخانه تانك وغیره بعمل آمد این نمایش از هر حیث موجب مسرت و خورسندی دوستان وهوا خواهان این خطهٔ اسلامی بوده ترقیات شاندار عسکر افغانستان را خاطر نشان می نمود .

خبرهاي خارجي

خبر های تاس

چین و جاپان

مسکو اول اپریل

از شانگهای به قرار اخبارات روز نامه های خارجی ، اطلاع میدهند که تشکلات ضد جاپان عملیات خود را تجدید نموده و دکان های چینی ها در بعض از نواحی مسکونه ، بحیث های مقرر نموده شد . بکیتنگ ها به تجار اطلاع داده اند که اگر به مغازه های آن ها مال جاپانی یافت شود ، تمام مغازه ضبط خواهد گردید .

قرار اطلاع دوایر چینی ، این اطلاعات از منابع جاپانیها خارج میشود . چون مقصد جاپانیها اثبات بی گناهی بودن وضعیت خود شان در کنفرانس صلح و السداد بابیکاتی است که هر روزه برخلاف جاپانیها توسعه میبابد .

مسکو اول اپریل :

از شانگهای اطلاع میدهند که باوجود مذاکرات صلح ، در بین قشون چین وجاپان هر روزه مصادمات واقع میگردد ، مصادمه شدید در حوالی او تائیلین واقع شده است ، در آنجا جاپانیها بتوسط دشیدار ها برقشون چینی آتش شدید نمودند .

جاپانیها درلیوخ قشون جدید فرود آوردند در مذکرات جاپانیها اصرار دارند که قشون آن ها از خطوط جاپانی تنتز بانوان واو سون عقب تر نرود درعین زمان به دوایر رسمی چینی اشاره میرود که حکومت نانکین شرایط جاپان را قبول نموده است ولیدر های علحیده کومیتدان ها به پروتست های دیا کارانه خود برخلاف مطالبات جاپان مداومت دارند

مسکو ۲ اپریل

شانگهای اطلاع میدهند که باوجود اطلاعات وسیع خصوصاً نمایندگان مجمع ملل که موافقت درکنفرانس حاصل کرده خواهد شد ، تهیه عملیات نظامی طرفین یك پیمانه وسیعی جاری است .

ریاست ارکان حربیه اردوی ۱۹ به تشکیلات عمومی مراجعت نموده خواهش فوری ۴۴۰۰۰ .سک ند کار را برای اردوی خود نموده است .

مسکو ۲ اپریل : از شانگهای اطلاع میدهند که باوجود مذاکرات ، صلح ، قشون طرفین مشغول به استحکام وضعیت خود ها هستند ، بین دسته جات پیشدار طرفین در خطوط محاذ لیوحی ولیانسیان آتش باری جاریست ، قشون چین بطول نهر تسز یالی مجتمع گردیده مشغول تهیه استحکامات قوای می باشند قوای اصل اردوی ۱۹ به اطراف کرشان وقوای امدادیه به اطراف سوجرواد وسی موقع گرفته اند قشون جاپانی خطوط دوم استحکامات خود را که الی دسون امتداد دارد به اتمام میرساند .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 866 of 896

مسکو اول اپریل :

از مانچوری اطلاع میدهند ، که حکومت جدید مانچوری از سر عسکر جاپانی فرستادن ۲۰۰ نفر منصبداران جاپانی را برای تعلیم قشون مانچوری و هم چنین معلمین برای تعلیم پولیسهای مانچوری خواهش نموده است .

شرایط موافقه چین با جاپان

مسکو اول اپریل : قرار اطلاعات آخرین حکومت نانکین تفاق خود را در باب امضای موافقه با جاپان بشرایط ذیل ظاهر نموده است ، قشون چین الی عقد موافقه آینده ، در مواضع اشغال شده خود خواهند ماند . قشون جاپانی الی خط مسکونه که قبل از واقعه در آنجا بودند . عقب خواهند رفت . باوجود این بسبیکه تعداد قشون جاپانی بسیار زیاد اند و سکونت آنها در مواضع قدیم امکان ندارد . بعضی از حصص جاپانی در موضوع همسایه های همان موضع که به قوماندانیت قطعی جاپانیها داده شده است سکونت اختیار خواهند نمود . برای نظارت تعمیل شرایط مذکوره یک کمیسیون مختلفه از نمایندگان چین ، جاپان انگلستان متحده امریکای شمالی و فرانسه تشکیل خواهد گردید . حکومت چین اظهار میدارد که یک دسته پولیس تحت رهنمائی افسران خارجی تشکیل نموده خدمت پولیس را در یالت تخلیه شده به ایشان سپرده خواهد شد .

مسکو اول اپریل : از توکیو اطلاع میدهد که وزارت امور خارجه وضعیت کنفرانس شنگهای را یاس انگیز میداند زیرا وضعیت شنگهای و شهرهای دیگر چین مد پیشرفت مذاکرات با نمایندگان نانکین نمیگردد . حکومت مانچوری اعلان نموده که اداره عائدات نمک در مانچوری بتصرف حکومت مانچوری خواهد آمد (روتر ۲۶ الی ۲۸ مارچ).

انگلستان وایرلند

دبلین (پایتخت ایرلند) پر از اعلانات است که مراسم روز یکشنبه جشن شانزدهم سال جمهوریت را اشعار می کند . عسکر جمهوری ایرلند ، جمعیت های دیگری که در حکومت (کاسگراو) ممنوع قرار داده شده بودند برای مراسم مخصوص تهیه می بینند . اعلانات مذکور مردم را تحریص می نمایند که با امپراطوری برطانیا قطع علاقه نموده یک جمهوریت خالص ایرلند را اقامه نمایند . حکومت جمهوری مذکوره در طرف حوادث ممکنه جلب نموده است . مگر تاحال اقدامی در باب جلوگیری از تظاهرات ننموده است .

* * *

ماًمول است که امروز (یکشنبه) هزارها نفر متظاهرین در موقع مراسم سالیانه انقلاب ۱۹۱۶ در بین کوچه های شهر جهت اظهار احترام باشخاصیکه در هر دوره حیات های خود را جهت تائید استقلال ایرلند باخته اند بصورت نمایش گردش کنند .

دانسته شده است که متظاهرین به هیچ صورت از طرف عسکر ایرلند مزاحمتی نه بینند . حکومت فکر دارد اجازه بدهد که طرفداران جمهوری ایرلند دل خود را خالی کنند .

مظاهرین باخود اسلحه نخواهند داشت اگر داشته باشند هم بنابر روایات موافقت بر هزار رفقای خود فیر تفنگ نخواهند نمود .

خبر مابعد حاکی است که : موافقت نموده شده است که متظاهرین اسلحه نه میداشته باشند . ولی بجز این علامت قارقه هزارها نفری که در تمام جمعی اجتماع میورزند ازهمه جهات به غندها و کندک ها و تولی های عساکر نظامی مشابهت خواهند داشت که در تحت صاحب منصبهای صحیح با بیرق ها و علم ها و موزیقه نوازان گردش کنند . و فعلاً در بین بحران سیاسی خوف و هراس که بحیثیت افعال و وقوع حوادث در اثنای اجرای مراسم وجود داشت از مخیله ها برون رفته است گردش طرفداران جمهوریت در بین شهر بارامی و با نظم بعمل آمد و هزارها نفر جوانان در مظاهره حصه گرفتند دسته های موزیقه با ایشان همراه بود و ترانه انقلاب را می نواخت به غیر از سوال مددگار و عسکر جمهوری و جوانان دیگر کسی لباس رسمی در برنداشت و هیچ یک از اعضای حکومت در مظاهره حصه نگرفتند .

تذکار

ترجمه که تحت قشون واختراع در صفحه ۸ الی صفحه ۹ طبع شده بقلم آقای عبد الرشید خان محمدزائی است .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 867 of 896

از هر طرف

اهمیت چین در دنیای اقتصادی

– ۲ –

و تجارت خارجی آن تماماً بدست اجنبی ها بود : جهازات بحری ، طاقهای تجارتی ماورای بحری ، بانکها موسسات بیمه ، خطوط آهن ، معادن مهمه همه بدست خارجی ها بود . هیچ یك از جهازات بحری وجود نداشت و ندارد که بیرق چین را بدیگر حصص زمین ببرد چنانچه هونکونك که مستعمره انگلیس است بعد از نیویارك بزرگترین بندر دنیا و مرکز تجارت خارجی چین میباشد ، در سنه ۱۹۲۹ تقریباً ۱۵۰۰۰۰ جهاز هر رقم با ۳۵۴۰۰۰۰۰ تون وارد بندر مذکوره گردیدند در حالی که در نیویارك ۳۱۱۵۰۰۰۰ تون و ۲۳۶۱۱۰۰۰ در لندن ، ۲۲۴۲۶۰۰۰ تون در عبور گی وارد گردیده است .

واردات چین در ۱۹۳۰ بحساب تیل چینی بالغ بر (۹۴۱۰۸۴) هزار میباشد و صادرات آن در همین سال عبارت است (۶۵۷۵۶۹) هزار تیل (پول چینی) است . و معلوم است که صادرات چین بدون ابریشم و ابیهای معدنی اکثراً محصولات زراعتی میباشد .

تجارت خارجی چین خصوصاً واردات آن تا به ۱۸۹۰ تنها بدست انگلیس ها بوده و واسطه توربد هم جهازات انگلیسی بود . لاکن بعد از آن درین چهل سال اخیر قطعی تبدیل گردیده بعد از چند سال می شود که جاپان انگلستان را پس پا نموده .

احصائیه واردات چینی از ممالك خارجه در سال ۱۹۳۰ قرار ذیل است :

از المان – ۱۵۰ ملیون مارك
از انگلستان – ۱۲۹۴۶۱۶۳۳ پوند
از حکومات متحده امریکا ۱۱۲۳۳۷۸۰۰۰ دو لار
از جاپان – ۴ ر ۲۹۹ ملیون ین (پول جاپانی)
از بلژیك – ۲۵۱۳۱۶۰۰۰ فرانك
از فرانسه – ۱۹۱۶۰۰۰۰۰ فرانك

قسمت بزرگ سابق چین در اقتصاد تجارت دنیا و آینده آن در اقتصاد دنیا مهم تر است . زیرا ، توسعه صناعت مملکت به واسطه اقدامات شخصی و سرمایه چینی و دوائر حکومتی روز بروز در تزاید است و خاصیت تکامل مذکوره اینست که از طرف خود چینی ها اداره می شود .

در بندر و اطراف آن ، بهر جای کارخانجات صناعتی چینی ساخته شده است و در نظر گرفته و کوشش دارند که علاوه بر حوائج ضروریه مملکت در بازار های شرق و جنوب آسیا برای محصولات صناعتی خود خریدار پیدا کنند . و بدین وسیله واردات صناعتی خود را تنزال و صادرات را تزئید نمایند .

از ۲۵ سال باینطرف ترقیات شایانی راجع به صنعت پنبه (نساجی) در چین بعمل آمده است ، مثلاً :

در ۱۹۳۰ علاوه بر چهل و شش کار خانه های نساجی خارجه (۴۳ جاپانی و ۳ انگلیسی) دارای (۱۶۴۲۶۸۰) چرخه ، ۸۹ کارخانجات چینی با (۲۳۲۱۸۷۲) چرخه موجود بود که در ۱۹۲۹ تماماً (۲۲۵۶۴۲۲) بارنخ پنبه و ۱۴۷۷۹۵۲۸ بار تکه پنبة تولید نموده اند .

و از حکومت چینی توسعه اقتصادی چین را در پروگرام خود داخل کرده و توسعه خطوط آهن ، سرکها ، بنادر فابریکات و استخراج معادن و دیگر تزئینات اقتصادی را در نظر دارد . و درین هیچ شکی نیست که اگر چین از تشتتات و انقلابات داخلی فارغ گردد و امنیت و آرامی در مملکت حکم فرما شود ، چین خیلی ترقی خواهد نمود .

ترجمه از مجله « وخ » برلین :

(میر غلیان)

احصائیه

از سی و چار قرن باینطرف اگر بتاریخ دنیا نظر شود ، معلوم میگردد که حصه بزرگ آن به مناقشه ها و جنگ های متواتر گذشته است .

واین نظریه ایست که جمعیت قانون بین المال که مرکز آن در امتیازات امریك میباشد ، شایع نموده است .

طوریکه جمعیت مذکور بعد از تدقیقات وتتبعات زیاد میگوید ، ظاهر است که از مجموع ۳۴۲۱ سال ۳۱۵۲ سال آن

به منافقات وجنك صرف شده است . یعنی بعد از یك تفریق ساده معلوم میگردد که تنها ۲۶۸ سال آرامی وصلا حیدت در دنیا بوده . طبعاً این بسیار قلیل وضعیف است .

اگرچه از طرف ملل نسبت به صلح وامنیت قصوری نشده است ؛ زیرا ۸۰۰۰ معاهدات صلح مابین دول انعقاد یافته و هر کدام این معاهدات صلح دائمی بوده است ، ولی بدبختانه از همه آنها صرف نظر شده ، وهیچ وقت امنیت وصلح زیاد از دو سال دوام ننموده .

ضعیف وقوی

چینیها با وجود حمله مدهش وقوه عظیم ایشان ویورش تانکهای جاپانی در خانکهای مقاومت می نماید . تا وین چندی قبل جاپانی ها قریبه آنی مانم از چینی ها خواهش نموده بودند که باندازه ۳۰ کیلومتر از خاك موروثی وپدری خود ها عقب بروند . در حالیکه پنج کیلومتر هم برای تسکین خواهشات امپریالیستی اش کفایت می نمود .

وشجاعت ایشان داد عسکری می گردد .

تا چند روز قبل در نظر دنیا چینی ها مجسمه وحشت وبی نظمی و ژاپونیها دارای توپ های ثقیل ومیترالیوز وتفنگ های گوناگون انتظام وتمدن را جلوه میدادند . وحالا دیده می شود که به توپها ومیترالیوز های ژاپونیها چینی ها مقاومت نموده وجواب میدهند . وهمان اشخاص چینی ها را قبلاً بنظر تحقیر دیده وغیر منظم میدانستند ، امروز تقدیر می نماید .

زیرا ، همین چینی های که قوت واستقامت را نشان دادند ، مداخلت مجمع ملل را نیز امیتر علم نمودند . البته بعضی ها خواهند گفت که چون کسی از خود مدافعه کرده نتواند بدیگری توسل جسته خواهش کمك می نماید .

نی ! این چنین نیست . واقعات وضعیه ثبوت نموده ، که چینی ها مداخلت مجمع ملل را بنابر خوف خود نه طلبیدند ، بلکه ایشان بعدالت وداناتی شرکت معتقد بودند ، واین یك بند لمدن حقیقی بود که بجا دادند . (از جراید خارجه)

گدای متمول

یوزن — در (بریکسن) گدائی موسوم به (ح یتو یتو نیم یامه) که از اهالی (دین) بوده ومدتها در (بریکسن) به شغل گدائی اشتغال داشته اخیراً فوت نموده ومبلغ یك ملیون ونیم لیرا وجه نقد باقی گذاشته است .

این قضیه باین ترتیب آفتابی گردید که شارژ دفر چین مقیم روم هیئتی را برای تصرف ارث مزبور مامور (بریکسن) نموده .

گدای متوفی در وصیت نامه خود دولت چین را تنها وارث خود معرفی نموده ، وخصوصاً دستور داده است که دولت چین بایستی این مبلغ را برای پیشرفت نهضت خود برعلیه مطامع دول اروپائی بمصرف برساند . (اطلاعات)

چرا؟

از این جهت که ژاپونهای در مقابل خود دفعتاً خلاف توقف عسکر منظمی را یافتند ؛ نه راه گیر ها ودزد ها را . البته سوال خواهید کرد که در بین راه گیر وعسکر منظم چه فرق است ؟

فرق اینست که یك عسکر مغلوب راه گیر ودزد می شود ، وراه گیری که استقامت

مولف : ا. بلاتیه فرانسوی (۳۶) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژن

از فصل نوزدهم

(پدر و پسر)

کاترین ، آقای کونت من آیام سابقه را یاد نکردم برای اینکه تبریکات لا یقی بشنوم . . . درشالوی لوندل یك شب پیشتر از محاربه (ژ یاپ) بوده که من بلاتش درلا ولین را کمك نمودم تا از ظلم پدرش وآن ازدواج منحوس استجباری نجات یابد ، حالا مادموازل کجاست وچه شده است ، خبر کن ، بلاتش زن من است ،

کاترین ، بشنیدن این خبر خیلی ممنونم مرحمتی که امروز دارم همه از طفیل مربیه من است وخوش بختم که توانسته ام یك حصه زقرض خودم را ادا کنم . ولی بدبختانه بازهم تحت یك مستعین آمده ام .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 869 of 896

کسوت ؟ جون امیدی به او داده نمی توانست خاموش ماند کاترین • بیاد دارید که دو دفعه آخرین برای چه در خط حرب آمده بودم •

پیر گک • کاملاً بیاد ندارم •

کاترین • وقتیکه در دهم اگست به دکان من زخمی افتاده بودید یک وعده مشفق با ماد موازل بلانش بسته بودم •

پیر گک • آه ، یادم آمد ! وعده کرده بودید که طفل مارا در (ژیماپ) بمادرش برسانید ! نگاه ویدن این زخم کوشش نفر مائید . این زخم هیچ التیام پذیر نیست . از حال با من صحبت نفرمائید از پسر غریب مفقود شده ام یحتمل بمیان اینآورید • •

کاترین • برای اینکه از حال صحبت کنم باید از ماضی هم چیزی بگویم • •

پیر گک • طفل بیچاره ما اغلباً در زیر خرابه های مشتعل قصر لوندال ضایع گردیده خواهد بود ؟ پسر صورت زنده نیست • •

کاترین • اینرا چطور میفهمید •

پیر گک • این را از زبان لوکر باروِن لوندال منحوس (لیونارد) که در بستر مرگ افتاده بود شنیدم •

کاترین • ولی طفل از زیر خرابه های شما نجات یافته وهنوز زنده است •

پیر گک ! • خدای من ! آیا این حرف راست خواهد بود •

کاترین بطرف لاروبوك اشاره کرده گفت ! • من با این مرد دلیر او را از خرابه ها صحیح وسالم بدر آوردیم •

پیر گک ، که از خوشی میلرزید گفت • حال کجاست وچه می کند • •

کاترین • بزرگ شده ویك افسر جوان دلیر فرانسوی بقمر رسیده است وتمام مارا برخوددارد •

پیر گک • • در حالیکه نگاه متجسس خودش را بر روی کاترین دوخته بود یك نعره بلندی از خوف بر آورده خاموش ماند • •

کاترین : • • مسیو دو آبرگک آیا مگر شما دیده که پسر تان را بکلی از دست رود ؟ • •

قونسل از غم واندوه زیاد یك آه عمیقی بر آورده گفت • • بسیار بدبخت هستم پسرم را بعد از این قدر مدت بیك خارقه زنده یابم وباز خودم اورا بدست خود بکشتن بدهم • •

کاترین دست خودش را به دوش او نهاده گفت : • • هنوز هم وقت است باید او را نجات دهی • •

پیر گک ! • وچه می توانم بکنم ••

کاترین ! • • از قوماندان پروس برو بنام اه فیور مه نیرلیکه از اهادر اردوی فرانسه موجود است عوض هاز بوت پیشنهاد کن • •

پیر گک فائده متصور نیست ! ! حکم داده شده است وعلی الصباح بوقت فجر از کثرت قلق و اضطراب جمله آخرین جمله را ادا کرده نتوانست وخاموش ماند •

بعد از لحظه چندی مثلیکه فکر نجاتی بخاطر اوخطور کرده باشد قدری بخود آمده گفت • • بخیالم یك طریقه نجات برای اوپافتم ! امداد را من بحیث ژنرال قونسل آستریا بحمایه خود گیرم • •

کاترین • • یکنفر فرانسوی راچطوریکه آستریا ساحه می توانید • •

قونسل : • • بلی باید وظیفه خودش را ترك کنم . وملیت پدر خودش را که یك امر طبیعی است اختیار نماید • •

کاترین : • • از کامیابی این پلان تان نهایت منت هم دار هم بحیث یك پدر میتوانید این پلان را بیاز مائید • •

بعد ازین صحبت ویقین اینکه نیر گک بهر صورت باشد هاز بوت را از مرگ نجات خواهد داد کاترین با میرداقی برای خود ولاروبوك از گرفته بدون ضیاع وقت بطرف اردوگاه روانه شد ند زیرا زیاده ویزن در دارالخ معطل شدن علاوه براینکه بی فائده بود خطرات زیادی را دربر داشت • برسیدن اردو گاه را پر منفعل عادت خودش را به نه فیور تقدیم نموده از ذات اعضای هویت هاز بوت علو آورده خواهش نمود • وبار شال اطمینان داد که هاز بوت هیچگاه بیرق وطن اختیار یش را نخواهد گذاشت •

مارشال بافکار پیچیده درهم بکمال اضطراب قدم زدن شروع نمود وبعد از چند ثانیه دفعتاً ایستاده نعره زد : « انجنیر هاهرچه میخواهند بگویند من زاید این معامله منحوسه را انجام دهم اگر بخواهند به ایمپراطور هم شکایت کنند • ولی من باید او امر حسله را باید هم » این جمله را اتمام نموده کاترین را باغوش کشید گفت « زن من هیچگاه

پریشان مباش : برهاز بوت کسی شلیک کرده نخواهد توانست ! اودبوت و بمانداز ان را با خود دارم ؟ و براي اینها اگر زنده ماندم (دانزیغ) را امشب خواهم گرفت :

فصل بیستم •

استخلاص هاز بوت : —

در اثنا ئیکه قیو ن تهیه حمله را بردانزیغ میدید ، کونت دو بیرگ بطرف قصر نشیمن مارشال کال کروت بسرعت میشتافت ، برسیدن آنجا هویت افسر جوان فرانسوي را اظهار کرد و تسلیم فوري اورا بحیث یك تبعه آستریا مطالبه نمود .

درآن آوان پروسیا خواهان دلجوئي آستریا می بود ، اگرچه در اثناء محاربه متذ کره آستریا طرفي اختیار کرده بود ، باز هم پروشیا امید قوي داشت که براي مغلوب ساختن این عفریت کورسیکائي سرایزه اورا بکار خواهد داشت . موجودیت کونت دو بیرگ درشهر محصور دانزغ درچنین یك فرصت دلیل بزرگ این آرزو هاي دو ستانه بود .

مارشال کالکروت براي ممنون ساختن ایلچي استریا قبول نمود که امیر فرانسوی را بقونسل خانه استریا تسلیم نماید تادر آنجا الي فیصله وتحقیق دعواي تابعیت معطل بماند .

برسیدن قونسلخانه نیبرگ سوالات زیادی از هاز بوت راجع به ایام طفولیت او نموده خواست بفهمد که از والدین! حقیق خودش مذکوره دارد یانه ؟ جوابات مرد جوان همه صادقانه واطمینان بخش بوده ازجیات اردو حصه مختصری یاد او

بود و هرقدر می دانست که پسر خوانده یك والدین مهربانی بود که بنام ایشان موسوم ود ، زیر دیوار شان سر پناه داشت ، ولی حس می نمودکه در آغوش پدر ومادر حقیق خودش نمیبود .

جنرال قونسل احساسات خودش را ضبط کرده گفت « بشو اطمینان میدهم که والدینی که با آغوش شان احتیاج داشتی زنده وحاضرند ترا ببو سند آیا خواهش داری آنها را به بینی »

هاز بوت بلك لهجه متحیرانه ولی باکاه جواب داد « مشکل است که از خودم احساس محبت ودوستی نسبت بوالدینی که مرا در طفولیت ترك کرده ، هیچگاه خود شان را تجسس ویا معلوم کردن موجودیت من زحمت ندا ده اند ، توقع نمایم ! ولی ابزا میخواهم بجناب شما عرض کنم من را بکدام اشتیاق نجات داده اید ورنه من تعلق به این لباس استریائی ندارم ویك افسر فرانسوی میاینرا گفته ولباس جزوشم استریائی را بدور افکنده ، نیم تنه فرانسوی را ظاهر ساخت .

نیبرگ : « باید بر مادر وپدرت اعتراض بی جهت نکنی و قعائیکه تو از آن اطلاع نداری باعث ترك تجسس شان گردیده .... در حقیقت دلایل زیادی موجود است که آنها ترا مرده یقین می کردند و اندوه این واقعه صدمه‌های زیادی به آنها وارد کرده است ، امروز چون شنیدند تو هنوز درقید حیاتی بهمان لحظه شتافته ترا از پنجه مرگ یقین نجات دادند : مادرت در حالیکه از خوشي مرتعش است ترا میخواهد باغـوش بگیرد ! هاز بوت آیا

او بی قانده انتظار کند ومن از تو چون فرزندی رشیدی مایوس شوم .

افسر جوان به بسیار زحمت اشکهای خود را بشنیدن این الفاظ رتاثیر پدر خودش که تا حال مرد بیگانه تصور می نمود ، ضبط کرده در آغوش او در آمد وبکمال محبت فرزندی اورا بوسیده گفت : « پدر عزیزم امید میکنم ، بالفاظ نا مناسبی که پیشتر گفتم مرا مواخذه نفرمائید ! زود بگو ببینم مادر عزیزم را چه وقت دیده میتوانم »

نیبرگ که از خوشی میلرزید گفت « همیندم » ودست اورا کشیده باطاق کنتس برده ، کنتس نیبرگ که حکایه کاربن را از زبان شوهرش شنیده ، ود بکلی متیقن و مطمئن بود که این افسر فرانسوی هازبوت خود اوست و نتیجه استنطاق نیبرگ را باکال بی صبری منتظر ود بدیدن او سراپا مرتعش شده سرو رویش را به بوسه های مکرر نثار نمود

بعد لحظه که جوش بوس و کنار و معانقه ها فرونشست کونتس گفت فرزندم هنوز هم این لباس فرانسوی را دربر داری حال باید این یونیفورمه را از خود دور کنی .

جریدهٔ هفته وار

انیس

﴿ قیمت اشتراك ﴾

	١٢ آیلغی
اطراف وولایات داخله	١٤ «
طلبهٔ معارف	٧ «
در ممالك خارجه	٢٠ فرانك

(مطبعهٔ انیس)

(شماره ۴۸)

مجلد ٥

انیس

اداره : کابل جادهٔ ارگ
موئسس و صاحب امتیاز : محی الدین
مدیر محمد امین خوگیانی

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی
محصول پست ۲ «
خارجه ۲۰ شلنگ

۲ شنبه ٦ ثور ۱۳۱۰ | تاسیس ۱۳۰٦ | ۱۸ ذیحجه ۱۳٥۰

موافقت نامه

راجع به ارتباط پست فی مابین دولت پادشاهی افغانستان واتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه

که فی مابین مدیریت مستقله پست وتلگراف وتیلفون دولت پادشاهی افغانستان و کمیساریت ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه منعقد گردید

چندی قبل برای مذاکره از طرف کمیساریت ملی ارتباط حکومت اتحاد جماهیر شوروی ، برای عقد قرار داد پستی ، تلگرافی و رادیو تلگرافی ، بین مملکتین افغانستان و اتحاد جماهیر حضور بهم رسانیده بود . از طرف مدیریت مستقله حکومت متبوعه ما نیز هیئتی برای انعقاد این معامله تعیین یافته بود . انجمن‌های این قرار داد چندبار در وزارت جلیله خارجه انعقاد می‌یافت تا اینکه موافقه طرفین بعقد موافقه ذیل انجام یافت که ما برای اطلاع قارئین کرام بصفحهٔ اخبار میگذاریم :-

برای پیش رفت وترقی ارتباط پست فی مابین دولت علیه پادشاهی افغانستان و دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه، طرفین متعاهدین اشخاص ذیل را مقرر نمودند که مطابق به فقرهٔ دوم مادهٔ پنجم موافقت اتحاد پستی عموم دنیا منعقدهٔ لندن قرارداد هذا را امضاء بنمایند :-

مدیریت مستقله پست وتلگراف وتیلفون افغانستان - آقای رحیم الله خان مدیر مستقل پست وتلگراف وتیلفون .

کمیساریت ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه - آقای سر پرسکوف و . س کفیل مدیریت مجرائیه وپست کمیساریت ملی ارتباط - وخانم سرپراکو ا . ی . ف رئیس شعبه پست اداره بین المللی کمیساریت ملی ارتباط .

وکلای فوق الذکر طرفین بعد از ارائه مختارنامه های خود که صحیح و در ترتیب لازمه مرتب شناخته شدند بمفاد ذیل موافقت نمودند :-

« مادهٔ اول »

مابین دولت علیه پادشاهی افغانستان و دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه تبادله منظم وبلا واسطه مراسلات معمولی وراجستری امتعه مکاتیب ، پوست کارد ها کاغذ های وطابع (بایه دار) مطبوعات نمونه های مال التجارتی مستقر می گردد .

« مادهٔ دوم »

طرفین متعاهدین تعهد می نمایند که تمام انواع مراسلات را ترتیبی عقد کرده ماده

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 876 of 896

اول موافقت نامه هذا راجع از خاك مملكت طرفین متعاهدتین وجه وارده از ممالکی باشد که دولت علیه پادشاهی افغانستان یا دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه با آنها تبادله پست را دارا باشند ، از خاك خود عبور بدهند .

تحویل مراسلات پستی برای انتقال ترانزیتی مطابق مقررات فصل اول ماده اول نظامنامه اجرائیه ملحقه به معاهده اتحاد پستی عموم دنیا برای پسته های سرباز وباسر بسته می باشند .

(ماده سوم)

تبادله پسته طرفین متعاهدتین درنقاط سرحدی ذیل اجراء خواهد شد :- نقاط سرحدی در خاك دولت علیه پادشاهی افغانستان : - قره تپه ، وبته کیسر نقاط سرحدی درخاك دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه : - کشك شوروی وترمز .

(ماده چهارم)

حمل و نقل پوست ما بین نقاط مربوطه سرحدی تبادله پست مذکوره ماده سوم موافقت هذا ، از بته کیسر الی ترمز واز قره تپه الی کشك شوروی باوسایل ومصارف مقامات پستی دولت علیه پادشاهی افغانستان از ترمز الی بته کیسر و از کشك شوروی الی قره تپه باوسایل و مصارف مقامات پسته دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه اجرا خواهد شد .

(ماده پنجم)

تبادلهٔ مراسلات و هم چنین محاسبات متقابله طرفین متعاهدتین بر اساس مقررات معاهده اتحاد پستی عموم دنیا و نظامنامه اجرائیه آن که مربوط به تبادله مراسلات مذکوره و طرز اجرای محاسبات آن میباشند ، اجرا خواهد شد

(ماده ششم)

برای اجرای تصفیه محاسبات از ترانزیت مراسلات (۱ - برای مکاتب و پوست کارد ها ۲ . - برای کاغذ های وطابع مطبوعات لمونه های مال التجاره) که از خاك ممالك طرفین متعاهدتین عبور مینمایند اساسا مسافه های ذیل قبول می گردد :

الف : خاك دولت علیه پادشاهی افغانستان :

برای حساب پرداخت مبالغ ترانزیتی مراسلات که از خاك دولت علیه پادشاهی افغانستان عبور داده شوند ، مسافهٔ کمتر از ۲ هزار کیلومتر به حساب گرفته می شود .

ب : خاك دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه :

۱ - برای مراسلات به ایران ، ترکی چین غربی کمتر از ۳ هزار کیلو متر .

۲ - برای مراسلات به پولند ، لاتویه استونیه ، فنلاند ، زیاده از ۲ هزار کیلو متر ولی کمتر از ۶ هزار کیلو متر .

۳ - برای مراسلات به منگولیا زیاده از ۶ هزار کیلومتر ولی کمتر از ۹ هزار کیلو متر .

۴ - برای مراسلات به چین شرقی جاپان و ممالك ماوورای آن ها شرطیکه مراسلات از راه خاربین ، کوان چینتز فرستاده شوند زیاده از ۶ هزار کیلومتر ولی کمتر از ۹ هزار کیلومتر . اگر مراسلات از راه ، ولادی وستك ، فرستاده شوند ، زیادتر از ۹ هزار کیلومتر

ماده هفتم

دوایر پستی سرحدی طرفین متعاهدتین درمسایل راجع به استفسارو یا استحصال معلومات مکاتیب مفقوده و غیره وقایع متعلقه به تبادلهٔ پستی اداری شان حق مکاتبه بلا واسطه را با دوایر پستی سرحدی طرف مقابل خواهند داشت .

ماده هشتم

مکاتبه وطابق بین ادارات مرکزی طرفین متعاهدتین بزبان فرانسه و بین مقامات تبادلهٔ پست سرحدی بزبان فارسی و روسی اجرا خواهد شد .

ماده نهم

جوالهائیکه درآن ها مراسلات حمل و نقل می شوند باید مضبوط و سالم باشند وبایست اول به مملکت مرسل آن مسترد شوند .

ماده ده هم

محاسبات بین ادارات پستی طرفین متعاهدتین با فرانك طلائی ترتیب و سنجش شده و پرداخت آن بعد از هر ششماه درمعادل فرانك طلائی لازامی بکافی خواهد بود . (بقیه در صفحه ۹

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 877 of 896

اجمال اجرای مراسم عید سعید

اضحی در کابل

زینیات این عید نسبت به اعیاد سابق بسیار عالی ونظر ربا بود

چیزیکه زیاده تر بر مسرت اهالی می افزود همانا ملاحظهٔ عسکر نادرشاهی بود که بهتزاز پرچم های اسلامی وآواز موزیک نظامی وقیافه های جذاب شجاعت توام افراد عسکری هر بیننده را بهیجان آورده یک جهان فرح وامید می بخشید

ودرین اوان که عسکرها یکی بی دیگر در مسجد مشمول موقع گرفتن هستند

مامورین ملکی الی درجه روسا ومدیران عمومی وتا فرقه مشران از اراکین نظامی که قبلاً وزارت جلیله دربار برای صرف ناشتا وشرف شمولیت موکب رسمی تاعید گاه واز آنجا الی سرادخانه هدایت داده بود بساعت معینه درسالون مخصوصه قصر دلکشا اجتماع نمودند ونیز ازطرف وزارت دربار توسط وزارت جلیله خارجه بعموم هیئت سیاسی دول معظمه مقیم کابل اطلاع داده شده بود که قرار اصول جاریه اعیادسابقه پیش از نماز عید بحضور اعلیحضرت جهت انجام مراسم عید مذهبی افغانستان حضور بهم رسانند لذا عموم هیئت سفرا وارد قصر شده بشرف ملاقات اعلیحضرت همایونی واصل وشیخ السفرا خطابه ذیل را ازطرف خود وهم قطاران محترم خویش قرائت نمود .

نطق شیخ السفرا بحضور شهریار افغانستان

اعلیحضرتا !

شرف دارم که امروز بحضور اعلیحضرت شما ، وهم ملت افغان ؛ تبریکات صمیمانهٔ همقطاران محترم وهمچنان از شخص خودم را بتقریب عید سعید اضحی تقدیم دارم .

دراین روز ، سعادت وتعالی افغانستان را خواسته اجازه می خواهم که بحضور اعلیحضرت شما آرزو های صمیمی خود مانرا برای صحت وسلامت اعلیحضرت که بنا بر کار های عالی شان وهم بهبود ملت افغانستان ضروری وحتمی است ، تقدیم دارم .

نطق جوابیه اعلیحضرت پادشاه افغانستان

« جناب شیخ السفرا ! »

« از تبریکات صمیمانه واحساسات خالصانهٔ شما وهمقطاران محترم شما اظهار ممنونیت می نمایم » .

« امید دارم که جناب شما وهمقطاران محترم تان درمملکت عزیزما بخوشی ومسرت زیست نمائید » .

بعد از تبادله این نطقهای وترخیص هیئت سفرا ازحضور وفراغ مامورین ملکی ونظامی ازصرف ناشتا موکب همایونی جاده پیمائی صوب عیدگاه گردیدند .

قراریکه مشاهده شد در مقدم موتر همایونی یک قطعه ازسواران مخصوصه گارد شاهی ویک فیل که درحوضه آن امام حضور نشیمن داشت درحرکت وبا موتر مخصوص اعلیحضرت یاورهای حضور بسواری اسپ وعقب موتر یک قطعه ازسواران باعلم مبارک بودند وعقب این موتر نمبر۲ ویک قطعه سوار وبعد آن موتر نمبر۳ ونمبر۴ بهمین ترتیب منظم که هر بیننده را یک عالم فرح وانبساط می بخشید بصحن عیدگاه توصل و ذات همایونی پیاده شده برای چند دقیقه در بارگاه که برای دروازه مسجد نصب شده بود جهة وصول سائرین توقف فرمودند بعد ازینکه عموم مامورین رسیدند ذات شاهانه از بارگاه بداخل عیدگاه حرکت فرمودند وبمجرد وصول بقرب قلب صفوف عسکری حسب فرمانده ع ، ج اعلیشان والاحضرت سپه سالار سردار شاه محمود خان غازی وزیر امورحرب که بعسکر اعطا شده مراسم تعظیم بجا ودرهر دقیقه موزیک نوبه « عمر دراز باد پادشاه » « سلامی » رساندند .

پس ازختم مراسم تعظیم وبعد ازفراغ نماز وقرائت خطبه که ازطرف خطیب ایراد شد ذات شاهانه قیام فرموده باحضار مصافحه فرموده سرورمی عموم مردمانی که بشرف دست بوسی شان نائل می شدند می بوسیدند .

گرچه نماز وخطبه بساعت ۱۰ نیم ختم شد ولی این مصافحه و ابذال عواطف شاهانه الی ۱۱ دوام کرد وذات شاهانه دروقت خروج باعموم بیکات مختصر و جامع عید مبارکی

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 878 of 896

کرده وازطرف عسکر دوباره قرار قوماندانه عالیجاه وزیر صاحب حربیه فاتح مراسم تعظیم ادا کردید و دروقت اعلیحضرت بوزیر صاحب حربیه امر دادند که میخواهیم با فرزندان عسکری ام عید مبارک کرده سر و روی شان را با غوش شفقت خود بگیرم امر دهید تا از هر فرقه و صنف یك یکنفر وکیل شان حاضر شوند ، این امر فوری اطاعت و از هر فرقه یك یکنفر حاضر و پس از دست بوسی قوماندان معظم خود مهذبانه مرخص می شدند .

بعد از فراغ این عید مبارک تکراراً به همان خرگاه تشریف برده بعد از چند دقیقه موکب همایونی دخل اول بسلامخانه عودت فرمودند .

بعد از مواصلت اعلیحضرت بمنزل مخصوص سلامخانه و احضاریت عموم مدعوین ساعت ۱۱ بجه اعلیحضرت وارد سلامخانه شده پس از ملاطفت و مهربانی که باحضار فرمودند بر فراز تخت رفته خطابه ذیل را ایراد فرمودند .

نطق تبریکیه ذات شاهانه

«هموطنانم»

اولاً خدای متعال جل شانه را سپاس بگوئیم و بروح صاحب شریعت درود و ثنا میفرستیم که ما را جزء مومنان و امت قاهره گردانیده است . این عید بزرگ هدیهٔ کبرای ذات اقدس الهی و یادگار قربانی ابراهیم خلیل است که فرزند عزیزش را برای مصالح ملی و اجتماعی قربان کرده و در شریعت اسلامی مقام بلندی را حائز شده است ، مسلمین جهان یادگار همان قربانی پیغمبر محترم این روز مبارك قربانی میکنند ، اجتماع و محبت می نمایند و در همین روز مسلمین از تمام ممالك در مرکز توحید یعنی مکهٔ معظمه باهم جمع آمده بامر خدای متعال بقربانی و ادای مناسك حج و احکام دینی و ابراز عواطف اسلامی می پردازند .

« خدای توانا را شاکرم که برای من و حکومت ملی توفیق عنایت نمود که یك نمایندهٔ افغانستان یعنی وزیر دربار را جهت ادای فریضهٔ حج و تعمیر یك حاجی خانه در آن جا ارسال دارد عمارت مذکور نه فقط اسباب راحت حجاج ما را تأمین نماید ، بلکه برای همیشه نام وطن ما را در آن خاك مقدس نمایندگی می کند .

« فی الحقیقه امروز بزرگترین روزیست که وسایل ارتباط و تشبثات مناسبات بین مسلمین هرناحیه در آن خاك پاك فراهم و آنها را به محبت و اطلاع از حال همدیگر دعوت می نماید امروز حجاج با نماینده های ممالك اسلامی در آن سرزمین مقدس یادی از جلال و عظمت گذشتهٔ اسلام خواهند نمود ، و بیاد خواهند آورد که قرآن عظیم الشان الهی برای رهنمائی و سعادت بشر در آن خاك پاك نازل شده است . »

« امروز ما نیز باید بشیوهٔ خود پای از این مفاخر گذشته کرده و فکری بوظیفه و تکالیف موجوده و آیندهٔ خود بنمائیم عروج ممالك اسلامی خصوصاً افغانستان دوقرن (۵ و ۶) اسلام معلوم و شواهد و آثار برجستهٔ آن تا اکنون در همه اقطار مملکت موجود، و ترقیات گذشتهٔ ما در هر امری از حقایق مسلمه و جزء مفاخر تاریخی ما می باشد ، والبته کسانیکه بتاریخ حیات اقوام گذشته بصیرت و آشنائی دارند اعتراف خواهند کرد که آن عظمت و ترقیات ما در اثر پابندی باحکام قرآنی بوده و هر فرد مسلمان عقلاً و وجداناً خود را مکلف بتاسی احکام قرآنی میدانسته است ، قرآن عظیم الشان قبول تعلیم و تربیه ، اتحاد و اتفاق و مصالح اجتماعی بشر را که از اسرار بزرگ ترقی و تعالی ملل متمدنهٔ امروزهٔ جهان محسوب می شود ، قبلاً امر و تاکید فرموده است ، و بهمین جهت هنگامیکه اسلاف مرحوم ما این اصول بزرگ واساسی را پابندی و اعتناد می نمودند ، ترقیات و افتخارات بزرگ را نایل و به خوش بختی و راحت زیستند ، و بشرافت و بیداری و نام نیك از جهان رحلت فرمودند ، و از همان وقتیکه اخلاف آنها نسبت بآن اصول مقدسه غفلت و بی اعتنائی را شعار خویش ساختند دچار ذلت و انحطاط شدند ضعف و تشتت امروزهٔ مسلمین نتیجهٔ همان اهمال و بی اعتنائی باصولات مقدسهٔ دینی است . »

« بنابر علاقهٔ قلبی که بترقی وطن عزیز دارم از تذکار خاطره های گذشته عظمت و ترقی قوم و وطنم خود داری نتوانسته و ضمناً میخواهم باین تذکارات

(بقیه در صفحه ۱۲)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 879 of 896

نهضت شرق برای

مقاومه غرب

ملل آسیا حریت و مجد خود را می خواهد اعاده نمایند

(هربرت آدامز جیبونز) محرر مشهور امریکا که در اطراف آسیا سیاحت و با اقوام شرق اختلاط نموده در دو سال اخیر احوال آنان را تحت مداقه آورده اثراتیکه ازین سیاحت بدل او مؤثر افتاده در یک مقاله صدق و تقریبکه از روی آن نهضت شرق خصوصاً ملل آسیا استدلال میشود به منصهٔ اشاعه گذاشته.

ژاپون به تحکیم اتحاد سیاستی که در جزء و مخصوص عالم جدید پرداخته و اجرا آن جاپان در منچوری و اولین قدمیست که برای زوال سلطه اروپا بر آسیا برداشته است. در منطقه دیگر آسیا میبینیم که آلدی را در راه تمدن سیادت اقوام سفید مصروف مجادله بار ها میبینیم — ما امریکائیها در جزیره (فلپائن) در خلاصی از سلطه غرب این جزیره را داده ایم با یکه عمل ارشم ما به اهالی این جزیره داده کرده ایم انظام حکومتی را که مبنی بر حریت است این قلق و اضطراب در شرق و اهل شرق که تقریباً نیمه از ابنا بشر اند حکم فرما است.

پس از [illegible] و [illegible] تا استانبول و در جزایر (فلپائن) در تضامن اقوام مغلوب ملت و ارتیاب تفاق کرده و این تضامن و اعتماد و کامیاب ترین وسیله برای مقابله شرق و نزول سیادت بر شرقیها بوده است.

اما از وقتیکه در روسیه انقلاب بالشویزم تولید گردید پیش آمد آن تضامن و اعتماد را پراگنده و سخت پراگنده نموده که اقوام سفید دیگر آنها را از قطار خود خارج نمودند.

و همچنان از روزیکه معاهده ورسای انعقاد گرفت و آلمانها را بدست برداری از امتیازاتش که در چین و سیام داشت مجبور ساخت و اتباعش را در فصل محاکمات نزد محاکم اهل ممالک مذکور گذاشت قبل ازین (جاپان) برضد آلمان در شرق شرارت و یغما کند و گرده فضائح و افعالیه حشمت را بالنسبت میدادند و دولت شرق قانون ها عطا کرد به مناطق قتال جنگ عالمگیر بالمقابل که از جانب بعضی اقوام سفید مساواتاً گرفته بودند (کذا) حضار نمودند تا با اقوام سفید در آویزند.

عجب نیست که بعد ازین اعتماد شرق ها از تضامنات بین الاقوامی برداشته شد وقتیکه سقوط مزدوران اکثر ممالک غرب و افلاس عده از بانکهای شان و کنگ جنگی زمانهای شان دیده شد معضله های قوی به نظامات اقتصادی بین الاقوامی شان علاوه بر آن الحق یافت.

از آغاز قرن بیستم میلادی تا امروز احوال ملل آسیا دگرگون گشته.

سی سال است که ملت جاپان شروع نموده برفع آن اوقصیکه از طرف دول غربی پنجاه سال قبل در کاستن سیادت او عاید گردیده بود جاپان قوه حربیه خود را با یکی از دول غربی (روسیه) آزمایش داده سراپا کامیاب گردیده قبلاً در نفس براعظم آسیا مستعمرات نداشت اما هنوز تا جزیره فارموز و تا مناطق ممالکش امتداد یافته و حاضراً جاپان یکی از دول عظمی بشمار میرود در قوه حربی خود در دول دنیا مقام ثالثی را احراز نموده. در بحر محیط شرق آسیا دسته جهازاتش سیادت می نمایند و به مستعمراتش کیاتشا و منضم گردیده [illegible] و دول [illegible] تسلیم کرده اند در جزء مستعملکاتش بجانب جنوب به خط استوا وصل شده.

همچنان در قرن نوزدهم میلادی مملکت چین در سایر تقسیمات بین المللی حاوی بوده اما بواسطه معاهده بوکسر [illegible] قشون اجنبی در پایتخت چین برایشان تسلیم کرده شده بود و از دورهای جمهوریت دوره سوم جمهوریت چین حاضر آغاز میگردد و اتیکه به تقریب تشکیل حکومت مرکزی جنگهای داخلی خاتمه شده اند و اقرار نمود نخواهیم کرد که چین با این همه دولید علاقت خویش با دول یک پیشرفت سریع و اصحیح را حائز شده و ملاک قرار دادی دول با ایشان معاهد کرده شدند و حق استقلال وی در تعرفه های گمرکی اعتراف نمودند و با [illegible] تا سایر امتیازات اجنبی را نیز لغو ساختند.

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 880 of 896

فی الوقت فرانسه در جنوب شرقی به
مستملکه های شان توفق نموده و بریطانیا
در ملایا همچنان رفتار کرد .
و سیام از آن اشیائیکه به سیادت شان
معاوده میکرد نجات یافت اگرچه مساحت
آن از ماقبل تقلیل یافته بود و سائر مناطق هند
برطانوی و هند هولاند از انتظام نیابتی
تمتع گرفته می رود و وزرای هند از مجلس
بر آمده بسوی لندن عازم شده در آنجا
وزرا شاهی استقبال شان را نموده اند بعد از
مذاکره شان به خلاف وزری قانون به
معاودت مجلس راضی شدند .
افغانستان قبل از سی سال آماجگاه انظار
انگلیس و ایران میدان منازعات روس
وانگلیس ، و سرزمین عرب تحت سیادت
عثمانی ها (اما از بعضی جهات تحت سلطه
اروپا) بود .
امروز تمام این بلاد تقریباً دارای
استقلال تامه می باشند و همچنان مناطق
آسیاء وسطی در زمان حکومت تزاری
شخصیت خودرا ازدست داده بود امروز
در جمهوریت سویت دارای عضویت است .
به اینکه تغیرات عظیمه موجوده که دل و تقدم
اند ملل آسیا را راضی ساخته بلکه آسیا را به
اضطراب وقلق آورده گویا تقدم سریع
آنها را به بی اطمینانی تزئید بخشیده
خصوصاً این امر ناراضی عمومی را در
سائر مناطق باعث نگردیده خاصتاً
اعتنا شانیکه جلوگیری از تعدد لا قحار

متصور نیست مگر قوه عساکریکه تحت
قیادت افسران اروپائی باشند .
و لهذا تنها این امر سر عناد ملل شرقی را فرزندان
شعوب سفید هست ، این عصبیت که زوال
نخواهد شد حتی از کسانیکه بقسم سیاحت
ازین بلاد درگذشت باشند .
آیا (اصل اساسی) درین نهضت تساهل
اروپائی ها یا شرقی ها است که بعضی
حقوق و امتیازاتی را که ایشان روا داشته
اند حرص ایشان را شوروداده طمع ملل شرقی
را به هیجان آورده که لا ینقطع در طلب
افزایش اند و یا ما شرقی ها در قلوب
شرقی ها ضعف خودرا نموده ساخته
ایم . متلبکه ولنتون چرچل می گوید .
یا اینکه ژاپون و سویت در آب گل
آلود شکار می کنند بغرض تفاوت بر
امریکا و اروپا .
تمام این سوالات اینجا با جواب می
شوند لیکن با این همه به مقر مسئله
نمی رسیم .
همچنان امکان می رود که این اضطراب
منسوب گردد بسوی تقدمات وطنی که
در وقت شکست دادن جاپان در مکدن
روسیه در آسیا بروز نموده پس از آن
وقتی مشتعل شد که رئیس ویلسن ۱۴ نقطه
را در طول و عرض دنیا نشر نمود .
غیر از اینکه این ابزار اسباب ثانوی است
چه شرقیها از آن قبیل نبودند که وزش
هوای مخالف حریت وادر سیاست اروپائی
ها نمی دانستند .
الحق که بازگشت تقریر از سال ۱۹۱۴
الی ۱۹۱۸ است .

حق اینست که برای قلق و
اضطرابیکه امروز شرق را سیادت می
بخشد اسباب اقتصادی و مدنی است
مشرق ها را مکلف ساختیم تا افکار و نظام
صنعتی و ثروتی و تجارتی ما را اتخاذ نمایند
در حالیکه آنها این نظام و افکار
را به طیب خاطر قبول نمی نمودند نظام
اقتصادی ما تنها در جاپان اصلاحات نموده
همین جاپان است که در مدنیت اروپا
تنها اورا پیرو می بینید لیکن بدون اینکه
سیادت تنفیذی اروپا برا و شان باشد جاپان
این نظام را بلا تکلیف از طرف اروپائی
ها در وطن خود تطبیق داد
لیکن به استثناً ژاپون در اقطار آسیا
اقوام را معناً به قبول معاهدات
(مودت و تجارت) و ضمناً برای سلطه و
نفوذ خود از جهت امتیازات و امتداد
خطوط آهن و شوارع عمومی تکلیف
دادیم .
و ما استدلال میکردیم بر اینکه ترقیات
آسیا بما معلوم نبود مگر به این وسائل
با اینکه شرقی ها جواباً بگویند که
ما ذاتاً فکر نمودیم و میل کردیم
حالانکه این منافع مادی را که ما بایشان
داده ایم از ما خواهش نه نموده بودند
مثلیکه دیپلومات و کمیسون های تربیتی و رجال
بانک ها و نماینده های تجار متقابلین جوهر
مسئله که می باید سوکواری کنیم آن را
این است که مدنیت قدیم شرق ها به
تمام معانی ضد مدنیت مادی غربی ما است
پس شرقیها دارای غرض و مقاصد

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 881 of 896

ويك فلسفه حيّق مى باشند كه سراپا باعمال ما مخالفت دارد ،

شرق نفس خود را مى گويد : كه آهسته رو ، مگير ، مگر اشيائى را كه به آن احتياج دارى و آنچه ترا آسوده مى سازد وغرب به نفس خود مى گويد بكمال سرعت رفتار نما و آنچه ميتوانى بدست آرى حاصل كن بدون اينكه تفكر دراحتياج ونفع آن نسبت بخود بنمائى.

صحيح است نهضتيكه شرق را سيادت مى بخشد اتخاذ خواهد نمود مظاهر سياسى را كه بدان ظهور مى نمايد – حتى اينكه مفتش سطحى گمان خواهد كرد كه ملل شرق ماسواى اقامت حكومات مستقله كه بر اساس تمثيل نيابى (شورى) باشد دراين جنبش خود مقصدى ندارند .

ازين جهت مى بينيد سياح رهگذر را كه از مناطق قبائل شرقى ميگذرد باو شان ميگويد و اقرار مينمايد كارنده مغرض اجنبى : – (امكان ندارد كه شما انتخاب حقيقى را چنانكه مى شايد استعمال نمائيد مگر بعد از انكه عامهٔ شما تعليم يافته شود ، وبعد ازانكه فرق ديانات والسنه را ازبين بر داريد ولا بديست كه عشرات سال ها بگذرد تا شما بر حاكميت خويش قادر گرديد .)

وبعد ازان اضافه مينمايد شخص غربى بر قول خود اين را (شما ميگويم خداى را كه مارا بسوى شما فرستاده تا بر شما قضاوت كنيم اگر ما نبوديم البته ابتذرى بلاد شمارا فرا ميگرفت)

وميگويند غربى هائيكه مى شنوند اين چنين كلمات را واه چه ذكاء دارد وچه فكر خوب دارد .

باوجود اين اضطراب اساسى راكه درقلوب شرقى ها جايگير است محض به گفتن اين قول كه اين اهالى بلا استعداد آزادى مى خواهند، زائل كرده نميتوانيم بل خواهم خوا الى الآن ياد خواهيم كرد ما اقوام سفيد آن زمانه درازى را كه در آن طريقه حاكميت برنفس ياد گرفته ايم از وقتيكه وثيقه حريت (ماجنا كارتا) صادر شده است تا امروز .

متفكرين وزعماى شرق بما و از بلند مى گويند كه از نظام اقتصادى كه درغرب قائم است سراسر منفصل شوند و ميگويند كه اين انفصال ايشان را خواهد رسانيد بر حيات مستريح ورزق كافى (و ميراث خواهند ساخت) از انسانهاى كه تحت سيادت ما ايشانرا تحت فشار ميگيرد به نجات كاهى وصل خواهد كرد

ازين رو در اعلان نجاة از دست ما دو حصول اين مرام اصلى شان آنهارا منادى خواهيد يافت .

با اين بنابر مقتضاى حال هر گز نمى توانند خود را ازما نجات دهند

و ما گمان نكنيم كه اكثر زعما و متفكرين ايشان از روى رفاه طلبى در اين مرام خويش غلو مى نمايند آنچه مى خواهند بكنند اينست كه ما غربى هارا ... تكليف ميدهيم ايشانرا بعد ازينكه دوست ندارند اينها و به نظامى كه ميل نمى نمايند بسوى آن ، نميگذارند حاكم ايشان باشيم . (ترجمه از كلنى عربى)

از عرفان :

فنون واختراع

تاثير كلفهاى

خورشيد در زندگانى

خورشيد همين جسم نورانى كه از دور بنظر چنين مى آيد كه منبع نور و روشنى است و قشنگتر ازان چيزى نيست ، باز هم از نقص مبرا نيست و بوسيلهٔ دور بينهاى قوى لكه هائى بر سطح آن ديده مى شود ، اين لكه ها را باصطلاح علمى كلف گويند و بوسيله همين كلفهاى حركت وضعى خورشيد را ثابت كرده اند اخيراً يكى از علماى طبيعى در تاثير كلفهاى در زندگى تحقيقاتى بعمل آورده و بس از اجراى تجربيات عديده نتيجه مطالعات خود را ابراز داده است .

تاثير كلف خورشيد در اعصار قديمه نيز معروف بوده چينى هاى قديم عقيده داشتند كه كلف خورشيد نشانه خوشى بختى و سعادت است از اينرو غالباً در هواى آزاد در زير آسمان بسر ميبردند بدين خيال كه كلف شمس در آنجا بيشتر اثر خواهد داشت و آنها را از سر چشمهٔ خير و سعادت بهره مند خواهد ساخت ، اين عقيده در طى قرون تاريخ باقى بوده ، ولى علماى عصر حاضر گويند كه كلف شمس در خوش بختى و بد بختى تاثيرى ندارد بلكه يكى از حوادث طبيعى است كه اثر آن در موجودات زمين از

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 882 of 896

قبیل نباتات و حیوانات قابل انکار نیست

دانشمندی من بود گوید که کلف خورشید در کم و زیاد شدن آب رودخانه ها تاثیر دارد و طغیان رود نیل بواسطه آن است زیرا مقابله کلف خورشید با زمین اثر مهمی در نباتات دارد و علاوه بواسطه هوا جهت کلفها حرارت خورشید زیاد شده و اشعه ماورای بنفش قوت میگیرد و این قسمت در نمو نباتات اثر دارد

طیاره بی صدا

صدای جان خراش طیاره راحت هشته اند ومیدانند که وقتی طیاره ای از بالای شهری میگذرد اهالی شهر را در زحمت میگذارد . علاوه برین در موقع جنگ صدای طیاره دشمن را از وجود خود اطلاع میدهد واو بزودی وسیله دفاع را فراهم می سازد . متخصصین در این قسمت مطالعاتی کرده اند وبعداً بوسیله رنگ کردن طیاره خواسته اند آنرا از انظار محفوظ دارند . طیاراتی ازین قبیل ساخته شده که در هوا سیر می کنند صدای آن شنیده می شود ولی به مناسبت رنگ مخصوصی که دارد تشخیص دادن جای آن اشکال پذیر نیست . اگرچه این اختراع تا یکدرجه طیاران کمک کرده ولی مخترعین دست از کوشش بر نداشته اند واینک اطلاع میدهند که بزودی طیاره خواهند ساخت که هیچ صدا نداشته باشد . روزی که این قسم طیاره درهوا پرواز کند هیچ قشونی درحالت اطمینان بسر نتواند برد زیرا درهر دقیقه ممکن است با بمباردمان شروع شود واو را درمیان آتش غرق کند، زیرا دیگر طیاره را بچشم نتوان دید وصدای آنرا نتوان شنید .

این درصورتیست که آلهٔ دیگری برای کشف طیارات اختراع نشود .

ولی آیا می توان سیر علوم وفنون را متوقف ساخت تا آلات جدیدی پدید نیاورد ؟

تیلفون چاپی

« سر کنسل وود » رئیس پستخانه « بیرمنگم » روز ۲۴ ژانویه گذشته نطقی ایراد نموده وضمناً اظهار داشته است که اداره پستخانه درچند ماه دیگر یک سرویس وموسسه جدید مهمی که پر از تجارب وعملیات یکصد مخترع معین بمعرفت دست انگلیسی تهیه شده است دایر خواهد کرد این موسسه به سرویس « تیلفون چاپی » معروف خواهد بود .

این اختراع جدید وشیوهٔ نو قادر می سازد اشخاصی را که دارای دستگاه تیلفون هستند بوسیله آن مطالب خود را ماشین کرده دریافت دارند . ماشین نویس یک اداره مطالب را ماشین می کند ودرهمان موقع در دستگاه مخاطب نیز همان مطالب ماشین میشود بنابرین طرفین نیز باید دارای دفتر ارتباطیهٔ تیلفونخانه مرکزی باشند .

شیشه ای که نمیشکند

امروزه درکار خانجات توموبیل سازی بعضی از کمپانی های اروپا وامریکا نوعی شیشه استعمال مینمایند که نمیشکند و ازینجهت بعضی از کارخانجات اروپا درصدد بر آمده اند ذره بین وعینک های از این جنس شیشه تهیه نمایند و تصور می رود که آلات مزبور عنقریب رواجی عمده درهمه جا پیدا نماید .

دستگاه فونوگراف

برای خواب کردن

اخیراً امریکائیها دستگاهی شبیه فونوگراف اختراع نموده اند بجای اینکه برای مستمعین ساز و آواز بخواند اخبار و حوادث یا روایات و رمان های قابل استفاده را با صوتی دلکش برای آنها نقل می نماید بطوری که شخص در بستر خود خوابیده و حکایت سرشتی را پیش از اینکه بخواب برود استماع می نماید .

(تجدد ایران)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 883 of 896

(بقیه از صفحه ۲)

ماده یازدهم

مبالغ مطالبات طرفین متعاهدتین که قرار موازنه فرانک طلائی به دالر امریکائی سنجش می شوند، بواسطه دوچک بانکه در برابر از طرف مدیریت مستقله پست تلگراف و تیلفون دولت پادشاهی افغانستان یا کمیساریات ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه بعد از ارائه اسناد لازمه پرداخته خواهد شد. مصارف مربوط تادیه وپرداخت آن باداره مدیون تعلق دارد.

ماده دوازدهم

موافقه هذا برای مدت سه سال منعقد گردید. هرگاه یکی از طرفین متعاهدتین شش ماه قبل از بسر رسیدن میعاد معینه عدم موافقت خود را ظاهر ننماید الی مدت یک سال دیگر دوام خواهد داشت.

ماده سیزدهم

موافقت هذا سه ماه بعد از تاریخ امضا قوهٔ قانونی را حاصل خواهد کرد.

ماده چاردهم

موافقت هذا بزبانهای فارسی و روسی بدو نسخه تحریر شده هر دو متن حق مساوی دارند.

امضا

رحیم‌الله

سرپر بیکوف ، (و ، س)

سرپر بیکوا ی ، ف

در شهر کابل بتاریخ ۱۴ برج حمل ۱۳۱۱ مطابق ۳ ماه اپریل ۱۹۳۲ تحریر یافت

پروتوکول

ملحق موافقت راجعه بارتباط پست فیمابین دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه که فیمابین مدیریت مستقله پست و تلگراف و تیلفون دولت پادشاهی افغانستان و کمیساریات ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه منعقد گردیده، وکلای طرفین متعاهدتین در موقع امضا موافقت فوق‌الذکر که در تاریخ ۱۴ برج حمل سنه ۱۳۱۱ مطابق ۳ ماه اپریل سنه ۱۹۳۲ در کابل منعقد گردیده در مواد ذیل موافقت نمودند:—

۱— نظر باینکه بعضی اصلاحات امور پستی دولت پادشاهی افغانستان و نیز ترمیمات آن خصوص سرکهای خاک دولت پادشاهی افغانستان لازم میباشد که پیشتر از ترقی بالای آن حساب نموده شود، طرفین متعاهدین موافقه می‌نمایند که تمام مواد موافقه فوق‌الذکر راجع به ارتباط پستی که تعلق به انتقال پست ترانزیتی دارد تا اطلاع مدیریت مستقله پست و تلگراف و تیلفون دولت پادشاهی افغانستان به کمیساریات ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه و دفتر بین‌المللی اتحاد پستی عموم دنیا تقدیم نشود، در خصوص اجرای اصلاحات مواد پستی و لزوم مراعات فوق‌الذکر در اجرای خود معطل خواهد ماند.

۲— مبادله مستقیم مراسلات پستی در بین مقامات سرحدی تا که پست که در ماده سوم موافقه راجع بارتباط پستی ذکر شده در حال حاضر کمتر از دو بار در هفته نخواهد بود

۳— ارسال مراسلات ترانزیتی باید بترتیب که در ماده سوم نظامنامه اجرائیه معاهده اتحاد پستی عموم دنیا ذکر شده بعمل باید.

امضا:—

رحیم‌الله

سرپر بیکوف ، و ، س

سرپر بیکوا ی ، ف

در شهر کابل بتاریخ ۱۴ برج حمل سنه ۱۳۱۱ مطابق ۳ اپریل سنه ۱۹۳۲ تحریر یافت

موافقت

راجع به ارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی فیمابین دولت علیه شاهی افغانستان واتحاد جماهیر اشتراکیه شورویه

که فیمابین مدیریت مستقله پست و تلگراف وتیلفون دولت پادشاهی افغانستان وکمیساریات ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه منعقد گردیده

برای تنظیم وتوسیع ارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی فیمابین دولت علیه پادشاهی افغانستان ودولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه طرفین متعاهدتین اشخاص ذیل را مقرر نمودند که مطابق ماده هفدهم معاهده تلگرافی بین‌المللی موافقت هذا را امضا نمایند:

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 884 of 896

مدیریت مستقله پست وتلگراف وتیلفون دولت پادشاهی افغانستان : — آقای رحیم الله خان مدیر مستقل پست وتلگراف وتیلفون و کمیساریت ارتباط اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه ، آقای سربریکوف ، و ، ش ، وکیل مدیریت جراید و پست کمیساریات ملی ارتباط وخانم سرو یاکوا ی ، ف رئیس شعبه پست اداره بین المللی کمیساریات ملی ارتباط .

وکلای فوق الذکر طرفین بعد از ارائه مختاریت نامه های خود که صحیح ودر ترتیب لازمه مرتب شناخته شدند بمفاد ذیل موافقت نمودند :

ماده اول

طرفین متعاهدین قبول مینمایند که تبادله تلگراف ورادیو تلگرافی انتهائی وترانزیتی را فیمابین استاسیون های طرفین متعاهدین قرار ذیل جاری ومستقر بنمایند :

الف :— تبادله تلگرافی انتهائی وترانزیتی فیمابین قره تپه ازطرف دولت علیه پادشاهی افغانستان و کشک ازطرف دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه .

ب :— تبادله رادیو تلگرافی انتهائی و ترانزیتی فیمابین کابل ، مزارشریف ازطرف دولت علیه پادشاهی افغانستان و تاشکند ، ترمز و کشک ازطرف دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه .

ماده دوم

طرفین متعاهدین قبول مینمایند که درصورت تزئید نقاط تبادله تلگرافی ورادیو تلگرافی در خاک های طرفین متعاهدین تبادله تلگرافی ورادیو تلگرافی انتهائی و ترانزیتی فیمابین استاسیون های مذکوره بموافق نظر طرفین متعاهدین براساس موافقت هذا بعمل خواهد آمد .

ماده سوم

طرفین متعاهدین قبول مینمایند که درتمام مسائلیکه در موافقت هذا تصریح نشده باشد بمطابق هدایت معاهده بین المللی تلگرافی ومقررات وظایف متضمنه آن عمل نمایند .

ماده چهارم

طرفین متعاهدین قبول می نمایند که استعمال تلگرامات شفری را مطابق بماده شانزده هم مقررات وظایف متضمنهٔ معاهده بین المللی تلگرافی فقط برای تلگرامات ورادیو تلگرامات حکومتی طرفین متعاهدین مجاز شناخته ودرباب تلگرامات کودی مطابق ماده هشتم مقررات وظایف متضمنهٔ معاهده بین المللی تلگرافی عمل بنمایند .

ماده پنجم

طرفین متعاهدین قبول می نمایند که تلگرام های وظایفی راجع به مسایل پستی وتلگرافی فی مابین ادارات تلگرافی طرفین متعاهدین وهم چنان تلگرام های « متراورولوژی » (احوالات هوائی) رابطور مجانی تبادله بنمایند .

ماده ششم

طرفین متعاهدین قبول می نمایند که محصول تلگرام های انتهائی مخصوصه جراید را مطابق به ماده شصت وهفتم مقررات وظایف متضمنهٔ معاهده بین المللی تلگرافی مناصفه حساب بنمایند .

ماده هفتم

طرفین متعاهدین درباب محصولات تلگرافی ورادیو تلگرافی انتهائی وترانزیتی تعینات ذیل را قبول می نمایند :

الف :— برای دولت علیه پادشاهی افغانستان محصول انتهائی فی لفظ ۲۵ سانتیم طلائی وبرای محصول ترانزیتی فی لفظ سی وپنج سانتیم طلائی .

ب :— برای دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه محصول انتهائی فی لفظ سی وپنج سانتیم طلائی ومحصول ترانزیتی فی لفظ هفتاد سانتیم طلائی .

ماده هشتم

محاسبات بین ادارات تلگرافی طرفین متعاهدین مطابق به ماده دوازدهم معاهده تلگرافی بین المللی وماده هفتاد ونهم مقررات وظایف متضمنه آن با فرانک طلائی ترتیب وسنجش شده وپرداخت آن بعد از هرسه ماه در معادل فرانک طلائی دلار امریکائی خواهد بود .

ماده نهم

مبالغ طلبات طرفین متعاهدین که بقرار موازنه فرانک طلائی به دلار امریکائی سنجش می شوند ، بواسطه « دویچه بانک »

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 885 of 896

دوبرلین ازطرف مدیرات مستقله پست وتلگراف وتیلیفون دولت پادشاهی افغانستان باکمیساریات ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشترا کیه شورائیه بعد از ارائه اسناد لازمه پرداخت خواهد شد ، مصارف مربوطه به تادیه وپرداخت مذکوره به اداره مدیرون تعلق دارد .

ماده دهم

مکاتبه وطاقی بین ادارات مرکزی طرفین متعاهدین بزبان فرانسه وبین مقامات تبادله تلگرافی بزبان روسی وفارسی اجراء خواهد شد .

ماده یازدهم

موافقت هذا برای موعد سه سال منعقد گردیده ، هرگاه یکی از طرفین متعاهدین شش ماه قبل از بسر رسیدن میعاد مینه عدم موافقت خود را ظاهر ننماید ، الی مدت پنج سال جریان خواهد داشت .

ماده دوازدهم

موافقت هذا ۲ ماه بعد از تاریخ امضاء قوه قانونی را حاصل خواهد کرد .

ماده سیزدهم

موافقت هذا بزبانهای فارسی وروسی بدو نسخه تحریر شده وهردو متن حق مساوی دارند .

امضاء

رحیم الله

سرور نیکوف (و ، س)

سرو ر نیکو ا ، (ی ، ف)

درشهر کابل بتاریخ ۱۴ برج حمل ۱۳۱۱ مطابق ۳ ماه اپریل سنه ۱۹۳۲ تحریر یافت

پروتوکول

ملحق بموافقت راجع به ارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی فیما بین دولت پادشاهی افغانستان واتحاد جماهیر اشترا کیه شورائیه که فیما بین مدیریت مستقله پست و تلگراف و تلفون دولت پادشاهی افغانستان و کمیساریات ملی ارتباط اتحاد جماهیر اشترا کیه شورائیه منعقد گردیده .

وکلای طرفین متعاهدین در موقع امضای موافقت فوق الذکر که در تاریخ ۱۴ برج حمل سنه ۱۳۱۱ مطابق ۳ ماه اپریل سنه ۱۹۳۲ در کابل منعقد گردیده در مواد ذیل موافقت نمودند .

(۱) الی زمانیکه ارتباط تیلگرافی ورادیو تلگرافی بین نقاط مختلفه دولت علیه پادشاهی افغانستان اکمیل نشده ، و مخابرهٔ تیلگرافی ورادیو تلگرافی از یك نقطه به نقطهٔ دیگر خاك دولت علیه پادشاهی افغانستان لزوم ترانزیت را از طریق خاك دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکی شورائیه بنماید دولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکی شورائیه تلگرام ها و رادیو تلگرام های مذکور را پذیرفته و بطور ترانزیت از خاك خود به استاسیون های معینه اتفاق بحساب فی لفظ ۲۵ سانتیم طلائی بنی به محصول انتهائی مخابره خواهد نمود .

(۲) میانیکه بعد از سنجش موازنه محاسبات از تیلگرامها ورادیو تلگرامهای انتهائی وترانزیتی تبادله شده ونیز از تلگرامها ورادیو تلگرامات ترانزیتی که در ماده اول پروتوکول هذا ذکر شده طرفین متعاهدین به تادیه آن مکلف میشوند بقرار مواد هشتم ونهم موافقت راجع به ارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی بواسطه دویچه بانك درو لین پرداخته خواهد شد .

(۳) مقرراتیکه سابق ازاین درباب بجانی بودن مخابرات تلگرافی ورادیو تلگرافی حکومتی طرفین که بین دولت علیه پادشاهی افغانستان ودولت علیه اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه برقرار بود بعد از تاریخیکه موافقت راجعه بارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی مورخه ۱۴ برج حمل سنه ۱۳۱۱ مطابق مورخه ۳ ماه اپریل سنه ۱۹۳۲ متعاقدین طرفین متعاهدین قوه قانونی خود را حاصل مینماید لغو خواهد بود .

(٤) مواد موافقت تلگرافی بین المللی ومقررات وطایفی بین المللی متضمنه آن که درموافقت راجعه بارتباط تلگرافی ورادیو تلگرافی اشاره شده الله مواد معاهده تلگرافی بین المللی ومقررات وظایف بین المللی متضمنه آن که درشهر بروکسل درسنه ۱۹۲۸ تکراراً ملاحظه شده میباشد .

درشهر کابل بتاریخ ۱۴ برج حمل سنه ۱۳۱۱ مطابق ماه اپریل سنه ۱۹۳۲

رحیم الله

سرور نیکوف (و ، س)

سرور نیکو (ای ، ف)

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 886 of 896

(بقیه از صفحه ٤)

همت شمارا تحریك نمایم تابه پیروی احکام قرآن کریم عظمت وفتوحات گذشته را تجدید وبرای ترقی مشروع وطن دست بهم داده هر گونه جد و جهد بنمائید تا بعنایات خداوندی موجب ترقی وشکوه این خاك اسلامی خود شده بتوانیم .

« وامید وارم عموم خدام وطن ودو ستداران ملك وملت افغانستان ازین افکار خیر اندیشانهٔ من استقبال وهمراهی کنند ، وهر گونه اغراض نفسی وهوا وهوس را ترك نمایند ، در امورات مشورت وعاقبت بینی را شیوه خود قرار داده ، محبت وعلاقه مندی را بسعادت وعمران وطن پیشه ، وبقدر یکه از بدو زمامداری من تا امروز مقاصد حسنهٔ مرا تائید کرده اند از امروز به بعد نیز هر گونه مساعدتی را با من بعمل آرند .

« در خاتمه این عید سعید را بر تمام حاضرین وباقی برادران اسلامی خود تبریك گفته از خدای کریم والتوانا درخواست میکنم ، که ایام عید وباقی ایام خویش را در کمال راحت و خوشی وسعادت امرار نمایند .

« زنده باد ملت نجیب افغانستان ! »

« پاینده ومترقی باد عالم اسلام »

بعد اختتام این نطق غرای همایونی که در جملات دعائیهٔ اخیرهٔ آن عموم سامعین از آن متابعت وغلغلهٔ دعائیه را بلند کردند ، عالیقدر جلالتماب آقای عبدالاحد خان رئیس شورای ملی معروضهٔ آتیه را که از طرف وکلاء منتخبهٔ شورای ملی مقیمهٔ ولایت کابل واز دیق وکلائیکه از اطراف ونواحی قریبه بوقت انعقاد مجلس عالی شورای ملی از حالا حاضر شده اند بعرض رسانیدند :–

معروضه تبریکیه ملت بحضور اعلیحضرت

اعلیحضرت معظم شهریار غازی :

بحزن ومسرت این ساعتی است که غرض اهدای تبریك عید سعید ضحی بحضور اشرف الوکانهٔ شان تشرف یافته وبا کمال افتخار مراتب قدردانی و احساسات ملت عزیز تانرا به پیشگاه حضور مبارك تقدیم مینمائیم :

اعلیحضرتا : از وقتیکه بارگران حکومت را بعهده کفایت خویش گرفته اید بعالمیان ثابت شده است که صلاح وسعادت و امنیت وآبادانی مملکت وآسایش وترقی ملت عزیز خود را نصب العین ووجه همت خود قرار داده وجود را همین مقصد مقدس اوقات شبانروزی خود را مصروف نموده ، وبتائیدات خداوندی آنچه موانعیکه نسبت به پیشرفت ترقیات مملکت شان بوده از میان برداشته اید ، چنانچه بحمدالله امروز در تمام نقاط افغانستان نعمت آسایش موجود وملت عزیز شان باکمال راحت امرار حیات مینمایند .

اعلیحضرتا : ملت متمدیهٔ افغانستان از اثر فدا کاری وطن خواهانهٔ شما راد مرد بزرگ فخان است که دوباره وارد مرحلهٔ حیات ورنده گانی با سعادت شده وتزد ملل عالم اظهار حیات مینمایند . چه ذات والای شما یك سلسله مصائب عظیم را از ملت افغانستان رفع نموده وبرای آینده یك دورهٔ خوش بختی و سعادت را بروی کار آورده اید .

اعلیحضرتا : زحمات ومساعیات خستگی ناپذیر را که ذات والای شما در راه عظمت وارتقای ملی متحمل نموده ، وکار ونان ترقی را بصحنهٔ پاك وطن ثان عرض کرده اید ، یك مسئلهٔ روشن است که احدی از آن انکار کرده نمیتواند تاریخ وطن عزیز بذکر کار نامه های شان افتخار نموده وانتظار میبرد که صفحات تازه از کار نامه های آیندهٔ شما قائد و حکیم مدبر خود ، برخود بیفزاید .

اعلیحضرتا : از کمال مراحمت پروریهائیکه دارید مراسم این روز مقدس اسلامی را با تمام مراعات مقررات مذهبی استقبال کرده بافقرا ومسکینان ملت عزیز شان مساعدت های شاهانه کرده اید ، ودر همچه روز مقدس که مسلمانان عالم نسبت مناسك حج بیت الله شریف در مکهٔ معظمه اجتماع کرده اند ، قدامت مراحمت پرورانهٔ شمارا باچشم سر مشاهده میکنند که تا کدام اندازه درراه استحصال رضای خالق خود کوشیده وبرای حجاج افغانی که این سالیان دراز محل رعایتی نداشتند امروز بمصارف گرانی تبرعاتی میشود این اقدام بزرگ اعلیحضرت شمارا علاوه آنکه شرف وراحت ملت عزیز تانرا درین خطهٔ متبرکه ثبت میکند یك ذخیره است که برای آخرت خویش و خوشنودی رو حانیت حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه وآله وسلم کرده اید

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 887 of 896

اعلیحضرتا ! در خاتمه تکرار تبریک این عید سعید را بحضور مراحم ظهور شاهانه و مهربان تاجدار خود تقدیم و ذات والای شانرا اطمینان میدهیم که ما و قاطبهٔ ملت افغان برای پیشرفت مقاصد بزرگ آن که سعادت و نیکبختی مادی و معنوی جامعهٔ افغان بآن منوط است از صمیم دل حاضریم و امیدوار هستیم که درین دوره درخشان نادری با کمال رفاهیت تحت ارشادات سودمند اعلیحضرت شما و مجاهدات مجدانهٔ والا حضرت صدر اعظم صاحب و هیئت کابینهٔ شان بانواع ترقی نائل گردیم .

خلاص نطق اختتامیه ذات شاهانه

بعد اختتام این معروضهٔ خلاص فریضه باز ذات همایونی سلسله نطق شاهانه شانرا دوام داده یک نطق مسرت آوری را ایراد فرمودند ، که حاکی از مسرت اعلیحضرت از همچو حسیات قدردانانه ملت بوده ، ضمناً ذات شاهانه این نکته را خاطر نشان نمودند که تمام مساعی وطن خواهانه ام که در دوران سپه سالاری و وزارت حربیه و دورهٔ مساعی موجوده ام نموده ام مرهون حسن مساعدت ملت و همراهی و فداکاری ابنای مملکت عزیزم بوده است در عین زمان ذات شاهانه از عامه مامورین صادق افغانستان که مظهر مجاهدات خوبی شده اند اظهار مسرت و در حق ایشان دعای توفیق را فرمودند و در خاتمه از این اخوت و وحدت و صمیمیت الحالی ملت شاهانه خود شانرا اعلام و از خداوند مزید همراهی و موفقیت را برای تمام طبقات ملت و دوام سعادت حقیقی از درگاه حضرت الهی استرحام نمودند .

بعد از تمام نطق شهریاری ، ح ، ع ، ج صدر اعظم صاحب بوکالت عموم حضار فرمودند :

« زنده باد اعلیحضرت غازی »

این جمله دعائیه از طرف حضار بکمال جوش و خروش الی سه مراتبه غلغله افگن سلام خانه گردید .

ذات شاهانه جواباً فرمودند .

« زنده باد افغانستان و پاینده باد ملت نجیب غیور آن » این جمله نیز الی سه مراتبه تکرار گردید .

(عید مبارکی های خصوصی بحضور اعلیحضرت غازی)

(و ذوی رتبه های امور حکومت فدائی)

بر علاوه تشریفات رسمیه عید سعید اضحی که با جمال آن فوقاً اشاره رفت بروز های مابقی عید نیز ذات مکارم صفات اعلیحضرت در قصر دلکشا برای پذیرش عموم افراد مامورین و اعزه و معارف ملت عزیز شان و تبریک عید آنها تشریف ارزانی فرموده اصولاً خیلی مراحم کارانه هر یکی از خدام صادق وطن را می پذیرفتند ، و بعد از شنیدن مصارع و صرف شیرینی و چای با یکمال مسرت بر می گشتند .

* * *

و همچنان عموم مامورین ملکی و صاحب منصبان نظامی در همین ایام عید بحضور اشرف ح ، ع ، ج صدر اعظم صاحب نیز در قصر علیا مشرف می شدند ، و پس از صرف شیرینی و چای و طعام (اگر بموقع آن تصادف میکردند) بر میگشتند و حسب اطلاع ، که بعصر دوم عید بحضور ح ، ع ، ج ، صدر اعظم صاحب عموم سفرا دول متحابه مقیم کابل جهت عید مبارکی و ملاقات در یک دعوت عصرانهٔ مدعو شده بودند که درین وزرای افغانی و غیره ، هیأتها هم شمولیت داشتند .

* * *

هم چنین عموم امرا و اراکین و صاحب منصبان عسکری و مامورین ملکی در ایام عید بحضور ح ، ج ، ا ، وزارت صاحب حربیه ، و شهزاده اشرف جناب محمد ظاهر خان حاضر و پس از صرف چای و شیرینی بکمال مسرت عودت میکردند . و به همین سلسله در محلات هر یکی از وزرای محترم و معین صاحبان و رؤسای ادارات ، تمام منسوبین آنها و باقی علاقه مندان و دوستان آنها بحضور شان مشرف و مراسم عید مبارکی را بجا می آوردند .

این عید سعید از هر حیث و هر جهت ترتیبات آن خیلی عالی و پر شکوه بوده ، و ما از درگاه حضرت الهی تکرار همچه اعیاد را بشرف و عزت وطن عزیز خود و بزرگوار اعلیحضرت غازی و برادران محترم شان و سایر خدام صادق مملکت خواهانیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/b2rbp022 Image 888 of 896

خبر های داخلي

تلگرامات تبریکیه بمناسبت سال گره شهریار افغانستان

سواد تلگرام اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شاه ایران بعنوان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه پادشاه افغانستان :

« جشن تولدی آن اعلیحضرت نیک ومسعودی است که تبریکات صمیمانه ام را بصحت وعافیت برای سعادت آن اعلیحضرت وافغانستان وترقیات ملت آن اظهار دارم ! »

سواد تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت بعنوان اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شاه ایران :

« از تبریکات واحساسات آن اعلیحضرت متشکر بوده آرزوی صمیمی خود مارا برای صحت اعلیحضرت وسعادت ملت ومملکت ایران اظهار می نمایم ! »

سواد تلگرام اعلیحضرت « وی توریو امانوئیل » شاه ایطالیا معنونی اعلیحضرت همایونی :

متمنی ام اعلیحضرت شما دراین روز تبریکات و آرزو های بهتر ترینم را بپذیرند .

سواد تلگرامیکه از جانب اعلیحضرت غازی بطور جوابیه معنونی اعلیحضرت امانوئیل شاه ایطالیا مخابره گردیده است :

« از تبریکات مودت کارانهٔ اعلیحضرت شما ممنون ومتشکر گردیده احساسات بهترین خود مارا نسبت بسعادت آن اعلیحضرت تجدید میداریم . »

سواد تلگرام « جلالتمآب پول دومر » رئیس جمهور دولت فرانسه بعنوان ذات همایونی :

خیلی مطبوع می بینم که بتقریب جشن سالگره تولدی اعلیحضرت شما آرزو های خیلی صمیمانه ام را بالنسبهٔ سعادت شخصی وترقی مملکت شما ابراز دارم .

سواد تلگرام جوابیهٔ که ازجانب اعلیحضرت معظم غازی بعنوان جلالتمآب مسیو پول دومر رئیس جمهور دولت فرانسه مخابره شده است :

« از تبریکات واحساسات دوستانه جلالتمآب شما متشکر گردیده خواهشات و آرزو های صمیمانهٔ خود مارا برای صحت وسعادت جلالتمآب شما وملت نجیبه فرانسه تجدید میداریم . »

سواد تلگرام اعلیحضرت « جارج » پادشاه انگلستان بعنوان اعلیحضرت غازی : بتقریب روز تولدی اعلیحضرت موفقیت های قلبی و آرزو های نیک را بمناسبت خورسندی وبهبودی شاهانه مسرتاً تقدیم میدارم .

سواد تلگرامیکه از طرف اعلیحضرت غازی بعنوان اعلیحضرت جارج شاه انگلستان جواباً مخابره گردیده است :

« ازتبریکات واحساسات اعلیحضرت شما متشکر گردیده آرزو های صمیمانه خود من را برای صحت وعافیت اعلیحضرت اظهار می نمائیم . »

سواد تلگرام جلالت مآب « اگناسی میس کی » رئیس جمهور پولونی :

اعلیحضرت محمد نادر خان پادشاه افغانستان ! متمنی ام آرزو های پر حرارتی را که درموقع جشن سالگره تولدی اعلیحضرت شما من باتمام ملت لهستان بالنسبهٔ سعادت شخصی اعلیحضرت شما وترقی افغانستان می فرستم مورد قبول افتد .

سواد تلگرام جوابیهٔ که از طرف ذات شاهانه بعنوان جلالت مآب رئیس جمهور پولند مخابره شده است :

« از تبریکات واحساسات دوستانهٔ جلالت مآب شما که بمناسبت سالگره تولدی ما اظهار نموده اید ممنون گردیده احساسات نیک خود ما را برای سعادت ومسرت آن جلالتمآب وملت نجیبه پولند تجدید میداریم . »

تشریف فرمائي وزير صاحب حربیه به مقر وغزني

چون ع ، ج ، ا ، الشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه یك علاقهٔ مفرطی به شئونات عسکری داشته همیشه در همچه امور دلچسپی میفرمایند .

وهم حکومت متبوع ما برای رفاه افراد عسکری غزنی ومقر در نظر دارد قشله که از حیث حفظ الصحه ودیگر شئونات عسکری مطابق حوایج عصری باشد تعمیر کند .

لهذا ع . ج والا حضرت وزیر صاحب حربیه روز پنجشنبه ۲ ثور شخصاً برای دادن دستورات لازمه عزیمت فرمائی صوب مقر وغزنی شده اند .

ورود

ع ، ج عبدالاحد خان رئیس صاحب شورای ملی که بریاست تنظیمیه فراه وچخانسور رفته بودند روز پنجشنبه ۲۵ حمل مع الاخیر وارد کابل شده اند ووکلاء ولایات قریبه نیز حضور بهم رسانیده انعقاد مجالس شوری همچو سال گذشته در شرف افتتاح می باشند .

وع ، ع ص محمد انور خان حاکم اعلی فراه وچخانسور نیز جهت شرفیابی حضور اعلیحضرت غازی بمعیت رئیس صاحب شورا وارد مرکز شده اند .

هکذا جناب ذوالفقار خان مستشار صدارت عظمی که به رخصتی به هند رفته بودند ، مع الخیر وارد کابل گردیدند .

از وزارت تجارت

آقای حاجی عبدالغفار خان بعوض میر سمندر شاه خان جدیداً بریاست جنگلهای سمت جنوبی مقرر شده اند .

قوماندانی کوتوالی

قرار اطلاع عبد امیر خان مامور امروز چهار شنبه اول ثور قیض کل تام تحویلدار وزارت عدلیه ساکن گذر قاضی فیض الله خان در اثنائیکه تفنگچه را در دست گرفته معاینه می کرد فیر شده گلوله به دست راست عبدالاحد نام اصابت کرده است مسئله تحت تدقیق است .

خبر های خارجی

کشیدگی بین روس وژاپون

۲۴ حمل ـ اطلاع توکیو مشعر است که یک ریل گاری جاپانی بنا بر انفجار یک بم ویران شده است و یازده نفر هلاک و نوزده نفر مجروح شدید و هفتاد و چار نفر زخم خفیف برداشته اند . ریل مذکور از عساکر جاپانی مملو بود .

افواج بالشویکی بر مقام هانگچو پیش قدمی میکنند

ازهانگ کانگ ۲۷ حمل اطلاع موصول شده است که یک جیش کثیر التعداد بالشویکان بر مقام هانگچو حمله آوری میکنند ـ بر فریاد باشندگان اجنبی آنجا برای حفاظت آنها یک جهاز جنگی بحری برطانوی روانه کرده شده است احتمال قوی است که ازین حرکت بالشویکان امن دنیا در یک خطرهٔ عظیم واقع شود ویک حرب عمومی آغاز کرده .

(سیاست)

ریوتر مورخه ۳۰ حمل حاکی است که نسبت به حادثهٔ ریل و چندین حوادثی دیگر بین جاپان وروس کشیدگی شدید تولید شده است . چنانچه جاپانی ها می گویند که روسیه در خطهٔ شرق اقصی خود ۹ فرقه از عساکر خود راجمع نموده وامکان تصادم میرود .

از طرف دیگر دوائر روسی اظهار میدارند که جاپانی روس های سفید را برای مقصود عملیات دهشت انگیزانه خود استعمال می نمایند . هکذا روزنامه های روس از خطر محاربه شرق اقصی بحث نموده به جاپان می گویند که خطهٔ سویت عبارت ازیک حائل وسد محکمی است

اول ثور ـ اطلاع توکیو مشعر است که باوجود کشیدگی روس وژاپون در شمال منچوری ، حکومت جاپان وضعیت آنجا را بنظر متانت کارانه می بیند و منتظر کدام حادثه شدیدی نیست .

توکیو ۲ ثور ـ اداره حرب جاپان در حالیکه تاکید می نماید بدون وجود مناسبات دوستانه در بین روس وجاپان در شرق اقصی مسالمت قائم شده نمی تواند ، بیانیهٔ بروز نامه ها داده از اتهام روس ها به جاپانی راجع به تعرض عسکری جاپانی ها وتحریک روسهای سفید اصولاً انکار ورزیده است .

جنگ شنگهای باز آغاز شد

نامه نگار رویتر مقیم شانگهائی در خصوص جنگ جدید در علاقه چین که زیر جیوش جاپانی است می نگارد که این جنگ خصوصاً برای مفاد دوستان و خویشان آن اشخاص بوقوع آمده که در جنگ ما قبل مقتول شده بودند ، یکی ازان اشخاص که واقعهٔ جنگ را معاینه کرده ، یک زن بود که برای تحقق این امر بچین مسافرت کرده بود که ببیند که جسان ابرش در محاربه

سپاه جنگ شن مقتول گردید ، چند نفر عکاسان معروف نیز آنجا موجود بودند غرض آنها این بود که در تماشا خانه‌های سینما برای تماشا کنندگان دنیا مواد جنگ سیاجنگ شن را حاصل نمایند یک قطعه کامل جیش جاپانی بر جیش ۱۹ چینی حمله آورده وبا زن ماشینگنهای آنها را بیاد حرب گذشته مقابله نمودند ، خندقهای خالی چینی باز با توپهای عظیم هموار دور رانده شد ، جهازهای هوائی بمبارد مینی کردند و یک بزرگ فوج در مقابل ماشینگنهای تخیلی چینی اقدام نموده و نمودواً یک مصادمه بوقوع پیوست که دوران سه نفر مهندسان جاپانی خودها را بهمرای رفیقان خود جهت قربانی آماده کردند .

یک حمله دیگر بر خندقها نموده شد و میدان جنگ را از مقتولین خیال کرده گذاشته شد .

ما دریکه برای دیدن قبر پسر خود آمده بود با چشم های اشک آلوده تشکر آنها را ادا نموده و گفت من بدیدن دوستان وطرفه جنگ پسر خورد فخر میکنم که میخواهم ببینم که چطور برای مادرش خود مقتول گردید .

اما دهاقین چینی که بعد از جنگ حقیقی گذشته به ماکن های خود عودت کرده بودند بسیار ترسیدند وخیال کردند که این جنگ مهیب و دهشت ناک محض یک بازی و ساعت تیری است (جول ملتری گزت)

(نقل این خبر از جمله خبرهای برلن گولده)

علیحدگی افسران برطانی از فوج عراق

چون که میعاد حکمیرداری برطانیه در عراق ختم گردید وحکومت عراق در جمعیت الاقوام داخل شد - ابتدا افسران انگلیسی که در فوج عراق بودند - در تعداد آنها تخفیف کرده شد - فقط یازده نفر منصبداران انگلیسی باقی ماند علاوه ازین امدادیکه از جانب برطانیه به عراق داده می شد - آن هم نباشد تخمینهٔ این امداد هفتاد هزار کلدار بود -

گفتگوی مخفی مابین جاپان وبرطانیه

لندن ۱۴ اپریل - در بین دولت چین وجاپان یک فیصله خفیه شده است ارباب حل وعقد برطانیه از اظهار آن ساکت اند - دیروز درباره یک سوال نائب وزیر خارجه برطانیه گفت که حکومت برطانیه برای اظهار این امر تیار نیست که آیا جاپان نظم ونسق جدید منچوکو را تسلیم کرده است یا حتی المقدور سیاسیات جاپانی در آنجا به ستور سابق خواهد بود . (سول)

استفسار در دیوان عام لندن متعلق به کارروائی اطاری در سرحد وجواب وزیر هند

لندن ۱۳ اپریل در دارالعوام مستر مکنتی از وزیر هند پرسید - آیا شما نشان داده می توانید که دو ماه گذشته جهازات هوائی بر وادی باجور چند بار بمبارد کرده - و آیا پیشتر از حمله ساکنین آنجا را که در مکانات خام سکونت می کنند اطلاع داده شده بود - وزیر هند در جواب گفت حمله هوائی بر هشتم مارچ شروع شده بود واز آن پیشتر مردمان آنجاها را که لشکر بر سرحدات انگلیسی برای حمله روان میکرد اطلاع داده شده بود .

نطق به غلط رفتاری وایسرای هند در مجلس جینوا

دریک نطق طویل بر معاملات هند در مجلس عمومی جینوا برد ویر اید هند پرتوان گفت - که از یک پروپاگاند مسکو (بفرض محال اگر در هند جاری می بود هند بهار این قدر مخالف برطانیه نه می ساخت که از باعث ظلم حکومت موجوده هند وقوع آمد عظیم ترین غلطی وایسرای هند این بود که از گفتگوی گاندهی انکار کرد - (از جول ملتری گزت)

مصادمه باپولیس

علاقه کوهیین سرحدات آزاد یوسف زئی مهمند وشمال دریای کابل واقع است (حکومات مردان صوابی چهار سده) در حین انتخابات بین سرخ پوشان وپولیس مصادمات واقع گردیده در چهار سده بر بعضی از وکلاء منتخبهٔ آن خانها را قلف نموده از طرف پولیس ودر مابار بر پولیس سنگ باری نموده در یکی از مقامات دو نفر رای دهنده تلف شده اند . (سیاست)

تصحیح

شماره	صفحه	ستون	سطر	غلط	صحیح
۴۶ و ۴۷	۱۵	۳	۶	قولاً	قبلاً
« «	«	«	۱۲	عده	دعیه
« «	«	«	۱۴	«	«
شماره ۴۸	۹	۳	«	ملی	پادشاهی
« «	۱۰	۱	۱۰	فوق الذکر	فوق الذکر
« «	«	«	۱۱	صنخیح	صحیح
« «	۱۱	۳	۱۶	منعقد	منعقده
« «	۱۲	۳	۱	منتخبه	منتخبه
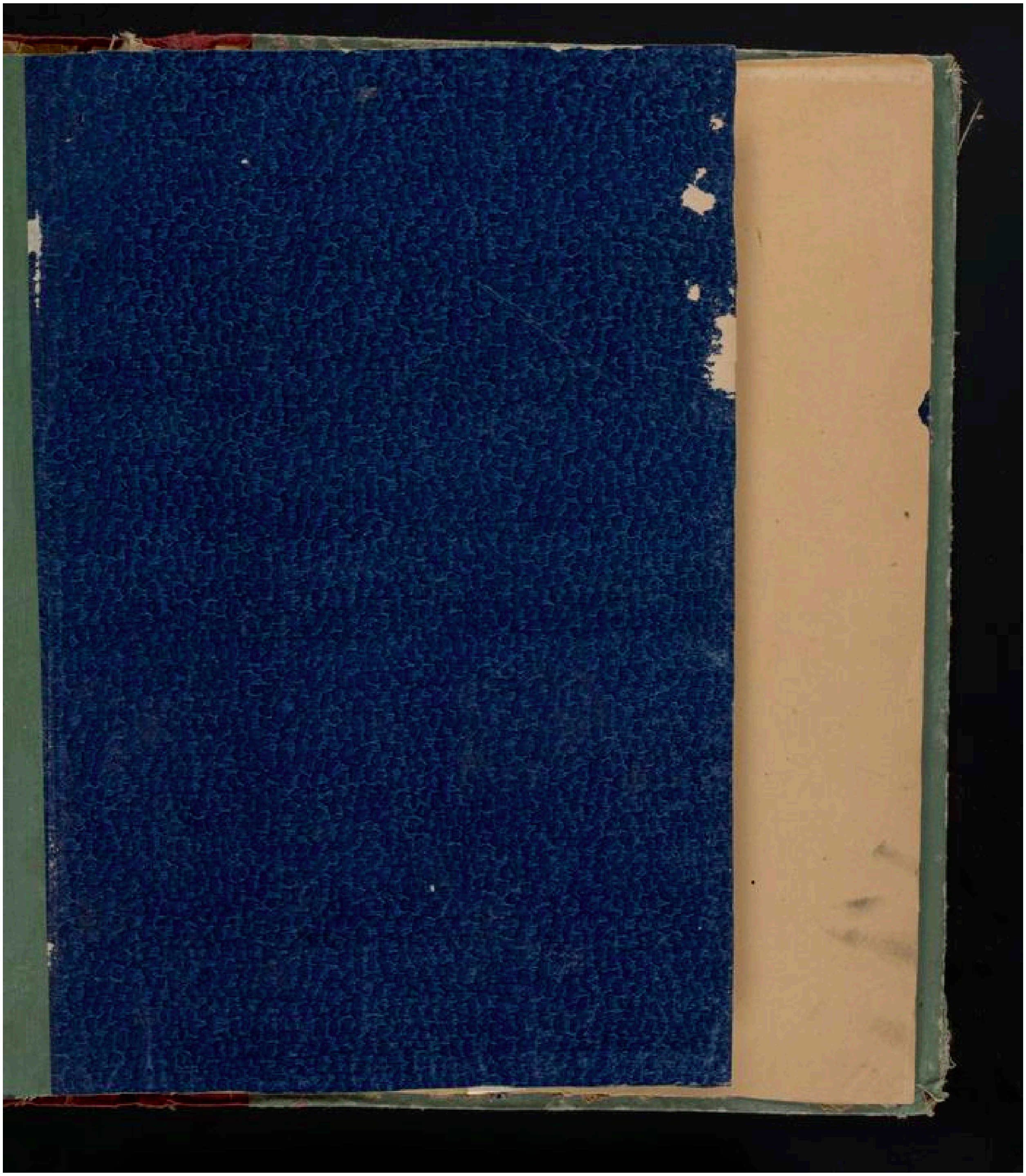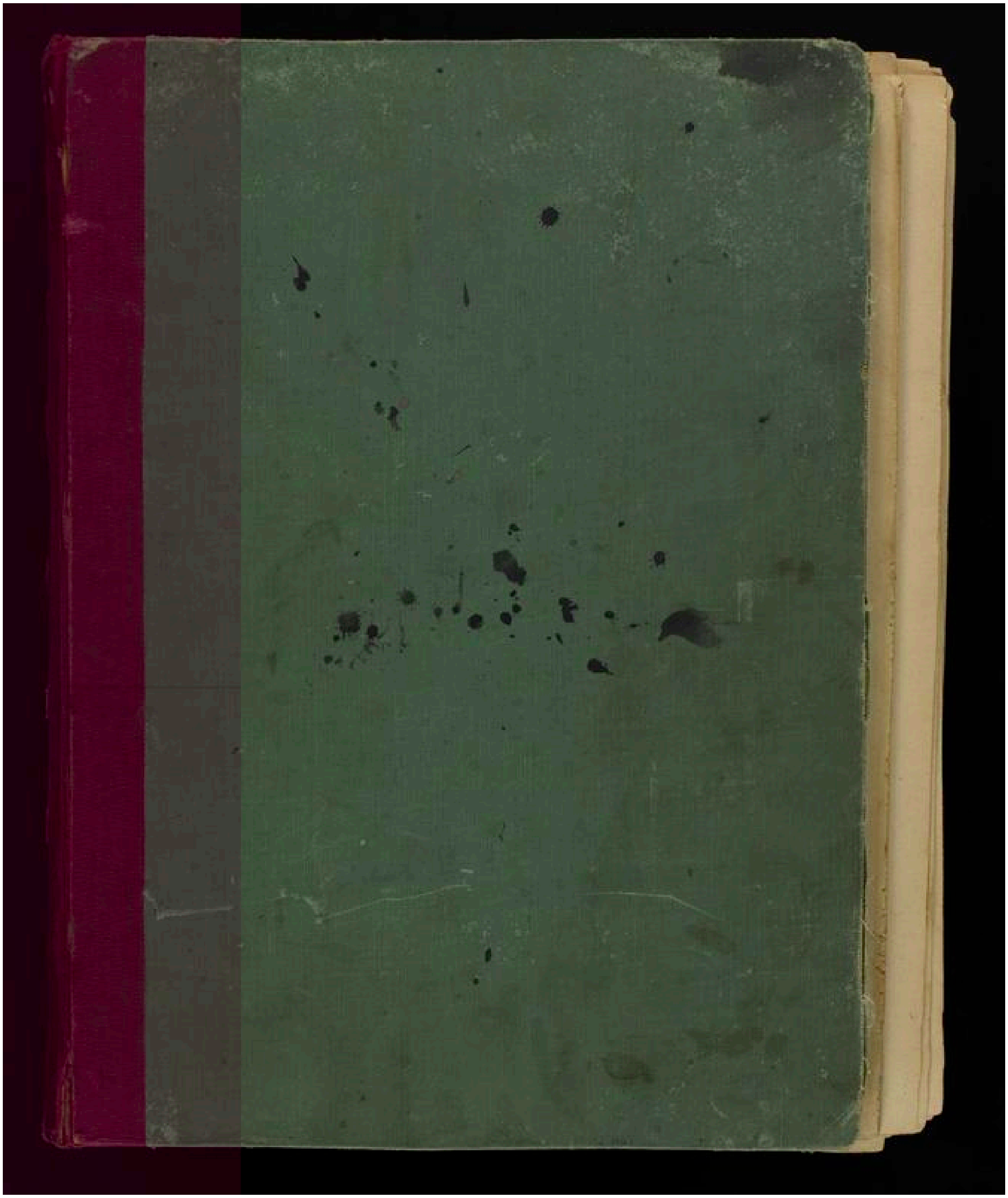
محمد اکبر
کابل افغانستان